



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

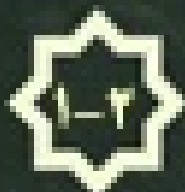
دینا و آخرت

از نگاه قرآن و حدیث

محمدری شهری

با همکاری رسول موسوی

مترجم حمیدرضا شیخی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۱	دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث
۲۱	مشخصات کتاب
۲۲	جلد ۱
۲۲	اشاره
۲۸	پیش گفتار
۳۴	بخش یکم: دنیا
۳۴	اشاره
۳۵	درآمد
۳۵	دنیا، در لغت
۳۶	دنیا، در قرآن و حدیث
۳۶	اشاره
۳۷	۱. تبیین حقیقت دنیا و جهان پیش از مرگ
۳۸	۲. تبیین اهمیت و ارزش دنیا
۳۹	۳. رهنمودهای اسلام برای سازندگی دنیا و آخرت
۴۰	۴. هشجاری نسبت به آفات توسعه مادی
۴۲	فصل یکم: شناخت دنیا
۴۲	۱ / ۱ نام گذاری دنیا
۴۴	۱ / ۲ ویژگی های دنیا
۴۴	الف سرای آزمایش
۵۰	ب. محنتکده
۵۲	ج مصیبتکده
۵۴	د غمکده
۵۴	ه عبرتکده

- ۵۶ و سرای برخورداری محدود
- ۵۸ ز سرای کوچیدن
- ۶۰ ح سرای رفتن
- ۶۰ ط گذرگاه
- ۶۲ ی سرای جدایی
- ۶۴ ک سرای نابودی
- ۷۲ ل زودگذر
- ۷۶ م احاطه شده به شهوت ها
- ۷۸ ۳ / ۱ دنیا برای غیر دنیا آفریده شده است
- ۸۰ ۴ / ۱ مَثَل دنیا
- ۸۰ الف مَثَل مرغزار بهاری
- ۸۴ ب مَثَل پُل
- ۸۶ ج مَثَل سایه
- ۹۰ د مَثَل رؤیا
- ۹۲ ه مَثَل سراب
- ۹۲ و مَثَل دریای ژرف
- ۹۴ ز مَثَل جامه دریده
- ۹۶ ۵ / ۱ مَثَل اهل دنیا
- ۹۶ الف مَثَل مسافر
- ۱۰۲ ب مَثَل میهمان
- ۱۰۴ ج مَثَل ساکن در خانه ای که از او نیست
- ۱۰۴ ۶ / ۱ دنیای پسندیده
- ۱۰۴ الف آنچه برای خدا باشد
- ۱۰۶ ب آنچه برای آخرت باشد
- ۱۰۸ ج آنچه در روز قیامت از آن حسابرسی نشود
- ۱۰۸ ۷ / ۱ گزارش هایی درباره عمر دنیا

- ۱۰۸ اشاره
- ۱۱۱ پژوهشی درباره عمر دنیا
- ۱۱۶ فصل دوم : اهمیت دنیا و نقش آن در ساختن آخرت
- ۱۱۶ ۱ / ۲ اسلام، دین دنیا و آخرت
- ۱۲۸ ۲ / ۲ مسلمان ، کسی است که به دنیا و آخرت ، اهتمام ورزد
- ۱۳۰ ۳ / ۲ دنیا، کشتزار آخرت
- ۱۴۲ ۴ / ۲ سرشت دنیادوستی در انسان
- ۱۴۵ ۵ / ۲ نهی از ناسزاگویی به دنیا و نکوهش آن
- ۱۵۲ ۶ / ۲ نهی از رُهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است
- ۱۷۹ ۷ / ۲ اعتراض به دعوت کنندگان به ترک دنیا
- ۱۹۷ ۸ / ۲ بهره گیری از دنیا
- ۱۹۹ ۹ / ۲ این، دنیاطلبی نیست
- ۲۰۱ ۱۰ / ۲ دعا برای رفاه در زندگی
- ۲۱۷ ۱۱ / ۲ پاداش کسی که دنیا را به حق برگردد
- ۲۲۱ فصل سوم : عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت
- ۲۲۱ ۱ / ۳ حکمت
- ۲۲۳ ۲ / ۳ ترجیح دادن آخرت
- ۲۲۵ ۳ / ۳ راستگویی
- ۲۲۵ ۴ / ۳ خوش خویی
- ۲۲۷ ۵ / ۳ آموزش خواهی
- ۲۲۹ ۶ / ۳ قرائت سوره توحید و طور
- ۲۲۹ ۷ / ۳ ذکر گفتن
- ۲۳۱ ۸ / ۳ مدارا و ملایمت
- ۲۳۱ ۹ / ۳ درود فرستادن بر پیامبر
- ۲۳۳ ۱۰ / ۳ دو خصلت
- ۲۳۵ ۱۱ / ۳ سه خصلت

۲۳۷ فصلت ۱۲ / ۳ چهار خصلت
۲۴۱ فصلت ۱۳ / ۳ شش خصلت
۲۴۱ فصلت ۱۴ / ۳ هشت خصلت
۲۴۵ فصل چهارم : گروه های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت
۲۵۱ فصل پنجم : هشیاری در طلب دنیا
۲۵۱ اشاره
۲۵۳ توضیحی درباره میانه روی در طلب دنیا
۲۵۵ بخش دوم : دنیای نکوهیده
۲۵۵ اشاره
۲۵۶ درآمد
۲۵۶ اشاره
۲۵۷ ۱ . تفسیر «دنیای نکوهیده»
۲۵۷ ۲ . بی ارزشی دنیای نکوهیده
۲۵۷ ۳ . هشدار نسبت به دام دنیا
۲۵۸ ۴ . بزرگ ترین خطر دنیادوستی
۲۵۹ ۵ . ریشه دل بستگی به دنیا
۲۵۹ ۶ . نشانه های دنیاپرستان و ادب برخورد با آنان
۲۶۱ فصل یکم : شناخت دنیای نکوهیده
۲۶۱ ۱ / ۱ اهمیت شناخت دنیا
۲۶۱ ۲ / ۱ حقیقت دنیای نکوهیده
۲۶۱ ۱ ۲ / ۱ ترجیح دنیا بر آخرت
۲۶۷ ۲ ۲ / ۱ دل بستگی
۲۷۳ ۳ ۲ / ۱ دل بستگی به دنیا
۲۷۷ ۴ ۲ / ۱ فریفته شدن به دنیا
۲۸۵ ۵ ۲ / ۱ دنیای طغیان آور
۲۸۵ ۶ ۲ / ۱ دنیای بیش از کفاف

- ۲۹۱ ----- ۷۲/۱ دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود
- ۲۹۳ ----- ۸۲/۱ هرگاه دنیا بزرگ ترین هم و غم باشد
- ۲۹۵ ----- ۹۲/۱ دنیاطلبی به ناحق
- ۲۹۵ ----- ۱۰۲/۱ دنیاطلبی با کار آخرت
- ۲۹۹ ----- ۳/۱ ویژگی های دنیا
- ۲۹۹ ----- ۱۳/۱ کشتزار بدی
- ۳۰۱ ----- ۲۳/۱ بازار زینکاری
- ۳۰۱ ----- ۳۳/۱ سرای فریب
- ۳۰۹ ----- ۴۳/۱ سرای بازی و سرگرمی
- ۳۱۱ ----- ۵۳/۱ سرای تباهی
- ۳۱۱ ----- ۶۳/۱ سرای نافرمانی
- ۳۱۳ ----- ۷۳/۱ سرای بدبختی
- ۳۱۳ ----- ۸۳/۱ سرای ستمکاران
- ۳۱۵ ----- ۹۳/۱ سرای فاسقان
- ۳۱۸ ----- ۱۰۳/۱ سرای کسی که سرایی ندارد
- ۳۱۸ ----- ۱۱۳/۱ نزدیک ترین سرا به خشم خداوند
- ۳۲۰ ----- ۱۲۳/۱ زندان مؤمن و بهشت کافر
- ۳۲۸ ----- ۴/۱ مَثَل دنیا
- ۳۲۸ ----- الف مَثَل سَم
- ۳۲۸ ----- ب مَثَل مار
- ۳۳۰ ----- ج مَثَل لاشه
- ۳۳۲ ----- د مَثَل خوراک
- ۳۳۶ ----- ه مَثَل غول
- ۳۳۶ ----- و مَثَل دام وتله
- ۳۳۶ ----- ز مَثَل آب دریا
- ۳۳۸ ----- ح مَثَل همه ردیلت ها

- ۳۳۸ ----- ۵ / ۱ مَثَل دُنیا و آخِرَت
- ۳۳۸ ----- الف مَثَل دو هوو
- ۳۴۰ ----- ب مَثَل مشرق و مغرب
- ۳۴۲ ----- ج مَثَل دو کَفَه ترازو
- ۳۴۲ ----- ۶ / ۱ مجتسم شدن دُنیا
- ۳۴۲ ----- الف مجتسم شدن دُنیا برای مسیح
- ۳۴۶ ----- ب مجتسم شدن دُنیا برای پیامبر
- ۳۴۶ ----- ج مجتسم شدن دُنیا برای امیر مؤمنان
- ۳۵۴ ----- د مجتسم شدن دُنیا در روز قیامت
- ۳۵۴ ----- ۷ / ۱ اقبال و ادبار دُنیا
- ۳۶۰ ----- فصل دوم : ارزیابی دُنیا
- ۳۶۰ ----- ۱ / ۲ کم مقدارتر از بال پشه
- ۳۶۲ ----- ۲ / ۲ بی قدر و وزن
- ۳۶۴ ----- ۳ / ۲ بی ارزش ترین مخلوق در نزد خدا
- ۳۶۶ ----- ۴ / ۲ بی ارزش تر از مردار
- ۳۶۸ ----- ۵ / ۲ به پاداش خداوند ، جز با ترک دُنیا نمی توان رسید
- ۳۶۸ ----- ۶ / ۲ خداوند از زمانی که دُنیا را آفرید ، به آن ننگریست
- ۳۷۰ ----- ۷ / ۲ خداوند ، آن را برای دوستانش نپسندید و آن را از دشمنانش دریغ نکرد
- ۳۸۱ ----- ۸ / ۲ بی ارزش تر از کفش وصله دار
- ۳۸۳ ----- ۹ / ۲ بی ارزش تر از یک برگ در دهان ملخی
- ۳۸۳ ----- ۱۰ / ۲ پست تر از تیز دادن یک بز
- ۳۸۵ ----- ۱۱ / ۲ بی ارزش تر از استخوان خوکی در دست یک جذامی
- ۳۸۵ ----- ۱۲ / ۲ تلخ تر از حنظلی که بیماری در دهان می چرخاند
- ۳۸۷ ----- ۱۳ / ۲ بی ارزش تر از مازوی تلخ
- ۳۹۰ ----- ۱۴ / ۲ چرکابه ای جوشان ، حنظلی شَرَنگین ، و زهر مار
- ۳۹۰ ----- ۱۵ / ۲ مطلقه زیرکان

- فصل سوم : بر حذر داشتن از دنیا - - - - - ۳۹۶
- ۱ / ۳ بر حذر داشتن از فریفته شدن به دنیا - - - - - ۳۹۶
- الف دنیا خوش و شیرین است - - - - - ۳۹۶
- ب دنیا افسونگر است - - - - - ۴۰۴
- ج دنیا، دام شیطان است - - - - - ۴۰۴
- د دنیا خیانت پیشه، فریبنده، نیرنگباز و حيله گر است - - - - - ۴۰۶
- ه دنیا، دشمن دوستان و دشمنان خداست - - - - - ۴۱۰
- و از دنیا کاملاً بر حذر باشید - - - - - ۴۱۰
- ز از فریب دنیا بترسید - - - - - ۴۱۲
- ح از دل بستگی به دنیا بپرهیزید - - - - - ۴۱۴
- ۲ / ۳ بر حذر داشتن از لذت های دنیا - - - - - ۴۱۶
- الف لذت های دنیا رنج اند - - - - - ۴۱۶
- ب لذت های دنیا تیرگی آورند - - - - - ۴۱۶
- ج گوارای دنیا ، شور است - - - - - ۴۱۶
- د عزت دنیا ، خواری است - - - - - ۴۱۸
- ه خوشی دنیا ، اندوه آخرت است - - - - - ۴۱۸
- و شیرینی دنیا ، تلخی آخرت است - - - - - ۴۲۰
- ز ثروت دنیا ، فقر آخرت است - - - - - ۴۲۲
- ح بلندی دنیا ، پستی آخرت است - - - - - ۴۲۴
- ۳ / ۳ بر حذر داشتن از همدمی با دنیا - - - - - ۴۲۶
- ۴ / ۳ بر حذر داشتن از دنیا دوستی - - - - - ۴۲۶
- الف ریشه هر خطا - - - - - ۴۲۶
- ب ریشه هر نافرمانی - - - - - ۴۳۰
- ج آغاز هر فتنه - - - - - ۴۳۲
- د بزرگ ترین گناه کبیره - - - - - ۴۳۲
- ه بدترین فتنه - - - - - ۴۳۲

- و بدترین رنج ----- ۴۳۴
- ز منشأ آفت ها ----- ۴۳۴
- ح دنیادوستی با خدادوستی جمع نمی شود ----- ۴۳۴
- ط دنیادوستی با آخرت دوستی جمع نمی شود ----- ۴۳۶
- ۵ / ۳ تشویق به نفرت از دنیا ----- ۴۴۱
- فصل چهارم : زبان های دنیادوستی ----- ۴۴۵
- ۱ / ۴ حجاب دل ----- ۴۴۵
- ۲ / ۴ کوردلی ----- ۴۴۷
- ۳ / ۴ تباهی خرد ----- ۴۴۹
- ۴ / ۴ تباهی جان ----- ۴۵۱
- الف غفلت ----- ۴۵۱
- ب آزمندی ----- ۴۵۲
- ج طمع ----- ۴۵۵
- د بردگی ----- ۴۵۷
- ه بی تابی ----- ۴۵۹
- و شقاوت ----- ۴۵۹
- ز هلاکت ----- ۴۶۱
- ۵ / ۴ برتری جویی ----- ۴۶۳
- ۶ / ۴ ستیزه ----- ۴۶۵
- ۷ / ۴ خستگی ----- ۴۶۹
- ۸ / ۴ اندوه ----- ۴۶۹
- ۹ / ۴ افسوس ----- ۴۷۳
- ۱۰ / ۴ تباهی دین ----- ۴۷۳
- ۱۱ / ۴ لذت نبردن از عبادت ----- ۴۷۹
- ۱۲ / ۴ بر باد رفتن اعمال ----- ۴۸۲
- ۱۳ / ۴ باز ماندن از آخرت ----- ۴۸۲

۴۸۷	۱۴ / ۴ نرفتن به جهاد
۴۹۱	۱۵ / ۴ فقر در دنیا و آخرت
۴۹۳	۱۶ / ۴ باختن در دنیا و آخرت
۴۹۹	۱۷ / ۴ بدی فرجام
۵۰۱	۱۸ / ۴ عذاب دوزخ
۵۱۱	۱۹ / ۴ گوناگون
۵۱۸	جلد ۲
۵۱۸	اشاره
۵۲۴	فصل پنجم : ریشه های دنیادوستی
۵۲۴	۱ / ۵ نادانی
۵۲۴	۲ / ۵ کم خردی
۵۲۶	۳ / ۵ درازی آرزو
۵۲۸	فصل ششم : نشانه های بندگان دنیا و روش رویارویی با آنان
۵۲۸	۱ / ۶ ویژگی های اهل دنیا
۵۳۲	۲ / ۶ مَثَل بندگان دنیا
۵۳۴	۳ / ۶ نهی از بزرگداشت دنیادار
۵۳۶	۴ / ۶ دستور به روی گرداندن از فرزندان دنیا
۵۳۸	۵ / ۶ دعای بایسته در هنگام دیدن دنیاداران
۵۴۰	بخش سوم : زهد به دنیا
۵۴۰	اشاره
۵۴۲	درآمد
۵۴۲	زهد ، در لغت
۵۴۳	زهد ، در قرآن و حدیث
۵۴۴	یک . تعریف زهد
۵۴۵	الف . بی میلی طبیعی
۵۴۵	ب . بی میلی قلبی

۵۴۷	دو . نشانه های زهد
۵۴۸	سه . مراتب زهد
۵۴۹	چهار . تفاوت زهد اسلامی و رهبانیت مسیحیت
۵۵۱	پنج . حکمت زهد
۵۵۳	شش . راه تحصیل زهد
۵۵۴	۱ . تقویت بنیادهای معرفتی
۵۵۴	۲ . تقویت ارزش های دینی
۵۵۴	۳ . تقویت شخصیت اخلاقی
۵۵۵	۴ . ساده زیستی
۵۵۶	۵ . استمداد از خداوند
۵۵۸	فصل یکم : تعریف زهد و تحریف آن
۵۵۸	۱ / ۱ بی رغبتی
۵۵۸	۲ / ۱ تعریف زهد
۵۶۲	۳ / ۱ نشانه های زهد
۵۶۲	الف دوری کردن از حرام
۵۶۴	ب کوتاهی آرزو
۵۶۶	ج مخالفت با هوای نفس
۵۶۶	د راضی بودن به قضای الهی:
۵۶۸	ه مجموعه این صفات
۵۷۹	۴ / ۱ درجات زهد
۵۸۲	۵ / ۱ هشدار درباره تحریف زهد
۵۸۶	۶ / ۱ برحذر داشتن از زهد ریایی
۵۹۰	فصل دوم : ارزش زهد
۵۹۰	۱ / ۲ ترغیب به زهد
۶۰۱	۲ / ۲ ارزش زهد
۶۰۱	الف ارزشمندترین سفارش

- ب ریشه دین و کمک آن : ۶۰۳
- ج سخت تر از جهاد ۶۰۳
- د برترین عبادت ۶۰۳
- ه زیباترین زیور ۶۰۵
- و جمال و زیبایی حکمت ۶۰۷
- ز اوج سخاوت ۶۰۷
- ح سودایی سودآور ۶۰۷
- ط کلید خوبی ها ۶۰۷
- ی خوی پرهیزگاران ۶۰۹
- ک خصلت بندگانِ ناب الهی ۶۱۱
- ۲ / ۳ ارزش زاهد ۶۱۱
- ۲ / ۴ سودمندترین زهد ۶۱۷
- فصل سوم : برکت های زهد ۶۱۹
- ۳ / ۱ کمال یافتن شناخت ۶۱۹
- الف نگهداری خرد ۶۱۹
- ب شناخت عیب های دنیا ۶۱۹
- ج دانش ، بدون آموختن ۶۱۹
- د حکمت ۶۲۱
- ۳ / ۲ خالی شدن دل از اغیار ۶۲۳
- ۳ / ۳ دوستی و پاکی نفس ۶۲۳
- ۳ / ۴ چشیدن شیرینی ایمان ۶۲۵
- ۳ / ۵ درستی دین ۶۲۷
- ۳ / ۶ آسایش زندگی ۶۲۹
- الف آسایش جان و تن ۶۲۹
- ب فرمانبری دنیا ۶۲۹
- ج سازگاری دنیا ۶۳۱

- د خدمت گزاری دنیا - ۶۳۳
- ۷ / ۳ آسان شدن مشکلات - ۶۳۵
- ۸ / ۳ نزدیک شدن به خدا - ۶۳۵
- ۹ / ۳ راه رفتن بر آب - ۶۳۹
- ۱۰ / ۳ دیدار فرشتگان - ۶۴۱
- ۱۱ / ۳ مفتخر شدن به وحی - ۶۴۵
- ۱۲ / ۳ کرامت دنیا و آخرت - ۶۴۷
- الف عزتمندی - ۶۴۷
- ب نیک بختی - ۶۴۷
- ج کامیابی - ۶۴۹
- د رحمت دیدن - ۶۴۹
- ه غنیمت بردن: - ۶۴۹
- و رسیدن به همه درجات بالا - ۶۴۹
- ز اقامت در بهشت - ۶۵۱
- فصل چهارم: زمینه های زهد - ۶۵۳
- ۱ / ۴ خرد - ۶۵۳
- ۲ / ۴ شناخت خدا - ۶۵۵
- ۳ / ۴ شناخت دنیا - ۶۵۹
- ۴ / ۴ شناخت آخرت - ۶۶۵
- ۵ / ۴ یقین - ۶۶۷
- ۶ / ۴ دین - ۶۶۷
- ۷ / ۴ اخلاص - ۶۶۹
- ۸ / ۴ یاد مرگ - ۶۶۹
- ۹ / ۴ کرامت نفس - ۶۷۷
- ۱۰ / ۴ دوراندیشی - ۶۷۷
- ۱۱ / ۴ خود را به زهد ورزی وا داشتن - ۶۷۷

- ۶۷۹ ----- ۱۲ / ۴ یاری جستن از خدا
- ۶۸۵ ----- فصل پنجم : رهنمودهایی برای رسیدن به زهد
- ۶۸۵ ----- ۱ / ۵ دنیا چیست و چه می تواند باشد؟
- ۶۸۹ ----- ۲ / ۵ بر آنچه از دست داده اید ، افسوس نخورید و برای آنچه [خداوند] به شما داده است ، شادمانی نکنید
- ۶۹۷ ----- ۳ / ۵ به دنیا عاشقانه منگرید
- ۶۹۹ ----- ۴ / ۵ دل هایتان را به ذکر دنیا مشغول نسازید
- ۶۹۹ ----- ۵ / ۵ آرزوهای خود را در دنیال کوتاه کنید
- ۷۰۱ ----- ۶ / ۵ در دنیا خود را میهمان بدانید
- ۷۰۱ ----- ۷ / ۵ در دنیا غریب وار زندگی کنید
- ۷۰۱ ----- ۸ / ۵ دل هایتان را از دنیا بیرون ببرید
- ۷۰۳ ----- ۹ / ۵ از فزونی های دنیا بگریزید
- ۷۰۵ ----- ۱۰ / ۵ دنیا را بوته خاری بدان
- ۷۰۵ ----- ۱۱ / ۵ دنیا را به سان چیزی بدان که در رؤیا به آن ، دست می یابی
- ۷۰۹ ----- ۱۲ / ۵ دنیا را به سان پلی بدان
- ۷۱۱ ----- ۱۳ / ۵ دنیا را زندان خود بشمار
- ۷۱۱ ----- ۱۴ / ۵ در دنیا چون مسافران باشید
- ۷۱۴ ----- ۱۵ / ۵ از دنیا وارسته باشید
- ۷۱۸ ----- ۱۶ / ۵ دنیا، در چشمتان ، خُردتر از تفاله برگ درخت قَرظ باشد
- ۷۱۸ ----- ۱۷ / ۵ این دنیای نکوهیده را رها کنید!
- ۷۲۰ ----- ۱۸ / ۵ از جاذبه های دنیا روی گردانید
- ۷۲۲ ----- ۱۹ / ۵ از دنیا ، با شدت تمام ، دوری کنید
- ۷۲۲ ----- ۲۰ / ۵ دنیا را سبک بگیرید که این ، گواراتر است
- ۷۲۴ ----- ۲۱ / ۵ دنیا را سه طلاقه کنید
- ۷۲۴ ----- ۲۲ / ۵ گویی هرگز دنیایی نبوده است!
- ۷۲۸ ----- ۲۳ / ۵ حلال دنیا حساب دارد و حرامش کیفر
- ۷۲۸ ----- ۲۴ / ۵ خوشی دنیا ، با رنج آمیخته است

۷۳۴ ۲۵ / ۵ شیرین دنیا ، تلخ است
۷۳۶ فصل ششم : نمونه های زهد
۷۳۶ ۱ / ۶ پیامبران
۷۵۷ ۲ / ۶ اهل بیت
۷۶۵ ۳ / ۶ سلمان
۷۶۷ ۴ / ۶ ابو ذر
۷۷۱ بخش چهارم : آخرت
۷۷۱ اشاره
۷۷۳ درآمد
۷۷۳ آخرت ، در لغت
۷۷۳ آخرت ، در قرآن و حدیث
۷۷۶ ۱ . آخرت در مقایسه با دنیا
۷۷۷ ۲ . ویژگی های آخرت
۷۷۸ الف قرارگاه
۷۷۸ ب خانه همیشگی
۷۷۸ ج خانه زندگی حقیقی
۷۷۸ د حاکمیت مطلق حق
۷۷۸ ه شهود حقایق غیبی
۷۷۹ و خانه پاداش کردار نیک و بد
۷۷۹ ز دشواری راه
۷۸۰ ح کامیابی شایستگان
۷۸۰ ط احاطه آخرت بر دنیا
۷۸۱ ۳ . اهتمام به آباد ساختن خانه آخرت
۷۸۲ فصل یکم : آخرت شناسی
۷۸۲ ۱ / ۱ نام گذاری آخرت
۷۸۲ ۲ / ۱ نخستین منزلگاه آخرت

- ۷۸۵ ۳ / ۱ مقایسه میان آخرت و دنیا
- ۷۸۹ ۴ / ۱ ویژگی های آخرت
- ۷۸۹ الف سرای ماندن
- ۷۹۴ ب سرای ماندگاری
- ۷۹۸ ج سرای زندگی حقیقی
- ۸۰۰ د سرای حق
- ۸۰۲ ه سرای بیداری
- ۸۰۲ و سرای یقین
- ۸۰۲ ز سرای سزا
- ۸۰۴ ح سرای محصور در ناملایمات
- ۸۰۷ ط سرایی که احوال آن ، تابع شایستگی است
- ۸۰۷ ی سرای محیط بر دنیا
- ۸۱۲ فصل دوم : اهتمام به آخرت
- ۸۱۲ ۱ / ۲ تشویق به آخرت گرایی
- ۸۲۰ ۲ / ۲ فرزند آخرت باشید
- ۸۲۲ ۳ / ۲ ویژگی های آخرت گرایان
- ۸۳۲ ۴ / ۲ زنده‌دهی از بی توجهی به آخرت
- ۸۳۴ ۵ / ۲ اندازه پرداختن به آخرت
- ۸۳۸ ۶ / ۲ ویژگی های طالبان آخرت
- ۸۳۸ الف رغبت
- ۸۳۸ ب شیفستگی
- ۸۴۰ ج آمادگی
- ۸۴۰ د کوشش و تلاش
- ۸۴۲ ه عمل
- ۸۴۴ و توشه بر گرفتن
- ۸۴۶ ۷ / ۲ آثار اهمیت دادن به آخرت

۸۵۴	فصل سوم : یاد آخرت
۸۵۴	۱ / ۳ تشویق به یادآوری آخرت
۸۵۸	۲ / ۳ عوامل یادآوری آخرت
۸۶۰	۳ / ۳ عوامل از یاد بردن آخرت
۸۶۰	الف آرزوی دراز
۸۶۲	ب دارایی بسیار
۸۶۴	ج آزمندی به دنیا
۸۶۶	د همنشینی با گنه پیشگان
۸۶۶	ه گوش سپردن به آلات لهو و لعب
۸۶۶	۴ / ۳ آثار یاد کردن آخرت
۸۶۸	۵ / ۳ آثار از یاد بردن آخرت
۸۷۲	فصل چهارم : آباد کردن آخرت
۸۷۲	۱ / ۴ تشویق به کشتن و آباد کردن آخرت
۸۷۶	۲ / ۴ برکات آباد کردن آخرت
۸۸۲	۳ / ۴ آنچه آخرت را آباد می کند
۸۸۸	۴ / ۴ آنچه آخرت را ویران می کند
۸۹۲	فصل پنجم : سودای آخرت
۸۹۲	۱ / ۵ تشویق به سودای آخرت
۹۰۴	۲ / ۵ معنای سوداگری آخرت
۹۱۴	۳ / ۵ زنده‌دهی از سودا کردن آخرت به دنیا
۹۲۲	۴ / ۵ نکوهش آن که آخرتش را به دنیای دیگران بفروشد
۹۶۶	درباره مرکز

سرشناسه: محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

عنوان و نام پدیدآور: دنيا و آخرت از نگاه قرآن و حديث / محمدی ری شهری، با همکاری رسول موسوی؛ مترجم حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ۲ ج.

فروست: مرکز تحقیقات دارالحدیث؛ ۱۱۵.

شابک: ۶۰۰۰۰ ریال: دوره: ۹۶۴-۴۹۳-۱۱۳-۰؛ ج. ۱: ۹۶۴-۴۹۳-۱۱۱-۴؛ ۹۰۰۰۰ ریال: ج. ۱، چاپ دوم: ۹۶۴-۹۷۸-

۴۹۳-۱۱۱-۶؛ ج. ۲: ۹۶۴-۴۹۳-۱۱۲-۲؛ ۹۰۰۰۰ ریال: ج. ۲، چاپ دوم: ۹۶۴-۴۹۳-۱۱۲-۳-

یادداشت: کتاب حاضر بخشی از کتاب "میزان الحکمه: اخلاقی، عقیدتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ادبی" نوشته محمد محمدی ری شهری است.

یادداشت: ج. ۱ و ۲ (چاپ دوم: ۱۳۸۶).

عنوان دیگر: میزان الحکمه: اخلاقی، عقیدتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ادبی.

موضوع: دنیای فانی -- جنبه های قرآنی

موضوع: دنیای فانی -- احادیث

موضوع: معاد -- جنبه های قرآنی

موضوع: معاد -- احادیث

شناسه افزوده: موسوی، سیدرسول، ۱۳۴۰ -

شناسه افزوده: شیخی، حمیدرضا، ۱۳۳۷ - مترجم

شناسه افزوده: محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ - . میزان الحکمه: اخلاقی، عقیدتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ادبی.

شناسه افزوده : موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث

رده بندی کنگره : BP۱۰۴/د۸۴م۳۸۴۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۴۲۸۸۵

ص : ۱

جلد ۱

اشاره

ص: ۱

پیش‌گفتار

پیش‌گفتارستایش، پروردگار جهانیان را، و سلام و درود بر بنده برگزیده اش محمد، و دودمان پاک و اصحاب نیک و خجسته او! دنیا و آخرت، دو موضوع بنیادین در حوزه معارف مرتبط با جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و دین‌شناسی اند و جهتگیری‌های انسان در زمینه‌های گوناگون اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، ارتباط نزدیکی با چگونگی نگاه او به دنیا و آخرت دارند. از این رو، شناخت دیدگاه اسلام در باره این دو موضوع سرنوشت‌ساز، برای پیروان این آیین آسمانی، از اهمیت فراوانی برخوردار است. کتاب دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث، مجموعه رهنمودهای قرآن و احادیث اسلامی را با نظمی نوین، در چهار بخش، ارائه می‌نماید.

محتوای کتاببخش یکم، درباره تبیین حقیقت دنیا و ویژگی‌های آن، نقش دنیا در ساختن آخرت، و رهنمودهای اسلام برای برخورداری از خوش‌بختی در دنیا و آخرت است. بخش دوم، به تعریف دنیای نکوهیده و ویژگی‌های آن و ارزیابی آن و بیم‌دادن از آن پرداخته است. در این بخش، همچنین زیان‌های دل‌بستگی به دنیای نکوهیده و

ریشه ها و نشانه های این دل بستگی توضیح داده می شود . بخش سوم ، معنای «زهد» در دنیا ، آثار و برکات آن ، زمینه ها و ریشه های آن و تفاوت زهد اسلامی و رهبانیت مسیحی را بیان می کند ، و نیز رهنمودهایی برای دستیابی به این خصلت ارجمند ، و نمونه هایی از الگوهای زهد اسلامی ارائه می دهد . بخش چهارم ، درباره تبیین حقیقت «آخرت» و زندگی پس از مرگ ، ویژگی های آن ، تأکید بر اهمیت دادن به زندگی در سرای جاوید ، ویژگی های آخرت مداران ، آثار و برکات اهمیت دادن به آخرت ، تأکید بر یاد کردن آخرت و فراموش نکردن آن ، منافع یاد کردن آخرت و زیان های فراموشی آن ، و تأکید بر کارهایی است که موجب خوش بختی و کام روایی در آخرت می گردد .

دو نکته مهم شرح آنچه به اجمال گفتیم ، در متن این مجموعه خواهد آمد ؛ لیکن پیش از آن ، توجه به دو نکته ضروری است : ۱ . اعجاز در بیان حقیقت دنیا و آخرت آنچه در قرآن و احادیث اسلامی در تبیین حقیقت دنیا و آخرت و چگونگی برخورد با آنها آمده ، حقیقتاً در حدّ اعجاز است . با تأمل می توان به روشنی دریافت که اندیشه انسان ، بدون ارتباط با مبدأ وحی ، نمی تواند با چنین دقتی که در احادیث اسلامی دیده می شود میان دنیایی که مزرعه آخرت است و دنیایی که در برابر آخرت قرار دارد ، مرزبندی کند ، و راه نجات از دام دنیای نکوهیده را بشناسد و او را به آبادسازی سرای همیشگی در کنار آباد کردن سرای زندگی موقت ، وا دارد .

۲. توصیه به مکرر خواندن این کتاب این کتاب ، در واقع ، عصاره رهنمودهای اسلام در باره حقایق مربوط به دنیا و آخرت است و نکات فوق العاده آموزنده و سازنده ای برای همه پیروان قرآن ، بویژه برای دولت مردان و پویندگان سیر و سلوک به سوی حق تعالی ، ارائه می نماید . همچنین بخش هایی از آن ، برای کسانی که با اضطراب ها و نگرانی های ناشی از مشکلات زندگی دست به گریبان اند ، سودمند خواهد بود . کتاب دنیا و آخرت ، در واقع ، درست زندگی کردن را به انسان می آموزد . پس انسان ، تا زنده است ، به مطالعه آن ، نیاز دارد . از این رو ، یک بار خواندن این کتاب ، کافی نیست و درس های آموزنده آن ، باید آن قدر تکرار شود که ضمیمه جان گردد .

روش کتابروش ما در بررسی و کاوش و مستندسازی مباحث در این مجموعه ، متکی به عناصر زیر است : ۱ . از دیدگاه ما ، احادیثی که از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده اند ، در واقع ، حدیث پیامبر خدایند ، همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود : «ما از طرف خدا و پیامبر او سخن می گوئیم» (۱) و نیز امام صادق علیه السلام فرمود : «سخن من ، سخن پدرم است و سخن پدرم ، سخن جدّم است و سخن جدّم ، سخن حسین است و سخن حسین ، سخن حسن است و سخن حسن ، سخن امیر مؤمنان و سخن امیر مؤمنان ، سخن پیامبر خداست و سخن پیامبر خدا ، سخن خداوند متعال است» . (۲) کلمه «سنت» که در عنوان این کتاب آمده است ، برای بیان همین نکته و مفهوم

۱- رجال الکشی : ج ۲ ص ۴۹۰ ح ۴۰۱ ، بحار الأنوار : ج ۲ ص ۲۵۰ ح ۶۲ .

۲- الکافی : ج ۱ ص ۵۳ ح ۱۴ ، منیه المرید : ص ۳۷۳ ، الإرشاد : ج ۲ ص ۱۸۶ ، بحار الأنوار : ج ۲ ص ۱۷۹ ح ۲۸ . ر . ک : اهل بیت در قرآن و حدیث : بخش چهارم / فصل یکم / حدیث آنها همان حدیث پیامبر خداست .

است که در کتاب ، از همه احادیثِ روایت شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او ، یکسان بهره گرفته شده است . ۲ . کوشیده ایم در حدّ توان ، همه روایات مربوط به هر موضوع را از منابع گوناگونِ شیعه و اهل سنّت ، به طور مستقیم ، استخراج و گراوری کنیم و با بهره گیری از نرم افزارهای رایانه ای ، آنها را روی برگه های مخصوص ، تنظیم نماییم تا زمینه گزینش کامل ترین ، موثّق ترین و کهن ترین آنها فراهم آید . در مورد استفاده از دعاها نیز جز در مواردی اندک ، تنها از ادعیه ای که مستند به پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام است ، بهره گرفته ایم . ۳ . سعی کرده ایم تا از آوردن روایات تکراری پرهیز نماییم ، جز در این موارد : الف آن جا که نکته مهمّی در تفاوت واژه ها و اصطلاحات ، نهفته بوده است . ب در مواردی که متن حدیث ، در متون شیعه و اهل سنّت ، تفاوت داشته است . ج آن جا که متن حدیث ، بیش از یک سطر نبوده و در عین حال ، مرتبط با دو باب بوده است . ۴ . اگر در موضوع واحد ، احادیث رسیده از پیامبر خدا و امامان علیهم السلام ، متعدّد باشند ، حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله (یا قائل متقدّم) در متن ، و نشانی احادیث دیگر (با ذکر قائل و منبع) ، در پانوشت می آید ، مگر آن که احیانا یکی از آنها ، نکته تازه ای داشته باشد که آن نیز در متن خواهد آمد . ۵ . در هر موضوع ، پس از ذکر آیات مربوط به آن ، احادیث ، به ترتیبِ زمانی (از پیامبر خدا تا امام مهدی علیه السلام) می آیند ، مگر آن که حدیث ، در تفسیر آیاتِ مذکور باشد (که در این صورت ، پیش از دیگر احادیث می آید) ، یا آن که تناسب موضوعی احادیث ، ترتیب دیگری را ایجاب کند .

۶. در آغاز هر روایت، تنها نام پیامبر یا امامی را آورده ایم که حدیث از او نقل شده است، مگر آن که راوی، فعل آنان را نقل کرده باشد، یا سؤال و جوابی در میان بوده باشد و یا راوی، سخنی را در متن حدیث آورده باشد که کلام پیامبر، یا امام نیست. ۷. به خاطر تعدد نام‌ها و لقب‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، نام واحدی را برای هر یک از آن بزرگواران برگزیده ایم که به صورت ثابت در اوّل روایت می‌آید و بر شخص موردنظر، دلالت می‌کند. ۸. در پانوشت‌ها، منابع احادیث، به ترتیب معتبرترین آنها تنظیم شده است؛ لیکن گاه به دلیلی که بر محققان پوشیده نیست (از جمله: پرهیز از تکرار، اختلاف منابع یا راوی و یا شخصی که از او روایت شده)، این ترتیب را پس از نخستین منبع، مراعات نکرده ایم. ۹. هر گاه دسترس به منابع اولیه ممکن باشد، حدیث مستقیماً از آنها نقل می‌شود. آن گاه نشانی بحار الأنوار (در احادیث شیعه) و کنز العمال (در احادیث اهل سنت) به عنوان دو منبع اساسی و جامع حدیث شیعه و اهل سنت، افزوده می‌شود. ۱۰. پس از ذکر منابع، گاه با نشانه «ر. ک.»، به منابع دیگر ارجاع داده می‌شود و این، وقتی است که متن ارجاعی، با متن نقل شده، تفاوت بسیار دارد و در عین حال، با آن و با موضوع بحث، مرتبط است. ۱۱. ارجاع به ابواب دیگر این کتاب، به خاطر تناسب و اشتراک محتوایی میان احادیث آنهاست. ۱۲. هدف از «درآمد»هایی که برای فصل‌های کتاب، نوشته شده یا توضیحات و استنتاج‌هایی که در پی احادیث آمده است، ارائه چشم انداز کلی روایات آن بخش یا آن فصل است. گاه هم به توضیح و تبیین برخی از مفاهیم دشوار و پیچیده احادیث،

پرداخته شده است . ۱۳ . مهم ترین نکته در این شیوه ، کوشش در حدّ توان برای تأیید اطمینان آورِ صدور احادیث هر باب از پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام است که به کمک قرائن عقلی و نقلی برای اثبات محتوای احادیث ، صورت پذیرفته است . * گفتنی است که این مجموعه ، بخش دیگری از دانش نامه میزان الحکمه است که به دلیل اهمیت آن ، به صورت مستقل منتشر می شود . در این جا ، لازم می دانم مراتب سپاس خود را از همه فضلا و پژوهشگران عزیز و بزرگوار در مرکز تحقیقات دارالحدیث که در پدید آوردن و عرضه این اثر ، کوشش های ستودنی داشته اند و بویژه از فاضل گران قدر ، جناب آقای سید رسول موسوی که در تحقیق این کتاب ، این جانب را مساعدت نمودند ابراز دارم . همچنین از فاضل گران مایه جناب آقای حمیدرضا شیخی که با ترجمه دقیق ، روان و زیبای این کتاب ، زمینه بهره مندی پارسی زبانان را فراهم ساختند ، صمیمانه سپاس گزارم . از خداوند مَنَّان ، برای همه آنان ، پاداشی درخور فضل حضرتش مسئلت دارم . رَبَّنَا ! تَقَبَّلْ مِنَّا ، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . محمّد محمّدی ری شهری ۳۰ تیرماه ۱۳۸۴ ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۲۶

بخش یکم: دنیا

اشاره

بخش یکم: دنیا فصل یکم: شناخت دنیا فصل دوم: اهمیت دنیا و نقش آن در ساختن آخرت فصل سوم: راه های دستیابی به خیر دنیا و آخرت فصل چهارم: گروه های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت فصل پنجم: هشجاری در طلب دنیا (دنیاطلبی آگاهانه)

درآمد دنیا، در لغت دنیا، مؤنث «أدنی (نزدیکتر)» از ریشه «دنو» به معنای «نزدیک بودن» است و برای زندگی قبل از مرگ، صفت واقع می شود در مقابل «آخرت» که برای زندگی پس از مرگ، صفت واقع می شود. ابن فارس در تبیین ریشه کلمه «دنیا» می گوید: الدال والنون والحرف المعتل أصل واحد يقاس بعضه على بعض وهو المقاربه، ومن ذلك الدنئ، وهو القريب، من دنا يدنو، وسُميت الدنيا لدنوها. (۱) دال و نون و واو (دنو)، به معنای نزدیکی است، و از همین ریشه است کلمه «دنئ» به معنای «نزدیک»، از «دَنَا يَدْنُو». و دنیا را به خاطر نزدیک بودنش «دنیا» نامیده اند. سایر لغویان نیز این واژه را همین گونه ریشه یابی و معنا کرده اند. (۲)

۱- معجم مقایس اللغة: ج ۲ ص ۳۰۳.

۲- ر. ك: العين: ص ۲۷۴، صحاح اللغة: ج ۶ ص ۲۳۴۱، مفردات ألفاظ القرآن: ص ۳۱۸، القاموس المحيط: ج ۴ ص ۳۲۹، تاج العروس: ج ۱۹ ص ۴۱۷، لسان العرب: ج ۱۴ ص ۲۷۱، مجمع البحرين: ج ۱ ص ۶۱۳، المنجد في اللغة: ص ۲۲۶.

دنیا، در قرآن و حدیث قرآن کریم، زندگی پیش از مرگ را گاه «زندگی دنیا» (۱) می نامد، مانند: «يَعْلَمُونَ ظَهْرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَفْلُونَ» (۲) از زندگی دنیا، ظاهری را می شناسند و از آخرت غافل اند. و گاه آن را «زندگی نخست» می خواند، مانند: «لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ» (۳) ستایش، در زندگی نخست و زندگی پسین، ویژه اوست. و گاه با تعبیر «أدنی» به آن اشاره می نماید، مانند: «يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ» (۴) متاع این [زندگی] نزدیک تر (/ پست تر) را می گیرند. و گاه آن را «زندگی زودگذر (العاجله)» می نامد، مانند: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ» (۵) هر که خواهان گذراست، در همین دنیا آنچه را بخواهیم، به هر که بخواهیم، می دهیم.»

۱- کلمه «دنیا» در قرآن، یکصد و یازده بار در «زندگی پیش از مرگ» به کار رفته است که شصت و نه بار آن، پس از لفظ «حیات» است.

۲- روم: آیه ۷.

۳- القصص: آیه ۷۰. نیز ر. ک: لیل: آیه ۱۳ وضحی: آیه ۴.

۴- اعراف: آیه ۱۶۹.

۵- اسراء: آیه ۱۸. نیز، ر. ک: قیامت: آیه ۲۰، انسان: آیه ۲۷.

۱. تبیین حقیقت دنیا و جهان پیش از مرگ

با تأمل در آیات و احادیثی که کلمه «دنیا» (۱) در آنها به کار رفته است، روشن می‌شود که این واژه در احادیث اسلامی سه کاربرد دارد: ۱. جهان پیش از مرگ و زندگی در آن (در مقابل جهان پس از مرگ و زندگی در آن). این کاربرد، هماهنگ با معنای لغوی «دنیا» است. ۲. بهره‌گیری از امکانات جهان پیش از مرگ در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی، و دنیوی و آخروی در کنار هم. ۳. بهره‌گیری از امکانات جهان پیش از مرگ در جهت تأمین خواسته‌های مادی به بهای از دست دادن ارزش‌های معنوی و آسایش آخروی. دنیا به معنای اول، از آیات الهی و نشانه‌های حکمت و قدرت اوست، به معنای دوم، دنیای ستوده و به معنای سوم، دنیای نکوهیده است. بخش نخست این کتاب، ناظر به معنای اول و دوم «دنیا»، و بخش دوم، ناظر به معنای سوم «دنیا»، و بخش سوم، در واقع، دعوت به مبارزه با رغبت به دنیا به معنای سوم است. بخش اول، شامل پنج فصل با مطالب زیر است:

۱. تبیین حقیقت دنیا و جهان پیش از مرگ در فصل یکم، ابتدا موضوع نام‌گذاری جهان پیش از مرگ به «دنیا» از نگاه قرآن و حدیث، مطرح شده که هماهنگ با مفهوم لغوی این واژه است. سپس ویژگی‌ها و مشخصات جهان پیش از مرگ، توضیح داده شده است. این ویژگی‌ها، پژوهشگر را با حقیقت دنیا و هدف از آفرینش آن از نگاه اسلام، آشنا می‌کند.

۱- گفتنی است که کلمه «دنیا» در قرآن، گاه به معنای لغوی آن استعمال شده است، مانند: «إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا؛ آن گاه که شما در دامنه نزدیک تر کوه بودید» (انفال: آیه ۴۲) که خارج از موضوع بررسی ماست.

۲. تبیین اهمیت و ارزش دنیا

در ادامه، با آمدن مثال‌هایی، حقیقت دنیا و زندگی در آن، توضیح بیشتری داده شده و در پایان فصل، احادیثی که درباره مدت زمانی جهان پیش از مرگ وارد شده‌اند، مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند.

۲. تبیین اهمیت و ارزش دنیادر فصل دوم، برای اثبات اهمیت و ارزش دنیا و نقش آن در سازندگی جهان پس از مرگ، ابتدا آیات و احادیثی آمده‌اند که با صراحت، بر این مدعا دلالت دارند و تأکید می‌کنند که: اسلام، دین دنیا و آخرت و برنامه تکامل مادی و معنوی انسان است، دنیا مزرعه آخرت است، مسلمان کسی است که به دنیا و آخرت اهمیت می‌دهد و سرانجام، جامعه اسلامی، هنگامی به نقطه مورد نظر اسلام رسیده است که در اوج تکامل مادی و معنوی باشد. گفتنی است که محبت دنیا به این معنا (مزرعه آخرت بودن) ریشه در فطرت انسان دارد (۱) و از این رو، نکوهیده نیست؛ (۲) بلکه دنیا اگر در کنار آخرت و مقدمه آخرت باشد، پاره‌ای از آخرت است. بر این پایه، اسلام، با صراحت، رهبانیت را ممنوع ساخته و تحریم لذا ید حلال بر خویشتن را نهی کرده است (۳) و پیشوایان بزرگ دین با کسانی که در اثر کج فهمی یا انگیزه‌های گوناگون، مردم را به ترک دنیا دعوت کرده‌اند، مبارزه نموده‌اند. (۴) بر این اساس، متون دینی اسلام، به تلاش برای سازندگی دنیا و بهره‌گیری از

۱- ر.ک: ص ۱۱۹ (سرشت دنیا دوستی در انسان).

۲- ر.ک: ص ۱۲۱ (نهی از ناسزاگویی به دنیا و نکوهش آن).

۳- ر.ک: ص ۱۲۷ (نهی از رهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است).

۴- ر.ک: ص ۱۴۷ (اعتراض به دعوت کنندگان به ترک دنیا).

۳. رهنمودهای اسلام برای سازندگی دنیا و آخرت

مواهب آن در جهت تقویت ارزش های معنوی و آبادانی جهان پس از مرگ (۱) و نیز دعا برای رفاه در زندگی توصیه می کنند (۲) و بر پاداش اخروی برای کسی که در مسیر تأمین منافع دنیوی، از مسیر حق خارج نمی شود، تأکید دارند. (۳)

۳. رهنمودهای اسلام برای سازندگی دنیا و آخرتنکته قابل توجه، این است که هر کسی نمی تواند منافع اخروی خود را در کنار منافع مادی تأمین کند. چه بسا کسانی که به نام اسلام و آخرت، در هوس های مادی غرق می شوند و زندگی معنوی خود را تباه می سازند. از این رو، اسلام برای تأمین منافع اخروی در کنار منافع دنیوی، رهنمودهای ارزنده ای دارد که میزان بهره وری انسان از دنیا و آخرت، به آنها بسته است. (۴) بدین سان، مردم از نظر برخورداری از دنیا و آخرت، به چهار دسته تقسیم می شوند (۵): جمعی، نه دنیا دارند و نه آخرت. عده ای، در دنیا وضعشان خوب است؛ اما در آخرت دچار مشکل هستند. گروهی در دنیا زندگی مناسبی ندارند؛ ولی در آخرت از زندگی خوبی برخوردارند. و عده ای هستند که هم دنیا دارند و هم آخرت: «لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ»؛ در زندگی دنیا و در آخرت، مژده برای آنان است « (۶).

۱- ر. ک: ص ۱۶۱ (بهره گیری از دنیا) و ۱۶۳ (این، دنیاطلبی نیست).

۲- ر. ک: ص ۱۶۵ (دعا برای رفاه در زندگی).

۳- ر. ک: ص ۱۸۱ (پاداش کسی که دنیا را به حق برگیرد).

۴- ر. ک: ص ۱۸۵ (فصل سوم: عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت).

۵- ر. ک: ص ۲۰۹ (فصل چهارم: گروه های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت).

۶- یونس: آیه ۶۴.

۴. هشیاری نسبت به آفات توسعه مادی

۴. هشیاری نسبت به آفات توسعه مادی آخرین و مهم ترین نکته در ارتباط با جمع میان دنیا و آخرت ، هشیاری نسبت به خطر آفاتی است که توسعه مادی به دنبال دارد؛ آفاتی که اگر درست شناخته نشوند و به موقع پیشگیری نگردند ، بی تردید ، انسان در دام دنیای نکوهیده قرار خواهد گرفت . از آن جا که این آفات و راه پیشگیری از آنها را به تفصیل در کتاب توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث آورده ایم ، (۱) در فصل پنجم از این کتاب ، تنها به یک نکته اساسی اشاره می نمایم و آن ، هشیاری در طلب دنیا و میانه روی در تأمین منافع مادی و اجتناب از حرص است .

۱- توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث : بخش پنجم : آفات توسعه .

الفصل الأول : معرفه الدنيا / ١ / تسميته الدنيا الكتاب «وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»
(١).

«لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَ الْآخِرَةِ» . (٢)

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا» . (٣)

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ» (٤) .

راجع: الليل : ١٣ و الضحى : ٤ .

١- البقره : ٢٠١ .

٢- القصص : ٧٠ .

٣- الإسراء : ١٨ .

٤- الأعراف : ١٦٩ . قال العلامة المجلسي قدس سره فى توضيح معنى «الأدنى» فى الآيه الشريفه : يعنى الدنيا ؛ من الدنو بمعنى القرب . وقال سبحانه : «وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَعْدَنِ» السجده : ٢١ . وبالجملة : الأدنى والدنيا يصرهان على وجوه ، فتاره يعبر به عن الأقل فيقابل بالأكثر والأكبر ، وتاره عن الأردل والأحقر فيقابل بالأعلى والأفضل ، وتاره عن الأقرب فيقابل بالأقصى ، وتاره عن الأولى فيقابل بالآخره ، وبجميع ذلك ورد التنزيل على بعض الوجوه . وقال الجزرى : الدنيا اسم لهذه الحياه لبعده الآخره عنها (بحار الأنوار : ج ٥٧ ص ٣٥٦) .

فصل یکم : شناخت دنیا

۱ / ۱ نام گذاری دنیا

فصل یکم: شناخت دنیا ۱ / ۱ نام گذاری دنیاقرآن «و برخی از آنان می گویند: پروردگارا! در دنیا به ما نیکی ده و در آخرت نیز نیکی عطایمان کن و ما را از عذاب آتش ، نگه دار».

«و ستایش ، از آن اوست در این [سرای] نخستین و در آخرت».

«هرکس خواهان [دنیای] زودگذر است ، به زودی هر که را بخواهیم ، از آن می دهیم . آن گاه ، دوزخ را که در آن خوار و رانده داخل خواهد شد، برای او مقرّر می داریم».

«آن گاه ، بعد از آنان، جانشینانی وارث کتاب [آسمانی] شدند که متاع این دنیای پست (۱) را می گیرند».

ر . ک : لیل : آیه ۱۳ ، ضحی : آیه ۴ .

۱- .علاّمه مجلسی می گوید: مقصود از «آدنی» در روایت ، دنیاست، از ریشه «دنوّ» به معنای نزدیک. خداوند سبحان می فرماید: «و از عذاب نزدیک تر به آنها می چشانیم» (سجده : آیه ۲۱). به طور کلی ، آدنی و دنیا ، چند وجه دارند. گاه مراد از آنها «اقلّ (کمتر)» است ، در مقابل «اکثر (بیشتر)» و «اکبر (بزرگ تر)». و گاه به معنای «أحقّر (پست تر و حقیرتر)» در مقابل «أعلی (بالا-تر)» و «أفضل (برتر)» و گاه به معنای «أقرب (نزدیک تر)» است ، در مقابل «أقصى (دورتر)»، و گاه به معنای «أولی (نخستین)» است در مقابل «آخره (دیگر، پسین)» و در قرآن به همه این معانی آمده است. جزری می گوید: دنیا ، نامی است برای این زندگی ؛ چون آخرت از آن دور است (بحار الأنوار : ج ۵۷ ص ۳۵۶).

الحديث ٢٤٠.١. روى أبو الفتوح الرازى فى تفسيره عن جماعه من ارسول الله صلى الله عليه و آله :الدُّنْيَا دَرِيَّةٌ (١) خُلِقَتْ مِنْ دُونَ الْآخِرَةِ ، وَلَوْ خُلِقَتْ مَعَ الْآخِرَةِ لَمْ يَفْنَ أَهْلُهَا ، كَمَا لَا يَفْنَى أَهْلُ الْآخِرَةِ . (٢) ٢٣٩. ما رواه الكليني بإسناده عن محمد بن عبد الخالق والإمام على عليه السلام :إنَّما سُمِّيتِ الدُّنْيَا دُنْيَا ؛ لِأَنَّهَا أَدْنَى (٣) مِنْ كُلِّ شَيْءٍ . (٤) ١ / ٢ خَصَائِصُ الدُّنْيَا دَارُ ابْتِلَاءِ الْكِتَابِ «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» . (٥)

«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوهُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» . (٦)

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوهُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» . (٧)

«وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقَ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى» . (٨)

١- قال العلامة المجلسى قدس سره : أى أَحْسَنُ ؛ لِيَعْدَ الْآخِرَةَ عَنْهَا (بحار الأنوار : ج ٥٧ ص ٣٥٦) .

٢- علل الشرائع : ص ٤٧٠ ح ٣٣ عن يزيد بن سلام ، بحار الأنوار : ج ٥٧ ص ٣٥٦ ح ٢ .

٣- قال العلامة المجلسى قدس سره : أى أَقْرَبَ بِحَسَبِ الْمَكَانِ أَوْ بِحَسَبِ الزَّمَانِ ، أَوْ أَحْسَنَ وَأَرْدَلُ (بحار الأنوار : ج ٥٧ ص ٣٥٦) .

٤- علل الشرائع : ص ٢ ح ١ ، بحار الأنوار : ج ٥٧ ص ٣٥٥ ح ١ .

٥- الكهف : ٧ .

٦- الملك : ٢ .

٧- هود : ٧ .

٨- طه : ١٣١ .

۱ / ۲ ویژگی های دنیا

الف سرای آزمایش

حدیث ۲۲۹.۲. وروی الکلینی بإسناده عن محمد بن عبده النیسابییامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به این پرسش که: چرا دنیا را دنیا، گفته اند؟ : دنیا، پست و نزدیک [به ما] و پیش از آخرت آفریده شده است. اگر دنیا هم زمان با آخرت آفریده شده بود، اهل آن فانی نمی شدند، چنان که اهل آخرت فنا نمی پذیرند. ۲۲۸.۱. روی الشیخ الطوسی قدس سره بإسناده عن عبد اللہ امام علی علیه السلام: دنیا را دنیا نامیده اند، چون فرومایه تر (۱) از هر چیزی است. ۱ / ۲ ویژگی های دنیا الف سرای آزمایش قرآن «ما آنچه را بر روی زمین است، زیور آن قرار دادیم تا ایشان را بیازماییم که کدامینشان نیک کردارترند».

«آن خدایی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامینتان بهتر عمل می کنید».

«و او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز بیافرید، و عرش او بر آب بود، تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید».

«و زنهار، به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود مدوز، و [بدان که] روزی پروردگار تو، بهتر و پایدارتر است».

۱- .علامه مجلسی می گوید: یعنی از حیث زمان یا مکان، نزدیک تر است یا پست تر و فرومایه تر است (بحار الأنوار: ج ۵۷

الحديث ٢١٨. روى عن رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: الدنيا دارٌ بلاءٍ (١)، ومَنْزِلٌ بُلْغَةٍ (٢) وَعَنَاءٍ ، قَدْ نَزَعَتْ (٣) عَنْهَا نَفُوسَ السَّعِيدَاءِ ، وَانْتَزَعَتْ بِالْكَرِهِ مِنْ أَيْدِي الْأَشْقِيَاءِ . (٤) ٢١٧.٢ . روى الصدوق قدس سره بإسناده إلى الرضا عليه السلام: أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْهَا إِلَّا فِيهَا (٥) ، وَلَا يُنْجَى بِشَيْءٍ كَانَ لَهَا ، ابْتُلِيَ النَّاسُ بِهَا فِتْنَةً ، فَمَا أَخَذُوهُ مِنْهَا لَهَا أَخْرَجُوا مِنْهُ وَحَسِبُوا عَلَيْهِ ، وَمَا أَخَذُوهُ مِنْهَا لِغَيْرِهَا قَدِمُوا عَلَيْهِ وَأَقَامُوا فِيهِ . (٦) ٢١٦.١ . فى خبر ابن الجهم أنه سأل المأمون الرضا عليه السلام فى وصف الدنيا: دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ وَبِالْغَدْرِ مَعْرُوفَةٌ ، لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا ، وَلَا يُسَلَّمُ نَزَالُهَا ، أَحْوَالٌ مُخْتَلِفَةٌ ، وَتَارَاتٌ (٧) مُتَصَرِّفَةٌ ، الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ ، وَالْأَمَانُ مِنْهَا مَعْدُومٌ ، وَإِنَّمَا أَهْلُهَا فِيهَا أَغْرَاضٌ (٨) مُسْتَهْدَفَةٌ ، تَرْمِيهِمْ بِسِهَامِهَا ، وَتُفْنِيهِمْ بِحِمَامِهَا (٩) . (١٠) .

- ١- البلاء: الاختبار؛ ويكون بالخير والشر (الصحاح: ج ٦ ص ٢٢٨٥ «بلاء»).
- ٢- دارٌ بُلْغَةٌ: أى دارٌ عملٌ يُبْلَغُ فِيهَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ وَيُتْرَدُّ (مجمع البحرين: ج ١ ص ١٨٧ «بلغ»).
- ٣- نَزَعَتْ عَنْ الشَّيْءِ: كَفَّتْ وَأَقْلَعَتْ عَنْهُ (المصباح المنير: ص ٦٠٠ «نزع»).
- ٤- أعلام الدين: ص ٣٤٢ ح ٣٢ عن معاوية، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٥ ح ١٠.
- ٥- فى شرح ابن أبى الحديد: «تقدير الكلام أَنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْ عِقَابِ ذُنُوبِهَا إِلَّا فِيهَا، وَهَذَا حَقٌّ...»، لكن يبدو أَنَّ فى الكلام سقط والأصل كان: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْهَا إِلَّا بِالزَّهْدِ فِيهَا» كما فى «عيون الحكم والمواعظ ص ١٠٧»، و يؤيد هذا النظر ما فى بعض نسخ نهج البلاغه حيث أضيفت كلمه «الزهد» بعد «إلا فيها» بين القوسين .
- ٦- نهج البلاغه: الخطبه ٦٣، روضه الواعظين: ص ٤٨٣، غرر الحكم: ح ٣٦٩٨ وليس فيه «ولا ينجى بشيء كان لها»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٣ ح ١٣٦.
- ٧- التَّارَةُ: الحين والمَرَّةُ، والجمع تارات (القاموس المحيط: ج ١ ص ٣٨١ «تور»).
- ٨- الْغَرَضُ: الْهَدَفُ الَّذِى يُرْمَى فِيهِ (الصحاح: ج ٣ ص ١٠٩٣ «غرض»).
- ٩- الْحِمَامُ: الْمَوْتُ (النهايه: ج ١ ص ٤٤٦ «حمام»).
- ١٠- نهج البلاغه: الخطبه ٢٢٦، إرشاد القلوب: ص ٣٠، غرر الحكم: ح ٥١٢٤ وفيه صدره إلى «ولا يسلم نزالها»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٢ ح ٤٥؛ تذكره الخواص: ص ١٢٣، المناقب للخوارزمي: ص ٣٧٠ ح ٣٨٩ كلاهما عن عبد الله بن صالح العجلي عن رجل من بنى شيبان، إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣١٢ كلها نحوه، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٠٢ ح ٤٤٢٢٤ نقلًا عن الدينورى وابن عساكر .

حدیث ۲۱۴.۳ . و کذا ما رواه الشيخ قدس سره باسناده عن محمد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا، سرای آزمایش است و منزلگاه روزی گذران زندگی و رنج . جان های نیک بختان از [علاقه به] آن کُنده شده و از دست شوربختان به زور گرفته می شود. ۲۱۳.۲. روی الکلینیوالشیخ الطوسی باسنادهما عن زراره بنامام علی علیه السلام :هان! دنیا سرایی است که از آن ، به سلامت نتوان رست مگر [به زهد] (۱) در آن، و با هر آنچه برای دنیا باشد ، نجات نمی توان یافت . مردم از بهر آزمایش ، گرفتار دنیا شده اند . پس آنچه را از دنیا برای دنیا بگیرند ، از کفشان بیرون می رود و برای آن حسابرسی خواهند شد، و آنچه را از دنیا برای غیر آن (آخرت) بگیرند ، به آن خواهند رسید و با آن خواهند زیست. ۲۱۲.۱ . عن النبی صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام در وصف دنیا :سرای است که به رنج و بلا اندر است و به بی وفایی و عهدشکنی شهره . حالاتش نمی پاید و ساکنانش را ایمنی نیست . احوالش دیگرگون است و هر دم به رنگی در می آید. زندگی در آن ، نکوهیده است و آسودگی در آن ، نایاب ؛ بلکه مردم آن در دنیا هدف هایی نشانه رفته اند، و دنیا ، تیرهایش را به سوی آن ها پرتاب می کند، و با خدنگ های مرگ ،

نابودشان می گرداند. .

۱- . ترجمه آنچه در متن نهج البلاغه آمده ، این است : «دنیا ، سرایی است که در آن به سلامت نتوان رست ، مگر در آن» . ابن ابی الحدید ، در توضیح این جمله می گوید: «تقدیر کلام ، این است که دنیا ، خانه ای که از عقاب گناهانش ، جز در آن نتوان به سلامت رست ، و این حق است...» ؛ لیکن به نظر می رسد که جمله سقط داشته باشد و در اصل این بوده : «... از آن به سلامت نتوان رست ، مگر به زهد در آن» ، چنان که در عیون الحکم والواعظ (ص ۱۰۷) چنین آمده است . گفتنی است که در برخی نسخ مطبوع نهج البلاغه نیز کلمه «زهد» پس از «إلا فیها» قرار دارد که مؤید این نظر است.

٢١١.٤ . الشيخ والكليني بإسناده الصحيح عن زراره، عن أبعنه عليه السلام: «إِعلم أَنَّ الدُّنْيَا دَارٌ بَلِيَّةٌ ، لَمْ يَفْرُغْ صَاحِبُهَا فِيهَا قَطُّ سَاعَةً إِلَّا كَانَتْ فَرَعَتْهُ عَلَيْهِ حَسْرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (١) ٢١٠.٣ . الشيخ بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام في وَصْفِ الدُّنْيَا: هِيَ دَارٌ عُقُوبَةٍ وَزَوَالٍ ، وَفَنَاءٍ وَبَلَاءٍ ، نُورٌهَا ظِلْمَةٌ ، وَعَيْشُهَا كَدْرٌ ، وَغَيْبُهَا فَقِيرٌ ، وَصِيحُهَا سَيِّئٌ ، وَعَزِيْزُهَا ذَلِيلٌ ، فَكُلُّ مُنْعَمٍ بِرِغْدِهَا (٢) شَقِيٌّ ، وَكُلُّ مَغْرُورٍ بِزِينَتِهَا مَفْتُونٌ ، وَعِنْدَ كَشْفِ الْغِطَاءِ يَعْظُمُ النَّدَمُ ، وَيُحْمَدُ الصَّدْرُ (٣) أَوْ يُذَمُّ . (٤) ٢٠٩.٢ . موثقه إسماعيل بن جابر، قال: عنه عليه السلام من وَصِيَّتِهِ لَوْلَدِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِعلم... أَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ لِتَسْتَقِرَّ إِلَّا- عَلَى مَا جَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ مِنَ النَّعْمَاءِ وَالْإِبْتِلَاءِ وَالْجَزَاءِ فِي الْمَعَادِ، أَوْ مَا شَاءَ مِمَّا لَا تَعْلَمُ . (٥) ٢٠٨.١ . الشيخ الطوسي بإسناده الصحيح عن محمد بن مسلم الإمام زين العابدين عليه السلام: «إِعلموا أَنَّ اللَّهَ لَمْ يُحِبَّ زَهْرَةَ الدُّنْيَا وَعَاجِلَهَا لِأَنَّ حَدَّ مِنْ أَوْلِيَائِهِ ، وَلَمْ يُرْغَبْهُمْ فِيهَا وَفِي عَاجِلِ زَهْرَتِهَا وَظَاهِرِ بَهْجَتِهَا ، وَإِنَّمَا خَلَقَ الدُّنْيَا وَخَلَقَ أَهْلَهَا لِيَبْلُوَهُمْ فِيهَا أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا لِأَخْرَجَتْهُ ، وَأَيْمُ اللَّهِ لَقَدْ ضَرَبَ لَكُمْ فِيهِ

الْأَمْثَالَ ، وَصَرَّفَ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٦) .

- ١- نهج البلاغه: الكتاب ٥٩، عوالي اللآلي: ج ١ ص ٢٩٦ ح ٢٠١ وفيه «الدنيا دار بليئة» فقط، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٥١١ ح ٧٠٨ .
- ٢- في المصدر: «فكل نعم يرغدها»، والتصويب من بحار الأنوار . ورغده العيش: اتسع ولان فهو رعد (المصباح المنير: ص ٢٣١ «رغد»).
- ٣- صيدر كل شيء: أوله (الصحيح: ج ٢ ص ٧٠٩ «صدر»). والصدر بالتحريك: رجوع المسافر من مقصده والشاربه من الورد (النهاية: ج ٣ ص ١٥ «صدر»).
- ٤- مطالب السؤل: ص ٥٢؛ بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٢ ح ٨٤ .
- ٥- نهج البلاغه: الكتاب ٣١، تحف العقول: ص ٧٢ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٢٠ ح ٢ .
- ٦- الكافي: ج ٨ ص ٧٥ ح ٢٩ عن سعيد بن المسيب، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٤٩، تحف العقول: ص ٢٥١ وليس فيه «وعاجلها»، الأمالي للصدوق: ص ٥٩٥ ح ٨٨٢ عن سعيد بن المسيب وفيه «لم يختر هذه الدنيا» بدل «لم يحب زهره الدنيا»، أعلام الدين: ص ٢٢٥ وفيه «هذه الدنيا» بدل «زهره الدنيا»، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٤٥ ح ٦ .

۲۰۷. البخاری بإسناده عن مسروق بن الأجدع، قال حدّثنی امام علی علیه السلام: بدان که دنیا، بلا خانه ای است که صاحبش هرگز دمی در آن نیاسود، مگر این که آن آسودگی اش در روز قیامت، مایه افسوس او شد. ۲۰۶. و منها: امام علی علیه السلام در وصف دنیا: دنیا، سرای کيفر و زوال، و نابودی و بلاست. روشنایی آن، تاریکی است و عیش آن، مکدر. توانگرش نادار، تن درستش ناخوش و عزیزش خوار. هر برخوردار از نعمت های آن، شوربخت است و هر سرمست از زر و زیورهای آن، فریفته. آن گاه که پرده کنار برود، پشیمانی بالا می گیرد و آغاز [کار]، ستایش یا نکوهش می شود. ۲۰۵.۳. النسائی بإسناده عن أبي بكر بن سليمان بن أبي حاتم علي عليه السلام: در سفارش به فرزندش امام حسن علیه السلام: بدان... بدرستی که دنیا، جز بر آن روال که خداوند قرارش داده است بر برخورداری و گرفتاری (یا: آزمایش) و سزادهی در معاد، و یا آنچه که او خواسته است و تو نمی دانی، قرار نمی گیرد. ۲۰۴.۲. البيهقي بإسناده عن أبي بكر بن سليمان بن أبي حاتم زين العابدين عليه السلام: بدانید که خداوند زرق و برق زودگذر دنیا را برای هیچ يك از دوستانش نخواسته است و آنان را به دنیا و به زیور گذرای آن و زیبایی ظاهری آن، ترغیب نکرده است؛ بلکه دنیا را آفرید و اهل آن را خلق کرد تا آنان را در دنیا بیازماید که کدامینشان برای آخرتش بهتر عمل می کنند. به خدا سوگند که او در این باره، برای شما مثال ها آورده و برای مردمی که خرد ورزند دلایل

گوناگون آورده است؛ و نیرویی نیست، مگر به واسطه خداوند.

٢٠٣.١ . الكليني بإسناده عن علي بن أسباط ، عن عمه يعالكافي عن الوليد بن صبيح عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : دَخَلْتُ عَلَيْهِ يَوْمًا فَأَلْقَى إِلَيَّ ثِيَابًا وَقَالَ : يَا وَلِيدُ ، رُدِّهَا عَلَيَّ مَطَاوِيهَا . فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رَجِمَ اللَّهُ الْمُعَلَّى بْنَ خُنَيْسٍ ، فَظَنَنْتُ أَنَّهُ شَبَّهَ قِيَامِي بَيْنَ يَدَيْهِ بِقِيَامِ الْمُعَلَّى بَيْنَ يَدَيْهِ ، ثُمَّ قَالَ : أُمَّ لِلدُّنْيَا أُمَّ لِلدُّنْيَا ! إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ بَلَاءٍ يُسَيِّطُ اللَّهُ فِيهَا عِدْوَةً عَلَى وَلِيِّهِ ، وَإِنَّ بَعْدَهَا دَارًا لَيْسَتْ هَكَذَا . فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، وَأَيْنَ تِلْكَ الدَّارُ؟! فَقَالَ : هَا هُنَا ، وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الْأَرْضِ . (١)راجع : ج ٢ ص ٢٧٤ (خصائص الآخرة / دار الجزاء) .

ب دارٌ مِحنَةٍ ٢٠٠. روى الشيخ بإسناده عن علي بن يقطين عن أبي الحسن عرسول الله صلى الله عليه وآله : الدُّنْيَا دَارٌ مِحنَةٍ (٢) .
 (٣) ١٩٩.٢ . ما رواه بإسناده عن عبدالرحمن بن الحججاج ، قال الإمام علي عليه السلام : إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ مِحنٍ وَمِحلٌ فِتْنٍ . (٤) ١٩٨.١ .
 ما رواه الشيخ الطوسي بإسناده عن محمد بن إسماعنه عليه السلام : مَنْ ظَفِرَ بِالدُّنْيَا نَصِبَ (٥) ، وَمَنْ فَاتَتْهُ تَعِبَ . (٦) .

-
- ١- الكافي : ج ٨ ص ٣٠٤ ح ٤٦٩ ، مختصر بصائر الدرجات : ص ٤٩ .
 - ٢- المِحنَةُ : واحده المِحنَةُ التي يُمْتَحَنُ بها الإنسان من بليته . وَمِحنَتُهُ وَاِمْتِحنَتُهُ : أى اختبرته ، والاسم المِحنَةُ (الصحاح : ج ٦ ص ٢٢٠١ «مِحن»).
 - ٣- عوالي اللآلى : ج ١ ص ٢٨٥ ح ١٣٠ ، غرر الحكم : ح ١٠٩٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٦٤ ح ٢ .
 - ٤- غرر الحكم : ح ٣٦٧٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٤٥ ح ٣٢٣٤ .
 - ٥- نَصِبَ الرَّجُلُ : أَعْيَا وَتَعِبَ (لسان العرب : ج ١ ص ٧٥٨ «نصب»).
 - ٦- غرر الحكم : ح ٩٠١٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٢٧ ح ٧٢٥١ .

ب. محنتکده

۱۹۷. وعنه، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن حمزها الكافي به نقل از وليد بن صبيح وليد گفت: روزی بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. ایشان، جامه هایی به طرف من انداخت و فرمود: «ای وليد! اینها را تا بزَن».

من در برابر ایشان ایستادم. فرمود: «خدا، معلی بن خنیس را رحمت کند!». من گمان بردم که امام علیه السلام ایستادن مرا در حضورش به ایستادن معلی در برابرش تشبیه کرد. (۱) سپس فرمود: «أف بر دنیا، اف بر دنیا! دنیا، در حقیقت، سرای آزمایش [و گرفتاری] است و خداوند، در آن، دشمنش را بر دوست خود مسلط می گرداند؛ اما از پس دنیا سرایی است که این گونه نیست».

گفتم: فدایت شوم! آن خانه کجاست؟

امام علیه السلام با دست خود به زمین اشاره کرد و فرمود: «این جا». ر. ک: ج ۲ ص ۲۷۵ (ویژگی های آخرت / سرای سزا).

ب. محنتکده ۱۹۴.۳. و کذا الحمیری باسناده عن إسماعیل بن عبد الخالق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، سرای محنت (۲) است. ۱۹۳.۲. الکلینی باسناده عن معاویه بن وهب، قال: امام علی علیه السلام: دنیا، سرای محنت ها و جایگاه فتنه هاست. ۱۹۲.۱. الشیخ الطوسی باسناده عن محمد بن حران، عن أُمّام علی علیه السلام: هر که به دنیا دست یافت، رنج بُرد و هر که از دستش داد، به مشقت افتاد.

۱- یعنی به یاد معلی افتاد که خدمتکارش بود و داوود بن علی، فرماندار مدینه، او را کُشت و اموال امام علیه السلام را تصاحب کرد.

۲- محنت: بلایی که خداوند، آدمی را بدان بیازماید (الصحاح: ج ۶ ص ۲۲۰۱ «محن»).

١٩١. ما رواه الشيخ بإسناده عن محمد بن إسماعيل، عن الرعنه عليه السلام: مُصَاحِبُ الدُّنْيَا هَدَفُ النَّوَائِبِ وَالْغَيْرِ (١). (٢) ١٩٠.٤. وما رواه الشيخ بإسناده عن أبي عيينه، قال: عنه عليه السلام: أَهْلُ الدُّنْيَا غَرَضُ النَّوَائِبِ، وَدَرِيَّةُ (٣) الْمَصَائِبِ، وَنَهْبُ الرِّزَايَا. (٤) ١٨٩.٣. روى الشيخ بإسناده عن معاوية، عن أبي عبد الله الإمام الصادق عليه السلام: لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ وَإِنْ سَاعَدَتْهُ الْأُمُورُ بِمُسْتَخْلَصِ غَضَارَةِ (٥) عَيْشٍ إِلَّا مِنْ خِلَالِ مَكْرُوهِهِ. (٦) راجع: ص ٤٢٢ (مضار حَبِّ الدُّنْيَا / التعب).

ج دارُ مُصِيبِهِ ١٨٦.٢. روى الشيخ الطوسي بإسناده عن حريز، عن أخبرها الإمام علي عليه السلام: الدُّنْيَا مَلِيئَةٌ بِالْمَصَائِبِ، طَارِقَةٌ بِالْفَجَائِعِ وَالنَّوَائِبِ. (٧) ١٨٥.١. روى الحميري عن محمد بن عبد الحميد، عن محمد بن علي عليه السلام: الدُّنْيَا مَصَائِبٌ مُفْجِعَةٌ، وَمَنَايَا مَوْجِعَةٌ، وَعِزٌّ مُقَطَّعَةٌ. (٨) ١٨٤. روى الكليني والصدوق بإسنادهما عن حمران، قال قلت لعنه عليه السلام في الْحِكْمِ الْمَنَسُوبِ إِلَيْهِ: الدُّنْيَا جَمَّةٌ (٩) الْمَصَائِبِ، مُرَّةُ الْمَشَارِبِ، لَا تُتَمَتَّعُ صَاحِبًا بِصَاحِبٍ. (١٠) ١٨٣.٣. الصدوق بإسناده عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فَجَائِعٍ، مَنْ عَوَّجَلَهَا فِيهَا فُجِعَ بِنَفْسِهِ، وَمَنْ أَمَهَلَ فِيهَا فُجِعَ بِأَحَبِّتِهِ. (١١).

١- أي تغيير الحال وانتقالها عن الصلاح إلى الفساد. والغَيْر: الاسم؛ من قولك: غَيَّرْتُ الشَّيْءَ فَتَغَيَّرَ (النهاية: ج ٣ ص ٤٠١ «غير»).

٢- غرر الحكم: ح ٩٧٩٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٩ ح ٩٠٦٥.

٣- الدرِّيَّة: ما يُتَعَلَّمُ عَلَيْهِ الطَّعْنَ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٣٢٧ «درى»).

٤- عيون الحكم والمواعظ: ص ١٢١ ح ٢٧٦٧، غرر الحكم: ح ٣١٩٦ وفيه «عرض» بدل «غرض» و«درِّيَّة» بدل «درِّيَّة».

٥- الغَضَارَةُ: الطَّيْبُ وَاللَّذَّةُ (النهاية: ج ٣ ص ٣٧٠ «غضر»).

٦- تحف العقول: ص ٣٨١، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٦٨ ح ١٨١.

٧- غرر الحكم: ح ١٧٢٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢ ح ١٣٥١ وليس فيه «طارقه بالفجائع».

٨- غرر الحكم: ح ٢٠٤٢.

٩- الجَمُّ: الكَثِيرُ (الصحاح: ج ٥ ص ١٨٨٩ «جمم»).

١٠- شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٢٧١ ح ١٤٠.

١١- غرر الحكم: ح ٣٦٥٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٥ ح ٣٢٢٣.

ج مصیبتکده

۱۸۲.۲ . روی الصدوق یاسناده عن حنان بن سدیر، عن أبي عمام علي عليه السلام: دنیا، دار آماجِ بلاها و پیشامدهاست. ۱۸۱.۱ . روی الكلینی یاسناده عن محمد بن مسلم، قال: امام علي عليه السلام: مردم دنیا، آماجِ بلاهایند، و هدف (۱) مصیبت ها، و تاراج رنج ها و صیدمات. ۱۸۰. روی الشيخ والصدوق یاسنادهما عن أبي السفاتج، عن أبا امام صادق عليه السلام: هیچ کس نیست که به نوشی بی نیش دست یابد، اگر چه همه عوامل به یاری اش بیاید. ر. ک: ص ۴۲۳ (زیان های دنیا دوستی / خستگی).

ج مصیبتکده ۱۷۷. روی الكلینی والشيخ الطوسی والصدوق قدس سرهماً یاسنادهما علی علیه السلام: دنیا، مالا مال از مصیبت هاست و با فاجعه ها و رویدادهای تلخ، فرا می رسد. (۲) ۱۷۶.۲ . روی الصدوق یاسناده عن ابن أبي عمير، قال: امام علي عليه السلام: دنیا، [سراسر] مصیبت هایی جگرسوز است، مرگ هایی دردناک و مجازات هایی خُرد کننده. ۱۷۵.۱ . روی الصدوق یاسناده عن عبد العظيم بن عبد اللہ امام علي عليه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: دنیا، پُر مصیبت است . آبشخور هایش تلخ است و دوستی را از دوستی بهره مند نمی گرداند. ۱۷۴.۲ . ما رواه هو والکلینی بالاسناد عن الحسين بن أبي امام علي عليه السلام: دنیا، سرای ناگواری هاست. هر که در آن مهلت داده نشود، به مصیبت مرگ خویش، گرفتار می آید و هر که در آن مهلت داده شود، به مرگ عزیزانش داغدار می شود.

-
- ۱- .دریّه یا دریئه: حلقه ای که برای آموختن، بر آن تیر و نیزه اندازند (القاموس المحيط : ج ۴ ص ۳۲۷ «دری»).
 - ۲- .طارق: آینده در شب، پیشامد ناگوار، پیشامد ناگوار در شب. طارق، در اصل، کسی را گویند که در شب نزد کسی بیاید و گاهی در مطلق کسی که نزد کسی برود، استعمال می شود.

١٧٣.١ . ما رواه الشيخ الطوسي بإسناده عن محمّد بن مسلم عنه عليه السلام: الدُّنْيَا مَحَلُّ الْآفَاتِ . (١) ١٧٢.٢ . ما رواه الشيخ الطوسي بإسناده عن أبي بصير، قال عنه عليه السلام: عَيْنُ الدَّهْرِ تَطْرِفُ بِالْمَكَارِهِ وَالنَّاسُ بَيْنَ أَجْفَانِهِ . (٢) دَارُ تَرَحٍّ ١٧٠.٣ . الكليني بإسناده عن جابر ، عن أبي جعفر عليه الرسول الله صلى الله عليه وآله في التَّحْذِيرِ مِنَ الدُّنْيَا: أَيْهَا النَّاسُ ! هَذِهِ دَارُ تَرَحٍّ (٣) لَا دَارَ فَرَحٍ ، وَدَارُ التَّوَاءِ لَا دَارَ اسْتِوَاءٍ ، فَمَنْ عَرَفَهَا لَمْ يَفْرَحْ لِرُجَائِهَا ، وَلَمْ يَحْزَنْ لِشِقَائِهَا . (٤) دَارُ عِبْرَةٍ ١٦٨.١ . الكليني بإسناده قال: الإمام عليّ عليه السلام: أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي ضَرَبَ الْأَمْثَالَ . . . وَأَنْذِرْكُمْ بِالْحُجَجِ الْبَوَالِغِ ، فَأَحْصَاكُمْ عَدَدًا وَوَضَّفَ لَكُمْ مُدَدًا (٥) ، فِي قَرَارِ خِبْرَتِهِ وَدَارِ عِبْرَتِهِ ، أَنْتُمْ مُخْتَبَرُونَ فِيهَا وَمُحَاسَبُونَ عَلَيْهَا . (٦) ١٦٧.٢ . وروى مسلم عنه صلى الله عليه وآله: عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَبْلَغُ نَاصِحٍ لِمَنْكَ الدُّنْيَا لَوْ انْتَصَيْتَ حَتَّى ؛ بِمَا تُرِيكَ مِنْ تَغَايُرِ الْحَالَاتِ ، وَتُوذُنُكَ بِهِ مِنَ الْبَيْنِ (٧) وَالشَّتَاتِ . (٨) .

١- غرر الحكم : ح ٥٧٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥ ح ٢٦٨ .

٢- إرشاد القلوب : ص ١١٢ .

٣- تَرَحٍّ تَرَحًا فَهُوَ تَرَحٌّ : إِذَا حَزِنَ (المصباح المنير : ص ٧٤ «ترح»).

٤- أعلام الدين : ص ٣٤٣ عن ابن عمر ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٨٧ ح ١٠ ؛ كنز العمّال : ج ٣ ص ٢١١ ح ٦٢٠٣ نقلًا عن الديلمي عن ابن عمر .

٥- المُدَّةُ : طائفه من الزمان ؛ تقع على القليل والكثير (النهاية : ج ٤ ص ٣٠٩ «مدد»).

٦- نهج البلاغه : الخطبه ٨٣ .

٧- البين : البعد والفراق (النهاية : ج ١ ص ١٧٥ «بين»).

٨- غرر الحكم : ح ٣٣٦٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٢٦ ح ٢٨٨٠ .

د غمکده**ه عبرتکده**

۱۶۶.۱ . روی ابن ماجه بإسناده عن النبي صلى الله عليه و امام على عليه السلام : دنيا، جایگاه آسیب هاست. ۱۶۵.۲ . روی الشيخ أيضا بإسناده إلى أبي الورد ، قال : امام على عليه السلام : چشم روزگار به ناگواری ها پلک می زند و مردم در میان پلک های او قرار دارند. د غمکده ۱۶۳.۲ . ما رواه الكليني والصدوق والبرقي قدس سرهما بإسنيامير خدا صلى الله عليه و آله در بر حذر داشتن از دنيا : ای مردم! این جا سرای غم است ، نه سرای شادی، و سرای پیچ در پیچ است ، نه سرای سر راست. پس هر که دنيا را شناخت ، به امیدی شاد نشد و از رنجی اندوهگین نگشت. ه عبرتکده ۱۶۱.۳ . ما رواه علي بن جعفر في كتابه، عن أخيه موسى بامام على عليه السلام : ای بندگان خدا ! شما را به پروا از آن خدایی سفارش می کنم که نمونه ها آورده... و با حجت های رسا هشدارتان داده است ، شمار شما را می داند ، و عمری برایتان مقرر کرده است، در جایگاه آزمایش و سرای عبرت . شما در دنيا آزمایش می شوید و برای آن ، مورد حسابرسی قرار می گیرید. ۱۶۰.۲ . وما رواه الشيخ الطوسي قدس سره بإسناده عن ابن مامان على عليه السلام : بهترین پندآموز برای تو دنیاست، اگر از دگرگونی حالاتی که به تو نشان می دهد و از جدایی و پراکندگی ای که به تو اعلام می کند ، پند گیری.

و دَارُ مَتَاعِ الْكَتَابِ «يَقُومُ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَّعَ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ». (١)

«وَمَا أُوْتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ». (٢)

«وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَّعٌ». (٣)

راجع: الشورى: ٣٦ والنساء: ٧٧.

الحديث ١٥٢.٣. وما رواه الشيخ الطوسي بإسناده عن الحسن بن الجهم الإمام علي عليه السلام: «إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَّاعٌ أَيَّامٌ قَلِيلٌ، ثُمَّ تَزُولُ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ، وَتُقَشَّعُ (٤) كَمَا يَنْقَشِعُ (٥) السَّحَابُ». (٦) ١٥١.٢. ما رواه المشايخ الثلاثة بالإسناد إلى محمّد بنعنه عليه السلام: «الأمْرُ قَرِيبٌ، وَالْإِصْطِحَابُ قَلِيلٌ». (٧) ١٥٠.١. ما رواه الكليني قدس سره بإسناده عن يحيى بن أبعنه عليه السلام: «إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَّاعٌ؛ وَمَتَّاعُ الدُّنْيَا بَطِيءٌ الْإِجْتِمَاعُ، قَلِيلُ الْإِنْتِفَاعِ، سَرِيعُ الْإِنْقِطَاعِ». (٨) ١٤٩.١. عن رسول الله صلى الله عليه وآله عنه عليه السلام: «أَوْقَاتُ الدُّنْيَا وَإِنْ طَالَتْ قَصِيرَةٌ، وَالْمَتَّعَةُ بِهَا وَإِنْ كَثُرَتْ يَسِيرَةٌ». (٩).

١- غافر: ٣٩.

٢- القصص: ٦٠.

٣- الرعد: ٢٦.

٤- قشعت الزَّيْجُ السَّحَابِ مِنْ بَابِ نَفَعِ أَي كَشَفْتُهُ، فَانْقَشَعَتْ وَتَقَشَّعَتْ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٤٨١ «قشع»).

٥- في الطبعة المعتمدة: «تقشع كما يقشع...»، والتصويب من طبعة النجف وبيروت وطهران.

٦- غرر الحكم: ح ٣٨٩٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٨ ح ٣٦٧١.

٧- نهج البلاغة: الحكمه ١٦٨، خصائص الأئمه عليهم السلام: ص ١٠٩، غرر الحكم: ح ١٠٠٣٩ وفيه «هُوَ عَلَىكَ فَإِنَّ الْأَمْرَ

قَرِيبٌ، وَالْإِصْطِحَابُ قَلِيلٌ، وَالْمَقَامُ يَسِيرٌ»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٠ ح ١٣٥.

٨- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٠٢.

٩- غرر الحكم: ح ٢١٨٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٦٧ ح ١٦٩٨.

و سرای برخورداری محدود

و سرای برخورداری محدود قرآن «ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها برخورداری [محدود و موقت] است، و در حقیقت، آن آخرت است که سرای ماندگاری است».

«و هر آنچه به شما داده شده است، برخورداری زندگی دنیا و زیور آن است؛ ولی آنچه پیش خداست، بهتر و پایدارتر است. مگر نمی اندیشید؟».

«و به زندگی دنیا شاد شده اند، حال آن که زندگی دنیا در برابر آخرت، جز برخورداری [محدود و موقت] نیست».

ر. ک: شورا: آیه ۳۶، نساء: آیه ۷۷.

حدیث ۱۴۱.۲. ما رواه المشايخ الثلاثة «قدست أسرارهم» عن أبامام علي عليه السلام: دنیا، در حقیقت، برخورداری چند روزه ای اندک است. سپس، همچون سراب از میان می رود و به سان ابر، پراکنده می شود. ۱۴۰.۱. ما رواه الشيخ الطوسي بإسناده عن عمر بن يزيد، امام علي عليه السلام: مرگ، نزدیک، و همراهی [با دنیا] اندک است. ۱۳۹. وقد روی ابن أبي جمهور مرسلًا {۱-} والنسائي {۲-} امام علي عليه السلام: زندگی دنیا، کالایی بیش نیست و کالای دنیا، دیر فراهم می آید و اندک به کار می آید و زود از کف می رود. ۱۳۸. قال الإمام عليه السلام حين سئل عن أحاديث البدع امام علي عليه السلام: اوقات دنیا، اگرچه بلند باشد، کوتاه است و بهره مندی از آنها، هرچند بسیار باشد، اندک است.

١٣٧.٢ . روى مسلم فى صحيحه عن عائشه : عنه عليه السلام : إِنَّ الدُّنْيَا عَيْشُهَا قَصِيرٌ وَخَيْرُهَا يَسِيرٌ ، وإِقْبَالُهَا خَدِيعَةٌ وَإِدْبَارُهَا فَجِيعَةٌ ، وَلَمَذَاتُهَا فَايَةٌ وَتَبِعَاتُهَا بَاقِيَةٌ . (١) ١٣٦.١ . روى الكلينى قدس سره فى الكافى بسنده عن الإمام الصادق عليه السلام : فى وَصِيَّتِهِ لِقَمَانِ لِابْنِهِ : يَا بُنَيَّ اعْلَمْ أَنَّ الدُّنْيَا قَلِيلٌ ، وَعُمُرُكَ مِنْهَا قَلِيلٌ مِنْ قَلِيلٍ ، وَيَقْرُؤُ مِنَ الْقَلِيلِ قَلِيلٌ . (٢) ١٣٥.١ . روى عن النبى صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : قَالَ لِقَمَانِ لِابْنِهِ : . . . يَا بُنَيَّ إِنَّ الدُّنْيَا قَلِيلٌ ، وَعُمُرُكَ قَصِيرٌ . (٣) ز دار قلعَه ١٣٣.١ . الهيثمى بإسناده عن على بن أبيطالب ، قال : الإمام على عليه السلام : إِنَّ الدُّنْيَا مَنْزِلٌ قَلَعَهُ وَلَيْسَتْ بِدَارٍ نُجَعَةٍ (٤) ، خَيْرُهَا زَهِيدٌ وَشَرُّهَا عَتِيدٌ (٥) ، وَمُلْكُهَا يُسَلَّبُ وَعَامِرُهَا يَخْرَبُ . (٦) ١٣٢.١ . فقد روى الصدوق قدس سره بإسناده عن عبد المؤمن الأنعنه عليه السلام : أَحَدُ ذُرُكُمُ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّهَا مَنْزِلٌ قَلَعَهُ وَلَيْسَتْ بِدَارٍ نُجَعَةٍ ، قَدْ تَزَيَّنَتْ بِغُرُورِهَا وَعُغْرَتْ بِزِينَتِهَا . (٧) عنه عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا ، وَلِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ ، وَلِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ ، وَأَنَّكَ فى قَلَعِهِ وَدَارِ بُلْغِهِ وَطَرِيقِ

إِلَى الْآخِرَةِ . (٨) .

- ١- غرر الحكم : ح ٣٦٧٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٤٦ ح ٣٢٣٩ .
- ٢- مشكاة الأنوار : ص ٤٦١ ح ١٥٣٧ .
- ٣- قصص الأنبياء : ص ١٩٥ ح ٢٤٥ ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٤٢٠ ح ١٤ .
- ٤- منزل قلعَه : إذا لم تصلح للاستيطان . والنُّجَعَةُ : طلب الكلا من مواضعه . وحاصله : أَنَّهَا لَيْسَتْ دَارَ رَاحَةٍ وَطَيْبِ عَيْشٍ (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٧٥٣ «نجع»).
- ٥- العتيد : الشىء الحاضر المهيأ (الصحاح : ج ٢ ص ٥٠٥ «عتد»).
- ٦- غرر الحكم : ح ٣٦٦٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٤٥ ح ٣٢٣١ .
- ٧- نهج البلاغه : الخطبه ١١٣ ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٧٧ ، كشف الغممه : ج ١ ص ١٧٢ وليس فيهما ذيله ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٤ ح ٥٣ ؛ مطالب السؤل : ص ٣٢ وليس فيه ذيله .
- ٨- نهج البلاغه : الكتاب ٣١ ، تحف العقول : ٧٦ ، كشف المحجّه : ص ٢٢٨ ، خصائص الأئمه عليهم السلام : ص ١١٧ وليس فيه «وللموت لا- للحياه» ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٠٥ ح ١ ؛ كنز العمال : ج ١٦ ص ١٧٣ ح ٤٤٢١٥ نقلاً عن وكيع والعسكرى فى المواعظ .

ز سرای کوچیدن

۱۳۱.۲ . عنه صلى الله عليه و آله وسلم : امام علي عليه السلام : دنیا، زندگی اش کوتاه و خیرش اندک است ، رو آوردنش مکر و پشت کردنش مصیبت است ، خوشی هایش رفتنی و پیامدهای آن ، ماندنی است. ۱. ۱۳۰. عن رسول الله صلى الله عليه و آله : امام صادق عليه السلام در سفارش لقمان به فرزندش : فرزندم! بدان که دنیا اندک است و عمر تو در آن ، اندکی از اندک است، و از اندک، اندک می ماند. ۳. ۱۲۹. الكليني يأسناده عن يونس، عنهم عليهم السلام امام صادق عليه السلام : لقمان به فرزندش گفت: ... فرزندم! دنیا اندک است و عمر تو کوتاه. ز سرای کوچیدن ۱. ۱۲۷. الكليني يأسناده عن عبد الله بن سنان، قال: قلامام علي عليه السلام : دنیا ، منزلگاه کوچیدن است و سرای آرمیدن نیست ، خوبی آن ، ناچیز است و بدی اش آماده ؛ مُلکش از چنگک می رود و آبادش ویران می گردد. ۱۲۶. حکي عن أبي موسى محمد بن المثنى العنزى الملقب بامام علي عليه السلام : شما را از دنیا بر حذر می دارم ، که دنیا ، منزلگاه کوچیدن است و سرای آرمیدن نیست ؛ با فریندگی اش خود را آراسته و با آرایشش می فریبد. ۱۲۵. أميا لفظ التهذيب فقد عرفته ، وأما كتاب المسائل فامام علي عليه السلام در سفارش به فرزندش حسن عليه السلام : بدان، ای فرزندم، که تو در حقیقت برای آخرت آفریده شده ای ، نه برای دنیا ؛ برای رفتن ، نه برای ماندن ؛ برای مُردن ، نه برای زنده ماندن، و تو در حال کوچیدنی و در سرای توشه برگرفتن و در راهی به سوی آخرت.

ح دارُ شُخوصٍ ١٢٣.١ . الشيخ الطوسي بإسناده عن عليّ بن جعفر ، عن أخيلام عليّ عليه السلام : أوصيكم عبادَ الله بتقوى الله ، وأحذرُكم الدنيا ؛ فإنّها دارُ شُخوصٍ (١) ، ومحلّه تنغيص ، ساكنها ظاعنٌ (٢) ، وقاطنُها بائنٌ . (٣) ١٢٢.٢ . ورواه الشيخ في بعض نسخ التهذيب معلقاً عن الكلّعن عليه السلام : إنّ الدنيا دارُ شُخوصٍ ومحلّه تنغيص ، ساكنها ظاعنٌ ، وقاطنُها بائنٌ ، وبرقُها خالبٌ (٤) ، ونطقُها كاذبٌ ، وأموالُها محروبةٌ (٥) ، وأعلاقُها (٦) مسلوبَةٌ . ألا وهي المتصدّية العتون (٧) ، والجامحة (٨) الحرون (٩) ، والمائيّة الخؤون . (١٠) ط دارُ مَمَرٌ ١٢٠ . وما رواه الصدوق بإسناده عن ابن أبي يعفور عن أبي عالمام عليّ عليه السلام : الدنيا دارُ مَمَرٍ لا دارُ مَقَرٍّ ، والناس فيها رجُلانٍ : رجُلٌ باع فيها

نفسه فأوبقها (١١) ، ورجُلٌ ابتاع نفسه فأعتقها . (١٢) .

- ١- شَخَصَ من بلدٍ إلى بلدٍ شخوصاً : أى ذهب . وأشخصه غيره (الصحاح : ج ٣ ص ١٠٤٣ «شخص»).
- ٢- ظَعَنَ : ارتحل ، والفاعل : ظاعن (المصباح المنير : ص ٣٨٥ «ظعن»).
- ٣- نهج البلاغه : الخطبه ١٩٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٣٣ ح ١٣٧ .
- ٤- يقال للسحاب يومض برقه حتى يرجى مطره ، ثم يخلف ويقلع وينقشع : الخلب ؛ وكأنه من الخلابه : وهي الخداع بالقول اللطيف (أنظر النهايه : ج ٢ ص ٥٨ «خلب»).
- ٥- المحزوبُ : المسلوبُ المنهوبُ (النهايه : ج ١ ص ٣٥٨ «حرب»).
- ٦- الأعلاق : أى نفائس الأموال ، الواحد : علق ، قيل : سُمي به لتعلق القلب به (النهايه : ج ٣ ص ٢٩٠ «علق»).
- ٧- العتن : الأشداء ، الواحد عتون (القاموس المحيط : ج ٦ ص ٢٤٦ «عتن»).
- ٨- جَمَحَ : أى أسرع إسرعا لا يردّه شيء (النهايه : ج ١ ص ٢٩١ «جمع»).
- ٩- فرسٌ حرون : لاينقاد ، وإذا اشتدّ به الجري وقف (الصحاح : ج ٥ ص ٢٠٩٧ «حرون»).
- ١٠- غرر الحكم : ح ٣٦٧٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٤٦ ح ٣٢٤١ وص ٥٥٦ ح ١٠٢٤٣ نحوه .
- ١١- وبقي : إذا هلك ، وأوبقه غيره (النهايه : ج ٥ ص ١٤٦ «وبق»).
- ١٢- نهج البلاغه : الحكمه ١٣٣ ، خصائص الأئمه عليهم السلام : ص ١٠٣ ، نزهه الناظر : ص ٦٧ ح ٥٨ وفيهما «إلى دار مقرّ» بدل «لا دار مقرّ» ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٧٥ وليس فيه «لا دار مقرّ» ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٣٠ ح ١٣٥ .

ح سرای رفتن

ط گذرگاه

ح سرای رفتن ۱۱۸.۲ . وفي الكافي مسنداً إلى الحسين بن سعيد، عن عبد‌امام علي عليه السلام: اي بندگان خدا! شما را به پروا از خدا سفارش مي‌کنم و از دنيا بر حذر تان مي‌دهم؛ زيرا که دنيا، سرای رفتن است و جایگاه تلخی‌ها؛ ساکن آن، کوچ گراست و مقیم آن، از دنيا جدا می‌شود. ۱۱۷.۱ . روی الشيخ الطوسي قدس سره باسناده عن الحسين بنامام علي عليه السلام: دنيا، سرای رفتن است و جایگاه تلخی‌ها؛ ساکن آن، کوچنده است و مقیم آن، از دنيا جدا می‌شود؛ آذرخشش بی باران است، گفتارش دروغ، دارایی‌هایش به غارت رونده و نفایسش از کف رونده. بدانید که دنيا سخت گیر (۱) و سرکش و چموش است و دروغ‌گویی خیانت پیشه است. ط گذرگاه ۱۱۵.۲ . ورواه الكليني قدس سره مرفوعاً عن أبان، قال: امام علي عليه السلام: دنيا، گذرگاه است، نه قرارگاه؛ و مردم در آن دو دسته‌اند: دسته‌ای که در دنيا خود را فروختند و به نابودی افکندند، و دسته‌ای که خود را خریدند و آزاد کردند.

۱- عبارت «المتصدية العتون» که در متن اصلی روایت آمده، به معنای «سختگیر بر بدهکار» و «آزار دهنده» معنا شده است؛ یعنی دنيا عرصه را بر انسان سخت می‌گیرد تا او را شکار کند و به دام افکند.

١١٤.١ . روى الشيخ الطوسى قدس سره بإسناده عن محمد بن يعنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مُقَامٍ ، بَلْ خُلِقَتْ لَكُمْ مَجَازًا لِتَرْوَدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالَ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ . فَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَازٍ (١) ، وَقَرَّبُوا الظُّهُورَ لِلزِّيَالِ (لِلزَّوَالِ) . (٢) ١١٣.٤ . ورواه الشيخ فى التهذيب : عنه عليه السلام : إِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مُقَامٍ وَلَا- مَحَلَّ قَرَارٍ ، وَإِنَّمَا جُعِلَتْ لَكُمْ مَجَازًا لِتَرْوَدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالَ الصَّيِّحَةَ لِإِدَارِ الْقَرَارِ . فَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَازٍ ، وَلَا- تَخْدَعَنَّكُمْ مِنْهَا الْعَاجِلَةَ وَلَا- تُعَزِّتْكُمْ فِيهَا الْفِتْنَةَ . (٣) راجع : ج ٢ ص ٢٦٢ (خصائص الآخرة / دار القرار) .

١١٠.١ . ابن إدريس الحلى من مسائل على بن الرئان الإمام على عليه السلام : اِعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا ؛ فَإِنَّ بَعْضَهَا يُشْبِهُ بَعْضًا ، وَآخِرُهَا لِاحِقٌ بِأَوَّلِهَا ، وَكُلُّهَا حَائِلٌ مُفَارِقٌ (٤) . (٥) ١٠٩.٢ . البخارى: الإمام الصادق عليه السلام : أَيْهَا النَّاسُ ، إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا دَارُ فِرَاقٍ وَدَارُ نِوَاءٍ لَا دَارَ اسْتِوَاءٍ ، عَلَى أَنَّ فِرَاقَ الْمَأْلُوفِ حُرْفَةٌ لَا تُدْفَعُ ، وَلَوْعَةٌ لَا تُرَدُّ . (٦) .

١- . على أوفاز : على سفر (النهاية : ج ٥ ص ٢١٠ «وفز») .

٢- . نهج البلاغه : الخطبه ١٣٢ .

٣- . غرر الحكم : ح ٣٦٩٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٤٨ ح ٣٢٥١ .

٤- . حائل : أى متغير ، وكل متغير حائل (النهاية : ج ١ ص ٤٦٣ «حول») .

٥- . نهج البلاغه : الكتاب ٦٩ ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٥٠٨ ح ٧٠٧ .

٦- . كمال الدين : ص ٧٤ ، الأمالى للصدوق : ص ٣٠٩ ح ٣٥٦ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٦٥ وفيه «لاتقلع» بدل «لاترد» ،

المناقب لابن شهر آشوب : ج ١ ص ٢٦٧ وليس فيه ذيله من «على أن فراق . . .» وكلها عن عنبه بن بجاد العابد ، روضه

الواعظين : ص ٤٨٦ ، بحار الأنوار : ج ٤٧ ص ٢٤٥ ح ٣ .

ی سرای جدایی

۱۰۸.۱ . ابن ماجه یاسناده عن عبد المجید بن وهب، قال: امام علی علیه السلام: دنیا آفریده نشده که سرای ماندن شما باشد، بلکه آفریده شده، که گذرگاه شما باشد تا از آن برای سرای ماندگاری تان توشه عمل برگیرید. پس، در دنیا همواره مهیای سفر باشید و مرکب ها را برای رفتن ، آماده سازید. ۱۰۷. ما رواه البیهقی یاسناده عن اَبی هریره، عن النبی صامام علی علیه السلام: دنیا آفریده نشده که برای شما سرای ماندن و جای آسودن باشد ؛ بلکه گذرگاه شما قرار داده شده است تا از آن برای سرای استقرارتان توشه اعمال نیک بردارید . پس، در دنیا همواره آماده باشید ؛ و زنهار که خوشی های زودگذر آن ، شما را نفریبد و فریبندگی هایش شما را گول نزند. ر . ک : ج ۲ ص ۲۶۳ (ویژگی های آخرت / سرای ماندن) .

ی سرای جدایی ۱۰۴.۱ . روت العامه عن عمرو عن سمره أنّ رجلاً أتى النامام علی علیه السلام: از گذشته دنیا برای آینده اش عبرت بگیر؛ زیرا همه اجزای آن ، شبیه یکدیگرند و انجام آن به آغازش می پیوندد و تماماً دگرگون شونده و از کف رفتنی است. ۱۰۳. کما روی الکلینی یاسناده الصحیح المعتضد بالأحادیامام صادق علیه السلام: ای مردم! این دنیا ، سرای فراق و خانه پیچ در پیچ است ، نه خانه ای سز راست. فراق عزیزان ، داغی است که مانعش نمی توان شد و سوزی است که جلوی آن را نمی توان گرفت.

كك دار فناء ١٠١. وروى ابن حنبل بإسناده الآخر عن شداد بن أوس أنها لإمام علي عليه السلام: الدنيا دار مئني (١) لها الفناء .
 (٢) ١٠٠. روى الصدوق قدس سره بإسناده عن عبايه بن ربيعي، قالعنه عليه السلام: إن الدنيا دار فناء وعناء، وغير وعبر؛ فمن
 الفناء أن الدهر موت مؤثر قوسه (٣)، لا تخطئ سهامه، ولا تؤسى (٤) جراحه، يرمى الحى بالموت، والصحيح بالسقم، والناجى
 بالعطب، آكل لا يشبع، وشارب لا ينقع (٥). ومن العناء أن المرء يجمع ما لا يأكل، ويبنى ما لا يسكن (٦). ٩٩.٣. الكليني
 قدس سره بإسناده عن الحسين بن أبي العلعنه عليه السلام: عجبت لعامر الدنيا دار الفناء، وهو نازل دار البقاء (٧). ٩٨.٢. الشيخ
 الطوسي قدس سره بإسناده عن عبد الله بنعنه عليه السلام: أيها الناس، ألا إن الدنيا دار فناء والآخرة دار بقاء، فخذوا من ممركم
 لمقركم، ولا تهتكوا أستاركم عند من لا تخفى عليه أسراركم (٨). ٩٧.١. روى ابن حنبل بإسناده عن أبي هريره أن النبيعنه عليه
 السلام: لو بقيت الدنيا على أحدكم، لم تصل إلى من هي في يديه (٩).

١- مئني له: أى قدر (لسان العرب: ج ١٥ ص ٢٩٢ «مئني»).

٢- نهج البلاغه: الخطبه ٤٥، كفايه الأثر: ص ١٠٣ عن رسول الله صلى الله عليه وآله وفيه «الدنيا دار الفناء»، روضه الواعظين
 ص: ٤٨٢ وفيه «مضى» بدل «مئني»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٢.

٣- أوترت القوس: شددت وترها (المصباح المنير: ص ٦٤٧ «وتر»).

٤- الأسا: المداواه والعلاج (لسان العرب: ج ١٤ ص ٣٤ «أسا»).

٥- لا ينقع: لا يروى (النهايه: ج ٥ ص ١٠٨ «نقع»).

٦- نهج البلاغه: الخطبه ١١٤، تحف العقول: ص ٢١٨، الأمالى للطوسي: ص ٤٤٣ ح ٩٩٢ عن ثعلبه بن ميمون عن الإمام
 الصادق عنه عليهما السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٦٨ كلها نحوه، غرر الحكم: ح ٣٦٥٨ وفيه «إن الدنيا دار عناء وفناء وغير
 وعبر ومحل فتنه ومحنه»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩٩ ح ٨٦.

٧- أعلام الدين: ص ٢٩٦، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٩٤ ح ١٠٧.

٨- عيون أخبار الرضا: ج ١ ص ٢٩٨ ح ٥٦، الأمالى للصدوق: ص ١٧٢ ح ١٧٤ كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسينى عن
 الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، مشكاه الأنوار: ص ٤٦٨ ح ١٥٦٧، روضه الواعظين: ص ٤٨٥، بحار الأنوار: ج ٧٣
 ص ٨٨ ح ٥٦.

٩- غرر الحكم: ح ٧٦٠٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤١٧ ح ٧٠٨٦.

ک سرای نابودی

ک سرای نابودی ۹۵. ما رواه الكليني بإسناده عن عبد العزيز بن مسلم، عنامام علي عليه السلام: دنيا، سرایی است که نابودی برای آن رقم خورده است. ۹۴.۲. السیوطی: امام علی علیه السلام: دنيا، سرای نابودی و رنج، و پیشامدها و عبرت هاست. از نشانه نابودگری [دنیا] آن که روزگار، زه کمان خویش را بر کشیده است، تیرهایش به خطا نمی رود و زخم هایش درمان نمی پذیرد؛ زندگان را با تیر مرگ نشانه می رود، تن درستان را با تیر بیماری، و رهیدگان را با تیر هلاکت؛ خورنده ای (آدمخواری) است که سیر نمی شود و نوشنده ای (خون آشامی) است که سیراب نمی گردد. و از نشانه رنج بودن دنیا آن که آدمی، آنچه را که نمی خورد، گرد می آورد، و بنایی را که در آن سئکنا نمی گزیند، می سازد. ۹۳.۱. کنز العمال مرفوعاً عن رجل من آل الحكم بن أبيامام علي عليه السلام: در شگفتم از کسی که دنیا، این سرای نیستی را آباد می کند، حال آن که در سرای ماندگاری اقامت خواهد گزید. ۹۲. روی الكلینی قدس سره بإسناده عن جميل بن درّاج، قالامام علي عليه السلام: ای مردم! بدانید که دنیا، سرای نیستی است و آخرت، سرای ماندگاری. پس، از گذرگاهتان برای اقامتگاهتان [توشه] بگیرید و در نزد کسی که رازهای شما بر او پوشیده نیست، پرده دری نکنید. ۹۱. و منها ما رواه الصدوق في الهداية: امام علي عليه السلام: اگر دنیا برای کسی از شما باقی می ماند، به کسی که دنیا در دست اوست، نرسیده بود.

٩٠. وبهذا الإسناد عن القاسم بن عروه، عن شجره أخى بشير عنه عليه السلام: إِنَّ مِنْ نَكَدِ (١) الدُّنْيَا أَنَّهَا لَا تَبْقَى عَلَى حَالِهِ ، وَلَا تَخْلُو مِنْ اسْتِحَالِهِ ، تُصَلِّحُ جَانِبًا بِفَسَادِ جَانِبٍ ، وَتُسِّرُّ صَاحِبًا بِمَسَاءَةِ صَاحِبٍ ، فَالْكُونُ فِيهَا خَطَرٌ ، وَالثَّقَةُ بِهَا غَرَرٌ ، وَالْإِخْلَادُ إِلَيْهَا مُحَالٌ ، وَالْإِعْتِمَادُ عَلَيْهَا ضَلَالٌ . (٢) ٨٩. ما رواه النورى عن كتاب القراءات للسيارى، عن البرعنه عليه السلام: كَفَاكَ مِنْ عُيُوبِ الدُّنْيَا أَلَا- تَبْقَى . (٣) ٨٨. وكذا المحقق فى الشرائع قال: عنه عليه السلام: إِحْذَرُوا الزَّائِلَ الشَّهِيَّ ، وَالْفَانِيَّ الْمَحْبُوبَ . (٤) ٨٧. الطبرسى فى مجمع البيان من قوله: عنه عليه السلام: كُلُّ أَحْوَالِ الدُّنْيَا زَلْزَالٌ ، وَمِلْكُهَا سَيْلٌ وَانْتِقَالٌ . (٥) ٨٦. الصدوق بإسناده عن معاوية بن عمّار، عن أبى عبد اللعنه عليه السلام: الدُّنْيَا مُتَّقَلَةٌ فَائِيَّةٌ ، إِنْ بَقِيَتْ لَكَ لَمْ تَبَقْ لَهَا . (٦) ٨٥. ما رواه العياشى والمحقق فى المعتمد نقلاً عن كتاعنه عليه السلام: كُلُّ مُدَّةٍ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى انْتِهَاءٍ ، وَكُلُّ حَيٍّ فِيهَا إِلَى مَمَاتٍ وَفَنَاءٍ . (٧) ٨٤. ما رواه الشيخ بإسناده عن ابن أبى عمير، عن بعض أصحابه عليه السلام: لَا تَتَنَافَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَفَخْرِهَا ، وَلَا تَعَجَبُوا بِزَيْنَتِهَا وَنَعِيمِهَا ، وَلَا تَجَزَعُوا مِنْ ضَمَرَانِهَا وَبُؤْسِهَا ؛ فَإِنَّ عِزَّ الدُّنْيَا وَفَخْرَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ ، وَإِنَّ زَيْنَتَهَا وَنَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ ، وَإِنَّ ضَمَرَهَا وَبُؤْسَهَا إِلَى نَفَادٍ ، وَكُلُّ مُدَّةٍ مِنْهَا إِلَى مُنْتَهَى ، وَكُلُّ حَيٍّ مِنْهَا إِلَى فَنَاءٍ وَبَلَاءٍ . (٨) .

١- النَكَدُ: الشُّؤْمُ وَاللُّؤْمُ (لسان العرب: ج ٣ ص ٤٢٧ «نكد»).

٢- غرر الحكم: ح ٣٦٨٤ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٤ ح ٣٢١٤ .

٣- المواعظ العددية: ص ٦٠ .

٤- غرر الحكم: ح ٢٥٨٧ .

٥- غرر الحكم: ح ٦٩١٦ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٧٦ ح ٦٣٧١ .

٦- غرر الحكم: ح ١٨٠٢ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٢ ح ١٥١ .

٧- غرر الحكم: ح ٦٩٢٠ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٧٧ ح ٦٣٧٤ و٦٣٧٥ .

٨- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٤٣٠ ح ١٢٦٣ ، نهج البلاغه: الخطبه ٩٩ ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٥٤ وليس فيهما

«وبلاء» ، مصباح المتهجد: ص ٣٨١ ح ٥٠٨ عن زيد بن وهب وفيه «ارتجاع» بدل «زوال» وليس فيه «فناء» ، بحار الأنوار: ج ٧٣

ص ١١٣ ح ١٠٩ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .

۸۳.۲. و یاسناده عن العلاء، عن زید الشَّحَام، قال: امام علی علیه السلام: از بی خبری دنیاست که بر یک حال نمی ماند و از دگرگونی خالی نیست؛ با خراب کردن گوشه ای، گوشه ای دیگر را آباد می کند و با ناراحت کردن دوستی، دوستی دیگر را شاد می کند. پس بودن در دنیا با خطرهای همراه است و اعتماد کردن به آن، فریب خوردن است و دل بستن به آن، نشاید و تکیه کردن به آن، خطاست. ۸۲.۱. الشیخ الطوسی یاسناده عن ابن مسکان، عن زید الشامام علی علیه السلام: از عیب های دنیا، همین تو را بس که نمی ماند. ۸۱.۳. الشیخ الطوسی یاسناده عن السکونی، عن جعفر، عن امام علی علیه السلام: از آن دلخواهی که زوال می پذیرد و از آن دلداری که نیستی می گیرد، دوری کنید. ۸۰.۲. الکلبینی یاسناده عن عمّار بن موسی عن اَبی عبد الامام علی علیه السلام: احوال دنیا، همه لرزان است و دارایی آن، گرفتنی و قابل سپردن به دیگری. ۷۹.۱. الکلبینی یاسناده عن عبد الله بن سنان، عن اَبی امام علی علیه السلام: دنیا، در حال انتقال از یکی به دیگری است و از کف رفتنی است. گیرم که دنیا برای تو بماند، تو برای آن نمی مانی. ۷۸.۲. ابن ماجه یاسناده عن عبد الوهاب الثقفی، عن جعفر امام علی علیه السلام: هر زمانی از دنیا، سرانجام به پایان می رسد و هر زنده ای در آن، رو به سوی مرگ و نیستی است. ۷۷.۱. الشیخ الطوسی یاسناده عن جعفر بن محمد، عن اَبی امام علی علیه السلام: در کسب عزّت و افتخارات دنیوی با هم به رقابت برنخیزید و به زیور و نعمت آن، سرخوش نشوید و بر سختی و مشقّت دنیا، بی تابی مکنید؛ زیرا که عزّت و افتخارات دنیا به سر می آید و زیور و نعمت آن، زوال می گیرد و سختی و مشقّتش به پایان می رسد. هر زمانی از دنیا پایانی دارد و هر زنده ای از آن، به نیستی و پوسیدگی می انجامد.

٧٦.١. ما روى عن رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: يَتَّبِعِي لِمَنْ عَرَفَ دَارَ الْفَنَاءِ أَنْ يَعْمَلَ لِإِمْدَارِ الْبَقَاءِ .
 (١) ٧٥. روى عن النبي صلى الله عليه وآله أنه نظر إلى بعضه عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ . . . وكونوا قوماً صيخ بهم فانتبهوا ،
 وعلموا أن الدنيا ليست لهم بدارٍ فاستبدلوا . (٢) ٧٤.٢. محمد بن يعقوب بإسناده، عن محمد بن مسلم عن أعنه عليه السلام
 : أَيْنَ الَّذِينَ مَلَكَوا مِنَ الدُّنْيَا أَقاصِيَهَا ؟! (٣) ٧٣.١. روى أبو هريره عن رسول الله صلى الله عليه وآله: أعنه عليه السلام: أَيْنَ الَّذِينَ
 بَلَّغُوا مِنَ الدُّنْيَا أَقاصِيَ الْهَمِّ؟! (٤) ٧٢. ما رواه الشيخ الطوسي بإسناده عن أبي بصير، قال: عنه عليه السلام: أسبابُ الدُّنْيَا مُنْقَطَعَةٌ ،
 وَعَوَارِيهَا مُرْتَجِعَةٌ . (٥) ٧١.٢. الشيخ بإسناده عن علي بن جعفر، عن أخيه موسى بالإمام زين العابدين عليه السلام: الْعَجَبُ كُلُّ
 الْعَجَبِ لِمَنْ عَمَلَ لِإِمْدَارِ الْفَنَاءِ ، وَتَرَكَ دَارَ الْبَقَاءِ . (٦) ٧٠.١. الشيخ الطوسي قدس سره بإسناده عن محمد بن سنان تنبيهه الخواطر
 : رُوِيَ أَنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ فِي مَوْكِبِهِ وَالطَّيْرُ تُظَلُّهُ ، وَالجِنُّ وَالْإِنْسُ عَنِ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ قَالَ : فَمَرَّ بِعَابِدٍ مِنْ عُبَادِ
 بَنِي إِسْرَائِيلَ ، فَقَالَ : وَاللَّهِ يَا بَنَ دَاوُدَ ، لَقَدْ آتَاكَ اللَّهُ مُلْكَاً عَظِيماً! قَالَ : فَسَمِعَهُ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : لَتَسْبِيحُهُ فِي صَاحِفِهِ
 مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِمَّا أُعْطِيَ ابْنُ دَاوُدَ ، وَإِنَّ مَا أُعْطِيَ ابْنَ دَاوُدَ يَذْهَبُ وَالتَّسْبِيحُ بَقِيَ . (٧) ٦٩.٢. الشيخ الطوسي في الاستبصار
 بإسناده عن الحسن بن الإمام علي عليه السلام في الديوان المنسوب إليه : إِنَّ الَّذِينَ بَنَوْا فَطَالَ بِنَاؤُهُمْ وَاسْتَمْتَعُوا بِالْأَهْلِ وَالْأَوْلَادِ
 جَرَّتِ الرِّيَاحُ عَلَى مَحَلِّ دِيَارِهِمْ فَكَأَنَّهُمْ كَانُوا عَلَى مِعَادٍ وَأَرَى النَّعِيمَ وَكُلَّ مَا يُلْهِي بِهِ يَوْمًا يَسِيرٌ إِلَى بَلِيٍّ وَنَفَادٍ (٨) ٩ .

- ١- غرر الحكم : ح ١٠٩٢٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٥١ ح ١٠١٦٨ .
- ٢- نهج البلاغه : الخطبه ٦٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٩٦ ح ٦٦٩٧ وح ٦٧٠٠ وفيه «بدارهم» بدل «لهم بدار» .
- ٣- غرر الحكم : ح ٢٨١١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٢٩ ح ٢٩٣٠ .
- ٤- غرر الحكم : ح ٢٨١٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٣٠ ح ٢٩٣٦ .
- ٥- غرر الحكم : ح ١٣٦٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٧٠ ح ١٧٧٧ وص ١٢٧ ح ٢٨٩٣ وفيهما «وأحبابها بها متفجعه» بدل «وعواريا مرتجعه» .
- ٦- الأمالى للطوسي : ص ٦٦٤ ح ١٣٨٧ ، المحاسن : ج ١ ص ٣٧٨ ح ٨٣٢ نحوه وكلاهما عن أبي حمزه الثمالى ، جامع الأخبار : ص ٢٩٦ ح ٨١٠ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٤٢ ح ٤ .
- ٧- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٢٩ ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٨٣ ح ٢٧ ؛ إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ٣٠٠ .
- ٨- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص ٢٠٦ الرقم ١٣٤ .

۶۸.۱ . الکلینی بإسناده عن إسماعیل بن جابر، قال: امام علی علیه السلام: برای کسی که سرای نیستی را شناخته ، سزاوار است که برای سرای ماندگاری کار کند. ۶۷.۲ . ورواه الشيخ الطوسی فی التهذیب بإسناده عن محمّام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! از خدا پروا کنید... و [چونان] مردمانی باشید که بر آنان ، بانگ زده شد و بیدار شدند و دریافتند که دنیا ، خانه آنها نیست و از این رو ، جایگزینش کردند. ۶۶.۱ . قال الصدوق قدس سره : امام علی علیه السلام : کجایند آنان که تا دوردست های زمین ، پادشاهی کردند؟! ۶۵.۲ . الکلینی أيضا والمفید بإسنادهما إلى شاهویه بن عامام علی علیه السلام : کجایند آنان که به دورترین خواست های دنیوی رسیدند؟! ۶۴.۱ . محمّد بن یعقوب بإسناده إلى علی بن عمرو العطاء امام علی علیه السلام : اسباب دنیا از هم گسیختنی است و عاریه های آن ، بازگشتنی. ۶۳. وما رواه الأخيران عن أبي عبد الله عليه السلام امام زين العابدين عليه السلام : شگفتا ، بس شگفتا از آن که برای سرای نیستی می کوشد و بر سرای ماندگاری چشم می پوشد! ۶۲. کما رواه المشايخ الثلاثة الکلینی والشيخ الطوسيتبیه الخواطر: روایت شده است که سلیمان بن داوود علیهما السلام با گروه همراه خود می رفت ، در حالی که پرندگان بر او سایه افکنده بودند و جّیان و آدمیان ، از راست و چپ او حرکت می کردند. بر عابدی از عابدان بنی اسرائیل گذشت . عابد گفت: ای پور داوود! به خدا سوگند که خداوند ، سلطنت با عظمتی به تو عطا کرده است .

سلیمان علیه السلام که سخن او را شنید، گفت: «یک ذکر سبحان الله در کارنامه مؤمن ، بهتر از آن چیزی است که به پور داوود داده شده است؛ زیرا آنچه به پور داوود داده شده ، می رود و ذکر تسبیح می ماند». ۶۱.۲ . الکلینی، عن علی بن إبراهیم، عن أبيه، عن ابنا امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : آنان که بناهای بلند بر ساختند و از زن و فرزندان ، برخوردار شدند . بادها بر خانه هایشان همی وزید

انگار که بر این قرار ، وعده داشتند . ونعمت ها و همه سرگرمی ها را می بینم

که روزی کهنه و نابود می شوند . ۱ .

١. ٦٠. مارواه الشيخ الطوسي بإسناده عن الحسين بن سعيد عنه عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: تَحَرَّزَ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ فَنَاءَهَا مَحَلُّ فَنَاءٍ لَا مَحَلُّ بَقَاءٍ فَصَفَوْتُهَا مَمْرُوجَةً بِكُدُورِهِ وَرَاحَتُهَا مَقْرُونَةٌ بِعَنَاءِ (١) ٥٩.٢. الشيخ الطوسي قدس سره بإسناده عن أيوب بن نوح، عنه عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: إِنَّمَّا الدُّنْيَا فَنَاءٌ لَيْسَ لِلدُّنْيَا ثُبُوتٌ إِنَّمَّا الدُّنْيَا كَكَبَيْتٍ نَسَبَتْهُ الْعَنَكَبُوتُ وَلَقَدْ يَكْفِيكَ مِنْهَا أُيُّهَا الطَّالِبُ قُوْتُ وَلَعَمْرِي عَنْ قَلِيلٍ كُلُّ مَنْ فِيهَا يَمُوتُ (٢).

١- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ٣٨ الرقم ١٠.

٢- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ١٦٢ الرقم ٩٠.

۵۸.۱. الکلینی، عن محمد بن إسماعیل، عن الفضیل بن شامام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : حذر از دنیا، که دنیای فانی منزلگاه رفتن است ، نه جای ماندن . زلالی اش آمیخته با تیرگی است و آسودگی اش قرین رنج .۵۷.تفسیر فرات و فی شواهد التنزیل عن [الإمام] علیّ علامام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : جز این نیست که دنیا فانی است دنیا را پایدگی نیست . دنیا ، همانند خانه ای است که عنکبوت آن را بتند . تو را از دنیا بسنده کند ای دنیاجوی، قوتی . به جانم سوگند که به زودی هر که در آن است ، می میرد ..

ل سَرِيْعَهُ الزَّوَالِ ٥٥.١ . الطبرسى : رسول الله صلى الله عليه و آله :الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَاجْعَلْهَا طَاعَةً . (١) ٥٤. منها :عنه صلى الله عليه و آله و آله :وَاللَّهِ مَا يُسَاوِي مَا مَضَى مِنْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ بِأَهْدَابِ (٢) بُرْدَى هَذَا ، وَلَمَّا بَقِيَ مِنْهَا أَشْبَهُ بِمَا مَضَى مِنَ الْمَاءِ بِالْمَاءِ ، وَكُلُّهُ إِلَى بَقَاءِ وَشِيْكَ وَزَوَالٍ قَرِيبٍ . (٣) ٥٣. وروى ابن حنبل بإسناده عن أبي هريره قال:عنه صلى الله عليه و آله :لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ بَعَثَهُ وَهُوَ ابْنُ خَمْسِينَ وَمِئَتَيْ سِنِينَ ، فَلَبِثَ فِي قَوْمِهِ أَلْفَ سِنِينَ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا ، وَبَقِيَ بَعْدَ الطُّوفَانِ خَمْسِينَ وَمِئَتَيْ سَنَةٍ ، فَلَمَّا أَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ قَالَ : يَا نُوحُ ، يَا أَكْبَرَ الْأَنْبِيَاءِ وَيَا طَوِيلَ الْعُمُرِ وَيَا مُجَابَ الدَّعْوَةِ ، كَيْفَ رَأَيْتَ الدُّنْيَا؟ قَالَ : مِثْلَ رَجُلٍ يُبْنَى لَهُ بَيْتٌ لَهُ بَابَانِ فَمَدَّخَلَ مِنْ وَاحِدٍ وَخَرَجَ مِنَ الْآخَرِ . (٤) ٥٢. وروى أيضا بإسناده عن علي عليه السلام قال :الإمام الصادق عليه السلام :عاش نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفَيْ سِنِينَ وَثَلَاثِمِئَةَ سِنِينَ ؛ مِنْهَا ثَمَانِمِئَةٍ وَخَمْسُونَ سِنِينَ قَبْلَ أَنْ يُبْعَثَ ، وَأَلْفُ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا وَهُوَ فِي قَوْمِهِ يَدْعُوهُمْ ، وَخَمْسِمِئَةَ عَامٍ بَعْدَ مَا نَزَلَ مِنَ السَّفِينَةِ وَنَضَبَ (٥) الْمَاءَ ، فَصَصَرَ الْأَمْصَارَ ، وَأَسْكَنَ وُلْدَهُ الْبُلْدَانَ .

ثُمَّ إِنَّ مَلَكُ الْمَوْتِ جَاءَهُ وَهُوَ فِي الشَّمْسِ ، فَقَالَ : السَّلَامُ عَلَيْكَ !

فَرَدَّ عَلَيْهِ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ : مَا جَاءَ بِكَ يَا مَلَكُ الْمَوْتِ؟

قَالَ : جِئْتُكَ لِإِقْبَاضِ رُوحِكَ .

قَالَ : دَعْنِي أَدْخُلْ مِنَ الشَّمْسِ إِلَى الظِّلِّ .

فَقَالَ لَهُ : نَعَمْ .

فَتَحَوَّلَ ، ثُمَّ قَالَ : يَا مَلَكُ الْمَوْتِ ، كُلُّ مَا مَرَّ بِي مِنَ الدُّنْيَا مِثْلُ تَحْوِيلِي مِنَ الشَّمْسِ إِلَى الظِّلِّ ، فَامْضِ لِمَا أُمِرْتُ بِهِ . فَاقْبَضَ رُوحَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (٦) .

١- .عوالى اللآلى : ج ١ ص ٢٨٥ ح ١٣١ ، مصباح الشريعة : ص ٣٣ وفيه «عباده» بدل «طاعه» ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٤٨ ح

١٤ .

٢- .هُدْبُ الثَّوْبِ : مَا عَلَى أَطْرَافِهِ (الصَّحَاحُ : ج ١ ص ٢٣٧ «هدب»).

٣- .أَعْلَامُ الدِّينِ : ص ٣٤١ ح ٢٨ عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٨٣ ح ١٠ .

٤- .تفسير القرطبي : ج ١٣ ص ٣٣٣ ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٣٥ ح ٦٣٢٠ نقلًا عن ابن عساكر ؛ كشف الغمّة : ج ٣ ص ٣٣٣ ،

إعلام الورى : ج ١ ص ٣٠٥ كلها عن أنس وراجع تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٣١ و مصباح الشريعة : ص ١٦٩ .

٥- .نَضَبَ الْمَاءَ : غَارَ فِي الْأَرْضِ (المصباح المنير : ص ٦٠٩ «نضب»).

٦- .الكافى : ج ٨ ص ٢٨٤ ح ٤٢٩ ، قصص الأنبياء : ص ٨٧ ح ٨٠ ، روضه الواعظين : ص ٤٨٨ ، الأمالى للصدوق : ص ٦٠٢ ح

٨٣٦ ، كمال الدين : ص ٥٢٣ ح ١ كلاهما عن هشام بن سالم وكلها نحوه ، بحار الأنوار : ج ١١ ص ٢٨٥ ح ٢ .

ل زودگذر

ل زودگذر ۵۰. روی الکلینی قدس سره یاسناده عن حمزه بن محمد، قال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، ساعتی است. پس آن را به طاعت بگذران. ۴۹.۲. الصدوق یاسناده عن ابراهیم بن محمد الهمدانی قپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به خدا سوگند، آنچه از این دنیای شما سپری شده، با نخ های زاید [اطراف] این ردای من، برابری نمی کند و باقی مانده آن به گذشته اش مانند تر از آب به آب است، و زودا که همه زوال گیرند و به [سرای] ماندگاری روند. ۴۸.۱. روی البخاری یاسناده عن اُبی هریره، عن النبی صلی الله علیه و آله: زمانی که خداوند، نوح علیه السلام را به پیامبری در میان قومش برانگیخت، دویست و پنجاه سال از عمر نوح می گذشت و نهصد و پنجاه سال نیز در میان قومش دعوت کرد و پس از توفان نیز دویست و پنجاه سال ماند و [با این حال] چون مَلَك الموت نزد او آمد، گفت: ای نوح! ای بزرگ ترین پیامبران، ای صاحب عمر دراز، ای مستجاب الدعوه! دنیا را چگونه دیدی؟

نوح علیه السلام گفت: «مَثَل مردی که برایش خانه ای بنا شود، با دو در که از یکی در آید و از دیگری به دَر رود». ۴۷.۲. الصدوق یاسناده عن اُبی الصلت الهروی، قال: امام صادق علیه السلام: نوح علیه السلام دو هزار و سیصد سال، عمر کرد. هشتصد و پنجاه سالِ آن را پیش از آن که برانگیخته شود، نهصد و پنجاه سال را به دعوت قومش پرداخت و پانصد سال پس از آن که از کشتی فرود آمد و آب، فروکش کرد و شهرها را ساخت و فرزندانش را در آبادی ها اسکان داد.

سپس، مَلَك الموت، نزد او که در گوشه آفتاب نشسته بود، آمد و گفت: سلام بر تو!

نوح علیه السلام جواب سلامش را داد و گفت: «برای چه آمده ای، ای مَلَك الموت؟».

گفت: آمده ام که جان تو را بگیرم.

نوح علیه السلام گفت: «اجازه بده که از آفتاب به سایه بروم».

مَلَك الموت گفت: باشد.

نوح علیه السلام به سایه رفت و سپس گفت: ای مَلَك الموت! این همه عمری که در دنیا سپری کردم، همانند این رفتنم از آفتاب به سایه بود. حالا مأموریتت را اجرا کن».

مَلَك الموت نیز جان نوح علیه السلام را گرفت.

٤٦.١ . علي بن إبراهيم بإسناده عن هشام، عن الصادق علاءام علي عليه السلام في ذم الدنيا: اذكروا عند تصريفها بكم سيرة انقضائها عنكم ، ووشك زوالها ، وضعف مجالها ، ألم تجدكم على مثال من كان قبلكم ، ووجدت من كان قبلكم على مثال من كان قبلكم ، جيل بعد جيل ، وأمة بعد أمة ، وقرن بعد قرن ، وخلف بعد خلف ، فلا هي تستحي من العار ، وما لا يتبغى من المبديات ، ولا تخجل من العدر . (١) ٤٥. وروى أيضا بإسناده عن علي عليه السلام قال : عنه عليه السلام : إن الدنيا سريعه التحول ، كثيرة التنقل ، شديده العدر ، دائمه المكر ، فأحوالها تتزلزل ، ونعيمها يتبدل ، ورخاؤها يتنقص ، ولذاتها تتنقص ، وطالبها يذل ، وراكبها يزل . (٢) ٤٤. روى الصدوق بإسناده عن الحسين بن خالد، قال : عنه عليه السلام : أولا ترى أن الدنيا ساعة بين ساعتين ؛ ساعة مضت ، وساعة بقيت ، وساعة أنت فيها! (٣) .

-
- ١- بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١١٥ ح ١٠٩ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .
 - ٢- غرر الحكم : ح ٣٦٨٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٤٧ ح ٣٢٤٥ .
 - ٣- التحصين لابن فهد : ص ١٦ ح ٢٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١١٢ ح ١٠٩ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .

۴۳. کما روی الکلینی قدس سره یاسناده عن حمزه بن محمد، امام علی علیه السلام در نکوهش دنیا: در هنگام برگشتن دنیا از شما، به یاد آورید که دنیا بر شما زود می گذرد، محکوم به زوال است و عرصه اش تنگ. آیا شما را به مانند کسانی که پیش از شما بودند، نیافت، و پیشینیان شما را نیز به مانند پیشینیان آنان: نسلی از پی نسلی، و امتی از پس امتی و قومی از پس قومی؟ پس، دنیا از تنگ و از رسوایی ها شرم نمی کند و از خیانت و بی وفایی خجالت نمی کشد. ۴۲.۲. الصدوق یاسناده عن ابراهیم بن محمد الهمدانی، امام علی علیه السلام: دنیا، زود از حالی به حالی در می آید و بسیار جا به جا می شود، سخت عهدشکن و بی وفاست و پیوسته، مکاری می کند. احوال آن، لرزان است و نعمت هایش در حال تغییر؛ آسودگی اش کاستی می پذیرد و خوشی هایش به تلخی می گراید. جوینده آن، خوار می شود و سوار بر آن، می لغزد. ۴۱.۱. ابن حنبل یاسناده عن ابیهریره، عن النبی صلی اللامام علی علیه السلام: نمی بینی که دنیا ساعتی است میان دو ساعت: ساعتی که گذشته و ساعتی که باقی مانده، و ساعتی که تو در آنی؟! .

٤٠. روى الكليني بإسناده عن زراره والفضيل، عن أبي جعفر الإمام الصادق عليه السلام: **إصبروا على طاعة الله وتصبروا عن معصية الله، فإنما الدنيا ساعة؛ فما مضى فليس تجد له سرورا ولا حزنا، وما لم يأت فليس تعرفه، فاصبر على تلك الساعة التي أنت فيها، فكأنك قد اغتبطت.** (١) راجع: ج ٢ ص ٢٦٦ (خصائص الآخرة / دار البقاء).

م محفوفة بالشهوات ٣٧. روى الشيخ قدس سره بإسناده عن صفوان بن يحيى، عن إرسول الله صلى الله عليه وآله: **ألا إن الآخرة اليوم محفوفة (٢) بالمكاره، وإن الدنيا محفوفة بالشهوات.** (٣) ٣٦.٢. الشيخ بإسناده عن جعفر بن بشير، عن إسماعيل، عن الإمام علي عليه السلام: **إنني أخذتكم الدنيا؛ فإنها حلوة خضرة (٤)، حفت بالشهوات، وتحتبت بالعاجله، وراقت (٥) بالقليل، وتحتت بالآمال، وتزيتت بالغرور. لا تدوم خبرتها (٦)، ولا تؤمن فجعتها، غرارة ضرارة، حائلة زائلة، نافذة بائدة، أكالة عوالة (٧).** (٨) راجع: ج ٢ ص ٢٧٦ (خصائص الآخرة / دار محفوفة بالمكاره).

- ١- الكافي: ج ٢ ص ٤٥٩ ح ٢١ عن سماعه وص ٤٥٤ ح ٤ نحوه، تحف العقول: ص ٣٩٦ عن هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام وراجع الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٦ ح ١٢٤.
- ٢- حَفَّ القومُ بالشىء وحواليه وحفوه وحفّفوه: أحذقوا به وأطافوا به وعكفوا واستداروا (لسان العرب: ج ٩ ص ٤٩ «حفف»).
- ٣- المعجم الكبير: ج ١٩ ص ٢٠٠ ح ٤٤٩ عن كليب بن حزن، كنز العمّال: ج ١٥ ص ٩٣٢ ح ٤٣٥٩٨ نقلاً عن ابن منده عن معاوية بن خفاجه.
- ٤- خَضِرَه: أى غَضّه ناعمه طريه (النهايه: ج ٢ ص ٤١ «خضر»).
- ٥- راقنى الشىء: أى أعجبني (الصحاح: ج ٤ ص ١٤٨٦ «روق»). قال ابن أبي الحديد: أى أعجبت أهلها، وإنما أعجبتهم بأمر قليل ليس بدائم (شرح نهج البلاغه: ج ٧ ص ٢٢٨).
- ٦- الحبره: النعمه وسعه العيش، وكذلك الحبور (النهايه: ج ١ ص ٣٢٧ «حبر»).
- ٧- التغول: التلون فى صور شتى. وتغولهم: تُضللهم عن الطريق (انظر النهايه: ج ٣ ص ٣٩٧ وص ٣٩٦ «غول»).
- ٨- نهج البلاغه: الخطبه ١١١، تحف العقول: ص ١٨٠ نحوه، غرر الحكم: ح ٣٦٨٦ وفيه «نضره» بدل «خضره» وليس فيه «وتحتبت بالعاجله»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩٦ ح ٨٢؛ مطالب السؤول: ص ٥٠ نحوه.

م احاطه شده به شهوت ها

۳۴. روی الكلینی والشیخ الطوسی والصدوق قدّست أَسرارهم بامام صادق علیه السلام: بر طاعت خدا بشکبید و بر ترک معصیت او صبوری کنید؛ چرا که دنیا ساعتی بیش نیست؛ زیرا برای آنچه گذشته است، نه شادی ای می یابی و نه اندوهی، و آنچه هم که نیامده است، نمی دانی چگونه است. پس، بر آن ساعتی که در آنی صبر کن، گویا که تو رشک برده شده ای. ک: ج ۲ ص ۲۶۷ (ویژگی های آخرت / سرای ماندگاری).

م احاطه شده به شهوت ها ۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدانید که آخرت را ناملایمات در میان گرفته است، و دنیا را خوشی ها و شهوات احاطه کرده است. ۳۰.۱. قال السیوطی فی الدرّ المنثور: امام علی علیه السلام: من، شما را از دنیا بر حذر می دارم؛ زیرا که دنیا شیرین و حَرَم است و تمایلات نفسانی آن را در میان گرفته است؛ بِاللذّت های زودگذرش دل می بَرَد و با [متاع] اندک خود، جلوه گری می کند؛ به آرزوها آراسته است و با زیور فریب، خود را می آراید؛ ناز و نعمتش پایدار نیست و از مصائب آن، ایمنی نیست؛ گول زنده است و آسیب رسان؛ دگرگون شونده است و زوال پذیر؛ پایان پذیر است و نابود شونده؛ آدمخوار است و مرگبار. ک: ج ۲ ص ۲۷۷ (ویژگی های آخرت / سرای محصور در ناملایمات).

١ / ٣ خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا ٢٦. وروى أيضا بإسناده عن علي عليه السلام ، قال :رسول الله صلى الله عليه وآله :إِنَّكُمْ خُلِقْتُمْ لِلْآخِرَةِ ،
وَالدُّنْيَا خُلِقَتْ لَكُمْ .(١)٢٥. روى الصدوق بإسناده عن الحسين بن خالد، قال :عنه صلى الله عليه وآله في خُطْبِهِ لَهُ :فَلْيَأْخُذِ الْعَبْدُ
الْمُؤْمِنُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ ، وَمِنْ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ .(٢)٢٤. روى ابن حنبل بإسناده عن أبي هريره عن النبي صلى الالامام علي عليه
السلام :الدُّنْيَا خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا وَلَمْ تُخْلَقْ لِنَفْسِهَا .(٣)٢٣. وروى الصدوق بإسناده عن إبراهيم بن محمد الهمدعنه عليه السلام
:فِي الدُّنْيَا حَيِّتُمْ ، وَلِلْآخِرَةِ خُلِقْتُمْ .(٤)٢٢. روى الكليني قدس سره بإسناده عن حمزه بن محمد،عنه عليه السلام :إِنَّكَ
مَخْلُوقٌ لِلْآخِرَةِ فَاعْمَلْ لَهَا . إِنَّكَ لَمْ (٥) تُخْلَقْ لِلدُّنْيَا فَازْهَيْدْ فِيهَا وَأَعْرِضْ عَنْهَا .(٦)٢١. قال حرب الکرمانی فی کتاب
السنة:عنه عليه السلام :أَلَا وَإِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي أَصْبَحْتُمْ تَتَمَنُّونَهَا وَتَرَعْبُونَ فِيهَا وَأَصْبَحَتْ تُغْضِبُكُمْ وَتُرْضِيكُمْ ، لَيْسَتْ بِدَارِكُمْ ،
وَلَا مَنَزِلِكُمْ الَّذِي خُلِقْتُمْ لَهُ وَلَا الَّذِي دُعِيتُمْ إِلَيْهِ . أَلَا- وَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِبَاقِيَةٍ لَكُمْ وَلَا- تَبْقَوْنَ عَلَيْهَا ، وَهِيَ وَإِنْ غَرَّتْكُمْ مِنْهَا فَقَدْ
حَذَّرَتْكُمْ شَرَّهَا ، فَدَعُوا غُرُورَهَا لِتَحْذِيرِهَا ، وَأَطْمَاعَهَا لِتَخْوِيفِهَا ، وَسَابِقُوا فِيهَا

إِلَى الدَّارِ الَّتِي دُعِيتُمْ إِلَيْهَا .(٧) .

- ١- .شُعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٦٠ ح ١٠٥٨١ عن الحسن البصرى ، تنبيه الغافلين : ص ٢٣٨ ح ٣٠٩ عن جابر بن عبد الله .
- ٢- .الكافي : ج ٢ ص ٧٠ ح ٩ عن حمزه بن حمران عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ص ٢٧ وليس فيه «المؤمن» ،
بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣٦٢ ح ٧ .
- ٣- .نهج البلاغه : الحكمة ٤٦٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٣٣ ح ١٣٦ .
- ٤- .عيون أخبار الرضا : ج ١ ص ٢٩٨ ح ٥٦ ، الأمالى للصدوق : ص ١٧٢ ح ١٧٤ كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسينى عن
الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، مشكاة الأنوار : ص ٤٦٨ ح ١٥٦٧ ، الإرشاد : ج ١ ص ٢٩٦ ، إرشاد القلوب : ص ١٩
وفيها «حبستم» بدل «حييتم» ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٨٨ ح ٥٦ .
- ٥- .فى المصدر «لن» بدل «لم» ، وما فى المتن أثبتناه من عيون الحكم و المواعظ .
- ٦- .غرر الحكم : ح ٣٨١٠ و ٣٨١١ ، عيون الحكم و المواعظ : ص ١٧٢ ح ٣٥٩٧ و ص ١٧١ ح ٣٥٧٠ .
- ٧- .نهج البلاغه : الخطبه ١٧٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٩٥ ح ١ وراجع تحف العقول : ص ١٨٤ .

۱ / ۳ دنیا برای غیر دنیا آفریده شده است

۱ / ۳ دنیا برای غیر دنیا آفریده شده است. ۱۸. روی الکلینی باسناده عن سلیم بن قیس الهلالی ، قال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شما برای آخرت آفریده شده اید و دنیا برای شما آفریده شده است. ۱۷. وعنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در یکی از خطبه هایش : بنده مؤمن باید از خود برای خود بهره گیرد و از دنیای خود برای آخرتش. ۱۶. وعنه صلی الله علیه و آله فی صفة علی علیه السلام : دنیا ، برای غیر خود آفریده شده و برای خودش آفریده نشده است. ۱۵. عن رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : در دنیا زندگی می کنید ؛ اما برای آخرت ، آفریده شده اید. ۱۴. وروی الهندی عنه صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : تو برای آخرت آفریده شده ای . پس برای آن کار کن . تو هرگز برای دنیا خلق نشده ای . پس از دنیا دل برکن و از آن ، روی بگردان. ۱۳. الکلینی مسندا عن رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : هان! این دنیایی که شما آرزویش را دارید و خواهان آنید، ولی او شما را گاه ناخشنود و گاه خشنود می سازد، آن سرا و منزلگاهی نیست که برایش آفریده شده اید ، و نه آن جایی که بدان فرا خوانده شده اید.

هان! دنیا برای شما ماندگار نیست و شما نیز در آن باقی نمی مانید. دنیا، اگر چه شما را می فریبد ؛ اما همو، خود، شما را از شر خویش برحذر داشته است . پس، هشدارش را بگیرید و فریبش را بگذارید و بیم دادنش را بگیرید و طمع هایش را وا نهید و در آن برای سرایی از یکدیگر سبقت بگیرید که به آن ، فرا خوانده شده اید.

١٢.٢ . الكلينى، والنعمانى، والشريف الرضى ، عن الإمامعنه عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا ، وَابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا . وَلَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلِقْنَا ، وَلَا بِالسَّعْيِ لَهَا أَمْرًا ، وَإِنَّمَا وُضِعْنَا فِيهَا لِنُبْتَلَى بِهَا ، وَنَعْمَلْ فِيهَا لِمَا بَعْدَهَا . (١) ١١. وروى المفيد مرفوعا: الإمام الصادق عليه السلام : أَحْكَمَ أَمْرَ دِينِكَ كَمَا أَحْكَمَ أَهْلُ الدُّنْيَا أَمْرَ دُنْيَاهُمْ ، فَإِنَّمَا جُعِلَتِ الدُّنْيَا شَاهِدًا يُعْرَفُ بِهَا مَا غَابَ عَنْهَا مِنَ الْآخِرَةِ ، فَاعْرِفِ الْآخِرَةَ بِهَا ، وَلَا تَنْظُرْ إِلَى الدُّنْيَا إِلَّا بِالْإِعْتِبَارِ . (٢) راجع : ص ١٠٦ (الدنيا مزرعه الآخرة)

وج ٢ ص ٢٨٢ (الفصل الثانى : الاهتمام بالآخرة) .

١ / ٤ مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ خَمِيلِهِ الرَّبِيعِ الْكَتَابِ «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَوَةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبِ بِالْأَنْعَامِ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» . (٣)

-
- ١- . غرر الحكم : ح ٣٦٩٦ ، نهج البلاغه : الكتاب ٥٥ وليس فيه ذيله ، معادن الحكمة : ج ١ ص ٢٧٧ ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ١١٦ ح ٤٠٩ .
 - ٢- . الكافى : ج ٨ ص ٢٤٣ ح ٣٣٧ عن خالد بن نجیح ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٥٣ .
 - ٣- . يونس : ٢٤ .

الف مَثَل مرغزار بهاری

۳. وروی الکلینی بإسناده عنه عن فضیل عن أبي عبد اللّٰه امام علی علیه السلام: خداوند بلند مرتبه، دنیا را برای پس از آن آفرید و مردمش را در آن به بوته آزمایش نهاد تا معلوم شود که چه کسی بهتر عمل می کند. ما برای دنیا آفریده نشده ایم و به تلاش برای آن، مأمور نشده ایم؛ بلکه در دنیا نهاده شده ایم تا به وسیله آن، آزموده شویم و در دنیا برای جهان پس از آن، کار کنیم. ۲. روی الشیخ الطوسی بإسناده عن ابن أخی فضیل عن أبي امام صادق علیه السلام: کار دینت را استوار ساز، چنان که دنیاداران، کار دنیایشان را استوار می سازند؛ زیرا دنیا، در حقیقت، علامت و گواهی قرار داده شده تا با آن، غیب دنیا، یعنی آخرت، شناخته شود. پس به وسیله دنیا، آخرت را بشناس و به دنیا، جز با دیده اعتبار منگر. ر. ک: ص ۱۰۷ (دنیا، کشتزار آخرت)

وج ۲ ص ۲۸۳ (فصل دوم: اهتمام به آخرت).

۱ / ۴ مَثَل دُنیا الف مَثَل مرغزار بهاریقرآن «در حقیقت، مَثَل زندگی دنیا به سان آبی است که آن را از آسمان فرو ریختیم. پس گیاه زمین، از آنچه مردم و دام ها می خورند، با آن در آمیخت تا آن گاه که زمین، پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که آنان، بر آن قدرت دارند. شبی یا روزی فرمان [ویرانی] ما آمد و آن را چنان در دیده کردیم که گویی دیروز وجود نداشته است. این گونه، نشانه ها [ی خود] را برای مردمی که می اندیشند، به روشی بیان می کنیم».

«وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلِ الْحَيَوِهِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا» . (١)

الحديث ١٥. محمد بن أبي عمير، عن الحسين الأحمسي، عن أبي عبد الإمام علي عليه السلام في وصف الدنيا: فَهِيَ كَرَوْضَةٍ إِعْتَمَ (٢) مَرَعَاهَا، وَأَعْجَبَتْ مَنْ يَرَاهَا، عَيْذِبُ شَرِبُهَا، طَيْبُ ثَرِبُهَا، تَمُجُّ عُرُوقُهَا الثَّرَى (٣)، وَتَنْطَفُ (٤) فُرُوعُهَا النَّدى، حَتَّى إِذَا بَلَغَ العُشْبُ إِبَانَهُ (٥)، وَاسْتَوَى بِنَانَهُ (٦)، هَاجَتْ رِيحٌ تَحْتُ (٧) الوَرَقِ، وَتُفَرِّقُ مَا اتَّسَقَ، فَأَصْبَحَتْ كَمَا قَالَ اللَّهُ: «هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا»، أَنْظَرُوا فِي الدُّنْيَا فِي كَثْرَةِ مَا يُعْجِبُكُمْ، وَقَلِّهِ مَا يَنْفَعُكُمْ . (٨) ١٤. محمد بن أبي عمير، عن ابن بكير، عن أبي عبد اللّامام الصادق عليه السلام: إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا وَإِنْ أَمْتَعْتَ بِبَهْجَتِهَا وَعَرَّتْ بِزَبْرِجِهَا، فَإِنَّ آخِرَهَا لَا يَعْدُو أَنْ يَكُونَ كَأَخْرِ الرَّبِيعِ الَّذِي يَرُوقُ بِخُضْرَتِهِ ثُمَّ يَهْبِجُ عِنْدَ انْتِهَاءِ مُيَدَّتِهِ . وَعَلَى مَنْ نَصَّحَ لِنَفْسِهِ وَعَرَفَ حَقَّ مَا عَلَيْهِ وَلَهُ، أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا نَظْرَ مَنْ عَقَلَ عَنِ رَبِّهِ جَلَّ وَعَلَا، وَحَدَرَ سَوْءَ مُنْقَلَبِهِ؛ فَإِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ خَدَعَتْ قَوْمًا فَارَقَوْهَا أَسْرًا

ما كانوا إليها، وأكثر ما كانوا اغتباطا بها، طرقتهم آجالهم بيّاتا وهم نائمون، أو ضحى وهم يلعبون ... (٩).

١- الكهف: ٤٥.

٢- اعْتَمَ: يقال للنبت إذا طال: قد اعتم (النهاية: ج ٣ ص ٣٠٢ «عمم»).

٣- قال العلامة المجلسي قدس سره: في مصباح اللغة: «مَجَّ الرجل الماء من فيه مَجًا: رمى به». وقال: «الثرى: ندى الأرض، والثرى أيضا: التراب الندى». أقول: إذا حملت الثرى على الندى، فالمعنى ظاهر؛ أي يترشح من عروقها الماء لكثرة طراوتها وارتوائها. وإذا حملت على التراب الندى، فالمعنى: تقذف عروقها الماء في الثرى، أو المراد أنّ عروقها لقوتها وكثرتها تقذف التراب وتدفعها إلى فوق وترفعها (مرآة العقول: ج ٢٥ ص ٣٥).

٤- تَنْطَفُ: تقطر (النهاية: ج ٥ ص ٧٥ «نطف»).

٥- إِبَانُ كُلِّ شَيْءٍ: وقته وحينه الذي يكون فيه (لسان العرب: ج ١٣ ص ٤ «أبن»).

٦- الْبِنَانُ: الرياض الحالية بالزهر (المعجم الوسيط: ج ١ ص ٧٢ «بن»).

٧- الْحَتَّ: سقوط الورق عن الغصن وغيره (تاج العروس: ج ٣ ص ٣٤ «حتت»).

٨- الكافي: ج ٨ ص ١٧ ح ٣ عن محمد بن إسماعيل الهمداني عن الإمام الكاظم عليه السلام.

٩- بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٧٢ ح ١ نقلاً عن مهج الدعوات: ص ٢٢٢ عن الربيع وفي بعض عباراته شيء من التصحيف.

«و برای آنان، زندگی دنیا را مَثَل بزن که مانند آبی است که آن را از آسمان، فرو فرستادیم. سپس، گیاه زمین با آن در آمیخت و [چنان] خشک گردید که بادهای پراکنده اش کردند؛ و خداست که همواره بر هر کاری تواناست».

حدیث ۱۱. امام علی علیه السلام در وصف دنیا: دنیا چون مرغزاری است که گیاهانش قد کشیده و بیننده اش را خوش می آید، آبش گواراست و خاکش خوش. از آوندهایشان تری می تراود و از شاخه هایشان ژاله می چکد، و چون سبزه هایش رشد کنند و گل و گیاهانش قامت بیفزایند، به ناگاه، بادی وزیدن می گیرد و برگ ها را فرو می ریزد و آن همه نظم و هماهنگی را از هم می پراکند و چنان می شود که خداوند فرموده است: «و چنان خشک گردید که بادهای پراکنده اش کردند، و خداست که همواره بر هر کاری تواناست. دنیا را بنگرید که از آنچه شما را خوش می آید، چه فراوان دارد و آنچه شما را سودمند می افتد، چه اندک دارد». ۱۰. ابراهیم بن ابی البلاد، عن ابيه، عن بعض اصحابهم امام صادق علیه السلام: این دنیا، اگرچه با خرمی هایش لذت می بخشد و با زرق و برقش می فریبد، اما فرجامی جز فرجام بهار ندارد که سرسبزی آن، دل نشین است؛ لیکن در پایان عمر بهار، آن همه خرمی می خشکد. آن که دلسوز خویش است و وظایف و حقوق خویش را می شناسد، باید به دنیا چونان کسی بنگرد که خداپسندانه می اندیشد و از بدفرجامی خویش بترسد؛ زیرا این دنیا، مردمانی را فریفت و در حالی از دنیا جدا شدند که در اوج سرخوشی از دنیا و شادمانی نسبت به آن بودند، شب هنگام که خفته بودند یا روز هنگام که سرگرم بازی [و تفریح] بودند، اجل هایشان، ناگاه به سراغشان آمد... .

ب مَثَلُ الْقَنْطَرَةِ ٨. الحسنُ بن علوان، عن عمرو بن خالد، عن زيد بن علي، الإمام علي عليه السلام في الحثِّ على الرُّهدِ في الدُّنيا: مَا يَصْنَعُ بِالْمَالِ وَالْوَلَدِ مَنْ يَخْرُجُ مِنْهَا وَيُحَاسِبُ عَلَيْهَا؟! عُرَاهُ دَخَلْتُمْ الدُّنْيَا وَعُرَاهُ تَخْرُجُونَ مِنْهَا ، وَإِنَّمَا هِيَ قَنْطَرَةٌ فَاعْبُرُوا عَلَيْهَا وَانْتِظَرُوهَا . (١) ٧. الحسنُ بن علوان، عن سعد بن طريف، عن زيد بن علي، عنه عليه السلام: الدُّنْيَا مَعْبَرَةٌ الْآخِرَةُ . (٢) ٦. النَّضْرُ بن سُويد، عن دُرُست، عن أبي المغراء، عن الإمام زين العابدين عليه السلام لِأَصْحَابِهِ: أَمَا بَلَّغْتُكُمْ مَا قَالَ عِيْسَى بِنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَيَوَارِيِّينَ ! قَالَ لَهُيْمُ : الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ ، فَاعْبُرُوهَا وَلَا تَعْمُرُوهَا (٣) . (٤) ٥. الحسنُ بن محبوب، عن علي بن رئاب، عن أبي عبيده، شُعب الإيمان عن مالك بن دينار: قالوا لِعِيْسَى بِنِ مَرْيَمَ : يَا رُوحَ اللَّهِ ، أَلَا تَبْنِي لَكَ بَيْتًا؟ قَالَ : بَلَى ، ابْنُوهُ عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ . قالوا : إِذَا يَجِيءُ الْمَاءُ فَيَذْهَبُ بِهِ ! قَالَ : أَيْنَ تُرِيدُونَ تَبْنُونَ لِي ؟ عَلَى الْقَنْطَرَةِ؟! (٥) .

١- إرشاد القلوب : ص ١٩ .

٢- غرر الحكم : ح ٤٣٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٩ ح ٦٤ .

٣- قال في تنبيه الخواطر بعد نقله قول النبي عيسى عليه السلام : هو مثال واضح ، فإنَّ حياه الدنيا معبر الآخرة ، والمهد هو المثل الأوَّل على رأس القنطرة ، واللحد هو المثل الثاني ، وبينهما مسافه محدوده ؛ فمن الناس من قطع نصف القنطرة ، ومنهم من قطع ثلثها ، ومنهم من قطع ثلثيها ، ومنهم من لم يبق إلا خطوه واحده وهو غافل عنها ، وكيف ما كان لا بد من العبور .

٤- الأمالى للمفيد : ص ٤٣ ح ١ عن أبي حمزه الثمالي ، الخصال : ص ٦٥ ح ٩٥ عن الزهري ، التحصين لابن فهد : ص ٣٠ ح ٥٤ ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٤٧ ، روضه الواعظين : ص ٤٨٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٠٧ ح ١٠٧ ؛ إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ٣١٧ .

٥- شُعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٩٩ ح ١٠٧٤٥ عن مالك بن دينار ، الدرر المنتور : ج ٢ ص ٢٠٢ .

ب مَثَل پُل

ب مَثَل پُل ۳. القاسم بن محمد، عن عليّ، عن أبي بصير، قال: امام علي عليه السلام در ترغیب به بی اعتنایی به دنیا: مال و فرزند، کسی را که از دنیا می رود و برای آن حسابرسی می شود، چه به کار می آید؟! برهنه به دنیا در آمدید و برهنه از آن برون می روید. دنیا، در حقیقت، پُلی است. پس، از آن بگذرید و مراقبش باشید. ۲. امام علی علیه السلام: دنیا، گذرگاه آخرت است. ۱. حدّثنا الحسين بن سعيد، قال: امام زين العابدين عليه السلام به یارانش: آیا به شما نرسیده است که عیسی بن مریم علیه السلام به حواریان چه گفت؟ به آنان فرمود: «دنیا، پُلی است. پس، از آن بگذرید و آبادش مسازید». ۱۲. فضیل بن عثمان، عن أبي عبيدة الحذاء، قال: شُعب الایمان به نقل از مالک بن دینار: به عیسی بن مریم گفتند: ای روح خدا! خانه ای برایت نسازیم؟ فرمود: «چرا. آن را بر کرانه دریا بسازید».

گفتند: آن گاه، آب می آید و آن را می بَرَد.

فرمود: «کجا می خواهید برایم بسازید؟ بر پُل؟!». (۱)

۱- در تنبیه الخواطر، پس از نقل این سخن عیسی علیه السلام آمده است: این یک مثال روشن است؛ چرا که زندگی دنیا پُل آخرت است. گهواره، یک سر این پل است و گور، سر دیگر این و میان این دو مسافتی محدود است. عدّه ای از مردم تا نیمه پل رفته اند، عدّه ای تا یک سوم، برخی تا دو سوم آن و برخی هم فقط یک گام تا انتهایش دارند و با این حال غافل اند. به هر حال، باید از این پل گذشت.

١١. الحسن بن محبوب، عن أبي حمزه، عن أبي إسحاق، قال: الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيهَا وَعَظَ بِهِ لِقْمَانُ ابْنَةُ : يَا بُنَيَّ . . . اجْعَلِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ قَنْطَرَةٍ عَلَى نَهْرٍ ، جُزَّتْ عَلَيْهَا وَتَرَكَتْهَا ، وَلَمْ تَرْجِعْ إِلَيْهَا آخِرَ الدَّهْرِ . (١) ج مَثَلُ الظِّلِّ وَالْغَيْمِ ٩. محمد بن أبي عمير، عن عبد الرحمن بن الحجاج، عن الزهد عن عبد الله بن سنان: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلٌ وَهُوَ عَلَى حَصِيرٍ قَدْ أَثَّرَ فِي جِسْمِهِ ، وَوَسَادَهُ لَيْفٌ قَدْ أَثَّرَتْ فِي خَدِّهِ . فَجَعَلَ يَمْسَحُ وَيَقُولُ : مَا رَضِيَ بِهَذَا كِسْرَى وَلَا قَيْصَرَ ، إِنَّهُمْ يَنَامُونَ عَلَى الْحَرِيرِ وَالذَّبْيَاجِ وَأَنْتَ عَلَى هَذَا الْحَصِيرِ!؟

قَالَ : فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَأَنَا خَيْرٌ مِنْهُمَا وَاللَّهِ ، لَأَنَا أَكْرَمُ مِنْهُمَا وَاللَّهِ ، مَا أَنَا وَالدُّنْيَا ، إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رَجُلٍ رَاكِبٍ مَرَّ عَلَى شَجَرَةٍ وَلَهَا فِيءٌ فَاسْتَظَلَّ تَحْتَهَا ، فَلَمَّا أَنْ مَالَ الظِّلُّ عَنْهَا ارْتَحَلَ فَذَهَبَ وَتَرَكَهَا . (٢) ٨. محمد بن أبي عمير، رفعه، عن أبي عبد الله عليه الإمام علي عليه السلام: الدُّنْيَا ظِلٌّ زَائِلٌ . (٣) ٧. محمد بن أبي عمير، عن عبد الرحمن بن الحجاج، قاعنه عليه السلام: الدُّنْيَا ظِلُّ الْعَمَامِ ، وَحُلْمُ الْمَنَامِ . (٤) ٦. فضاله، عن ربعي، عن الفضيل، عن أبي جعفر عليه العنه عليه السلام: لَا يَغْرَنُّكُمْ مَا أَصْبَحَ فِيهِ أَهْلُ الْغُرُورِ ، فَإِنَّمَا هُوَ ظِلٌّ مَمْدُودٌ إِلَى أَجَلٍ مَعْدُودٍ . (٥) ٩. النُّصْرُ بْنُ سُوَيْدٍ ، عَنْ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ ، عَنْ أَيُّوبَ ، قَاعَنَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الدُّنْيَا ظِلُّ الْعَمَامِ ، وَحُلْمُ الْمَنَامِ ، وَالْفَرْحُ الْمَوْصُولُ بِالْغَمِّ ، وَالْعَسَلُ الْمَشُوبُ بِالسَّمِّ ، سَيِّلَابَةُ النَّعْمِ ، أَكَالَةُ الْأَمَمِ ، جَلَابُةُ النَّقَمِ . (٦) .

-
- ١- الكافي : ج ٢ ص ١٣٤ ح ٢٠ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٩٤ كلاهما عن يحيى بن عقبة الأزدي ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٦٩ ح ٣٦ .
 - ٢- الزهد للحسين بن سعيد : ص ٥٠ ح ١٣٤ عن عبد الله بن سنان ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٦ ح ١٢٤ .
 - ٣- غرر الحكم : ح ٣١٨ و ح ٣٦٦٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٩ ح ٦٢ .
 - ٤- غرر الحكم : ح ١٩٦٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢١ ح ١٢٦ .
 - ٥- نهج البلاغه : الخطبه ٨٩ ، تحف العقول : ص ٢١٢ وفيه «إِنَّمَا الدُّنْيَا ظِلٌّ مَمْدُودٌ إِلَى أَجَلٍ مَعْدُودٍ» فقط ، بحار الأنوار : ج ٣٤ ص ٢٥٣ ح ١٠٠١ .
 - ٦- غرر الحكم : ح ٣٦٨١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٤٤ ح ٣٢١٧ .

ج مثل سایه

۱۰. صفوان، عن ابن مُسکان، عن أبي عُمر البرّاز امام صادق عليه السلام از اندرزه‌های لقمان به فرزندش: فرزندم!... دنیا را به سان پلی بر رودخانه ای بدان که از آن بگذری و رهایش کنی و دیگر، هرگز به سویش باز نگردی.

ج مثل سایه و ابر ۱۱. صفوان، عن أبي بصير، عن أبي جعفر عليه السلام، قال زهد حسين بن سعيد به نقل از عبدالله بن سنان: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: مردی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد، در حالی که ایشان بر بوریایی خفته بود و بالشی از لیف خرما زیر سر داشت و اثر [زبری] آن بوریای و بالش بر بدن و گونه پیامبر صلی الله علیه و آله مانده بود. مرد، شروع به دست کشیدن [بر جای بوریای] کرد و می گفت: کسرا و قیصر به این چیزها رضایت ندارند. آنان بر بستر حریر و دیبا می خفتند و تو بر چنین بوریایی؟!!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به خدا که من از آنها بهترم. به خدا سوگند که من، از آنان گرامی ترم. مرا چه به دنیا؟ حکایت دنیا، در حقیقت، حکایت مردی سواره است که از درختی می گذرد و آن درخت را سایه ای است و در سایه آن، فرود می آید و چون سایه اش می رود، او می کوچد و می رود و درخت را رها می کند». ۱۲. امام علی علیه السلام: دنیا، سایه ای ناپایدار است. ۱. حدّثنا الحسین بن سعید، قال: امام علی علیه السلام: دنیا، سایه ابر است و خوابی که خفته می بیند. ۲. ابراهیم بن ابي البلاد، عن بعض أصحابه، رفعه إلى بعامام علی علیه السلام: زنهار، برخوردار فریب خوردگان [دنیا] شما را نفریبد؛ زیرا که در دنیا [چون] سایه ای است که تا زمانی محدود، پهن می شود. ۳. القاسم و عثمان بن عیسی، عن علی، عن أبي بصير، عن أَمام علی علیه السلام: دنیا، سایه ابر است، خوابی است که خفته می بیند، شادی پیوسته به غم و شهد آمیخته به شرنگ است؛ رباینده نعمت ها خورنده ملت ها و جلب کننده رنج و عذاب هاست.

٤. وقال أبو بصير: عنه عليه السلام: ما مثلُ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي إِلَّا كَمَثَلِ غَيْمٍ عَلَا فَاسْتَعْلَى ، ثُمَّ اسْتَغْلَطَ فَاسْتَوَى ، ثُمَّ تَمَزَّقَ فَانْجَلَى .
 (١) ٥. فضاله، عن أبان، عن بشير التبال، قال: عنه عليه السلام يَصِفُ الدُّنْيَا: إِنَّهَا عِنْدَ ذَوِي الْعُقُولِ كَفَيْءِ الظِّلِّ ؛ بَيْنَا تَرَاهُ سَابِغًا (٢)
 حَيْثُ قَلَصَ (٣) ، وَزَائِدًا حَيْثُ نَقَصَ . (٤) ٦. عليُّ بن النعمان، عن ابن مُسْكَان، عن سليمان بن خالعه عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا
 كَطَلِّكَ ، إِنْ وَقَفْتَ وَقَفَ ، وَإِنْ طَلَبْتَهُ بَعُدَ . (٥) ٧. محمَّد بن أبي عمير، عن جميل، عن أبي عبد الله عليا لإمام زين العابدين عليه
 السلام: إِنَّ جَمِيعَ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا بَحْرَهَا وَبَرَّهَا وَسَيِّهْلِهَا وَجَبَلِهَا عِنْدَ وَلِيِّ مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَهْلِ
 الْمَعْرِفَةِ بِحَقِّ اللَّهِ ، كَفَيْءِ الظَّلَالِ . (٦) ٨. ابنُ أبي البلاد، عن أبيه، عن بعض أصحابه، الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا عِنْدَ الْعُلَمَاءِ
 مِثْلُ الظِّلِّ . (٧) ٩. محمَّد بن أبي عمير، عن علي، عن أبي بصير، قال: الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيما وَعَظَ اللَّهُ بِهِ عَيْسَى بْنِ
 مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا عَيْسَى ، لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا ، وَكُنْ مِثِّي عَلَى حَذَرٍ ، وَلَا تَغْتَرَّ بِالصِّحَّةِ وَلَا تُغْبِطَ نَفْسَكَ ؛ فَإِنَّ الدُّنْيَا كَفَيْءِ
 زَائِلٍ ، وَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كَمَا أُدْبِرَ . (٨) .

- ١- الاحتجاج: ج ١ ص ٢٤٦ ح ٤٨ ، معادن الحكمه: ج ١ ص ٣٨١ ح ٦٨ .
- ٢- شىء سابغ: أى كامل وافٍ (الصحاح: ج ٤ ص ١٣٢١ «سبغ»).
- ٣- قَلَصَ : انضَمَّ وانزوى (الصحاح: ج ٣ ص ١٠٥٣ «قلص»).
- ٤- نهج البلاغه: الخطبه ٦٣ ، روضه الواعظين: ص ٤٨٣ ، غرر الحكم: ح ٣٦٩٨ وفيهما «سائغا» بدل «سابقا» ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٩ ح ١٠٩ نقلًا عن عيون الحكم والمواعظ .
- ٥- غرر الحكم: ح ٩٨١٨ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٧ ح ٩٠٢٠ .
- ٦- تحف العقول: ص ٣٩١ عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٠٦ ح ١ .
- ٧- الزهد للحسين بن سعيد: ص ٥٠ ح ١٣٣ ، الأمالى للطوسى: ص ٢٩٦ ح ٥٨٢ ، بشاره المصطفى: ص ١٨٩ ، الفضائل: ص ٧٣
 ٧ كلها عن جابر وفي الثلاثه الأخيره «عند ذوى الألباب كفىء الظلال» بدل «عند العلماء مثل الظل» ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٦ ح ١٢٣ .
- ٨- الأمالى للصدوق: ص ٦١٠ ٦١٣ ح ٨٤٢ عن أبي بصير ، الكافى: ج ٨ ص ١٤١ ح ١٠٣ عن علي بن أسباط عنهم عليهم
 السلام ، تحف العقول: ص ٥٠٠ من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٤٥ وفيه «بالنصيحه» بدل «بالصحه» ،
 بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٩٩ ح ١٤ .

۱۰. امام علی علیه السلام: حکایت دنیای شما در نزد من نیست ، مگر به سان حکایت ابری که [به تدریج] بالا و بالاتر می آید و سَتَبَر و پُر می شود و سپس از هم می پراکند و از بین می رود. ۱. امام علی علیه السلام در توصیف دنیا: دنیا در نظر خردمندان ، چون حرکت سایه است که هنوز پهن نشده ، جمع می شود و هنوز زیاد نشده ، کم می شود. ۲. الحسن بن محبوب، عن علی بن رِئاب، عن أبي عبد اللامام علی علیه السلام: حکایت دنیا، به سان سایه توست که اگر بایستی ، می ایستد و اگر دنبالش کنی ، دور می شود. ۳. القاسم، عن علی، عن أبي بصیر، عن أبي عبد الله علامام زین العابدین علیه السلام: همه آنچه خورشید بر آن طلوع کند ، در خاوران و باختران زمین از دریاها و خشکی هایش و دشت ها و کوه هایش ، در نزد هر یک از اولیای خدا و به نزد آنان که خدا را به درستی می شناسند، همانند جا به جا شدن سایه هاست. ۴. امام باقر علیه السلام: دنیا، در نظر عالمان، به سان سایه است. ۵. القاسم بن محمد، عن علی، قال: امام صادق علیه السلام: از جمله اندرزه های خداوند به عیسی بن مریم علیه السلام : ... ای عیسی! چیزی را شریک من مگردان، از من برحذر باش و به تن درستی غره مشو و خویشتن را خوش بخت مپندار ؛ زیرا دنیا همانند سایه ای ناپایدار است و آنچه از آن بیاید ، به مانند آن است که رفته است .

٦. القاسم، عن عليّ، عن أبي بصير، قال: مصباح الشريعة فيما نَسَبَهُ إِلَى الإمامِ الصّادِقِ عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خَلَقَهَا اللهُ تَعَالَى بِمَنْزِلِهِ ذَلِكُكَ ، إِنْ طَلَبْتَهُ أَتَعَيَّكَ وَلَا تَلْحَقُهُ أَيْدَا ، وَإِنْ تَرَكَتَهُ يَتَّبِعُكَ وَأَنْتَ مُسْتَرِيحٌ . (١) ٧. القاسم، عن عليّ، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله علاء الإمام عليّ عليه السلام في الدِّيوانِ الْمَنسُوبِ إِلَيْهِ : إِنَّمَا الدُّنْيَا كَظَلِّ زَائِلٍ أَوْ كَضَيْفٍ بَاتَ لَيْلًا فَارْتَحَلَ أَوْ كَنَوْمٍ قَدْ يَرَاهُ نَائِمًا أَوْ كَبَرْقٍ لَاحَ فِي أَفْقِ الْأَمَلِ (٢) ٨. القاسم، عن عليّ، عن أبي بصير، قال: تنبيه الخواطر : كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتَمَثَّلُ وَيَقُولُ : يَا أَهْلَ لَمَدَاتِ دُنْيَا لَا بَقَاءَ لَهَا إِنَّ اغْتِرَارًا بِظِلِّ زَائِلٍ حُمُقٌ (٣) د مَثَلُ الْحُلْمِ ١٠. الحسن بن محبوب، عن مالك بن عطية، عن فلان بن عمّرسول الله صلى الله عليه وآله : الدُّنْيَا حُلْمٌ (٤) ، وَأَهْلُهَا عَلَيْهَا مُجَازُونَ مُعَاقِبُونَ . (٥) راجع : ج ٢ ص ١٨٢ (اجعل الدنيا بمنزله ما يصاب في المنام) .

١- . مصباح الشريعة : ص ١٨٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٦٥ ح ٢٦ .

٢- . الدِّيوانِ الْمَنسُوبِ إِلَى الإمامِ عليّ عليه السلام : ص ٤٠٤ الرقم ٣١٩ ، عيون أخبار الرضا : ج ٢ ص ١٧٧ ح ٧ عن يحيى بن أبي عباد عن عمّه عن الإمام الرضا عليه السلام ؛ البدايه والنهايه : ج ١٠ ص ٢٥٠ عن الإمام الرضا عليه السلام وفيهما : إِنَّمَا الدُّنْيَا كَظَلِّ زَائِلٍ حَلٌّ فِيهِ رَاكِبٌ ثُمَّ ارْتَحَلَ

٣- . تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٤٥ ، أعلام الدين : ص ٢٤١ ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٤ ص ١٥ ، كشف الغمّه : ج ٢ ص ١٨٧ ، إرشاد القلوب : ص ١٨٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٢ ح ١١١ ؛ إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ٣١٥ .

٤- . الرُّؤْيَا وَالْحُلْمُ : عبارته عمّا يراه النائم فينومه من الأشياء ، لكن غلبت الرؤيا على ما يراه من الخير والشىء الحسن ، وغلب الحُلْمُ على ما يراه من الشرِّ والقيح (النهايه : ج ١ ص ٤٣٤ «حلم») .

٥- . تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٤٥ ، روضه الواعظين : ص ٤٩١ وفيه «حلم المنام» ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٢ ح ١١٠ ؛ إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ٣١٥ .

دَمَثَل رُؤْيَا

۱۲. مصباح الشریعه در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده: دنیا را خداوند متعال به سان سایه تو قرار داده است که اگر در پی آن بدوی، تو را خسته می کند و هرگز بدان نمی رسی و اگر رهاش کنی، او در پی تو می آید و تو آسوده باشی. ۱۳. ابراهیم بن ابی البلاد، عن یعقوب بن شعیب بن میثم، امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان: دنیا، چون سایه ناپایدار است / یا چون میهمانی که شبی بیتوته کند و سپس برود. یا چون رؤیایی که خفته می بیند / یا چون آذرخشی که در افق آرزو بر می جَهِد. ۱۴. الحسن بن محبوب، عن الحسن بن علی، قال: تنسیه الخواطر: حسن بن علی علیهما السلام به این بیت تمثیل می جُست:

ای اهل لذت های دنیای ناپایدار! / فریفتگی به سایه ای گذرا، حماقت است. دَمَثَل رُؤْيَا ۲. فضاله بن ایوب، عن عمر بن أبان، عن آدم أخی ایوب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، خوابی است (۱) که خفته بیند و مردم دنیا برای آن سزا و کیفر بینند. ر. ک: ج ۲ ص ۱۸۳ (دنیا را به سان چیزی بدان که در رؤیا به آن، دست می یابی).

۱- رؤیا و حُلْم، خواب هایی اند که دیده می شوند. تفاوت رؤیا با حُلْم در این است که در رؤیا، غلبه با خوبی است و در حُلْم، غلبه با شرّ و بدی (النهایه: ج ۱ ص ۴۳۴ «حلم»).

ه مَثَلُ الشَّرَابِ ٥. عثمان بن عيسى، عن ابن مُسكان، عن أبي بصير، قال: الإمام علي عليه السلام: مَنْ سَعَى فِي طَلْبِ الشَّرَابِ ، طَالَ تَعَبُهُ وَكَثُرَ عَطَشُهُ . (١) ومَثَلُ الْبَحْرِ الْعَمِيقِ ١. ٢٨٨. الكليني بإسناده عن علي بن أبي المغيرة قال: الإمام الصادق عليه السلام في بيان مَوَاعِظِ لُقْمَانَ لِابْنِهِ : يَا بَنِيَّ ، إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ ، قَدْ هَلَكَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ ، فَاجْعَلْ سَيْفِيَّتَكَ فِيهَا الْإِيمَانَ ، وَاجْعَلْ شِرَاعَهَا التَّوَكُّلَ ، وَاجْعَلْ زَادَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ ، فَإِنْ نَجَوْتَ فَبِرَحْمَةِ اللَّهِ ، وَإِنْ هَلَكْتَ فَبِذُنُوبِكَ . (٢) ٢٨٩. الشيخ الطوسي والصدوق بإسنادهما إلى يونس بن يعقوب الإمام الكاظم عليه السلام : إِنَّ لُقْمَانَ قَالَ لِابْنِهِ : . . . يَا بَنِيَّ ، إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ ، قَدْ غَرِقَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ ، فَلْتَكُنْ سَيْفِيَّتَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ ، وَحَشْوُهَا الْإِيمَانَ ، وَشِرَاعَهَا التَّوَكُّلَ ، وَقِيَمُهَا (٣) الْعَقْلَ ، وَدَلِيلُهَا الْعِلْمَ ، وَسِيكَاُنُهَا (٤) الصَّبْرَ . (٥) ١. ٢٩٠. الصدوق بإسناده عن زراره عن أبي جعفر عليه السلقصص الأنبياء : كَانَ لُقْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِابْنِهِ : يَا بَنِيَّ ، إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ ، وَقَدْ غَرِقَ فِيهَا جِيلٌ كَثِيرٌ ، فَلْتَكُنْ سَيْفِيَّتَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ تَعَالَى ، وَلْيَكُنْ جِسْرُكَ إِيْمَانًا بِاللَّهِ ، وَلْيَكُنْ شِرَاعَهَا التَّوَكُّلَ ، لَعَلَّكَ يَا بَنِيَّ تَنْجُو وَمَا أَظُنُّكَ نَاجِيًا . (٦) .

- ١- غرر الحكم : ح ٩٠٦٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٢٥ ح ٧٢٠٧ .
- ٢- تفسير القمي : ج ٢ ص ١٦٣ عن حماد، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٢٨٢ ح ٢٤٥٧، الاعتقادات : ص ٤٩، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٥٤٠ ح ١٨٧٥ ، أعلام الدين : ص ٩٣ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٢٥٠ ح ٨٧ .
- ٣- القيم : السيد وسائس الأمر (لسان العرب : ج ١٢ ص ٥٠٢ «قيم»).
- ٤- سُكَّانُ السَّفِينَةِ : مَا تُسْكَنُ بِهِ السَّفِينَةُ وَتَمْنَعُ مِنَ الْحَرَكَةِ وَالْإِضْطِرَابِ (لسان العرب : ج ١٣ ص ٢١٠ «سكن»).
- ٥- الكافي : ج ١ ص ١٦ ح ١٢ ، تحف العقول : ص ٣٨٦ كلاهما عن هشام بن الحكم ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢٩٩ ح ١ .
- ٦- قصص الأنبياء : ص ١٩٠ ح ٢٣٨ عن عبد الحميد عن أبي الحسن عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٣٥ وفيه «حشوها» بدل «جسرك» ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٤١٦ ح ١٠ ؛ إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ٣٠٤ ، الدر المنثور : ج ٦ ص ٥١٨ نقلًا عن ابن حنبل وفيهما «حشوها» بدل «جسرك» .

ه مثل سراب**و مثل دریای ژرف**

ه مثل سراب ۲۹۲.۱. حکای الشوکانی عن ابن حنبل روایتہ عن عائشہ: امام علی علیہ السلام: هر که در پی سراب بدود، خسته تر و تشنه تر می شود.

و مثل دریای ژرف ۲۹۳. ثم قال الشوکانی: امام صادق علیہ السلام در بیان اندرزهای لقمان به فرزندش: فرزندانم! دنیا، دریایی ژرف است که خلقی بسیار در آن نابود شدند. پس کشتی خود را در آن، ایمان قرار ده و بادبانش را توکل و توشه ات را تقوای الهی. [با این حال] اگر رستی، به لطف خدا رسته ای و اگر هلاک شدی، به سبب گناهانت هلاک شده ای. ۲۹۴.۱. الشریف الرضی قدس سره و غیره عن الإمام أميرامام کاظم علیہ السلام: لقمان به فرزندش گفت: «... فرزندانم! دنیا، دریای ژرفی است که مردمان بسیاری در آن غرق شدند. پس کشتی تو در آن باید تقوای الهی باشد و اندرون آن کشتی، ایمان و بادبانش، توکل و ناخدایش، خرد و راهنمایش، دانش و سکانش، شکیبایی. ۲۹۵.۲. الأمدی مرفوعاً عن الإمام أمير المؤمنين علیہ القصص الأنبياء: لقمان علیہ السلام به فرزندش می گفت: «فرزندانم! دنیا، دریایی است که نسل های فراوانی در آن غرق گشته اند. پس باید که کشتی تو در این دریا، پروا از خدای تعالی باشد و گذرگاهت، ایمان به خدا و بادبانش توکل باشد تا نجات یابی، فرزندانم! هر چند [با این همه] گمان نمی کنم که نجات یابی.»

٢٩٦. الكليني بإسناده المرفوع عن رسول الله صلى الله على علاختصاص عن الأوزاعي: إِنَّ لُقْمَانَ الْحَكِيمِ رَحِمَهُ اللَّهُ لَمَّا خَرَجَ مِنْ بِلَادِهِ نَزَلَ بِقَرِيهِ بِالْمَوْصِلِ يُقَالُ لَهَا: كَوْمَلِس (١). قَالَ: فَلَمَّا ضَاقَ بِهَا ذَرْعُهُ وَاشْتَدَّ بِهَا غَمُّهُ وَلَمْ يَكُنْ بِهَا أَحَدٌ يُعِينُهُ عَلَى أَمْرِهِ، أَغْلَقَ الْبَابَ وَأَدْخَلَ ابْنَهُ يَعِظُهُ، فَقَالَ:

يَابُنَيَّ، إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ هَلَكَ فِيهَا بَشَرٌ كَثِيرٌ، تَزُودُ مِنْ عَمَلِهَا وَتَأْخُذُ سَفِينَهُ حَشْوُهَا تَقْوَى اللَّهِ، ثُمَّ ارْكَبْ لُجَجَ الْفُلِكِ تَنْجُو، وَإِنِّي لَخَائِفٌ أَلَّا تَنْجُو.

يَابُنَيَّ، السَّفِينَةُ إِيمَانٌ، وَشِرَاعُهَا التَّوَكُّلُ، وَسُكَّانُهَا الصَّبْرُ، وَمَجَازِيْفُهَا الصَّوْمُ وَالصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ.

يَابُنَيَّ، مَنْ رَكِبَ الْبَحْرَ مِنْ غَيْرِ سَفِينَةٍ غَرِقَ. (٢) زُمَّتْهُ الثُّوبُ الْمَشْقُوقِ ٢٩٨. الحميرى بإسناده عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم ارسول الله صلى الله عليه وآله: مَثَلُ هَذِهِ الدُّنْيَا مَثَلُ ثَوْبٍ شَقَّ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ، فَبَقِيَ مُتَعَلِّقًا بِخَيْطٍ فِي آخِرِهِ، فَيُوشِكُ ذَلِكَ الْخَيْطُ أَنْ يَنْقَطِعَ. (٣).

١- وفي بعض النسخ: «كوماس» (هامش المصدر).

٢- الاختصاص: ص ٣٣٦، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٤٢٧ ح ٢٢ نقلاً عن كتاب النوادر لجعفر بن الحسين وفيه «يتبعه على أثره» بدل «يعينه على أمره».

٣- شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٦٠ ح ١٠٢٤٠، مشكاة المصابيح: ج ٣ ص ٤٩ ح ٥٥١٥ كلاهما عن أنس، إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣١٧، حليه الأولياء: ج ٨ ص ١٣١ عن أنس وفيه «الدنيا والآخرة» بدل «هذه الدنيا» و«منها فما لبث» بدل «في آخرة فيوشك»، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٣١ ح ٦٣٠١؛ تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٤٨ وفيه «هذه» بدل «مثل هذه».

ز مَثَل جامه دریده

۲۹۹.۱. روی القمی یاسناده عن إسحاق بن عمّار عن أبي علاختصاص به نقل از اوزاعی: لقمان حکیم ، چون از شهر خویش برون شد ، در آبادی ای در موصل فرود آمد که بدان ، کوملیس (۱) می گفتند. چون در آن آبادی طاقتش طاق شد و غَمَش بالا- گرفت و در آن آبادی کسی نبود که او را در کارهایش کمک کند [و از غم و تنهایی به در آورد]، در به روی خویش بست و فرزندش را به درون خواند و به اندرز دادن وی پرداخت و گفت:

«فرزندم! دنیا ، دریای ژرفی است که انسان های بسیار در آن نابود شدند. از کار دنیا توشه برگیر و کشتی ای بساز ، اندرونش از تقوای الهی . سپس با آن ، گرداب های این دریا را بیمای تا نجات یابی، گرچه باز هم می ترسم که نجات نیابی.

فرزندم! آن کشتی، ایمان است و بادبانش ، توکل و سگانش ، شکیبایی و پاروهایش ، روزه و نماز و زکات.

فرزندم! هر که بی کشتی به دریا برود ، غرق می شود». ز مَثَل جامه دریده ۳۰۱.۱. عن أمير المؤمنين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مَثَل این دنیا ، مَثَل جامه ای است که از سر تا به ته ، دریده و در انتهایش به نخ آویخته است. زودا که آن نخ نیز بگسلد.

۱- در برخی نسخه ها، «کوماس» است.

١ / ٥٥ مَثَلُ أَهْلِ الدُّنْيَا مَثَلُ الْمُسَافِرِ ١. ٣٠٥. روى الصدوق بإسناده عن طلحة بن يزيد ، عن جعفر روضه الواعظين : قِيلَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : كَيْفَ يَكُونُ الرَّجُلُ فِي الدُّنْيَا؟

قَالَ : مُتَشَمِّرًا (١) كَطَالِبِ الْقَافِلَةِ .

قِيلَ : فِي كَمِ الْقَرَارِ فِيهَا؟

قَالَ : كَقَدْرِ الْمُتَخَلِّفِ عَنِ الْقَافِلَةِ .

قِيلَ : فَكَمِ مَا بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟

قَالَ : غَمَضُهُ عَيْنٍ ؛ قَالَ اللَّهُ : « كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ » (٢) . (٣) ٣٠٦.٢ . روى الصدوق والمفيد الثاني قدس سره بإسنادهما عن الإمام علي عليه السلام : أَهْلُ الدُّنْيَا كَرَكِبٍ يُسَارُّ بِهِمْ وَهُمْ نِيَامٌ . (٤) ٣٠٧.٣ . روى الصدوق بإسناده عن المعلى بن خنيس ، قال : عنه عليه السلام : إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا كَرَكِبٍ ؛ بَيْنَا هُمْ حَلُّوا إِذْ صَاحَ بِهِمْ سَائِقُهُمْ فَارْتَحَلُوا . (٥) ٣٠٨.١ . الشهيد الثاني بإسناده إلى الشيخ الطوسي ، بإسناده عليه السلام في صِفَةِ الدُّنْيَا : إِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَمَثَلُهَا كَرَكِبٍ سَلَكَوا سَبِيلًا فَكَأَنَّ قَدْ قَطَعُوهُ ، وَأَفْضَلُوا إِلَى عِلْمٍ (٦) فَكَأَنَّ قَدْ بَلَغُوهُ ، وَكَمِ عَسَى الْمُجْرَى إِلَى الْغَايَةِ أَنْ

يُجْرَى إِلَيْهَا حَتَّى يَبْلُغَهَا ، وَكَمِ عَسَى أَنْ يَكُونَ بَقَاءً مَنْ لَهُ يَوْمٌ لَا يَعْدُوهُ ، وَطَالِبٌ حَيْثُ فِي الدُّنْيَا يَحْدُوهُ حَتَّى يُفَارِقَهَا؟! (٧) .

١- التَّشَمِيرُ فِي الْأَمْرِ : السَّرْعَةُ فِيهِ وَالخَفَةُ . وَشَمَّرَ ثَوْبَهُ : رَفَعَهُ . وَمِنْهُ قِيلَ : شَمَّرَ فِي الْعِبَادَةِ ؛ إِذَا اجْتَهَدَ وَبَالَغَ (المصباح المنير : ص ٣٢٢ «شمر»).

٢- الْأَحْقَافُ : ٣٥ .

٣- روضه الواعظين : ص ٤٩١ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٢ ح ١١٠ .

٤- نهج البلاغه : الحكمة ٦٤ ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٧٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٨ ح ١٣١ .

٥- نهج البلاغه : الحكمة ٤١٥ ، مشكاة الأنوار : ص ٤٦٨ ح ١٥٦٣ ، روضه الواعظين : ص ٤٨٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٣٢ ح ١٣٦ ؛ مطالب السؤول : ص ٥٧ .

٦- العَلَمُ : شَيْءٌ يُنْصَبُ فِي الْفُلُوتِ تَهْتَدِي بِهِ الضَّالَّةُ (لسان العرب : ج ١٢ ص ٤١٩ «علم»).

٧- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٤٢٩ ح ١٢٦٣ ، مصباح المتهجد : ص ٣٨١ ح ٥٠٨ وفيه «من الموت» بدل «في الدنيا» وليس فيه «حتى يفارقها» ، بحار الأنوار : ج ٨٩ ص ٢٣٧ ح ٦٨ .

۱ / ۵ مَثَل اهل دنیا

الف مَثَل مسافر

۱ / ۵ مَثَل اهل دنیا الف مَثَل مسافر ۱. ۳۱۲. فی مجمع البیان نقلاً عن تفسیر العیاشی بإسناد روضه الواعظین: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: آدمی در دنیا چگونه به سر برد؟

فرمود: «کوشا، همچون جوینده کاروان».

گفته شد: چند در آن بماند؟

فرمود: «به اندازه شخص عقب مانده از کاروان» .

گفته شد: فاصله میان دنیا و آخرت ، چند است؟

فرمود: «چشم بستنی. خدای می فرماید: «روزی که آنچه را وعده داده می شوند ، بنگرند، گویی که آنان ، جز ساعتی از روز را [در دنیا] نمانده اند». ۳۱۳.۲. روی الکلبینی بإسناده عن سلام بن المستنیر، عن أَمام علی علیه السلام: مردم دنیا، به سان کاروانی خفته اند که می بَرندشان. ۳۱۴.۳. روی الصدوق بإسناده عن عبدالحمید، عن ابن أبی امام علی علیه السلام: مردم دنیا، چونان کاروانیانی هستند که هنوز بار نیفکنده ، ساربان بر آنان بانگ [الرحیل] می زند و می کوچند. ۳۱۵.۴. وروی الکلبینی قدس سره بإسناده عن عمر بن یزید، امام علی علیه السلام در توصیف دنیا: حکایت شما و حکایت دنیا ، به سان مسافرانی است که در راهی قدم گذاشتند و گویی ، آن را پشت سر نهاده اند و به سوی نشانی رفتند و چنان است که بدان رسیده اند. آن که [مَرکب خویش را] به سوی هدفی تازاند ، چند امید است که بتازد تا بدان رسد و آن که عمر یک روز ای بیش ندارد و جوینده ای شتابان (یعنی مرگ) در دنیا او را می راند تا از دنیا جدا شود، چند امید است که بماند؟!!

٣١٦.١. الشريف الرضى قدس سره عن أمير المؤمنين عليه العنه عليه السلام: عبادَ الله! أوصيكم بالرِّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا . . . فَإِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَمَثَلُهَا كَسَيْفٍ (١) سَيْلَكُمْ سَبِيلًا- فَكَأَنَّكُمْ قَدْ قَطَعُوهُ ، وَأَمَّا عَلَمَا فَكَأَنَّكُمْ قَدْ بَلَغُوهُ . (٢) ٣١٧.٢. روى الكليني قدس سره بإسناده إلى الأصمغ بن نباعنه عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَكُمْ بِدَارٍ وَلَا- قَرَارٍ ، إِنَّمَا أَنْتُمْ فِيهَا كَرَكِبٍ عَرَّسُوا (٣) فَأَنَاخُوا ، ثُمَّ اسْتَقَلُّوا فَعَدُّوا وراحوا ، دَخَلُوا خِيفًا وَرَاحُوا خِيفًا ، لَمْ يَجِدُوا عَن مَضِيٍّ نَزْوَعًا ، وَلَا إِلَى مَا تَرَكَوا رُجُوعًا ، جُدَّ بِهِمْ فَحَدُّوا ، وَرَكَنُوا إِلَى الدُّنْيَا فَمَا اسْتَعَدُّوا ، حَتَّى إِذَا أَخَذَ بِكَظْمِهِمْ (٤) وَخَلَصُوا (٥) إِلَى دَارِ قَوْمٍ جَفَّتْ أَقْلَامُهُمْ ، لَمْ يَبْقَ مِنْ أَكْثَرِهِمْ خَبْرٌ وَلَا- أَثْرٌ ، قَلَّ فِي الدُّنْيَا لَبْثُهُمْ ، وَعُجِّلَ إِلَى الْآخِرَةِ بَعْتُهُمْ ، فَأَصْبَحْتُمْ حُلُولًا فِي دِيَارِهِمْ ، ظَاعِنِينَ (٦) عَلَى آثَارِهِمْ ، وَالْمَطَايَا بِكُمْ تَسِيرُ سِيرًا مَا فِيهِ أَيْنٌ (٧) وَلَا- تَفْتِيرُ ، نَهَارُكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دَوُوبٌ ، وَلَيْلُكُمْ بِأَرْوَاحِكُمْ ذَهُوبٌ ، فَأَصْبَحْتُمْ تَحْكُونَ مِنْ حَالِهِمْ حَالًا وَتَحَدِّثُونَ مِنْ مَسَلِكِهِمْ مَثَلًا ، فَلَا تَعْرَنْتُمْ الحَيَاةَ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّمَا أَنْتُمْ فِيهَا سَفَرٌ حُلُولٌ ، المَوْتُ بِكُمْ نَزُولٌ ، فِيكُمْ مَنَايَا ، وَتَمَضَى بِأَخْبَارِكُمْ مَطَايَا ، إِلَى دَارِ الثَّوَابِ وَالْعِقَابِ وَالْجَزَاءِ وَالْحِسَابِ . (٨)

- ١- السَّفَرُ: جَمْعُ سَافِرٍ ، وَالمُسَافِرُونَ جَمْعُ مُسَافِرٍ ، وَالسَّفَرُ وَالمَسَافِرُونَ بِمَعْنَى (النهاية: ج ٢ ص ٣٧١ «سفر»).
- ٢- نهج البلاغه: الخطبه ٩٩ ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٥٤ وفيه «كركب» بدل «كسفر» ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٣ ح ١٠٩ نقلًا عن عيون الحكم والمواعظ .
- ٣- التعريس: نزول المسافر آخر الليل نزله للنوم والاستراحه ، يقال: عرّس (النهاية: ج ٣ ص ٢٠٦ «عرس»).
- ٤- .. الكَظْمُ: هو مخرج النَّفْسِ مِنَ الحلق (النهاية: ج ٤ ص ١٧٨ «كظم»).
- ٥- خَلَصَ إِلَيْهِ وَوَصَلَ (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٣٠١ «خلص»).
- ٦- ظَعَنَ: ارتحل ، والفاعل: ظاعن (المصباح المنير: ص ٣٨٥ «ظعن»).
- ٧- الأين: الإعياء والتعب (النهاية: ج ١ ص ٨٧ «أين»).
- ٨- الكافي: ج ٨ ص ١٧١ ح ١٩٣ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٤٩ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٤٨ ح ٣٠ وراجع مطالب السؤل: ص ٥١ .

۳۱۸.۳. روی الشریف الرضی قدس سره عنه علیه السلام فی خامام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! شما را به روی برتافتن از این دنیا سفارش می‌کنم... زیرا حکایت شما و حکایت آن، به مانند مسافرانی است که در راهی قدم گذاشته‌اند و گویی آن را پشت سر نهاده‌اند و آهنگ نشانه‌ای کردند و چنان است که بدان رسیده‌اند. ۳۱۹.۴. وروی عنه أيضا: امام علی علیه السلام: ای مردم! دنیا، نه سرای شهادت و نه ماندنگاهتان است؛ بلکه شما در آن به سان کاروانی هستید که اواخر شب در جایی اتراق می‌کنند و می‌آسایند، و صبحگاهان بر می‌نشینند و می‌کوچند، زود در می‌آیند و زود می‌روند، از رفتن گزیری نمی‌یابند و به آنچه بر جای نهاده‌اند، بازگشتی ندارند. آنان را به شتاب وا داشتند و شتافتند، و به دنیا میل کردند و خود را آماده ساختند، تا آن که حلقومشان گرفته شد و به سرای مردمانی در آمدند که قلم‌هایشان خشکید (۱) و از بیشتر آنان، نام و نشانی نماند. در دنیا، اندک ماندند و زود، رهسپار آخرت شدند و شما در خانه‌های آنان، مقیم شدید و در پی آنان می‌کوچید و مرکب‌ها، بی‌هیچ خستگی و سستی، شما را می‌برند. روزتان، جسم‌های شما را می‌فرساید و شب‌تان، جان‌های شما را می‌برد و شما، حکایتگر حال آن رفتگان می‌شوید و به راه آنان می‌روید. پس، زنده‌ای که دنیا شما را نفریبید؛ چه، شما در دنیا مسافرانی هستید فرود آمده [در این منزلگاه]، و مرگ در میان شما فرود آمده و با تیرهای نابودی آماج‌تان قرار

داده و مرکب‌های آن، خبرهای شما را به سوی سرای پاداش و کیفر و سزا و حساب می‌برد. .

۱- مراد، این است که: به خاطر دور بودن روزگار آنها و نابود شدن آثارشان، قلم‌مردمان، از این که آثار آنان را ثبت کند، خشکید به خاطر دوری دوران آنها و نابودی آثارشان (بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۲۴۸). احتمال هم دارد که مراد، قلم فرشتگان باشد. در این صورت، کنایه از قطع شدن علم فرشتگان نسبت به آنهاست. احتمال هم دارد کنایه از چیزی باشد که در لوح و قلم، تقدیر شده است. گویا براساس آن، فرشتگان از نگارش آنچه مربوط به آنهاست، فارغ شده‌اند و دیگر به حساب آورده نمی‌شوند (شرح اصول الکافی ملاً صالح مازندرانی ج ۱۲، ص ۲۰۹).

٣٢٠. المجلسي عن جامع الأصول، عن علي عليه السلام، قاعنه عليه السلام في وصيته لابنه الحسن عليه السلام: يابئني إني قد أنبأتك عن الدنيا وحالها وزوالها وانتقالها، وأنبأتك عن الآخرة وما أعدد لآهلها فيها، وضربت لك فيهما الأمثال، لتعتبر بها، وتحذو عليها.

إنما مثل من خبر الدنيا كمثل قوم سيفر نبا (١) بهم منزل جديد (٢)، فأموا منزلاً خصيباً وجناباً (٣) مريعا (٤)، فاحتملوا وعثاء (٥) الطريق، وفراق الصديق، وخشونه السفر، وجشوبة (٦) المطعم، ليأتوا سعة دارهم، ومنزل قرارهم، فليس يجدون لشيء من ذلك ألماً، ولا يرون نفقة فيه مغرماً، ولا شيء أحب إليهم مما قربهم من منزلهم، وأدناهم من محلتهم.

ومثل من اغتر بها كمثل قوم كانوا بمنزل خصيب، فنبأ بهم إلى منزل جديد، فليس شيء أكره إليهم ولا أظع عندهم من مفارقه ما كانوا فيه إلى ما يهجمون عليه، ويصيرون إليه. (٧) ١. ٣٢١. عن رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: عباد الله، الله في أعز الأنفس عليكم، وأحبها إليكم، فإن الله قد

أوضح لكم سبيل الحق وأنار طرقه، فشقوه لارمه، أو سعادة دائمه؛ فتزودوا في أيام الفناء لآيام البقاء، قد دلتهم على الزاد، وأمرتهم بالظعن، وحشتم على المسير، فإنما أنتم كركب وقوف، لا يدرون متى يؤمرون بالسير. ألا فما يصنع بالدنيا من خلق لآخزه؟! (٨).

- ١- نبا به منزله: إذا لم يوافق (النهاية: ج ٥ ص ١١ «نبا»).
- ٢- جذب المكان: يبس لاحتباس الماء عنه (المعجم الوسيط: ج ١ ص ١٠٩ «جذب»).
- ٣- الجناب: الناحية (النهاية: ج ١ ص ٣٠٣ «جنب»).
- ٤- أرض مريعه: مخصبه (الصحاح: ج ٣ ص ١٢٢٣ «ريع»).
- ٥- الوعثاء: الشده والمشقه (النهاية: ج ٥ ص ٢٠٦ «وعث»).
- ٦- الجشب: الغليظ الخشن من الطعام (النهاية: ج ١ ص ٢٧٢ «جشب»).
- ٧- نهج البلاغه: الكتاب ٣١، تحف العقول: ص ٧٣ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٠٢ ح ١.
- ٨- نهج البلاغه: الخطبه ١٥٧، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤٣١ ح ٤٦.

۳۲۲.۲. ما رواه الكلینی یاسناده عن یزید بن خلیفه، قال امام علی علیه السلام در سفارش به فرزندش حسن علیه السلام: فرزندم! من، تو را از دنیا و حال و روز آن، و از کف رفتن و دست به دست شدنش آگاه ساختم، و از آخرت و آنچه برای اهل آخرت در آن جا آماده شده است، تو را آگاه ساختم، و درباره آن، برایت نمونه هایی آوردم تا از آنها درس بیاموزی و راه درست بپویی.

همانا حکایت آن که حقیقت دنیا را شناخت، [مردم دنیا در نظرش] حکایت گروه مسافرانی است که فرود آمدن در منزلگاهی خشک و بی آب و علف را خوش ندارند و آهنگ منزلگاهی سرسبز و ناحیه ای خرم کنند. پس دشواری راه و فراق یار و سختی سفر و ناگواری خوراک را تحمل کنند تا به سرای دلپاز و منزلگاه آسوده خود در آیند. چنین مسافرانی از هیچ یک از این سختی ها درد و رنجی احساس نمی کنند و از خرج کردن در این باره، زیان نمی بینند و هیچ چیز برایشان دوست داشتنی تر از آن چیزی نیست که آنان را به سرمنزل مقصود و بارافکنشان نزدیک می گرداند.

و حکایت کسی که فریفته دنیا شود، حکایت گروهی است که در منزلگاهی سرسبز و خرم، فرود آمده باشند و از آن جا به منزلگاهی خشک بکوچند. برای چنین گروهی، چیزی ناخوشایندتر و وحشتناک تر از آن نیست که از آن جایی که بوده اند، جدا شوند و به آن جایی که می کوچند و رهسپار آن اند، بروند. ۳۲۳.۳. ما رواه الآمدی عن أمير المؤمنين عليه السلام: امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! خدای را در نظر آورید و به آن که در نزد شما عزیزترین و محبوب ترین است (یعنی خودتان) بیندیشید، که خداوند، مسیر

حق را برای شما آشکار نموده و راه هایش را روشن ساخته است. پس [در نهایت] یا شوربختی ماندگار است یا نیک بختی پایدار. بنا بر این، در روزهای رفتنی، برای روزهای ماندگاری [خود] توشه بگیرید. توشه به شما نشان داده شده و به کوچیدن فرمانتان داده اند و به رفتن، ترغیب شده اید. شما به سان کاروانی هستید که توقف کرده و نمی دانند که چه وقت فرمان حرکت داده می شوند. هان! با دنیا چه کند آن که برای آخرت آفریده شده است؟! .

٣٢٤. روى الصدوق قدس سره بإسناده عن ابن عباس قال: الإمام الباقر عليه السلام: أهل الدنيا سفرٌ يحلّون عقَدَ رحالهم في غيرها . (١) ب مثل الضيف ٢. ٣٢٦. الشيخ الطوسي بإسناده عن علي بن جعفر، عن أخيه رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الناس في الدنيا ضيفٌ، وما في أيديهم عارية، وإن الضيف راحلٌ، وإن العارية مردودة . (٢) ٣٢٧. ما رواه الشيخ والكليني بإسنادهما عن بكر بن حبيب، عنه صلى الله عليه وآله: ما أصبح في الدنيا أحدٌ إلا - ضيفا وماله عارية، فالضيف مُنطَلِقٌ والعارية مُؤدّاه . (٣) ٣٢٨. والكليني بإسناده عن ابن أبي يعفور، عن أبي عبد الإمام علي عليه السلام: عباد الله! إنكم وما تأملون من هذه الدنيا أثوباء (٤) مؤجلون . (٥) ٣٢٩. ابن حنبل بإسناده عن ابن عباس، قال: الإمام الصادق عليه السلام: كان أبوذر رضي الله عنه يقول في خطبته: يا مُبتَغى العلم، كأن شينا من الدنيا لم يكن شينا، إلا ما ينفع خيره ويضر شره إلا من رحم الله .

يا مُبتَغى العلم، لا يشغلك أهل ولا مال عن نفسك، أنت يوم تفارقهم كضيف بت فيهم ثم عمدت عنهم إلى غيرهم، والدنيا والآخرة كمنزل تحوّلت منه إلى

غيره، وما بين الموت والبعث إلا كنومه نمتها ثم استيقظت منها .

يا مُبتَغى العلم، قدّم لمقامك بين يدي الله، فإنك مثاب بعملك، كما تدين تदान يا مُبتَغى العلم . (٦) .

- ١- تحف العقول : ص ٢٩٩ ، الأمالى للمفيد : ص ١٨ ح ٥ عن محمد بن الحنفية من دون إسناد إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٧٩ ح ٥٩ ؛ البدايه والنهايه : ج ٩ ص ٢٨٢ من دون إسناد إلى المعصوم .
- ٢- إرشاد القلوب : ص ٢٣ ، أعلام الدين : ص ٣٤٤ عن أنس ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٨٧ ح ١٠ .
- ٣- الفردوس : ج ٤ ص ٦٣ ح ٦١٩٧ عن أبي سعيد الخدرى .
- ٤- الثوبى : الضيف (الصحاح : ج ٦ ص ٢٢٩٦ «ثوى») .
- ٥- نهج البلاغه : الخطبه ١٢٩ ، بحار الأنوار : ج ٣٤ ص ٨٩ ح ٩٤٠ .
- ٦- الكافى : ج ٢ ص ١٣٤ ح ١٨ عن أبي بصير ، الأمالى للمفيد : ص ١٧٩ ح ١ وفيه «إلا عملاً ينفع» بدل «إلا ما ينفع» و«نزلته ثم عدلت عنه» بدل «تحوّلت منه» ، الأصول الستة عشر : ص ٣٥ وفيهما «مرتهن» بدل «مثاب» ، المحاسن : ج ١ ص ٣٥٧ ح ٧٥٩ كلّها عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام ، الأمالى للطوسى : ص ٥٤٣ ح ١١٦٥ عن مسعده بن زياد الربعى عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٦٥ ح ٣٤ .

ب مثل میهمان

۲. ۳۳۰. الکلینی یاسناده عن عذافرقال: امام باقر علیه السلام: مردم دنیا، مسافرانی هستند که در غیر دنیا بار می گشایند (بارانداز نهایی شان آخرت است). ب مثل میهمان ۱. ۳۳۲. روی الشریف الرضی قدس سره کتاب الإمام أمير المپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردم در دنیا، میهمان هستند و آنچه در اختیار دارند، عاریت است. میهمان، رفتنی است و عاریت، پس دادنی. ۲. ۳۳۳. روی الکلینیو الصدوق یاسنادهما عن عبد العزیز بنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس در دنیا نیست، مگر آن که میهمان است و دارایی اش عاریت. میهمان، رفتنی است و عاریت، بازگرداندنی. ۱. ۳۳۴. فی أمالی الطوسی یاسناده عن عبد الرحمن بن کثیر امام علی علیه السلام: بندگان خدا! شما و آرزوهای شما در این دنیا، میهمانانی موقت هستید. ۳۳۵. وفی حدیث آخر: امام صادق علیه السلام: ابو ذر در سخنرانی اش می گفت: ای جوینده دانش! هیچ چیز دنیا را چیز مینگار جز آنچه خیرش سود رساند و شرش زیان زند، مگر به کسی که خدایش بدو رحم کند. ای جوینده علم! زنهار، زن و فرزند و مال، تو را از خویشتن باز ندارد؛ چه، روزی که از آنها جدا می شوی، [خواهی دانست که] همانند میهمانی بوده ای که شبی را در میان ایشان گذرانده ای و صحبگهان از نزدشان به جای دیگران رفته ای. دنیا و آخرت، به سان منزلگاهی است که از آن به منزلگاهی دیگر منتقل شده ای. فاصله ای میان مرگ و رستاخیر نیست،

مگر به اندازه خوابی کوتاه که بخوابی و سپس، بیدار شوی.

ای جوینده دانش! برای آن روز که در پیشگاه خداوند قرارگیری، چیزی پیش فرست؛ زیرا که تو در برابر عملت پاداش می یابی. ای جوینده دانش! از هر دست که بدهی، با همان دست پس می گیری.

ج مَثَلُ سَاكِنِ دَارٍ لَيْسَتْ لَهُ ٣٣٧. عن أمير المؤمنين عليه السلام: الإمام الكاظم عليه السلام: كُنْ فِي الدُّنْيَا كَسَاكِنِ دَارٍ لَيْسَتْ لَهُ ،
 إِنَّمَا يَنْتَظِرُ الرَّحِيلَ . (١) / ١٦ الدُّنْيَا الْحَمِيدَةُ مَا كَانَ لِلَّهِ ٣٤١. و ما روى عن الإمام الصادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه و
 آله: إِنَّ الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا ، إِلَّا مَا ابْتِغَى بِهِ وَجْهُ اللَّهِ . (٢) ٣٤٢. عن أمير المؤمنين عليه السلام وقد سمع قوما من أصعنه
 صلى الله عليه و آله: الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا ، إِلَّا مَا كَانَ لِلَّهِ . (٣) .

١- تحف العقول : ص ٣٩٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٣١٣ ح ١ .

٢- الأمل للطوسي : ص ٥٣١ ح ١١٦٢ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٦٨ ح ٢٦٦١ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٥٦ ، أعلام الدين
 : ص ١٩٤ كلها عن أبي ذرّ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٨٠ ح ٣ .

٣- الزهد لابن حنبل : ص ٣٧ عن محمد بن المنكدر ، حليه الأولياء : ج ٣ ص ١٥٧ عن جابر ، إحياء علوم الدين : ج ٣ ص
 ٢٩٨ ، جامع المسانيد : ج ٢ ص ٧٢ عن أم هانئ وفي ذيله «إلا- المؤمنين وما كان لله تعالى» ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٨٥ ح
 ٦٠٨٣ .

ج مثل ساکن در خانه ای که از او نیست

۱ / ۶ دنیای پسندیده

الف آنچه برای خدا باشد

ج مثل ساکن در خانه ای که از او نیست ۱. ۳۴۴. الإمام الصادق علیه السلام: امام کاظم علیه السلام: در دنیا ، مانند کسی باش که در خانه ای ساکن است که مال او نیست و منتظر رفتن است. ۱ / ۶ دنیای پسندیده الف آنچه برای خدا باشد ۳. ۳۴۸. وروی عنه علیه السلام أيضا أنه قد سمع رجلاً يپيامبر خدا صلى الله عليه و آله : دنیا، لعنت شده است و آنچه در آن است نیز لعنت شده ، مگر آنچه بدان رضایت خدا طلب شود. ۱. ۳۴۹. الشيخ الطوسی والکلینیبا سنادهما (والصدوق مرسلایمبر خدا صلى الله عليه و آله : دنیا، لعنت شده است و آنچه در آن است نیز لعنت شده ، مگر آنچه برای خدا باشد.

٣٥٠.٢ . الشيخ الطوسى بإسناده عن محمد بن مسلم، عن أبيه عن النبي صلى الله عليه وآله: يُؤتى بالدين يوم القيامة، فيماز (١) ما كان لله، ثم يتعدم سائرته إلى النار (٢) ٣٥١.ب ما رواه الكليني والشيخ الطوسى بإسناده عن الكلالاإمام الصادق عليه السلام: فى مناجاه موسى عليه السلام: يا موسى، إن الدنيا دارٌ عُقوبه، عاقبت فيها آدم عند خطيئته، وجعلتها ملعونه؛ ملعون ما فيها إلا ما كان فيها لى (٣) ب ما كان لآخره ٣٥٣. قد ورد عن النبي صلى الله عليه وآله وأهل بيته عرسول الله صلى الله عليه وآله لآبى ذر: يا أبا ذر، لا يصير من الدنيا ما كان لآخره، إنما يصير من الدنيا ما كان للدنيا (٤) ٣٥٤.١. ما رواه الصدوق قدس سره بإسناده عن أحمد بن المعنه صلى الله عليه وآله: الدنيا ملعونه ملعون ما فيها، إلا بلغه المؤمن لمعاده، أو ذكر الله، أو ما والاه عالم أو متعلم (٥) ٣٥٥.٢. روى ابن حنبل والبيهقي بإسنادهما عن أبى سعيد الإلام على عليه السلام: إنما لك من دنياك ما أصلحت به مثواك (٦) .

- ١- مُزت الشىء فانماز: عزلته وفرزته (الصحيح: ج ٣ ص ٨٩٧ «ميز»).
- ٢- الفردوس: ج ٥ ص ٤٦٠ ح ٨٧٥٤ عن أبى هريره، الزهد لابن المبارك: ص ١٩٢ ح ٥٤٤ عن عباده بن الصامت، شعب الإيمان: ج ٥ ص ٣٣٨ ح ٦٨٤٨ عن عماره وكلاهما نحوه و من دون إسناد إلى رسول الله صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٣٧ ح ٦٣٢٩.
- ٣- الكافى: ج ٢ ص ٣١٧ ح ٩، ثواب الأعمال: ص ٢٦٣ ح ١، الأمالى للصدوق: ص ٧٦٥ ح ١٠٢٨، تفسير القمى: ج ١ ص ٢٤٣ كلها عن حفص بن غياث، مشكاة الأنوار: ص ٤٧٠ ح ١٥٧٥، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٢١ ح ١٠.
- ٤- الفردوس: ج ٥ ص ٣٤١ ح ٨٣٧٥، كنز العمال: ج ٣ ص ٧٢٨ ح ٨٥٩٣ نقلاً عن أبى نعيم وكلاهما عن ابن عباس.
- ٥- الفردوس: ج ٢ ص ٢٣١ ح ٣١١١ عن أبى هريره.
- ٦- نهج البلاغه: الكتاب ٣١، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ١١٧، تحف العقول: ص ٨٣، كشف المحجبه: ص ٢٣٣، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٣٣ ح ٦٦؛ كنز العمال: ج ١٦ ص ١٨٠ ح ٤٤٢١٥ نقلاً عن وكيع والعسكرى فى المواعظ.

ب آنچه برای آخرت باشد

۳۵۶. عن الإمام الصادق عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز قیامت، دنیا را می آورند و آنچه برای خدا بوده، به کناری نهاده می شود. سپس، بقیه آن به آتش برده می شود. ۳۵۷.۱. روی الصدوق یا سنده عن عبد الملک بن عنتره الشیامام صادق علیه السلام: در مناجات خدا با موسی علیه السلام آمده است: «ای موسی! دنیا، سرای کیفر است. در آن، آدم را بر خطایش کیفر دادم. دنیا و آنچه را در آن است، لعنت شده قرار دادم، مگر آنچه از آن که برای من باشد.» ب آنچه برای آخرت باشد ۳۵۹. الاستبصار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ابو ذر: ای ابو ذر! از دنیا آنچه برای آخرت باشد، دنیایی به شما نمی آید، بلکه آنچه برای دنیا باشد و دنیایی به حساب آید. ۳۶۰. معانی الأخبار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا و آنچه در آن است، لعنت شده است، مگر رهتوشه مؤمن برای معادش، یا ذکر خدا، یا آنچه که دانشمند یا دانشجویی در پی آن باشد. ۳۶۱.۱. امام علی علیه السلام: در حقیقت، از دنیای تو آن چیز مال توست که با آن، آرامگاهت را آباد کنی.

ج ما لا- يُحَاسَبُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ٣.٣٦٣ . الشريف الرضى قدس سره والكلينيين الإمام أمير الإمام الصادق عليه السلام: إنِ اسْتَطَعْتَ (١) أَلَّا تَنَالَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا تُسْأَلُ عَنْهُ غَدًا فَافْعَلْ . (٢) راجع : ص ١٦٢ (هذا طلب الآخرة) .

١ / ٧ ما رُوِيَ فِي عُمُرِ الدُّنْيَا ٢.٣٦٧ . وروى الكليني بإسناده عن محمد بن مسلم، قال: رسول الله صلى الله عليه وآله: عُمُرُ الدُّنْيَا سَبْعَةُ أَيَّامٍ مِنَ أَيَّامِ الْآخِرَةِ ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ» (٣) . (٤) ٣٦٨ ما روى عن النبي صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا سَبْعَةُ آلَافِ سَنَةٍ ، وَأَنَا فِي آخِرِهَا أَلْفًا . . . لا- نَبِيٌّ بَعْدِي وَلَا- أُمَّةٌ بَعْدَ أُمَّتِي . (٥) ٣٦٩ ما رواه الكليني والشيخ الطوسي بإسنادهما إلى سماعه عن صلى الله عليه وآله: مَنْ قَضَى حَاجَةَ الْمُسْلِمِ فِي اللَّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عُمُرَ الدُّنْيَا سَبْعَةَ آلَافٍ ؛ صِيَامَ نَهَارِهِ وَقِيَامَ لَيْلِهِ . (٦) ٣٧٠ . وأيضاً بإسنادهما إلى علي بن أبي حمزة، عن أبي عبد الله صلى الله عليه وآله: لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ سَبْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ وَهُوَ عُمُرُ الدُّنْيَا ثُمَّ أَتَى اللَّهَ يُبْغِضُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ جَاحِدًا (٧) لِحَقِّهِ نَاكِثًا لَوْلَايَتِهِ ، لَأَنَّ تَعَسَّ اللَّهُ خَيْرَهُ وَجَدَعَ أَنْفَهُ . (٨) .

-
- ١- في المصدر: «من ألتنال» والصحيح ما أثبتناه كما في بحار الأنوار .
 - ٢- كشف الرية: ص ٩٥ عن عبد الله بن سليمان النوفلي ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٧٧ ح ١١٢ .
 - ٣- الحجج: ٤٧ .
 - ٤- الفردوس: ج ٣ ص ٥٧ ح ٤١٥١ عن أنس وراجع كشف الخفاء: ج ٢ ص ٣١٤ ح ٢٧٩٩ .
 - ٥- المعجم الكبير: ج ٨ ص ٣٠٣ ح ٨١٤٦ ، دلائل النبوة للبيهقي: ج ٧ ص ٣٨ ، تاريخ دمشق: ج ٦٧ ص ٢٢٨ ح ١٣٥٧٢ كلها عن ضحّاك بن زمل الجهني ، كنز العمال: ج ١٤ ص ١٩١ ح ٣٨٣٣٣ .
 - ٦- تاريخ دمشق: ج ٢٣ ص ١٣٣ ح ٥٠٢٦ عن أنس ، كنز العمال: ج ٦ ص ٤٤٤ ح ١٦٤٥٩ .
 - ٧- في الطبعة المعتمده: «جاهدا» ، والتصويب من طبعه مركز الغدير .
 - ٨- الغدير: ج ٢ ص ٣٠١ نقلاً عن الحافظ السّمان في أماليه .

ج آنچه در روز قیامت از آن حسابرسی نشود

۱ / ۷ گزارش هایی درباره عمر دنیا

اشاره

ج آنچه در روز قیامت از آن حسابرسی نشود ۳۷۲.۲. الشیخ یاسناده عن غیاث بن ابراهیم ، عن جعفر ، امام صادق علیه السلام : اگر توانستی از دنیا چیزی به دست نیاوری که فردا [ی قیامت] برای آن بازخواست شوی، چنین کن. ر. ک : ص ۱۶۳ (این ، دنیا طلبی نیست) .

وص ۲۱۹ (بخش دوم : دنیای نکوهیده) .

۱ / ۷ گزارش هایی درباره عمر دنیا ۳۷۷.۲. وروی الآمدی مرفوعا عن الإمام أمير المؤمنين عليهما بر خدا صلی الله علیه و آله : عمر دنیا ، هفت روز از روزهای آخرت است. خدای متعال می فرماید: «یک روز در نزد پروردگار تو ، مانند هزار سال است از آنچه شما می شمردید». ۳۷۸.۱. فی توحید المفضّل عن مولانا الإمام الصادق علیه السلام خدا صلی الله علیه و آله : دنیا ، هفت هزار سال است و من ، در هزاره آخر آن هستم . پس از من ، پیامبری و پس از امت من ، امتی نیست. ۳۷۹.۲. الصدوق قدس سره یاسناده عن ابي هاشم الخادم ، قیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از برای خدا نیاز مسلمانی را بر آورد ، خداوند به اندازه عمر دنیا که هفت هزار سال است ، روزهایش را برای او روزه می نویسد و شب هایش را عبادت. ۳۸۰.۳. روی الصدوق یاسناده عن دینار مولى أنس بن مالک قیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر بنده ای به اندازه عمر دنیا که هفت هزار سال است ، خدا را عبادت کند ، ولی با بغض نسبت به علی بن ابی طالب و انکار حقّ او و شکستن

پیمان ولایت او بر خداوند در آید ، خدا خوبی هایش را نابود می کند و بینی اش را می بُرد.

٣٨١.٤. روى ابن طاووس قدس سره بإسناده قال: الإمام علي عليه السلام لَمَّا سَأَلَهُ رَجُلٌ عَن عُمُرِ الدُّنْيَا: يُقَالُ: سَبْعَةُ آلَافٍ، ثُمَّ لَا تَحْدِيدَ (١). (٢).

١- قوله: «يقال» إيعاز إلى عدم ارتضائه بذلك، ويمكن أيضا أن يكون السائل سأل عن ابتداء خلقه آدم عليه السلام إلى زمانه لا ابتداء تكوّن الأرض ووجودها. هذا بالنسبة إلى الابتداء، وأمّا الانتهاء فقال: لا تحديد، أى لا نهايه، ولعلّه بالنسبة إلى نوع الدنيا لا أرضنا هذه بالخصوص (بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١٢٧).

٢- بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١٢٧ ح ٦ نقلاً عن إرشاد القلوب: ص ٣٧٧ وفيه «سبقة ثم لا تجديد» بدل «سبعة آلاف ثم لا تجديد»!

۳۸۲.۵. النعمانی یاسنادہ عن ابن سنان، عن أبي السائب، امام علی علیہ السلام در پاسخ به سؤال مردی از عمر دنیا: گفته می شود: هفت هزار است؛ اما مشخص نیست. ۱.

پژوهشی درباره عمر دنیا

پژوهشی درباره عمر دنیا احادیثی که گذشتند، دلالت می کنند بر این که عمر دنیا هفت هزار سال است. اگر مقصود از این سخن، آن باشد که پس از گذشت این مدت، قیامت کبرا بر پا می شود چنان که به حسب ظاهر، مقصود، همین است این معنا بی تردید، قابل قبول نیست؛ زیرا: اولاً: سند این احادیث، معتبر نیست؛ (۱) بلکه برخی، این احادیث را از مجعولات شمرده اند (۲). ثانياً: معین بودن وقت قیامت، خلاف گفته قرآن است؛ چرا که از نظر قرآن، قیامت، ناگهان فرا می رسد و کسی جز خداوند متعال، وقت آن را نمی داند. (۳) ثالثاً: خلاف واقع بودن برخی از آنها (مانند روایت شماره ۱۳۴)، در عصر حاضر، قطعی است؛ زیرا اکنون بیش از چهارصد سال از تاریخی که در آن مشخص

-
- ۱- الإصابه: ج ۴ ص ۵۴۰ ش ۴۷۰۳، أخبار الزمان: ص ۳۱۰، تفسیر الثعالبی: ج ۵ ص ۳۳۵، رد اعتبار الجامع الصغیر: ص ۱۵۰، فیض القدر: ج ۳ ص ۷۳۱ ح ۴۲۷۸، کشف الخفاء: ج ۲ ص ۳۱۵.
 - ۲- الموضوعات: ج ۳ ص ۲۴۳، سبل الهدی: ج ۳ ص ۳۱۵، تذکره الموضوعات: ص ۲۲۳، أضواء علی السنه المحمديه: ص ۲۸۸.
 - ۳- ر. ک: انعام: آیه ۳۱، اعراف: آیه ۱۸۷، یوسف: آیه ۱۰۷ حج: آیه ۵۵، لقمان: آیه ۳۴، احزاب: آیه ۶۳، شورا: آیه ۱۷، زخرف: آیه ۸۵، محمد: آیه ۱۸، نازعات: آیه ۴۳، قیامت: آیه ۶.

شده ، گذشته است. رابعا: اگر هیچ یک از اشکالات گذشته هم وجود نداشت ، در این گونه موارد ، صحت سند ، کافی نیست و قطع به صدور ، ضروری است . اما اگر مقصود ، این باشد که عمر دنیا در هنگام صدور احادیث ، در آستانه هزاره هفتم است ، احتمال صحت آن بعید نیست ، و شاید متن احادیث ، در نقل به معنا و در اثر کج فهمی راوی ، بدین گونه که ملاحظه می شود ، تحریف شده است . گفتنی است که روایت عیسی بن ابی حمزه ، مؤید این تحلیل است . او می گوید : مردی به امام صادق علیه السلام گفت : فدایت گردم! مردم می گویند که عمر دنیا هفت هزار سال است . امام علیه السلام ضمن رد این سخن و ارائه توضیحاتی در مورد آنچه پیش از آفرینش آدم در زمین روی داده ، فرمود : **ثُمَّ بَدَأَ اللَّهُ فَخَلَقَ آدَمَ، وَقَدَّرَ لَهُ عَشْرَةَ آلَافِ عَامٍ، وَقَدَمَ مَضَى مِنْ ذَلِكَ سَبْعَةَ آلَافِ عَامٍ وَمِئَتَانِ، وَأَنْتُمْ فِي آخِرِ الزَّمَانِ . (۱)** آن گاه خداوند ، آغاز کرد . پس آدم را آفرید و برای او ده هزار [سال] مقرر کرد و از آن ، هفت هزار و دویست سال می گذرد و اکنون شما در آخر زمان به سر می برید . علامه سید محمد حسین طباطبایی در این باره می گوید : تاریخ یهود می گوید که عمر نوع بشر ، به فراتر از قریب هفت هزار سال نمی رسد . این مطلب ، چندان هم بی وجه نیست ؛ چرا که اگر ما زن و مردی را در نظر بگیریم که دارای عمر متوسطی بوده اند و با مزاج معتدل زیسته اند و در وضعیت میانگینی از امنیت و فراوانی و رفاه و سایر عوامل و شرایط تأثیرگذار در زندگی قرار داشته اند ، آن گاه در نظر بگیریم که آن دو با هم ازدواج کرده و در وضعیت متوسط و متناسب ، تولید نسل کرده اند و دقیقا همین فرض را درباره فرزندانشان (چه چه

دختر و چه پسر)، بر حسب آنچه از میانگین حال انسان ها به دست می آید، در نظر بگیریم، خواهیم دید که دو نفر اولی که ابتدا در نظر گرفتیم در یک قرن (در سر سده)، متجاوز از هزار نفر شده اند؛ یعنی هر یک نفر در طول یکصد سال، به قریب پانصد نفر افزایش پیدا کرده است. حال اگر صدماتی را که از سوی عوامل گوناگون و بلایای عمومی (از قبیل: سرما، گرما، توفان، زلزله، وبا، طاعون، فرو رفتن در زمین، خرابی، نسل کشی و سایر بلایا) به انسان وارد می شوند، محاسبه کنیم و آنها را در بالاترین حد، به گونه ای که عوامل نابود کننده همه را در بر بگیرند، در نظر بگیریم، یعنی فرض کنیم که در هر یکصد سال، از هزار نفر، تنها یک نفر بماند و ۹۹۹ نفر از بین بروند و در نتیجه، عامل تناسل، در هر یکصد سال، تنها یک نفر را باقی بگذارد، آن گاه این عدد را به هفت هزار سال یعنی هفتاد قرن، ضرب کنیم، خواهیم دید که جمعیت انسان ها در دنیا به دو و نیم میلیارد نفر می رسد، یعنی تعداد جمعیت امروز جهان (۱) بر اساس آمارهای جهانی. این محاسبه تأیید می کند که عمر نوع بشر، همان مقدار گفته شده است؛ اما دانشمندان زمین شناس (دانش شناخت طبقات زمین) گفته اند که عمر زمین، بیش از میلیون ها سال است. آنها فسیل انسان ها و اجساد و آثار آنها را یافته اند که فراتر از پانصد هزار سال عمر دارد (بنا بر آنچه آنان گفته اند). این، یافته آنهاست؛ اما دلیل قانع کننده ای ندارند تا دل را راضی کند که این نسل ها پی در پی و بدون انقطاع ادامه یافته اند. پس رواست که گفته شود: این نوع [از موجودات]، در زمین پدید آمده، سپس زیاد شده و رشد کرده و زیسته و منقرض شده و مجدداً پدید آمده و منقرض شده است و این وضع چندین بار تا نسل کنونی که آخرین بار است ادامه یافته

۱- مقصود، زمان تألیف این صفحات از تفسیر المیزان است.

است. (۱) بنا بر این، به فرض صحّت این سخن که عصر زندگی پیامبر خدا، آغاز هزاره هفتم عمر دنیا از ابتدای آفرینش آدم ابو البشر است، می توان گفت احادیثی که عمر دنیا را هفت هزار سال می دانند، در اصل، ناظر به این معنا بوده اند و در اثر تحریف، به گونه ای نقل شده اند که خلاف مقصود را می رسانند و ظاهرشان این گونه است که پس از هفت هزار سال از آغاز جهان، قیامت برپا می گردد. گفتنی است که درباره عمر دنیا، آرای فراوان دیگری نیز وجود دارد که نیازی به ذکر یکایک آنها نیست. (۲)

۱- المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۴ ص ۱۳۹.

۲- برای اطلاع بیشتر، ر. ک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ج ۱۰ ص ۱۹۵، ج ۱۳ ص ۱۳۳، تفسیر ابن کثیر: ج ۴ ص ۲۲۷، اللعنه البیضاء: ص ۱۱۱، بحار الأنوار: ج ۵۷ ص ۲۲۳، ینابیع المودّه: ص ۲۱۲، تاریخ جرجان: ص ۱۴، أحكام القرآن: ج ۳ ص ۲۵۰، المستدرک علی الصحیحین: ج ۲ ص ۵۹۸، مجمع الزوائد: ج ۴ ص ۳۱۴، المعجم الکبیر: ج ۱۱ ص ۷۹، تفسیر مجاهد: ج ۱ ص ۵۳، مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۲۲، تفسیر القرطبی: ج ۱۷ ص ۱۲۵، العلل: ص ۱۲۱۱، تاریخ مدینه دمشق: ج ۱ ص ۲۷۰، تاریخ الطبری: ج ۱ ص ۷۰.

الفصل الثانی : أهمیة الدنیا ودورها فی بناء الآخرة ٢ / الإسلامُ دینُ الدنیا والآخرة الكتاب «مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» . (١)

«فَنَاتَاهُمْ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» . (٢)

«لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» . (٣)

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» . (٤)

«الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» . (٥)

«وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوِّنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَآءِ جَزَا الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» . (٦)

١- النساء : ١٣٤ .

٢- آل عمران : ١٤٨ .

٣- يونس : ٢٦ .

٤- النحل : ٩٧ .

٥- يونس : ٦٣ و ٦٤ .

٦- النحل : ٤١ .

فصل دوم: اهمیت دنیا و نقش آن در ساختن آخرت

۲ / ۱ اسلام، دین دنیا و آخرت

فصل دوم: اهمیت دنیا و نقش آن در ساختن آخرت ۲ / ۱ اسلام، دین دنیا و آخرت قرآن «هر کس پاداش دنیا را بخواهد، پاداش دنیا و آخرت نزد خداست، و خدا شنوای بیناست».

«پس خداوند، پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد، و خداوند، نیکوکاران را دوست دارد».

«برای کسانی که کار نیکو کرده اند، نیکویی [بهشت] و زیاده [بر آن] است. چهره هایشان را غباری و ذلتی نمی پوشاند. اینان، اهل بهشت اند و در آن، جاودانه خواهند بود».

«هر کس از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیات [حقیقی] می بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند، پاداش خواهیم داد».

«همانان که ایمان آورده و پرهیزگاری ورزیده اند. در زندگی دنیا و در آخرت، مژده ای برای آنان است. وعده های خدا را تبدیلی نیست. این، همان کامیابی بزرگ است».

«و کسانی که پس از ستم دیدگی، در راه خدا هجرت کرده اند، در این دنیا، جان نیکویی به آنان می دهیم، و اگر بدانند، قطعاً پاداش آخرت، بزرگ تر خواهد بود».

«وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَءَاتَيْنَاهُ أُجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» . (١)

«وَكَذَلِكَ لَكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ * وَلَا أَجْرَ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» . (٢)

«وَمَنْ يَرْغَبْ عَنِّ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» . (٣)

«وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتْعٌ إِلَى حِينٍ» . (٤)

الحديث ٣٠٤١٠ . عن رسول الله صلى الله عليه وآله : رسول الله صلى الله عليه وآله في حديث إنذار العشير (٥) : يا بني عبد المطلب ، إني والله ما أعلم شاباً في العرب جاء قومه بأفضل مما جئتكم به ، إني قد جئتكم بخير الدنيا والآخرة! (٦) أهمله الدنيا ودورها في بناء الآخرة ٤١٢ . وعنه صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : إن الله لا يظلم مؤمناً حسنة ؛ يعطى بها في الدنيا ويُجزى بها في

الآخرة . (٧)

١- العنكبوت : ٢٧ .

٢- يوسف : ٥٦ و ٥٧ .

٣- البقرة : ١٣٠ .

٤- البقرة : ٣٦ .

٥- لمّا نزلت الآية الكريمة «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (الشعراء : ٢١٤) دعا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عشيرته الأقربين وهم يومئذ أربعون رجلاً إلى مأدبه وأعلن لهم رسالته (بحار الأنوار : ج ١٨ ص ١٦٣) .

٦- الأمامي للطوسي : ص ٥٨٣ ح ١٢٠٦ عن ابن عباس عن الإمام علي عليه السلام ، شرح الأخبار : ج ١ ص ١٠٧ ح ٢٧ وفيه «بمثل» بدل «بأفضل» ، تفسير فرات : ص ٣٠٠ ح ٤٠٤ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «بأمر» بدل «بخير» ، بحار الأنوار : ج ١٨ ص ١٩٢ ح ٢٧ ؛ تاريخ الطبري : ج ٢ ص ٣٢٠ ، تاريخ دمشق : ج ٤٢ ص ٤٩ ح ٨٣٨١ ، تفسير الطبري : ج ١١ الجزء ١٩ ص ١٢٢ ، دلائل النبوة للبيهقي : ج ٢ ص ١٨٠ وفيه «بأمر» بدل «بخير» وكلها عن عبد الله بن عباس عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، كنز العمال : ج ١٣ ص ٣٦٤١٩ .

٧- صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢١٦٢ ح ٥٦ ، مشكاة المصابيح : ج ٢ ص ٦٤٨ ح ٥١٥٩ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٢٥٢ ح ١٢٢٦٦ ، مسند الطيالسي : ص ٢٦٩ ح ٢٠١١ ، الزهد لابن المبارك : ص ١١١ ح ٣٢٧ كلها عن أنس وفيهما «حسنته» بدل «حسنه» وفي الثلاثة الأخير «يثاب عليها الرزق» بدل «يعطى بها» ، كنز العمال : ج ١ ص ٦٨ ح ٢٦٢ .

«و اسحاق و یعقوب را به او (ابراهیم) عطا کردیم و در میان فرزندانش پیامبری و کتاب قرار دادیم و در دنیا، مزدش را به او دادیم و در آخرت نیز قطعاً از شایستگان خواهد بود».

«و بدین گونه، یوسف را در سرزمین [مصر] قدرت دادیم که در آن، هر جا که می خواست، سکونت می کرد. هر که را بخواهیم، به رحمت خود می رسانیم و اجر نیکوکاران را تباه نمی سازیم. البته اجر آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری می نمودند، بهتر است».

«و چه کسی جز آن که به سُبُک مغزی دچار شد از آیین ابراهیم روی بر می تابد؟ و ما او را در این دنیا برگزیدیم، و البته در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود».

«و برای شما در زمین، قرار گاه و تا چندی برخوردار می خواهید بود».

حدیث ۴۱۸. وعنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیث انذار عشیره (۱): ای فرزندان عبد المطلب! به خدا سوگند، من در میان عرب، جوانی را نمی شناسم که برای قوم خویش، بهتر از آن چیزی آورده باشد که من برای شما آورده ام. من، خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام. ۴۱۹. وعن الإمام الصادق علیه السلام فی مصححه عمر بن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، هیچ کار نیکی از مؤمن را نادیده نمی گیرد؛ بلکه به ازای آن در دنیا عطا می شود و در آخرت، پاداش می یابد.

۱- زمانی که آیه «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء: آیه ۲۱۴) نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، خویشان نزدیک خود را که چهل مرد بودند به طعمی فرا خواند و ضمن اطعام آنان، رسالت خویش را به آنها اعلام فرمود. (بحار الأنوار: ج ۱۸ ص ۱۶۳).

٤٢٠. روى الصدوق بإسناده عن إبراهيم الكرخي ، عن أبي عبدالإمام علي عليه السلام : مَنْ رُزِقَ الدُّنْيَا فَقَدْ رُزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (١) ٤٢١.١ . الكليني بإسناده عن علي بن مهزيار، قال :عنه عليه السلام :إِعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجَلِ الْآخِرَةِ ، فَشَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَلَمْ يُشَارِكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ ، سَيَكُونُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَيَكُنْتُمْ ، وَأَكَلُوهَا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلْتُمْ ، فَحَظُوا مِنَ الدُّنْيَا بِمَا حَظَى بِهِ الْمُتَرَفُونَ ، وَأَخَذُوا مِنْهَا مَا أَخَذَهُ الْجَبَابِرَةُ الْمُتَكَبِّرُونَ ، ثُمَّ انْقَلَبُوا عَنْهَا بِالزَّادِ الْمُبْلَغِ وَالْمَتَجَرِّ الزَّابِحِ . أَصَابُوا لَذَّةَ زُهْدِ (٢) الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ ، وَتَيَقَّنُوا أَنَّهُمْ جِيرَانُ اللَّهِ عَدَا فِي آخِرَتِهِمْ ، لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ ، وَلَا يُنْقَضُ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنْ لَذَّةِ (٣) ٤٢٢.٢ . وروى أيضا بإسناده عن علي بن عمر النوفلي، قالعنه عليه السلام في كتابه إلى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ وَأَهْلِ مِصْرَ :عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ ؛ فَإِنَّهَا تَجْمَعُ مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يَجْمَعُ غَيْرُهَا ، وَيُدْرِكُ بِهَا مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يُدْرِكُ بِغَيْرِهَا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَخَيْرِ الْآخِرَةِ ، قَالَ اللَّهُ : « وَ قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لَنَعَمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ » . (٤)

إِعْلَمُوا يَا عِبَادَ اللَّهِ ، أَنَّ الْمُؤْمِنَ يَعْمَلُ لثَلَاثٍ مِنَ الثَّوَابِ :

إِمَّا لَخَيْرِ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُثَبِّتُهُ بِعَمَلِهِ فِي دُنْيَاةٍ ، قَالَ اللَّهُ سُبحَانَهُ لِإِبْرَاهِيمَ : « وَ ءَاتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ » ، (٥) فَمَنْ عَمَلَ لِلَّهِ تَعَالَى أَعْطَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَ كَفَاهُ الْمُهَمَّ فِيهِمَا ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ : « يَعْبادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ أَرْضُ اللَّهِ وَ سَعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ » (٦) ، فَمَا أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا لَمْ يُحَاسِبْهُمْ بِهِ فِي الْآخِرَةِ ، قَالَ اللَّهُ : « لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَ زِيَادَةٌ » (٧) ، فَالْحُسْنَى هِيَ الْجَنَّةُ ، وَ الزِّيَادَةُ هِيَ الدُّنْيَا .

وَإِمَّا لَخَيْرِ الْآخِرَةِ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُكَفِّرُ بِكُلِّ حَسَنَةٍ سَيِّئَةً ، قَالَ اللَّهُ : « إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكُمْ ذِكْرِي لِلَّذِينَ كَرِهُوا » (٨) ، حَتَّى إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَسِبَتْ لَهُمْ حَسَنَاتُهُمْ ، ثُمَّ أَعْطَاهُمْ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ عَشْرَ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِمِئَةٍ ضِعْفٍ ، قَالَ اللَّهُ : « جَزَاءٌ مِنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا » (٩) ، وَقَالَ : « فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَ هُمْ فِي الْعُرْفَةِ ءَامِنُونَ » (١٠) فَارْغَبُوا فِي هَذَا رَحِمَكُمُ اللَّهُ وَاعْمَلُوا لَهُ وَتَحَاضُّوا (١١) عَلَيْهِ .

وَاعْلَمُوا يَا عِبَادَ اللَّهِ ، أَنَّ الْمُتَّقِينَ حَازُوا عَاجِلَ الْخَيْرِ وَآجَلَهُ ، شَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَلَمْ يُشَارِكْهُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ ، أَبَاحَهُمُ اللَّهُ مِنَ الدُّنْيَا مَا كَفَاهُمْ وَبِهِ أَغْنَاهُمْ ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ اسْمُهُ : « قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ »

نُفِّصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ » (١٢) سَيَكُونُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَيَكُنْتُمْ ، وَأَكَلُوهَا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلْتُمْ ، شَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ فَأَكَلُوا مَعَهُمْ مِنَ طَيِّبَاتِ مَا يَأْكُلُونَ ، وَشَرِبُوا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا يَشْرَبُونَ ، وَلَبَسُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَلْبَسُونَ ، وَسَيَكُونُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَسْكُونُونَ ، وَتَرَوُّوهُمِنْ أَفْضَلِ مَا يَتَرَوُّوهُمِنْ ، وَرَكِبُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَرَكِبُونَ ، أَصَابُوا لَذَّةَ الدُّنْيَا مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا ، وَهُمْ عَدَا جِيرَانُ اللَّهِ يَتَمَنُّونَ عَلَيْهِ ، فَيُعْطِيهِمْ مَا تَمَنَّوْهُ ، وَلَا يُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ وَلَا يُنْقَضُ لَهُمْ نَصِيبًا مِنَ اللَّذَّةِ . فَإِلَى هَذَا يَا عِبَادَ اللَّهِ يَشْتَأِقُ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ لَهُ عَقْلٌ ، وَيَعْمَلُ لَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (١٣) .

- ١- غرر الحكم : ح ٨٥٢٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٠ ح ٨٠٠٠ .
- ٢- التأمّل في مضمون الروايه يدل على منافاه كلمه «الزهد» لما يروم الإمام عليه السلام بيانه ، ولهذا فالذى يبدو هو أنّ هذه الكلمه من إضافه النساخ ، أو لعلّها تصحيف لكلمه «أهل» . والذى يؤيّد ما ذكرنا هو الروايه اللاحقه التى يمكن أن تعدّ المتن الأصلي لهذه الروايه ، حيث إنّها خاليه من كلمه «الزهد» .
- ٣- نهج البلاغه : الكتاب ٢٧ ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٥٨١ ح ٧٢٦ .
- ٤- النحل : ٣٠ .
- ٥- العنكبوت : ٢٧ .
- ٦- الزمر : ١٠ .
- ٧- يونس : ٢٦ .
- ٨- هود : ١١٤ .
- ٩- النبأ : ٣٦ .
- ١٠- سبأ : ٣٧ .
- ١١- الحَضَّ على الشيء : الحَثَّ على الشيء (النهايه : ج ١ ص ٤٠٠ «حَضَّ»).
- ١٢- الأعراف : ٣٢ .
- ١٣- الأمالى للمفيد : ص ٢٦١ ح ٣ ، الأمالى للطوسى : ص ٢٥ ح ٣١ ، بشاره المصطفى : ص ٤٤ كلّها عن أبى إسحاق الهمداني ، الغارات : ج ١ ص ٢٣٤ عن عبايه وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٦٦ ح ١١ وراجع تحف العقول : ص ١٧٦ .

۴۲۳. ما رواه الكليني بإسناده إلى أبي بكر الفهفكي، قالامام علي عليه السلام: هر که دین روزی اش شود، خیر دنیا و آخرت، روزی اش شده است. ۴۲۴.۱. الحسن بن سلیمان الحلّی، عن الصفّار، بإسناده عامام علی علیه السلام: بدانید، ای بندگان خدا که پرهیزگاران، هم دنیای زودگذر دارند، هم آخرت ماندگار. با اهل دنیا در دنیایشان شریک اند، ولی اهل دنیا در آخرت ایشان با آنان شریک نیستند. در دنیا به بهترین وجه زیستند و به بهترین وجه، خوردند، و از دنیا همان گونه بهره مند شدند که متمولان شدند و از آن، همانی را برگرفتند که قدرتمندان متکبر گرفتند. سپس با توشه کافی و تجارتي سودآور از دنیا رفتند. در دنیای خویش به لذت [زهد در] (۱) دنیا رسیدند و یقین کردند که فردا در آخرتشان همجوار خدا هستند، هیچ دعایی از دعاهاى آنان رد نمی شود و از لذتشان [در آخرت] چیزی کم نمی گردد. ۴۲۵.۲. الكلینی عن محمّد بن یحیی و غیره، عن محمّد بن أمام علی علیه السلام در نامه اش به محمّد بن ابی بکر و مصریان: بر شما باد پروا داشتن از خدا؛ زیرا هیچ چیز به مانند پروای از خدا، جامع خوبی ها نیست و به هیچ چیز چون تقوا نمی توان به خیر دنیا و آخرت رسید. خداوند می فرماید: «به آنان که تقوا پیشه کرده اند، گفته می شود: پروردگارتان چه فرو می فرستاد؟ می گویند: خوبی. برای آنان که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است، و البته سرای آخرت، بهتر است، و چه نیکوست جایگاه تقوا پیشگان».

بدانید ای بندگان خدا که مؤمن، برای سه پاداش کار می کند: یا برای خیر دنیا؛ زیرا که خداوند، او را در همین دنیا برای کارش پاداش می دهد. خدای

سبحان درباره ابراهیم فرموده است: «و مزدش را در دنیا به او دادیم و در آخرت نیز از شایستگان خواهد بود». پس، هر که برای خدای متعال کار کند، خداوند، مزدش را در دنیا و آخرت به او می دهد و در هر دو جا خواست های او را بر می آورد. خداوند فرموده است: «ای بندگان من که ایمان آورده اید! از پروردگارتان بترسید. برای آنان که خوبی کردند، در این دنیا خوبی است، و زمین خدا پهناور است. برآستی که شکیبایان مزد خویش را بی حساب، دریافت خواهند کرد». پس خداوند، آنان را بدانچه در دنیا عطاایشان کرده است، در آخرت حسابرسی نمی کند. خداوند فرموده است: «برای آنان که کار نیک کنند، پاداش نیک است و افزونی». مراد از پاداش نیک، بهشت است و از افزونی، دنیا.

و یا برای خیر آخرت [کار می کند]؛ زیرا که خداوند در برابر هر کار نیکی یک گناه می بخشد. خدای می فرماید: «همانا خوبی ها بدی ها را از بین می برند. این، پندی است برای پندگیرندگان» تا این که چون روز قیامت شود، خوبی هایشان برای آنان محاسبه گردد، سپس به شمار هریک از آنها، ده تا هفتصد برابر به ایشان عطا کند. خداوند می فرماید: «این، پاداشی است از پروردگار تو؛ عطایی از روی حساب». و می فرماید: «پس، برای آنان دو برابر آنچه انجام داده اند، پاداش است و آنها در غرفه ها [ی بهشتی] آسوده خاطر خواهند بود» پس خدایتان رحمت کند به این همه پاداش، روی آورید و برای آن کار کنید و به ترغیب یکدیگر پردازید.

بدانید، ای بندگان خدا، که تقوای پیشگان، خیر دنیا و آخرت را به دست آوردند: با اهل دنیا در دنیایشان شریک اند؛ لیکن اهل دنیا در آخرت آنان شریکشان نیستند. خداوند، از دنیا به آن اندازه ای که بسنده شان کند و بی نیازشان سازد، برایشان مباح و روا ساخت. خداوند بلند نام می فرماید: «بگو: چه کسی زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و روزی های

پاکیزه، را حرام گردانیده است؟ بگو: همه اینها در زندگی دنیا از آن کسانی است که ایمان آورده اند و روز قیامت نیز ویژه آنان است. این گونه، آیات خود را برای گروهی که می دانند، به روشنی بیان می کنیم». آنان در دنیا به بهترین وجه زیستند، به بهترین وجه، خوردند و با اهل دنیا در دنیایشان شریک اند. در کنار آنان، از خوراک های پاکیزه ای که اهل دنیا می خورند خوردند و از نوشیدنی های گوارایی که ایشان می نوشند، نوشیدند و از بهترین لباس هایی که می پوشند، پوشیدند و در بهترین خانه هایی که ایشان سکونت می کنند، سکونت کردند و مانند آنها با بهترین همسران، ازدواج کردند و بر بهترین مرکب ها سوار شدند؛ همانند اهل دنیا از لذت دنیا بهره مند شدند و فردا [ای قیامت] هم در جوار خداوند هستند و از او آرزو و تمنا می کنند و خدا آرزوهایشان را بر می آورد؛ نه دعا و درخواستی از ایشان را رد می کند و نه از بهره لذت هایشان چیزی می کاهد. پس، ای بندگان خدا! هر که را خردی باشد، به چنین چیزی اشتیاق می ورزد و برای آن کار می کند و تقوای الهی در پیش می گیرد. هیچ توش و توانی نیست، مگر به واسطه خداوند.

۱- تأمل در مضمون روایت، نشان می دهد که کلمه «زهد» در این جا با مقصدی که امام علیه السلام در صدد تبیین آن است، منافات دارد. و لذا به نظر می رسد که این کلمه، توسط ناسخ به متن افزوده شده است. آنچه این نظر را تقویت می کند، روایت بعدی است که در واقع، متن اصلی این روایت محسوب می شود و کلمه «زهد» در آن نیست.

ص: ۱۰۰

..

ص: ١٠١

..

٤٢٦. ما رواه الكليني بإسناده عن محمد بن عبد الخالق والإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى: «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَ زِيَادَةٌ»: فَأَمَّا الْحُسْنَىٰ الْجَنَّةُ (١)، وَأَمَّا الزِّيَادَةُ فَالدُّنْيَا، مَا أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا لَمْ يُحَاسِبْهُمْ بِهِ فِي الْآخِرَةِ، وَيَجْمَعُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَيُثَبِّتُهُمْ بِأَحْسَنِ أَعْمَالِهِمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (٢) ٤٢٧.١. السيد ابن طاووس عن كتاب حسن بن أشناس، بإسناد الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ فَقَدْ أَحْرَزَ نَفْسَهُ مِنَ النَّارِ بِإِذْنِ اللَّهِ، وَأَصَابَ الْخَيْرَ كُلَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (٣) ٤٢٨. عن أبي الحسن عليه السلام أنه سئل عن العجب الذي بالكافي عن الربيع بن خيثم: شَهِدْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يُطَافُ بِهِ حَوْلَ الْكَعْبَةِ فِي

مَحْمِلٍ وَهُوَ شَدِيدُ الْمَرَضِ، فَكَانَ كُلَّمَا بَلَغَ الرُّكْنَ الْيَمَانِي أَمَرَهُمْ فَوَضَعُوهُ بِالْأَرْضِ، فَأَخْرَجَ يَدَهُ مِنْ كَوِّهِ (٤) الْمَحْمِلِ حَتَّى يَجْرَّهَا عَلَى الْأَرْضِ، ثُمَّ يَقُولُ: اِرْفَعُونِي.

فَلَمَّا فَعَلَ ذَلِكَ مَرَارًا فِي كُلِّ شَوْطٍ، قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّ هَذَا يَشُقُّ عَلَيْكَ!

فَقَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ: «لَيْسَ هَدُوءًا مَنَفِعَ لَهُمْ» (٥). فَقُلْتُ: مَنَافِعَ الدُّنْيَا أَوْ مَنَافِعَ الْآخِرَةِ؟ فَقَالَ: الْكُلُّ. (٦).

١- في بحار الأنوار: «فالجنة».

٢- تفسير القمى: ج ١ ص ٣١١ عن أبي الجارود، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٦٦ ح ١٠.

٣- مختصر بصائر الدرجات: ص ٧٩، بصائر الدرجات: ص ٥٢٦ ح ١ وفيه «من يتق فقد...» وكلاهما عن المفضل بن عمر، بحار الأنوار: ج ٢٤ ص ٢٨٦ ح ١.

٤- الكوّه: الخرق في الحائط والثقب في البيت ونحوه (لسان العرب: ج ١٥ ص ٢٣٦ «كوى»).

٥- الحجج: ٢٨.

٦- الكافي: ج ٤ ص ٤٢٢ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٥ ص ١٢٢ ح ٣٩٨ وفيه «فأدخل» بدل «فأخرج».

۴۲۹.۱. الحسين بن سعيد، عن إبراهيم بن أبي البلاد، قال امام باقر عليه السلام درباره این سخن خدای متعال: «برای آنان که نیکی کنند، نیکی است و افزونی» : نیکی، بهشت است و افزونی، دنیا. آنچه خداوند در دنیا عطایشان کند، در آخرت برای آن حسابرسی نمی کند و پاداش دنیا و آخرت را برایشان فراهم می آورد و در برابر بهترین کارهایشان، در دنیا و آخرت، پاداششان می دهد. ۴۳۰.۲. الكلینی باسناده إلى ابن القدّاح، عن أبي عبد الامام صادق عليه السلام: هر که از خدا پروا کند، به اذن خداوند، خویشتن را از آتش مصون دانسته است و در دنیا و آخرت به همه خوبی ها دست یافته است. ۴۳۱. ما رواه الشيخ الطوسی قدس سره باسناده عن محمد یالکافی به نقل از ربیع بن خثیم: امام صادق علیه السلام را دیدم که سخت بیمار بود و او را در محملی بر گرد کعبه طواف می دادند و هر گاه به رُکن یمانی می رسید،

دستور می داد او را بر زمین می نهادند و دستش را از سوراخ محمل، بیرون می آورد و به زمین می کشید و سپس می فرمود: «مرا بلند کنید».

چون در هر دور، این کار را تکرار کرد، به ایشان گفتم: فدایت شوم، ای فرزند پیامبر خدا! این کار، شما را به زحمت می اندازد.

فرمود: «سخن خداوند را شنیده ام که می فرماید: «تا شاهد منافع خویش باشند»».

گفتم: منافع دنیا یا منافع آخرت؟

فرمود: «هر دو».

راجع : ص ١٦٤ (الدعاء للرفاهية في المعيشة)

والتنمية الاقتصادية في الكتاب والسنة : القسم الأول : التقدم الاقتصادي.

٢ / ١٢ المسلم من يهتم بالدنيا والآخرة ٤٣٦. ما رواه السيد ابن طاووس قدس سره عن زبور داوود عرسول الله صلى الله عليه وآله : أعظم الناس همًا ، المؤمن الذي يهتم بأمر دنياه وأمر آخرته . (١) ١. ٤٣٧ . عن رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : ليس خيركم من ترك الدنيا والآخرة ولا الآخرة للدنيا ، ولكن خيركم من أخذ من هذه وهذه . (٢) ٢. ٤٣٨ . عن مولانا الإمام زين العابدين عليه السلام فيعنه صلى الله عليه وآله : ليس خيركم من ترك دنياه لآخرته ولا آخرته لدنياه ، حتى يصيب منهما

جميعا ، فإن الدنيا بلاغ إلى الآخرة ، ولا تكونوا كالأغصان على الناس . (٤) .

- ١- سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ٧٢٥ ح ٢١٤٣ ، الهمة والحزن لابن أبي الدنيا : ص ٧٥ ح ١٠٩ ، الفردوس : ج ١ ص ٣٥٩ ح ١٤٤٩ كلها عن أنس ، كنز العمال : ج ١ ص ١٤٤ ح ٧٠٢ .
- ٢- ربيع الأبرار : ج ١ ص ٥٣ ، تاريخ أصبهان : ج ٢ ص ١٦٧ ح ١٣٦٩ عن أنس ، حليه الأولياء : ج ١ ص ٢٧٨ كلاهما نحوه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٧٣٣ ح ٨٦٠٥ نقلاً عن ابن عساكر وكلاهما عن حذيفه .
- ٣- الكل : العيال والثقل (الصحيح : ج ٥ ص ١٨١١ «كلل») .
- ٤- فردوس الأخبار : ج ٣ ص ٤٥٥ ح ٥٢٩٠ ، الفردوس : ج ٣ ص ٤٠٩ ح ٥٢٤٩ وفيه «فإن يبلغه إلى الأخرى» بدل «فإن الدنيا بلاغ إلى الآخرة» ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٤٨ ح ٦٣٣٤ نقلاً عن ابن عساكر وكلها عن أنس .

۲ / ۲ مسلمان ، کسی است که به دنیا و آخرت ، اهتمام ورزد

ر . ک : ص ۱۶۵ (دعا برای رفاه در زندگی) .

توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: بخش اول: پیشرفت اقتصادی .

۲ / ۲ مسلمان ، کسی است که به دنیا و آخرت ، اهتمام ورزد ۴۴۳. ما رواه القمّی، عن أبيه، عن الحسين بن خالد، عن أبيامير خدا صلی الله علیه و آله : با همّت ترین مردم، مؤمن است که به کار دنیا و آخرتش اهتمام می ورزد. ۴۴۴. ما رواه الصدوق فی المعانی یاسناده عن عبد العظیم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهترین شما کسی نیست که دنیا را برای آخرت یا آخرت را برای دنیا ترک کند ؛ بلکه بهترین شما کسی است که از این هر دو ، بهره گیرد. ۴۴۵.۱ . الشیخ الطوسی یاسناده، عن منصور بن حازم، عن أبيامير خدا صلی الله علیه و آله : بهترین شما کسی نیست که دنیا را به خاطر آخرتش و یا آخرتش را به خاطر دنیا و گذارد ؛ بلکه آن کس است که از هر دوی اینها بهره اش برگیرد؛ چرا که دنیا وسیله رسیدن به آخرت است. سربار دیگران نباشید.

٤٤٦.٢ . وبإسناده عن ابن شجره ، عمن ذكره ، عن أبي عبدعنه صلى الله عليه و آله : خَيْرُكُمْ مَنْ لَمْ يَتْرُكْ آخِرَتَهُ لِدُنْيَا ، وَلَا دُنْيَا لِـ آخِرَتِهِ ، وَلَمْ يَكُنْ كَلًّا عَلَى النَّاسِ . (١) ٤٤٧. ما رواه الصدوق بإسناده عن أبي جعفر الأحول ، عمن رالإمام على عليه السلام : خَيْرُكُمْ مَنْ لَمْ يَدَعْ آخِرَتَهُ لِدُنْيَا ، وَلَا دُنْيَا لِـ آخِرَتِهِ . (٢) ٤٤٨. الشيخ الطوسي بإسناده عن حفص بن البختری ، عن أبي عالالإمام الصادق عليه السلام : لَيْسَ مَنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَا لِـ آخِرَتِهِ ، وَلَا آخِرَتَهُ لِـ دُنْيَا . (٣) ٤٤٩. وبإسناده عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله ، قال : الإمام الكاظم عليه السلام : اجعلوا لِـ أَنْفُسِكُمْ حَظًّا مِّنَ الدُّنْيَا بِإِعْطَائِهَا مَا تَشْتَهُ مِنْ الْحَلَالِ وَمَا لَا يَتَلَمَّ الْمُرُوءَةَ وَمَا لَا سِرْفَ فِيهِ ، وَاسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدِّينِ ، فَإِنَّهُ رُوِيَ : لَيْسَ مَنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَا لِـ دِينِهِ ، أَوْ تَرَكَ دِينَهُ لِـ دُنْيَا . (٤) ٣ / ٢ الدُّنْيَا مَزْرَعَهُ الْآخِرَةَ الْكِتَابُ «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ» . (٥)

-
- ١- . تاريخ بغداد : ج ٤ ص ٢٢١ الرقم ١٩١٨ ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٣٨ ح ٦٣٣٦ نقلاً عن الحاكم وكلاهما عن أنس .
 - ٢- . كنز العمال : ج ٣ ص ٧٣٢ ح ٨٦٠٤ نقلاً عن علي بن معبد في كتاب الطاعة والعصيان .
 - ٣- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ١٥٦ ح ٣٥٦٨ ، وسائل الشيعة : ج ١٢ ص ٤٩ ح ١ ، المحجَّه البيضاء : ج ٧ ص ٤١٨ .
 - ٤- . تحف العقول : ص ٤١٠ ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص ٣٣٧ عن العالم عليه السلام وفيه «لم ينل» بدل «لا يتلم» ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٣٢١ ح ١٨ .
 - ٥- . البقره : ١٩٧ .

۲ / ۳ دنیا، کشتزار آخرت

۴۵۵.۱. روی الشریف الرضی عن أمير المؤمنين عليه السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین شما کسی است که آخرتش را به خاطر دنیایش وا نگذارد و دنیایش را به خاطر آخرتش، و سربار مردم نباشد. ۴۵۶.۲. الکلینی یاسناده عن الوشاء، قال: امام علی علیه السلام: بهترین شما کسی است که آخرتش را به خاطر دنیایش فرو نگذارد و دنیایش را به خاطر آخرتش. ۴۵۷. ما رواه الکلینی یاسناده عن حماد بن عثمان: امام صادق علیه السلام: کسی که دنیایش را به خاطر آخرتش و یا آخرتش را به خاطر دنیایش ترک کند، از ما نیست. ۴۵۸. الکشی یاسناده عن علی بن أسباط، قال: امام کاظم علیه السلام: با برآوردن خواست های روای خود تا آن جا که به مرّوت [و شخصیت] صدمه نزند و اسراف نباشد، خویشان را از دنیا بهره مند سازید و از دنیا در کارهای دینتان کمک بگیرید؛ زیرا روایت شده است که: از ما نیست آن که دنیایش را برای دینش یا دینش را به خاطر دنیایش وا گذارد. ۲ / ۳ دنیا، کشتزار آخرت قرآن «توشه بگیرید، و بهترین توشه، پروامندی است. ای خردمندان! از من پروا کنید».

«وَابْتِغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا». (١)

الحديث ٤٦٥. رسول الله صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ. (٢) ٤٦٦. ابن شهر آشوب وابن بطة في الإبانة بإسناده منعه صلى الله عليه وآله في وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ: يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّكُمْ فِي مَمَرِّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فِي آجَالٍ مَنْقُوصَةٍ، وَأَعْمَالٍ مَحْفُوظَةٍ، وَالْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً، فَمَنْ يَزْرَعُ خَيْرًا يَوْشِكُ أَنْ يَحْصُدَ رَغْبَةً، وَمَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يَوْشِكُ أَنْ يَحْصُدَ نَدَامَةً، وَلِكُلِّ زَارِعٍ مَا زَرَعَ. (٣) ٤٦٧. ابن نجيب: الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّكُمْ فِي آجَالٍ مَقْبُوضَةٍ، وَأَيَّامٍ مَعْدُودَةٍ، وَالْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً، مَنْ يَزْرَعُ خَيْرًا يَحْصُدُ غِبْطَةً، وَمَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يَحْصُدُ نَدَامَةً، وَلِكُلِّ زَارِعٍ مَا زَرَعَ. (٤) ٤٦٨. السمعاني عن عمر، قال: عيسى عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خُلِقَتْ مَرْزَعَةً تَزْرَعُ فِيهَا الْعِبَادُ الْحُلُوقَ وَالْمَرْ وَالشَّرَّ وَالْخَيْرَ، وَالْخَيْرُ لَهُ مَغْبَةٌ (٥) نَافِعَةٌ يَوْمَ الْحِسَابِ، وَالشَّرُّ لَهُ عَنَاءٌ وَشَقَاءٌ يَوْمَ الْحَصَادِ. (٦) ٤٦٩. في دعائم الإسلام مرفوعاً عن الإمام علي عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله في الدُّعَاءِ: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى دِينِي بِدُنْيَايَ، وَعَلَى آخِرَتِي

بِتَقْوَايَ، وَاحْفَظْنِي فِيمَا غِبْتُ عَنْهُ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِيمَا حَضَرْتَهُ. (٧).

١- القصص: ٧٧.

٢- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٨٣، عوالي اللآلي: ج ١ ص ٢٦٧ ح ٦٦؛ إحياء علوم الدين: ج ٤ ص ٣١.

٣- الأمل للطوسي: ص ٥٢٧ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٦٥ ح ٢٦٦١ وفيه «خيراً» بدل «رغبة»، تنبيه الخواطر: ج

٢ ص ٥٣ وفيه «زرعه» بدل «رغبة»، أعلام الدين: ص ١٩٠ كلَّها عن أبي ذرٍّ، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ١٧٦ ح ١٥.

٤- الكافي: ج ٢ ص ٤٥٨ ح ١٩، تحف العقول: ص ٤٨٩ عن الإمام العسكري عليه السلام وفيه «منقوصه» بدل «مقبوضه»،

بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٧٣ ح ١٩.

٥- الغبُّ: عاقبه الشيء (القاموس المحيط: ج ١ ص ١٠٩ «غبُّ»).

٦- تحف العقول: ص ٥١٠، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣١٤ ح ١٧.

٧- مهج الدعوات: ص ٢٣٨، العدد القويّ: ص ١٥٧ ح ٨٨ كلاهما عن الربيع عن الإمام الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم

السلام، مصباح المتهجد: ص ١٧٢ ح ٢٥٩، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٤٠٥ ح ٧ نقلاً عن اختيار ابن الباقي من أدعيه الإمام

الصادق عليه السلام.

«و با آنچه خدایت داده ، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن».

حدیث ۴۷۲.۱ . الصدوق : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا، کشتزار آخرت است. ۴۷۳.۲ . السید الشریف الرضی مرسلًا عن أمير المؤمنين پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیه هایش به ابو ذر : ای ابو ذر! شما در گذر شب و روز، عمری رو به کاهش دارید و اعمالتان نگهداری می شود و مرگ ، ناگهان می رسد. پس، هر که خوبی بکارد ، زودا که بدرود و هر که بدی بکارد ، به زودی پشیمانی می درود. [آری!] هر کشتگر ، آن دروید که کاشت. ۴۷۴.۱ . روی الکلینی قدس سره یاسناده عن یونس بن یعقوب، امام صادق علیه السلام : شما در عمرهایی به سر آمدنی و روزهای چند به سر می برید و مرگ ، به ناگاه فرا می رسد. هر که نیکی بکارد ، شادی می درود، و هر که بدی بکارد ، پشیمانی درو می کند. هر کشتگری ، آن دروید که کاشت. ۴۷۵.۲ . وروی یاسناده عن عبدالرحمن بن کثیر، عن ابي عبدعيسى عليه السلام : دنیا ، کشتزاری آفریده شده است که بندگان در آن ، شیرینی و تلخی ، و بدی و خوبی می کارند. خوبی، در روز حسابرسی، فرجامی سودمند دارد و بدی، در روز درویدن، رنج و شقاوت به بار می نشاند. ۴۷۶.۳ . وروی یاسناده عن الحسن بن الجهم، قال : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعا : خدایا! مرا با دنیایم بر دینم، و با تقوایم بر آخرتم کمک فرما و در آنچه از آن غایم ، حفظ نما و در آنچه هم حاضریم ، مرا به خودم وا مگذار .

١. ٤٧٧. الشيخ الطوسي بإسناده عن محمد بن عمر، أنه كتبه صلى الله عليه وآله: لِيَتَزَوَّدَ الْعَبْدُ مِنْ دُنْيَاهُ لِأَخْرَجَتِهِ ، وَمِنْ حَيَاتِهِ لِمَوْتِهِ ، وَمِنْ شَبَابِهِ لِهَرَمِهِ ؛ فَإِنَّ الدُّنْيَا خُلِقَتْ لَكُمْ ، وَأَنْتُمْ خُلِقْتُمْ لِأَخْرَجِهِ . (١) ٤٧٨.٢. الشيخ بإسناده عن عبد الرحمن بن الحجاج ، عن أبعنه صلى الله عليه وآله : لِيَأْخُذَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ ، وَمِنْ دُنْيَاهُ لِأَخْرَجَتِهِ . (٢) ٤٧٩.٣. الكليني بإسناده عن محمد بن قيس، عن أبي جعفر عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ يَتَزَوَّدَ فِي الدُّنْيَا يَنْفَعُهُ فِي الْآخِرَةِ . (٣) ٤٨٠.٤. ما رواه الشيخ الطوسي بإسناده عن سلمه بن محرز، قال: عنه صلى الله عليه وآله : الْمُؤْمِنُ يَتَزَوَّدُ ، وَالْكَافِرُ يَتَمَتَّعُ . (٤) ٤٨١.٤. الكليني بإسناده عن عمرو الأزرق، قال: عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى . . . جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ الْأَعْمَالِ ، وَجَعَلَ الْآخِرَةَ دَارَ الْقَرَارِ «لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسْتَوُوا بِمَا عَمِلُوا وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى» (٥) . (٦) ٤٨٢.١. الشيخ الطوسي قدس سره بإسناده عن زراره، عن أبيعنه صلى الله عليه وآله : أَنْتُمْ الْيَوْمَ فِي الْمِضْمَارِ (٧) وَغَدَا فِي السَّبَاقِ ، فَالْسَّبْقُ الْجَنَّةُ وَالْغَايَةُ النَّارُ . (٨) .

- ١- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٣١ ؛ إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ٣٠١ وزاد فيه «من نفسه لنفسه» بعد «العبد» ، وراجع الفردوس : ج ٥ ص ٢٧٨ ح ٨١٧٨ .
- ٢- الكافي : ج ٢ ص ٧٠ ح ٩ عن حمزه بن حمران عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ص ٢٧ ، أعلام الدين : ص ٣٣٣ وليس فيهما «المؤمن» ، بحار الأنوار : ج ٧ ص ٣٦٢ ح ٧ .
- ٣- المعجم الكبير : ج ٢ ص ٣٠٥ ح ٢٢٧١ ، تاريخ بغداد : ج ١٤ ص ٤٤٦ الرقم ٧٨٢٨ ، تفسير ابن كثير : ج ١ ص ٣٤٨ كلها عن جرير بن عبد الله ، كتر العمال : ج ١٥ ص ٧٧٥ ح ٤٣٠٥٢ .
- ٤- إرشاد القلوب : ص ١٨ ، أعلام الدين : ص ٢٩٧ ، كشف الغمّة : ج ٢ ص ١٩٩ كلاهما عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١١٢ ح ٦ .
- ٥- النجم : ٣١ .
- ٦- كمال الدين : ص ٢٦٤ ح ١٠ ، إرشاد القلوب : ص ٤٢٠ كلاهما عن سلمان ، كتاب سليم بن قيس : ج ٢ ص ٧٦٩ عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «دار الثواب والعقاب» بدل «دار القرار» ، بحار الأنوار : ج ٢٨ ص ٥٤ ح ٢١ ؛ البدايه والنهايه : ج ٧ ص ٢٦٣ عن زيد بن وهب عن الإمام عليّ عليه السلام .
- ٧- المِضْمَار : الموضع الذي تُضَمَّر فيه الخيل ، ويكون وقتاً للأيام التي تُضَمَّر فيها . وتضمير الخيل : هو أن يظاھر عليها بالعلف حتّى تسمن ، ثم لا تعلق إلا قوتاً لتخفّ (النهايه : ج ٣ ص ٩٩ «ضمّر») .
- ٨- كتر العمال : ج ١٥ ص ٧٩٤ ح ٤٣١٥٣ نقلاً عن ابن لال في مكارم الأخلاق عن جابر .

۴۸۳.۲. الشیخ یاسناده عن عبدالملک بن عمرو، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده باید از دنیای خویش برای آخرتش، از زندگی اش برای مرگش و از جوانی اش برای پیری اش توشه بگیرد؛ زیرا که دنیا برای شما آفریده شده است و شما برای آخرت، آفریده شده اید. ۴۸۴. ما رواه الکلبینی یاسناده عن ابي بصیر، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده مؤمن، باید از خود برای خود، و از دنیای خود برای آخرتش بهره بگیرد. ۴۸۵.۱. الشیخ الطوسی یاسناده عن سماعه، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که در دنیا توشه بگیرد، در آخرت سودش می دهد. ۴۸۶.۲. وأیضا یاسناده عن ابن ابي نصر، عن ابي الحسن ا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، توشه فراهم می آورد و کافر به کامجویی می گذراند. ۴۸۷.۱. الشیخ الطوسی یاسناده عن زراره، عن ابي جعفر ع پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تبارک و تعالی ... دنیا را سرای عمل قرار داد و آخرت را سرای آسودن، «تا کسانی را که بد کرده اند، به سزای آنچه انجام داده اند، کیفر دهد، و آنان را که نیکی کرده اند، به نیکی پاداش دهد». ۴۸۸.۲. ویاسناده عن معاویه بن شریح، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شما امروز در آمادگاهید (۱) و فردا در [میدان] مسابقه. جایزه این مسابقه، بهشت است و خطّ پایان [برای بازنده]، آتش..

۱- آمادگاه، ترجمه «مضمار» است و مضمار، جایی یا مدّت زمانی را می گویند که در آن، اسب را برای مسابقه پرورش می دهند و آمادگاه مسابقه می سازند (النهایه: ج ۳ ص ۹۹ «ضمم»).

٤٨٩. الكليني بإسناده عن محمد بن مسلم، عن أبي عبد اللّيسى عليه السلام: إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ اللَّهُ الدُّنْيَا لِتَعْمَلُوا فِيهَا لِلْآخِرَةِ وَلَمْ يُعْطِكُمْوهَا لِتَشْغَلَكُمْ عَنِ الْآخِرَةِ ، وَإِنَّمَا بَسَطَهَا لَكُمْ لِتَعْلَمُوا أَنَّهُ أَعَانَكُمْ بِهَا عَلَى الْعِبَادَةِ وَلَمْ يُعْنِكُمْ بِهَا عَلَى الْخَطَايَا ، وَإِنَّمَا أَمَرَكُمْ فِيهَا بِطَاعَتِهِ وَلَمْ يَأْمُرْكُمْ فِيهَا بِمَعْصِيَتِهِ ، وَإِنَّمَا أَعَانَكُمْ بِهَا عَلَى الْحَلَالِ وَلَمْ يُحِلَّ لَكُمْ بِهَا الْحَرَامَ ، وَإِنَّمَا وَسَّعَهَا لَكُمْ لِتَوَاصَلُوا فِيهَا ، وَلَمْ يُوسَّعَهَا لَكُمْ لِتَقَاطَعُوا فِيهَا . (١) ١. ٤٩٠ . أبو عتياب عبد الله والحسين ابنا بسطام بن سبالإمام على عليه السلام :ألا وإنّ المِضْمَارَ التَّيَوْمَ وَالسَّبَاقَ غَدَا ، أَلَا وَإِنَّ السُّبْقَةَ الْجَنَّةَ وَالْغَايَةَ النَّارُ . (٢) ٢. ٤٩١ . وكذا الصدوق فى العلل بإسناده عن أبى بصير عنه عليه السلام : إِنَّمَا الدُّنْيَا مُنْتَهَى بَصَرِ الْأَعْمَى ؛ لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَرَاءَهَا شَيْئًا ، وَالْبَصِيرُ يَنْفُذُهَا بَصَرُهُ وَيَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَرَاءَهَا ، فَالْبَصِيرُ مِنْهَا شَاخِصٌ ، وَالْأَعْمَى إِلَيْهَا شَاخِصٌ ، وَالْبَصِيرُ مِنْهَا مُتْرَوِّدٌ ، وَالْأَعْمَى لَهَا مُتْرَوِّدٌ . (٣) ٣. ٤٩٢ . الشيخ الطوسى بإسناده إلى عمّار، عن أبى عبد العنه عليه السلام :بِالدُّنْيَا تُحْرَزُ (٤) الْآخِرَةُ . (٥) .

١- تحف العقول : ص ٥١١ ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٣١٥ ح ١٧ .

٢- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٥١٦ ح ١٤٨٢ ، نهج البلاغه : الخطبه ٢٨ ، الإرشاد : ج ١ ص ٢٣٥ ، تحف العقول : ص ١٥٣ ، مصباح المتهدّد : ص ٦٦١ ح ٧٢٨ عن جنبد بن عبد الله الأزدي عن أبيه ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٩٤ ح ٢ ؛ تاريخ دمشق : ج ٤٢ ص ٤٩٧ عن أوفى بن دلهم وفيه صدره ، مطالب السؤل : ص ٥١ .

٣- نهج البلاغه : الخطبه ١٣٣ ، إرشاد القلوب : ص ١٩ وفيه «البوار» بدل «الدار» وليس فيه «والأعمى لها متروّد» .

٤- أحرز الشىء: حازه. يقال: أحرزت الشىء؛ إذا حفظته وضممته إليك وصننته عن الأخذ (لسان العرب: ج ٥ ص ٣٣٣ «حرز»).

٥- نهج البلاغه : الخطبه ١٥٦ ، تحف العقول : ص ١٦٤ وفيه «تحذو» بدل «تحرز» ؛ كنز العمال : ج ١٦ ص ١٨٨ ح ٤٤٢١٦ نقلًا عن وكيع وفيه «تخرج» بدل «تحرز» .

۴۹۳.۱. فی تفسیر القمّی عن الإمام الصادق علیه السلام: خداوند ، دنیا را به شما داده است تا در آن برای آخرت ، کار کنید . آن را به شما نداده است که از آخرت ، بازتان دارد. آن را برای شما گسترانیده است تا بدانید که آن را کمک کار شما در عبادت قرار داده ؛ نه این که کمک کار شما در گناهان قرار داده باشد. شما را در دنیا به طاعت خویش فرمان داده و در آن ، به معصیت خویش فرمانتان نداده است به واسطه آن ، شما را بر حلال کمک کرده و به وسیله آن ، حرام را برای شما حلال نساخته است. دنیا را برای شما وسعت بخشیده تا در آن به یکدیگر رسیدگی کنید و برایتان وسعت بخشیده که در آن ، از یکدیگر بفریید. ۴۹۴.۲. وفي الدرّ المنثور عن عدّه من أصحاب التفسیر و امام علی علیه السلام: بدانید که امروز ، روز آماده سازی (خودسازی) است و فردا ، [روز] مسابقه. بدانید که جایزه این مسابقه ، بهشت است و خطّ پایان [برای بازنده] ، آتش. ۴۹۵.۳. وفي الدرّ المنثور أيضا: امام علی علیه السلام: دنیا ، آخرین دیدرس شخص کور [دل] است و از آنچه فرا سوی آن است ، چیزی نمی بیند ؛ اما شخص بینا ، نگاهش از دنیا فراتر می رود و می داند که سرای حقیقی ، در ورای این دنیا است. پس ، بینا از دنیا دل بر می گند و کوردل ، به آن رو می کند. بینا ، از آن توشه بر می گیرد و کوردل ، برای آن توشه فراهم می آورد. ۴۹۶.۱. الشيخ الطوسی باسناده عن أبي هريره، قال: امام علی علیه السلام: با دنیا است که آخرت به دست می آید. .

٤٩٧.٢ . الكراچكى ياسناده عن كليب بن معاويه الأسدى ، عنه عليه السلام : بِالدُّنْيَا تَجُوزُ الْقِيَامَةَ (١) . (٢) ٤٩٨.٣ . على بن الحسن بن الفضل ، عن أنس : عنه عليه السلام : عَجِبْتُ لِمَنْ عَرَفَ أَنَّهُ مُنْتَقِلٌ عَن دُنْيَاهُ ، كَيْفَ لَا يُحْسِنُ التَّرَوُّدَ لِأَخْرَافِهَا! (٣) ٤٩٩.١ . الصدوق ياسناده عن عبد الله بن مسعود ، قال : عنه عليه السلام : تَزَوَّدُوا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْزُونَ (٤) بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا ، وَتُخَذُوا مِنَ الْفَنَاءِ لِلْبَقَاءِ . (٥) ٥٠٠.٢ . ما رواه الحاكم الحسكاني ياسناده إلى جميع التيمعنه عليه السلام : تَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تُحْرَزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا . (٦) ٥٠١.١ . ابن المشهدى فيذيل : عنه عليه السلام يَصِفُ الدُّنْيَا : وَلَنْعَمَ دَارٌ مِّنْ لَّمْ يَرْضَ بِهَا دَارًا ، وَمَحَلٌّ مِّنْ لَّمْ يُؤْتِنَهَا مَحَلًّا . (٧) ٥٠٢.٢ . الواحدى فى الآيه : عنه عليه السلام : الأَعْمَالُ فِي الدُّنْيَا تِجَارَةٌ الآخِرَةُ . (٨) ٥٠٣.١ . ابن عساكر والسيوطى عن جعفر بن محمد ، عن أبيهعنه عليه السلام مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى مُعَاوِيَةَ : إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ تِجَارَةٍ ، وَرِبْحُهَا أَوْ خُسْرُهَا الآخِرَةُ ، فَالسَّعِيدُ مَن كَانَتْ بِضَاعَتُهُ فِيهَا الأَعْمَالُ الصَّالِحَةَ ، وَمَنْ رَأَى الدُّنْيَا بِعَيْنِهَا وَقَدَّرَهَا بِقَدْرِهَا . (٩) .

- ١- قال العلامة المجلسى قدس سره : على صيغه الخطاب من الجواز ، وفى بعض النسخ بصيغه الغيبة ؛ أى يجوز المؤمن أو الإنسان ، وفى بعضها : «يجاز» على بناء المجهول ، وهو أظهر ، وفى بعضها : «يُحَاز» بالحاء المهملة من الحيازه ؛ أى تُحَاز مَثُوبَاتُ الْقِيَامَةِ . . . ومنهم من قرأ : «تحوز» بالحاء المهملة ؛ أى بسبب الدنيا وأعمالها تجمع القيامه الناس للحساب والجزاء (بحار الأنوار : ج ٦٨ ص ٣٦٤) .
- ٢- الكافى : ج ٢ ص ٥٠ ح ١ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام عن الأصبغ بن نباته ، الأمالى للمفيد : ص ٢٧٧ ح ٣ عن قبيصه بن جابر الأسدى ، كتاب سليم بن قيس : ج ٢ ص ٦١٩ ، بحار الأنوار : ج ٦٨ ص ٣٥٠ ح ١٨ .
- ٣- غرر الحكم : ح ٦٢٧٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٢٩ ح ٥٦٤٠ وفيه «علم» بدل «عرف» .
- ٤- حازه يحوزه : إذا قبضه وملكه واستبد به (النهايه : ج ١ ص ٤٥٩ «حوز») .
- ٥- غرر الحكم : ح ٤٥٣٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٠٠ ح ٤٠٤٧ وفيه «تنقذون» بدل «تحوزون» وص ١٠٩ ح ٢٣٩٣ وليس فيه ذيله .
- ٦- نهج البلاغه : الخطبه ٢٨ و ٦٤ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٨ ، تحف العقول : ص ١٥٣ ، إرشاد القلوب : ص ٣٤ وفيه «تنجون» بدل «تحوزون» وليس فيهما «غدا» ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٣٣ ح ٢١ ؛ مطالب السؤل : ص ٥٩ وفيه «تحوزوا» بدل «تحوزون» .
- ٧- نهج البلاغه : الخطبه ٢٢٣ .
- ٨- غرر الحكم : ح ١٣٠٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٧ ح ١١٩٣ وفيه «فى الآخره» .
- ٩- شرح نهج البلاغه : ج ١٦ ص ١٣٣ ؛ بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٨٥ ح ٤٠٠ .

۵۰۴.۲. ما رواه الترمذی بإسنادہ إلی یوسف بن سعد قال: امام علی علیه السلام: با دنیاست که قیامت را به چنگ می آوری. ۵۰۵. من جمله ما استدر که ابن اَبی الحدید علی روایات السیامام علی علیه السلام: در شگفتم از کسی که می داند از دنیا منتقل می شود، چگونه برای آخرتش توشه فراهم نمی آورد! ۵۰۶. الکلبینی عن أحمد بن مهران وعلی بن ابراهیم، جمیعاً امام علی علیه السلام: از دنیا، توشه ای بردارید که فردای قیامت، با آن خود را حفظ کنید و از سرای نیستی برای سرای ماندگاری بگیرید. ۵۰۷. أخرج البیهقی فی الدلائل عن محمد بن علی یعنی الامام علی علیه السلام: در دنیا، از دنیا توشه ای بگیرید که فردای قیامت، با آن خویشتن را حفظ کنید. ۵۰۸. أخرج الزبیر بن بکار وابن عساکر، عن جعفر بن محمد امام علی علیه السلام در وصف دنیا: نیکو سرایی است دنیا برای آن کس که آن را خانه [ی همیشگی] خویش نداند، و نیکو منزلگاهی است برای آن کس که آن را وطن خویش نگیرد. ۵۰۹.۱. البخاری فی صحیحہ والنسائی فی سننه، عن عبد اللامام علی علیه السلام: کارها [ی نیک] در دنیا، تجارت آخرت است. ۵۱۰.۲. قال أبو الصلاح: امام علی علیه السلام در نامه ای به معاویه: دنیا، تجارت خانه ای است و سود یا زیان آن، آخرت است [و در آخرت معلوم می شود]. پس سعادت مند، کسی است که کالای او در دنیا، کارهای نیک باشد و کسی که دنیا را به چشم دنیا دید و به آن در همان حدّ خویش ارزش نهاد.

٥١١.٣. الطبرسى: الإمام زين العابدين عليه السلام: الدُّنْيَا سَوْقُ الْآخِرَةِ ، وَالنَّفْسُ تَاجِرٌ ، وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ رَأْسُ الْمَالِ ، وَالْمَكْسَبُ الْجَنَّةُ ، وَالْخُسْرَانُ النَّارُ . (١) ٥١٢.٤. الطبرسى: الإمام الباقر عليه السلام لِعُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ : يَا عُمَرُ ، إِنَّمَا الدُّنْيَا سَوْقٌ مِنَ الْأَسْوَاقِ ؛ مِنْهَا خَرَجَ قَوْمٌ بِمَا يَنْفَعُهُمْ ، وَمِنْهَا خَرَجُوا بِمَا يَضُرُّهُمْ . (٢) ٥١٣.١. ما وراه الحاكم الحسكاني بإسناده عن أم سلمة عنه عليه السلام: نِعَمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى طَلَبِ الْآخِرَةِ . (٣) ٥١٤.٢. وإسناده عن إسماعيل بن عبد الله بن جعفر الطيالسي بإسناده عن الصادق عليه السلام: نِعَمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ . (٤) ٥١٥.٣. الحاكم الحسكاني بإسناده عن محمد بن مصعب، وعلا احتجاج في ذكر أسئلته زنديق للإمام الصادق عليه السلام: قَالَ [الزَّانِدِيُّ] : فَلِأَيِّ عِلَّةٍ خَلَقَ الْخَلْقَ وَهُوَ غَيْرُ مُحْتَاجٍ إِلَيْهِمْ وَلَا مُضْطَرٌّ إِلَى خَلْقِهِمْ ، وَلَا يَلِيقُ بِهِ التَّعَبُّثُ بِنَا؟

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : خَلَقَهُمْ لِإِظْهَارِ حِكْمَتِهِ ، وَإِنْفَازِ عِلْمِهِ ، وَإِمْضَاءِ تَدْبِيرِهِ .

قَالَ : وَكَيْفَ لَا يَتَّقِصِرُ عَلَى هَذِهِ الدَّارِ فَيَجْعَلَهَا دَارَ ثَوَابِهِ وَمُحْتَسَبِ عِقَابِهِ؟

قَالَ : إِنَّ هَذِهِ الدَّارَ دَارُ ابْتِلَاءٍ ، وَمَتَجَرُّ الثَّوَابِ ، وَمُكْتَسَبُ الرَّحْمَةِ ، مُلَّتْ

آفَاتٍ ، وَطُبِّقَتْ (٥) شَهَوَاتٍ ، لِيُخْتَبَرَ فِيهَا عِبِيدَهُ بِالطَّاعَةِ ؛ فَلَا يَكُونُ دَارَ عَمَلٍ دَارَ جَزَاءٍ . (٦) .

- ١- .أعلام الدين : ص ٩٦ .
- ٢- .الخصال : ص ١٠٤ ح ٦٤ عن هشام بن معاذ ، المسترشد : ص ٥٠٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٨١ ح ٦ وراجع المناقب لابن شهر آشوب : ج ٤ ص ٢٠٧ .
- ٣- .الكافي : ج ٥ ص ٧٣ ح ١٤ .
- ٤- .الكافي : ج ٥ ص ٧٢ ح ٨ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ١٥٦ ح ٣٥٦٧ ، الأصول الستة عشر : ص ٨٨ كلها عن ذريح المحاربي ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ٥١ ح ١٣٦ عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٧ ح ١٢٦ .
- ٥- .طَبَّقَ الْغَيْمِ : إِذَا أَصَابَ بِمَطَرِهِ جَمِيعَ الْأَرْضِ (الصَّحَاحُ : ج ٤ ص ١٥١٢ «طبق»).
- ٦- .الاحتجاج : ج ٢ ص ٢١٧ ح ٢٢٣ ، بحار الأنوار : ج ٥ ص ٣١٧ ح ١٤ .

۵۱۶. امام زین العابدین علیه السلام: دنیا، بازار آخرت است و نفس، بازرگان است و شب و روز، سرمایه و سود، بهشت و زیان، دوزخ. ۵۱۷.۲. الطبرانی عن حفص بن سعید القرشی، قال: امام باقر علیه السلام به عمر بن عبد العزیز: ای عمر! دنیا، در حقیقت، بازاری از بازارهاست. گروهی از این دنیا، چیزی را بردند که سودشان رساند، و گروهی، کالایی را که زیانشان داد. ۵۱۸.۳. فی کتاب المناقب لابن شهر آشوب عن تفسیر الثعلبامام باقر علیه السلام: چه خوب کمکی است دنیا برای به دست آوردن آخرت! ۵۱۹.۱. أخرج ابن مردویه عن ابن عبّاس، قال: امام صادق علیه السلام: نیکو کمکی است دنیا برای آخرت! ۵۲۰.۲. الدرّ المشور: الاحتجاج در بیان پرسش های زندیق از امام صادق علیه السلام: زندیق گفت: پس به چه علت خداوند، خلق را آفرید، در حالی که نه به آنها نیاز داشت، نه به آفریدنشان مجبور بود، و باز چه قرار دادن ما هم شایسته او نیست؟

فرمود: «آنها را آفرید تا حکمت خویش را نمایان سازد و دانش خویش را به اجرا درآورد و تدبیرش را به کار برد».

زندیق گفت: چرا به همین سرا بسنده نمی کند و آن را سرای پاداش و زندان کیفر خویش قرار نمی دهد [و به آخرت موکول کرده است]؟

فرمود: «این سرا، سرای آزمایش، تجارت خانه ثواب و محلّ کسب رحمت است؛ آکنده از آفات و پُر از شهوات، قرار داده شده است تا خداوند، در آن بندگانش را به طاعت بیازماید. پس، خانه عمل، خانه پاداش نیست».

٥٢١. تأويل الآيات بإسناده عن عبد الله بن أبي رافع ، عالِم الإمام الهادي عليه السلام :الدُّنْيَا سَوْقٌ ، رَبِحَ فِيهَا قَوْمٌ وَخَسِرَ آخَرُونَ .
(١) راجع : ص ٢٦٢ (خصائص الدنيا / مزرعه الشر) .

و ٢٦٤ (خصائص الدنيا / سوق الخسران) .

٢ / ١٤ الإنسان مطبوع على حب الدنيا ٥٢٦.٢ . فى نهج البيان :الإمام على عليه السلام :النَّاسُ أبنَاءُ الدُّنْيَا ، وَالْوَلَدُ مَطْبُوعٌ عَلَى حُبِّ أُمِّهِ . (٢) ٥٢٧.٣ . ابن أبي حاتم عن السدى :عنه عليه السلام :النَّاسُ أبنَاءُ الدُّنْيَا ، وَلَا يُلَامُ الرَّجُلُ عَلَى حُبِّ أُمِّهِ . (٣) ٥٢٨.١ . الكلىنى بإسناده عن أبى الجارود عن أبى جعفر علنر الدرّ :قال له [لِعَلَى عَلَيْهِ السَّلَام] الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَام : أَمَا تَرَى حُبَّ النَّاسِ لِلدُّنْيَا؟ قَالَ : هُمْ أَوْلَادُهَا ، أَفِيْلَامُ الْمَرْءِ عَلَى حُبِّ وَالِدَتِهِ؟! (٤) ٥٢٩. وعن كتاب نزول القرآن يرفعه إلى على بن عامر ، عنتيسير المطالب عن أبى الحسن على بن مهدى الطبرى :رُوِيَ عَن أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام أَنَّ رَجُلًا قَامَ إِلَيْهِ ، فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، مَا بَالُنَا نُحِبُّ الدُّنْيَا؟

قال : لِأَنَّهَا مِنْهَا ، وَهَلْ يَأْتِمُّ الرَّجُلُ بِحُبِّهِ لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ؟

قال : وَأَنْشَدَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْأَزْدِيُّ ، قَالَ : أَنْشَدَنَا ثَعْلَبُ :

وَنَحْنُ بَنُو الدُّنْيَا خُلِقْنَا لِغَيْرِهَا وَمَا كُنْتُ مِنْهُ فَهُوَ شَيْءٌ مُحَبَّبٌ (٥) .

١- تحف العقول : ص ٤٨٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٣٦٦ ح ٦ .

٢- غرر الحكم : ح ١٨٥٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٥ ح ١٤٢٣ .

٣- نهج البلاغه : الحكمه ٣٠٣ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٣١ ح ١٣٥ .

٤- نثر الدرّ : ج ١ ص ٢٨٤ ؛ ربيع الأبرار : ج ١ ص ٤٥ .

٥- تيسير المطالب : ص ٣٤٠ .

۲ / ۴ سرشت دنیادوستی در انسان

۲. ۵۳۰. حکى العلامة الطباطبائى قدس سره عن المناقب الفامام هادى عليه السلام: دنيا، بازاری است که قومی در آن سود بُردند و شماری دیگر، زیان کردند. ر. ک: ص ۲۶۳ (ویژگی های دنیا / کشتزار بدی).

و ۲۶۵ (ویژگی های دنیا / بازار زیانکاری).

۲ / ۴ سرشت دنیادوستی در انسان ۱. ۵۳۵. القمى فى ذیل الآیه: امام علی علیه السلام: مردمان، فرزندان دنیا هستند و فرزند، بر عشق به مادرش سرشته شده است. ۲. ۵۳۶. شرف الدین الحسینی یاسناده عن محمد بن الفضیل امام علی علیه السلام: مردم، فرزندان دنیا هستند و آدمی، بر دوست داشتن مادرش ملامت نمی شود. ۳۷. ۵۳۷. کتاب الله عز و جل علی أربعه أشياء: نشر الدر: حسن علیه السلام به او (علی علیه السلام) گفت: چرا مردم، دنیا را دوست دارند؟

فرمود: «آنان، فرزندان دنیا هستند. آیا آدمی بر دوست داشتن مادرش ملامت می شود؟!» ۱. ۵۳۸. الکلینی یاسناده عن محمد بن النعمان أو غیره، تیسیر المطالب به نقل از ابو الحسن علی بن مهدی طبری: روایت شده است که مردی از امیر مؤمنان علیه السلام پرسید: ای امیر مؤمنان! به چه سبب ما دنیا را دوست داریم؟

فرمود: «چون ما از دنیا هستیم. آیا گناه است که انسان، پدر و مادرش را دوست بدارد؟».

راوی می گوید: ابو عبد الله ازدی این بیت را از ثعلب بر ایمان خواند:

ما فرزندان دنیاییم که برای غیر آن، آفریده شده ایم / و تو، آنچه را از آنی، دوست می داری.

راجع: ج ٢ ص ٢٨٢ (الحث على الاهتمام بالآخرة).

٢ / ٥ النَّهْيُ عَنِ سَبِّ الدُّنْيَا وَذَمِّهَا ٥٤٢.٥. الطبرسى: رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تَسُبُّوا الدُّنْيَا؛ فَنِعِمَّتِ مَطِيئَةُ الْمُؤْمِنِ، فَعَلَيْهَا يَبْلُغُ الْخَيْرَ، وَبِهَا يَنْجُو مِنَ الشَّرِّ. إِنَّهُ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: لَعَنَ اللَّهُ الدُّنْيَا، قَالَتِ الدُّنْيَا: لَعَنَ اللَّهُ أَعْصَانَا لِرَبِّهِ. (١) ٥٤٣.٦. الطبرى بأسانيده عن عمرو ذى مَرٍّ، قال: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ: قَبَّحَ اللَّهُ الدُّنْيَا، قَالَتِ الدُّنْيَا: قَبَّحَ اللَّهُ أَعْصَانَا لَهُ. (٢) ٥٤٤.٧. السيوطى: عنه صلى الله عليه وآله: نِعِمَّتِ الدَّارُ الدُّنْيَا لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا لِأَخِرَتِهِ حَتَّى يُرَضِيَ رَّبَّهُ، وَبِئْسَتِ الدَّارُ لِمَنْ صَدَّدَتْهُ عَنِ أَخِرَتِهِ وَقَصَّرَتْ بِهِ عَنِ رِضَاءِ رَبِّهِ، وَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ: قَبَّحَ اللَّهُ الدُّنْيَا، قَالَتِ الدُّنْيَا: قَبَّحَ اللَّهُ أَعْصَانَا لِرَبِّهِ. (٣) ٥٤٥.١. العياشى عن مسعده بن صدقه عن أبى عبد الله علتحف العقول عن جابر بن عبد الله الأنصارى: كُنَّا مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْبَصْرَةِ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ قِتَالِ مَنْ قَاتَلَهُ أَشْرَفَ عَلَيْنَا مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ، فَقَالَ: مَا أَنْتُمْ فِيهِ؟ فَقُلْنَا: فِى دَمِّ الدُّنْيَا. فَقَالَ: عَلَامَ تَدُمُّ الدُّنْيَا يَا جَابِرُ؟! ثُمَّ حَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، وَقَالَ:

أَمَا بَعْدُ، فَمَا بِالْأَقْوَامِ يَذُمُّونَ الدُّنْيَا، انْتَحَلُوا الزُّهْدَ فِيهَا؟ الدُّنْيَا مَنِرْلُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَّقَهَا، وَمَسْكَنٌ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهِمَ عَنْهَا، وَدَارٌ غَنِيٌّ لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا، مَسْجِدٌ

أَنْبِيَاءِ اللَّهِ، وَمَهْبِطٌ وَحِيهِ، وَمُصَيِّلٌ مَلَائِكَتِهِ، وَمَسْكَنٌ أَحِبَّائِهِ، وَمَتَجَرُّ أَوْلِيَائِهِ؛ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ، وَرَبِحُوا مِنْهَا الْجَنَّةَ، فَمَنْ ذَا يَذُمُّ الدُّنْيَا يَا جَابِرُ؟ وَقَدْ آذَنْتَ بَيْنَهُمَا (٤)، وَنَادَتْ بِانْقِطَاعِهَا، وَنَعَتْ نَفْسَهَا بِالزُّوَالِ، وَمَثَلَتْ بِبِلَانِهَا الْبَلَاءَ، وَشَوَّقَتْ بِسُرُورِهَا إِلَى الشُّرُورِ، وَرَاحَتْ (٥) بِفَجِيحِهِ، وَابْتَكَّرَتْ (٦) بِنِعْمِهِ وَعَافِيِهِ؛ تَرْهِيبًا وَتَرْغِيبًا، يَذُمُّهَا قَوْمٌ عِنْدَ النَّدَامَةِ، خَدَمْتُهُمْ جَمِيعًا فَصَدَّقْتُهُمْ، وَذَكَرْتُهُمْ فَذَكَرُوا، وَوَعظْتُهُمْ فَاتَّعَظُوا، وَخَوَّفْتُهُمْ فَخَافُوا، وَشَوَّقْتُهُمْ فَاشْتَاقُوا.

فَأَيُّهَا الدَّامُ لِلدُّنْيَا الْمُغْتَرُّ بِغُرُورِهَا، مَتَى اسْتَدَمَّتْ إِلَيْكَ؟ بَلْ مَتَى غَرَّتْكَ بِنَفْسِهَا؟ بِمَصَارِعِ آبَائِكَ مِنَ الْبَلْبَى؟ أَمْ بِمَضَاجِعِ أُمَّهَاتِكَ مِنَ الثَّرَى؟ كَمْ مَرَّضَتْ (٧) بِيَدَيْكَ، وَعَلَّلَتْ (٨) بِكَفِّكَ؟ تَسْتَوْصِفُ لَهُمُ الدَّوَاءَ، وَتَطْلُبُ لَهُمُ الْأَطْيَاءَ، لَمْ تُدْرِكْ فِيهِ طَلِبَتِكَ، وَلَمْ تُسَعِفْ (٩) فِيهِ بِحَاجَتِكَ، بَلْ مَثَلَتْ الدُّنْيَا بِهِ نَفْسَكَ، وَبِحَالِهِ حَالَكَ، غَدَاةٌ لَا يَنْفَعُكَ أَجْبَاؤُكَ، وَلَا يَغْنَى عَنْكَ نِدَاؤُكَ، حِينَ يَشْتَدُّ مِنَ الْمَوْتِ أَعَالِينُ الْمَرَضِ، وَالْيَمُّ لَوَعَاتِ الْمَضْضِ، حِينَ لَا يَنْفَعُ الْأَلِيلُ (١٠)، وَلَا يَدْفَعُ الْعَوِيلُ، يَحْفَزُ (١١) بِهَا الْحَيَازُومُ (١٢)، وَيَغْضُ بِهَا الْحُلُقُومُ، لَا يَسْمَعُهُ النَّدَاءُ، وَلَا يَرُوعُهُ

الدُّعَاءُ، فَيَا طَوْلَ الْحُزْنِ عِنْدَ انْقِطَاعِ الْأَجْلِ.

ثُمَّ يُرَاحُ بِهِ عَلَى شَرَجِ (١٣) نَقْلَهُ أَكُفُّ أَرْبَعٍ، فَيَضْجَعُ فِي قَبْرِهِ فِي لَبِّ (١٤) وَضِيْقٍ جَدْبٍ، فَذَهَبَتِ الْجِدَةُ (١٥)، وَأَنْقَطَعَتِ الْمُدَّةُ، وَرَفَضَتْهُ الْعُطْفَةُ، وَقَطَعَتْهُ اللَّطْفَةُ، لَا تُقَارِبُهُ الْأَحْلَاءُ، وَلَا يُلِيمُ بِهِ الزُّوَارُ، وَلَا اتَّسَقَتْ بِهِ الدَّارُ، أَنْقَطَعَ دُونَهُ الْأَثَرُ، وَاسْتَعْجَمَ دُونَهُ الْخَبْرُ، وَبَكَرَتْ وَرَثَتُهُ فَاقْتَسَمَتْ تَرَكَتَهُ، وَلَحِقَهُ الْحَوْبُ (١٦)، وَأَحَاطَتْ بِهِ الذُّنُوبُ، فَإِنْ يَكُنْ قَدَّمَ خَيْرًا طَابَ مَكْسَبُهُ، وَإِنْ يَكُنْ قَدَّمَ شَرًّا تَبَّ مُنْقَلَبُهُ. وَكَيْفَ يَنْفَعُ نَفْسًا قَرَارُهَا وَالْمَوْتَ قَصَارُهَا وَالْقَبْرَ مَرَارُهَا؟! فَكُنْ بِهَذَا وَاعْظَا.

كُنْ يَا جَابِرُ، امْضِ مَعِي. فَمَضَيْتُ مَعَهُ حَتَّى أَتَيْنَا الْقُبُورَ، فَقَالَ:

يا أهل الثَّرْبِهِ ويا أهل الغُربِهِ ، أمَّا المَنَازِلُ فَقد سِيَكُنْتَ ، وأمَّا المَوارِثُ فَقد قُسمتْ ، وأمَّا الأَزْواجُ فَقد نُكحتْ ، هذا خَبْرٌ ما عِنْدنا ، فَمَا خَبْرٌ ما عِنْدكُمْ؟

ثُمَّ أَمْسَيْكَ عَنِّي مَلِيًّا ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ : وَالَّذِي أَقَلَّ السَّمَاءَ فَعَلَّتْ ، وَسَطَّحَ الأَرْضَ فَدَحَتْ ، لَوْ أُذِنَ لِلْقَوْمِ فِي الكَلَامِ ، لَقَالُوا : إِنَّا وَجَدْنَا خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى . ثُمَّ قَالَ : يا جَابِرُ إِذا شِئتَ فَارْجِع . (١٧) .

١- .أعلام الدين : ص ٣٣٥ عن أبي موسى الأشعري ، إرشاد القلوب : ص ١٧٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٧٨ ح ١٠ ؛ ربيع الأبرار : ج ١ ص ٦٦ ح ٦٧ ، الفردوس : ج ٥ ص ١٠ ح ٧٢٨٨ كلاهما عن ابن مسعود نحوه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٣٩ ح ٦٣٤٣ .

٢- .المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٨ ص ١٤٣ ح ١٢٨ ، كنز العمّال : ج ٣ ص ٦٠٧ ح ٨١٤٠ نقلًا عن الديلمي وكلاهما عن المطّلب بن حنطب ؛ كنز الفوائد : ج ٢ ص ١٦٢ ، أعلام الدين : ص ١٥٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٧١ ح ٧ .

٣- .المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٣٤٨ ح ٧٨٧٠ عن سعد بن طارق عن أبيه ، الفردوس : ج ٤ ص ٢٦٩ ح ٦٧٩٤ عن طارق بن أشيم وفيه صدره إلى «رضاء ربّه» ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٣٩ ح ٦٣٤١ .

٤- .البين : البعد والفراق (النهاية : ج ١ ص ١٧٥ «بين») .

٥- .الرّواح : نقيض الصباح ، وهو اسم للوقت من زوال الشمس إلى الليل (الصحاح : ج ١ ص ٣٦٨ «روح») .

٦- .البُكره : الغُدوه [أى ما بين صلاه الغداه وطلوع الشمس] . وَبُكرَ عليه وإليه وفيه وابتكر : أتاه بُكره (القاموس المحيط : ج ١ ص ٣٧٦ «بكر») .

٧- .مَرَضَتُهُ : تكفّلت بمداواته (المصباح المنير : ص ٥٦٩ «مرض») .

٨- .عَلَّلَهُ بالشَّيْءِ : أى لَهَاه به ؛ كما يُعَلَّلُ الصَّبِيَّ بشيْءٍ من الطعام يتجزأ به عن اللبن (الصحاح : ج ٥ ص ١٧٧٤ «علل») . والمعنى : خدمته فى علته .

٩- .أَسَعَفْتُهُ بحاجته إسعافا : قضيتها له (المصباح المنير : ص ٢٧٧ «سعف») .

١٠- .الألِيل : الأنين (الصحاح : ج ٤ ص ١٦٢٦ «أل») .

١١- .الحَفْزُ : الحثّ والإعجال (النهاية : ج ١ ص ٤٠٧ «حفز») .

١٢- .الحَيَزُومُ : وسط الصدر وما يُشدّ عليه الحزام (الصحاح : ج ٥ ص ١٨٩٩ «حزم») .

١٣- .الشَّرَجُجُ : النَّعْشُ أو الجنازه (القاموس المحيط : ج ٣ ص ٤٣ «شرح») .

١٤- .اللَّبْثُ : المَكْتُ (القاموس المحيط : ج ١ ص ١٧٣ «لبث») .

١٥- .وَاجِدٌ للشَّيْءِ : قادرٌ عليه (المصباح المنير : ص ٦٤٨ «وجد») .

١٦- .الحَوْبُ : الإثم (الصحاح : ج ١ ص ١١٦ «حوب») .

١٧- .تحف العقول : ص ١٨٦ وراجع الإرشاد : ج ١ ص ٢٩٦ والأمالى للطوسى : ص ٥٩٤ ح ١٢٣١ وخصائص الأئمة عليهم

السلام : ص ١٠٢ والزهد للحسين بن سعيد : ص ٤٧ ح ١٢٨ ونهج البلاغه : الحكمة ١٣١ وبحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٩ ح ١٣٥

وتاريخ بغداد : ج ٧ ص ٢٨٧ ح ٣٧٨٩ وتاريخ دمشق : ج ٤٢ ص ٤٩٩ وكنز العمال : ج ٣ ص ٧٣٢ ح ٨٦٠٣ .

۲ / ۵ نهی از ناسزاگویی به دنیا و نکوهش آن

ر. ک: ج ۲ ص ۲۸۳ (تشویق به آخرت گرایي).

۲ / ۵ نهی از ناسزاگویی به دنیا و نکوهش آن ۵۴۹.۲. ما رواه المجلسی عن کتوز جامع الفوائد للشیخ علمپامبر خدا صلی الله علیه و آله: به دنیا ناسزا مگوئید؛ چه، دنیا نیکو مَرکبی است برای مؤمن؛ به وسیله آن به خوبی می رسد و از بدی می رهد. هرگاه بنده بگوید: «لعنت خدا بر دنیا»، دنیا گوید: لعنت خدا بر نافرمان ترین ما از پروردگارش. ۵۵۰.۳. ما رواه الصدوق یاسناده عن الفضیل بن یسار، قاپامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بگوید: «ننگ بر این دنیا»، دنیا گوید: ننگ بر نافرمان ترین ما از خدا. ۵۵۱.۱. الصدوق یاسناده عن عبد الملک بن عمیر الشیبانی، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوب سرایی است دنیا برای کسی که از آن برای آخرتش توشه برگیرد تا پروردگارش را خشنود گرداند و بد سرایی است برای کسی که دنیا، او را از آخرتش باز دارد و نگذارد که موجبات خشنودی پروردگارش را فراهم آورد. هرگاه بنده بگوید: «ننگ بر دنیا»، دنیا گوید: ننگ بر نافرمان ترین ما از پروردگارش. ۵۵۲.۲. علی بن ابراهیم القمی، عن ابیه، عن ابن ابي عتقف العقول به نقل از جابر بن عبد الله انصاری: ما در بصره [در جنگ جمل] با امیر مؤمنان علیه السلام بودیم. چون ایشان از جنگ با افروزان، آسوده شد، در آخر شب به نزد ما آمد و فرمود: «در چه حالید؟».

گفتیم: بر سر نکوهش دنیا.

فرمود: «دنیا را بر چه نکوهش می کنی، ای جابر؟!».

سپس، حمد و ثنای الهی به جای آورد و فرمود: «چه شده است که

عده ای دنیا را نکوهش می کنند و دم از بی رغبتی به آن می زنند؟ دنیا، برای کسی که با آن از در راستی درآید، منزلگاه راستی و صداقت است و برای کسی که متوجه منظورش شود، سکونتگاه عافیت است و برای کسی که از آن توشه برگیرد، سرای ثروت است و عبادتگاه پیامبران خداست و فرودگاه وحی او و نمازخانه فرشتگانش و مسکن دوستدارانش و تجارت خانه اولیایش. در دنیا، رحمت کسب کردند و از آن، بهشت را سود بردند. پس کیست که دنیا را نکوهش کند، ای جابر؟ در حالی که دنیا خود، جدایی خویش را اعلام کرده و رفتنش را جار زده و خبر مرگ و زوال خویش را داده است و با بلاهایش درس عبرت داده و با شادی هایش به شادی تشویق کرده است، در نیم روز، فاجعه آورده و در صبحگاه، نعمت و عافیت؛ بیم می دهد و امید می بخشد. گروهی در هنگام پشیمانی به نکوهش دنیا می پردازند. دنیا به همه آنها خدمت کرد و با صداقت برخورد کرد، یادآوری شان کرد و یادآور شدند؛ اندرزشان داد و اندرز گرفتند؛ ترساندشان و ترسیدند؛ و تشویقشان کرد و به شوق آمدند.

پس، ای آن که دنیا را نکوهش کنی، اما فریفته فریبندگی های آنی! کی دنیا جای نکوهش برای تو داشته و کجا تو را فریفته

است؟ به قبرهای پوسیده پدران یا به گورهای نَمور مادران؟ چه بسیار کسانی که با دستان خود، پرستاری آنها کردی و تیمارداری شان را نمودی، برایشان دارو تجویز کردی و پزشکانی به بالینشان آوردی، امّا به مقصود خود نرسیدی و مراد خویش را نیافتی [و آن بیماران، بهبود نیافتند]؛ بلکه دنیا، آنها را نمونه [برای] تو و حال ایشان را حکایتِ حال تو قرار داد. فردا، نه دوستداران تو را سودی می بخشند، نه فریادخواهی ات گِره از کسارت می گشاید، آن گاه که بیماری مرگ و سوزش های درد و رنج، بالا-گیرد؛ آن گاه که ناله، سودی نمی بخشد و از شیون [اطرافیان]، کاری بر نمی آید، سینه را سخت می فشرد و گلو، گرفته

می شود، فریاد به گوش او نمی رود و فریادخواهی به هراسش نمی فکند. آه از بسیاری اندوه، به هنگام سر رسیدن عمر!

سپس، نعلش او را بر تابوتی نهند و بر روی چهار دست بردارند و برای لحظه ای در گورش خوابانند؛ گوری تنگ؛ توش و توان از میان رفته؛ عمر به سر شده و دوستداران، او را به دور افکنده و نوازشگرانش، از او بُریده اند و دوستان، به او نزدیک نمی شوند و دیدارکنندگان، به دیدارش نمی آیند و خانه، در انتظار او نیست. نشانی از او نمی ماند و خبری از او نمی آید. وارثانش، صبح زود بشتابند و مُرده ریگش را تقسیم کنند، در حالی که گناه، دامن او را گرفته و گناهان در میانش گرفته اند. اگر کار نیکی پیش فرستاده، حاصل نیک ببیند و اگر بدی فرستاده، فرجامی تباہ دارد. چگونه آرمیدن در دنیا برای کسی که مرگ، فرجام آن است و گورِ مزارش، سود دهد! و این خود، بهترین پندآموز است. بس است، ای جابر. با من بیا».

پس با امام علیه السلام رفتم تا به گورستان رسیدیم. پس فرمود: «ای خاک نشینان، و ای تنهایان! خانه های شما، مسکن دیگران شده و میراث ها تقسیم شده و همسرانتان شوهر کردند. این، خبری است که ما داریم. شما چه خبر دارید؟».

سپس، لختی دراز، خاموش ماند و آن گاه، سرش را بلند کرد و فرمود: «سوگند به آن که آسمان را برافراشت و زمین را بگستراند، اگر به این جماعت [مردگان] اجازه سخن گفتن داده شود، هرآینه خواهند گفت: ما، بهترین ره توشه را تقوا یافتیم».

آن گاه فرمود: «ای جابر! حال اگر می خواهی، برگرد».

٥٥٣.٣. العياشي : أبو بصير عنه [يعنى أبا عبد الله عالئام على عليه السلام نحو ما مرَّ إلى أن قال : فإن ذممتها لصبرها فامدحها لشهدها ،

وإلا فاطرحها لا مدح ولا ذم ، قد مثلت لك نفسك حتى ما يغنى عنك بكاؤك ، ولا يرحمك إخاؤك . (١) .

١- .مطالب السؤال : ص ٥١ ؛ بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٨ ح ٧٤ .

۵۵۴. العیاشی عن أبي عمرو الزبیری، عن أبي عبد الله علامام علی علیه السلام در حدیثی نظیر حدیث پیشین، با این افزوده: اگر دنیا را بر شَرَنگش نکوهش می کنی، برای شهدش نیز او را بستای، و گرنه رهایش کن؛

نه بستای و نه نکوهش نمای. نفس تو برایت نمونه آورده شده است تا جایی که نه گریه ات گِره از کار تو می گشاید، و نه برادری و رفاقت به تو رحم می کند..

٢ / ٦ النَّهْيُ عَنِ التَّرَهُّبِ وَتَحْرِيمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ الْكِتَابَ «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» . (١)

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ * قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَ النَّبْغِيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» . (٢)

«ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ ءَاثَرِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ ءَاتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسَقُوتٌ» . (٣)

الحديث ٥٦٢. فرات بن إبراهيم بإسناده عن محمد بن علي، عن أبيمجمع البيان عن ابن مسعود: كنت رديف رسول الله صلى الله عليه وآله على حمار فقال: يا ابن أم عبد، هل تدري من أين أحدثت بنو إسرائيل الرهبانية؟ فقلت: الله ورسوله أعلم!

فقال: ظهرت عليهم الجبابرة بعد عيسى عليه السلام يعملون بمعاصي الله، فغضب أهل الإيمان فقاتلوهم، فهزم أهل الإيمان ثلاث مرات، فلم يبق منهم إلا القليل، فقالوا: إن ظهرنا لهؤلاء (٤) أفنونا ولم يبق للدين أحد يدعو إليه، فتعالوا نتفرق في الأرض إلى أن يبعث الله النبي الذي وعدنا به عيسى عليه السلام؛ يعنون محمدا صلى الله عليه وآله، فتفرقوا في غيران الجبال وأحدثوا رهبانية، فمنهم من تمسك بدينه، ومنهم من كفر. ثم تلا هذه الآية: «و رهبانية ابتدعوها ما كتبناها عليهم» إلى آخرها .

ثم قال: يا ابن أم عبد، أتدري ما رهبانية أمتي؟ قلت: الله ورسوله أعلم! قال: الهجرة، والجهاد، والصلاة، والصوم، والحج، والعمرة. (٥).

١- المائدة: ٨٧.

٢- الأعراف: ٣٢ و ٣٣.

٣- الحديد: ٢٧.

٤- في بحار الأنوار «إن ظهرنا هؤلاء» .

٥- مجمع البيان: ج ٩ ص ٣٦٦، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٧٧؛ تفسير القرطبي: ج ١٧ ص ٢٦٥ نحوه .

۲ / ۶ نهی از رُهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است

۲ / ۶ نهی از رُهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده استقرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه ای را که خدا برای شما حلال کرده ، حرام مشمارید و از حدّ مگذرید ، که خدا ، از حد گذرندگان را دوست نمی دارد».

«بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و نیز روزی های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است؟ بگو: این نعمت ها در زندگی دنیا ، برای کسانی است که ایمان آورده اند و روز قیامت [نیز] ویژه آنان است. این گونه ، آیات را برای گروهی که می دانند ، به روشنی بیان می کنیم. بگو: پروردگار من ، فقط زشتکاری ها را ، چه آشکارش و چه پنهان ، و گناه و ستم به ناحق را حرام گردانیده است ؛ و نیز این که چیزی را شریک خدا مسازید که دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده است؛ و این که چیزی را که نمی دانید ، به خود نسبت دهید».

«آن گاه ، به دنبال آنان ، پیامبران خود را پی آوریم و عیسی پسر مریم را در پی آنان آوردیم و به او انجیل عطا کردیم و در دل های کسانی که از او پیروی کردند ، رأفت و رحمت نهادیم ؛ و اما ترک دنیایی که از پیش خود در آوردند ، ما آن را برایشان مقرّر نکردیم ، مگر برای آن که کسب خشنودی خدا کنند . با این حال ، آن را چنان که حقّ رعایت آن بود ، منظور نداشتند. پس ، پاداش کسانی از ایشان را که ایمان آورده بودند ، بدانها دادیم ؛ ولی بسیاری از آنان ، دست خوش انحراف اند».

حدیث ۵۷۰.۵ . العیاشی ایضا عن عبد الله بن بکیر، عمّن حدّثم جمع البیان به نقل از ابن مسعود: من در ترک پیامبر خدا ، بر الاغی سوار بودم . ایشان فرمود: «ای پسرِ مادرِ غلام! آیا می دانی که چرا بنی اسرائیل ، رهبانیت را پدید آوردند؟»
گفتم: خدا و پیامبرش دانانترند .

فرمود: «بعد از عیسی علیه السلام ، شاهان بر بنی اسرائیل چیره شدند و گنهکاری پیشه کردند. مؤمنان ، به خشم آمدند و با آنان به جنگ برخاستند ؛ ولی اهل ایمان ، سه بار شکست خوردند ، به طوری که تنها شماری اندک از ایشان ، باقی ماندند. پس گفتند: اگر اینان بر ما چیره آیند ، نابودمان می کنند و دیگر طرفداری برای دین ، باقی نمی ماند که به آن دعوت کند. بیاید در زمین ، پراکنده شویم تا خداوند ، پیامبری را که عیسی علیه السلام وعده آمدنش را داده است ، برانگیزد. مقصودشان محمّد صلی الله علیه و آله بود. پس، در غارهای کوه ها پراکنده شدند و رهبانیت را پدید آوردند. عدّه ای از ایشان به دین خویش ، پایدار ماندند و برخی به کفر گراییدند».

سپس این آیه را تلاوت کرد: «و ترک دنیایی که از پیش خود در آوردند ، ما آن را برایشان مقرّر نکردیم ، مگر برای آن که کسب خشنودی خدا کنند . با این حال ، آن را چنان که حقّ رعایت آن بود منظور نداشتند» .

سپس فرمود: «ای پسر مادرِ غلام! آیا می دانی رهبانیت امت من چیست؟» .

گفتم: خدا و پیامبرش داناترند .

فرمود: «هجرت ، جهاد ، نماز ، روزه ، حج و عمره» .

٥٧١.١. الصدوق بإسناده عن داوود الرقي، عن أبي عبد المعجم البيان عن ابن مسعود: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا بَنَ مَسْعُودٍ، اخْتَلَفَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ عَلَى اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً؛ نَجَا مِنْهَا اثْنَتَانِ وَهَلَكَ سَائِرُهُنَّ: فِرْقَةٌ قَاتَلُوا الْمُلُوكَ عَلَى دِينِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَتَلُوهُمْ، وَفِرْقَةٌ لَمْ تَكُنْ لَهُمْ طَاقَةٌ لِمُوازِهِ الْمُلُوكِ وَلَا- أَنْ يُقِيمُوا بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ يَدْعُونَهُمْ إِلَى دِينِ اللَّهِ تَعَالَى وَدِينِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَسَاحُوا فِي الْبِلَادِ وَتَرَهَّبُوا، وَهُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ لَهُمْ: «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ».

ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي وَاتَّبَعَنِي فَقَدْ رَعَاهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا، وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِي فَأُولَئِكَ هُمُ الْهَالِكُونَ. (١).

١- مجمع البيان: ج ٩ ص ٣٦٦، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٣٢٠؛ المعجم الكبير: ج ١٠ ص ٢٢١ ح ١٠٥٣١، المعجم الأوسط: ج ٤ ص ٣٧٧ ح ٤٤٧٩، المعجم الصغير: ج ١ ص ٢٢٤، تفسير القرطبي: ج ١٧ ص ٢٦٥ كلها نحوه.

۵۷۲.۲. الصدوق یاسناده عن یحیی بن أبی القاسم، قال: مجمع البیان به نقل از ابن مسعود: بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدم. فرمود: «ای پسر مسعود! کسانی که پیش از شما بودند، به ۷۲ فرقه تقسیم شدند که دو فرقه آنان، نجات یافتند و بقیه هلاک شدند. فرقه ای که برای دفاع از دین عیسی علیه السلام با شاهان جنگیدند و کشته شدند، و فرقه ای که نه توان مقابله با شاهان را داشتند و نه در میان ایشان ماندند تا آنان را به دین خدای متعال و آیین عیسی علیه السلام

فرا خوانند. از این رو، به سیاحت (۱) در آبادی‌ها پرداختند و رهبانیت پیشه کردند.

اینان، همانهاییند که خداوند، درباره آنها فرموده است: «و ترک دنیایی که از پیش خود درآوردند، ما آن را برایشان مقرر نکردیم».

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس فرمود: «هرکس به من ایمان آورد و تصدیق کرد و از من پیروی نمود، این رهبانیت را، چنان که باید، رعایت کرده است و آنان که به من ایمان نیاوردند، هم ایشان اند هلاک شدگان».

۱- سیاحت: گشتن در زمین برای عبادت (لسان العرب: ج ۲، ص ۴۹۲ «سیح»)، درویشی، دوره گردی.

٥٧٣.٣. على بن إبراهيم بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد رسول الله صلى الله عليه وآله - لا - رهبانيته في الإسلام (١) .
 (٢) ٥٧٤. التفسير المنسوب للإمام العسكري عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: لا زمام ولا خزام (٣) ولا رهبانيته ولا تبثل ولا
 سياحه في الإسلام . (٤) ٥٧٥.١. روى الكليني بإسناده عن الفضل بن أبي قره رفعها للإمام علي عليه السلام: قال رسول الله صلى
 الله عليه وآله: ليس في أمّتي رهبانيّة، ولا سياحة (٥)، ولا زمّ؛ يعنى: سكوت . (٦) ٥٧٦.٢. وروى الشيخ الطوسي بإسناده عن
 أبي بصير، عن أبرد رسول الله صلى الله عليه وآله: إِيَّاكُمْ وَلِبَاسِ الرُّهْبَانِ، فَإِنَّهُ مَنْ يَتَرَهَّبُ أَوْ يَتَشَبَّهُ بِهِمْ فَلَيْسَ مِنِّي، وَمَنْ تَرَكَ
 اللَّحْمَ وَحَرَّمَهُ عَلَى نَفْسِهِ فَلَيْسَ مِنِّي، وَمَنْ تَرَكَ النَّسَاءَ كَرَاهِيَةً فَلَيْسَ مِنِّي . (٧) .

١- هي من رهبنة النصارى . وأصلها من الرهبه : الخوف ، كانوا يترهبون بالتخلّي من أشغال الدنيا وترك ملاذها والزهد فيها
 والعزله عن أهلها وتعمد مشاقها ، حتى إنّ منهم من كان يخصى نفسه ويضع السلسله في عنقه ، وغير ذلك من أنواع التعذيب ،
 فنفاها النبي صلى الله عليه وآله عن الإسلام ونهى المسلمين عنها . والرهبان : جمع راهب ، وقد يقع على الواحد ويجمع على
 رهابين ورهابنه . والرهبنة فعلنه أو فعلله ، على تقدير أصلية النون وزيادتها . والرهبانية منسوبه إلى الرهبنة بزياده الألف (النهايه :
 ج ٢ ، ص ٢٨٠ «رهب»).

٢- .النهايه في غريب الحديث : ج ٢ ص ٢٨٠ ، كشف الخفاء : ج ٢ ص ٣٧٧ ح ٣١٥٤ ؛ دعائم الإسلام : ج ٢ ص ١٩٣ ح ٧٠١ ،
 بحار الأنوار : ج ٦٨ ص ٣١٩ .

٣- .أراد ما كان عبّاد بنى إسرائيل يفعلونه من زَمّ الأنوف ؛ وهو أن يُخَرَّقَ الأنف ويُعمل فيه زمام كزمام الناقه ليقاد به . والخزام
 جمع خزامه ؛ وهى حلقة من شعر تجعل فى أحد جانبي منخري البعير . كانت بنو إسرائيل تخزم أنوفها وتخرق تراقيها ونحو ذلك
 من أنواع التعذيب ، فوضعه الله عن هذه الأمه ، أى : لا يُفعل الخزام فى الإسلام (النهايه : ج ٢ ص ٣١٤ «زَمَم» و ص ٢٩ «خزم»)

٤- .نثر الدرّ : ج ١ ص ٢١٦ ؛ المصنّف لعبد الرزّاق : ج ٨ ص ٤٤٨ ح ١٥٨٦٠ نحوه ، كنز العمال : ج ١ ص ٢٢٠ ح ١١١١ نقلًا
 عن شعب الإيمان وكلاهما عن طاووس .

٥- .السِّيَاحَةُ : الذهاب فى الأرض للعباده والترهب (لسان العرب : ج ٢ ص ٤٩٢ «سيح»).

٦- .الخصال : ص ١٣٧ ح ١٥٤ ، معانى الأخبار : ص ١٧٤ ح ١ وفيه «ولا رم» بدل «ولا زم» وكلاهما عن زيد بن علي عن آبائه
 عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ١١٥ ح ٢ .

٧- .الفردوس : ج ١ ص ٣٨١ ح ١٥٣٤ عن الإمام علي عليه السلام ، المعجم الأوسط : ج ٤ ص ١٧٨ ح ٣٩٠٩ ، مجمع الزوائد :
 ج ٥ ص ٢٣٠ ح ٨٥٧٥ كلاهما عن أبي كريمه عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيهما ذيله من «ومن
 ترك اللحم . . .» .

۵۷۷.۳. وفي آخر السرائر نقلاً من كتاب محمد بن عليّ پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: در اسلام، رهبانیت نیست. ۵۷۸.۴. وروی العیاشی عن زراره و حمران و محمد بن مسلم پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: زمام و خزام (۱) و رهبانیت و گوشه نشینی و سیاحت، در اسلام نیست. ۵۷۹. ما رواه العیاشی عن عبید بن زراره، عن أبي عبد الامام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «رهبانیت (۲) و سیاحت و زَم (یعنی سکوت) در اَمّت من نیست». ۵۸۰. وروی المتقی الهندی عن علیقال: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: از درآمدن به جامه راهبان بپرهیزید، که هرکس رهبانیت پیشه کند تا به راهبان همانندی بجوید، از من نیست و هرکس گوشت خوردن را ترک کند و آن را بر خویشتن حرام سازد، از من نیست و هرکس از سر بیزاری ترک زن کند، از من نیست.

۱- زمام، کاری بود که عابدان بنی اسرائیل می کردند. آنها، بینی خود را می شکافتند و مثل شتر، خود را مهار می زدند. خزام نیز جمع «خزومه» است و خزومه، حلقه ای موئین است که در بینی شتر می کنند و مهار بر آن می بندند. بنی اسرائیل نیز با خود، همین کار را می کردند و امثال این شکنجه ها را بر سر خود می آوردند. خداوند، این رسوم و عادات را از اَمّت اسلام برداشت.

۲- از ریشه «رهبه» است، به معنای ترس و خوف. راهبان مسیحی، از کار و لذت های دنیا دست می شستند و تارک دنیا می شدند و از مردم، کناره می گرفتند و حتی بعضی از آنها خود را خواجه می کردند و زنجیر به گردن می آویختند و شکنجه های دیگری بر خویش روا می داشتند. پیامبر صلى الله عليه و آله همه اینها را از اسلام، حذف کرد و مسلمانان را از آن اعمال، نهی فرمود.

٥٨١.١. علي بن إبراهيم القمي بإسناده عن أبي بصير، عنه صلى الله عليه وآله: تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مُكَاتِرٌ بِكُمْ الْأَمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَلَا تَكُونُوا كَرَهْبَانِيَّةِ النَّصَارَى . (١) ٥٨٢.٢. تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العتره الطاهره صلى الله عليه وآله لا إحصاء في الإسلام ولا بُنيانَ كَنِيْسِهِ . (٢) ٥٨٣. ما رواه الكليني بإسناده عن سدير الصيرفي ، قال :الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَى مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَرَائِعَ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ : التَّوْحِيدَ وَالْإِخْلَاصَ وَخَلَعَ الْأَنْدَادَ وَالْفِطْرَةَ الْحَنِيفِيَّةَ السَّمْحَةَ ، وَلَا رَهْبَانِيَّةَ وَلَا سِيَاحَةَ ، أَحَلَّ فِيهَا الطَّيِّبَاتِ وَحَرَّمَ فِيهَا الْخَبَائِثَ ، وَوَضَعَ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ (٣) وَالْأَغْلَالَ (٤) الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ . (٥) ٥٨٤. العياشي عن عبد الرحيم القصير، قال :عنه عليه السلام في قوله تعالى : «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ» : نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِلَالٍ وَعُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ ، فَأَمَّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَحَلَفَ أَلَّا يَنَامَ بِاللَّيْلِ أَبَدًا ، وَأَمَّا بِلَالٌ فَإِنَّهُ حَلَفَ أَلَّا يُفِطِرَ بِالنَّهَارِ أَبَدًا ، وَأَمَّا عُثْمَانُ بْنُ مَظْعُونٍ فَإِنَّهُ حَلَفَ أَلَّا يَنْكِحَ أَبَدًا .

فَدَخَلَتْ امْرَأَهُ عُثْمَانَ عَلَيَّ وَكَانَتْ امْرَأَةً جَمِيلَةً ، فَقَالَتْ عَائِشَةُ :

مَا لِي أُرَاكِ مُعَطَّلَةً؟ فَقَالَتْ : وَلِمَنْ أَتَزَيَّنُّ؟ فَوَاللَّهِ مَا قَارَبَنِي زَوْجِي مُنْذُ كَذَا وَكَذَا ، فَإِنَّهُ قَدْ تَرَهَّبَ وَلَبَسَ الْمُسْوَحَ وَزَهَّدَ فِي الدُّنْيَا .

فَلَمَّا دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخْبَرَتْهُ عَائِشَةُ بِذَلِكَ ، فَخَرَجَ فَنَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً ، فَاجْتَمَعَ النَّاسُ ، فَصَعِدَ الْمِئْبَرُ فَحَمِدَ اللَّهُ وَأَثَى عَلَيْهِ ، ثُمَّ قَالَ :

مَا بِالْأَقْوَامِ يُحَرِّمُونَ عَلَيَّ أَنْفُسِهِمُ الطَّيِّبَاتِ؟! أَلَا إِنِّي أَنَا مُ بِاللَّيْلِ ، وَأَنْكِحُ ، وَأُفِطِرُ بِالنَّهَارِ ، فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي فَلَيْسَ مِنِّي .

فَقَامُوا هَوْلًا فَقَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَقَدْ حَلَفْنَا عَلَى ذَلِكَ ! فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى : «لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَرْتُهُ إِطْعَامَ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفْرُهُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ» (٦) الْآيَةَ . (٧) .

١- .السنن الكبرى : ج ٧ ص ١٢٥ ح ١٣٤٥٧ عن أبي أمامه ، سلسلة الأحاديث الصحيحة : ج ٤ ص ٣٨٥ ح ١٧٨٢ ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٢٧٥ ح ٤٤٤٣٢ .

٢- .السنن الكبرى : ج ١٠ ص ٤١ ح ١٩٧٩٣ عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٢٧٣ ح ٤٤٤١٧ ؛ الجعفریات : ص ٨٠ ، النوادر للراوندي : ص ١٦٩ ح ٢٦٤ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيهما «كنيسه محدثه» بدل «بنيان كنيسه» .

٣- .الإصر : الإثم والعقوبه ، وأصله من الضيق والحبس ، يقال : أصره إذا حبسه وضيق عليه (النهاية : ج ١ ص ٥٢ «أصر») .

٤- .الغُلُّ : طوق من حديد يجعل في العنق ، والجمع : أغلال (المصباح المنير : ص ٤٥٢ «غل») . أى ما كان محرماً عليهم من التكاليف الشاقه ؛ نحو قرض موضع النجاسه من الجلد والثوب ، وإحراق الغنائم ، وتحريم السبت ، وذكر الأغلال مثل لها ؛ فكأنهم غلُّوا عنها (مجمع البحرين : ج ٢ ص ١٣٣٠ «غلل») .

- ٥- الكافي : ج ٢ ص ١٧ ح ١ ، المحاسن : ج ١ ص ٤٤٨ ح ١٠٣٥ ، بحار الأنوار : ج ٨ ص ٣١٧ ح ١ .
- ٦- المائدة : ٨٩ .
- ٧- تفسير القمى : ج ١ ص ١٧٩ عن ابن أبي عمير عن بعض رجاله ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ١١٦ ح ٤ .

۵۸۵. العیاشی باسناده مرفوعاً عن خیمه، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ازدواج کنید؛ زیرا که من، در روز قیامت به وجود شما بر امت‌ها مباحث می‌کنم. مانند نصارا، رهبانیت پیشه مسازید. ۵۸۶. الصدوق باسناده عن حران بن أعین، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در اسلام، خواجه کردن و کلیسا ساختن، روا نیست. ۵۸۷. الصفار باسناده عن فضیل بن یسار، قال: امام صادق علیه السلام: خدای تبارک و تعالی شریعت‌های نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام را به محمد صلی الله علیه و آله عطا کرد: یکتاپرستی را، اخلاص را، شرک ستیزی را و فطرت حنیفی آسان (آیین اسلام و خداپرستی) را. رهبانیت و سیاحت، روا نیست. در این شریعت‌ها، چیزهای پاک و پاکیزه را حلال کرد و پلیدی‌ها را حرام گردانید و سختگیری‌ها و زنجیرهایی را که بر گردن آنها بود، از ایشان برداشت. ۵۸۸.۱. السید شرف الدین علی الحسینی فی تأویل الآیات امام صادق علیه السلام درباره آیه شریف «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پاکیزه‌هایی را که خدا برای شما حلال کرده است، حرام مشمارید»: این آیه درباره امیر مؤمنان علیه السلام و بلال و عثمان بن مظعون، نازل شد. امیر مؤمنان، سوگند خورد که شب، هرگز نخوابد؛ بلال، سوگند خورد که همیشه روزه بگیرد عثمان بن مظعون نیز سوگند خورد که هرگز نزدیکی نکند.

[روزی] همسر عثمان که زن زیبایی بود نزد عایشه آمد. عایشه گفت: چرا به خودت نمی‌رسی؟

گفت: برای چه کسی آرایش کنم؟ به خدا سوگند که شوهرم از فلان و بهمان وقت با من نزدیکی نکرده است، رهبانیت پیشه کرده و پشمینه پوشیده و زاهد شده است.

چون پیامبر خدا آمد، عایشه، موضوع را به ایشان گفت. پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آمد و مردم را به مسجد فرا خواند. مردم جمع شدند. ایشان بر منبر رفت و حمد و ثنای الهی به جای آورد و سپس فرمود: «عده ای را چه می‌شود که چیزهای پاک و روا را بر خود، حرام می‌شمارند؟! بدانید که من، شب می‌خوابم و نزدیکی می‌کنم، و روز، غذا می‌خورم. پس، هر که از راه و رسم من روی گرداند، از من نیست.

آن سه نفر برخاستند و گفتند: ای پیامبر خدا! ما بر این کار، سوگند خورده ایم.

در این هنگام، خداوند متعال این آیات را فرو فرستاد: «خدا، شما را بر سوگندهای بیهوده تان مؤاخذه نمی‌کند؛ بلکه به سوگندهایی که [از روی اراده]، می‌خورید [و می‌شکنید]، شما را مؤاخذه می‌کند و کفار اش، خوراک دادن به ده بینوا از غذاهای متوسطی است که به کسان خود می‌خورانید، یا پوشانیدن آنان، یا آزاد کردن بنده ای، و کسی که [هیچ یک از اینها را] نیابد، سه روز روزه بدارد. این است کفار سوگندهای شما، وقتی که سوگند می‌خورید»..

٥٨٩.٢. الصدوق بإسنادين له عن أحمد بن عبد الله الهروي تفسير الطبري عن ابن عباس في قوله تعالى: «يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ»: هُمْ رَهْطٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالُوا: نَقَطَعُ مَيْدَا كَبِيرِنَا وَنَتْرُكُ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا وَنَسِيحُ فِي الْأَرْضِ، كَمَا تَفَعَّلُ الرَّهْبَانُ.

فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِمْ فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُمْ، فَقَالُوا: نَعَمْ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَكِنِّي أَصُومُ وَأُفْطِرُ وَأُصَلِّي وَأُنَامُ وَأُنكِحُ النِّسَاءَ، فَمَنْ أَخَذَ بِسُنَّتِي فَهُوَ مِنِّي، وَمَنْ لَمْ يَأْخُذْ بِسُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي. (١).

١- تفسير الطبري: ج ٥ الجزء ٧ ص ١٠، تفسير ابن كثير: ج ٣ ص ١٦٠، الدر المنثور: ج ٣ ص ١٣٩.

۵۹۰. ما رواه فرات ، قال : تفسیر الطبری به نقل از ابن عبّاس ، درباره این سخن خدای متعال: «ای کسانی که ایمان آورده اید! پاکیزه هایی را که خدا برای شما حلال کرده است ، حرام شمارید» : اینان ، تعدادی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که گفتند: خود را آخته می کنیم و شهوات دنیا را فرو می گذاریم و مانند راهبان در زمین به گشت [و رهبانیت] می پردازیم.

این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید . در پی ایشان فرستاد و ماجرا را از آنان جویا شد. گفتند: آری [؛ چنین گفته ایم].

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اَمَّا مِنْ [به جای خود] روزه می گیرم و [به جای خود] روزه نمی گیرم، هم نماز می خوانم و هم [شب ها] می خوابم، و با زنان نیز هم بستر می شوم. پس هر که به سنّت من عمل کند ، از من است و هر که به سنّت من عمل نکند ، از من نیست» . .

٥٩١.١. الشيخ الطوسي مرفوعاً عن أبي جعفر وأبي عبد اللّمسند ابن حنبل عن عروّه: دَخَلَتْ امْرَأَةُ عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ أَحْسَبُ اسْمَهَا حَوْلَهُ بِنْتُ حَكِيمٍ عَلَى عَائِشَةَ وَهِيَ بَاذُهُ الْهَيْئَةَ ، فَسَأَلَتْهَا : مَا شَأْنُكَ؟ فَقَالَتْ : زَوْجِي يَقُومُ اللَّيْلَ وَيَصُومُ النَّهَارَ .

فَدَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَذَكَرَتْ عَائِشَةَ ذَلِكَ لَهُ ، فَلَقِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عُثْمَانَ فَقَالَ : يَا عُثْمَانُ ، إِنَّ الرَّهْبَانِيَّةَ لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْنَا ، أَفَمَا لَمَكَ فِي أَسْوَةِ؟ فَوَاللَّهِ إِنِّي أَخْشَاكُمْ لِلَّهِ وَأَحْفَظُكُمْ لِجِدْوَدِهِ . (١) ٥٩٢.٢ . ما في حديث أبي عن رسول الله صلى الله عليه وآله الإمام الصادق عليه السلام: جاءت امرأة عثمان بن مظعون إلى النبي صلى الله عليه وآله فقالت: يا رسول الله، إن عثمان يصوم النهار ويقوم الليل!

فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُغْضَبًا يَحْمِلُ نَعْلَيْهِ ، حَتَّى جَاءَ إِلَى عُثْمَانَ فَوَجَدَهُ يُصَلِّي ، فَانصَرَفَ عُثْمَانُ حِينَ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالَ لَهُ : يَا عُثْمَانُ ، لَمْ يُرْسَلْنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ ، وَلَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ ، أَصَوْمٌ وَأَصْيَالٌ وَالْمِسُّ أَهْلِي ، فَمَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلَيْسَتْ بِيَسْتَنِّ بِسَيِّئَتِي وَمِنْ سَيِّئَتِي النَّكَاحُ . (٢) ٥٩٣.٣ . القطب الراوندي في لبّ اللباب عنه صلى الله عليه وآله عليا الطبقات الكبرى عن أبي قلابه: إن عثمان بن مظعون اتخذ بيتاً فقعد يتعبّد فيه، فبلغ ذلك النبي صلى الله عليه وآله، فأتاه فأخذ بعضادتي باب البيت الذي هو فيه، فقال:

يا عثمان، إن الله لم يبعثني بالرهبانية مرتين أو ثلاثاً وإن خير الدين عند الله الحنيفية السمحة. (٣)

-
- ١- مسند ابن حنبل: ج ١٠ ص ٥٦ ح ٢٥٩٥١، المصنّف لعبد الرزّاق: ج ٧ ص ١٥٠ ح ١٢٥٩١، صحيح ابن حبان: ج ١ ص ١٨٥ ح ٩، موارد الظمان: ص ٣١٣ ح ١٢٨٨، المعجم الكبير: ج ٩ ص ٣٨ ح ٨٣١٩ والثلاثة الأخرى عن عائشه، كنز العمال: ج ٣ ص ٤٧ ح ٥٤٢٠.
 - ٢- الكافي: ج ٥ ص ٤٩٤ ح ١ عن ابن القدّاح، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٢٦٤ ح ٣.
 - ٣- الطبقات الكبرى: ج ٣ ص ٣٩٥، تلبس إبليس: ص ٢٢٠ نحوه، الدرّ المنتور: ج ٣ ص ١٤٥، سلسلة الأحاديث الصحيحة: ج ٤ ص ٣٨٦ ح ١٧٨٢، كنز العمال: ج ٣ ص ٤٧ ح ٥٤٢٢.

۵۹۴.۴. البرهان عن كتاب خواص القرآن: مسند ابن حنبل به نقل از عروه: زن عثمان بن مظعون که گمان می کنم نامش خوله دختر حکیم باشد با ظاهری ژولیده و نامرتب، بر عایشه وارد شد. عایشه گفت: این، چه سر و وضعی است؟

گفت: شوهرم شب ها را به عبادت می گذراند و روزها را به روزه داری.

پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد. عایشه، موضوع را به ایشان گفت: پیامبر خدا، عثمان را ملاقات کرد و فرمود: «ای عثمان! رهبانیت بر ما مقرر نشده است. آیا من، سرمشق تو نیستم؟ به خدا سوگند که من از همه شما خداترس ترم و بیش از همه شما حدود او را پاس می دارم. ۵۹۵.۵. الطبری یاسناده عن سعید بن جبیر: امام صادق علیه السلام: زن عثمان بن مظعون، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! عثمان، کارش این شده که روزها را روزه بگیرد و شب ها را به عبادت بگذراند.

پیامبر خدا، پای افزار به دست و خشمناک، بیرون شد تا نزد عثمان آمد. او را مشغول نماز خواندن یافت. عثمان با دیدن پیامبر خدا، نمازش را سلام داد و به او فرمود: «ای عثمان! خداوند متعال، مرا با رهبانیت نفرستاده؛ بلکه با آیین مستقیم و ساده و آسانگیر، فرستاده است. من، هم نماز می خوانم، هم روزه می گیرم و هم به همسرم می رسم. پس، هر که آیین مرا دوست دارد، باید از سنت من پیروی کند، و از سنت من است نزدیکی کردن». ۵۹۶.۶. الطبری یاسناده عن عکرمه فی الآیه {Q} «أَلَطْبِقَاتُ الْكَبْرَىٰ بِه نقل از ابو قلابه: عثمان بن مظعون، اتاقی ساخت و در آن به عبادت نشست. خبرش به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. نزد او آمد و دو چارچوب در اتاقی را که عثمان در آن بود، گرفت و دو یا سه بار فرمود: «ای عثمان! خداوند، مرا با رهبانیت نفرستاده است. بهترین دین در نزد خدا، دین مستقیم و آسان است».

٥٩٧.٧. الطبري بإسناده عن أنس بن مالك: سنن الدارمي عن سعد بن أبي وقاص: لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونِ الَّذِي كَانَ مِنْ تَرِكِ النِّسَاءِ ، بَعَثَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : يَا عُثْمَانُ ، إِنِّي لَمْ أُؤْمَرْ بِالرَّهْبَانِيَّةِ ، أَرَغِبْتَ عَنْ سُنَّتِي ؟ قَالَ : لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ .

قَالَ : إِنَّ مِنْ سُنَّتِي أَنْ أُصِلِّيَ وَأَنَا ، وَأَصُومَ وَأَطْعَمَ ، وَأَنْكِحَ وَأُطْلَقَ ، فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي . يَا عُثْمَانُ ، إِنَّ لِي هَلِكًا عَلَيْكَ حَقًّا ، وَلِنَفْسِكَ عَلَيْكَ حَقًّا .

قَالَ سَعْدٌ : فَوَاللَّهِ لَقَدْ كَانَ أَجْمَعَ رِجَالٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنْ هُوَ أَقْرَبُ عُثْمَانَ عَلَى مَا هُوَ عَلَيْهِ أَنْ نَخْتَصِيهِ ، فَتَبَتَّلَ . (١) ٥٩٨.١ . ما رواه الطوسي بإسناده إلى الأصبغ بن نباته ، عوالى اللالكى : زُوِيَ فِي الْحَدِيثِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَلَسَ لِلنَّاسِ وَوَصَفَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَلَمْ يَزِدْهُمْ عَلَى التَّخْوِيفِ ، فَفَرَّقَ النَّاسُ وَبَكَوْا . فَاجْتَمَعَ عَشْرَةٌ مِنَ الصَّحَابَةِ فِي بَيْتِ عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونِ ، وَاتَّفَقُوا عَلَى أَنْ يَصُومُوا النَّهَارَ ، وَيَقُومُوا اللَّيْلَ ، وَلَا يَقْرَبُوا النِّسَاءَ ، وَلَا الطَّيْبَ ، وَيَلْبَسُوا الْمُسُوحَ ، وَيَرْفُضُوا الدُّنْيَا ، وَيَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ وَيَتْرَهُبُوا ، وَيَخْضُوا الْمَذَاكِيرَ .

فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَآتَى مَنْزِلَ عُثْمَانَ فَلَمْ يَجِدْهُ ، فَقَالَ لِامْرَأَتِهِ : أَحَقُّ مَا بَلَغَنِي ؟ فَكَرِهَتْ أَنْ يُكَذِّبَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَنْ تَبْتَدِيَ عَلَى زَوْجِهَا ، فَقَالَتْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنْ كَانَ أَخْبَرَكَ عُثْمَانُ فَقَدْ صَدَقَكَ . وَأَنْصَرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

وَأَتَى عُثْمَانَ مَنْزِلَهُ ، فَأَخْبَرَتْهُ زَوْجَتُهُ بِذَلِكَ ، فَآتَى هُوَ وَأَصْحَابُهُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَهُمْ : أَلَمْ أَنْبَأْكُمْ أَنفَقْتُمْ ؟ فَقَالُوا : مَا أَرَدْنَا إِلَّا الْخَيْرَ ، فَقَالَ : إِنِّي لَمْ أُؤْمَرْ بِذَلِكَ ، ثُمَّ قَالَ :

إِنَّ لِي نَفْسِيكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا ؛ فَصُومُوا وَأَفْطِرُوا ، وَقُومُوا وَأَنَا ، فَإِنِّي أَصُومُ وَأُفْطِرُ وَأَقُومُ وَأَنَا ، وَأَكُلُ اللَّحْمَ وَاللَّدْسَمَ ، وَآتَى النِّسَاءَ ، فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي .

ثُمَّ جَمَعَ النَّاسَ وَخَطَبَهُمْ ، وَقَالَ : مَا بَالُ قَوْمِ حَرَمُوا النِّسَاءَ ، وَالطَّيْبَ ، وَالنَّوْمَ ، وَشَهَوَاتِ الدُّنْيَا ؟ وَأَمَا أَنَا فَلَسْتُ أَمُرُّكُمْ أَنْ تَكُونُوا قِسِّيْنَ وَرُهْبَانًا ، إِنَّهُ لَيْسَ فِي دِينِي تَرِكُ اللَّحْمِ وَالنِّسَاءِ ، وَاتِّخَاذُ الصَّوَامِعِ ، إِنَّ سِيَاحَةَ أُمَّتِي فِي الصَّوْمِ ، وَرَهْبَانِيَّتَهَا الْجِهَادُ .

اعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ، وَحُجُّوا وَعَمِّرُوا ، وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ، وَآتُوا الزَّكَاةَ ، وَصُومُوا شَهْرَ رَمَضَانَ ، وَاسْتَقِيمُوا يَسْتَقِيمَ لَكُمْ ، فَإِنَّمَا هَلَكُ مَنْ قَبْلَكُمْ بِالتَّشْدِيدِ ، شَدَّدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ فَشَدَّدَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ، فَأُولَئِكَ بَقَايَاهُمْ فِي الدِّيَارِ وَالصَّوَامِعِ . (٢) .

١- سنن الدارمي : ج ٢ ص ٥٧٠ ح ٢٠٩٢ ، سلسله الأحاديث الصحيحه : ج ١ ص ٦٧٩ ح ٣٩٤ وراجع سنن أبي داود : ج ٢ ص ٤٨ ح ١٣٦٩ .

٢- عوالى اللالكى : ج ٢ ص ١٤٩ ح ٤١٨ ، مستدرک الوسائل : ج ١٦ ص ٥٤ ح ١٩١٢٦ .

۵۹۹.۱. روی الشیخ الطوسی یاسناده عن إسماعیل الجعفی، عسین الدارمی به نقل از سعد بن ابن وقاص: چون عثمان بن مظعون، ترک زن کرد، پیامبر خدا در پی او فرستاد و فرمود: «ای عثمان! من به رهبانیت امر نشده ام. آیا از سنت من روی گردانی؟» .

عثمان گفت: نه، ای پیامبر خدا!

فرمود: «از سنت من است که نماز بخوانم و بخوابم، و روزه بگیرم و غذا بخورم، و ازدواج کنم و طلاق بدهم. پس، هر که به سنت من پشت کند، از من نیست. ای عثمان! زن تو هم بر تو حقی دارد و نفس تو را نیز بر تو حقی است.» .

سعد گفت: به خدا سوگند، تعدادی از مردان مسلمان هم داستان شده بودند که چنانچه پیامبر خدا بر کار عثمان صحه گذاشت، خود را خواجه سازیم و با زن، هم بستر نشویم. ۶۰۰.۲. وروی أيضا یاسناده عن الفضیل بن یسار وزیر بنوعالی اللالی: در حدیث آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله با مردم دیدار کرد و به وصف روز قیامت پرداخت و برای آنان، همه اش از عذاب گفت. مردم، متأثر شدند و گریستند. ده نفر از یاران ایشان در خانه عثمان بن مظعون، گرد آمدند و با هم قرار گذاشتند که روزها، روزه بگیرند و شب ها را به عبادت بگذرانند و با زنان، هم بستر نشوند و از بوی خوش، استفاده نکنند، پشمینه بپوشند، ترک دنیا گویند و سر به کوه و بیابان بگذارند و رهبانیت پیشه کنند و خویشان را خواجه سازند.

این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. به خانه عثمان آمد؛ اما او را در آن جا نیافت. از همسر او پرسید: «آیا خبری که به من رسیده است، صحت دارد؟» .

او که دوست نداشت به پیامبر خدا دروغ بگوید و از سوی دیگر، نخواست پرده از کار شوهرش بردارد، گفت: ای پیامبر خدا! اگر عثمان به شما گفته است، درست گفته است.

پیامبر خدا رفت. عثمان به خانه اش آمد. همسرش ماجرا را به او گفت. عثمان و یارانش نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند. پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: «گمان می کنید [خبر ندارم که بر چه هم داستان شده اید؟]» .

گفتند: ما جز نیت نیک نداشته ایم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من، مأمور به این کارها نشده ام» .

سپس فرمود: «نفس های شما را بر شما حقی است. پس [به وقتش] روزه بگیرید و [به وقتش] روزه نگیرید، هم نماز شب بخوانید و هم شب ها بخوابید؛ زیرا که من، هم روزه می گیرم، هم [به وقتش] روزه نمی گیرم، هم شب ها را عبادت می کنم و هم می خوابم، گوشت و چربی می خورم و با زنان نزدیکی می کنم. پس، هر که از راه و رسم من روی برتابد، از من نیست.» .

آن گاه ، مردم را جمع کرد و برایشان سخن گفت و فرمود: «عده ای را چه شده که زن و بوی خوش و خواب و تمایلات دنیوی را بر خود حرام کرده اند؟! امّا من ، به شما دستور نمی دهم که کشیشی و راهبی پیشه کنید. ترک گوشت و زن و صومعه نشینی در دین من نیست. سیاحت اّمّت من ، در روزه است و رهبانیتش در جهاد . خدا را پرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید. حج بگزارید و عمره به جای بیاورید و نماز بخوانید و زکات پردازید و ماه رمضان را روزه بگیرید و [در دینتان] مستقیم [و معتدل] باشید تا برایتان مستقیم بماند؛ چه، کسانی که پیش از شما بودند، در حقیقت، به سبب همین سختگیری ها نابود شدند ، بر خود سخت گرفتند و در نتیجه ، خدا هم بر آنان سخت گرفت ، و اینها که در دیرها و صومعه ها می بینید ، بقایای همین افراد هستند. .

٦٠١.٣. وروى أيضا بإسناده عن محمد بن أحمد بن يحيى قامسند ابن حنبل عن مجاهد عن رجل من الأنصار من أصحاب الرسول صلى الله عليه وآله: ذكروا عند رسول الله صلى الله عليه وآله مولاه لبنى عبد المطلب، فقال: إنها تقوم الليل وتصوم النهار. فقال رسول الله صلى الله عليه وآله:

لكنى أنا أنام وأصلى، وأصوم وأفطر، فمن اقتدى بي فهو منى، ومن رغب

عن سنتي فليس منى. (١).

١- مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ١٢٤ ح ٢٣٥٣٣، أسد الغابه: ج ٦ ص ٣٧٧ ح ٦٥٠٤ نحوه، مجمع الزوائد: ج ٣ ص ٤٤٢ ص

۶۰۲.۱. روی الصدوق قدس سره باسناده عن المفضل بن عمر، مسند ابن حنبل به نقل از مجاهد ، از مردی از انصار که صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله بود :در نزد پیامبر خدا از کنیزی از بنی عبد المطلب ، سخن به میان آوردند. مرد انصاری گفت: آن زن ، شب ها عبادت می کند و روزها روزه می گیرد.

پیامبر خدا فرمود: «امّیا من ، می خوابم و نماز می خوانم و [گاه] روزه می گیرم و [گاه] نمی گیرم . پس، هر که به من اقتدا کند ، از من است و هر که به راه و رسم من پشت کند ، از من نیست» .

٦٠٣.٢ . عن رسول الله صلى الله عليه وآله :الإمام الصادق عليه السلام :إن ثلاث نِسْوَةٍ أَتَيْنَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ : إِنَّ زَوْجِي لَا- يَأْكُلُ اللَّحْمَ ، وَقَالَتِ الْآخَرَى : إِنَّ زَوْجِي لَا يَشْتُمُ الطَّيِّبَ ، وَقَالَتِ الْآخَرَى : إِنَّ زَوْجِي لَا يَقْرُبُ النِّسَاءَ .

فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَجُرُّ رِدَاءَهُ حَتَّى صَيَّعَدَ الْمِنْبَرَ ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ، ثُمَّ قَالَ : مَا بَالُ أَقْوَامٍ مِنْ أَصْحَابِي لَا يَأْكُلُونَ اللَّحْمَ وَلَا- يَشْتُمُونَ الطَّيِّبَ وَلَا يَأْتُونَ النِّسَاءَ ! أَمَا إِنِّي آكُلُ اللَّحْمَ وَأَشْتُمُ الطَّيِّبَ وَأَتِي النِّسَاءَ ، فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي فَلَيْسَ مِنِّي . ١٦٠٤.١ . ما رواه الصدوق قدس سره بإسناده عن الحسن بن راعنه عليه السلام لَمَّا كَتَبَ إِلَيْهِ سُكَيْنُ النَّخَعِيِّ ؛ وَكَانَ تَعَبَّدَ وَتَرَكَ النِّسَاءَ وَالطَّيِّبَ وَالطَّعَامَ ، فَكَتَبَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْأَلُهُ عَن ذِمَّتِكَ ، فَكَتَبَ إِلَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَمَا قَوْلُكَ فِي النِّسَاءِ فَقَدْ عَلِمْتَ مَا كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ النِّسَاءِ ، وَأَمَا قَوْلُكَ فِي الطَّعَامِ فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ اللَّحْمَ وَالْعَسَلَ . (١) ٦٠٥.٢ . ما فى إرشاد القلوب للديلمي، عن الصادق عليه الرسول الله صلى الله عليه وآله :المؤمن حُلُوٌّ يُحِبُّ الْحَلَاوَةَ ، وَمَنْ حَرَّمَهَا عَلَى نَفْسِهِ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ ، لَا- تُحَرِّمُوا نِعْمَةَ اللَّهِ وَالطَّيِّبَاتِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ ، وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَاشْكُرُوا ،

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا لَزِمْتُكُمْ (٢) عَقُوبَةُ اللَّهِ . (٣) .

-
- ١- الكافي : ج ٥ ص ٣٢٠ ح ٤ ، رجال الكشي : ج ٢ ص ٦٨٨ ح ٦٩١ ، دعائم الإسلام : ج ٢ ص ١٩٣ ح ٧٠٢ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ١١٧ ح ٦ .
 - ٢- فى المصدر : «ألزمتكم» ، وما فى المتن أثبتناه من كنز العمال .
 - ٣- الفردوس : ج ٤ ص ١٧٧ ح ٦٥٥١ عن الإمام علي عليه السلام ، كنز العمال : ج ١ ص ٣٦٧ ح ١٦١٢ .

۶۰۶.۳. ومثله ما رواه العیاشی عن الصادق علیه السلام امام صادق علیه السلام: سه زن نزد پیامبر خدا آمدند. یکی از آنها گفت: شوهرم گوشت نمی خورد.

دیگری گفت: شوهرم بوی خوش نمی بوید .

سومی گفت: شوهرم به زنان نزدیک نمی شود.

پیامبر خدا ، رداکشان بیرون رفت و بر منبر شد و حمد و ثنای الهی به جای آورد و سپس فرمود: «عده ای از یاران مرا چه شده است که گوشت نمی خورند و عطر نمی بویند و به زنان نزدیک نمی شوند؟! بدانید که من، خود، گوشت می خورم و عطر می بویم و پیش زنان می روم. پس، هر که از سنت من روی گرداند ، از من نیست.» ۶۰۷.۱. ما رواه العیاشی عن ابراهیم بن عمر، عمّن ذکره امام صادق علیه السلام در پاسخ نامه سیکین نخعی که به عبادت روی آورده و زن و استعمال بوی خوش و خوردن غذا [های لذیذ] را ترک کرده و در این باره از امام علیه السلام پرسیده بود چنین نوشت: اما سخن تو درباره زن . تو خود می دانی که پیامبر خدا زنانی داشته است؛ و امّا سخن تو درباره خوراکی ها . پیامبر خدا ، گوشت و عسل می خورد. ۶۰۸.۲. وفي أمالی الطوسی بإسناده إلى أبي جعفر عليه السلام قال صلى الله عليه وآله: مؤمن ، شیرین است و شیرینی را دوست دارد و هر کس آن را بر خود حرام گرداند ، خدا و پیامبرش را نافرمانی کرده است. نعمت خدا و حلال ها را بر خود حرام نکنید. بخورید و بیاشامید و شکر خدا کنید که اگر

چنین نکردید ، کیفر خدای را بر شما لازم می سازم. .

٦٠٩.٣ . ما رواه الصدوق بإسناده عن مثنى الحنّاط، عن اعنه صلى الله عليه و آله :طوبى لِمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ ، وَزَهَّدَ فِيهَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ مِنْ غَيْرِ رَغْبَةٍ عَنْ سِيرَتِي ، وَرَفَضَ زَهْرَةَ الدُّنْيَا مِنْ غَيْرِ تَحَوُّلٍ عَنْ سُنَّتِي . (١) ٦١٠.١ . الكليني بإسناده عن سفيان بن عيينه، عن أبي عبدنهج البلاغه : من كَلَامِ لَهُ [الإِمَامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام] بِالْبَصْرَةِ ، وَقَدْ دَخَلَ عَلَى الْعَلَاءِ بْنِ زِيَادٍ الْحَارِثِيِّ وَهُوَ مِنْ أَصْحَابِهِ يَعُودُهُ ، فَلَمَّا رَأَى سَعَةَ دَارِهِ قَالَ :

مَا كُنْتُ تَصْنَعُ بِسَعَةِ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا ، وَأَنْتَ إِلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ كُنْتُ أَحْوَجُ؟ وَبَلَى إِنْ شِئْتِ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ : تُقْرَى فِيهَا الضَّيْفُ ، وَتُصَلُّ فِيهَا الرَّحِمُ ، وَتُطَلَعُ مِنْهَا الْحُقُوقُ مَطَالِعَهَا ، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ .

فَقَالَ لَهُ الْعَلَاءُ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، أَشْكُو إِلَيْكَ أَخِي عَاصِمَ بْنَ زِيَادٍ . قَالَ : وَمَا لَهُ؟ قَالَ : لَبَسَ الْعِبَاءَةَ وَتَخَلَّى عَنِ الدُّنْيَا . قَالَ : عَلِيٌّ بِهِ . فَلَمَّا جَاءَ قَالَ :

يَا عُدِّي نَفْسِي ، لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْخَبِيثُ! (٢) أَمَا رَحِمْتَ أَهْلَكَ وَوَلَدَكَ؟ أَتَرَى اللَّهَ أَحَلَّ لَكَ الطَّيِّبَاتِ ، وَهُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا! أَنْتَ أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ!

قَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، هَذَا أَنْتَ فِي خُشُونِهِ مَلْبَسِكَ وَجُشُوبِهِ مَا كَلِّكَ!

قَالَ : وَيَحْكُ ، إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتَ ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّهِ الْعِدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفِ النَّاسِ ؛ كَيْلًا يَتَّبِعُ (٣) بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ! (٤) .

١- .الكافي : ج ٨ ص ١٦٩ ح ١٩٠ عن أبي مريم عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد الله ، تحف العقول : ص ٣٠ وفيه «سنتي» بدل «سيرتي» ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٢٦ ح ٣٢ .

٢- .استهام بك الخبيث : يعنى الشيطان ؛ أى جعلك هائما ضالاً (شرح نهج البلاغه : ج ١١ ص ٣٣) .

٣- .لا يتبغ : أى لا يتبغ (الصحاح : ج ٤ ص ١٣١٧ «بوغ») .

٤- .نهج البلاغه : الخطبه ٢٠٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ١١٨ ح ٨ وراجع ربيع الأبرار : ج ٤ ص ٣٨٠ .

۶۱۱.۲. الطبرسی مرسلًا: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوشا به حال کسی که برای خداوند بلند نام، خاکساری کرد و به آنچه که خدا برایش حلال کرده، زهد ورزید، بی آن که از راه و رسم من، روی گردان باشد و زرق و برق دنیا را رها کرد، بی آن که از سنت من برگردد. ۶۱۲.۳. الطبری یاسناده عن عبد الله بن عمرو، عن النبهج البلاغه از سخنان علی علیه السلام در بصره، هنگامی که به عیادت علاء بن زیاد حارثی، یکی از یارانش رفت و وسعت خانه او را دید: این سرای فراخ در دنیا به چه کار تو می آید، در حالی که در آخرت به چنین خانه ای محتاج تری؟ البته، اگر بخواهی، می توانی با همین خانه به آخرت دست یابی: در آن از میهمان پذیرایی کنی، با خویشاوندان، صله رجم نمایی و حقوقی را که بر عهده توست، ادا کنی. در این صورت با آن به آخرت رسیده ای».

علاء گفت: ای امیر مؤمنان! از برادرم عاصم بن زیاد به تو شکایت می کنم.

فرمود: «چه شده است؟».

گفت: ردا پوشیده و تارک دنیا شده است.

فرمود: «او را نزد من بیاورید».

چون آمد، امام علیه السلام حضرت فرمود: «ای دشمنک خویش! [شیطان] پلید تو را گم راه ساخته است. به زن و فرزندان رحم نمی کنی؟! تو می پنداری که خداوند، نعمت های پاکش را بر تو حلال کرده است، امّا دوست ندارد از آنها بهره بگیری؟! تو نزد خداوند، خوارتر از این حرف هایی!».

گفت: ای امیر مؤمنان! تو خود، جامه ای چنین خشن می پوشی و خوراکی چنان خشک می خوری!

فرمود: «حیف از تو! من چون تو نیستم. خدای متعال بر پیشوایان عدالت فرض کرده است که خویشان را در سطح مردمان نادار قرار دهند تا ناداری فقیر، او را برنشوراند».

٢ / ٧ الإحتجاج على من يدعو إلى ترك الدنيا ٦١٥. الكليني بإسناده عن هشام بن الحكم، أنه سأل أبا الكافي عن مسعدة بن صدقة: دخل سفيان الثوري على أبي عبد الله عليه السلام فرأى عليه ثياب بيض كأنها غرقى (١) البيض، فقال له: إن هذا اللباس ليس من لباسك!

فقال له: إسمع مني وع ما أقول لك، فإنه خير لك عاجلاً وآجلاً، إن أنت متت على السنة والحق ولم تمت على بدعه!

أخبرك أن رسول الله صلى الله عليه وآله كان في زمانٍ مقفرٍ جدبٍ (٢)، فأما إذا أقبلت الدنيا فأحقت أهلها بها أبرارها لا فجارها، ومؤمنوها لا منافقوها، ومسلموها لا كفارها، فما أنكرت يا ثوري، فوالله إنني لمتع ما ترى ما أتى عليّ مئذ عقلت صبايح ولا مساءً ولله في مالي حق أمرني أن أضعه موضعا إلا وضعتة.

قال: فأتاه قوم ممن يظهرون الزهد، ويدعون الناس أن يكونوا معهم على مثل الذي هم عليه من التقشف (٣)، فقالوا له: إن صاحبنا حصر (٤) عن كلامك ولم تحضره حجبته.

فقال لهم: فهاتوا حجبكم!

فقالوا له: إن حجبنا من كتاب الله.

فقال لهم: فأدلوا (٥) بها فإنها أحق ما أتبع وعمل به.

فقالوا: يقول الله تبارك وتعالى مخبراً عن قوم من أصحاب النبي صلى الله عليه وآله: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصِصَةٌ وَ مَن يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (٦) فمدح فعلهم، وقال في موضع آخر: «وَيُطْعِمُونَ الطَّيَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (٧) فنحن نكتفي بهذا.

فقال رجل من الجلساء: إنا رأيناكم تترهدون في الأطعمه الطيبه، ومع ذلك تأمرون الناس بالخروج من أموالهم حتى تمتعوا أنتم منها؟

فقال أبو عبد الله عليه السلام: دعوا عنكم ما لا تنتفعون به، أخبروني أيها النفر الكرم علم بناسخ القرآن من منسوخه، ومحكمه من متشابهه؛ الذي في مثله ضل من ضل، وهلك من هلك من هذه الأمه؟

فقالوا له: أو بعضه (٨)، فأما كله فلا.

فقال لهم: فمن هنا أتيتم! وكذلك أحاديث رسول الله صلى الله عليه وآله. فأما ما ذكرت من إخبار الله إيانا في كتابه عن القوم الذين أخبر عنهم بحسن فعلهم، فقد كان مباحا جائزا ولم يكونوا نهوا عنه، وتوابعهم منه على الله، وذلك أن الله جل وتقدس أمر بخلاف ما عملوا به فصار أمره ناسخا لفعليهم، وكان نهى الله تبارك وتعالى رحمه منه للمؤمنين ونظرا؛ لكيلا

يُضِعُّ رَوَا بِأَنْفُسِهِمْ وَعِيَالَتِهِمْ مِنْهُمْ الضَّعْفَةَ الصَّغَارُ وَالْوِلْدَانُ وَالشَّيْخُ الْفَانِي وَالْعَجُوزُ الْكَبِيرَةُ الَّذِينَ لَا يَصْبِرُونَ عَلَى الْجُوعِ ، فَإِنْ تَصَدَّقْتَ بِرَغِيْفِي وَلَا رَغِيْفَ لِي غَيْرُهُ ضَاعُوا وَهَلَكُوا جُوعًا .

فَمِنْ ثَمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «خَمْسُ تَمَرَاتٍ أَوْ خَمْسُ قُرُصٍ أَوْ دَنَانِيرٌ أَوْ دَرَاهِمٌ يَمْلِكُهَا الْإِنْسَانُ وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يُمِضَ بِهَا فَأَفْضَلُهَا مَا أَنْفَقَهُ الْإِنْسَانُ عَلَى وَالِدَيْهِ ، ثُمَّ الثَّانِيَةَ عَلَى نَفْسِهِ وَعِيَالِهِ ، ثُمَّ الثَّلَاثَةَ عَلَى قَرَابَتِهِ الْفُقَرَاءِ ، ثُمَّ الرَّابِعَةَ عَلَى جِيرَانِهِ الْفُقَرَاءِ ، ثُمَّ الْخَامِسَةَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ؛ وَهُوَ أَحْسَنُهَا أَجْرًا» .

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلْأَنْصَارِيِّ حِينَ أَعْتَقَ عِنْدَ مَوْتِهِ خَمْسَةَ أَوْ سِتَّةَ مِنَ الرَّقِيقِ وَلَمْ يَكُنْ يَمْلِكُ غَيْرَهُمْ وَلَهُ أَوْلَادٌ صِغَارٌ : «لَوْ أَعْلَمْتُمُونِي أَمْرَهُ مَا تَرَكْتُكُمْ تَدْفِنُوهُ مَعَ الْمُسْلِمِينَ ، يَتْرُكُ صَبِيَّهُ صِغَارًا يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ!» .

ثُمَّ قَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : «إِبْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ ، الْأَدْنَى فَالْأَدْنَى» .

ثُمَّ هَذَا مَا نَطَقَ بِهِ الْكِتَابُ رَدًّا لِقَوْلِكُمْ وَنَهَى عَنْهُ مَفْرُوضًا مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ، قَالَ : «وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (٩) . أَفَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ غَيْرَ مَا أَرَأَيْتُمْ تَدْعُونَ النَّاسَ إِلَيْهِ مِنَ الْأَثَرِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ ، وَ سَمَى مَنْ فَعَلَ مَا تَدْعُونَ النَّاسَ إِلَيْهِ مُسْرِفًا ، وَفِي غَيْرِ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ يَقُولُ : «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (١٠) ؟ فَتَهَاهُمُ عَنِ الْإِسْرَافِ وَنَهَاهُمْ عَنِ التَّقْتِيرِ وَلَكِنْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ ؛ لَا يُعْطَى جَمِيعَ مَا عِنْدَهُ ، ثُمَّ يَدْعُو اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُ ، لِلْحَدِيثِ الَّذِي جَاءَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

«إِنَّ أَصْنَافًا مِنْ أُمَّتِي لَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ دُعَاؤُهُمْ : رَجُلٌ يَدْعُو عَلَيَّ وَالِدِيهِ . وَرَجُلٌ يَدْعُو عَلَيَّ غَرِيمٌ ذَهَبَ لَهُ بِمَالٍ فَلَمْ يَكْتُبْ عَلَيَّ وَلَمْ يُشْهِدْ عَلَيَّ . وَرَجُلٌ

يَدْعُو عَلَيَّ امْرَأَتَهُ وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ تَخْلِيَةَ سَبِيلِهَا بِيَدِهِ . وَرَجُلٌ يَقْعُدُ فِي بَيْتِهِ وَيَقُولُ : رَبِّ ارْزُقْنِي ؛ وَلَا يَخْرُجُ وَلَا يَطْلُبُ الرِّزْقَ ، يَقُولُ اللَّهُ لَهُ : عَبْدِي ، أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ السَّبِيلَ إِلَى الطَّلَبِ وَالضَّرْبَ فِي الْأَرْضِ بِجَوَارِحِ صَحِيحَةٍ فَتَكُونَ قَدْ أَعْدَرْتَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ فِي الطَّلَبِ لِاتِّبَاعِ أَمْرِي وَلِكَيْلَا تَكُونَ كَلًّا عَلَى أَهْلِكَ ؟ فَإِنْ شِئْتَ رَزَقْتُكَ ، وَإِنْ شِئْتَ قَتَرْتُ عَلَيْكَ وَأَنْتَ غَيْرُ مَعْدُورٍ عِنْدِي . وَرَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا كَثِيرًا فَأَنْفَقَهُ ثُمَّ أَقْبَلَ يَدْعُو : يَا رَبِّ ارْزُقْنِي ، يَقُولُ اللَّهُ : أَلَمْ أَرْزُقْكَ رِزْقًا وَاسِعًا؟ فَهَلَّا اقْتَصَيْدْتَ فِيهِ كَمَا أَمَرْتُكَ وَلَمْ تُسْرِفْ وَقَدْ نَهَيْتُكَ عَنِ الْإِسْرَافِ . وَرَجُلٌ يَدْعُو فِي قَطِيعِهِ رَجِيمًا» .

ثُمَّ عَلَّمَ اللَّهُ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَيْفَ يُنْفِقُ ، وَذَلِكَ أَنَّهُ كَانَتْ عِنْدَهُ أُوقِيَّةٌ (١١) مِنَ الذَّهَبِ فَكَّرَهُ أَنْ يَبِيَّتَ عِنْدَهُ فَتَصَدَّقَ بِهَا ، فَأَصْبَحَ وَلَيْسَ عِنْدَهُ شَيْءٌ ، وَجَاءَهُ مَنْ يَسْأَلُهُ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يُعْطِيهِ ، فَلَامَهُ السَّائِلُ ، وَاعْتَمَّ هُوَ حَيْثُ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يُعْطِيهِ وَكَانَ رَحِيمًا رَقِيقًا ، فَادَّبَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَمْرِهِ فَقَالَ : «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَعْلُومَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِيطِ فَتَفْعِدَ مَلُومًا مَحْسُورًا» (١٢) يَقُولُ : إِنَّ النَّاسَ قَدْ يَسْأَلُونَكَ وَلَا يَعْبُدُونَكَ ؛ فَإِذَا أُعْطِيتَ جَمِيعَ مَا عِنْدَكَ مِنَ الْمَالِ كُنْتَ قَدْ حَسَرْتَ مِنَ الْمَالِ .

فَهَذِهِ أَحَادِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَدِّقُهَا الْكِتَابُ ، وَالْكِتَابُ يُصَدِّقُهَا أَهْلُهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ .

وقال أبو بكر عند موته حيث قيل له : أوص ، فقال : أوصي بالخمس ،

والخمس كثير ، فإن الله تعالى قد رضي بالخمس فأوصي بالخمس ، وقد جعل الله له الثلث عند موته ولو علم أن الثلث خير له أوصى به .

ثم من قد علمتم بعده في فضله وزهده : سليمان وأبو ذر رضي الله عنهما ؛ فأما سليمان فكان إذا أخذ عطاءه رفع منه قوته لسنته حتى يحضر عطاؤه من قابل ، فقيل له : يا أبا عبد الله ، أنت في زهدك تصنع هذا ، وأنت لا تدري لعلك تموت اليوم أو غدا! فكان جوابه أن قال : ما لكم لا ترجون لي البقاء كما خفتُم على الفناء ؟ أ ما علمتم يا جهلة أن النفس قد تلتث (١٣) على صاحبها إذا لم يكن لها من العيش ما يعتمد عليه؟ فإذا هي أحرزت معيشتها اطمأنت .

وأما أبو ذر فكانت له نويقات وشبهات يحلبها ويدبح منها إذا اشتهى أهله اللحم ، أو نزل به ضيف ، أو رأى بأهل الماء الذين هم معه خصاصة (١٤) نحر لهم الجزور أو من الشياه على قدر ما يذهب عنهم بقرم (١٥) اللحم ؛ فيقسمة بينهم ويأخذ هو كصيب واحد منهم لا يتفضل عليهم .

ومن أزهى من هؤلاء ، وقد قال فيهم رسول الله صلى الله عليه وآله ما قال ، ولم يبلغ من أمرهما أن صاروا لا يملكان شيئا البتة ، كما تأمرون الناس بالقاء أمتعتهم وشيئهم ويؤثرون به على أنفسهم وعيالاتهم!

واعلموا أيها النفر أنني سمعتُ أبي يروي عن آباءه عليهم السلام : أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال يوما : «ما عجبت من شيء كعجبي من المؤمنين ، إنه إن قرض جسده في دار

الدنيا بالمقاريض كان خيرا له ، وإن ملك ما بين مشارق الأرض ومغاربها كان خيرا له ، وكل ما يصنع الله به فهو خير له» ، فليت شعري هل يحق (١٦) فيكم ما قد شرحت لكم منذ اليوم أم أزيدكم ؟

أ ما علمتم أن الله قد فرض على المؤمنين في أول الأمر أن يقاتل الرجل منهم عشرة من المشركين ليس له أن يولى وجهه عنهم ، ومن ولأهم يومئذ دبره فقد تبوأ مقعده من النار؟ ثم حولهم عن حالهم رحمه منه لهم ؛ فصار الرجل منهم عليه أن يقاتل رجلين من المشركين تخفيفا من الله للمؤمنين ، فنسخ الرجلان العشرة .

وأخبروني أيضا عن القضاء ، أجوره (١٧) هم حيث يقضون على الرجل منكم نفقه امرأته إذا قال: إنني زاهد وإني لا شيء لي؟ فإن قُلت: جوره ، ظلمكم أهل الإسلام ، وإن قُلت: بل عدول ، خصمتم أنفسكم ، وحيث تردون صدقه من تصدق على المساكين عند الموت بأكثر من الثلث .

أخبروني لو كان الناس كلهم كالذين تريدون زهادا لاحتاج لهم في متاع غيرهم ، فعلى من كان يتصدق بكفارات الأيمان والنذور والصدقات من فرض الزكاة من الذهب والفضة والتمر والزبيب وسائر ماوجب فيه الزكاة من الإبل والبقر والغنم وغير ذلك؟ إذا كان الأمر كما تقولون لا يتبعني لئلا حد أن يحبس

شيئا من عرض الدنيا إلا قدمه وإن كان به خصاصة!

فَبَيْسَ مَا ذَهَبْتُمْ إِلَيْهِ وَحَمَلْتُمْ النَّيَّاسَ عَلَيْهِ ؛ مِنْ الْجَهْلِ بِكِتَابِ اللَّهِ وَسَيِّئِهِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَحَادِيثِهِ الَّتِي يُصَدِّقُهَا الْكِتَابُ الْمُنَزَّلُ ، وَرَدَّدْتُمْ إِيَّاهَا بِجَهَالَتِكُمْ ، وَتَرَكْتُمْ النَّظَرَ فِي غُرَائِبِ الْقُرْآنِ مِنَ التَّفْسِيرِ بِالنَّاسِخِ مِنَ الْمَنْسُوخِ وَالْمُحَكَّمِ وَالْمُتَشَابِهِ وَالْأَمْرِ وَالنَّهْيِ .

وَأخبروني أَيْنَ أَنْتُمْ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثُ سَأَلَ اللَّهَ مُلْكًا لَا يَتَّبِعِي لِأَخِيذٍ مِنْ بَعْدِهِ (١٨) ، فَأَعْطَاهُ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ ذَلِكَ ، وَكَانَ يَقُولُ الْحَقُّ وَيَعْمَلُ بِهِ ، ثُمَّ لَمْ نَجِدِ اللَّهَ عَابَ عَلَيْهِ ذَلِكَ وَلَا أَحَدًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ . وَدَاوُودُ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَهُ فِي مُلْكِهِ وَشِدَّةِ سُلْطَانِهِ ، ثُمَّ يَوْسُفُ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثُ قَالَ لِمَلِكِكِ مِصْرَ : «اجْعَلِي عَلَيَّ خَزَائِنَ الْأَرْضِ إِنْ حَفِظْتُ عَلَيْكُمْ» (١٩) فَكَانَ مِنْ أَمْرِهِ الَّذِي كَانَ أَنْ اخْتَارَ مَمْلَكَةَ الْمَلَائِكَةِ وَمَا حَوْلَهَا إِلَى الْيَمَنِ ، وَكَانُوا يَمْتَارُونَ الطَّعَامَ مِنْ عِنْدِهِ لِمَجَاعِهِ أَصَابَتْهُمْ ، وَكَانَ يَقُولُ الْحَقُّ وَيَعْمَلُ بِهِ ، فَلَمْ نَجِدِ أَحَدًا عَابَ ذَلِكَ عَلَيْهِ . ثُمَّ ذُو الْقَرْنَيْنِ عَبْدًا أَحَبَّ اللَّهُ فَأَحْبَبَهُ اللَّهُ وَطَوَى لَهُ الْأَسْبَابَ وَمَلَكَهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا ، وَكَانَ يَقُولُ الْحَقُّ وَيَعْمَلُ بِهِ ، ثُمَّ لَمْ نَجِدِ أَحَدًا عَابَ ذَلِكَ عَلَيْهِ !

فَتَيَادَّبُوا أَتْيَها النَّفْرُ بِآدَابِ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِينَ ، وَاقْتَصَرُوا عَلَى أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ ، وَدَعَوْا عَنْكُمْ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ مِمَّا لَا عِلْمَ لَكُمْ بِهِ ، وَرَدُّوا الْعِلْمَ إِلَى أَهْلِهِ ؛ تَوَجَّرُوا وَتُعَدَّرُوا عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَكَوْنُوا فِي طَلَبِ عِلْمِ نَاسِخِ الْقُرْآنِ

مِنْ مَنْسُوخِهِ وَمُحَكَّمِهِ مِنْ مُتَشَابِهِهِ وَمَا أَحْبَلَ اللَّهَ فِيهِ مِمَّا حَرَّمَ ؛ فَإِنَّهُ أَقْرَبُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ وَأَبْعَدُ لَكُمْ مِنَ الْجَهْلِ . وَدَعُّوا الْجَهَالَهَ لِأَهْلِهَا فَإِنَّ أَهْلَ الْجَهْلِ كَثِيرٌ وَأَهْلَ الْعِلْمِ قَلِيلٌ ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ : «وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ» (٢٠) . (٢١) .

- ١- الغزقي كزبرج : القشره الملتزقه ببياض البيض ، أو البياض الذي يؤكل (مجمع البحرين : ج ٢ ص ١٣١٦ «غرق») .
- ٢- الجذب : القحط (النهايه : ج ١ ص ٢٤٣ «جذب») .
- ٣- المتكشّف : الذي يتلخ بالقوت وبالمرق [من الثياب] (الصالح : ج ٤ ص ١٤١٦ «كشف») .
- ٤- حصير : عى في منطقه ولم يقدر على الكلام (المعجم الوسيط : ج ١ ص ١٧٨ «حصير») .
- ٥- أدلى بحجته : أثبتها فوصل بها إلى دعواه (المصباح المنير : ص ١٩٩ «دلو») .
- ٦- الحشر : ٩ .
- ٧- الإنسان : ٨ .
- ٨- كلمه «أو» فى قولهم : «أو بعضه» بمعنى بل (مرآه العقول : ج ١٩ ص ٧) .
- ٩- الفرقان : ٦٧ .
- ١٠- الأنعام : ١٤١ .
- ١١- الأوقيه : أربعون درهما (الصالح : ج ٦ ص ٢٥٢٧ «وقى») .
- ١٢- الإسراء : ٢٩ .
- ١٣- إن النفس قد تلتأت : أى اضطرب ولم تنبعث مع صاحبها (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٦٥٥ «لوث») .
- ١٤- الخصاصه : الجوع والضعف ، وأصلها الفقر والحاجه إلى الشىء (النهايه : ج ٢ ص ٣٧ «خصص») .
- ١٥- القرم : شدّه شهوه اللحم حتى لا يصبر عنه (النهايه : ج ٤ ص ٤٩ «قرم») .
- ١٦- فى نسخه العلامه المجلسى قدس سره «يحق» بدل «يحقق» ، حيث قال فى مرآه العقول : قوله عليه السلام : «هل يحق فيكم»

أى يثبت ويستقرّ فيكم ، ويعتقدونه حقًا . قال الفيروز آبادى : حقّ الأمر : وجب ووقع بلا شكّ ، لازم ومتعدّ ، انتهى . وفى بعض النسخ : «يحيق» أى يحيط بكم ويلزمكم ؛ من قوله : «حاق به» أى أحاط به ، و«حاق بهم الأمر» لزمهم ووجب عليهم . . . وهو تصحيف كما لا يخفى (مرآة العقول : ج ١٩ ص ١٠) .

١٧- .الجَوْرُ : نقيض العدل وضدّ القصد ، وقوم جَوْرَه (القاموس المحيط : ج ١ ص ٣٩٤ «جور») .

١٨- .كما قال الله تعالى فى كتابه : «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَتَّبِعُنِي لِإِئْتِنِي مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (صآ: ٣٥) .

١٩- .يوسف: ٥٥ .

٢٠- .يوسف: ٧٦ .

٢١- .الكافى: ج ٥ ص ٦٥ ح ١ .

۲ / ۷ اعتراض به دعوت کنندگان به ترک دنیا

۲ / ۷ اعتراض به دعوت کنندگان به ترک دنیا ۶۱۸.۳. ابن شعبه الحزّانی عن الإمام الکاظم علیه السّلاله الکافی به نقل از مسّعه بن صدّقه: سفیان ثوری بر امام صادق علیه السلام در آمد و دید امام علیه السلام جامه هایی سپید مانند پوسته نازک چسبیده به سفیده تخم مرغ، پوشیده است. گفت: چنین جامه ای در شأن تو نیست!

امام فرمود: «از من بشنو و آنچه را به تو می گویم، حفظ کن؛ زیرا این در دنیا و آخرت به نفع توست که بر سنت و حق بمیری و بر بدعت از دنیا نروی.»

بدان که پیامبر خدا، در روزگار قحط و سختی به سر می برد؛ اما هرگاه دنیا رو کند، سزاوارترین اهل دنیا به برخورداری از آن، نیکان آن اند، نه نابه کارانش، و مؤمنان آن اند، نه منافقانش، و مسلمانان جامعه اند، نه کفرانش. این، چه اعتراضی است که می کنی، ای ثوری! به خدا سوگند، من، با این وضعی که در من می بینی، از زمانی که به سن رشد رسیده ام، هیچ بام و شامی بر من نگذشته است که در اموال من برای خداوند، حقی باشد و به من دستور داده باشد آن را پردازم، مگر این که آن حق را پرداخته ام».

در این هنگام، جماعتی که دم از زهد می زند و مردم را نیز به راه و رسم خود، یعنی درویشی و خرقة پوشی فرا می خوانند، در آمدند و به ایشان گفتند: این رفیق ما از سخن گفتن با تو در مانده و قادر به اقامه دلایلش نیست.

امام علیه السلام به آنان فرمود: «پس، شما دلایلتان را بیاورید».

گفتند: دلایل ما از کتاب خداست.

فرمود: «آن دلایل را بازگو کنید؛ زیرا این گونه دلایل به پیروی و عمل سزاوارترند».

گفتند: خدای تبارک و تعالی درباره گروهی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «و بر خویشتن، ترجیح می دهند، هرچند در خود آنان، نیازی مبرم باشد، و هر کس از بخل خویش در امان بماند. اینان، همان رستگاران اند». پس، عمل این گروه را ستوده است.

در جایی دیگر می فرماید: «و خوراک را با آن که دوستش می دارند، به مستمند و یتیم و اسیر می خوراند». ما به همین دو آیه بسنده می کنیم.

مردی از حاضران در مجلس گفت: به نظر ما، شما از خوراکی های لذیذ، دوری می کنید؛ ولی به مردم توصیه می کنید که از اموالشان دست بکشند تا شما از آنها بهره مند شوید.

امام صادق علیه السلام فرمود: «این سخنان را که برایتان فایده ای ندارد، رها کنید؛ و شما ای جماعت! به من بگویید که آیا ناسخ و منسوخ قرآن، و محکم و متشابه آن را می شناسید؛ همان که هر کس از این اُمت به گم راهی و هلاکت افتاد، از آنها افتاد؟» .

گفتند: بعضی از آنها را می دانیم، اما همه اش را نه.

فرمود: «گرفتاری شما از همین جاست . احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله نیز این گونه است (دارای ناسخ و منسوخ و... است) ؛ اما این که گفتید : خداوند در کتابش از گروهی خبر داده و کردار آنها را ستوده است، [بدانید که آن روز [این عمل آنان ، آزاد و مجاز بود و از آن ، نهی نشده بودند و ثوابشان هم از آن کار ، بر خداوند است ؛ اما بعداً خداوند بزرگ و پاک ، خلاف آنچه کردند ، فرمان داد و این فرمان او ، ناسخ عمل ایشان شد. این نهی خداوند تبارک و تعالی نیز از سر مهر و عنایت به مؤمنان بود ، برای این که به خود و خانواده شان (از جمله به کودکان و فرزندان خردسال و پیرمردان فرتوت و پیرزنان سالخورده خانواده که تحمّل گرسنگی را ندارند) ، صدمه نزنند ؛ چرا که اگر من یک گرده نان داشته باشم و همان را هم صدقه بدهم ، این افراد [در خانواده ام] از گرسنگی تلف می شوند و می میرند .

از همین جاست که پیامبر خدا فرمود: انسان ، پنج دانه خرما یا پنج گرده نان یا مقداری دینار و یا درهم دارد و می خواهد آنها را به مصرف برساند . بهترش آن است که آن را صرف پدر و مادرش کند؛ در درجه دوم ، صرف خودش و عائله اش؛ در مرتبه سوم ، صرف خویشاوندان نادرش؛ در مرتبه چهارم ، صرف همسایگان نادرش؛ در درجه پنجم ، در راه خدا [و جهاد] صرف کند که این ، اجرش از بقیه کمتر است .

پیامبر خدا ، درباره مردی از انصار که هنگام مرگش پنج یا شش بنده خود را آزاد کرد و جز آنها چیزی نداشت و تعدادی فرزند صغیر از خود بر جای نهاد، فرمود: اگر این کار او را به من اطلاع داده بودید ، نمی گذاشتم او را در گورستان مسلمانان دفن کنید. چند بچه صغیر باقی می گذارد که دست گدایی پیش مردم دراز کنند .» .

سپس فرمود: «پدرم برایم حدیث کرد که پیامبر خدا فرمود: از کسانی که نانخور تو هستند ، آغاز کن، به ترتیب نزدیکی شان به تو .

از این گذشته، قرآن در ردّ گفته (و عقیده) شما و نهی از آن و به عنوان فریضه ای از جانب خداوند عزیز حکیم می فرماید: «و آنان که هرگاه انفاق کنند ، نه زیاده روی کنند و نه تنگ گیرند ؛ بلکه حدّ میانه این دو را در پیش گیرند» . آیا نمی بینید که خداوند تبارک و تعالی جز آن چیزی را گفته است که می بینم شما ، مردم را به آن دعوت می کنید ؛ یعنی ترجیح دادن دیگران بر خود، و بر آن کس که آنچه شما مردم را به آن فرا می خوانید ، به کار بندد ، مُسرف نامیده است و در چند آیه از کتاب خدا می فرماید: «همانا او اسرافکاران را دوست ندارد» ؟

پس، خداوند ، مردم را از اسراف نهی کرده است و از تنگ گرفتن هم نهی کرده است ؛ بلکه باید حدّ وسط را رعایت کرد ، نه این که هر چه دارد ، ببخشد و بعد دعا کند که خدا ، روزی او را برساند . چنین دعایی پذیرفته نمی شود ، به دلیل حدیثی

که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است: چند دسته از امت من ، دعایشان

مستجاب نمی شود: مردی که پدر و مادرش را نفرین کند؛ مردی که بدهکارش را که به او مالی داده و آن را یادداشت نکرده و گواه نگرفته است [و او مالش را خورده است] ، نفرین کند؛ مردی که زنش را نفرین کند ، حال آن که خداوند اختیار طلاقش را به دست او داده است؛ مردی که در خانه اش بنشیند و بگوید: خدایا! روزی مرا برسان ، و بیرون نرود و در طلب روزی برنیاید . خداوند به او فرماید: ای بنده من! آیا بدن و اندامی سالم به تو ندادم تا بتوانی برای به دست آوردن روزی در زمین بگردی و در نتیجه [اولاً] با پیروی کردن از دستور من در آنچه میان من و تو برای طلب روزی است ، معذور باشی و [ثانیاً] باری بر دوش خانواده ات نباشی؟ اما حالا اگر بخوایم ، روزی ات می دهم و اگر بخوایم ، بر تو تنگ می گیرم و تو را در نزد من ، عذری نیست . مردی که خداوند ، ثروت فراوانی روزی او کند و او همه آن را انفاق [یا خرج] کند و بعد دعا کند که: پروردگارا! به من روزی عطا کن . خداوند می فرماید: آیا روزی فراخی به تو ندادم؟ چرا دستور مرا به کار نبستی و در انفاق آن روزی ، جانب اعتدال نگه نداشتی؟ و چرا اسراف می کنی ، در صورتی که من ، تو را از اسرافکاری نهی کردم؟! و دیگر ، مردی که برای بُریده شدن رابطه خویشاوندی دعا کند .

خداوند به پیامبرش آموخت که چگونه انفاق کند، بدین سان که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله یک اوقیه (1) طلا بود و خوش نداشت شب را با آنها به سر ببرد . پس، همه را صدقه داد. صبح که شد ، چیزی در اختیار نداشت. سائل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد ؛ امّا ایشان چیزی نداشت که به او بدهد. سائل ، ایشان را ملامت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله از این که چیزی نداشت تا به او بدهد و از طرفی انسانی مهربان و دل رحم بود، ناراحت شد. خداوند متعال ، این دستورالعمل را به پیامبرش صادر کرده فرمود: «دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار هم گشاده دستی منما تا ملامت شده ، حسرت زده بر جای بمانی» .

می فرماید: گاه مردم از تو می خواهند و معذورت نمی دارند. پس، اگر همه پولی را که داری ، ببخشی ، آن گاه ، دستت از مال خالی می شود [و چیزی برای انفاق باقی

نمی ماند].

این احادیث پیامبر خداست و قرآن ، آنها را تأیید می کند، و قرآن را هم مؤمنان اهل آن ، تصدیق می کنند.

به ابو بکر در هنگام مرگش گفتند: وصیت کن .

او گفت: به یک پنجم وصیت می کنم و یک پنجم هم بسیار است. خداوند متعال به یک پنجم رضایت داده است . لذا او به یک پنجم وصیت کرد، در حالی که خداوند تا یک سوم را در هنگام مرگش، در اختیار او گذاشته بود و اگر ابو بکر می دانست که وصیت به یک سوم برایش بهتر است ، بدان وصیت کرده بود.

از این گذشته، پس از او کسی که فضل و زهدش را شما می دانید ، سلمان و ابو ذر هستند. سلمان ، هرگاه مقرّری خود [از بیت المال] را می گرفت ، خرج سال خود را تا سر رسید مقرّری سال آینده اش، از آن بر می داشت. به او گفته شد: ای ابو عبد

الله! تو با آن همه زهدت این کار را می کنی، در حالی که نمی دانی شاید امروز یا فردا بمیری .

سلمان در پاسخ گفت: چرا شما به همان اندازه که بیم مرگ مرا دارید ، امید به زنده ماندن ندارید؟ ای نادانان! مگر نمی دانید که نفس ، وقتی زندگی اش تأمین نباشد ، بر صاحبش می شورد و هرگاه زندگی خود را تأمین کند ، آرام می گیرد؟

ابو ذر هم چند تایی شتر و میش داشت که شیر آنها را می دوشید و هرگاه خانواده اش هوس گوشت می کرد یا میهمانی برایش می رسید ، یکی از آنها را سر می بُرید، یا اگر می دید مردم آبگاهی که با او زندگی می کردند ، گرسنه اند شتری یا از گوسفندان به اندازه ای که میل و نیاز آنها به گوشت را فرو نشانند، برایشان می کُشت و میانشان تقسیم می کرد و خودش هم به اندازه سهم یکی از آنها ، و نه بیشتر، بر می داشت.

از اینها زاهدتر چه کسی است؟ پیامبر خدا هم در فضیلت آنان سخن ها گفته است . با این حال ، هیچ گاه کارشان به آن جا نرسید که اصلاً چیزی نداشته باشند، آن طور که شما از مردم می خواهید ، دار و ندارشان را رها کنند و دیگران را بر خود و خانواده شان ترجیح دهند .

بدانید ای جماعت که شنیدم پدرم از پدراننش روایت می کند که: روزی پیامبر

خدا فرمود: هیچ چیز به اندازه مؤمن ، مرا متعجب نساخته است . اگر در دنیا بدنش را با قیچی تکه تکه کنند ، برایش خیر است و اگر هم مالک شرق تا غرب زمین باشد ، باز برایش خیر است . [خلاصه] هر کاری که خدا با او بکند ، برایش خیر [و] به نفع او [است] .

کاش می دانستم که آنچه امروز برایتان توضیح دادم ، در شما کارگر افتاد یا باز هم باید بگویم!

آیا نمی دانید که خداوند در آغاز کار [اسلام] ، بر مؤمنان مقرر داشت که یک مرد از آنان با ده تن مشرک بجنگد و حق ندارد از برابر آنها بگریزد و در آن روز ، هر کس به مشرکان پشت می کرد ، جایگاهش آتش دوزخ بود؟

اما بعد ؛ خداوند از سر مهرش به آنان، این تکلیف را از آنان بگرداند و از آن پس ، هر مرد مسلمانی می بایست با دو مشرک بجنگد و این ، تخفیفی بود از جانب خداوند در حق مؤمنان . پس، [حکم] دو مرد ، [حکم] ده مرد را نسخ کرد.

نیز به من بگویید که آیا هرگاه فردی از شما بگوید: «من زاهدم و چیزی ندارم»، ولی قاضیان بر او حکم کنند که نفقه زنش را بدهد، آن قاضیان ستم کرده اند؟ اگر بگویید: ستمکارند ، اهل اسلام ، نسبت ستم کردن به شما می دهند . و اگر بگویید: عادل اند ، خود را محکوم کرده اید. نیز آن جا که صدقه دادن کسی را که در هنگام مرگش بیش از یک سوم مال خود را به مستمندان صدقه دهد ، رد می کنید.

به من بگویید: اگر همه مردم، آن گونه که شما می خواهید، زاهد بودند و نیازی به مال دیگران نداشتند ، پس کفاره های سوگندها و نذورات و صدقات زکات واجب طلا و نقره و خرما و کشمش و سایر چیزهایی که در آنها زکات واجب است (مانند : شتر و گاو و گوسفند و غیر اینها) به چه کسی داده می شد؟ اگر وضع چنان باشد که شما می گوید ، دیگر هیچ کس

نباید چیزی از مال دنیا را نگه دارد، بلکه باید آن را انفاق کند، حتی اگر خودش به آن نیاز شدید داشته باشد.

چه بد راه و مسلکی در پیش گرفته اید و مردم را به آن می کشانید! این به سبب نا آشنایی به کتاب خداوند و سنت پیامبر او و احادیث وی است که کتاب آسمانی،

آنها را تصدیق می کند، ولی شما از روی نادانی ردشان می کنید، و اندیشیدن در شگفتی های قرآن و تشخیص ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، و امر و نهی را رها کرده اید.

از سلیمان بن داوود علیه السلام به من باز گوید، آن گاه که از خداوند، سلطنتی درخواست کرد که سزاوار احدی پس از او نباشد و خداوند بلند نام هم آن را به او داد و [با این حال] سلیمان، حق می گفت و به حق عمل می کرد و ما ندیده ایم که خداوند و یا احدی از مؤمنان، این کار (داشتن سلطنتی پرشکوه و بی مانند) را بر او عیب گیرد. پیش از او، داوود نبی علیه السلام نیز پادشاهی و سلطنتی عظیم داشت. یوسف پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به پادشاه مصر گفت: «مرا بر خزانه های زمین [مصر] بگمار که من، نگهبانی دانایم» و کارش به آن جا کشید که مملکت پادشاه [مصر] و پیرامون آن تا یمن را در اختیار گرفت و مردم [دیگر نقاط] بر اثر خشک سالی که بدیشان رسیده بود، از نزد او جیره و آذوقه می بردند.

با این حال، او حق می گفت و به حق عمل می کرد [و دنیا و جاه و مقام آن، او را از مسیر حق منحرف نساخت]، و ندیده ایم کسی به این خاطر بر او خرده بگیرد [که چرا سلطنت و پادشاهی داشته است]. ذوالقرنین نیز بنده ای بود که خدا را دوست می داشت و خدا هم او را دوست داشت و اسباب [رسیدن به هر چه می خواهد] (۲) را برایش فراهم آورد و او را بر شرق و غرب عالم، پادشاهی داد و با این حال، حق می گفت و به آن عمل می کرد، و احدی را هم ندیده ایم که به سبب این امر بر او خرده بگیرد.

پس، ای جماعت! آداب خداوند را نسبت به مؤمنان، پیشه خود سازید و به امر و نهی خدا بسنده کنید، و آنچه را که بر شما مشتبه شده و بدانها علم

دارید، وا گذارید و علم [به آنها] را به اهلش برگردانید تا هم مأجور باشید و هم نزد خدای تبارک و تعالی معذور. در جستجوی شناخت ناسخ قرآن از منسوخ آن، و محکمش از متشابهش، و حلالش از حرامش باشید؛ زیرا این، شما را به خدا نزدیک تر و از نادانی دورتر می سازد. نادانی را برای اهلش و نهید که اهل نادانی بسیارند و اهل دانش، اندک. خداوند می فرماید: «و فرادست هر صاحب دانشی، دانشمندی است».

۱- اوقیه: چهل درهم (الصالح، ج ۶، ص ۲۵۲۷ «وقی»).

۲- اشاره است به آیه ۸۴ سوره کهف: «اسباب هر چه را در اختیارش گذاشتیم».

٢ / ١٨ الاستثمار من الدنيا الكتاب «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» . (١)

الحديث ٦٢٤.٢ . الطبرسى فى مكارم الأخلاق عن رسول الله صلى الرسول الله صلى الله عليه و آله :أصلحوا دنياكم ، وَاَعْمَلُوا لِآخِرَتِكُمْ ، كَأَنَّكُمْ تَمُوتُونَ غَدًا . (٢) ٦٢٥.٣ . الصدوق بإسناده عن جابر ، عن أبى جعفر الباقر عنه صلى الله عليه و آله :اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَيَّدًا ، وَاَعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا . (٣) ٦٢٦.٤ . الكلينى بإسناده عن سعد الخفاف ، عن أبى جعفر الإمام على عليه السلام :اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ بِقَدْرِ مَقَامِكَ فِيهَا . (٤) ٦٢٧.١ . التفسير المنسوب للإمام العسكرى عليه السلام :عنه عليه السلام فى الحِكْمِ الْمُنْسُوبِ إِلَيْهِ :يَابْنَ آدَمَ ، لَيْسَ بِكَ غَنَاءٌ عَن نَصِيْبِكَ مِنَ

الدُّنْيَا ، وَأَنْتَ إِلَى نَصِيْبِكَ مِنَ الْآخِرَةِ أَفْقَرُ . (٥) .

١- .القصص : ٧٧ .

٢- .مسند الشهاب : ج ١ ص ٤١٧ ح ٧١٧ ، الفردوس : ج ١ ص ١٠١ ح ٣٣٤ وفيه «فإنكم» بدل «كأنكم» وكلاهما عن أبى هريره ، الجامع الصغير : ج ١ ص ١٦٤ ح ١٠٨٩ .

٣- .تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢٣٤ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ١٥٦ ح ٣٥٦٩ عن العالم عليه السلام ، كفايه الأثر : ص ٢٢٧ عن جناده بن أبى أميد (أميه) عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٤٤ ص ١٣٩ ح ٦ .

٤- .جامع الأخبار : ص ٥١١ ح ١٤٣٢ .

٥- .شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٣٢١ ح ٦٨٨ ، المعجم الكبير : ج ٢٠ ص ٣٥ ح ٤٩ عن معاذ بن جبل من دون إسنادٍ إلى المعصوم .

۲ / ۸ بهره گیری از دنیا

۲ / ۸ بهره گیری از دنیاقرآن» و در آنچه خدا به تو داده است ، سرای آخرت را بجوی و بهره ات از دنیا را نیز فراموش مکن ؛ و همچنان که خدا به تو نیکی کرده است ، نیکی کن و در زمین ، فساد مجوی ؛ چرا که خدا فسادگران را دوست نمی دارد».

حدیث ۶۳۳.۱ . فی الکافی عن الصادق ، عن أمير المؤمنين عليهما صلّى الله عليه و آله : دنیایان را درست کنید و برای آخرتتان کار کنید ، آن سان که گویی همین فردا می میرید . ۶۳۴.۲ . علی بن ابراهیم ، عن أبيه ، عن الإمام الحسن العیامبر صلی الله علیه و آله : برای دنیایت چنان کار کن که گویی تا ابد زنده خواهی ماند ، و برای آخرت چنان کار کن که گویی همین فردا می میری . ۶۳۵.۱ . الکلینی یاسنادہ عن ابراهیم ، عن أبي عبد اللّٰه امام علی علیه السلام : برای دنیایت به اندازه ماندنت در آن ، کار کن . ۶۳۶.۲ . الخصییی یاسنادہ عن المفضّل بن عمر الجعفی ، عن امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : ای پسر آدم ! تو را از سهم

دنیایت بی نیازی نیست ؛ اما به سهم آخرت نیازمندتری .

١. ٦٣٧. الشيخ الطوسى قدس سره بإسناده عن زكريا بن مالعنه عليه السلام فى الحِكمِ المنسوبِ إليه: الدُّنيا مَطِيئَةُ الْمُؤْمِنِ ، عَلِيهَا يَرْتَحِلُ إِلَى رَبِّهِ ، فَأَصْلِحُوا مَطَايَاكُمْ تُبَلِّغْكُمْ إِلَى رَبِّكُمْ . (١) ٦٣٨.٢ . وعن العلامه، عن المفضل بن عمر، عن جعفر الصالئام الصادق عليه السلام : فى بِيانِ ما وَعَظَ بِهِ لَقْمانِ ابْنُهُ : تُحْذِرُ مِنَ الدُّنْيا بِلِاغا ، ولا تَرْفُضُها فَتَكُونَ عِيالاً عَلَى النَّاسِ ، ولا تَدْخُلُ فيها دُخولاً يَضُرُّ بِآخِرَتِكَ . (٢) ٢ / ٩ هذا طَلَبُ الآخِرَةِ ٦٤١. ما رواه الصدوق بإسناده عن عبد الله بن سنان، عن ذرسول الله صلى الله عليه وآله : من فَقهِ الرَّجُلِ أن يُصْلِحَ مَعِيشَتَهُ ، وَلَيْسَ مِنْ حُبِّكَ الدُّنْيا طَلَبُ ما يُصْلِحُكَ . (٣) ٦٤٢. ما رواه الصدوق بإسناده عن حرمان بن أعين، قال: الكافى عن عبد الله بن أبى يعفور: قال رَجُلٌ لِأَبى عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : وَاللَّهِ إِنَّا لَنَطْلُبُ الدُّنْيا وَنُحِبُّ أن نُؤْتاها !

فَقَالَ : تُحِبُّ أن تَصْنَعَ بِها ماذا؟

قال : أعودُ بِها على نَفْسى وَعِيالى ، وَأَصِلُ بِها ، وَأَتَصَدَّقُ بِها ، وَأُحِجُّ وَأَعْتَمِرُ .

فَقَالَ عليه السلام : لَيْسَ هذا طَلَبَ الدُّنْيا ، هذا طَلَبُ الآخِرَةِ . (٤) ٦٤٣. الكلينى بإسناده عن محمد بن سليمان ، عن أبيه، عن الأمالى عن عبد الله بن أبى يعفور: سَمِعْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ : إِنَّا لَنُحِبُّ الدُّنْيا وَالْأَعْطَاها خَيْرٌ لَنَا ، وما أُعْطِيَ أَحَدٌ مِنْها شَيْئاً إِلا نَقَصَ حَظَّهُ فى الآخِرَةِ .

قال : فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ : إِنَّا وَاللَّهِ لَنَطْلُبُ الدُّنْيا!

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : تَصْنَعُ بِها ماذا؟

قال : أعودُ بِها على نَفْسى وَعلى عِيالى ، وَأَتَصَدَّقُ مِنْها ، وَأَصِلُ مِنْها ، وَأُحِجُّ مِنْها .

قال : فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : لَيْسَ هذا طَلَبَ الدُّنْيا ، هذا طَلَبُ الآخِرَةِ . (٥) .

-
- ١- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٣١٧ ح ٦٤٠ .
 - ٢- تفسير القمى : ج ٢ ص ١٦٤ عن حماد ، قصص الأنبياء : ص ١٩٠ ح ٢٣٨ عن إبراهيم بن عبد الحميد عن أبى الحسن عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٤١١ ح ٢ .
 - ٣- شعب الإيمان : ج ٥ ص ٢٥٤ ح ٦٥٦٣ عن عبد الله بن عمر ، كتر العمال : ج ٣ ص ٥٠ ح ٥٤٣٩ .
 - ٤- الكافى : ج ٥ ص ٧٢ ح ١٠ ، تهذيب الأحكام : ج ٦ ص ٣٢٧ ح ٩٠٣ .
 - ٥- الأمالى للطوسى : ص ٦٦٢ ح ١٣٨١ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٧ ح ١٣٠ .

۲ / ۹ این، دنیا طلبی نیست

۶۴۴. الکلینی أيضا یاسناده عن أبی بصیر ، عن أبی جعفر علامام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : دنیا ، مَرکب مؤمن است که با آن به سوی پروردگارش سفر می کند . پس مَرکب هایتان را به سازید تا شما را به پروردگارتان برسانند. ۶۴۵. العیاشی عن مسعده بن صدقه، عن أبی جعفر، عن أبیه، امام صادق علیه السلام در ذکر اندرزهای لقمان به فرزندش : از دنیا به قدر کفاف بگیر؛ نه آن را به کلی کنار نه که نانخور مردم شوی، و نه آن سان به دنیا درآی که به آخرت زیان بزندی. ۲ / ۹ این، دنیا طلبی نیست. ۶۴۸. الکلینی یاسناده عن محمد بن منصور، عن العبد الصالیبامبر خدا صلی الله علیه و آله : از فهمیدگی مرد است که معیشتش را درست کند، و تلاش برای آنچه تو را سر و سامان می بخشد ، از دنیا دوستی ات به شمار نمی آید. ۶۴۹. ما رواه الکلینی یاسناده عن حمزه بن بزیع ، عن أبیالکافی به نقل از عبد الله بن ابی یعفر : مردی به امام صادق علیه السلام گفت: به خدا که ما دنیا طلب هستیم و دوست داریم دنیا به ما داده شود!

امام علیه السلام فرمود: «دوست داری با آن چه کنی؟» .

گفت: با آن به خودم و خانواده ام بهره ای رسانم، صله رَحِم به جا آورم، صدقه بدهم و حج و عمره بگذارم.

فرمود: «این ، دنیا طلبی نیست . این ، آخرت طلبی است». ۶۵۰. عده من أصحابنا ، عن أحمد بن محمد ، عن ابن أبی نالمالی طوسی به نقل از عبد الله بن ابی یعفر : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: «ما البتّه دنیا را دوست می داریم ؛ ولی اگر به ما داده نشود ، برای

ما بهتر است. به هیچ کس چیزی از دنیا داده نشد ، مگر آن که بهره او از آخرت ، کم شد».

مردی به ایشان گفت: به خدا سوگند که ما طالب دنیا هستیم!

امام صادق علیه السلام به او فرمود: «که با آن چه کنی؟»

گفت: با آن به خودم و خانواده ام بهره ای رسانم، از آن صدقه بدهم، با آن صله رَحِم به جا آورم، و از آن حج بگذارم.

امام صادق علیه السلام فرمود: «این ، دنیا طلبی نیست . این ، آخرت طلبی است».

راجع : ص ٨٢ (الدنيا الحميده) .

١٠ / ٢ الدعاء للرفاهيه في المعيشه الكتاب «ومنه من يقول ربنا آتينا في الدنيا حسنه وفي الآخره حسنه وقنا عذاب النار» . (١)

«واكتب لنا في هذه الدنيا حسنه وفي الآخره إنا هذنا إليك» . (٢)

الحديث صحيح البخارى عن أنس : كان أكثر دعاء النبي صلى الله عليه و آله : اللهم ربنا ، آتينا في الدنيا حسنه وفي الآخره حسنه ، وقنا عذاب النار . (٣)

١- .البقره : ٢٠١ .

٢- .الأعراف : ١٥٦ .

٣- .صحيح البخارى : ج ٥ ص ٢٣٤٧ ح ٦٠٢٦ ، الأدب المفرد : ص ٢٠٤ ح ٦٨٢ ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٠٧٠ ح ٢٦ ، سنن أبى داوود : ج ٢ ص ٨٥ ح ١٥١٩ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٢٠٣ ح ١١٩٨١ وفي الثلاثه الأخيره «دعوه يدعو بها» بدل «دعاء» ، كتر العمال : ج ٧ ص ٧٣ ح ١٨٠٢٠ .

۲ / ۱۰ دعا برای رفاه در زندگی

ر. ک: ص ۸۳ (دنیای پسندیده).

۲ / ۱۰ دعا برای رفاه در زندگی قرآن «برخی از مردم می گویند: ای پروردگار ما! در دنیا به ما نیکی، و در آخرت نیز به ما نیکی عطا فرما، و از عذاب آتش نگاهمان دار».

«و برای ما در این دنیا، نیکی مقرر فرما و در آخرت نیز؛ زیرا ما به سوی تو بازگشته ایم».

حدیث صحیح البخاری به نقل از انس: بیشترین دعای پیامبر صلی الله علیه و آله این بود: «بار خدایا، ای پروردگار ما! در دنیا به ما نیکی، و در آخرت نیز نیکی عطا فرما، و ما را از عذاب آتش، نگاه دار».

الإمام الصادق عليه السلام في قول الله: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً»: رضوان الله والجَنَّة في الآخِرَةِ ، وَالْمَعِاشِ وَحُسْنِ الخُلُقِ فِي الدُّنْيَا . (١) الكافي عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام: يُسْتَحَبُّ أَنْ تَقُولَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْحَجَرِ: اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ، وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ .

وقال: إِنَّ مَلِكًا مَوْكَلًا يَقُولُ: آمِينَ . (٢) صحيح مسلم عن أبي هريره: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي ، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي . (٣) الأُمَالِي عن أبي بُرْدَةَ الأَسْلَمِيِّ عن أبيه: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا صَلَّى الصُّبْحَ رَفَعَ صَوْتَهُ حَتَّى يَسْمَعَ أَصْحَابُهُ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي جَعَلْتَهُ لِي عِصْمَةً» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي جَعَلْتَ فِيهَا مَعَاشِي» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي جَعَلْتَ إِلَيْهَا مَرَجِعِي» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَيِّئِ خَطِيئَتِكَ ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ نَقِمَتِكَ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ ، لَا مَانِعَ لِمَا أُعْطِيَ ، وَلَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ (٤) مِنْكَ الْجَدُّ» . (٥) .

- ١- الكافي: ج ٥ ص ٧١ ح ٢ ، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٣٢٧ ح ٩٠٠ ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ١٥٦ ح ٣٥٦٦ ، معاني الأخبار: ص ١٧٥ ح ١ وزاد فيهما «والسعة في الرزق» بعد «الآخرة» وكلها عن جميل بن صالح ، تفسير العياشي: ج ١ ص ٩٨ ح ٢٧٤ عن عبد الأعلى وفيه «السعة في المعيشة» بدل «المعاش» ، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٨٣ ح ١٨ .
- ٢- الكافي: ج ٤ ص ٤٠٨ ح ٧ .
- ٣- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٨٧ ح ٧١ ، الأدب المفرد: ص ٢٠١ ح ٦٦٨ ، المعجم الأوسط: ج ٧ ص ١٩٨ ح ٧٢٦١ ، مشكاة المصابيح: ج ١ ص ٧٦٠ ح ٢٤٨٣ ، كنز العمال: ج ٢ ص ١٨٢ ح ٣٦٤٥ .
- ٤- لا ينفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ: أي لا ينفَعُ ذَا الْغِنَى عَنْكَ غِنَاهُ (لسان العرب: ج ٣ ص ١٠٧ «جدد») .
- ٥- الأُمَالِي لِلطُّوسِيِّ: ص ١٥٨ ح ٢٦٥ ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٣٤ ح ١٤ ؛ المعجم الأوسط: ج ٧ ص ١٤٢ ح ٧١٠٦ نحوه ، عمل اليوم والليلة لابن السني: ص ٤٩ ح ١٢٧ عن أبي برزخه الأَسْلَمِيِّ عن أبيه ، الأذكار للنووي: ص ٢٠٢ عن أبي برزخه وفيها «بك منك» بدل «بعفوك من نعمتك» .

۱.. جاء فی بحار الأنوار نقلاً عن کتاب الأنوار: امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند: «ای پروردگار ما! در دنیا به ما نیکی ده و در آخرت نیز نیکی»: [یعنی] خشنودی خدا و بهشت در آخرت، و اخلاق خوش در دنیا. ۲. وفیه ایضا: قال أبو الحسن البکری فی کتاب الأنوار الکافی به نقل از عبد الله بن سنان: امام صادق علیه السلام فرمود: «مستحب است که میان رکن و حَجَر بگویی: بار خدایا! در دنیا به ما نیکی، و در آخرت نیز نیکی عطا فرما، و ما را از عذاب آتش، نگه دار».

امام علیه السلام فرمود: «فرشته ای گماشته شده می گوید: آمین!». ۳. وفیه كذلك خبر شهاده أمير المؤمنين علیه السلام: صحیح مسلم به نقل از ابو هریره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همیشه می فرمود: بار خدایا! دین مرا که مایه نگهداری کار من است، برایم اصلاح فرما و دنیایم را نیز که زندگی من در آن است، برایم اصلاح کن. الأمالی طوسی به نقل از ابو برده أسلمی از پدرش: پیامبر خدا، پس از خواندن نماز صبح، با صدای بلند، طوری که یارانش بشنوند، سه بار می گفت: «بار خدایا! دین مرا که مایه مصونیت من قرارش داده ای، برایم اصلاح فرما».

سه بار می گفت: «بار خدایا! دنیای مرا که معاش مرا در آن قرار داده ای، برایم اصلاح فرما».

سه بار می گفت: «بار خدایا! آخرت مرا که بازگشتم را به آن قرار داده ای، اصلاح کن».

سه بار می گفت: «بار خدایا! من از خشم تو به خشنودی تو پناه می برم، و از کيفر تو به گذشتت پناه می برم».

سه بار هم می گفت: «بار خدایا! من از تو به تو پناه می برم. آنچه را تو عطا کنی، چیزی مانعش نمی شود، و آنچه را تو ندهی، کس نمی تواند عطایش کند، و توانگری توانگر در برابر توبه به کارش نمی آید».

١.. ما جاء في الغيبة للطوسي قال: صحيح مسلم عن أبي مالك عن أبيه: أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ أَقُولُ حِينَ أَسْأَلُ رَبِّي؟

قال: قُل: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَعَافِنِي وَارْزُقْنِي» وَيَجْمَعُ أَصَابِعَهُ إِلَّا الْإِبْهَامَ؛ فَإِنَّ هَؤُلَاءِ تَجْمَعُ لَكَ دُنْيَاكَ وَآخِرَتَكَ. (١) وبهذا الإسناد، عن أحمد بن علي الرازي، قال: مسند أبي يعلى عن أنس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا فَقَدَ الرَّجُلَ مِنْ إِخْوَانِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ سَيَّأَلَ عَنْهُ، فَإِنْ كَانَ غَائِبًا دَعَا لَهُ، وَإِنْ كَانَ شَاهِدًا زَارَهُ، وَإِنْ كَانَ مَرِيضًا عَادَهُ، فَفَقَدَ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ، فَسَيَّأَلَ عَنْهُ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، تَرَكَنَاهُ مِثْلَ الْفَرخِ لَا يَدْخُلُ فِي رَأْسِهِ شَيْءٌ إِلَّا خَرَجَ مِنْ دُبُرِهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ: عودوا أخاكم.

قال: فَخَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَعُودُهُ، وَفِي الْقَوْمِ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ، فَلَمَّا دَخَلْنَا عَلَيْهِ إِذْ هُوَ كَمَا وُصِفَ لَنَا، قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَيْفَ تَجِدُكَ؟

قال: لَا يَدْخُلُ فِي رَأْسِي شَيْءٌ إِلَّا خَرَجَ مِنْ دُبُرِي!

قال: وَمِمَّ ذَاكَ؟

قال: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَرَرْتُ بِكَ وَأَنْتَ تُصَلِّي الْمَغْرِبَ فَصَلَّيْتُ مَعَكَ وَأَنْتَ تَقْرَأُ هَذِهِ السُّورَةَ «الْقَارِعَةَ * مَا الْقَارِعَةُ» (٢) إِلَى آخِرِهَا «نَارٌ حَامِيَةٌ»، قَالَ: فَقُلْتُ: اللَّهُمَّ مَا كَانَ لِي مِنْ ذَنْبٍ أَنْتَ مُعَذِّبِي عَلَيْهِ فِي الْآخِرَةِ فَعَجِّلْ لِي عُقُوبَتَهُ فِي الدُّنْيَا، فَنَزَلَ بِي مَا تَرَى.

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بِئْسَ مَا قُلْتَ، أَلَا سَأَلْتَ اللَّهَ أَنْ يُؤْتِيكَ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَيَقْبِكَ عَذَابَ النَّارِ؟!

قال: فَأَمَرَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَدَعَا بِذَلِكَ، وَدَعَا لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَامَ كَأَنَّمَا نَشِطَ مِنْ عِقَالٍ (٣). (٤).

١- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٧٣ ح ٣٦، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ٣٨١ ح ١٥٨٧٧ وفيه «واهدني» بدل «وعافني» وح ١٥٨٨١ عن أبي طارق بن أشيم، الأدب المفرد: ص ١٩٦ ح ٦٥١ عن سعد بن طارق بن أشيم الأشجعي وكلاهما نحوه.

٢- القارعة: ١ و ٢.

٣- يقال للمريض إذا برأ، وللمغشى عليه إذا أفاق: كَأَنَّمَا أَنْشِطَ مِنْ عِقَالٍ. وَنَشِطَ: أَي حُلَّ. قال ابن الأثير: وكثيرا ما يجيء في الرواية «كَأَنَّمَا نَشِطَ مِنْ عِقَالٍ» وليس بصحيح (لسان العرب: ج ٧ ص ٤١٤ «نشط»).

٤- مسند أبي يعلى: ج ٣ ص ٣٨١ ح ٣٤١٦، المطالب العالیه: ج ٢ ص ٣٤٥ ح ٢٤٣٦، الدر المنثور: ج ٨ ص ٦٠٨.

۱.. ما جاء في المحاسن: صحيح مسلم به نقل از مالک از پدرش: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! وقتی از پروردگرم درخواست می کنم، چگونه بگویم؟

فرمود: «بگو: بار خدایا! مرا بیمارز، و به من رحم کن، و عافیتم بخش و روزی ام ده»، و بجز انگشت شصت، بقیه انگشتانش را جمع کند؛ چون اینها، دنیا و آخرت را برای تو جمع می کند. ۲. وفي عيون أخبار الرضا عليه السلام قال الصدوق: مسند أبي يعلى به نقل از آنس: پیامبر خدا، هرگاه سه روز فردی از برادرانش را نمی دید، جویای او می شد؛ اگر [در شهر] نبود، برایش دعا می کرد؛ اگر [در شهر] بود، به دیدارش می رفت و اگر بیمار بود، به عیادتش می رفت. یک بار، سه روز مردی از انصار را ندید، جویای حال او شد. گفته شد: ای پیامبر خدا! از نزد او که آمدیم، مثل یک جوجه شده بود و هرچه می خورد، دفع می کرد.

پیامبر خدا به عده ای از یارانش فرمود: «از برادران عیادت کنید».

ما به همراه پیامبر خدا به عیادت او رفتیم. ابو بکر و عمر هم در آن جمع بودند. چون بر او در آمدیم، دیدیم همان گونه است که به ما گفته شده بود. پیامبر خدا فرمود: «حالت چگونه است؟».

گفت: هرچه می خورم، دفع می کنم.

فرمود: «چرا به این روز افتادی؟».

گفت: ای پیامبر خدا! روزی به تو برخوردم. مشغول خواندن نماز مغرب بودی و من هم به تو اقتدا کردم و سوره: «الْقَارِعَةُ * مَيَا الْقَارِعَةُ» تا آخرش «نَارٌ حَامِيَهُمْ» را قرائت می کردی. من گفتم: خدایا! اگر گناهی دارم که به واسطه آن، مرا در آخرت عذاب خواهی کرد، کیفر آن را در همین دنیا به من بچشان. این بلا بر من آمد که می بینی.

پیامبر خدا فرمود: «بد چیزی گفته ای. چرا از خدا درخواست نکردی که در دنیا و در آخرت به تو نیکی دهد و از عذاب آتش، نگاهت دارد؟!».

پس، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود که این گونه دعا کند. آن مرد هم چنان دعا کرد. و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همین گونه دعا کرد و او سر حال شد و از جا برخاست، چنان که گویی بند از پایش باز شده باشد..

١.. جاء في كتاب القراءات: الإمام زين العابدين عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا يَكُونُ بِهِ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَإِذَا كُرِبْتُمْ (١) وَاغْتَمَمْتُمْ (٢) دَعَوْتُمْ اللَّهَ بِهِ فَفَرَّجَ عَنْكُمْ؟» قالوا: بلى يا رَسُولَ اللَّهِ .

قَالَ: قولوا: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا» ثُمَّ ادْعُوا بِمَا بَدَأَ لَكُمْ . (٣) وفيه أيضا: الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الْمَعِيشَةِ، مَعِيشَةً اتَّقَوَى بِهَا عَلَى جَمِيعِ حَوَائِجِي، وَأَتَوَصَّلُ بِهَا فِي الْحَيَاةِ إِلَى آخِرَتِي، مِنْ غَيْرِ أَنْ تُتْرِفَنِي (٤) فِيهَا فَأَطْغِي، أَوْ تُقْتِرَ (٥) بِهَا عَلَيَّ فَأَشْقِي، أَوْ سِعَ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَأَفْضَ عَلَيَّ مِنْ سَبَبِ (٦) فَضْلِكَ؛

نِعْمَةً مِنْكَ سَابِعَةً وَعَطَاءً غَيْرَ مَمْنُونٍ، ثُمَّ لَا تَشْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ بِإِكْتَارِ مِنْهَا تُلْهِينِي بِهَجْتِهِ وَتَفْتِنِي زَهْرَاتِ زَهْوَتِهِ، وَلَا يَاقِلَالٍ عَلَيَّ مِنْهَا يَقْضِرُ بِعَمَلِي كَدُّهُ وَيَمْلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ، أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي غِنًى عَنِ شَرَارِ خَلْقِكَ، وَبَلَاغًا أَنَالُ بِهِ رِضْوَانَكَ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ مَا فِيهَا. لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سَبْجًا وَلَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنَ، أَخْرِجْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِيَةً عَنِّي مَقْبُولًا. فِيهَا عَمَلِي إِلَى دَارِ الْحَيَاةِ وَمَسَاكِنِ الْأَخْيَارِ، وَأَبْدَلْنِي بِالدُّنْيَا الْفَاتِيَةِ نَعِيمَ الدَّارِ الْبَاقِيَةِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَرْزُلِهَا وَزَلْزَلِهَا، وَسَيِّطَاتِ شَيَاطِينِهَا وَسَلْطِينِهَا وَنَكَالِهَا (٧)، وَمِنْ بَغْيٍ مِنْ بَغْيِ عَلَيٍّ فِيهَا. اللَّهُمَّ مَنْ كَادَنِي فَكَادَهُ وَمَنْ أَرَادَنِي فَأَرَدَهُ، وَفَعَلَ عَنِّي حَيْدًا مِنْ نَصَبٍ لِي حَيْدُهُ، وَأَطْفِ عَنِّي نَارَ مَنْ شَبَّ لِي وَقودُهُ، وَاكْفِنِي مَكْرَ الْمَكْرِهِ وَاقْفَأْ عَنِّي عُيُونَ الْكُفْرِهِ، وَاكْفِنِي هَمًّا مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ هَمُّهُ، وَادْفَعْ عَنِّي شَرَّ الْحَسَدِ، وَاعْصِمْنِي مِنْ ذَلِكَ بِالسَّكِينَةِ، وَالْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ، وَاخْبَأْنِي (٨) فِي سِتْرِكَ الْوَاقِي، وَأَصْلِحْ لِي حَالِي، وَصَدِّقْ قَوْلِي بِفِعَالِي، وَبَارِكْ لِي فِي أَهْلِي وَمَالِي. (٩).

١- كَرِبَهُ الْأَمْرُ: شَقَّ عَلَيْهِ (المصباح المنير: ص ٥٢٩ «كرب»).

٢- فِي الْمَصْدَرِ: «وَأَغْمَمْتُمْ»، وَمَا فِي الْمَتْنِ أَثْبَتَاهُ مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ.

٣- الْمَحَاسِنُ: ج ١ ص ١٠٠ ح ٧١ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمَسَيْبِ، الدَّعَوَاتُ: ص ٥٦ ح ١٤٣ وَفِيهِ «اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ» بَدَلَ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج ٩٣ ص ٢٠٨ ح ١١.

٤- الْمُتْرِفُ: الْمُتَنَعَّمُ الْمُتَوَسِّعُ فِي مَلَاذِ الدُّنْيَا وَشَهَوَاتِهَا (النهاية: ج ١ ص ١٨٧ «ترف»).

٥- أَقْتَرَهُ اللَّهُ مَرِزْقَهُ: أَي ضَيِّقَهُ وَقَلَّلَهُ (النهاية: ج ٤ ص ١٢ «قتر»).

٦- السَّيْبُ: الْعَطَاءُ (القاموس المحيط: ج ١ ص ٨٤ «سب»).

٧- النَّكَالُ: الْعُقُوبَةُ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٨٣٤ «نكل»).

٨- خَبَأَ الشَّيْءَ: سَتَرَهُ (القاموس المحيط: ج ١ ص ١٣ «خبا»).

٩- الْكَافِي: ج ٢ ص ٥٥٣ ح ١٣ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، مَصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ: ص ٣٥١ ح ٤٦٦ عَنْ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَهُ وَرَاجِعِ الْإِقْبَالَ: ج ١ ص ٣٠٤ وَص ١٣٤ وَجَمَالَ الْأُسْبُوعِ: ص ٢٩٥ وَص ٢٤١ وَبَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج ٩٠ ص ١٢ ح ٢.

۳. وفیه كذلك: امام زین العابدین علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «آیا به شما خبر دهم از چیزی که خیر دنیا و آخرت به آن است، و هرگاه ناراحت و اندوهگین شدید، با آن خدا را بخوانید و خداوند، غم و رنج شما را بزداید؟»

گفتند: بگو ای پیامبر خدا!

فرمود: «بگویید: لا إله إلا الله ربنا، لا نشرك به شيئاً؛ جز خدای یکتا که پروردگار ماست، خدایی نیست و ما هیچ گونه به وی شریک نمی‌ورزیم. سپس، هر دعایی که خواستید، بکنید». ۴. ومن روایاته ما جاء فی کتاب التوحید للصدوق قال: امام صادق علیه السلام: علی بن حسین علیهما السلام این دعا را می‌خواند:

«بار خدایا! از تو نیکویی معشیت را درخواست می‌کنم؛ معیشتی که با آن بتوانم همه نیازهایم را برآورم، و بدان وسیله، در این زندگی به آخرتم نایل آیم؛ نه آن چنان مرا در آن غوطه‌ور سازی که دچار طغیان شوم، و نه آن سان بر من تنگ‌گیری که به رنج و سختی بیفتم، از روزی حلاطت به من گشایش ده و از باران فضلت بر من بریزان. نعمتی بی‌نقص و دهشی بی‌وقفه از جانب خودت [به من ارزانی دار]؛ اما نه چندان بر آن بیفزای که خرمی‌اش مرا به خود سرگرم سازد و شکوه و زیبایی‌اش فریفته‌ام گرداند و در نتیجه، از شکر نعمت بازمانم، و نه چندان آن را بر من بکاه که رنج تحصیلش باعث کوتاهی‌ام در عمل [و عبادت] شود و هم و غمش سینه‌ام را پُر کند.

ای معبود من! از این روزی ات آن قدر به من عطا فرما که از بدان خلقت

بی‌نیاز شوم و به وسیله آن، به خشنودی (بهشت) رضوان تو نایل آیم.

پناه می‌برم به تو، ای معبود من! از شرّ دنیا و شرّ آنچه در دنیا است. دنیا را بر من زندان مگردان و جدایی آن را مایه اندوهم قرار مده. مرا از این سرای آزمایش، در حالی به سرای زندگانی و سکونتگاه نیکان [آخرت] ببر که از من، خشنود باشی و اعمالم پذیرفته باشد، و نعمت‌های آن سرای ماندگار را جایگزین این دنیای فناپذیرم کن.

بار خدایا! به تو پناه می‌برم از سختی و بلاهای دنیا و یورش‌های شیاطین و سلاطین آن، و تنبیه و مجازات‌هایش، و از زورگویی و ستم‌کسی که در این دنیا به من ستم کند و زورگویی کند.

بار خدایا! هر که برایم نقشه کشید، تو برایش نقشه بکش، و هر که قصد من کرد، قصد او کن و تیغ آن کس را که بر رویم تیغ کشید، کند کن و آتش آن کس را که برای من آتش افروخت، خاموش کن و دسیسه‌دسیسه‌گران را از من بگردان و چشم‌های کافران را از من، کور گردان و بدبختی‌گالی کسی را که نسبت به من در سر پرورانده، از من دور کن و گزند بدخواهان (یا: شورچشمان) را از من دفع کن و با آرامش [خود]، مرا از آن نگه‌دار و زره محکم خود را بر من بپوشان و مرا در پرده‌نگه‌دارنده ات پنهان بدار، حالم را نکو گردان و کردارم را مطابق گفتارم قرار ده و به خانواده‌ام و اموالم برکت عطا فرما. .

٥. وفي الخصال: تهذيب الأحكام عن أبي حمزة الثمالي: أَخَذْتُ هَذَا الدُّعَاءَ مِنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَكَانَ يُسَمِّيهِ الدُّعَاءَ الْجَامِعَ :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

... أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَةَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي ، مَعِيشَةً أَقْوَى بِهَا عَلَيَّ

طَاعَتِكَ وَأَبْلُغْ بِهَا رِضْوَانَكَ ، وَأَصْبِرْ بِهَا مِنْكَ إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ (١) عَدَا .

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي رِزْقًا حَلَالًا يَكْفِينِي وَلَا تَرْزُقْنِي رِزْقًا يُطْغِينِي ، وَلَا تَبْتَلِينِي بِفَقْرٍ أَشْقَى بِهِ مُضَيِّقًا عَلَيَّ ، أَعْطِنِي حَظًّا وَافِرًا فِي آخِرَتِي وَمَعَاشًا وَسَعَةً هَنِيئًا مَرِيئًا فِي دُنْيَايَ ، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِتْرًا وَلَا تَجْعَلْ فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا ، أَجْرِنِي مِنْ فِتْنَتِهَا وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَسَعِي فِيهَا مَشْكُورًا .

اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي فِيهَا بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ ، وَمَنْ كَادَنِي فِيهَا فَكِدْهُ . (٢) .

١- .الحيوان: قيل: هي الحياه التي لا يعقبها موت (المصباح المنير: ص ١٦١ «حيي»).

٢- .تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٦ ح ٢٣٤ ، الكافي: ج ٢ ص ٥٨٧ ح ٢٦ وليس فيه «اللهم ارزقني رزقا حلالا يكفيني» ، مهج الدعوات: ص ٢١٧ وليس فيه «مريئا» وبزياده «مرضيا» بعد «فتنتها» ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٦٩ ح ٣ وراجع مصباح المتهجد: ص ٥٤٩ ح ٦٤٠ والمقنعه: ص ١٧٩ ح ١٥ .

۱.. ما جاء في الكافي: تهذيب الاحكام به نقل از ابو حمزه ثمالی: این دعا را از امام باقر علیه السلام که آن را دعای جامع می نامید، فرا گرفتم:

«به نام خداوند مهرگستر مهربان... بار خدایا! از تو درخواست می کنم که تا زنده هستم، زندگی ام را در رفاه و آسایش قرار دهی، به طوری که با آن

بر طاعت تو توانا باشم و به خشنودی (/ بهشت) تو نایل آیم و فردا [ی قیامت] از جانب تو به سرای زندگانی [بهشت] بروم.

بار خدایا! روزی حلالی نصیبم کن که در حدّ کفایت من باشد و رزقی که مرا به سرکشی بکشاند، روزی ام مکن و به فقری گرفتارم مساز که باعث رنج و سختی من گردد، در آخرت، بهره ای فراوان عطایم کن و در دنیا، زندگی فراخ و خوش و گوارا. دنیا را بر من زندان مگردان و جدایی آن را مایه اندوهم قرار مده. مرا از فتنه آن، در پناه خود دار و اعمالم را در آن، بپذیر و تلاشم را در آن، شایان تقدیر قرار ده.

بار خدایا! هرکس در دنیا نسبت به من قصد سوء کرد، تو قصد او کن و هرکس در آن برایم نقشه کشید، برایش نقشه بکش.

٢. وفيه أيضا: الإمام زين العابدين عليه السلام: **اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمْتُ مَا يُصَلِّحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي ، فَكُنْ بِحَوَائِجِي حَفِيًّا .**
(١) ٣. وفي الكافي كذلك: عنه عليه السلام: **اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كُلَّ سُؤْلِي ، وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي ، وَلَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ وَقَدْ ضَمِنْتَهَا لِي ،**
وَلَا تَحْجُبْ دُعَائِي عَنْكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِهِ ، وَامْنُنْ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا يُصَلِّحُنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي ؛ مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا نَسِيتُ ، أَوْ أَظْهَرْتُ
أَوْ أَخْفَيْتُ ، أَوْ أَعْلَنْتُ أَوْ أَسْرَرْتُ . (٢) ٤. وفيه أيضا: الإمام الصادق عليه السلام **مِنْ دُعَاءِ عَلَّمَهُ يُونُسُ بْنُ عَمَّارٍ : أَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ**
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ ، وَاصْرِفْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ . (٣) .

-
- ١- .الصحيفة السجادية : ص ٩٥ الدعاء ٢٢ وراجع مصباح المتهجد : ص ٨٢ ح ١٣٢ و ص ٤٧١ ح ٥٦٨ وفلاح السائل : ص ٣٢٩ ح ٣١٧ وبحار الأنوار : ج ٨٦ ص ١٥ ح ١١ .
- ٢- .الصحيفة السجادية : ص ١٠٦ الدعاء ٢٥ .
- ٣- .الكافي : ج ٢ ص ٢٥٩ ح ٣٠ و ص ٥٦٥ ح ٤ و ج ٣ ص ٣٢٧ ح ٢٠ ، عدّه الداعي : ص ٢٥٧ كلّها عن يونس بن عمّار ، مصباح المتهجد : ص ١٣٩ ح ٢٢٦ ، المصباح للكفعمي : ص ١٩٦ كلاهما من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٨٠ ح ٦ .

۱.. ما جاء في الكافي: امام زين العابدين عليه السلام: بار خدایا! تو می دانی که کار دنیا و آخرتِ مرا چه چیز به صلاح می آورد. پس حاجت هایم را عطا فرما. ۲. وفي الخصال قال الصدوق: امام زين العابدين عليه السلام: بار خدایا! همه درخواست هایم را به من عطا فرما، حوائجم را برآور و اجابت را که برایم تضمین کرده ای، از من دریغ مکن و دعایم را که تو خود به آن دستور داده ای، از درگاہت محبوب مگردان و هر آنچه را که سبب اصلاح من در دنیا و آخرت شود، به من عطا فرما؛ چه آنهایی را که یاد کردم و یا فراموش نمودم، چه آنهایی را که اظهار کردم و یا نمان داشتم، چه آنهایی را که آشکارا گفتم و یا در دل، بیان داشتم. ۳. وفي الخصال أيضا: امام صادق عليه السلام بخشی از دعایی که امام عليه السلام به یونس بن عمار آموخت: از نیکی دنیا و آخرت، آنچه را که تو اهل آنی، به من عطا فرما و از بدی دنیا و آخرت نیز، آنچه را که تو اهل آنی، از من بگردان..

عنه عليه السلام من دُعائه في زيارته الحسين عليه السلام عند وداعه: اللَّهُمَّ لا تَشْغَلْنِي فِي الدُّنْيَا عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ ، ولا يَكْتَارُ فِيهَا فَتُلْهِبِنِي عَجَائِبَ بَهَجَتِهَا وَتَفْتِنَنِي زَهْرَتُهَا ، ولا - بِإِقْلَالٍ يُضَيِّرُ بِعَمَلِي ضَرْهُهُ وَيَمْلَأُ صِدْرِي هُمُّهُ ، أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ غِنًى عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ ، وَبِلاغا (١) أَنالُ بِهِ رِضاكَ يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (٢) الكافي عن مُحَمَّدِ الجعفي عن أبيه : كُنْتُ كَثِيراً ما أَشْتَكِي عَيْنِي ، فَشَكَوتُ ذَلِكَ إِلى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ، فَقَالَ : أَلَا أَعْلَمُكَ دُعَاءً لِدُنْيَاكَ وَأَخْرَجَتْكَ وَبِلاغا لَوْجِعِ عَيْنِكَ؟ قُلْتُ : بلى ، قال : تقولُ في دُبْرِ الفَجْرِ ودُبْرِ المَغْرِبِ :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأُ لُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلِ النُّورَ فِي بَصِيرَتِي ، وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي ، وَالبَاقِينَ فِي قَلْبِي ، وَالإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي ، وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي ، وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي ، وَالشُّكْرَ لَكَ أَيُّدا ما أَبْقَيْتَنِي . (٣) ١.. ما جاء في الكافي وعلل الشرائع واللفظ للكافي: الكافي عن عبد الرحمن بن سيابة: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : أَدْعُو وَأنا ساجِدٌ؟ فَقَالَ : نَعَمْ ، فَادْعُ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، فَإِنَّهُ رَبُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (٤) ٢. وفي الأُمالي قال الطوسي: الكافي عن علي بن مهزيار: كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبراهيمَ إِلى أَبِي الحَسَنِ عليه السلام : إِنْ رَأَيْتَ

يا سَيِّدِي أَنْ تُعَلِّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي دُبْرِ صَلَاتِي يَجْمَعُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تقولُ :

أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الكَرِيمِ ، وَعِزَّتِكَ الَّتِي لا تُرَامُ ، وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لا يَمْتَنِعُ مِنْها شَيْءٌ ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَمِنْ شَرِّ الأَوْجاعِ كُلِّها . (٥) .

١- .البلاغ : ما يُتَبَلَّغُ وَيُتَوَصَّلُ بِهِ إِلى الشَّيْءِ المَطْلُوبِ (النهاية : ج ١ ص ١٥٢ «بلغ»).

٢- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٢ ص ٥٩٨ ح ٣٢٠٠ ، كامل الزيارات : ص ٤٣٦ ح ٦٩٩ كلاهما عن يوسف الكناسي ، تهذيب الأحكام : ج ٦ ص ٦٨ ، مصباح المتهجد : ص ٧٢٨ ح ٨١٩ كلاهما من دون إسنادٍ إِلى المعصوم وفيهما «ذكرك» بدل «شكر نعمتك» وفيها «زهرات زينتها» بدل «زهرتها» و«كده» بدل «ضره» ، بحار الأنوار : ج ١٠١ ص ٢٠٤ ح ٣٢ .

٣- .الكافي : ج ٢ ص ٥٤٩ ح ١١ ، الأُمالي للمفيد : ص ١٧٩ ح ٩ ، الأُمالي للطوسي : ص ١٩٦ ح ٣٣٤ ، المصباح للكفعمي : ص ٢٣٣ وفيها «تكفي به وجع» بدل «بلاغا لوجع» ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٢٤٧ ح ٢٥٩٧ وليس فيهما «عليك» ، فلاح السائل : ص ٤١٠ ح ٢٨٢ ، بحار الأنوار : ج ٩٥ ص ٩٠ ح ٨ .

٤- .الكافي : ج ٣ ص ٣٢٣ ح ٦ ، تهذيب الأحكام : ج ٢ ص ٢٩٩ ح ١٢٠٧ وفيه «أدعو الله» بدل «أدعو» .

٥- .الكافي : ج ٣ ص ٣٤٦ ح ٢٨ ، مصباح المتهجد : ص ٥١ ح ٦٨ من دون إسنادٍ إِلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج ٨٦ ص ٤٨ .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در زیارت خدا حافظی با امام حسین علیه السلام: بار خدایا! در دنیا مرا از گزاردن شکر نعمت هایت باز مدار، نه چندان در دنیا فزونی ام بخش که شُکوه خیره کننده آن، مرا سرگرم سازد و زرق و برقش فریفته ام گرداند، و نه چندان تهی دستم کن که به عملم لطمه بزند و دغدغه اش ذهنم را پُر کند؛ [بلکه] از آن به اندازه ای به من ببخش که از بَدانِ خلقت بی نیازم گرداند و در حدّی باشد که با آن، به خشنودی تو دست یابم، ای مهربان ترین مهربانان! الکافی به نقل از محمّد جعفری از پدرش: من بسیار به چشم درد مبتلا می شدم. از آن، به امام صادق علیه السلام شکایت کردم. فرمود: «آیا دعایی برای دنیا و آخرت و بهبود درد چشمانت به تو نیاموزم؟».

گفتم: چرا.

فرمود: «در تعقیب نماز صبح و مغرب می گویی:

بار خدایا! به حقّ محمّد و آل محمّد بر تو، از تو درخواست می کنم که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و در دیده ام نور قرار ده، در دینم بینش، در دلم یقین، در کردارم اخلاص، در روانم سلامت و در روزی ام گشایش، و این که تا زنده ام، همواره سپاس گزارِ تو باشم. الکافی به نقل از عبدالرحمان بن سیّاب: به امام صادق علیه السلام گفتم: در حال سجده دعا کنم؟

فرمود: «آری. برای دنیا و آخرت، دعا کن؛ زیرا که او خداوندگار دنیا و آخرت است». الکافی به نقل از علی بن مهزیار: محمّد بن ابراهیم به ابوالحسن علیه السلام نوشت: سرورم! اگر صلاح می دانی، دعایی به من بیاموز که در تعقیبِ نماز بخوانم

و خداوند به واسطه آن، خیر دنیا و آخرت را به من بدهد.

امام علیه السلام نوشت: می گویی:

«به ذات بزرگوار تو، و به اقتدار شکست ناپذیر تو، و به قدرتت که هیچ چیز از آن سر بر نمی تابد، پناه می برم از بدی دنیا و آخرت و از بدی همه دردها».

١.. ما جاء فى تهذيب الأحكام: الكافى عن هلقام بن أبى هلقام: أتيت أبى إبراهيم عليه السلام (١) فقلت له: جعلت فداك، علمنى دعاءً جامعاً للدنيا والآخرة وأوجز.

فقال: قل فى دُبرِ الفجرِ إلى أن تطلعَ الشمسُ: سبحانَ اللهِ العظيمِ وبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ.

قال هلقام: ولقد كنت من أسوأ أهل بيتى حالاً، فما علمت حتى أتانى ميراث من قبل رجلٍ ما ظننت أن بينى وبينه قرابته، وإننى اليوم لمن أسير أهل بيتى، وما ذلك إلا مما علمنى مولاى العبد الصالح عليه السلام. (٢) وفى كتاب الغيبة قال النعمانى: الإمام على عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا أمسى قال: «... اللهم إنك بجميع حاجتى عالم، وإنك على جميع نجاتها قادر، اللهم أنجح الليلة كمل حاجه لى، ولا تزدنى فى دنياى، ولا تنقصنى فى آخرتى»، وإذا أصبح قال مثل ذلك. (٣) عنه عليه السلام فى الدعاء: اللهم لا تجعل الدنيا لى سجنًا، ولا فراقها على حزنًا،

أعوذ بك من دنيا تحرمنى الآخرة، ومن أمل يحرمنى العمل، ومن حياه تحرمنى خير الممات. (٤).

١- أى الإمام الكاظم عليه السلام.

٢- الكافى: ج ٢ ص ٥٥٠ ح ١٢، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٢٨ ح ٩٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٤ ح ٢٠٧٥، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٣١ ح ٧.

٣- المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٣٣٤ ح ٧٦٥٧ عن الحارث، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٣٤ ح ٤٩٥١.

٤- نثر الدر: ج ١ ص ٢٨٤.

الکافی به نقل از هلقام بن ابی هلقام: خدمت ابو ابراهیم (امام کاظم) علیه السلام رسیدم و گفتم: فدایت شوم! دعایی به من بیاموز که جامع دنیا و آخرت باشد و کوتاه بیاموز.

فرمود: «پس از نماز صبح تا طلوع خورشید بگو: منزّه است خدای بزرگ، و ستایش، مخصوص اوست. از خدا آمرزش می طلبم و از فضل او مسئلت می کنم».

وضع زندگی من از همه فامیلم بدتر بود؛ اما [در اثر خواندن این دعا] ناگهان ارثیه ای از جانب مردی به من رسید که گمان نمی کردم بین من و او خویشاوندی ای باشد و امروز، من از ثروتمندترین افراد خاندانم هستم. این نبود، مگر به برکت دعایی که مولا-یم، عبد صالح، به من آموخت. ۱.. ما جاء فی المحاسن: امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، شب که می شد، می گفت: «... بار خدایا! تو از همه حاجت هایم آگاهی و به برآوردن همه آنها توانایی. بار خدایا! امشب هر حاجتی که دارم، برآورده ساز و در دنیایم میفزای و از آخرتم مکاه...». صبح که می شد نیز چنین دعایی می کرد. ۲. وفی الکافی: امام علی علیه السلام دعا: بار خدایا! دنیا را برایم زندان مگردان و جدایی آن را مایه اندوهم مساز. به تو از دنیایی که مرا از آخرت محروم گرداند و از امیدی که

مرا از عمل باز بدارد، و از زندگی ای که مرا از بهترین مُردن محروم سازد، به تو پناه می برم»..

١١ / ٢ ثوابٌ مَنْ أَخَذَ الدُّنْيَا بِحَقِّهَا ٢. وفي الخصال للشيخ الصدوق قال: رسول الله صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا خَضِرَةٌ (١) حُلْوَةٌ ، مَنْ اِكْتَسَبَ فِيهَا مَالًا مِنْ حِلِّهِ وَأَنْفَقَهُ فِي حَقِّهِ أَثَابَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأُورِدَهُ جَنَّتَهُ ، وَمَنْ اِكْتَسَبَ فِيهَا مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ وَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ أَحَلَّهُ اللَّهُ دَارَ الْهَيْوَانِ ، وَرُبَّ مُتَخَوِّضٍ فِي مَالِ اللَّهِ (٢) وَرَسُولِهِ لَهُ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . يَقُولُ اللَّهُ : «كُلَّمَا حَبَّتْ زِدْنَهُمْ سَيِّئًا» (٣) . (٤)١. عن الحسين بن الحسن بن بندار ، ومحمّد بن قولويه المسند ابن حنبل عن خولته بنت قيس امرأة حمزة بن عبد المطلب رضى الله عنه : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَخَلَ عَلَى حَمْرَةَ فَتَذَاكَّرَا الدُّنْيَا ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ الدُّنْيَا خَضِرَةٌ حُلْوَةٌ ، فَمَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا بَوْرِكَ لَهُ فِيهَا ، وَرُبَّ مُتَخَوِّضٍ فِي مَالِ اللَّهِ وَمَالِ رَسُولِهِ لَهُ النَّارُ يَوْمَ يَلْقَى اللَّهُ . (٥)٢. عن سعد ، قال : حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا اسْتَعْفَا عَنِ الْمَسْأَلَةِ ، وَسَيِّئًا عَلَى أَهْلِهِ ،

وَتَعَطَّفَا عَلَى جَارِهِ ، لَقِيَ اللَّهُ وَوَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ . وَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا مُكَاثِرًا بِهَا حَلَالًا (٦) مُرَائِيًا ، لَقِيَ اللَّهُ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ . (٧) .

١- خَضِرَةٌ : أى غَضِبَهُ نَاعِمَهُ طَرِيحَهُ (النهاية : ج ٢ ص ٤١ «خضر»).

٢- رُبَّ مُتَخَوِّضٍ فِي مَالِ اللَّهِ : أى رَبٌّ مُتَصَرِّفٌ فِي مَالِ اللَّهِ تَعَالَى بِمَا لَا يَرْضَاهُ اللَّهُ (لسان العرب : ج ٧ ص ١٤٧ «خوض»).

٣- الإسراء : ٩٧ .

٤- شُعب الإيمان : ج ٤ ص ٣٩٦ ح ٥٥٢٧ عن ابن عمر ، كُنز العمال : ج ٣ ص ١٨٤ ح ٦٠٧٦ .

٥- مسند ابن حنبل : ج ١٠ ص ٢٩٩ ح ٢٧١٢٢ ، سنن الترمذى : ج ٤ ص ٥٨٧ ح ٢٣٧٤ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤

ص ٧٦ ح ٦٩٣٢ عن حمته وكلاهما نحوه ، المعجم الكبير : ج ٢٤ ص ٢٣٠ ح ٥٨٥ ، شُعب الإيمان : ج ٧ ص ٢٨٠ ح ١٠٣٠٦

عن عمره بنت الحارث نحوه ، حليه الأولياء : ج ٧ ص ٣١١ وليس فيهما صدره ، كُنز العمال : ج ٣ ص ١٨٤ ح ٦٠٧٥ .

٦- الظاهر أنّ الصواب فى العبارة : «من طلب الدنيا حلالاً مكاثراً بها . . .» كما فى أغلب المصادر .

٧- المصنّف لابن أبى شيبة : ج ٥ ص ٢٥٨ ح ٧ ، شُعب الإيمان : ج ٧ ص ٢٩٨ ح ١٠٣٧٥ ، مشكاة المصابيح : ج ٢ ص ٦٥٨ ح

٥٢٠٧ ، مسند إسحاق بن راهويه : ج ١ ص ٣٥٣ ح ٣٥٢ ، حليه الأولياء : ج ٣ ص ١١٠ كلّها عن أبى هريره وفيها «مكاثراً مفاخراً»

، كُنز العمال : ج ٤ ص ١٢ ح ٩٢٤٧ .

۲ / ۱۱ پاداش کسی که دنیا را به حق برگیرد

۲ / ۱۱ پاداش کسی که دنیا را به حق (۱) برگیرد ۱.. ما جاء فی الکافی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا دل پذیر و شیرین است. هر که در آن مالی از حلال به دست آورد و در راه درستش هزینه کند، خداوند، او را بر این کار، پاداش دهد و به بهشت خویش بَرَد و هر که در دنیا، مالی از غیر حلال به دست آورد و به ناحق هزینه اش کند، خداوند، او را به سرای خفت و خواری در آورد. ای بسا تصرف کننده ای در مال خدا (۲) و پیامبر او که روز قیامت، آتش، سزای اوست. خداوند می فرماید: «هر بار که آتش آن فرو نشیند، شراره ای [تازه] برایشان می افزایم». ۲. وفی الهدایه الکبری للخصیبی: مسند ابن حنبل به نقل از خوله دختر قیس، همسر حمزه بن عبد المطلب: پیامبر خدا بر حمزه وارد شد و میان آن دو از دنیا سخن به میان آمد. پیامبر خدا فرمود: «دنیا، جَدَّاب و شیرین است. پس هر که آن را به حق برگیرد، در آن به او برکت داده شود و ای بسا تصرف کننده در مال خدا و مال پیامبر او که آن روز که خدا را دیدار کند، آتش در انتظار او باشد. ۳. وفی التوحید قال الصدوق: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دنیا را از راه حلال طلب کند، برای این که دست خواهش و نیاز به سوی کسی دراز نکند و خانواده اش را تأمین کند و به همسایه اش

محبّتی نماید، با چهره ای چون ماه شب چهارده، خدا را دیدار کند و هر که دنیا را از راه حلال بطلبد، برای آن که با ثروتش بر دیگران بنازد و آن را به رُخ بکشد، در حالی خداوند را دیدار کند که خدا از او در خشم است.

۱- یعنی به اندازه نیاز و از راه حلال.

۲- یعنی برخلاف رضای خدا در آن دخل و تصرف کند.

٤. وفي معانى الأخبار قال: الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الرِّزْقَ فِي الدُّنْيَا اسْتَعْفَافًا عَنِ النَّاسِ ، وَتَوَسَّعًا عَلَى أَهْلِهِ ، وَتَعَطُّفًا عَلَى جَارِهِ ، لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَيْدْرِ . (١) راجع : ص ٣٥٢ (التحذير من الاغترار بالدنيا / الدنيا خضره حلوه) .

١- الكافي : ج ٥ ص ٧٨ ح ٥ ، تهذيب الأحكام : ج ٦ ص ٣٢٤ ح ٨٩٠ وفيه «سعيًا» بدل «توسيعًا» وكلاهما عن أبي حمزه ، ثواب الأعمال : ص ٢١٥ ح ١ عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عليه السلام ، مسند زيد : ص ٢٥٥ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ٨ ح ٣١ .

امام باقر علیه السلام: هر کس در دنیا به دنبال روزی رود تا دست نیاز سوی مردم دراز نکند و خانواده اش را در آسایش قرار دهد و به همسایه اش کمک کند، روز قیامت، با صورتی چون ماه شب چهارده، خداوند را دیدار می کند. ر. ک: ص ۳۵۳ (برحذر داشتن از فریفته شدن به دنیا/ دنیاخوش و شیرین است).

الفصل الثالث : ما يُنال به خير الدنيا والآخرة ٣ / ١ الحِكْمَةُ الْكُتَابُ «يُوتَى الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» . (١)

الحديث ٢. وما جاء في رجال الكشي: لقمان عليه السلام في وصية لولده: يا بُنَيَّ تَعَلَّمِ الْحِكْمَةَ تَشَرَّفَ بِهَا . . . وَكَيْفَ يَظُنُّ ابْنُ آدَمَ أَنْ يَنْهَيَّا لَهُ أَمْرُ دِينِهِ وَمَعِيشَتِهِ بِغَيْرِ حِكْمَةٍ؟ وَلَنْ يُهَيِّئَ اللَّهُ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِالْحِكْمَةِ ، وَمَثَلُ الْحِكْمَةِ بِغَيْرِ طَاعَةٍ مَثَلُ الْجَسَدِ بِغَيْرِ نَفْسٍ وَمَثَلُ الصَّعِيدِ بِغَيْرِ مَاءٍ ، وَلَا صَلَاحَ لِلْجَسَدِ بِغَيْرِ نَفْسٍ وَلَا لِلصَّعِيدِ بِغَيْرِ مَاءٍ وَلَا لِلْحِكْمَةِ بِغَيْرِ طَاعَةٍ . (٢)

١- البقره : ٢٦٩ .

٢- أعلام الدين : ص ٣٢٧ ، كنز الفوائد : ج ٢ ص ٦٦ و ص ٦٧ ، بحار الأنوار : ج ١ ص ٢١٩ ح ٥١ .

فصل سوم : عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت

۱ / ۳ حکمت

فصل سوم: عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت ۳ / ۱ حکمتقرآن «حکمت را [خداوند] به هر که بخواهد، می دهد، و به هر که حکمت داده شود، هر آینه، خیر فراوان داده شده است؛ و پند نمی گیرند، مگر خردمندان».

حدیث ۱.. ما جاء قی الاختصاص: لقمان علیه السلام در سفارش به فرزندش: فرزندم! حکمت بیاموز تا بدان، شرافت یابی... آدمی چگونه گمان می برد که بدون حکمت، کار دین و معیشتش سامان می پذیرد؟ خداوند هرگز کار دنیا و آخرت را سامان نمی دهد، مگر با حکمت، و حکایت حکمت بی طاعت [خداوند]، حکایت جسم بی جان و حکایت زمین بی آب است. نه جسم بدون جان به کار می آید، نه زمین بدون آب، و نه حکمت بدون طاعت.

٣ / ٢ إِيثَارُ الْآخِرَةِ. وَفِيهِ أَيْضًا: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ آثَرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ حُرِّمَهُمَا جَمِيعًا، وَمَنْ آثَرَ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا أَصَابَهُمَا جَمِيعًا. (١) ٣. وَفِي تَفْسِيرِ الْعِيَّاشِيِّ: الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ جَعَلْتَ دُنْيَاكَ تَبَعًا لِـدِينِكَ، أَحْرَزْتَ دِينَكَ وَدُنْيَاكَ، وَكُنْتَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْفَائِزِينَ. (٢) ١.. مَا جَاءَ فِي كَامِلِ الزِّيَارَاتِ: الْإِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَتَبَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سَيِّدِي أَخْبِرْنِي بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. فَكَتَبَ إِلَيْهِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَمَّا بَعْدُ، فَمَنْ طَلَبَ رِضَا اللَّهَ بِسَخِطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ، وَمَنْ طَلَبَ رِضَا النَّاسِ بِسَخِطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ. وَالسَّلَامُ. (٣) ٢. وَفِي عَيُونِ أَخْبَارِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الصَّدُوقُ: الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَرَادَ الْحَدِيثَ لِمَنْفَعَةِ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ نَصِيبٌ، وَمَنْ أَرَادَ بِهِ خَيْرَ الْآخِرَةِ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (٤) رَاجِعٌ: ج ٢ ص ٣١٦ (آثار الاهتمام بالآخرة)

و٣٤٦ (بركات عماره الآخرة).

١- الفردوس: ج ٣ ص ٥٨٦ ح ٥٨٣٥ عن أبي هريره.

٢- غرر الحكم: ح ٣٧٥١، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٦١ ح ٣٤٤٤.

٣- الأمالي للصدوق: ص ٢٦٨ ح ٢٩٣ عن يحيى بن أبي القاسم عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، الاختصاص: ص ٢٢٥ عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، روضه الواعظين: ص ٤٨٥، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٢٠٨ ح ١٧.

٤- الكافي: ج ١ ص ٤٦ ح ٢، منيه المرید: ص ١٣٨، مشكاة الأنوار: ص ٢٤٥ ح ٧١٤ كلّها عن أبي خديجه، بحار الأنوار: ج ٢ ص ١٥٨ ح ٢.

۳ / ۲ ترجیح دادن آخرت

۳ / ۲ ترجیح دادن آخرت ۱.. ماجاء فی تاریخ مدینه دمشق: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دنیا را بر آخرت ترجیح دهد ، از هر دوی آنها محروم می شود و هر کس آخرت را بر دنیا ترجیح دهد ، به هر دوی آنها دست یابد. ۲. وفی الموضوعات لابن الجوزی ، قال: امام علی علیه السلام: اگر دنیایت را تابع دینت قرار دهی ، دین و دنیایت را به دست می آوری و در آخرت از کامیابان خواهی بود. ۱.. ماجاء فی الکافی: امام زین العابدین علیه السلام: مردی به پدرم حسین بن علی علیهما السلام نوشت: «سرورم! مرا از خیر دنیا و آخرت ، خبر ده».

به او نوشت: «به نام خداوند بخشنده مهربان. بدان که هر کس خشنودی خدا را بر ناخشنودی مردم برگزیند ، خدا او را از مردم ، بی نیاز می گرداند و هر که خشنودی مردم را با ناخشنودی خدا بجوید ، خداوند ، او را به مردم وا می گذارد. بدرود!» ۲. وفی بصائر الدرجات قال: امام صادق علیه السلام: هر که حدیث را برای سود دنیا بخواهد [و فرا گیرد] ، در آخرت ، او را بهره ای نیست و هر که با آن خیر آخرت را بخواهد ، خدا ، خیر دنیا و آخرت را به او عطا می کند. ر. ک: ج ۲ ص ۳۱۷ (آثار اهمّیت دادن به آخرت)

و ۳۴۷ (برکات آباد کردن آخرت).

٣ / ٣ الصُّدُق .. ما جاء فى المحاسن :الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام :تروى أَنَّ رَجُلًا أَتَى سَيِّدَنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

فَقَالَ : لَا تَكْذِبُ .

قَالَ الرَّجُلُ : وَكُنْتُ عَلَى حَالِهِ يَكْرَهُهَا اللَّهُ فَتَرَكْتُهَا خَوْفًا مِنْ أَنْ يَسْأَلَنِي سَائِلٌ عَنْهَا عَمِلْتُ كَذَا وَكَذَا ، فَأَفْتَضِحَ أَوْ أَكْذَبَ ، فَأَكُونَ قَدْ خَالَفْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيمَا حَمَلَنِي عَلَيْهِ . (١) ٢. وفى ثواب الأعمال :تحف العقول فى ذِكْرِ حِكْمِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :سَأَلَهُ رَجُلٌ أَنْ يُعَلِّمَهُ مَا يَنَالُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَا يُطَوَّلَ عَلَيْهِ ، فَقَالَ :

لَا تَكْذِبُ . (٢) ٣ / ٤ حَسَنُ الْخُلُقِ .. ما جاء فى الهدايه الكبرى :رسول الله صلى الله عليه وآله :إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ ذَهَبٌ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (٣) .

١- .الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص ٣٥٤ ، معدن الجواهر : ص ٢١ نحوه .

٢- .تحف العقول : ص ٣٥٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢٤١ ح ٢٧ .

٣- .ثواب الأعمال : ص ٢١٥ ح ١ عن موسى بن إبراهيم رفعه ، الأمل للصدوق : ص ٥٨٨ ح ٨١١ عن موسى بن إبراهيم عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عن أمّ سلمه عنه صلى الله عليه وآله ، الخصال : ص ٤٢ ح ٣٤ عن الحسن عن أبيه بإسناده رفعه إليه صلى الله عليه وآله ، مشكاة الأنوار : ص ٣٩٣ ح ١٢٩٦ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٣٨٤ ح ٢٣ ؛ المعجم الكبير : ج ٢٣ ص ٢٢٢ ح ٤١١ ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص ٣٦٥ ح ١٢١٢ كلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٤٨٥ ح ٤٥٥٨١ .

۳ / ۳ راستگویی

۳ / ۴ خوش خویی

۳ / ۳ راستگویی بالفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: روایت می‌کنم که مردی خدمت سرورمان پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! مرا اخلاقی بیاموز که خیر دنیا و آخرت مرا در خود داشته باشد.

فرمود: «دروغ مگو».

آن مرد گفت: من در وضعیتی خداناپسند قرار گرفتم، ولی مرتکب آن نشدم؛ چون ترسیدم که کسی از من پرسد چنین و چنان کردی؟ و من [یا باید راستش را بگویم و] رسوا شوم و یا دروغ بگویم که در این صورت، با توصیه پیامبر خدا به من مخالفت کرده باشم. تحف العقول در بیان حکمت های امام صادق علیه السلام: مردی از امام علیه السلام تقاضا کرد به او چیزی بیاموزد که با آن به خیر دنیا و آخرت، دست یابد، و مختصر هم باشد. امام علیه السلام فرمود: «هیچ گاه دروغ مگو». ۳ / ۴ خوش خویی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوش خویی، خیر دنیا و آخرت را به ارمغان می‌آورد.

٣ / ١٥ الاستغفار الكتاب: «وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ». (١)

«وَيَقُومِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ». (٢)

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ لُكْمًا أَنْهَرًا». (٣)

الحديث: ٢. وفي تفسير القمى: الزهد عن أبي الجلود: إن داود النبي عليه السلام أمر مناديا فنادى الصلاة جامعة، فخرج الناس وهم يرون أنه سيكون منه يومئذ موعظة وتأديب ودعاء، فلما وافى مكانه قال: «اللهم اغفر لنا» وانصرف.

فاستقبل آخر الناس أوائلهم، قالوا: ما لكم؟ قالوا: إن نبي الله عليه السلام إنما دعا بدعوه واحد ثم انصرف، قالوا: سبحان الله، كئنا نرجو أن يكون هذا اليوم يوم عباده ودعاء وموعظة وتأديب، فما دعا إلا بدعوه واحد!

قالوا: فأوحى الله إليه أن أبلغ عني قومك فإنهم قد استفلوا دعاءك، إني من أغفر له أصلح له أمر آخرته ودنياه. (٤) راجع: التنمية الاقتصادية في الكتاب والسنة: القسم الثالث / الفصل الرابع / الاستغفار.

١- هود: ٣.

٢- هود: ٥٢.

٣- نوح: ١٢١٠.

٤- الزهد لابن حنبل: ص ٩٢، حليه الأولياء: ج ٦ ص ٥٧، الدر المنثور: ج ٧ ص ١٧٢.

۳ / ۵ آموزش خواهی

۳ / ۵ آموزش خواهیقرآن» از پروردگارتان آموزش بخواهید و به درگاه او توبه کنید . شما را از بهره ای نیکو، تا سررسیدی معین، برخوردار می کند و فزون هر فرونمندی را به وی می دهد» .

«[هود به قوم خود گفت:] ای قوم من! از پروردگارتان آموزش بخواهید و به درگاه او توبه کنید ، تا باران پیوسته تیزبار بر شما بفرستد و نیرویی بر نیروتان بیفزاید، و چون بزهکاران ، پشت مکنید» .

«[نوح گفت:] پس گفتم: از پروردگارتان آموزش بخواهید که او آموزگار است ، تا باران پیوسته تیزبار بر شما بفرستد و شما را با دارایی ها و فرزندان ، یاری دهد و برای شما باغ ها پدید آورد و رودها برایتان قرار دهد» .

حدیث ۱.. عن علی بن محمّد بن جعفر بن عنبسه ، عنه ، عن الإلهد به نقل از ابو جَلد : داوود پیامبر ، به جارچی فرمود و او فریاد : «جمع شوید» سر داد . مردم ، بیرون آمدند و فکر می کردند که امروز ، داوود علیه السلام به اندرز و موعظت و دعا خواهد پرداخت ؛ اما چون به جایگاهش آمد، گفت: «بار خدایا! ما را بیامرز» و رفت .

افراد آخر جمعیت ، از آنان که جلو بودند [و بر می گشتند] پرسیدند: چه خبر؟

گفتند: پیامبر خدا فقط یک دعا کرد و برگشت!

گفتند: سبحان الله ! ما انتظار داشتیم که امروز ، روز عبادت و دعا و اندرز و موعظت باشد ؛ اما او فقط یک جمله دعا کرد!

گفتند: خداوند به او وحی کرد که : از طرف من به مردم بگو آنان ، دعای تو را اندک شمردند، در صورتی که من ، هرکس را بیامرزم ، کار آخرت و دنیایش را اصلاح می کنم. ر . ک : توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث : بخش سوم / فصل چهارم / آموزش خواستن .

٣ / ٦ القراءه ٢. وفي دلائل الإمامه للطبري: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ، فَلَا يَدْعُ أَنْ يَقْرَأَ فِي دُبْرِ الْفَرِيضَةِ بِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ؛ فَإِنَّهُ مَنْ قَرَأَهَا جُمِعَ لَهُ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَغُفِرَ لَهُ وَلِوَالِدَيْهِ وَمَا وَلَدَا . (١) الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام: مَنْ قَرَأَ سُورَةَ «وَ الطُّورِ» ، جَمَعَ اللَّهُ لَهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (٢) ٣ / ٧ الذُّكْرُ رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَعْطَى لِسَانًا ذَاكِرًا فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (٣) ١. جاء في التوحيد للشيخ الصدوق: عنه صلى الله عليه وآله: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» كُنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ ، مَنْ قَالَهَا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ (٤) ، وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (٥) ٢. وفي المحاسن: عنه صلى الله عليه وآله لِلْحَسَنِ بْنِ أَبِي رَزِينٍ: أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى مَلَائِكَةِ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي تُصِيبُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟ عَلَيْكَ بِمَجَالِسِ أَهْلِ الذُّكْرِ ، وَإِذَا خَلَوْتَ فَحَرِّكْ لِسَانَكَ

مَا اسْتَطَعْتَ بِذِكْرِ اللَّهِ ، وَأَحَبِّ فِي اللَّهِ وَأَبْغَضَ فِي اللَّهِ . (٦) .

- ١- .جامع الأخبار: ص ١٢٣ ح ٢٣٠ ، الكافي: ج ٢ ص ٦٢٢ ح ١١ ، ثواب الأعمال: ص ١٥٦ ح ٤ كلاهما عن أبي بكر الحضرمي عن الإمام الصادق عليه السلام وفيهما زياده «الله» بعد «جمع» ، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٣٤٥ ح ٤ .
- ٢- .ثواب الأعمال: ص ١٤٣ ح ١ عن محمد بن مسلم ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ١٨٥ ح ٢٤٩٢ عن الإمام الصادق عليه السلام ، مجمع البيان: ج ٩ ص ٢٤٥ عن محمد بن هشام عن الإمام الباقر عليه السلام .
- ٣- .الكافي: ج ٢ ص ٤٩٩ ح ١ عن ابن القداح عن الإمام الصادق عليه السلام ، تفسير نور الثقلين: ج ٤ ص ٢٨٥ ح ١٤٧ .
- ٤- .في المصدر: «عليه» بدل «إليه» ، والتصويب من الفردوس .
- ٥- .معجم السفر: ص ١٨٤ ح ٥٨٧ ، الفردوس: ج ٥ ص ١٠ ح ٧٢٨٥ كلاهما عن أبي بكر .
- ٦- .حليه الأولياء: ج ١ ص ٣٦٧ ، تاريخ دمشق: ج ١٣ ص ٣١٧ ح ٣٢٨٥ وفيه «بمجالسه» بدل «بمجالس» ، كنز العمال: ج ٥ ص ٨٣٧ ح ٤٣٣٢٩ .

۳ / ۶ قرائت سوره توحید و طور

۳ / ۷ ذکر گفتن

۳ / ۲۴ قرائت قرآنی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که به خدا و آخرت ایمان دارد ، نباید خواندن «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را در تعقیب نماز واجب ، ترک کند؛ زیرا هر کس آن را بخواند ، به خیر دنیا و آخرت دست می یابد، و خودش و پدر و مادرش و فرزندانش آمرزیده می شوند. ۱. جاء فی الکافی : امام باقر و امام صادق علیهما السلام : هر کس سوره «الطور» را بخواند ، خداوند ، خیر دنیا و آخرت را برایش گرد می آورد. ۳ / ۲۵ ذکر گفتنی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به هر کس زبانی ذاکر داده شود ، خیر دنیا و آخرت بدو داده شده است. ۱. قال ابن عدی الجرجانی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «لا حول ولا قوه إلا بالله » ، گنجی از گنج های بهشت است. هر کس آن را بگوید ، خدا بر او می نگیرد و هر کس که خدا بر او بنگرد ، خیر دنیا و آخرت را به او داده است. ۲. وروی ابن عدی الجرجانی روایه أُخری من موضوعاته ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به حسن بن ابی رزین : آیا تو را بر اساس این امر که با آن به خیر دنیا و آخرت بررسی ، راهنمایی کنم؟ بر تو باد مجلس های اهل ذکر ؛

و هرگاه خلوت کردی ، تا می توانی زبانت را به ذکر خدا حرکت بده و برای خدا دوست بدار و برای خدا دشمنی بورز.

٣ / ٨ الرّفق رسول الله صلى الله عليه وآله: أما إنّه من أعطى حظّه من الرّفق فقد أعطى حظّه من خير الدّنيا والآخِرِه ، ومن حُرِمَ حظّه من الرّفق فقد حُرِمَ حظّه من خير الدّنيا والآخِرِه . (١) . جاء في كامل الزيارات: الإمام الباقر عليه السلام: من أعطى الخلق والرّفق فقد أعطى الخير كلّهُ والرّاحه ، وحسّن حاله في دُنياه وآخِرته ، ومن حُرِمَ الرّفق والخلق كان ذلك له سبيلاً إلى كلّ شرٍّ وبليّه إلاّ- من عصمه الله تعالى . (٢) / ٣ / ٩ الصّلاه على النّبى وآله . وجاء في كتاب من لا يحضره الفقيه للشيخ الصدوق: الإمام على عليه السلام: إذا كانت لك إلى الله سبحانه حاجه فابدأ بمسأله الصّلاه على رسوله صلى الله عليه وآله ، ثمّ سل حاجتك ؛ فإنّ الله أكرم من أن يسأل حاجتين فيقضيه إحداهما ويمنع الأخرى . (٣) .

-
- ١- .مسند أبى يعلى : ج ٤ ص ٣٠٤ ح ٤٥١٣ ، حليه الأولياء : ج ٩ ص ١٥٩ كلاهما عن عائشه وراجع مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٥٠٤ ح ٢٤٣١٤ ، مسند الشهاب : ج ١ ص ٢٧٤ ح ٤٤٥ و شرح نهج البلاغه : ج ٦ ص ٣٣٩ ؛ الجعفریات : ص ١٤٩ نحوه .
 - ٢- .حليه الأولياء : ج ٣ ص ١٨٦ ، البدايه والنهايه : ج ٩ ص ٣١١ ؛ كشف الغمّه : ج ٢ ص ٣٤٥ كلّها عن عبد الله بن المبارك ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٨٦ ح ٢٣ .
 - ٣- .نهج البلاغه : الحكمه ٣٦١ ، نزهه الناظر : ص ٤٨ ح ١٧ ، الدعوات : ص ٢٢ ح ٢٦ ، روضه الواعظين : ص ٣٥٤ وفيهما «على النّبى وآله» بدل «على رسوله» ، بحار الأنوار : ج ٩٣ ص ٣١٣ ح ١٨ .

۳ / ۸ مدارا و ملائمت**۳ / ۹ درود فرستادن بر پیامبر**

۳ / ۲۶ مدارا و ملائمت ۵. وما رواه الكليني: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدانید که به هر کس بهره اش از مدارا داده شود ، بهره اش از خیر دنیا و آخرت ، داده شده است و هر کس از بهره اش از مدارا محروم شود ، از بهره اش از خیر دنیا و آخرت ، محروم شده است. ۱. قال الشيخ الصدوق في الخصال: امام باقر علیه السلام: به هر کس خوش خویی و مدارا داده شود ، تمام خیر و آسایش به او داده شده است و در دنیا و آخرت ، حال و روزش خوش باشد و هر کس از مدارا و خوش خویی محروم گردد ، این برای او راهی به سوی هر بدی و بلایی باشد ، مگر کسی که خدای متعال نگاهش بدارد. ۳ / ۲۷ درود فرستادن بر پیامبر امام علی علیه السلام: هر گاه از خدای سبحان حاجتی داری ، ابتدا درخواست درود فرستادن بر پیامبرش را بکن ، سپس حاجتت را بخواه؛ زیرا خداوند ، کریم تر از آن است که دو حاجت از او خواسته شود و یکی را بر آورد و دیگری را بر نیآورد.

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ: «يَا رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ مِنْهُ مَرَّةً، قُضِيَ لِي مِنْهُ حَاجَةٌ؛ ثَلَاثُونَ لِلدُّنْيَا وَالبَاقِي لِآخِرِهِ» (١). من رواياته: الكافي عن مُرَازِمٍ عَنِ الإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ رَجُلًا أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي جَعَلْتُ ثَلَاثَ صَلَوَاتِي لَكَ! فَقَالَ لَهُ خَيْرًا، فَقَالَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي جَعَلْتُ نِصْفَ صَلَوَاتِي لَكَ! فَقَالَ لَهُ: ذَاكَ أَفْضَلُ، فَقَالَ: إِنِّي جَعَلْتُ كُلَّ صَلَوَاتِي لَكَ! فَقَالَ: إِذَا يَكْفِيكَ اللَّهُ مَا أَهَمَّكَ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكَ وَآخِرَتِكَ.

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: أَصَلَحَكَ اللَّهُ، كَيْفَ يَجْعَلُ صَلَاتَهُ لَهُ؟

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَسْأَلُ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا بَدَأَ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِهِ (٢) / ١٠ / أَخَصَّلْتَانِ ٢. وَفِي بَصَائِرِ الدَّرَجَاتِ قَالَ الصَّفَّارُ: رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَخَصَّلْتَانِ مَنْ رُزِقَهُمَا قَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: مَنْ إِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ، وَإِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ. (٣) وَفِي الكَافِي: الإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أُعْطِيَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْعَبْدَ شَيْئًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ خُلُقِهِ وَحُسْنِ نِيَّتِهِ. (٤) وَفِيهِ أَيْضًا: عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُمِعَ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي كِتْمَانِ السِّرِّ وَمُصَادَقَةِ الْأَخْيَارِ، وَجُمِعَ الشَّرُّ فِي الإِذَاعَةِ وَمُؤَاخَاةِ الْأَشْرَارِ (٥).

-
- ١- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٣ ح ٩، ثواب الأعمال: ص ١٩٠ كلاهما عن معاوية بن عمّار.
 - ٢- الكافي: ج ٢ ص ٤٩٣ ح ١٢، ثواب الأعمال: ص ١٨٨ ح ١ نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٦٠ ح ٤٢ وراجع الكافي: ج ٢ ص ٤٩١ ح ٣ و ٤.
 - ٣- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٤٧.
 - ٤- غرر الحكم: ح ٩٦٧٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٣ ح ٨٩١٥.
 - ٥- الاختصاص: ص ٢١٨، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ١٧٨ ح ١٧.

۳ / ۱۰ دو خصلت

۵. وفي الخصال قال الصدوق: امام صادق عليه السلام: هر کس صد مرتبه بگوید: «پروردگارا! بر محمد و آل محمد، درود فرست»، صد حاجت او برآورده شود، سی تا برای دنیا و بقیه برای آخرت. ۶. وقال في علل الشرائع: الكافي به نقل از مُرازم: امام صادق عليه السلام فرمود: مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من، یک سوم دعاها را خود را برای تو قرار دادم.

حضرت فرمود: «خوب است».

دوباره گفت: ای پیامبر خدا! من، نیمی از دعاها را برای تو قرار دادم.

فرمود: «این بهتر است».

باز گفت: من، همه دعاها را به تو اختصاص دادم.

پیامبر فرمود صلی الله علیه و آله: «در این صورت، خداوند خواسته های دنیا و آخرت را برآورده می سازد».

مردی به امام صادق علیه السلام گفت: خداوند، کارهایت را به سامان کند! چگونه می شود کسی دعایش را برای پیامبر خدا قرار دهد؟

امام صادق علیه السلام فرمود: «چیزی از خداوند درخواست نکنند، مگر این که با درود فرستادن بر محمد و خاندان او آغاز کند». ۳ / ۲۸ دو خصلت ۱. جاء في الكافي: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو خصلت اند که روزی هر کس شوند، خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است: کسی که هرگاه گرفتار شود، شکیبایی ورزد و هرگاه برخوردار شود، سپاس گذاری کند. ۲. وفيه أيضاً: امام علی علیه السلام: خداوند سبحان، چیزی از خیر دنیا و آخرت به بنده نداد، مگر به سبب حُسن خُلق او و حُسن نیتش. ۱. جاء في الكافي: امام علی علیه السلام: خیر دنیا و آخرت، در رازداری و دوستی با خوبان گرد آمده است، و بدی در افشای راز و دوستی با بدان، جمع شده است.

٢. وفي تهذيب الأحكام: عنه عليه السلام: الخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَّ فِيهِ: الشُّكْرُ مَعَ النَّعْمَةِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ (١). (٢)١. في البصائر: عنه عليه السلام في الحِكْمِ الْمُنْسُوبَةِ إِلَيْهِ: خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي حَاصِلَتَيْنِ: الْغِنَى، وَالتُّقَى. (٣)٣ / ١١ ثَلَاثُ حِصَالٍ ٢. في الكافي: رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلَاثُ حِصَالٍ يُدْرِكُ بِهَا خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: الشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمَةِ، وَالصَّبْرُ عِنْدَ الضَّرِّاءِ، وَالِدُّعَاءُ عِنْدَ الْبَلَاءِ. (٤)٣. وفي البصائر للصفار قال: عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثُ يُدْرِكُ بِهِنَّ الْعَبْدُ رَغَائِبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَايَا، وَالرِّضَا بِالْقَضَاءِ، وَالِدُّعَاءُ فِي الرَّخَاءِ. (٥)٤. وفي الكافي للكليني: عنه صلى الله عليه وآله في وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، ثَلَاثُ ثَوَابُهُنَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: الْحِجُّ يَنْفِي الْفَقْرَ، وَالصَّدَقَةُ تَدْفَعُ الْبُيُوتَةَ، وَصَلَمَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ. (٦)١. جاء في الكافي: الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ مَنْ تَمَسَّكَ بِهِنَّ نَالَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بُعَيْتَهُ: مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَرَضِيَ بِقَضَاءِ اللَّهِ، وَأَحْسَنَ الظَّنَّ بِاللَّهِ. (٧).

١- النازلة: المصيبة الشديده (المصباح المنير: ص ٦٠١ «نزل»).

٢- تحف العقول: ص ٢٣٤، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٠٦ ح ٧؛ دستور معالم الحكم: ص ٢٦.

٣- شرح نهج البلاغه: ج ٢٠ ص ٣٠١ ح ٤٤٦.

٤- إرشاد القلوب: ص ١٤٩.

٥- كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٠٨ ح ٤٣٢١١ نقلاً عن أبي الشيخ عن عمران بن حصين، الجامع الصغير: ج ١ ص ٥٣٨ ح ٣٤٨٩.

٦- تحف العقول: ص ٧، الدعوات: ص ١٢٧ ح ٣١٤ عن الإمام الباقر عليه السلام وليس فيه «الدنيا» وفيه «البر» بدل «صله الرحم»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٦٢ ح ٤.

٧- تحف العقول: ص ٣١٦، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٢٩ ح ١٠٧.

۲. وفی کامل الزیارات: امام علی علیه السلام: خیری که شری در آن نیست: سپاس گزاری بر نعمت است، و شکیبایی در گرفتاری و مصیبت. ۳. وفی المحاسن فی فضل أکل الرمان: امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: خیر دنیا و آخرت، در دو چیز است: توانگری و پرهیزگاری. ۳ / ۲۹ سه خصلت ۱. جاء فی کتاب البصائر قال الصّفار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه خصلت است که با آنها خیر دنیا و آخرت به دست می آید: سپاس گزاری در هنگام نعمت و برخورداری، شکیبایی در هنگام سختی، و دعا در هنگام بلا و گرفتاری. ۱. جاء فی الموضوعات لابن الجوزی قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز است که بنده به واسطه آنها به خواسته های دنیا و آخرت می رسد: صبر بر بلا، راضی بودن به قضا [ای الهی]، و دعا در هنگام آسایش و رفاه. ۲. وفی تذکره الموضوعات للفتنی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام: ای علی! سه چیز است که پاداش آنها در دنیا و آخرت است: حج، فقر را می زداید؛ صدقه، بلا را دور می کند؛ و صله رحم، عمر را می افزاید. ۳. وفی موضع آخر منه: امام صادق علیه السلام: سه چیز است که هر کس به آنها چنگ زند، در دنیا و آخرت به آرزوی خود برسد: آن که به خدا متمسک شود؛ و به قضای خدا رضایت دهد؛ و به خدا حسن ظن داشته باشد.

٤. وفي المحاسن: مصباح الشريعة فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام: ثلاثه أشياء في كل زمان عزيزه، وهي: الإخاء في الله، والزوجه الصالحه الأليفه في دين الله، والولعد الرشيدي. ومن أصاب إحدى الثلاثه، فقد أصاب خير الدارين والخط الأوفر من الدنيا. (١) ٣ / ١٢ أربع خصال ١. جاء في تفسير القمي: رسول الله صلى الله عليه وآله: أربع من أعطيهن أعطى خير الدنيا والآخره: قلبا شاكرا، ولسانا ذاكرا، ويدينا على البلاء صابرا، وزوجه لا تبغيه حونا في نفسها ولا ماله. (٢) ٢. وفي عيون الأخبار والخصال قال الصدوق: عنه صلى الله عليه وآله: قال الله: إذا أردت أن أجمع للمسلم خير الدنيا والآخره جعلت له قلبا خاشعا، ولسانا ذاكرا، وجسدا على البلاء صابرا، وزوجه مؤمنه تسيره إذا نظر إليها وتحفظه إذا غاب عنها في نفسها وماله. (٣) الإمام علي عليه السلام: أربع من أعطيهن فقد أعطى خير الدنيا والآخره: صدق حديث، وأداء أمانه، وعفه بطن، وحسن خلق. (٤).

١- مصباح الشريعة: ص ٣٠٧، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٢٨٢ ح ٣.

٢- المعجم الكبير: ج ١١ ص ١٠٩ ح ١١٢٧٥، شعب الإيمان: ج ٤ ص ١٠٤ ح ٤٤٢٩، حليه الأولياء: ج ٣ ص ٦٥ وفيه «لا تتبعه» بدل «لا تبغيه»، الشكر لابن أبي الدنيا: ص ٢٨ ح ٣٤ كلها عن ابن عتياس، كنز العمال: ج ١٥ ص ٨٥٨ ح ٤٣٤١٦؛ الجعفریات: ص ٢٣٠ عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «صالحه» بدل «لا تبغيه...»، تاريخ يعقوبی: ج ٢ ص ٩٠، مشكاة الأنوار: ص ٤٨١ ح ١٦٠٠ عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ١٤٥ ح ٣٠.

٣- الكافي: ج ٥ ص ٣٢٧ ح ٢ عن بريد بن معاوية العجلي عن الإمام الباقر عليه السلام، دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٩٤ ح ٧٠٥ عن الإمام الباقر عليه السلام.

٤- غرر الحكم: ح ٢١٤٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٧٤ ح ١٨٠٧.

۳ / ۱۲ چهار خصلت

مصباح الشریعه در سخنی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است: سه چیز است که در هر زمانی کمیاب است: برادری برای خدا؛ زن شایسته و یار و همراه در دینداری؛ و فرزند سر به راه. هر کس به یکی از این سه چیز برسد، به خیر هر دو سرا و به بیشترین سهم از دنیا رسیده است. ۳ / ۳۰ چهار خصلت ۲. وفی علل الشرائع قال الصدوق: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چهار چیز است که به هر کس داده شود، خیر دنیا و آخرت به او داده شده است: دلی شاکر؛ زبانی ذاکر؛ بدنی بر رنج و بلا، صابر؛ و همسری که به شوهرش و اموال او خیانت نکند. ۳. وفی البصائر قال الصفار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خداوند فرمود: «هرگاه بخواهم خیر دنیا و آخرت را برای مسلمانی گرد آورم، دلی خاشع، زبانی ذاکر، بدنی بر رنج و بلا صابر، و همسر باایمانی که هرگاه به او نگاه کند، شاد شود و در غیاب شوهر، خود و مال شوهر را حفظ کند، به او می‌دهم.» امام علی علیه السلام: چهار چیز است که به هر کس داده شود خیر دنیا و آخرت به او داده شده است: راستگویی، امانتداری، حلال خواری، و خوش خویی.

عنه عليه السلام: مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعَ خِصَالٍ فِي الدُّنْيَا فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفَازَ بِحَظِّهِ مِنْهُمَا: وَرَعَّ يَعِصَهُ مُهُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ ، وَحُسْنُ خُلُقٍ يَعِيشُ بِهِ فِي النَّاسِ ، وَحِلْمٌ يَدْفَعُ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ ، وَزَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (١) . جاء في الكافي :الإمام الباقر عليه السلام :وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ وَهُوَ عَلَى مِثْرِهِ :

وَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ، مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ ، وَرَجَائِهِ لَهُ ، وَحُسْنِ خُلُقِهِ ، وَالْكَفِّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ . (٢) . وفي التوحيد قال الصدوق :عَدَّةُ الدَّاعِي :رُؤْيَى عَنِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ : وَاللَّهِ مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ ، وَرَجَائِهِ لَهُ ، وَحُسْنِ خُلُقِهِ ، وَالْكَفِّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَاللَّهِ تَعَالَى لَا يُعَذِّبُ عَبْدًا بَعْدَ التَّوْبَةِ وَالِاسْتِغْفَارِ إِلَّا بِسُوءِ ظَنِّهِ وَتَقْصِيرِهِ فِي رَجَائِهِ لِلَّهِ وَسُوءِ خُلُقِهِ وَاغْتِيَابِهِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَلَيْسَ يَحْسُنُ ظَنُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ بِاللَّهِ إِلَّا كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّهِ ، لِإِنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي أَنْ يُخْلِفَ ظَنَّ عَبْدِهِ وَرَجَاءَهُ ، فَأَحْسِنُوا الظَّنَّ بِاللَّهِ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ : «الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» (٣) . (٤) .

-
- ١- الأُمَالِي لِلطُّوسِي : ص ٥٧٧ ح ١١٩٠ عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها عن الإمام عليّ عليهما السلام ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٧١ عن نوف بن عبد الله البكالي وليس فيه «في الدنيا» ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٤٠٤ ح ١٠٦ .
 - ٢- الكافي : ج ٢ ص ٧١ ح ٢ عن بريد بن معاوية ، الاختصاص : ص ٢٢٧ وليس فيه «ورجائه له وحسن خلقه» ، عدّة الداعي : ص ١٣٥ عن الإمام الكاظم عليه السلام وليس فيه صدره ، مشكاة الأنوار : ص ٧٧ ح ١٤٧ ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٢٨ ح ٢٩ .
 - ٣- الفتح : ٦ .
 - ٤- عدّة الداعي : ص ١٣٥ ، إرشاد القلوب : ص ١٠٩ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٢٨ ح ٢٩ .

۱. جاء فی علل الشرائع: امام علی علیه السلام: به هر کس در دنیا چهار خصلت داده شود، خیر دنیا و آخرت به او داده شده و به بهره خود از هر دو رسیده است: پارسایی ای که او را از حرام های خدا نگه دارد؛ خوش خویی ای که با آن در میان مردم زندگی کند؛ بردباری ای که با آن، نادانی و جسارت نادان را دفع کند؛ و همسر شایسته ای که او را در کار دنیا و آخرت، کمک کند. ۲. و فی الاستبصار: امام باقر علیه السلام: در کتاب علی علیه السلام دیدیم که پیامبر صلی الله علیه و آله روی منبر فرمود: «سوگند به آن که معبودی جز او نیست، هرگز به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشد، مگر به سبب خوش گمانی اش به خدا و امیدش به او، و خوش خویی اش، و خودداری از غیبت کردن از مؤمنان. ۳. و فیهِ أيضاً: عُدَّه الداعی: از عالم (امام کاظم) علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به خدا سوگند، هرگز به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشد، مگر به واسطه خوش گمانی اش به خداوند و امیدواری اش به او، و خوش خویی اش، و خودداری از غیبت کردن از مؤمنان. خدای متعال، هیچ بنده ای را پس از توبه و استغفار، عذاب نمی کند، مگر به سبب بدگمانی اش به خدا، کوتاهی اش در امید داشتن به خدا، بد اخلاقی اش، و غیبت کردنش از مؤمنان. هیچ بنده مؤمنی نیست که به خداوند گمان نیک برد، مگر آن که خدا با او مطابق گمانش رفتار کند؛ زیرا خداوند، بزرگوار است و شرم می کند از این که خلاف گمان و امید بنده اش عمل کند. پس، به خدا گمان نیک ببرید و به درگاهش دعا و تضرع کنید؛ چه، خداوند متعال می فرماید: «آنان که به خدا گمان بد ببرند، بر گردشان بدی حلقه زند، و خدا بر آنان خشم گرفته است».

٣ / ١٣ سِتُّ خِصَالٍ ١. فى البصائر قال الصَّفَّار: الإمام على عليه السلام: جاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: عَلَّمَنِي عَمَلًا يُحِبُّنِي اللهُ عَلَيْهِ، وَيُحِبُّنِي المَخْلُوقُونَ، وَيُثْرِي اللهُ مَالِي، وَيُصِحُّ بَدَنِي، وَيُطِيلُ عُمُرِي، وَيَحْشُرُنِي مَعَكَ.

فَقَالَ: هَذِهِ سِتُّ خِصَالٍ، تَحْتَاجُ إِلَى سِتِّ خِصَالٍ؛ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللهُ فَخَفِّهِ وَاتَّقِهِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ المَخْلُوقُونَ فَأَحْسِنَ إِلَيْهِمْ وَارْفُضْ مَا فِي أَيْدِيهِمْ (١)، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُثْرِيَ اللهُ مَالَكَ فَزَكِّهِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُصِحَّ بَدَنَكَ فَأَكْثِرْ مِنَ الصَّدَقَةِ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُطِيلَ اللهُ عُمُرَكَ فَصَلِّ ذَوَى أَرْحَامِكَ، وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحْشِرَكَ اللهُ مَعَى فَأَطِلِ السُّجُودَ بَيْنَ يَدَيِ اللهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (٢) ٣ / ١٤ ثَمَانُ خِصَالٍ لِلْإِمَامِ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: طَلَبْتُ الْقَدْرَ وَالْمَنْزِلَةَ فَمَا وَجِدْتُ إِلَّا بِالْعِلْمِ؛ تَعَلَّمُوا يَعْظُمَ قَدْرُكُمْ فِي الدَّارَيْنِ.

وطلبت الكرامة فما وجدتُ إلا بالتقوى؛ اتقوا لتكرموا.

وطلبت الغنى فما وجدتُ إلا بالقناعة؛ عليكم بالقناعة تستغنوا.

وطلبت الراحة فما وجدتُ إلا بترك مخالطة الناس إلا لِقَواِمِ عَيْشِ الدُّنْيَا؛ اتركوا الدنيا ومخالطة الناس تستريحوا فى الدارين وتأمنا من العذاب.

وطلبت السلامة فما وجدتُ إلا بطاعه الله؛ أطيعوا الله تسلموا.

وطلبت الخضوع فما وجدتُ إلا بقبول الحق؛ اقبلوا الحق فإن قبول الحق يبعد من الكبر.

وطلبت العيش فما وجدتُ إلا بترك الهوى؛ فاتركوا الهوى ليطيب عيشكم.

وطلبت المدح فما وجدتُ إلا بالسخاوه؛ كونوا أسخياء تمدحوا.

وطلبت نعيم الدنيا والآخرة فما وجدتُ إلا بهذه الخصال التى ذكرتها (٣).

١- فى المصدر «يديهم» والصحيح ما أثبتناه كما فى بحار الأنوار.

٢- أعلام الدين: ص ٢٦٨، بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ١٦٤ ح ١٢.

٣- جامع الأخبار: ص ٣٤١ ح ٩٥٠، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٩٩ ح ٩١.

۳ / ۱۳ شش خصلت

۳ / ۱۴ هشت خصلت

۳ / ۳۱ شش خصلت ۳. وفی التوحید: امام علی علیه السلام: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: به من کاری بیاموز که خداوند، به سبب آن، مرا دوست بدارد و آفریدگان نیز دوستم بدارند، و خدا دارایی ام را فزون گرداند و تن درستم بدارد و عمرم را طولانی گرداند و مرا با تو محشور کند.

فرمود: «اینها [یی که گفتی] شش چیز است که به شش چیز، نیاز دارد: اگر می خواهی خدا تو را دوست بدارد، از او بترس و تقوا داشته باش. اگر می خواهی آفریدگان دوستت بدارند، به آنان نیکی کن و به آنچه دارند، چشم مدوز. اگر می خواهی خدا دارایی ات را فزونی بخشد، زکات آن را پرداز. اگر می خواهی خدا بدنت را سالم بدارد، صدقه بسیار بده. اگر می خواهی خداوند عمرت را طولانی گرداند، به خویشاوندانت رسیدگی کن؛ و اگر می خواهی خداوند تو را با من محشور کند، در پیشگاه خدای یگانه قهار، سجده طولانی کن. ۳ / ۳۲ هشت خصلت ۲. وفی ثواب الأعمال قال: امام علی علیه السلام: قدر و منزلت را جُستم و آن را جز به دانش نیافتم. [پس] دانش بیاموزید، تا قدر و منزلت شما در هر دو سرا بالا- برود. ارجمندی را جُستم و آن را جز به تقوا نیافتم. [پس] تقوا پیشه کنید تا ارجمند شوید. توانگری را جُستم و آن را جز به قناعت نیافتم پس قانع باشید تا بی نیاز و توانگر شوید. آسایش را جُستم و آن را جز در ترک آمیزش با مردم، مگر در حد گذران

زندگی دنیا نیافتم. پس دنیا و آمیزش با مردم را ترک گوئید تا در دو جهان، آسوده شوید و از عذاب [و رنج] در امان باشید. سلامت را جُستم و آن را جز در اطاعت از خدا نیافتم. پس از خدا اطاعت کنید تا به سلامت مانید. فروتنی را جُستم و آن را جز در پذیرش حق نیافتم. پس حق را بپذیرید؛ زیرا که پذیرش حق [آدمی را] از تکبر دور می سازد. [لذت] زندگی را جُستم و آن را جز در ترک هوس نیافتم. پس هوس را رها کنید تا زندگی شما خوش و گوارا شود. ستایش را جُستم و آن را جز در سخاوت نیافتم. پس سخاوت مند باشید تا ستوده شوید. آسایش و سعادت دنیا و آخرت را جُستم و آن را جز با [تحقق] این اموری که نام بردم، نیافتم.

راجع : ص ١٨٤ (الفصل الثالث : ما ينال به خير الدنيا والآخرة) ،

التميمه الاقتصاديه في الكتاب والسنة : القسم الثالث : مبادئ التميمه .

ر . ک : ص ۱۸۵ (فصل سوم : عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت) ،

توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث : بخش سوم : مبانی و اصول توسعه .

الفصل الرابع : أصناف الناس فى نيل الدنيا والآخرة ٤.و فى كامل الزيارات قال ابن قولويه :رسول الله صلى الله عليه وآله :الناس أربعة ... فموسع عليه فى الدنيا مقتور عليه فى الآخرة ، ومقتور عليه فى الدنيا موسع عليه فى الآخرة ، ومقتور عليه فى الدنيا والآخرة ، وموسع عليه فى الدنيا والآخرة . (١) ١. ما جاء فى دلائل الإمامة :الإمام على عليه السلام :الحرث (٢) حرثان : فحرث الدنيا المال والبنون ، وحرث الآخرة الباقيات الصالحات ، وقد يجمعهم الله لآءقوام . (٣) ٢. وفى دلائل الإمامة أيضاً :عنه عليه السلام :إن المال والبنين حرث الدنيا ، والعمل الصالح حرث الآخرة ، وقد يجمعهما الله لآءقوام . (٤) .

١- .مسند ابن حنبل : ج ٦ ص ٤٨٤ ح ١٨٩٢٢ ، صحيح ابن حبان : ج ١٤ ص ٤٥ ح ٦١٧١ وزاد فيه «وشقى فى الدنيا وشقى فى الآخرة» ، المستدرک على الصحيحين : ج ٢ ص ٩٧ ح ٢٤٤٢ ، شعب الإيمان : ج ٤ ص ٣٢ ح ٤٢٦٩ وفيهما «شقى فى الدنيا والآخرة» بدل «مقتور عليه فى الدنيا والآخرة» ، المعجم الكبير : ج ٤ ص ٢٠٧ ح ٤١٥٥ كلها عن خريم بن فاتك ، كنز العمال : ج ٦ ص ٣٧٩ ح ١٦١٤٢ .

٢- .الحرث : الكسب ؛ يقال : فلان يحرث لعياله ويحترث ؛ أى يكتسب (مجمع البحرين : ج ١ ص ٣٨١ «حرث»).

٣- .تاريخ دمشق : ج ٤٢ ص ٥٠٣ عن يحيى بن يعمر ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٢٠٧ ح ٤٤٢٣١ .

٤- .الكافى : ج ٥ ص ٥٧ ح ٦ عن حسن ، نهج البلاغه : الخطبه ٢٣ ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص ١٠٢ ، تحف العقول : ص ٢١٧ ، تفسير القمى : ج ٢ ص ٢٧٤ ، قرب الإسناد : ص ٣٩ ح ١٢٣ كلاهما عن بكر بن محمّد الأزدي عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ٦٣ ح ٨ ؛ تاريخ دمشق : ج ٤٢ ص ٥٠٢ عن يحيى بن يعمر ، كنز العمال : ج ١٦ ص ١٩٢ ح ٤٤٢١٦ نقلاً عن وكيع نحوه .

فصل چهارم: گروه های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت

فصل چهارم: گروه های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت ۱. ما جاء فی المحاسن: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردم، چهار دسته اند: ... آن که در دنیا در گشایش است و در آخرت در مضیقه؛ آن که در دنیا در مضیقه است و در آخرت در گشایش؛ آن که در دنیا و آخرت در گشایش است. ۲. وفی حدیث آخر قال: امام علی علیه السلام: کشت، دو گونه است: کشت دنیا، مال و فرزند است، و کشت آخرت، باقیات صالحات (اعمال صالح). گاه خداوند، همه اینها را به عده ای می دهد. امام علی علیه السلام: مال و فرزند، کشت دنیا است و کار نیک، کشت آخرت. گاهی اوقات خداوند، هر دو اینها را به عده ای می دهد.

عنه عليه السلام: النَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَامِلَانِ : عَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا ، قَدْ شَغَلَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ ، يَخْشَى عَلَى مَنْ يَخْلُقُهُ الْفَقْرَ ، وَيَأْمُنُهُ عَلَى نَفْسِهِ ، فَيَفْنِي عُمُرَهُ فِي مَنْفَعَةٍ غَيْرِهِ . وَعَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا ، فَجَاءَهُ الَّذِي لَهُ مِنَ الدُّنْيَا بِغَيْرِ عَمَلٍ ، فَأَحْرَزَ الْحَظَّيْنِ مَعًا وَمَلَكَ الدَّارَيْنِ جَمِيعًا ، فَأَصْبَحَ وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ لَا يَسْأَلُ اللَّهُ حَاجَةً فَيَمْنَعُهُ . (١) الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ سَيَجْمَعُ لَنَا وَلِشِيعَتِنَا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ . (٢) ١. جاء في الغيبة للنعماني والمقتضب قال: تهذيب الأحكام عن إبراهيم بن محمد عن الإمام الصادق عليه السلام: ما أعطى الله عبدا ثلاثين ألفا وهو يريد به خيرا .

وقال: ما جمَعَ رَجُلٌ قَطُّ عَشْرَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ مِنْ حِلٍّ ، وَقَدْ يَجْمَعُهَا لِإِقْوَامٍ ؛ إِذَا أُعْطِيَ الْقُوَّةَ وَرُزِقَ الْعَمَلَ فَقَدْ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ . (٣) ٢. وفي دلائل الإمامة: الإمام علي عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: ما أحسن الدين والدنيا إذا اجتمعا لا بارك الله في الدنيا بلا دين (٤) .

- ١- نهج البلاغه: الحكمه ٢٦٩ ، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ٩٨ ، أعلام الدين: ص ٢٩٦ وليس فيهما من «أحرز» إلى «جميعا» وفيهما «ملكا» بدل «وجيها» ، غرر الحكم: ح ٢١٣٩ وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣١ ح ١٣٥ .
- ٢- الكافي: ج ١ ص ٤٧٤ ح ٤ ، الاختصاص: ص ٢٦٩ ، دلائل الإمامة: ص ٢٨٩ ح ٢٣٨ ، بصائر الدرجات: ص ٣٧٤ ح ١ ، الخرائج والجرائح: ج ٢ ص ٧٣٧ ح ٥٢ كلها عن يونس بن زبيان والمفضل بن عمر وأبي سلمه السراج والحسين بن ثوير بن أبي فاخته ، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٨٧ ح ٨٨ .
- ٣- تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٣٢٨ ح ٩٠٧ ، التمهيص: ص ٥٠ ح ٨٧ عن إبراهيم بن عمر وفيه «لقوم» بدل «له» ، مشكاة الأنوار: ص ٤٧٤ ح ١٥٨٤ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٦٦ ح ٢٣ .
- ٤- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ٥٩٢ الرقم ٤٤٩ .

امام علی علیه السلام: مردم در دنیا دو گونه عمل می کنند: یکی در دنیا برای دنیا کار می کند، به طوری که دنیایش او را از آخرتش باز داشته است، برای بازماندگانش از فقر می ترسد، اما به فقر خودش [در آخرت] نیست. از این رو، عمر خود را در راه منفعت دیگران صرف می کند و دیگری در دنیا برای بعد از دنیا کار می کند و از دنیا آنچه برای او مقدر است، بدون زحمت و تلاش به او می رسد. چنین کسی هر دو بهره را جمع کرده و هر دو سرا را به دست آورده است و نزد خداوند با آبرو شده، به طوری که هر حاجتی از خدا بخواهد، به او بدهد. امام صادق علیه السلام: به زودی خداوند، دنیا و آخرت را به ما و شیعیان ما خواهد داد. ۱. جاء فی کتاب الغیبه للنعمانی: تهذیب الاحکام به نقل از ابراهیم بن محمد امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند، به هیچ بنده ای سی هزار نداده است که با این کار، خیر او را خواسته باشد».

و فرمود: «هیچ مردی هرگز از راه حلال، ده هزار درهم جمع نکرده است. البته گاه خداوند، آن را به عده ای می دهد: هرگاه خوراکش داده و عمل روزی اش شود، در این صورت، خداوند، دنیا و آخرت را برایش جمع کرده است». ۲. وقال النعمانی: امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان: چه نیکوست دین و دنیا، هرگاه با هم جمع شوند/ خداوند به دنیای بدون دین برکت نمی دهد.

٣. وقال: عنه عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: رَبُّ فَتَى دُنْيَاهُ مَوْفُورَةٌ لَيْسَ لَهُ مِنْ بَعْدِهَا آخِرَةٌ وَآخِرُ دُنْيَاهُ مَيِّدُومَةٌ تَتَّبِعُهَا آخِرَةٌ فَآخِرَةٌ وَآخِرُ فَازَ بِكِلْتَيْهِمَا قَدْ جَمَعَ الدُّنْيَا مَعَ الْآخِرَةِ وَآخِرُ يُحَرِّمُ كِلَيْتَيْهِمَا لَيْسَ لَهُ الدُّنْيَا وَلَا الْآخِرَةُ (١) عنه عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: أَرْبَعَةٌ فِي النَّاسِ مَيِّزَتُهُمْ أَحْوَالُهُمْ مَكْشُوفَةٌ ظَاهِرَةٌ فَوَاحِدٌ دُنْيَاهُ مَقْبُوضَةٌ تَتَّبِعُهَا آخِرَةٌ فَآخِرَةٌ وَوَاحِدٌ دُنْيَاهُ مَحْمُودَةٌ لَيْسَ لَهُ مِنْ بَعْدِهَا آخِرَةٌ وَوَاحِدٌ فَازَ بِكِلْتَيْهِمَا قَدْ جَمَعَ الدُّنْيَا مَعَ الْآخِرَةِ وَوَاحِدٌ مِنْ بَيْنِهِمْ ضَائِعٌ لَيْسَ لَهُ دُنْيَا وَلَا آخِرَةُ (٢)

-
- ١- الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام: ص ٢٧٢ الرقم ١٩٤.
 - ٢- الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام: ص ٢٧٢ الرقم ١٩٥.

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : بسا جوانی که برخوردار از دنیا/ اَمّا بی بهره از آخرت است! و دیگری که دنیاش نکوهیده/ اَمّا آخرتش افتخار آفرین است! و دیگری که برخوردار از هر دو/ و گردآورنده دنیا و آخرت با هم است! و دیگری که محروم است از هر دو/ نه دنیایی دارد و نه آخرتی! ۱. من روایاته ما جاء فی علل الشرائع قال الصدوق : امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : مردم را به چهار دسته متمایز می کنم/ که دارای چهار حالت آشکار و نمایان اند : یکی دستش از دنیا تهی/ اَمّا دارای آخرتی افتخار آمیز است . یکی دنیایش پسندیده/ اَمّا از آخرت ، محروم است . یکی به هر دو رسیده/ و دنیا را با آخرت ، گرد آورده است . و یکی هر دو را از دست داده/ و نه دنیا دارد ، نه آخرت ..

الفصل الخامس : الوعى فى طلب الدنيار رسول الله صلى الله عليه وآله :الدنيا دُولٌ ، فَمَا كَانَ لَكَ مِنْهَا أَتَاكَ عَلَى ضَعْفِكَ ، وَمَا كَانَ عَلَيْكَ لَمْ تَدْفَعُهُ بِقُوَّتِكَ ، وَمَنْ انْقَطَعَ رَجَاؤُهُ مِمَّا فَاتَ اسْتِرَاحَ بَدَنُهُ ، وَمَنْ رَضِيَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ قَرَّتْ عَيْنُهُ . (١) . جاء فى علل الشرائع :عنه صلى الله عليه وآله :أَجْمَلُوا (٢) فى طَلَبِ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّ كَلًّا مُيسَّرًا لِمَا خُلِقَ لَهُ . (٣) . وفى دلائل الإمامة :الإمام على عليه السلام :تُحَذِرُ مِنَ الدُّنْيَا مَا أَتَاكَ وَتَوَلَّى عَمَّا تَوَلَّى عَنكَ ، فَإِنَّ أَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ فَأَجْمَلِ فِي الطَّلَبِ . (٤) . جاء فى الكافى :عنه عليه السلام :الدُّنْيَا دُولٌ ، فَاطْلُبْ حَظَّكَ مِنْهَا بِأَجْمَلِ الطَّلَبِ حَتَّى تَأْتِيكَ دَوْلَتُكَ . (٥) .

١- .الأمالى للطوسى : ص ٢٢٥ ح ٣٩٣ عن الحسن بن موسى عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، التمحيص : ص ٥٤ ح ١٠٦ عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، نهج البلاغه :الكتاب ٧٢ عن الإمام على عليه السلام وفيه «الدنيا دار دول» وفيه صدره إلى «بقوتك»، الخصال : ص ٢٥٨ ح ١٣٣ عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «ولم تمتنع منه» بدل «لم تدفعه»، تحف العقول : ص ٤٠ ، مشكاة الأنوار : ص ٢٣٣ ح ٦٥٩ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٩٤ ح ٧٢ .

٢- .أجمَل فى طلب الشىء : إِتَادَ واعتدل ولم يفرط (لسان العرب : ج ١١ ص ١٢٧ «جمل»).

٣- .سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ٧٢٥ ح ٢١٤٢ ، حليه الأولياء : ج ٣ ص ٢٦٥ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٢ ص ٤ ح ٢١٣٣ ، السنن الكبرى : ج ٥ ص ٤٣٤ ح ١٠٤٠٣ وفيهما «كتب له منها» بدل «خُلِقَ له» وكلها عن أبى حميد الساعدى ، كنز العمال : ج ٤ ص ٢٠ ح ٩٢٩١ .

٤- .نهج البلاغه : الحكمه ٣٩٣ ، تحف العقول : ص ٧٨ ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ٣٨ ح ٨٣ .

٥- .الخصال : ص ٦٣٣ ح ١٠ عن أبى بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، كنز الفوائد : ج ١ ص ٦١ ، أعلام الدين : ص ١٧٣ وليس فيهما «حتى تأتيك دولتك»، غرر الحكم : ح ١٩١٣ وفيه «أجمَل فى طلبها واصطبر» بدل «فاطلب حظك منها بأجمَل الطلب» ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٣ .

فصل پنجم : هشیاری در طلب دنیا

اشاره

فصل پنجم: هشیاری در طلب دنیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا، نوبتی است . آن گاه که نوبتش به تو برسد ، به سراغ تو می آید ، هر چند ناتوان باشی و آن گاه که به زیان تو شود ، همه قدرتت هم نمی توانی آن را دفع کنی. هر که از آنچه از کف رفته ، امید برکند ، تنش آسوده گشت و هر کس به آنچه خدا روزی اش کرده خشنود شد، چشمش روشن گشت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در طلب دنیا آرام باشید (افراط نکنید)؛ زیرا هر کس به آنچه برای او آفریده [و مقدر] شده است ، می رسد. ۱. جاء فی الکافی : امام علی علیه السلام : از دنیا آنچه را که به تو می رسد ، برگیر و از آنچه از تو روی می گرداند ، رو بگردان و اگر چنین نمی کنی [و در پی دنیا می روی] ، پس در طلب آن ، راه اعتدال بیوی. ۲. وفي علل الشرائع قال الصدوق : امام علی علیه السلام : دنیا، نوبتی است . پس بهره خود از دنیا را با آرامی تمام طلب کن تا آن که نوبت تو فرا رسد.

توضیحی درباره میانه روی در طلب دنیا

توضیحی درباره میانه روی در طلب دنیا در این فصل، لازم است که آفات توسعه مادی و راه های پیشگیری از آن، از نگاه قرآن و احادیث اسلامی تبیین گردند تا توسعه مادی به بهای تخریب معنویت و جهان آخرت برای انسان تمام نشود؛ لیکن همان طور که در مقدمه این بخش اشاره شد این مبحث به تفصیل در کتاب توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث آمده است (۱) و نیازی به تکرار آن در این جا نیست. تنها برای توضیح احادیثی که ملاحظه شد، به این نکته اشاره می کنیم که جهان بینی الهی، عامل اصلی برای پرهیز از آفات توسعه مادی است؛ زیرا پیوند با آفریننده هستی و ایمان به حیات جاودان، انسان را از در افتادن به ورطه اعمال نامشروع باز می دارند و مانع استفاده از وسایل نادرست برای دستیابی به اهداف اقتصادی و توسعه نامشروع مادی می گردند. بدین سان است که آدمی شکار دام دنیای نکوهیده نمی شود. تفکر توحیدی و ایمان به تقدیر (با مفهوم درست و سازنده اش) در کنار

۱- ر. ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: بخش پنجم: آفات توسعه.

مدیریت و کار، سبب می شوند که انسان با آرامش و آسودگی زندگی کند. انسان هر گاه باور کند که خداوند روزی دهنده است، دیگر اندوه روزی را نمی خورد؛ چرا که می داند خداوند متعال، در صورتی که او در طلب روزی خود سستی نکند، روزی اش را تضمین کرده است. چنین کسی، حرص نیز نمی ورزد و خود را بیش از حدی که رواست در کام سختی ها و خطرها نمی اندازد؛ بلکه به زندگی کریمانه قناعت می کند و نیز آنچه را از حد رفع نیازش فراتر باشد، انفاق می نماید که این خود، مایه شکوفایی اقتصاد در گستره جامعه و خدمتی به همه انسان هاست (۱)، و این است معنای میانه روی در طلب دنیا.

۱- ر. ک: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث: بخش سوم: اصول، موانع و آفات توسعه / زهد و توسعه.

بخش دوم: دنیای نکوهیده

اشاره

بخش دوم: دنیای نکوهیده فصل یکم: شناخت دنیای نکوهیده فصل دوم: ارزش دنیافصل سوم: برحذر داشتن از دنیافصل چهارم: زیان های دنیادوستیفصل پنجم: ریشه های دنیادوستی

درآمدبر پایه آنچه در تبیین معنای «دنیا» از نگاه قرآن و حدیث آمد، دنیا به خودی خود، نه مذموم است و نه ممدوح؛ بلکه همچون مزرعه ای است که اگر تخم بدی در آن کشت شود، حاصل آن زیانبار و نکوهیده است و اگر تخم نیکی در آن کاشته شود، حاصل آن سودمند و ستوده است. از این رو، تعارضی میان احادیثی که می گویند دنیا مزرعه خیر است (۱) و احادیثی که دنیا را مزرعه شر (۲) می دانند، وجود ندارد. بنا بر این، آنچه در این بخش تحت عنوان «دنیای نکوهیده» آمده، بدان معنا نیست که دنیا بر دو نوع است: نکوهیده و ستوده؛ بلکه بدان معناست که بهره گیری از دنیا دو گونه است: مذموم و ممدوح. در بخش دوم از این کتاب، رهنمودهای بسیار مهمی در هفت فصل درباره دنیای نکوهیده ارائه می گردند. این رهنمودها به طور خلاصه عبارت اند از:

۱- ر. ک: ص ۱۰۷ (دنیا، کشتزار آخرت).

۲- ر. ک: ص ۲۶۳ (ویژگی های دنیا / کشتزار بدی).

۱. تفسیر «دنیای نکوهیده»

۲. بی ارزشی دنیای نکوهیده

۳. هشدار نسبت به دام دنیا

۱. تفسیر «دنیای نکوهیده» در فصل یکم، ابتدا اهمیت شناخت دنیای نکوهیده مورد تأکید قرار گرفته و سپس دنیای نکوهیده تحت عناوین: تعریف دنیا، ویژگی های دنیا، مَثَل دنیا و جلوه های دنیا، تفسیر و تبیین و بدین سان، مرزبندی گردیده است و در پایان نیز چگونگی اقبال و اِدبار دنیا بیان شده است. چکیده سخن در این باره، آن است که مرزهای دنیای نکوهیده، عبارت اند از: ترجیح دادن دنیا بر آخرت، دل بستگی به دنیا، فریب هوس های مادی را خوردن، اسراف، تجاوز به حقوق دیگران و... (۱) و در یک کلمه، «بهره وریِ نادرست از دنیا»، که اگر کسی وارد این مرزها گردد، در دام هوس های نامشروع گرفتار می شود و هلاکت او قطعی است.

۲. بی ارزشی دنیای نکوهیده آنچه در فصل دوم در تبیین بی ارزشی دنیای نکوهیده آمده است (مانند: دنیا به اندازه بال پشه ای نمی ارزد؛ پست ترین آفریده در نزد خداست؛ پست تر از مردار است) (۲) در نگاهی ابتدایی، مبالغه آمیز به نظر می رسد؛ اما با تأمل، معلوم می شود که این تعبیرها در تبیین ارزش بهره گیری از منافع فانی دنیا به بهای از دست دادن منافع همیشگی آخرت، کاملاً دقیق و حساب شده است.

۳. هشدار نسبت به دام دنیادر فصل سوم، حقیقت لذت های دنیا تبیین، و هشدار داده شده که مبدا مسلمانان فریفته شیرینی و خوشی های آن شوند؛ زیرا محبت دنیا مبدأ انواع گرفتاری ها

۱- ر. ک: ص ۲۲۵ (فصل یکم: شناخت دنیای نکوهیده).

۲- ر. ک: ص ۳۱۹ (فصل دوم: ارزیابی دنیا).

۴. بزرگ ترین خطر دنیادوستی

و آلودگی های اخلاقی و عملی است. همچنین تأکید شده است که مصاحبت با دنیای نکوهیده خطرناک است و مصاحب دنیا نمی تواند خود را از گرفتار شدن در دام آن و آلودگی به گناه، حفظ کند، همان طور که کسی نمی تواند روی آب، راه برود و پاهایش تر نشود.

۴. بزرگ ترین خطر دنیادوستی فصل چهارم، شرح فصل سوم است؛ زیرا فصل سوم هشدار می دهد که فریفتگی و دل بستگی به دنیا، ریشه انواع آلودگی ها و گرفتاری هاست و در فصل چهارم، آثار زیانبار دل بستگی به دنیا در زندگی فردی و اجتماعی، و دنیوی و اخروی شرح داده شده اند. شایان ذکر است که در میان آثار زیانبار حب دنیا، از همه خطرناک تر، بیماری کوردلی و تباه شدن خرد و اندیشه است و اگر کسی دچار این بیماری گردد، هرگز رستگار نخواهد شد. به بیان روشن تر، دل بستگی به دنیا، از یک سو، ریشه در نادانی دارد و از سوی دیگر، ثمره اش نادانی است؛ اما این دو نادانی، با هم متفاوت اند: نادانی اول، قابل درمان است و رهنمودهای اسلام در تعریف دنیای مذموم و تبیین خطر آن، در حقیقت برای درمان این نوع از نادانی است؛ ولی نادانی دوم، قابل درمان نیست؛ زیرا اگر رهنمودهای اسلام برای زدودن نادانی اول به کار گرفته نشد و آدمی در دام دنیا افتاد، آلودگی های اخلاقی و عملی، حجاب خرد و قلب می گردند و به تدریج، در اثر کثرت زنگارهای جان و مزمن شدن بیماری روانی، قدرت شناخت عقلی و قلبی از انسان سلب می گردد. در این جاست که او دیگر نمی تواند راه نجات را بیابد و سعادت مند شود. درباره این گونه افراد، خداوند متعال خطاب به پیامبر خود می فرماید:

۵. ریشه دل بستگی به دنیا**۶. نشانه های دنیاپرستان و ادب برخوردار با آنان**

«وَمَا أَنْتَ بِهَدِي الْعُمِّيِّ عَنِ ضَلَّتِهِمْ» (۱) و تو کوران را از گمراهی شان به راه نمی آوری». یعنی حتی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نیز که بزرگ ترین طیب بیماری های روانی است، نمی تواند او را درمان کند و هدایت نماید.

۵. ریشه دل بستگی به دنیا در فصل پنجم، روشن می شود که دل بستگی به دنیای نکوهیده، به دو ریشه باز می گردد: یکی نادانی و ناآگاهی، و دیگری آرزوی دور و دراز. البته آرزوی دور و دراز نیز ریشه در ناآگاهی و نادانی دارد (۲). بنا بر این، گام اول در درمان بیماری دنیا دوستی، تحصیل علم و معرفت، و گام بعدی، به کارگیری آن در عمل است.

۶. نشانه های دنیاپرستان و ادب برخوردار با آنان در فصل ششم، نشانه های دنیاپرستان و کسانی که در دام دنیا گرفتار شده اند، بیان شده تا از این طریق، جامعه اسلامی آنان را بشناسد. از این رو، برای آن که انسان، خود نیز گرفتار این دام نگردد، نه تنها از بزرگداشت آنان باید اجتناب کند؛ بلکه روی گردانی از آنان نیز ضروری است: «فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (۳) پس، از هر که از ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است، روی برتاب.»

۱- نمل: آیه ۸۱.

۲- ر. ک: ج ۲ ص ۷ (ریشه های دنیا دوستی).

۳- نجم: آیه ۲۹.

الفصل الأول : معرفه الدنيا الدميمه ١ / ١ أهَمِّيَّة مَعْرِفَةِ الدُّنْيَا ١. تقدّم ما جاء فى الفصول المختاره للمفيد وفرق الشالامام على عليه السلام : اَحَدُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِدَارِ غِبْطَةٍ (١) ، قَدْ تَزَيَّنَتْ بِغُرُورِهَا وَعَوَّتْ بِزِينَتِهَا لِمَنْ كَانَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا ، فَأَعْرِفُوهَا كُنْهَ (٢) مَعْرِفَتِهَا . (٣) ٢. وفى الكافى : عنه عليه السلام : مَنْ جُمِعَ فِيهِ سِتُّ خِصَالٍ مَا يَدْعُ لِلْجَنَّةِ مَطْلَبًا وَلَا عَنِ النَّارِ مَهْرَبًا : مَنْ عَرَفَ اللَّهَ فَأَطَاعَهُ ، وَعَرَفَ الشَّيْطَانَ فَعَصَاهُ ، وَعَرَفَ الْحَقَّ فَاتَّبَعَهُ ، وَعَرَفَ الْبَاطِلَ فَاتَّقَاهُ ، وَعَرَفَ الدُّنْيَا فَفَرَّقَهَا ، وَعَرَفَ الْآخِرَةَ فَطَلَبَهَا . (٤) ١ / ٢ حَقِيقَةُ الدُّنْيَا الدَّمِيمَةِ ١ / ٢ إِيثَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ الْكِتَابُ «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» . (٥)

-
- ١- .الغِبْطَةُ : النعمه والسرور (النهايه : ج ٣ ص ٣٤٠ «غبط»).
 - ٢- .كُنْهُ الْأَمْرِ : حقيقته (النهايه : ج ٤ ص ٢٠٦ «كنه»).
 - ٣- .مطالب السؤل : ص ٥٢ ؛ بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢١ ح ٨٢ .
 - ٤- .تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٣٥ ، جامع الأخبار : ص ٢٩٦ ح ٨٠٦ ؛ إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ٣٠٤ .
 - ٥- .الأعلى : ١٦ و ١٧ .

فصل یکم : شناخت دنیای نکوهیده

۱ / ۱ اهمیت شناخت دنیا

۱ / ۲ حقیقت دنیای نکوهیده

۱ / ۲ ترجیح دنیا بر آخرت

فصل یکم: شناخت دنیای نکوهیده ۱ / ۳۳ اهمیت شناخت دنیا امام علی علیه السلام: شما را از دنیا برحذر می دارم ، که دنیا ، سرای خوشی و شادمانی نیست، بلکه فریبکارانه ، خود را آراسته و با آراستگی و زیورش کسی را که به او بنگرد ، می فریبد . پس دنیا را نیک بشناسید. ۱.. و من روایاته ما جاء فی علل الشرائع ، قال الصدوق امام علی علیه السلام: هر که شش خصلت در او گردد آمده باشد ، همه اسباب رسیدن به بهشت و رهیدن از آتش را به دست آورده است . هر که خدا را شناخت و فرمانش بُرد ؛ و شیطان را شناخت و نافرمانی اش کرد ؛ حق را شناخت و پیروی اش کرد ؛ باطل را شناخت و از آن پرهیز کرد ؛ دنیا را شناخت و دورش افکند ؛ و آخرت را شناخت و در طلب آن برآمد. ۱ / ۳۴ حقیقت دنیای نکوهیده ۱ / ۲ ترجیح دنیا بر آخرت قرآن «بلکه شما زندگی دنیا را بر می گزینید ، در حالی که آخرت ، بهتر و ماندگارتر است» .

«يَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلٌّ لِأَعَزُّوْ جِكْ إِنْ كُنْتُمْ تُرِدُّنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَ زِيْنَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمْتِعْكُمْ وَ أُسْرِحْكُمْ سَرَاحًا جَمِيْلًا» . (١)

الحدیث رسول الله صلى الله عليه و آله : أَيْهَا النَّاسُ! لَا تَشْغَلْنَكُمْ دُنْيَاكُمْ عَنْ آخِرَتِكُمْ ، فَلَا تُؤْثِرُوا أَهْوَاءَكُمْ عَلَى طَاعَةِ رَبِّكُمْ ، وَلَا تَجْعَلُوا أَيْمَانَكُمْ ذَرْبَةً (٢) إِلَى مَعَاصِيكُمْ . (٣) .. ما جاء فى التوحيد والأمالى قال الصدوق : عنه صلى الله عليه و آله مِمَّا أَوْصَى بِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَالْأَلَا تُؤْثِرُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ ؛ لِإِنَّ الدُّنْيَا فَائِيَةٌ وَالْآخِرَةُ الْبَاقِيَةُ . (٤) ٢. وفى قصص الأنبياء للراوندى : عنه صلى الله عليه و آله : الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ بَاعَ نَعِيمًا دَائِمَ الْبَقَاءِ بِكِسْرِهِ تَفْنَى ، وَخِرْفَةٍ تَبْلَى . (٥) ١. لى بن الحسن ، قال : الإمام على عليه السلام : يَقُولُ اللَّهُ : «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَ زِيْنَتَهَا نُوفَّ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُيْحَسُونَ * أَوْلَيْكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَبَّحُوا فِيهَا وَ بَطُلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (٦) فَبَسَّتِ الدَّارُ لِمَنْ لَمْ يَنْتَهَيْبِهَا وَلَمْ يَكُنْ فِيهَا عَلَى وَجَلٍ (٧) . (٨) ٢. على بن محمد قال : عنه عليه السلام : إِرْكَبِ الْحَقَّ وَإِنْ خَالَفَ هَوَاكَ ، وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ . (٩) .

١- الأُحْزَابُ : ٢٨ .

٢- الدَّرَبِيُّ : الْوَسِيلَةُ (الصَّحَاحُ : ج ٣ ص ١٢١١ «ذَرَعٌ») .

٣- أَعْلَامُ الدِّينِ : ص ٣٣٩ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٧٧ ص ١٨١ ح ١٠ .

٤- الْخِصَالُ : ص ٥٤٤ ح ١٩ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ وَإِسْمَاعِيلَ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعًا عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، أَعْلَامُ الدِّينِ : ص ٣٤٧ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٢ ص ١٥٥ ح ٧ وَفِي آخِرِهَا «الْآخِرَةُ بَاقِيَةٌ» .

٥- تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ : ج ٢ ص ١١٩ .

٦- هُودُ : ١٥ و ١٦ .

٧- الْوَجَلُ : الْخَوْفُ (الصَّحَاحُ : ج ٥ ص ١٨٤٠ «وَجَلٌ») .

٨- تَحْفُ الْعُقُولِ : ص ١٨٢ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٧٣ ص ٩٧ ح ٨٢ .

٩- غُرَرُ الْحِكْمِ : ح ٢٢٩٧ ، عِيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظُ : ص ٧٩ ح ١٩٠٧ .

«ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر زندگی دنیا و زیور آن را می خواهید، بیاید بهره مندتان کنم و به شیوه ای نیکو، رهایتان سازم».

حدیث ۵. وفی مستطرفات السرائر فیما استطرفه من کتاب أبان بنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! مبدا دنیایتان، شما را از آخرتتان باز دارد. پس، هوس های خود را بر فرمان بُرداری از پروردگارتان ترجیح ندهید، و عهد و پیمان و سوگندتان را وسیله ای برای نافرمانی هایتان قرار بدهید. ۱.. ما جاء فی الخصال، قال الصدوق: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش های ایشان به امیر مؤمنان علیه السلام: و این که دنیا را بر آخرت برنگزینی؛ چرا که دنیا، رفتنی است و آخرت، ماندنی. ۲. وفی سنن الترمذی و مسند أحمد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وای و صد وای بر کسی که نعمت پاینده را به تگه نانی که از بین می رود و به کُهنه پارچه ای که می پوسد، بفروشد. ۱. محمد بن مسعود، قال: امام علی علیه السلام: خداوند می فرماید: «آنان که زندگی دنیا و زیورش را می خواهند، کردارشان را در آن درست به آنان باز می دهیم و از ایشان در آن هیچ نمی کاهند. آنان، کسانی اند که در آخرت، جز آتش ندارند و هرچه در آن کرده اند، هیچ شده است و تباه است آنچه می کرده اند». پس، چه بد سرایی است [دنیا] برای کسی که از آن نهراسد و در آن، بیمناک نباشد! ۲. الکشی: امام علی علیه السلام: همواره با حق حرکت کن، هرچند بر خلاف میل تو باشد و آخرت را به دنیایت بفروش..

٣. ووجدت بخط جبرئيل بن أحمد: عنه عليه السلام: رِضَاكَ بِالدُّنْيَا مِنْ سَوْءِ اخْتِيَارِكَ وَشَقَاءِ جَدِّكَ (١). (٢) ٤. وفي ترجمه يحيى بن أم الطويل: عنه عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ ، اتَّقُوا اللَّهَ ، فَمَا خُلِقَ امْرُؤٌ عَبَثًا فَيَلْهُو ، وَلَا تُرِكَ سَيْدِي فَيَلْعَوُ ، وَمَا دُنْيَاهُ الَّتِي تَحَسَّنَتْ لَهُ بِخَلْفٍ مِنَ الْآخِرَةِ الَّتِي قَبَّحَهَا سَوْءُ النَّظَرِ عِنْدَهُ ، وَمَا الْمَغْرُورُ الَّذِي ظَفِرَ مِنَ الدُّنْيَا بِأَعْلَى هِمَّتِهِ كَالْآخِرِ الَّذِي ظَفِرَ مِنَ الْآخِرَةِ بِأَدْنَى سَهْمَتِهِ . (٣) ٥. وفي ترجمه سعيد بن المسيب: عنه عليه السلام مِنْ حُطْبِهِ لَهُ فِي ذَمِّ الدُّنْيَا: أَلَسْتُمْ فِي مَسَاكِنِ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَطْوَلَ أَعْمَارًا ، وَأَبْقَى آثَارًا ، وَأَبْعَدَ آمَالًا ، وَأَعْيَدَ عَدِيدًا ، وَأَكْتَفَ جُنُودًا! تَعَبَدُوا لِلدُّنْيَا أَيْ تَعَبُدِ ، وَآثَرُوا أَيْ إِثَارِ ، ثُمَّ ظَنَعُوا (٤) عَنْهَا بِغَيْرِ زَادٍ مُبْلَغٍ وَلَا ظَهْرٍ قَاطِعٍ .

فَهَلْ بَلَّغْتُمْ أَنَّ الدُّنْيَا سَيِّئَتْ لَهُمْ نَفْسًا بِفِدْيِهِ ، أَوْ أَعَانَتْهُمْ بِمَعُونِهِ ، أَوْ أَحَسَّنَتْ لَهُمْ صُحْبَهُ؟! بَلْ أُرَهَقْتُهُمْ بِالْقَوَادِحِ (٥) ، وَأَوْهَقْتُهُمْ (٦) بِالْقَوَارِعِ (٧) ، وَضَعَصَعْتُهُمْ بِالنَّوَائِبِ ، وَعَفَّرْتُهُمْ (٨) لِلْمَنَاخِرِ ، وَوَطَّئْتُهُمْ بِالْمَنَاسِمِ (٩) ، وَأَعَانَتْ عَلَيْهِمْ رَيْبَ الْمَنُونِ .

فَقَدْ رَأَيْتُمْ تَنْكُرَهَا لِمَنْ دَانَ لَهَا ، وَآثَرَهَا وَأَحْلَمَدَ إِلَيْهَا ، حِينَ ظَنَعُوا عَنْهَا لِفِرَاقِ الْأَيْدِ ، وَهَلْ زَوَّدْتُمْ إِلَّا السَّغْبَ (١٠) ، أَوْ أَحَلَّيْتُمْ إِلَّا الضَّنْكَ ، أَوْ نَوَّرْتُمْ لَهُمْ إِلَّا الظُّلْمَةَ ، أَوْ أَعَقَبْتُمْ إِلَّا النَّدَامَةَ ! أَفَهَذِهِ تُؤَثِّرُونَ ، أَمْ إِلَيْهَا تَطْمَئِنُّونَ ، أَمْ عَلَيْهَا تَحْرِصُونَ؟ فَبَسَّيْتُ الدَّارَ لِمَنْ لَمْ يَنْتَهَمِهَا ، وَلَمْ يَكُنْ فِيهَا عَلَى وَجَلٍ مِنْهَا! (١١) .

١- الجَدُّ: الحَظُّ والبَختُ (الصَّحاح: ج ٢ ص ٤٥٢ «جدد»).

٢- غرر الحكم: ح ٥٤١٣ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٦٩ ح ٤٩٣٧ .

٣- نهج البلاغه: الحكمه ٣٧٠ ، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٧٩ ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٢ ح ١٣٦ .

٤- ظَعَنَ: اِرْتَحَلَ (المصباح المنير: ص ٣٨٥ «ظعن»).

٥- الْقَدْحُ وَالْقَادِحُ: أَكَالٌ يَقَعُ فِي الشَّجَرِ وَالْأَسْنَانِ (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٤٢ «قدح»). وفي شرح نهج البلاغه: «الفوادح» .

٦- الْوَهْقُ: حَبْلٌ يَلْقَى فِي عُنُقِ الشَّخْصِ يُوْخِذُ بِهِ وَيُوثِقُ ، وَأَصْلُهُ لِلدَّوَابِّ (المصباح المنير: ص ٦٧٤ «وهق»).

٧- الْقَارِعَةُ: مِنْ شِدَائِدِ الدَّهْرِ ؛ وَهِيَ الدَّاهِيَةُ . وَيُقَالُ: قَرَعْتَهُمْ قَوَارِعَ الدَّهْرِ ؛ أَيِ أَصَابَتْهُمْ (لسان العرب: ج ٨ ص ٢٦٥ «قرع»).

٨- الْعَفْرُ: التَّرَابُ ، وَعَفَّرَهُ: أَيِ مَرَعَهُ (الصَّحاح: ج ٢ ص ٧٥١ «عفر»).

٩- الْمَنَاسِمُ: جَمْعُ مَنْسَمٍ وَهُوَ طَرَفُ حُفِّ الْبَعِيرِ (تاج العروس: ج ١٧ ص ٦٨٥ «نسم»).

١٠- سَغَبٌ: جَاعٌ ، وَقِيلَ: لَا يَكُونُ السَّغْبُ إِلَّا الْجُوعُ مَعَ التَّعَبِ (المصباح المنير: ص ٢٧٨ «سغب»).

١١- نهج البلاغه: الخطبه ١١١ ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٥ ح ١٠٩ نقلًا عن عيون الحكم والمواعظ ؛ مطالب السؤل: ص ٥٠ كلاهما نحوه .

۶. وفی الکافی: امام علی علیه السلام: راضی بودن تو به دنیا، از بدانتخابی تو و از شوربختی توست. ۷. وفی الاختصاص قال الشيخ المفید: امام علی علیه السلام: ای مردم! از خدا بترسید؛ زیرا هیچ کس بیهوده آفریده نشده است تا در نتیجه، عمر خویش را به سرگرمی بگذرانند، و سر خود رها نشده است تا در نتیجه، زندگی اش را به پوچی و باطل سپری کند، و دنیای او که خویشتن را برایش آراسته، نمی تواند جایگزین آخرتی شود که بد نگریستن به آن، او را در نظرش زشت جلوه گر ساخته است، و فریب خورده ای که به بالا-ترین خواست خویش از دنیا دست یافته، مانند کسی نیست که [حتی] به کم ترین بهره خویش از آخرت، دست یافته باشد. ۱.. ما جاء فی الغیبه للنعمانی: امام علی علیه السلام بخشی از خطبه ایشان در نکوهش دنیا: آیا شما در خانه های همان کسانی نیستید که پیش از شما بودند و از شما عمری درازتر داشتند و آثاری ماندگارتر و آرزوهایی دورتر و نیروهایی آماده تر و لشکریانی انبوه تر؟! دنیا را بندگی کردند، چه بندگی ای! و آن را برگزیدند، چه برگزیدنی! اما سرانجام، بی هیچ توشه ای رساننده [به سرمنزل مقصود] و مرکبی راهوار [طاعات و عبادات] از آن کوچیدند.

آیا هرگز شنیده اید که دنیا جانی فدای آنها کرده باشد، یا کمکی در اختیارشان نهاده باشد، یا با آنان خوش مصاحبتی کرده باشد؟! نه؛ بلکه چونان خوره (۱) به جانشان افتاد و آنان را به کمند بلاها افکند و با مصیبت ها از پا درآوردشان و بینی هایشان را به خاک مالید و لگد کوبیشان کرد و پیشامدهای بد روزگار را علیه شان یاری رساند.

شما خود دیده اید که دنیا به هر کس، سر در فرمانش نهاد و آن را [بر آخرت] برگزید و بدان گرایید، ناآشنایی و بی اعتنایی نمود، آن گاه که برای همیشه از دنیا کوچیدند. آیا دنیا، جز گرسنگی توشه ای در اختیارشان نهاد، یا

جز تنگی [معیشت] بر آنها چیزی روا داشت، یا جز تاریکی، نوری به آنها داد، یا جز پشیمانی برایشان بر جای گذاشت؟! پس، آیا چنین دنیایی را بر می گزینید، یا به آن اطمینان می کنید، یا بر آن حرص می زنید؟ بدسرایی است [دنیا] برای کسی که به آن بدگمان نباشد و از آن، در بیم و هراس به سر نبرد!.

۱- خوره، بیماری است که آن را آکله و جذام گویند و لب و بینی را می خورد (لغت نامه دهخدا).

٢. وفي إكمال الدين واتمام النعمة: الإمام الصادق عليه السلام: الْمَسْجُونُ مَنْ سَيَّجَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ . (١) ٣. وفي دلائل الإمامه للطبري عنه: عنه عليه السلام: لا- يَشْعَلُكَ طَلَبُ دُنْيَاكَ عَنْ طَلَبِ دِينِكَ ؛ فَإِنَّ طَالِبَ الدُّنْيَا رُبَّمَا أَدْرَكَكَ ، وَرُبَّمَا فَاتَتْهُ فَهَلَكَكَ بِمَا فَاتَتْهُ مِنْهَا . (٢) ١.. ماجاء في كشف الخفاء للعجلوني: الإمام علي عليه السلام في الديوان المنسوب إليه : يا مُؤَثِّرَ الدُّنْيَا عَلَي دِينِهِ وَالتَّائِهَ الحَيْرَانَ عَنْ قَصْدِهِ أَصْبَحْتَ تَرْجُو الخُلْدَ فِيهَا وَقَدْ أَبْرَزَ نَابُ المَوْتِ عَنْ حَدِّهِ هَيْهَاتَ إِنَّ المَوْتَ ذُو أُسْهُمٍ مَنْ يَرِمُهُ يَوْمًا بِهَا يُرِدُهُ (٣) راجع : ج ٢ ص ٣٩٢ (ذم من باع آخرته بدنيا غيره) .

١ / ٢٢ / الطَّمَأْنِينَةُ إِلَى الدُّنْيَا الكِتَابُ «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ * أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» . (٤)

-
- ١- الكافي: ج ٢ ص ٤٥٥ ح ٩ ، المحاسن: ج ٢ ص ٦ ح ١٠٧٤ ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٥ ح ٩٩ .
 - ٢- المحاسن: ج ١ ص ٣٥٦ ح ٧٥٨ ، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢١٤ ح ١٥ .
 - ٣- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ٢٠٢ الرقم ١٣١ .
 - ٤- يونس: ٧ و ٨ .

۱ / ۲۲ دل بستگی

۳. وفی کامل الزیارات قال ابن قولویه: امام صادق علیه السلام: زندانی [واقعی] کسی است که دنیایش او را از آخرتش باز داشته باشد. ۴. وفیه أيضا قال: امام صادق علیه السلام: طلب دنیایت، تو را از طلب دینت باز ندارد؛ زیرا که طالب دنیا، گاه [آن را] به دست می آورد و گاه از دستش می دهد و به واسطه همان چیزی که از دست داده است، نابود می شود. ۱.. ما جاء فی کتاب من لا یحضره الفقیه، قال الصدوق امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان: ای آن که دنیا را بر دین، برگزیده ای / و سرگشته ای و از راه به در رفته ای و امید جاودانگی در دنیا داری / حال آن که نیش مرگ، نمایان است! چه دور است [جاودانگی]؛ چرا که دنیا تیرها دارد / که هر گاه و بر هر که آنها را بیفکند، نابود می کند. ر. ک: ج ۲ ص ۳۹۳ (نکوهش آن که آخرتش را به دنیای دیگران بفروشد).

۱ / ۲۲ دل بستگیقرآن «آنان که امید به دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا خشنود شدند و به آن دل بستند و آنان که از نشانه های ما بی هُش اند، آنان، جایگاهشان آتش است، به سبب آنچه که به دست آورده اند» .

الحديث ٤. وفي علل الشرائع ، قال الصدوق : رسول الله صلى الله عليه وآله يقول الله : يا دُنْيَا مُرِّي عَلَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِأَنْوَاعِ الْبَلَايَا وَمَا هُوَ فِيهِ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ ، وَضَيِّقِي عَلَيْهِ فِي مَعِيشَتِهِ ، وَلَا تَحْلُولِي لَهُ فَيَسْكُنَ إِلَيْكَ . (١) ٥. وفي الكافي : عنه صلى الله عليه وآله : كَانَ تَحْتَ الْجِدَارِ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ : « وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا » (٢) لَوْحٌ مِنْ ذَهَبٍ مَكْتُوبٌ فِيهِ :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَجَبًا لِمَنْ أَيْقَنَ بِالمَوْتِ كَيْفَ يَفْرَحُ ، وَعَجَبًا لِمَنْ أَيْقَنَ بِالقَدَرِ كَيْفَ يَحْزَنُ ، وَعَجَبًا لِمَنْ أَيْقَنَ بِزَوَالِ الدُّنْيَا وَتَقَلُّبِهَا بِأَهْلِهَا كَيْفَ يَطْمَئِنُّ قَلْبُهُ إِلَيْهَا ، لا- إلهَ إِلاَّ- اللَّهُ . (٣) ١. ما جاء في رجال الكشي : الإمام علي عليه السلام : سَيُكُونُ النَّفْسِ إِلَى الدُّنْيَا مِنْ أَعْظَمِ الغُرُورِ . (٤) .

١- المؤمن : ص ٢٤ ح ٣٣ عن الإمام الباقر عليه السلام ، التمهيص : ص ٤٩ ح ٨١ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «فيركن» بدل «فيسكن» ، أعلام الدين : ص ٤٣٥ وليس فيهما «وما هو فيه من أمر دنياه» ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ٥٢ ح ٧٣ .
٢- الكهف : ٨٢ .

٣- كنز الفوائد : ج ١ ص ٣٨٠ عن أنس ، الجعفریات : ص ٢٣٨ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله و آله ، تاريخ يعقوبى : ج ٢ ص ١٠١ بزياده «وعجبا لمن يوقن بالنار كيف يضحك» بعد «كيف يحزن» ، الكافي : ج ٢ ص ٥٩ ح ٩ عن علي بن أسباط عن الإمام الرضا عليه السلام ، الخصال : ص ٢٣٦ ح ٧٩ عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام ، معانى الأخبار : ص ٢٠٠ ح ١ عن عمر بن جميع رفعه إلى الإمام علي عليه السلام ، عيون أخبار الرضا : ج ٢ ص ٤٤ ح ١٥٨ ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص ٢٥٤ ح ١٨٠ كلاهما عن الإمام الحسين عليه السلام ، علل الشرائع : ص ٦٢ ح ١ ، تفسير القمى : ج ٢ ص ٤٠ كلاهما عن محمد بن عماره عن الإمام الصادق عليه السلام ، رجال الكشي : ج ٢ ص ٨٥٩ ح ١١١٦ عن أحمد بن عمر الحلبي عن الإمام الجواد عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص ٥٢٠ ح ١٧٥١ عن الإمام الرضا عليه السلام وكلها نحوه ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٢٨٨ ح ٤ .

٤- غرر الحكم : ح ٥٦٥٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٨٥ ح ٥١٥٥ .

حدیث ۱.. فی بحار الأنوار و تمام السند فی تاریخ جرجان: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند می فرماید: «ای دنیا! با انواع بلاها بر بنده مؤمن من، تلخ شو و امور دنیایش را به کام او شرنگ ساز و زندگی اش را بر او ننگ گردان و برایش شیرین مشو که به تو دل بستگی پیدا کند» ۲. وفی فلاح السائل: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در زیر آن دیواری که خداوند متعال در ستایش از آن یاد کرده و فرموده است: «و در زیر آن، گنجی متعلق به آن دو نفر [کودک یتیم] بود»، لوحی زرین قرار داشت و در آن، چنین نوشته شده بود:

«به نام خدای مهرگسترِ مهربان. در شگفتم از کسی که به مرگ، یقین دارد، چگونه شاد می شود؟ و در شگفتم از کسی که به تقدیر، یقین دارد، چرا اندوهگین می شود؟ و در شگفتم از کسی که به از کف رفتن دنیا و بی وفایی آن به اهلش یقین دارد، چگونه به آن دل خوش می کند؟ معبودی جز خدا نیست. ۱.. ما جاء فی الکافی: امام علی علیه السلام: اعتماد کردن به دنیا، از بزرگ ترین فریب هاست..»

٢. وفي رجال الكشي: عنه عليه السلام: إني أخذتكم الدنيا، فإنها حلوة خضرة... كم من واثقٍ بها قد فجعت، وذى طمأنينه إليها قد صيرعته، وذى أبهه (١) قد جعلته حقيراً. (٢) وفي بصائر الدرجات: عنه عليه السلام في كتابه إلى عمرو بن العاص في حرب صفين: أمراً بعدد، فإن الذي أعجبك من الدنيا مما نازعتك إليه نفسك ووثقت به منها لمُنقلبٍ عنك ومُفارقٍ لك، فلا تطمئن إلى الدنيا فإنها غزارة. ولو اعتبرت بما مضى لحفظت ما بقي، وانتفعت بما وعظت به. (٣) ما جاء في الكافي: عنه عليه السلام: إن الدنيا تُخلق الأبدان وتجدد الآمال، وتقرّب المتيه وتباعد الأميّه، كلّمًا اطمأن صاحبها منها إلى سُرورٍ أشخصته منها إلى محذورٍ. (٤) وفي كتاب الغيبة للنعماني، قال الكافي عن جابر: دخلت على أبي جعفر عليه السلام فقال: ... يا جابر، إن المؤمنين لم يطمئنا إلى الدنيا ببقائهم فيها، ولم يأمنوا قدومهم الآخرة.

يا جابر، الآخرة دار قرار، والدنيا دار فناء وزوال، ولكن أهل الدنيا أهل غفلة، وكان المؤمنين (٥) هم الفقهاء أهل فكره وعبره؛ لم يُصمّمهم عن ذكر الله جلّ اسمه ما سمعوا بأذانهم، ولم يُعمهم عن ذكر الله ما رأوا من الزينة بأعينهم، ففازوا بثواب الآخرة، كما فازوا بذلك العلم. (٦).

١- الأبهه: العظمه والبهاء (النهايه: ج ١ ص ١٨ «أبه»).

٢- نهج البلاغه: الخطبه ١١١، تحف العقول: ص ١٨١ بزياده «وذى حذر قد خدعته» بعد «قد صرعت»، غرر الحكم: ح ٦٩٤٧ ح ٦٩٤٩ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩٧ ح ٨٢.

٣- وقعه صفين: ص ٤٩٨، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٥٣٩ ح ٤٥١.

٤- غرر الحكم: ح ٣٦٧٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٦ ح ٣٢٤٣.

٥- في تنبيه الخواطر: «وكان المؤمنون» بدل «وكان المؤمنين».

٦- الكافي: ج ٢ ص ١٣٢ ح ١٦، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٣، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٦ ح ١٧ وراجع كشف الغمّه: ج ٢ ص ٣٣٣ وتحف العقول: ص ٢٨٧ وتاريخ دمشق: ج ٥٤ ص ٢٨١.

۳. وفی ثواب الأعمال: امام علی علیه السلام: من ، شما را از دنیا برحذر می دارم؛ زیرا که دنیا شیرین و خرم است... چه بسیار کسانی که به دنیا اعتماد کردند و دنیا ، آنان را دردمند ساخت، و چه بسیار کسانی که به دنیا دل خوش کردند و دنیا ، آنان را زمین زد، و چه بسیار افراد با جاه و جلالی که دنیا ، حقیرشان کرد!۴. وفی کتاب الغیبه أيضا قال النعمانی: امام علی علیه السلام در نامه اش به عمرو بن عاص در جنگ صفین: اما بعد، این دنیایی که تو را خوش آمده و نفست مشتاق آن گشته و بدان ، دل بسته ای، بی گمان ، به تو پشت خواهد کرد و از تو جدا خواهد شد . پس به دنیا دل خوش مکن که دنیا . فریبنده است. اگر از آنچه گذشته است ، عبرت گیری ، آنچه را مانده است ، حفظ خواهی کرد و از پند و اندرزهایش استفاده خواهی کرد.۱. امام علی علیه السلام: دنیا، بدن ها را کهنه و آرزوها را نو می کند، مرگ را نزدیک و امید را دور می سازد. هرگاه صاحب دنیا به خوشی ای از آن آسوده خاطر گشت ، دنیا او را از آن خوشی به محذوری کشاند.۲. وفیه أيضا: الکافی به نقل از جابر: خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم . فرمود:... ای جابر! مؤمنان به ماندنشان در دنیا مطمئن نیستند و از رسیدن به آخرتشان [بهشت] آسوده خاطر نیستند.

ای جابر! آخرت ، خانه ماندگاری است و دنیا ، خانه نابودی و زوال ؛ اما اهل دنیا اهل غفلت اند و این مؤمنان اند که اهل فهم و اندیشیدن و عبرت آموختن هستند . نه آنچه با گوش هایشان شنیدند ، آنان را از یاد خداوند که نامش شکوهمند باد کر ساخت، و نه آنچه از زرق و برق دیدند ، آنان را از یاد خداوند ، کور ساخت. پس به پاداش آخرت دست یافتند، چنان که به این دانش و معرفت ، دست یازیدند .

٣. وفي المحاسن: الإمام الصادق عليه السلام: إن كانت الدنيا فانيةً فالطمأنينة إليها لِمَاذَا؟! (١) ٤. وفي الكافي: عنه عليه السلام: كان عيسى بن مريم عليه السلام يقول لآءصحابه: يا بني آدم اهربوا من الدنيا إلى الله، وأخرجوا قلوبكم عنها؛ فإنكم لا تصلحون لها ولا- تصلح لكم، ولا تبقون فيها ولا تبقى لكم، هي الخداعه الفجاعة، المغرور من اغتر بها، المغبون من اطمأن إليها، الهالك من أحبها وأرادها، فتوبوا إلى بارئكم واتقوا ربكم، واخشوا يوماً لا يجزي والد عن ولده، ولا مولود هو جاز عن والده شيئاً. (٢) ١ / ٣٢ / ٣٢. وفي تفسير القمي أيضاً: رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تركنوا إلى الدنيا؛ فإنها قد آذنت بفراقها، ودعت إلى غرورها، فاحذروا فجعته. (٣) ١. قال: عنه صلى الله عليه وآله في موعظته لابن مسعود: يا بن مسعود، لا تركن إلى الدنيا ولا تطمئن إليها؛ فستفارقها عن قليل. (٤) ٢. عن أبي طالب عبدالله بن الصلت القمي، قال: عنه صلى الله عليه وآله: لا تكونوا ممن خدعته العاجله، وغرتة الأميئة، فاستهوتة الخدعة، فركن إلى دار سوء سريعه الزوال، وشيكة الانتقال. إنّه لم يبق من دنياكم هذه

في جنب ما مضى إلا كناخه راكب، أو صرّ حالب (٥)، فعلام تعرّجون، وماذا تنتظرون؟! (٦).

- ١- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٩٣ ح ٥٨٣٦، الخصال: ص ٤٥٠ ح ٥٥، التوحيد: ص ٣٧٦ ح ٢١، الأمالي للصدوق: ص ٥٦ ح ١٢، مختصر بصائر الدرجات: ص ١٣٩ كلّها عن أبان بن عثمان، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٩٠ ح ١.
- ٢- الأمالي للصدوق: ص ٦٥٠ ح ٨٨٤ عن منصور بن حازم، روضه الواعظين: ص ٤٨٩، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٨٨ ح ١٣.
- ٣- الفردوس: ج ٣ ص ٥٨٦ ح ٥٨٣٥ عن أبي هريره.
- ٤- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٥٣ ح ٢٦٦٠، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠٤ ح ١.
- ٥- أصل الصرّ: الجمع والشد. ومن عاده العرب أن تصيرّ ضرور الحلوبات إذا أرسلوها إلى المرعى سارحه، فإذا راحت عشيّاً حلت تلك الأصرّه وحلبت (النهايه: ج ٣ ص ٢٢ «صرر»).
- ٦- أعلام الدين: ص ٣٤٠ عن أبي هريره، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٣ ح ١٠.

۱ / ۳۲ دل بستگی به دنیا

۳. حدّثنی محمّد بن قولویه ، قال حدّثنی سعد بن أحمد بامام صادق علیه السلام :اگر دنیا نابود شدنی است ، پس دل خوش کردن به آن ، چرا؟! ۴. محمّد بن مسعود ، قال :امام صادق علیه السلام :عیسی بن مریم علیهاالسلام به یارانش می گفت: «ای فرزندان آدم! از دنیا به خدا بگریزید و دل هایتان را از دنیا بیرون برید ؛ زیرا که نه شما شایسته دنیااید ، نه دنیا شایسته شماست . نه شما در دنیا می مانید ، نه دنیا برای شما می ماند. دنیا ، فریبکار و مصیبت بار است. فریب خورده [ی واقعی] کسی است که فریب دنیا را بخورد؛ زیان دیده ، کسی است که به دنیا آرمید؛ به هلاکت در افتاده ، کسی است که دنیا را دوست داشت و خواستارش شد. پس به درگاه آفریدگارتان توبه آرید و از پروردگارتان پروا کنید و بترسید از آن روزی که هیچ پدری به کار فرزندش نمی آید و هیچ فرزندی نیز به کار پدرش نخواهد آمد. ۱ / ۳۲ دل بستگی به دنیا .. ما جاء فی البصائر للصفار ، قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به دنیا دل مبندید ، که دنیا ، جدایی خود را اعلام کرده و به فریبندگی های خویش ، فرا می خواند. پس ، از مصیبت آفرینی های آن ، بر حذر باشید. ۲. وفیه ایضا قال :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرزش به ابن مسعود :ای پسر مسعود! به دنیا دل مبند و بدان میارام ؛ زیرا به زودی از آن جدا خواهی شد. ۳. وفیالمحاسن :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از آنان نباشید که دنیای زودگذر ، فریشان داد و آرزو ، گولشان زد و اسیر نیرنگ [دنیا] شدند و در نتیجه ، به سرای بدی که زود زوال می پذیرد و آماده انتقال [به دیگری] است ، دل بستند. آنچه از این دنیای شما باقی مانده ، در برابر آنچه گذشته ، به اندازه خُساندن اشتری [برای آسودن

ساعاتی] یا بستن پستان حیوان شیردهی (۱) بیش نیست. پس بر چه درنگ می کنید و منتظر چه هستید؟! .

۱- عرب ها عادت داشتند که هنگام رها کردن حیوانات شیرده خویش در چراگاه ، پستان هاشان را با کیسه ای می بستند و غروب که بر می گشتند ، کیسه ها را باز می کردند و حیوانات را می دوشیدند (النهایه : ج ۳ ص ۲۲ «صرر»).

١.. جاء في نوادر المعجزات ودلائل الإمامه ، قال أبو جالإمام عليّ عليه السلام : من اعتَمَدَ عَلَى الدُّنْيَا فَهُوَ الشَّقِيُّ المَحْرُومُ .
 (١)٢. جاء في إكمال الدين : عنه عليه السلام : مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِالدُّنْيَا تَمَكَّنَتْ مِنْهُ المِحَنَةُ . (٢)٣. ما جاء في كتاب الغيبه ، للنعماني :
 عنه عليه السلام : هَلَكَ مَنْ اسْتَنَامَ إِلَى الدُّنْيَا وَأَمَهَرَهَا دِينَهُ ، فَهُوَ حَيْثُمَا مَالَتْ مَالٌ إِلَيْهَا ، قَدِ اتَّخَذَهَا هَمَّهُ وَمَعْبُودَهُ . (٣)١. جاء في
 مختصر الدرجات : عنه عليه السلام : لا- تَعَصِمُ الدُّنْيَا مَنْ لَجَأَ إِلَيْهَا . (٤)٢. جاء في الأمالي : الإمام زين العابدين عليه السلام : لا
 تَرَكْنَا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا رُكُونَ مَنِ اتَّخَذَهَا دَارَ قَرَارٍ وَمَنْزِلَ اسْتِيْطَانٍ ، وَاللَّهِ إِنَّ لَكُمْ مِمَّا فِيهَا عَلَيْهَا لَدَلِيلًا وَتَنْبِيْهَا ؛ مِنْ تَصْرِيفِ
 أَيَّامِهَا وَتَغْيِيرِ انْقِلَابِهَا وَمَثَلَاتِهَا (٥) وتَلَاغِبِهَا بِأَهْلِهَا ، إِنَّهَا لَتَرْفَعُ الخَمِيْلَ وَتَضَعُ الشَّرِيْفَ ، وَتُورِدُ أَقْوَامًا إِلَى النَّارِ عَمْدًا ، فَفِي هَذَا
 مُعْتَبَرٌ وَمُخْتَبَرٌ وَزَاجِرٌ لِمُنْتَبِهِ . (٦)١.. جاء في كامل الزيارات ، والمزار للمفيد ، والمزار عنه عليه السلام لِإِصْحَابِهِ : أَمَا بَلَّغَكُمْ مَا قَالَ
 عَيْسَى بَنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَوَارِيِّينَ؟ قَالَ لَهُمْ : . . . أُنْيَكُمُ يَبْنِي عَلَى مَوْجِ البَحْرِ دَارًا؟ تَلِكُمُ الدَّارُ الدُّنْيَا ، فَلَا
 تَتَّخِذُوهَا قَرَارًا . (٧) .

-
- ١- .غزر الحكم : ح ٩٠٨٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٢٥ ح ٧١٩٨ .
 - ٢- .غزر الحكم : ح ٨٨٤١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٣٥ ح ٧٥٢٨ .
 - ٣- .غزر الحكم : ح ١٠٠٣٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥١١ ح ٩٣١٢ .
 - ٤- .غزر الحكم : ح ١٠٧٠٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٣٨ ح ٩٩٤١ .
 - ٥- .المثلات : الأشباه والأمثال مما يُعتبر به (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٦٧١ «مثل»).
 - ٦- .الكافي : ج ٨ ص ١٥ ح ٢ ، الأمالي للمفيد : ص ٢٠٠ ح ٣٣ نحوه ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٣٧ وفيه «لتيته» بدل «لمنتبه»
 وكلها عن أبي حمزه الثمالي ، تحف العقول : ص ٢٥٣ نحوه .
 - ٧- .الأمالي للمفيد : ص ٤٣ ح ١ عن أبي حمزه الثمالي ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٧٦ وص ١٣٣ من دون إسنادٍ إلى المعصوم ،
 بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٠٧ ح ١٠٧ ؛ الزهد لابن حنبل : ص ٧٦ عن مكحول من دون إسنادٍ إلى المعصوم وراجع الدر المنثور :
 ج ٢ ص ٢٠٧ والبدايه والنهايه : ج ٢ ص ٨٩ .

۲. جاء في طبّ الأئمّه: امام علي عليه السلام: هر که به دنیا تکیه کند، بدبخت و بی بهره است. ۳. جاء في الکافی: امام علي عليه السلام: هر که به دنیا خوش گمان باشد، گرفتار رنج و سختی می شود. ۱.. جاء في التهذيب: امام علي عليه السلام: هر که به دنیا خو گرفت و دینش را کابین آن قرار داد، به هر طرف که دنیا رو آورد، او نیز رو می کند [و در واقع]، دنیا را آرمان و معبود خویش گرفته است. ۲. جاء في الخصال: امام علي عليه السلام: دنیا از کسی که به آن پناه ببرد، پاسداری نمی کند. ۳. جاء في الهدایه الکبری: امام زين العابدين عليه السلام: به آنچه در این دنیاست، دل مبنیدید، چونان دل بستگی کسی که آن را خانه ماندن و منزلگاه همیشگی قرار داده است. به خدا سوگند که در امور این دنیا، برای شما نشانی و هشدار بر [بی وفایی و ناپایداری] دنیاست: اموری چون کشاکش روزگار، فراز و نشیب های آن، کیفیهای عبرت آموزش و به بازی گرفتن اهل خود. دنیا، گم نام را بالا می برد و بلند پایه را پست می گرداند و فردای قیامت، اقوامی را به آتش می افکند و در این همه، عبرت و تجربه و مایه بازدارندگی است برای شخص هشیار. ۱.. جاء في دلائل الإمامه: امام زين العابدين عليه السلام به یارانش: آیا آنچه عیسی بن مریم علیهما السلام به حواریان فرمود: به شما نرسیده است؟ او به آنان فرمود: «... کدام یک از شما بر [روی] دریا خانه ای می سازد؟ دنیا، چنین خانه ای است. پس، آن را اقامتگاه مگیرید».

٢. جاء في مختصر البصائر قال الحسن بن سليمان الحلبي: الإمام الصادق عليه السلام: فيما ناجى الله به موسى عليه السلام: يا موسى، لا تركز إلى الدنيا ركون الظالمين وركون من اتخذها أبا وأما... واترك من الدنيا ما بك الغنى عنه، ولا تنظر عينك إلى كل مفتون بها وميوكل إلى نفسه، واعلم أن كل فتنة يدوها حب الدنيا. (١)١.. جاء في مختصر بصائر الدرجات: تنبيه الخواطر: أوحى الله تعالى إلى موسى عليه السلام: أن يا موسى لا تركز إلى حب الدنيا؛ فلن تأتيني بكبيره هي أشد منها. (٢)٢. جاء في الخصال: حليته الأولياء عن كعب الأبحار: إن الرب تعالى قال لموسى عليه السلام: ... أدن الفقراء وقرب مجالستهم منك، ولا تركز إلى حب الدنيا؛ فإنك لن تلقاني بكبيره من الكبائر أضر عليك من الركون إلى الدنيا. (٣)٣. راجع: ص ٧٤ (مثل أهل الدنيا / مثل المسافر).

١ / ٢٤٢ الإغترار بالدنيا الكتاب «يأتيها الناس إن وعد الله حق فلا تغرنكم الحيوه الدنيا ولا يعرنكم بالله الغرور». (٤)٤

-
- ١- الكافي: ج ٢ ص ١٣٥ ح ٢١ عن ابن أبي يعفور، قصص الأنبياء: ص ١٦٢ ح ١٨٤ عن أبي يعقوب وفيه «بذرهما» بدل «بدوها»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٧٣ ح ٣٧.
 - ٢- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٤، التحصين لابن فهد: ص ٢٧ ح ٤٥.
 - ٣- حليه الأولياء: ج ٦ ص ٥.
 - ٤- فاطر: ٥.

۱ / ۲ / ۴ فریفته شدن به دنیا

۳. فی بصائر الدرجات أيضا: امام صادق عليه السلام: از نخواستن خداوند با موسی علیه السلام این بود که: «ای موسی! به دنیا دل میند، همانند دل بستگی ستمگران و دل بستگی کسی که دنیا را پدر و مادر خویش گرفته است... از دنیا، آنچه را که بدان نیازی نداری، رها کن و به آنان که فریفته دنیا گشته اند و به خود، وا نهاده شده اند، منگر و بدان که هر گرفتاری ای، آغازش دنیا دوستی است». تنبیه الخواطر: خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی فرمود که: «ای موسی، زنهار! به دنیا دوستی مگرای؛ زیرا هرگز با گناه کبیره ای بر من وارد نشوی که بدتر از دنیا دوستی باشد». حلیه الأولیاء به نقل از کعب الأحبار: پروردگار متعال به موسی علیه السلام فرمود: «... بینوایان را به خود نزدیک گردان و با آنان، همنشین نزدیک داشته باش و به دنیا دوستی مگرای؛ زیرا، هرگز با [گناه] کبیره ای از کبائر با من دیدار نخواهی کرد که برایت زیانبارتر از گرایش به دنیا باشد. ر. ک: ص ۷۵ (مثل اهل دنیا / مثل مسافر).

۱ / ۲ / ۴ فریفته شدن به دنیا قرآن «ای مردم! به راستی که وعده خدا راست است. پس، زنهار تا زندگی دنیا شما را نفریبد و زنهار تا آن فریبنده (شیطان) شما را بیهوده به خدا امیدوار نسازد».

الحديث ٢. جاء في الهداياه الكبرى للخصيبي ، قال : صحيح البخارى عن أبى سعيد الخدرى : قال رسول الله صلى الله عليه وآله :
 إِنَّ أَكْثَرَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ مَا يُخْرِجُ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ . قيل : وما بَرَكَاتُ الْأَرْضِ ؟ قال : زَهْرَةُ الدُّنْيَا . (١) .. جاء فى
 بصائر الدرجات ، قال الصفار : رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ مَا يُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ نَبَاتِ الْأَرْضِ وَزَهْرِهِ
 الدُّنْيَا . (٢) وفيه أيضا قال : عنه صلى الله عليه وآله : يا عَجَبًا كُلُّ الْعَجَبِ لِلْمُصَدِّقِ بِدَارِ الْخُلُودِ وَهُوَ يَسْعَى لِدَارِ الْغُرُورِ ! (٣) ..
 جاء فى الكافى : عنه صلى الله عليه وآله : أَيْنَ الرَّاظُونَ بِالْمَقْدُورِ ؟ أَيْنَ السَّاعُونَ لِلْمَشْكُورِ ؟ عَجَبٌ لِمَنْ يُؤْمِنُ بِدَارِ الْخُلُودِ كَيْفَ
 يَسْعَى لِدَارِ الْغُرُورِ ! (٤) وفيه أيضا : الإمام على عليه السلام عِنْدَ تِلَاوَتِهِ : «يَأْتِيهَا الْأَنْسُنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» (٥) : حَقًّا أَقُولُ !
 مَا الدُّنْيَا غَرَّتَكَ ، وَلَكِنْ بِهَا اغْتَرَّتْ ، وَلَقَدْ كَاشَفَتْكَ الْعِظَاتِ ، وَأَذَتَّتْكَ عَلَى سِوَاءِ . وَلَهِيَ بِمَا تَعُدُّكَ مِنْ نَزُولِ الْبَلَاءِ بِجَسْمِكَ
 ، وَالنَّقْصِ فِي قُوَّتِكَ ، أَصْدَقُ وَأَوْفَى مِنْ أَنْ تَكْذِبَكَ ، أَوْ تَعُوكَ . وَلِزُبِّ نَاصِحِ لَهَا عِنْدَكَ مُتَّهَمٌ ، وَصَادِقٍ مِنْ خَبَرِهَا مُكْذَبٌ .
 وَلَئِنْ تَعَرَّفْتَهَا فِي الدِّيَارِ الْخَاوِيَةِ ، وَالرُّبُوعِ الْخَالِيَةِ ، لَتَجِدَنَّهَا مِنْ حُسْنِ تَذْكَيرِكَ ، وَبِلَاغِ مَوْعِظَتِكَ ، بِمَحَلِّهِ الشَّفِيقِ عَلَيْكَ ،
 وَالشَّحِيحِ بِكَ !

وَلَنِعَمَ دَارٌ مَنْ لَمْ يَرْضَ بِهَا دَارًا ، وَمَحَلٌّ مَنْ لَمْ يُؤْطِنَهَا مَحَلًّا ، وَإِنَّ السُّعْدَاءَ بِالدُّنْيَا غَدًا هُمُ الْهَارِبُونَ مِنْهَا الْيَوْمَ . (٦) .

- ١- . صحيح البخارى : ج ٥ ص ٢٣٦٢ ح ٦٠٦٣ وج ٣ ص ١٠٤٥ ح ٢٦٨٧ ، صحيح مسلم : ج ٢ ص ٧٢٧ ح ١٢١ ، السنن الكبرى : ج ٣ ص ٢٨١ ح ٥٧١٠ كلها نحوه ؛ المحجبه البيضاء : ج ٥ ص ٣٥٨ .
- ٢- . مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ١٦ ح ١١٠٣٥ ، مسند الحميدى : ج ٢ ص ٣٢٥ ح ٧٤٠ ، حليه الأولياء : ج ٧ ص ٣١١ كلها عن أبى سعيد الخدرى .
- ٣- . ذم الدنيا لابن أبى الدنيا : ص ١٩ ح ١٤ عن عمرو بن مَرّه عن الإمام الباقر عليه السلام ، الدر المنثور : ج ٦ ص ٤٧٦ نقلًا عن شعب الإيمان عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ؛ المحاسن : ج ١ ص ٣٧٧ ح ٨٣١ عن أبى النعمان عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «يعمل» بدل «يسعى» ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٨٤ ح ١٠ .
- ٤- . الزهد لهناد : ج ١ ص ٢٩٤ ح ٥١٤ عن عمرو بن مَرّه ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٦٠ ح ٥٩٦٢ .
- ٥- . الانفطار : ٦ .
- ٦- . نهج البلاغه : الخطبه ٢٢٣ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ١٩٣ ح ٥٩ .

حدیث ۱.. جاء فی کامل الزیارات: صحیح البخاری به نقل از ابو سعید خُدَری: پیامبر خدا فرمود: «بیشترین ترس و نگرانی من برای شما، از برکت های زمین است که خداوند در اختیارتان می گذارد».

گفته شد: برکت های زمین چیست؟

فرمود: «خرَمی و بهجت دنیا». ۲. جاء فی الخصال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ترسناک ترین چیزی که من از آن بر شما می ترسم، محصولات زمین و خرَمی و بهجت دنیا است که خداوند در اختیارتان می گذارد. ۱.. جاء فی الکافی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شگفتا، شگفتی تمام از کسی که به سرای جاودانگی باور دارد و با این حال، برای سرای فریب (دنیا) می کوشد! ۲. جاء فی الکافی، والتهذیب واللفظ للکافی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کجایند خشنودان از تقدیر؟ کجایند کوشندگان برای آنچه مورد قدردانی [از سوی خداوند] قرار می گیرد؟ شگفتا از کسی که به سرای جاودانگی ایمان دارد، چگونه برای سرای فریب می کوشد؟! امام علی علیه السلام در هنگام تلاوت آیه «ای انسان! چه چیز تو را به پروردگار کریمت بیهوده امیدوار ساخت؟»: به راستی می گویم، دنیا تو را فریب نداد؛ بلکه تو به آن فریفته شدی. دنیا به تو پندها [و درس های عبرت آموز] داد و عادلانه و یکسان (همانند دیگران) آگاهت ساخت و به آنچه تو را وعده می دهد، از قبیل: رسیدن رنج و درد به جسمت و کاستی یافتن نیرویت، راستگوتر و وفادارتر از آن است که به تو دروغ بگوید یا فریب بدهد. دنیا، راهنماهای بسیار دارد، اما تو بدانها بدگمانی و خبرهای راست فراوان دارد، لیکن تو دروغشان می پنداری.

اگر دنیا را در خانه های بر باد رفته و منزلگاه های تهی گشته [از سکنه] بکاوی، آن را در نیکو اندر زدهی و پند رسا دادن، چونان یار دلسوز و سخت علاقه مند به خود، خواهی یافت!

[دنیا] نیکو سرایی است برای کسی که آن را سرای [ماندگاری] خود نداند و خوب منزلگاهی است برای کسی که در آن منزلگاه، وطن نگزیند. نیک بختان به دنیا، فردا [ی قیامت] آنان اند که امروز از آن گریزان اند..

١.. جاء في الكافي: عنه عليه السلام: الدُّنْيَا حُلُوهٌ ، الحَلَاوَةُ لِمَنْ اغْتَرَّ بِهَا . (١) ٢. في البصائر: عنه عليه السلام: مَا الْعَاجِلَةُ خَدَعَتْكَ ، وَلَكِنْ بِهَا انْخَدَعْتَ . (٢) ٣. وفيه أيضا: عنه عليه السلام: الدُّنْيَا حُلْمٌ ، وَالْإِغْتِرَارُ بِهَا نَدَمٌ . (٣) ٤. وفي الإرشاد: عنه عليه السلام: إِحْذَرُ أَنْ يَخْدَعَكَ الْغُرُورُ بِالْحَائِلِ (٤) الْيَسِيرِ ، أَوْ يَسْتَرْلِكَ الشُّرُورُ بِالزَّائِلِ الْحَقِيرِ . (٥) ١.. جاء في المحاسن: عنه عليه السلام في ذَمِّ الدُّنْيَا: تَجَافَوْا عَنْهَا ، فَإِنَّ الْمُغْتَرَّ مِنْ اغْتَرَّ بِهَا . (٦) ٢. جاء في مئة منقبة للقمي ، قال: عنه عليه السلام: مَا قَدَّمْتَ فَهُوَ لِلْمَالِكِينَ ، وَمَا أَخَّرْتَ فَهُوَ لِلْوَارِثِينَ ، وَمَا مَعَكَ فَمَا لَكَ عَلَيْهِ سَبِيلٌ سِوَى الْغُرُورِ بِهِ . كَمْ تَسْعَى فِي طَلَبِ الدُّنْيَا؟ وَكَمْ تَرعى؟ أَفَتَرِيدُ أَنْ تُفْقِرَ نَفْسَكَ وَتُغْنِي غَيْرَكَ؟! (٧) ٣. وفي مختصر البصائر: عنه عليه السلام: أَيُّهَا الْمُعَلَّلُ نَفْسَهُ بِالدُّنْيَا ، الرَّاحِضُ عَلَى حَبَائِلِهَا (٨) ، الْمُجْتَهِدُ فِي عِمَارِهِ مَا سَيُخْرَبُ مِنْهَا ! أَلَمْ تَرِ إِلَى مَصَارِعِ آبَائِكَ فِي الْبَلِي ، وَمَصَارِعِ أَبْنَائِكَ تَحْتَ

الْجِنَادِلِ وَالثَّرَى؟ كَمْ مَرَّضَتْ يَدَيْكَ ، وَعَلَّتْ بِكَفَيْكَ ، تَسْتَوْصِفُ لَهُمُ الْأَطِبَاءُ وَتَسْتَعْتِبُ لَهُمُ الْأَحْبَاءُ ، فَلَمْ يُغْنِ عَنْهُمْ غَنَاؤُكَ ، وَلَا يَنْجِعُ (٩) فِيهِمْ دَوَاؤُكَ . (١٠) .

-
- ١- الاحتجاج: ج ١ ص ٣٩٧ ح ٨٣ عن عبدالله بن الحسن، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٢٢٣ ح ١٧٣؛ كنز العمال: ج ١٦ ص ١٨٦ ح ٤٤٢١٦ نقلًا عن وكيع .
 - ٢- غرر الحكم : ح ٩٦٥٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٧٩ ح ٨٧٩٠ .
 - ٣- غرر الحكم : ح ١٣٨٤ .
 - ٤- الحائِلُ : الْمُتَغَيَّرُ (النهاية : ج ١ ص ٤٦٣ «حول»).
 - ٥- غرر الحكم : ح ٢٦١٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٠٤ ح ٢٣٥٤ .
 - ٦- الكافي : ج ٨ ص ١٧٤ ح ١٩٤ عن محمد بن النعمان أو غيره عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٥١ ح ٣١ .
 - ٧- مصباح الشريعة : ص ٣٠١ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٣٥٦ ح ١٧ .
 - ٨- الحَبَائِلُ : جَمْعُ حِبَالِهِ وَأَحْبُولِهِ وَهُوَ الشَّرْكُ (المصباح المنير : ص ١١٩ «حبل»).
 - ٩- نَجَعَ الدَّوَاءُ : ظَهَرَ أَثَرُهُ (المصباح المنير : ص ٥٩٤ «انتجع»).
 - ١٠- الأُمَالِي لِلْمَفِيدِ : ص ٨٧ ح ٢ عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٣١٩ ح ٣٥ .

۴. وفی الکافی: امام علی علیه السلام: دنیا، شیرین است؛ شیرینی [دنیا] برای کسی است که فریفته آن شود. ۱.. جاء فی البصائر، قال الصفار: امام علی علیه السلام: دنیا تو را گول زده است؛ بلکه تو گول آن را خورده ای. ۲. جاء فی الهدایه الکبری للخصیبی: امام علی علیه السلام: دنیا یک رؤیاست و فریفته شدن به آن، مایه پشیمانی است. ۳. جاء فی الکافی: امام علی علیه السلام: پرهیز از این که فریفته شدن به [این دنیای] دگرگون شونده ناچیز، تو را گول بزند، یا شاد گشتن به این فناپذیر بی ارزش، تو را بلغزانند. ۴. جاء فی الأمالی، قال الطوسی: امام علی علیه السلام در نکوهش دنیا: از دنیا دوری کنید؛ زیرا فریب خورده [ی واقعی]، کسی است که فریب دنیا را بخورد. ۵. جاء فی علل الشرائع، قال الصدوق: امام علی علیه السلام: آنچه [برای آخرت] پیش بفرستی، همان از آن دارندگان است [و به خودت می رسد] و آنچه بر جای بگذاری، از آن وارثان است و آنچه با توست، راهی جز فریفته شدن به آن نیست. چه قدر در پی دنیا می کوشی و چه قدر می چری؟ آیا می خواهی خودت را فقیر و دیگران (وارثان) را توانگر سازی؟! ۶. جاء فی بصائر الدرجات، قال الصفار: امام علی علیه السلام: ای آن که خویشتن را به دنیا سرگرم ساخته ای و بر ریسمان های [پوسیده] آن می دوی و در آباد کردن دنیایی که به زودی خراب می شود، می کوشی! آیا به گورهای پوسیده پدران و پیکرهای خفته در زیر سنگ ها

و خاک های فرزندان ننگریسته ای؟ چه بسیار کسانی که با دست خود، پرستاری شان کردی و به معالجه آنان پرداختی، از پزشکان برایشان نسخه و دارو خواستی و از دوستان، برایشان رضایت طلبیدی؛ امّا تلاش تو سودشان نبخشید و دارو و درمانت، در آنان کارگر نیفتاد.

١.. جاء في البصائر: عيسى عليه السلام: وَيَلُ لِمَصَابِحِ الدُّنْيَا كَيْفَ يَمُوتُ وَيَتْرُكُهَا ، وَيَأْمُنُهَا وَتُعْرُةُ ، وَيَتَّقُ بِهَا وَتَخْذُلُهُ . وَيَلُ لِلْمُعْتَرِينَ كَيْفَ رَهَقَهُمْ مَا يَكْرَهُونَ وَفَارَقَهُمْ مَا يُحِبُّونَ ، وَجَاءَهُمْ مَا يُوَعِدُونَ . (١)٢.. جاء في مناقب آل أبي طالب: الإمام علي عليه السلام في الديوان المنسوب إليه : فَلَمْ أَرَ كَالدُّنْيَا بِهَا اغْتَرَّ أَهْلُهَا وَلَا كَالْيَقِينِ اسْتَوَحَّشَ الدَّهْرَ صَاحِبُهُ أَمْرٌ عَلَى رَمْسِ (٢) الْقَرِيبِ كَأَنَّما أَمْرٌ عَلَى رَمْسِ امْرِئٍ ما أَناسِبُهُ فَوَاللَّهِ لَوْلا أَننى كُلَّ ساعَةٍ إِذا شِئْتُ لاقِيتُ امْرَأَةً ماتَ صَاحِبُهُ إِذا ما اعْتَرَيْتُ الدَّهْرَ عَنْهُ بِحِيلِهِ تُجَدِّدُ حُزْنا كُلَّ يَوْمٍ نَوادِبُهُ (٣)١.. جاء في الكافي: عنه عليه السلام في الديوان المنسوب إليه : أَحسنتَ ظَنِّكَ بِالْأَيامِ إِذْ حَسِيتَ وَلَمْ تَخَفِ سَوءَها يَأْتى بِهِ الْقَمْدَرُ وَسالَمَتَكَ اللَّيالى فَاعْتَرَتْ بِها وَعِنْدَ صَفْوِ اللَّيالى يَحْدُثُ الْكَمْدَرُ (٤)راجع : ص ٢٦٤ (خصائص الدنيا / دار الغرور) .

١- .تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٣٢ ، التحصين لابن فهد : ص ٢٩ ح ٤٩ وفيه «أنتهم» بدل «رهقهم» ، المحجبه البيضاء : ج ٥ ص ٣٥٨ وفيه «ألزمهم» بدل «رهقهم» ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٣٢٨ ح ٥٤ وراجع الأمالي للمفيد : ص ٢٠٩ ح ٤٣ وعده الداعي : ص ٩٦ .

٢- الرَّمْسُ : القَبْرُ (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٢٢٠ «رمس»).

٣- .الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص ٨٨ الرقم ٤٥ .

٤- .الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص ٢٦٠ الرقم ١٨٢ ؛ البدايه والنهايه : ج ١١ ص ١٨٤ من دون إسنادٍ إلى المعصوم وفيه «يوما» بدل «سوءها» .

۳. جاء فی مختصر بصائر الدرجات: عیسی علیه السلام: بیچاره دنیا دار، که می میرد و دنیا را رها می کند، به دنیایی اطمینان می کند که او را می فریبد و به دنیایی اعتماد می کند که او را فرو می گذارد [و به موقع، یاری اش نمی کند]. بیچاره این گول خوردگان، که آنچه دوست ندارند، به آنان می رسد و آنچه دوست دارند، از ایشان جدا می شود و آنچه به ایشان وعده داده می شود، به سراغشان می آید. امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان: چیزی چون دنیا ندیدم که اهلش فریب آن را بخورند/ و نه چون یقین (مرگ) که صاحب آن، از روزگار بگریزد. بر گورِ نزدیکان می گذرم، اما گویی/ بر گور کسی می گذرم که هیچ نسبتی با او ندارم. به خدا سوگند، اگر نبود که هر ساعتی/ هر گاه بخواهم، کسی را می بینم که یارش مُرده است، هرگز، به هیچ روی، در برابر روزگار صبر نمی کردم/ روزگاری که هر روز، مصیبت هایش غمی تازه می آفریند. ۱. جاء فی الکافی: امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان: به روزها نیک گمان گشتی، آن گاه که [با تو] نیک شدند و از بدی آنها که دست تقدیر می آورد، نترسیدی.

شب ها با تو سر سازش نشان داد و تو فریب آنها را

خوردی اما در همان زلالی شب هاست که تیرگی پدید می آید. ر. ک: ص ۲۶۵ (سرای فریب).

١ / ٢٥ ما يوجب الطغيان من الدنيا.. جاء في مستطرفات السرائر: الإمام على عليه السلام: حُذِّ مِنْ قَلِيلِ الدُّنْيَا مَا يَكْفِيكَ ، وَدَعِ مِنْ كَثِيرِهَا مَا يُطْغِيكَ . (١) وفيه أيضا: عنه عليه السلام: يَسِيرُ الدُّنْيَا يَكْفِي ، وَكَثِيرُهَا يُرْدِي . (٢) عنه عليه السلام: يَسِيرُ الدُّنْيَا خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِهَا ، وَبُلْغَتُهَا (٣) أَجْدَرُ مِنْ هَلَكَتِهَا . (٤) .. جاء في بصائر الدرجات: عنه عليه السلام في ذم الدنيا: مَنْ أَقَلَّ مِنْهَا اسْتَكْتَرَّ مِمَّا يُؤْمِنُهُ ، وَمَنْ اسْتَكْتَرَّ مِنْهَا اسْتَكْتَرَّ مِمَّا يُوْبِقُهُ (٥) . (٦) ١ / ٢٦٠ ما فوق الكفاف من الدنيا. جاء في دلائل الإمامه ، والاختصاص: رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من غني ولا فقير إلا ودَّ يوم القيامة أنه أتى من الدنيا قوتا (٧) . (٨) .. جاء في إكمال الدين: عنه صلى الله عليه وآله: ما من ذي غنى إلا سيؤدُّ يوم القيامة لو كان إنما أوتى في الدنيا

قوتا . (٩) .

- ١- غرر الحكم : ح ٥٠٤٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٤١ ح ٤٥٩١ .
- ٢- غرر الحكم : ح ١٠٩٨٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٥٥ ح ١٠٢٣٨ .
- ٣- البلغة : ما يتبَّغ [أى يكتفى] به من العيش ولا يفُضَّل (المصباح المنير : ص ٦١ «بلغ»).
- ٤- غرر الحكم : ح ١٠٩٩٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٥٦ ح ١٠٢٤٠ وص ٥٥٣ ح ١٠١٩٤ وفيه «يسير الدين خير من كثير الدنيا» .
- ٥- يوبقه : يهلكه (الصحاح : ص ٤ ح ١٥٦٢ «وبق»).
- ٦- نهج البلاغه : الخطبه ١١١ ، غرر الحكم : ح ٨٢٥٢ وح ٨٢٥٣ نحوه ، تحف العقول : ص ١٨١ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٥ ح ٧٣ نقلاً عن مطالب السؤل وفيهما «لم يدم له» بدل «استكثر مما يوبقه» .
- ٧- أى بقدر ما يمسك الرَّمَق من المطعم (النهايه : ج ٤ ص ١١٩ «قوت»).
- ٨- سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣٨٧ ح ٤١٤٠ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٢٣٥ ح ١٢١٦٤ وص ٣٣٥ ح ١٢٧١٠ ، حليه الأولياء : ج ١٠ ص ٦٩ كلها عن أنس ، تاريخ بغداد : ج ٤ ص ٨ عن عبد الله نحوه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٣٩٤ ح ٧١١٥ ، مشكاة الأنوار : ص ٢٣٠ ح ٦٤٧ نحوه ، روضه الواعظين : ص ٥٠٠ ، أعلام الدين : ص ٢٦٥ وفيه «ما من امرئ مسلم غنى ...» .
- ٩- شعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٠٠ ح ١٠٣٧٨ عن أنس ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٧ ح ٦١٤٣ نقلاً عن الزهد لهناد عن أنس .

۱ / ۲ دنیای طغیان آور**۱ / ۲ دنیای بیش از کفاف**

۱ / ۲ دنیای طغیان آور ۲. جاء فی الفوائد المجموعه: امام علی علیه السلام: از دنیا ، اندکی که کفایت کند ، برگیر و بسیار آن را که به طغیانت بکشاند ، فرو بگذار. ۳. جاء فی الموضوعات قال ابن الجوزی: امام علی علیه السلام: اندک دنیا کفایت می کند و بسیار آن ، نابود می کند. ۱. جاء فی الکافی عن محمد بن یحیی ، عن محمد بن عیسیامام علی علیه السلام: کم دنیا بهتر از زیاد آن است و به کفاف آن بسنده کردن ، سزاوارتر است تا گرفتار شدن به هلاکت آن [بر اثر فزون خواهی]. ۲. جاء فی دلائل الإمامه: امام علی علیه السلام در نکوهش دنیا: آن کس که از دنیا کم بر گرفت ، بر آنچه او را ایمن و آسوده می گرداند ، افزود و آن کس که از دنیا زیاد بر گرفت ، بر آنچه او را به نابودی می کشاند ، افزود. ۱ / ۲ دنیای بیش از کفاف ۱.. جاء فی کتاب الموضوعات لابن الجوزی ، قال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روز قیامت، هر کس از دارا و نادار، آرزو می کند که ای کاش از دنیا به اندازه بخور و نمیر به او داده می شد. ۲. جاء فی کتاب السقیفه وفدک ، قال الجوهری أخبرنا أبوپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ توانگری نیست ، مگر آن که در روز قیامت آرزو خواهد کرد که ای کاش در دنیا به اندازه نیاز به او داده می شد.

٣. جاء في التهذيب ، والاستبصار ، قال الطوسى : عنه صلى الله عليه وآله : دَعُوا الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا ، فَمَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ أَخَذَ حَتْفَهُ (١) وَهُوَ لَا يَشْعُرُ . (٢) ٤. جاء فى أمالى الصدوق ، قال : عنه صلى الله عليه وآله : اتركوا الدنيا لأهلها ، اتركوا الدنيا لأهلها ، اتركوا الدنيا لأهلها ؛ فَإِنَّهُ مَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ فَإِنَّهُ يَأْخُذُ مِنْ جَنَّتِهِ وَلَا يَشْعُرُ . (٣) ٥. جاء فى المحاسن : عنه صلى الله عليه وآله : اللَّهُمَّ اجْعَلْ رِزْقَ آلِ مُحَمَّدٍ قُوتًا . (٤) عنه صلى الله عليه وآله فى وصيته لعلي عليه السلام : يَا عَلِيُّ ، مَا أَخَذَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ إِلَّا وَهُوَ يَتَمَنَّى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُعْطَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا قُوتًا . (٥) صحيح البخارى عن عمرو بن عوف الأنصارى : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثَ أَبَا عُبَيْدَةَ بْنَ الْجَرَّاحِ إِلَى الْبَحْرَيْنِ يَأْتِي بِجَزَيْتَيْهَا ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هُوَ صَالِحَ أَهْلِ الْبَحْرَيْنِ وَأَمَرَ عَلَيْهِمُ الْعَلَاءَ بْنَ الْحَضْرَمِيِّ ، فَقَدِمَ أَبُو عُبَيْدَةَ بِمَالٍ مِنَ الْبَحْرَيْنِ ، فَسَمِعَتْ

الأنصار بِقُدُومِ أَبِي عُبَيْدَةَ فَوَافَتْ صِيْلَةَ الصُّبْحِ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَلَمَّا صَلَّى بِهِمُ الْفَجْرَ انصَرَفَ ، فَتَعَرَّضُوا لَهُ ، فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ رَأَوْهُمْ ، وَقَالَ : أَظُنُّكُمْ قَدْ سَمِعْتُمْ أَنَّ أَبَا عُبَيْدَةَ قَدْ جَاءَ بِشَيْءٍ !

قالوا : أَجَلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ .

قَالَ : فَأَبِشِرُوا وَأَمْلُوا مَا يَسُرُّكُمْ ، فَوَاللَّهِ لَا الْفَقْرَ أَخْشَى عَلَيْكُمْ ، وَلَكِنْ أَخْشَى عَلَيْكُمْ أَنْ تُبْسَطَ عَلَيْكُمُ الدُّنْيَا ، كَمَا بُسِطَتْ عَلَى مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ ، فَتَنَافَسُوهَا كَمَا تَنَافَسُوهَا ، وَتُهْلِكُكُمْ كَمَا أَهْلَكْتَهُمْ . (٦) .

١- .الْحَتْفُ : الْهَلَاكُ (المصباح المنير : ص ١٢٠ «حتف»).

٢- .تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٥٦ ، الأمالى للشجرى : ج ٢ ص ١٦٣ عن أنس وزاد فيه «لأهلها ثلاث مرّات» ، المحجّج البيضاء : ج ٦ ص ٤٢ ؛ كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٣ ح ٦١١٧ .

٣- .الفردوس : ج ١ ص ١٠٨ ح ٣٦٣ عن أنس ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٨١ ح ٦٠٥٨ .

٤- .صحيح مسلم : ج ٢ ص ٧٣٠ ح ١٢٦ ، صحيح البخارى : ج ٥ ص ٢٣٧٢ ح ٦٠٩٥ وفيه «ارزق آل محمد» ، سنن الترمذى : ج ٤ ص ٥٨٠ ح ٢٣٦١ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣٨٧ ح ٤١٣٩ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ٤٥٤ ح ٩٧٦٠ كلّها عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ٣ ص ٣٩٥ ح ٧١١٦ ؛ مشكاة الأنوار : ص ٤٩٢ ح ١٦٤٠ عن الإمام زين العابدين عليه السلام وفيه «اللهم اجعل رزق محمد وآل محمد الكفاف» ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ٦٠ .

٥- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٦٣ ح ٥٧٦٢ ، مستطرفات السرائر : ص ١١٦ ح ١ كلاهما عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٢٧ ح ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، جامع الأخبار : ص ٥٠٤ ح ١٣٩٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٥٤ ح ٣ .

٦- .صحيح البخارى : ج ٣ ص ١١٥٢ ح ٢٩٨٨ وج ٤ ص ١٤٧٣ ح ٣٧٩١ ، صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٢٧٤ ح ٦ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣٢٤ ح ٣٩٩٧ ، مسند ابن حنبل : ج ٦ ص ١٠٥ ح ١٧٢٣٤ ، السنن الكبرى : ج ٩ ص ٣٢٠ ح ١٨٦٥٨ وفيهما «تلهيكم كما ألهتهم» بدل «تهلككم كما أهلكتم» .

۱.. جاء فی تهذیب الأحکام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا را برای اهلش وا گذارید؛ زیرا هر کس که از دنیا بیش از اندازه کفایتش برگیرد، نادانسته، [عوامل] مرگ خود را برگرفته است. ۲.. جاء فی ثواب الأعمال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا را برای اهلش رها کنید، دنیا را برای اهلش رها کنید؛ زیرا هر کس که از دنیا بیش از اندازه کفایتش بردارد، ناخودآگاه، از بهشت خود بر می دارد [و کم می کند]. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! روزی خاندان محمد را در حدّ نیاز قرار بده. ۱.. جاء فی کامل الزیارات: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام ای علی! از پیشینیان و پسینیان، هیچ کس نیست، مگر آن که در روز قیامت آرزو می کند که ای کاش از دنیا، جز به اندازه نیاز، به او داده نمی شد. ۲.. جاء فی أمالی الصدوق، قال: صحیح البخاری به نقل از عمرو بن عوف انصاری: پیامبر خدا، ابو عبیده جراح را به بحرین فرستاد تا جزیه آن را بیاورد. پیامبر خدا با مردم بحرین [بر پرداخت جزیه] مصالحه کرده و علاء بن خصرمی را به امیری ایشان گماشته بود. ابو عبیده با اموالی از بحرین آمد. انصار، خبر ورود ابو عبیده را شنیدند. نماز صبح را با پیامبر صلی الله علیه و آله گزاردند و ایشان، چون نماز صبح را با آنان خواند،

برگشت. انصار، جلو او آمدند. پیامبر خدا، وقتی آنها را دید، لبخندی زد و فرمود: «گمان می کنم شنیده اید که ابو عبیده چیزی آورده است».

گفتند: آری، ای پیامبر خدا!

حضرت فرمود: «پس مژده باد بر شما و امیدوار باشید به چیزی که خوش حالتان می کند. به خدا سوگند، من از فقر بر شما نمی ترسم؛ بلکه از این برای شما می ترسم که دنیا بر شما گسترده شود، چنان که برای پیشینیان شما گسترده شد، و بر سر دنیا به رقابت برخیزید، همچنان که آنان به رقابت برخاستند، و دنیا شما را به هلاکت افکند، همچنان که آنان را به هلاکت افکند».

٣. جاء في الكافي: الإمام علي عليه السلام: يَا بَنَ آدَمَ ، مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قَوْتِكَ فَأَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِعَيْرِكَ . (١) ٤. جاء في البصائر ، قال الصفار: الخصال عن علي بن الحسين بن رباط ، رفعه: شَكَى رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَاجَةَ ، فَقَالَ لَهُ : إِعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ تُصِيبُهُ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ قَوْتِكَ أَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِعَيْرِكَ . (٢) الإمام علي عليه السلام: الْوَيْلُ لِمَنْ جَمَعَ الدُّنْيَا وَأُورَثَهَا مَنْ لَا يَحْمَدُهَا ، وَقَدِمَ عَلَيَّ مَنْ لَا يَعْذِرُهَا (٣) . الدُّنْيَا دَارُ الْمُنَافِقِينَ وَلَيْسَتْ بِدَارِ الْمُتَّقِينَ ، فَلْيَكُنْ حَظُّكَ مِنَ الدُّنْيَا قِوَامَ صَلْبِكَ ، وَإِمْسَاكَ نَفْسِكَ ، وَالتَّرَوُّدَ لِمَعَادِكَ . (٤) .

-
- ١- نهج البلاغه : الحكمه ١٩٢ ، خصائص الأئمه عليهم السلام : ص ١١٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٤٤ ح ٢٨ .
 - ٢- الخصال : ص ١٦ ح ٥٨ ، روضه الواعظين : ص ٤٦٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٩٠ ح ٦١ .
 - ٣- في المصدر : «يغدره»، والتصويب من بحار الأنوار .
 - ٤- مطالب السؤل : ص ٥٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢٣ ح ٨٦ .

امام علی علیه السلام: ای پسر آدم! آنچه بیش از کفایت به دست آوری، در واقع، تو خزانه دار آن برای دیگران هستی. الخصال به نقل از علی بن حسین بن رباط، که سند آن را به معصوم علیه السلام رسانده است: مردی به امیر مؤمنان از نیازمندی اش شکایت کرد. به او فرمود: «بدان که آنچه از دنیا بیش از کفایت به دست آوری، در واقع، تو خزانه دار آن برای دیگرانی». ۱.. جاء فی تفسیر العیاشی: امام علی علیه السلام: وای بر کسی که [مال] دنیا را جمع کند و آن را برای کسی به ارث بگذارد که از او سپاس گزاری نمی کند و [خود] بر کسی (خداوند) وارد شود که عذر و بهانه اش را نمی پذیرد. دنیا، سرای منافقان است و سرای تقوای پیشگان نیست. پس باید بهره ات از دنیا به اندازه ای باشد که قوت بدنت، نگهدار جانت و توشه ای برای معادت باشد..

٢. جاء في الكافي: عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ مُنَى لَهَا (١) الفناء ولأهلها منها الجلاء، وهي حُلُوَّةٌ خَضْرَاءٌ، وَقَدْ عَجَلَتْ لِلطَّالِبِ وَالتَّبَسَّتْ بِقَلْبِ النَّاطِرِ، فَارْتَحِلُوا مِنْهَا بِأَحْسَنِ مَا يَخْضِرُ تَكُمُ مِنَ الزَّادِ، وَلَا تَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكِفَافِ، وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنَ الْبَلَاغِ. (٢) الإمام زين العابدين عليه السلام: الدُّنْيَا دُنْيَاءَانِ: دُنْيَا بِلَاغٍ، وَدُنْيَا مَلْعُونَةٍ. (٣) راجع: ج ٢ ص ٢١٢ (الفصل السادس: أمثال الزهاد).

١ / ٢ / ٧ ما يَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ مِنَ الدُّنْيَا ١. الخصال بإسناده عن الحسين بن علي عن أبيه أمير المثنين الخواطر: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ، وَمِنْ حَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ. (٤) ٢. نزهة الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ عَقِيبَ صَلَاتِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ، وَمِنْ عَاجِلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْآجِلِ، وَحَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ، وَأَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ. (٥) ٣. نزهة الناظر: لقمان عليه السلام فِي وَصِيَّتِهِ لَوْلَدِهِ: يَا بُنَيَّ، لَا تَدْخُلْ فِي الدُّنْيَا دُخُولًا يَضُرُّ بِآخِرَتِكَ،

وَلَا تَتْرُكْهَا تَرَكًا تَكُونُ كَلًّا (٦) عَلَى النَّاسِ. (٧).

-
- ١- مُنَى لَهُ: أَي قُدْر (لسان العرب: ج ١٥ ص ٢٩٢ «منى»).
 - ٢- نهج البلاغه: الخطبه ٤٥، روضه الواعظين: ص ٤٨٢ وفيه «مضى» بدل «منى»، غرر الحكم: ح ٣٦٩٧، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٦٨ ح ٢٨.
 - ٣- الكافي: ج ٢ ص ١٣١ ح ١١ عن محمد بن مسلم بن شهاب وص ٣١٧ ح ٨ عن محمد بن مسلم بن عبيد الله، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٦ ح ١٥٥٥، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٢٠ ح ٩.
 - ٤- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٢٧٣، الإقبال: ج ٢ ص ١٤٦ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٦٠.
 - ٥- مصباح المتهجد: ص ٦٤ ح ١٠١، فلاح السائل: ص ٣٢٠ ح ٢١٥، البلد الأمين: ص ١٥ كَلِّهَا عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج ٨٦ ص ٦٩ ح ٤.
 - ٦- الكَلُّ: الَّذِي هُوَ عِيَالٌ وَثِقَلٌ عَلَى صَاحِبِهِ (لسان العرب: ج ١١ ص ٥٩٤ «كلل»).
 - ٧- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٧٩، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٤ ح ١١٢.

۱ / ۷۲ دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود

۴. مهج الدعوات عن الإمام الحسين عليه السلام (في وَصْفِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ) امام علی علیه السلام: دنیا، سرایی است که برای آن ، نیستی رقم خورده است و برای اهلش رخت برستن از آن. دنیا ، شیرین و دل پذیر است و شتابان به سراغ خواهانش می رود و به دل بیننده می نشیند . پس با بهترین توشه ای که در اختیار دارید ، از دنیا بکوچید و در آن ، بیش از کفاف خواهید و از آن ، بیش از آنچه شما را به مقصد می رساند ، نطلبید.۵. المعجم الأوسط عن محمد بن عبد الله بن حسين عن علامام زين العابدين عليه السلام: دنیا دو گونه است: دنیای در حد کفاف (۱) و دنیای لعنت شده. ر. ک : ج ۲ ص ۲۱۳ (فصل ششم : نمونه های زهد) .

۱ / ۷۲ دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود۹. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام: تنبيه الخواطر: پیامبر خدا در دعایش می گفت: «خدایا! پناه می برم به تو از دنیایی که مانع خیر آخرت شود، و از زندگی ای که مانع خیر مرگ گردد».۱۰. محاضرات الأدباء عن الإمام الحسين عليه السلام: امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در تعقیب نمازش: خدایا! پناه می برم به تو از دنیایی که مانع خیر آخرت شود و از اکنونی که مانع خیر آینده شود و از زندگی ای که مانع خیر مرگ گردد و از آرزویی که مانع نیکویی عمل گردد.۱۱. أعلام الدین عن الإمام الحسين عليه السلام: لقمان عليه السلام در سفارش به فرزندش: فرزندانم! نه چندان وارد دنیا شو که به

آخرت لطمه بزند و نه چنان رهایش کن که باری بر دوش مردم باشی.

۱- . بلاغ: کفاف، یا آن مقدار از قوت که برای زنده ماندن کفایت کند ؛ وسیله رسیدن به مطلوب.

راجع : ص ١٨٤ (ما ينال به خير الدنيا والآخرة) .

و ٤٤٢ (فقر الدنيا والآخرة)

و ٤٤٤ (خسران الدنيا والآخرة).

١ / ٢ إذا كانت الدنيا أكبر الهوموم ١٧. مسند زيد : سنن الترمذى عن ابن عمر : قَلَّمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُومُ مِنْ مَجْلِسٍ حَتَّى يَدْعُوَ بِهَؤُلَاءِ الدَّعَوَاتِ لِأَصْحَابِهِ :

اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعَاصِيكَ ، وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتِكَ ، وَمِنْ الْيَقِينِ مَا تَهْوُونَ بِهِ عَلَيْنَا مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا ، وَمَتَّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا وَأَبْصَارِنَا وَقُوتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا ، وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا ، وَاجْعَلْ ثَأْرَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمْنَا ، وَانصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا ، وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا ، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا ، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا ، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا . (١) ١٨. المعجم الكبير عن سكينه بنت الحسين بن علي عن أبيه الإمام علي عليه السلام من وصاياه لابنه الحسن عليه السلام : لَا تُكُنِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّكَ . (٢) ١٩. الفردوس عن الحسين بن علي عليه السلام عن رسول اللعنه عليه السلام في التزهيد في الدنيا والترغيب في أعمال الآخرة : يَا بَنَ آدَمَ ، لَا يَكُنْ أَكْبَرَ هَمِّكَ يَوْمَكَ الَّذِي إِنْ فَاتَكَ لَمْ يَكُنْ مِنْ أَجْلِكَ ، فَإِنَّ كُلَّ يَوْمٍ تَحْضُرُهُ

يَأْتِي اللَّهُ فِيهِ بَرزقك ، وَاعْلَمْ أَنَّكَ لَنْ تَكْتَسِبَ شَيْئًا فَوْقَ قُوَّتِكَ إِلَّا كُنْتَ فِيهِ خَازِنًا لِغَيْرِكَ ؛ يَكْتُرُ فِي الدُّنْيَا بِه نَصِيبُكَ ، وَيَحْظِي بِهِ وَارِثُكَ ، وَيَطُولُ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِسَابُكَ !

فَاسْعِدْ بِمَالِكَ فِي حَيَاتِكَ ، وَقَدِّمْ لِيَوْمِ مَعَادِكَ زَادًا يَكُونُ أَمَامَكَ ؛ فَإِنَّ السَّفَرَ بَعِيدٌ ، وَالْمَوْعِدَ الْقِيَامَةُ ، وَالْمُورِدَ الْجَنَّةَ أَوْ النَّارَ . (٣) .

١- . سنن الترمذى : ج ٥ ص ٥٢٨ ح ٣٥٠٢ ؛ عوالى اللآلى : ج ١ ص ١٥٩ ح ١٤٤ ، الإقبال : ج ٣ ص ٣٢١ ، تهذيب الأحكام : ج ٣ ص ٩٢ ح ٢٥٢ عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام ، مصباح المتهجد : ص ٥٦٨ ح ٦٧٣ وليس فيهما من «قوتنا» إلى «على من ظلمنا» ، منه المريد : ص ٢١١ كلاهما من دون إسناد إلى المعصوم وراجع المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٧٠٩ ح ١٩٣٤ .

٢- . الأمالى للمفيد : ص ٢٢١ ح ١ ، الأمالى للطوسى : ص ٧ ح ٨ كلاهما عن الفجيع العقيلى عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٩٨ ح ١ .

٣- . الإرشاد : ج ١ ص ٢٣٤ ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ٣١ ح ٥٨ نقلًا عن تفسير العياشى بزياده «فإن همك يوم» بعد «من أجلك» وراجع نثر الدرّ : ج ١ ص ٢٩٥ .

۱ / ۸ هرگاه دنیا بزرگ ترین هم و غم باشد

ر. ک: ص ۱۸۵ (فصل سوم: عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت)

و ۴۴۳ (فقر در دنیا و آخرت)

و ۴۴۵ (باختن در دنیا و آخرت).

۱ / ۲ هرگاه دنیا بزرگ ترین هم و غم باشد ۲۵. الأمالی بإسناده عن علی بن الحسین عن الحسین بن علی (فی قولِ الله عز و جل: {Q} «هَلْ جَزَاءُ آلِ (سنن الترمذی به نقل از ابن عمر: کمتر پیش می آمد که پیامبر خدا از مجلسی برخیزد و این دعاها را برای اصحابش نخواند:

بار خدایا! چنان ترسی از خودت نصیب ما کن که میان ما و نافرمانی از تو مانع گردد و چنان اطاعتی از خودت که با آن، ما را به بهشتت برسانی و چنان یقینی که به سبب آن، [تحمل] مصیبت ها و گرفتاری های دنیا را بر ما آسان گردانی و تا زنده ایم، ما را از گوش هایمان و چشم هایمان و نیرویمان بهره مند گردان و آن را وارث ما قرار ده و خونخواهی ما را از کسی قرار ده که به ما ستم کند و ما را بر هر که با ما دشمنی کند، پیروزی بخش و مصیبت ما را در دینمان قرار مده و دنیا را بزرگ ترین هم و غم ما و نهایت دانش و شناخت ما قرار مده و کسی را که به ما رحم نمی کند، بر ما مسلط مگردان. ۲۶. المحاسن عن عمرو بن ابی نصر: امام علی علیه السلام از سفارش های ایشان به فرزندش حسن علیه السلام در هنگام وفات: دنیا، بزرگ ترین هم و غم نباشد. ۲۷. المعجم الأوسط عن زید بن أسلم عن الحسین بن علی (فی قولهِ تعالی: {Q} «و شَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ) امام علی علیه السلام در تشویق به دل برکندن از دنیا و ترغیب به کارهای آخرت: ای پسر آدم! بزرگ ترین هم و غم آن روزت نباشد که چون از دست رفت، از عمر تو نباشد؛ (۱) زیرا هر روزی که وارد آن می شوی، خداوند در آن، روزی ات را می رساند. بدان که هرگز، چیزی بیش از قوتت به دست

نمی آوری، مگر این که تو خزانه دار آن برای دیگران باشی. [فقط] مایه رنج بسیار تو در دنیا می شود و وارثت از آن بهره مند می گردد و به سبب آن، حسابرسی تو در روز قیامت به درازا می کشد!

پس با مال خود در زندگی ات [آینده خود را تأمین کن و] خوش بخت شو و برای معادت که در پیش داری، توشه ای بفرست؛ زیرا سفری دور و دراز پیش رو داری و وعده گاه، قیامت است و محل ورود، بهشت یا آتش.

١ / ٢ / ٩ طَلَبُ الدُّنْيَا بغيرِ حَقٍّ ٣٠. معانى الأخبار عن شريح بن هانئ: الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بغيرِ حَقٍّ ، حُرِّمَ الآخِرَةَ بِحَقٍّ . (١) ١ / ٢ / ١٠ طَلَبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الآخِرَةِ ٣٣. جامع الأخبار بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه السّلام رسول الله صلى الله عليه وآله: رِيحُ الجَنَّةِ تَوخِيْدٌ مِنْ مَسِيرِهِ خَمْسَةَ عَشَرَ عَامًا ، وَلَا يَجِدُ رِيحَ الجَنَّةِ مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الآخِرَةِ . (٢) ٣٤. التوحيد عن إسحاق بن راهويه: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الآخِرَةِ طُمِسَ (٣) وَجْهُهُ ، وَمُحِقَّ ذِكْرُهُ ، وَأُثْبِتَ اسْمُهُ فِي النَّارِ . (٤) .

١- تحف العقول : ص ٣٢١ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢٣٥ ح ٥٧ .

٢- الفردوس : ج ٢ ص ٢٧١ ح ٣٢٦١ عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ٣ ص ٤٧٤ ح ٧٤٩٢ .

٣- الطُّمُوسُ : الدروسُ والامْتِئَاءُ (الصّحاح : ج ٣ ص ٩٤٤ «طمس»).

٤- المعجم الكبير : ج ٢ ص ٢٦٨ ح ٢١٢٨ ، كشف الخفاء : ج ٢ ص ٢٦١ ح ٢٥٢٧ ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٢٧ ح ٦٢٧٥ نقلًا عن المعجم الأوسط وكلّها عن الجارود بن المعلّى .

۹۲ / ۱ دنیاطلبی به ناحق**۱۰۲ / ۱ دنیاطلبی با کار آخرت**

۱ / ۲ دنیاطلبی به ناحق ۳۷. التوحید عن محمد بن زیاد و محمد بن سيار عن الحسن امام صادق عليه السلام: هر کس دنیا را به ناحق بجوید، از آخرت به حق محروم می شود. ۱ / ۲ / ۱۰۲ دنیاطلبی با کار آخرت ۴۰. الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام (فیما نُسِبَ إِلَيْهِ مِنْ دُعَاءِ عَرَفَةَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی بهشت از فاصله پانصد سال به مشام می رسد؛ اما کسی که دنیا را با کار آخرت بطلبد، بوی بهشت را استشمام نمی کند. ۴۱. التوحید عن عکرمه عن الحسين بن علی عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با کار آخرت، دنیا را بجوید، چهره [ی انسانی] اش محو می شود، (۱) یادش نابود می گردد و نامش در آتش ثبت می شود.

۱- اشاره است به آیه ۴۷ سوره نساء: «مَنْ قَبِلَ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا؛ پیش از آن که چهره هایی را محو کنیم» (ر. ک: تفسیر این آیه. گفتنی است که محو شدن چهره را در این جا می توان به بی آبرویی نیز معنا کرد).

٤٢. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الآخِرَةِ ، لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ . (١) ٤٣. تفسير العياشي عن يزيد بن رويان: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْهُومانِ لَا يَشْبَعَانِ : طَالِبُ دُنْيَا وَطَالِبُ عِلْمٍ ؛ فَمَنْ اقْتَصَرَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ سَلِمَ ، وَمَنْ تَنَاوَلَهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا هَلَكَ ، إِلَّا أَنْ يَتُوبَ أَوْ يُرَاجَعَ . وَمَنْ أَخَذَ الْعِلْمَ مِنْ أَهْلِهِ وَعَمِلَ بِعِلْمِهِ نَجَا ، وَمَنْ أَرَادَ بِهِ الدُّنْيَا فَهِيَ حَظُّهُ . (٢) ٤٤. التوحيد عن وهب بن وهب القرشي عن الصادق جعفر بن محالام علي عليه السلام: النَّاسُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ : . . . وَمِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الآخِرَةِ ، وَلَا يَطْلُبُ الآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا ، قَدْ طَامَنَ (٣) مِنْ شَخْصِهِ ، وَقَارَبَ مِنْ حَطْوِهِ ، وَشَمَّرَ مِنْ ثُوبِهِ ، وَزَخَرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلْأَمَانَةِ ، وَاتَّخَذَ سِتْرَ اللَّهِ ذُرِيَعَةً إِلَى الْمَعْصِيَةِ . (٤) ٤٥. التوحيد بإسناده عن الحسين بن علي عليه السلام: عنه عليه السلام: لَا تَلْتَمِسِ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الآخِرَةِ ، وَلَا تُؤَثِّرِ العَاجِلَةَ عَلَى الآجِلَةِ ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْمَةٌ الْمُنافِقِينَ وَسَجِيَّةُ المَارِقِينَ (٥) . (٦) ٤٦. التوحيد بإسناده عن الحسين عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ كِتَابًا مِنْ كُتُبِهِ عَلَى نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ ، وَفِيهِ :

إِنَّهُ سَيَكُونُ خَلْقٌ مِنْ خَلْقِي يَلْحَسُونَ الدُّنْيَا بِالذِّينِ ، يَلْبَسُونَ مُسْوَكَ (٧) الضَّانِّ

عَلَى قُلُوبِ كَقُلُوبِ الذُّنَابِ أَشَدَّ مَرَارَةً مِنَ الصَّبْرِ ، أَلْسِنَتُهُمْ أَحْلَى مِنَ العَسَلِ ، وَأَعْمَالُهُمُ البَاطِنَةُ أَنْتَنُ مِنَ الجِيفِ .

أَبِي يَغْتَرُونَ ، أَمْ إِيَّايَ يَخْدَعُونَ ، أَمْ عَلَيَّ يَتَجَبَّرُونَ؟! فَبِعِزَّتِي حَلَفْتُ لَأَبْعَثَنَّ لَهُمْ فِتْنَةً تَطُّأُ فِي خِطَامِهَا (٨) حَتَّى تَبْلُغَ أَطْرَافَ الأَرْضِ ، تَتْرُكُ الحَكِيمَ فِيهَا حَيْرَانَ . (٩) .

- ١- المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٣٥٤ ح ٧٨٩٥ عن أبي بن كعب ، كنز العمالي : ج ١٠ ص ٢٠٣ ح ٢٩٠٦٧ نقلاً عن الديلمي عن أنس ؛ بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٢١٨ وراجع مجمع البيان : ج ٩ ص ٤١ .
- ٢- الكافي : ج ١ ص ٤٦ ح ١ ، تهذيب الأحكام : ج ٦ ص ٣٢٨ ح ٩٠٦ ، كتاب سليم بن قيس : ج ٢ ص ٧١٨ وفيهما «منهوم» بدل «طالب» وكلها عن سليم بن قيس عن الإمام علي عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص ٢٤٦ ح ٧١٩ عن ابن القداح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «المال» بدل «دنيا» ، بحار الأنوار : ج ٢ ص ٣٥ ح ٣٧ .
- ٣- طامن : سَكَرَ وَأَخْفَضَ (المعجم الوسيط : ج ٢ ص ٥٦٦ «طمان»).
- ٤- نهج البلاغه : الخطبه ٣٢ ؛ إعجاز القرآن : ص ١٤٨ ح ٢٢٧ .
- ٥- المارق : الخارج عن الدين (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٦٨٩ «مرق»).
- ٦- غرر الحکم : ح ١٠٤٠٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٢٧ ح ٩٥٩٦ .
- ٧- المشك : الجلد ، الجمع : مُسْوَك (تاج العروس : ج ١٣ ص ٦٤٠ «مسك»).
- ٨- الخطام : مقدّم الأنف والشم (المصباح المنير : ص ١٧٤ «خطم»).
- ٩- قرب الإسناد : ص ٢٨ ح ٩٣ ، ثواب الأعمال : ص ٣٠٤ ح ٢ نحوه وفيه «يجترون» بدل «يتجبرون» وكلاهما عن مسعده بن زياد عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٣٧١ ح ٤ وراجع عيون الأخبار لابن قتيبة : ج ٢ ص ٢٧٠ .

۴۷. جامع الأخبار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با کار آخرت در پی دنیا باشد، او را در آخرت، بهره ای نباشد. ۴۸. التوحید یاسناده عن الحسين بن علی بن ابي طالب علییامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو آزمندند که سیر نمی شوند: طالب دنیا و طالب علم. پس هر که از دنیا به آنچه خداوند برایش روا شمرده است، بسنده کند، به سلامت می ماند و هر که آن را از غیر حلالش به دست آورد، نابود می شود، مگر آن که توبه کند یا برگردد (۱) و هر که علم را از اهلش فراگیرد و به علم خویش عمل کند، نجات می یابد و هر که مرادش از [تحصیل] علم [رسیدن به] دنیا باشد، همان دنیا بهره اوست [و در آخرت، نصیبی ندارد]. ۴۹. الخصال یاسناده عن الحسين بن علی عن ابيه علی علیامام علی علیه السلام: مردم، چهار دسته اند: ... دسته ای از ایشان، کسانی اند که با اعمال آخرت، دنیا را می طلبند و با کار دنیا، در پی به دست آوردن آخرت نیستند، تظاهر به فروتنی و وقار می کنند، گام هایشان را نزدیک به هم بر می دارند [آهسته و سر به زیر، راه می روند]، دامن جامه شان را [برای حفظ از آلودگی] جمع می کنند، خویشان را امانتدار جلوه می دهند و پرده پوشی خداوند [از گناهان] را وسیله ای برای گناه و نافرمانی قرار می دهند. ۵۰. الامالی یاسناده عن الحسين بن علی الشهید عن ابيهامام علی علیه السلام: دنیا را با کار آخرت مجوی و این جهان را بر آن جهان بر مگزین که این، خوی منافقان و خصم از دین خارج شدگان است. ۵۱. الخصال یاسناده عن الحسين بن علی عن ابي طامام باقر علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی کتابی از کتاب هایش را بر پیامبری از پیامبرانش فرو فرستاد و در آن آمده بود:

«به زودی، بندگانی از مخلوقات من خواهند آمد که دنیا را به واسطه دین می خورند، لباس میش بر دل هایی می پوشند که چون دل های گرگ هاست و

تلخ تر از صبر زرد. (۲) زبان هایشان شیرین تر از عسل است و کردارهای باطنی شان متعفن تر از مُردار.

آیا به من غرّه می شوند، یا مرا می فریبنند، یا بر من بزرگی می نمایند؟! به عزّتم سوگند، فتنه ای بر آنان انگیزم که افساز گسیخته پیش می رود تا آن که همه جای زمین را فرا می گیرد و خردمند را در خود، حیران می کند».

۱- توبه کند و از ظلم به مردم باز ایستد. احتمال دارد تعبیر «أو یراجع» که در متن عربی آمده، تردیدی از سوی راوی باشد. احتمال هم دارد «أو» واو تفسیری باشد؛ یعنی توبه کند و از خطاها و گناهانش دست بکشد. احتمال هم دارد که به صیغه مجهول باشد؛ یعنی خداوند با فضل خود، او را باز گرداند.

۲- صبر زرد که در عربی بدان «صَبْر» گفته می شود، گیاهی است با گل های زرد یا قرمز و عصاره ای تلخ که برای درمان مورد استفاده قرار می گیرد.

١ / ٣ / ٣ حَصَائِصُ الدُّنْيَا / ١ مَزْرَعَةُ الشَّرِّ الْكِتَابُ «وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» . (١)

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» . (٢)

الحديث ٦٠. الفردوس عن الحسين بن علي عليه السلام عن رسول اللإمام علي عليه السلام: الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الشَّرِّ . (٣)

١- آل عمران : ١٨٠ .

٢- الزلزله : ٨ .

٣- غرر الحكم : ح ٤٠١ وح ٦٩٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٨ ح ٨٣٤ .

۱ / ۳ ویژگی های دنیا

۱ / ۳ کشتزار بدی

۱ / ۳۵ ویژگی های دنیا ۱ / ۳ کشتزار بدیقرآن «و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود عطایشان کرده است ، بخل می ورزند ، هرگز گمان نکنند که آن [بخل] برای ایشان خوب است ؛ بلکه برایشان بد است. به زودی آنچه به آن بخل ورزیده اند ، در روز قیامت ، طوق گردنشان می شود. میراث آسمان ها و زمین ، از آن خداست و خدا به آنچه می کنید ، آگاه است» .

«و هرکس به سنگینی ذره ای بدی کند ، آن را می بیند» .

حدیث ۶۹. الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام (فی دُعَاءِ عَرَفَةَ) امام علی علیه السلام : دنیا، کشتزار بدی است.

٧٠. التوحيد عن عمرو بن جميع عن جعفر بن محمد عليه السعنه عليه السلام: الدُّنْيَا مَعْدِنُ الشَّرِّ وَمَحَلُّ الغُرُورِ . (١) راجع : ص ١٠٦ (الدنيا مزرعه الآخره) .

١ / ٣ / ٢ سوقُ الخُسرانِ الكتاب «وَالْعَصِيرِ * إِنَّ الْأَمْنِينَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ» . (٢)

الحديث ٧٧. الرساله القشيريّه: الإمام عليّ عليه السلام: الدُّنْيَا سَوْقُ الخُسرانِ . (٣) راجع : ص ١٠٦ (الدنيا مزرعه الآخره) .

١ / ٣ / ٣ دارُ الغُرورِ الكتاب «وَمَا الحَيَوهُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَّعُ الغُرُورِ» . (٤)

«زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَّعُ الحَيَوهِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ المَتَابِ» . (٥)

راجع : البقره : ٢١٢ والأنعام : ٧٠ والأعراف : ٥١ والكهف : ٤٦ والجاثيه : ٣٥ .

١- . غرر الحكم : ح ١٤٧٣ .

٢- . العصر : ٣١ .

٣- . غرر الحكم : ح ٣٩٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٨ ح ١٨ .

٤- . آل عمران : ١٨٥ .

٥- . آل عمران : ١٤ .

۱ / ۲۳ بازار زیانکاری

۱ / ۳۳ سرای فریب

۸۵. کامل الزیارات عن میسر بن عبد العزیز عن أبي جعفر عامام علی علیه السلام: دنیا، معدن بدی و جایگاه فریب است. ر. ک : ص ۱۰۷ (دنیا، کشتزار آخرت).

۱ / ۳۳ بازار زیانکاریقرآن «سوگند به عصر، که به راستی انسان، دست خوش زیان است، مگر کسانی که گرویدند و کارهای شایسته کردند و همدیگر را به حق سفارش نمودند و به شکیبایی توصیه کردند».

حدیث ۹۲. بستان الواعظین: امام علی علیه السلام: دنیا، بازار زیان است. ر. ک : ص ۱۰۷ (دنیا، کشتزار آخرت).

۱ / ۳۳ سرای فریبقرآن «و زندگی دنیا، جز مایه فریب نیست».

«دوستی خواستنی ها [ی گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب های نشاندار و چارپایان و کشتزار، برای مردم آراسته شده؛ [لیکن] اینها برخورداری زندگی دنیاست، حال آن که بازگشتگاه نیکو، نزد خداست».

ر. ک: بقره: آیه ۲۱۲، انعام: آیه ۷۰، اعراف: آیه ۵۱، کهف: آیه ۴۶، جاثیه: آیه ۳۵.

الحديث ١٠١. الحكايات بإسناده عن الحسين عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِاللَّوْعِ وَالْإِجْتِهَادِ وَالْعِبَادَةِ ، وَازْهِدُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الزَّاهِدَةَ فِيكُمْ ؛ فَإِنَّهَا غَرَارَةٌ ، دَارُ فَنَاءٍ وَزَوَالٍ . كَمْ مِنْ مُغْتَرِّ بِهَا قَدْ أَهْلَكَتُهُ ، وَكَمْ مِنْ وَائِقٍ بِهَا قَدْ خَانَتْهُ ، وَكَمْ مِنْ مُعْتَمِدٍ عَلَيْهَا قَدْ خَدَعَتْهُ وَأَسْلَمَتْهُ . (١) ١٠٢. المناقب والمثالب: الإمام علي عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ ، لَا تَغُرُّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ، فَإِنَّهَا دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ ، وَبِالْفَنَاءِ مَعْرُوفَةٌ ، وَبِالْعَمَلِ مَوْصُوفَةٌ . (٢) ١٠٣. الفتوح: عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا رَنْقٌ (٣) مَشْرَبُهَا ، رَدِغٌ (٤) مَشْرَعُهَا ، يُونُقٌ (٥) مَنْظَرُهَا ، وَيُونُقٌ (٦) مَخْبَرُهَا ، غُرُورٌ حَائِلٌ ، وَضَوْءٌ آفِلٌ ، وَظِلٌّ زَائِلٌ ، وَسِتْنَادٌ مَائِلٌ . (٧) ١٠٤. الأموال عن عبد الله بن منصور عن جعفر بن محمد علعه عليه السلام: الدُّنْيَا غُرُورٌ حَائِلٌ ، وَسِرَابٌ زَائِلٌ ، وَسِتْنَادٌ مَائِلٌ . (٨) ١٠٥. الخرائج والجرائح عن أبي حمزة عن علي بن الحسين عن علي عليه السلام في صِفَةِ الدُّنْيَا: تَغُرُّ وَتَضُرُّ وَتَمُرُّ ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَرْضَ بِهَا ثَوَابًا لِأَوْلِيَائِهِ ، وَلَا عِقَابًا لِأَعْدَائِهِ . (٩) .

- ١- الأموال للصدوق: ص ٣٥٤ ح ٤٣٢ عن المفضل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، روضه الواعظين: ص ٤٨٨ ، مشكاه الأنوار: ص ٤٥٠ ح ١٥٠٩ وفيه «غداره» بدل «غزاره» ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٧ ح ٥١ .
- ٢- تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٥٠٠ عن صالح العجلي ، تذكره الخواص: ص ١٢٣ نحوه ، المناقب للخوارزمي: ص ٣٧٠ ح ٣٨٩ كلاهما عن عبد الله بن صالح العجلي عن رجل من بنى شيبان وزاد فيهما «ولا يغرنكم بالله الغرور» بعد «الدنيا» ، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٠١ ح ٤٤٢٢٤ ؛ بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٧ ح ١٠٩ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ وفيه «بالعناء» بدل «بالفناء» .
- ٣- ماء رَنْقٌ وَعَيْشٌ رَنْقٌ: أي كِدِر (الصحاح: ج ٤ ص ١٤٨٥ «رنق»).
- ٤- رَدِغٌ: وَحِل (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٦٩٢ «ردغ»).
- ٥- الأُنُق: الفرح والسرور . والشئ الأُنُق: المعجب (النهاية: ج ١ ص ٧٦ «أنق»).
- ٦- وَيُونُقٌ: هَلِكٌ (النهاية: ج ٥ ص ١٤٦ «وبق»).
- ٧- نهج البلاغه: الخطبه ٨٣ ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٦ ح ١٠٩ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .
- ٨- غرر الحكم: ح ٢٠٥٣ وح ٣٦٦٩ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٠ ح ١١٢ و ص ١٤٥ ح ٣٢٣٣ نحوه .
- ٩- نهج البلاغه: الحكمة ٤١٥ ، روضه الواعظين: ص ٤٨٣ ، غرر الحكم: ح ٥١٣ وفيه صدره ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٢ ح ١٣٦ ؛ مطالب السؤل: ص ٥٧ .

حدیث ۱۰۷. الأمالی بإسناده عن الحسين بن علی بن علی بن أبی‌طالب خدا صلی الله علیه و آله: پارسایی و سختکوشی و عبادت در پیش بگیرد و به این دنیایی که به شما پشت می کند، پشت کنید؛ زیرا دنیا فریبکار است و سرای نیستی و نابودی است. چه بسیار کسانی که فریفته دنیا شدند و دنیا نابودشان کرد و چه بسیار کسانی که به دنیا اعتماد کردند، ولی دنیا به آنان خیانت کرد. چه بسیار کسانی که به دنیا اعتماد کردند؛ لیکن دنیا آنان را بازی داد و تنهایشان گذاشت. ۱۰۸. الخصال عن فاطمه بنت الحسین عن أبيها عليه السلام: امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! زنهار، زندگی دنیا شما را نفریبد که دنیا، سرایی است آکنده از گرفتاری، شناخته شده به نابودی و موصوف به بی وفایی. ۱۰۹. الأمالی بإسناده عن الحسين بن علی بن أبيه علی بنامام علی علیه السلام: دنیا، آبشخورش تیره است، چشمه اش گِل آلود است، ظاهرش شگفتی آور و درونش هلاکت بار است. فریبی از میان رونده است [سراب گونه است]، نوری غروب کننده، سایه ای رفتنی و تکیه گاهی ناستوار است. ۱۱۰. الإرشاد عن الإمام الحسين عليه السلام: امام علی علیه السلام: دنیا، فریبی از میان رفتنی است و سرابی زایل شدنی و تکیه گاهی ناستوار. ۱۱۱. الطبقات الكبرى عن يزيد الرشك: امام علی علیه السلام در وصف دنیا: می فریبد و زیان می زند و می گذرد. خداوند متعال، آن را نه به عنوان پاداشی برای دوستان خود پسندیده است، نه کیفری برای دشمنانش.

١١٢. تاريخ الطبري عن حميد بن مسلم: عنه عليه السلام أيضا: غَرَارَةٌ؛ غُرُورٌ ما فيها، فائِيَةٌ؛ فَإِنَّ مَنْ عَلِيَّهَا، لا خَيْرَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَزْوَادِهَا إِلَّا التَّقْوَى. (١) ١١٣. مقتل الحسين (في وقائع عاشوراء) عنه عليه السلام: احْدَرُوا الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا غَدَارَةٌ غَرَارَةٌ خَدُوعٌ، مُعْطِيَةٌ مَنْوَعٌ، مُلْبَسَةٌ نَزُوعٌ، لا يَدُومُ رَخَاؤُهَا، ولا يَنْقُضِي عَنَاؤُهَا، ولا يَرْكُدُ بِلَاؤُهَا. (٢) ١١٤. الملهوف: عنه عليه السلام: سُورُ الدُّنْيَا غُرُورٌ، وَمَتَاعُهَا ثُبُورٌ (٣). (٤) ١١٥. الملهوف: عنه عليه السلام: الدُّنْيَا تُغْوِي. (٥) ١١٦. نزهه الناظر: عنه عليه السلام: خَطَرُ الدُّنْيَا يَسِيرٌ، وَحَاصِلُهَا حَقِيرٌ، وَبَهْجَتُهَا زُورٌ، وَمَوَاهِبُهَا غُرُورٌ. (٦) ١١٧. الفتوح عن الإمام الحسين عليه السلام (في جوابه لِمِرْوَانَ لَمَّا قَالَ لَهُ: إِنِّي آمٌ) عنه عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ غَرَارَةٌ خَدَاعَةٌ، تَنْكِحُ فِي كُلِّ يَوْمٍ بَعْلًا، وَتَقْتُلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ أَهْلًا، وَتُفَرِّقُ فِي كُلِّ سَاعَةٍ شِمْلًا؛ فَكَمْ مِنْ مُنَافِسٍ فِيهَا وَرَاكِنٍ إِلَيْهَا مِنَ الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ قَدْ قَدَفْتَهُمْ فِي الْهَاطِئِ، وَدَمَّرْتَهُمْ تَدْمِيرًا، وَتَبَّرْتَهُمْ (٧) تَتْبِيرًا، وَأَصْلَتْهُمْ سَعِيرًا! (٨) ١١٨. الملهوف عن الإمام الحسين عليه السلام (في جوابه لِمِرْوَانَ حِينَ قَالَ لَهُ: إِنِّي آمٌ) عنه عليه السلام في المُنَاجَاةِ: إِلَهِي، كَيْفَ نَبْتَهِّجُ فِي دَارٍ حُفِرَتْ لَنَا فِيهَا حَفَائِزٌ صَيْرَعَتِهَا، وَفُتِلَتْ بِأَيْدِي الْمَنِيَا حَبَائِلُ غَدَرَتِهَا، وَجَرَّعَتْنَا مُكْرَهِينَ جُرْعَ

مَرَارَتِهَا، وَدَلَّتْنَا النَّفْسَ عَلَى انْقِطَاعِ عَيْشَتِهَا، لَوْلَا مَا صَيَّغَتْ (٩) إِلَيْهِ هَذِهِ النَّفُوسُ مِنْ رَفَائِعِ (١٠) لَعَدَّتْهَا، وَافْتَتَانَهَا بِالْفَانِيَاتِ مِنْ فَوَاحِشِ زِينَتِهَا. إِلَهِي فَإِلَيْكَ نَلْتَجِي مِنْ مَكَائِدِ خُدَعَتِهَا، وَبِكَ نَسْتَعِينُ عَلَى عُبُورِ قَنْطَرَتِهَا. (١١).

- ١- نهج البلاغه: الخطبه ١١١، تحف العقول: ص ١٨١، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٤ ح ١٠٩ نقلًا عن عيون الحكم والمواعظ.
- ٢- نهج البلاغه: الخطبه ٢٣٠، غرر الحكم: ح ٣٦٧٧ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٣ ح ٤٦.
- ٣- الثُّبُورُ: الهلاك والخسران (الصحاح: ج ٢ ص ٦٠٤ «ثبر»).
- ٤- غرر الحكم: ح ٥٥٧٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٣ ح ٥٠٩٧.
- ٥- غرر الحكم: ح ٢٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٦ ح ٧٣٤.
- ٦- غرر الحكم: ح ٥٠٧٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٤٢ ح ٤٦١٤ وفيه «وعاجلها» بدل «وحاصلها».
- ٧- تَبَّرَهُ تَتْبِيرًا: كَسَّرَهُ وَأَهْلَكَهُ (الصحاح: ج ٢ ص ٦٠٠ «تبر»).
- ٨- الأُمَالِي لِلطُّوسِي: ص ٦٨٥ ح ١٤٥٦ عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٧٤ ح ٣٦.
- ٩- صَعَّتْ: مَالَتْ (المصباح المنير: ص ٣٤٢ «صغى»).
- ١٠- الرَّفْعُ: سَعَةُ الْعَيْشِ وَالْخُصْبِ وَالسَّعَةِ (لسان العرب: ج ٨ ص ٤٣٠ «رفع»).
- ١١- البلد الأمين: ص ٣١٥، المصباح للكفعمي: ص ٤٩١ وفيه «رفائع» بدل «رفائع» وكلاهما عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٠٤ ح ١٤.

۱۱۹. تاریخ الطبری عن عقبه بن سمان: امام علی علیه السلام نیز در وصف دنیا: بس فریبنده است. هر آنچه در دنیاست، فریب است. فناپذیر است. هر که در آن است، از میان می رود. در هیچ یک از توشه های آن، بجز تقوا، خیری نیست. ۱۲۰. تاریخ الطبری عن الحسین بن عقبه المرادی: امام علی علیه السلام: از دنیا بر حذر باشید که دنیا، بس بی وفا و فریبنده و حيله گراست؛ هم می دهد و هم دریغ می ورزد، هم می پوشاند و هم برهنه می سازد. آسایش آن، نمی پاید و رنجش، به سر نمی آید و [توفان] گرفتاری ها و بلايش، آرام نمی گیرد. ۱۲۱. الذریه الطاهره عن محمد بن حسین بن علی بن حسین امام علی علیه السلام: شادی دنیا، فریب [و پوچ] است و کالایش نابودی و زیان. ۱۲۲. الخصال یاسناده عن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهما امام علی علیه السلام: دنیا، اغوا می کند. ۱۲۳. تاریخ الطبری عن جعفر بن حذیفه الطائی عن الحسین علی (لَمَّا بَلَغَهُ حَبْرٌ مُسْلِمٌ بِنِ عَقِيلٍ) امام علی علیه السلام: دنیا، اندک است و حاصلش ناچیز و شادی اش دروغ و دِهش هایش پوچ. ۱۲۴. تأویل الآیات الظاهره عن زید بن علی عن ابیه عن جد امام علی علیه السلام: بدانید که دنیا، سرایی فریبکار و نیرنگباز است، هر روز شوهری می کند و هر شب، خانواده ای را می گُشد و هر ساعت، انجمنی را از هم می پاشاند. چه بسیار مردمانی از ملت های پیشین که در پی دنیا کوشیدند و به آن گراییدند؛ اما دنیا به ورطه نابودی افکندشان و به سختی نابودشان کرد و به کلی آنان را درهم شکست و به کام دوزخ سپردشان! ۱۲۵. الفتح عن الإمام الحسین علیه السلام: امام علی علیه السلام در مناجات: معبود من! چگونه شاد باشیم در سرایی که در آن برای ما گورها حفر شده و دام های بی وفایی اش با دستان مرگ، رشته شده و جرعه های شرنگش را به زور به ما نوشانده است و نفس، ما را از پایان پذیری زندگی اش آگاه ساخته است؛ اگر نبود که این نفس ها به خزّمی لذت هایش

میل کرده اند و فریفته زرق و برق های فراوان و فناپذیر آن شده اند. معبود من! از ترفندهای فریبکارانه دنیا به تو پناه می بریم و برای گذشتن از پُل آن، از تو یاری می جویم. .

١٢٦. المناقب عن الإمام الحسين عليه السلام (فى قوله تعالى : { Q } « الَّذِينَ إِنْ مَكَنَّ) الإمام الباقر عليه السلام : إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا انْقَضَتِ الْقِصَّةُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرِ وَعَائِشَةَ بِالْبَصْرَةِ ، صَعِدَ الْمِئْبَرِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ قَالَ :

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ، إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ حَضِرَةٌ ، تَفْتِنُ النَّاسَ بِالشَّهَوَاتِ وَتُزَيِّنُ لَهُمْ بِعَاجِلِهَا ، وَآيَمُ اللَّهِ إِنَّهَا لَتُغَرُّ مَنْ أَمَلَهَا وَتُخَلِّفُ مَنْ رَجَاهَا ، وَسَيَتُورُثُ أَقْوَامًا النَّدَامَةَ وَالْحَسْرَةَ بِإِقْبَالِهِمْ عَلَيْهَا وَتَنَافِسَتِهِمْ فِيهَا ، وَحَسِيدِهِمْ وَبَغِيهِمْ عَلَى أَهْلِ الدِّينِ وَالْفَضْلِ فِيهَا ظُلْمًا وَعُدْوَانًا وَبَغْيًا وَأَشْرًا (١) وَبَطْرًا . (٢) ١٢٧. الفتح عن الإمام الحسين عليه السلام : عنه عليه السلام : أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ . . . فَلَا تَغُرَّنَّكُمْ الدُّنْيَا وَلَا تَرَكْنَا إِلَيْهَا ؛ فَإِنَّهَا دَارُ غُرُورٍ ، كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا وَعَلَى أَهْلِهَا الْفَنَاءَ ، فَتَرَوْدُوا مِنْهَا الَّذِي أَكْرَمَكُمْ اللَّهُ بِهِ مِنَ التَّقْوَى وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ ، فَإِنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْمَالِ الْعِبَادِ إِلَّا مَا خَلَصَ مِنْهَا ، وَلَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ . (٣) .

١- الأَشْرُ: البَطْرُ، وقيل: أشدُّ البَطْرِ (النهاية: ج ١ ص ٥١ «أشْر»).

٢- الكافي: ج ٨ ص ٢٥٦ ح ٣٦٨ عن سلام بن المستنير، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٢٣٣ ح ١٨٦.

٣- الكافي: ج ٣ ص ٤٢٢ ح ٦ عن محمد بن مسلم.

۱۲۸. کمال الدین یاسناده عن الحسين عن أبيه علي صلوات الامام باقر عليه السلام: امير مؤمنان عليه السلام، چون ماجرای میان او و طلحه و زبیر و عایشه در بصره پایان یافت، بر منبر رفت و حمد و ثنای خداوند به جای آورد و بر پیامبر خدا درود فرستاد و آن گاه فرمود: «ای مردم! دنیا شیرین و دل پذیر است، مردم را با خواست ها می فریبد و زرق و برق گذرای خود را در نگاه آنان می آراید. سوگند به خدا که دنیا، هر که را آرزومند آن شود، می فریبد و هر که را بدان امید بندد، نومید می سازد و به زودی، مردمانی را که به آن روی آورده اند و در آن به رقابت برخاسته اند و بر سر آن بر یکدیگر حسادت می ورزند و بر اهل دین و فضیلت ستم و تعدی و زورگویی و سرکشی و گستاخی می کنند، دچار پشیمانی و افسوس خواهد کرد. ۱۲۹. الکافی عن الحکم بن عتیبه: امام باقر علیه السلام: ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می کنم... زنده، دنیا شما را نفریبد و به آن دل مبنید که دنیا، فریبکده ای بیش نیست و خداوند، برای آن و اهلش نابودی رقم زده است. پس، از دنیا توشه تقوا و کار نیک برگیرید، که خداوند، ارجمندی شما را در آنها نهاده است؛ زیرا از اعمال بندگان، تنها آن عملی به درگاه خداوند می رسد که پاک و خالص باشد، و خدا فقط از پرهیزگاران می پذیرد..

١٣٠. شواهد التنزيل عن فاطمه بنت الحسين عن أبيها الحسين الإمام على عليه السلام في الديوان المنسوب إليه : مَضَى الدَّهْرُ
وَالْأَيَّامُ وَالذَّنْبُ حَاصِلٌ وَأَنْتَ بِمَا تَهْوَى عَنِ الْحَقِّ غَافِلٌ سُرُورُكَ فِي الدُّنْيَا غُرُورٌ وَحَسْرَةٌ وَعَيْشُكَ فِي الدُّنْيَا مُحَالٌ وَبَاطِلٌ
(١) ١٣١. تأويل الآيات الظاهره عن الإمام الحسين عليه السلام (لِأَصْحَابِهِ بِالطَّفِّ) عنه عليه السلام في الديوان المنسوب إليه :
جَمِيعُ فَوَائِدِ الدُّنْيَا غُرُورٌ وَلَا يَبْقَى لِمَسْرُورٍ سُرُورٌ فَقُلْ لِلشَّامِتِينَ بِنَا أَفِقُوا فَإِنَّ نَوَائِبَ الدُّنْيَا تَدُورُ (٢) راجع : ص ٢٤٠ (حقيقه الدنيا
الذميمة / الاغترار بالدنيا)

و ٣٥٢ (التحذير من الاغترار بالدنيا) .

١ / ٤٣ دار لَعِبٍ وَلَهْوِ الْكِتَابِ «وَمَا الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» . (٣)

«وَمَا هَذِهِ الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» . (٤)

«إِنَّمَا الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ إِنْ تُؤْمِنُوا وَ تَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَ لَا يَسْئَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ» . (٥)

«اعْلَمُوا أَنَّ مَا الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ
يَهْبِجُ فَتِرَاهُ مَضْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطْمًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَّعَ الْغُرُورِ» . (٦)

١- .الديوان المنسوب إلى الإمام على عليه السلام : ص ٤١٢ الرقم ٣٢٦ .

٢- .الديوان المنسوب إلى الإمام على عليه السلام : ص ٢٥٨ الرقم ١٧٨ .

٣- .الأنعام : ٣٢ .

٤- .العنكبوت : ٦٤ .

٥- .محمد: ٣٦ .

٦- .الحديد : ٢٠ .

۱ / ۴۳ سرای بازی و سرگرمی

۱۴۱. روضه الواعظین عن الحسین بن علیّ علیه السلام: امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان: روزگار و روزها گذشت و حاصلش گناه بود /

و تو به سبب هواهای نفسانی ات ، از حق غافل .

شادی تو در دنیا ، فریب و حسرتی بیش نیست

و زیستن تو در دنیا ، محال و ناشدنی است . ۱۴۲. صحیح البخاری عن ابن شهاب عن علیّ بن حسین علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : همه منافع دنیا فریب است / و شادی هیچ شادمانی پایدار نمی ماند . به دشمنی شادان ما بگو: به هوش باشید / که مصیبت های دنیا می چرخد [و نوبت شما هم می رسد] . ر . ک : ص ۲۴۱ (حقیقت دنیای نکوهیده / فریفته شدن به دنیا)

و ۳۵۳ (بر حذر داشتن از فریفته شدن به دنیا) .

۱ / ۴۳ سرای بازی و سرگرمی قرآن «و زندگی دنیا ، جز بازی و سرگرمی نیست، و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگاری می کنند ، بهتر است . آیا نمی اندیشید؟» .

«و این زندگی دنیا ، جز سرگرمی و بازی نیست، و سرای آخرت است که زندگی [حقیقی] است . ای کاش می دانستند!» .

«زندگی دنیا، در حقیقت، یک بازی و سرگرمی است و اگر شما ایمان آورید و تقوا پیشه کنید ، مزدهای شما را می دهد، و از شما اموالتان را [در عوض] نمی خواهد» .

«بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون جویی در دارایی ها و فرزندان است. [مثل آنها] چون مثل بارانی است که کشاورزان را رُستنی آن [باران] به شگفتی اندازد، سپس [آن کشت خشک شود و آن را زرد بینی، آن گاه ، خاشاک شود. و در آخرت [دنیاپرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگانی دنیا ، جز کالای فریبنده ای نیست» .

الحديث ١٥٣. معانى الأخبار عن زيد بن علي عن أبيه علي بن الحسالإمام علي عليه السلام في ذم الدنيا: فَبَسَّتِ الدَّارُ لِمَن لَمْ يَتَهَيَّبْهَا وَلَمْ يَكُنْ فِيهَا عَلَى وَحِيلٍ ، وَعَلِمُوا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنْكُمْ تَارِكُوهَا لِابْتِدَاءِ ، وَإِنَّمَا هِيَ كَمَا نَعَتَ اللَّهُ : «لَعِبٌّ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَعْوَالِ» . (١) / ١ / ٣ / ٥ دارُ خَبَالٍ ١٥٦. الأمالى عن عبد الرحمن بن أبي ليلى عن الحسين بن علاالإمام علي عليه السلام : إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ خَبَالٍ (٢) وَوَبَالٍ وَزَوَالٍ وَانْتِقَالٍ ، لَا تُسَاوِي لِدَاتِهَا تَنْغِيصَهَا ، وَلَا تَفِي سُعُودَهَا بِنُحُوسِهَا ، وَلَا يَقُومُ صُيُوعُودُهَا بِهُبُوطِهَا . (٣) / ١ / ٣ / ٦ دارُ مَعْصِيَةِ ١٥٩. كشف الغمّة عن الإمام الحسين عليه السلام :الإمام علي عليه السلام : مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنَّهُ لَا يُعْصَى إِلَّا فِيهَا ، وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِتَرْكِهَا . (٤) / ١٦٠. المناقب عن أبي سعيد دينار عن الحسين عليه السلام :عنه عليه السلام : دارُ الفناءِ مَقِيلٌ (٥) العاصينَ ، وَمَحَلُّ الْأَشْقِيَاءِ وَالْمُتَعَدِّينَ . (٦) .

- ١- تحف العقول : ص ١٨٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٩٨ ح ٨١ .
- ٢- الخبال : الفساد ، ويكون في الأفعال والأبدان والعقول (النهاية : ج ٢ ص ٨ «خبل»).
- ٣- غرر الحكم : ح ٣٤٨٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٥١ ح ٣٣١٣ .
- ٤- نهج البلاغه : الحكمه ٣٨٥ ، غرر الحكم : ح ٣٦٦٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٣٢ ح ١٣٦ .
- ٥- المقييل : الاستراحه نصف النهار إذا اشتد الحرّ ، والمقييل أيضا : الموضع (لسان العرب : ج ١١ ص ٥٧٨ و ص ٥٧٧ «قيل»).
- ٦- غرر الحكم : ح ٥١٢٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥١ ح ٤٧٠٣ .

۱ / ۳ سرای تباهی

۱ / ۳ سرای نافرمانی

حدیث ۱۶۲. الأمالی عن أبان بن تغلب عن أبي جعفر محمد بن علی امام علی علیه السلام در نکوهش دنیا: بد سرایی است برای کسی که از آن نهراسد و در دنیا، بیمناک نباشد، و بدانید و می دانید که به ناچار، دنیا را ترک خواهید کرد، و دنیا چنان است که خداوند، وصف کرده است: «بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی میانتان و فزون جویی در دارایی ها و فرزندان است». ۱ / ۳ / ۵ سرای تباهی ۱۶۵. عیون أخبار الرضا یاسناده عن الحسین بن علی علیه امام علی علیه السلام: دنیا، سرای تباهی (۱) و گزند و دگرگونی و جا به جایی است، خوشی های آن با تلخی هایش برابری نمی کند، و خوش بختی هایش با بدبختی هایش همسان نیست، و فرازش با نشیبش یکسان نیست. ۱ / ۳ / ۶ سرای نافرمانی ۱۶۸. عیون أخبار الرضا یاسناده عن الحسین بن علی علیه امام علی علیه السلام: از خواری و بی مقداری دنیا در نزد خداست که او، جز در دنیا نافرمانی نمی شود و جز با ترک آن، به آنچه [از بهشت و نعمت های ابدی که] نزد خداست، نمی توان رسید. ۱۶۹. الأمالی عن زید بن علی: امام علی علیه السلام: این سرای نیستی، خوابگاه نیم روزی نافرمانان است و جایگاه شوربختان و تجاوزگران.

۱- ممکن است به آیه ۱۱۸ سوره آل عمران «لَا- يَأْتُونَكُمُ خَبَالًا» خَبَال، به معنای شر و فساد و تباهی است و به همین جهت، جنون را «خبل» هم می گویند؛ چون فساد عقل است.

١ / ٣٧٢ دارُ شَقَاءٍ ١٧٢. المستدرک علی الصحیحین بإسناده عن الحسن بن علی عالإمام علی علیه السلام: إن کُنْتُمْ لِلنَّعِيمِ طَالِبِينَ ، فَأَعْتَقُوا أَنْفُسَكُمْ مِّنْ دَارِ الشَّقَاءِ . (١) ١٧٣. الإرشاد: عنه علیه السلام: الدُّنْيَا دَارُ الْغُرَبَاءِ ، وَمِوْطِنُ الْأَشْقِيَاءِ . (٢) ١ / ٣٨٨ دارُ الظَّالِمِينَ ١٧٦. بحار الأنوار عن أبي عبد الله الحسين عليه السلام: الخواطر: قِيلَ : أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا مُوسَى ، مَا لَكَ وَلِدَارِ الظَّالِمِينَ؟! إِنَّهَا لَيْسَتْ لَكَ بَدَارٍ ، أَخْرَجَ مِنْهَا هَمَّكَ ، وَفَارَقَهَا بَعْقَلِكَ ، وَبِئْسَتِ الدَّارُ هِيَ ، إِلَّا لِلْعَامِلِ فِيهَا فَنِعْمَتِ الدَّارُ هِيَ . (٣) ١٧٧. الملهوف عن عمر بن علي بن أبي طالب عن الحسين بن الكافي عن علي بن عيسى رَفَعَهُ: إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاجَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ لَهُ فِي مُنَاجَاتِهِ : يَا مُوسَى ، طَبَّ نَفْسًا عَنِ الدُّنْيَا وَانطَوَّ عَنْهَا ، فَإِنَّهَا لَيْسَتْ لَكَ وَلَيْسَتْ لَهَا ، مَا لَكَ وَإِدَارِ الظَّالِمِينَ ! إِلَّا لِلْعَامِلِ فِيهَا بِالْخَيْرِ ؛ فَإِنَّهَا لَهُ نِعَمٌ الدَّارُ . (٤) ١٧٨. عيون أخبار الرضا بإسناده عن الحسين بن علي عن علي إمام الباقر عليه السلام: إِنَّ فِيهَا نَاجَى اللَّهُ بِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ : إِنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِثَوَابٍ لِلْمُؤْمِنِ بِعَمَلِهِ ، وَلَا نِقْمَةٍ لِلْفَاجِرِ [بِقَدْرِ] (٥) ذَنْبِهِ ، وَهِيَ دَارُ الظَّالِمِينَ ، إِلَّا الْعَامِلِ فِيهَا بِالْخَيْرِ ؛ فَإِنَّهَا لَهُ نِعْمَتِ الدَّارُ . (٦) .

- ١- غرر الحكم : ح ٣٧٤٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٦٣ ح ٣٤٧٩ وفيه «شقاء الدنيا» بدل «دار الشقاء» .
- ٢- غرر الحكم : ح ١٢٠٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٦ ح ١١٣١ .
- ٣- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٣٢ ؛ إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ٣٠٢ .
- ٤- الكافي : ج ٨ ص ٤٧ ح ٨ ، تحف العقول : ص ٤٩٤ من دون إسنادٍ إلى الراوي ، أعلام الدين : ص ٢٢١ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٦ ح ٧ .
- ٥- ما بين المعقوفين سقط من المصدر ، وأثبتناه من بحار الأنوار .
- ٦- قصص الأنبياء : ص ١٦٢ ح ١٨٣ عن قتيبة الأعشى ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٠٤ ح ٩٧ .

۱ / ۳ / ۷ سرای بدبختی

۱ / ۳ / ۸ سرای ستمکاران

۱ / ۳ / ۷ سرای بدبختی ۱۸۱. کتاب سلیم بن قیس: امام علی علیه السلام: اگر خواهان نیک بختی و راحتی هستید، پس جان هایتان را از [بندگی این] سرای شوربختی، آزاد سازید. ۱۸۲. الإرشاد (فی ذکر مسیر الإمام الحُسین علیه السلام) امام علی علیه السلام: دنیا، خانه [موقت] غریبان است و وطنِ شوربختان. ۱ / ۳ / ۸ سرای ستمکاران ۱۸۵. التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: تنبیه الخواطر: گفته شده که خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی فرمود: «ای موسی! تو را با سرای ستمکاران چه کار؟! دنیا، سرای تو نیست، همّت را از آن بیرون بر و با خردت از آن جدا شو. دنیا، بدسرای است، مگر برای کسی که در آن به کار و عمل پردازد که در این صورت، دنیا، سرای خوبی است. ۱۸۶. الاستنصار عن أبي الجارود عن أبي جعفر محمد بن علی الکافی به نقل از علی بن عیسی، در حدیثی که سندش را به معصوم علیه السلام رسانده است: خداوند تبارک و تعالی با موسی علیه السلام مناجات کرد و در مناجاتش به او گفت: «ای موسی! دل و جان را از دنیا رها کن و از آن روی بگردان؛ زیرا نه دنیا برای توست و نه تو برای دنیایی تو را با سرای ستمکاران چه کار؟! مگر این که کسی در آن، کار نیک کند که در این صورت، برای او نیکو سرایی است.» ۱۸۷. کفایه الأثر عن إبراهيم بن یزید السّمان عن أبيه عنامام باقر علیه السلام: از جمله مناجات های خداوند با موسی علیه السلام این بود که فرمود: «دنیا، نه پاداشی است برای عمل مؤمن، و نه کیفر گناه گنهکار است. دنیا، سرای ستمکاران است، مگر این که کسی در آن، کار نیک کند که در این صورت، برای او نیکو سرایی است.»

١ / ٣ دارُ الفاسقينالكتاب: «سأريكم دارَ الفسقين». (١).

الحديث: ١٩٣. كمال الدين ياسناده عن الحسين بن عليّ عليهما السلام تفسير العياشي: عن محمد بن سابق بن طلحة الأنصاري: كان مما قال هارون لآبي الحسن موسى عليه السلام حين أدخل عليه: ما هذه الدار؟

قال: هذه دارُ الفاسقين. قال: وقرأ: «سأصيرُ عن آيتي الذين يتكبرون في الأرضِ بغيرِ الحقِّ وإن يروا كُلاًّ آيةً لا يؤمنوا بها وإن يروا سبيلَ الرُّشدِ لا يتخذوه سبيلاً وإن يروا سبيلَ الغيِّ يتخذوه سبيلاً» (٢).

فقال له هارون: فدارُ من هي؟

قال: هي لشيعتنا فتره، ولغيرهم فتنه.

قال: فما بال صاحبِ الدارِ لا يأخذها؟

قال: أخذت منه عامرة، ولا يأخذها إلا معمورة. (٣) ١ / ٣ دارُ من لا دارَ له ١٩٦. كفاية الأثر عن محمد بن مسلم: رسول الله صلى الله عليه وآله: الدنيا دارُ من لا دارَ له، ولها يجمع من لا عقلَ له. (٤).

١- الأعراف: ١٤٥.

٢- الأعراف: ١٤٦.

٣- تفسير العياشي: ج ٢ ص ٢٩ ح ٧٨، الإختصاص: ص ٢٦٢، بحار الأنوار: ج ٤٨ ص ١٣٨ ح ١٣.

٤- مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣٤٤ ح ٢٤٤٧٣، ذم الدنيا لابن أبي الدنيا: ص ٩٢ ح ١٨٢، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٧٥ ح

١٠٦٣٨ وفيهما بزياده «ومال من لا- مال له» بعد «لا- دار له» وكلها عن عائشه، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٦ ح ٦٠٨٦؛ مكارم

الأخلاق: ج ٢ ص ٣٤٠ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٥٤ ح ٢٦.

۱ / ۳ / ۹ سرای فاسقان

۱ / ۳ / ۹ سرای فاسقانقرآن «به زودی سرای فاسقان (۱) را به شما نشان می دهم» .

حدیث ۲۰۲. رجال الکشی عن فضیل غلام محمّد بن راشد عن أبي عبد تفسیر العیاشی به نقل از محمّد بن سابق بن طلحه انصاری: هنگامی که ابو الحسن (امام کاظم علیه السلام را نزد هارون بردند ، از جمله چیزهایی که هارون به ایشان گفت ، این بود که: این سرا (دنیا) چیست؟

فرمود: «این، سرای فاسقان است. [خداوند متعال] فرمود: «[به زودی سرای فاسقان را به شما نشان می دهم]. [به زودی کسانی را که در زمین به ناحق تکبر می ورزند، از آیاتم روی گردان می سازم [به طوری که] اگر هر نشانه ای را [از قدرت من] بنگرند ، بدان ایمان نمی آورند، و اگر راه صواب را ببینند ، آن را بر نمی گزینند و اگر راه گم راهی را ببینند ، آن را راه خود قرار می دهند» .»

هارون به ایشان گفت: بنا بر این، این سرای چیست؟

فرمود: «برای شیعیان ما یک مرحله است و برای دیگران ، مایه فتنه» .

گفت: پس چرا صاحب سرای ، آن را نمی گیرد؟

فرمود: «[چون] از او در حالی ستانده شد که آباد بود، و آن را نمی ستاند ، مگر در حالی که آباد باشد» . (۲) ۱ / ۳ / ۱۰ سرای کسی که سرایی ندارد ۲۰۵. کفایه الأثر عن أبي خالد الكابلي عن علي بن الحسين پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا، سرای کسی است که سرایی [در آخرت] ندارد و کسی برای آن گرد می آورد که خرد ندارد.

۱- فسق ، در اصل ، برهنه شدن و از پوست بیرون آمدن بوده است. گفته می شود: «فَسَقَ الرَّطْبُ» ، یعنی : «رطب پوست انداخت». این کلمه در گناه کم و بسیار به کار می رود و اعم از کفر است ؛ ولی در گناه بسیار ، متعارف شده است. فسق ، به کسی گفته می شود که به حکم شرع ، گردن نهاده و سپس از آن تمرد کرده است. (مفردات ألفاظ القرآن، واژه «فسق»).

۲- به نظر می رسد که امام کاظم علیه السلام در گفتگو ، دنیای نکوهیده را که هارون از آن کام می گرفت ، ابتدا سرای کام روایی فاسقان می نامد ، در ادامه ، هارون با اشاره به امام علیه السلام می گوید: اگر دنیا ، سرای فاسقان است ، ارتباطی با شما و پیروانتان که مدّعی خلافت هستید ، ندارد. امام علیه السلام اشاره می فرماید که اگر دنیا در اختیار صاحبان واقعی آن که پیروان ما هستند قرار می گرفت ، مرحله ای بود برای خودسازی و سازندگی ؛ امّا برای غیر آنها مایه فتنه است. در این جا

هارون با صراحت می گوید: اگر شما واقعاً خود را صاحب خانه دنیا می دانید، چرا آن را نمی گیرید؟ امام علیه السلام پاسخ می دهد: «هنگامی که این خانه (یعنی خلافت) از ما گرفته شد، آباد بود و اکنون، خراب شده است». به سخن دیگر، امام کاظم علیه السلام همان عذر جدش امام علی علیه السلام در نپذیرفتن خلافت را تکرار کرد که می فرمود «إِنَّ الْأَفَاقَ قَدْ أَغَامَتِ وَالْمَحَجَّةَ قَدْ تَنَكَّرَتِ» (ر.ک: دانش نامه امیرالمؤمنین: بخش پنجم / فصل یکم / حدیث ۱۲۸۵). فرزندش امام رضا علیه السلام نیز برای نپذیرفتن ولایت عهدی مأمون همین جمله را تکرار فرمود.

٢٠٦. كفايه الأثر بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام عن عليّ بن أبي طالب عليه وآله: الدُّنْيَا دَارٌ مِّنْ لَا دَارَ لَهَا، وَمَالٌ مِّنْ لَا مَالَ لَهٗ، وَلَهَا يَجْمَعُ مِّنْ لَا عَقْلَ لَهَا، وَشَهَوَاتِهَا يَطْلُبُ مِّنْ لَا فَهْمَ لَهَا، وَعَلَيْهَا يُعَادَى مِّنْ لَا عِلْمَ لَهَا، وَعَلَيْهَا يَحْسُدُ مِّنْ لَا فِقْهَ لَهَا، وَلَهَا يَسْعَى مِّنْ لَا يَقِينَ لَهَا. (١) ٢٠٧. كفايه الأثر بإسناده عن الحسين عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام في الحِكْمِ الْمُنْسُوبِ إِلَيْهِ: الدَّارُ دَارٌ مِّنْ لَا دَارَ لَهَا، وَبِهَا يَفْرَحُ مِّنْ لَا عَقْلَ لَهَا، فَأَنْزَلُوهَا مَنْزِلَتَهَا. (٢) ٢٠٨. كفايه الأثر عن زيد بن عليّ بن الحسين عن الإمام الصادق عليه السلام: خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ مَحْزُونٌ، فَأَتَاهُ مَلَكٌ وَمَعَهُ مَفَاتِيحُ خَزَائِنِ الْأَرْضِ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، هَذِهِ مَفَاتِيحُ خَزَائِنِ الْأَرْضِ، يَقُولُ لَكَ رَبُّكَ: افْتَحْ وَخُذْ مِنْهَا مَا شِئْتَ مِنْ غَيْرِ أَنْ تَنْقُصَ شَيْئًا عِنْدِي.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الدُّنْيَا دَارٌ مِّنْ لَا دَارَ لَهَا، وَلَهَا يَجْمَعُ مِّنْ لَا عَقْلَ لَهَا.

فَقَالَ الْمَلَكُ: وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا، لَقَدْ سَجِعْتُ هَذَا الْكَلَامَ مِنْ مَلَكٍ يَقُولُهُ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ حِينَ أُعْطِيَتْ الْمَفَاتِيحُ! (٣) ١١٣. أقرب دارٍ مِّنْ سَخَطِ اللَّهِ ٢١١. كمال الدين عن عبد الله بن عمر: الإمام عليّ عليه السلام يَصِفُ الدُّنْيَا: أَقْرَبُ دَارٍ مِّنْ سَخَطِ اللَّهِ، وَأَبْعَدُهَا مِّنْ رِّضْوَانِ اللَّهِ؛ فَعُضُّوا عَنْكُمْ عِبَادَ اللَّهِ غُمُومَهَا وَأَشْغَالَهَا، لِمَا قَدْ أُيْقِنْتُمْ بِهِ مِنْ فِرَاقِهَا وَتَصَرُّفِ حَالَاتِهَا. (٤).

١- مشكاة الأنوار: ص ٤٦٧ ح ١٥٦٠، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٧٠، روضه الواعظين: ص ٤٩١، إرشاد القلوب: ص ١٨٦ وليس فيه «ومال من لا مال له»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٣ ح ١١١؛ إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣٠٠ وليس فيه «وشهواتها يطلب من لا فهم له».

٢- شرح نهج البلاغه: ج ٢٠ ص ٣٠٩ ح ٥٤٢.

٣- الكافي: ج ٢ ص ١٢٩ ح ٨ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٥٤ ح ٢٦.

٤- نهج البلاغه: الخطبه ١٦١.

۱ / ۳ / ۱۰ سرای کسی که سرایی ندارد**۱ / ۳ / ۱۱ نزدیک ترین سرا به خشم خداوند**

۲۱۲. إثبات الهداه عن ثابت بن دینار عن أبي جعفر عليه السلام صلى الله عليه وآله: الدنيا، سرای کسی است که سرایی ندارد و دارایی کسی است که مالی ندارد و کسی از بهر آن گرد می آورد که خرد ندارد و کسی در پی خواسته های دنیوی می رود که فهم ندارد، و کسی بر سر دنیا دشمنی می ورزد که شناخت ندارد و کسی به خاطر آن حسادت می ورزد که دانایی ندارد و کسی برای آن تلاش می کند که [به آخرت] یقین ندارد. ۲۱۳. کمال الدین یاسناده عن الحسين بن علي عليه السلام امام علي عليه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: دنیا، سرای کسی است که سرایی ندارد و کسی به آن شاد می شود که خرد ندارد. پس دنیا را در جایگاه [واقعی] خودش قرار دهید. ۲۱۴. کفایه الأثر عن يحيى بن جعدة بن هبيرة عن الحسين بن (في جواب رَجُلٍ سَأَلَهُ عَنِ الْأَيْمَةِ) امام صادق عليه السلام: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که غمگین بود، بیرون آمد. فرشته ای با کلیدهای خزانه های زمین، نزد ایشان آمد و گفت: «ای محمد! اینها کلیدهای خزانه های زمین است. پروردگارت به تو می گوید: [خزانه ها را] باز کن و از آنها هر اندازه که می خواهی، بردار، بی آن که از آنچه [از مقام و پاداش] نزد من داری، چیزی کم شود».

پیامبر خدا فرمود: دنیا، سرای کسی است که سرایی ندارد و کسی برای آن گرد می آورد که خرد ندارد.

فرشته گفت: «سوگند به آن که تو را به حق به پیامبری برانگیخت، هنگامی که در آسمان چهارم کلیدها به من داده شد، از فرشته ای نیز شنیدم که همین سخن را می گفت». ۱ / ۳ / ۱۱ نزدیک ترین سرا به خشم خداوند ۲۱۷. دلایل الإمامه عن الزهري عن علي بن الحسين عن أبيه امام علي عليه السلام در وصف دنیا: نزدیک ترین سرا به خشم و ناخشنودی خداوند و دورترین سرا به خشنودی خداست. پس ای بندگان خدا غم ها و

مشغله های دنیا را از خود، کم کنید؛ زیرا به جدایی دنیا و ناپایداری حالات آن، یقین دارید.

١ / ٣١٢ سجن المؤمن وجنّه الكافر ٢٢٠. كمال الدين ياسناده عن الحسين بن عليّ عن أبيه أمير رسول الله صلى الله عليه وآله :الدنيا سجن المؤمن ، وجنّه الكافر . (١) ٢٢١. عقد الدرر عن الحسين بن عليّ عليه السلام :عنه صلى الله عليه وآله :الدنيا لا تصفو لمؤمن ، كيف وهى سجنه وبلاؤه؟! (٢) ٢٢٢. كتاب من لا يحضره الفقيه عن سالم عن أبي عبد الله عليه وآله :إنّ الدنيا سجن المؤمن ، فأى سجن جاء منه خيراً؟! (٣) ٢٢٣. مستدرک الوسائل عن مسروق :عنه صلى الله عليه وآله :الدنيا سجن المؤمن ، لا راحة لمؤمن دون لقاء الله . (٤) ٢٢٤. كتاب من لا يحضره الفقيه :عنه صلى الله عليه وآله :الدنيا سجن المؤمن وسنته (٥) ، فإذا فارق الدنيا فارق السجن والسنة . (٦) ٢٢٥. المحاسن عن زيد بن أرقم عن الحسين بن عليّ عليه السعنه صلى الله عليه وآله :الدنيا سجن المؤمن وجنّه الكافر ، فأما (٧) المؤمن فمروّع فيها ، وأما الكافر فمتمتّع منها . (٨) .

- ١- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٦٣ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص ٥٣ ، الأمالي للطوسي : ص ٣٤٦ ح ٧١٥ عن سلمان ، دعائم الإسلام : ج ١ ص ٤٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٩٩ ح ٨٤ ؛ صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٢٧٢ ح ١ ، سنن الترمذى : ج ٤ ص ٥٦٢ ح ٢٣٢٤ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣٧٨ ح ٤١١٣ كلّها عن أبي هريره ، المستدرک على الصحيحين : ج ٣ ص ٦٩٩ ح ٦٥٤٥ ، المعجم الكبير : ج ٦ ص ٢٣٦ ح ٦٠٨٧ كلاهما عن سلمان ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٨٥ ح ٦٠٨١ .
- ٢- .الفردوس : ج ٢ ص ٢٢٩ ح ٣١٠٥ ، كشف الخفاء : ج ١ ص ٤١٠ ح ١٣١٧ كلاهما عن عائشه ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٨٧ ح ٦٠٩٠ .
- ٣- .مشكاة الأنوار : ص ٤٦٥ ح ١٥٥٣ ، الكافي : ج ٢ ص ٢٥٠ ح ٧ عن شعيب عن الإمام الصادق عليه السلام ، مستطرفات السرائر : ص ١٥٩ ح ٣٢ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٦٨ ص ٢٢١ ح ١١ .
- ٤- .الفردوس : ج ٢ ص ٢٢٩ ح ٣١٠٦ عن أبي هريره .
- ٥- .السنة : الجذب ، يقال : أخذتهم السنة ؛ إذا أجدبوا وأقحطوا (النهايه : ج ٢ ص ٤١٣ «سنة»).
- ٦- .مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٦٣٥ ح ٦٨٧٢ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٣٥١ ح ٧٨٨٢ ، الزهد لابن المبارك : ص ٢١٢ ح ٥٩٨ ، الفردوس : ج ٢ ص ٢٢٩ ح ٣١٠٤ كلّها عن عبد الله بن عمرو ، حليه الأولياء : ج ٨ ص ١٧٧ عن عبد الرحمن بن عمرو ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٨٥ ح ٦٠٨١ .
- ٧- .فى المصدر زيادة كلمه «سجن» هنا ، وحذفها طبقاً لباقي المصادر ، إذ لا يصحّ السياق معها .
- ٨- .الجعفریات : ص ٢٠٤ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، التمهيص : ص ٤٨ ح ٧٦ عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله و آله نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٢٤٢ ح ٧٧ .

۱ / ۱۲۳ زندان مؤمن و بهشت کافر

۱ / ۱۲۳ زندان مؤمن و بهشت کافر ۲۲۸. تاریخ دمشق عن علی بن محمد بن الصایغ عن أبيه عن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است. ۲۲۹. الخصال یاسناده عن الحسين عن أبيه علی بن أبي طالب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دنیا به کام هیچ مؤمنی نمی شود. چگونه شود، حال آن که دنیا، زندان او و مایه رنج و گرفتاری اوست؟! ۲۳۰. المؤمن عن سعد بن طریف: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دنیا، زندان مؤمن است. کدام زندان است که از آن، خیر و خوشی آید؟! ۲۳۱. علل الشرائع عن عبد الله بن الحسن عن علی بن الحسين پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دنیا، زندان مؤمن است. هیچ مؤمنی بدون لقای خداوند، آسایش نمی یابد. ۲۳۲. المحاسن عن إسحاق بن جریر الجریری عن رجل من أهل بی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دنیا، زندان مؤمن و قحطگاه اوست و چون از دنیا برود، از این زندان و قحطگاه می رهد. ۲۳۳. شرح نهج البلاغه عن ابن عباس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است. زندان مؤمن است؛ چون در آن هراسان است، و بهشت کافر است؛ چون از آن برخوردار است.

٢٣٤. تنبيه الخواطر: عنه صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَالْقَبْرِ حِصْنُهُ وَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ ، وَالْدُّنْيَا جَنَّةُ الْكَافِرِ وَالْقَبْرِ سِجْنُهُ وَالنَّارُ مَأْوَاهُ . (١) ٢٣٥. الإرشاد: عنه صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَالْقَبْرِ حِصْنُهُ وَإِلَى الْجَنَّةِ مَصِيرُهُ ، وَالْدُّنْيَا جَنَّةُ الْكَافِرِ وَالْقَبْرِ سِجْنُهُ وَإِلَى النَّارِ مَصِيرُهُ . وَإِنَّمَا صَارَتِ الدُّنْيَا لِلْمُؤْمِنِ سِجْنًا ؛ لِأَنَّ الْمَسْجُونَ مُضْطَرٌّ إِلَى الصَّبْرِ . (٢) ٢٣٦. أنساب الأشراف عن الإمام الحسين عليه السلام (فى جوابِ مَنْ دَعَاهُ إِلَى تَقْضِ بَيْعِهِ مُعَاوِيَةَ) عنه صلى الله عليه وآله لِأَبِي ذَرٍّ : يَا أَبَا ذَرٍّ ، إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَالْقَبْرِ أَمْنُهُ وَالْجَنَّةُ مَصِيرُهُ . يَا أَبَا ذَرٍّ ، إِنَّ الدُّنْيَا جَنَّةُ الْكَافِرِ وَالْقَبْرِ عَذَابُهُ وَالنَّارُ مَصِيرُهُ . (٣) ٢٣٧. أنساب الأشراف عن الإمام الحسين عليه السلام (لِمُحَمَّدِ بْنِ بَشِيرٍ وَسُفْيَانَ بْنِ لَيْلَى الْهَمَّ) عنه صلى الله عليه وآله أيضا : يَا أَبَا ذَرٍّ ، الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ ، وَمَا أَصْبَحَ فِيهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا حَزِينًا ، فَكَيْفَ لَا يَحْزَنُ الْمُؤْمِنُ وَقَدْ أَوْعَدَهُ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَنَّهُ وَإِذَا فَارَقَهَا أَفْضَى إِلَى الرَّاحَةِ وَالْكَرَامَةِ . (٤) ٢٣٨. أنساب الأشراف عن الإمام الحسين عليه السلام (فى جوابِ كِتَابِ كَتَبَهُ إِلَيْهِ جَمَاعَةٌ مِنْ ش) عنه صلى الله عليه وآله : أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ جَبْرِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَحْسَنِ مَا كَانَ يَأْتِنِي صُورَةً ، فَقَالَ : إِنَّ السَّلَامَ

يُقْرِئُكَ السَّلَامَ يَا مُحَمَّدَ ، وَيَقُولُ : إِنِّي أَوْحَيْتُ إِلَى الدُّنْيَا أَنْ تَمَرَّرِي وَتَكْدَرِي وَتَضَيَّقِي وَتَشَدَّدي عَلَى أَوْلِيَائِي حَتَّى يُحِبُّوا لِقَائِي ، وَتَسَهَّلِي وَتَوَسَّعِي وَتَطَيَّبِي لِأَعْدَائِي حَتَّى يَكْرَهُوا لِقَائِي ؛ فَإِنِّي جَعَلْتُهَا سِجْنًا لِأَوْلِيَائِي وَجَنَّةً لِأَعْدَائِي . (٥) .

١- .الجعفریات : ص ٢٠٤ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الخصال : ص ١٠٨ ح ٧٤ عن إبراهيم بن عبد الحميد عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام ، تحف العقول : ص ٣٦٣ عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «الصبر حصنه» بدل «القبر حصنه» ، الاعتقادات : ص ٩٦ عنهم عليهم السلام ، الدعوات : ص ٢٨٠ ح ٨١٧ عن الإمام العسكري عليه السلام ، جامع الأحاديث للقمي : ص ٧٨ عن علي بن صدقه الرقي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٩١ ح ٦٧ .

٢- .الفردوس : ج ٢ ص ٢٣٠ ح ٣١٠٧ عن ابن عمر .

٣- .حليه الأولياء : ج ٦ ص ٣٥٣ ، كشف الخفاء : ج ٢ ص ٤٠٠ ح ٣٢٧٦ نقلًا عن الطبراني وكلاهما عن ابن عمر ؛ إرشاد القلوب : ص ١٨ نحوه .

٤- .مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٦٧ ح ٢٦٦١ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٥٥ وفيه «أمراضا» بدل «أعراضا» ، الأمالي للطوسي : ص ٥٢٩ ح ١١٦٢ ، أعلام الدين : ص ١٩٢ وليس فيهما ذيله من «وليلقين...» وكلها عن أبي الأسود الدؤلي ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٧٨ ح ٣ .

٥- .المعجم الكبير : ج ١٩ ص ٧ ح ١١ ، شعب الإيمان : ج ٧ ص ١٤٩ ح ٩٨٠٠ ، الفردوس : ج ١ ص ١٤٥ ح ٥٢١ كلاهما نحوه وكلها عن قتاده بن النعمان ، كثر العمال : ج ٣ ص ١٩١ ح ٦١١٠ ؛ أعلام الدين : ص ٢٧٧ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٨١ ص ١٩٤ ح ٥٢ .

۲۳۹. الطبقات الكبرى: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دنیا، زندان مؤمن است. گور، پناهگاه او و بهشت، جایگاهش و دنیا، بهشت کافر است و گور، زندان او و آتش، جایگاهش. ۲۴۰. دلائل الإمامه عن محمد بن یعلی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دنیا، زندان مؤمن است و گور، پناهگاه او و بهشت، سرانجامش است و دنیا، بهشت کافر است و گور، زندان او و آتش، سرانجامش. دنیا، زندان مؤمن است؛ چون زندانی، ناگزیر از صبر کردن است. ۲۴۱. کنز الفوائد عن الإمام الحسین علیه السلام (حِينَ بَلَغَهُ كَلَامُ نَافِعِ بْنِ جُبَيْرٍ فِي مُعَا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ابو ذر: ای ابو ذر! دنیا زندان مؤمن است و گور، آرامشگاه او و بهشت، سرانجامش. ای ابو ذر! دنیا، بهشت کافر است و گور، جایگاه عذاب او و آتش دوزخ، سرانجامش. ۲۴۲. شرح الأخبار عن بشر بن غالب: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ابو ذر: ای ابو ذر! دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است و هیچ مؤمنی در دنیا نیست، مگر آن که اندوهگین است، و چگونه مؤمن، اندوهگین نباشد، حال آن که خداوند او را بیم در آمدن به دوزخ داده و نوید بیرون شدن از آن را به او نداده است؟! بی گمان، او پیشامدها و مصیبت ها و اموری خواهد دید که او را به خشم می آورد، و ستم ها خواهد چشید، بی آن که انتقامش گرفته شود و [از این ره گذر [پاداشی از خدای متعال می جوید. پس او همواره اندوهگین است تا آن گاه که از دنیا جدا شود و چون از دنیا رفت، به آسایش و کرامت [الهی] می رسد. ۲۴۳. عیون الأخبار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، جبرئیل علیه السلام را در زیباترین چهره ای که بر من وارد می شد، نزد من فرستاد و او گفت: ای محمد! سلام، (۱) به تو سلام می رساند و می گوید: «من به دنیا وحی کردم که بر دوستانم تلخ و تیره و تنگ و سخت شو

تا مشتاق دیدار من شوند و بر دشمنانم آسان و فراخ و خوش شو تا که دیدار مرا ناخوش بدارند؛ زیرا من، دنیا را زندان دوستانم و بهشت دشمنانم قرار داده ام».

۱- یکی از اسمای خداوند متعال، «سلام» است، چنان که در آیه ۲۳ حشر آمده است.

٢٤٤. تاريخ يعقوبى: الإمام على عليه السلام: أهرَبوا مِنَ الدُّنْيَا وَاصْرِفُوا قُلُوبَكُمْ عَنْهَا ، فَإِنَّهَا سَجَنُ الْمُؤْمِنِ ؛ حَظَّهُ مِنْهَا قَلِيلٌ ، وَعَقْلُهُ بِهَا عَالِيٌّ ، وَنَازِرُهُ فِيهَا كَلِيلٌ (١) ! (٢) ٢٤٥. نثر الدرّ: عنه عليه السلام: الدُّنْيَا سَجَنُ الْمُؤْمِنِ ، وَالْمَوْتُ تُحَفَّتُهُ (٣) ، وَالنَّجَنَةُ مَأْوَاهُ . (٤) ٢٤٦. الإمامه والسياسة (فى ذِكْرِ قُدُومِ مُعَاوِيَةَ إِلَى الْمَدِينَةِ حَاجًّا) عنه عليه السلام: الدُّنْيَا جَنَّةُ الْكَافِرِ ، وَالْمَوْتُ مُشْخِصُهُ (٥) ، وَالتَّارُ مَثْوَاهُ . (٦) ٢٤٧. الفتوح (فى ذِكْرِ قُدُومِ مُعَاوِيَةَ إِلَى مَكَّةَ وَأَخْذِهِ) الإمام زين العابدين عليه السلام: لَمَّا اشْتَدَّ الْأَمْرُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَظَرَ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ مَعَهُ فَمَازَا هُوَ بِخِلَافِهِمْ ؛ لِأَنَّ نَفْسَهُمْ كَلَّمَا اشْتَدَّ الْأَمْرُ تَغَيَّرَتْ أَلْوَانُهُمْ وَارْتَعَدَتْ فَرَائِضُهُمْ (٧) وَوَجَّيَتْ (٨) قُلُوبَهُمْ ، وَكَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَعْضُ مَنْ مَعَهُ مِنْ خَصَائِصِهِ تُشْرِقُ أَلْوَانَهُمْ وَتَهْدَأُ جَوَارِحَهُمْ وَتَسْكُنُ نُفُوسَهُمْ ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ : انظُرُوا لَا يُبَالِي بِالْمَوْتِ!

فَقَالَ لَهُمُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : صَبِرَا بَنَى الْكِرَامِ ، فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ ، فَأَيُّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يَنْتَقِلَ مِنْ سَجَنٍ إِلَى قَصْرِ؟! وَمَا هُوَ لِأَعْدَائِكُمْ إِلَّا كَمَنْ يَنْتَقِلُ مِنْ قَصْرِ إِلَى سَجَنٍ وَعَذَابٍ ، إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَنَّ الدُّنْيَا سَجَنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ ، وَالْمَوْتُ جِسْرٌ هُوَ لَاءٌ إِلَى جَنَاتِهِمْ ، وَجِسْرٌ هُوَ لَاءٌ إِلَى جَحِيمِهِمْ ، مَا كَذَبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ . (٩) .

- ١- الكليل: الذى لم يحقق المنظور (النهاية: ج ٤ ص ١٩٨ «كلل»).
- ٢- غرر الحكم: ح ٢٥٥١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٩٢ ح ٢١٦٥.
- ٣- التُّحَفَةُ: طَرَفَةُ الْفَاكِهِ ، ثُمَّ تَسْتَعْمَلُ فِي غَيْرِ الْفَاكِهِ مِنَ الْأَلْطَافِ (النهاية: ج ١ ص ١٨٢ «تحف»).
- ٤- غرر الحكم: ح ١٨٦٠.
- ٥- يقال للرجل إذا أتاه ما يُقْلِقُهُ: قد شُخِصَ بِهِ . ومنه شخوص المسافر: خروجه عن منزله (النهاية: ج ٢ ص ٤٥٠ «شخص»).
- ٦- غرر الحكم: ح ١٨٦١.
- ٧- الفَرِيصَةُ: اللَّحْمَةُ بَيْنَ الْجَنْبِ وَالْكَتْفِ ، الَّتِي لَا تَزَالُ تُرْعَدُ مِنَ الدَّابَّةِ ، وَجَمْعُهَا فَرِيصٌ وَفَرَائِصٌ (الصحاح: ج ٣ ص ١٠٤٨ «فرص»).
- ٨- وَجَبَ الْقَلْبُ: حَفِقَ وَاضْطَرَبَ (لسان العرب: ج ١ ص ٧٩٤ «وجب»).
- ٩- معانى الأخبار: ص ٢٨٨ ح ٣، الاعتقادات: ص ٥٢ من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٥٤ ح ٩.

۲۴۸. أنساب الأشراف: امام علی علیه السلام: از دنیا بگریزید و دل هایتان را از آن بگردانید؛ زیرا دنیا، زندان مؤمن است، بهره اش از آن اندک است و خردش در [کار] آن، ناتوان است و چشمش در [دیدن] آن، ضعیف است! (۱) ۲۴۹. الخصال عن النضر بن مالک: امام علی علیه السلام: دنیا، زندان مؤمن است و مرگ، هدیه ای است به او و بهشت، سرپناه اوست. ۲۵۰. بحار الأنوار عن بکر بن أیمن عن الحسین بن علی علیهما السلام: دنیا، بهشت کافر است و مرگ، کوچاننده او و آتش، جایگاهش. ۲۵۱. دعائم الاسلام: امام زین العابدین علیه السلام: [در کربلا] چون کار بر حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام سخت شد، همراهانش به او نگریستند، دیدند که ایشان به خلاف ایشان است؛ چرا که هرچه کار سخت تر می شد، رنگ از چهره آنان بر می گشت و بدن هایشان به لرزه و قلب هایشان به تپش می افتاد؛ اما حسین علیه السلام و عده ای از یاران خاص او، رنگ چهره شان روشن می شد و بدن هایشان آرام می گرفت و دل هایشان تسکین می یافت. همراهان به یکدیگر گفتند: ببینید، از مرگ باکی ندارد!

حسین علیه السلام به ایشان فرمود: «صبور باشید، ای بزرگ زادگان؛ زیرا مرگ، چیزی نیست، جز پلی که شما را از رنج و سختی به سوی بهشت های پهناور و خوشی و آرامش همیشگی عبور می دهد. پس کدام یک از شما دوست ندارد که از زندانی به کاخی منتقل شود؟ و برای دشمنان شما، مرگ چیزی نیست، جز همانند کسی که از کاخی به زندان و شکنجه گاهی منتقل شود. پدرم از پیامبر خدا برایم حدیث کرد که: «دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است و مرگ، پل آنان به سوی بهشتشان و پل اینان به سوی دوزخشان است. هرگز دروغ نگفته ام و به من، دروغ گفته نشده است».

۱- مقصود، آن است که بصیرت و خردورزی مؤمن، در امور اخروی است؛ اما در تحصیل دنیای نکوهیده که مانع آخرت است، چنان بی توجه است که گویا اندیشه اش ناتوان است یا دیده اش ضعیف و نابینا.

٢٥٢.الفتوح عن الإمام الحسين عليه السلام (لَمَّا أَمَرَهُ مَرْوَانُ بِبَيْعِهِ يَزِيدَ) الكافي عن محمد بن عجلان : كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَشَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ الْحَاجَةَ ، فَقَالَ لَهُ : إِصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ لَكَ فَرْجًا ، ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى الرَّجُلِ ، فَقَالَ : أَخْبِرْنِي عَنِ سِجْنِ الْكُوفَةِ كَيْفَ هُوَ؟ فَقَالَ : أَصْلَحَكَ اللَّهُ ضَيْقُ مُنْتِنٍ ، وَأَهْلُهُ بِأَسْوَأَ حَالٍ !

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَإِنَّمَا أَنْتَ فِي السِّجْنِ فَتُرِيدُ أَنْ تَكُونَ فِيهِ فِي سَعَةٍ؟ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ؟! (١) ٢٥٣.مثير الأحران عن الإمام الحسين عليه السلام (لِمَرْوَانَ لَمَّا أَشَارَ عَلَى الْوَلِيدِ وَالِي الْمَم) الإمام الصادق عليه السلام : كَانَ فِيهَا وَعَظَّ اللَّهُ بِهِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ لَهُ : . . . يَا عَيْسَى ، إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ ضَيْقِ مُنْتِنٍ الرِّيحِ وَحِشٍّ ، وَفِيهَا مَا قَدَّتْ تَرَى مِمَّا قَدْ أَلْحَحَّ عَلَيْهِ الْجَبَّارُونَ ، فَإِيَّاكَ وَالدُّنْيَا ، فَكُلُّ نَعِيمِهَا يَزُولُ ، وَمَا نَعِيمُهَا إِلَّا قَلِيلٌ . (٢) راجع : ج ٢ ص ١٨٨ (اجعل الدنيا سجنك) .

-
- ١- الكافي : ج ٢ ص ٢٥٠ ح ٦ ، المؤمن : ص ٢٦ ح ٤٣ ، مستطرفات السرائر : ص ١٥٩ ح ٣٣ ، مشكاة الأنوار : ص ٤٧١ ح ١٥٧٧ عن نصر بن الصباح البلخي ، التمهيص : ص ٤٨ ح ٧٧ ، بحار الأنوار : ج ٦٨ ص ٢١٩ ح ٩ .
- ٢- الأمل للصدوق : ص ٦١٠ ح ٨٤٢ عن أبي بصير ، الكافي : ج ٨ ص ١٣٧ ح ١٠٣ عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام وليس فيه «ضيق» وفيه «وحسن فيها» بدل «وحش وفيها» ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٤٣ وفيهما «تذابح» بدل «ألح» ، أعلام الدين : ص ٢٣١ من دون إسناد إلى المعصوم وفيه «وحسن فيها» بدل «وحش وفيها» و«يتذابح» بدل «ألح» ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٢٩٤ ح ١٤ .

۲۵۵. الطبقات الكبرى (فی ذکر أحداثِ یومِ عاشوراء) الکافی به نقل از محمد بن عجلان: نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی به ایشان از تنگ دستی شکوه کرد. به او فرمود: «صبر کن . به زودی خداوند ، گشایشی در کار تو خواهد داد».

آن گاه ، ساعتی سکوت کرد و سپس ، رو به آن مرد کرد و فرمود: «از زندان کوفه برایم بگو که چگونه است؟» .

گفت: خداوند ، به سلامتت بدارد! تنگ و بدبوست و زندانیان در بدترین وضع به سر می برند .

امام علیه السلام فرمود: تو هم [در این دنیا] در زندانی . پس می خواهی در آن ، در گشایش و آسایش باشی؟ مگر نمی دانی که دنیا ، زندان مؤمن است؟! . ۲۵۶. الأخبار الطوال: امام صادق علیه السلام: از جمله اندرزهای خداوند به عیسی بن مریم علیهما السلام این بود که به او فرمود: «... ای عیسی! دنیا، زندانی تنگ و بدبو و وحشتناک است و در آن ، گاه چیزهایی می بینی که گردنگشان بر آنها پای می فشارند. پس، از دنیا بپرهیز که همه ناز و نعمت دنیا ، از بین رفتنی است و ناز و نعمتش جز اندک نیست». ر . ک : ج ۲ ص ۱۸۹ (دنيا را زندان خود بشمار) .

١ / ٤ مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ السَّمِّ ٢٦١. تاريخ الطبري عن أبي عثمان النهدي: الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ السَّمِّ ؛ يَأْكُلُهُ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ . (١) ٢٦٢. تاريخ الطبري عن الحسين عليه السلام (مِنْ كَلَامِهِ مَعَ أَصْحَابِ الْحَرِّ بْنِ يَزِيدَ) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّمَا الدُّنْيَا كَالسَّمِّ ؛ يَأْكُلُهُ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ . (٢) ب مَثَلُ الْحَيَّةِ ٢٦٤. تاريخ الطبري عن عقبه بن أبي العيزار: الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ : لَيْتَنُ مَسَّهَا ، فَابْتَلُ سَمُّهَا ، فَأَعْرِضْ عَمَّا يُعْجِبُكَ فِيهَا لِقَلِّهِ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا ، وَضَعْ عَنْكَ هُمُومَهَا لِمَا أَيْقَنْتَ بِهِ مِنْ فِرَاقِهَا وَتَصَيَّرُفِ حَالَاتِهَا ، وَكُنْ آتِسَ مَا تَكُونُ بِهَا أَحْذَرَ مَا تَكُونُ مِنْهَا ؛ فَإِنَّ صَاحِبَهَا كَلَّمَا اطمَأَنَّ فِيهَا إِلَى سُيرُورِ اشْخَصِيَّتِهِ (٣) عَنْهُ إِلَى مَحْذُورٍ ، أَوْ إِلَى إِيْنَسِ أَرْأَيْتَهُ عَنْهُ إِلَى إِيْحَاشٍ ! (٤) ٢٦٥. تاريخ الطبري (فِي خُرُوجِ الإِمَامِ مِنَ المَدِينَةِ) الإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ : إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ ؛ مَا أَلَيْنَ مَسَّهَا وَفِي جَوْفِهَا السَّمُّ النَّاقِعُ (٥) ، يَحْذَرُهَا الرَّجُلُ العَاقِلُ ، وَيَهْوَى إِلَيْهَا الصَّبِيُّ الجَاهِلُ . (٦) .

- ١- الإرشاد: ج ١ ص ٢٩٦ ، إرشاد القلوب : ص ١٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٤١٨ ح ٤٠ .
- ٢- عيون أخبار الرضا : ج ١ ص ٢٩٨ ح ٥٦ ، الأمالي للصدوق : ص ١٧٢ ح ١٧٤ كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، مشكاة الأنوار : ص ٤٦٨ ح ١٥٦٧ ، روضه الواعظين : ص ٤٨٥ ، غرر الحكم : ح ١٤١١ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٨٨ ح ٥٦ .
- ٣- شَخَصَ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ : أَى ذَهَبَ ، وَأَشْخَصَهُ غَيْرُهُ (الصَّحَاحُ : ج ٣ ص ١٠٤٣ «شخص»).
- ٤- نهج البلاغه : الكتاب ٦٨ ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص ١٠١ ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٤٨ ، روضه الواعظين : ص ٤٨٣ كُلُّهَا نَحْوَهُ ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٤٨٤ ح ٦٨٩ ؛ مطالب السؤول : ص ٥١ نحوه وراجع الإرشاد : ج ١ ص ٢٣٣ و تيسير المطالب : ص ٣٧٣ .
- ٥- سَمٌّ نَاقِعٌ : بِاللُّغَةِ ثَابِتٌ (القاموس المحيط : ج ٣ ص ٩٠ «نقع»).
- ٦- الكافي : ج ٢ ص ١٣٦ ح ٢٢ عن غياث بن إبراهيم ، نهج البلاغه : الحكمة ١١٩ ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ٤٥ ح ١٢١ عن طلحة بن زيد ، تحف العقول : ص ٣٩٦ عن الإمام الكاظم عليه السلام وَكُلُّهَا نَحْوَهُ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٩٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٧٥ ح ٣٨ .

الف مَثَل سَم

ب مَثَل مَار

۱ / ۳۶ مَثَل دُنیا الف مَثَل سَم ۲۶۹. الطبقات الکبری: امام علی علیه السلام: مَثَل دُنیا، مَثَل سَم است. کسی سم را می خورد که نمی داند. ۲۷۰. الخرائج والجرائح عن أبي حمزة الثمالي: امام علی علیه السلام: دُنیا، در حقیقت، مانند سم است. کسی سم را می خورد که آن را نمی شناسد. ب مَثَل مَار ۲۷۲. الأُمالی عن عبد الله بن منصور عن جعفر بن محمد علامام علی علیه السلام: مَثَل دُنیا، مَثَل مَار است: پوستش نرم است و زهرش کُشنده. پس، از آنچه در دُنیا برایت جاذبه دارد، روی بگردان؛ زیرا آنچه از آن تو را همراهی می کند، اندک [کفنی] است. (۱) دغدغه های آن (دُنیا) را از خود، دور کن؛ چرا که به جدا شدن از آن و ناپایداری حالاتش یقین داری و آن گاه که با دُنیا بیشترین انس را داری، بیشترین ترس و حذر را از آن داشته باش؛ زیرا که دُنیا دار، هر زمان که در آن به خوشی و لذتی اطمینان کرد، دُنیا او را از آن خوشی به مشکلی کشاند، یا هرگاه انسی گرفت، اُنس او را تبدیل به تنهایی و وحشت کرد. ۲۷۳. تاریخ الطبری عن الحارث بن کعب وأبی الضحاک عن علیامام صادق علیه السلام: در کتاب علی که درودهای خدا بر او باد آمده است: حکایت دُنیا، در حقیقت، حکایت مَار است که پوستی بس نرم دارد؛ اما در درونش

زهر کُشنده است. آدم خردمند، از آن پرهیز می کند؛ اما کودک نادان، دست به سویی دراز می نماید.

٢٧٤. تاريخ دمشق عن بشر بن طانحه عن رجل من همدان: الإمام علي عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: قَدْ رَأَيْتُ الْقُرُونَ
كَيْفَ تَفَانَتْ دَرَسَتْ ثُمَّ قِيلَ كَانَ وَكَانَتْ هِيَ دُنْيَا كَحَيِّهِ تَنْفُثُ السَّمَّ وَإِنْ كَانَتْ الْمَجْسَهُ (١) لَأَنْتَ كَمْ أُمُورٍ لَقَدْ تَشَدَّدَتْ فِيهَا
ثُمَّ هَوَّنَتْهَا عَلَيَّ فَهَانَتْ (٢)

ج مَثَلُ الْجَيْفَةِ ٢٧٥. مقتل الحسين: رسول الله صلى الله عليه وآله وأوحى الله إلى داوود عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ جَيْفَةٍ
اجْتَمَعَتْ عَلَيْهَا كِلَابٌ يَجْرُونَهَا، أَفْتَحِبُّ أَنْ تَكُونَ كَلْبًا مِثْلَهُمْ فَتَجْرَ مَعَهُمْ؟! (٣) ٢٧٦. الأمامي عن حسين بن زيد بن علي عن آبائه
عليهم السنينه الخواطر: رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَفَ عَلَى مَرْبَلِهِ فَقَالَ: هَلُمُّوا إِلَيَّ الدُّنْيَا، وَأَخَذَ خِرْقًا قَدْ بَلِيَتْ
(٤) عَلَى تِلْكَ الْمَرْبَلَةِ وَعِظَامًا قَدْ نَخِرَتْ (٥)، فَقَالَ: هَذِهِ الدُّنْيَا. (٦) ٢٧٧. معاني الأخبار عن علي بن الحسين عليه السلام: الإمام
علي عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: وَمَنْ يَذُقِ الدُّنْيَا فَإِنِّي طَعَمْتُهَا وَسِيقَ إِلَيْنَا عَذَابُهَا وَعَذَابُهَا فَلَمْ أَرَهَا إِلَّا غُرُورًا وَبَاطِلًا كَمَا
لَاخَ فِي أَرْضِ الْفَلَاهِ (٧) سَرَابِهَا (٨) وَمَا هِيَ إِلَّا جَيْفَةٌ مُسْتَحِيلَةٌ عَلَيْهَا كِلَابٌ هَمُّهُمْ اجْتِدَابُهَا فَإِنْ تَجْتَنَّبَهَا كُنْتَ سَلِمًا لِأَهْلِهَا وَإِنْ
تَجْتَدِبَهَا نَارَ عَتِكَ كِلَابُهَا (٩).

- ١- جسّه: أى مسّه، والمجسّه الموضع الذى يجسّه الطبيب (الصحاح: ج ٣ ص ٩١٣ «جسس»).
- ٢- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ١٦٠ الرقم ٨٩.
- ٣- الفردوس: ج ١ ص ١٤١ ح ٥٠٢ عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج ٣ ص ٢١٤ ح ٦٢١٥.
- ٤- بَلِيَّ الثَّوْبُ: خُلِقَ، فَهُوَ بَالٍ (المصباح المنير: ص ٦٢ «بلى»).
- ٥- نَخِرَ الْعَظْمُ: بَلِيَ وَتَفَتَّت (المصباح المنير: ص ٥٩٦ «نخر»).
- ٦- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٢٨؛ إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٢٩٩.
- ٧- الفلاه: القفر من الأرض، لأنها فُلِيَتْ أى فُطِطَتْ وَعُزِلَتْ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ (تاج العروس: ج ٢٠ ص ٥٦ «فلو»).
- ٨- السَّرَابُ: الذى تراه نصف النهار كأنه ماء (الصحاح: ج ١ ص ١٤٧ «سرب»).
- ٩- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ٩٦ الرقم ٤٩.

ج مَثَل لاشه

۲۷۸. الأُمالی عن عبد الله بن منصور عن جعفر بن محمد علامام صادق عليه السلام در دیوان منسوب به ایشان: دیدم که چه سان نسل ها نابود شدند/ از میان رفتند و آن گاه، گفته شد: فسانه گشتند. این دنیا است که چون مار، زهر می ریزد/ هر چند پوستی نرم دارد. چه بسیار کارها که در آنها سخت گرفتم/ امّا بعد که آسانشان گرفتم، بر من آسان شدند. ج مَثَل لاشه ۲۸۰. الأُمالی عن عبد الله بن منصور عن جعفر بن محمد عليامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به داوود علیه السلام وحی فرمود که: «حکایت دنیا، حکایت لاشه ای است که شماری سگ بر آن گرد آمده اند و این سو و آن سو می کشانند. آیا دوست داری که تو سگی چون آنان باشی و با آنها کشاکش کنی؟! ۲۸۱. تاریخ الطبری عن الضحاک المشرقی: تنبیه الخواطر: روایت شده است که پیامبر خدا، کنار زباله دانی ایستاد و فرمود: «بیایید دنیا را ببینید!» و چند لته پاره استخوان پوسیده را از زباله دانی برداشت و فرمود: «این، دنیا است!» ۲۸۲. مقتل الحسین: امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان: هر که می خواهد دنیا را بچشد، من آن را مزه کرده ام/ شیرینی و شرنگ آن به ما رسیده است. من، آن را جز فریب و پوچ نیافتم/ همچون سرابی که در بیابان می درخشد. دنیا، لاشه گندیده ای بیش نیست/ که سگ ها بر سر آن، کشمکش می کنند. اگر از دنیا دوری کنی، با اهل آن آسوده به سر میبری/ و اگر آن را بکشی، سگ ها بر سر آن با تو کشمکش می کنند.

راجع: ص ٣٢٤ (تقويم الدنيا / أهون من جيفه)

و١٢ ح ٧٨٥ و ٧٨٦

و٢١٢ ح ١١٦٣ .

د مَثَلُ الطَّعَامِ ٢٨٧. تاريخ الطبرى عن حميد بن مسلم عن الإمام الحسين علي رسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ مَطْعَمَ ابْنِ آدَمَ جُعِلَ مَثَلًا لِلدُّنْيَا وَإِنْ قَرَّحَهُ (١) وَمَلَّحَهُ ، فَانظُرُوا إِلَى مَا يَصِيرُ! (٢) ٢٨٨. نزهة الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ الدُّنْيَا ضَرْبٌ مَثَلًا لِابْنِ آدَمَ ، فَانظُرْ مَا يَخْرُجُ مِنْ ابْنِ آدَمَ وَإِنْ مَزَجَهُ وَمَلَّحَهُ إِلَى مَا يَصِيرُ! (٣) ٢٨٩. الكافى عن أبى جعفر الخثعمى عن الحسين عليه السلام (فى كلام له مع أبى ذرٍّ لَمَّا سَيَّرَهُ ع) مسند ابن حنبل عن الحسن عن الضَّحَّاكِ بن سِيْفِيَانَ الكِلَابِي: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لَهُ : يَا ضَّحَّاكُ مَا طَعَامُكَ؟ قَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، اللَّحْمُ وَاللَّبَنُ . قَالَ : ثُمَّ يَصِيرُ إِلَى مَاذَا؟ قَالَ : إِلَى مَا قَدْ عَلِمْتَ! قَالَ : فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ضَرَبَ مَا يَخْرُجُ

مِنْ ابْنِ آدَمَ مَثَلًا لِلدُّنْيَا . (٤) .

١- قَرَّحَهُ : أى تَوَبَّلَهُ ، من القَرْح وهو التابل الذى يُطرح فى القدر ، كالكمون والكزبره ونحو ذلك (النهايه : ج ٤ ص ٥٨ «قرح»)

٢- مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٤٩ ح ٢١٢٩٧ ، الزهد لابن المبارك : ص ١٦٩ ح ٤٩٣ وفيه «قد علم» بدل «فانظروا» ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢١٣ ح ٦٢١٣ .

٣- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٤٩ ؛ الزهد لابن المبارك : ص ١٦٩ ح ٤٩٤ وفيه «قرحه» بدل «مزجه» ، صحيح ابن حبان : ج ٢ ص ٤٧٦ ح ٧٠٢ ، المعجم الكبير : ج ١ ص ١٩٨ ح ٥٣١ ، شعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٢٧ ح ١٠٤٧٣ ، حليه الأولياء : ج ١ ص ٢٥٤ والأربعة الأخيره نحوه وكلها عن أبى بن كعب .

٤- مسند ابن حنبل : ج ٥ ص ٣٤١ ح ١٥٧٤٧ ، المعجم الكبير : ج ٨ ص ٢٩٩ ح ٨١٣٨ ، شعب الإيمان : ج ٥ ص ٢٩ ح ٥٦٥٣ كلها عن الضحَّاك بن سفيان الكلابى ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٨٩ ح ٦٠٩٨ وراجع تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٤٩ .

د مَثَل خوراک

ر. ک: ص ۳۲۵ (ارزیابی دنیا / بی ارزش تر از مردار)،

ج ۲ ص ۱۲ ح ۷۸۵ و ۷۸۶

و ۲۱۲ ح ۱۱۶۳.

د مَثَل خوراک ۲۹۴. مقاتل الطالبيين عن سعيد بن ثابت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوراک فرزند آدم، مثالی است از دنیا، اگرچه بر آن ادویه و نمک بزند. بنگرید که آن خوراک به چه تبدیل می شود. ۲۹۵. الملهوف عن الإمام الحسين عليه السلام (فیما عَزَى بِهِ أَخْتُهُ أُمَّ كُثُومٍ لَمَّا أَخ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا برای فرزند آدم، مَثَل زده شده است. پس بنگر که از فرزند آدم، چه خارج می شود، هرچند [خوراک را] خوش مزه و نمکینش کند و [به این که] به چه تبدیل می شود. ۲۹۶. الملهوف (فی ذِکْرِ أَحْدَاثِ عَاشُورَاءِ) مسند ابن حنبل به نقل از حسن از ضحاک بن سفیان کلابی: پیامبر خدا به او (ضحاک) فرمود: «ای ضحاک! خوراک تو چیست؟».

گفت: ای پیامبر خدا! گوشت و شیر.

فرمود: «بعد به چه تبدیل می شود؟».

گفت: به چیزی که خود می دانید.

فرمود: «خداوند تبارک و تعالی آنچه را از انسان دفع می شود، مَثَلی برای دنیا زده است».

٢٩٧. مقاتل الطالبين عن عتبه بن سمعان الكلبي: تنبيه الغافلين: رُوِيَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ رَجُلًا قَدِمَ عَلَيْهِ مِنْ أَرْضِ الشَّامِ ، فَسَدَّ لَهُ عَنْ أَرْضِهِمْ ، فَأَخْبَرَهُ عَنْ سَيِّعِهِ أَرْضَهُمْ وَكَثْرَةِ النَّعِيمِ فِيهَا ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : كَيْفَ تَفْعَلُونَ؟ قَالَ : إِنَّا تَتَّخِذُ أَلْوَانًا مِنَ الطَّعَامِ وَنَأْكُلُهَا . قَالَ : ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى مَاذَا؟ قَالَ : إِلَى مَا تَعَلَّمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، يَعْنِي تَصِيرُ بَوْلًا وَغَائِطًا ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فَكَذَلِكَ مَثَلُ الدُّنْيَا . (١) ٢٩٨. مثير الأحزان: تنبيه الخواطر عن أبي هريرة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا أَبَا هُرَيْرَةَ ، أَلَا أُرِيكَ الدُّنْيَا جَمِيعًا بِمَا فِيهَا؟ قُلْتُ : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ . فَأَخَذَ بِيَدِي وَأَتَى بِي وَاِدْيَا مِنْ أُوْدِيَةِ الْمَدِينَةِ ، فَإِذَا مَزْبَلَةٌ فِيهَا رُؤُوسُ النَّاسِ وَعَذِرَاتٌ وَخِرْقٌ وَعِظَامٌ .

ثُمَّ قَالَ لِي : يَا أَبَا هُرَيْرَةَ ، هَذِهِ الرُّؤُوسُ كَانَتْ تَحْرِصُ عَلَى الدُّنْيَا كَحِرْصَةِ كُمْ ، وَتَأْمُلُ آمَالَكُمْ ، ثُمَّ هِيَ عِظَامٌ بِلَا جِلْدٍ ، ثُمَّ هِيَ صَائِرَةٌ رَمَادًا !

وهذه العذرات ألوان أطمعتكم اكتسبوها من حيث اكتسبوها ، ثم قدفوها من بطونهم فأصبحت والناس يتحامونها !

وهذه الخرق البالية كانت رياسهم ولباسهم فأصبحت والرياح تصفيقها !

وهذه العظام عظام دوابهم التي كانوا ينتجعون (٢) عليها أطراف البلاد ! فمن كان راكنا إلى الدنيا فليبك .

فما برحنا حتى اشتد بكاؤنا . (٣) .

١- تنبيه الغافلين : ص ٢٤٢ ح ٣١٦ وراجع الزهد لابن المبارك : ص ١٦٩ و ص ١٧٠ .

٢- انتجع القوم : إذا ذهبوا لطلب الكلاء في موضعه (المصباح المنير : ص ٥٩٤ «نجع») .

٣- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٣٠ .

۲۹۹. الملهوف: تنبیه الغافلین: روایت شده است که مردی از سرزمین شام ، خدمت پیامبر خدا رسید. ایشان از او درباره سرزمینشان پرسید. آن مرد از پهناوری سرزمینشان و پُر ناز و نعمت بودنش برای ایشان گفت.

پیامبر خدا فرمود: «آن نعمت ها را چه می کنید؟» .

گفت: غذاهای رنگارنگ درست می کنیم و می خوریم.

فرمود: «بعد چه می شود؟» .

گفت: چیزی که خود می دانی ، ای پیامبر خدا ؛ یعنی تبدیل به ادرار و مدفوع می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دنیا نیز چنین است». ۳۰۰. الدرّ المنثور عن الحسين بن علیّ علیه السلام: تنبیه الخواطر به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا فرمود: «ای ابوهریره! آیا همه دنیا را با هر آنچه در آن است ، به تو نشان ندهم؟» .

گفتم: چرا، ای پیامبر خدا !

دستم را گرفت و مرا به یکی از درّه های مدینه برد. در آن جا با زباله دانی رو به رو شدیم که در آن ، اسکلت سر آدم و نجاست و پارچه های کهنه پاره و استخوان ، افتاده بود. سپس به من فرمود: «ای ابو هریره! این سرها نیز مثل شما به دنیا حریص بودند و چون آرزوهای شما را داشتند ، اما تبدیل به اسکلت شدند و بعد ، خاکستر می شوند .

این نجاست ها ، همان غذاهای رنگارنگ شماست که اینان از راه های مختلف به دست آوردند و بعد ، از شکم هایشان دفع کردند و تبدیل به چیزی شد که مردم از آن دوری می کنند .

این لته پاره ها ، جامه ها و پوشاک های ایشان بوده که اکنون ، باها آنها را به هم می زند و این استخوان ها ، استخوان های چارپایان آنان است که بر آنها سوار می شدند و برای یافتن چراگاه به این طرف و آن طرف می کوچیدند. پس، هر که دل بسته دنیاست ، باید که بگرید».

ما تا آن جا بودیم ، سخت گریستیم . .

ه مَثَلُ الْغُولِ ٣٠٢. مثير الأحزان عن الإمام الحسين عليه السلام (في مَوْتِ مُعَاوِيَةَ) الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا كَالْغُولِ (١). تُغْوِي مَنْ أَطَاعَهَا وَتُهْلِكُ مَنْ أَجَابَهَا ، وَإِنَّهَا لَسَيْرِيْعَةُ الرِّوَالِ وَشَيْكُهُ (٢) الْإِنْتِقَالِ . (٣) وَمَثَلُ الشَّرْكَ ٣٠٤. الملهوف عن الإمام الحسين عليه السلام (في جَوَابِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ لَمَّا أَشَا) الإمام علي عليه السلام: إِنَّما الدُّنْيَا شَرَكٌ (٤) وَقَعَ فِيهِ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ . (٥) ٣٠٥. أسد الغابه: عنه عليه السلام: الدُّنْيَا شَرَكُ النَّفُوسِ ، وَقَرَارُهُ كُلُّ ضُرٍّ وَبُؤْسٍ . (٦) ٣٠٦. الفتوح (بَعْدَ ذِكْرِ كِتَابِ أَهْلِ الْكُوفَةِ إِلَى الْإِمَامِ) عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا كَالشَّبَكَةِ ؛ تَلْتَفُّ عَلَى مَنْ رَغِبَ فِيهَا وَتَتَحَرَّزُ (٧) عَمَّنْ أَعْرَضَ عَنْهَا ، فَلَا تَمِلُ إِلَيْهَا بِقَلْبِكَ وَلَا- تُقْبَلُ عَلَيْهَا بِوَجْهِكَ ، فَتَوَقَّعْكَ فِي شَبَكَتِهَا وَتُلْقِيكَ فِي هَلَكَتِهَا . (٨) ز مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ ٣٠٨. الطبقات الكبرى: الإمام الصادق عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ ؛ كَلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ أَزْدَادَ عَطْشَا حَتَّى يَقْتُلَهُ . (٩) .

- ١- الغُول: هي جنس من الجنّ والشياطين ، وكانت العرب تزعم أنّ الغول في الفلاة تترأى للناس فتتغول تغولاً: أي تتلون تلونا في صور شتى ، وتغولهم أي تضلّهم عن الطريق وتهلكهم (النهاية: ج ٣ ص ٣٩٦ «غول»).
- ٢- الوشيك: السريع والقريب (النهاية: ج ٥ ص ١٨٩ «وشك»).
- ٣- غرر الحكم: ح ٣٦٦٥ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٥ ح ٣٢٢٩ .
- ٤- الشَّرَكُ محرّكه: حبال الصَّيد ، وما يُنصب للطير (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٣٠٨ «شرك»).
- ٥- غرر الحكم: ح ٣٨٦٥ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٧ ح ٣٦٥٢ .
- ٦- غرر الحكم: ح ٢٠٤٧ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٦٢ ح ١٦١٤ وليس فيه «كل» .
- ٧- احترزت وتحرّزت من كذا: تَوَقَّيْتُهُ (الصّحاح: ج ٣ ص ٨٧٣ «حرز»).
- ٨- غرر الحكم: ح ٣٦٧٨ .
- ٩- الكافي: ج ٢ ص ١٣٦ ح ٢٤ ، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٨ ح ١٢٩ وفيه «البحر المالح» بدل «ماء البحر» وكلاهما عن طلحة بن زيد ، تحف العقول: ص ٣٩٦ عن الإمام الكاظم عليه السلام ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٥ ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٧٩ ح ٤٠ .

ه مَثَلِ غُول**و مَثَلِ دَامِ وَتَلِه****ز مَثَلِ آبِ دَرِيَا**

ه مَثَلِ غُول ۳۱۰. مقتل الحسين: امام علی علیه السلام: دنیا، به سانِ غُول (۱) است. هر که را از آن فرمان ببرد، گم راه می سازد و هر که را اجابتش کند، نابود می گرداند. دنیا به سرعت زوال می پذیرد و زود [به دیگری] منتقل می شود. و مَثَلِ دَامِ وَتَلِه ۳۱۲. تاریخ الطبری: امام علی علیه السلام: دنیا، در حقیقت، یک دام است. کسی در دام می افتد که نمی داند. ۳۱۳. الفتوح: امام علی علیه السلام: دنیا، دام جان ها و جایگاه هر رنج و گزند است. ۳۱۴. الفتوح: امام علی علیه السلام: دنیا، همانند تور [صیادی] است؛ بر هر که به آن روی آورد، می پیچد و به کسی که از آن روی بگرداند، در نمی پیچد. پس، به دنیا دل مبنده و بدان روی میاور که تو را در تور خویش می افکند و به هلاکت می اندازد. ز مَثَلِ آبِ دَرِيَا ۳۱۶. تهذیب الأحکام عن أيوب بن أعين عن أبي عبد الله عامام صادق علیه السلام: حکایت دنیا، حکایت آب دریاست که هر چه تشنه از آن بیشتر بنوشد، تشنه تر می شود تا سرانجام، او را بکشد.

۱- غول: موجودی است از جنس جن و شیاطین. عرب ها معتقد بودند که غول در بیابان بر مردم نمایان می شود و به شکل های مختلف در می آید و آنها را به بیراهه می کشاند و نابودشان می کند (النهايه: ج ۳ ص ۳۹۶ «غول»).

٣١٧. دلائل الإمامه عن محمّد الكنانى عن أبى عبد الله عيسى عليه السلام: مَثَلُ طَالِبِ الدُّنْيَا مَثَلُ شَارِبِ مَاءِ البَحْرِ ؛ كَلَّمَا ازدَادَ شُرْبًا ازدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ . (١) ح مَثَلُ جَمِيعِ الرِّذَائِلِ ٣١٩. الطبقات الكبرى عن أبى عون: مصباح الشريعة فيما نَسَبَهُ إِلَى الإمامِ الصَّادِقِ عليه السلام: الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ صُورِهِ ؛ رَأْسُهَا الكِبْرُ ، وَعَيْنُهَا الحِرْصُ ، وَأُذُنُهَا الطَّمَعُ ، وَلِسَانُهَا الرِّيَاءُ ، وَيَدُهَا الشَّهْوَةُ ، وَرِجْلُهَا العُجْبُ ، وَقَلْبُهَا العَفْلَةُ ، وَلَوْنُهَا الفَنَاءُ ، وَحَاصِلُهَا الزَّوَالُ . فَمَنْ أَحْبَبَهَا أَوْرَثَتْهُ الكِبْرَ ، وَمَنْ اسْتَحْسَبَ نَهَا أَوْرَثَتْهُ الحِرْصَ ، وَمَنْ طَلَبَهَا أَوْرَثَتْهُ الطَّمَعُ ، وَمَنْ مَدَحَهَا أَلْبَسَتْهُ الرِّيَاءَ ، وَمَنْ أَرَادَهَا مَكَّنَتْهُ مِنَ العُجْبِ ، وَمَنْ اطْمَأَنَّ إِلَيْهَا أَرْكَبَتْهُ العَفْلَةَ ، وَمَنْ أَعْجَبَهُ مَتَاعُهَا فَتَنَّتْهُ وَلَا تَبْقَى لَهُ ، وَمَنْ جَمَعَهَا وَبَدَّلَ بِهَا أَوْرَدَتْهُ إِلَى مُسْتَقَرِّهَا وَهِيَ النَّارُ . (٢) ١ / ٥ مَثَلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَثَلُ ضَرَّتَيْنِ ٣٢٣. تنبيه الخواطر عن الإمام الحسين عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا ضَرَّةٌ (٣) الْآخِرَةُ (٤) . تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ ضَرَّتَانِ ؛ بِقَدْرِ مَا تَقَرَّبُ مِنْ أَحَدِهِمَا تَبَعُدُ عَنِ الْآخَرَى . (٥) .

- ١- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٤٩؛ إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣١٨، البدايه والنهائيه: ج ٢ ص ٨٩ عن أبى عبد الله الصوفى وليس فيه «مثل» .
- ٢- مصباح الشريعة: ص ١٩٦، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٥ ح ١٠٠ .
- ٣- ضرة المرأة: امرأه زوجها (المصباح المنير: ص ٣٦٠ «ضرة»).
- ٤- كشف الخفاء: ج ١ ص ٤٠٨ ح ١٣١٠ .
- ٥- عوالى اللالكى: ج ١ ص ٢٧٧ ح ١٠٦ و ج ٤ ص ١١٤ ح ١٧٧ .

ح مَثَل همه رذیلت ها

۱ / ۵ مَثَل دنیا و آخرت

الف مَثَل دو هوو

۳۲۵. دعائم الإسلام: عیسی علیه السلام: حکایت دنیا طلب، حکایت نوشنده آب دریاست که هر چه بیشتر بنوشد، تشنه تر می شود تا عاقبت، او را بکشد. ح مَثَل همه رذیلت ها ۳۲۷. الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام (فيما نُسِبَ إِلَيْهِ مِنْ دُعَاءِ عَرَفَةَ) مصباح الشریعه در سخنی به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است: دنیا، به منزله شکلی است که سر آن، تکبر است و چشمش، آزمندی و گوشش، طمع و زبانش، ریا و دستش، شهوت و پایش، خودپسندی و قلبش، غفلت و رنگش، نابودی و حاصلش، زوال. پس، هر که دنیا دوست شد، دنیا به او تکبر داد و هر که دنیا را پسندید، به او آزمندی داد و هر که دنیا را طلبید، به او طمع داد و هر که دنیا را ستود، جامه ریا بر قامت او پوشاند و هر که خواهان دنیا شد، به او خودپسندی داد و هر که به دنیا اطمینان کرد، او را بر مرکب غفلت نشاند و هر که کالای دنیا خوشایندش شد، او را فریفت و برایش باقی نماند و هر که دنیا را گرد آورد و بخل ورزید، او را به قرار گاهش، یعنی آتش، در آورد. ۱ / ۵ مَثَل دنیا و آخرتالف مَثَل دو هوو ۳۳۱. دعائم الإسلام بإسناده عن الحسين بن علي عليه السلام خبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، هووی آخرت است. ۳۳۲. مسند البزار عن زیاد بن المنذر عن محمد بن علي بن أبي طالب خبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا و آخرت، هووی یکدیگرند. هر اندازه به یکی از آنها نزدیک شوی، از دیگری دور می شوی.

٣٣٣. معانى الأخبار بإسناده عن الحسين بن علي بن أبي طالب الإمام علي عليه السلام: إِنَّ مَثَلَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَرَجُلٍ لَهُ امْرَأَتَانِ ، إِذَا أَرْضَى إِحْدَاهُمَا أَسَخَطَ الْآخَرَى . (١) ٣٣٤. مسند أبي يعلى عن طلحة بن عبيد الله عن حسين عليه السلام: الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ ضَرَّتَانِ ؛ فَبَقَدِرِ مَا تُرْضَى إِحْدَاهُمَا تُسَخِّطُ الْآخَرَى . (٢) ٣٣٥. الفردوس عن الحسين بن علي عليه السلام: عيسى عليه السلام: لَا يُطِيقُ عَبْدٌ أَنْ يَكُونَ لَهُ رَبَّانٍ ، إِنْ أَرْضَى أَحَدَهُمَا أَسَخَطَ الْآخَرَ ، وَإِنْ أَسَخَطَ أَحَدَهُمَا أَرْضَى الْآخَرَ ، وَكَذَلِكَ لَا يُطِيقُ عَبْدٌ أَنْ يَكُونَ خَادِمًا لِلدُّنْيَا يَعْمَلُ عَمَلُ الْآخِرَةِ . بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ ؛ لَا تَهْتَمُّوا بِمَا تَأْكُلُونَ (٣) وَلَا مَا تَشْرَبُونَ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْ نَفْسًا أَعْظَمَ مِنْ رِزْقِهَا ، وَلَا جَسَدًا أَعْظَمَ مِنْ كِسْوَتِهِ ، فَاعْتَبِرُوا . (٤) ب مَثَلُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ٣٣٧. مسند زيد بن علي عن زيد بن علي عن أبيه عن جدّه الحسين بن الإمام علي عليه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَثَلُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ؛ مَتَى ازْدَدَتْ مِنْ أَحَدِهِمَا قُرْبًا ازْدَدَتْ مِنَ الْآخَرِ بُعْدًا . (٥) ٣٣٨. الأمالى بإسناده عن الحسين بن علي عن أبيه علي بنعنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عِيدَوَانِ مُتَفَاوِتَانِ ، وَسَيِلَانِ مُخْتَلِفَانِ ؛ فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَتَوَلَّاهَا أَبْغَضَ الْآخِرَةَ وَعَادَاهَا .

وَهُمَا بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا شِ بَيْنَهُمَا ؛ كُلُّمَا قَرَّبَ مِنْ وَاحِدٍ بُعِدَ مِنَ الْآخَرِ ، وَهُمَا بَعْدُ ضَرَّتَانِ . (٦) .

- ١- غرر الحكم : ح ٣٥٣١ ، مشكاة الأنوار : ص ٤٦٧ ح ١٥٥٩ ، روضه الواعظين : ص ٤٩٠ وفيهما «ضرتان» بدل «امراتان» ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٢ ح ١١٠ .
- ٢- إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ٣٠٧ ؛ تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٣٨ عن عيسى عليه السلام .
- ٣- فى المصدر : «بما لا تأكلون» ، والتصويب من الدرر المنثور .
- ٤- تاريخ دمشق : ج ٤٧ ص ٤٤٥ عن أنس ، الدرر المنثور : ج ٢ ص ٢١٣ .
- ٥- الأمالى للسيد المرتضى : ج ١ ص ١٠٧ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢٤ نحوه .
- ٦- نهج البلاغه : الحكمه ١٠٣ ، خصائص الأئمه عليهم السلام : ص ٩٦ ، غرر الحكم : ح ٣٦٩٢ ، تحف العقول : ص ٢١٢ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٩ ح ١٣٣ .

ب مَثَل مشرق و مغرب

۳۳۹. مسند زید عن زید بن علی عن أبیه عن جدّه: امام علی علیه السلام: حکایت دنیا و آخرت، حکایت مردی است که دو زن دارد. هرگاه یکی از آن دو را خشنود گرداند، دیگری را ناخشنود می سازد. ۳۴۰. عیون أخبار الرضا یاسناده عن الحسین بن علی عن ابیامام علی علیه السلام: دنیا و آخرت، دو هوویند. پس به اندازه ای که یکی از آن دو را خشنود سازی، دیگری را ناخشنود می گردانی. ۳۴۱. عوالی اللالی یاسناده عن الحسین الشهید عن أبیه علیعیسی علیه السلام: هیچ بنده ای نمی تواند دو خواهه داشته باشد. اگر یکی از آن دو را راضی کند، دیگری را ناراضی کرده است و اگر یکی را ناراضی سازد، دیگری را راضی ساخته است. همچنین، هیچ بنده ای نمی تواند خدمت گزار دنیا باشد و کار آخرت بکند. به حق به شما می گویم: به آنچه می خورید و می آشامید، اهمّیت ندهید [و غم آن را مخورید]؛ زیرا که خداوند هیچ جانی را بزرگ تر از روزی اش و هیچ تنی را بزرگ تر از پوشاکش نیافریده است. پس، عبرت گیرید. ب مَثَل مشرق و مغرب ۳۴۳. الدرّ المنثور: امام علی علیه السلام: مَثَل دنیا و آخرت، مَثَل مشرق و مغرب است. هر اندازه به یکی از آنها نزدیک تر شوی، از دیگری دورتر می افتی. ۳۴۴. بحار الأنوار عن منیف مولی جعفر بن محمّد عن جعفر بامام علی علیه السلام: دنیا و آخرت، دو دشمن متفاوت و دو راه مختلف اند. پس، هر که دنیا را دوست بدارد و با آن دوستی ورزد، از آخرت نفرت دارد و با آن دشمنی می ورزد. [نیز] دنیا و آخرت، به منزله مشرق و مغرب اند که هر کس میان آن دو را بیپیماید، هر چه به یکی نزدیک شود، از دیگری دور می شود. از اینها بالاتر، دنیا و آخرت، هووی هم اند.

ج مَثَلُ كَفَّتِي الميزانِ ٣٤٦. تاريخ الطبري عن حميد بن مسلم: الإمام زين العابدين عليه السلام: وَاللَّهِ مَا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ إِلَّا كَكَفَّتِي الميزانِ؛ فَأَيُّهُمَا رَجَحَ ذَهَبٌ بِالْآخِرِ. (١) ١ / ٦ تَمَثَّلُ الدُّنْيَا تَمَثَّلُ الدُّنْيَا لِلْمَسِيحِ ٣٥٠. مسائل علي بن جعفر: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَثَلْتُ لِعِيسَى بْنِ مَرْيَمَ الدُّنْيَا فِي صَوْرَةِ امْرَأَةٍ، فَقَالَ لَهَا: أَلَمَكِ زَوْجٌ؟ فَقَالَتْ: نَعَمْ، أَزْوَاجٌ كَثِيرَةٌ. فَقَالَ: هُمْ أَحْيَاءٌ؟ قَالَتْ: لَا، وَلَكِنْ قَتَلْتُهُمْ. فَعَلِمَ حَيْثُ دُنِيَ الدُّنْيَا أَنَّهَا دُنِيَ الدُّنْيَا لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي صَوْرَةِ امْرَأَةٍ زَرْقَاءَ، فَقَالَ لَهَا: كَمْ تَزَوَّجْتِ؟ قَالَتْ: كَثِيرًا، قَالَ: فَكُلُّ طَلَّقَكَ؟ قَالَتْ: بَلْ كَلَّا قَتَلْتُ (٣). قَالَ: فَوَيْحُ أَزْوَاجِكِ الْبَاقِينَ، كَيْفَ لَا يَعْتَبِرُونَ بِالْمَاضِينَ! (٤) ٣٥٢. الكافي عن عامر بن السمط عن أبي عبد الله عليه السالتهن: رَوَى أَنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ كَشَفَ لَهُ الدُّنْيَا فَرَأَاهَا فِي صَوْرَةِ عَجُوزَةٍ شَمَطَاءَ (٥) عَلَيْهَا مِنْ كُلِّ زَيْنَةٍ، فَقَالَ لَهَا: كَمْ تَزَوَّجْتِ؟ قَالَتْ: لَا أَحْصِيهِمْ، قَالَ: فَكُلُّهُمْ

مَاتَ عَنكَ، أَوْ طَلَّقَكَ؟ قَالَتْ: بَلْ كُلُّهُمْ قَتَلْتُ.

قال عيسى عليه السلام: بؤسا لأزواجك الباقين، كيف لا يعترفون بأزواجك الماضين؟ كيف أهلكتهم واحدا واحدا ولا يكونون منك على حذر؟! (٦).

- ١- الخصال: ص ٦٤ ح ٩٥ عن الزهري، عوالى اللآلى: ج ٤ ص ١١٥ ح ١٧٨ وفيه «نقصت» بدل «ذهب»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩٢ ح ٦٩.
- ٢- الفردوس: ج ٤ ص ١٦٧ ح ٦٥٢٠ عن أنس، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٣٦ ح ٦٣٢٤.
- ٣- فى المصدر: «بلى، كلاً طَلَّقْتُ»، والتصويب من بحار الأنوار و المصادر الأخرى.
- ٤- الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٨ ح ١٢٩ عن طلحة بن زيد، تحف العقول: ص ٣٩٦ عن الإمام الكاظم عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٩ ح ١٥٧٣، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٥ ح ١٢٠.
- ٥- الشَّمَطُ: فى الرجل شيب اللحية، وفى المرأة شيب الرأس، يقال للمرأة: شَمَطَاءُ (تاج العروس: ج ١٠ ص ٣١٣ «شمط»).
- ٦- التحصين لابن فهد: ص ٢٨ ح ٤٨، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٤٦، إرشاد القلوب: ص ١٨٦ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٢٨ ح ٥٦؛ إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣١٥ نحوه.

ج مثل دو کفه ترازو

۱ / ۶ مجسم شدن دنیا

الف مجسم شدن دنیا برای مسیح

ج مثل دو کفه ترازو ۳۵۴. الخصال: امام زین العابدین علیه السلام: به خدا سوگند ، دنیا و آخرت ، درست مانند دو کفه ترازویند که هر کدام سنگین تر شود ، دیگری سبک تر می شود. ۱ / ۶ مجسم شدن دنیا الف مجسم شدن دنیا برای مسیح ۳۵۸. تاریخ واسط عن الإمام الحسين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا برای برادرم عیسی بن مریم علیهما السلام به صورت زنی مجسم شد. عیسی علیه السلام به او گفت: «آیا تو شوهر داری؟» .

دنیا گفت: آری ؛ شوهرهای بسیار.

عیسی علیه السلام گفت: «آنها زنده اند؟» . گفت: نه . همه آنها را کشته ام.».

در این هنگام ، عیسی علیه السلام فهمید او دنیا است که برایش مجسم شده است. ۳۵۹. فضائل الأشهر الثلاثة یاسناده عن الحسين بن علیّ علامام صادق علیه السلام: دنیا به صورت زنی چشم آبی در برابر عیسی علیه السلام مجسم شد. عیسی علیه السلام از او پرسید: چند شوی کرده ای؟

گفت: بسیار.

پرسید: «همه آنها تو را طلاق دادند؟» .

گفت: نه . همه را کُشتم. عیسی علیه السلام گفت: «بیچاره شوهران باقی مانده تو که از [سرنوشت] گذشتگان ، عبرت نمی گیرند!» . ۳۶۰. عیون أخبار الرضا یاسناده عن الحسين بن علیّ عن أبيالتحصين: روایت شده است که [حقیقت] دنیا برای عیسی علیه السلام مکشوف شد و آن را به صورت پیر زالی سپید موی دید که انواع زیورها بر اوست. عیسی به او گفت: «چند شوی کرده ای؟» .

گفت: از شمار بیرون اند. عیسی علیه السلام گفت: «همه آنها مُردند یا طلاق دادند؟» .

گفت: نه . همه شان را کُشتم.

عیسی علیه السلام گفت: «بدبخت ، شوهران باقی مانده تو! چگونه از شوهران

گذشته ات عبرت نمی گیرند؟ چگونه یکایک آنها را نابود کردی و اینان از تو برحذر نیستند» .

ب تَمَثَّلُ الدُّنْيَا لِلنَّبِيِّ ٣٦٢. المعجم الأوسط عن عبايه بن رفاعه عن الحسين بن عليّ المُستدرك على الصَّحِيحِينَ عن أبي بكر: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرَأَيْتُهُ يَدْفَعُ عَن نَفْسِهِ شَيْئًا وَلَمْ أَر مَعَهُ أَحَدًا، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الَّذِي تَدْفَعُ عَن نَفْسِكَ؟ قَالَ: هَذِهِ الدُّنْيَا مَثَلْتُ لِي، فَقُلْتُ لَهَا: إِلَيْكَ عَنِّي، ثُمَّ رَجَعَتْ فَقَالَتْ: إِنْ أَفَلَّتْ مِنِّي فَلَنْ يَنْفِلَتْ مِنِّي مَن بَعْدَكَ. (١) ج تَمَثَّلُ الدُّنْيَا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ٣٦٤. الكافي عن إبراهيم بن عمر اليماني عن أبي عبد الله بن عبد الله بن سليمان النَّوْفَلِيِّ: كُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا بِمَوْلَى لِعَبْدِ اللَّهِ النَّجَاشِيِّ قَدْ وَرَدَ عَلَيْهِ، فَسَلَّمَ وَأَوْصَلَ إِلَيْهِ كِتَابَهُ، فَفَضَّضَهُ (٢) وَقَرَأَهُ، فَإِذَا أَوَّلَ سَطْرٍ فِيهِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَ سَيِّدِي وَجَعَلَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ فِدَاءَهُ، وَلَا أُرَانِي فِيهِ مَكْرُوهًا؛ فَإِنَّهُ وَلِيُّ ذَلِكِ وَالْقَادِرُ عَلَيْهِ. إِعْلَمَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَنِّي بُلِيْتُ بِبَوْلَايِهِ الْأَهْوَاذِ، فَإِنْ رَأَى سَيِّدِي أَنْ يَجِدَّ لِي حِدًّا أَوْ يُمَثِّلَ لِي مَثَلًا لِأَنَّ سَتْدِلَّ بِهِ عَلَيَّ مَا يُقَرِّبُنِي إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ، وَيُلْخِصُ فِي كِتَابِهِ مَا يَرَى لِي الْعَمَلَ بِهِ... وَأَيْنَ أَضْعُ زَكَاتِي وَفِيْمَنَ أَصْرِفُهَا، وَبِمَنَ آتَسُّ وَإِلَى مَنَ اسْتَرْيُحُ، وَبِمَنَ أَثِقُ وَأَمُنُ وَأَلْجَأُ إِلَيْهِ فِي سِرِّي، فَعَسَى أَنْ يُخَلِّصَنِي اللَّهُ بِبِهْدَايَتِكَ وَدَلَالَتِكَ، فَإِنَّكَ حُجَّهُ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ وَأَمِينُهُ فِي بِلَادِهِ، وَلَا زَالَتْ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ.

فَأَجَابَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، جَامِلَكَ (٣) اللَّهُ بِصُنْعِهِ، وَلَطْفَ بِكَ بِمَنِّهِ، وَكَلَاكَ بِرِعَايَتِهِ فَإِنَّهُ وَلِيُّ ذَلِكِ، أَمَا بَعْدُ:

فَقَدْ جَاءَ إِلَيَّ رَسُولُكَ بِكِتَابِكَ، فَقَرَأْتُهُ وَفَهِمْتُ جَمِيعَ مَا ذَكَرْتَهُ وَسَأَلْتُ عَنْهُ، وَزَعَمْتَ أَنَّكَ بُلِيْتُ بِبَوْلَايِهِ الْأَهْوَاذِ، فَسَيَّرَنِي ذَلِكِ وَسَاءَنِي... وَسَأُتْبِئُكَ بِبَهْوَانِ الدُّنْيَا وَهَوَانِ شَرْفِهَا عَلَيَّ مِنْ (٤) مَضَى مِنَ السَّلَفِ وَالتَّيَابِعِينَ، فَقَدْ حَيَّدْتَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا تَجَهَّزَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْكُوفَةِ أَتَاهُ ابْنُ عَبَّاسٍ، فَنَاشَدَهُ اللَّهُ وَالرَّحِمَ أَنْ يَكُونَ هُوَ الْمَقْتُولَ بِالطَّفِّ. فَقَالَ: أَنَا أَعْرَفُ بِمَصْرَعِي مِنْكَ، وَمَا وَكَدِي (٥) مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا فِرَاقَهَا، أَلَا أُخْبِرُكَ يَا بَنَ عَبَّاسٍ بِحَدِيثِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالدُّنْيَا؟

فَقَالَ لَهُ: بَلَى لَعَمْرِي، إِنِّي لِأَجِبُ أَنْ تُحَدِّثَنِي بِأَمْرِهَا.

فَقَالَ أَبِي: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: حَدَّثَنِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنِّي كُنْتُ بِفَدَكِ (٦) فِي بَعْضِ حَيْطَانِهَا وَقَدْ صَارَتْ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، قَالَ: فَإِذَا أَنَا بِأَمْرَاهِ قَدْ هَجَمَتْ عَلَيَّ، وَفِي يَدِي مِسْحَاةٌ وَأَنَا أَعْمَلُ بِهَا، فَلَمَّا نَظَرْتُ إِلَيْهَا طَارَ قَلْبِي مِمَّا تَدَاخَلَنِي مِنْ جَمَالِهَا، فَشَبَّهْتُهَا بِبَيْتِنِ بَنَاتِ

عَامِرِ الْجَمْحِيِّ وَكَانَتْ مِنْ أَجْمَلِ نِسَاءِ قُرَيْشٍ، فَقَالَتْ: يَا بَنَ أَبِي طَالِبٍ، هَلْ لَكَ أَنْ تَتَزَوَّجَ بِي فَأُعْتِكَ عَنْ هَذِهِ الْمِسْحَاةِ، وَأَذَلَّكَ عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ فَيَكُونَ لَكَ الْمَلِكُ مَا بَقِيَتْ وَلِعَقِبِكَ مِنْ بَعْدِكَ؟ فَقَالَ لَهَا: مَنْ أَنْتِ حَتَّى أُخْطَبِكَ مِنْ أَهْلِكَ؟ فَقَالَتْ: أَنَا الدُّنْيَا. قَالَ لَهَا: فَارْجِعِي وَاطْلُبِي زَوْجًا غَيْرِي فَلَسْتَ مِنْ شَأْنِي. وَأَقْبَلْتُ عَلَيَّ مِسْحَاتِي، وَأَنْشَأْتُ أَقْوَالَ:

لَقَدْ خَابَ مَنْ غَرَّتْهُ دُنْيَا دَيْتِيهِ وَمَا هِيَ إِلَّا غَرَّتْ قُرُونًا بِنَائِلِ أَتْنَا عَلَى زِيِّ الْعَزِيزِ بُيْنَهُ وَزَيْنَّتُهَا فِي مِثْلِ تِلْكَ السَّمَائِلِ فَقُلْتُ لَهَا غُرِّي سِوَايَ فَإِنِّي عَزُوفٌ (٧) عَنِ الدُّنْيَا فَلَسْتُ بِجَاهِلٍ وَمَا أَنَا وَالِدُنْيَا فَإِنَّ مُحَمَّداً أَحَلَّ صَرِيحاً بَيْنَ تِلْكَ الْجِنَادِلِ (٨) وَهَبَهَا أَتْنَا بِالْكَنُوزِ وَدُرِّهَا وَأَمْوَالِ قَارُونَ وَمُلْكِ الْقِبَائِلِ أَلَيْسَ جَمِيعاً لِلْفَنَاءِ مَصِيرُهَا وَيَطْلُبُ مِنْ خُزَانِهَا بِالطَّوَائِلِ فَعُرِّي سِوَايَ إِنِّي غَيْرُ رَاغِبٍ بِمَا فِيكَ مِنْ مُلْكٍ وَعِزٍّ وَنَائِلٍ فَقَدْ قَنَعَتْ نَفْسِي بِمَا قَدْ رُزِقْتَهُ فَشَأْنُكَ يَا دُنْيَا وَأَهْلَ الْغَوَائِلِ (٩) فَإِنِّي أَخَافُ اللَّهَ يَوْمَ لِقَائِهِ وَأَخْشَى عَذَاباً دَائِماً غَيْرَ زَائِلٍ

فَخَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ تَبَعٌ لِأَجْدِ حَتَّى لَقِيَ اللَّهَ مَحْمُوداً غَيْرَ مَلُومٍ وَلَا مَيْدُومٍ، ثُمَّ اقْتَدَتْ بِهِ الْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِهِ بِمَا قَدْ بَلَّغَكُمْ؛ لَمْ يَتَلَطَّخُوا بِشَيْءٍ مِنْ بَوَائِقِهَا (١٠)،

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَأَحْسَنَ مَثْوَاهُمْ (١١). (١٢).

- ١- المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٣٤٤ ح ٧٨٥٦ ، شُعب الإیمان : ج ٧ ص ٣٤٣ ح ١٠٥١٨ ، تاریخ بغداد : ج ١٠ ص ٢٦٨ الرقم ٥٣٨٢ ، حلیه الأولیاء : ج ١ ص ٣٠ نحوه ، کنز العمال : ج ٧ ص ١٨٤ ح ١٨٥٩٨ ؛ تنبیہ الخواطر : ج ١ ص ١٢٨ نحوه .
- ٢- فَضُّهُ : كَسْرَهُ وَفَتْحَهُ (النہایه : ج ٣ ص ٤٥٤ «فضض»).
- ٣- الْمُجَامَلَةُ : الْمُعَامَلَةُ بِالْجَمِيلِ (الصحاح : ج ٤ ص ١٦٦٢ «جمل»).
- ٤- فی المصدر : «علی ما مضی» ، والتصویب من الموضع الآخر من بحار الأنوار .
- ٥- وَكُدِي : أَيْ دَابِي وَقَصْدِي (النہایه : ج ٥ ص ٢١٩ «وكد»).
- ٦- فَدَاكَ : قَرِيهِ مِنْ قَرَى الْيَهُودِ بَيْنَهَا وَبَيْنَ مَدِينَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَانِ ، وَبَيْنَهَا وَبَيْنَ حَيْبَرٍ دُونَ مَرَحَلِهِ . وَهِيَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . وَكَانَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؛ لِأَنَّهُ فَتَحَهَا هُوَ وَأَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَكُنْ مَعَهُمَا أَحَدٌ ، فزَالَتْ عَنْهَا حِكْمُ الْفِيءِ وَلِزِمَهَا اسْمُ الْأَنْفَالِ ، فَلَمَّا نَزَلَ «وَأَتَا ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» «الإسراء : ٢٦» أَيْ أَعْطَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَدَاكَ ، أَعْطَاهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِيَّاهَا ، وَكَانَتْ فِي يَدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ إِلَى أَنْ تَوَفَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَخَذَتْ مِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ بِالْقَهْرِ وَالْعَلْبَةِ (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٣٧٠ «فدك»).
- ٧- عَزَفَتْ نَفْسِي عَنِ الشَّيْءِ تَعَزَفٌ عَزُوفًا: أَيْ زَهَدَتْ فِيهِ وَانصرفت عنه (الصحاح : ج ٤ ص ١٤٠٣ «عزف»).
- ٨- الْجَنْدَلُ : الْحَجَرُ ، وَالْجَنْدَلُ : الْمَوْضِعُ تَجْتَمِعُ فِيهِ الْحِجَارَةُ (تاج العروس : ج ١٤ ص ١٢٥ «جندل»).
- ٩- الْغَائِلَةُ : الْفَسَادُ وَالشَّرُّ (مجمع البحرين : ج ٢ ص ١٣٤٢ «غول»).
- ١٠- بَوَائِقُهَا : أَيْ غَوَائِلُهَا وَشُرُورُهَا (النہایه : ج ١ ص ١٦٢ «بوق»).
- ١١- بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢٧١ ح ١١٢ و ج ٧٧ ص ١٨٩ ح ١١ مختصراً وكلاهما نقلاً عن كشف الریبه : ص ٨٦ (وقد صُحِّفَتْ فِيهِ بَعْضُ الْعِبَارَاتِ) وَرَاجِعِ الْمَنَاقِبِ لِابْنِ شَهْرٍ أَشُوبَ : ج ٢ ص ١٠٢ .
- ١٢- فی بحار الأنوار نقلاً عن نهج الكيدري أنه قال عند شرح قول أمير المؤمنين عليه السلام لهمام في وصف المتقين «أرادتهم الدنيا فلم يريدها» : من مكاشفات أمير المؤمنين عليه السلام ما رواه الصادق ، عن آبائه عليهم السلام وساق الحديث نحو ما ذكرناه ، ثم قال : فهذا معنى قوله عليه السلام : أرادتهم الدنيا ولم يريدها (بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٨٣ ح ٤٦) .

ب مجسم شدن دنیا برای پیامبر

ج مجسم شدن دنیا برای امیر مؤمنان

ب مجسم شدن دنیا برای پیامبر ۳۶۶. تاریخ دمشق عن صمصامه بن الطرمّاح: المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو بکر: با پیامبر خدا بودم که دیدم چیزی را از خود می راند، در حالی که کسی را با ایشان ندیدم. گفتم: ای پیامبر خدا! چه چیزی را از خود می رانی؟

فرمود: «این دنیا برایم مجسم شد و من به او گفتم: از من دور شو. دوباره آمد و گفت: اگر تو از من گریختی، کسانی که بعد از تو می آیند، از چنگ من نخواهند گریخت.» ج مجسم شدن دنیا برای امیر مؤمنان ۳۶۸. وقعه صفین (بعده ذکر کلام امیر المؤمنین والحسن) بحار الأنوار به نقل از عبد الله بن سلیمان نوفلی: نزد جعفر بن محمد صادق علیهما السلام بودم که یکی از غلامان عبد الله نجاشی بر ایشان در آمد و سلام کرد و نامه او را به ایشان داد. امام علیه السلام نامه را گشود و خواند. نامه چنین شروع شده بود:

«به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند بلند مرتبه، عمر سرورم را دراز گرداند و مرا بلاگردان او سازد و هر غم و گزندی را از ایشان به دور دارد که این همه، به دست اوست و او بر آن، تواناست. آقا و مولایم بدانند که این جانب به ولایتداری اهواز، گرفتار آمده ام. بنا بر این، اگر سرورم صلاح ببیند، برای من مرزی [و دستور العملی] تعیین کند یا الگویی فرا پیشم نهد تا از طریق آن، به آنچه مرا به خداوند و پیامبر او نزدیک می سازد، رهنمون شوم و در نامه اش آنچه را که فکر می کند من باید به کار بندم [بیاورد]... و این که زکاتم را به که بدهم و در چه مواردی به مصرفش رسانم، با چه کسی دمخور شوم، به چه کسی اطمینان کنم، چه کسی مورد وثوق من و رازدار و امینم باشد. امید است که خداوند به واسطه هدایت و راهنمایی ات مرا نجات بخشد؛ زیرا که شما حجت خدا بر خلق او و امین او در سرزمینش هستید و همواره از نعمت و نواخت او برخوردارید.»

امام صادق علیه السلام در جواب او نوشت: «به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند با

احسان خود، تو را بنوازد و رهین سنت خویش قرار دهد و همواره، نگهدار تو باشد که این همه، به دست اوست. اینک، بیک تو نامه ات را برایم آورد و آن را خواندم و مطالب آن و هر آنچه در آن گفته بودی و درخواست کرده بودی، دریافتم. گفته ای که به ولایتداری اهواز، گرفتار شده ای. این خبر، هم موجب مسرت من گردید و هم مایه نگرانی ام... از خواری دنیا و بی مقداری مقام آن در نزد گذشتگان و آیندگان برایت بگویم: محمد بن علی بن حسین علیهم السلام برایم حدیث کرد و فرمود: چون حسین علیه السلام آماده رفتن به کوفه شد، ابن عباس، خدمت وی رسید و او را به خدا و حق خویشاوندی سوگند داد که به این سفر نرود تا مبادا آن کسی که در طف (کربلا) کشته می شود، او باشد.

امام به او فرمود: من به قتلگاه خود، از تو آگاه ترم و من، از دنیا، جز مفارقت آن را نمی خواهم. ای پسر عباس! آیا داستان

امیر مؤمنان و دنیا را برایت نگویم!؟

ابن عباس گفت: چرا . به جانم سوگند که دوست دارم ماجرای آن را برایم بازگویی.

پدرم فرمود: علی بن حسین علیهما السلام گفت: از ابا عبد الله [حسین] علیه السلام شنیدم که می فرماید: امیر مؤمنان علیه السلام برایم گفت: من در یکی از باغ های فدک که به فاطمه علیها السلام رسیده بود ، (۱) با بیل مشغول کار بودم که ناگهان ، زنی سرزده بر من درآمد. با دیدن جمال او ، قلبم از جا کنده شد. او را شبیه بُئینه (۲) دختر عامر جُمحی که از زیباترین زنان قریش بود دیدم. آن زن به من گفت: ای پسر ابو طالب ! دوست داری با من ازدواج کنی تا تو را از این بیل ، بی نیاز گردانم

و گنجینه های زمین را به تو نشان دهم که تا زنده ای ، خودت و پس از تو بازماندگان ، پادشاهی کنید؟

به او گفتم : «تو که هستی تا تو را از خانواده ات خواستگاری کنم؟» .

گفت: من ، دنیایم.

گفتم: «برو و شوهری جز من بجوی» .

سپس بیل را برداشتم و با خود ، این ابیات را برخواندم:

آن که دنیای دون فریش داد ، ناکام ماند/ و دنیا اگر نسل هایی را هم بفریبید ، کسی نیست که بخشندگی کند. دنیا در چهره زیبای بُئینه نزد ما آمد/ و جمالش به سان همو می نمود . گفتمش: کسی دیگر را بفریب که من / از دنیا روی گردانیده ام و نادان نیستم . مرا چه به دنیا؛ زیرا که محمّد / در میان آن تخته سنگ ها آرمیده است . گیرم که دنیا گنج ها و مرواریدهای خود/ و دارایی های قارون و مُلک قبایل را به من دهد ، آیا نه این است که همه اینها از بین رفتنی اند/ و از گنجورانشان می خواهند که بخشش کنند؟! پس ، جز مرا بفریب که مرا/ ملک و عزّت و بخشش تو رغبتی نیست . نفس من به آنچه روزی اش شده ، قانع است/ ای دنیا! برو کار خویش را با غائله جویان پی گیر . من از خداوند ، آن روز که دیدارش کنم ، می ترسم/ و از عذاب همیشگی و پایدار ، بیمناکم .

آری! امیر مؤمنان از دنیا رفت ، در حالی که حقّ احدی را به گردن نداشت و خداوند را در حالی دیدار کرد که مورد پسند او بود و هیچ ملامت و نکوهشی متوجّهش نبود. سپس امامانِ پس از او ، به او اقتدا کردند که خبرش

به شما رسیده است. خویشان را به کمترین پلشتی دنیا نیالودند. درود بر همگی آنان باد و جایگاهشان نکو باد! (۳)

۱- فدک: روستایی از روستاهای متعلّق به یهود است که تا مدینه ، دو روز و با خیر ، کمتر از یک منزل راه فاصله دارد و از غنایمی بود که خداوند به پیامبرش بخشید. به این دلیل به پیامبر خدا تعلق گرفت که توسط ایشان و امیر مؤمنان فتح شد و

کسی دیگر در فتح آن دخالت نداشت. لذا کلمه «فیء» از آن برداشته و نام «انفال» بر آن نهاده شد. چون آیه «وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» (اسراء: آیه ۲۶) یعنی فدک را به فاطمه علیهاالسلام بده، نازل شد، پیامبر خدا، آن را به فاطمه علیهاالسلام داد و تا زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت همچنان در اختیار فاطمه او بود و بعد به زور از ایشان گرفته شد (مجمع البحرین: ج ۳، ص ۱۷۰ «فدک»).

۲- در متن عربی: «ثَبَّتَهُ» آمده که براساس متن بحار الأنوار، آن را اصلاح کردیم.

۳- در بحار الأنوار آمده است: کیدری، پس از شرح این سخن امیر مؤمنان به همّام در وصف پرهیزگاران که: «دنیا آنان را خواست؛ اما آنان دنیا را نخواستند»، می گوید: از مکاشفات امیر مؤمنان، روایتی است که امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل می کند شارح آن حدیث را نزدیک به آنچه گذشت نقل می کند و سپس می گوید: این است معنای فرمایش او که: «دنیا آنان را خواست؛ اما آنان دنیا را نخواستند» (بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۸۳ ح ۲۴۶).

ص: ٣٠٩

..

د تَمَثَّلُ الدُّنْيَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ٣٧٠. تاريخ الطبري عن الضحَّاك المشرقى عن الحسين عليه (فى جوابِ مُسَلِّمِ بْنِ عَوْسَجَةَ لَمَّا قَالَ لَهُ) التحصين عن ابن عبَّاس : يُؤْتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالدُّنْيَا فى صُورِهِ عَجُوزٍ زُرْقَاءَ شَمِطَاءَ ، بِأَدْيِيهِ أُنْيَابُهَا مُشَوَّهَةٌ خِلْقَتُهَا ، وَتُشْرِفُ عَلَى الْخَلَائِقِ .

فَيَقُولُ : تَعْرِفُونَ هَذِهِ؟

فَيَقُولُونَ : نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ مَعْرِفَةِ هَذِهِ !

فَيَقُولُ : هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي تَفَاخَرْتُمْ عَلَيْهَا ، وَبِهَا تَقَاطَعْتُمُ الْأَرْحَامَ ، وَبِهَا تَحَاسَدْتُمْ وَتَبَاغَضْتُمْ وَاعْتَرَزْتُمْ .

ثُمَّ تُقَدِّفُ فى جَهَنَّمَ ، فَتَقُولُ : يَا رَبِّ أَتَبَاعَى وَأَشِياعى؟ فَيَقُولُ اللَّهُ : أَلْحِقُوا بِهَا أَتَبَاعَهَا وَأَشِياعَهَا . (١) راجع : ص ٣٣٠ ح ٤٩٠ و ٣٣٤ ح ٤٩٦ و ٤٩٧ .

١ / ٧ إقبال الدنيا وإدبارها ٣٧٤. الأمالى بإسناده عن الحسين عليه السلام (فيما قاله لَأَمٍّ وَهَبٍ لَمَّا قَتَلَ ابْنُهَا وَ) الإمام على عليه السلام : إِنَّ الدُّنْيَا رُبَّمَا أَقْبَلَتْ عَلَى الْجَاهِلِ بِالِاتِّفَاقِ ، وَأَدْبَرَتْ عَنِ الْعَاقِلِ بِالِاسْتِحْقَاقِ ، فَإِنَّ أَتَتَكَ مِنْهَا سَيِّئَةٌ مَعَ جَهْلٍ أَوْ فَاتَتْكَ مِنْهَا بُعِيَّةٌ مَعَ عَقْلِ ، فَإِيَّاكَ

أَنْ يَحْمِلَكَ ذَلِكَ عَلَى الرَّغْبَةِ فى الْجَهْلِ وَالزُّهْدِ فى الْعَقْلِ ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُزْرِى (٢) بِكَ وَيُرْدِيكَ (٣) . (٤) .

-
- ١- التحصين لابن فهد : ص ٢٧ ح ٤٧ ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٤٦ ؛ إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ٣١٦ وفيهما «تناجزتم» بدل «تفاخرتم» ، كنز العمال : ج ٣ ص ٧٢٤ ح ٨٥٧٩ نقلاً عن أبى سعيد بن الأعرابى فى الزهد .
 - ٢- يقال : أزرى بأخيه إزرأء ؛ أى أدخل عليه عيياً (تاج العروس : ج ١٩ ص ٤٩٢ «زرى»).
 - ٣- رَدَى يَرْدَى : أى هَلَك . وأرداءه غيره (الصحاح : ج ٦ ص ٢٣٥٥ «ردى»).
 - ٤- غرر الحكم : ح ٣٦٨٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٤٦ ح ٣٢٣٧ وفيه «بالإنفاق» بدل «بالاتفاق» .

د مجسم شدن دنیا در روز قیامت

۱ / ۷ اقبال و ادبار دنیا

د مجسم شدن دنیا در روز قیامت ۳۷۶. مسند أبی یعلی عن زید بن علی بن حسین عن أبیه عن جالتحصین به نقل از ابن عباس: روز قیامت، دنیا را در هیئت پیرزنی چشم آبی و سپید موی با نیش هایی بیرون زده و قیافه ای زشت و بدریخت می آورند و آن را بر خلائق نزدیک می کنند. سپس [خداوند] می گوید: «این را می شناسید؟» .

خلائق می گویند: پناه به خدا از این که او را بشناسیم!

می گوید: «این ، همان دنیا است که با آن به یکدیگر فخر می فروختید و به خاطر آن ، از یکدیگر پیوند خویشاوندی می بُریدید و برای آن ، با یکدیگر حسادت می ورزیدید و کینه توزی می کردید و فریب خوردید».

سپس او را به دوزخ پرتاب می کنند و دنیا می گوید: پروردگارا! پیروانم و دنباله روانم [چه می شوند]؟

خداوند می فرماید: «پیروان و دنباله روانش را نیز به او ملحق کنید». ر . ک : ص ۳۳۱ ح ۴۹۰ و ۳۳۵ ح ۴۹۶ و ۴۹۷.

۱ / ۷ اقبال و ادبار دنیا ۳۸۰. نوادر الأصول عن الحسين بن علی علیه السلام : امام علی علیه السلام : دنیا ، گاه تصادفاً به نادان روی می آورد و به حق ، از خردمند بر می گردد. پس اگر با وجود نادانی ات ، بهره ای از دنیا به تو رسید یا با وجود خردمندی ات ، به مطلوبی از آن دست نیافتی ، مبادا این امر ، تو را وا دارد که به

نادانی رغبت کنی و به خرد و دانایی پشت نمایی که این ، تو را بی مقدار می کند و به نابودی می کشاند.

٣٨١. الأماي عن الحسين بن علي بن الحسين عن أبيه عن جدعنه عليه السلام: إذا أقبَلتِ الدُّنيا على أَحَدٍ أَعَارَتْهُ مَحَاسِنَ غَيْرِهِ ، وإذا أدْبَرَتْ عَنْهُ سَلَبَتْهُ مَحَاسِنَ نَفْسِهِ . (١) ٣٨٢. تاريخ الطبري عن عقبه بن أبي العيزار: الإمام الصادق عليه السلام: إذا أقبَلتِ دُنْيا قومٍ كَسُوا مَحَاسِنَ غَيْرِهِمْ ، وإذا أدْبَرَتْ سَلَبُوا مَحَاسِنَ أَنْفُسِهِمْ . (٢) ٣٨٣. مسند أبي يعلى عن يوسف الصَّبَّاح عن الحسين عليه السَّل (ولا أَعْلَمُهُ إِلَّا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ) الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيا تُقبَلُ إقبَالَ الطَّالِبِ ، وتُدْبِرُ إدْبَارَ الهَارِبِ ، وتَصِلُ مُوَاصِلَةَ المَلُوكِ ، وتُفَارِقُ مُفَارَقَةَ العَجُولِ . (٣) ٣٨٤. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام (في الأمرِ بالمَعْرُوفِ والنَّهْيِ عَنِ المُنْكَرِ) عنه عليه السلام في وَصْفِ الدُّنْيا: إن أقبَلتِ غَرَّتْ ، وإن أدْبَرَتْ ضَرَّتْ . (٤) ٣٨٥. الكافي عن بشر بن غالب الأَسدي عن الحسين بن علي علعنه عليه السلام في الحِكمِ المَنسُوبَةِ إِلَيْهِ: إذا أقبَلتِ الدُّنْيا أقبَلتِ على حِمَارٍ قَطُوفٍ (٥) ، وإذا أدْبَرَتْ أدْبَرَتْ على البَراقِ (٦) . (٧) .

- ١- نهج البلاغه: الحكمه ٩ ، عيون أخبار الرضا: ج ٢ ص ١٣٠ ح ١١ عن إبراهيم بن العباس عن الإمام الرضا عن أبيه عليهما السلام ، مشكاه الأنوار: ص ٤٦٩ ح ١٥٦٩ ، نثر الدر: ج ١ ص ٣٥٣ ، روضه الواعظين: ص ٤٨٨ والأربعه الأخيره عن الإمام الصادق عليه السلام وفيها «أعطته» بدل «أعارته» ، جامع الأخبار: ص ٥٠٩ ح ١٤١٨ ، غرر الحكم: ح ٤١٢٦ وفيه «كسته» بدل «أعارته» ، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٣٥٧ ح ٧١ .
- ٢- تحف العقول: ص ٣٨٢ ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٦٩ ح ١٨٥ .
- ٣- غرر الحكم: ح ٣٦٦٦ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٥ ح ٣٢٣٠ وفيه «الملول» بدل «الملوك» .
- ٤- مطالب السؤل: ص ٥٣ ؛ بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٣ ح ٨٨ .
- ٥- القُطُوف من الدوابِّ وغيرها: البطيء (المصباح المنير: ص ٥٠٩ «قطف»).
- ٦- البَراق: هي الدابَّه التي ركبها رسول الله صلى الله عليه وآله ليله الإسراء . قيل: سُمِّيَ بذلك لسرعته حركته (النهايه: ج ١ ص ١٢٠ «برق»).
- ٧- شرح نهج البلاغه: ج ٢٠ ص ٢٩٣ ح ٣٥٢ .

۳۸۶. الأُمالی عن سعد بن طریف عن أبي جعفر الباقر عن أبيهما امام علی علیه السلام: هرگاه دنیا به کسی رو کند، خوبی های دیگران را نیز به او عاریت می دهد و هرگاه از او برگردد، خوبی های خودش را هم از او می گیرد. ۳۸۷. الأُمالی بإسناده عن الحسين بن علی عن أخیه الحسن بامام صادق علیه السلام: هرگاه دنیا به قومی رو کند، خوبی های دیگران بر قامت آنان پوشانده می شود و هرگاه پشت کند، خوبی های خودشان هم از آنان رُبوده می شود. ۳۸۸. جامع الأحادیث عن الحسين بن علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: دنیا، به سان شخص جوینده می آید و همانند شخص گریزنده می رود و چون شاهان، پیوند برقرار می کند و مانند کسی که عجله دارد، جدا می شود. ۳۸۹. الأُمالی بإسناده عن الحسين بن علی عن علی بن آیامام علی علیه السلام در توصیف دنیا: دنیا، اگر روی آورد، می فریبد و اگر پشت کند، زیان می زند. ۳۹۰. الأُمالی بإسناده عن الحسين بن علی عن أمير المؤمنين امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: دنیا وقتی می آید، سوار بر الاغی کُند رو، می آید و وقتی می رود، با بُراق (۱) می رود..

۱- بُراق: مرکب پیامبر خدا در شب معراج. می گویند: آن را «بُراق» گفته اند، چون تند حرکت می کرده است (النهایه: ج ۱ ص ۱۲۰ «برق»).

٣٩١. الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام (فيما نُسِبَ إِلَيْهِ مِنْ دُعَاءِ عَرَفَةَ) عنه عليه السلام في الديوان المنسوب إليه : فَمَنْ
يَحْمَدُ الدُّنْيَا بِعَيْشٍ يَسْرُهُ فَسَوْفَ لَعَمْرِي عَنْ قَلِيلٍ يَلُومُهَا إِذَا أَقْبَلَتْ كَانَتْ عَلَى الْمَرْءِ فِتْنَةً وَإِنْ أَدْبَرَتْ كَانَتْ كَثِيرًا هُمُومُهَا (١) راجع
: ج ٢ ص ١١٢ (رفاه العيش / خدمه الدنيا) .

١- .الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام : ص ٥٢٢ الرقم ٣٩٦ .

۳۹۳. الأُمالی بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام: امام علي عليه السلام در ديوان منسوب به ایشان: هر که دنیا را از سیرِ خوشی بستاید، / سوگند به جانم که به زودی آن را خواهد نکوهید. دنیا، هرگاه بیاید، مایه گرفتاری آدمی است / و هرگاه پشت کند، آه و افسوس هایش بسیار است. ر. ک: ج ۲ ص ۱۱۳ (آسایش زندگی / خدمت گزاری دنیا).

الفصل الثانی : تقویم الدنیا ٢ / ١ ما تعدل جناح بعوضه! ٣٩٨. طب الأئمة عن جابر الجعفی عن محمد الباقر علیه ارسول الله صلى الله عليه و آله : لو كانت الدنيا تعدل عند الله مثل جناح بعوضه ، ما أعطى كافرا ولا منافقا منها شيئا . (١) ٣٩٩. الفردوس عن الحسين بن علي عليه السلام عن رسول اللعنه صلى الله عليه و آله : إن الدنيا لو عدلت عند الله تبارك وتعالى جناح بعوضه ، كما سقى الكافر منها شربة من ماء . (٢) .

- ١- . تحف العقول : ص ٤٠ ، الدعوات : ص ٢٢٥ ح ٦٢٤ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وليس فيه «ولا منافقا» ، التمهيد : ص ٤٩ ح ٧٩ عن عبد الله بن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «مثقال» بدل «مثل» ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ٥٢ ح ٧٢ ؛ كنز العمال : ج ٣ ص ٢١٣ ح ٦٢٠٨ نقلاً عن ابن المبارك .
- ٢- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٦٣ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الكافي : ج ٢ ص ٢٤٦ ح ٥ عن فضيل بن يسار عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «عدوه» بدل «الكافر» ، الأمالي للصدوق : ص ٣٠٥ ح ٣٤٨ عن محمد بن قيس وفيه «عند الله من الخير» بدل «عند الله» ، الاحتجاج : ج ١ ص ٥٥ ح ٢٢ عن الإمام العسكري عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «كافرا به مخالفا له» بدل «الكافر» ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٨٧ ح ٥٠ ؛ سنن الترمذي : ج ٤ ص ٥٦٠ ح ٢٣٢٠ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣٧٧ ح ٤١١٠ وفيه «قطره أبدا» بدل «شربه من ماء» ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٣٤٢ ح ٧٨٤٧ كلها عن سهل بن سعد ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٥ ح ٦١٣٢ .

فصل دوم: ارزیابی دنیا

۲ / ۱ کم مقدارتر از بال پشه

فصل دوم: ارزیابی دنیا ۲ / ۱ کم مقدارتر از بال پشه ۴۰۳. الطبقات الكبرى عن محمد بن أبي محمد البصري: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر دنیا در نزد خداوند به اندازه بال پشه ای می‌ارزید، چیزی از آن را به کافر و منافق نمی‌داد. ۴۰۴. مسند أبي يعلى عن أبي الحوراء: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا اگر در نزد خداوند تبارک و تعالی با بال پشه ای برابری می‌کرد، [حتی] جرعه آبی از آن را به کافر نمی‌نوشاند.

٤٠٥. ربيع الأبرار: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ نَعِيمَ الدُّنْيَا أَقْلٌ وَأَصْغَرُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ خُرءٍ بُعِيضِهِ ، وَلَوْ عَدَلَتْ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ ذُبَابٍ لَمْ يَكُنْ لِمُسْلِمٍ بِهَا لِحَاقٌ ، وَلَا لِكَافِرٍ خَلَاقٌ (١). (٢) ٤٠٦. تهذيب الأحكام: حليه الأولياء عن زيد بن ثابت: نَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى حَصِيرٍ فَأَثَّرَ فِي جَنْبِهِ ، فَقَالَتْ لَهُ عَائِشَةُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا كِسْرَى وَقَيْصَرٌ فِي مُلْكِكَ عَظِيمٍ ، وَأَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ لَا شَيْءَ لَكَ ؛ تَنَامُ عَلَى الْحَصِيرِ وَتَلْبَسُ التُّوبَ الرَّدِيءَ!

فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا عَائِشَةُ ، لَوْ شِئْتُ أَنْ تَسِيرَ مَعِيَ الْجِبَالُ ذَهَبًا لَسَارَتْ ، وَلَقَدْ أَتَانِي جِبْرِيلُ بِمَفَاتِيحِ خَزَائِنِ الدُّنْيَا فَلَمْ أُرِدْهَا . اِرْفَعِي الْحَصِيرَ !

فَرَفَعْتُهُ ، فَإِذَا تَحْتَ كُلِّ زَاوِيَةٍ مِنْهَا قَضِيبٌ مِنْ ذَهَبٍ مَا يَحْمِلُهُ الرَّجُلُ ، فَقَالَ : أَنْظِرِي إِلَيْهَا يَا عَائِشَةُ ، إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْخَيْرِ قَدْرَ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ . ثُمَّ غَارَتِ الْقُضْبَانُ . (٣) ٢ / ٢ ما لها قدرٌ ولا وزنٌ ٤٠٩. كتاب من لا يحضره الفقيه: الإمام علي عليه السلام: اِحْذَرُوا هَذِهِ الدُّنْيَا الْخَدَاعَةَ الْغَرَارَةَ . . . فَمَا لَهَا عِنْدَ اللَّهِ قَدْرٌ وَلَا وَزْنَ ، وَلَا خَلْقٌ فِيهَا بَلَّغْنَا خَلْقًا أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنْهَا ، وَمَا نَظَرَ إِلَيْهَا مُبْدِ خَلْقَهَا . وَلَقَدْ عَرَضْتُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَفَاتِيحِهَا وَخَزَائِنِهَا لَا يَنْقُصُهُ ذَلِكَ مِنْ حَظِّهِ مِنَ الْآخِرَةِ فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا ؛ لِعِلْمِهِ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ثَنَاؤُهُ أَبْغَضَ شَيْئًا فَأَبْغَضَهُ ، وَصَيَّرَ شَيْئًا فَصَيَّرَهُ ، وَالْأَلْفُ يَرْفَعُ مَا وَضَعَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ وَالْأَلْفُ يُكْثِرُ مَا أَقَلَّ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ ، وَلَوْ لَمْ يُخْبِرْكَ عَنْ صِغَرِهَا عِنْدَ اللَّهِ ، إِلَّا أَنَّ اللَّهَ جَلَّ

وَعَزَّ أَصْغَرَهَا عَنْ أَنْ يَجْعَلَ خَيْرَهَا ثَوَابًا لِلْمُطِيعِينَ ، وَأَنْ يَجْعَلَ عُقُوبَتَهَا عِقَابًا لِلْعَاصِينَ (٤) . (٥) .

١- الخلاق: النَّصِيب (المصباح المنير: ص ١٨٠ «خلق»).

٢- تاريخ المدينة: ج ٢ ص ٥٥٧ عن الشعبي .

٣- حليه الأولياء: ج ٧ ص ٢٦٢ وراجع الطبقات الكبرى: ج ١ ص ٤٦٦ .

٤- جواب «لو» محذوف وتقديره: «لكفى» كما فى بحار الأنوار .

٥- دستور معالم الحكم: ص ٣٧ و ص ٣٩؛ بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٨ و ١١٠ ح ١٠٩ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ وفيه «الغداره» بدل «الغزاره» .

۲ / ۲ بی قدر و وزن

۴۱۰. عیون الأخبار عن إسرائيل عن الحسين عليه السلام (أَنَّهُ كَانَ إِذَا اسْتَسْقَى قَالَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ناز و نعمت دنیا در نزد خداوند ، کمتر و کوچک تر از فضله یک پشه ریز است. اگر دنیا در نظر خداوند به اندازه بال مگسی ارزش داشت، نه مسلمانی به آن می رسید و نه کافری از آن بهره ای می یافت. ۴۱۱. طَبَّ الْأَثْمَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُفَضَّلِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ أَهْلِ الْأَوْلِيَاءِ بِه نقل از زید بن ثابت : پیامبر خدا بر بوریایی خوابید و بوریای در پهلویش ایستاد ، رد انداخت. عایشه گفت: ای پیامبر خدا! کسرا و قیصر ، از سلطنتی بزرگ برخوردارند و شما که پیامبر خدا هستید ، هیچ ندارید : بر بوریای می خوابید و جامه بی مقدار می پوشید!

پیامبر خدا به او فرمود: «ای عایشه! اگر بخواهم که کوه ها برایم از طلا شوند، چنین می شوند. جبرئیل ، کلیدهای خزانه های دنیا را برایم آورد ؛ ولی من آنها را نخواستم. بوریای را بالا بزن!».

بوریای را برداشتم . دیدم که زیر هر گوشه ای از آن ، قطعه ای از طلاست که یک مرد نمی تواند آن را بردارد.

پیامبر فرمود: «ای عایشه! به اینها بنگر. دنیا در نزد خداوند ، حتی به اندازه بال پشه ای ارزش ندارد». در این هنگام ، قطعه ها [ای طلا] در زمین فرو رفتند (ناپدید شدند). ۲ / ۲ بی قدر و وزن ۴۱۴. کشف الغمّه عن راشد بن أبي روح الأنصاري : امام علی علیه السلام : از این دنیای مکار فریبکار ، بر حذر باشید... که دنیا در نزد خداوند هیچ قدر و وزنی ندارد، و تا آن جا که به ما خبر رسیده است ، خداوند هیچ مخلوقی نیافریده است که در نزد او منفورتر از دنیا باشد، و از زمانی که دنیا را آفرید ، به آن نگاه نکرد. کلیدها و خزانه های دنیا به پیامبرمان محمد صلی الله علیه و آله پیشنهاد شد ، بی آن که از بهره آخرتش چیزی کم شود ؛ اما او از پذیرفتن آن سر باز زد؛ زیرا می دانست که خداوند چه چیز را ناخوش می دارد، او هم آن را ناخوش داشت، و چه چیز را کوچک می شمارد ، او هم

کوچکش شمرد، و آنچه را خداوند پایین آورده است ، او بالا نبرد، و آنچه را خداوند کم قرار داده ، او زیادش نگرداند.

اگر درباره خردی دنیا در نزد خداوند ، تو را جز همین اندازه خبر نداده بود که خداوند آن را کوچک تر از آن دانسته که خوبی اش (خوشی اش) را پاداشی برای اهل طاعت قرار دهد و کیفرهایش را کیفری برای اهل معصیت [، همین، کفایت می کرد].

٢ / ٣ أهونُ الخلقِ على الله ٤١٧. الدعوات عن علي بن الحسين عليه السلام: تنبيه الخواطر: قيل: مَكْتُوبٌ فِي صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا دُنْيَا مَا أَهَوَيْتِ عَلَيَّ الْأَبْرَارِ الَّذِينَ تَزَيَّنْتِ وَتَصَيَّنْتِ لَهُمْ، إِنِّي قَدَفْتُ فِي قُلُوبِهِمْ بُغْضَكَ وَالصُّدُودَ عَنْكَ، وَمَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَهْوَى عَلَيَّ مِنْكَ، كُلُّ شَأْنِكَ صَيِّغٌ، وَإِلَى الْفَنَاءِ تَصِيرِينَ. قَضَيْتُ عَلَيْكَ يَوْمَ خَلَقْتُكَ الْأَلَّا تَدُومِي لِإِعْخَادٍ وَلَا يَدُومُ أَحَدٌ لَكَ، وَإِنْ بَدَّلَ بِكَ صَاحِبُكَ وَشَخَّ عَلَيْكَ. (١) ٤١٨. مُهَجُّ الدَّعَوَاتِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَحِيحٌ مُسَلِّمٌ عَنِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ بِالسُّوقِ دَاخِلًا مِنْ بَعْضِ الْعَالِيَةِ (٢)، وَالنَّاسُ كَنَفَتْهُ (٣)، فَمَرَّ بِجَدِي أَسَكَّ (٤) مَيِّتٍ فَتَنَاوَلَهُ فَأَخَذَ بِأُذُنِهِ، ثُمَّ قَالَ: أَيُّكُمْ يُحِبُّ أَنْ هَذَا لَهُ بِدَرَاهِمٍ؟ فَقَالُوا: مَا نُحِبُّ أَنْهُ لَنَا بِشَيْءٍ، وَمَا نَصْنَعُ بِهِ؟!

قَالَ: أَتُحِبُّونَ أَنْهُ لَكُمْ؟ قَالُوا: وَاللَّهِ لَوْ كَانَ حَيًّا كَانَ عَيْبًا فِيهِ؛ لِإِنَّهُ أَسَكَّ، فَكَيْفَ وَهُوَ مَيِّتٌ؟

فَقَالَ: فَوَاللَّهِ لِلدُّنْيَا أَهْوَى عَلَيَّ اللَّهُ مِنْ هَذَا عَلَيْكُمْ. (٥).

- ١- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٠؛ إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣٠٠ عن داوود بن هلال.
- ٢- العالِيَةِ وَالْعَوَالِي: أَمَاكِنَ بِأَعْلَى أَرَاضِي الْمَدِينَةِ، وَأَدْنَاهَا مِنَ الْمَدِينَةِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَمْيَالٍ، وَأَبْعَدُهَا مِنْ جِهَةِ نَجْدِ ثَمَانِيَةِ (النَّهَائِيَةِ): ج ٣ ص ٢٩٥ «علا».
- ٣- الْكَنْفُ: الْجَانِبُ. وَاسْتَنَفَهُ الْقَوْمُ: كَانُوا مِنْهُ يَمْنَةً وَيَسْرَهُ (المصباح المنير: ص ٥٤٢ «كنف»).
- ٤- الْأَسَكُّ: أَيُّ مِصْطَلَمِ الْأَذْنِينَ مَقْطُوعَهُمَا (النَّهَائِيَةِ): ج ٢ ص ٣٨٤ «سكك».
- ٥- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٢٧٢ ح ٢، الأدب المفرد: ص ٢٨٥ ح ٩٦٢، مسند ابن حنبل: ج ٥ ص ١٥١ ح ١٤٩٣٥، السنن الكبرى: ج ١ ص ٢١٨ ح ٦٦٠ كلُّها نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٢١٢ ح ٦٢٠٦؛ الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٩ ح ١٣١ عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر نحوه.

۲ / ۳ بی ارزش ترین مخلوق در نزد خدا

۲ / ۳ بی ارزش ترین مخلوق در نزد خدا ۴۲۱. الأمالی یاسناده عن الحسن بن علی عن علی بن ابی طالب: گفته شده که: در صُحیف ابراهیم علیه السلام نوشته شده است: «ای دنیا! تو در نزد نیکان، چه بی ارزشی که خود را برای آنان می آرایی و طنازی می کنی. من نفرت و بیزاری از تو را در دل های آنان افکنده ام، و مخلوقی ناچیزتر از تو در نزد خودم نیافریده ام. همه چیز تو، حقیر است، و به نابودی می انجامی. همان روز که تو را آفریدم، حکم کردم که نه تو برای کسی پایی و نه کسی برای تو بیاید، هرچند دارنده تو، نسبت به تو، بخل و زُفتی ورزد. ۴۲۲. مسند أبی یعلی عن طلحه بن عبید الله عن الحسن بن صالح مسلم به نقل از جابر بن عبد الله: پیامبر خدا از یکی از مناطق بالا دست مدینه به بازار در آمد و در حالی که مردم او را در میان گرفته بودند، بر لاشه بزغاله گوش بریده ای گذشت. آن را برداشت و گوشش را گرفت و فرمود: «کدام یک از شما دوست دارد که این، به یک درهم از آن او باشد؟».

گفتند: به هیچ مقداری دوست نداریم که مال ما باشد. با آن، چه کنیم؟!

فرمود: «دوست دارید که [رایگان،] مال شما باشد؟».

گفتند: به خدا سوگند، اگر زنده بود چون گوش بریده است، معیوب بود [و آن را نمی خواستیم]، چه رسد به این که مرده است!

فرمود: «به خدا سوگند که دنیا در نزد خداوند، بی ارزش تر از این در نزد شماست».

٢ / ٤ أهونٌ من جيفه٩٢٥.الإرشاد عن علي بن الحسين زين العابدين عليه السلاالإمام الصادق عليه السلام: مرَّ رسولُ الله صلى الله عليه وآله بجدي أسكَّ مُلقَى علي مزبله مئتا ، فقال لاءصحابه : كم يساوى هذا؟ فقالوا لعله لو كان حيا لم يساوِ درهما !

فقال النبي صلى الله عليه وآله : والذي نفسي بيده للدنيا أهونٌ على الله من هذا الجدي على أهله . (١)٤٢٦.الطبقات الكبرى :سنن الترمذى عن المستورد بن شداد :كنت مع الركب الذين وقفوا مع رسول الله صلى الله عليه وآله على السخلة المئته ، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله : أترون هذه هانت على أهلها حين ألقوها؟ قالوا : من هوانها ألقوها يا رسول الله ، قال : فالدنيا أهونٌ على الله من هذه على أهلها . (٢)٤٢٧.الدعوات عن زين العابدين عليه السلام :مسند ابن حنبل عن عبد الله بن ربيعة الشلمى :كان النبي صلى الله عليه وآله في سفرٍ . . . فلما هبط الوادى مرَّ على سخله منبوذه ، فقال : أترون هذه هيئته على أهلها؟ للدنيا أهونٌ على الله من هذه على أهلها . (٣)راجع : ص ٢٩٢ (مثل الدنيا / مثل الجيفه) .

-
- ١- .الكافى : ج ٢ ص ١٢٩ ح ٩ عن جميل بن دراج ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٥٥ ح ٢٧ .
 - ٢- .سنن الترمذى : ج ٤ ص ٥٦٠ ح ٢٣٢١ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣٧٧ ح ٤١١١ ، مسند ابن حنبل : ج ٦ ص ٢٩٤ ح ١٨٠٣٥ كلاهما نحوه ، الزهد لابن المبارك : ص ١٧٧ ح ٥٠٨ ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢١١ ح ٦٢٠١ .
 - ٣- .مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ١١ ح ١٨٩٨٦ ، أسد الغابه : ج ٣ ص ٢٣٤ الرقم ٢٩٤٠ وفيه «فإذا هو راعى غنم وإذا شاه ميته» بدل «مرَّ على سخله منبوذه» وراجع روضه الواعظين : ص ٤٩١ وبحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٢ ح ١١٠ .

۲ / ۴ بی ارزش تر از مردار

۲ / ۴ بی ارزش تر از مردار ۴۳۱. مقتل الحسین علیه السلام (فی ذکرِ مَصْرَعِ القَاسِمِ بْنِ الحَسَنِ) امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا بر لاشه بزغاله گوش بریده ای که در خرابه ای افتاده بود، گذشت. به یارانش فرمود: «این، به چند می ارزد؟» .

گفتند: شاید اگر زنده بود ، به درهمی هم نمی ارزید!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، دنیا در نزد خداوند ، بی ارزش تر از این بزغاله در نزد صاحب آن است». ۴۳۲. تاریخ دمشق عن مسلم بن رباح مولى علی بن أبی طالبسنن الترمذی به نقل از مُسْتَوْرِدِ بن شَدَّاد: من همراه عدّه ای سواره بودم که با پیامبر خدا کنار بَرّه مرده ای ایستادند. پیامبر خدا فرمود: «به نظر شما آیا این ، در نزد صاحبش بی ارزش بوده که آن را دور انداخته است؟» .

گفتند: ای پیامبر خدا! چون بی ارزش بوده ، آن را دور انداخته است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دنیا در نزد خداوند ، بی ارزش تر از این در نزد صاحب آن است». ۴۳۳. مصباح المتهجد: مسند ابن حنبل به نقل از عبد الله بن ربیعہ سُلَمی: پیامبر صلی الله علیه و آله در سفری... چون از دره ای پایین رفت، لاشه بَرّه دور افکنده ای را دید . فرمود: «آیا به نظر شما این برای صاحبش بی ارزش بوده [که آن را دور انداخته] است؟ دنیا در نزد خداوند ، بی ارزش تر از این لاشه در نزد صاحب آن است». ر . ک : ص ۲۹۳ (مَثَلِ دنیا / مَثَلِ لاشه) .

٢ / ٥ لا يُنال ما عند الله إلا بتركها ٤٣٧. تاريخ الطبري عن فضيل بن خديج الكندي: الإمام علي عليه السلام: من ذمامه الدنيا عند الله ألا ينال ما عنده إلا بتركها . (١) ٤٣٨. معانى الأخبار عن عبد الله بن علي بن الحسين عن أعيسى عليه السلام: من حُبب الدنيا أن الله عَصِيَ فيها ، وأن الآخرة لا تُنال إلا بتركها . (٢) ٢ / ٦ ما نَظَرَ اللهُ إليها مُنذُ خَلَقَها ٤٤١. بغية الطلب عن زياد الحارثي: رسول الله صلى الله عليه وآله: إنَّ اللهَ حَيَّلَ ثَناءُؤهُ لَمْ يَخْلُقْ خَلْقاً أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنَ الدُّنْيا ، وإِنَّهُ مُنذُ خَلَقَها لَمْ يَنْظُرْ إِلَيْها . (٣) ٤٤٢. الأُمالي عن فاطمه بنت الحسين عن أبيها الحسين عن علعنه صلى الله عليه وآله: إنَّ اللهَ لَمَّا خَلَقَ الدُّنْيا أَعْرَضَ عَنها ، فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْها مِنْ هَوانِها عَلَيهِ . (٤) ٤٤٣. دلائل الإمامة عن فاطمه الصغرى عن أبيها الحسين عليعنه صلى الله عليه وآله: إنَّ اللهَ تَعالَى لَمَّا خَلَقَ الدُّنْيا نَظَرَ إِلَيْها ، ثُمَّ أَعْرَضَ عَنها ، ثُمَّ قالَ : وَعِزَّتِي وَجَلالِي لا أَنْزَلْتُكَ إِلَّا فى شِراهِ خَلقى . (٥) .

- ١- غرر الحكم : ح ٩٣٦٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٧٠ ح ٨٥٨٥ وفيه «حقاره» بدل «ذمامه» .
- ٢- ربيع الأبرار : ج ١ ص ٩٣ ، إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ٢٩٩ ؛ تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٧٨ ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٣٢٧ ح ٤٩ .
- ٣- شعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٣٨ ح ١٠٥٠٠ ، إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ٣٠٠ كلاهما عن موسى بن يسار ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٠ ح ٦١٠٢ نقلاً عن الحاكم فى التاريخ عن أبى هريره ؛ تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٢٩ وليس فيه ذيله .
- ٤- تاريخ دمشق : ج ٢٠ ص ٢٠٠ ح ٤٦٣٣ عن أبى بكر الزاهرى عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٠ ح ٦١٠٠ .
- ٥- الجامع الصغير : ج ١ ص ٢٧٤ ح ١٧٨٧ ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٠ ح ٦١٠٣ نقلاً عن ابن عساكر عن أبى هريره وليس فيه «نظر إليها» .

۲ / ۵ به پاداش خداوند ، جز با ترک دنیا نمی توان رسید**۲ / ۶ خداوند از زمانی که دنیا را آفرید ، به آن ننگریست**

۲ / ۵ به پاداش خداوند ، جز با ترک دنیا نمی توان رسید ۴۴۶. الکافی عن زراره : امام علی علیه السلام : از نکوهیدگی دنیا در نزد خداوند است که آنچه در نزد اوست ، جز با ترک دنیا به دست نمی آید. ۴۴۷. الذریّه الطاهره عن فاطمه بنت الحسین عن أبيها عليّ بن أبي طالب : از [نشانه های] پلیدی دنیاست که خدا در آن نافرمانی شد ، و این که به آخرت جز با ترک دنیا نمی توان رسید. ۲ / ۶ خداوند از زمانی که دنیا را آفرید ، به آن ننگریست ۴۵۰. الخصال یا سنده عن الحسین عن أبيه عليّ بن أبي طالب : خداوند مخلوقی منفورتر از دنیا نیافرید و از زمانی هم که آفریدش ، به آن نگاه نکرد. ۴۵۱. تاریخ بغداد عن أبي هشام القنّاد البصری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند چون دنیا را آفرید ، از آن روی گرداند و بدان ننگریست ؛ چرا که در نزد او بی ارزش بود. ۴۵۲. معانی الأخبار عن ثابت بن دینار عن عليّ بن الحسين : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدای متعال چون دنیا را آفرید ، نگاهی به آن کرد و سپس از آن روی گرداند و فرمود : «به عزّت و جلالم سوگند که تو را جز در میان آفریدگان بدخویش ، فرود نمی آورم».

٤٥٣. مستدرک الوسائل: عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الدُّنْيَا مُنْذُ خَلَقَهَا فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا بَعْدُ إِلَّا مَكَانَ الْمُتَعَبِّدِينَ فِيهَا مِنْهَا ، وَلَيْسَ بِنَاطِرٍ إِلَيْهَا إِلَى يَوْمٍ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ، وَيَأْذُنُ فِي هَلَاكِهَا مَقْتًا لَهَا ، وَلَمْ يُؤْثِرْهَا عَلَى الْآخِرَةِ . (١) ٤٥٤. نزّهه الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه صلى الله عليه و آله يقول الله: ابْنِ آدَمَ ، مَا خَلَقْتُ هَذِهِ الدُّنْيَا مُنْذُ خَلَقْتُهَا إِلَّا مِحْنَةً عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا ، مَا أَنْظَرُ إِلَيْهَا إِلَّا بَعِينَ الْمَقْتِ ، فَلَا تُؤَالِهَا فَأُعَادِيكَ . (٢) ٢ / ٧ لَمْ يَرْضَهَا لِأَوْلِيَانِهِ وَلَمْ يَضِنَّ بِهَا عَلَى أَعْدَائِهَا الْكِتَابِ «وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُؤْتِيَهُمْ سِقْفًا مِّنْ فَضْهِ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهِمْ يَظْهَرُونَ * وَ لِيُؤْتِيَهُمْ أَبُو بِيَّ وَ سُرُورًا عَلَيْهِمْ يَتَّكِبُونَ * وَ زُخْرَفًا وَ إِنْ كُلُّ ذَلِكُ لَمَّا مَنَعَ الْحَيَوَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ» . (٣)

الحديث ٤٦٠. دلائل الإمامة عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها عن أمالإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُؤْتِيَهُمْ سِقْفًا مِّنْ فَضْهِ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهِمْ يَظْهَرُونَ»: لَوْ فَعَلَّ لَكَفَرَ النَّاسُ جَمِيعًا . (٤) ٤٦١. تاريخ يعقوبى عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه عليه السلام أيضا: لَوْ فَعَلَّ اللَّهُ ذَلِكَ لَمَا آمَنَ أَحَدٌ ، وَلَكِنَّهُ جَعَلَ فِي الْمُؤْمِنِينَ أَغْنِيَاءَ

وَفِي الْكَافِرِينَ فُقَرَاءَ ، وَجَعَلَ فِي الْكَافِرِينَ أَغْنِيَاءَ وَفِي الْمُؤْمِنِينَ فُقَرَاءَ ، ثُمَّ امْتَحَنَهُمْ بِالْأَمْرِ وَالنَّهْيِ وَالصَّبْرِ وَالرِّضَا . (٥)

١- . كنز العمال: ج ٣ ص ٢١٤ ح ٦٢١٦ نقلاً عن ابن عسّال عن أبي هريره .

٢- . الفردوس: ج ٥ ص ٢٣٤ ح ٨٠٥١ عن ابن عمر .

٣- . الزخرف: ٣٣ ٣٥ .

٤- . الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٧ ح ١٢٧ عن إسحاق بن غالب ، مشكاة الأنوار: ص ٥١٠ ح ١٧١٦ ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٥ ح ١١٨ .

٥- . تفسير القمى: ج ٢ ص ٢٨٤ ، تفسير نور الثقلين: ج ٤ ص ٥٩٩ ح ٣١ .

۲ / ۷ خداوند، آن را برای دوستانش نپسندید و آن را از دشمنانش دریغ نکرد

۴۶۲. عیون أخبار الرضا بإسناده عن الحسين بن علی عن سَیِّمِبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند دنیا را آفرید و از زمانی که آن را آفریده، هنوز به آن نظر نکرده است، مگر به جاهایی از آن که عبادت پیشگان در آن جابند، و تا روزی هم که در صور دمیده می شود و اجازه نابودی دنیا را می دهد، به خاطر نفرتش از دنیا، به آن نگاه نخواهد کرد، و [هرگز] آن را بر آخرت ترجیح نداده است. ۴۶۳. نزّه الناظر عن الإمام الحسين علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند می فرماید: «پسر آدم! این دنیا را از همان زمان که آفریدم، جز مایه رنج اهل دنیا خلق نکردم. من جز با چشم دشمنی به آن نمی نگرم. پس، آن را دوست مدار که تو را دشمن خواهم داشت.» ۲ / ۷ خداوند، آن را برای دوستانش نپسندید و آن را از دشمنانش دریغ نکرد قرآن «و اگر نبود بیم آن که [همه] مردم [در انکار خدا] امتی واحد گردند، قطعاً برای خانه های کسانی که به [خدای] رحمان کفر می ورزند، سقف ها و نردبان هایی از نقره که بر آنها بالا روند، و برای خانه هایشان، درها و تخت هایی که بر آنها تکیه زنند، و [نیز] زیورهایی [دیگر] قرار می دادیم. و همه اینها جز متاع زندگی دنیا نیست، و آخرت در پیش پروردگار تو، برای پرهیزگاران است.»

حدیث ۴۶۹. الخصال بإسناده عن الحسين بن علی عن علی بن ابی طامام صادق علیه السلام درباره این سخن خدای متعال: «و اگر نبود بیم آن که [همه] مردم امتی واحد گردند، قطعاً برای خانه های کسانی که به [خدای] رحمان کفر می ورزند، سقف ها و نردبان هایی از نقره که بر آنها بالا روند قرار می دادیم»: [یعنی] اگر خداوند این کار را بکند، همه مردم، کافر می شوند. ۴۷۰. مشکاه الأنوار: امام صادق علیه السلام درباره همین آیه: اگر خداوند این کار را می کرد، دیگر هیچ

کس ایمان نمی آورد؛ لیکن در میان مؤمنان، توانگر و تهی دست قرار داد و در میان کافران نیز توانگر و تهی دست. سپس از طریق امر و نهی و صبر و رضایت، آنان را آزمود.

٤٧١. تاريخ يعقوبى: رسول الله صلى الله عليه وآله يقول الله: لولا- عبدي المؤمن لعصبت رأس الكافر بعصابه من جوهر .
 (١) ٤٧٢. أعلام الدين عن الإمام الحسين عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: قال الله: لولا أن يجد عبدي المؤمن في قلبه
 (٢) ، لعصبت رأس الكافر بعصابه حديد لا يصيد دمع رأسه أبدا . (٣) ٤٧٣. نثر الدر عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه عليه السلام
 قال الله تعالى: لولا أن يجد عبدي المؤمن في نفسه ، لعصبت المنافق عصابه لا يجد ألما حتى يموت . (٤) ٤٧٤. كشف الغم
 عنه عليه السلام: إنّه تبارك وتعالى لم يُبالِ بنعيم الدنيا لعِدْوِهِ ساعة قط . . . ولولا ذلك لما جاء في الحديث: لولا أن يحزن
 المؤمن لجعلت للكافر عصابه من حديد لا يصيد دمع رأسه أبدا . (٥) ٤٧٥. نثر الدر عن الإمام الحسين عليه السلام: رسول الله صلى
 الله عليه وآله: الدنيا . . . تقول يوم القيامة: يا رب ، اجعلني لآءدني أوليائك نصيبا اليوم ، فيقول: أسكتي يا لا شىء ، إني لم
 أرضك لهم في الدنيا ، أرضاك لهم اليوم؟! (٦) ٤٧٦. مقتل الحسين: عنه صلى الله عليه وآله يقول الله: وعزتي وجلالي
 وعظمتي وارتفاعي فوق عرشي ، إني

لآءذود عبدي المؤمن عن الدنيا وسلوتها ورحابها كما يذود الراعي الشفيق إبله عن مرائب الغرّه (٧) ومواقع الهلكه . (٨)

- ١- التمهيص: ص ٤٧ ح ٧٣ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٥١ ح ٦٩ .
- ٢- كأنّ مفعول الوجدان محذوف ، أى : شكّا أو حزنا شديدا ، أو يكون الوجد بمعنى الغضب أو بمعنى الحزن ، فقوله : «في قلبه» للتأكيد (مرآة العقول: ج ٢ ص ٣٤٦) .
- ٣- الكافي: ج ٢ ص ٢٥٧ ح ٢٤ عن أبي أسامه ، مشكاة الأنوار: ص ٤٨٧ ح ١٦٢٧ ، علل الشرائع: ص ٦٠٤ ح ٧٤ عن منصور بن يونس نحوه ، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢١٦ ح ٢٤ .
- ٤- التمهيص: ص ٤٨ ح ٧٤ عن أبي بصير ، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٢٤٢ ح ٧٦ .
- ٥- الإقبال: ج ٣ ص ٨٤ عن عطيه بن نجيح وإسحاق بن عمّار الصيرفي ، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ١٤٧ ح ٣٢ .
- ٦- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣١ ؛ إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣٠١ .
- ٧- غرّ فلان فلاناً: عرّضه للهلكه (لسان العرب: ج ٥ ص ١٧ «غرر»).
- ٨- الفردوس: ج ٥ ص ٢٢٧ ح ٨٠٣٠ عن أنس .

۴۷۷. تاریخ یعقوبی عن الإمام الحسين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند می فرماید: «اگر [به خاطر] بنده مؤمنم نبود، بر سر کافر، دستاری از گوهر [بارزش] می بستم». ۴۷۸. المناقب والمثالب عن الحسين بن علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: خداوند فرمود: «اگر بنده مؤمنم دل آزرده نمی شد، بر سر کافر، دستمالی آهنین می بستم تا هرگز سردرد نگیرد». ۴۷۹. نزهه الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: امام صادق علیه السلام: خداوند متعال فرمود: «اگر بنده مؤمنم آزرده خاطر نمی شد، هر آینه بر سر منافق، دستاری می بستم که تا زنده است، دردی نگیرد». ۴۸۰. عیون أخبار الرضا یاسناده عن علی بن الحسين عن أبيامام صادق علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی به برخورداری دشمنش از دنیا هرگز لحظه ای اهمیت نداده است... اگر چنین نبود، در حدیث نمی آمد که: «اگر بیم آن نبود که مؤمن اندوهگین شود، هر آینه برای کافر، دستاری آهنین قرار می دادم که هرگز سردرد نگیرد». ۴۸۱. نثر الدرّ عن الإمام الحسين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا... در روز قیامت می گوید: ای پروردگار من! امروز از من برای دوزخ پایه ترین دوستان نصیبی قرار ده.

خداوند می فرماید: «خاموش، ای ناچیز! من در دنیا تو را برای آنان نپسندیدم. امروز، تو را برایشان نپسندم؟!». ۴۸۲. تاریخ یعقوبی عن الإمام الحسين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند می فرماید: «به عزّت و جلالم و به عظمت و بلندای مقامم بر فراز عرشم سوگند، بنده مؤمن خود را از دنیا و مشغولیات آن و نزدیک شدن به آن دور می کنم، چنان که شبان دلسوز، اشتراش را از

آغل های خطرناک و جایگاه های مرگبار، دور می گرداند»..

٤٨٣. الفردوس عن الحسين بن علي عليه السلام عن رسول اللعنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ مِنْ أُمَّتِي مَنْ لَوْ أَتَى بَابَ أَحَدِكُمْ فَسَأَلَهُ دِينَارًا لَمْ يُعْطِهِ إِيَّاهُ ، وَلَوْ سَأَلَهُ دِرْهَمًا لَمْ يُعْطِهِ إِيَّاهُ ، وَلَوْ سَأَلَهُ فَلْسًا لَمْ يُعْطِهِ إِيَّاهُ ، وَلَوْ سَأَلَ اللَّهُ الْجَنَّةَ لَأَعْطَاهَا إِيَّاهُ ، وَلَوْ سَأَلَهُ الدُّنْيَا لَمْ يُعْطِهَا إِيَّاهُ ، وَمَا يَمْنَعُهَا إِيَّاهُ لِهَوَانِهِ عَلَيْهِ . (١) ٤٨٤. مشكاة الأنوار : عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ اللَّهَ لِيَحْمِي عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ مِنَ الدُّنْيَا وَهُوَ يُحِبُّهُ ، كَمَا تَحْمُونَ مَرِيضًا كُمْ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ تَخَافُونَهُ عَلَيْهِ . (٢) ٤٨٥. نزّه الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا حَمَاهُ الدُّنْيَا ، كَمَا يَظَلُّ أَحَدُكُمْ يَحْمِي سَيْقِيمَهُ الْمَاءِ . (٣) ٤٨٦. الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام (فِي دُعَاءِ عَرَفَةَ) عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَحْيِيَ بَنَ زَكْرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَتَلَتْهُ امْرَأَةٌ . (٤) .

- ١- الزهد لابن حنبل : ص ١٨ عن سالم بن أبي الجعد ، إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ٤٠٦ ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٥٥ ح ٥٩٤٢ نقلًا عن هناد عن سالم بن أبي الجعد ؛ الأمالي للشجري : ج ٢ ص ٢٠٥ عن ثوبان ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٨٢ .
- ٢- مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ١٥٨ ح ٢٣٦٨٣ ، الزهد لابن حنبل : ص ١٧ كلاهما عن محمود بن لبيد ، المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٢٣١ ح ٧٤٦٥ عن أبي سعيد الخدری ، تاریخ دمشق ، ج ١٢ ص ٢٨٨ عن حذیفه بن الیمان نحوه ، إحياء علوم الدين : ج ٤ ص ١٨٦ وليس فيه ذيله ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٠ ح ٦١٠٤ و ص ٣٣١ ح ٦٨٠١ .
- ٣- سنن الترمذی : ج ٤ ص ٣٨١ ح ٢٠٣٦ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٢٣٠ ح ٧٤٦٤ ، المعجم الكبير : ج ١٩ ص ١٢ ح ١٧ ، موارد الظمان : ص ٦١٣ ح ٢٤٧٤ ، التاريخ الكبير : ج ٧ ص ١٨٥ ح ٨٢٣ كلها عن قتاده بن النعمان ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٨٣ ح ٦٠٦٨ ؛ تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٣٢ وفيه « كما يحمي أحدكم مريضه من الماء » بدل « كما يظل » .
- ٤- شعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٢٨ ح ١٠٤٧٤ عن أبي بن كعب ، الدر المنثور : ج ٥ ص ٤٨٩ ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٥ ح ٦١٣٣ .

۴۸۷. الأمالی باسناده عن الحسين بن علیّ علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در میان امت من ، کسانی هستند که اگر فردی از آنها به در خانه یکی از شما بیاید و از وی دیناری بخواهد ، به او نمی دهد، اگر درهمی بخواهد ، به او نمی دهد، اگر یک فلس (سکه مسی) بخواهد ، به او نمی دهد، و همو ، اگر از خداوند بهشت را بخواهد ، آن را به او می دهد، هرچند ، اگر دنیا را از خدا بخواهد ، آن را به او نمی دهد، و این ندادن دنیا به او ، نه از آن روست که وی در نزد خداوند ، بی ارزش باشد. ۴۸۸. الدعوات عن الإمام الباقر عن علیّ بن الحسين علیهما پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند بنده مؤمنش را از دنیا پرهیز می دهد ؛ چون دوستش دارد ، همچنان که شما بیمارتان را از خوردن و آشامیدن پرهیز می دهید ؛ چون از آن بر او می ترسید. ۴۸۹. نزهة الناظر عن الإمام الحسين علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، هر گاه بنده ای را دوست بدارد، او را از دنیا پرهیز می دهد، چنان که هر یک از شما همواره بیمارش را از آب ، پرهیز می دهد. ۴۹۰. المناقب عن الإمام الحسين علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از خواری دنیا در نزد خدا ، یکی این است که یحیی بن زکریّا علیه السلام را یک زن [منحرف ،] به قتل رساند .

٤٩١. كفايه الأثر عن يحيى بن يعمن: عنه صلى الله عليه وآله: يُجاءُ بالدُّنيا مُصَوَّرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، فَتَقُولُ : يَا رَبِّ ، اجْعَلْنِي لِرَجُلٍ مِنْ أَدْنَى أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً ، فَيَقُولُ اللَّهُ : أَنْتِ أَنْتَنْ مِنْ ذَلِكِ ، بَلْ أَنْتِ وَأَهْلُكَ فِي النَّارِ . (١) ٤٩٢. الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام (في دُعَاءِ عَرَفَةَ) الإمام علي عليه السلام : إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَتَتِ الدُّنْيَا بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا ، ثُمَّ قَالَتْ : يَا رَبِّ ، هَبْنِي لِبَعْضِ أَوْلِيَائِكَ . فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى : إِذْهَبِي فَأَنْتِ لَا شَيْءَ ، أَنْتِ أَهْوَنُ عَلَيَّ أَنْ أَهْبِكَ لِبَعْضِ أَوْلِيَائِي ، فَتَطْوِي كَمَا يُطْوِي الثُّوبُ الْخَلْقُ ، فَتَلْقَى فِي النَّارِ . (٢) ٤٩٣. الملهوف عن الإمام الحسين عليه السلام : عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا عِنْدَ اللَّهِ مَحْمُودَةً (٣) لَأَخْتَصَّ بِهَا أَوْلِيَاءَهُ ، لَكِنَّهُ صَيَّرَ قُلُوبَهُمْ عَنْهَا وَمَحَا عَنْهُمْ مِنْهَا الْمَطَامِعَ . (٤) ٤٩٤. مقتل الحسين عليه السلام عن عبد الله بن الحسن (في أحداثِ عاشوراء) عنه عليه السلام : مِمَّا يَدُلُّكَ عَلَى دَنَاءِ الدُّنْيَا ، أَنَّ اللَّهَ حَيَّلَ ثَنَاؤَهُ زَوَاهَا عَنْ أَوْلِيَائِهِ وَأَحْبَائِهِ نَظْرًا وَاخْتِيَارًا ، وَبَسَطَهَا لِأَعْدَائِهِ فِتْنَةً وَاخْتِبَارًا . (٥) ٤٩٥. الإرشاد عن الإمام الحسين عليه السلام (مُخَاطَبًا جَيْشَ ابْنِ زِيَادٍ يَوْمَ عَاشُورَاءَ) عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذَمِّ الدُّنْيَا : دَارٌ هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا ، فَخَلَطَ حَلَالُهَا بِحَرَامِهَا ، وَخَيْرُهَا بِشَرِّهَا ، وَحَيَاتُهَا بِمَوْتِهَا ، وَحُلُوهَا بِمُرِّهَا ، لَمْ يُصَفِّهَا اللَّهُ تَعَالَى لِأَوْلِيَائِهِ ، وَلَمْ يَضِنَّ (٦) بِهَا عَلَى أَعْدَائِهِ . (٧) .

- ١- .حليه الأولياء : ج ١٠ ص ٧٣ عن أنس ، كتر العمال : ج ٣ ص ٢٣٧ ح ٦٣٣٠ .
- ٢- .حليه الأولياء : ج ١ ص ٧٢ عن زيد بن أسلم عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، كتر العمال : ج ٣ ص ٧١٨ ح ٨٥٦١ .
- ٣- .في الطبعه المعتمده : «محمودا» ، والتصويب من طبعه بيروت وطهران .
- ٤- .غرر الحكم : ح ٧٦٠٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤١٥ ح ٧٠٥٦ .
- ٥- .بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١١٠ ح ١٠٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٦٨ ح ٦٢٠٥ نحوه وفي صدره «في ذكر رسول الله صلى الله عليه وآله : قد حقر الدنيا وأهون بها وهونها وعلم أن الله سبحانه زواها . . .» .
- ٦- .ضمنتُ بالشئء : بخلت به (الصحيح : ج ٦ ص ٢١٥٦ «ضنن») .
- ٧- .نهج البلاغه : الخطبه ١١٣ ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٧٧ وفيه «لم يرضها» بدل «لم يصفها» ، كشف الغمّه : ج ١ ص ١٧٢ وليس فيهما «حلالها بحرامها» ، غرر الحكم : ح ٣٦٨٧ وليس فيها «وحياتها بموتها» ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٣ ح ١١٢ ؛ مطالب السؤل : ص ٣٢ نحوه .

۴۹۶. نزهه الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز قیامت، دنیا را در حالی که مجسم شده است، می آورند و می گویند: ای پروردگار من! مرا برای یکی از دون پایه ترین اهل بهشت، منزلتی قرار بده.

خداوند می فرماید: «تو متعفن تر از آنی. نه! تو و اهل تو، در آتش اند». ۴۹۷. معانی الأخبار عن شریح بن هانئ عن الحسين عليه السلام (لَمَّا سَأَلَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :) امام علی علیه السلام: چون روز قیامت شود، دنیا با زیباترین زیور خود می آید و می گویند: پروردگارا! مرا به یکی از دوستانت ببخش.

خداوند متعال می فرماید: «برو، که تو هیچی. تو در نزد من، بی ارزش تر از آنی که به یکی از دوستانم ببخشم». پس مانند پارچه ای کهنه میچاله و در آتش افکنده می شود. ۴۹۸. الإقبال عن الإمام الحسين عليه السلام (فَي دُعَاءِ عَرَفَةَ) امام علی علیه السلام: اگر دنیا در نزد خداوند پسندیده بود، آن را به دوستانش اختصاص می داد؛ اما او دل های آنان را از دنیا بگردانید و مطامع دنیوی را از آنان پاک ساخت. ۴۹۹. الفردوس عن الحسين بن علي عليه السلام عن رسول اللامام علي عليه السلام: از جمله چیزهایی که تو را به پستی دنیا رهنمون می شود، این است که خداوند از سر لطف و خیرخواهی، دنیا را از نزدیکان و دوستانش دور ساخت، و از بهر آزمایش و امتحان، آن را برای دشمنانش گسترانید. ۵۰۰. المعجم الكبير عن فاطمه بنت الحسين عن حسين بن عليامام علي عليه السلام در نكوهش دنیا: سرایی است که نزد خداوندش بی ارزش است. از این رو، حلال آن را با حرامش، و نیکش را با بدش، و زندگی اش را با مرگش، و شیرینی اش را با تلخی اش آمیخت. خداوند متعال، آن را برای دوستانش ناب نگردانید، و از دشمنانش دریغ نوزید. .

٥٠١. المناقب: الإمام زين العابدين عليه السلام: من هوان الدنيا على الله تعالى أن يحيى بن زكريا عليه السلام أهدى رأسه [إلى] (١) بغى في طست من ذهب ، فيه تسليته لِحُرِّ فاضل يري التاقص الدني يظفر من الدنيا بالحظ السني ، كما أصابت تلك الفاجرهُ تلك الهدية العظيمة . (٢) ٥٠٢. جامع الأخبار عن الإمام الحسين عليه السلام : عنه عليه السلام : خَرَجْنَا مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَا نَزَلَ مِنْزِلًا - وَلَا - ارْتَحَلَ مِنْهُ إِلَّا - ذَكَرَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَتْلَهُ ، وَقَالَ يَوْمًا : وَمِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنْ رَأَسَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَهْدَى إِلَى بَغْيٍ مِنْ بَغَايَا بَنِي إِسْرَائِيلَ . (٣) ٥٠٣. جامع الأخبار عن الإمام الحسين عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ لَيَتَعَاهِدُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ كَمَا يَتَعَاهِدُ الْغَائِبُ أَهْلَهُ بِالطَّرْفِ (٤) ، وَإِنَّهُ لَيَحْمِيهِ الدُّنْيَا كَمَا يَحْمِيهِ الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ . (٥) ٥٠٤. إرشاد القلوب عن الإمام الحسين عليه السلام : عنه عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ يَطَّلِعُ عَلَى الدُّنْيَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ، فَيَقُولُ : يَا دُنْيَا ، أَنْتِ دَيْتِي فَتَكَدِّرِي عَلَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ وَلَا تَحْلِي لَهُ فَيَفْتِنَن . (٦) ٥٠٥. نزاهه الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام : الزهد عن وهب بن مُثَبِّه في ذِكْرِ كَلَامِهِ تَعَالَى لِمُوسَى وَأَخِيهِ هَارُونَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَمَّا بَعَثَهُمَا

إلى فرعون :ولا- يُعْجِبُكُمْ زَيْنَتُهُ وَلَا مَا مُتَّعَ بِهِ ، وَلَا تَمِيدَانِ إِلَى ذَلِكَ أَعْيُنُكُمْ ، فَإِنَّهَا زَهْرَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَةُ الْمُتَرَفِّينَ ، وَإِنِّي لَوِ شِئْتُ أَنْ أُزَيِّنَكُمْ مِنَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ يَعْلَمُ فِرْعَوْنُ حِينَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا أَنَّ مَقْدَرَتَهُ تَعَجُّزٌ عَنْ مِثْلِ مَا أُوتِيْتُمْ فَعَلْتُ ، وَلِكِنِّي أُرْغَبُ بِكُمْ عَنْ ذَلِكَ وَأُزَوِّيه (٧) عَنْكُمْ ، وَكَذَلِكَ أَفْعَلُ بِأَوْلِيَائِي ، وَقَدِيمًا مَا خَرْتُ لَهُمْ فِي ذَلِكَ ، فَإِنِّي لَأَذُوذُهُمْ عَنْ نَعِيمِهَا وَرِخَائِهَا كَمَا يَذُوذُ الزَّاعِي الشَّفِيقُ إِبْلَهُ عَنْ مَرَاتِعِ الْهَلَكَةِ ، وَإِنِّي لَأَجْبِيَهُمْ سَلَوَاتِهَا وَعَيْشَهَا كَمَا يُجَنِّبُ الزَّاعِي الشَّفِيقُ إِبْلَهُ عَنْ مَبَارِكِ الْغَرِّهِ ، وَمَا ذَلِكَ لِهَوَانِهِمْ عَلَيَّ ، وَلَكِنْ لِيَسْتَكْمِلُوا نَصِيْبَهُمْ مِنْ كَرَامَتِي سَالِمًا مَوْفُورًا ؛ لَمْ تَكْلِمَهُ (٨) الدُّنْيَا ، وَلَمْ يُطْغِهِ (٩) الْهَوَى . (١٠) .

- ١- ما بين المعقوفين إضافه من مقتضياتها السياق .
- ٢- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٧٦ .
- ٣- الإرشاد للمفيد : ج ٢ ص ١٣٢ عن علي بن يزيد ، كشف الغمّة : ج ٢ ص ٢٢١ ، إعلام الوري : ج ١ ص ٤٢٩ كلاهما عن علي بن زيد ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٤ ص ٨٥ ، عوالي اللآلي : ج ٤ ص ٨١ ح ٨٣ نحوه من دون إسناد إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ج ٤٥ ص ٢٩٨ ح ١٠ .
- ٤- أطرف الرجل : أعطاه ما لم يعطه أحدا قبله ، وأطرفت فلانا شيئا ، أي : أعطيته شيئا لم يملك مثله فأعجبه (لسان العرب : ج ٨ ص ١٤٥ «طرف»).
- ٥- الكافي : ج ٢ ص ٢٥٩ ح ٢٨ عن الحلبي ، تحف العقول : ص ٣٠٠ ، المؤمن : ص ٢١ ح ٢١ عن حرمان وفيه «يحميه» بدل «ليحميه الدنيا» ، مسكن الفؤاد : ص ١١٥ عن حمدان ، مشكاة الأنوار : ص ٥٠٣ ح ١٦٨٣ وليس فيه «بالبلاء» ، التمهيد : ص ٥٠ ح ٩١ عن أبي جميله وكلها عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٤٧ ص ٢١٣ ح ١٩ .
- ٦- تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢٠٠ .
- ٧- زَوَاهُ : نَحَاهُ (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٣٣٩ «زواه»).
- ٨- الْكَلْمُ : الْجَرَحُ . وَكَلَّمَهُ : جَرَحَهُ (القاموس المحيط : ج ٤ ص ١٧٢ «كلم»).
- ٩- في الزهد لابن حنبل : «يطفه» ، والصواب ما أثبتناه كما في حليه الأولياء .

١٠- الزهد لابن حنبل : ص ٨٢ ، حليه الأولياء : ج ١ ص ١١ ، الدر المنثور : ج ٥ ص ٥٥٧ كلاهما نحوه وراجع عدّه الداعى :
ص ١٤٧ و بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٤٩ ح ١٨ .

۵۰۶. تاریخ دمشق عن رجلٍ من همدان عن الحسين بن علیّ علی (یوم عاشوراء) امام زین العابدین علیه السلام: از نشانه های بی ارزشی دنیا در نزد خداوند متعال، این است که سر یحیی بن زکریّا علیه السلام در تشتی از طلا به یک روسپی پیشکش شد، و این خود، مایه تسلی خاطر هر آزاده بافضیلتی است که می بیند یک فرد بی کمال پست، از دنیا به بهره وافر می رسد، چنان که آن روسپی به آن پیشکش گران سنگ دست یافت. ۵۰۷. الأمالی یاسناده عن الحسين بن علیّ علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: با حسین علیه السلام به راه افتادیم. ایشان در هیچ منزلی فرود نمی آمد و از آن نمی کوچید، مگر آن که از یحیی بن زکریّا علیه السلام و کشته شدن او یاد می کرد. روزی فرمود: «از بی ارزشی دنیا در نزد خداست که سر یحیی بن زکریّا علیه السلام به فاحشه ای از فاحشه های بنی اسرائیل پیشکش شد». ۵۰۸. مستدرک الوسائل عن الحسين بن علیّ علیه السلام: امام صادق علیه السلام: خداوند، بنده مؤمنش را با بلا (گرفتاری) می نوازد، همچنان که مسافر با تحفه ها خانواده اش را می نوازد، و او را از دنیا پرهیز می دهد، همچنان که پزشک، بیمار را پرهیز می دهد. ۵۰۹. الفتوح: امام صادق علیه السلام: خداوند هر روز، یکی دو بار به دنیا سرکشی می کند و می فرماید: «ای دنیا! تو پستی. پس، بر بنده مؤمنم تیره شو و خود را برایش میارای که فریفته شود». ۵۱۰. الأمالی یاسناده عن الحسين بن علیّ علیه السلام: الزهد به نقل از وهب بن مُتبه، در بیان سخن خداوند متعال به موسی و برادرش هارون علیهما السلام، آن گاه که آنان را به سوی فرعون فرستاد: زرق و برق او و برخورداری اش [از قدرت و ثروت]، شما را شگفت زده نکند، و چشمانتان را خیره نسازد؛ زیرا آنها تجملات زندگی دنیا و زیور مرفهان اند.

من اگر بخواهم، شما دو تن را به چنان زیوری از دنیا می آریم که فرعون وقتی آن را ببیند، درمی یابد که با همه قدرتش، از داشتن چنان زیوری که به شما داده ام، ناتوان است؛ لیکن من شما را از داشتن چنین زیوری برتر می دانم و آن را از شما دور می کنم. من با [همه] دوستانم این گونه عمل می کنم و از قدیم، همین را برایشان برگزیده ام. من آنان را از خوشی و آسایش دنیا می رانم، آن سان که ساربان دلسوز، اشتراش را از چراگاه های مُهلک می راند، و آنان را از عیش و نوش دنیا دور می کنم، آن سان که ساربان دلسوز، اشتراش را از شترخان های خطرناک دور می کند. و این، نه از آن روست که نزد من، بی ارزش باشند؛ بلکه از آن روست که سهمشان را از بخشش من، بی کم و کاست و کامل دریافت کنند، به طوری که نه دنیا به آن، زخمی (نقصی) وارد آورده باشد و نه هوس، او را سرکش کند.

٢ / ٨ هُوَ مِنَ النَّعْلِ الْمَخْصُوفِ ٥١٣. المستدرك على الصحيحين بإسناده عن الحسين عن أبيه عن نهج البلاغه عن ابن عباس: دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِبَدْيِ قَارٍ وَهُوَ يَخْصِفُ (١) نَعْلَهُ ، فَقَالَ لِي : مَا قِيمَةُ هَذَا النَّعْلِ؟ فَقُلْتُ : لَا قِيمَةَ لَهَا! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاللَّهِ لَهَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ ، إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بِاطِلَالٍ . (٢) ٥١٤. تفسير العياشي عن مسعده بن صدقه: الإرشاد: لَمَّا تَوَجَّهَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْبَصْرَةِ نَزَلَ الرَّبْدَةَ ، فَلَقِيَ بِهَا آخِرَ الْحَاجِّ فَاجْتَمَعُوا لِيَسْمَعُوا مِنْ كَلَامِهِ وَهُوَ فِي خِبَائِهِ .

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ : فَأَتَيْتُهُ فَوَجَدْتُهُ يَخْصِفُ نَعْلًا ، فَقُلْتُ لَهُ : نَحْنُ إِلَى أَنْ تُصْلِحَ أَمْرُنَا أَحْوَجُ مِنَّا إِلَى مَا تَصْنَعُ! فَلَمْ يُكَلِّمْنِي حَتَّى فَرَغَ مِنْ نَعْلِهِ ، ثُمَّ ضَمَّهَا إِلَى صَاحِبَتَيْهَا ، ثُمَّ قَالَ لِي : قَوْمَهَا ، قُلْتُ : لَيْسَ لَهَا قِيمَةٌ! قَالَ : عَلَى ذَاكَ ، قُلْتُ : كَسْرُ دِرْهَمٍ ، قَالَ : وَاللَّهِ ، لَهُمَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَمْرِكُمْ هَذَا ! إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بِاطِلَالٍ . (٣) .

١- يَخْصِفُ نَعْلَهُ : أَيْ يَخْرِزُهَا ؛ مِنْ الْخَصْفِ : الضَّمُّ وَالْجَمْعُ (النهاية : ج ٢ ص ٣٨ «خصف»).

٢- نهج البلاغه : الخطبه ٣٣ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٩ ، بحار الأنوار : ج ٣٢ ص ٧٦ ح ٥٠ .

٣- الإرشاد : ج ١ ص ٢٤٧ ، بحار الأنوار : ج ٣٢ ص ١١٣ ح ٩٠ وراجع المناقب لابن شهر آشوب : ج ٢ ص ١٠١ .

۲ / ۸ بی ارزش تر از کفش وصله دار

۲ / ۸ بی ارزش تر از کفش وصله دار ۵۱۷. نثر الدرّ عن أنس: نهج البلاغه به نقل از ابن عباس: در ذی قار، بر امیر مؤمنان علیه السلام در آمدم که مشغول وصله کردن کفش خویش بود. به من فرمود: «این کفش، چند می ارزد؟».

گفتم: ارزشی ندارد!

فرمود: «به خدا سوگند که این کفش در نزد من، محبوب تر از فرمان روایی بر شماس است، مگر آن که حقی را به پا دارم، یا باطلی را از میان بردارم». ۵۱۸. الْمُحَلِّي عن عبد الله بن شدّاد: الإرشاد: چون امیر مؤمنان علیه السلام ره سپار بصره شد، در رُبَدَه فرود آمد. در آن جا آخرین گروه حاجیان به دیدار امام علیه السلام آمدند و در خیمه ایشان جمع شدند تا از سخنان ایشان چیزی بشنوند.

ابن عباس می گوید: من نزد امام علیه السلام آمدم و دیدم لنگه کفشی را می دوزد. گفتم: پرداختن به اصلاح کار ما، لازم تر از این کاری است که می کنید!

امام علیه السلام به من چیزی نگفت، تا آن که کفشش را وصله کرد و آن را کنار لنگه دیگرش گذاشت و آن گاه فرمود: «این را قیمت بگذار».

گفتم: قیمتی ندارد!

فرمود: «یک چیزی بگو!».

گفتم: درهم شکسته ای [، اگر بیزد].

فرمود: «به خدا سوگند که این جفت کفش، در نزد من، محبوب تر از این فرمان روایی بر شماس است، مگر آن که حقی را به پا دارم، یا باطلی را از میان بردارم».

٢ / ٩ أَهْوَنُ مِنْ وَرَقِهِ فِي فَمِ جَرَادِهِ ٥٢١. المناقب عن عمرو بن دينار: الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لِأَهْوَنُ مِنْ وَرَقِهِ فِي فَمِ جَرَادِهِ تَقْضُمُهَا (١). مَا لِعَلِيٍّ وَلِنَعِيمٍ وَلِدَّهٍ لَا تَبْقَى؟! (٢) / ٢ / ١٠ أَهْوَنُ مِنْ عَفْطِهِ عَنَزَ ٥٢٤. تاريخ دمشق عن عصام بن المصطلق: الإمام عليّ عليه السلام: أَمَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ، وَبَرَأَ النَّسِيمَةَ، لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَقِيَامُ الْحُجَّهِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقَارَّوْا عَلَى كِظِّهِ (٣) ظَالِمٍ، وَلَا سَعَبِ (٤) مَظْلُومٍ، لِأَنَّ لَقِيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا، وَلَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِهَا، وَلَا لَقَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَفْطِهِ عَنَزَ (٥).

- ١- قَضَمَتِ الدَّابَّةُ الشَّعِيرَ تَقْضُمُهُ: كَسَرَتْهُ بِأَطْرَافِ الْأَسْنَانِ (المصباح المنير: ص ٥٠٧ «قضم»).
- ٢- نهج البلاغه: الخطبه ٢٢٤، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٥٦، إرشاد القلوب: ص ٢١٧، غرر الحكم: ح ٣٦٦٤ وفيه «أحقر» بدل «أهون» وليس فيه «تقضمها»، بحار الأنوار: ج ٤١ ص ١٦٢ ح ٥٧.
- ٣- الكِظُّ: شَيْءٌ يَعْتَرِي الْإِنْسَانَ مِنَ الْإِمْتَلَاءِ مِنَ الطَّعَامِ حَتَّى لَا يُطِيقَ التَّنَفُّسَ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٥٧٤ «كظظ»). والمراد استثثار الظالم بالحقوق.
- ٤- السَّعَبُ: الْجُوعُ مَعَ التَّعَبِ (المصباح المنير: ص ٢٧٨ «سغب»). والمراد منه هضم حقوقه.
- ٥- نهج البلاغه: الخطبه ٣، علل الشرائع: ص ١٥١ ح ١٢، الإرشاد: ج ١ ص ٢٨٩ نحوه، معاني الأخبار: ص ٣٦٢ ح ١، الأموال للطوسي: ص ٣٧٤ ح ٨٠٣، الاحتجاج: ج ١ ص ٤٥٨ ح ١٠٥، الطرائف: ص ٤١٩ وكلها عن ابن عباس.

۲ / ۹ بی ارزش تر از یک برگ در دهان ملخی**۲ / ۱۰ پست تر از تیز دادن یک بز**

۲ / ۹ بی ارزش تر از یک برگ در دهان ملخی ۵۲۷. الکافی عن عبد الرحمن العزرمی عن أبي عبد الله عليا امام علي عليه السلام: دنیای شما در نزد من ، از یک برگ در دهان ملخی که آن را می جود ، بی ارزش تر است. علی را با نعمت های نابود شونده و لذت های ناپایدار ، چه کار؟! ۲ / ۱۰ پست تر از تیز دادن یک بز ۵۳۰. الفتوح (فی ذکر ما جرى بين الحسين عليه السلام ق) امام علی علیه السلام: هان! سوگند به آن که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور آن جمعیت [بیعت کننده] نبود و این که با وجود یاوران ، حجت تمام می شود، و این که خداوند از دانایان پیمان گرفته است که در برابر شکمبارگی ستمگر و گرسنگی رنج آور ستم دیده آرام نگیرند، هر آینه مهار [اشتر] خلافت را بر گردن آن می انداختم (به حال خود رهایش می کردم) و آخر آن را با همان جام نخستینش آب می دادم، و می دیدید که این دنیای شما ، در نزد من ، ناچیزتر از تیز دادن یک بز است.

٢ / ١١ أهونٌ من عُراقٍ خنزيرٍ في يدٍ مجذومٍ ٥٣٣. قضاء حقوق المؤمنين عن ابن مهران: الإمام عليّ عليه السلام: وَاللَّهِ لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ
أَهْوَنُ فِي عَيْنِي مِنْ عُراقٍ (١) خنزيرٍ في يدٍ مجذومٍ. (٢) ١٢ / ٢ أمٌّ من حَنْظَلِهِ يَلُوكُهَا ذُو سُقْمٍ ٥٣٦. عيون أخبار الرضا بإسناده عن
الحسين بن عليّ عليه الإمام عليّ عليه السلام في ذمِّ الدُّنْيَا ، وَيَذَكُرُ رَجُلًا أَتَاهُ بِيَعُضِ الْحَلْوَى : لَدُنْيَاكُمْ أَهْوَنُ عِنْدِي مِنْ وَرَقِهِ فِي
فِي جَرَادِهِ تَقَضُّمُهَا ، وَأَقْدَرُ عِنْدِي مِنْ عُراقِهِ خِنْزِيرٍ يَقْدِفُ بِهَا أَجْذَمُهَا ، وَأَمْرٌ عَلَى فُوَادِي مِنْ حَنْظَلِهِ يَلُوكُهَا (٣) ذُو سُقْمٍ فَيَبْشِمُهَا
(٤) ، فَكَيْفَ أَقْبَلُ مَلْفُوفَاتٍ عَكَمَتَهَا (٥) فِي طَيْهَا ، وَمَعْجُونَةٌ كَأَنَّهَا عُجِنَتْ بِرَيْقِ حَيِّهِ أَوْ قَيْهَا؟! اللَّهُمَّ إِنِّي نَفَرْتُ عَنْهَا نِفَارَ الْمُهْرَةِ
مِنْ رَاكِبِهَا ، أَرِيهِ الشُّهَا وَيُرِينِي الْقَمَرَ! (٦)

أُأْمِتُّعُ مِنْ وَبَرِهِ مِنْ قَلْوَصِهَا (٧) سَاقِطِهِ ، وَأَبْتَلِجُ إِبْلًا- فِي مَبْرَكِهَا رَابِطَةً؟! أَدْبِيْبُ الْعَقَارِبِ مِنْ وَكْرِهَا أَلْتَقِطُ ، أَمْ قَوَاتِلَ الرَّقْشِ (٨)
فِي مَيْتِي أَرْتَبُطُ؟! فَدَعُونِي أَكْتَفِي مِنْ دُنْيَاكُمْ بِمِلْحَى وَأَقْرَاصِي ، فَبِتَقْوَى اللَّهِ أَرْجُو خُلَاصِي .

مَا لِعَلِّي وَنَعِيمٍ يَفْنِي ، وَلَذِهِ تُتَبَّجُّهَا (تَنْحَتُّهَا) الْمَعَاصِي ، سَأَلَقِي وَشِيعَتِي رَبَّنَا بَعِيونَ مُرِّهِ (٩) ، وَبُطُونِ خِمَاصِ «وَلِيْمَحَصَ اللَّهُ الَّذِينَ
ءَامَنُوا وَيَمْحَقُ الْكُفْرِينَ» (١٠) . (١١) .

- ١- العزق: العظم إذا أخذ عنه معظم اللحم ، والجمع عُراق (النهاية: ج ٣ ص ٢٢٠ «عرق»).
- ٢- نهج البلاغه: الحكمة ٢٣٦ ، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٧٨ وفيه «كراع» بدل «عراق» ، غرر الحكم: ح ٣٦٦٤ ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٠ ح ١٣٥ .
- ٣- يلوؤها: أي يمضغها . واللوك: إداره الشيء في الفم (النهاية: ج ٤ ص ٢٧٨ «لوك»).
- ٤- بَشِمْتُ مِنْهُ بِشْمًا : أَي سَمَمْتُ (الصَّحاح: ج ٥ ص ١٨٧٣ «بشم»).
- ٥- عَكَمْتُ الْمَتَاعَ : شَدَّدْتَهُ (الصَّحاح: ج ٥ ص ١٩٨٩ «عكم»).
- ٦- يُضْرَبُ مَثَلًا لِمَنْ تَخَاطَبَهُ فَيُبْعِدُ فِي الْجَوَابِ (جمهره الأمثال: ج ١ ص ١١٧) . والشُّهَا: كُويكِب صغير خفي الضوء ، والناس
يتمتحنون به أبصارهم (لسان العرب: ج ١٤ ص ٤٠٨ «سها»).
- ٧- القلوص: الناقه الشابه (النهاية: ج ٤ ص ١٠٠ «قلص»).
- ٨- الرَّقْشَاءُ: الْأَفْعَى (النهاية: ج ٢ ص ٢٥٠ «رقش»).
- ٩- كذا في المصدر والظاهر أنه تصحيف «مُرِّهِ» .
- ١٠- آل عمران: ١٤١ .
- ١١- الأمالى للصدوق: ص ٧٢٢ ح ٩٨٨ عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج ٤٠
ص ٣٤٨ ح ٢٩ .

۲ / ۱۱ بی ارزش تر از استخوان خوکی در دست یک جذامی

۲ / ۱۲ تلخ تر از حنظلی که بیماری در دهان می چرخاند

۲ / ۱۱ بی ارزش تر از استخوان خوکی در دست یک جذامی ۵۳۹. دعائم الإسلام: امام علی علیه السلام: به خدا سوگند که این دنیای شما در چشم من ، بی ارزش تر از استخوان یک خوک در دست یک جذامی است. ۲ / ۱۲ تلخ تر از حنظلی که بیماری در دهان می چرخاند ۵۴۲. علل الشرائع یا سنده عن الحسین بن علی عن أخیه الحامام علی علیه السلام در نکوهش دنیا و یادکرد مردی که برای ایشان مقداری شیرینی آورد: هر آینه دنیای شما در نزد من ، از برگی که یک ملخ در دهانش می جود ، بی ارزش تر، و از استخوان خوکی که یک جذامی به دور می افکند ، کثیف تر، و از حنظلی که یک بیمار در دهان می چرخاند و با نفرت آن را تُف می کند ، به مذاق جانم تلخ تر است . پس چگونه بسته هایی را که محکم بسته ای ، و شیرینی ای را که گویا با آب دهان مار و یا استفراغ آن درست شده است ، بپذیریم؟! بار خدایا! من از دنیا رمیده ام ، آن سان که کره اسب از داغ کردنش می رمد. من ستاره سُها را به او نشان می دهم و او ماه را به من نشان می دهد. (۱)

من که از برداشتن پَرِ کُرکی افتاده از یک ماده اشتر جوان خودداری می کنم، [چگونه] شتری را که در آغوش بسته است ، بی‌لعم؟! آیا عقرب های زهر آگین را از سوراخشان بگیرم، یا مارهای سمی کشنده را در خوابگاه خویش ببندم؟! (۲) ره‌ایم کنید تا از دنیای شما به نمک و چند گرده نانم بسنده کنم، که با پروا کردن از خداوند ، امید رهایی خویش دارم.

علی را با نعمتی که فنا می پذیرد و لذتی که از معاصی بر می خیزد ، چه کار؟ من و شیعیانم با چشمانی زردی گرفته و شکم هایی گود افتاده ، پروردگاران را ملاقات خواهیم کرد : «و تا خدا کسانی را که ایمان آورده اند ، خالص گرداند و کافران را نابود سازد» .

۱- این جمله ، ضرب المثلی است برای کسی که شما از او سؤالی می کنی و او جوابی بی ربط به شما می دهد (جمهره الأمثال: ج ۱ ص ۱۱۷) . سُیها ، ستاره ای بسیار کوچک و کم نور است و مردم به وسیله آن ، سوی چشم خود را امتحان می کنند (لسان العرب: ج ۱۴ ص ۴۰۸ «سها»).

۲- به عبارت دیگر: آیا دست خویش در لانه عقرب های زهر آگین فرو برم، یا مارهای کشنده در آستین پرورم؟!

٢ / ١٣ أهونٌ من عَفَصِهِ مَقْرَهُ ٥٤٥. نثر الدرّ عن الإمام الحسين عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام في كتابه إلى عامله على البصره عثمان بن حنيف: ألا وإن لكلّ مأموم إماماً يقتدى به ، ويستنصىءُ بنورِ علمه ، ألا وإنّ إمامكم قد اكتفى من دُنياه بِطَمْرِيهِ (١) ، ومن طعمه (٢) بِقُرْصِيهِ ، ألا- وإنّكم لا- تقدرون على ذلك ، ولكن أعينوني بوع واجتهاد ، وعفّه وسداد . فوالله ما كنزٌ من دُنياكم تبرا (٣) ، ولا- أدخرت من غنائمها وفرا (٤) ، ولا أعددت لبالي ثوبى طمرا ، ولا حُزت من أرضها شبرا ، ولا أخذت منه إلا كقوت أتانٍ دبره (٥) ، ولهيّ في عيني أوهى وأهون من عَفَصِهِ (٦) مَقْرَهُ (٧) . (٨) .

١- الطمر : الثوب الخلق (المصباح المنير : ص ٣٧٨ «طمرت»).

٢- الطعم : الطعام (المصباح المنير : ص ٣٧٣ «طعمته»).

٣- التبر : هو الذهب والفضّه قبل أن يضربا دنانير ودراهم ، ومنهم من يجعله في الذهب أصلاً (النهايه : ج ١ ص ١٧٩ «تبر»).

٤- الوفر : المال الكثير (الصحاح : ج ٢ ص ٨٤٧ «وفر»).

٥- الأتان : الحماره الأنتى خاصّه (النهايه : ج ١ ص ٢١ «أتن»). وأتانٌ دبره : هي التي عُقرَ ظهرها فقلّ أكلها (شرح نهج البلاغه : ج ١٦ ص ٢٠٧).

٦- العفص : حمل شجره البلوط ؛ تحمل سنّه بلوطا وسنّه عفصا (لسان العرب : ج ٧ ص ٥٥ «عفص»).

٧- مقرّ الشيء : صار مُرا ، فهو شيءٌ مقرّ . والمقرّ أيضا الصبر (الصحاح : ج ٢ ص ٨١٩ «مقر»).

٨- نهج البلاغه : الكتاب ٤٥ .

۲ / ۱۳ بی ارزش تر از مازوی تلخ

۲ / ۱۳ بی ارزش تر از مازوی تلخ ۵۴۸. کامل الزیارات عن هارون بن خارجه عن أبي عبد الله امام علي عليه السلام در نامه اش به عثمان بن حنيف ، کارگزار ایشان در بصره :هان! هر پیروی را پیشوایی است که به او اقتدا می کند و از نور دانشش روشنایی می گیرد. هان! پیشوای شما از دنیای خود به دو جامه کهنه، و از خوراکش به دو قرص نان ، بسنده کرده است. البته شما توانایی این کار را ندارید ؛ اما با [در پیش گرفتن] پارسایی و سختکوشی [در کار و عبادت] و پاک دامن و راستی ، مرا یاری رسانید.

به خدا سوگند که از دنیای شما زر و سیمی نیندوختم، و از غنایم آن ، مالی فراوان پس انداز نمودم، و بر دو جامه کهنه ام جامه ای نیفزودم، و از زمین آن ، یک وجب به دست نیاوردم، و از خوراک آن جز به اندازه خوراک ماده الاغی ریش پشت برنگرفتم. دنیا در چشم من ، ناقابل تر و بی ارزش تر از یک دانه مازوی (۱) تلخ است.

۱- برجستگی کروی شکلی به قطر دوازده تا سی سانتی متر که تحت تأثیر گزش حشره سینیپس گالاتنکتوریا (cynips gallaetinctoriae) بر روی جوانه های درخت بلوط مازو ، ایجاد می شود. حشره مذکور برای تخم گذاری ، پوست درخت بلوط را سوراخ می کند که بر اثر آن ، مقدار زیادی از شیره درخت بیرون می زند که مازوسیوم نامیده می شود. از مازو ، در صنعت ، برای تهیه مرکب سیاه و رنگ پارچه ها و در پزشکی به عنوان قابض استفاده می شود (ر . ک : فرهنگ معین : «مازو»).

١٤ / ٢ - أَحْمِيمٌ غَسَاقٌ وَعَلَقَمٌ زُعَاقٌ وَسَمٌّ أَفْعَى! ٥٥١. ثواب الأعمال عن هارون بن خارجه عن أبي عبد الله عليه السلام: وَاللَّهِ مَا دُنْيَاكُمْ عِنْدِي إِلَّا كَسَدٍ فَرٍ عَلَى مَنَهْلٍ حَلَوْا، إِذْ صَاحَ بِهِمْ سَائِقُهُمْ فَارْتَحَلُوا، وَلَا لَذَائِثُهَا فِي عَيْنِي إِلَّا كَحَمِيمٍ أَشْرَبُهُ غَسَاقًا (١)، وَعَلَقَمٌ أَتَجَرَّعُهُ زُعَاقًا (٢)، وَسَمٌّ أَفْعَى أَسْقَاهُ دِهَاقًا (٣)، وَقِلَادَةٌ مِنْ نَارٍ أَوْهَقُهَا (٤) خِنَاقًا، وَلَقَدْ رَفَعْتُ مِدْرَعَتِي هَذِهِ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَاقِعِهَا، وَقَالَ لِي: إِقْدِفْ بِهَا قَدْفَ الْأُتَنِ؛ لَا يَرْتَضِيهَا لِيرْقَعَهَا، فَقُلْتُ لَهُ: أَعْزَبَ عَنِّي، فَعِنْدَ الصَّبَاحِ يَحْمَدُ الْقَوْمُ الشُّرَى، وَتَنْجَلِي عَنَّا عُلالَاتُ الْكَرَى (٥). (٤) ٢ / ١٥ مُطَلَّقُهُ الْأَكْيَاسِ ٥٥٤. أعلام الدين عن الإمام الحسين عليه السلام (أَنَّهُ قَالَ لِرَجُلٍ) الإمام علي عليه السلام: إِنِّي طَلَقْتُ الدُّنْيَا ثَلَاثًا بَتَاتَا لَا رَجْعَةَ لِي فِيهَا، وَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا. (٧) ٥٥٥. المعجم الكبير عن حبيب بن أبي ثابت: مَرُوجُ الذَّهَبِ عَنْ ضَمْرَارِ بْنِ ضَمْرَةَ فِي وَصْفِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثُ طَلَبَ مِنْهُ مُعَاوِيَةَ ذَلِكَ: يَسْتَوْحِشُ مِنَ الدُّنْيَا وَزَهْرَتِهَا، وَيَأْنَسُ بِاللَّيْلِ وَظُلْمَتِهِ، وَكَأَنِّي بِهِ وَقَدْ

أَرَخَى اللَّيْلُ سُودْلَهُ (٨)، وَغَارَتْ نُجُومُهُ، وَهُوَ فِي مِحْرَابِهِ قَابِضٌ عَلَى لِحْيَتِهِ يَتَمَلَّمُ لِي تَمَلَّمَلِ السَّلِيمِ (٩)، وَيَبْكِي بُكَاءَ الْحَزِينِ، وَيَقُولُ:

يَا دُنْيَا غَرَى غَيْرِي، أَلِي تَعَرَّضْتَ، أَمْ إِلَيَّ تَشَوَّفْتَ (١٠)؟ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ! لَا حَانَ حِينِكَ، قَدْ أَبْتَنَيْتُكَ (١١) ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ لِي فِيكَ. عُمُرُكَ قَصِيرٌ، وَعَيْشُكَ حَقِيرٌ، وَخَطْرُكَ يَسِيرٌ. آه مِنْ قَلْبِ الزَّادِ، وَبُعْدِ السَّفَرِ، وَوَحْشَةِ الطَّرِيقِ. (١٢).

- ١- الغَسَاقُ بِالْتَخْفِيفِ وَالتَّشْدِيدِ: مَا يَسِيلُ مِنْ صَدِيدِ أَهْلِ النَّارِ وَغَسَّالَتُهُمْ (النهاية: ج ٣ ص ٣٦٦ «غسق»).
- ٢- الزُّعَاقُ: الْمَاءُ الْمَرُّ الْغَلِيظُ لَا يَطَاقُ شَرْبَهُ (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٢٤١ «زُعق»).
- ٣- دَهَقَ الْمَاءُ: أَفْرَغَهُ إِفْرَاغًا شَدِيدًا (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٢٣٣ «دهق»).
- ٤- الْوَهَقُ: حَبْلٌ يُلْقَى فِي عُنُقِ الشَّخْصِ يُؤْخَذُ بِهِ وَيُوثَقُ، وَأَصْلُهُ لِلدَّوَابِّ (المصباح المنير: ص ٦٧٤ «وهق»).
- ٥- مَثَلٌ يُضْرَبُ لِلرَّجُلِ يَحْتَمِلُ الْمَشَقَّةَ رَجَاءَ الرَّاحَةِ (مجمع الأمثال: ج ٢ ص ٣١٨ الرقم ٢٣٨٢).
- ٦- الْأَمَالِيُّ الصَّدُوقُ: ص ٧١٨ ح ٩٨٨ عَنْ الْمَفْضَلِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج ٤٠ ص ٣٤٥ ح ٢٩.

- ٧- غَرَّرَ الْحَكْمَ: ح ٣٧٨٢، عِيُونَ الْحَكْمِ وَالْمَوَاعِظُ: ص ١٧٠ ح ٣٥٦٧.
- ٨- سَدَلُ الثَّوْبِ سَدْلًا: أَرْخَاهُ، وَسَدَلْتُ سِتْرَهَا وَسَعَرَهَا (أساس البلاغة: ص ٢٠٦ «سدل»).
- ٩- تَمَلَّمَلْتُ: تَقَلَّبْتُ. وَالسَّلِيمُ: اللَّدِيغُ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٥٢ «ملل» و ص ١٢٩ «سلم»).
- ١٠- تَشَوَّفَ: تَرَيَّنَ. وَتَشَوَّفَ لِلشَّيْءِ: أَي طَمَحَ بِصَرِّهِ إِلَيْهِ (النهاية: ج ٢ ص ٥٠٩ «شوف»).
- ١١- بَانَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ زَوْجِهَا: أَي انْفَصَلَتْ عَنْهُ وَوَقَعَ عَلَيْهَا طَلَاقُهُ. وَالطَّلَاقُ الْبَائِنُ: هُوَ الَّذِي لَا يَمْلِكُ الزَّوْجُ فِيهِ اسْتِرْجَاعَ الْمَرْأَةِ إِلَّا بَعْدَ جَدِيدٍ (النهاية: ج ١ ص ١٧٥ «بين»).

- ١٢- مَرُوجُ الذَّهَبِ: ج ٢ ص ٤٣٣، الْاسْتِعَابُ: ج ٣ ص ٢٠٩، شَرْحُ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ: ج ١٨ ص ٢٢٥ وَفِيهِمَا «بَابُنْتُكَ ثَلَاثًا» بَدَلُ «أَبُنْتُكَ ثَلَاثًا»، حَلِيَّةُ الْأَوْلِيَاءِ: ج ١ ص ٨٤؛ نَهْجُ الْبَلَاغَةِ: الْحَكْمَةُ ٧٧، خِصَائِصُ الْأَثَمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: ص ٧١، تَنْبِيهُ الْخَوَاطِرِ: ج ١ ص ٧٩، رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ: ص ٤٨٣، مَشْكَاهُ الْأَنْوَارِ: ص ٤٦٧ ح ١٥٦٢ وَفِيهَا «قَدْ طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا» بَدَلُ «قَدْ أَبُنْتُكَ ثَلَاثًا»

وكلها نحوه ، كتنز الفوائد : ج ٢ ص ١٦٠ .

۲ / ۱۴ چرکابه ای جوشان ، حنظلی شَرَنگین ، و زهر مار

۲ / ۱۵ مطلقه زیرکان

۲ / ۱۴ چرکابه ای جوشان ، حنظلی شَرَنگین ، و زهر مار ۵۵۸. سنن ابن ماجه عن فاطمه بنت الحسين عن أبيها عليه الامام علي عليه السلام: به خدا سوگند که دنیای شما در نظر من نیست ، مگر به سان کاروانیانی که در آبگاهی فرود آمده باشند و ناگهان کاروان سالارشان بانگ کوچ برآورد و آنها بکوچند، و خوشی های آن در نگاه من نیست ، مگر چونان چرکابه جوشانی که بنوشم، یا حنظلی شرنگین که جرعه جرعه سر کشم، یا زهر ماری که کاسه کاسه به کامم ریخته شود، یا گردنبند آتشی که به گردنم آویزند.

من ، این تن پوش خود را چندان پینه زده ام که دیگر از پینه دوز آن ، خجالت می کشم. او به من گفت: «این را همچون ماده الاغ ها به دور انداز» (۱) و حاضر نشد که آن را وصله کند. بدو گفتم: از من دور شو، که در بامدادان، شبروان ستوده می شوند و رنج بی خوابی از ما زدوده می شود. ۲ / ۱۵ مطلقه زیرکان ۵۶۱. الخصال یاسناده عن الحسين بن علی عن علی بن ابي طامام علی علیه السلام: من دنیا را سه طلاقه قطعی کرده ام که دیگر مرا بدان رجوعی نیست، و ریسمانش را بر دوش آن افکنده ام. ۵۶۲. تاریخ أصبهان یاسناده عن الحسين بن علی بن ابي طالمروج الذهب به نقل از ضرار بن ضمره ، در پاسخ به درخواست معاویه برای توصیف امام علی علیه السلام: از دنیا و زرق و برق آن ، گریزان بود و با شب و تاریکی آن ، انس داشت . گویا می بینم در حالی که شب ، پرده هایش را افکنده

و ستار گانش ناپدید شده اند ، او در محراب خویش محاسنش را به دست گرفته و چون مار گزیده به خود می پیچد و به سان مصیبت زده می گرید و می گوید:

«ای دنیا! غیر مرا بفریب. آیا خود را به من عرضه می کنی، یا که خویشتن را برایم می آرایی؟ مباد، مباد که آن روز برسد! من تو را سه طلاقه کرده ام ، که مرا در آن رجوعی نیست. عمر تو کوتاه است، و عیشت حقیر، و اهمیت ناچیز. آه از کمی توشه، و دوری سفر و تنهایی [در] راه.

۱- تشبیه به الاغ، از این جهت است که الاغ در خودداری از حمل بار ناهموار ، بیش از هر چارپای دیگری عکس العمل نشان می دهد و سعی می کند بارش را بر زمین بیندازد.

٥٦٣. حليه الأولياء بإسناده عن الحسين بن علي بن أبي طال الأمامي عن الأصمغ بن نباته: دَخَلَ ضِرَارُ بْنُ ضَمْرَةَ النَّهْشَلِيَّ عَلَى مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ، فَقَالَ لَهُ: صِفْ لِي عَلَيْنَا! قَالَ: أَوْتَعَفِينِي؟ فَقَالَ: لَا، بَلْ صِفْهُ لِي. فَقَالَ لَهُ ضِرَارُ:

رَحِمَ اللَّهُ عَلَيْنَا، كَانَ وَاللَّهِ فِينَا كَأَخِي دَنَا؛ يُدِينُنَا إِذَا أَتَيْنَاهُ، وَيُجِئُنَا إِذَا سَأَلْنَاهُ، وَيُقَرِّبُنَا إِذَا زُرْنَاهُ، لَا يُغْلَقُ لَهُ دُونَنَا بَابٌ، وَلَا يَحْجُبُنَا عَنْهُ حَاجِبٌ، وَنَحْنُ وَاللَّهِ مَعَ تَقْرِيْبِهِ لَنَا وَقُرْبِهِ مِنَّا لَا نُكَلِّمُهُ لِهَيْبَتِهِ، وَلَا نَبْتَدِيهِ لِعَظَمَتِهِ، فَإِذَا تَبَسَّمَ فَعَنَ مِثْلَ اللُّؤْلُؤِ الْمَنْظُومِ.

فَقَالَ مُعَاوِيَةُ: زِدْنِي مِنْ صِفَتِهِ، فَقَالَ ضِرَارُ:

رَحِمَ اللَّهُ عَلَيْنَا، كَانَ وَاللَّهِ طَوِيلَ الشُّهَادِ (١)، قَلِيلَ الرُّقَادِ، يَتْلُو كِتَابَ اللَّهِ آتَاءَ (٢) اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ، وَيَجُودُ لِلَّهِ بِمُهْجَتِهِ (٣)، وَيَبُوءُ إِلَيْهِ بِعَبْرَتِهِ، لَا تَغْلُقُ لَهُ الشُّتُورُ، وَلَا يَدَّخِرُ عَنَّا الْبُدُورَ (٤)، وَلَا يَسْتَلِينُ الْإِتِّكَاءَ، وَلَا يَسْتَحْشِنُ الْجَفَاءَ.

وَلَوْ رَأَيْتَهُ إِذْ مَثَّلَ فِي مِحْرَابِهِ، وَقَدْ أَرَخَى اللَّيْلُ سُدُودَهُ، وَغَارَتْ نُجُومُهُ، وَهُوَ قَابِضٌ عَلَى لِحْيَتِهِ يَتَمَلَّمِلُ تَمَلُّمَ السَّلِيمِ وَيَبْكِي بُكَاءَ الْحَزِينِ، وَهُوَ يَقُولُ: يَا دُنْيَا أَلِي تَعَرَّضْتِ، أَمْ إِلَيَّ تَشَوَّقْتِ؟ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ! لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ، أُبْتَكِكِ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ لِي عَلَيْكِ. ثُمَّ يَقُولُ: وَاه وَاه لِيُعِدِ السَّفَرَ وَقَلِّهِ الزَّادِ وَخُشُونَهُ الطَّرِيقِ!

فَبَكَى مُعَاوِيَةَ وَقَالَ: حَسْبُكَ يَا ضِرَارُ، كَذَلِكَ كَانَ وَاللَّهِ عَلِي، رَحِمَ اللَّهُ أَبَا الْحَسَنِ (٥).

١- الشُّهَادُ: الأرق (الصحاح: ج ٢ ص ٤٩٢ «سهد»).

٢- آتَاءَ اللَّيْلِ: ساعاته (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٩٦ «أنا»).

٣- المَهْجَةُ: الرُّوح (القاموس المحيط: ج ١ ص ٢٠٨ «مهج»).

٤- البُدْرَةُ: كَيْسٌ فِيهِ أَلْفٌ أَوْ عَشْرَةُ آلَافٍ، وَالْجَمْعُ: البُدُورُ (لسان العرب: ج ٤ ص ٤٩ «بدر»).

٥- الأمامي للصدوق: ص ٧٢٤ ح ٩٩٠، بحار الأنوار: ج ٤١ ص ١٤ ح ٦.

۵۶۴. نزه الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: الأملی صدوق به نقل از اصبع بن نباته: ضرار بن ضمره نَهشلی بر معاویه بن ابی سفیان در آمد. معاویه به او گفت: علی را برایم وصف کن!

ضرار گفت: مرا معاف بدار.

[معاویه] گفت: نمی دارم. او را برایم وصف کن!

ضرار گفت: رحمت خداوند بر علی باد! به خدا سوگند که او در میان ما همچون یکی از ما بود. هر گاه به نزدش می رفتیم، ما را نزدیک خود می نشانند، و هر گاه از او چیزی می پرسیدیم، پاسخمان می داد، و هر گاه به دیدارش می رفتیم، ما را احترام می نهاد. هرگز در خانه اش به روی ما بسته نمی شد، و هیچ دربانی نداشت که ما را از دیدار او منع کند؛ لیکن با وجود این ارتباط نزدیکی که میان ما با او بود، به خدا سوگند از هیبتی که داشت، با او سخن نمی گفتیم، و از شکوهی که داشت، شروع [به گفتگو] نمی کردیم. هر گاه لبخند می زد، دندان هایش چون مرواریدهای به رشته کشیده، نمایان می شد.

معاویه گفت: باز هم از اوصاف او برایم بگو!

ضرار گفت: رحمت خداوند بر علی باد! به خدا سوگند که او بیشتر شب را

به عبادت می گذرانید و کمتر می خوابید. در دل شب و هر بام و شام، کتاب خدا را تلاوت می کرد. به خاطر خدا جانبازی می کرد، و به درگاه او اشک می ریخت. پرده ای برایش افکنده نمی شد (و همواره مردم به او دسترس داشتند)، و همیان ها [ی درهم و دینار] را از ما پنهان نمی ساخت (همه بیت المال را میان مردم تقسیم می کرد). بر پشتی نرم تکیه نمی زد، و سختی ها [ی زندگی] را سخت به حساب نمی آورد.

کاش او را آن گاه که شب، پرده هایش را فرو افکنده بود و ستارگان غروب کرده بودند، می دیدی که در محرابش ایستاده و محاسن خویش را به دست گرفته است و چونان مار گزیده به خود می پیچد و به سان مصیبت زده می گرید و می گوید: «ای دنیا! آیا خود را به من عرضه می کنی، یا آرزومند منی؟ هیهات، هیهات! مرا به تو نیازی نیست. من تو را سه طلاقه کرده ام و دیگر مرا به تو رجوعی نیست» و سپس می گوید: «آه، آه از درازی سفر، و کمی ره توشه، و ناهمواری راه».

در این هنگام، معاویه گریست و گفت: بس است، ای ضرار! به خدا سوگند که علی همین گونه بود. خدا ابو الحسن را رحمت کناد! .

ص: ٣٥٠

راجع: ج ٢ ص ٢٠٠ (طَلَّقُوا الدُّنْيَا ثَلَاثًا).

ص: ۳۵۱

ر. ک: ج ۲ ص ۲۰۰ (دنیا را سه طلاقه کنید)

.

الفصل الثالث : التحذير من الدنيا ٣ / ١ التحذير من الإغترار بالدنيا الدنيا خَصِرَةٌ حُلُوَةٌ ٥٧١. تاريخ يعقوبى : رسول الله صلى الله عليه وآله : إحدروا الدنيا ؛ فَإِنَّهَا خَصِرَةٌ (١) حُلُوَةٌ . (٢) ٥٧٢. بغيه الطلب عن أحمد بن أبي القاسم عن أبيه : عنه صلى الله عليه وآله لجرير : يا جرير أسلم تسلم ، يا جرير أسلم تسلم قالها ثلاثا . . . يا جرير أذكرك الدنيا وحلاوة رضاءها ومرارة فطامها . (٣) ٥٧٣. الاختصاص عن أبي جعفر عن علي بن الحسين عن الحسين عن صلى الله عليه وآله : ألا - إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوَةٌ خَصِرَةٌ ، قَرَبٌ مُتَخَوِّضٌ فِي الدُّنْيَا مِنْ مَالِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ لَيْسَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا النَّارُ . (٤) .

- ١- . خَصِرَةٌ : أى غَضِبَهُ نَاعَمَهُ طَرِيَهُ (النهاية : ج ٢ ص ٤١ «خضر»).
- ٢- . الزهد لابن حنبل : ص ١٨ عن مصعب بن سعد ، كثر العَمَال : ج ٣ ص ١٨٢ ح ٦٠٦٦ .
- ٣- . تاريخ المدينة : ج ٢ ص ٥٦٨ ، الفردوس : ج ٥ ص ٤٠٩ ح ٨٥٧٦ عن ابن عبيّاس ، كثر العَمَال : ج ٣ ص ٧٣١ ح ٨٦٠١ ؛ نزهه الناظر : ص ٣٤ ح ١٠٤ وفيهما ذيله من «إني أذكرك الدنيا . . .» .
- ٤- . المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٧٦ ح ٦٩٣٢ عن حمته بنت جحش ، كثر العَمَال : ج ٦ ص ٥٠٩ ح ١٦٧٦٠ .

فصل سوم: بر حذر داشتن از دنیا

۳ / ۱ بر حذر داشتن از فریفته شدن به دنیا

الف دنیا خوش و شیرین است

فصل سوم: بر حذر داشتن از دنیا ۳ / ۱ بر حذر داشتن از فریفته شدن به دنیا الف دنیا خوش و شیرین است ۵۷۸. الأمالی عن یحیی بن اَبی القاسم عن الصادق جعفر بن میامبر خدا صلی الله علیه و آله: از دنیا بر حذر باشید؛ چرا که دنیا خوش و شیرین است. ۵۷۹. الفتوح (بَعْدَ ذِكْرِ كِتَابِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به جریر: «ای جریر! اسلام بیاور تا به سلامت مانی، اسلام بیاور تا به سلامت مانی» این را سه بار فرمود. «... ای جریر! تو را از دنیا و شیرینی شیر خوردن از آن (دستیابی به دنیا) و تلخی گرفته شدن از شیر آن، بر حذر می دارم». ۵۸۰. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هان! دنیا شیرین و خوش است. پس، ای بسا کسی که از مال خدا و پیامبر او خود را غرق دنیا می کند، اما در روز قیامت، او را جز آتش نیست.

٥٨١. نظم درر السمطين عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الدُّنْيَا حُلْوَةٌ خَضِرَةٌ ، فَمَنْ أَصَابَ مِنْهَا شَيْئًا مِنْ حِلِّهِ فَذَاكَ الَّذِي يُبَارَكُ لَهُ فِيهِ ، وَكَمْ مِنْ مُتَحَوِّضٍ فِي مَالِ اللَّهِ وَمَالِ رَسُولِهِ لَهُ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (١) ٥٨٢. نزهه الناظر: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الدُّنْيَا حُلْوَةٌ خَضِرَةٌ ، وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ، فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النِّسَاءَ . (٢) ٥٨٣. المطالب العالیه عن الحسين بن علی عليه السلام عننه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الدُّنْيَا حُلْوَةٌ خَضِرَةٌ ، فَمَنْ اتَّقَى فِيهَا وَأَصْلَحَ ، وَإِلَّا فَهُوَ كَالْأَكْلِ وَلَا يَشْبَعُ ، فَبَعْدُ النَّاسِ كَبَعْدِ الْكَوَكَبِينَ (٣) ، أَحَدُهُمَا يَطْلُعُ مِنَ الْمَشْرِقِ ، وَالْآخَرُ يَغِيبُ بِالْمَغْرِبِ . (٤) ٥٨٤. تهذيب الكمال عن ابن عون عن الحسين عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: لَأَعْنَا فِي فِتْنَةِ السَّرَّاءِ أَخَوْفٌ عَلَيْكُمْ مِنْ فِتْنَةِ الضَّرَّاءِ ، إِنَّكُمْ قَدْ ابْتَلَيْتُمْ بِفِتْنَةِ الضَّرَّاءِ فَصَبْرُكُمْ ، وَإِنَّ الدُّنْيَا حُلْوَةٌ خَضِرَةٌ . (٥) ٥٨٥. مكارم الأخلاق عن إسماعيل بن يسار: صحيح البخارى عن أبى سعيد الخدرى: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَامَ عَلَى الْمِئْبَرِ ، فَقَالَ : إِنَّمَا

أَخْشَى عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي مَا يُفْتَحُ عَلَيْكُمْ مِنْ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ . ثُمَّ ذَكَرَ زَهْرَةَ الدُّنْيَا ، فَبَدَأَ بِأَحَدَاهُمَا وَتَنَّى بِالْآخَرَى ، فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَوْ يَأْتِي الْخَيْرُ بِالْشَّرِّ؟ فَسَيَكْتُ عَنْهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، قُلْنَا : يُوْحَى إِلَيْهِ ، وَسَيَكْتُ النَّاسُ كَأَنَّ عَلَى رُؤُوسِهِمُ الطَّيْرَ ، ثُمَّ إِنَّهُ مَسَحَ عَن وَجْهِهِ الرُّخْصَاءَ (٦) ، فَقَالَ :

أَيْنَ السَّائِلُ آفِئَا ، أَوْ خَيْرٌ هُوَ؟! ثَلَاثًا إِنَّ الْخَيْرَ لَا يَأْتِي إِلَّا بِالْخَيْرِ ، وَإِنَّهُ كُلُّ مَا يُنْبِتُ الرَّيْبُ مَا يَقْتُلُ حَبَطًا (٧) أَوْ يُلْمُ (٨) ، إِلَّا آكَلَهُ الْخَضِرُ كُلَّمَا أَكَلَتْ ، حَتَّى إِذَا امْتَلَأَتْ خَاصِرَتَاهَا اسْتَقْبَلَتِ الشَّمْسَ ، فَتَلَطَّتْ (٩) وَبَالَتْ ثُمَّ رَتَعَتْ ، وَإِنَّ هَذَا الْمَالَ خَضِرَةٌ حُلْوَةٌ ، وَنِعْمَ صَاحِبُ الْمُسْلِمِ لِمَنْ أَخَذَهُ بِحَقِّهِ فَجَعَلَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ ، وَمَنْ لَمْ يَأْخُذْهُ بِحَقِّهِ فَهُوَ كَالْأَكْلِ الَّذِي لَا يَشْبَعُ ، وَيَكُونُ عَلَيْهِ شَهِيدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (١٠) .

١- المعجم الكبير: ج ٢٤ ص ٣٤١ ح ٨٥١ عن عمره بنت الحارث بن أبى ضرار ، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٨٠ ح ١٠٣٠٦ ، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٠١ ح ٦١٦٦ .

٢- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٠٩٨ ح ٩٩ ، سنن الترمذى: ج ٤ ص ٤٨٣ ح ٢١٩١ ، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٢٥ ح ٤٠٠٠ ، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٣٩ ح ١١١٤٣ ، المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ٥٥١ ح ٨٥٤٣ ، السنن الكبرى: ج ٧ ص ١٤٧ ح ١٣٥٢٣ ، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٧٨ ح ١٠٣٠١ كلها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمال: ج ٣ ص ٢١٠ ح ٦١٩٧ .

٣- أراد والله أعلم الكواكب التى جعلها الله تعالى منازل للقمر ، كما قال : «وَالْقَمَرَ قَدَّرْتَهُ مَنَازِلَ» وهى التى تسمى : الأنواء ، فإن أحدهما لا يغيب فى المغرب غدوة حتى يطلع رقيه فى المشرق غدوة ، فهما لا يلتقيان ولا يتقاربان ، فكذلك اختلاف أحوال أهل الدنيا فى حظوظهم ومكاسبهم لا يتقارب ؛ قاهرٌ ومقهورٌ ، ومحرومٌ ومرزوقٌ ، ومُعافى ومبتلى ، وأشباه ذلك (أمثال الحديث للرامهرمزي : ص ٥٣) .

٤- مسند أبى يعلى (طبعة دارالثقافه العربيه): ج ١٣ ص ١٥ ح ٧٠٩٩ عن ميمونه ، كنز العمال: ج ٣ ص ٢١٠ ح ٦٢٠٠ نقلًا عن الأسنده للرامهرمزي نحوه .

٥- مسند أبى يعلى: ج ١ ص ٣٦٤ ح ٧٧٦ ، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٨٠ ح ١٠٣٠٨ ، مسند البزار: ج ٣ ص ٣٦٧ ح ١١٦٨ وفيه «فى السراء» بدل «فى فتنه السراء» ، حليه الأولياء: ج ١ ص ٩٣ وكلها عن سعد بن أبى وقاص ، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٥٧

ح ٦٤٣١ .

٦- الرُّحْضَاءُ : هو عَرَقٌ يغسل الجلد لكثرتِه (النهايه : ج ٢ ص ٢٠٨ «رحض»).

٧- حَبِطَ حَبِطًا : هَدَرَ (المصباح المنير : ص ١١٨ «حبط»).

٨- ما يُقْتَلُ حَبِطًا أو يُلَمَّ : أى يقرب من ذلك (القاموس المحيط : ج ٤ ص ١٧٧ «لم»).

٩- ثَلَطَ الثور والبعير والصبى : سلح رقيقا (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٣٥٣ «ثلط»). والسَّلْحُ للطائر وغيره كالتغوط من الإنسان

(أنظر المصباح المنير : ص ٢٨٤ «سلح»).

١٠- صحيح البخارى : ج ٣ ص ١٠٤٥ ح ٢٦٨٧ ، صحيح مسلم : ج ٢ ص ٧٢٩ ح ١٢٣ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣٢٣ ح

٣٩٩٥ ، سنن النسائى : ج ٥ ص ٩٠ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ١٦ ح ١١٠٣٥ ، السنن الكبرى : ج ٣ ص ٢٨١ ح ٥٧١٠ كلِّها

نحوه .

۵۸۶. الهدایه الکبری عن سیف بن عمیره التّمّار عن أبي عبدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا شیرین و خوش است. پس، هر که به چیزی از دنیا از راه حلال دست یابد، خداوند در آن به او برکت می دهد، و ای بسا تصرف کننده در مال خدا و مال پیامبر او که در روز قیامت برایش آتش است. ۵۸۷. تاریخ الطبری عن عقبه بن سماعان: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا شیرین و خوش است. خداوند، شما را در آن جانشین قرار داده است تا ببیند که چگونه عمل می کنید. پس، از دنیا [زدگی] و زن [بارگی] پروا کنید. ۵۸۸. الفتوح: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا شیرین و خوش است. پس، هر که در آن تقوا پیشه کند و کار شایسته انجام دهد [، رستگار می گردد]، و گرنه همانند کسی خواهد بود که می خورد و سیر نمی شود. پس، دوری مردم [از دنیا و سیر شدن از آن]، چون دوری دو ستاره ای است که یکی از شرق طلوع می کند و [در همان زمان، دیگری غروب می کند]. (۱) ۵۸۹. الفتوح: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من از آزمایش در رفاه، برای شما بیشتر می ترسم تا آزمایش در سختی. شما به آزمایش در سختی آزموده شدید و صبر کردید؛ اما دنیا خوش و شیرین است. ۵۹۰. کنز الفوائد عن الإمام الحسین علیه السلام (أَنَّهُ قَالَ يَوْمًا لِابْنِ عَبَّاسٍ) صحیح البخاری به نقل از ابو سعید خُدَری: پیامبر خدا بر منبر ایستاد و فرمود: «ترس من برای شما بعد از رفتنم، باز شدنِ درِ برکت های زمین به

روی شماست». سپس از ناز و نعمت های دنیا یاد کرد و یکی پس از دیگری، آنها را برشمرد.

مردی برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! آیا خیر (مال و ثروت دنیا)، شر می آورد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله جوابش را نداد.

گفتیم: «به او وحی می شود» و مردم، چنان آرام گرفتند که گویی پرنده روی سر آنان نشسته است (کوچک ترین تکانی نمی خوردند).

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس صورتش را که خیس عرق شده بود، با دست، پاک کرد و سه بار فرمود: «کجاست آن پرسنده؟ آیا آن، خیر است؟! خیر، جز خیر نمی آورد. علف هایی که در بهار می رویند، [خورنده خویش را] می گشند یا تا آستانه گشته شدن می برند، مگر آن حیوانی را که خاشاک بخورد. چنین حیوانی می خورد تا آن که معده اش پر می شود و سپس در آفتاب، دراز می کشد و بعد، ریقی می زند و ادراری می کند و دوباره می چرد. این مال و ثروت [دنیا] دل پذیر و شیرین است و برای مسلمانی که به اندازه حقّ خود از آن برگیرد و آن را در راه خدا و برای یتیمان و مستمندان خرج کند، نیکو ریقی است؛ اما کسی که بیش از حقّش از آن برگیرد، همانند خورنده ای سیری ناپذیر است، و آن مال [که به ناحق برداشته شده]، در روز قیامت، علیه او گواهی می دهد...»

۱- مراد پیامبر صلی الله علیه و آله از «دوری دو ستاره...» البتّه خدا داناتر است ستاره هایی هستند که [در بیست و هشت شب هر ماه] منزلگاه های ماه اند و «انواء» نام گرفته اند، همان گونه که خداوند فرموده است: «برای ماه، منزلگاه هایی مقدر کردیم» (یس: آیه ۳۹). هر یکی از آن دو ستاره، صبحگاهان غروب نمی کند، مگر این که ستاره دیگر در مشرق طلوع

کند. این دو ، نه به همدیگر می رسند و نه به یکدیگر نزدیک می شوند. چنین است اختلاف احوال اهل دنیا در برخورداری و درآمدهایشان ، که به هم نزدیک نمی شوند ؛ اختلاف میان زیر سلطه و مسلط ، برخوردار و محروم ، در آسایش و گرفتار ، و مانند اینها .

٥٩١. الأملى بإسناده عن سيد الشهداء الحسين بن على بن الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا انْقَضَتِ الْقِصَّةُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرِ وَعَائِشَةَ بِالْبَصْرَةِ ، صَدَّ عَدَّ الْمُنْتَبِرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، ثُمَّ قَالَ :

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ، إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ خَضِرَةٌ ، تَفْتِنُ النَّاسَ بِالشَّهَوَاتِ وَتُزَيِّنُ لَهُمْ بِعَاجِلِهَا ... (١) .

١- الكافي : ج ٨ ص ٢٥٦ ح ٣٦٨ عن سلام بن المستنير ، بحار الأنوار : ج ٣٢ ص ٢٣٣ ح ١٨٦ .

۵۹۲. تاریخ أصبهان عن فاطمه بنت الحسين عن أبيها الحسينامام باقر عليه السلام: امير مؤمنان عليه السلام پس از آن که ماجرای میان او و میان طلحه و زبیر و عایشه در بصره [در جنگ جمل] خاتمه یافت ، بر منبر رفت و حمد و ثنای الهی گفت و بر پیامبر خدا درود فرستاد . آن گاه فرمود: «ای مردم! دنیا شیرین و خوش است. مردم را با خواست ها [ی دنیوی] می فریبید، و ظاهر خویش را برای آنان می آراید. .

٥٩٣. دعائم الإسلام: الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللَّهُ بِهِ عيسى عليه السلام... : يا عيسى ، إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ ، وَإِنَّمَا اسْتَعْمَلْتَكُ فِيهَا ، فَجَانِبِ مِنْهَا مَا حَذَرْتُكَ ، وَخُذْ مِنْهَا مَا أُعْطَيْتَكَ عَفْوًا (١) . (٢) ب الدُّنْيَا سَحَارَةٌ ٥٩٥. الفردوس عن الحسين بن علي عليه السلام عن رسول الرسول الله صلى الله عليه وآله : إِحْذَرُوا الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّهَا أُسْحَرُ مِنْ هَارُوتَ وَمَارُوتَ . (٣) ٥٩٦. أعلام الدين عن الإمام الحسين عليه السلام : عنه صلى الله عليه وآله : قَالَ أَخِي عيسى عليه السلام : مَعَاشِرَ الْحَوَارِيِّينَ ، إِحْذَرُوا الدُّنْيَا لَا تَسْحَرُكُمْ ، لَهَا وَاللَّهِ أَشَدُّ سِحْرًا مِنْ هَارُوتَ وَمَارُوتَ ، وَاعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا مُدْبِرَةٌ وَالْآخِرَةُ مُقْبِلَةٌ ، وَإِنَّ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بَنِينَ ، فَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ دُونَ بَنِي الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابَ ، وَغَدَا حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ . (٤) ج الدُّنْيَا شَبَكَةُ الشَّيْطَانِ ٥٩٨. تحف العقول : الإمام علي عليه السلام : إِحْذَرِ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّهَا شَبَكَةُ الشَّيْطَانِ وَمَفْسَدَةُ الْإِيمَانِ . (٥) .

- ١- العفو: أحلُّ المال وأطيبه ، وخيارُ الشيء وأجودُه ، والفضلُ والمعروف (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٣٦٤ «عفو»).
- ٢- الكافي : ج ٨ ص ١٣١ ١٤٠ ح ١٠٣ ، تحف العقول : ص ٥٠٠ من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، الأما لي للصدوق : ص ٦١٣ ح ٨٤٢ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام بزياده «لتطيعني» بعد «فيها» ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٤٥ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٢٩٨ ح ١٤ .
- ٣- شعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٣٩ ح ١٠٥٠٤ ، ذم الدنيا لابن أبي الدنيا : ص ٥٤ ح ١٣٢ كلاهما عن أبي الدرداء الرهاوي ، نوادر الأصول : ج ١ ص ٧٥ ، تفسير القرطبي : ج ٢ ص ٥٣ كلاهما عن عبد الله بن بشر [بسر] [المازني وفيهما «أتقوا الدنيا ، فوالذي نفسي بيده إنَّها لأسحر» ، إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ٣٠١ ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٨٢ ح ٦٠٦٥ ؛ تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٣١ .
- ٤- الدرّ المنثور : ج ١ ص ٢٤٤ نقلًا عن الخطيب عن ابن عمر .
- ٥- غرر الحكم : ح ٢٦٠٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٠٤ ح ٢٣٤٠ .

ب دنیا افسونگر است**ج دنیا، دام شیطان است**

۵۹۹. نثر الدرّ عن الإمام الحسين عليه السلام: الكافي به نقل از علی بن اسباط ، از ائمه عليهم السلام : از پنندهای خداوند به عیسی آن بود که: «... ای عیسی! دنیا شیرین است، و من تو را در آن به کار گرفته ام . پس، دنیا از آنچه تو را بر حذر داشته ام ، دوری کن، و در آن آنچه را که از روی بخشش عطایت کرده ام ، برگیر (۱)». ب دنیا افسونگر است ۶۰۱. تحف العقول : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از دنیا حذر کنید؛ چرا که از هاروت و ماروت (۲) هم افسونگرتر است. ۶۰۲. المناقب والمثالب عن الحسين بن علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برادرم عیسی علیه السلام گفت: «ای گروه حواریان! به هوش باشید که دنیا شما را افسون نکند. به خدا سوگند که دنیا افسونگرتر از هاروت و ماروت است. بدانید که دنیا رفتنی است و آخرت ، آمدنی، و برای هر یک از آن دو ، فرزندان است. پس شما از فرزندان آخرت باشید ، نه فرزندان دنیا؛ زیرا امروز ، روز عمل است نه حساب، و فردا روز حسابرسی است نه عمل». ج دنیا، دام شیطان است ۶۰۴. عیون أخبار الرضا یاسناده عن الحسين بن علیّ علیه السلام : از دنیا بر حذر باش؛ چرا که دام شیطان و تباہ کننده ایمان است.

۱- یا: از آنچه از دنیا عطایت کرده ام ، پاک ترین و حلال ترین آن را برگیر.

۲- مشهور ، این است که هاروت و ماروت : دو فرشته بوده اند که به مردم بابل ، سحر می آموخته اند تا سحر ساحرانی را که می کوشیدند با سحر زندگی مردم را مختل سازند، باطل نمایند. از ظاهر آیه ۱۰۲ سوره بقره نیز همین استفاده می شود . (م)

د الدنيا غدارة غزارة مكاره خداعة ٦٠٦. مكارم الأخلاق بإسناده عن الحسين بن علي عليه السلام: إحدروا الدنيا؛ فإنها غدارة غزارة خدوع، معطيته منوع، ومليسه نزوع. (١) ٦٠٧. المعجم الكبير عن بشر بن غالب عن الإمام الحسين عليه السلام: إحدروا هذه الدنيا الخداعة الغزارة، التي قد تزيّنت بحليتها، وفتنت بغرورها، وغرت بآمالها، وتشوّفت لخطابها، فأصبحت كالعروس المجلوه، والعيون إليها ناظرة، والنفوس بها مشغوفة، والقلوب إليها تائقة، وهي لإعزواجها كلهم قاتلة، فلا الباقي بالماضي معتبر، ولا الآخرة بسوء أثرها على الأول مُردج، ولا اللبيب (٢) فيها بالتجارب مُنتفع. (٣) ٦٠٨. المحاسن عن بشير بن غالب: عنه عليه السلام: إن الدنيا خداعة صرّاعة، مكاره غزارة سحارة، أنهاؤها لامعة، وثمراتها يانعة، ظاهرها سيرور، وباطنها غرور، تأكلكم بأضراس المنيا، وتبيركم (٤) ياتلاف الرزايا، لهم بها أولاد الموت، وآثروا زينتها فطلبوا رتبته... .

دارت عليكم بصيرتونها، ورمتمكم بسهام خنوفها (٥)، فهي تنزع أرواحكم نزعاً، وأنتم تجمعون لها جمعا، للموت تولدون، وإلى القبور تنقلون، وعلى التراب تنومون، وإلى الدود تسلمون، وإلى الحساب تبعثون. (٦) ٦٠٩. المحاسن عن سدير: عنه عليه السلام: من راقه زبرج (٧) الدنيا ملكته الخدع. (٨).

١- نهج البلاغه: الخطبه ٢٣٠، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٣ ح ٤٦.

٢- اللبيب: العاقل (الصحاح: ج ١ ص ٢١٦ «لب»).

٣- دستور معالم الحكم: ص ٣٧؛ بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٨ ح ١٠٩ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ.

٤- الثبير: أي المهلك، يسرف في إهلاك الناس (النهاية: ج ١ ص ١٦١ «بور»).

٥- الحنف: الموت، والجمع خنوف (الصحاح: ج ٤ ص ١٣٤٠ «حنف»).

٦- الأمالى للطوسى: ص ٦٥٢ ح ١٣٥٣ عن شريح القاضى، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٧١ ح ٣٥.

٧- الزبرج: الزينه من وشي أو جوهر أو نحو ذلك (الصحاح: ج ١ ص ٣١٨ «زبرج»).

٨- غرر الحكم: ح ٨١٧٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٣ ح ٧٧٦٣.

د دنیا خیانت پیشه، فریبنده، نیرنگباز و حيله گر است

د دنیا خیانت پیشه، فریبنده، نیرنگباز و حيله گر است ۶۱۱. تحف العقول: امام علی علیه السلام: از دنیا حذر کنید؛ (چرا که خیانتکار، فریبنده، حيله گر، عطاکننده و دریغ ورزنده، و پوشاننده و برهنه کننده است. ۶۱۲. الجعفریات یاسناده عن علی بن الحسین عن ابيه علیها امام علی علیه السلام: از این دنیای حيله گر فریبنده، بر حذر باشید؛ دنیایی که خویشان را با زیورهایش آراسته، و با فریبایی اش مفتون می سازد، و با آرزوهایش می فریبد، و برای خواستگاران خود آرایی می کند، و همچون عروس نقاب برکشیده ای شده است که چشم ها بدو خیره گشته، و جان ها شیدایش شده، و دل ها شیفته اش گردیده اند، و در حالی که او قاتل همه شوهران خویش است، نه شوهران آینده از شوهران گذشته عبرت می گیرند، و نه بدرفتاری او با اولی، عامل بازدارنده آخری است، و نه خردمند از این تجربه ها سود می برد. ۶۱۳. تاریخ دمشق عن عبد الرحمن بن کثیر عن جعفر بن محمد امام علی علیه السلام: دنیا، حيله گر است و به خاک افکن و نیرنگباز و فریبنده و افسونگر. جویبارهایش درخشان، و میوه هایش رسیده اند و ظاهرش خوش، و باطنش پوچ است. با دندان های مرگ، شما را می خورد، و با بلاهای ویرانگرش نابودتان می کند. مردم در دنیا برای مرگ، زاده می شوند، با این حال، زینت دنیا را برگزیدند و جاه آن را طلبیدند.

نادان مردی است آن مرد که شیفته لذت های دنیا شد، و به شادی آن دل خوش کرد، و از خیانت آن آسوده خاطر گشت. دنیا با مصیبت هایش شما را در میان گرفته، و با تیرهای مرگش شما را نشانه رفته است. او پیوسته جان های شما را می ستاند و شما پیوسته برای او [ثروت] گرد می آورید. برای مرگ، زاده می شوید، و به سوی گورها می برنندتان، و در بستر خاک می خوابانندتان، و به دست کرم ها می سپارندتان، و برای حسابرسی برانگیخته خواهید شد. ۶۱۴. تحف العقول عن الإمام الحسین علیه السلام: امام علی علیه السلام: هر که زیور دنیا، او را خوش آید، فریب ها [ی دنیا] اختیاردار او خواهند گشت.

٦١٥. نشر الدرّ عن الإمام الحسين عليه السلام: بحار الأنوار في ذكرِ ضِعْفِ إدريس عليه السلام: الصَّحيفَةُ الثَّانِيَةُ وَالْعِشْرُونَ «صَحِيفَةُ الدُّنْيَا»: تَفَكَّرُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي تَفْتِنُ بِزَبْرِجِ زَخَارِيْفِهَا، وَتَخْدَعُ بِحَلَاوَةِ تَصَارِيْفِهَا، وَلَمَذَاتِهَا شَبِيهَةَ بَنُورِ (١) الْوَرْدِ الْمُحْفُوفِ بِالشُّوكِ الْكَثِيرِ، فَهَوَّ مَادَامَ زَاهِرًا يَرُوقُ الْعُيُونَ وَيَسِيرُ النُّفُوسَ، وَهُوَ مَعَ ذَلِكَ مُمْتَنِعٌ بِالشُّوكِ الْمُقْرَحِ يَدَ مُتَنَاوِلِهِ، فَإِذَا مَضَتْ سَاعَاتٌ قَلِيلَةٌ، انْتَشَرَ الزَّهْرُ وَبَقِيَ الشُّوكُ، كَذَلِكَ الدُّنْيَا الْخَائِنَةُ الْفَائِيَةُ، فَإِنَّ حَيَاتَهَا مُتَعَقِّبٌ بِالْمَوْتِ، وَشَبَابُهَا صَائِرٌ إِلَى الْهَرَمِ، وَصِحَّتُهَا مُحْفُوفَةٌ بِالْمَرَضِ، وَغِنَاهَا مَتَّبِعَةٌ بِالْفَقْرِ، وَمُلْكُهَا مَعْرُضٌ لِلزَّوَالِ، وَعِزُّهَا مَقْرُونٌ بِالذُّلِّ، وَلَذَاتِهَا مُكَدَّرَةٌ بِالشُّوَابِ (٢)، وَشَهَوَاتِهَا مُمْتَرِجَةٌ بِمَضَضِ النَّوَابِ، شَرُّهَا مُحَضٌّ، وَخَيْرُهَا مُمْتَرِجٌ، مَنْ حُبِيَ (٣) مِنْهَا بِشَيْءٍ مِنْ شَهَوَاتِهَا لَمْ يَخْلُ مِنْ غُصَصِ مَرَارَاتِهَا، وَخَوْفِ عُقُوبَاتِهَا، وَخَشِيَةِ تَبَعَاتِهَا، وَمَا يَعْرِضُ فِي الْحَالِ مِنْ آفَاتِهَا.

هَذِهِ حَالٌ فَازَ مَنْ سَعِدَ بِهَا، فَمَا تَقُولُ فِيمَنْ لَمْ يَحْظَ بِطَائِلٍ مِنْهَا! الصَّحِيحُ فِيهَا يَخَافُ الشُّقْمَ، وَالغَنِيُّ يَخْشَى الْفَقْرَ، وَالشَّابُّ يَتَوَقَّعُ الْهَرَمَ، وَالْحَيُّ يَنْتَظِرُ الْمَوْتَ، مَنْ اعْتَمَدَ عَلَيْهَا وَاسْتَنَامَ إِلَيْهَا كَانَ مِثْلَ الْمُسْتَنْدِ إِلَى جَبَلٍ شَاهِقٍ مِنَ الثَّلْجِ؛ يَعْظُمُ فِي الْعُيُونَ عَرْضُهُ وَطَوْلُهُ وَسَيِّمُكُهُ، فَإِذَا أَشْرَقَتْ شَمْسُ الصَّيْفِ عَلَيْهِ ذَابَ غَفْلَةً وَسَالَ، وَبَقِيَ الْمُسْتَنْدُ إِلَيْهِ وَالْمُسْتَدْرِي (٤) لَهُ بِالْعَرَاءِ، فَكَذَلِكَ مَصِيرُ هَذِهِ الدُّنْيَا إِلَى زَوَالٍ وَاضْمِحْلَالٍ، وَانْتِقَالٍ إِلَى دَارٍ غَيْرِهَا، لَا يُقْبَلُ فِيهَا إِلَّا الْإِيمَانُ، وَلَا يَنْفَعُ فِيهَا إِلَّا الْعَمَلُ الصَّالِحُ، وَلَا يُتَخَلَّصُ فِيهَا إِلَّا بِرَحْمَةِ اللَّهِ، مَنْ

هَلَكَ فِيهَا هَوَى، وَمَنْ فَازَ فِيهَا عَلَا، وَهِيَ مُخْتَلِفَةٌ دَائِمَةٌ. (٥).

١- النُّورُ: زَهْرُ النَّبْتِ (المصباح المنير: ص ٦٢٩ «نور»).

٢- الشُّوَابِ: الْأَقْدَارُ وَالْأَدْنَسُ (الصحاح: ج ١ ص ١٥٩ «شوب»).

٣- حَبَاهُ يَحْبُوهُ: أَيُ أَعْطَاهُ (الصحاح: ج ٦ ص ٢٣٠٨ «حبا»).

٤- اسْتَدْرِيْتُ بِفُلَانٍ: أَيُ التَّجَأْتُ إِلَيْهِ وَصَرْتُ فِي كَنْفِهِ (الصحاح: ج ٦ ص ٢٣٤٥ «ذرا»).

٥- بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٤٦٨.

۶۱۶. المعجم الكبير عن فاطمه بنت الحسين عن أبيها الحسين بن الأناور در یاد کرد صُحُف ادریس علیه السلام: صحیفه بیست و دوم ، «صحیفه دنیا» است: اندیشه کنید درباره این دنیایی که با زیورهایش مفتون می سازد، و با شیرین کاری هایش می فریبد، و لذت هایش به غنچه گلی می ماند که خار بسیار ، آن را در میان گرفته است. چنین گلی ، تا زمانی که شاداب است ، چشم نواز و جان افزاست، و با این حال، در میان خارهایی است که دست چپنده اش را زخم می کنند. و چون اندک ساعاتی بگذرد، گل ، پرپر می شود و خار می ماند.

دنیای خیانت پیشه ناپایدار نیز چنین است . زندگی اش مرگ در پی دارد، جوانی اش به پیری می انجامد، سلامتیش با بیماری ، در میان گرفته شده است، دارایی اش ناداری در پی دارد، مُلکش در معرض زوال است، عزتش با ذلت همراه است، خوشی هایش با ناخالصی ها آمیخته است، خواهش هایش آمیخته با رنج بلاهاست، بدی هایش خالص است، و خوبی هایش آمیخته . هر که چیزی از خواهش های دنیوی به وی داده شود ، از اندوه تلخی های آن و ترس از کیفیهای آن و بیم پیامدهایش، و آفاتی که در حال دامنگیرش می شود، برکنار نیست.

این ، حال کسی است که از آن برخوردار شده است. حال ، درباره کسی که بهره ای از آن نبرده است ، چه می گویی؟ تن درست ، در دنیا از بیماری می ترسد، دارا از نادار شدن می هراسد، جوان ، نگران پیری است، و زنده ، چشم به راه مرگ است. هر که به دنیا تکیه کند و بدان دل خوش نماید ، چونان کسی است که به کوه بلندی از یخ و برف ، تکیه کرده است. پهنا و درازا و ستبری چنین کوهی ، به چشم ، بزرگ می آید ؛ اما چون آفتاب تموز بر آن بتابد ، به ناگاه آب می شود و روان می گردد، و آن که بدان تکیه کرده و در پناهش در آمده است ، بی پشت و پناه می ماند. حال این دنیا نیز چنین است: حرکت به سوی زوال و فروپاشی، و منتقل شدن به سرایی دیگر که در آن جا ،

تنها ایمان پذیرفته می شود، و فقط کار نیک سود می بخشد، و تنها با رحمت خدا نجات می توان یافت. هر که در این سرایی بازنده شود ، [به دوزخ] سقوط می کند، و هر که برنده شود ، [به درجات عالی بهشت] بالا می رود. .

ه الدنيا عدوة أولياء الله وأعدائه ٦١٨. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام (لِرَجُلٍ اغْتَابَ عِنْدَهُ رَجُلًا) الإمام على عليه السلام: احذروا الدنيا؛ فإنها عدوة أولياء الله وعدوة أعدائه، أما أولياؤه فعمتهم، وأما أعداؤه فغرتهم. (١) و احذروا الدنيا الحذر كله ٦٢٠. المناقب والمثالب عن الحسين بن علي عليه السلام: الإمام على عليه السلام: احذروا الدنيا الحذر كله، وضعوا عنكم ثقل همومها لما تيقنتم لوشك زوالها، وكونوا أسر ما تكونون فيها أحذر ما تكونون لها، فإن طالبتها كلما اطمأن منها إلى سرور أشخصه عنها مكروه، وكلما اغتبط منها بإقبال نغصه (٢) عنها إديار، وكلما ثبتت عليه منها رجلاً (٣) طوت عنه كشحا (٤)، فالسائر فيها غار، والنافع فيها ضار، وصل رخاؤها بالبلاء، وجعل بقاؤها إلى الفناء، فرحها مشوب بالحزن، وآخر همومها إلى الوهن. (٥) ٦٢١. دلائل الإمامة بإسناده عن الحسين عليه السلام عن أئمة عليه السلام: احذروها حذر الشفيق الناصح، والمجد الكادح. (٦) ٦٢٢. نثر الدر: عنه عليه السلام في ذكر حديث معراج النبي صلى الله عليه وآله: قال الله تعالى: ... يا أحمد، احذر أن تكون مثل الصبي إذا نظر إلى الأخضر والأصفر [أحبه] (٧)، وإذا أعطى شيئاً من الحلو والحامض اغتر به. (٨).

- ١- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١١٥.
- ٢- نغصه: كدره (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٣٢١ «نغص»).
- ٣- كذا في المصدر والصحيح «كلما ثبتت عليها منه رجل».
- ٤- طوى فلان عنى كسحه: إذا قطعك وعاداكَ (الصحاح: ج ١ ص ٣٩٩ «كسح»).
- ٥- بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٩ ح ١٠٩ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ.
- ٦- نهج البلاغه: الخطبه ١٦١.
- ٧- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.
- ٨- إرشاد القلوب: ص ١٩٩، ٢٠٠، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٢ ح ٦.

ه دنیا، دشمن دوستان و دشمنان خداست

و از دنیا کاملاً بر حذر باشید

ه دنیا، دشمن دوستان و دشمنان خداست ۶۲۴. نثر الدرّ عن الإمام الحسين عليه السلام: امام علی علیه السلام: از دنیا بر حذر باشید؛ چرا که هم دشمن دوستان خداست و هم دشمن دشمنان او. دشمن دوستان اوست؛ چون غمگینشان می سازد، و دشمن دشمنان اوست؛ چون فریشان می دهد. و از دنیا کاملاً بر حذر باشید ۶۲۶. معانی الأخبار عن شریح بن هانی عن الحسين عليه ال (لَمَّا سَأَلَهُ أَبُوهُ عَنِ الْفَقْرِ) امام علی علیه السلام: از دنیا کاملاً بر حذر باشید و بار اندوه های آن را از دوش خویش بردارید؛ چون یقین دارید که به زودی از شما جدا می شود، و آن گاه که بیش از هر زمان دیگر در دنیا شادید، بیش از همیشه از آن بر حذر باشید؛ چرا که طالب دنیا هر گاه به شادی ای از آن دل گرم شود، پیشامدی ناگوار، او را از آن شادی خارج می سازند، و هر گاه با اقبالی از دنیا شادمان شود، ادباری از آن، شادی او را به کامش تلخ می گرداند، و هر گاه دنیا گامی برای او بردارد، گامی به او پشت می کند. پس، شادکننده دنیا فریبنده است، و سودمند آن، زیانمند. آسایشش به گرفتاری پیوسته است، بودنش به نابودی واگذار شده است، شادی اش با اندوه، آمیخته است، و غم هایش به ناتوانی می انجامد. ۶۲۷. الخصال باسناده عن الحسين بن علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: از دنیا حذر کنید، همچون حذر کردن دلسوز خیرخواه، و کوشای رنجبر. ۶۲۸. الکافی عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر عليه السلام در یادکرد معراج پیامبر صلی الله علیه و آله: خدای متعال فرمود: «... ای احمد! پرهیز از این که چون کودک باشی که هر گاه چشمش به سبز و زردی (چیزی رنگارنگ) می افتد، آن را می خواهد، و هر گاه شیرینی و ترشی به او داده

می شود، فریب می خورد». (۱)

زَاتَّقُوا غُرُورَ الدُّنْيَا ٦٣٠. الفردوس عن الحسين بن علي عليه السلام عن رسول اللإمام علي عليه السلام: اتَّقُوا غُرُورَ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا تَسْتَرْجِعُ أَبَدًا مَا خَدَعَتْ بِهِ مِنَ الْمَحَاسِنِ، وَتُرْعِجُ (١) الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا وَالْقَاطِنَ (٢). (٣) ٦٣١. المناقب عن إسماعيل بن رجاء وعمرو بن شعيب: عنه عليه السلام: فَلَا تَعْرَنْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا، فَإِنَّمَا أَنْتُمْ فِيهَا سَيفِرُ حُلُولٌ، الْمَوْتُ بِكُمْ نُزُولٌ، تَنْتَضِلُ (٤) فِيكُمْ مَنِيَاةٌ، وَتَمْضَى بِأَخْبَارِكُمْ مَطَايَاةٌ، إِلَى دَارِ الثُّوَابِ وَالْعِقَابِ وَالْجَزَاءِ وَالْحِسَابِ. (٥) ٦٣٢. شرح الأخبار عن رجاء: عنه عليه السلام: لَا يَعْزَنْتُمْ كَثْرَةَ مَا يُعْجِبُكُمْ فِيهَا، لِقَلِّهِ مَا يَصْحَبُكُمْ مِنْهَا. (٦) ٦٣٣. نثر الدر عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه عليه السلام: لَا يَعْزَنْتُمْ مَا أَصْبَحَ فِيهِ أَهْلُ الْغُرُورِ، فَإِنَّمَا هُوَ ظِلٌّ مَمْدُودٌ إِلَى أَجَلٍ مَعْدُودٍ. (٧) ٦٣٤. المعجم الكبير عن يحيى بن سعيد عن علي بن الحسين عنه عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ، لَا تَعْرَنْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ، وَبِالْفَنَاءِ مَعْرُوفَةٌ، وَبِالْغَدْرِ مَوْصُوفَةٌ، وَكُلُّ مَا فِيهَا إِلَى زَوَالٍ، وَهِيَ بَيْنَ أَهْلِهَا دَوْلٌ وَسِجَالٌ (٨)، لَنْ يَسْلَمَ مِنْ شَرِّهَا نَزَالُهَا؛ بَيْنَا أَهْلِهَا فِي رَجَاءٍ وَسُرُورٍ إِذْ هُمْ مِنْهَا فِي بَلَاءٍ وَغُرُورٍ.

الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ، وَالرِّخَاءُ فِيهَا لَا يَدُومُ، وَإِنَّمَا أَهْلِهَا فِيهَا أَغْرَاضٌ مُسْتَهْدَفَةٌ، تَرْمِيهِمْ بِسِهَامِهَا، وَتَقْضِيهِمْ بِحِمَامِهَا (٩). (١٠).

- ١- يقال: أزعجت فلانا عن موضعه؛ إذا أزلته عنه (أنظر المصباح المنير: ص ٢٥٣ «زعج»).
- ٢- قَطْنٌ بِالْمَكَانِ: أَقَامَ بِهِ فَهُوَ قَاطِنٌ (المصباح المنير: ص ٥٠٩ «قطن»).
- ٣- غرر الحكم: ح ٢٥٦٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٨ ح ٢٠٩٩.
- ٤- يقال: انتضل القوم وتناضلوا: أي رموا للسبق (النهاية: ج ٥ ص ٧٢ «نضل»).
- ٥- الكافي: ج ٨ ص ١٧٢ ح ١٩٣ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٤٩ وفيه «ينتصل» و «بأخباركم» بدل «تنتضل» و «بأخباركم»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٤٨ ح ٣٠؛ مطالب السؤل: ص ٥١ نحوه.
- ٦- نهج البلاغه: الخطبه ١٠٣، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٨ ح ١٠٩ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ؛ مطالب السؤل: ص ٥١.
- ٧- نهج البلاغه: الخطبه ٨٩.
- ٨- سِجَالٌ: أَي مَرَّةٌ لَنَا وَمَرَّةٌ عَلَيْنَا (النهاية: ج ٢ ص ٣٤٤ «سجل»).
- ٩- الْجِمَامُ: قَدْرُ الْمَوْتِ (الصحيح: ج ٥ ص ١٩٠٦ «حمم»).
- ١٠- تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٥٠٠ عن عبد الله بن صالح العجلي عن أبيه، تذكره الخواص: ص ١٢٣، المناقب للخوارزمي: ص ٣٧٠ ح ٣٨٩ كلاهما عن عبد الله بن صالح العجلي عن رجل من بني شيبان، دستور معالم الحكم: ص ٣٦ نحوه، كثر العمال: ج ١٦ ص ٢٠١ ح ٤٤٢٢٢٤؛ نهج البلاغه: الخطبه ٢٢٦ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٧ ح ١٠٩.

ز از فریب دنیا بترسید

ز از فریب دنیا بترسید ۶۳۶. تنبیه الخواطر عن الإمام الحسين عليه السلام: امام علی علیه السلام: از فریب دنیا بترسید زیرا دنیا همیشه آنچه را که فریبکارانه داده است، پس می گیرد، و کسی را که آسوده خاطر در آن اقامت گزیده است، می راند. ۶۳۷. منیه المرید عن الإمام الحسين عليه السلام (لِرَجُلٍ قَالَ لَهُ : اَجْلِسْ حَتَّى تَتَنَاظَرَ فِي) امام علی علیه السلام: زنهار که زندگی دنیا، شما را نفریید! شما در دنیا مسافرانی هستید که اُتراق کرده اید. مرگ نیز در میان شما منزل گزیده است؛ شما را آماج تیرهای خود کرده است، و مرکب های آن، خبرهای شما را به سرای ثواب و عقاب و سزا و حساب می برند. ۶۳۸. کنز الفوائد عن الإمام الحسين عليه السلام (مِمَّا قَالَهُ يَوْمًا لِابْنِ عَبَّاسٍ) امام علی علیه السلام: زنهار که جاذبه های فراوان دنیا شما را نفریند؛ چرا که از دنیا، اندکی (کفنی) با خود می برید! ۶۳۹. كشف الغمّه عن الإمام الحسين عليه السلام: امام علی علیه السلام: زنهار که بر خورداری فریب خوردگان [دنیا] شما را نفریید؛ زیرا آن همه، در حقیقت، سایه ای است که تا مدّتی محدود ادامه می یابد! ۶۴۰. الکافی عن محمّد بن علی بن جعفر عن الرضا عليه السلام: ای بندگان خدا! زنهار که زندگی دنیا شما را نفریید. دنیا، سرایی است که بلا از هر سو آن را در میان گرفته است، و به نابودی معروف است، و بی وفایی، صفت آن است. هر آنچه در دنیاست، رو به زوال است، و آن، میان اهلش به نوبت می چرخد و هر روز به کام یکی است. ساکنانش هرگز از گزند او در امان نیستند؛ گاه در امید و شادمانی به سر می برند و گاه در رنج و ناکامی.

زندگی آن، نکوهیده [و نامطلوب] است، و آسایشش دوام ندارد. مردم دنیا، در آن هدف های نشانه رفته ای هستند که دنیا تیرهایش را به سوی آنان می افکند، و با مرگ خردشان می کند.

٦٤١. الأُمالي بإسناده عن الحسين بن عليّ عن أمير المؤمنين عليه السلام: غُرُورُ الدُّنْيَا يَصْرَعُ . (١) ٦٤٢. الأُمالي بإسناده عن الحسين بن عليّ عن عليّ عليهما عن عليّ عليه السلام: مَنْ اغْتَرَّ بِالدُّنْيَا اغْتَرَّ بِالمُنَى . (٢) ح اتَّقُوا الرِّغْبَةَ فِي الدُّنْيَا ٦٤٤. كشف الرّيبه عن عبد الله بن سليمان النوفلي عن جعفر الإمام عليّ عليه السلام: يَا أُسْرَى الرِّغْبَةَ أَقْصِرُوا ؛ فَإِنَّ المُعْرَجَ عَلَيَّ الدُّنْيَا لَا يَرَوْعُهُ مِنْهَا إِلَّا صَرِيْفُ (٣) أُنْيَابِ الحَدَثَانِ (٤) . (٥) ٦٤٥. مستدرک الوسائل: عنه عليه السلام: إِيَّاكَ أَنْ يَنْزِلَ بِكَ المَوْتُ وَأَنْتَ آبِقُ (٦) مِنْ رَبِّكَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا . (٧) ٦٤٦. تنبيه الخواطر: عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِنْ رَغِبْتُمْ فِي الدُّنْيَا أَفْنَيْتُمْ أَعْمَارَكُمْ فِيمَا لَا- تَبْقَوْنَ لَهُ وَلَا يَبْقَى لَكُمْ . (٨) .

- ١- غرر الحكم : ح ٦٣٨٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٤٧ ح ٥٨٧٢ .
- ٢- غرر الحكم : ح ٨٣٥١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٥ ح ٨٢٠٦ .
- ٣- الصريف : صرير الباب ، و صرير ناب البعير (تاج العروس : ج ١٢ ص ٣٢٠ «صرف») .
- ٤- الحَدَثَانِ مِنَ الدَّهْرِ : نُوبُهُ وَمَا يَحْدُثُ مِنْهُ كحَوَادِثِهِ ، وَاحِدُهَا حَادِثٌ (تاج العروس : ج ٣ ص ١٩٠ «حدث») .
- ٥- نهج البلاغه : الحكمه ٣٥٩ ، غرر الحكم : ح ١٠٩٩٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٧٣ ح ٢٧ .
- ٦- آبق العبدُ : هَرَبَ (النهايه : ج ١ ص ١٥ «آبق») .
- ٧- نهج البلاغه : الكتاب ٦٩ ، غرر الحكم : ح ٢٣٩٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٩٨ ح ٢٢٦٢ ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٥٠٩ ح ٧٠٧ .
- ٨- غرر الحكم : ح ٣٨٤٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٧٥ ح ٣٦٣٤ .

ح از دل بستگی به دنیا پرهیزید

۶۴۷. معانی الأخبار عن الحسين بن عليّ بن أبي طالب عليهما السلام: فريب دنیا [آدمی را] به خاک می افکند. ۶۴۸. الخصال عن فاطمه بنت الحسين عن أبيها عليه السلام: امام علی علیه السلام: هر که فريب دنیا را بخورد، فريب آرزوها را خورده است. ح از دل بستگی به دنیا پرهیزید ۶۵۰. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام: امام علی علیه السلام: ای اسیران خواهش ها! کوتاه بیایید؛ زیرا دنیا گرایان را تنها غرّ غرّ نیش های [هیولای] مصائب روزگار، از دنیا می ترساند. ۶۵۱. عيون أخبار الرضا یاسناده عن الحسين بن عليّ عن عليامام علی علیه السلام: مبادا مرگ، در حالی به سراغت بیاید که تو از پروردگار خویش گریخته ای و در طلب دنیایی! ۶۵۲. الأملی یاسناده عن الحسين بن عليّ علیه السلام: امام علی علیه السلام: شما اگر دنیاخواهی پیشه کنید، عمر خویش را در راه چیزی صرف کرده اید که نه شما برای آن می مانید و نه آن برای شما می ماند.

٦٥٣. مكارم الأخلاق عن الحسين بن علي عليه السلام: عنه عليه السلام: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تَوْجِبُ الْمَقْتَّ (١). (٢) راجع: ج ٢ ص ١٦٢ (الفصل الخامس: إرشادات لتحصيل الزهد).

٣ / ١٢ التَّحْذِيرُ مِنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا لَدَاتُهَا آلامٌ ٦٥٨. طَبَّ الأئمة بإسناده عن الحسين بن علي بن أبي طالب الإمام علي عليه السلام: صِحَّةُ الدُّنْيَا أَسْقَامٌ، وَلَذَاتُهَا آلامٌ. (٣) ب لَدَاتُهَا تَنْغِيصٌ ٦٦٠. المعجم الكبير عن بشر بن عبد الله الخثعمي عن محمَّالِإمام علي عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا مَعْكَوسَةٌ مَنكَوسَةٌ، لَدَاتُهَا تَنْغِيصٌ وَمَوَاهِبُهَا تَغْصِيصٌ (٤)، وَعَيْشُهَا عَنَاءٌ وَبَقَاؤُهَا فَنَاءٌ، تَجَمِّحُ بِطَالِبِهَا وَتُرْدِي رَاكِبِهَا، وَتَخُونُ الْوَائِقَ بِهَا وَتُرْعِجُ الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا، وَإِنَّ جَمْعَهَا إِلَى انصِ دَاعٍ وَوَصَلَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ. (٥) ج عَذْبُهَا أَجَاجٌ ٦٦٢. عيون أخبار الرضا بإسناده عن الحسين بن علي عليه السلام في وَصْفِ الدُّنْيَا: سَيَلْطَانُهَا دَوْلٌ (٦)، وَعَيْشُهَا رَنْقٌ (٧)، وَعَذْبُهَا أَجَاجٌ (٨)، وَحُلُوهَا صَبْرٌ (٩)، وَغِدَاؤُهَا سِمَامٌ، وَأَسْبَابُهَا رِمَامٌ، حَيْثُهَا بَعْزٌ مَوْتٌ،

وَصَحِيحُهَا بَعْزٌ سَقَمٌ، مُلْكُهَا مَسْلُوبٌ، وَعَزِيزُهَا مَغْلُوبٌ، وَمَوْفُورُهَا مَنَكُوبٌ، وَجَارُهَا مَحْرُوبٌ (١٠). (١١).

- ١- المَقْتُّ: أَشَدُّ البُغْضِ (النهاية: ج ٤ ص ٣٤٦ «مقت»).
- ٢- غرر الحكم: ح ١٢٠١، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٩ ح ٨٣.
- ٣- غرر الحكم: ح ٥٨١١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٠٣ ح ٥٤٠٠.
- ٤- الغُصَّةُ: مَا غَصَّ بِهِ الْإِنْسَانُ مِنْ طَعَامٍ أَوْ غِيظٍ (المصباح المنير: ص ٤٤٨ «غصص»).
- ٥- غرر الحكم: ح ٣٦٦١، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٥ ح ٣٢٢٥.
- ٦- تَدَاوَلَ الْقَوْمُ الشَّيْءَ تَدَاوُلًا: هُوَ حَصُولُهُ فِي يَدِ هَذَا تَارَةً وَفِي يَدِ هَذَا أُخْرَى، وَالاسْمُ: الدُّوْلَةُ، وَالْجَمْعُ دَوْلٌ (المصباح المنير: ص ٢٠٣ «دول»).
- ٧- عَيْشٌ رَنْقٌ: أَي كَدِرٌ (الصحاح: ج ٤ ص ١٤٨٥ «رنق»).
- ٨- الأَجَاجُ: الْمَاءُ الشَّدِيدُ الْمَلُوحُ (النهاية: ج ١ ص ٢٥ «أجاج»).
- ٩- الصَّبْرُ بِكسر الباء: الدَّوَاءُ الْمَرُّ (الصحاح: ج ٢ ص ٧٠٧ «صبر»).
- ١٠- المَحْرُوبُ: الْمَسْلُوبُ الْمَنْهُوبُ (النهاية: ج ١ ص ٣٥٨ «حرب»).
- ١١- نهج البلاغه: الخطبه ١١١، تحف العقول: ص ١٨١ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٤ ح ١٠٩ نقلًا عن عيون الحكم والمواعظ.

۳ / ۲ بر حذر داشتن از لذت های دنیا

الف لذت های دنیا رنج اند

ب لذت های دنیا تیرگی آورند

ج گوارای دنیا ، شور است

۶۶۳. المعجم الصغير بإسناده عن الحسين بن عليّ عن عليّ بامام علي عليه السلام: دنیاخواهی ، موجب دشمنی می شود. ر. ک : ج ۲ ص ۱۶۳ (فصل پنجم: رهنمودهایی برای رسیدن به زهد).

۳ / ۲ بر حذر داشتن از لذت های دنیا الف لذت های دنیا رنج اند ۶۶۸. دعائم الإسلام عن الإمام الحسين عليه السلام: امام علی علیه السلام: تن درستی دنیا ، بیماری است و لذت هایش ، دردند. ب لذت های دنیا تیرگی آورند ۶۷۰. كنز العمال عن فاطمه بنت الحسين عن أبيها عن جدّها امام علي عليه السلام: همانا دنیا وارونه و باژگونه است: خوشی هایش تیرگی می آورند و بخشش هایش اندوه می آورند (/ گلوگیرند) ، و زندگی اش رنج است و بقایش فنا. جوینده خود را بی اختیار می برد، و سوار خویش را به خاک هلاکت می افکند. به کسی که به او اعتماد کند ، خیانت می ورزد و کسی را که بدان آرام گیرد ، بی قرار (پریشان خاطر) می سازد. اتحاد آن ، به پراکنندگی می انجامد و پیوندش ، به جدایی. ج گوارای دنیا ، شور است ۶۷۲. الفردوس عن الحسين بن عليّ عليه السلام عن رسول اللامام علي عليه السلام در توصیف دنیا: قدرتش نوبتی است، عیشش تیره است، گوارایش شور است، شیرینش تلخ است، غذایش زهر است، ریسمان هایش پوسیده است، زنده اش دست خوش مرگ است، سالمش در معرض بیماری

است ، دارایی اش از کف رفتنی است، قدرتمندش شکست خوردنی است ، ثروتمندش اسیر [رنج و گرفتاری] است، و پناهنده به آن ، تاراج شونده است.

د عَزَّهَا ذُلُّ ٦٧٤. الأُمالي بإسناده عن الإمام الشهيد الحسين بن عليّ عالِمِنا عليّ عليه السلام في ذَمِّ الدُّنيا: عَزَّهَا ذُلٌّ ، وَجِدَّهَا هَزَلٌ ، وَعُلوُّهَا سُفْلٌ . (١) ٦٧٥. النوادر بإسناده عن الحسين عليه السلام :عنه عليه السلام : كَثَرَةُ الدُّنيا قَلَّةٌ ، وَعَزَّهَا ذَلَّةٌ ، وَزَخَارِفُهَا مُضِلَّةٌ ، وَمَوَاهِبُهَا فِتْنَةٌ . (٢) ٦٧٦. الخصال بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام :عنه عليه السلام : سُلْطَانُ الدُّنيا ذُلٌّ ، وَعُلوُّهَا سُفْلٌ . (٣) ٦٧٧. لَدَّتْهَا غُصَّةُ الآخِرَةِ ٦٧٨. الكافي عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر عليه السلاالإمام عليّ عليه السلام :مَا التَّدَّ أَحَدٌ مِنَ الدُّنيا لَدَّةً إِلَّا- كَانَتْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُصَّةٌ . (٤) ٦٧٩. الكافي عن أبي حمزة عن أبي جَعْفَرٍ عليه السلام :عنه عليه السلام : لِلْمُسْتَحْلِ لَدَّةَ الدُّنيا غُصَّةٌ . (٥) ٦٨٠. حليه الأولياء بإسناده عن الحسين بن عليّ عن عليّ عرسول الله صلى الله عليه وآله :إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ فِي الدُّنيا شَبَعًا أَكْثَرُهُمْ جوعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٦) .

- ١- نهج البلاغه : الخطبه ١٩١ ، غرر الحكم : ح ٣٤٤٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٤٥ ح ٣٢٣٢ و ص ١٥٠ ح ٣٢٩٤ .
- ٢- غرر الحكم : ح ٧١٢٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٩٠ ح ٦٦١٠ .
- ٣- غرر الحكم : ح ٥٥٧٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٨٣ ح ٥٠٩٥ .
- ٤- غرر الحكم : ح ٩٦١٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٨٠ ح ٨٨١٦ .
- ٥- غرر الحكم : ح ٧٣٣٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٠٤ ح ٦٨٢٣ ، مستدرک الوسائل : ج ١١ ص ٣٤٦ ح ١٣٢١٧ .
- ٦- عيون أخبار الرضا : ج ٢ ص ٣٩ ح ١١٣ عن داوود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، الأُمالي للطوسي : ص ٣٤٦ ح ٧١٥ عن سلمان ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص ٢٣٢ ح ١٣٠ عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام عن أبي جحيفه عنه صلى الله عليه وآله ، عدّه الداعي : ص ٧٤ وليس فيه «في الدنيا» ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٩٩ ح ٨٤ ؛ سنن الترمذى : ج ٤ ص ٦٤٩ ح ٢٤٧٨ عن ابن عمر ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١١١٢ ح ٣٣٥١ عن سلمان وفيهما «أطولهم» بدل «أكثرهم» ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ١٣٥ ح ٧١٤٠ عن أبي جحيفه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٠٠ ح ٦١٦٣ .

د عزّت دنیا ، خواری است**ه خوشی دنیا ، اندوه آخرت است**

د عزّت دنیا ، خواری است ۶۸۲. الکافی عن الفضل بن أبی قره عن أبی عبد الله علیهما سلام علی علیه السلام در نکوهش دنیا: عزّتش خواری، و جدّی اش شوخی ، و بلندی اش پستی است. ۶۸۳. محاضرات الأدباء: امام علی علیه السلام: زیادِ دنیا اندک است، و عزّتش خواری، و زیورهایش گم راه کننده، و دِهش هایش مایه گرفتاری. ۶۸۴. مقتل الحسین: امام علی علیه السلام: قدرت دنیا ، خواری است و بلندی اش ، پستی. ه خوشی دنیا ، اندوه آخرت است ۶۸۶. مستدرک الوسائل: امام علی علیه السلام: هیچ کس از دنیا لذّتی نمی چشد ، مگر آن که در روز قیامت ، مایه اندوه او می گردد (/ گلوگیر او می شود). ۶۸۷. کتاب من لا یحضره الفقیه یاسناده عن الحسین بن علی (لَمَّا قِيلَ لَهُ : كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ) امام علی علیه السلام: آن که لذّت دنیا را شیرین یابد ، به اندوه گرفتار می آید. ۶۸۸. عیون أخبار الرضا یاسناده عن الحسین بن علی علیه ایامبر خدا صلی الله علیه و آله: سیرترین مردم در دنیا، گرسنه ترین آنها در روز قیامت است.

٦٨٩. الأُمالي بإسناده عن الحسين عن أبيه على بن أبي طالب عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا- يَا رَبُّ نَفْسٍ طَاعِمَةٍ نَاعِمَةٍ فِي الدُّنْيَا ، جَائِعَةٍ عَارِيَةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (١) ٦٩٠. بحار الأنوار: عيسى عليه السلام لِلْحَوَارِيِّينَ : بِقَدْرِ مَا تَنْصِبُونَ (٢) هَاهُنَا تَسْتَرِيحُونَ هَاهُنَا ، وَبِقَدْرِ مَا تَسْتَرِيحُونَ هَاهُنَا تَنْصِبُونَ هَاهُنَا . (٣) وَحَلَاوَتُهَا مَرَارَةُ الْآخِرَةِ ، وَمُرَّةُ الدُّنْيَا حُلُوَّةُ الْآخِرَةِ . ٦٩٢. كشف الغمّة عن أبي جعفر محمّد بن عليّ عن أبيه عن جرسول الله صلى الله عليه وآله : حُلُوَّةُ الدُّنْيَا مُرَّةُ الْآخِرَةِ ، وَحُلُوَّةُ الدُّنْيَا حُلُوَّةُ الْآخِرَةِ . (٤) ٦٩٣. تاريخ بغداد بإسناده عن الحسين عليه السلام : الإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَرَارَةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ ، وَحَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَارَةُ الْآخِرَةِ . (٥) ٦٩٤. الخصال بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام : عنه عليه السلام : حَلَاوَةُ الدُّنْيَا تَوْجِبُ مَرَارَةَ الْآخِرَةِ وَسَوْءُ الْعُقْبَى . (٦) ٦٩٥. طبّ الأئمّة بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام : عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا مَعْشَرَ الْحَوَارِيِّينَ ، كُلُوا خُبْزَ الشَّعِيرِ وَنَبَاتِ الْأَرْضِ وَالْمَاءَ الْقَرَّاحَ (٧) ، وَإِيَّاكُمْ وَخُبْزَ الْبُرِّ (٨) ؛ فَإِنَّكُمْ لَا تَقُومُونَ بِشُكْرِهِ ، وَاعْلَمُوا أَنَّ حَلَاوَةَ الدُّنْيَا مَرَارَةُ الْآخِرَةِ ، وَأَشَدُّ مَرَارَةَ الدُّنْيَا حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ . (٩) .

- ١- .شُعْبُ الْإِيمَانِ : ج ٢ ص ١٧٠ ح ١٤٦١ ، الطبقات الكبرى : ج ٧ ص ٤٢٣ كلاهما عن أبي البجير ، مسند الشهاب : ج ٢ ص ٣٠٨ ح ١٤٢٣ عن ابن البجير ، كنز العمّال : ج ١٥ ص ٨٨٣ ح ٤٣٥٠٢ ؛ عدّه الداعى : ص ١٠٩ ، إرشاد القلوب : ص ١٥٧ وفيهما «كاسيه» بدل «طاعمه» ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣٢١ ح ٣٨ .
- ٢- .نَصِبَ الرَّجُلُ : تعب (الصحيح : ج ١ ص ٢٢٥ «نصب»).
- ٣- .الدَّرُّ الْمُنْتَوِرُ : ج ٢ ص ٢٠٦ نقلًا عن ابن حنبل عن وهب .
- ٤- .مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٤٤٨ ح ٢٢٩٦٢ ، المستدرک علی الصحیحین : ج ٤ ص ٣٤٥ ح ٧٨٦١ ، شُعْبُ الْإِيمَانِ : ج ٧ ص ٢٨٨ ح ١٠٣٣٦ ، المعجم الكبير : ج ٣ ص ٢٩١ ح ٣٤٣٨ ، مسند الشاميين : ج ٢ ص ٨٦ ح ٩٦٣ كلّها عن أبي مالك الأشعري ، كنز العمّال : ج ٣ ص ١٩٢ ح ٦١١٥ .
- ٥- .نهج البلاغه : الحكمه ٢٥١ ، روضه الواعظين : ص ٤٨٣ ، غرر الحكم : ح ٩٧٩٣ وفيه صدره ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٣١ ح ١٣٥ .
- ٦- .غرر الحكم : ح ٤٨٨١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٣٢ ح ٤٤٣٦ .
- ٧- .الْقَرَّاحُ : الماء الذى لم يخالطه شيء يُطَيَّبُ به (النهايه : ج ٤ ص ٣٦ «قرح»).
- ٨- .الْبُرُّ : الحِنْطَه (لسان العرب : ج ٤ ص ٥٥ «بر»).
- ٩- .الدَّرُّ الْمُنْتَوِرُ : ج ٢ ص ٢٠٥ نقلًا عن أحمد عن عطاء الأزرق ، البدايه والنهايه : ج ٢ ص ٨٨ عن ابن عمر نحوه وليس فيه «أشد» .

و شیرینی دنیا ، تلخی آخرت است

۶۹۶.الأمالی یاسناده عن الحسین بن علی عن أمير المؤمنين خدای صلی الله علیه و آله :هان! ای بسا انسان سیر و نازپرورده در دنیا که روز قیامت ، گرسنه و برهنه است. ۶۹۷. الکافی عن عبد الله بن الولید الجعفی عن رجل عن أبعیسی علیه السلام به حواریان :به اندازه ای که در این جا خسته می شوید ، در آن جا (آخرت) می آسایید، و به اندازه ای که در این جا می آسایید ، در آن جا به خستگی می افتید. و شیرینی دنیا ، تلخی آخرت است ۶۹۹. المعجم الکبیر یاسناده عن علی بن حسین علیه السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شیرینی دنیا ، تلخی آخرت است و تلخی دنیا ، شیرینی آخرت. ۷۰۰. تهذیب الأحکام عن علی بن شعیب عن الإمام الصادق علامام علی علیه السلام :تلخی دنیا ، شیرینی آخرت است و شیرینی دنیا ، تلخی آخرت. ۷۰۱. الکافی عن أبي شهاب :امام علی علیه السلام :شیرینی دنیا ، موجب تلخی آخرت و بدی عاقبت می شود. ۷۰۲. الأمالی عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق علیه العیسی علیه السلام به حواریان :ای گروه حواریان! نان جوین و گیاه زمین و آب بی مزه (۱) بخورید و از خوردن نان گندم پرهیز کنید؛ چرا که شما از عهده شکرش برنمی آید. و بدانید که شیرینی دنیا ، تلخی آخرت است، و بدترین

تلخی دنیا ، شیرینی آخرت است.

۱- .آبی که خالص است و طعم دهنده ای به آن افزوده نشده است.

ز ثَرَوْتُهَا فَقَرَّ الْآخِرَهُ ٧٠٤. الفردوس عن الحسين بن عليّ عليه السلام عن رسول اللّٰلإمام عليّ عليه السلام: ثَرَوَهُ الدُّنْيَا فَقَرَّ الْآخِرَهُ .
 (١) ٧٠٥. الإرشاد (في ذِكْرِ خُرُوجِ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْمَم) عنه عليه السلام: ما زاد في الدُّنْيَا نَقَصَ فِي الْآخِرِهِ . ما نَقَصَ مِنْ
 الدُّنْيَا زادَ فِي الْآخِرِهِ . (٢) ٧٠٦. نزّهه الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه عليه السلام: أُغْنَى النَّاسِ فِي الْآخِرِهِ أَفْقَرُهُمْ فِي
 الدُّنْيَا . أَوْفَرُ النَّاسِ حَظًّا مِنَ الْآخِرِهِ أَقْلُهُمْ حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا . (٣) ٧٠٧. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام: الإمام الصادق
 عليه السلام: إنا لَنُحِبُّ الدُّنْيَا وَالْأَنْعَاطَ خَيْرًا لَنَا ، وما أُعْطِيَ أَحَدٌ مِنْهَا شَيْئًا إِلَّا نَقَصَ مِنْ حَظِّهِ فِي الْآخِرِهِ . (٤) ٧٠٨. كتاب من لا
 يحضره الفقيه بإسناده عن عليّ بن الحسين رسول الله صلى الله عليه وآله: ما أُعْطِيَ اللَّهُ عَبْدًا مُؤْمِنًا حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَشُوبًا (٥)
 بِتَكْدِيرٍ ؛ لِئَلَّا يَكُونَ ذَلِكَ حَظًّا مِنْ ثَوَابِ اللَّهِ ، وَلِيُكَمِّلَ اللَّهُ لَهُ صَفْوَةَ عَيْشِ الْآخِرِهِ . (٦) ٧٠٩. الأمالى عن هرثمه بن أبي مسلم: عنه
 صلى الله عليه وآله: لا- يَشْغَلَنَّكَ طَلَبُ دُنْيَاكَ عَنْ طَلَبِ دِينِكَ ؛ فَإِنَّ طَالِبَ الدُّنْيَا رُبَّمَا أُدْرِكَ فَهَلَكَ بِمَا أُدْرِكَ ، وَرُبَّمَا فَاتَهُ
 فَهَلَكَ بِمَا فَاتَهُ .

الأكثرُونَ فِي الدُّنْيَا هُمُ الْأَقْلُونَ فِي الْآخِرِهِ إِلَّا مَنْ قَالَ : هَكَذَا ، وَهَكَذَا وَحَثَا بِيَدِهِ .

وما أُعْطِيَ أَحَدٌ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا إِلَّا كَانَ أَنْقَصَ مِنْ حَقِّهِ فِي الْآخِرِهِ ، حَتَّى سَيْلِمَانُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ آخِرُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ
 مِنَ الْأَنْبِيَاءِ ؛ لِمَا أُعْطِيَ مِنَ الدُّنْيَا ، وَرَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا . (٧) .

١- غرر الحكم : ح ٤٧٠٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢١٧ ح ٤٢٤٧ .

٢- غرر الحكم : ح ٩٦١٩ و ٩٦٢٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٨٠ ح ٨٨١٧ و ٨٨١٨ .

٣- غرر الحكم : ح ٣٢٢١ و ٣٢٢٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١١٥ ح ٢٥٥٤ وص ١٢٢ ح ٢٧٨٠ .

٤- الزهد للحسين بن سعيد : ص ٥١ ح ١٣٨ عن أبي يعقوب ، الأمالى للطوسى : ص ٦٦٢ ح ١٣٨١ ، مستطرفات السرائر: ص ٤٠

ح ٦ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٧٩ كلّها عن عبد الله بن أبي يعفور ، عدّه الداعى : ص ١٠٠ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٧

ح ١٣٠ .

٥- الشُّوبُ : الخَلْطُ (الصَّحاح : ج ١ ص ١٥٨ «شوب»).

٦- دعائم الإسلام : ج ١ ص ٤٧ .

٧- تاريخ يعقوبى : ج ٢ ص ٩٦ .

ز ثروت دنیا ، فقر آخرت است

ز ثروت دنیا ، فقر آخرت است ۷۱۱. ثواب الأعمال عن عمرو بن قیس المشرقی : امام علی علیه السلام : ثروت دنیا ، فقر آخرت است. ۷۱۲. الأمالی عن عبد الله بن منصور عن جعفر بن محمد عن امام علی علیه السلام : آنچه در دنیا می افزاید ، در آخرت می کاهد ، و آنچه در دنیا می کاهد ، در آخرت می افزاید. ۷۱۳. الإرشاد : امام علی علیه السلام : توانگرترین مردم در آخرت ، درویش ترین آنان در دنیا است ، و بهره مندترین مردم از آخرت ، کم بهره ترین آنان از دنیا است. ۷۱۴. الفتوح : امام صادق علیه السلام : ما البتة دنیا را دوست داریم ؛ اما این که به ما داده نمی شود ، برایمان بهتر است . به هیچ کس چیزی از دنیا داده نشد ، مگر آن که از بهره او در آخرت کم شد. ۷۱۵. الخصال یاسناده عن الحسین عن أبيه علی بن أبی طالب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند به هیچ بنده مؤمنی بهره ای از دنیا نداد ، مگر آمیخته با تیرگی ، تا آن ، سهم او از پاداش خداوند [در آخرت نباشد ، و تا خداوند ، زلالی زندگی آخرت را برایش کامل گرداند. ۷۱۶. أسد الغابه یاسناده عن الحسین عن أبيه علی بن أبی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «زنهار ، که طلب دنیایت ، تو را از طلب دینت باز مدارد ؛ چرا که طالب دنیا ، گاه [به مطلوبش] می رسد و با همانچه بدان رسیده است ، نابود می شود ، و گاه نمی رسد و همانچه بدان نرسیده است ، مایه هلاکت او می گردد!

آنان که در دنیا داراترند ، در آخرت ناداترند ، مگر کسی که چنین و چنان کند»

و با دستش پراکند . (۱)

«به هیچ کس چیزی از دنیا داده نشد ، مگر آن که از حق او در آخرت کاست ، حتی سلیمان بن داوود علیه السلام . او به خاطر دنیایی که به وی داده شد ، آخرین پیامبری است که وارد بهشت می شود . ریشه (سرآمد) هر خطایی ، دنیا دوستی است» .

ح رَفَعْتُهَا ضَعَهُ الْآخِرَهُ ٧١٨. نزهه الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: المعجم الكبير عن سلمان عن رسول الله صلى الله عليه و آله: ما من عبد يريد أن يرتفع في الدنيا درجةً فارتفع ، إلا وضعه الله في الآخرة أكبر منها . ثم قرأ «و للآخرة أكبر درجاتٍ و أكبر تفضيلاً» (١) . (٢) ٧١٩. محاضرات الأدباء عن الحسين عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه و آله: حَقُّ عَلَى اللَّهِ أَلَّا يَرْتَفَعَ شَيْءٌ مِّنَ الدُّنْيَا إِلَّا وَضَعَهُ . (٣) ٧٢٠. الأمالي بإسناده عن الحسين بن علي عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ إعطاءَ المالِ في غيرِ حَقِّهِ تَبذِيرٌ وإسرافٌ ، وَهُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَيَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ ، وَيُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَيُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ . (٤) راجع : ص ٣٩٠ (التحذير من حب الدنيا / لا يجتمع مع حب الآخرة) .

١- الإسراء : ٢١ .

٢- المعجم الكبير : ج ٦ ص ٢٣٩ ح ٦١٠١ ، تفسير ابن كثير : ج ٥ ص ٦٠ كلاهما عن سلمان ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٧ ح ٦١٤٤ .

٣- الفردوس : ج ٢ ص ١٣٢ ح ٢٦٧٥ عن أنس ، مجمع الزوائد : ج ١٠ ص ٤٤٧ ح ١٧٨٦٠ عن سعيد بن المسيب .

٤- نهج البلاغه : الخطبه ١٢٦ ، الأمالي للمفيد : ص ١٧٦ ح ٦ ، الأمالي للطوسي : ص ١٩٥ ح ٣٣١ كلاهما عن ربيعه وعماره ، تحف العقول : ص ١٨٥ ، الغارات : ج ١ ص ٧٦ كلها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٣٢ ص ٤٨ ح ٣٢ .

ح بلندی دنیا، پستی آخرت است

ح بلندی دنیا، پستی آخرت است ۷۲۳. نزهة الناظر عن الإمام الحسين عليه السلام: المعجم الكبير به نقل از سلمان پیامبر خدا فرمود: «هیچ بنده ای نیست که بخواهد در دنیا یک درجه بالا برود و بالا هم برود، مگر آن که خداوند او را در آخرت، یک درجه بزرگ تر از آن، پایش می آورد».

پیامبر سپس این آیه را خواند: «و قطعاً درجات آخرت بزرگ ترند و برتری آن، بیشتر است» ۷۲۴. تحف العقول (فی ذکرِ مَسَائِلَ سَأَلَ الإِمَامَ عَنْهَا مَلِكُ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر خداوند است که هیچ چیزی در دنیا بالا نرود، مگر این که آن را پایین آورد. ۷۲۵. المناقب: امام علی علیه السلام: آگاه باشید که بخشیدن نابه جای مال، ریختن و پاشیدن و اسراف است. این کار، صاحب مال را در دنیا بالا می برد؛ اما در آخرت، پستی می گرداند، و در میان مردم، ارجمندش می سازد؛ ولی نزد خدا بی مقدارش می کند. ر. ک: ص ۳۹۱ (بر حذر داشتن از دنیادوستی / دنیادوستی با آخرت دوستی جمع نمی شود).

٣ / ٣ التَّحْذِيرُ مِنْ مُصَاحَبَةِ الدُّنْيَا ٧٢٩. تاريخ دمشق عن بشر بن غالب: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا مَثَلُ صَاحِبِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ المَاشِي فِي المَاءِ ، هَلْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَمْشِيَ فِي المَاءِ إِلَّا وَتَبَتُّ قَدَمَاهُ؟! (١) ٧٣٠. كامل الزيارات عن أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السَّعْبُ الإِيمَانِ عَنْ أَنَسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هَلْ مِنْ أَحَدٍ مَشَى عَلَى المَاءِ إِلَّا ابْتَلَّتْ قَدَمَاهُ؟ قَالُوا: لَا- يَا رَسُولَ اللَّهِ ، قَالَ: كَذَلِكَ صَاحِبُ الدُّنْيَا؛ لَا يَسْلَمُ مِنَ الذُّنُوبِ . (٢) ٧٣١. تحف العقول عن الإمام الحسين عليه السلام: إرشاد القلوب: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ العَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتَمَثَّلُ بِهَذِهِ ، وَيَقُولُ :

وَمَنْ يَصْحَبِ الدُّنْيَا يَكُنْ مِثْلَ قَابِضٍ عَلَى المَاءِ خَانَتُهُ فُرُوجُ الأَصَابِعِ (٣) ٣ / ٤ التَّحْذِيرُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ ٧٣٥. الأغانى عن مصعب عن أبيه: رسول الله صلى الله عليه وآله: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ . (٤) .

١- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٤٨؛ إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٣١٧ .

٢- شُعبُ الإِيمَانِ: ج ٧ ص ٣٢٣ ح ١٠٤٥٧ ، مشكاة المصابيح: ج ٢ ص ٦٥٧ ح ٥٢٠٥ ، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٨ ح ٦١٥١ .

٣- إرشاد القلوب: ص ٢٣ .

٤- كنز الفوائد: ج ١ ص ٢١٧ ، الخصال: ص ٢٥ ح ٨٧ عن درست بن أبي منصور عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام ،

تحف العقول: ص ٥٠٨ عن عيسى عليه السلام ، التحصين لابن فهد: ص ٢٧ ح ٤٣ ، غرر الحكم: ح ٤٨٦٨ عن الإمام علي عليه

السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٥ ح ٢٠ نقلًا عن مصباح الشريعة ؛ شُعبُ الإِيمَانِ: ج ٧ ص ٣٣٨ ح ١٠٥٠١ ، ذم الدنيا لابن

أبي الدنيا: ص ١٦ ح ٩ كلاهما عن الحسن ، إحياء علوم الدين: ج ٣ ص ٢٩٩ ، البدايه والنهايه: ج ٢ ص ٨٩ عن عيسى عليه

السلام ، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٢ ح ٦١١٤ .

۳ / ۳ بر حذر داشتن از همدمی با دنیا

۳ / ۴ بر حذر داشتن از دنیادوستی

الف ریشه هر خطا

۳ / ۳ بر حذر داشتن از همدمی با دنیا ۷۳۸. الغیبه عن أبي جعفر السَّمَان: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حکایت همدم با دنیا ، حکایت کسی است که در آب ، راه می رود. آیا می تواند در آب راه برود ، بدون آن که پاهایش خیس شود؟! ۷۳۹. رجال النجاشی عن عبید الله بن الحرّ: شُعَبَ الإیمان به نقل از آنس: پیامبر خدا فرمود: «آیا کسی هست که بر آب راه برود و پاهایش خیس نشود؟» .

گفتند: نه، ای پیامبر خدا!

فرمود: «همدم با دنیا نیز چنین است. او از گناهان به سلامت نمی ماند». ۷۴۰. المعجم الکبیر عن سفیان بن عیینه: إرشاد القلوب: امام زین العابدین علیه السلام به این شعر ، تمثّل می جست و می گفت:

«همنشین دنیا، مانند کسی است که مستی آب برگیرد/ شکاف های انگشتان به او خیانت می کنند». ۳ / ۴ بر حذر داشتن از دنیادوستی الف ریشه هر خطا ۷۴۴. المصنّف عن بشر بن غالب: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیادوستی ، ریشه هر خطایی است.

٧٤٥. الجوهره عن بشر بن غالب: عنه صلى الله عليه وآله: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَمِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ، وَسَبَبُ إِحْبَاطِ (١) كُلِّ حَسَنَةٍ. (٢) ٧٤٦. كثر العمال عن الحسين عليه السلام عن رسول الله صالماً على عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ! إِيَّاكُمْ وَحُبُّ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَقِرَانُ كُلِّ فِتْنَةٍ، وَدَاعِي كُلِّ رَزِيئَةٍ. (٣) ٧٤٧. مكارم الأخلاق عن الإمام الحسين عليه السلام: عنه عليه السلام: أَلَا- وَحُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَمَجْمَعُ كُلِّ فِتْنَةٍ، وَدَاعِيَةُ كُلِّ رِيئَةٍ (٤). (٥) ٧٤٨. تاريخ الطبري عن حميد بن مسلم: الإمام زين العابدين عليه السلام لَمَّا سُئِلَ عَن أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ: مَا مِنْ عَمَلٍ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَمَعْرِفَةِ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلَ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا، وَإِنَّ لِدَلِكَ لَشُعْبًا كَثِيرَةً (٦)، وَلِلْمَعَاصِي شُعْبًا: فَأَوَّلُ مَا عَصَى اللَّهُ بِهِ الْكِبْرُ؛ وَهِيَ مَعْصِيَةُ إِبْلِيسَ حِينَ أَبِي وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ، وَالْحِرْصُ؛ وَهِيَ مَعْصِيَةُ آدَمَ وَحَوَاءَ حِينَ قَالَ اللَّهُ لَهُمَا: «كُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (٧)، فَأَخَذَا مَا لَا حَاجَةَ بِهِمَا إِلَيْهِ، فَدَخَلَ ذَلِكَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِمَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَذَلِكَ أَنَّ أَكْثَرَ مَا يَطْلُبُ ابْنُ آدَمَ مَا لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَيْهِ، ثُمَّ الْحَسَدُ؛ وَهِيَ مَعْصِيَةُ ابْنِ آدَمَ حَيْثُ حَسَدَ أَخَاهُ فَقَتَلَهُ، فَتَشَعَّبَ مِنْ ذَلِكَ: حُبُّ النِّسَاءِ، وَحُبُّ

الدُّنْيَا، وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ، وَحُبُّ الرِّاحَةِ، وَحُبُّ الْكَلَامِ، وَحُبُّ الْعُلُوِّ وَالْثَّرْوَةِ، فَصِرَتْ سَبَبٌ خِصَالٍ، فَاجْتَمَعَنَ كُلُّهُنَّ فِي حُبِّ الدُّنْيَا، فَقَالَ الْأَنْبِيَاءُ وَالْعُلَمَاءُ بَعْدَ مَعْرِفَةِ ذَلِكَ: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ (٨).

١- حَبِطَ عَمَلُهُ: بَطَلَ ثَوَابُهُ. وَأَحْبَطَهُ اللَّهُ تَعَالَى (الصَّحاح: ج ٣ ص ١١١٨ «حَبِط»).

٢- إرشاد القلوب: ص ٢١، أعلام الدين: ص ٣٤٠ عن أبي هريره، عدّه الداعي: ص ٢٩٤ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٢ ح ١٠.

٣- تحف العقول: ص ٢١٥، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٥٤ ح ٩٧.

٤- الرِّيْبَةُ: الشُّكُّ، وَقِيلَ: الشُّكُّ مَعَ التُّهْمَةِ (النَّهَائِيَّة: ج ٢ ص ٢٨٦ «رَيْب»).

٥- مطالب السُّؤُول: ص ٥٢؛ بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٣ ح ٨٦.

٦- «إِنَّ لِدَلِكَ» أَي لِبُغْضِ الدُّنْيَا، «لَشُعْبًا» أَي مِنَ الصِّفَاتِ الْحَسَنَةِ وَالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ، وَهِيَ ضِدُّ شُعْبِ الْمَعَاصِي (مَرَّاهُ الْعُقُول: ج ٨ ص ٢٧٩).

٧- الأعراف: ١٩.

٨- الكافي: ج ٢ ص ١٣٠ ح ١١ وص ٣١٧ ح ٨ كلاهما عن الزهري محمّد بن مسلم بن شهاب، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٥ ح ١٥٥٥، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٥٩ ح ٢٩.

۷۴۹. المعجم الكبير عن ابن أبي ليلى: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا دوستی، ریشه هر خطا، و کلید هر گناه، و سبب بی حاصل شدن هر کار نیکی است. ۷۵۰. الخصال بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام: امام علی علیه السلام: ای مردم! از دنیا دوستی بپرهیزید که ریشه هر خطا، و در هر بلا، و جفت هر فتنه، و فراخواننده هر مصیبتی است. ۷۵۱. الإقبال عن خلاد بن عمیر الکندی: امام علی علیه السلام: هان! دنیا دوستی، ریشه هر خطا، و در هر بلا، و مجمع هر فتنه، و باعث هر سوء ظنی است. ۷۵۲. مقاتل الطالبیین عن یحیی بن عبد الله عن الذی أفلامام زین العابدین علیه السلام در پاسخ به سؤال از برترین اعمال در نزد خداوند: بعد از شناخت خداوند و شناخت پیامبر او صلی الله علیه و آله، هیچ عملی برتر از نفرت از دنیا نیست، و برای آن، شاخه های بسیاری است، (۱) چنان که گناهان نیز شاخه هایی دارند و نخستین چیزی که خدا با آن نافرمانی شد، تکبر بود و آن، نافرمانی شیطان بود، آن گاه که سرپیچی و گردن فزازی کرد و از کافران شد. و [دوم]، آزمندی بود و آن، نافرمانی آدم و حوا بود، آن گاه که خداوند به آن دو فرمود: «از هر چه می خواهید، بخورید؛ ولی به این درخت، نزدیک مشوید که از ستمکاران خواهید بود»؛ اما آن دو [از سر آزمندی، چیزی را برداشتند که بدان نیازی نداشتند، و این خصلت به نسل آنها راه یافت تا روز قیامت. از همین رو، آدمیزاد، به بیشتر آنچه می طلبد، نیازی ندارد. و [سوم]، حسد بود و آن، نافرمانی پسر آدم بود، آن گاه که به برادرش حسادت ورزید و او را کشت.

و از این خصلت ها، زن دوستی، دنیا دوستی، ریاست خواهی، راحت طلبی، شهوت کلام، حبّ جاه و ثروت، نشئت گرفت. پس، هفت خصلت شدند که همگی در دنیا دوستی گرد آمده اند. از این رو، پیغمبران و دانشمندان که این نکته را شناخته اند گفته اند: دنیا دوستی، منشأ هر گناهی است.

۱- یعنی: نفرت از دنیا، شاخه ها و نتایج فراوانی از صفات نیک و کارهای شایسته دارد، که ضدّ شاخه های معصیت اند.

٧٥٣. دعائم الإسلام: الإمام الصادق عليه السلام: رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا . (١) ٧٥٤. الأُمالي بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه السلام: الكافي عن عليّ بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللَّهُ بِهِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : . . . اعْلَمْ أَنَّ رَأْسَ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَذَنْبٍ هُوَ حُبُّ الدُّنْيَا ، فَلَا تُحِبُّهَا فَإِنِّي لَا أُحِبُّهَا . (٢) ٧٥٥. عيون أخبار الرضا بإسناده عن الحسين بن عليّ عليه اعيسى عليه السلام في مَوَاعِظِهِ : بِحَقِّ أَقْوَالٍ لَكُمْ : إِنَّ الَّذِي يَخْوِضُ النَّهْرَ لَا بُدَّ أَنْ يُصِيبَ ثَوْبُهُ الْمَاءَ وَإِنْ جَهَدَ أَلَّا يُصِيبَهُ ، كَذَلِكَ مَنْ يُحِبُّ الدُّنْيَا لَا يَنْجُو مِنَ الْخَطَايَا . (٣) ب أصلُ كُلِّ مَعْصِيَةٍ ٧٥٧. الكافي عن أبي سعيد عن الحسين عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله : حُبُّ الدُّنْيَا أَصْلُ كُلِّ مَعْصِيَةٍ ، وَأَوَّلُ كُلِّ ذَنْبٍ . (٤) ٧٥٨. المصنّف عن جابر الجعفي عن الشعبي أو عن أبي جعفر معناه صلى الله عليه وآله : إِنَّ أَوَّلَ مَا عُصِيَ اللَّهُ بِهِ سِتٌّ : حُبُّ الدُّنْيَا ، وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ ، وَحُبُّ الطَّعَامِ ، وَحُبُّ النَّوْمِ ، وَحُبُّ الرَّاحَةِ ، وَحُبُّ النِّسَاءِ . (٥) .

- ١- الكافي: ج ٢ ص ٣١٥ ح ١ ، الأُمالي للطوسي : ص ٦٦٢ ح ١٣٧٨ كلاهما عن هشام ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٧ ح ١ ؛ الزهد لابن حنبل: ص ١١٧ عن جعفر بن جرفاس عن عيسى عليه السلام .
- ٢- الكافي: ج ٨ ص ١٣١ ح ١٠٣ ، تحف العقول: ص ٥٠٠ من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، الأُمالي للصدوق: ص ٦١٣ ح ٨٤٢ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٤٥ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٩٨ ح ١٤ .
- ٣- تحف العقول: ص ٥١٠ ، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣١٤ ح ١٧ .
- ٤- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٢٢ .
- ٥- الكافي: ج ٢ ص ٢٨٩ ح ٣ ، الخصال: ص ٣٣٠ ح ٢٧ ، المحاسن: ج ١ ص ٤٥٩ ح ١٠٦٣ كلّها عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٠٥ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ١٠٥ ح ٣ .

ب ریشه هر نافرمانی

۷۵۹. الکافی عن أبي سعيد عقيبا التيمي: امام صادق عليه السلام: ریشه هر خطایی، دنیادوستی است. الکافی به نقل از علی بن اسباط، از ائمه علیهم السلام: از جمله اندرزهای خداوند به عیسی علیه السلام این بود: «... بدان که اساس هر خطا و گناهی، دنیادوستی است. پس، آن را دوست مدار که من نیز دوستش نمی دارم». عیسی علیه السلام در اندرزهایش: به حق به شما می گویم: کسی که وارد نهر آب شود، جامه اش تر می شود، هر چند بکوشد که آب به آن نرسد. این چنین، هر که دنیا را دوست بدارد، از خطاها نمی رهد. ب ریشه هر نافرمانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیادوستی، ریشه هر نافرمانی، و آغاز هر گناهی است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین عواملی که خدا با آنها نافرمانی شد، شش چیز بود: دنیادوستی، ریاست خواهی، علاقه مندی به خوراک، علاقه مندی به خواب، راحت طلبی، و زن دوستی.

الإمام على عليه السلام: إِيَّاكَ وَحُبَّ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا أَصْلُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَمَعْدِنُ كُلِّ بَلِيَّةٍ. (١) عيسى عليه السلام: إِعْلَمُوا أَنَّ أَصْلَ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا. (٢) ج بدء كُلِّ فِتْنَةٍ الإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ مِنْ أَهْوَاءِ تَتَّبِعُ، وَأَحْكَامٍ تُبْتَدَعُ. (٣) الإمام الصادق عليه السلام: فِيمَا نَاجَى اللَّهُ بِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُوسَى... إِعْلَمَنَّ أَنَّ كُلَّ فِتْنَةٍ يَدُوهَا حُبُّ الدُّنْيَا. (٤) د أَكْبَرُ الْكِبَائِرِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَكْبَرُ الْكِبَائِرِ حُبُّ الدُّنْيَا. (٥) عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ذَنْبٌ عَظِيمٌ لَا يَسْأَلُ النَّاسُ اللَّهَ الْمَغْفِرَةَ مِنْهُ: حُبُّ الدُّنْيَا. (٦) الإمام على عليه السلام: أَعْظَمُ الْخَطَايَا حُبُّ الدُّنْيَا. (٧) ه شَرُّ الْفِتَنِ الإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَرُّ الْفِتَنِ مَحَبَّةُ الدُّنْيَا. (٨).

- ١- غرر الحكم: ح ٢٦٦٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٩٦ ح ٢٢٢٠.
- ٢- ذم الدنيا لابن أبي الدنيا: ص ٢٢ ح ٣٣ عن وهيب المكي، الزهد لابن حنبل: ص ١١٧ عن سفيان، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٢٣ ح ١٠٤٥٨ عن سفيان بن سعيد وكلاهما نحوه؛ تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٢٩، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٢٧ ح ٤٩.
- ٣- الكافي: ج ٨ ص ٥٨ ح ٢١ عن سليم بن قيس الهلالي، نهج البلاغة: الخطبة ٥٠، كتاب سليم بن قيس: ج ٢ ص ٧١٩ ح ١٨، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٢٩٠ ح ٨.
- ٤- الكافي: ج ٢ ص ١٣٥ ح ٢١ عن ابن أبي يعفور، قصص الأنبياء: ص ١٦٣ ح ١٨٤ عن أبي يعقوب وفيه «بذرهما» بدل «بدوها»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٧٣ ح ٣٧.
- ٥- الفردوس: ج ١ ص ٣٦٤ ح ١٤٦٨ عن ابن مسعود، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٤ ح ٦٠٧٤.
- ٦- الفردوس: ج ٢ ص ٢٤٨ ح ٣١٦٧ عن محمد بن عجلان، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٠٢ ح ٦١٧١.
- ٧- غرر الحكم: ح ٢٩٩٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ١١٨ ح ٢٦٦١.
- ٨- غرر الحكم: ح ٥٧٤٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٩٥ ح ٥٢٩٠.

ج آغاز هر فتنه**د بزرگ ترین گناه کبیره****ه بدترین فتنه**

امام علی علیه السلام: از دنیادوستی پرهیز؛ چرا که ریشه هر خطا و معدن هر بلایی است. عیسی علیه السلام: بدانید که ریشه هر خطایی، دنیادوستی است. ج آغاز هر فتنه امام علی علیه السلام: سرآغاز پیدایش فتنه ها، در حقیقت، پیروی از هوس ها و بدعت نهادن در احکام است. امام صادق علیه السلام: در نجواهای خداوند با موسی علیه السلام آمده است: «ای موسی!... بدان که هر فتنه ای، آغازش دنیادوستی است.» د بزرگ ترین گناه کبیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بزرگ ترین گناه کبیره، دنیادوستی است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گناه بزرگی که مردم درباره آن از خداوند طلب مغفرت نمی کنند، دنیادوستی است. امام علی علیه السلام: بزرگ ترین خطاها، دنیادوستی است. ه بدترین فتنه امام علی علیه السلام: بدترین فتنه ها [و گرفتاری ها]، حبّ دنیاست.

عنه عليه السلام: الوَلَةُ (١) بِالدُّنْيَا أَعْظَمُ فِتْنَةٍ . (٢) عنه عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ الْمِحَنِ . (٣) وَ شَرُّ الْمِحَنِ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَرُّ الْمِحَنِ حُبُّ الدُّنْيَا . (٤) ز رَأْسُ الْآفَاتِ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَأْسُ الْآفَاتِ الْوَلَةُ بِالدُّنْيَا . (٥) ح لَا يَجْتَمِعُ مَعَ حُبِّ اللّهِ رَسُولُ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ حُبُّ الدُّنْيَا وَ حُبُّ اللّهِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ أَبَدًا . (٦) عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللّهُ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى أَخِي عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَيْسَى، لَا تَحِبَّ الدُّنْيَا فَبِأَنِّي لَسْتُ أُحِبُّهَا، وَأَحِبَّ الْآخِرَةَ فَإِنَّمَا هِيَ دَارُ الْمَعَادِ . (٧) الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمَا أَنَّ الشَّمْسَ وَاللَّيْلَ لَا يَجْتَمِعَانِ، كَذَلِكَ حُبُّ اللّهِ وَ حُبُّ الدُّنْيَا لَا يَجْتَمِعَانِ . (٨) عنه عليه السلام فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: قَالَ اللّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ، لَوْ صَيَّمْتُ الْعَبْدَ صِيْلَةَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ، وَ صَامَ صِيَامَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ،

وَ طَوَى (٩) مِنَ الطَّعَامِ مِثْلَ الْمَلَائِكَةِ، وَ لَبَسَ لِبَاسَ الْعَارِي، ثُمَّ أَرَى فِي قَلْبِهِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا ذَرَّةً أَوْ سُمِّعَتْهَا أَوْ رِيَّاسَتَهَا أَوْ حَلِيَّتَهَا أَوْ زِينَتَهَا، لَا يُجَاوِزُنِي فِي دَارِي، وَ لَأَنْزَعَنَّ مِنْ قَلْبِهِ مَحَبَّتِي، وَ عَلَيكَ سَلَامِي وَ مَحَبَّتِي . (١٠) .

-
- ١- الوَلَةُ: ذَهَابُ الْعَقْلِ وَ التَّحْيِيرُ مِنْ شِدَّةِ الْوَجْدِ (النَّهْيَةُ: ج ٥ ص ٢٢٧ «وله»).
 - ٢- غرر الحكم: ح ١٢١٠، عيون الحكم و المواعظ: ص ١٢٠ ح ٢٧٣٤ وفيه «المصائب» بدل «فتنه».
 - ٣- غرر الحكم: ح ٤٨٧٠، عيون الحكم و المواعظ: ص ٢٣١ ح ٤٤٢٤ وفيه «رأس» بدل «أصل».
 - ٤- غرر الحكم: ح ٥٧٢١، عيون الحكم و المواعظ: ص ٢٩٣ ح ٥٢٢٢.
 - ٥- غرر الحكم: ح ٥٢٦٤، عيون الحكم و المواعظ: ص ٢٦٤ ح ٤٧٩٦ وفيه «باللذات» بدل «بالدنيا».
 - ٦- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٢٢.
 - ٧- الأمالى للطوسى: ص ٥٣١ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٦٨ ح ٢٦٦١، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٥٦ كلها عن أبى ذرّ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٨٠ ح ٣.
 - ٨- غرر الحكم: ح ٧٢١٩، عيون الحكم و المواعظ: ص ٣٩٧ ح ٦٧٢٠.
 - ٩- رجل طَيَّان: لم يأكل شيئا؛ طَوَى كَرَضِي طَوَى. فَإِنْ تَعَمَّدَ ذَلِكَ فَطَوَى كَرَمَى (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٣٥٨ «طوى»).
 - ١٠- إرشاد القلوب: ص ٢٠٦ ١٩٩، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٠ ح ٦.

و بدترین رنج**ز منشأ آفت ها****ح دنیادوستی با خدادوستی جمع نمی شود**

امام علی علیه السلام: شیفتگی به دنیا، بزرگ ترین فتنه است. امام علی علیه السلام: دنیادوستی، منشأ فتنه ها و ریشه رنج هاست. و بدترین رنج امام علی علیه السلام: بدترین رنج ها، دنیادوستی است. ز منشأ آفت ها امام علی علیه السلام: منشأ همه آفت ها، عشق به دنیا است. ح دنیادوستی با خدادوستی جمع نمی شود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیادوستی و خدادوستی، هرگز در یک دل نمی گنجند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال به برادرم عیسی علیه السلام وحی فرمود که: «ای عیسی! دنیا را دوست مدار؛ زیرا من آن را دوست نمی دارم. و آخرت را دوست بدار؛ زیرا آن جا بازگشت گاه است». امام علی علیه السلام: چنان که خورشید و شب با هم جمع نمی شوند، خدادوستی و دنیادوستی نیز با هم جمع نمی شوند. امام علی علیه السلام در یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند متعال فرمود: «... ای احمد! اگر بنده به اندازه نمازهای اهل آسمان و زمین نماز بخواند، و به اندازه روزه های اهل آسمان و زمین روزه بگیرد، و چون فرشتگان غذا نخورد، و مانند برهنگان جامه بپوشد، اما در دل او ذره ای حَبّ دنیا یا شهرت آن یا ریاست آن یا زر و زیور آن بینم، هرگز در خانه ام به جوار من در

نخواهد آمد، و محبت خود را از دل او برخوایم کند. سلام و محبت من، بر تو باد!

عنه عليه السلام: إن كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَأَخْرِجُوا مِنْ قُلُوبِكُمْ حُبَّ الدُّنْيَا . (١) عنه عليه السلام: كَيْفَ يَدْعَى حُبَّ اللَّهِ مَنْ سَكَنَ قَلْبَهُ حُبَّ الدُّنْيَا؟! (٢) الإمام الصادق عليه السلام: وَاللَّهِ ، مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا . (٣) عيسى عليه السلام فى مَوَاعِظِهِ: بِحَقِّ أَقْوَلُ لَكُمْ : إِنَّ الْعَبْدَ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يَخْدُمَ رَبَّيْنِ ، وَلَا مَحَالَهُ أَنَّهُ يُؤَثِّرُ أَحَدَهُمَا عَلَى الْآخَرِ وَإِنْ جَهَدَ ، كَذَلِكَ لَا يَجْتَمِعُ لَكُمْ حُبُّ اللَّهِ وَحُبُّ الدُّنْيَا . (٤) ط لا يَجْتَمِعُ مَعَ حُبِّ الْآخِرِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ فِي طَلْبِ الدُّنْيَا إِضْرَارًا بِالْآخِرَةِ ، وَفِي طَلْبِ الْآخِرَةِ إِضْرَارًا بِاللُّدُنْيَا ، فَأَضْرَبُوا بِاللُّدُنْيَا فَإِنَّهَا أَوْلَى بِالْإِضْرَارِ . (٥) .

- ١- .غرر الحكم : ح ٣٧٤٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٦٣ ح ٣٤٧٤ .
- ٢- .غرر الحكم : ح ٧٠٠٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٨٣ ح ٦٤٧٤ .
- ٣- .الكافى : ج ٨ ص ١٢٩ ح ٩٨ عن حفص بن غياث ، تحف العقول : ص ٣٥٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٢٢٦ ح ٩٥ .
- ٤- .تحف العقول : ص ٥٠٣ ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٣٠٧ ح ١٧ .
- ٥- .الكافى : ج ٢ ص ١٣١ ح ١٢ عن ابن بكير عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص ٢٠٩ ح ٥٦٩ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٩٢ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيهما «أحق» بدل «أولى» ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٦١ ح ٣٠ وراجع المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٥٢٩ ح ٨٤٨٧ وكنز العمال : ج ٣ ص ٧٢٥ ح ٨٥٨٢ .

ط دنیا دوستی با آخرت دوستی جمع نمی شود

امام علی علیه السلام: اگر به راستی ، خدا را دوست می دارید ، دوستی دنیا را از دل هایتان بیرون کنید. امام علی علیه السلام : کسی که دوستی دنیا در دلش خانه کرده است ، چگونه ادعای دوستی خدا می کند؟! امام صادق علیه السلام : سوگند به خدا کسی که دنیا را دوست دارد ، خدا را دوست ندارد. عیسی علیه السلام در اندرزهایش : به حق به شما می گویم: بنده نمی تواند دو خواجه را خدمت کند و هر چه بکوشد، به ناچار ، یکی از آن دو را بر دیگری برمی گزیند . خدادوستی و دنیا دوستی نیز با هم جمع نمی شوند. ط دنیا دوستی با آخرت دوستی جمع نمی شود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا طلبی به آخرت زیان می زند و آخرت طلبی به دنیا لطمه می زند. شما به دنیا زیان بزنید که آن به زیان زند ، سزاوارتر است.

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ دُنْيَاهُ أَضَرَّ بِآخِرَتِهِ ، وَمَنْ أَحَبَّ آخِرَتَهُ أَضَرَّ بِدُنْيَاهُ ، فَأَثَرُوا (١) مَا يَبْقَى عَلَى مَا يَفْنَى . (٢) عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا ذَهَبَ خَوْفُ الْآخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ ، وَمَا آتَى اللَّهَ عَبْدًا عِلْمًا فَازْدَادَ لِلدُّنْيَا حُبًّا إِلَّا أزدَادَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بُعْدًا ، وَازْدَادَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ غَضَبًا. (٣) عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ دُنْيَاهُ وَسِيَّرَ بِهَا ذَهَبَ خَوْفُ الْآخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ . (٤) عيسى عليه السلام فى مَوَاعِظِهِ: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ : مَنْ لَا يُنْقَى مِنْ زَرْعِهِ الْحَشِيشَ يَكْثُرُ فِيهِ حَتَّى يَغْمَرَهُ فَيَفْسِدَهُ ، وَكَذَلِكَ مَنْ لَا يُخْرِجُ مِنْ قَلْبِهِ حُبَّ الدُّنْيَا يَغْمَرُهُ حَتَّى لَا يَجِدَ لِحُبِّ الْآخِرَةِ طَعْمًا . (٥) عنه عليه السلام: لَا يَسْتَقِيمُ حُبُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فى قَلْبِ مُؤْمِنٍ ، كَمَا لَا يَسْتَقِيمُ الْمَاءُ وَالنَّارُ فى إِنَاءٍ وَاحِدٍ . (٦) الإمام على عليه السلام: طَالِبُ الدُّنْيَا تَفَوُّتُهُ الْآخِرَةُ وَيُدْرِكُهُ الْمَوْتُ حَتَّى يَأْخُذَهُ بَغْتَةً ، وَلَا يُدْرِكُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قَسِمَ لَهُ . (٧) .

١- آثرته : فضَّلته (المصباح المنير : ص ٤ «أثر»).

٢- مسند ابن حنبل : ج ٧ ص ١٦٥ ح ١٩٧١٧ و ١٩٧١٨ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٣٤٣ ح ٧٨٥٣ ، السنن الكبرى : ج ٣ ص ٥١٧ ح ٦٥١٦ ، موارد الظمان : ص ٦١٢ ح ٢٤٧٣ ، مسند الشهاب : ج ١ ص ٢٥٩ ح ٤١٨ كلِّها عن أبى موسى الأشعري ؛ تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٢٨ ، مجمع البيان : ج ١٠ ص ٧٢٢ نحوه وراجع كتر الفوائد : ج ١ ص ٦١ وأعلام الدين : ص ١٧٣ وبحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٣ .

٣- النوادر للراوندى : ص ١٥٧ ح ٢٢٩ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص ٣٩٩ عن الإمام الكاظم عليه السلام ، الاختصاص : ص ٢٤٣ عن الإمام الصادق عليه السلام ، دعائم الإسلام : ج ١ ص ٨٢ عنهم عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وكلِّها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٢ ص ٣٦ ح ٣٩ .

٤- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٧٩ ، المحجَّه البيضاء : ج ٦ ص ٩٦ .

٥- تحف العقول : ص ٥٠٩ ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٣١٢ ح ١٧ .

٦- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٣١ ، التمهيد : ص ٥ عنهم عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٣٢٧ ح ٥١ ؛ إحياء علوم الدين : ج ٣ ص ٣٠١ .

٧- غرر الحكم : ح ٦٠١٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣١٧ ح ٥٥٢٢ وفيه «بعنقه» بدل «بغته» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دنیایش را دوست بدارد، به آخرت خود زیان می رساند، و هر که آخرتش را دوست بدارد، به دنیای خویش زیان می زند. پس، شما آنچه را ماندگار است، بر آنچه فناپذیر است، ترجیح دهید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دنیا را دوست بدارد، هراس آخرت از دلش می رود. خداوند به هیچ بنده ای علمی نداد و آن علم بر دنیادوستی او نيفزود، مگر آن که از خداوند متعال دورتر شد، و خشم خداوند متعال بر او فزونی گرفت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دنیایش را دوست بدارد و بدان شادمان گردد، ترس آخرت از دلش می رود.

عیسی علیه السلام در اندرزهایش: به حق به شما می گویم: هر که زراعتش را از علف های هرز پاک نکند، علف هایش بسیار می گردد، چندان که همه زراعت را فرا می گیرد و تباهش می کند. همچنین کسی که دنیادوستی را از دلش بیرون نکند، همه دلش را فرا می گیرد تا جایی که دیگر مزه آخرت دوستی را نچشد.

عیسی علیه السلام: دوستی دنیا و آخرت، در دل هیچ مؤمنی نمی گنجد، چنان که آب و آتش در یک ظرف نمی گنجد.

امام علی علیه السلام: جوینده دنیا، آخرت را از دست می دهد و مرگ، او را در می رسد و ناگهان او را فرو می گیرد، و از دنیا جز به آنچه قسمت اوست، نمی رسد.

عنه عليه السلام: ما ظَفِرَ بِالْآخِرَةِ مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا مَطْلَبَهُ . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ مَلَكَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا ، فَاتَهُ مِنَ الْآخِرَةِ أَكْثَرُ مِمَّا مَلَكَ . (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ رَغِبَ فِي زَخَارِفِ الدُّنْيَا ، فَاتَهُ الْبَقَاءُ الْمَطْلُوبُ . (٣)

عنه عليه السلام: طَلَبَ الْجَمْعِ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنْ خِدَاعِ النَّفْسِ . (٤)

عنه عليه السلام: بِإِثَارِ حُبِّ الْعَاجِلِ صَارَ مَنْ صَارَ إِلَى سُوءِ الْآجِلِ . (٥)

عنه عليه السلام: لَا تَجْتَمِعُ الْآخِرَةُ وَالْدُّنْيَا . (٦)

عنه عليه السلام: لَا يَنْفَعُ الْعَمَلُ لِلْآخِرَةِ مَعَ الرَّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا . (٧)

عنه عليه السلام: كَيْفَ يَعْمَلُ لِلْآخِرَةِ الْمَشْغُولُ بِالدُّنْيَا ! (٨)

راجع : ص ٣٧٤ (التحذير من لذات الدنيا / حلاوتها مراره الآخرة)

وص ٣٧٦ (التحذير من لذات الدنيا / ثروتها فقر الآخرة) ،

ج ٢ ص ٣٥٨ (ما يخرب الآخرة) .

٣ / ٥ الْحَثُّ عَلَى بُغْضِ الدُّنْيَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ : يَا أَبَا ذَرٍّ ، مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَيَّ اللَّهُ مِنَ الدُّنْيَا ؛ خَلَقَهَا ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا ، وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهَا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ . (٩)

١- غرر الحكم : ح ٩٥٥٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٧٧ ح ٨٧٤٨ .

٢- غرر الحكم : ح ٨٩٠٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٣٤ ح ٧٥٠١ .

٣- غرر الحكم : ح ٨٨٠١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٣٦ ح ٧٥٤١ وفيه «التقاء» بدل «البقاء» .

٤- غرر الحكم : ح ٥٩٩٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣١٧ ح ٥٥٣٣ .

٥- غرر الحكم : ح ٤٣١٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٨٨ ح ٣٨٧٨ .

٦- غرر الحكم : ح ١٠٥٧٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٣٣ ح ٩٧٢٨ .

٧- غرر الحكم : ح ١٠٨٢٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٤٢ ح ١٠٠٦٩ .

٨- غرر الحكم : ح ٦٩٧٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٨٣ ح ٦٤٦١ .

٩- الأمالى للطوسى : ص ٥٣١ ح ١١٦٢ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٦٨ ح ٢٦٦١ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٥٦ ، أعلام الدين : ص ١٩٤ كلها عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٨٠ ح ٣ .

۳ / ۵ تشویق به نفرت از دنیا

امام علی علیه السلام: کسی که دنیا مطلوب او باشد، به آخرت دست نمی یابد.

امام علی علیه السلام: هر کس چیزی از دنیا را به دست آورد، بیشتر از آنچه به دست آورده، از آخرت از دست می دهد.

امام علی علیه السلام: هر کس خواهان تجملات دنیا باشد، زندگی جاویدان مطلوب را از دست می دهد.

امام علی علیه السلام: خواهان جمع میان دنیا [ی نکوهیده] و آخرت بودن، از نیرنگ های نفس است.

امام علی علیه السلام: با برگزیدن دوستی دنیا است که آدمیان به سوء عاقبت، گرفتار می شوند.

امام علی علیه السلام: آخرت و دنیا [ی نکوهیده]، با هم جمع نمی شوند.

امام علی علیه السلام: با وجود دنیاخواهی، کار برای آخرت، سودی نمی بخشد.

امام علی علیه السلام: کسی که سرگرم دنیا است، چگونه برای آخرت کار کند؟!

ر. ک: ص ۳۷۵ (برحذر داشتن از لذت های دنیا / شیرینی دنیا، تلخی آخرت است)

و ۳۷۷ (برحذر داشتن از لذت های دنیا / ثروت دنیا، فقر آخرت است)،

ج ۲ و ص ۳۵۹ (آنچه آخرت را ویران می کند).

۳ / ۵ تشویق به نفرت از دنیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارشش به ابو ذر: ای ابو ذر! هیچ چیز در نزد خدا منفورتر از

دنیا نیست. خداوند، دنیا را آفرید، سپس از آن روی گرداند و بدان ننگریست و تا قیام قیامت هم به آن نمی نگرد.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْآخِرَةَ وَيُبْغِضُ الدُّنْيَا، فَأَحِبُّوا مَا أَحَبَّ اللَّهُ وَأُبْغِضُوا مَا أَبْغَضَ اللَّهُ، وَلَا تَغْتَرَّوا بِالزَّائِلَةِ عَنْ أَهْلِهَا، وَاعْمَلُوا لِلْبَاقِيَةِ؛ تُدْرِكُوا ثَوَابَ الْآخِرَةِ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أُرِدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللَّهُ فَأَبْغِضِ الدُّنْيَا، وَإِذَا أُرِدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ النَّاسُ فَمَا كَانَ عِنْدَكَ مِنْ فُضُولِهَا فَانْبِذْهُ إِلَيْهِمْ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خَصْلَةً... وَالتَّاسِعَةُ بُغْضُ الدُّنْيَا. (٣)

الإمام علي عليه السلام في ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَ اللَّهُ... يَا أَحْمَدُ أَبْغِضِ الدُّنْيَا وَأَهْلَهَا وَأَحِبِّ الْآخِرَةَ وَأَهْلَهَا. (٤)

الإمام زين العابدين عليه السلام: مَا مِنْ عَمَلٍ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَمَعْرِفَةِ رَسُولِهِ أَفْضَلَ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا. (٥)

بحار الأنوار: قِيلَ لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَّمْنَا عَمَلًا وَاحِدًا يُحِبُّنَا اللَّهُ عَلَيْهِ. قَالَ: أَبْغِضُوا الدُّنْيَا يُحِبِّكُمْ اللَّهُ. (٦)

راجع: ص ٣٢٦ (تقويم الدنيا / ما نظر الله إليها منذ خلقها).

١- الفردوس: ج ١ ص ١٦٧ ح ٦١٩ عن أبي هريره.

٢- تاريخ بغداد: ج ٧ ص ٢٧٠ ح ٣٧٥٤، البدايه والنهائيه: ج ١٠ ص ١٣٧ نقلًا عن ابن عساكر وكلاهما عن ربيع بن خراش، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٢ ح ٦٠٦٧ وراجع حليه الأولياء: ج ٨ ص ٤١.

٣- الخصال: ص ٥١٥ ح ١ عن أبي سعيد الخدرى، روضه الواعظين: ص ٢٩٨، مشكاه الأنوار: ص ١٥٣ ح ٣٧٦.

٤- إرشاد القلوب: ص ٢٠١، الجواهر السنيه: ص ١٩٤، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٣ ح ٦.

٥- الكافي: ج ٢ ص ١٣٠ ح ١١ عن الزهرى محمّد بن مسلم بن شهاب، مشكاه الأنوار: ص ٤٦٥ ح ١٥٥٥، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٩ ح ٩.

٦- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٤، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٢٨ ح ٥٥؛ شرح نهج البلاغه: ج ١٩ ص ٢٨٨ وفيه «قيل لحكيم...».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند آخرت را دوست ، و دنیا را دشمن می دارد. پس ، شما نیز آنچه را خدا دوست دارد ، دوست بدارید و آنچه را دشمن می دارد ، دشمن بدارید ، و فریب چیزی را که از اهلش جدا می شود ، نخورید، و برای آنچه ماندنی است ، کار کنید تا به پاداش آخرت دست یابید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه خواستی که خدا تو را دوست بدارد ، دنیا را دشمن بدار، و هر گاه خواستی که مردم تو را دوست بدارند ، زیادی های دنیا را که نزد توست ، پیش آنان بینداز.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : محبت نسبت به اهل بیت من ، بیست فایده دارد : نهم: بیزاری از دنیا.

امام علی علیه السلام در یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله : خداوند فرمود : «... ای احمد! دنیا و دنیاخواهان را دشمن بدار، و آخرت و آخرتگرایان را دوست بدار».

امام زین العابدین علیه السلام : بعد از شناخت خداوند و شناخت پیامبر او، هیچ کاری برتر از بیزاری از دنیا نیست.

بحار الأنوار: به عیسی علیه السلام گفته شد: یک کار به ما بیاموز که به سبب آن ، خداوند ما را دوست بدارد. فرمود: «دنیا را دشمن بدارید تا خدا دوستتان بدارد».

ر . ک : ص ۳۲۷ (ارزیابی دنیا / خداوند از زمانی که دنیا را آفرید ، به آن ننگریست).

الفصل الرابع : مضار حب الدنيا ٤ / ١ حجاب القلب الكتاب «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ * كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ» . (١)

الحديث للإمام الكاظم عليه السلام : أوحى الله تعالى إلى داوود عليه السلام : يا داوود ، حذر وأنذر أصحابك عن حب الشهوات ، فَإِنَّ الْمُعَلَّقَةَ قُلُوبُهُمْ بِشَهَوَاتِ الدُّنْيَا قُلُوبُهُمْ مَحْجُوبَةٌ عَنِّي . (٢)

تنبيه الخواطر عن عبد الله بن سلام : يَقُولُ اللَّهُ فِي التَّوْرَةِ: إِنَّ الْقُلُوبَ الْمُتَعَلِّقَةَ بِحُبِّ الدُّنْيَا مَحْجُوبَةَ الْعُقُولِ عَنِّي . (٣)

الاختصاص : قَالَ اللَّهُ لِدَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا دَاوُودُ ، احْذَرِ الْقُلُوبَ الْمُتَعَلِّقَةَ بِشَهَوَاتِ الدُّنْيَا ، [فَإِنَّ] (٤) عُقُولَهَا مَحْجُوبَةٌ عَنِّي . (٥)

١- .المطففين : ١٤ و ١٥ .

٢- .تحف العقول : ص ٣٩٧ ، التحصين لابن فهد : ص ٦ ح ٣ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٣١٣ ح ١ .

٣- .تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢٢٩ عن كعب .

٤- .ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .

٥- .الاختصاص : ص ٣٣٥ ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٣٩ ح ١٩ ؛ الدر المنثور : ج ٥ ص ٥٢٦ عن ابن الأشعث سنحوه .

فصل چهارم: زیان های دنیادوستی

۴ / ۱ حجاب دل

فصل چهارم: زیان های دنیادوستی ۴ / ۱ حجاب دلقرآن «البته چنین نیست؛ بلکه آنچه آنان مرتکب می شدند، بر دل هایشان زنگار بسته است. زهی پندار، که آنان در آن روز، از پروردگارشان سخت در حجاب اند».

حدیثامام کاظم علیه السلام: خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی کرد: «ای داوود! یارانت را از دوستی هوس ها بر حذر مدار و به آنان هشدار بده؛ زیرا آنان که به خواست های دنیوی دل بسته اند، دل هایشان از من در حجاب است».

تنبيه الخواطر به نقل از عبد الله بن سلام: خداوند در تورات می فرماید: «دل های در گرو دوستی دنیا، خردهایشان از [درک] من در حجاب اند».

الاختصاص: خداوند به داوود علیه السلام فرمود: «ای داوود! از دل های آویخته به خواست های دنیوی پرهیز؛ زیرا خردهای آنها از [درک] من در حجاب اند».

٤ / ٢ عَمِيَ الْقَلْبُ الْكِتَابُ «أَفْرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَ حَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَى بَصِيرِهِ غَشَوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» . (١)

الحدِيثُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : مَنْ يَرَعِبُ فِي الدُّنْيَا فَطَالَ فِيهَا أَمَلُهُ ، أَعَمِيَ اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَى قَدَرِ رَغْبَتِهِ فِيهَا . (٢)

الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ غَلَبَتِ الدُّنْيَا عَلَيْهِ ، عَمِيَ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ . (٣)

عنه عليه السلام : مَنْ قَصَرَ نَظْرَهُ عَلَى أَبْنَاءِ الدُّنْيَا ، عَمِيَ عَنِ سَبِيلِ الْهُدَى . (٤)

عنه عليه السلام في ذمِّ الدُّنْيَا : مَنْ رَاقَهُ زَبْرُجُهَا أَعْقَبَتْ نَاضِرِيهِ كَمَهَا (٥) . (٦)

عنه عليه السلام : أَرْفُضُ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُعَمِّي وَيُصِمُّ وَيُبِكِّمُ وَيُذِلُّ الرِّقَابَ ، فَتَدَارِكُ مَا بَقِيَ مِنْ عُمرِكَ وَلَا تَقُلْ : غَدَا أَوْ بَعْدَ غَدٍ ؛ فَإِنَّمَا هَلَكُوكَ مِنْ كَانَ قَبْلَكَ بِإِقَامَتِهِمْ عَلَى الْأَمَانِيِّ وَالتَّسْوِيفِ ، حَتَّى أَتَاهُمْ أَمْرُ اللَّهِ بَغْتَةً وَهُمْ غَافِلُونَ ، فَتَقْلُوا عَلَى أَعْوَادِهِمْ إِلَى قُبُورِهِمْ الْمُظْلِمَةِ الضَّيِّقَةِ ، وَقَدْ أَسْلَمَهُمُ الْأَوْلَادُ وَالْأَهْلُونَ . فَانْقَطِعْ إِلَى اللَّهِ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ مِنْ رَفْضِ الدُّنْيَا ، وَعَزْمٍ لَيْسَ فِيهِ انْكِسَارٌ وَلَا انْخِزَالٌ (٧) . (٨)

١- النمل : ٤ .

٢- تحف العقول : ص ٦٠ ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٣١ عن أنس ، تيسير المطالب : ص ٣٦٥ عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آلِهِ ؛ تاريخ أصبهان : ج ١ ص ١٦٢ ح ١٤٤ عن ابن عباس وفيه «رغبته» بدل «أمله» ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٠٩ ح ٦١٩٤ نقلاً عن أبي عبد الرحمن السلمى فى كتاب المواعظ .

٣- غرر الحكم : ح ٨٨٥٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٧ ح ٨٢٨١ .

٤- غرر الحكم : ح ٨٨٧٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٨ ح ٨٢٩٥ وليس فيه «أبناء» .

٥- الكمّه : العمى (النهاية : ج ٤ ص ٢٠١ «كمه») .

٦- نهج البلاغه : الحكمة ٣٦٧ ، تحف العقول : ص ٢٢١ وفيه «رواؤها» بدل «زبرجها» ، غرر الحكم : ح ٨٧٨٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٣١ ح ١٣٥ .

٧- الانخزال : مشيئه فيها تناقل (القاموس المحيط : ج ٣ ص ٣٦٧ «خزل») .

٨- الكافى : ج ٢ ص ١٣٦ ح ٢٣ عن أبي جميله عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ص ٤٦٦ ح ١٥٥٦ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٧٥ ح ٣٩ .

۴ / ۲ کوردلی

۴ / ۲ کوردلیقرآن «پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گم راه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است؟! آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟» .

حدیثپامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که به دنیا علاقه مند باشد و آرزوهای دور و دراز در آن داشته باشد، خداوند به اندازه علاقه اش به دنیا، دل او را کور می گرداند.

امام علی علیه السلام: کسی که دنیا بر او چیره گردد، از دیدن آنچه پیش روی اوست، کور می شود.

امام علی علیه السلام: هر که نگاه کردنش را به دنیا طلبان محدود کند، از [دیدن] راه درست، کور می شود.

امام علی علیه السلام در نکوهش دنیا: آن که تجملات پوچ دنیا خیره اش سازد، دنیا دو دیده اش را کور می گرداند.

امام علی علیه السلام: دنیا را رها کن؛ چرا که دنیا دوستی، کور و کر و لال و زبون می کند. و باقی مانده عمرت را دریاب و مگو: فردا و پس فردا؛ زیرا آنان که پیش از تو بودند، از آن روی به هلاکت در افتادند که به آرزوها و امروز و فردا کردن تکیه نمودند، تا آن که فرمان خدا (مرگ)، ناگهان و بی خبر برایشان در رسید، و بر تابوت هایشان به سوی گورهای تنگ و تاریکشان برده شدند و فرزندان و خانواده شان آنها را تنها گذاشتند. پس، با دلی توبه کننده و دست از دنیا شسته و عزمی استوار، به خدا رو کن.

عنه عليه السلام: لِحُبِّ الدُّنْيَا صَمَّتِ الأَسْمَاعُ عَنِ سَمَاعِ الحِكْمَةِ ، وَعَمِيَّتِ القُلُوبُ عَنِ نُورِ البَصِيرَةِ . (١)

عنه عليه السلام: إِنَّ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا بِمُحَالِ الآمَالِ ، وَخَدَعَتْهُ بِزُورِ الأَمَانِيِّ ، أَوْرَثَتْهُ كَمَهَا ، وَأَلْبَسَتْهُ عَمِيًّا ، وَقَطَعَتْهُ عَنِ الأُخْرَى ، وَأَوْرَدَتْهُ مَوَارِدَ الرَّدَى . (٢)

راجع: ج ٢ ص ١٠٢ (فراغ القلب).

٤ / ٣ فسَادُ العَقْلِ رسول الله صلى الله عليه و آله : أَنْتُمْ عَلَى بَيْنِهِ مِنْ أَمْرِكُمْ مَا لَمْ يَظْهَرِ مِنْكُمْ سَيِّئَاتَانِ : سَكْرَةُ الجَهْلِ ، وَسَكْرَةُ حُبِّ الدُّنْيَا . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : أَنْتُمْ اليَوْمَ عَلَى بَيْنِهِ مِنْ رَبِّكُمْ ، تَأْمُرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ المُنْكَرِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ الله ، ثُمَّ تَظْهَرُ فِيكُمْ السَّكْرَتَانِ : سَكْرَةُ الجَهْلِ ، وَسَكْرَةُ حُبِّ العَيْشِ ، وَسَتَحْوِلُونَ عَنِ ذَلِكِ ؛ فَلا تَأْمُرُونَ بِمَعْرُوفٍ وَلا تَنْهَوْنَ عَنِ مُنْكَرٍ ... (٤)

١- غرر الحكم : ح ٧٣٦٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٠٤ ح ٦٨٤١ .

٢- غرر الحكم : ح ٣٥٣٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٥٢ ح ٣٣٣٧ .

٣- ربيع الأبرار : ج ١ ص ٦١٨ عن معاذ بن جبل وراجع حليه الأولياء : ج ٨ ص ٤٨ وكنز العمال : ج ٣ ص ٦٦ ح ٥٥١٩ .

٤- حليه الأولياء : ج ٨ ص ٤٩ عن أنس ، كنز العمال : ج ١ ص ٢١٤ ح ١٠٧٠ .

۴ / ۳ تباهی خرد

امام علی علیه السلام: از دنیادوستی است که گوش‌ها از شنیدن حکمت، کر گشته و دل‌ها از [دیدن] نور بینش، کور شده اند.

امام علی علیه السلام: کسی که دنیا او را با آرزوهای دست نیافتنی بفریبد و با امیدهای دروغین گولش زند، برایش کوری به ارث می‌نهد و بر او نایبایی می‌پوشاند، و از آخرت بریده اش می‌گرداند و او را به آبشخورهای هلاکت در می‌آورد.

ر. ک: ج ۲ ص ۱۰۳ (خالی شدن دل از اغیار).

۴ / ۳ تباهی خرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تا زمانی که دو مستی در شما پدید نیاید، پیوسته در مسیر درست هستید: مستی نادانی و مستی دنیادوستی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شما امروز در راه روشن پروردگارتان هستید. امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و در راه خدا به جهاد می‌پردازید؛ اما پس از آن، دو مستی در شما پدید می‌آید: مستی نادانی و مستی عشق به زندگی. پس، تغییر می‌کنید و دیگر نه امر به معروف می‌کنید و نه نهی از منکر... .

الإمام علي عليه السلام: سَبَبُ فَسَادِ الْعَقْلِ حُبُّ الدُّنْيَا . (١)

عنه عليه السلام: زَخَارِفُ الدُّنْيَا تُفْسِدُ الْعُقُولَ الضَّعِيفَةَ . (٢)

عنه عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ ، وَيُصِمْ الْقَلْبَ عَنِ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ ، وَيُوجِبُ أَلِيمَ الْعِقَابِ . (٣)

عنه عليه السلام: الدُّنْيَا مَصْرَعُ الْعُقُولِ . (٤)

راجع: ج ٢ ص ٩٨ (كمال المعرفة / حفظ العقل) .

٤ / ٤ فسادُ النَّفْسِ الْعَفْلَهْرِسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا لِي أَرَى حُبَّ الدُّنْيَا قَدْ غَلَبَ عَلَى كَثِيرٍ مِنَ النَّاسِ حَتَّى كَأَنَّ الْمَوْتَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَى غَيْرِهِمْ كُتِبَ ! وَكَأَنَّ الْحَقَّ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَى غَيْرِهِمْ وَجَبَ ! وَحَتَّى كَأَنَّ لَمْ يَسْمَعُوا وَيَرَوْا مِنْ خَبَرِ الْأَمْوَاتِ قَبْلَهُمْ ! سَبِيلُهُمْ سَبِيلُ قَوْمٍ سَفَرٍ عَمَّا قَلِيلٍ إِلَيْهِمْ رَاجِعُونَ ، يُبَوِّئُهُمْ أَجْدَانَهُمْ ، وَيَأْكُلُونَ تَرَائِثَهُمْ (٥) ، فَيُظَنُّونَ أَنَّهُمْ مُخَلَّدُونَ بَعْدَهُمْ ، هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ ! أَمَا يَتَعَزَّؤُا آخِرُهُمْ بِأَوْلِيهِمْ ؟ لَقَدْ جَهِلُوا وَنَسُوا كُلَّ وَاعِظٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ ، وَأَمِنُوا شَرَّ كُلِّ عَاقِبَةٍ سَوْءٍ ، وَلَمْ يَخَافُوا نُزُولَ فَادِحِهِ وَبَوَائِقِ (٦) حَادِثِهِ . (٧)

١- غرر الحكم: ح ٥٥٤٣ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨١ ح ٥٠٥٦ .

٢- غرر الحكم: ح ٥٤٩٤ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٧٥ ح ٥٠٠٣ .

٣- غرر الحكم: ح ٤٨٧٨ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣١ ح ٤٤٢١ وفيه «ويصم» بدل «ويهم» .

٤- غرر الحكم: ح ٩٢١ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥ ح ٧٠٤ .

٥- التراث: أصل التاء فيه واو . تقول: ورثت أبي ، وورثت الشيء من أبي (الصحيح: ج ١ ص ٢٩٥ «ورث») .

٦- البوائق: الغوائل والشُرور (النهاية: ج ١ ص ١٦٢ «بوق») .

٧- الكافي: ج ٨ ص ١٤٨ ح ١٩٠ عن جابر بن عبد الله ، تحف العقول: ص ٢٩ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٧ ص ١٣٢ ح ٤٢ ؛

نوادير الأصول: ج ١ ص ١٥٢ عن أنس نحوه ، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٤٢ ح ٤٤١٧٥ نقلاً عن ابن عساكر .

الف غفلت

امام علی علیه السلام: عِلَّتْ تباهی خِرَد، دنیادوستی است.

امام علی علیه السلام: زیب و زر دنیا، خِردهای ناتوان را تباه می گرداند.

امام علی علیه السلام: دنیادوستی، خِرَد را تباه می کند، گوش را از نیوشیدن حکمت، کر می سازد، و موجب عذاب دردناک می گردد.

امام علی علیه السلام: دنیا، قتلگاه خِردهاست.

ر. ک: ج ۲ ص ۹۹ (کمال یافتن شناخت / نگهداری خرد).

۴ / ۴ تباهی جانالف غفلتیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه شده است که می بینم دنیادوستی بر بسیاری از مردم، چیره آمده است، چندان که گویی مرگ در این دنیا برای دیگران رقم خورده، و انگار حق (وظیفه) در این دنیا بر غیر آنان واجب گشته است، و گویی از خبر مردگان پیش از خود، چیزی نشنیده و ندیده اند؟! راهشان راه گروهی مسافر است و به زودی به سوی آنان باز می گردند؛ آنان که به خانه های گور خویش رفته اند، و اینان میراث خوارشان شده اند، و می پندارند که پس از آنان جاودانه خواهند زیست. هیهات، هیهات! آیا آخرینشان از اولینشان پند نمی گیرند؟ سخنان پندآموز کتاب خدا را نفهمیدند و آنها را به فراموشی سپردند، و خویشتن را از گزند هر بدفرجامی ای در امان پنداشتند، و از فرود آمدن هیچ گونه مصیبت و رویداد مهلکی نهراسیدند.

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيمَا وَعَظَ بِهِ لُقْمَانَ ابْنَهُ: يَا بُنَيَّ... لَا تُكُنْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ شَاهٍ وَقَعْتَ فِي زَرْعٍ أَخْضَرَ فَأَكَلْتَ حَتَّى سَمِمْتَ (١)، فَكَانَ حَتْفُهَا عِنْدَ سَمِنِهَا. (٢)

بِالْحِرْصِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَشْرَبَ قَلْبُهُ حُبَّ الدُّنْيَا التَّاطَ (٣) مِنْهَا بِثَلَاثٍ: شَقَاءٌ لَا يَنْفَعُ عَنَاءَهُ، وَحِرْصٌ لَا يَبْلُغُ غِنَاءَهُ، وَأَمَلٌ لَا يَبْلُغُ مُنْتَهَاهُ. (٤)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا التَّاطَ قَلْبُهُ مِنْهَا بِثَلَاثٍ: هَمٌّ لَا يُغْنِيهِ (٥)، وَحِرْصٌ لَا يَتْرُكُهُ، وَأَمَلٌ لَا يُدْرِكُهُ. (٦)

١- في الكافي: «سمن»، والتصويب من بحار الأنوار.

٢- الكافي: ج ٢ ص ١٣٤ ح ٢٠، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٤ كلاهما عن يحيى بن عقبة الأزدي، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٦٩ ح ٣٦.

٣- التاط: لصق (النهاية: ج ٤ ص ٢٧٧ «لوط»).

٤- المعجم الكبير: ج ١ ص ١٦٣ ح ١٠٣٢٨، حليه الأولياء: ج ٨ ص ١٢٠ وليس فيه «عناه» وكلاهما عن عبد الله بن مسعود، تنبيه الغافلين: ص ٢٤٣ ح ٣١٧ عن أبي عبيدة الأسدي نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٤ ح ٦٢٦٦.

٥- أغببت القوم وغببت عنهم: إذا جثت يوما وتركت يوما. وفلان لا يُعْبِتُنَا عَطَاؤُهُ: أي لا يأتينا يوما دون يوم؛ بل يأتينا كل يوم (الصحاح: ج ١ ص ١٩٠ و ١٩١ «غب»). فالمعنى: هَمٌّ لَا يَفَارِقُهُ.

٦- نهج البلاغه: الحكمة ٢٢٨، غرر الحكم: ح ٨٧٤١ وفيه «لا يغنيه» بدل «لا يُعْبِتُهُ»، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ١٠٣ وفيه «رجاء لا يناله» بدل «حرص لا يتركه»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٠ ح ١٣٥.

ب آزمندی

امام صادق علیه السلام: از اندرزهای لقمان به فرزندش این بود که: «فرزندم!... در این دنیا به سان گوسفندی مباش که در سبزه زاری افتاده و چندان چریده که پروار گشته است و همان پرواری، مایه مرگ اوست».

ب آزمندی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دلش مالا مال از عشق به دنیا شود، سه چیز همواره با اوست: مشقتی که رنج آن تمام نمی شود، حرصی که به بی نیازی نمی انجامد، و آرزویی که به پایان نمی رسد.

امام علی علیه السلام: آن که دلش غرق دنیا دوستی شود، سه چیز از دنیا به دل او درمی آمیزد: اندوهی که دمی از او جدا نمی شود، حرصی که از او دست بر نمی دارد، و آرزویی که به آن نمی رسد.

عنه عليه السلام من كتاب له إلى معاوية: أما بعد، فإن الدنيا مشغلة عن غيرها، ولم يُصب صاحبها منها شيئاً إلا فتحت له حرصاً عليها ولها (١) بها، ولن يستغنى صاحبها بما نال فيها عما لم يبلغه منها، ومن وراء ذلك فراق ما جمَعَ ونَقَضَ ما أبرم! ولو اعتبرت بما مضى حفِظت ما بقى، والسلام. (٢)

عنه عليه السلام من كتاب له إلى عمرو بن العاص: أما بعد، فإن الدنيا مشغلة عن غيرها، وصاحبها مقهورٌ فيها، لم يُصب منها شيئاً قط إلا فتحت له حرصاً، وأدخلت عليه مؤونه تزيده رغبةً فيها، ولن يستغنى صاحبها بما نال عما لم يبلغه، ومن وراء ذلك فراق ما جمَعَ، والسعيد من وعظ بغيره. فلا تحبط أجرَكَ أبا عبد الله، ولا تجارين معاوية في باطله، فإن معاوية غمَصَ (٣) الناس وسفه الحق. (٤)

راجع: ج ٢ ص ١٠٢ (صلاح النفس).

ج الطمعرسول الله صلى الله عليه وآله: حرامٌ على كلِّ قلبٍ يحبُّ الدنيا أن يفارقه الطمَع. (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: لا تزال نفسُ ابنِ آدمَ شائبةً في طلبِ الدنيا، وإن التقت ترقوتاه من الكبر. (٦)

١- يلهج لهجا: إذا أغرى به فتاير عليه (الصحاح: ج ١ ص ٣٣٩ «لهج»).

٢- نهج البلاغه: الكتاب ٤٩، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٣٦، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٤٨٣ ح ٦٨٨ وراجع غرر الحكم: ح ٣٦٩٥

٣- غمَصَ الناس: احتقرهم (النهاية: ج ٣ ص ٣٨٦ «غمص»).

٤- وقعه صفين: ص ١١٠ وراجع ص ٤٩٨ وبحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٤٠٢ ح ٣٦٩.

٥- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٢٢.

٦- كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٠ ح ٦٢٤٢ نقلاً عن الديلمي عن أبي هريره.

ج طمع

امام علی علیه السلام در نامه اش به معاویه: «أما بعد؛ دنیا مایه باز داشتن از غیر خود (آخرت) است، و دنیاخواه، به چیزی از آن نمی رسد، جز آن که دری از آزمندی و شیفتگی به دنیا بر رویش گشوده می گردد، و با آنچه از دنیا به دست آورده، از آنچه به دست نیاورده است، هرگز احساس بی نیازی نمی کند، در حالی که سرانجام، باید آنچه را گرد آورده است، بگذارد و برود و آنچه را رسته است، پنبه کند! و تو اگر از آنچه گذشته است، پند می گرفتی، آنچه را مانده است، پاس می داشتی. بدرود!

امام علی علیه السلام در نامه اش به عمرو بن عاص: «أما بعد؛ دنیا مایه باز داشتن از غیر خود (آخرت) است، و دنیاپرست در آن، شکست خورده است. او هرگز به چیزی از دنیا نرسید، مگر آن که دنیا دری از آزمندی را به رویش گشود، و هزینه ای بر او بار کرد که موجب دنیاخواهی بیشتر او شد. دنیا دار، هر اندازه از دنیا به دست آورد، باز او را از آنچه به دست نیاورده است، بی نیاز نمی کند، در حالی که سرانجام او، جدا شدن از چیزی است که گرد آورده است. خوش بخت، کسی است که از دیگران پند گیرد. پس، ای ابو عبد الله! اجر خود را ضایع مکن، و با معاویه در راه باطلش همراهی منما؛ چرا که معاویه مردم را خوار می شمارد و برای حق، ارزشی قائل نیست.

ر. ک: ج ۲ ص ۱۰۳ (دوستی و پاکی نفس).

ج طمع پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جدا شدن طمع از دلی که دنیا دوست است، ناشدنی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نفس آدمی در دنیاخواهی، پیوسته جوان است، هر چند از شدت پیری، چنبرهای (۱) او به هم برسند.

۱- چنبر، چنبره یا ترقوه، استخوان باریک و نسبتاً بلندی در شانه است که هر یک از دو سر آن، دارای انحنايي مخالف آن دیگری است (ر. ک: لغت نامه دهخدا).

الإمام علي عليه السلام: حُبُّ الدُّنْيَا يُوْجِبُ الطَّمَعِ . (١)

د العبوديَّتها للإمام علي عليه السلام: مَنْ عَظُمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ ، وَكَبُرَ مَوْقِعُهَا فِي قَلْبِهِ ، آثَرَهَا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ؛ فَانْقَطَعَ إِلَيْهَا وَصَارَ عَبْدًا لَهَا . (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَعَشَى بَصِيرَتَهُ ، وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ ، فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِيحَةٍ ، وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ ، قَدْ خَرَقَتِ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ ، وَأَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ ، وَوَلَّهَتْ عَلَيْهَا نَفْسَهُ ، فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا وَلَمْ يَرَ فِي يَدَيْهِ شَيْءٌ مِنْهَا ، حَيْثُمَا زَالَ إِلَيْهَا ، وَحَيْثُمَا أَقْبَلَتْ أَقْبَلَ عَلَيْهَا ، لَا- يَنْزَجِرُ مِنَ اللَّهِ بِزَاجِرٍ ، وَلَا يَتَّعِظُ مِنْهُ بِوَاعِظٍ ، وَهُوَ يَرَى الْمَأْخُودِينَ عَلَى الْغُرِّهِ حَيْثُ لَا إِقَالَه وَلَا رَجَعَهُ كَيْفَ نَزَلَ بِهِمْ مَا كَانُوا يَجْهَلُونَ ، وَجَاءَهُمْ مِنْ فِرَاقِ الدُّنْيَا مَا كَانُوا يَأْمَنُونَ ، وَقَدِمُوا مِنَ الْآخِرَةِ عَلَى مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ، فَغَيَّرَ مُوصُوفٍ مَا نَزَلَ بِهِمْ . (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ الدِّينَارَ وَالدَّرْهَمَ فَهُوَ عَبْدُ الدُّنْيَا . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: أَبْنَاءُ الدُّنْيَا عَيْبِدُ مَا يَأْكُلُونَ وَيَلْبَسُونَ . (٥)

عيسى عليه السلام: لَا تَتَّخِذُوا الدُّنْيَا رَبًّا فَتَتَّخِذَ كُمْ عِبِيدًا . (٦)

١- غرر الحكم : ح ٤٨٧٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٣٢ ح ٤٤٣١ .

٢- نهج البلاغه : الخطبه ١٦٠ ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٣٦ ، أعلام الدين : ص ٢٤٦ وفيه «وعظم» بدل «وكبر» .

٣- نهج البلاغه : الخطبه ١٠٩ .

٤- الخصال : ص ١١٣ ح ٩١ عن الأصمغ بن نباته ، بحار الأنوار : ج ٢ ص ١٠٧ ح ٤ .

٥- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ١ ص ٢٧٢ ح ٨٤٣ ، علل الشرائع : ص ٣٤١ ح ١ كلاهما عن هشام بن الحكم ، بحار الأنوار : ج ٨٥ ص ١٤٧ ح ٢ .

٦- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٢٩ ، المحججه البيضاء : ج ٥ ص ٣٥٤ ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٣٢٧ ح ٤٨ .

د بردگی

امام علی علیه السلام: دنیا دوستی ، موجب طمعکاری می شود.

د بردگی امام علی علیه السلام: کسی که دنیا در نظرش بزرگ آید، و در دلش جایگاهی بشکوه یابد، آن را بر خداوند متعال مقدم می دارد، پس یکسره به دنیا روی می آورد و بنده آن می شود.

امام علی علیه السلام: کسی که عاشق چیزی شود، آن چیز دیده [دل] او را کم سو می گرداند، و دلش را بیمار می کند. در نتیجه، چنین کسی با چشمی ناسالم می نگرد، و با گوشی ناشنوا می شنود. خواست های دنیوی ، خرد او را از هم دریده، و دنیا دلش را میرانده، و جانش شیفته آن گردیده است. از این رو ، بنده دنیا و بنده کسی است که چیزی از دنیا دارد. به هر کجا که دنیا برود ، او نیز بدان جا می رود، و به هر سو که دنیا رو کند ، او نیز بدان رو می کند. با هیچ نهی ای از جانب خدا ، باز نمی ایستد، و از هیچ پندی از او ، اندرز نمی گیرد، در حالی که می بیند مرگ ، چه سان ناگهان گریبان دیگران را می گیرد و مجال پوزشخواهی و بازگشتی نمی دهد ، و آنچه نمی دانستند ، بر آنان فرود می آید، و از دنیا که خود را در آن ایمن می پنداشتند ، جدا می شوند، و به آنچه در آخرت وعده داده می شدند ، می رسند. آنچه بر سر آنان می آید ، به راستی در وصف نمی گنجد.

امام علی علیه السلام: هر که درهم و دینار را دوست بدارد ، بنده دنیاست.

امام صادق علیه السلام: دنیا پرستان ، بنده خوراک و پوشاک اند.

عیسی علیه السلام: دنیا را خداوندگار خویش مگیرید که شما را به بندگی می گیرد.

ه الجَزَعُ للإمام الكاظم عليه السلام في وَصِيَّتِهِ لِهَشَامٍ: يَا هَشَامُ، إِنَّ الْمَسِيحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِلْحَوَارِيِّينَ: ... إِنَّ أَجْزَعَكُمْ عِنْدَ الْبَلَاءِ لَأَشَدُّكُمْ حُبًّا لِلدُّنْيَا، وَإِنَّ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْبَلَاءِ لَأَزْهَدُكُمْ فِي الدُّنْيَا. (١)

و الشَّقَاءُ رسول الله صلى الله عليه وآله في وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، أَرْبَعُ خِصَالٍ مِنَ الشَّقَاءِ: جُمُودُ الْعَيْنِ، وَقَسَاوَةُ الْقَلْبِ، وَبُعْدُ الْأَمَلِ، وَحُبُّ الدُّنْيَا مِنَ الشَّقَاءِ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله من علامات الشَّقَاءِ: جُمُودُ الْعَيْنِ، وَقَسَاوَةُ الْقَلْبِ، وَشِدَّةُ الْحِرْصِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا، وَالْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ. (٤)

الإمام علي عليه السلام: سَبَبُ الشَّقَاءِ حُبُّ الدُّنْيَا. (٥)

عنه عليه السلام: إِيَّاكَ وَالْوَلَةَ بِالدُّنْيَا؛ فَإِنَّهَا تَوْرَثُكَ الشَّقَاءَ وَالْبَلَاءَ، وَتَحْدُوكَ (٦) عَلَى بَيْعِ الْبَقَاءِ بِالْفَنَاءِ. (٧)

١- تحف العقول: ص ٣٩٢٣٩٣ و ص ٥٠٩ من دون إسناد إلى الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٤٦ ح ٣٠؛ البدايه والنهايه: ج ٩ ص ٣٠٠، الدر المنثور: ج ٢ ص ٢٠٥ نقلاً عن أحمد وكلاهما عن وهب بن منبه نحوه.

٢- جُمُودُ الْعَيْنِ: قَلْبُهُ دَمَعَهَا؛ كُنْيَاهُ عَنْ قَسْوَةِ الْقَلْبِ (المصباح المنير: ص ١٠٧ «جمد»).

٣- تحف العقول: ص ١٢، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٦٠ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو و أنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، الخصال: ص ٢٤٣ ح ٩٧ عن محمد أبي مالك عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيهما «حبّ البقاء» بدل «حبّ الدنيا من الشقاء»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٦٥ ح ٥؛ مجمع الزوائد: ج ١٠ ص ٣٨٩ ح ١٧٦٨٥ نقلاً عن البرّار عن أنس وفيه «طول الأمل والحرص على الدنيا» بدل «بُعد الأمل وحبّ الدنيا من الشقاء».

٤- الكافي: ج ٢ ص ٢٩٠ ح ٦ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص ٤٧؛ مجمع الزوائد: ج ١٠ ص ٣٨٩ ح ١٧٦٨٥ نقلاً عن البرّار عن أنس نحوه.

٥- غرر الحكم: ح ٥٥١٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٩٨ ح ٢٢٦٩ نحوه.

٦- حُدا الإيْل: زَجَرَهَا وَسَاقَهَا (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٣١٥ «حدا»).

٧- غرر الحكم: ح ٢٧٠٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٩٨ ح ٢٢٦٩.

ه بی تابی

و شقاوت

ه بی تایمام کاظم علیه السلام در سفارش به هشام: ای هشام! مسیح علیه السلام به حواریان فرمود: «... بی تاب ترین شما در هنگام بلا، علاقه مندترین شما به دنیاست، و شکیباترینتان در بلا، زاهدترین شما در دنیاست».

و شقاوت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام: ای علی! چهار خصلت، از شقاوت است. خشکی چشم (۱) و قساوت قلب و آرزوی دراز و دنیادوستی، از شقاوت اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از نشانه های شقاوت اند: خشکی چشم، قساوت قلب، آزمندی شدید در طلب دنیا، و ادامه دادن به گناه.

امام علی علیه السلام: عُلّت شقاوت، عشق به دنیاست.

امام علی علیه السلام: زنهار از شیفتگی به دنیا، که بدبختی و رنج برایت بر جای می نهد، و به فروختن زندگی جاودانی به زندگی فناپذیر، وادارت می کند!

۱- کم گریستن. کنایه از سنگ دلی و نداشتن عاطفه و رقت قلب است (المصباح المنیر: ص ۱۰۷ «جمد»).

عنه عليه السلام: حُكِمَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا بِالشَّقَاءِ وَالْفَنَاءِ وَالذَّمَارِ وَالبَوَارِ . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا هَمَّهُ ، طَالَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَقَاؤُهُ وَعَمُّهُ . (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّهِ ، طَالَ شَقَاؤُهُ وَعَمُّهُ . (٣)

عنه عليه السلام: الدِّينُ يُجِلُّ ، الدُّنْيَا تُذِلُّ . (٤)

ز الهلاك رسول الله صلى الله عليه و آله :مَنْ جَعَلَ الِهُمُومَ هَمًّا وَاحِدًا ؛ هَمَّ آخِرَتِهِ ، كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّ دُنْيَاهُ . وَمَنْ تَشَعَّبَتْ بِهِ الِهُمُومُ فِي أَحْوَالِ الدُّنْيَا لَمْ يُبَالِ اللَّهُ فِي أَيِّ أَوْدِيَّتِهَا هَلَكَ . (٥)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ مَنْ كَانَتِ العَاجِلَةُ أَمَلَكَكَ بِهِ مِنَ الآجِلَةِ ، وَأُمُورُ الدُّنْيَا أَغْلَبَ عَلَيْهِ مِنْ أُمُورِ الآخِرَةِ ، فَقَدِ بَاعَ البَاقِيَ بِالفَاني ، وَتَعَوَّضَ البَائِدَ عَنِ الخَالِدِ ، وَأَهْلَكَ نَفْسَهُ وَرَضِيَ لَهَا بِالحَائِلِ الزَّائِلِ ، وَنَكَبَ بِهَا عَنِ نَهْجِ السَّبِيلِ . (٦)

عنه عليه السلام: كُلَّمَا ازدَادَ المَرءُ بِالدُّنْيَا شُغْلًا وَزَادَ بِهَا وَلَهَا ، أوردَتْهُ المَسَالِكُ وَأوقَعَتْهُ فِي المَهَالِكِ . (٧)

١- غرر الحكم : ح ٤٩٣٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٣٤ ح ٤٤٨٦ .

٢- غرر الحكم : ح ٩١١٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٢٥ ح ٧١٨٩ .

٣- كثر الفوائد : ج ١ ص ٣٤٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٣ .

٤- غرر الحكم : ح ٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٨ ح ٤٨ و ٤٩ .

٥- سنن ابن ماجه : ج ١ ص ٩٥ ح ٢٥٧ ، شعب الإيمان : ج ٢ ص ٣٠٦ ح ١٨٨٨ كلاهما عن عبد الله بن مسعود ، المستدرک

على الصحيحين : ج ٢ ص ٤٨١ ح ٣٦٥٨ وج ٤ ص ٣٦٤ ح ٧٩٣٤ كلاهما عن ابن عمر ، حليه الأولياء : ج ٢ ص ١٠٥ عن عبد الله بن مسعود وكلها نحوه ، كثر العمال : ج ٣ ص ٢٠٣ ح ٦١٧٨ .

٦- غرر الحكم : ح ٣٦٠٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٥٣ ح ٣٣٥١ .

٧- غرر الحكم : ح ٧٢٠٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٩٦ ح ٦٧١٤ .

ز هلاکت

امام علی علیه السلام: مردم دنیا، محکوم به بدبختی و نیستی و نابودی و هلاکت اند.

امام علی علیه السلام: کسی که دنیا هم و غم او باشد، در روز قیامت شقاوت و اندوه او به درازا می کشد.

امام علی علیه السلام: کسی که بزرگ ترین اهتمامش دنیا باشد، گرفتاری و اندوهش به درازا می کشد.

امام علی علیه السلام: دین، [آدمی را] ارجمند می گرداند، و دنیا، خوار می سازد.

ز هلاکت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس همه غصه هایش را یک غصه یعنی غصه آخرتش کند، خداوند غصه های دنیای او را برطرف می سازد، و هر کس انواع غصه های دنیا وجودش را فرا بگیرد، خداوند، اهمیتی نمی دهد که در کدام وادی از وادی های آن نابود می شود.

امام علی علیه السلام: کسی که زندگی کنونی، بیشتر از زندگی آینده اختیاردار او باشد و کارهای دنیا بر او چیره تر از کارهای آخرت باشد، هر آینه ماندگار را به فناپذیر فروخته، و جاویدان را با گذرا عوض کرده، و خویشتن را به نابودی افکنده، و زندگی دگرگون شونده زوال پذیر را برای خود پسندیده، و از راه روشن به کج راهه رفته است.

امام علی علیه السلام: هر گاه مشغله انسان به دنیا بیشتر شود و علاقه اش به آن فزون تر گردد، دنیا او را به راه های گوناگون می برد و وی را در مهلکه ها می افکند.

عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يُبَالِ مَا رُزِيَ (١) مِنْ آخِرَتِهِ إِذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْيَاهُ ، فَهُوَ هَالِكٌ . (٢)

عنه عليه السلام: آفَةُ النَّفْسِ الْوَلَةُ (٣) بِالْدُّنْيَا . (٤)

عنه عليه السلام: زُهِدَكَ فِي الدُّنْيَا يُنْجِيكَ ، وَرَغَبَتْكَ فِيهَا تُرْدِيكَ . (٥)

عنه عليه السلام: الرَّغْبَةُ مِفْتَاحُ الْعَطْبِ (٦) . (٧)

٤ / ١٥ الاستعلاء الإمام علي عليه السلام في خطبته المعروفه بالشقشقيه: فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكَّتَ (٨) طَائِفَةٌ ، وَمَرَقَتْ (٩) أُخْرَى ، وَقَسَطَ (١٠) آخَرُونَ ، كَمَا نَهَمُّ لَمْ يَسْمَعُوا اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ : «تَلَمَّكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجَعَلَهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَ الْعَقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (١١) ! بلى ، وَاللَّهِ سَمِعُوهَا وَوَعَوْهَا ، وَلَكِنَّهُمْ حَلَّتِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِهِمْ ، وَرَاقَهُمْ زَبْرُجُهَا . (١٢)

١- رزأته رزيته : أصابته مصيبه (الصحيح : ج ١ ص ٥٣ «رزأ»).

٢- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٨٢ ح ٥٨٣٣ ، معانى الأخبار : ص ١٩٨ ح ٤ ، الأمالى للطوسى : ص ٤٣٥ ح ٩٧٤ نحوه ، الأمالى للصدوق : ص ٤٧٨ ح ٦٤٤ كلها عن عبدالله بن بكر المرادى عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، روضه الواعظين : ص ٤٨٧ وفيهما «زرى» بدل «رزى» ، مشكاة الأنوار : ص ٢٠٨ ح ٥٦٦ وفيه «زوى» بدل «رزى» ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٧٧ ح ١ .

٣- الولة : ذهابُ العقل والتخيّر من شدّه الوجد (النهايه : ج ٥ ص ٢٢٧ «وله»).

٤- غرر الحكم : ح ٣٩٢٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٨٢ ح ٣٧٣١ وفيه «العقل» بدل «النفس» .

٥- غرر الحكم : ح ٥٤٧٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٧٦ ح ٥٠٣١ .

٦- عَطِبَ عَطْبًا : هَلَكَ (المحيط فى اللغة : ج ١ ص ٤١٠ «عطب»).

٧- كثر الفوائد : ج ١ ص ٢٧٩ ، أعلام الدين : ص ١٨٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٩١ ح ٩٥ .

٨- النَّكْتُ : نقض العهد (النهايه : ج ٥ ص ١١٤ «نكث»).

٩- مَرَقَ مِنَ الدِّينِ : خرج منه (المصباح المنير : ص ٥٦٩ «مرق»).

١٠- الْقَسَطُ : الْجَوْرُ وَالْعُدُولُ عَنِ الْحَقِّ (الصحيح : ج ٣ ص ١١٥٢ «قسط»).

١١- القصص : ٨٣ .

١٢- نهج البلاغه : الخطبه ٣ ، الإرشاد : ج ١ ص ٢٨٩ ، علل الشرائع : ص ١٥١ ح ١٢ نحوه ، الاحتجاج : ج ١ ص ٤٥٧ ح ١٠٥

كلها عن ابن عباس ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٢ ص ٢٠٥ .

۴ / ۵ برتری جویی

امام علی علیه السلام: کسی که هر گاه دنیایش سالم (و تأمین) باشد، برایش مهم نیست که چه بلایی بر سر آخرتش می آید، در هلاکت است.

امام علی علیه السلام: آفت نفس، شیفتگی به دنیا است.

امام علی علیه السلام: زهد تو در دنیا، تو را نجات می دهد، و دل بستگی تو به آن، تو را نابود می کند.

امام علی علیه السلام: دنیاخواهی، کلید نابودی است.

۴ / ۵ برتری جویامام علی علیه السلام در خطبه معروف به شقشقیه: چون زمام امور را به دست گرفتم، گروهی پیمان شکستند، عده ای از فرمان به در شدند، و عده ای سر از فرمان حق برتافتند. گویی آنان نشنیده اند که خداوند سبحان می فرماید: «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که خواهان برتری جویی و تباهکاری در زمین نیستند، و عاقبت، از آن تقوای پیشگان است». آری! به خدا سوگند که آن را شنیدند و فهمیدند؛ اما دنیا در چشم آنان زیبا نمود، و زرق و برق آن خیره شان ساخت.

راجع: ج ٢ ص ٢٩٢ (خصائص أبناء الآخرة).

٤ / ١٦ التنازُعُ عَنِّيهِ الخواطر: قِيلَ: صَيَحِبَ رَجُلٌ عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: أَكُونُ مَعَكَ وَأَصْحَبُكَ . فَاذْهَبَا فَانْتَهِمَا إِلَى شَطِّ نَهْرٍ فَجَلَسَا يَتَعَدَّيَانِ وَمَعَهُمَا ثَلَاثَةُ أَرْغِفَةٍ ، فَأَكَلَا رَغِيفَيْنِ وَبَقِيَ رَغِيفٌ ، فَقَامَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّهْرِ فَشَرِبَ مَاءً ، ثُمَّ رَجَعَ فَلَمْ يَجِدِ الرَّغِيفَ ، فَقَالَ لِلرَّجُلِ: مَنْ أَخَذَ الرَّغِيفَ؟ قَالَ: لَا أَدْرِي . قَالَ: فَانْطَلِقْ وَمَعَهُ صَاحِبُهُ ، فَرَأَى ظَبِيَّةً مَعَهَا خِشْفَانٍ (١) لَهَا ، فَدَعَا أَحَدَهُمَا فَأَتَاهُ فَدَبَّحَهُ فَأَشْوَى (٢) مِنْهُ ، فَأَكَلَ هُوَ وَذَلِكَ الرَّجُلُ ، ثُمَّ قَالَ لِلْخِشْفِ: قُمْ يَا ذَنِّ اللَّهِ ، فَقَامَ فَذَهَبَ . فَقَالَ لِلرَّجُلِ: أَسَأَ لِمَكَ بِالَّذِي أَرَاكَ هَذِهِ الْآيَةَ ، مَنْ أَخَذَ الرَّغِيفَ؟ قَالَ: لَا أَدْرِي . ثُمَّ انْتَهَيَا إِلَى وَادِي مَاءٍ ، فَأَخَذَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدَ الرَّجُلِ فَمَشَى عَلَى الْمَاءِ ، فَلَمَّا جَاوَزَاهُ قَالَ: أَسَأَ لُكَ بِالَّذِي أَرَاكَ هَذِهِ الْآيَةَ ، مَنْ أَخَذَ الرَّغِيفَ؟ قَالَ: لَا أَدْرِي . قَالَ: فَانْتَهِمَا إِلَى مَفَازِهِ (٣) فَجَلَسَا ، فَجَمَعَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ تُرَابًا أَوْ كَثِيبًا (٤) ، فَقَالَ: كُنْ ذَهَابًا يَا ذَنِّ اللَّهِ! فَصَارَ ذَهَابًا ، فَقَسَمَهُ ثَلَاثَةَ أَثْلَاقٍ فَقَالَ: ثَلْثُ لِي وَثَلْثُ لِمَكَ وَثَلْثُ لِمَنْ أَخَذَ الرَّغِيفَ . قَالَ: فَأَنَا أَخَذْتُ الرَّغِيفَ . فَقَالَ: فَكُلُّهُ لَكَ . قَالَ: وَفَارَقَهُ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَانْتَهَى إِلَيْهِ رَجُلَانِ فِي الْمَفَازَةِ وَمَعَهُ الْمَالُ ، فَأَرَادَا أَنْ يَأْخُذَاهُ مِنْهُ وَيَقْتُلَاهُ ، فَقَالَ: هُوَ بَيْنَنَا أَثْلَاقٌ ، قَالَ: فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ إِلَى الْقَرِيَةِ حَتَّى يَشْتَرِيَ طَعَامًا ، فَابْعَثُوا أَحَدَهُمْ ، فَقَالَ الَّذِي بَعِثَ: لِإِيَّيَّ شَيْءٍ أَقَاسِمُ هُوَ لِأَيِّ هَذَا الْمَالِ لِكُنِّي أَصْنَعُ فِي هَذَا الطَّعَامِ سَمًّا فَأَقْتُلُهُمَا ، فَفَعَلَ . وَقَالَ أَوْلَيْكَ: لِإِيَّيَّ شَيْءٍ نَجْعَلُ لِهَذَا ثَلْثَ الْمَالِ ، وَلَكِنْ إِذَا رَجَعَ قَتَلْنَاهُ وَاقْتَسَمْنَا الْمَالَ بَيْنَنَا . قَالَ: فَلَمَّا رَجَعَ إِلَيْهِمَا قَتَلَاهُ ، وَأَكَلَا الطَّعَامَ فَمَاتَا ، فَبَقِيَ ذَلِكَ الْمَالُ فِي الْمَفَازَةِ وَأَوْلَيْكَ الثَّلَاثَةَ قَتَلِي عِنْدَهُ . فَمَرَّ بِهِمْ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُمْ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ ، فَقَالَ لِأَيِّ صَحَابِيهِ: هَذِهِ الدُّنْيَا فَاحْذَرُوهَا . (٥)

١- الخِشْفُ: وَكَدُّ الغَزَالِ يَطْلُقُ عَلَى الذِّكْرِ وَالْأُنْثَى (المصباح المنير: ص ١٧٠ «خشف»).

٢- شَوَيْتُ اللَّحْمَ . . . وَأَشْوَيْتُهُ بِالْأَلْفِ لُغَةً (المصباح المنير: ص ٣٢٨ «شوى»).

٣- الْمَفَازَةُ: الْبَرِّيَّةُ الْقَفْرُ (النهاية: ج ٣ ص ٤٧٨ «فوز»).

٤- الْكَثِيبُ: الرَّمْلُ الْمَسْتَطِيلُ الْمَحْدُودُ (النهاية: ج ٤ ص ١٥٢ «كثب»).

٥- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٧٩ ، المحجَّه البيضاء: ج ٦ ص ١٠٣ عن ليث وراجع الدر المنثور: ج ٢ ص ٢١٩ .

ر. ک: ج ۲ ص ۲۹۳ (ویژگی های آخرت گرایان).

۴ / ۶ ستیزه تنبیه الخواطر: آورده اند که: مردی با عیسی بن مریم علیه السلام مصاحبت اختیار کرد و گفت: [می خواهم] با تو باشم و همراهی ات کنم. آن دو به راه افتادند و رفتند تا به کنار جوی آبی رسیدند و نشستند که غذایی بخورند. سه گرده نان با خود داشتند. دو گرده آن را خوردند و یکی باقی ماند. عیسی علیه السلام به طرف رود رفت و آبی نوشید و چون برگشت، آن گرده نان را ندید. به مرد گفت: «چه کسی نان را برداشت؟». مرد گفت: نمی دانم. عیسی علیه السلام با آن مرد به راه افتاد. در راه، آهوئی را دید که دو بچه آهو همراهش بودند. یکی از آن دو را صدا زد و آن بچه آهو جلو رفت. عیسی آن را سر برید و مقداری از گوشتش را بریان کرد و هر دو نفر خوردند. سپس به آن بچه آهو ذبح شده فرمود: «به اذن خدا، برخیز!» بچه آهو برخاست و رفت. عیسی علیه السلام به آن مرد گفت: «تو را به آن خدایی که این معجزه را نشانت داد، بگو چه کسی آن نان را برداشت؟». مرد گفت: نمی دانم. باز هم رفتند تا به رودخانه ای رسیدند. عیسی علیه السلام دست مرد را گرفت و هر دو، بر آب رفتند و چون از آن گذشتند، عیسی علیه السلام گفت: «تو را به آن خدایی که این معجزه را نشانت داد، بگو چه کسی نان را برداشت؟». مرد گفت: نمی دانم. رفتند تا به بیابانی رسیدند. هر دو نشستند. عیسی علیه السلام مشتی خاک یا ریگ برداشت و [به آن] گفت: «به اذن خدا، طلا شو!» و طلا شد. عیسی علیه السلام آنها را سه قسمت کرد و فرمود: «یک سوم، مال من، یک سوم، مال تو و یک سوم، مال کسی که نان را برداشته است». در این هنگام، مرد گفت: من نان را برداشته ام. عیسی گفت: «حال، همه اش مال تو» و از او جدا شد. در آن بیابان، دو مرد به او که حالا مقداری طلا با خود داشت رسیدند. خواستند او را بکشند و طلاهایش را بردارند؛ اما او گفت: طلاها را میان خود به سه قسمت می کنیم. و گفت: یک نفرمان را به آبادی بفرستیم تا غذایی بخرد. یک نفرشان را فرستادند. آن که رفته بود، با خود گفت: چرا این طلاها را با اینها قسمت کنم. در این غذا سَمی می ریزم و آن دو را می کشم. و این کار را کرد. آن دو نفر هم گفتند: چرا یک سوم طلاها را به او بدهیم. وقتی برگشت، او را می کشیم و طلاها را میان خودمان تقسیم می کنیم. چون آن مرد برگشت، او را کشتند، و غذا را خوردند و خود نیز مردند، و در آن بیابان، آن طلاها ماند و سه کشته در کنارش. عیسی علیه السلام در این حال بر آنان گذشت. به یارانش فرمود: «این است دنیا! از آن حذر کنید».

ص: ٤٢١

..

٧ / ٤ التَّعْبَرُ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْبَدَنَ ، وَالرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُتْعِبُ الْبَدَنَ . (١)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اسْتَرَاخَ قَلْبُهُ وَبَدَنُهُ ، وَمَنْ رَغِبَ فِيهَا تَعَبَ قَلْبُهُ وَبَدَنُهُ . (٢)

عنه عليه السلام فِي التَّزْهِيدِ فِي الدُّنْيَا: مَنْ رَغِبَ فِيهَا أَتَعَبَتْهُ وَأَشَقَّتْهُ . (٣)

عنه عليه السلام: تَمَرَهُ الْوَلِيُّ بِالْدُّنْيَا عَظِيمُ الْمِحْنَةِ . (٤)

عنه عليه السلام: قُرِنَتِ الْمِحْنَةُ بِحُبِّ الدُّنْيَا . (٥)

راجع: ص ٢٨ (خصائص الدنيا / دار محنة) .

٨ / ٤ الحُزْنَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُكْثِرُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ . (٦)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الدُّنْيَا مَشْغَلَةٌ لِلْقَلْبِ وَالْيَدَيْنِ ، فَإِنَّ اللَّهَ يَسْأَلُ أَهْلَ الدُّنْيَا عَمَّا نَعَمُوا فِي حَلَالِهَا ، فَكَيْفَ بِمَا نَعَمُوا فِي حَرَامِهَا؟ (٧)

١- الفردوس: ج ٢ ص ٢٩٩ ح ٣٣٦٤ عن أبي هريرة .

٢- إرشاد القلوب: ص ١٢٥ .

٣- غرر الحكم: ح ٨٤٨١ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٦ ح ٨٢٤٣ .

٤- غرر الحكم: ح ٤٦١١ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٠٨ ح ٤١٩٠ .

٥- غرر الحكم: ح ٦٧٢١ وح ١٠٦٠ نحوه ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٦٩ ح ٦٢١٨ .

٦- الخصال: ص ٧٣ ح ١١٤ عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها عليه السلام ، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٨ ح ١٥٦٤ ، روضه

الواعظين: ص ٤٨٤ ، إرشاد القلوب: ص ١٩ عن الإمام علي عليه السلام وفيه «تورث» بدل «تكثر» ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩١

ح ٦٥؛ مسند الشهاب: ج ١ ص ١٨٨ ح ٢٧٨ عن عبد الله بن عمرو .

٧- الأمل للطوسي: ص ٥٣٢ ح ١١٦٢ ، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٦٩ ح ٢٦٦١ نحوه وكلاهما عن أبي ذرّ ، بحار الأنوار:

ج ٧٧ ص ٨١ ح ٣ .

۴ / ۷ خستگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دل برکندن از دنیا، مایه آسایش تن است و دنیاخواهی، موجب خستگی تن.

امام علی علیه السلام: آن که به دنیا زهد ورزید، دل و تنش آسود، و آن که در پی آن برآمد، دل و تنش خسته شد.

امام علی علیه السلام در تشویق به ترک دنیا: هر که دنیاخواه شد، دنیا او را خسته و رنجور ساخت.

امام علی علیه السلام: ثمره شیفگی به دنیا، رنج بسیار است.

امام علی علیه السلام: دنیا دوستی و رنج، همنشین اند.

ر. ک: ص ۲۹ (ویژگی های دنیا / محنتکده).

۴ / ۸ اندوه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیاخواهی، گرفتگی و اندوه را زیاد می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا مایه سرگرمی دل و تن [و غافل داشتن آنها از آخرت] است. خداوند از مردم دنیا درباره

نعمت های حلالی که برخوردار بوده اند، بازخواست می کند، چه رسد به برخوردارانی آنان از نعمت های حرام دنیا.

الإمام علي عليه السلام: لِلْمُسْتَحْلَى لَذَّةُ الدُّنْيَا غَضَّةٌ. (١)

عنه عليه السلام: الْمُسْتَمْتِعُونَ بِالدُّنْيَا تَبْكِي قُلُوبُهُمْ وَإِنْ فَرِحُوا ، وَيَسْتَدُّ مَقْتُهُمْ لِأَنَّ نَفْسَهُمْ وَإِنْ اغْتَبَطُوا بِبَعْضِ مَا مِنْهَا رُزِقُوا . الدُّنْيَا فَايَةٌ لَا بَقَاءَ لَهَا ، وَالْآخِرَةُ بَاقِيَةٌ لَا فَنَاءَ لَهَا . الدُّنْيَا مُقْبِلَةٌ إِلَى الْآخِرَةِ ، وَالْآخِرَةُ مَلْجَأُ الدُّنْيَا . (٢)

عنه عليه السلام في بيان مَضَارِّ حُبِّ الدُّنْيَا: مَنْ اسْتَشَعَرَ الشَّغْفَ (٣) بِهَا مَلَأَتْ ضَمِيرَهُ أَشْجَانًا لَهَنَّ رَقِصَ عَلَى سُودَاءِ قَلْبِهِ: (٤) هُمْ يَشْغَلُهُ ، وَغَمٌّ يَحْزُنُهُ ، كَذَلِكَ حَتَّى يُؤْخَذَ بِكَظْمِهِ (٥) فَيُلْقَى بِالْفَضَاءِ مُنْقَطِعًا أَبْهَرًا (٦) ، هَيِّنًا عَلَى اللَّهِ فَنَآؤُهُ وَعَلَى الْإِخْوَانِ الْفَآؤُهُ . (٧)

عنه عليه السلام في الدِّيَوَانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ : أَفْ عَلَى الدُّنْيَا وَأَسْبَابُهَا فَإِنَّهَا لِلْحُزَنِ مَخْلُوقَةٌ هُمُومُهَا مَا تَنْقُضِي سَاعَهُ عَنِ مَلِكِكَ فِيهَا وَعَنْ سَوْقِهِ (٨)

- ١- غرر الحكم: ح ٧٣٣٣ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٠٤ ح ٦٨٢٣ .
- ٢- مطالب السؤول: ص ٥٢؛ بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢١ ح ٨٢ .
- ٣- شَغِفَ بالشيء: أَوْلِعَ بِهِ (تاج العروس: ج ١٢ ص ٣٠٨ «شغف»).
- ٤- سَوَادُ الْقَلْبِ: حُبُّهُ ، وَقِيلَ: دَمُهُ ، وَإِذَا صَغَّرُوا رَدَّوهُ إِلَى سُودَاءِ (لسان العرب: ج ٣ ص ٢٢٧ «سود»).
- ٥- الْكَظْمُ: هُوَ مَخْرَجُ النَّفْسِ مِنَ الْحَلْقِ (النهاية: ج ٤ ص ١٧٨ «كظم»).
- ٦- الْأَبْهَرُ: عِزْقٌ فِي الظَّهْرِ ، وَهِيَ أَبْهَرَانُ (النهاية: ج ١ ص ١٨ «أبهر»).
- ٧- نهج البلاغه: الحكمه ٣٦٧ ، تحف العقول: ص ٢٢١ نحوه ، غرر الحكم: ح ٩٠٦٠ وفيه «بعيدا على الإخوان لقاؤه» بدل «على الإخوان لقاؤه» ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣١ ح ١٣٥ .
- ٨- الدِّيَوَانِ الْمَنْسُوبِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ص ٣٩٠ الرِّقْمُ ٣٠١ .

امام علی علیه السلام: کسی که لذت دنیا را شیرین بشمرد، اندوه به سراغش می آید.

امام علی علیه السلام: برخورداران از دنیا، دل هایشان می گرید، اگرچه [به ظاهر] شاد باشند، و از خویشتن سخت در خشم اند، اگرچه برای آنچه از دنیا روزی داده شده اند، مورد غبطه دیگران باشند. دنیا، فناپذیر است و بقایی ندارد، و آخرت، ماندگار است و فنا نمی پذیرد. دنیا رو به آخرت دارد، و آخرت، پناهگاه دنیاست.

امام علی علیه السلام در بیان زیان های دنیادوستی: آن که دل باخته دنیا شود، دنیا اندرون او را آکنده از اندوه ها (نگرانی ها) می کند که در سویدای دلش به رقص در می آیند. اندوهی او را به خود مشغول می سازد، و غصه ای اندوهگینش می کند، تا آن که گلویش گرفته، شاه رگ هایش از کار می افتند و در گوشه ای افکنده می شود. خداوند، به آسانی نابودش می کند، و دوستان، به راحتی در گورش می افکنند.

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان: تفو بر دنیا و اسباب آن/ که برای غم و اندوه آفریده شده است غم هایش
دمی پایان نمی گیرند/ نه برای شاه و نه برای رعیت .

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ: هَمٌّ لَا يَفْنَى، وَأَمَلٌ لَا يُدْرِكُ، وَرَجَاءٌ لَا يُنَالُ. (١)

١٩ / ٤ الحسرها للإمام علي عليه السلام: مَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا هِمَّتَهُ، اشْتَدَّتْ حَسْرَتُهُ عِنْدَ فِرَاقِهَا. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ كَثُرَ اشْتِبَاكُهُ بِالدُّنْيَا، كَانَ أَشَدَّ لِحَسْرَتِهِ عِنْدَ فِرَاقِهَا. (٣)

١٠ / ٤ أفساد الدين بالكتاب «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَيْدًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ * ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْبَبُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ». (٤)

١- الكافي: ج ٢ ص ٣٢٠ ح ١٧، الخصال: ص ٨٨ ح ٢٢، تحف العقول: ص ٣٦٧، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٨ ح ١٥٦٥، روضه الواعظين: ص ٤٨٤.

٢- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٨٢ ح ٥٨٣٣، معاني الأخبار: ص ١٩٨ ح ٤، الأمالي للطوسي: ص ٤٣٥ ح ٩٧٤ نحوه، الأمالي للصدوق: ص ٤٧٧ ح ٦٤٤ كلها عن عبدالله بن بكر المرادي عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٨ ح ٥٦٦، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٧٣ عن الإمام زين العابدين عليه السلام، روضه الواعظين: ص ٤٨٧، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٧٦ ح ١.

٣- الكافي: ج ٢ ص ٣٢٠ ح ١٦ عن حفص بن قرط، عدّه الداعي: ص ١٠٥، مشكاة الأنوار: ص ٤٧٣ ح ١٥٨٢، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٩ ح ٨.

٤- النحل: ١٠٦ و ١٠٧.

۴ / ۹ افسوس

۴ / ۱۰ تباهی دین

امام صادق علیه السلام: هر که به دنیا دل بسته شود، دلش به سه چیز بسته می شود: اندوه پایان ناپذیر، آرزوی دست نیافتنی، و امید نارسیدنی.

۴ / ۹ افسوس امام علی علیه السلام: هر که مطلوبش دنیا باشد، در هنگام جدایی از آن، افسوس بسیار می خورد.

امام صادق علیه السلام: کسی که زیاد گرفتار دنیا شود، هنگام جدا شدن از آن، بیشترین افسوس را می خورد.

۴ / ۱۰ تباهی دینقرآن «هر که پس از ایمان آوردنش، به خدا کفر ورزد [، عذابی سخت خواهد داشت]، مگر آن کس که مجبور شده؛ ولی قلبش به ایمان، اطمینان دارد؛ لیکن هر کس سینه اش به کفر گشاده گردد، خشم خدا بر آنان است و بر آنان عذابی بزرگ خواهد بود؛ زیرا آنان زندگی دنیا را بر آخرت، برتری داده اند و [هم] این که خدا گروه کافران را هدایت نمی کند».

«وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ * الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ» . (١)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَصْبَحَ مِنْ أُمَّتِي وَهَمُّهُ غَيْرُ اللَّهِ ، فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَصْبَحَ وَالدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ ، فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ أَكْثَرَ هَمِّهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَأَكْثَرَ سَعْيِهِ لِلدُّنْيَا تَفَنَّى ، فَلَيْسَ مِنَ الدِّينِ فِي شَيْءٍ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» يَمْنَعُ الْعِبَادَ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ تَعَالَى مَا لَمْ يُؤْثِرُوا صَفَقَةَ دُنْيَاهُمْ عَلَى دِينِهِمْ ، فَإِذَا آثَرُوا صَفَقَةَ دُنْيَاهُمْ عَلَى دِينِهِمْ ، ثُمَّ قَالُوا: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» رُدَّتْ عَلَيْهِمْ ، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: كَذَّبْتُمْ . (٥)

١- إبراهيم: ٢ و ٣ .

٢- المحاسن: ج ١ ص ٣٢٤ ح ٦٤٩ عن محمد بن القاسم الهاشمي عن الإمام الصادق عليه السلام ، جامع الأحاديث للقمي: ص ١٢١ وفيه «وأكبر همّه» بدل «من أمتي» ، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٤٣ ح ١٢ ؛ المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٥٦ ح ٧٩٠٢ عن عبد الله بن مسعود ، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٦١ ح ١٠٥٨٦ عن أنس ، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٥ ح ٦٢٦٨ .

٣- المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٥٢ ح ٧٨٨٩ عن حذيفة ، المعجم الأوسط: ج ١ ص ١٥١ ح ٤٧١ عن أبي ذر ، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٦١ ح ١٠٥٨٥ عن أنس وكلاهما نحوه ، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٥ ح ٦٢٦٧ ؛ تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٠ ، المحجّه البيضاء: ج ٥ ص ٣٥٥ .

٤- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١١٦ .

٥- نوادر الأصول: ج ٢ ص ٧٣ ، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٣٧ ح ١٠٤٩٧ نحوه وكلاهما عن أنس ، كنز العمال: ج ١ ص ٦٢ ح ٢٢١ .

«وای بر کافران از عذابی سخت؛ همانان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند و مانع راه خدا می شوند و آن را کج می جویند! آنان در گم راهی دور و درازی هستند».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر فردی از امت من که صبح کند و دغدغه اش غیر خدا باشد، از خدا نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که صبح کند و دنیا بزرگ ترین دل مشغولی او باشد، نزد خداوند جایگاهی ندارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که بیشترین دغدغه اش زندگی دنیا، و بیشترین تلاشش برای لذت های فناپذیر باشد، از دین بهره ای ندارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [گفتن] لا إله إلا الله، بندگان را از خشم خداوند متعال نگه می دارد، تا زمانی که داد و ستد [و منافع] دنیایشان را بر دینشان مقدم ندارند. و هر گاه داد و ستد دنیایشان را بر دینشان مقدم بدانند و با این حال بگویند: «لا إله إلا الله»، به خودشان پس زده می شود و خداوند متعال می گوید: دروغ می گویند.

عنه صلى الله عليه وآله: أَنْتُمْ الْيَوْمَ عَلَى بَيْنِهِ مِنْ رَبِّكُمْ ، قَدْ بَيَّنَّ اللَّهُ تَعَالَى طَرِيقَكُمْ ، مَا لَمْ تَظْهَرِ فِيكُمْ السَّكَرَتَانِ (١) : سَكَرُهُ الْعَيْشُ ، وَسَيَّكْرُهُ الْجَهْلُ . فَأَنْتُمْ الْيَوْمَ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَسَتَحْوَلُونَ عَنْ ذَلِكَ إِذَا فَشَا فِيكُمْ حُبُّ الدُّنْيَا ؛ فَلَا تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَتُجَاهِدُونَ فِي غَيْرِ سَبِيلِ اللَّهِ . وَالْقَائِمُونَ يَوْمَئِذٍ بِالْكِتَابِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً ، كَالسَّابِقِينَ الْأَوَّلِينَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ . (٢)

الإمام علي عليه السلام: فَسَادُ الدِّينِ الدُّنْيَا . (٣)

عنه عليه السلام: مَا أَفْسَدَ الدِّينَ كَالدُّنْيَا . (٤)

عنه عليه السلام: مَنْ عَمَّرَ دُنْيَاهُ ، أَفْسَدَ دِينَهُ وَأَخْرَبَ أُخْرَاهُ . (٥)

عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَمَفْسَدَةٌ الدِّينِ وَمَسَلَبَةُ الْيَقِينِ ، وَإِنَّهَا لَرَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ الْمِحَنِ . (٦)

عنه عليه السلام: حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَوَلِّهِ بِالدُّنْيَا أَنْ يَسْكُنَهُ التَّقْوَى . (٧)

الإمام الحسين عليه السلام: إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا ، وَالَّذِينَ لَعَقُوا عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ (٨) يَحْوِطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ ، فَإِذَا مُحِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ . (٩)

١- السُّكْرُ: غَيْبُوبَةُ الْعَقْلِ وَاجْتِلَاطُهُ مِنَ الشَّرَابِ ، وَقَدْ يَعْتَرِي الْإِنْسَانَ مِنَ الْغَضَبِ أَوْ الْعَشْقِ أَوْ الْقَوَّةِ أَوْ الظَّفَرِ (المعجم الوسيط: ج ١ ص ٤٣٨ «سكر»).

٢- تنبيه الغافلين: ص ٩٩ ح ١٠٠ ، نوادر الأصول: ج ٢ ص ٤٨ نحوه وراجع حليه الأولياء: ج ٨ ص ٤٩ .

٣- غرر الحكم: ح ٦٥٥٤ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥٧ ح ٦٠٤٠ .

٤- غرر الحكم: ح ٩٤٧٦ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٠ ح ٨٨٣١ .

٥- غرر الحكم: ح ٨٨٥٨ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٧ ح ٨٢٨٣ .

٦- غرر الحكم: ح ٣٥١٨ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٥٢ ح ٣٣٣٠ .

٧- غرر الحكم: ح ٤٩٠٤ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣٣ ح ٤٤٧٢ .

٨- قال الطريحي: من كلام علي عليه السلام: «وصار دين أحدكم لُغْفَةً على لسانه»؛ قال بعض الشارحين: اللُّغْفَةُ: اسم لما تأخذه الملعقة، استعاره للإقرار بالدين باللسان، وكنتى به عن ضعفه وقتلته (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٣٤ «لعق»).

٩- تحف العقول: ص ٢٤٥ ، كشف الغمّة: ج ٢ ص ٢٤٤ عن الفرزدق وفيه «لغو» بدل «لعق» و «المال» بدل «الدنيا» ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١١٧ ح ٢ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شما امروز دارای حجّتی آشکار از جانب پروردگارتان هستید. خداوند متعال، تا زمانی که دو مستی در میان شما نمایان نشود، راه شما را آشکار ساخته است: مستی زندگی، و مستی نادانی. شما امروز، امر به معروف و نهی از منکر می کنید، و در راه خدا به جهاد می پردازید؛ ولی زودا که با شیوع دنیادوستی در میانتان، از این حال برگردید و دیگر امر به معروف و نهی از منکر نکنید و در غیر راه خدا بجنگید. کسانی که در آن هنگام، در نهان و آشکار، به کتاب [خدا] پایبندی نشان می دهند، همانند نخستین پیشگامان مهاجران و انصار هستند.

امام علی علیه السلام: دنیا، مایه تباهی دین است.

امام علی علیه السلام: هیچ چیزی مانند دنیا، دین را تباه نکرد.

امام علی علیه السلام: هر کس دنیای خویش را آباد ساخت، دینش را تباه و آخرتش را ویران نمود.

امام علی علیه السلام: دنیا، مایه تباهی دین و از بین رفتن یقین است، و اساس فتنه ها و ریشه رنج هاست.

امام علی علیه السلام: بر هر دلی که شیفته دنیا است، حرام است که تقوا در آن، خانه کند.

امام حسین علیه السلام: مردم، بنده دنیایند و به ظاهر، دم از دین می زنند و تا زمانی که زندگی شان تأمین شود، از آن دفاع می کنند؛ اما چون در بوته آزمایش قرار گیرند، دینداران اندک اند.

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ صَفَّتْ لَهُ دُنْيَاهُ فَاتَّهَمَهُ فِي دِينِهِ . (١)

عنه عليه السلام: إِذَا صَلَّحَ أَمْرُ دُنْيَاكَ فَاتَّهَمَ دِينَكَ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: ما هذه الدنيا لطالبها إلا عناء وهو لا يدري إن أقبلت شغلت ديانته إن أدبرت شغلته بالفقر (٣)

راجع: ج ٢ ص ١٠٦ (بركات الزهد / صلاح الدين) .

١١ / ٤ / عَدَمُ الْإِلْتِذَاذِ بِالْعِبَادَةِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّهُ كَمَا يَنْظُرُ الْمَرِيضُ إِلَى طَيِّبِ الطَّعَامِ فَلَا يَلْتَذُّهُ مَعَ مَا يَجِدُهُ مِنْ شِدَّةِ الْوَجَعِ؛ كَذَلِكَ صَاحِبُ الدُّنْيَا لَا يَلْتَذُّ بِالْعِبَادَةِ وَلَا يَجِدُ حَلَاوَتَهَا مَعَ مَا يَجِدُ مِنْ حُبِّ الْمَالِ. وَكَمَا يَلْتَذُّ الْمَرِيضُ نَعْتِ الطَّيِّبِ الْعَالِمِ بِمَا يَرْجُو فِيهِ مِنَ الشُّفَاءِ، فَإِذَا ذَكَرَ مَرَارَةَ الدَّوَاءِ وَطَعَمَهُ كَدَّرَ عَلَيْهِ الشُّفَاءَ، كَذَلِكَ أَهْلُ الدُّنْيَا يَلْتَذُّونَ بِبَهْجَتِهَا وَأَنْوَاعِ مَا فِيهَا فَإِذَا ذَكَرُوا فُجَاءَةَ الْمَوْتِ كَدَّرَهَا عَلَيْهِمْ وَأَفْسَدَهَا. (٤)

١- الأُمالي للطوسي: ص ٢٨٠ ح ٥٤٠ وص ٢٨٤ ح ٥٥٢ كلاهما عن المنصوري عن عم أبيه عن الإمام الهادي عن آبائه عليهم السلام .

٢- تحف العقول: ص ٣٥٩، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٤٢ ح ٣٠ .

٣- الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام: ص ٢٦٢ الرقم ١٨٤ .

٤- تحف العقول: ص ٥٠٧، التحصين لابن فهد: ص ٥ ح ٢، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣١٠ ح ١٧ وراجع عدّه الداعي: ص

۴ / ۱۱ لذت نبردن از عبادت

امام صادق علیه السلام: هر که دنیایش به کام او شد، وی را در دینش متهم کن .

امام صادق علیه السلام: هر گاه کار دنیایت درست شد، به دینداری ات بدگمان شو.

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان: این دنیا برای جوینده اش نیست / مگر رنج، و او خود نمی داند دنیا اگر روی آورد، او را از دینش باز می دارد/ و چون برود، او را به فقر گرفتار می سازد .

ر . ک : ج ۲ ص ۱۰۷ (برکت های زهد / درستی دین) .

۴ / ۱۱ لذت نبردن از عبادت عیسی علیه السلام: به حق برایتان می گویم: همان گونه که بیمار به خوراک خوش مزه می نگرد، اما از شدت دردی که دارد، از آن لذتی نمی برد، دنیادار نیز به سبب عشق به ثروت، از عبادت لذت نمی برد و شیرینی آن را نمی چشد. و همان گونه که بیمار از نسخه طیب حاذق، به خاطر امید شفایی که در آن دارد، لذت می برد، اما چون تلخی دارو و مزه اش را به یاد آورد، شفا در نظرش تیره می شود، اهل دنیا نیز از زرق و برق دنیا و انواع خوشی هایی که در آن است، لذت می برند؛ اما چون غافلگیری مرگ را به یاد آورند، همه این لذت ها را بر آنان تیره و تباه می سازد.

رسول الله صلى الله عليه وآله: ما جَفَوْهُ الْعُيُونُ إِلَّا مِنْ كَثْرَةِ الذُّنُوبِ ، وما كَثُرَ الذُّنُوبُ إِلَّا مِنْ قَلَّةِ الْوَرَعِ ، وما قَلَّ الْوَرَعُ إِلَّا مِنْ كَثْرَةِ الْجَفَاءِ ، وما كَثُرَ الْجَفَاءُ إِلَّا مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا . (١)

١٢ / ٤ حَبِطُ الْأَعْمَالِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سِتَّةُ أَشْيَاءَ تُحْبِطُ الْأَعْمَالَ : الْإِسْتِغَالُ بِعُيُوبِ الْخَلْقِ ، وَقَسْوَةُ الْقَلْبِ ، وَحُبُّ الدُّنْيَا ، وَقَلَّةُ الْحَيَاءِ ، وَطُولُ الْأَمَلِ ، وَظَالِمٌ لَا يَنْتَهَى . (٢)

١٣ / ٤ الشُّغْلُ عَنِ الْآخِرَةِ لِإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُؤْمِنٌ فَقِيرٌ شَدِيدُ الْحَاجَةِ مِنْ أَهْلِ الصُّفَّةِ (٣) ، وَكَانَ مُلَازِمًا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كُلِّهَا لَا يَفْقِدُهُ فِي شَيْءٍ مِنْهَا ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَرِيقُ لَهُ وَيَنْظُرُ إِلَى حَاجَتِهِ وَغُرْبَتِهِ ، فَيَقُولُ : يَا سَعِدُ ، لَوْ قَدِ جَاءَنِي شَيْءٌ لَأَغْنَيْتَكَ . قَالَ : فَأَبْطَأَ ذَلِكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَاشْتَدَّ غَمُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِسَعْدٍ ، فَعَلِمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَا دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ غَمِّهِ لِسَعْدٍ . فَأَهْبَطَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعَهُ دِرْهَمَانِ ، فَقَالَ لَهُ : يَا مُحَمَّدُ ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلِمَ مَا قَدْ دَخَلَكَ مِنَ الْغَمِّ لِسَعْدٍ ، أَفْتَحِبُّ أَنْ تُغْنِيَهُ؟ فَقَالَ : نَعَمْ . فَقَالَ لَهُ : فَهَآكَ هَذَيْنِ الدَّرْهَمَيْنِ فَأَعْطِيهِمَا إِيَّاهُ وَمُرَّهُ أَنْ يَتَّجِرَ بِهِمَا . قَالَ : فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى صِيَاةِ الظُّهْرِ ، وَسَعَدٌ قَائِمٌ عَلَى بَابِ حُجْرَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَنْتَظِرُهُ ، فَلَمَّا رَأَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : يَا سَعِدُ ، أَتُحْسِنُ التَّجَارَةَ؟ فَقَالَ لَهُ سَعِدٌ : وَاللَّهِ مَا أَصْبَحْتُ أَمْلِكُ مَالًا أَتَّجِرُ بِهِ! فَأَعْطَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الدَّرْهَمَيْنِ ، وَقَالَ لَهُ : أَتَّجِرُ بِهِمَا وَتَصَيَّرُ لِرِزْقِ اللَّهِ . فَأَخَذَهُمَا سَعِدٌ وَمَضَى مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى صَلَّى مَعَهُ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : قُمْ فَاطْلُبِ الرِّزْقَ ، فَقَدْ كُنْتَ بِحَالِكَ مُغْتَمًا يَا سَعِدُ . قَالَ : فَأَقْبَلَ سَعِدٌ لَا يَشْتَرِي بِدِرْهَمٍ شَيْئًا إِلَّا بَاعَهُ بِدِرْهَمَيْنِ وَلَا يَشْتَرِي شَيْئًا بِدِرْهَمَيْنِ إِلَّا بَاعَهُ بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمٍ ، فَأَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَى سَعْدٍ فَكَثُرَ مَتَاعُهُ وَمَالُهُ وَعَظُمَتِ تِجَارَتُهُ ، فَاتَّخَذَ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ مَوْضِعًا وَجَلَسَ فِيهِ فَجَمَعَ تِجَارَتَهُ إِلَيْهِ ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَقَامَ بِلَالٌ لِلصَّلَاةِ يَخْرُجُ وَسَعَدٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنْيَا ، لَمْ يَنْظُرْهُ وَلَمْ يَتَّهَيْأَ كَمَا كَانَ يَفْعَلُ قَبْلَ أَنْ يَشْتَغَلَ بِالدُّنْيَا ، فَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : يَا سَعِدُ ، شَغَلْتِكَ الدُّنْيَا عَنِ الصَّلَاةِ! فَكَانَ يَقُولُ : مَا أَصْنَعُ ، أَضَيِّعُ مَالِي؟! هَذَا رَجُلٌ قَدْ بَعَثَهُ فَأَرِيدُ أَنْ أُسْتَوْفَى مِنْهُ ، وَهَذَا رَجُلٌ قَدْ اشْتَرَيْتُ مِنْهُ فَأَرِيدُ أَنْ أُؤْفِيَهُ . قَالَ : فَدَخَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ أَمْرِ سَعْدٍ غَمٌّ أَشَدُّ مِنْ غَمِّهِ بِفَقْرِهِ ، فَهَيَّطَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلِمَ عَمَّا كَسَبَ سَعِدٌ ، فَأَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ ، حَالُهُ الْأُولَى أَوْ حَالُهُ هَذِهِ؟ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا جِبْرَائِيلُ ، بَلْ حَالُهُ الْأُولَى ، قَدْ أَذْهَبَتْ (٤) دُنْيَاهُ بِآخِرَتِهِ . فَقَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا وَالْأَمْوَالَ فِتْنَةٌ وَمَشْغَلَةٌ عَنِ الْآخِرَةِ ، قُلْ لِسَعْدٍ يَزُودُ عَلَيْكَ الدَّرْهَمَيْنِ اللَّذَيْنِ دَفَعْتَهُمَا إِلَيْهِ ، فَإِنْ أَمْرُهُ سَيَصِيرُ إِلَى الْحَالِ الَّتِي كَانَ عَلَيْهَا أَوْلًا . قَالَ : فَخَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَمَرَّ بِسَعْدٍ ، فَقَالَ لَهُ : يَا سَعِدُ ، أَمَا تُرِيدُ أَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ الدَّرْهَمَيْنِ اللَّذَيْنِ أَعْطَيْتُكَهُمَا؟ فَقَالَ سَعِدٌ : بَلَى وَمِثْنَيْنِ . فَقَالَ لَهُ : لَسْتُ أُرِيدُ مِنْكَ يَا سَعِدُ إِلَّا الدَّرْهَمَيْنِ ، فَأَعْطَاهُ سَعِدٌ دِرْهَمَيْنِ . قَالَ : فَأَدْبَرَتِ الدُّنْيَا عَلَى سَعْدٍ حَتَّى ذَهَبَ مَا كَانَ جَمَعَ ، وَعَادَ إِلَى حَالِهِ الَّتِي كَانَ عَلَيْهَا . (٥)

- ٢- .كنز العمال : ج ١٦ ص ٨٥ ح ٤٤٠٢٣ نقلًا عن الفردوس عن عدى بن حاتم ، الجامع الصغير : ج ٢ ص ٤٦ ح ٤٦٥٨ .
- ٣- .أهل الصُّفَّة: هم فقراء المهاجرين ، ومن لم يكن له منهم منزل يسكنه ، فكانوا يأوون إلى موضع مُظَلَّل في مسجد المدينة يسكنونه (النهاية: ج ٣ ص ٣٧ «صف»).
- ٤- .ذَهَبٌ بِهِ وَأَذْهَبُهُ غَيْرُهُ : أزالَهُ . وَيُقَالُ : أَذْهَبَ بِهِ وهو قليل (لسان العرب : ج ١ ص ٤٩٣ «ذهب»).
- ٥- .الكافي : ج ٥ ص ٣١٢ ح ٣٨ عن أبي بصير ، مشكاة الأنوار : ص ٤٧٣ ح ١٥٨٣ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٢٢ ص ١٢٢ ح ٩٢ .

۴ / ۱۲ بر باد رفتن اعمال

۴ / ۱۳ باز ماندن از آخرت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خشکی چشم‌ها (۱) ناشی از فراوانی گناهان است، و فراوانی گناهان، ناشی از اندک بودن پارسایی، و اندک بودن پارسایی، ناشی از درشت طبعی بسیار، و درشت طبعی بسیار، ناشی از دنیادوستی.

۴ / ۱۲ بر باد رفتن اعمال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شش چیز، اعمال [نیکو] را بر باد می‌دهد: پرداختن به عیوب مردم، سنگ دلی، دنیادوستی، کم‌حیایی، درازی آرزو، و ستمگری که [از ستمکاری] باز نایستد.

۴ / ۱۳ باز ماندن از آخرت امام باقر علیه السلام: در زمان پیامبر خدا، مؤمنی نادار و سخت‌نیازمند از اهل صُفّه (۲) بود که در همه اوقات نماز، ملازم پیامبر خدا بود و در هیچ نمازی غیبت نداشت. پیامبر خدا، ناداری و غربت او را می‌دید و دلش به حال وی می‌سوخت و می‌فرمود: «ای سعد! اگر چیزی دستم بیاید، نیازت را برطرف می‌کنم». مدّت‌ها گذشت و به پیامبر خدا چیزی نرسید. غم ایشان برای سعد، شدّت گرفت. خداوند سبحان که می‌دانست پیامبر خدا برای سعد، غم بسیار می‌خورد، جبرئیل علیه السلام را با دو درهم فرستاد. جبرئیل به ایشان گفت: ای محمّد! خدا می‌داند که تو برای سعد، غم می‌خوری. آیا دوست داری که او را بی‌نیاز گردانی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری». جبرئیل گفت: این دو درهم را بگیر و به او بده و بگو با آنها کاسبی کند. پیامبر خدا [آن دو را] گرفت و سپس برای نماز ظهر، بیرون رفت. سعد بر درِ اتاق‌های پیامبر خدا، منتظر ایشان ایستاده بود. پیامبر خدا چون او را دید، فرمود: «ای سعد! کاسبی می‌دانی؟». سعد گفت: به خدا سوگند، هیچ‌گاه پولی نداشته‌ام که با آن کاسبی کنم! پیامبر صلی الله علیه و آله آن دو درهم را به او داد و فرمود: «با اینها کاسبی کن و برای به دست آوردن روزی خدا، تلاش نما». سعد، آن دو درهم را گرفت و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و نماز ظهر و عصر را با ایشان خواند. آن‌گاه، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «برخیز و در پی روزی برو، که من از حال و روز تو ای سعد ناراحت بوده‌ام». از آن پس، سعد اگر چیزی با یک درهم می‌خرید، با دو درهم می‌فروخت، و اگر با دو درهم می‌خرید، به چهار درهم می‌فروخت. بدین ترتیب، دنیا به سعد رو کرد و سرمایه و ثروتش زیاد شد و تجارتش رونق گرفت. پس، بر در مسجد، جایی گرفت و در آن جا نشست و به کسب پرداخت. هر گاه بلال برای نماز اقامه می‌گفت، پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون می‌آمد و می‌دید که سعد همچنان سرگرم دنیاست و نه آن چنان که پیش از پرداختن به دنیا می‌کرد و وضو گرفته و نه آماده نماز شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «ای سعد! دنیا تو را از نماز باز داشته است!» و او می‌گفت: چه کنم؟ مالم را ضایع کنم؟ به این یکی فروخته‌ام و می‌خواهم پولش را از او بگیرم و از آن یکی خریده‌ام و می‌خواهم پولش را بدهم. این وضع سعد، پیامبر خدا را ناراحت‌تر از زمانی کرد که برای ناداری اش غصّه می‌خورد. پس، جبرئیل علیه السلام بر او فرود آمد و گفت: ای محمّد! خداوند از این غم تو برای سعد، آگاه است. کدام یک را دوست‌تر داری: حالت نخست را، یا این حالت را؟ پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «ای جبرئیل! حالت نخست را. دنیای او آخرتش را از بین برده است!». جبرئیل علیه السلام به او گفت: علاقه مندی به دنیا و ثروت، گرفتاری و

مایه باز ماندن از آخرت است. به سعد بگو آن دو درهمی را که به او داده ای ، به تو برگرداند. با این کار ، به همان حال اوّلش باز می گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون رفت و به سعد برخورد . به او فرمود: «ای سعد! نمی خواهی آن دو درهمی را که به تو داده ام ، به من برگردانی؟» . سعد گفت: چرا؛ [به جای آن ،] دویست درهم می دهم. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «نه ، ای سعد! من بیشتر از دو درهم ، از تو نمی خواهم» و سعد دو درهم به ایشان داد. از آن پس ، دنیا به سعد پشت کرد ، تا جایی که هر چه جمع کرده بود ، از دست رفت و سعد ، دوباره مثل اوّلش شد.

۱- .کنایه از گریه نکردن و سنگ دلی و نداشتن رقت قلب.

۲- .اهل صُفّه، مهاجران تهی دستی بودند که منزلی برای سکونت نداشتند و در زیر سایبانی در مسجد مدینه به سر می بردند (النهايه: ج ۳ ص ۳۷ «صف»).

ص: ٤٣٧

..

٤ / ١٤ القعودُ عَنِ الْجِهَادِ الْكِتَابِ «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِمَّا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَنَّ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ». (١)

الحديث مسند ابن حنبل عن أبي هريره: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِثَوْبَانَ: كَيْفَ أَنْتَ يَا ثَوْبَانُ إِذَا تَدَاعَتْ عَلَيْكُمُ الْأُمَمُ كَتَدَاعِيكُمْ عَلَى فَصْعَةِ الطَّعَامِ يُصَيَّبُونَ (٢) مِنْهُ؟ قَالَ ثَوْبَانُ: بِأَبِي وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمِنَ قَلْبِي بِنَا؟ قَالَ: لَا، أَنْتُمْ يَوْمئِذٍ كَثِيرٌ، وَلَكِنْ يُلْقَى فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنُ. (٣) قَالُوا: وَمَا الْوَهْنُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: حُبُّكُمْ الدُّنْيَا وَكَرَاهِيَّتِكُمُ الْقِتَالَ. (٤)

١- التوبه: ٣٨.

٢- كذا في المصدر، وفي كنز العمال: «تصيبون»، وهو المناسب للسياق.

٣- الْوَهْنُ: الضُّعْفُ (الصَّحاح: ج ٦ ص ٢٢١٥ «وهن»).

٤- مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٨١ ح ٨٧٢١، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٣٥ ح ٦٣١٩ وراجع مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٣٢٧ ح ٢٢٤٦٠ وسنن أبي داوود: ج ٤ ص ١١١ ح ٤٢٩٧.

۴ / ۱۴ نرفتن به جهاد

۴ / ۱۴ نرفتن به جهاد قرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! شما را چه شده است که چون به شما گفته می شود: در راه خدا بسیج شوید، کنندی به خرج می دهید؟ آیا به جای آخرت، به زندگی دنیا دل خوش کرده اید؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست» .

حدیث مسند ابن حنبل به نقل از ابو هریره: شنیدم که پیامبر خدا به ثوبان می فرماید: «چگونه ای تو ای ثوبان، آن گاه که امت ها بر ضدّ شما گرد آیند، آن سان که شما بر گرد قَدَح غذا گرد می آید تا از آن به نوایی برسید؟». ثوبان گفت: پدر و مادرم به فدایت، ای پیامبر خدا! آیا از اندک بودن ماست؟ فرمود: «نه. در آن روز، شما پر شمارید؛ اما در دل های تان ضعف افکنده می شود». گفتند: [مقصودتان از] ضعف چیست، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «علاقه مندی شما به دنیا و بیزاری تان از جهاد».

الإمام علي عليه السلام في خطبته لما اضطرب عليه أصحابه في أمر الحُكومهِ: أَيُّهَا النَّاسُ ، إِنَّهُ لَمْ يَزَلْ أَمْرِي مَعَكُمْ عَلَى مَا أَحْبَبْتُ حَتَّى نَهَكْتَكُمْ الْحَرْبُ ، وَقَدْ وَاللَّهِ أَخَذْتُ مِنْكُمْ وَتَرَكْتُ ، وَهِيَ لِعِيدُوكُمْ أَنهَكُ . لَقَدْ كُنْتُ أَمِيرًا فَأَصْبَحْتُ الْيَوْمَ مَأْمُورًا ! وَكُنْتُ أَمِيرًا نَاهِيًا فَأَصْبَحْتُ الْيَوْمَ مَنهِيًا ! وَقَدْ أَحْبَبْتُمُ الْبَقَاءَ ، وَلَيْسَ لِي أَنْ أَحْمِلَكُمْ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ . (١)

عنه عليه السلام في استنفار الناس إلى أهل الشام بعد فراغه من أمر الخوارج: أُمَّ لَكُمْ ، لَقَدْ سَمِئْتُ عِتَابَكُمْ! أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ عَوْضًا؟ وَبِالدُّلِّ مِنَ الْعِزِّ خَلْفًا؟ إِذَا دَعَوْتُمْ إِلَى جِهَادٍ عَدُوَّكُمْ دَارَتْ أَعْيُنُكُمْ ؛ كَأَنَّكُمْ مِنَ الْمَوْتِ فِي غَمْرِهِ (٢) ، وَمِنَ الذُّهُولِ فِي سَكْرِهِ . (٣)

-
- ١- نهج البلاغه: الخطبه ٢٠٨ ، المعيار والموازنه: ص ١٧٥ ، وقعه صفين: ص ٤٨٤ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٥٣٥ ح ٤٥٠ وج ١٠٠ ص ٤١ ح ٤٨ .
 - ٢- أُمَّ: معناه الاحتقار والاستقلال ، وهي صوت إذا صوت به الإنسان عليم أنه متضجر متكره (النهايه: ج ١ ص ٥٥ «أف»).
 - ٣- رَجُلٌ مُغْتَمِرٌ: سكران ، كَأَنَّهُ اغْتَمَرَهُ السُّكْرُ ؛ أَي غَطَّى عَلَى عَقْلِهِ وَسَتَرَهُ (تاج العروس: ج ٧ ص ٣٢٠ «غمر»).
 - ٤- نهج البلاغه: الخطبه ٣٤ ، بحار الأنوار: ج ٣٤ ص ٧٤ ح ٩٣٥ ؛ مطالب السؤل: ص ٥٩ نحوه .

امام علی علیه السلام در خطبه اش که پس از برآشفتن یارانش از کار حکمیت ایراد کرد: ای مردم! کار من با شما پیوسته چنان بود که من دوست داشتم، تا آن که جنگ، شما را فرسوده ساخت، و به خدا سوگند که شماری از شما را گرفت و شماری را باقی گذاشت؛ هرچند برای دشمن شما فرساینده تر بود. من تا دیروز، فرمانده بودم و امر و نهی می کردم؛ ولی امروز [کار به جایی رسیده که] به من امر و نهی می شود! شما زنده ماندن را دوست دارید و من نمی توانم شما را به آنچه دوست ندارید، وا دارم.

امام علی علیه السلام در فرا خواندن مردم به جنگ با شامیان، پس از یکسره کردن کار خوارج: آه از شما! خسته شدم، از بس که سرزنشتان کردم! آیا به جای آخرت، به زندگی دنیا رضایت داده اید؟! و عزت را بر ذلت برگزیده اید؟! هرگاه شما را به جهاد با دشمنان فرا خواندم، چشمانتان پیچ و تاب برداشت، آن سان که گویی در سبکرات مرگ گرفتار آمده اید، یا در گیجی مستی به سر می برید!

٤ / ١٥ فقر الدنيا والآخرة رسول الله صلى الله عليه وآله من أصبح وأمسى والدنيا أكبر هممه ، جعل الله تعالى الفقر بين عينيه وشتت أمره ، ولم ينل من الدنيا إلا ما قسم له . (١)

عنه صلى الله عليه وآله من كانت الدنيا هممه ، جعل الله فقره بين عينيه ، وفرق عليه شمله ، ولم يأت من الدنيا إلا ما قدر له . (٢)
عنه صلى الله عليه وآله من أصبح والدنيا أكبر هممه فليس من الله في شيء ، وألزم قلبه أربع خصال : همًا لا ينقطع عنه أبدا ، وشغلا لا ينفرج منه أبدا ، وفقرا لا يبلغ غناه أبدا ، وأملا لا يبلغ منتهاه أبدا . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : أنا زعيم (٤) بثلاث لمن أكب على الدنيا : بفقر لا غناء له ، وبشغل لا فراق له ، وبهمم وحزن لا انقطاع له . (٥)

١- ثواب الأعمال : ص ٢٠١ ح ١ عن ابن أبي عمير عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافي : ج ٢ ص ٣١٩ ح ١٥ عن عبد الله بن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ٤٩ ح ١٣٢ عن أبي هاشم عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، تحف العقول : ص ٤٨ ، مشكاة الأنوار : ص ٤٦٣ ح ١٥٤٦ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٠٤ ح ٩٦ .

٢- سنن الترمذي : ج ٤ ص ٦٤٢ ح ٢٤٦٥ عن أنس ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣٧٥ ح ٤١٠٥ ، شعب الإيمان : ج ٧ ص ٢٨٨ ح ١٠٣٣٨ كلاهما عن زيد بن ثابت ، المعجم الكبير : ج ١١ ص ٢١٣ ح ١١٦٩٠ عن ابن عباس ، المعجم الأوسط : ج ٦ ص ١٢٣ ح ٥٩٩٠ عن أنس وكلها نحوه ، كنز العمال : ج ١٦ ص ١٣٥ ح ٤٤١٦٠ .

٣- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٣٠ ، المحجج البيضا : ج ٥ ص ٣٥٥ ؛ الفردوس : ج ٣ ص ٥٨٠ ح ٥٨١٨ عن ابن عمر ، تنبيه الغافلين : ص ٢٤٥ ح ٣٢٠ كلاهما نحوه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٢٦ ح ٦٢٧٢ وراجع أعلام الدين : ص ٣٤٥ وبحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٨٨ ح ١٠ .

٤- الزعيم : الكفيل (النهاية : ج ٢ ص ٣٠٣ «زعم»).

٥- كنز الفوائد : ج ١ ص ٣٤٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٣ .

۴ / ۱۵ فقر در دنیا و آخرت

۴ / ۱۵ فقر در دنیا و آخرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در شب و روز، بزرگ ترین دغدغه اش دنیا باشد، خداوند متعال فقر را پیش چشمان او می نهد [تا همواره احساس فقر کند] و امورش را پریشان می سازد، و از دنیا جز به آنچه برایش قسمت شده، نمی رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دغدغه اش دنیا باشد، خداوند فقر را پیش چشمان او می نهد، و آرامش [خاطر] او را پریشان می سازد، و از دنیا جز آنچه برایش مقدر شده، به او نمی رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در حالی صبح کند که بزرگ ترین دغدغه اش دنیا باشد، نزد خداوند منزلتی ندارد و خداوند، چهار چیز را پیوسته در دلش قرار می دهد: اندوهی که هرگز از او جدا نمی شود، گرفتاری ای که هرگز از آن خلاصی نمی یابد، فقری که هرگز به توانگری نمی انجامد، و آرزویی که هرگز به پایان نمی رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس تمام وقت خود را صرف دنیا کند، من سه چیز را برایش ضمانت می کنم: فقری که آن را توانگری نیست، گرفتاری ای که از آن خلاصی نیست، و غم و اندوهی که تمام شدنی نیست.

الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ أَسْرَفَ فِي طَلْبِ الدُّنْيَا مَاتَ فَقِيرًا . (١)

عنه عليه السلام: الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا مُلُوكُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَمَنْ لَمْ يَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَرَغِبَ فِيهَا فَهُوَ فَقِيرٌ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . وَمَنْ زَهَدَ فِيهَا مَلَكَهَا ، وَمَنْ رَغِبَ فِيهَا مَلَكَتْهُ . (٢)

راجع : ص ٢٥٤ (ما يمنع خير الآخرة من الدنيا) .

٤ / ١٦ خُسرَانُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَضَى نَهْمَتَهُ (٣) فِي الدُّنْيَا ، حِيلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ شَهْوَتِهِ فِي الْآخِرَةِ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : قَالَ لُقْمَانُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ... مَنْ يَخْتَارُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ فَاتَتْهُ الدُّنْيَا ، وَلَا يَصِيرُ (٥) إِلَى مُلْكِ الْآخِرَةِ . (٦)

الإمام الصادق عليه السلام : قَالَ لُقْمَانُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ... مَنْ اخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ يَخْسِرُ رُحْمًا كِلْتَيْهِمَا ، تَزُولُ هَذِهِ وَلَا تُدْرِكُ تِلْكَ . (٧)

لقمان عليه السلام فِي وَصِيَّتِهِ لَوْلَدِهِ : يَا بَنِيَّ ، بَعِ دُنْيَاكَ بِآخِرَتِكَ تَرْبِحْهُمَا جَمِيعًا ، وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ تَخْسِرْهُمَا جَمِيعًا . (٨)

١- غرر الحكم : ح ٨٦٠٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٦٠ ح ٨٣٣٩ .

٢- إرشاد القلوب : ص ٢٠ .

٣- النَّهْمُ : إفراط الشهوة (المصباح المنير : ص ٦٢٩ «نهم») .

٤- المعجم الأوسط : ج ٨ ص ٤٥ ح ٧٩١٢ ، شُعب الإيمان : ج ٧ ص ١٢٥ ح ٩٧٢٢ كلاهما عن البراء بن عازب ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٢٧ ح ٦٢٧٧ .

٥- فِي نَوَادِرِ الْأُصُولِ : «لا يصبر» ، والتصويب من الدرّ المنثور .

٦- نَوَادِرِ الْأُصُولِ : ج ١ ص ٢٤٧ ، الدرّ المنثور : ج ٦ ص ٥١٠ عن أبي مسلم الخولاني ، كنز العمال : ج ١٤ ص ٣٤ ح ٣٧٨٦٥ .

٧- تفسير القمّي : ج ٢ ص ١٦٣ عن حمّاد ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٤١٠ ح ٢ وراجع عوالي اللآلي : ج ٣ ص ٥١٧ ح ١١ .

٨- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٣٧ ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٤٢٢ ح ١٧ ؛ البدايه والنهايه : ج ٩ ص ٢٧٣ عن ابن أسباط وليس فيه «يا بني» .

۴ / ۱۶ باختن در دنیا و آخرت

امام علی علیه السلام: هر که در طلب دنیا زیاده روی کند، فقیر از دنیا می رود.

امام علی علیه السلام: بی رغبتان به دنیا، پادشاهان دنیا و آخرت اند. و هر که به دنیا رغبت نشان دهد و به آن دل ببندد، در دنیا و آخرت، فقیر است. و هر که نسبت به دنیا زهد ورزد، مالک آن می شود، و هر که به دنیا دل ببندد، دنیا مالک او می شود.

ر. ک: ص ۲۵۵ (دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود).

۴ / ۱۶ باختن در دنیا و آخرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خواسته های خود را در دنیا برآورده سازد، میان او و خواسته هایش در آخرت، مانع ایجاد می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: لقمان علیه السلام گفت: «... هر که دنیا را بر آخرت برگزیند، به دنیا نمی رسد، و به مُلک آخرت [نیز] دست نمی یابد».

امام صادق علیه السلام: لقمان علیه السلام گفت: «... هر که دنیا را بر آخرت برگزیند، هر دوی آنها را می بازد: این، از بین می رود، و به آن، دست نمی یابد».

لقمان علیه السلام در سفارش به فرزندش: فرزندم! دنیایت را به آخرت بفروش تا هر دوی آنها را بگیری، و آخرت را به دنیایت بفروش که هر دوی آنها را می بازی.

الإمام علي عليه السلام: مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ خَسِرَهُمَا . (١) عنه عليه السلام: إِنَّ مَنْ بَاعَ جَنَّةَ الْمَأْوَى لِعَاجِلِهِ الدُّنْيَا تَعَسَّرَ جَدُّهُ (٢) وَخَسِرَتْ صَفَقَتُهُ . (٣) عنه عليه السلام: لَا تُصْلِحْ دُنْيَاكَ بِمَحَقِّ (٤) دِينِكَ ؛ فَتَكُونَ مِنَ الْأَخْسِرِينَ أَعْمَالًا . (٥) عنه عليه السلام: مَعَاشِرَ النَّاسِ ! اتَّقُوا اللَّهَ ، فَكَمْ مِنْ مُؤَمَّلٍ مَا لَا يَبْلُغُهُ ، وَبَانٍ مَا لَا يَسْكُنُهُ ، وَجَامِعٍ مَا سَوْفَ يَتْرُكُهُ ، وَلَعَلَّهُ مِنْ بَاطِلٍ جَمَعَهُ ، وَمِنْ حَقٍّ مَنَعَهُ ، أَصَابَهُ حَرَامًا ، وَاحْتَمَلَ بِهِ آثَامًا ، فَبَاءَ بِوِزْرِهِ ، وَقَدِمَ عَلَى رَبِّهِ آسِيفًا لَاهِفًا ، قَدْ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ، ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ . (٦) عنه عليه السلام: أَخْسِرَ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ الدُّنْيَا عَوَاضًا عَنِ الْآخِرَةِ . (٧) عنه عليه السلام: إِنَّ أَخْسَرَ النَّاسِ صَفَقَةً وَأَخْيَبَهُمْ سَعِيًا ، رَجُلٌ أَخْلَقَ يَدَيْتَهُ فِي طَلَبِ آمَالِهِ وَلَمْ تُسَاعِدْهُ الْمَقَادِيرُ عَلَى إِرَادَتِهِ ؛ فَخَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا بِخَسِرَاتِهِ ، وَقَدِمَ عَلَى الْآخِرَةِ بِتَبِعَاتِهِ . (٨) .

- ١- غرر الحكم : ح ٨٢٣٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤٥ ح ٧٨١٨ ؛ مطالب السؤل : ص ٤٨ .
- ٢- الجَدُّ : الحَظُّ والبِخْت (الصحاح : ج ٢ ص ٤٥٢ «جدد»).
- ٣- غرر الحكم : ح ٣٤٨٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٥١ ح ٣٣١٨ .
- ٤- مَحَقُّهُ : أَي أَبْطَلُهُ وَمَحَاه (الصحاح : ج ٤ ص ١٥٥٣ «محق»).
- ٥- نهج البلاغه : الكتاب ٤٣ ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ، ص ٥١٦ ح ٧١٢ .
- ٦- نهج البلاغه : الحكمه ٣٤٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٨٣ ر ٨٨ .
- ٧- غرر الحكم : ح ٣٠٧٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٢٠ ح ٢٧٣٠ .
- ٨- غرر الحكم : ح ٣٥٩٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٥٧ ح ٣٤١١ .

امام علی علیه السلام: هر که آخرتش را به دنیایش بفروشد، هر دوی آنها را از کف می دهد. امام علی علیه السلام: هر کس بهشت جاویدان را به دنیای گذرا بفروشد، بدبخت می شود و در این معامله زیان می کند. امام علی علیه السلام: دنیایت را با از بین بردن دینت آباد مکن که در این صورت، از زیانکارترین مردمان خواهی بود. امام علی علیه السلام: ای گروه های مردم! پروامندی از خداوند، در پیش گیرید؛ زیرا چه بسیار است آرزومند چیزی که به آن نمی رسد، و سازنده بنایی که در آن، [مهلت] سکونت نمی یابد، و گرد آورنده مالی که به زودی آن را [برای دیگران] بر جای می گذارد، و شاید آن را از راه نادرست، یا از نپرداختن حقّی، گرد آورده است. [در این صورت،] از حرام به آن رسیده و با این کار، گناهمانی به دوش کشیده است. پس وزر و وبال آن را بر عهده می گیرد، و با افسوس و اندوه بر پروردگارش وارد می شود. او دنیا و آخرت را زیان کرده است و این، همان زیان آشکار است. امام علی علیه السلام: زیانکارترین مردم، کسی است که دنیا را به جای آخرت بپذیرد. امام علی علیه السلام: پر زیان ترین معامله و بی حاصل ترین تلاش را آن مردی کرده که بدنش را در رسیدن به آرزوهایش فرسوده و مقدرات، او را در رسیدن به خواستش یاری نکرده اند، و در نتیجه، با آه و حسرت ها از دنیا رفته و با کوله باری از گناه، ره سپار آخرت شده است.

عنه عليه السلام: مَنْ أَحْسَرُ مِمَّنْ تَعَوَّضَ عَنِ الْآخِرَةِ بِالْدُّنْيَا؟! (١) عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ: مَا أَحْسَرَ صَفْقَةَ الْمُلُوكِ إِلَّا- مَنْ عَصَمَ اللَّهُ ، بَاعُوا الْآخِرَةَ بِنَوْمِهِ ! (٢) عنه عليه السلام: مَنْ أَعْبَنَ مِمَّنْ بَاعَ الْبُقَاءَ بِالْفَنَاءِ ؟! (٣) عنه عليه السلام: النَّاسُ ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٍ: زَاهِدٌ مُعْتَرِمٌ ، وَصَابِرٌ عَلَى مُجَاهَدَةِ هَوَاهُ ، وَرَاغِبٌ مُنْقَادٌ لِشَهْوَاتِهِ ؛ فَالزَّاهِدُ لَا يُعْظَمُ مَا آتَاهُ اللَّهُ فَرَحًا بِهِ وَلَا يُكْتَبُ عَلَيْهِ مَا فَاتَهُ أَسِيفًا . وَالصَّابِرُ نَازَعَتْهُ إِلَى الدُّنْيَا نَفْسُهُ فَقَدَعَهَا (٤) ، وَتَطَلَّعَتْ إِلَى لَمَذَاتِهَا فَمَنَعَهَا . وَالرَّاغِبُ دَعَتْهُ إِلَى الدُّنْيَا نَفْسُهُ فَأَجَابَهَا ، وَأَمَرَتْهُ بِإِيثارِهَا فَأَطَاعَهَا ، فَدَنَسَ (٥) بِهَا عِرْضَهُ ، وَوَضَعَ لَهَا شَرَفَهُ ، وَضَيَّعَ لَهَا آخِرَتَهُ . (٦) عنه عليه السلام: لَا تَرَعَبْ فِي الدُّنْيَا فَتَخْسَرَ آخِرَتَكَ . (٧) عنه عليه السلام: مَنْ عَمِلَ لِلدُّنْيَا خَسِرَ . (٨) عنه عليه السلام: إِنْ رَغِبْتُمْ إِلَى الدُّنْيَا خَسِرْتُمْ وَهَلَكْتُمْ . (٩) عنه عليه السلام: لَا تَرَعَبْ فِي كُلِّ مَا يَفْنَى وَيَذْهَبُ ، فَكْفَى بِذَلِكَ مَضْرَّةً . (١٠) .

١- غرر الحكم : ح ٨٥٠٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤٩ ح ٧٩٨٨ .

٢- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٣٤٦ ح ٩٧١ .

٣- غرر الحكم : ح ٨٥٠٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤٩ ح ٧٩٨٧ .

٤- القدح : الكف والمنع (النهاية : ج ٤ ص ٢٤ «قدح») .

٥- الدَّنَسُ : وَسَخُ الثَّوْبِ وَالْعِرْضِ (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٢١٧ «دنس») .

٦- دستور معالم الحكم : ص ١٢٠ .

٧- غرر الحكم : ح ١٠٢١٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥١٨ ح ٩٤١٠ .

٨- غرر الحكم : ح ٧٨٧٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٣ ح ٨١٣٣ .

٩- غرر الحكم : ح ٣٨٥٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٧٣ ح ٣٦٠٥ .

١٠- غرر الحكم : ح ١٠١٩٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٢٠ ح ٩٤٦٠ .

امام علی علیه السلام: کیست زیانکارتر از آن که آخرت را با دنیا عوض کند؟ امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان چه پر زیان است معاملات شاهان مگر آن کسی که خدا نگاهش بدارد که آخرت را به خوابی فروختند! امام علی علیه السلام: کیست مغبون تر از آن که جهان باقی را به دنیای فانی فروخت؟! امام علی علیه السلام: مردم، سه دسته اند: زاهد مصمم، شکیبیا در مبارزه با هوس، و خواهنده و پیرو خواهش های نفسانی.

زاهد، آنچه را خداوند به او می دهد، از سر شادی بزرگ نمی شمارد و آنچه را که از دست می دهد، از سر افسوس، بزرگ نمی داند. شکیبیا، نفسش او را به سوی دنیا کشاند؛ اما او آن را باز داشت، و نفسش به لذت های آن چشم دوخت؛ لیکن او مانعش شد. و خواهنده، نفسش او را به دنیا فرا خواند و او اجابتش کرد و به برگزیدن دنیا [بر آخرت] دستورش داد و او اطاعتش کرد، و بدین ترتیب، آبروی خویش را لگه دار ساخت، و به خاطر دنیا شرافت خود را به پستی کشاند، و آخرتش را تباه کرد. امام علی علیه السلام: به دنیا راغب مشو که آخرت تباه می گردد. امام علی علیه السلام: هر که برای دنیا کار کرد، زیان کرد. امام علی علیه السلام: اگر خواهان دنیا شوید، زیان می کنید و نابود می گردید. امام علی علیه السلام: به هر آنچه نابود می شود و از کف می رود، رغبت مکن که این (رغبت)، خود، بالاترین زیان است.

عنه عليه السلام: إِنَّكَ لَنْ تَلْقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِعَمَلٍ أَضَرَّ عَلَيْكَ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا. (١) راجع: ص ٢٥٤ (ما يمنع خير الآخرة من الدنيا).

١٧ / ٤ سوء العاقبة للإمام علي عليه السلام: مَنْ عَيِدَ الدُّنْيَا وَآثَرَهَا عَلَى الْآخِرَةِ ، اسْتَوْحَمَ (٢) الْعَاقِبَةَ . (٣) عنه عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّكُمْ إِنْ آثَرْتُمْ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ ، أَسْرَعْتُمْ إِجَابَتَهَا إِلَى الْعَرْضِ الْأَدْنَى ، وَرَحَلْتُمْ مَطَايَا آمَالِكُمْ إِلَى الْغَايَةِ الْقُصْوَى ، تَوَرَّدَ مَنَاهِلَ عَاقِبَتِهَا النَّدَمَ ، وَتُذَيِّقُكُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِالْأُمَّمِ الْخَالِيَةِ وَالْقُرُونِ الْمَاضِيَةِ ؛ مِنْ تَغْيِيرِ الْحَالَاتِ وَتَكُونِ الْمَثَلَاتِ (٤) . (٥) الإمام زين العابدين عليه السلام: مَا آثَرُ قَوْمٌ قَطُّ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ ، إِلَّا سَاءَ مُنْقَلَبُهُمْ وَسَاءَ مَصِيرُهُمْ . (٦) الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ الْمَسِيحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ : وَيْلٌ لِمَنْ كَانَتِ الدُّنْيَا هَمَّهُ وَالْخَطَايَا عَمَلَهُ ، كَيْفَ يَفْتَضِحُ غَدًا عِنْدَ رَبِّهِ؟ (٧) .

- ١- غرر الحكم: ح ٣٨١٨ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٢ ح ٣٦٠١ .
- ٢- يقال: هذا الأمر وخيم العاقبه؛ أي ثقيل رديء (النهايه: ج ٥ ص ١٦٤ «وخم»).
- ٣- الخصال: ص ٦٣٢ ح ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص ١٢٢ ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٤ ح ٩٥ .
- ٤- المثلثة: نقمه تنزل بالإنسان فيجعل مثلاً يرتدع به غيره، وجمعه مثلثات ومثلثات (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٧٦٠ «مثل»).
- ٥- تحف العقول: ص ٢٢١ ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٦٠ ح ١٣٧ .
- ٦- الكافي: ج ٨ ص ١٦ ح ٢ ، الأمل للمفيد: ص ٢٠٢ ح ٣٣ كلاهما عن أبي حمزه الثمالي ، تحف العقول: ص ٢٥٣ ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٣٨ ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٥٠ ح ١١ .
- ٧- الأمل للمفيد: ص ٢٠٩ ح ٤٣ عن ابن سنان ، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٢٥ ح ٣٨ .

۴ / ۱۷ بدی فرجام

امام علی علیه السلام: تو هرگز خداوند سبحان را با عملی که برایت زیانبارتر از دنیادوستی است، ملاقات نخواهی کرد. ر. ک
: ص ۲۵۵ (دنیایی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود).

۴ / ۱۷ بدی فرجام امام علی علیه السلام: هر که بندگی دنیا کند و آن را بر آخرت مقدم بدارد، فرجامی سخت و ناگوار در انتظار اوست. امام علی علیه السلام: ای مردم! شما چنانچه دنیا را بر آخرت برگزینید، [در واقع] در پذیرش دعوت آن به متاع پست، شتافته اید، و مرکب های آرزوهایتان به سوی دورترین هدف، تاخت برداشته اند و شما را به آبشخورهایی می برند که فرجامشان پشیمانی است، و آنچه را با اّمّت های پیشین و نسل های گذشته کرده اند، یعنی از کف رفتن نعمت ها و فرود آمدن کیفرها، به شما می چشانند. امام زین العابدین علیه السلام: هرگز هیچ مردمی دنیا را بر آخرت برنگزیدند، مگر آن که فرجامی بد و سرنوشتی ناگوار یافتند. امام صادق علیه السلام: مسیح علیه السلام به یارانش می گفت: «وای بر کسی که دنیا دغدغه او باشد و خطا، رفتارش! فردای قیامت، چه رسوایی ای نزد پروردگارش خواهد داشت!». .

عيسى عليه السلام: وَيَلُ لِيصَاحِبِ الدُّنْيَا كَيْفَ يَمُوتُ وَيَتْرُكُهَا ، وَيَأْمَنُهَا وَتَعْرِهُ ، وَيَتَّقُ بِهَا وَتَخْذُلُهُ؟! وَيَلُ لِلْمُعْتَرِّينَ كَيْفَ أَتَتْهُمْ (١) مَا يَكْرَهُونَ وَفَارَقَتْهُمْ (٢) مَا يُحِبُّونَ وَجَاءَ بِهِمْ مَا يُوعِدُونَ؟! وَيَلُ لِمَن كَانَتِ الدُّنْيَا هَمَّهُ وَالْخَطَايَا عَمَلَهُ كَيْفَ يَفْتَضِحُ غَدَا عِنْدَ اللَّهِ!؟ (٣) راجع : ج ٢ ص ٣١٦ (آثار الاهتمام بالآخرة) .

١٨ / ٤ عَذَابُ جَهَنَّمَ الْكِتَابُ «فَأَمَّا مَنْ طَغَى * وَءَاثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى» . (٤)

«أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» . (٥)

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَطُلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» . (٦)

١- في بعض نسخ المصدر: «أرتهم»، وفي تنبيه الخواطر: «رهقهم».

٢- في تنبيه الخواطر: «وفارقهم»، وهو المناسب للسياق .

٣- التحصين لابن فهد: ص ٢٩ ح ٤٩، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٢، المحججه البيضاء: ج ٥ ص ٣٥٨ نحوه، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٢٨ ح ٥٤ .

٤- النازعات: ٣٧ ٣٩ .

٥- البقره: ٨٦ .

٦- هود: ١٥ و ١٦ .

۴ / ۱۸ عذاب دوزخ

عیسی علیه السلام: بیچاره دنیا دار که دنیا را می گذارد و می رود، دنیا را امین می شمارد؛ اما او فریبش می دهد، و به دنیا اعتماد می کند؛ اما او تنهایش می گذارد! بیچاره فریب خوردگان [دنیا]، [که آنچه دوست ندارند، به سراغشان می آید و از آنچه دوست دارند، جدا می شوند، و وعده هایی که داده شده اند، به آنان می رسد! بیچاره کسی که دنیا دغدغه او باشد و خطا، رفتارش! فردا چه رسوایی ای نزد خداوند خواهد داشت! ر. ک: ج ۲ ص ۳۱۷ (آثار اهمیت دادن به آخرت).

۴ / ۱۸ عذاب دوزخقرآن «اما آن که سرکشی کرد و زندگی دنیا را مقدم داشت، همانا دوزخ، جایگاه [او] است».

«آنان، کسانی هستند که زندگی دنیا را به آخرت خریدند. پس نه عذاب آنان سبک می گردد، و نه یاری می شوند».

«کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند، [جزای] کارهایشان را در آن (دنیا) به طور کامل به آنان می دهیم، و به آنان در آن جا، کم داده نخواهد شد. اینان، کسانی هستند که در آخرت جز آتش برایشان نخواهد بود، و آنچه در آن (دنیا) کرده اند، به هدر رفته، و آنچه انجام داده اند، باطل گردیده است».

«وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ». (١)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ عَرَضَتْ لَهُ دُنْيَا وَآخِرَةٌ فَاخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ ، لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ يَتَّقِي بِهَا النَّارَ ، وَمَنْ اخْتَارَ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَتَرَكَ الدُّنْيَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَغَفَرَ لَهُ مَسَاوِيَّ عَمَلِهِ . (٢) عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ عَرَضَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ فَأَخَذَ الْآخِرَةَ وَتَرَكَ الدُّنْيَا فَلَهُ الْجَنَّةُ ، وَإِنْ أَخَذَ الدُّنْيَا وَتَرَكَ الْآخِرَةَ فَلَهُ النَّارُ . (٣) عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَقَحَّمَ (٤) فِي الدُّنْيَا فَهُوَ يَتَقَحَّمُ فِي النَّارِ . (٥) أعلام الدين عن أبي سعيد الخدري: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِرَجُلٍ يَعْطُهُ: . . . لِيَجِيَنَّ أَقْوَامٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُمْ حَسَنَاتٌ كَأَمْثَالِ الْجِبَالِ ، فَيُؤَمَّرُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ .

فَقِيلَ : يَا نَبِيَّ اللَّهِ ، أَمْضَلُونَ كَانُوا؟

قَالَ : نَعَمْ ، كَانُوا يُصَلُّونَ وَيَصُومُونَ ، وَيَأْخُذُونَ وَهَنَا مِنَ اللَّيْلِ ، لَكِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا لَاحَ لَهُمْ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَثَبُّوا عَلَيْهِ . (٦)

١- .الأحقاف : ٢٠ .

٢- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ١٤ ح ٤٩٦٨ ، الأملالي للصدوق : ص ٥١٥ ح ٧٠٧ كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام ، ثواب الأعمال : ص ٣٣٤ ح ١ عن ابن عباس وأبي هريره ، عوالي اللآلي : ج ١ ص ٣٦٥ ح ٥٨ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٠٣ ح ٩٢ .

٣- .كنز العمال : ج ٣ ص ٢٢٧ ح ٦٢٧٦ نقلاً عن ابن عساكر عن أبي هريره وابن عباس ؛ جامع الأخبار : ص ٢٩٦ ح ٨٠٥ عن جابر بن عبد الله نحوه .

٤- .يقال : اقتحَمَ الإنسان الأمر العظيم ، وتَقَحَّمَهُ ؛ إِذَا رَمَى نَفْسَهُ فِيهِ مِنْ غَيْرِ رَوِيهِ وَتَثَبَّتْ (النهاية : ج ٤ ص ١٨ «فحم»).

٥- .شعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٤٢ ح ١٠٥١٣ عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٧ ح ٦١٤٨ .

٦- .أعلام الدين : ص ٣٤٣ ، التحصين لابن فهد : ص ٢٩ ح ٥٢ ، عدّه الداعي : ص ٢٩٥ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢١٧ كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٨٦ ح ١٠ .

«و آن روز [را یاد کن] که کافران به آتش ، عرضه می شوند . [به آنان گفته می شود :] نعمت های پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان صرف کردید و از آنها برخوردار شدید . پس امروز به سزای آن که در زمین ، به ناحق سرکشی می نمودید و به سبب آن که نافرمانی می کردید ، به عذاب خفت بار ، کیفر می یابید» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که به او [کاری از] دنیا و [کاری از] آخرت عرضه شود و او دنیا را بر آخرت برگزیند ، روز قیامت ، خداوند را در حالی دیدار می کند که او را حتی یک حسنه هم نیست که با آن ، خود را از آتش ننگه بدارد ؛ و هر کس آخرت را بر دنیا مقدم بدارد و [کار] دنیا را وا گذارد ، خداوند از او خشنود می گردد و کارهای بدش را می آمرزد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دنیا و آخرت برایش پیش بیاید و او آخرت را بگیرد و دنیا را وا گذارد ، بهشت برای او خواهد بود و اگر دنیا را بگیرد و آخرت را وا گذارد ، برای او آتش خواهد بود . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که بی فکر و تأمل ، خود را در دنیا بیفکند ، خویش را در آتش افکنده است . أعلام الدین به نقل از ابو سعید خُدَری : شنیدم که پیامبر خدا به مردی اندرز می دهد و می فرماید : «... روز قیامت ، مردمانی می آیند که به اندازه کوه ها کار نیک دارند ؛ اما امر می شود که آنان را به آتش ببرند» .

گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا نماز گزار هم بوده اند؟

فرمود: «آری؛ نماز می خوانده اند، روزه می گرفته اند، و پاسی از شب را هم به عبادت می گذرانده اند؛ لیکن آدم هایی بوده اند که هر گاه چشمشان به چیزی از دنیا می افتاد ، به طرف آن می شتافتند» .

الإمام الصادق عليه السلام: مرَّ عيسى بن مريم عليه السلام على قريته قد مات أهلها وطيرها ودوابها، فقال: أما إنهم لم يموتوا إلا بسخطه (١)، ولو ماتوا مُتَّفَرِّقِينَ لَتَيَدَّافِنُوا. فقال الحواريون: يا روح الله وكلمته، ادع الله أن يحييهم لنا فيخبرونا ما كانت أعمالهم فنجتبت بها.

فَدَعَا عيسى عليه السلام رَبَّهُ فَنَوَدَى مِنَ الْجَوِّ: أن نادهم، فقام عيسى عليه السلام بالليل على شرف (٢) من الأرض، فقال: يا أهل هذه القرية! فأجابه منهم مجيب: لتيك يا روح الله وكلمته.

فَقَالَ: وَيَحْكُمَ مَا كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ؟

قَالَ: عِبَادَةُ الطَّاعُونَ وَحُبُّ الدُّنْيَا، مَعَ خَوْفٍ قَلِيلٍ، وَأَمَلٍ بَعِيدٍ، وَغَفْلَةٍ فِي لَهْوٍ وَلَعِبٍ.

فَقَالَ: كَيْفَ كَانَ حُجُبُكُمْ لِلدُّنْيَا؟

قَالَ: كَحُبِّ الصَّبِيِّ لِأُمِّهِ؛ إِذَا أَقْبَلَتْ عَلَيْنَا فَرِحْنَا وَسُرَرْنَا، وَإِذَا أَدْبَرَتْ عَنَّا بَكَيْنًا وَحَزَنًا.

قَالَ: كَيْفَ كَانَتْ عِبَادَتُكُمْ لِلطَّاعُونَ؟

قَالَ: الطَّاعَةُ لِإِهْلِ الْمَعَاصِي.

قَالَ: كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِكُمْ؟

قَالَ: بِنَا لَيْلَةً فِي عَافِيَةٍ، وَأَصْبَحْنَا فِي الْهَافِيَةِ.

فَقَالَ: وَمَا الْهَافِيَةُ؟

فَقَالَ: سَجِينٌ.

قَالَ: وَمَا سَجِينٌ؟

قَالَ: جِبَالٌ مِنْ جَمْرِ تَوْقَدُ عَلَيْنَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

قَالَ: فَمَا قُلْتُمْ وَمَا قِيلَ لَكُمْ؟

قَالَ: قُلْنَا: رُدُّنَا إِلَى الدُّنْيَا فَتَزْهَدَ فِيهَا، قِيلَ لَنَا: كَذَبْتُمْ.

قَالَ: وَيَحْكَمَ، كَيْفَ لَمْ يُكَلِّمْنِي غَيْرُكَ مِنْ بَيْنِهِمْ!؟

قال: يا روح الله، إنهم ملجَمون بلجام من نارٍ بأيدي ملائِكِهِ غِلاظٍ شَدادٍ، وإنِّي كُنْتُ فِيهِمْ وَلَمْ أَكُنْ مِنْهُمْ، فَلَمَّا نَزَلَ الْعَذَابُ عَمَّنِي مَعَهُمْ، فَأَنَا مُعَلَّقٌ بِشَعْرِهِ عَلَى شَفِيرٍ (٣) جَهَنَّمَ، لا أدري أَكَبِّبُ فِيهَا أم أنجو منها .

فالتفت عيسى عليه السلام إلى الحواريين، فقال: يا أولياء الله، أكل الخبز اليابس بالملح الجريش (٤) والنوم على المزابل، خيرٌ كثيرٌ مع عافيه الدنيا والآخرة . (٥) .

١- السُّخْطُ : الغضب (المصباح المنير : ص ٢٦٩ «سخط»).

٢- الشَّرْفُ : العلوُّ ، والمكان العالي (الصحاح : ج ٤ ص ١٣٧٩ «شرف»).

٣- شَفِيرٌ جَهَنَّمَ : أى جانبها وحرفها (النهاية : ج ٢ ص ٤٨٥ «شفر»).

٤- مِلْحٌ جَرِيشٌ : لم يُطَيَّب (الصحاح : ج ٣ ص ٩٩٨ «جرش»).

٥- الكافي : ج ٢ ص ٣١٨ ح ١١ عن مهاجر الأسدي ، مشكاة الأنوار : ص ٤٦١ ح ١٥٣٨ عن مهاجر الأسدي عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٠ ح ٣ وراجع ثواب الأعمال : ص ٣٠٣ ح ١ ومعاني الأخبار : ص ٣٤١ ح ١ وعلل الشرائع : ص ٤٦٦ ح ٢١ وحليه الأولياء : ج ٤ ص ٦١ والبدايه والنهايه : ج ٩ ص ٢٩٦ .

امام صادق علیه السلام: عیسی بن مریم علیه السلام بر آبادی ای گذشت که مردمان و مرغان و چارپایان آن ، همگی مرده بودند. فرمود: «قطعاً اینها بر اثر خشم [الهی] مرده اند، که اگر جدا جدا مرده بودند ، حتما یکدیگر را دفن می کردند».

حواریان گفتند: ای روح و کلمه خدا! دعا کن که خداوند ، آنها را برایمان زنده گرداند تا به ما بگویند که چه اعمالی داشته اند ، تا ما از آنها دوری گزینیم.

عیسی علیه السلام به درگاه پروردگارش دعا کرد. از آسمان ندا آمد که: آنان را صدا بزن.

عیسی علیه السلام شب هنگام ، بر تپه ای از زمین ایستاد و گفت: «ای اهالی این آبادی!». .

از میان آنان ، یکی پاسخش را داد که: بله، ای روح خدا و کلمه او!

عیسی گفت: «وای بر شما! اعمالتان چه بود [که به این روز افتادید]؟» .

گفت: پرستش طاغوت و دنیادوستی، و ترس اندک [از خدا]، و آرزوی دراز، و غفلت و فرو رفتن در لهو و لعب.

عیسی گفت: «دنیادوستی تان چگونه بود؟» .

جواب داد: همانند علاقه مندی کودک به مادرش. هر گاه دنیا به ما رو می آورد ، خوش حال و شاد می شدیم و هر گاه از ما روی بر می گرداند، گریه می کردیم و اندوهناک می شدیم.

عیسی گفت: «طاغوت پرستی شما چگونه بود؟» .

گفت: از گناهکاران اطاعت می کردیم.

عیسی گفت: «فرجام کارتان چگونه بود؟» .

گفت : شب به سلامت خفتیم و صبح در هاویه بودیم.

عیسی گفت: «هاویه چیست؟» .

گفت: سَجین .

عیسی گفت: «سَجین چیست؟» .

گفت: کوه هایی از اخگر که تا روز قیامت بر ما فروزان اند.

عیسی گفت: «شما چه گفتید و چه پاسخ شنیدید؟» .

گفت: ما گفتیم: ما را به دنیا باز گردان تا در آن ، زهد ورزیم. و به ما گفته شد: دروغ می گوئید.

عیسی گفت: «وای بر تو! چرا از میان آنان ، فقط تو با من سخن گفتی؟» .

گفت: ای روح خدا! بر آنان لگامی از آتش زده شده که در دست فرشتگانی خشن و سختگیر است . من در میان آنان بودم ؛ اما از آنان نبودم و چون عذاب فرود آمد، مرا هم در بر گرفت، و من به مویی بر کناره دوزخ آویخته ام و نمی دانم که در آن خواهم افتاد ، یا نجات خواهم یافت.

عیسی علیه السلام به حواریان رو کرد و گفت: «ای اولیای خدا! خوردن نان خشک با نمک نیم کوفته و خفتن در خرابه ها به همراه عافیت دنیا و آخرت، بسیار بهتر است» . .

ص: ۴۵۹

..

مصباح الشريعة فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام: الطَّمَعُ وَالرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا أَصْلَانِ لِكُلِّ شَرٍّ، وَصَاحِبُهُمَا لَا يَنْجُو مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ عَنْ ذَلِكَ. (١) راجع: ج ٢ ص ٣٥٨ (ما يخرب الآخرة).

٤ / ١٩ النُّوَادِر رسول الله صلى الله عليه وآله يقولُ اللهُ تَعَالَى: يَا دُنْيَا مَرَى عَلَى أَوْلِيَائِي، لَا تَحْلُولِي لَهُمْ فَتَفْتِنِيهِمْ. (٢) عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ يَتَوَلَّ الدُّنْيَا يَعْجِزْ عَنْهَا. (٣) عنه صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا عُرْسُ الْمُنَافِقِينَ، وَالْقِيَامَةُ عُرْسُ الْمُتَّقِينَ. (٤) الإمام علي عليه السلام: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُفْسِدُ الْإِيْقَانَ. (٥) عنه عليه السلام: مَنْ مَلَكَتْهُ الدُّنْيَا كَثُرَ صَرَعُهُ (٦). (٧) عنه عليه السلام: طَلَبُ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتْنَةِ. (٨).

- ١- مصباح الشريعة: ص ١٨٥، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٤٩ ح ١٨.
- ٢- مسند الشهاب: ج ٢ ص ٣٢٥ ح ١٤٥٣ عن عبد الله بن مسعود.
- ٣- الكافي: ج ٨ ص ٨٢ ح ٣٩ عن أبي الصباح عن الإمام الصادق عليه السلام وراجع الزهد للحسين بن سعيد: ص ١٤ ح ٢٨ وتاريخ يعقوبى: ج ٢ ص ٩٤ والمصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ١٦٣ الرقم ٣٧.
- ٤- الفردوس: ج ٢ ص ٢٢٨ ح ٣١٠٢ عن أنس.
- ٥- غرر الحكم: ح ٤٨٣٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٢٩ ح ٤٤١٣ وفيه «حبّ الدنيا» بدل «الرغبة في الدنيا».
- ٦- الصُّرُوع: الطَّرْحُ عَلَى الْأَرْضِ (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٤٩ «صرع»).
- ٧- غرر الحكم: ح ٨١٦٠.
- ٨- غرر الحكم: ح ٥٩٩٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٧ ح ٥٥٢٩.

۴ / ۱۹ گوناگون

مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است: طمع و دنیاخواهی، ریشه هر بدی هستند، و دارنده آنها از آتش نمی رهد، مگر آن که از این دو خصلت، توبه کند. ر. ک: ج ۲ ص ۳۵۹ (آنچه آخرت را ویران می کند).

۴ / ۱۹ گوناگون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال می فرماید: «ای دنیا! بر دوستان من تلخ شو، و به کام آنان شیرین مباش، که فریفته شان می گردانی». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که به دنیا پردازد، از آن درمانده می شود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا، عروسی منافقان است و قیامت، عروسی پرهیزگاران. امام علی علیه السلام: میل به دنیا، یقین را به تباهی می کشاند. امام علی علیه السلام: هر که مملوک دنیا شود، زیاد زمین می خورد. امام علی علیه السلام: دنیا طلبی، ریشه فتنه [و گناه] است.

عنه عليه السلام: الدُّنْيَا ضِيحَةٌ مُسْتَعْبِرٌ . (١) عنه عليه السلام: الدُّنْيَا كَمَا تَجِبُّ تَكْسِرُ . (٢) عنه عليه السلام: الدُّنْيَا تُسَلِّمُ . (٣) عنه عليه السلام: قَلِيلُ الدُّنْيَا يَذْهَبُ بِكَثِيرِ الْآخِرَةِ . (٤) عنه عليه السلام: مَنْ طَلَبَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا فَاتَهُ مِنَ الْآخِرَةِ أَكْثَرُ مِمَّا طَلَبَ . (٥) عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ: الدُّنْيَا طَوَاحٌ (٦) طَرَاخَةٌ فَضَاحَةٌ ، آسِيَّةٌ (٧) جَرَّاحَةٌ . (٨) عنه عليه السلام: خَيْرُ الدُّنْيَا حَسْرَةٌ ، وَشَرُّهَا نَدَمٌ . (٩) عنه عليه السلام: الدُّنْيَا صِيفَةٌ مَغْبُونٌ ، وَالْإِنْسَانُ مَغْبُونٌ بِهَا . (١٠) عنه عليه السلام: غِدَاءُ الدُّنْيَا سِهَامٌ (١١) ، وَأَسْبَابُهَا رِمَامٌ (١٢) . (١٣) .

- ١- غرر الحكم : ح ٤٠٣ .
- ٢- غرر الحكم : ح ١٢٢٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٦ ح ١١٤٤ .
- ٣- غرر الحكم : ح ٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٥ ح ٦٧٨ .
- ٤- غرر الحكم : ح ٦٧٩٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٧٢ ح ٦٣٠٨ وفيه «من الآخرة» .
- ٥- غرر الحكم : ح ٨٨٩٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٣٤ ح ٧٤٨٨ نحوه .
- ٦- طَاحٌ يَطْوُحُ وَيَطِيحُ : هَلَكٌ ، وَسَقَطٌ ، وَتَاهَ فِي الْأَرْضِ . وَطَوَّحَهُ فَتَطَوَّحَ : تَوَهَّهَ . وَطَوَّحْتَهُ الطَّوَّاحَ : قَدَفْتَهُ الْقَوَافِيفَ (القاموس المحيط : ج ١ ص ٢٣٨ «طاح»).
- ٧- أَسْوَتُ الْجُرْحِ : دَاوِيَتُهُ ، فَهُوَ مَأْسُوٌّ وَأَسِيٌّ (الصحاح : ج ٦ ص ٢٢٦٩ «أسا»).
- ٨- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٢٧١ ح ١٣٩ .
- ٩- غرر الحكم : ح ٤٩٦٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٣٩ ح ٤٥٥٤ .
- ١٠- غرر الحكم : ح ١٨٨٣ وراجع عيون الحكم والمواعظ : ص ٦٢ ح ١٦٠١ .
- ١١- السَّمُّ : مَا يَقْتُلُ ، وَجَمْعُهُ سُمُومٌ وَسِمَامٌ (المصباح المنير : ص ٢٨٩ «سَم»).
- ١٢- الرِّمَامُ بِالْكَسْرِ : جَمْعُ رَمٍّ بِالضَّمِّ ؛ وَهِيَ قِطْعَةُ حَبْلِ بَالِيَةٍ (النهاية : ج ٢ ص ٢٦٧ «رَم»).
- ١٣- غرر الحكم : ح ٦٤٢٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٤٩ ح ٥٩٤٦ وفيه «سهام» وص ٢٣٢ ح ٤٤٤٢ وزاد في صدره «حُلو الدنيا صبر» .

امام علی علیه السلام: دنیا، مسخره کسی است که آن را درست ارزیابی کند. امام علی علیه السلام: دنیا، همان گونه که می بندد، می شکند. امام علی علیه السلام: دنیا، [آدمی را] و او می نهد. امام علی علیه السلام: اندک دنیا، بسیار آخرت را از بین می برد. امام علی علیه السلام: هر که از دنیا چیزی بجوید، در آخرت، بیشتر از آنچه جُسته است، از دست می دهد. امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: دنیا سرگردان کننده، دور افکننده، رسواگر، پرستار و زخم بند است. امام علی علیه السلام: خوب، دنیا، [مایه] افسوس است و بد آن، [مایه] پشیمانی. امام علی علیه السلام: دنیا، سودایی زیانبار است، و [در این سودا] انسان، زیان کننده. امام علی علیه السلام: خوراک دنیا سم است و ریسمان هایش پوسیده. .

عنه عليه السلام: جودُ الدُّنيا فَنَاءٌ ، وراحتُها عَنَاءٌ ، وسلامتُها عَطْبٌ ، ومَواهبُها سَلْبٌ . (١) عنه عليه السلام: المُواصِلُ لِلدُّنيا مَقْطُوعٌ .
 (٢) عنه عليه السلام: لا تُتَافِسُ في مَواهِبِ الدُّنيا ؛ فَإِنَّ مَواهِبَها حَقِيرَةٌ . (٣) عنه عليه السلام: كُلُّ أرباحِ الدُّنيا خُسْرانٌ . (٤) عنه عليه
 السلام: إِنَّ الدُّنيا تُعْطَى وتَرْتَجِعُ ، وتَنْقَادُ وتَمْتَنِعُ ، وتُوَحِّشُ وتُؤَنِّسُ ، وتُطْمَعُ وتُؤَيِّسُ ، يُعْرِضُ عَنها السُّعْداءُ ، وَيَرْغَبُ فيها الأَشقياءُ .
 (٥) عنه عليه السلام: كُلُّ ما لا يَنْفَعُ يَضُرُّ ، والدُّنيا مَعَ حَلاوتِها تَمُرُّ ، وَالْفَقْرُ مَعَ الغِنى بِاللَّهِ لا يَضُرُّ . (٦) عنه عليه السلام: كُلُّ يَسارِ
 الدُّنيا إِعسارٌ . (٧) عنه عليه السلام: يا أَيُّها النَّاسُ ! مَتاعُ الدُّنيا حُطامٌ موبِئٌ (٨) ، فَتَجَنَّبُوا مَرعاةً ؛ قَلَعَتِها (٩) أَحظى مِنَ طَمَأَينَتِها ،
 وِبلَعَتِها (١٠) أَزكى مِنَ ثَروَتِها . (١١) عنه عليه السلام في الدِّيوانِ المَنسوبِ إِلَيهِ : حَلاوَةُ دُنياكَ مَسومَةٌ فلا تَأْكُلِ الشَّهَدَ إِلا بِسَمِّ
 مَحامِدِ دُنياكَ مِذمومَةٌ فلا تَكسِبُ الحَمْدَ إِلا بِذَمِّ إِذا تَمَّ أَمْرٌ بَدَأَ نَقصُهُ تَوَقَّعَ زوالاً إِذا قِيلَ تَمَّ وَكَم قَدَرِ دَبِّ في غَفَلَةٍ فَلَم يَشعُرِ
 النَّاسُ حَتَّى هَجَمَ (١٢) .

- ١- غرر الحكم : ح ٤٧٣٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٢١ ح ٤٣٠١ .
- ٢- غرر الحكم : ح ٦٢٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥ ح ٢٥٦ .
- ٣- غرر الحكم : ح ١٠٢٨٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٢٢ ح ٩٥٠٣ .
- ٤- غرر الحكم : ح ٦٨٥٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٧٥ ح ٦٣٣٤ .
- ٥- غرر الحكم : ح ٣٦٧٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٤٦ ح ٣٢٣٦ .
- ٦- غرر الحكم : ح ٧٢٠١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٩٦ ح ٦٧١٥ وفيه «بعد الغناء» بدل «مع الغنى» .
- ٧- غرر الحكم : ح ٦٩٠١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٧٧ ح ٦٣٨٠ .
- ٨- الوَباءُ : المرض العام (النهاية : ج ٥ ص ١٤٤ «وبا»).
- ٩- منزل قَلَعَهُ : أَي تَحَوَّلَ وارتحال ليس بمستوطن (مجمع البحرين : ج ٣ ص ١٥٠٨ «قلع»).
- ١٠- البُلغَةُ : الكفاية ، وهو ما يكتفى به في العيش (مجمع البحرين : ج ١ ص ١٨٧ «بلغ»).
- ١١- نهج البلاغه : الحكمه ٣٦٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٣١ ح ١٣٥ وراجع تحف العقول : ص ٢٢١ .
- ١٢- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص ٥٢٤ الرقم ٣٩٧ .

امام علی علیه السلام: بخشش دنیا فناست، و آسایشش رنج، و سلامتیش نابودی، و دِهش هایش پس گرفتنی. امام علی علیه السلام: آن که به خاطر دنیا پیوند برقرار کند، پیوندش گسستنی است. امام علی علیه السلام: در مواهب دنیا رقابت مکن؛ چرا که مواهب آن، خُرد است. امام علی علیه السلام: همه سودهای دنیا، زیان است. امام علی علیه السلام: دنیا می دهد و پس می گیرد، فرمان می برد و سر می پیچد، رَم می دهد و اُنس می گیرد، و امیدوار می کند و نومید می گرداند. نیک بختان از آن روی می گردانند، و شوربختان به آن می گرایند. امام علی علیه السلام: هر چیزی که سود نرساند، زیان می زند، و دنیا با وجود شیرینی اش تلخ است، و درویشی دنیا با وجود توانگری به خدا (داشتن سرمایه ای چون خداوند)، زیانی [به انسان] نمی رساند. امام علی علیه السلام: هر توانگری ای در دنیا، تنگ دستی است. امام علی علیه السلام: ای مردم! کالای دنیا [چون] خاشاکی است طاعون زده . پس ، از چریدن در آن ، دوری کنید. رخت بر بستن از آن ، خوش تر از آرمیدن در آن است، و قدری از آن به اندازه کفاف ، پاک تر از ثروت آن است. امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان : شهد دنیای تو شرنگین است پس شهد را جز با شرنگ نمی خوری ستوده های دنیای تو نکوهیده است / پس ستایش را جز با نکوهش به دست نمی آوری هر گاه کاری کامل شود ، کاستی اش نمایان می شود/ هر گاه گفته شد : کامل شد، منتظر نابود شدنش باش چه بسیار تقدیری که در دلِ غفلتی خزید / و تا مردم به خود آمدند ، بر آنان یورش آورد! .

الإمام الحسن عليه السلام فى ذمّ الدنيا: الزاغِبُ فيها عَبْدٌ لِمَن يَمْلِكُها . (١) .

١- .كنز العمال : ج ١٦ ص ٢١٤ ح ٤٤٢٣٦ نقلاً عن ابن النجار .

امام حسن علیه السلام در نکوهش دنیا: دنیاخواه، بنده دنیا دار است. .

جلد ۲

اشاره

ص: ۱

الفصل الخامس : مبادئ حبّ الدنيا ٥ / الجَهْلُ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : غُرَى يَا دُنْيَا مَنْ جَهَلَ حَيْلَكَ ، وَخَفِيَ عَلَيْهِ حَبَائِلُ (١) كَيْدِكَ . (٢)

عنه عليه السلام :الرُّكُونُ إِلَى الدُّنْيَا مَعَ مَا تُعَايِنُ مِنْهَا جَهْلٌ . (٣)

نتمتن

عنه عليه السلام :الرُّكُونُ إِلَى الدُّنْيَا مَعَ مَا يُعَايِنُ مِنْ غَيْرِهَا جَهْلٌ . (٤)

عنه عليه السلام :الرُّكُونُ إِلَى الدُّنْيَا مَعَ مَا يُعَايِنُ مِنْ سُوءِ تَقَلُّبِهَا جَهْلٌ . (٥)

راجع : ص ١٤٦ (مبادئ الزهد / اليقين) .

٥ / ١٢ الحُمُقَالَإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :العَاجِلَةُ غُرُورُ الحَمَقِي . (٦)

-
- ١- حَبَائِلُ : جمع حِبَالِه ؛ وهى المَصْصِيْدَه (تاج العروس : ج ١٤ ص ١٣٤ «حبل»).
 - ٢- غرر الحكم : ح ٦٤١٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٤٩ ح ٥٩٤٥ .
 - ٣- نهج البلاغه : الحكمه ٣٨٤ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢٩٧ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ١٩٠ ح ٥٦ ؛ مطالب السؤول : ص ٥٧ .
 - ٤- غرر الحكم : ح ١٩٧٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٩ ح ١٥٠٨ .
 - ٥- غرر الحكم : ح ٢٠٣٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٦٢ ح ١٦١١ .
 - ٦- غرر الحكم : ح ٨٩٦ .

فصل پنجم: ریشه های دنیادوستی

۵ / ۱ نادانی

۵ / ۲ کم خردی

فصل پنجم: ریشه های دنیادوستی ۵ / ۱ نادانیا امام علی علیه السلام: ای دنیا! کسی را بفریب که حيله های تو را نمی شناسد، و دام های نیرنگ تو بر او پوشیده است.

امام علی علیه السلام: دل بستگی به دنیا، با وجود آنچه از آن می بینی، نادانی است.

امام علی علیه السلام: دل بستگی به دنیا، با وجود مشاهده دگرگونی های (پیشامدهای) آن، نادانی است.

امام علی علیه السلام: دل بستگی به دنیا، با وجود مشاهده دگرگونی های نابه جایش، نادانی است.

ر. ک: ص ۱۴۷ (زمینه های زهد / یقین).

۵ / ۲ کم خردی امام علی علیه السلام: دنیا، مایه فریب کم خردان است.

عنه عليه السلام: الإِغْتِرَارُ بِالْعَاجِلِ حُرْقٌ (١). (٢).

عنه عليه السلام: الدُّنْيَا غَنِيمَةُ الْحَمَقَى . (٣)

عنه عليه السلام: الْفَرَحُ بِالدُّنْيَا حُمُقٌ . (٤)

٥ / ٣ طولُ الأَمَلِ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ الدُّنْيَا تُغَرُّ الْمُؤَمِّلَ لَهَا وَالْمُخْلِتَدَ إِلَيْهَا ، وَلَا تَنْفَسُ بِمَنْ نَافَسَ فِيهَا (٥) ، وَتَغْلِبُ مَنْ غَلَبَ عَلَيْهَا . (٦)

عنه عليه السلام: مَا أَطَالَ عَبْدٌ الأَمَلَ إِلَّا أَسَاءَ العَمَلَ وَطَلَبَ الدُّنْيَا . (٧)

راجع : ص ٣٣٠ (ما ينسى الآخره / طول الأمل) .

١- الخُرْقُ بِالضَّمِّ : الجَهْلُ وَالْحُمُقُ (النهايه : ج ٢ ص ٢٦ «خرق»).

٢- غرر الحكم : ح ٤٥٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣١ ح ٥٠٢ .

٣- غرر الحكم : ح ١١١٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤ ح ١٠٨١ .

٤- غرر الحكم : ح ٤٥٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣١ ح ٥٠١ .

٥- لا- تَنْفَسُ بِمَنْ نَافَسَ فِيهَا : لَا تَصْنُ [أى لا تبخل] به ؛ أى من نَافَسَ فى الدنيا فَإِنَّ الدنيا تُهَيِّنُهُ وَلَا تَصْنُ بِهِ كَمَا يُصْنُ بِالْعَلْقِ النَّفِيسِ (شرح نهج البلاغه : ج ١٠ ص ٦١) .

٦- نهج البلاغه : الخطبه ١٧٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٣٦٤ ح ٩٦ .

٧- الدعوات : ص ٢٣٦ ح ٦٥٥ ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ١٧٢ ح ٦ .

۳ / ۵ درازی آرزو

امام علی علیه السلام: فریفته شدن به دنیا، حماقت است.

امام علی علیه السلام: دنیا، غنیمت کم خردان است.

امام علی علیه السلام: شاد شدن به دنیا، کم خردی است.

۳ / ۵ درازی آرزو امام علی علیه السلام: ای مردم! دنیا کسی را که آرزومندش باشد و به آن بگراید، فریب می دهد، و کسی را که عزیزش بدارد، عزیز نمی دارد، و کسی را که بر آن چیره شود (/ چیرگی بجوید)، مغلوب می کند.

امام علی علیه السلام: هیچ بنده ای آرزو را دور و دراز نکرد، مگر این که کردار را بد کرد و در پی دنیا بر آمد.

ر. ک: ص ۳۳۱ (عوامل از یاد بردن آخرت / آرزوی دراز).

الفصل السادس : علامات عبيد الدنيا وأدب مواجعتهم ٦ / ١ صِفَاتُ أَهْلِ الدُّنْيَا الإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَأَلَ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ فَقَالَ : ... يَا رَبِّ وَمَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَمَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ؟ قَالَ : أَهْلُ الدُّنْيَا مَنْ كَثُرَ أَكْلُهُ وَضِيحُ حُكْمِهِ وَنَوْمُهُ وَغَضَبُهُ ، قَلِيلُ الرِّضَا ، لَا يَعْتَدِرُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِ ، وَلَا يَقْبَلُ عُذْرَ مَنْ اعْتَدَرَ إِلَيْهِ ، كَسْلَانٌ عِنْدَ الطَّاعَةِ ، شُجَاعٌ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ ، أَمَلَةٌ بَعِيدٌ وَأَجَلُهُ قَرِيبٌ ، لَا يُحَاسِبُ نَفْسَهُ ، قَلِيلُ الْمَنْفَعَةِ ، كَثِيرُ الْكَلَامِ ، قَلِيلُ الْخَوْفِ ، كَثِيرُ الْفَرَحِ عِنْدَ الطَّعَامِ ، وَإِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا لَا يَشْكُرُونَ عِنْدَ الرِّخَاءِ ، وَلَا يَصْبِرُونَ (١) عِنْدَ الْبَلَاءِ ، كَثِيرُ النَّاسِ عِنْدَهُمْ قَلِيلٌ ، يَحْمَدُونَ أَنْفُسَهُمْ بِمَا لَا يَفْعَلُونَ وَيَدْعُونَ بِمَا لَيْسَ لَهُمْ ، وَيَتَكَلَّمُونَ بِمَا يَتَمَنَّوْنَ ، وَيَذْكُرُونَ مَسَاوِيَّ النَّاسِ وَيُخْفُونَ حَسَنَاتِهِمْ . فَقَالَ : يَا رَبِّ ، كُلُّ هَذَا الْعَيْبِ فِي أَهْلِ الدُّنْيَا! [قال:] (٢) يَا أَحْمَدُ ، إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا كَثِيرٌ فِيهِمُ الْجَهْلُ وَالْحُمُقُ ، لَا يَتَوَاضَعُونَ لِمَنْ يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ ، وَهُمْ عِنْدَ أَنْفُسِهِمْ عُقْلَاءُ ، وَعِنْدَ الْعَارِفِينَ حُمَقَاءُ . (٣)

١- في المصدر «لا يُبصرون» والأصح ما أثبتناه كما في بحار الأنوار .

٢- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .

٣- إرشاد القلوب : ص ١٩٩ ص ٢٠١ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٣ ح ٦ .

فصل ششم: نشانه های بندگان دنیا و روش رویارویی با آنان

۶ / ۱ ویژگی های اهل دنیا

فصل ششم: نشانه های بندگان دنیا و روش رویارویی با آنان ۶ / ۱ ویژگی های اهل دنیا امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج از پروردگار پاکش پرسید:... ای پروردگار من! اهل دنیا چه کسی است و اهل آخرت کیست؟ فرمود: «اهل دنیا، کسی است که: خوراک و خنده و خواب و خشمش بسیار است؛ خشنودی اش اندک است؛ نه از کسی که به وی بدی کرده است، پوزش می طلبد، و نه پوزش کسی را که از او پوزش می طلبد، می پذیرد؛ در طاعت، تنبل است، و در معصیت، گستاخ؛ آرزویش دور و دراز است و اجلش نزدیک؛ از نفس خویش حساب نمی کشد؛ کم خیر است؛ پُرگوست؛ کم ترس [از خدا] است؛ و هنگام غذا خوردن، بسیار شاد است. اهل دنیا در هنگام آسایش، سپاس گزار نیستند، و هنگام بلا (سختی) شکبیا نیستند؛ زیاد مردم، در نظر آنان اندک است؛ خویشان را به کارهای ناکرده می ستایند، و ادعای چیزهایی را می کنند که ندارند، و از چیزهایی سخن می گویند که آرزو دارند؛ و بدی های مردم را می گویند و خوبی های آنان را پوشیده می دارند». پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای پروردگار من! همه این عیب ها، در اهل دنیاست؟! [فرمود:] «ای احمد! در اهل دنیا، نادانی و کم بخردی های بسیار است: در برابر کسی که از او دانش می آموزند، فروتنی نمی کنند، و خویشان را عاقل می پندارند، در حالی که به نزد فهمیدگان، مردمانی کم خردند».

عنه عليه السلام: حُكِمَ عَلَى مُكْثَرِي أَهْلِ الدُّنْيَا بِالْفَاقِهِ ، وَأَعِينَ مَنْ غَنَى عَنْهَا بِالرَّاحِهِ . (١)

عنه عليه السلام مِنْ حُطْبِهِ لَهُ يُبَيِّنُ فِيهَا عِصْيَانَ الْخَلْقِ : سُبْحَانَكَ خَالِقًا وَمَعْبُودًا! بِحُسْنِ بِلَاغِكَ عِنْدَ خَلْقِكَ خَلَقْتَ دَارًا ، وَجَعَلْتَ فِيهَا مَرَادِبَهُ ؛ مَشْرَبًا وَمَطْعَمًا ، وَأَزْوَاجًا وَخَدَمًا ، وَقُصُورًا ، وَأَنْهَارًا ، وَزُرُوعًا وَثَمَارًا ، ثُمَّ أَرْسَلْتَ دَاعِيًا يَدْعُو إِلَيْهَا ، فَلَا الدَّاعِيَ أَجَابُوا ، وَلَا فِيهَا رَغَبَتْ رَغَبُوا ، وَلَا إِلَى مَا شَوَّقَتْ إِلَيْهِ اشْتَاقُوا . أَقْبَلُوا عَلَى جِيفِهِ قَدِ افْتَضَّ حَوَا بِأَكْلِهَا ، وَاصْطَلَحُوا عَلَى حُبِّهَا ، وَمَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَعشى (٢) بَصِيرَهُ ، وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ ؛ فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِيحَةٍ ، وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ ، قَدْ حَرَقَتْ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ ، وَأَمَاتَتْ الدُّنْيَا قَلْبَهُ ، وَوَلَّهَتْ (٣) عَلَيْهَا نَفْسَهُ ، فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا ، وَلِمَنْ فِي يَدَيْهِ شَيْءٌ مِنْهَا ، حَيْثُمَا زَالَتْ زَالَ إِلَيْهَا ، وَحَيْثُمَا أَقْبَلَتْ أَقْبَلَ عَلَيْهَا ، وَلَا يَزِدُ جُرْمَ مَنْ اللَّهِ بِزَاجِرٍ وَلَا يَنْعِظُ مِنْهُ بِوَاعِظٍ . (٤)

عنه عليه السلام فِي وَصْفِ الظَّلْمَةِ : يَتَنَافَسُونَ فِي دُنْيَا دُنْيَاهِ ، وَيَتَكَالَبُونَ (٥) عَلَى جِيفِهِ مُرِيحِهِ (٦) ، وَعَنْ قَلِيلٍ يَتَبَرَّأُ التَّيَابِعُ مِنَ الْمَتْبُوعِ ، وَالْقَائِدُ مِنَ الْمَقُودِ ، فَيَتْرَاقُونَ بِالْبَغْضَاءِ ، وَيَتَلَاعَنُونَ عِنْدَ اللَّقَاءِ . (٧)

- ١- غرر الحكم : ح ٤٩٣٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٣٣ ح ٤٤٧١ وفيه «بالقناعه بالراحه» .
- ٢- العشا : سوء البصر ، وقيل : هو ذهاب البصر (لسان العرب : ج ١٥ ص ٥٦ «عشا»).
- ٣- الوله : ذهاب العقل والتحير من شده الوجد (الصحيح : ج ٦ ص ٢٢٥٦ «وله»).
- ٤- نهج البلاغه : الخطبه ١٠٩ .
- ٥- يتكالبون : أى يتواثبون (المصباح المنير : ص ٥٣٧ «كلب»).
- ٦- أراح اللحم : أى أثنى ، وأروح الماء وغيره : تغيرت ريحه (الصحيح : ج ١ ص ٣٦٩ «روح»).
- ٧- نهج البلاغه : الخطبه ١٥١ .

امام علی علیه السلام: ثروتمندان اهل دنیا، محکوم به نیازمندی اند، و هر که از دنیا بی نیازی بجوید، آسایش به یاری او می آید.

امام علی علیه السلام در خطبه ای که در آن، نافرمانی خَلق را توضیح می دهد: پاکی تو، ای آفریدگار و معبودی که از سرِ عنایتت به بندگانت، سرایی (آخرت) آفریدی و در آن، خوانی از انواع نوشیدنی و خوردنی، و همسران و چاکران، و کاخ ها و رودها، و محصولات و میوه ها گسترانیدی، و سپس دعوتگری فرستادی تا [مردم را] به سوی آن [سرای و خوان گسترده] فرا بخواند؛ اما نه دعوتگر را اجابت کردند و نه به آنچه تو ترغیشان کردی، رغبت نمودند، و نه بر آنچه تشویقشان کردی، شوقی نشان دادند! [آنان] به لاشه ای روی آوردند که با خوردن آن رسوا گشتند، و در دوستی آن، با یکدیگر سازش کردند. و هر که عاشق چیزی شود، آن چیز، چشم او را کور و دلش را بیمار می گرداند، و چنین کسی با چشمی ناسالم می نگرد، و با گوشی ناشنوا می شنود. [عاشق دنیا،] شهوات، خَرَد او را از هم دریده، دنیا دلش را میرانده، و جانش سرگشته دنیا شده است. از این رو، بنده دنیا و بنده کسی است که از دنیا چیزی دارد. به هر سو که دنیا برود، او نیز می رود، و به هر طرف که دنیا رو کند، او نیز رو می کند. نه با بازدارنده ای از سوی خدا باز می ایستد و نه از هیچ پندآموزی از سوی او، پند می گیرد.

امام علی علیه السلام در توصیف ستمگران: در دنیایی پست رقابت می کنند، و بر سر لاشه ای گنبدیده [همچون سگان] به جان یکدیگر می افتند؛ اما زودا که پیرو از رهبر، و رهبر از پیرو بیزاری بجوید، و با نفرت، از یکدیگر جدا شوند، و هنگام دیدار، یکدیگر را لعنت کنند.

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ ثَقَّلَ الْخَيْرَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا كَثْفَلِهِ فِي مَوَازِينِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَإِنَّ اللَّهَ خَفَّفَ الشَّرَّ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا كَخِفَّتِهِ فِي مَوَازِينِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (١)

راجع : ص ٢٩٢ (خصائص أبناء الآخرة)

وص ٣٣٤ ح ١٣٤٨ .

٦ / ٢ مَثَلُ عَبِيدِ الدُّنْيَا الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْحِكْمِ الْمُنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : يَا عَبِيدَ الدُّنْيَا ، كَيْفَ تُخَالِفُ فُرُوعَكُمْ أَصُولَكُمْ ، وَعُقُولَكُمْ أَهْوَاءَكُمْ ، قَوْلَكُمْ شِفَاءً يُبْرِئُ الدَّاءَ ، وَعَمَلَكُمْ دَاءً لَا يَقْبَلُ الدَّوَاءَ ؛ وَلَسْتُمْ كَالْكَرْمِ (٢) الَّتِي حَسُنَ وَرَقُهَا ، وَطَابَ ثَمَرُهَا ، وَسَهَّلَ مُرْتَقَاهَا ؛ وَلَكِنَّكُمْ كَالشَّجَرِ الَّتِي قَلَّ وَرَقُهَا ، وَكَثُرَ شَوْكُهَا ، وَخَبَثَ ثَمَرُهَا ، وَصَعِبَ مُرْتَقَاهَا . جَعَلْتُمْ الْعِلْمَ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ ، وَالدُّنْيَا فَوْقَ رُؤُوسِكُمْ ؛ فَالْعِلْمُ عِنْدَكُمْ مُذَالٌ مُمْتَهَنٌ (٣) ، وَالدُّنْيَا لَا يُسْتَطَاعُ تَنَاوُلُهَا ؛ فَقَدْ مَنَعْتُمْ كُلَّ أَحَدٍ مِنَ الْوُصُولِ إِلَيْهَا ، فَلَا أَحْرَاءَ كِرَامٍ أَنْتُمْ ، وَلَا عَبِيدٌ أَتْقِيَاءَ . وَيَحْكُمُ يَا أُجْرَاءَ السُّوءِ ! أَمَّا الْأَجْرُ فَتَأْخُذُونَ ، وَأَمَّا الْعَمَلُ فَلَا تَعْمَلُونَ ؛ إِنْ عَمِلْتُمْ فَلِلْعَمَلِ تَفْسِيْدُونَ ، وَسَيُوفَ تَلْقَوْنَ مَا تَفْعَلُونَ ، يُوَشِّكُ رَبُّ الْعَمَلِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَمَلِهِ الَّذِي أَفْسَدْتُمْ ، وَفِي أُجْرِهِ الَّذِي أَخَذْتُمْ . يَا عُرْمَاءَ السُّوءِ ، تَبْسُدُونَ بِالْهَدْيِ قَبْلَ قِضَاءِ الدِّينِ ، تَتَطَوَّعُونَ بِالنَّوَافِلِ وَلَا تُؤَدُّونَ الْفَرَائِضَ ، إِنَّ رَبَّ الدِّينِ لَا يَرْضَى بِالْهَدْيِ حَتَّى يُقْضَى دَيْنُهُ . (٤)

- ١- الكافي : ج ٢ ص ١٤٣ ح ١٠ ، الخصال : ص ١٧ ح ٦١ كلاهما عن محمد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٢٢٥ ح ٣٩ .
- ٢- الكرم : العنب (القاموس المحيط : ج ٤ ص ١٧٠ «كرم»).
- ٣- امتهنت الشيء : ابتدأته . وَرَجُلٌ مَهِينٌ : أَي حَقِيرٌ (الصحاح : ج ٦ ص ٢٢٠٩ «مهن»).
- ٤- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٣٢٤ ح ٧١٩ .

امام باقر علیه السلام: خداوند ، خوبی را بر اهل دنیا سنگین ساخت ، همچنان که روز قیامت در ترازوهایشان سنگین است، و خداوند بدی را بر اهل دنیا سبک ساخت ، همچنان که روز قیامت در ترازوهایشان سبک است.

ر . ک : ص ۲۹۳ (ویژگی های آخرت گرایان)

و ۳۳۵ ح ۱۳۶۸ .

۶ / ۲ مَثَل بندگان دنیا امام علی علیه السلام در سخنان کوتاه منسوب به ایشان: ای بندگان دنیا! چرا شاخه هایتان با ریشه هایتان ، و خردهایتان با هوس هایتان ناسازگار است؟ گفتارتان ، دارویی است که درد را شفا می بخشد؛ ولی کردارتان ، دردی است که درمان نمی پذیرد. شما نه چون تاکید که برگ هایش نیکو و میوه اش خوش و بالا رفتن از آن ، آسان است؛ بلکه چون درختی هستید که کم برگ و پر خار است و میوه اش غیر قابل خوردن، و بالا رفتن از آن ، دشوار است. شما دانش (معرفت) را زیر پاهایتان نهادید، و دنیا را بالای سرهایتان. از این رو، دانش در نزد شما خوار و بی مقدار است . و [با شما] به دنیا هم نمی توان رسید، که شما هر کسی را از رسیدن به آن ، مانع می شوید . پس، شما نه آزادگانی آقامنشید و نه بردگانی پرهیزگار. بدا به حالتان ، ای مزدوران بد! مزد را می گیرید و کار نمی کنید. اگر هم کار کنید ، کار را تباه می کنید. به زودی ، کردار خود را می بینید، و کارفرما به کار تباهی که برایش کرده اید و به مزدی که از او گرفته اید ، رسیدگی خواهد کرد! ای بدهکاران بد! دین خود را نمی پردازید و هدیه می دهید؛ مستحبات را به جا می آورید و واجبات را نمی گزارید. بستانکار ، هدیه را نمی پذیرد تا آن که طلب او پرداخت شود.

٦ / ١٣ النَّهْيُ عَنِ تَعْظِيمِ صَاحِبِ الدُّنْيَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ عَظَّمَ صَاحِبَ دُنْيَا وَأَحَبَّهُ لَطَمَعَ دُنْيَاهُ ، سَيَخِطُ اللَّهُ عَلَيْهِ .
(١)

عنه صلى الله عليه و آله :لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَكْرَمَ الْغَنَى لِيَغْنَاهُ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ تَضَعَّصَ لِيَغْنَى لِيُنَالَ مِمَّا فِي يَدَيْهِ ، أَسَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ أَتَى غَتِيًّا فَتَضَعَّصَ لَهُ ، ذَهَبَ ثُلُثَا دِينِهِ . (٤)

الإمام علي عليه السلام :لا تَضَعُوا مَنْ رَفَعْتَهُ التَّقْوَى ، ولا تَرَفَعُوا مَنْ رَفَعْتَهُ الدُّنْيَا . (٥)

نهج البلاغه :قال [علي] عليه السلام وَقَدْ لَقِيْتُهُ عِنْدَ مَسِيرِهِ إِلَى الشَّامِ دَهَاقِينَ (٦) الْأَنْبَارَ فَتَرَجَّلُوا لَهُ وَاشْتَدُّوا (٧) بَيْنَ يَدَيْهِ ، فَقَالَ : مَا هَذَا الَّذِي صَدَّعْتُمُوهُ؟! فَقَالُوا : خُلِقَ مِنَّا نُعْظُمُ بِهِ أَمْرًا نَا . فَقَالَ : وَاللَّهِ مَا يَنْتَفِعُ بِهَذَا أَمْرًاؤُكُمْ ، إِنَّكُمْ لَتَشُقُّونَ عَلَي أَنْفُسِكُمْ فِي دُنْيَاكُمْ ، وَتَشُقُّونَ بِهِ فِي آخِرَتِكُمْ . وَمَا أَخْسَرَ الْمَشَقَّةَ وَرَاءَهَا الْعِقَابُ ، وَأَرْبَحَ الدَّعَاةَ مَعَهَا الْأَمَانُ مِنَ النَّارِ . (٨)

١- .ثواب الأعمال : ص ٣٣١ ح ١ عن ابن عباس وأبي هريره ، أعلام الدين : ص ٤١١ عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٧٦ ص ٣٦٠ ح ٣٠ .

٢- .إرشاد القلوب : ص ١٩٤ .

٣- .المعجم الصغير : ج ١ ص ٢٥٧ ، شعب الإيمان : ج ٧ ص ٢١٣ ح ١٠٠٤٤ ، تنبيه الغافلين : ص ٢٥٧ ح ٣٤١ كلها عن أنس ، البدايه والنهايه : ج ٩ ص ٢٧٧ عن وهب وكلها نحوه .

٤- .تحف العقول : ص ٨ ، نهج البلاغه : الحكمة ٢٢٨ عن الإمام علي عليه السلام ، تفسير العياشي : ج ١ ص ١٢٠ ح ٣٧٩ عن عمرو بن جميع رفعه عن الإمام علي عليه السلام وكلاهما نحوه ، الأمل للمفيد : ص ١٨٨ ح ١٥ ، الاختصاص : ص ٢٢٦ وفيه «تضعص له لشيء يصيبه منه» وكلاهما عن رفاعه عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٧٠ ح ٧ ؛ تاريخ بغداد : ج ٤ ص ٣٦٨ عن ابن مسعود ، تذكره الخواص : ص ١٣٤ عن الإمام علي عليه السلام نحوه .

٥- .نهج البلاغه : الخطبة ١٩١ ، غرر الحكم : ص ١٠٢٢٨ و ١٠٢٢٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥١٨ ح ٩٣٩٢ و ٩٣٩٣ وفيه «تضعص... ترفع» بدل «تضعصوا... ترفعوا» .

٦- .الدُّهْقَانُ : التَّاجِرُ ، وَزَعِيمُ فَلَاحِي الْعَجْمِ ، وَرئيس الإقليم ، مُعَرَّبٌ ، جمعه دَهَاقِنَةٌ وَدَهَاقِينُ (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٢٢٤ «دهقن»).

٧- .الشَّدُّ : الْعَدُوُّ ؛ اشْتَدَّ : أَي عَدَا (الصحاح : ج ٢ ص ٤٩٣ «شدد»).

٨- .نهج البلاغه : الحكمة ٣٧ .

۶ / ۳ نهی از بزرگداشت دنیا دار

۶ / ۳ نهی از بزرگداشت دنیا دار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دنیا داری را بزرگ بدارد و به طمع دنیای او دوستش بدارد، خداوند بر او خشم می گیرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، کسی را که ثروتمند را به خاطر ثروتش احترام نهد، از رحمتش دور می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برای رسیدن به نوایی از ثروتمندی، خود را در برابر او پست کند، خداوند بر او خشم می گیرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بر توانگری در آید و خود را در برابر او پست کند، دو سوم دینش می رود.

امام علی علیه السلام: آن کس را که پرهیزگاری بالا- برده است، پست بشمارید، و آن کس را که دنیا بالا- برده است، بلندمرتبه بشمارید.

نهج البلاغه: در مسیر امام علی علیه السلام به شام، بزرگان انبار، به دیدارش رفتند و از مرکب های خویش پیاده شده، پیشاپیش او دوان دوان حرکت کردند. فرمود: «این چه کاری است که می کنید؟!». گفتند: رسمی است که با آن، فرمان روایان خود را احترام می نهیم. فرمود: «به خدا سوگند که فرمان روایان شما از این کار، سودی نمی برند و شما نیز با آن، در دنیایان، خود را به زحمت می افکنید و در آخرتتان به رنج می افتید، و چه زیانبار است زحمتی که در پی آن، عذاب باشد، و چه پر سود است آسایشی که با ایمنی از آتش [دوزخ] همراه باشد!». .

٤ / ٦ الأَمْرُ بِالْإِعْرَاضِ عَنِ أبنَاءِ الدُّنْيَا الْكِتَابُ «فَأَعْرِضْ عَنِ مَنْ تَوَلَّى عَن ذِكْرِنَا وَ لَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * ذَلِكُمْ مَبْلَغُهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن اهْتَدَى». (١)

الحديث للإمام علي عليه السلام: خُلِطَةُ أبنَاءِ الدُّنْيَا تَشِينُ (٢) الدِّينَ وَ تُضَعِفُ الْيَقِينَ . (٣)

عنه عليه السلام: خُلِطَةُ أبنَاءِ الدُّنْيَا رَأْسُ الْبَلْوَى وَ فَسَادُ التَّقْوَى . (٤)

عنه عليه السلام: وُودُ أبنَاءِ الدُّنْيَا يَنْقَطِعُ لِانْقِطَاعِ أَسْبَابِهِ . (٥)

١- النجم: ٢٩ و ٣٠ .

٢- الشَّيْنُ: الْعَيْبُ ، وَقَدْ شَانَهُ يَشِينُهُ (النهاية: ج ٢ ص ٥٢١ «شين»).

٣- غرر الحكم: ح ٥٠٧٢ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٤٢ ح ٤٦١٣ .

٤- غرر الحكم: ح ٥٠٦٠ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٤١ ح ٤٥٩٨ .

٥- غرر الحكم: ح ١٠١١٧ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٠٥ ح ٩٢٧٤ .

۶ / ۴ دستور به روی گرداندن از فرزندان دنیا

۶ / ۴ دستور به روی گرداندن از فرزندان دنیا «پس، از هر که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است، روی برتاب. این، منتهای دانش آنان است. پروردگار تو، خود، به حال کسی که از راه او منحرف شده، داناتر است، و او به کسی که راه یافته، آگاه تر است».

حدیث امام علی علیه السلام: آمیزش با فرزندان دنیا (دنیا پرستان)، دین را زشت، و یقین را سست می کند.

امام علی علیه السلام: معاشرت با فرزندان دنیا، منشأ گرفتاری و تباہ کننده پرهیزگاری است.

امام علی علیه السلام: دوستی فرزندان دنیا، با قطع شدن اسباب آن، قطع می شود.

عنه عليه السلام: مَوَدَّةُ أبنَاءِ الدُّنْيَا تَزُولُ لِأَدْنَى عَارِضٍ يَعْرِضُ . (١)

الإمام الكاظم عليه السلام في وصيته لهشام بن الحكم: احذر هذه الدنيا واحذر أهلها . (٢)

٥ / ٦ ما يتبغى من الدعاء عند النظر إلى أصحاب الدنيا الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعائه في الرضا إذا نظر إلى أصحاب الدنيا: الحمد لله رضيت بحكم الله ، شهدت أن الله قسم معاش عباده بالعدل ، وأخذ على جميع خلقه بالفضل ، اللهم صل على محمد وآله ، ولا تفتني بما أعطيتهم ، ولا تفتنهم بما منعتني ؛ فأحسب خلقك ، وأغمط (٣) حكمك . اللهم صل على محمد وآله ، وطيب بقضائك نفسي ، ووسع بمواقع حكمك صديري ، وهب لي الثقة لأقر معها بأن قضاءك لم يجر إلا بالخير ، واجعل شكرى لك على ما زويت عني أوفر من شكرى إياك على ما خولتني . (٤) وأعصمني من أن أظن بذي عدم خساسة ، أو أظن بصاحب ثروته فضلاً ، فإن الشريف من شرفته طاعتك ، والعزیز من أعزته عبادتك ، فصل على محمد وآله ، وامتعنا بثروته لا تنفد ، وأيدنا بعز لا يفقد ، وأسرحنا في ملك الأبد ، إنك الواحد الأحد الصمد ، الذي لم يلد ولم يولد ، ولم يكن لك كفوا أحد . (٥)

١- غرر الحكم : ح ٩٨٢٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٨٧ ح ٩٠٠٣ .

٢- تحف العقول : ص ٤٠٠ ، بحار الأنوار : ج ١ ، ص ١٥٧ ، ر ٣٠ .

٣- غمط الناس كضرب وسمع : استحققهم ، والعافية : لم يشكرها ، والنعمة : بطرها (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٣٧٦ «غمط»).

٤- دقق أيها القارئ العزيز في العبارة ، فهي في غاية الدقة واللفافة .

٥- الصحيفه السجادية : ص ١٣٩ الدعاء ٣٥ .

۶ / ۵ دعای بایسته در هنگام دیدن دنیاداران

امام علی علیه السلام: دوستی فرزندان دنیا، با بروز کوچک ترین پیشامدی، از بین می رود.

امام کاظم علیه السلام در توصیه هایش به هشام بن حکم: از این دنیا بر حذر باش و از اهل آن حذر کن.

۶ / ۵ دعای بایسته در هنگام دیدن دنیاداران امام زین العابدین علیه السلام در دعا در مقام رضا، هنگامی که چشمش به دنیاداران می افتاد: ستایش، خداوند را از سر خشودی به حکم خدا. گواهی می دهم که خداوند، روزی های بندگانش را به عدالت تقسیم کرده، و با همه آفریدگانش به احسان، رفتار نموده است. بار خدایا! بر محمّد و آل او درود فرست، و مرا با آنچه به دنیاداران داده ای، در بوته امتحان میفکن، و آنان را به خاطر آنچه به من نداده ای [و به آنان داده ای]، میازمای، که در نتیجه بر آفریدگانت رشک برم و تقدیر تو را به دیده حقارت بنگرم. بار خدایا! بر محمّد و آل او درود فرست، و جان مرا به قضای خودت شاد بدار، و سینه ام را برای [پذیرش] جایگاه های حکمت (تقدیرت) بگشای، و مرا چنان اعتمادی [به خودت] ببخش تا به سبب آن، اقرار کنم که قضای تو، جز به نیکی روان نگشته است، و مرا بر نداده هایت به من، سپاس گزارتر از داده هایت به من، قرار ده. (۱) و مرا از این که به خاطر ناداری، گمان پستی برم، یا دارایی را برتر بیندارم، مصون بدار؛ زیرا بزرگ، کسی است که طاعت تو بزرگش کرده است، و عزیز، کسی است که عبادت تو عزّتش بخشیده است. پس بر محمّد و آل او درود فرست، و ما را از ثروتی پایان ناپذیر برخوردار کن، و با عزّتی از دست ناشدنی، تأییدمان فرما، و ما را در مُلک جاویدان رها گردان، که تویی خدای یگانه یکتای بی نیاز، که نه فرزندی داری و نه فرزند کسی هستی، و تو را هیچ همتایی نیست.

۱- خواننده عزیز! در این جمله دقّت کن که در نهایت عمق و زیبایی است.

بخش سوم : زهد به دنیا

اشاره

بخش سوم : زهد به دنیا فصل یکم: تعریف زهد و تحریف آن فصل دوم: ارزش زهد فصل سوم: برکت های زهد فصل چهارم: زمینه های زهد فصل پنجم: رهنمودهایی برای رسیدن به زهد فصل ششم: نمونه های زهد

درآمدزهد، در لغت‌کلمه «زهد» در اصل به معنای «اندک بودن» و «کم ارزش بودن» چیزی است و از آن جا که این معنا غالباً ملازم با بی رغبتی به آن چیز است، این کلمه در بی رغبتی نیز به کار می رود. ابن فارس در تبیین معنای «زهد» می گوید: الزاء والهاء والذال أصل يدلّ على قلّة الشيء، والزّهد: الشّء القليل، وهو مُزْهَدٌ: قليل المال، وقال رسول الله صلى الله عليه و آله: «أفضل الناس مؤمن مُزْهَدٌ»، هو المقلّ. (۱) ماده زاء و هاء و دال (زهد)، بر اندک بودن چیزی دلالت می کند. «زهد»، یعنی چیز اندک و «مُزْهَدٌ» یعنی دارای مال اندک. پیامبر خدا فرمود: «برترین مردم، مؤمنِ مُزْهَد است» یعنی آن که دارای اندک دارد. جوهری، «زهد» را چنین معنا کرده است:

۱- معجم مقاییس اللغة: ج ۳ ص ۳۰.

زهد، در قرآن و حدیث

الزَّهْدُ خِلاَفُ الرِّغْبَةِ . . . وَالتَّزْهِيدُ فِي الشَّيْءِ وَعَنِ الشَّيْءِ : خِلاَفُ التَّرْغِيبِ فِيهِ . (۱) زهد ، خِلاَفِ رِغْبَتِ اسْتِ «... التَّزْهِيدُ فِي الشَّيْءِ وَعَنِ الشَّيْءِ» يَعْنِي فِي فُلَانٍ شَيْءٌ يَأْتِي بِالنَّسْبِ إِلَى شَيْءٍ ، زَهْدٌ (بِي رِغْبَتِي) وَرَزِيدٌ . وَرَاغِبٌ أَصْفَهَانِي فِي الْمَفْرَدَاتِ أُورِدَهُ اسْتِ : الزَّهِيدُ : الشَّيْءُ الْقَلِيلُ وَالزَّاهِدُ فِي الشَّيْءِ الرَّاعِبُ عَنْهُ وَالرَّاضِي مِنْهُ بِالزَّهْدِ أَيْ الْقَلِيلِ . (۲) زهید : چیز اندک «الزاهد فی الشیء» یعنی بی اعتنا به آن چیز و رضایت دادن به اندک از آن . بنا بر این ، هر چند کلمه زهد ، هم در قَلَّتْ و هم در بی رغبتی کاربرد دارد ، اما تأمل در کلمات واژه شناسان نشان می دهد که معنای نخست ، اصل و معنای دوم ، فرع آن است .

زهد ، در قرآن و حدیث آمده «زهد» در قرآن ، تنها یک بار ، در داستان حضرت یوسف علیه السلام به کار رفته است : «وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَّهِمْ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ . (۳) و او را به بهای ناچیزی ، به چند درهم ، فروختند و به او بی رغبت بودند .» . یعنی فروشندگان یوسف ، به دلیل زهد (بی رغبتی) به وی ، او را به بهای اندکی فروختند . در این آیه ، «زهد» در بی «رغبتی» به کار رفته است و ارتباط آن با بهای اندک ، نشان دهنده معنای اصلی و فرعی آن است .

۱- الصحاح : ج ۲ ص ۴۸۱ .

۲- مفردات ألفاظ القرآن : ص ۳۸۴ .

۳- یوسف : آیه ۲۰ .

یک . تعریف زهد

در احادیث اسلامی غالباً مادّه «زهد» در «بی رغبتی» به کار رفته و به ندرت در معنای «قَلت» استعمال شده است . در این بخش ، رهنمودهای پیشوایان اسلام درباره زهدورزی نسبت به دنیای نکوهیده و سیره عملی آنان در برخورد با آن ، در شش فصل خواهد آمد ؛ امّا برای آن که پژوهشگران ، با بصیرت بیشتری مباحث آینده را ملاحظه کنند ، با تکیه بر متون این بخش ، توضیحات کوتاهی درباره تعریف زهد ، نشانه های آن ، تفاوت زهد اسلامی و رُهبانیت مسیحی ، حکمت زهد و راه های دستیابی به آن ، ارائه می گردد :

یک . تعریف زهد امام صادق علیه السلام ضمن تبیین سپاهیان خرد و نادانی ، «زهد نسبت به دنیا» را از سپاهیان خرد می شمارد و آن را به نقطه مقابل «رغبت به دنیا» تعریف می نماید و می فرماید : *الزُّهْدُ وَضِيْدُهُ الرِّغْبَةُ* . (۱) زهد ، ضدّش رغبت است . با در نظر گرفتن این رهنمود بنیادی که «زهد» از جنود خرد و تحت فرمان قوّه عاقله است ، به دو نکته مهم در تبیین زهد اسلامی می توان دست یافت : نکته اوّل ، این است که زهدی که اسلام انسان را بدان دعوت می کند ، خاستگاه عقلی و علمی دارد . به همین جهت ، صد در صد منطبق با خرد و منطبق است و اگر پیامبر درونی (خرد) مقصود آن را بداند ، پیش از پیامبران بیرونی ، انسان را بدان دعوت می نماید . نکته دوم ، این است که بی میلی ، دو گونه است :

الف . بی میلی طبیعی

ب . بی میلی قلبی

الف . بی میلی طبیعی میلی طبیعی ، آن است که طبع انسان نسبت به چیزی میل نداشته باشد ، چنان که بیمار ، تمایلی به خوردن و نوشیدن ندارد .

ب . بی میلی قلبی میلی قلبی ، آن است که روح انسان نسبت به چیزی تمایل نداشته باشد ، هر چند طبع او مایل به آن باشد ، مانند بیماری که غذایی را دوست دارد؛ ولی به دلیل این که می داند خوردن آن برای او خطرناک است ، نه تنها در خود میلی نسبت به آن احساس نمی کند؛ بلکه قلبا از آن نفرت دارد . با عنایت به این مقدمه می توان دریافت که زهد اسلامی ، به معنای بی میلی طبیعی به دنیا نیست (زیرا بی رغبتی طبیعی نسبت به لذایذ مادی ، ارزش نیست و در واقع ، نوعی بیماری است)؛ بلکه زهد اسلامی ، عبارت است از بی رغبتی قلبی نسبت به لذایذی که برای انسان زیانباراند . توضیح مطلب ، این که : گاه انسان طبعاً مایل به کاری است؛ اما خرد ، او را به دلیل زیانبار بودن آن کار منع می کند و انسان نیز با وجود علاقه قلبی به آن ، از انجام دادن آن خودداری می ورزد . این اقدام ، «صبر» نامیده می شود و کسی که خویشترداری می کند ، «صابر» نامیده می شود؛ چرا که در برابر رغبت طبیعی و میل قلبی خود مقاومت کرده است و این ، ارزشی است بسیار والا ، چنان که از امام علی علیه السلام روایت شده که می فرماید : *ما أَحْسَنَ بِالْإِنْسَانِ أَنْ يَصْبِرَ عَمَّا يَشْتَهِي* . (۱) برای انسان ، چه زیباست که در برابر خواسته [های نفسانی اش] صبر کند .

۱- غرر الحکم : ح ۹۶۴۸ ، عیون الحکم والمواعظ : ص ۴۷۹ ح ۸۸۰۵ .

امام علی علیه السلام در رهنمودی دیگر، در پاسخ کسی که از ایشان موعظه خواست، می فرماید: **أَتْرُكُ لِمَا تَبَقِيَ مَا تَشْتَهِي** **أَبْدَا كَفَى بِمَنْ عَفَّ عَمَّا يَشْتَهِي كَرَمًا (۱)** از خواهش های خود به خاطر آنچه جاویدان است، دست بشوی / در کرامت آدمی، همین بس که از خواهش های خویش، خویشتن نگه دارد. البته باید توجه داشت که چنین شخصی از فضیلت صبر برخوردار است، نه از فضیلت زهد. زهد که یک درجه بالاتر از صبر است آن است که بی میلی قلبی نسبت به لذایذ زیانبار، چنان بر انسان چیره شود که رغبت طبیعی او تحت سیطره آن قرار گیرد، به گونه ای که خودداری از لذایذ زیانبار، نیازی به صبر و مقاومت نداشته باشد؛ بلکه انسان، دیگر میلی نسبت به آنها در وجود خود، احساس نکند. امام علی علیه السلام در اشاره به این حالت زیبا می فرماید: **مَا أَحْسَنَ بِالْإِنْسَانِ إِلَّا يَشْتَهِي مَا لَا يَتَّبَعِي (۲)** برای انسان، چه زیباست که آنچه را شایسته نیست، نخواهد! هنگامی که انسان به این مرتبه والا دست یافت و زاهد شد، نسبت به اقبال و ادبار دنیا بی تفاوت می گردد؛ نه اقبال دنیا او را شادمان می کند و نه ادبار دنیا او را اندوهناک می نماید، چنان که امام علی علیه السلام در تبیین خصلت «زهد» می فرماید: **الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «لَكَيْلًا تَأْسَوْنَ عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُونَ بِمَا آتَاكُمْ» (۳)** زهد، در دو جمله از قرآن جمع شده است. خداوند سبحان می فرماید: «تا برای

۱- شرح الأخبار: ج ۲ ص ۳۸۳.

۲- غرر الحکم: ح ۹۶۴۹، عیون الحکم و المواعظ: ص ۴۷۹ ح ۸۸۰۶.

۳- ر. ک: ص ۴۲ ح ۸۰۳.

دو. نشانه های زهد

آنچه از دست شما می رود ، افسوس نخورید و برای آنچه به شما می دهد ، شادمان نشوید . و آنچه در تبیین زهد و تفاوت آن با صبر گفتیم ، در این سخن نورانی امیر مؤمنان علیه السلام خلاصه شده است : **إِنَّمَا النَّاسُ ثَلَاثٌ : زَاهِدٌ ، وَرَاغِبٌ ، وَصَابِرٌ . فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَلَا يَفْرَحُ بِالدُّنْيَا إِذَا أَتَتْهُ ، وَلَا يَحْزَنُ عَلَيْهَا إِذَا فَاتَتْهُ ، وَأَمَّا الصَّابِرُ فَيَتَمَنَّاها بِقَلْبِهِ ، فَإِنْ أَدْرَكَ مِنْهَا شَيْئًا صَرَفَ عَنْهَا نَفْسَهُ لِعَلِّمِهِ بِسَوْءِ الْعَاقِبَةِ ، وَأَمَّا الرَّاغِبُ فَلَا يُبَالِي مِنْ حِلِّ أَصَابِهَا أَمْ مِنْ حَرَامٍ . (۱)** مردم ، سه دسته اند : دنیا گریز و دنیا خواه و شکبیا . دنیا گریز ، هر گاه دنیا به او برسد ، شاد نمی شود ، و هر گاه از دستش برود برایش غم نمی خورد . شکبیا ، دنیا را قلباً آرزو می کند؛ اما چون به چیزی از آن برسد ، جاننش از آن روی برمی گرداند ؛ زیرا از فرجام بد آن آگاه است . و دنیا خواه اهمیتی نمی دهد که از طریق حلال به دنیا رسد یا از حرام .

دو . نشانه های زهد احادیث اسلامی ، برای آن که هر کس نتواند ادعای زهد (بی رغبتی) نسبت به دنیا کند و مدعیان دروغین از زاهدان راستین باز شناخته شوند ، چنان اهمیت قائل اند که با وجود این که حقیقت زهد ، بی رغبتی است ، (۲) بجز در مواردی نادر ، این صفت را از طریق آثار آن ، تعریف و تبیین کرده اند . (۳) ساده ترین نشانه زهد (بی رغبتی) ، مصرف اندک است . نمی توان باور کرد که کسی از غذایی که میل ندارد ، فراوان مصرف کند . در بحث از مفهوم لغوی «زهد» نیز گذشت که قِلْتُ ، در معنای زهد ، تنیده شده است . بنا بر این ، هر چند حقیقت

۱- ر. ک: ص ۴۲ ح ۸۰۵ .

۲- ر. ک: ص ۴۵ (نشانه های زهد) .

۳- ر. ک: ص ۴۱ (فصل یکم: تعریف زهد و تحریف آن / بی رغبتی) .

سه . مراتب زهد

زهد ، بی میلی روانی است ، امّا بی تردید ، جلوه این خصلت روحی ، باید در زندگی به صورت ساده زیستی و پرهیز از اسراف ، تجرّیل گرایی ، تشریفات (و حدّ اقل ، اجتناب از محرّمات) نمایان باشد . بر این پایه ، زهد ، تنها جنبه اخلاقی و روانی ندارد؛ بلکه بُعد عملی نیز دارد و زاهد ، کسی است که اعراض روانی از دنیای نکوهیده را با اعراض عملی ، همراه نموده است .

سه . مراتب زهد اشاره کردیم که پایین ترین مراتب زهد ، بی رغبتی روانی همراه با اجتناب از محرّمات است ؛ امّا بالاترین درجه زهد ، نقطه ای است که حجاب های شناخت ، به کلی از جلوی دیده دل برداشته می شوند و سالک به مرتبت یقین واصل می گردد . با وصول به این مرتبت است که باطن دنیای نکوهیده برای زاهد کشف می شود و در این هنگام ، انسان نه تنها نسبت به دنیا بی میل می گردد ، بلکه به آن نفرت نیز پیدا می کند ، چنان که امام علی علیه السلام در توصیف پیامبر خدا می فرماید : *عُرِضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا ، وَعَلِمَ أَنَّ اللَّهَ أَبْغَضَ شَيْئًا فَأَبْغَضَهُ .* (۱) دنیا به او پیشنهاد شد؛ امّا از پذیرفتن آن خودداری کرد ، و دانست که خدا چه چیزی را دشمن می دارد؛ او هم آن را دشمن داشت . امام علی علیه السلام نفرت خود از دنیای نکوهیده را با جملاتی مانند : *« أَمَرْتُ عَلَى فُؤَادِي مِنْ حَنْظَلِهِ يَلُوكُهَا ذُو سَيْقَمٍ ؛* (۲) دنیا در مذاق من ، تلخ تر از حنظلی است که شخص بیمار] ، با کراهت [می مکد» و یا *«أَهْوَنُ فِي عَيْنِي مِنْ عِرَاقٍ خَنْزِيرٍ*

۱- ر. ک: ص ۲۱۸ ح ۱۱۶۵ .

۲- ر. ک: ج ۱ ص ۳۴۲ ح ۵۱۱ .

چهار . تفاوت زهد اسلامی و رهبانیت مسیحیت

فی یدِ مجذوم؛ (۱) دنیا در چشم من ، بی ارزش تر از استخوان یک خوک در دست فردی جذامی است» ، بیان نموده است .

چهار . تفاوت زهد اسلامی و رهبانیت مسیحیت معلوم شد که زهد اسلامی ، هم بُعد درونی دارد و هم بُعد بیرونی ، و زاهد ، هم در درون ، احساس بی رغبتی به دنیا می کند و هم در بیرون ، بی علائقی او در زندگی آشکار می گردد . در این جا این سؤال پیش می آید که با این تعریف ارائه شده از زهد ، چه تفاوتی میان زهد اسلامی و رهبانیت مسیحیت وجود دارد؟ و چرا روایات احادیث به شدت از رهبانیت نهی کرده اند؟ (۲) پاسخ ، این است که زهد اسلامی و رهبانیت مسیحیت ، دو مقوله اند و با هم تفاوت های فراوانی دارند . اصلی ترین و مهم ترین خصوصیت زهد اسلامی که سایر ویژگی ها به آن باز می گردد ، این است که زهد اسلامی ، بر منطق و برهان روشن ، استوار است ؛ اما رهبانیت مسیحیت ، توجیه علمی و منطقی ندارد . زهد اسلامی ، چشم پوشی از مطلق لذایذ مادی نیست ، بلکه همان طور که توضیح دادیم تنها چشمپوشی از لذایذ زیانبار است ؛ اما رهبانیت مسیحیت ، مردم را به چشمپوشی از مطلق لذایذ مادی دعوت می کند . به سخن دیگر ، اسلام ، لذایذ مادی را به دو بخش تقسیم کرده است : لذایذ سودمند و لذایذ زیانبار . زهد اسلامی ، شامل لذایذ سودمند نمی شود و این ، همان چیزی است که خرد و منطق ، انسان را بدان دعوت می کند . اسلام ، هرگز نمی گوید که انسان باید از لذایذی که برای زندگی او سودمندند ، چشمپوشی کند یا نسبت به آنها بی رغبت باشد . پیامبر خدا ، برای این که زهد اسلامی با رهبانیت مسیحی اشتباه

۱- ر. ک: ج ۱ ص ۳۴۲ ح ۵۱۰ .

۲- ر. ک: ص ۱۲۷ (نهی از رهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است) .

نشود و برای این که از تحریف مفهوم «زهد» پیشگیری نماید، تصریح می فرماید: لَيْسَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا تَحْرِيمَ الْحَلَالِ، وَلَا إِضَاعَةَ الْمَالِ، وَلَكِنَّ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا الرِّضَا بِالْقَضَاءِ... (۱). زهدورزی نسبت به دنیا، حرام کردن حلال [بر خود] و یا ترک ثروت نیست؛ بلکه زهدورزی نسبت به دنیا، عبارت است از: راضی بودن به قضای خدا... همه احادیثی که تحت عنوان: «هشدار درباره تحریف زهد» و نیز تحت عنوان: «نهی از رُهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است» آمده اند، در واقع، برای تبیین تفاوت های زهد اسلامی و رهبانیت مسیحی اند. اسلام، اجازه نمی دهد که انسان، هیچ کاری را بدون شناخت انجام دهد. (۲) زهد ورزیدن نسبت به دنیا نیز از این قانون، مستثنا نیست و به این جهت امام علی علیه السلام می فرماید: لَا تَزْهَدَنَّ فِي شَيْءٍ حَتَّى تَعْرِفَهُ. (۳) هرگز در چیزی زهد مَورز تا آن گاه که آن را بشناسی. بر این پایه، پیشوایان اسلام، با همه هشدارهایی که درباره دنیاگرایی داده اند، هنگامی که می بینند افرادی، بدون شناخت، از دنیا مذمت می کنند و دیگران را به زهدورزی دعوت می نمایند، به شدت با آنها برخورد می کنند. (۴) به بیان روشن تر، اسلام، دین دنیا و آخرت و تأمین کننده منافع مادی و معنوی،

۱- ر. ک: ص ۶۲ ح ۸۴۹.

۲- «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ؛ از آنچه بدان علم نداری، پیروی مکن» (اسراء: آیه ۳۶).

۳- غرر الحکم: ح ۱۰۱۶۸، عیون الحکم والمواعظ: ص ۵۲۰ ح ۹۴۴۸.

۴- ر. ک: ج ۱ ص ۱۲۱ (نهی از ناسزا گویی به دنیا و نکوهش آن).

پنج . حکمت زهد

و دنیوی و اخروی جامعه است . امام علی علیه السلام در به تصویر کشیدن جامعه مطلوبی که اسلام مردم را بدان دعوت می کند ، می فرماید : **اعلموا عباد الله ان المتقين حازوا عاجل الخیر و آجله ، شارکوا اهل الدنیا فی دنياهم ، و لم یشارکهم اهل الدنیا فی آخرتهم ... سیکتوا الدنیا بأفضل ما سیکت ، و اکلوها بأفضل ما اکت .. أصابوا لعدّة الدنیا مع اهل الدنیا ، و هم غدا جیران اللّٰه ... (۱)** ای بندگان خدا! بدانید که تقوایندگان ، به خیر دنیا و آخرت دست یافتند . آنان با اهل دنیا در دنیایشان شریک شدند ؛ اما اهل دنیا در آخرت آنان با آنان شریک نیستند ... در دنیا به بهترین وجه زیستند و از آن به بهترین وجه خوردند ... همراه با اهل دنیا به لذت های دنیا رسیدند و فردای قیامت هم در جوار خداوند هستند . بر این پایه ، در اسلام راستین ، بر خلاف مسیحیت تحریف شده امروز ، دنیا و آخرت در تضاد نیستند ؛ بلکه با تأمل در رهنمودهای اسلام می توان دریافت که در این آیین ، مادّیت از درون معنویت ، و معنویت از درون مادّیت می جوشد و زهد اسلامی ، تنها در جایی مفهوم پیدا می کند که لذا ید مادّی ، برای فرد یا جامعه و یا هر دو ، زیانبار باشند .

پنج . حکمت زهد زهد اسلامی در همه عرصه های زندگی فردی و اجتماعی ، دارای نقش مثبت و سازنده است . از این رو ، تحصیل آن فوق العاده مورد تأکید احادیث اسلامی است ، تا آن جا که این خصلت ، زیباترین زیور انسان نزد خداوند متعال شمرده شده است (۲) . زهد ، در حوزه معرفت شناختی ، آسیب های فردی را از انسان دور می کند و با

۱- ر. ک: ج ۱ ص ۱۰۰ ح ۱۴۲ .

۲- ر. ک: ص ۸۵ (ارزش زهد / زیباترین زیور) .

برداشتن حجاب از دیده عقل و قلب، زشتی های دنیای نکوهیده را به انسان نشان می دهد و زمینه را برای رسیدن به حکمت حقیقی و نور علم که از باطن جان سرچشمه می گیرند فراهم می سازد و در بالاترین مراتب آن است که زاهد، با ملکوت عالم، پیوند برقرار می کند و از اسرار جهان هستی آگاه می گردد. (۱) زهد، در عرصه تکامل معنوی، فرصت لازم را برای خودسازی فراهم می کند، جان را از بردگی هوس ها رهایی می بخشد، ایمان و عبادت را در کام جان شیرین می کند، انسان را به آفریدگار خود نزدیک می نماید و سرانجام، او را به قلّه تکامل انسانی صعود می دهد. (۲) زهد، تنها در عرصه معرفت و معنویت، کارساز نیست و آسایش و آرامش زندگی مادی نیز در گرو زهد است. زهد، مشکلات زندگی را آسان می کند، به انسان عزّت می بخشد و دنیا را در خدمت او قرار می دهد. (۳) زهد، بیش از آنچه در عرصه زندگی فردی کارساز است، در عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کارآیی دارد. فرهنگ زهد، ریشه ظلم و تجاوز به حقوق دیگران را می سوزاند و زمینه را برای ایثار و مؤاسات (سهیم کردن دیگران در داشته های خود) فراهم می سازد. همه اختلاف های سیاسی و اقتصادی، و همه جنگ ها و خونریزی ها، ریشه در دنیاگرایی دارند. امام علی علیه السلام در تبیین انگیزه مخالفت ها و جنگ های سیاسی و اقتصادی، و همه جنگ های که در دوران کوتاه حکومت او اتفاق افتاد، در خطبه معروف «شقشقیه» می فرماید: فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكَّثَتْ طَائِفَةٌ، وَمَرَقَتْ أُخْرَى وَقَسَطَ آخَرُونَ كَأَنَّهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا

۱- ر. ک: ص ۹۹ (برکت های زهد / کمال یافتن شناخت).

۲- ر. ک: ص ۱۰۳ (دوستی و پاکی نفس) و ۱۰۵ (چشیدن شیرینی ایمان) و ۱۰۷ (درستی دین).

۳- ر. ک: ص ۱۰۹ (برکت های زهد / آسایش زندگی).

شش . راه تحصیل زهد

اللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (۱). بلی! واللّٰه لقد سَمِعُوهَا وَوَعَوْهَا، وَلَكِنَّهُمْ حَلَيْتِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِهِمْ، وَرَأَقَهُمْ زِبْرُجْهًا. (۲) چون زمام خلافت را به دست گرفتم، گروهی پیمان شکستند، گروهی از فرمان برون شدند، و گروهی راه ستم پیمودند، و گویا نشنیدند که خداوند سبحان می فرماید: «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که خواهان برتری و تباهی در زمین نیستند و عاقبت، از آن پرهیزکاران است». آری، به خدا سوگند که این آیه را شنیدند و فهمیدند؛ اما دنیا در چشمانشان زیبا آمد و زیب و زیور آن، خیره شان کرد. آنچه می تواند به جنگ های خانمانسوز در جهان پایان دهد و زندگی را برای جهانیان شیرین کند، زهدورزی رهبران سیاسی است و بدون آن، همه تلاش ها و برنامه ریزی ها برای تأمین حقوق بشر، عقیم خواهد ماند، چنان که تجربه تاریخ نیز این مدعا را اثبات می نماید.

شش . راه تحصیل زهدپیشوایان اسلام برای تحصیل صفت «زهد» و گسترش این فرهنگ در جامعه، رهنمودهای ارزشمندی ارائه کرده اند که در فصل چهارم خواهند آمد. این رهنمودها را می توان در پنج عنوان خلاصه کرد:

۱- .قصص: آیه ۸۳.

۲- .ر. ک: ج ۱ ص ۴۱۶ ح ۶۷۵.

۱. تقویت بنیادهای معرفتی

۲. تقویت ارزش های دینی

۳. تقویت شخصیت اخلاقی

۱. تقویت بنیادهای معرفتیهر چه قوه عاقله انسان نیرومندتر گردد و او خدا، دنیا و آخرت را بهتر بشناسد، از علاقه اش به دنیای نکوهیده کاسته می گردد. به گفته امام علی علیه السلام: **الْعَاقِلُ مَنْ يَرْهَدُ فِيمَا يَرَعِبُ فِيهِ الْجَاهِلُ**. (۱) خردمند به آنچه نادان رغبت دارد، بی رغبت است. در بالا-ترین مراتب شناخت، انسان، نه تنها به دنیا علاقه ای ندارد، بلکه نسبت به آن نفرت نیز پیدا می کند. (۲)

۲. تقویت ارزش های دینیتقویت ایمان و برنامه های دینی در زندگی، به تدریج، موجب زهدورزی در دنیای نکوهیده می گردد، چنان که در سخنی از امام علی علیه السلام آمده است: **الزُّهْدُ ثَمَرَةُ الدِّينِ**. (۳) زهد، میوه دین است.

۳. تقویت شخصیت اخلاقیبزرگواری روحی، یکی از موانع گرفتار شدن در دام دنیای نکوهیده و هوس های پست است. به گفته امام علی علیه السلام: **مَنْ كَرُمَتْ نَفْسُهُ صَيَّرَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ**. (۴) کسی که برای خویش ارج قائل باشد، دنیا در چشمش کوچک می آید. هر چه انسان در خود بیشتر احساس شخصیت و کرامت کند، از علاقه او نسبت

۱- ر. ک: ص ۱۳۲ ح ۱۰۱۶.

۲- ر. ک: ج ۱ ص ۳۴۷ (مطلقه زیرکان) و ۳۹۵ (تشویق به نفرت از دنیا).

۳- ر. ک: ص ۱۴۶ ح ۱۰۵۱.

۴- ر. ک: ص ۱۵۴ ح ۱۰۶۴.

۴. ساده زیستی

به هوس های زیانباری که به کرامت او ضربه می زنند ، کاسته می گردد . از این رو ، یکی از راه های گسترش فرهنگ زهد در جامعه ، زمینه سازی برای تقویت کرامت انسانی در یکایک مردم است .

۴. ساده زیستی یکی از رهنمودهای اهل بیت علیهم السلام برای تحصیل صفات نیک ، تمرین کردن و عادت دادن خود به آثار آن صفات است . برای مثال ، کسی که عصبانی مزاج است ، اگر تمرین کند و مدّتی خود را وا دارد که مانند افراد بردبار عمل نماید ، به تدریج ، بردباری برای او عادت می شود و بردبار می گردد . امام علی علیه السلام می فرماید : **إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ** ، فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ . (۱) اگر بردبار نیستی ، خود را به بردباری بزن ؛ زیرا کمتر کسی است که خود را به قومی مانند کند ، مگر آن که به زودی ، جزو آنان خواهد شد . برای کسب صفت زهد نیز می توان از همین رهنمود استفاده کرد ؛ یعنی همان طور که واداشتن خود به بردباری ، به تدریج ، موجب بردبار شدن می گردد ، واداشتن خود به زهدورزی نیز به زهد می انجامد ، چنان که در روایتی دیگر ، از آن امام علی علیه السلام نقل شده است : **التَّزَهُدُ يُؤَدِّي إِلَى الزُّهْدِ** . (۲) واداشتن خود به زهد ، به زهد [واقعی] می انجامد . بنا بر این ، ساده زیستی و اجتناب از تجمل گرایی و تشریفات در زندگی ، هر چند به معنای زهد (بی رغبتی) در دنیا نیست ، ولی یکی از راه های مهم کسب آن است ، و ترویج فرهنگ ساده زیستی در جامعه ، به تقویت فرهنگ زهد گرایی می انجامد . در

۱- نهج البلاغه : حکمت ۲۰۷.

۲- ر. ک : ص ۱۵۴ ح ۱۰۶۶ .

۵. استمداد از خداوند

این باره ، مطالعه سیره عملی پیشوایان دین که در فصل ششم آمده است (۱) بسیار آموزنده است .

۵. استمداد از خداوند در کنار تلاش برای تحصیل چهار عنوان گذشته ، «استمداد از خداوند متعال» برای رسیدن به صفت والای زهد و تداوم آن ، جایگاه ویژه ای دارد . از این رو ، یکی از خواسته های پیشوایان دین که خود ، زاهدان نمونه بودند در دعاهایشان ، زهد در دنیا بوده است و شگفت آور ، این که امام زاهدان ، علی علیه السلام ، پیش از واقعه جمل ، ضمن دعایی ، به خداوند متعال ، عرض می کند : **إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى دُنْيَايَ بَرِّهَيْدٍ وَعَلَى آخِرَتِي بَتَّقْوَى هَلَكْتُ** . (۲) اگر مرا در کار دنیایم با «زهد» ، و در کار آخرتم با «تقوا» کمک نکنی ، هلاک می شوم . این سخن ، نشان می دهد که اگر عنایت و امدادسانی خداوند متعال نباشد ، هیچ کس از آلودگی به دنیای نکوهیده و گرفتاری در دام هوس ها مصونیت ندارد .

۱- ر. ک : ص ۲۱۳ (فصل ششم : نمونه های زهد) .

۲- ر. ک : ص ۱۵۶ ح ۱۰۷۱ .

الفصل الأول: تعريف الزهد وتحريفه ١ / اِضِدُّ الرَّغْبَةَ الْكِتَابَ «وَشَرُّهُ بِثَمَنِ بَخْسٍ دَرَّ هِمَّ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ» . (١)

الحديث للإمام علي عليه السلام: زُهِدْكَ فِي رَاغِبٍ فِيكَ نُقْصَانُ حَظِّ ، وَرَغْبَتُكَ فِي زَاهِدٍ فِيكَ ذُلُّ نَفْسٍ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام في ذِكْرِ جُنُودِ الْعَقْلِ وَالْجَهْلِ: الزُّهُدُ وَضِدُّهُ الرَّغْبَةُ . (٣)

١ / ٢ تعريفُ الزُّهُدِ الْكِتَابَ «لِكَيْلَا تَأْسُؤَ عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» . (٤)

١- يوسف : ٢٠ .

٢- نهج البلاغه : الحكمة ٤٥١ ، بحار الأنوار : ح ٦٧ ، ص ١٩٥ .

٣- الكافي : ج ١ ص ٢١ ح ١٤ ، الخصال : ص ٥٨٩ ح ١٣ ، علل الشرائع : ص ١١٤ ح ١٠ ، المحاسن : ج ١ ص ٣١٢ ح ٦٢٠

كلها عن سماعه بن مهران ، بحار الأنوار : ج ١ ص ١١٠ ح ٧ .

٤- الحديد : ٢٣ .

فصل یکم: تعریف زهد و تحریف آن

۱ / ۱ بی رغبتی

۲ / ۱ تعریف زهد

فصل یکم: تعریف زهد و تحریف آن ۱ / ۱ بی رغبتیقرآن«و او (یوسف) را به بهای ناچیزی ، به چند درهم ، فروختند، و در او بی رغبت بودند» .

حدیثامام علی علیه السلام: بی رغبتی تو به کسی که به تو راغب است ، کم بختی است، و رغبت تو به کسی که به تو بی رغبت است ، [مایه] خواری نفس است.

امام صادق علیه السلام در یادکرد از سربازان خرد و نابخردی: زهد که ضدّ آن ، رغبت است.

۱ / ۲ تعریف زهدقرآن«تا بر آنچه از دست شما رفته ، افسوس نخورید و برای آنچه [خداوند] به شما داده است ، شادمانی نکنید؛ و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد» .

الحدِيثُ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ : «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» ، وَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَلَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفِيهِ . (١)

الْأَمَالِي عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ : قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؟ فَقَالَ : قَدْ حَدَّثَ اللَّهُ ذَلِكَ فِي كِتَابِهِ ، فَقَالَ : «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» . (٢)

الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّمَا النَّاسُ ثَلَاثَةٌ : زَاهِدٌ وَرَاغِبٌ وَصَابِرٌ . فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَلَا يَفْرَحُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا أَتَاهُ وَلَا يَحْزَنُ عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَاتَهُ ، وَأَمَّا الصَّابِرُ فَيَتَمَنَّاها بِقَلْبِهِ ، فَإِنْ أَدْرَكَ مِنْهَا شَيْئًا صَرَفَ عَنْهَا نَفْسَهُ لِمَا يَعْلَمُ مِنْ سُوءِ عَاقِبَتِهَا ، وَأَمَّا الرَّاغِبُ فَلَا يُبَالِي مِنْ حِلِّ أَصَابِهَا أَمْ مِنْ حَرَامِ . (٣)

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : النَّاسُ ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٍ : زَاهِدٌ مُعْتَرِمٌ ، وَصَابِرٌ عَلَى مُجَاهَدِهِ هَوَاهُ ، وَرَاغِبٌ مُنْقَادٌ لِشَهْوَاتِهِ . فَالزَّاهِدُ لَا يُعْظَمُ مَا آتَاهُ اللَّهُ فَرَحًا بِهِ ، وَلَا يُكْتَرُ عَلَى مَا فَاتَهُ أَسْفًا ... (٤)

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الزُّهْدُ أَلَّا تَطْلُبَ الْمَفْقُودَ حَتَّى يَعْدَمَ الْمَوْجُودُ . (٥)

١- نهج البلاغه : الحكمه ٤٣٩ ، مشكاه الأنوار : ص ٢٠٧ ح ٥٦٣ ، روضه الواعظين : ص ٤٧٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣١٧ ح ٢٣ وراجع غرر الحكم : ح ٨٥٨٦ .

٢- الأمالى للصدوق : ص ٧١٤ ح ٩٨٤ ، تفسير القمى : ج ٢ ص ١٤٦ ، بزياده «إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ أَخْوَفُهُمْ لِلَّهِ ، وَأَخْوَفُهُمْ لَهُ أَعْلَمُهُمْ بِهِ ، وَأَعْلَمُهُمْ بِهِ أَزْهَدُهُمْ فِيهَا» روضه الواعظين : ص ٤٧٥ ، مشكاه الأنوار : ص ٢٠٨ ح ٥٦٥ .

٣- التوحيد : ص ٣٠٧ عن الأصمغ بن نباته ، الأمالى للصدوق : ص ٤٢٤ ح ٥٦٠ ، الاختصاص : ص ٢٣٧ ، بحار الأنوار : ج ١٠ ص ١٢٠ . وراجع : ح ٧٢٥ تحت عنوان (خسران الدنيا والآخرة) .

٤- دستور معالم الحكم : ص ١٢٠ .

٥- غرر الحكم : ح ١٢٥٩ .

حدیث امام علی علیه السلام: تمام زهد، در دو جمله از قرآن [گرد آمده] است. خداوند سبحان فرموده است: «تا بر آنچه از دست شما رفته، افسوس نخورید و برای آنچه به شما داده است، شادمان نشوید». کسی که بر گذشته افسوس نخورد و برای آنچه به دستش می رسد، شاد نشود، هر دو جانب زهد (زهد کامل) را گرفته است.

الأمالی، صدوق به نقل از حفص بن غیاث: به امام صادق علیه السلام گفتم: زهد به دنیا چیست؟ فرمود: «خداوند آن را در کتابش تعریف کرده است: «تا بر آنچه از دست شما می رود، افسوس نخورید و برای آنچه به شما می دهد، شادمان نشوید».

امام علی علیه السلام: مردم، سه دسته اند: زاهد، دنیاخواه و شکیبیا. زاهد، هرگاه چیزی از دنیا به او برسد، بدان شاد نمی شود و برای از دست دادن چیزی از آن نیز اندوهگین نمی شود. شکیبیا، در دل تمنای دنیا را دارد، اما اگر به چیزی از آن دست یابد، چون عاقبت بدش را می داند، از آن روی بر می تابد. دنیاخواه، اهمیتی نمی دهد که از حلال به دنیا برسد یا از حرام.

امام علی علیه السلام: مردم، سه گروه اند: زاهد ثابت قدم، شکیبیای در مبارزه با هوای نفس، و دنیاخواه پیرو خواهش های خویش. زاهد، نه برای آنچه خداوند به او می دهد، شادمانی بسیار می کند، و نه بر آنچه از دستش می رود، افسوس بسیار می خورد....

امام علی علیه السلام: زهد، آن است که تا آنچه داری تمام نشود، در طلب آنچه نداری برنیایی.

الإمام الحسن عليه السلام لَمَّا قِيلَ لَهُ: مَا الزُّهْدُ؟: الرَّغْبَةُ فِي التَّقْوَى . (١)

الكافي عن السَّكُونِي عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال: قُلْتُ لَهُ: مَا الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؟ قَالَ: وَيَحْكُ! حَرَامَهَا فَتَنَكَّبَهُ (٢) . (٣)

الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: سَأَلْتُ الْعَالِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَزْهَدِ النَّاسِ ، فَقَالَ: الَّذِي لَا يَطْلُبُ الْمَعْدُومَ حَتَّى يَنْفَدَ الْمَوْجُودُ . (٤)

راجع: ص ٩٠ ح ٩٢٢ .

١ / ٣ أَعْلَامَاتُ الزُّهْدِ اجْتِنَابُ الْحَرَامِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ تَكُنْ زَاهِدًا . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله: أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ اجْتَنَبَ الْحَرَامَ . (٦)

١- تحف العقول: ص ٢٢٥، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٠٢ ح ٢ .

٢- تَنَكَّبَهُ: تَجَبَّبَهُ (الصحاح: ج ١ ص ٢٢٨ «نكب»).

٣- الكافي: ج ٥ ص ٧٠ ح ١، معاني الأخبار: ص ٢٥١ ح ١ عن السكوني عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام نحوه، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٩ ح ١٣٠ عن إسماعيل بن أبي زياد رفعه إلى الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٧ ح ٢٦ .

٤- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٧١، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٥ ح ١٩ .

٥- مسند أبي يعلى: ج ٥ ص ٣٣١ ح ٥٨٣٩ عن أبي هريره .

٦- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٩٥ ح ٥٨٤٠، الأمل للصدوق: ص ٧٢ ح ٤١ كلاهما عن يونس بن ظبيان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، معاني الأخبار: ص ١٩٥ ح ١ عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، تحف العقول: ص ٤٨٩ عن الإمام العسكري عليه السلام وفيهما «ترك» بدل «اجتنب»، كنز الفوائد: ج ١ ص ٢٩٩ عن الإمام عليّ عليه السلام، أعلام الدين: ص ٣٢٢ وفيهما «المحارم» بدل «الحرام»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١١٢ ح ٢ .

۱ / ۳ نشانه های زهد

الف دوری کردن از حرام

امام حسن علیه السلام در پاسخ به این سؤال که: زهد چیست؟: رغبت به تقواست .

الکافی به نقل از سکونی: به امام صادق علیه السلام گفتم: [معنای] زهد در دنیا چیست؟ فرمود: «زهی تو! از حرامش دوری کن».

الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: از عالم (امام کاظم) علیه السلام درباره زاهدترین مردم پرسیدم . فرمود: «کسی که تا آنچه دارد ، تمام نشود ، در پی آنچه ندارد ، بر نیاید».

ر . ک : ص ۹۱ ح ۹۲۲ .

۱ / ۳ نشانه های زهد الف دوری کردن از حرام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از حرام ها دوری کن تا زاهد باشی .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : زاهدترین مردم ، کسی است که از حرام ، دوری کند .

الإمام عليّ عليه السلام: لا زُهدَ كَالكُفِّ عَنِ الحَرَامِ . (١)

عنه عليه السلام: لا زُهدَ كَالزُّهْدِ فِي الحَرَامِ . (٢)

عنه عليه السلام: الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَمْ يَغْلِبِ الحَرَامَ صَبْرَهُ، وَلَمْ يَشْغَلِ الحَلَالَ شُكْرَهُ. (٣)

كتاب من لا يحضره الفقيه: سَيِّئَلُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الزَّاهِدِ فِي الدُّنْيَا ، قَالَ : الَّذِي يَتْرُكُ حَلَالَهَا مَخَافَةَ حِسَابِهِ ، وَيَتْرُكُ حَرَامَهَا مَخَافَةَ عَذَابِهِ . (٤)

راجع : ص ٤٢ ح ٨٠٥ .

ب قَصْرُ الْأَمِيرِ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ ، وَشُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ ، وَالْوَرَعُ عَنِ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ . (٥)

الإمام عليّ عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ ، الزَّهَادَةُ قَصْرُ الْأَمَلِ ، وَالشُّكْرُ عِنْدَ النِّعَمِ ، وَالتَّوَرُّعُ عِنْدَ المَحَارِمِ . فَإِنْ عَزَبَ ذَلِكَ عَنْكُمْ فَلَا يَغْلِبِ الحَرَامَ صَبْرَكُمْ ، وَلَا تَنْسُوا عِنْدَ النِّعَمِ شُكْرَكُمْ . (٦)

١- غرر الحكم : ح ١٠٥٤٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٣٢ ح ٩٧٠٨ .

٢- نهج البلاغه : الحكمة ١١٣ ، مشكاة الأنوار : ص ٢٠٧ ح ٥٦٣ ، روضه الواعظين : ص ٤٧٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣١٧ ح ٢٣ .

٣- تحف العقول : ص ٢٠٠ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٣٧ ح ٣ وراجع نهج البلاغه : الخطبه ٨١ .

٤- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٤٠٠ ح ٥٨٦١ ، معاني الأخبار : ص ٢٨٧ ح ١ ، عيون أخبار الرضا : ج ٢ ص ٥٢ ح ١٩٩ ، الأمالي للصدوق : ص ٤٣٩ ح ٥٨٠ كلّها عن الحسن بن عليّ الناصر « الناصري » عن أبيه عن الإمام الجواد عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، مشكاة الأنوار : ص ٢٠٨ ح ٥٦٥ ، روضه الواعظين : ص ٤٧٥ وفيهما « الزهد » بدل « الزاهد » ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣١١ ح ٦ .

٥- تحف العقول : ص ٥٨ و ص ٢٢٠ عن الإمام عليّ عليه السلام ، الكافي : ج ٥ ص ٧١ ح ٣ ، معاني الأخبار : ص ٢٥١ ح ٢ كلاهما عن أبي الطفيل عن الإمام عليّ عليه السلام .

٦- نهج البلاغه : الخطبه ٨١ ، الكافي : ج ٥ ص ٧١ ح ٣ ، معاني الأخبار : ص ٢٥١ ح ٢ كلاهما عن أبي الطفيل ، الخصال : ص ١٤ ح ٥٠ ، تحف العقول : ص ٢٢٠ و ص ٥٨ عن رسول الله صلى الله عليه و آله وكلّهما نحوه ، روضه الواعظين : ص ٤٧٦ ، إرشاد القلوب : ص ١٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣١٧ ح ٢٣ .

ب کوناهای آرزو

امام علی علیه السلام: زهدی چون خویشنداری از حرام نیست.

امام علی علیه السلام: هیچ زهدی مانند ترک حرام نیست.

امام علی علیه السلام: زاهد در دنیا، کسی است که حرام، بر شکیبایی اش چیره نگردد و حلال، او را سرگرم و از شکرگزاری غافل نسازد.

کتاب من لایحضره الفقیه: از امام صادق علیه السلام درباره زاهد در دنیا سؤال شد. فرمود: «زاهد، کسی است که حلال دنیا را از بیم حسابش ترک می کند و حرام آن را از ترس کیفرش».

ر. ک: ص ۴۳ ح ۸۰۵

ب کوتاهی آرزویامبر خدا صلی الله علیه و آله: زهد به دنیا، عبارت است از: کوتاه کردن آرزو، گزاردن شکر هر نعمتی، و پرهیز از هر آنچه خداوند، حرام کرده است.

امام علی علیه السلام: ای مردم! زهد، کوتاه کردن آرزو، گزاردن شکر نعمت ها، و خویشنداری از حرام هاست. اگر از عهده این هر سه بر نیامدید، [لا اقل بکوشید که] در برابر حرام، صبر خویشتن را از دست ندهید و سپاسگزاری از نعمت ها را فراموش نکنید.

عنه عليه السلام: الزُّهْدُ قَصْرُ الْأَمَلِ . (١)

عنه عليه السلام: الزُّهْدُ تَقْصِيرُ الْأَمَالِ وَإِخْلَاصُ الْأَعْمَالِ . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام: لا زُهْدَ كَقَصْرِ الْأَمَلِ . (٣)

ج مُخَالَفَةُ الْهَوَى بِالْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ظَلَفَ (٤) النَّفْسِ عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا هُوَ الزُّهْدُ الْمَحْمُودُ . (٥)

عنه عليه السلام: هِمَّةُ الزَّاهِدِ مُخَالَفَةُ الْهَوَى ، وَالسُّلُوءُ (٦) عَنِ الشَّهَوَاتِ . (٧)

١٧٩. تهذيب الكمال مجلد ٣ ص ٣٩٧: عنه عليه السلام: كَيْفَ يَصِلُ إِلَى حَقِيقَةِ الزُّهْدِ مَنِ لَمْ يُمِتْ شَهْوَتَهُ؟! (٨) د الرِّضَا بِالْقَضَاءِ ١٧٧. تهذيب التهذيب مجلد ١ ص ٣٣٧ ٣٣٨: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِرْضَ بِقِسْمِ اللَّهِ تَكُنْ زَاهِدًا . (٩) ١٧٦. الجمل ص ٤٩ و ٥٢: عنه صلى الله عليه وآله: أَشْرَفُ الزُّهْدِ أَنْ يَسْكُنَ قَلْبُكَ عَلَى مَا رُزِقْتَ . (١٠) ١٧٥. عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ الْخَصِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: . . . مَنْ يُحَقِّرْ حَالَهُ وَيَتَّهَمُ اللَّهَ بِمَا قَضَى لَهُ ، كَيْفَ يَكُونُ زَاهِدًا؟! (١١) .

- ١- غرر الحكم : ح ٨٧٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣١ ح ٥٣٣ .
- ٢- غرر الحكم : ح ١٨٤٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢١ ح ١٤١ .
- ٣- تحف العقول : ص ٢٨٦ عن جابر بن يزيد الجعفي ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٦٥ ح ١ .
- ٤- ظَلَفَ نَفْسَهُ عَنِ الشَّيْءِ يَظْلِفُهَا ظَلْفًا : أى منعها من أن تفعله أو تأتية (الصحاح : ج ٤ ص ١٣٩٨ «ظلف»).
- ٥- غرر الحكم : ح ٦٠٧١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٢٤ ح ٥٦٠٢ .
- ٦- سَلَوْتُ عَنْهُ سَلْوًا : صَبَرْتُ (المصباح المنير : ص ٢٨٧ «سلا»).
- ٧- كنز الفوائد : ج ١ ص ٣٥٠ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٩٢ ح ٩٨ .
- ٨- غرر الحكم : ح ٧٠٠٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٨٣ ح ٦٤٧٢ وفيه «من أطاع فى الأصل» بدل «من لم يُمت» .
- ٩- مسند الشهاب : ج ١ ص ٣٧٢ ح ٦٤٢ عن أبى هريره .
- ١٠- كنز العمال : ج ١ ص ٣٧ ح ٦٥ نقلًا عن ابن النجار فى تاريخه عن ابن عمر .
- ١١- المعجم الأوسط : ج ٧ ص ٧٩ ح ٦٩٠٨ ، البدايه والنهائيه : ج ١ ص ٣٢٩ كلاهما عن عمر بن الخطاب ، كنز العمال : ج ١٦ ص ١٤٥ ح ٤٤١٧٦ ؛ منيه المرید : ص ١٤١ ، بحار الأنوار : ج ١ ص ٢٢٧ ح ١٨ .

ج مخالفت با هوای نفس

د راضی بودن به قضای الهی:

۱۷۴. إرشاد الساری للقسطلانی ج ۵ ص ۳۰۸: امام علی علیه السلام: زهد، کوتاه کردن آرزوست. ۱۷۳. طرائف المقال: امام علی علیه السلام: زهد، کوتاه کردن آرزوها و اخلاص در اعمال است. ۱۷۲. میزان الاعتدال مجلد ۱ ص ۲۷۹: امام باقر علیه السلام: زهدی چون کوتاهی آرزو نیست. ج مخالفت با هوای نفس ۱۷۰. تهذیب الکیمال مجلد ۳۴ ص ۳۶: امام علی علیه السلام: بازداشتن نفس از لذت های دنیا، همان زهد پسندیده است. ۱۶۹. الجرح والتعدیل مجلد ۲ ص ۳۲۶: امام علی علیه السلام: همّت زاهد، مخالفت کردن با هوای نفس است و شکیبایی در برابر خواهش ها. ۱۶۸. التاریخ الکبیر مجلد ۶ ص ۱۰۷: امام علی علیه السلام: چگونه به حقیقت زهد برسد کسی که شهوت خویش را نکشته است؟! د راضی بودن به قضای الهی: ۱۶۶. مستدرک الحاکم مجلد ۳ ص ۴۰۶ ۴۰۷: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به قسمت خدا راضی باش تا زاهد باشی. ۱۶۵. سیر أعلام النبلاء مجلد ۴ ص ۳۳: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین زهد، آن است که دلت به آنچه روزی تو شده است، آرام گیرد. ۱۶۴. الدر المنثور مجلد ۴ ص ۱۹۹: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خضر علیه السلام گفت: «... کسی که از وضع خود ناخشنود باشد و خدا را در آنچه برای او حکم کرده است، متهم سازد، چگونه زاهد است؟!». .

١٦٣. مستدرک الحاکم مجلد ٣ ص ٤٠٥: عنه صلى الله عليه و آله لِإِبْنِ ذَرِّهِ الْغَفَارِيِّ: يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَمْ يَجْزَعْ مِنْ ذُلِّ الدُّنْيَا ، وَلَمْ يُبَلِّ (١) مِنْ أَهْلِهَا وَعِزِّهَا . (٢) ه تِلْكَ الصِّفَاتُ ١٦١. مستدرک الحاکم مجلد ٣ ص ٤٠٦ ٤٠٧: رسول الله صلى الله عليه و آله :أَمَّا عَلَامَةُ الزَّاهِدِ فَعَشْرَةٌ ؛ يَزْهَدُ فِي الْمَحَارِمِ ، وَيَكْفُفُ نَفْسَهُ ، وَيُقِيمُ فَرَائِضَ رَبِّهِ ، فَإِنْ كَانَ مَمْلُوكًا أَحْسَنَ الطَّاعَةَ ، وَإِنْ كَانَ مَالِكًا أَحْسَنَ الْمَمْلَكَةَ ، وَلَيْسَ لَهُ حَمِيَّةٌ وَلَا حِقْدٌ ، يُحْسِنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِ ، وَيَنْفَعُ مَنْ ضَرَّهُ ، وَيَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ ، وَيَتَوَاضَعُ لِحَقِّ اللَّهِ . (٣) ١٦٠. مستدرک الحاکم مجلد ٣ ص ٤٠٥ ٤٠٦: مكارم الأخلاق عن أبي ذرٍّ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، مَنْ أَزْهَدُ النَّاسِ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ لَمْ يَنْسَ الْمَقَابِرَ وَالْبَلَى (٤) ، وَتَرَكَ فَضْلَ زِينَةِ الدُّنْيَا ، وَآثَرَ مَا يَبْقَى عَلَى مَا يَفْنَى ، وَلَمْ يَعِدِّ عَدَا مِنْ أَيَّامِهِ ، وَعَدَّ نَفْسَهُ فِي الْمَوْتَى . (٥) ١٥٩. بحار الأنوار مجلد ٦٨ ص ٣٦٧: رسول الله صلى الله عليه و آله في وصيته لِإِبْنِ ذَرٍّ: يَا أَبَا ذَرٍّ ، طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا ، الزَّاعِبِينَ فِي الآخِرَةِ ، الَّذِينَ اتَّخَذُوا أَرْضَ اللَّهِ بَسَاطًا ، وَتُرَابَهَا فِرَاشًا ، وَمَاءَهَا طَيِّبًا ، وَاتَّخَذُوا الْكِتَابَ شِعَارًا ، وَاللُّدْعَاءَ لِلَّهِ دِثَارًا (٦) ، وَقَرَّضُوا الدُّنْيَا قَرْضًا . (٧) .

- ١- ما أباليه : أى ما أكثرِث له ، وإذا قالوا: لم أبُلْ ، حذفوا تخفيفا لكثرة الاستعمال (الصحاح : ج ٦ ص ٢٢٨٥ «بلا»).
- ٢- حليه الأولياء : ج ٦ ص ٣٥٣ عن ابن عمر وراجع كشف الخفاء : ج ١ ص ٤١١ .
- ٣- تحف العقول : ص ٢١ ، بحار الأنوار : ج ١ ص ١٢١ ح ١١ .
- ٤- بِلَى الْمَيْتِ : أفنته الأرض (المصباح المنير : ص ٦٢ «بلى»).
- ٥- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٦٩ ح ٢٦٦١ ، الأمالى للطوسى : ص ٥٣١ ح ١١٦٢ ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٢٨٤ كلاهما نحوه ؛ كنز العمال : ج ٣ ص ١٨٨ ح ٦٠٩٢ نقلًا عن شعب الإيمان عن الضحاك .
- ٦- الشُّعَارُ : الثوب الذى يلى الجسد ؛ لأنه يلى شِعْرِهِ . والدُّثَارُ : الثوب الذى فوق الشُّعَارِ (النهاية : ج ٢ ص ٤٨٠ «شعر»). قال العلامة المجلسى قدس سره : أى يلازمون القرآن والدعاء كلزوم الدُّثَارِ والشُّعَارِ للإنسان (بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٢٧٦) .
- ٧- الأمالى للطوسى : ص ٥٣٢ ح ١١٦٢ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٧٠ ح ٢٦٦١ كلاهما عن أبى ذرٍّ ، نهج البلاغه : الحكمة ١٠٤ ، الأمالى للمفيد : ص ١٣٣ ح ١ ، الخصال : ص ٣٣٧ ح ٤٠ ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص ٩٧ كلُّها عن نوف البكالى عن الإمام على عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣١٦ ح ٢٢ وراجع الكافى : ج ٢ ص ١٣٢ ح ١٥ و تحف العقول : ص ٢٨١ .

ه مجموعه این صفات

۱۵۸. الاعتصام للشاطبی ج ۱ ص ۳۰: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ابو ذر غفاری: ای ابوذر! مؤمن از خواری خود در دنیا بی تابی نمی کند و به دنیاپرستان و عزت دنیا، اهمیتی نمی دهد. مجموعه این صفات ۱۵۶. معجم البلدان مجلد ۲ ص ۴۶۸ ۴۶۹: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نشانه زهد ده تاست: به حرام ها بی رغبت است؛ خویشتر است؛ واجبات پروردگارش را به جا می آورد؛ اگر مملوک است، فرمان بردار خوبی است؛ اگر مالک است، ملکدار خوبی است؛ تندخو و کینه توز نیست؛ به کسی که به او بدی کرده است، خوبی می کند؛ به کسی که به او زیان زده است، سود می رساند؛ از کسی که به او ستم کرده است، گذشت می کند؛ و در برابر حق خداوند، فروتن است (یا: به خاطر خدا فروتنی می کند). ۱۵۵. الأنساب مجلد ۴ ص ۴۸۱ ۴۸۲: مکارم الأخلاق به نقل از ابو ذر: گفتم: ای پیامبر خدا! زاهدترین مردم کیست؟

فرمود: کسی که قبرستان و پوسیده شدن را فراموش نکند، از مازاد زیور دنیا، چشم بپوشد، آنچه را ماندنی است، بر آنچه از بین رفتنی است، ترجیح دهد، فردا را از روزهای [عمر] خود نشمارد و خویشتر را در شمار مردگان به حساب آورد. ۱۵۴. لسان المیزان مجلد ۱ ص ۴۷۵: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به ابو ذر: ای ابوذر! خوشا به حال دل بریدگان از دنیا و دل دادگان به آخرت؛ آنان که زمین خدا را فرش خود قرار داده اند و خاکش را بستر و آبش را شربت گوارا؛ کتاب خدا را [چونان] جامه زیرین

خود گرفتند و دعا به درگاه خدا را جامه رویین، (۱) و دنیا را به کلی پشت سر انداختند.

۱- .علامه محمّد باقر مجلسی گوید: [یعنی] ملازمت با قرآن و دعا دارند، چنان که لباس انسان، مدام با انسان است (بحار الأنوار: ج ۶۹ ص ۲۷۶).

١٥٣. رحله ابن بطوطه ج ١ ص ٩٣: عنه صلى الله عليه وآله مما أوصى به علينا عليه السلام: يا عليُّ، مثل الآخِزَةِ في قلبِكَ وَالْمَوْتِ نَصَبَ عَيْنَيْكَ، وَلَا تَنْسَ مَوْقِفَكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ، وَكُنْ مِنَ اللَّهِ عَلَى وَجَلٍ، وَادْكُرْ نِعَمَ اللَّهِ، وَاكْفُفْ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَنَابِذْ (١) هَوَاكَ، وَاعْزِلِ الشُّكَّ وَالطَّمَعَ وَالْحِرْصَ، وَاسْتَعْمِلِ التَّوَاضِعَ وَالْعِفَّةَ وَحُسْنَ الْخُلُقِ وَلِينِ الْكَلَامِ، وَاتَّبِعْ قَوْلَ الْحَقِّ مِنْ حَيْثُ وَرَدَ، وَاجْتَنِبِ الْبُخْلَ وَالْكَذِبَ وَالرِّيَاءَ وَالْعُجْبَ، وَلَا تَسْتَصْغِرْ نِعْمَةَ اللَّهِ وَجَاوِزْهَا بِالشُّكْرِ، وَادْكُرِ اللَّهَ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَاحْمِدْهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَاعْفُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَصِلْ مَنْ قَطَعَكَ وَأَعْطِ مَنْ حَرَمَكَ، وَلْيَكُنْ صَمْتُكَ فِكْرًا وَكَلَامُكَ ذِكْرًا وَنَظْرُكَ اعْتِبَارًا، وَتَحَبَّبْ مَا اسْتَطَعْتَ، وَبَاشِرِ النَّاسَ بِالْحُسْنَى، وَاصْبِرْ عَلَى النَّازِلِ (٢)، وَلَا تَسْتَهِنِ بِالْمُصِيبَةِ، وَأَطِلِ الْفِكْرَ فِي الْمَعَادِ، وَاجْعَلْ شَوْقَكَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَاسْتَعِذْ مِنَ النَّارِ، وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَلَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، وَتُخَذِ مِنَ الْحَلَالِ مَا شِئْتِ إِذَا أَمَكْنَكَ، وَاعْتَصِمِ بِالْإِحْلَاصِ وَالتَّوَكُّلِ، وَدَعِ الظَّنَّ وَابْنِ عَلَى الْأَسَاسِ، وَكُنْ مَعَ الْحَقِّ حَيْثُ كَانَ، وَمَيِّزْ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ بِعَقْلِكَ؛ فَإِنَّهُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكَ، وَدِيْعُهُ (٣) فِيكَ، وَبَرَكَاتُهُ عِنْدَكَ، فَذَلِكَ أَعْلَامُ الزُّهْدِ وَمِنْهَاجُهُ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (٤).

١- نَبَذَتِ الشَّيْءَ : إِذَا أَلْقَيْتَهُ مِنْ يَدِكَ (الصَّحَاحُ : ج ٢ ص ٥٧١ «نَبَذَ»).

٢- النَّازِلُ : الْمَصِيبَةُ الشَّدِيدَةُ (المصباح المنير : ص ٦٠١ «نزل»).

٣- كَذَا فِي الْمَصْدَرِ ، وَالظَّاهِرُ أَنَّ الصَّوَابَ : «وَوَدِيعَتُهُ» .

٤- الْفَرْدُوسُ : ج ٥ ص ٣١٧ ح ٨٣٠٧ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؛ تَيْسِيرُ الْمَطَالِبِ : ص ٣٦٧ عَنِ أَبِي إِسْمَاعِيلَ الْعَتَكِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَحْوَهُ .

۱۵۲. رحله ابن بطوطه ج ۱ ص ۹۳: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش های ایشان به علی علیه السلام: ای علی! پیوسته آخرت را در دلت مجسم بدار و مرگ را نصب العین خود، قرار ده. حضورت را در پیشگاه خداوند، فراموش مکن و از خدا ترسان باش و نعمت های خدا را به یاد داشته باش. از حرام های خدا، باز ایست، هوس را به دور افکن و از دودلی و طمع و آزمندی، کناره گیر و فروتنی و خویشترداری و خوش خویی و نرم گویی را در پیش گیر و پیرو سخن حق باش از هر که باشد. از بخل و دروغ و ریا و خودپسندی دوری کن و نعمت خدا را کوچک شمار و همواره، شکر آن را به جای آور و همیشه به یاد خدا باش و در همه حال، او را سپاس و ستایش گوی و از کسی که به تو ستم کرده است، در گذر و با کسی که از تو بُریده است، پیوند برقرار کن و به کسی که از تو مضایقه کرده است، عطا کن. سکوت توأم با اندیشیدن باشد و گفتارت، ذکر خدا و نگاه کردنت عبرت آموختن. تا می توانی، دوستی بورز و با مردم به خوبی رفتار کن و در مصائب و سختی ها صبور باش و مصیبت ها را دست کم مگیر. درباره قیامت، بسیار اندیشه کن و به بهشت، شوق بورز و از آتش، به خدا پناه ببر، امر به معروف و نهی از منکر کن و در راه خدا، سرزنش هیچ سرزنشگری در تو اثر نکند. از حلال، هر گاه برایت فراهم شد، هر اندازه که خواستی، [بدون اسراف و تبذیر] استفاده کن. به اخلاص و توکل، چنگ در زن و گمان را رها کن و بر شالوده بنا کن. با حق باش، هر جا که بود. آنچه را بر تو مشتبه می شود، با کمک عقلت تمیز بده؛ زیرا که عقل، حجت خدا بر تو و سپرده ای [الهی] در وجود توست و برایت برکت ها دارد. اینهاست نشانه های زهد و راه و روش آن، و عاقبت از آن پرهیزگاران است.

١٥١. الإصابه فى تمييز الصحابه لابن حجر ١ / ١٢٠: عنه صلى الله عليه وآله فى حديث له مع جبرئيل عليه السلام: قلت: يا جبرئيل فما تفسير الزهد؟ قال: الزاهد يحب من يحب خالقه، ويُبغض من يبغض خالقه، ويتحرّج من حلال الدنيا ولا يلتفت إلى حرامها؛ فإن حلالها حسابٌ وحرامها عقابٌ، ويرحم جميع المسلمين كما يرحم نفسه، ويتحرّج من الكلام كما يتحرّج من الميتة التى قد اشتدّ نتنها، ويتحرّج عن حطام الدنيا وزينتها كما يتجنّب النار أن تغشاه، وأن يقصر أمله وكأن بين عينيه أجله. (١) ١٥٠. تهذيب الكمال مجلد ٣ ص ٣٩٧: الإمام على عليه السلام: إن الزاهدين فى الدنيا تبكى قلوبهم وإن ضحكوا، ويشتدّ حزنهم وإن فرحوا، ويكثر مقتهم أنفسهم وإن اغتبطوا بما رزقوا. (٢) ١٤٩. أسد الغابه مجلد ١ ص ١٥٢: عنه عليه السلام: الزاهد عندنا من علم فعمل، ومن أيقن فحذر، وإن أمسى على عسر حمد الله، وإن أصبح على يسر شكر الله، فهو الزاهد. (٣) ١٤٨. لسان الميزان مجلد ٦ ص ١١٨: عنه عليه السلام فى صفه الزاهد: كانوا قوماً من أهل الدنيا وليسوا من أهلها، فكانوا فيها كمن ليس منها، عملوا فيها بما يبصرون، وبأدروا فيها ما يحذرون، تقلّب أبدانهم بين ظهرائى أهل الآخرة، ويرون أهل الدنيا يعظمون موت أجسادهم وهم أشدّ إعظاماً لموت قلوب أحيائهم. (٤) ١٤٧. لسان الميزان مجلد ١ ص ٤٧١ ٤٧٢: عنه عليه السلام: الزاهد فى الدنيا من وعظ فأتعظ، ومن علم فعمل، ومن أيقن فحذر، فالزاهدون فى الدنيا قومٌ وعظوا فاتعظوا، وأيقنوا فحذروا وعلموا فعملوا، إن

أصابهم يسرّ شكروا، وإن أصابهم عسر صبروا. (٥).

- ١- معانى الأخبار: ص ٢٦١ ح ١، مشكاة الأنوار: ص ٤٢٣ ح ١٤١٩ وفيه «كثره الأكل» بدل «الكلام»، عدّه الداعى: ص ٨٥ عن الإمام الصادق عليه السلام رفعه إليه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٧٣ ح ١٩؛ كنز العمال: ج ٣ ص ٢٠٨ ح ٦١٩١ نقلاً عن الديلمى عن أبى هريره.
- ٢- نهج البلاغه: الخطبه ١١٣، غرر الحكم: ح ٣٥٥٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٥٢ ح ٣٣٤٢.
- ٣- الجعفریات: ص ٢٣٢ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.
- ٤- نهج البلاغه: الخطبه ٢٣٠، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣٢٠ ح ٣٦.
- ٥- الجعفریات: ص ٢٣٣ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢١٣، إرشاد القلوب: ص ١٤ كلاهما نحوه.

۱۴۶. إكمال الكمال مجلد ۷ ص ۱۴۲: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در گفتگویی با جبرئیل علیه السلام: گفتیم: ای جبرئیل! تفسیر زهد چیست؟

گفت: «زاهد، کسی [و آنچه] را که آفریدگارش دوست دارد، دوست می دارد و کسی را که آفریدگارش او را ناخوش دارد، ناخوش می دارد و از حلال دنیا می پرهیزد و به حرام آن، توجه نمی کند؛ زیرا حلال آن، حساب دارد و حرامش کیفر. [زاهد، همچنان که به خویشتن رحم می کند، به همه مسلمانان، رحم می کند و همان گونه که از لاشه گندیده بسیار بدبو، دوری می کند، از سخن [بیجا] می پرهیزد و همان گونه که از آتش دوری می کند که مبادا او را فرا گیرد، از حطام دنیوی و زرق و برق آن، دوری می کند؛ آرزویش کوتاه است، انگار که مرگ خود را پیش چشم دارد». ۱۴۵. تاریخ الطبری مجلد ۱۰ ص ۱۴۵ ۱۴۶: امام علی علیه السلام: زاهدان به دنیا، دل هایشان گریان است، اگرچه [در ظاهر] بخندند و سخت اندوهناک اند، اگرچه [در ظاهر] شادی نمایند و از خود بسیار در خشم اند، اگرچه به واسطه آنچه روزی شده اند، مورد غبطه دیگران اند. ۱۴۴. تاریخ الطبری مجلد ۱۰ ص ۱۱۶ ۱۱۷: امام علی علیه السلام: از نظر ما، زاهد کسی است که دانست و عمل کرد، و کسی که یقین داشت و حذر کرد، و اگر در سختی و تنگ دستی بام خود را به شام رساند، حمد خدا را به جای آورد، و اگر در آسایش و رفاه شام خویش را به بام رساند، شکر خدای را بگذارد. چنین کسی زاهد است. ۱۴۳. وقعه صفین ص ۳۲۴: امام علی علیه السلام در وصف زاهدان: آنان، گروهی از مردم دنیا هستند؛ ولی اهل دنیا (دنیا دوست) نیستند. در این دنیا، همچون کسانی هستند که از آن نیستند. در دنیا، بر اساس بینش و بصیرت عمل می کنند و از آنچه می ترسند (یعنی: مرگ) پیشی گرفتند؛ (۱) پیکرهایشان در میان اهل آخرت می گردد (جز با اهل آخرت نمی آمیزند)؛ اهل دنیا را می بینند که مرگ تن هایشان را بزرگ می شمارند، در حالی که آنان، مرگ دل های زندگانیشان را بزرگ تر می شمارند. ۱۴۲. مستدرک الحاکم مجلد ۳ ص ۴۰۸: امام علی علیه السلام: زاهد به دنیا، کسی است که پند داده شد و پند گرفت، و کسی است که علم آموخت و به کار بست، و کسی است که یقین یافت و حذر کرد. پس، زاهدان به دنیا، آن مردمانی اند که پند داده شدند و پند گرفتند، و یقین کردند

و حذر کردند، و علم آموختند و عمل کردند؛ اگر آسایش به آنان برسد، شکر می گویند و اگر به سختی در افتند، شکیبایی می ورزند.

۱- یعنی برای چاره جوئی آنچه از آن بیم دارند، از دنیا پیشی می گیرند.

١٤١. مستدرک الحاکم مجلد ٣ ص ٤٠٣ ٤٠٢: عنه عليه السلام: الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا كُلَّمَا زِدَادَتْ لَهُ تَحَلِّيًا زَادَتْ عَنْهَا تَوَلِّيًا. (١) ١٤٠.
 (حدَّثنا) أبو العباس محمد بن يعقوب ، حدَّثنا العبدُ عليه السلام في صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ : أَرَادَتْهُمُ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوها ، وَأَسْرَتَهُمْ فَفَدَّوْا أَنْفُسَهُمْ مِنْها . (٢) ١٣٩. رجال ابن داود ص ٥٣: عنه عليه السلام : أَفْضَلُ الزُّهْدِ إِخْفَاءُ الزُّهْدِ . (٣) ١٣٨. اختيار معرفة الرجال مجلد ١ ص ٣١٦ ٣١٧: عنه عليه السلام في ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : قَالَ اللهُ تَعَالَى : . . . يَا أَحْمَدُ ، وَجُوهُ الزَّاهِدِينَ مُصْفَرَّةٌ مِنْ تَعَبِ اللَّيْلِ وَصَوْمِ النَّهَارِ ، وَالسِّتُّهُمْ كِلَالٌ (٤) إِلَّا مِنْ ذِكْرِ اللهِ تَعَالَى ، قُلُوبُهُمْ فِي صُدُورِهِمْ مَطْعُونَةٌ مِنْ كَثْرَةِ صَمْتِهِمْ ، قَدْ أَعْطُوا الْمَجْهُودَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَأَنْ مِنْ خَوْفِ نَارٍ وَلَا مِنْ شَوْقِ جَنَّةٍ ، وَلَكِنْ يَنْظُرُونَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللهُ سُبْحَانَهُ أَهْلٌ لِلْعِبَادَةِ . (٥) ١٣٧. اختيار معرفة الرجال مجلد ١ ص ٣١٤ ٣١٥: عنه عليه السلام : الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا ثَلَاثَةٌ أَحْرَفٌ : زَاءٌ وَهَاءٌ وَدَالٌ ؛ فَأَمَّا الزَّاءُ فَتَرْكُ الزَّيْنَةِ ، وَأَمَّا الهَاءُ فَتَرْكُ الْهَوَى ، وَأَمَّا الدَّالُ فَتَرْكُ الدُّنْيَا . (٦) ١٣٦. بحار الأنوار مجلد ٢٩ ص ٥٨٣ ٥٨٤ يتحدث عن صفين: الإمام الحسين عليه السلام: بينا أمير المؤمنين صلوات الله عليه ذات يوم جالس مع

أصحابه يُعَبِّئُهُمْ لِلْحَرْبِ ، إِذْ أَتَاهُ شَيْخٌ عَلَيْهِ شَحْبَةٌ (٧) السَّفَرِ ، فَقَالَ : أَيْنَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقِيلَ : هُوَ ذَا . فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ، ثُمَّ قَالَ :

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، إِنِّي أَتَيْتُكَ مِنْ نَاحِيَةِ الشَّامِ ، وَأَنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ قَدْ سَمِعْتُ فِيكَ مِنَ الْفَضْلِ مَا لَا أَحْصِي ، وَإِنِّي أَظُنُّكَ سَتُغْتَالُ (٨) فَعَلَّمَنِي مِمَّا عَلَّمَكَ اللهُ .

قَالَ : نَعَمْ يَا شَيْخُ . . . إِنَّ اللهُ خَلَقَ خَلْقًا ضَيِّقَ الدُّنْيَا عَلَيْهِمْ نَظَرًا لَهُمْ فَزَهَّدَهُمْ فِيهَا وَفِي حُطَامِهَا ، فَرَغِبُوا فِي دَارِ السَّلَامِ الَّتِي دَعَاهُمْ إِلَيْهَا وَصَبَرُوا عَلَى ضَيْقِ الْمَعِيشَةِ ، وَصَبَرُوا عَلَى الْمَكْرُوهِ وَاشْتَقَوْا إِلَى مَا عِنْدَ اللهِ مِنَ الْكِرَامَةِ ، بَدَلُوا أَنْفُسَهُمْ ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللهِ ، وَكَانَتْ خَاتِمَةُ أَعْمَالِهِمُ الشَّهَادَةَ ، فَلَقُوا اللهُ وَهُوَ عَنْهُمْ رَاضٍ ، وَعَلِمُوا أَنَّ الْمَوْتَ سَبِيلٌ مَنْ مَضَى مِنْ بَقِيٍّ ، فَتَزَوَّدُوا لِأَخْرَجَتِهِمْ غَيْرَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ ، وَلَبَسُوا الْحَشِينَ ، وَصَبَرُوا عَلَى الْبَلْوَى ، وَقَدَّمُوا الْفَضْلَ ، وَأَحْبَبُوا فِي اللهِ ، وَأَبْغَضُوا فِي اللهِ ، أُولَئِكَ الْمَصَابِيحُ وَأَهْلُ النَّعِيمِ فِي الْآخِرَةِ ، وَالسَّلَامُ . (٩) .

- ١- الإرشاد: ج ١ ص ٢٩٨ ، كنز الفوائد: ج ١ ص ٣٤٥ وفيه «تخليًا» بدل «توليًا» ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٣ .
- ٢- نهج البلاغة: الخطبة ١٩٣ ، روضه الواعظين: ص ٤٨٠ ، تحف العقول: ص ١٥٩ وفيه «طلبتهم فأعجزوها» بدل «وأسرتهم...» ، التمهيص: ص ٧١ ح ١٧٠ وفيه «طلبتهم فأعجزوها» بعد «فلم يريدوها» ، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣١٥ ح ٥٠ .
- ٣- نهج البلاغة: الحكمة ٢٨ ، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٧ ح ٥٦٣ ، روضه الواعظين: ص ٤٧٥ .
- ٤- كَلَّ يَكْلُ كَلَالَةً : تَعَبَ وَأَعْيَا (المصباح المنير: ص ٥٣٨ «كلَّ»).
- ٥- إرشاد القلوب: ص ١٩٩ ص ٢٠٢ ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٦ ح ٦ .
- ٦- جامع الأخبار: ص ٢٩٧ ح ٨١١ .
- ٧- الشاحِبُ : المتغيِّر اللون والجسم لعارض من سفر أو مرض ونحوهما (النهاية: ج ٢ ص ٤٤٨ «شحب»).
- ٨- اغتالَهُ : قَتَلَهُ عَلَى غِرِّهِ (المصباح المنير: ص ٤٥٧ «غول»).
- ٩- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٨١ ح ٥٨٣٣ ، معاني الأخبار: ص ١٩٨ ح ٤ ، الأمالي للصدوق: ص ٤٧٧ ح ٦٤٤ ،

الأمالى للطوسى : ص ٤٣٥ ح ٩٧٤ كلها عن عبد الله بن بكر المرادى عن الإمام الكاظم عن آباءه عليهم السلام ، جامع الأحاديث للقمى : ص ١٧٣ عن الإمام الكاظم عن آباءه عن الإمام الحسين عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٧٣ عن الإمام زين العابدين عن الإمام علىّ عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٢٧٢ ح ٤ .

۱۳۵. مناقب آل ابی طالب مجلد ۲ ص ۱۰۴: امام علی علیه السلام: کسی که به دنیا بی اعتناست، هرچه دنیا بیشتر خود را برایش بیاراید، او بیشتر از آن روی می گرداند. ۱۳۴. المناقب ص ۲۴۹: امام علی علیه السلام در بیان صفات پرهیزگاران: دنیا آنها را خواست؛ اما آنها دنیا را نخواستند و دنیا اسیرشان کرد؛ اما آنان، سر بها دادند و خود را از بند دنیا رها نیدند. ۱۳۳. الاختصاص ص ۸۱ ۸۲: امام علی علیه السلام: برترین زهد، پنهان داشتن زهد است. ۱۳۲. شرح الأخبار مجلد ۲ ص ۵۲۱: امام علی علیه السلام در حدیث معراج: خدای متعال فرمود: «... ای احمد! رخسار زاهدان از رنج شب خیزی و روزه داری زرد است و زبان هایشان جز از ذکر خدای متعال، درمانده است؛ دل هایشان، از کثرت خاموشی، در سینه هایشان ریش است؛ خویشتن را رنجه کرده اند، نه از ترس آتش و از شوق بهشت، بلکه در ملکوت آسمان ها و زمین، اندیشه و نظر می کنند و درمی یابند که خداوند سبحان، عبادت است». ۱۳۱. شرح الأخبار مجلد ۲ ص ۱۲: امام علی علیه السلام: زهد به دنیا، از سه حرف تشکیل شده است: زاء و هاء و دال. زاء، یعنی ترک زینت؛ هاء، یعنی ترک هوا؛ و دال، یعنی ترک دنیا. ۱۳۰. شرح الأخبار مجلد ۲ ص ۱۲: امام حسین علیه السلام: روزی امیر مؤمنان که دروذهای خداوند بر او باد با یارانش نشسته بود و آنها را برای جنگ، بسیج می کرد که پیرمردی، در حالی که رنج

و خستگی سفر در چهره اش نمایان بود، بر او وارد شد و گفت: امیر مؤمنان کجاست؟

ایشان را به او نشان دادند. پیرمرد بر او سلام کرد و آن گاه گفت: ای امیر مؤمنان، من از منطقه شام آمده ام. پیری سالخورده ام که درباره تو فضایل بی شماری شنیده ام و گمان می کنم به زودی ترور خواهی شد. پس، از آنچه خداوند به تو آموخته است، مرا چیزی بیاموز.

امام علیه السلام فرمود: «باشد، ای پیرمرد! ... خداوند عده ای را آفرید و از سر لطف، دنیا را بر آنان تنگ کرد و ایشان را به زهد و بی رغبتی به دنیا و حطام دنیوی ترغیب فرمود و آنان، به سرای سلامت (بهشت) که خدا بدان فرایشان خوانده بود، رغبت کردند و بر سختی معیشت، صبر کردند و ناملایمات را تحمل نمودند و به کرامت و پاداشی که نزد خداوند است، شوق ورزیدند. برای جلب خشنودی خداوند، فداکاری کردند و عاقبت زندگی شان، شهادت شد. پس، خداوند را در حالی ملاقات کردند که از ایشان، خشنود بود، دانستند که مرگ، راهی است که گذشتگان پیمودند و ماندگان، خواهند پیمود. از این رو، برای آخرت خویش، توشه ای غیر از زر و سیم بر گرفتند، جامه خشن پوشیدند و در گرفتاری ها شکیبایی نمودند. مازاد [نیاز خود را برای آخرت] پیش فرستادند، از برای خدا، دوستی ورزیدند و از برای خدا، دشمنی نمودند. اینان، چراغ های تابان اند و در آخرت، برخوردار از نعمت. والسلام! .

١٢٩. مختصر تاريخ دمشق لابن منظور ج ٣ جزء ٥ ص ٩١: الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ عَلامَةَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الزَّاعِبِينَ فِي الآخِرَةِ: تَرَكَهُمْ كُلَّ خَلِيطٍ وَخَلِيلٍ، وَرَفَضَهُمْ كُلَّ صَاحِبٍ لَا يُرِيدُ مَا يُرِيدُونَ. أَلَا وَإِنَّ العَامِلَ لِثَوَابِ الآخِرَةِ هُوَ الزَّاهِدُ فِي عَاجِلِ زَهْرِهِ الدُّنْيَا. (١) ١٢٨. مختصر تاريخ دمشق لابن منظور ج ٣ جزء ٥ ص ٨٩: مصباح الشريعة فيما نَسَبَهُ إِلَى الإمامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَام: الزَّاهِدُ؛ الَّذِي يَخْتَارُ

الآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَالذُّلَّ عَلَى العِزِّ، وَالجَهْدَ عَلَى الرَّاحَةِ، وَالجُوعَ عَلَى الشَّبَعِ، وَعاقِبَةَ الآجِلِ عَلَى مَحَبَّةِ العَاجِلِ، وَالذُّكْرَ عَلَى العَفْلَةِ، وَيَكُونُ نَفْسُهُ فِي الدُّنْيَا وَقَلْبُهُ فِي الآخِرَةِ. (٢).

١- تحف العقول: ص ٢٧٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٢٨ ح ١ وراجع ذم الدنيا لابن أبي الدنيا: ص ٨٧ ح ٢٢٥.

٢- مصباح الشريعة: ص ١٩٢، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٥ ح ٢٠.

۱۲۷. تاریخ الطبری لابن جریر الطبری ج ۱۱ ص ۶۶۲: امام زین العابدین علیه السلام: نشانه دنیاگریزان آخرت گرای ، ترک هر معاشر و دوستی ، و طرد هر هم صحبتی است که خواسته اش با خواسته آنان ، یکی نیست. آگاه باشید آن که برای پاداش و آخرت کار کند ، به زیب و زیور نقد دنیا ، بی رغبت است. ۱۲۶. الإصابه فی تمییز الصحابه ۱ / ۱۱۹: مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده: زاهد ، کسی است که آخرت را بر دنیا بر می گزیند و خواری [و گم نامی] را بر عزّت [و جاه

و جلال] ، و رنج و زحمت را بر تن آسایی ، و گرسنگی را بر سیری ، و سعادت آخرت را بر محبت دنیا ، و یاد [خدا بودن] را بر غفلت ؛ و پیکرش در دنیاست و دلش در آخرت . .

١٢٥. تاريخ الإسلام للذهبي ج ٣ ص ٥٥٦: الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الزُّهَادَ فِي الدُّنْيَا نُورُ الْجَلَالِ عَلَيْهِمْ ، وَأَثَرُ الْحِدْمَةِ بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ ، وَكَيْفَ لَا- يَكُونُونَ كَذَلِكَ ؟ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَنْقَطِعُ إِلَى بَعْضِ مُلُوكِ الدُّنْيَا فَيُرَى عَلَيْهِ أَثَرُهُ ، فَكَيْفَ بِمَنْ يَنْقَطِعُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَا يُرَى أَثَرُهُ عَلَيْهِ؟! (١) ١٢٤. تاريخ الإسلام للذهبي ج ٣ ص ٥٥٥: الإمام الرضا عليه السلام لَمَّا سُئِلَ عَنِ صِفَةِ الزَّاهِدِ: مُتَّبِعٌ (٢) بِمَدُونِ قَوْتِهِ ، مُسْتَعِدُّ لِيَوْمِ مَوْتِهِ ، مُتَّبِرٌّ (٣) بِحَيَاتِهِ . (٤) ١ / ٤٠٤ دَرَجَاتُ الزُّهْدِ ١٢١. بحار الأنوار مجلد ٨٨ ص ٣٩١ ٣٩٣: الإمام زين العابدين عليه السلام لَمَّا سُئِلَ عَنِ الزُّهْدِ: عَشْرَةُ أَشْيَاءَ: فَأَعْلَى دَرَجَةِ الزُّهْدِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ ، وَأَعْلَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ ، وَأَعْلَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ أَدْنَى دَرَجَةِ الرِّضَا .

أَلَا وَإِنَّ الزُّهْدَ فِي آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (٥) . (٦) .

- ١- أعلام الدين : ص ٣٠٤، نزهه الناظر : ص ١١٩ ح ٦٧ وفيه «إلى ملك الملوك» بدل «إلى الله»، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٧٨ ح ١١٣ .
- ٢- تَبَلَّغَ بِكَذَا: أَيْ اكَتْفَى بِهِ (الصحاح: ج ٤ ص ١٣١٧ «بلغ»).
- ٣- بَرِمَ بِهِ: إِذَا سَمَّه . وَتَبَرَّمَ بِهِ مِثْلَهُ (الصحاح: ج ٥ ص ١٨٦٩ «برم»).
- ٤- نثر الدر: ج ١ ص ٣٦١، العدد القوي: ص ٢٩٨ ح ٣٠، الدرّ الباهره: ص ٣٨، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٣٧ عن الإمام زين العابدين عليه السلام وليس فيه «متبرم بحياته»، أعلام الدين: ص ٣٠٧، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٩ ح ٣٣؛ تاريخ دمشق: ج ٤١ ص ٤٠٣ عن ابن عائشه عن الإمام زين العابدين عليه السلام .
- ٥- الحديد: ٢٣ .
- ٦- الكافي: ج ٢ ص ١٢٨ ح ٤ وص ٦٢ ح ١٠ وليس فيه ذيله، الخصال: ص ٤٣٧ ح ٢٦، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩١ كلها عن هاشم بن البريد، معاني الأخبار: ص ٢٥٢ ح ٤ عن هاشم بن بريد عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول: ص ٢٧٨، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٥٠ ح ٢٢ .

۴ / ۱ درجات زهد

۱۲۰. بحار الأنوار مجلد ۸۸ ص ۳۹۰ ۳۹۱: امام صادق علیه السلام: زاهدان به دنیا، از نور جلال و عظمت، منورند و نشانه چاکری بر پیشانی آنان، هویدا است. چگونه چنین نباشند؟ آدمی، وقتی خود را وقف چاکری حکمرانی از حکمرانان دنیا می کند، آثار آن در او دیده می شود. پس چگونه ممکن است کسی خود را وقف خدمت به خدای متعال کند و اثر آن بر وی دیده نشود؟! ۱۱۹. مستدرک الوسائل مجلد ۱۶ ص ۷۳: امام رضا علیه السلام در پاسخ به پرستش از ویژگی زاهد: به کمتر از قوت خویش بسنده می کند، برای روزِ مرگش آماده است، و از زنده ماندن خود، دل تنگ است. ۴ / ۱ درجات زهد ۱۱۶. سیر أعلام النبلاء مجلد ۱۸ ص ۵۵۸: امام زین العابدین علیه السلام در پاسخ به سؤال از زهد: زهد، ده درجه دارد: بالاترین درجه زهد، پایین ترین درجه وَرَع است، و بالاترین درجه وَرَع، پایین ترین درجه یقین است، و بالاترین درجه یقین، پایین ترین درجه رخصاست.

آگاه باشید که زهد در یک آیه از کتاب خداوند خلاصه شده است: «تا

بر آنچه از دست می دهید، افسوس نخورید و برای آنچه خدا به شما می دهد، شادمان نشوید».

١ / ٥ التَّبْيِيهِ عَلَى تَحْرِيفِ الزُّهْدِ ١١٣. سير أعلام النبلاء مجلد ٤ ص ٢٨: رسول الله صلى الله عليه وآله: لَيْسَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا تَحْرِيمَ الحَلَالِ ، وَلَا - إِضَاعَةَ المَالِ ، وَلَكِنَّ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا الرِّضَا بِالقَضَاءِ ، وَالصَّبْرُ عَلَى المَصَائِبِ ، وَالتَّيَاسُّ عَنِ النَّاسِ . (١) ١١٢. سير أعلام النبلاء مجلد ٤ ص ٢٥ ٣٠: عنه صلى الله عليه وآله: لَيْسَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا لُبْسَ الخَشَنِ وَأَكْلَ الجَشْبِ (٢) ، وَلَكِنَّ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الأَمَلِ . (٣) ١١١. الأنساب مجلد ٤ ص ٤٨١ ٤٨٢: عنه صلى الله عليه وآله: الزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِتَحْرِيمِ الحَلَالِ ، وَلَا إِضَاعَةَ المَالِ ، وَلَكِنَّ الزَّهَادَةَ فِي الدُّنْيَا أَلَّا تَكُونَ بِمَا فِي يَدَيْكَ أَوْ تَقَّ مِمَّا فِي يَدَيْ اللَّهِ ، وَأَنْ تَكُونَ فِي ثَوَابِ المُصِيبَةِ إِذَا أَنْتَ أصَبْتَ بِهَا أَرْغَبَ فِيهَا لو أَنَّهَا أَبْقَيْتَ لَكَ . (٤) ١١٠. طرائف المقال مجلد ٢ ص ٥٩٢ ٥٩٣: الكافي عن محمَّد بن علي رفعه: مَرَّ سَفِيانُ الثَّوْرِي فِي المَسْجِدِ الحَرَامِ فَرَأَى أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَيْهِ ثِيَابٌ كَثِيرَةٌ القِيمَةِ حَسَنًا ، فَقَالَ : وَاللَّهِ لَا آتِيَنَّهُ وَلَا وَبَّخَنَّهُ .

فَدَنَا مِنْهُ فَقَالَ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، مَا لَبَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِثْلَ هَذَا اللَّبَاسِ وَلَا - عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا أَحَدٌ مِنْ آبَائِكَ!

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي زَمَانٍ قَتَرَ مُقْتَرًا (٥) ، وَكَانَ يَأْخُذُ لِقَتْرِهِ وَاقْتِدَارِهِ (٦) ، وَإِنَّ الدُّنْيَا بَعْدَ ذَلِكَ أَرْخَتْ عَزَائِلَهَا (٧) ، فَأَحَقُّ أَهْلِهَا بِهَا أُبْرَارُهَا . ثُمَّ تَلَا : «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (٨) وَنَحْنُ أَحَقُّ مَنْ أَخَذَ مِنْهَا مَا أَعْطَاهُ اللَّهُ ، غَيْرَ أَنِّي يَا ثَوْرِي مَا تَرَى عَلَيَّ مِنْ ثَوْبٍ إِنَّمَا أَلْبَسُهُ لِلنَّاسِ .

ثُمَّ اجْتَذَبَ يَدَ سَفِيانَ فَجَرَّهَا إِلَيْهِ ، ثُمَّ رَفَعَ الثَّوْبَ الأَعْلَى وَأَخْرَجَ ثَوْبًا تَحْتَ ذَلِكَ عَلَى جِلْدِهِ غَلِيظًا ، فَقَالَ : هَذَا أَلْبَسُهُ لِنَفْسِي ، وَمَا رَأَيْتُهُ لِلنَّاسِ . ثُمَّ جَذَبَ ثَوْبًا عَلَى سَفِيانَ أَعْلَاهُ غَلِيظٌ حَشِينٌ وَدَاخِلٌ ذَلِكَ ثَوْبٌ لَيِّنٌ ، فَقَالَ : لَبِسْتُ هَذَا الأَعْلَى لِلنَّاسِ ، وَلَبِسْتُ هَذَا لِنَفْسِكَ تَسْرُّهَا ! (٩) .

١- مستدرک الوسائل : ج ١٢ ص ٥١ ح ١٣٤٨٨ نقلًا عن القطب الراوندي في لبِّ اللباب .

٢- الجَشْبُ : الغليظ الحَشِينُ من الطعام ، وكلُّ بشع الطعام جَشِبَ (النهاية : ج ١ ص ٢٧٢ «جشب»).

٣- مشكاة الأنوار : ص ٢٠٧ ح ٥٥٩ ، مستدرک الوسائل : ج ١٢ ص ٤٤ ح ١٣٤٧١ وراجع بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣١٠ ح ٤ .

٤- سنن الترمذی : ج ٤ ص ٥٧١ ح ٢٣٤٠ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣٧٣ ح ٤١٠٠ ، الفردوس : ج ٣ ص ٤٠٣ ح ٥٢٢٨ كلَّها عن أبي ذرٍّ ، المعجم الأوسط : ج ٨ ص ٥٧ ح ٧٩٥٤ ، حليه الأولياء : ج ٩ ص ٣٠٣ كلاهما عن أبي الدرداء ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٨١ ح ٦٠٥٩ وراجع أعلام الدين : ص ٢٩٣ .

٥- الإقتار : التصييق على الإنسان في الرزق ، وقد أقتَر الرجل فهو مُقْتَرٌ (النهاية : ج ٤ ص ١٢ «قتر»).

٦- قُدِرَ على الإنسان رزقُهُ : مثل قُتِرَ (الصحيح : ج ٢ ص ٧٨٧ «قدر»). وقوله عليه السلام : «وكان يأخذ» أي يأخذ من نفقته فلا يوسع لقتَر الزمان (مرآة العقول : ج ٢٢ ص ٣١٧) .

٧- يقال للسحابه إذا انهَمَرَت بالمَطَرِ الجَوْدِ : أُرْسِلَتْ عَزَائِلُهَا (تاج العروس : ج ١٥ ص ٤٨٣ «عزل»).

٨- الأعراف : ٣٢ .

٩- الكافي : ج ٦ ص ٤٤٢ ح ٨ ، بحار الأنوار : ج ٤٧ ص ٣٦٠ ح ٧١ وراجع تحف العقول : ص ٣٤٨ ورجال الكشي : ج ٢ ص

۱ / ۵ هشدار درباره تحریف زهد

۱ / ۵ هشدار درباره تحریف زهد ۱۰۷. خلاصه الأقوال ص ۲۴: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زهد به دنیا، به حرام کردن حلال [بر خود] و یا ترک دارایی نیست؛ بلکه زهد به دنیا، عبارت است از: راضی بودن به قضا [ی الهی] و صبر در مصائب، و چشم امید بر کندن از مردم. ۱۰۶. المناقب ص ۲۴۹: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زهد به دنیا، پوشیدن جامه درشت و خوردن غذای خشک نیست؛ بلکه زهد به دنیا، عبارت از کوتاه کردن آرزوست. ۱۰۵. سیر أعلام النبلاء مجلد ۴ ص ۳۰: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زهد به دنیا، به حرام کردن حلال و یا ترک مال نیست؛ بلکه زهد به دنیا آن است که به آنچه در دست توست، مطمئن تر از آنچه در دست خداست، نباشی و به ثواب مصیبتی که به تو می رسد، چندان راغب باشی که آرزو کنی آن مصیبت برایت باقی بماند. ۱۰۴. تهذیب الکمال مجلد ۲۴ ص ۲۴۶: الکافی به نقل از محمد بن علی، که سند آن را به معصوم علیه السلام می رساند: سفیان ثوری از مسجد الحرام می گذشت که امام صادق علیه السلام را با جامه هایی زیبا و قیمتی دید. گفت: واللّه که نزد او می روم و ملامتش می کنم.

پس، به نزدیک امام علیه السلام رفت و گفت: ای پسر پیامبر خدا! نه پیامبر خدا چنین لباسی پوشید، نه علی و نه هیچ یک از پدران!

امام صادق علیه السلام به او فرمود: «پیامبر خدا، در روزگاری سخت و در تنگنای معیشت به سر می برد و از این رو، با سختی زندگی می کرد؛ اما بعداً دنیا، خیرات و برکات خود را فرو ریزاند. پس، سزاوارترین مردم دنیا به برخورداری از این نعمت ها، نیکان هستند» و سپس، این آیه را تلاوت کرد: «به گو: چه کسی زیورهای خدا را که برای بندگانش پدید آورده، و نیز روزی های پاک را حرام گردانیده است؟» [و افزود:] ما به استفاده از این نعمت های خدادادی، از هر کس دیگر سزاوارتریم. با این حال، ای ثوری! من، این جامه ای را که بر تنم می بینی، برای مردم پوشیده ام».

امام علیه السلام سپس، دست سفیان را گرفت و به طرف خود کشید و لباس رویی خود را بالا زد و جامه زبری را که زیر آن پوشیده بود و با بدن ایشان تماس مستقیم داشت، نشان داد و فرمود: «این را برای خودم می پوشم و آنچه را دیدی (لباس رویی را) برای مردم». آن گاه، لباس رویی سفیان را که زبر و درشت بود، کنار زد و زیر آن، جامه نرمی بود. فرمود: «تو این رویی را برای چشم مردم پوشیده ای و این زبری را برای خوشایند نفست!».

راجع : ج ١ ص ١٢٦ (النهي عن الترهّب وتحريم ما أحلّ الله)

و ١٤٦ (الاحتجاج على من يدعو إلى ترك الدنيا) .

ر. ک: ج ۱ ص ۱۲۷ (نهی از رهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است)

و ۱۴۷ (اعتراض به دعوت کنندگان به ترک دنیا).

١ / ١٦ التَّحذِيرُ مِنَ الزُّهْدِ رِثَاءً ٩٧. الإصابه لابن حجر (١/١١٩ / ١٢٠): رسول الله صلى الله عليه وآله - لا- تقومُ السَّيِّئَةُ حَتَّى يَكُونَ الزُّهْدُ رِوَايَةً ، وَالْوَرَعَ تَصَيُّتًا . (١) ٩٦. سير أعلام النبلاء مجلد ٤ ص ٢٥ ٢٦: عنه صلى الله عليه وآله : يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَلْبَسُونَ الصُّوفَ فِي صَدْيْفِهِمْ وَشَتَائِهِمْ ، يَرُونَ أَنَّ لَهُمُ الْفَضْلَ بِذَلِكَ عَلَى غَيْرِهِمْ ، أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ الْمَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ . (٢) ٩٥. سير أعلام النبلاء مجلد ٤ ص ١٩ ٢٥: عنه صلى الله عليه وآله : يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَنَاسٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ يَقْعُونَ فِيهَا حَلْقًا ، ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَحُبُّ الدُّنْيَا ، لا- تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِمَنْ بِهِمْ حَاجَةٌ . (٣) ٩٤. ميزان الاعتدال مجلد ١ ص ٢٨٠: الإمام علي عليه السلام : لا- تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ الْعَمَلِ ، وَيُرْجَى (٤) التَّوْبَةَ بِطَوْلِ الْأَمَلِ ، يَقُولُ فِي الدُّنْيَا بِقَوْلِ الزَّاهِدِينَ وَيَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاعِبِينَ . (٥) ٩٣. ميزان الاعتدال مجلد ١ ص ٢٨٢: عنه عليه السلام في أصناف المسلمين : وَمِنْهُمْ مَنْ أَبْعَدَهُ عَنِ طَلَبِ الْمَلِكِ ضُؤُولَهُ نَفْسِهِ ، وَانْقِطَاعُ سَبَبِهِ ، فَقَصِدَتْهُ الْحَالُ عَلَى حَالِهِ ، فَتَحَلَّى بِاسْمِ الْقِنَاعَةِ ، وَتَزَيَّنَ بِبِلَاسِ أَهْلِ الزَّهَادَةِ ، وَلَيْسَ مِنْ ذَلِكَ فِي مَرَاحٍ وَلَا مَعْدَى . (٦) ٩٢. كتاب المجروحين مجلد ٣ ص ١٥١ ١٥٢: عنه عليه السلام : إِذَا هَرَبَ الزَّاهِدُ مِنَ النَّاسِ فَاطْلُبْهُ ، وَإِذَا طَلَبَ الزَّاهِدُ النَّاسَ

فَاهْرَبْ مِنْهُ . (٧) .

- ١- .حليه الأولياء : ج ٣ ص ١١٩ ، الفردوس : ج ٥ ص ٩٠ ح ٧٥٥٧ كلاهما عن أبي هريره .
- ٢- .الأمالي للطوسي : ص ٥٣٩ ح ١١٦٢ ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٨١ ح ٢٦٦١ كلاهما عن أبي ذرّ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٩١ ح ٣ .
- ٣- .جامع الأخبار : ص ١٧٩ ح ٤٣٥ ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٦٩ وفيه «ناس» بدل «أناس من أمتي» ، بحار الأنوار : ج ٨٣ ص ٣٦٨ ح ٢٧ .
- ٤- .أرجأت الأمر وأرجيته : إذا أخرته (النهاية : ج ٢ ص ٢٠٦ «رجا») .
- ٥- .نهج البلاغه : الحكمة ١٥٠ ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص ١٠٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ١٩٩ ح ٣٠ .
- ٦- .نهج البلاغه : الخطبة ٣٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٥ ؛ مطالب السؤول : ص ٣٢ .
- ٧- .غرر الحكم : ح ٤٠٧٨ وح ٤٠٧٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٣٦ ح ٣٠٨٧ وح ٣٠٨٨ .

۱ / ۶ بر حذر داشتن از زهد ریایی

۱ / ۶ بر حذر داشتن از زهد ریایی ۸۹. طرائف المقال مجلد ۲ ص ۵۹۲ ۵۹۷: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قیامت برپا نمی شود تا آن که زهد، قصه سر زبان ها می شود و پارسایی، تظاهر ۸۸. روضه الواعظین ص ۲۸۹ ۲۹۰: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آخر زمان، جماعتی می آیند که در تابستان و زمستان، پشمینه می پوشند و این را برای خود، مایه برتری بر دیگران می دانند. فرشتگان آسمان ها و زمین، اینان را لعنت می کنند. ۸۷. خصائص الأئمه ص ۵۳: ویاسناد عن الأصبح بن نباته، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آخر زمان، مردمی از اَمّیت من می آیند که به مساجد می روند و گرد هم می نشینند و از دنیا و دوستی دنیا سخن می گویند. با آنان ننشینید؛ چرا که خداوند را با این افراد، کاری نیست. ۸۶. معجم قبائل العرب مجلد ۳ ص ۱۰۱۹: اللویسات: امام علی علیه السلام: از آنانی مباش که بدون عمل، به آخرت امید می بندد و بر اثر داشتن آرزوی دراز، توبه را به تأخیر می اندازد؛ از دنیا همچون زاهدان سخن می گوید، ولی در عمل، چون دنیاخواهان رفتار می کند. ۸۵. مستدرک الحاکم مجلد ۲ ص ۳۶۵ الی ص ۳۶۶: امام علی علیه السلام درباره گروه های مسلمانان: گروهی از مردم را بی لیاقتی ذاتی و نداشتن اسباب و امکانات، از طلب حکومت، باز داشته است. از این رو، به وضعی که دارند، تن داده اند و خود را به نام خوش قناعت، آراسته اند و جامه زیبای اهل زهد پوشیده اند، در حالی که لحظه ای از شب و روز، چنین نبوده اند. ۸۴. سیر أعلام النبلاء مجلد ۴ ص ۲۸ ۲۹: وروی عن هرمام علی علیه السلام: هرگاه زاهد از مردم گریزان شد، در طلب او بر آی و هرگاه زاهد در طلب مردم برآمد، از او گریزان شو. ۸۳. فی الإصابه لابن حجر ۱/۱۱۹ ۱۲۰: امام صادق علیه السلام: در حال طواف بودم که دیدم مردی لباس مرا می کشد. نگاه کردم، دیدم عبّاد بن کثیر بصری است. گفت: ای جعفر بن محمّد! در یک

چنین جایی، آن هم با نسبتی که با علی داری، یک چنین جامه هایی می پوشی؟!

گفتم: «از جنس کتان مصری است و به یک دینار خریده ام. علی علیه السلام در زمانی زندگی می کرد که پوشیدن آن چنان جامه هایی برایش ایرادی نداشت. اگر من در این زمان، چنان لباس هایی بپوشم، مردم خواهند گفت: این هم مثل عبّاد، ریاکار است.»

٥٠. الإرشاد مجلد ١ ص ٣١٥ ٣١٦: الإمام الصادق عليه السلام: بينا أنا في الطواف وإذا برجل يجذب ثوبى ، وإذا هو عبأد بن كثير البصرى ، فقال : يا جعفر بن محمد ، تلبس مثل هذه الثياب وأنت في هذا الموضع مع المكان الذى أنت فيه من علي عليه السلام !؟

فقلت : ثوب فرقى (١) اشتريته بدينار ، وكان علي عليه السلام فى زمان يستقيم له ما لبس فيه ، ولو لبست مثل ذلك اللباس فى زماننا لقال الناس : هذا مراء مثل عبأد . (٢).

-
- ١- ثوب فرقى : هو ثوب مصرى أبيض من كتان (النهايه : ج ٣ ص ٤٤٠ «فرق»).
 - ٢- الكافى : ج ٦ ص ٤٤٣ ح ٩ ، مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٢١٩ ح ٦٤٥ ، رجال الكشى : ج ٢ ص ٦٨٩ الرقم ٧٣٦ كلها عن عبد الله بن سنان ، دعائم الإسلام : ج ٢ ص ١٥٦ ح ٥٥٤ كلها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٩ ص ٣٠٨ ح ٢٣ .

الفصل الثاني : فضل الزهد ٢ / الحثُّ عَلَى الزُّهْدِ الْكِتَابِ «لَا تَمِدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعَنَا بِهِ أَرْوَ حِيَا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» . (١)

الحديث ٥٧. شرح الأخبار مجلد ٢ ص ٣٥: رسول الله صلى الله عليه وآله قال موسى عليه السلام [لِلْخَضِرِ عَلَيْهِ السَّلَام] : أُرِيدُ أَنْ تَوْصِيَنِي بِوَصِيَّةٍ يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهَا بَعْدَكَ ، فَقَالَ الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَام : . . . يَا مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ ، اجْعَلِ الزُّهْدَ وَالتَّقْوَى لِيَأْسَكَ . (٢) ٥٨. كنز العمال مجلد ١٢ ص ٧٦ ٧٧: عنه صلى الله عليه وآله : يَا بَنَ آدَمَ ، مَا تَصْنَعُ الدُّنْيَا (٣) ؟ حَلَالُهَا حِسَابٌ ، وَحَرَامُهَا عَذَابٌ ! (٤) ٥٩. صحيح مسلم مجلد ٧ ص ١٨٨ ١٨٩: عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا مِنَ الْحَلَالِ حَاسِبَهُ اللَّهُ ، وَمَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا مِنَ

الْحَرَامِ عَذَبَهُ اللَّهُ ، أُمَّ لِلدُّنْيَا وَمَا فِيهَا مِنَ الْبَلِيَّاتِ ؛ حَلَالُهَا حِسَابٌ وَحَرَامُهَا عِقَابٌ . (٥)

١- . الحجج : ٨٨ .

٢- . المعجم الأوسط : ج ٧ ص ٧٩ ح ٦٩٠٨ ، البدايه والنهايه : ج ١ ص ٣٢٩ كلاهما عن عمر ، كنز العمال : ج ١٦ ص ١٤٥ ح ٤٤١٧٦ .

٣- . كذا في الفردوس ، وفي كنز العمال : «بالدنيا» .

٤- . الفردوس : ج ٥ ص ٢٨٣ ح ٨١٩٢ عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٣٧ ح ٦٣٢٨ نقلاً عن الدارقطني .

٥- . الفردوس : ج ٣ ص ٥٨٥ ح ٥٨٣٠ ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٣٦ ح ٦٣٢٥ نقلاً عن الحاكم في تاريخه وكلاهما عن أنس .

فصل دوم: ارزش زهد

۲ / ۱ ترغیب به زهد

فصل دوم: ارزش زهد ۲ / ۱ ترغیب به زهدقرآن «و به آنچه ما دسته هایی از آنان (کافران) را بدان برخوردار ساخته ایم ، چشم مدوز و برایشان اندوه مخور، و بال خویش برای مؤمنان ، فرو گستر» .

حدیث ۶۶.مختصر تاریخ دمشق لابن منظور مجلد ۳ جزء ۵ ص ۹۲: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :موسی علیه السلام [به خضر علیه السلام] گفت: میل دارم به من سفارشی کنی که بعد از تو ، خداوند مرا بدان سود برساند.

خضر علیه السلام گفت : «... ای موسی بن عمران! زهد و تقوا را جامه خود گردان» .۶۷. کنز العمال مجلد ۱۲ ص ۷۴ ۷۵: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای پسر آدم! دنیا را می خواهی چه کنی؟ حلالش حساب دارد و حرامش عذاب! ۶۸. کنز العمال مجلد ۱۴ ص ۱۱۰: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که از حلال دنیا برگیرد ، خداوند از او حساب کشد و هر که از

حرام دنیا برگیرد ، خداوند ، او را عذاب کند. اُف به دنیا و رنج و مصیبت های آن. حلالش حساب دارد و حرامش کیفر.

٦٩. كتاب المجروحين مجلد ٣ ص ١٥١ ١٥٢: عنه صلى الله عليه وآله في مَوْعِظَتِهِ لِابْنِ مَسْعُودٍ: يَا بَنَ مَسْعُودٍ ، قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى : «لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (١) . يَعْنِي أَيُّكُمْ أَزْهَدٌ فِي الدُّنْيَا

يَا بَنَ مَسْعُودٍ ، النَّارُ لِمَنْ رَكِبَ مُحَرَّمًا ، وَالْجَنَّةُ لِمَنْ تَرَكَ الْحَلَالَ ، فَعَلَيْكَ بِالزُّهْدِ ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُبَاهِي اللَّهُ بِهِ الْمَلَائِكَةَ ، وَبِهِ يُقْبَلُ اللَّهُ عَلَيْكَ بِوَجْهِهِ ، وَيُصَيِّمِي عَلَيْكَ الْجَبَّارُ . (٢) . ٧٠. أسد الغابه مجلد ١ ص ١٥١ ١٥٢: عنه صلى الله عليه وآله : خِيَارُكُمْ أَزْهَدُكُمْ فِي الدُّنْيَا ، وَأَرْغَبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ . (٣) . ٧١. سير أعلام النبلاء مجلد ٤ ص ٢٦ ٢٧: عنه صلى الله عليه وآله : هَاجَرُوا مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا . (٤) . ٧٢. الاختصاص ص ٨١ ٨٢: عنه صلى الله عليه وآله : أَفْضَلُ النَّاسِ مُؤْمِنٌ مُزْهَدٌ . (٥) . ٧٣. مختصر تاريخ دمشق لابن منظور مجلد ٣ جزء ٥ ص ٩٢: عنه صلى الله عليه وآله في مَوْعِظَتِهِ لِأَمِيرِ الْجَيْشِ : وَوَلْتَكُنْ قُرَّةُ عَيْنِكَ بِالزُّهْدِ وَصَالِحِ الْآثَارِ . (٦) .

١- . الملك : ٢ .

٢- . مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٤٠ ٣٤٣ ح ٢٦٦٠ عن ابن مسعود ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٩٣ ٩٦ ح ١ ؛ الدرر المنتور : ج ٤ ص ٤٠٤ نقلًا عن ابن أبي حاتم عن سفيان .

٣- . شعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٧٧ ح ١٠٦٦٤ عن أبي ذرّ ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٢ ح ٦١١٦ ؛ مستدرک الوسائل : ج ١٢ ص ٥١ ح ١٣٤٨٨ نقلًا عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

٤- . حليه الأولياء : ج ٢ ص ٢٦٠ عن عائشه ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٨ ح ٦١٥٠ .

٥- . غريب الحديث للهروى : ج ١ ص ٢٣٧ ، النهاية فى غريب الحديث : ج ٢ ص ٣٢١ ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٨٨ ح ٦٠٩٤ نقلًا عن الفردوس عن أبي هريره وراجع غريب الحديث للزمخشري : ج ٢ ص ١٠٥ .

٦- . دعائم الإسلام : ج ١ ص ٣٥٣ عن الإمام عليّ عليه السلام .

۷۴. مختصر تاریخ دمشق لابن منظور مجلد ۳ جزء ۵ ص ۸۹: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرز به ابن مسعود: ای پسر مسعود! این سخن خدای متعال که: «تا بیازمایدتان که کدام یک از شما نیک کردارترید»، به معنای آن است که کدام یک از شما به دنیا زاهدتر و بی رغبت ترید... .

ای پسر مسعود! آتش برای کسی است که مرتکب حرام شود و بهشت، از آن کسی است که حلال را وا گذارد. پس، بر تو باد زهد؛ زیرا زهد، از چیزهایی است که خداوند با آن بر فرشتگان مباحات می کند و با زهد است که خداوند، به تو رو می کند و خدای جبار بر تو درود می فرستد. ۷۵. کنز العمال مجلد ۱۲ ص ۷۴ ۷۵: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین شما کسی است که به دنیا بی رغبت تر و به آخرت، علاقه مندتر است. ۷۶. طرائف المقال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از دنیا و هر آنچه در دنیاست، هجرت کنید. ۷۷. جامع الرواه مجلد ۱ ص ۱۱۰: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین، مردمان، مؤمن کم دار است. ۷۸. الاختصاص ص ۶: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرز به فرمانده سپاه: نور دیده ات در زهد و کارهای شایسته ای است که [از تو] برجا می ماند. .

٧٩. صحيح مسلم مجلد ٧ ص ١٨٨ ١٨٩: انظر ٥٩ {١-}. عنه صلى الله عليه و آله لمُعَاذَ لَمَّا بَعَثَهُ إِلَى الْيَمَنِ: أَدْعُهُمْ إِلَى الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَالرَّغْبَةِ فِي الْآخِرَةِ ، وَأَنْ يُحَاسِبُوا أَنْفُسَهُمْ . (١) ٨٠. ميزان الاعتدال مجلد ١ ص ٢٧٩: ١٠٤٨ ... مبارك بن مستدرک الوسائل: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَيُّ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُ؟ قَالَ: مَنْ لَمْ يَكُنْ فِي قَلْبِهِ غِشٌّ لِمُؤْمِنٍ وَلَا حَسَدٌ لَهُ . قِيلَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا ، الزَّاعِبُ فِي الْآخِرَةِ . (٢) ٨١. سير أعلام النبلاء مجلد ٤ ص ٢٥ ٣٠: عن أصبغ بن زعيسى عليه السلام للحواريين: إِرْضُوا بِدَنِيِّ الدُّنْيَا مَعَ سِلَامِهِ دِينِكُمْ كَمَا رَضِيَ أَهْلُ الدُّنْيَا بِدَنِيِّ الدِّينِ مَعَ سِلَامِهِ دُنْيَاهُمْ ، وَتَحَبَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِالْبُعْدِ مِنْهُمْ ، وَأَرْضُوا اللَّهَ فِي سَخَطِهِمْ . (٣) ٨٢. سير أعلام النبلاء مجلد ٤ ص ٢٥ ٣٠: عنه عليه السلام: يَا طَالِبَ الدُّنْيَا لَتَبْرَّ! تَرُكُكَ الدُّنْيَا أَبْرُّ . (٤) عنه عليه السلام: وَيَلِكُمْ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا ، اتَّخَذُوا مَسَاجِدَ رَبِّكُمْ سِجُونًا لِأَجْسَادِكُمْ ، وَاجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ بُيُوتًا لِلتَّقْوَى ، وَلَا تَجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ مَأْوَى لِلشَّهَوَاتِ . (٥)

الإمام علي عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ ، أُوصِيكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ وَإِنْ لَمْ تُحِبُّوا تَرَكْهَا . (٦)

-
- ١- مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ٥١ ح ١٣٤٨٨ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
 - ٢- مستدرک الوسائل: ج ٨ ص ٤٤٨ ح ٩٩٦٠ نقلاً عن كتاب الأخلاق .
 - ٣- عدّه الداعى: ص ١١١ ، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣٢٢ ح ٣٨ ؛ الدرّ المنثور: ج ٢ ص ٢١٢ ، البدايه والنهايه: ج ٢ ص ٨٩ كلاهما نحوه .
 - ٤- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٤ ، المحجّه البيضاء: ج ٥ ص ٣٦١ ؛ تاريخ دمشق: ج ٤٧ ص ٤٢٧ عن سفيان الثورى وفيه «إنما تطلب الدنيا لتبتر فتركها أبرّ» .
 - ٥- تحف العقول: ص ٥٠٩ و ٣٩٣ عن الإمام الكاظم عن عيسى عليهما السلام نحوه ، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣١٢ ح ١٧ .
 - ٦- نهج البلاغه: الخطبه ٩٩ ، مصباح المتهدّد: ص ٣٨١ ح ٥٠٨ عن زيد بن وهب نحوه ، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٤٣ ح ٦٨ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به معاذ ، آن گاه که او را به یمن می فرستاد : آنان را به زهد به دنیا ، رغبت به آخرت و پرداختن به محاسبه نفس ، دعوت کن .

مستدرک الوسائل : گفته شد : ای پیامبر خدا ! برترین مؤمنان کیست ؟ فرمود : « کسی که در دلش نسبت به مؤمن دیگر ، ناخالصی و با حسادت نباشد » . گفته شد : سپس چه کسی ؟ فرمود : « آن که به دنیا بی رغبت و به آخرت ، راغب باشد » .

عیسی علیه السلام به حواریان : با وجود سلامت دینتان ، به ناچیز دنیا رضایت دهید ، چنان که دنیاپرستان با وجود سلامت دنیایشان ، به اندک دینداری رضایت می دهند و با دوری گزیدن از دنیاپرستان ، محبوب خداوند شوید و با ناخشنود کردن آنان ، خدا را خشنود گردانید .

عیسی علیه السلام : ای که دنیا را می طلبی تا نیکی کنی ! ترک دنیا کردن ، خود ، نیک تر است .

عیسی علیه السلام : وای بر شما ، ای بندگان دنیا ! پرستشگاه های پروردگارتان را زندان تن خویش گردانید و دل هایتان را خانه تقوا کنید و دل هایتان را مأوای هوس ها قرار ندهید .

امام علی علیه السلام : ای بندگان خدا ! شما را به ترک این دنیایی سفارش می کنم که علی رغم میلтан ، شما را ترک می گوید .

عنه عليه السلام: قَطَعُوا عِلَاقَ الدُّنْيَا ، وَاسْتَظْهَرُوا بِرِزَادِ التَّقْوَى . (١)

عنه عليه السلام: رَجِمَ اللَّهُ امْرَأً غَالَبَ الْهَوَى ، وَأَفَلَّتْ مِنْ حَبَائِلِ الدُّنْيَا . (٢)

عنه عليه السلام: رَجِمَ اللَّهُ امْرَأً . . . رَاقِبَ رَبَّهُ ، وَتَنَكَّبَ (٣) ذَنْبَهُ ، وَكَابَرَ هَوَاهُ ، وَكَذَّبَ مُنَاهُ . . . عَزُوفًا (٤) عَنِ الدُّنْيَا سَأْمًا ، كَدُوحًا (٥) لِأَخْرَجَتِهِ مُتَحَافِظًا . (٦)

عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْجِهَادِ جِهَادُ النَّفْسِ عَنِ الْهَوَى ، وَفِطَامُهَا عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا . (٧)

عنه عليه السلام: خَيْرُ النَّاسِ مَنْ زَهَدَتْ نَفْسُهُ ، وَقَلَّتْ رَغْبَتُهُ . (٨)

عنه عليه السلام: أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ تَنَزَّهَتْ نَفْسُهُ ، وَزَهَدَ عَنِ غَيْبِهِ (٩) . (١٠)

عنه عليه السلام: حُسْنُ الزُّهْدِ مِنْ أَفْضَلِ الْإِيمَانِ . (١١)

عنه عليه السلام: لَا يَزُكُو (١٢) عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا عَقْلٌ عَارِفٌ ، وَنَفْسٌ عَزُوفٌ . (١٣)

عنه عليه السلام: تَعَزَّرَ عَنِ الشَّيْءِ إِذَا مُنِعْتَهُ بِقَلْبِهِ مَا يَصْحَبُكَ إِذَا أُوْتِيْتَهُ . (١٤)

١- نهج البلاغه: الخطبه ٢٠٤ ، غرر الحكم: ح ٢٨٢٣ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٣٠ ح ٢٩٤٦ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٤ ح ١٣٨ .

٢- غرر الحكم: ح ٥٢١٢ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٦١ ح ٤٧٦٧ .

٣- تَنَكَّبَ ذَنْبَهُ: أَى تَجَنَّبَهُ (مرآة العقول: ج ٢٦ ص ٥٠) .

٤- عَزَفَتْ نَفْسِي عَنِ الشَّيْءِ تَعَزَّفُ عَزُوفًا: أَى زَهَدَتْ فِيهِ وَانصَرَفَتْ عَنْهُ (الصحيح: ج ٤ ص ١٤٠٣ «عزف»).

٥- الكَدْحُ: السعى والحرص والعمل (النهاية: ج ٤ ص ١٥٥ «كدح»).

٦- الكافي: ج ٨ ص ١٧٢ ح ١٩٣ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، تحف العقول: ص ٢٠٨ نحوه .

٧- غرر الحكم: ح ٣٢٣٢ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٢٢ ح ٢٧٨٣ .

٨- غرر الحكم: ح ٥٠٣١ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣٩ ح ٤٥٤٣ .

٩- يُقَالُ: غَنِيْتُ بِكَذَا عَنْ غَيْرِهِ: إِذَا اسْتَعْنَيْتَ بِهِ ، وَالاسْمُ الْغَنِيَّةُ ، فَأَنَا غَنِيٌّ (المصباح المنير: ص ٤٥٥ «غنى»).

١٠- غرر الحكم: ح ٣١٠٣ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٢١ ح ٢٧٥٠ نحوه .

١١- غرر الحكم: ح ٤٨٣٩ .

١٢- الزُّكَاةُ: النَّمَاءُ وَالزِّيَادَةُ (المصباح المنير: ص ٢٥٤ «زكا»).

- ١٣- .غرر الحكم : ح ١٠٨٨٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٤٤ ح ١٠١٠١ .
- ١٤- .غرر الحكم : ح ٤٥٥٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٠٠ ح ٤٠٤٣ .

امام علی علیه السلام: دل بستگی های خود به دنیا را قطع کنید و از توشه تقوا، کمک بگیرید.

امام علی علیه السلام: رحمت خدا بر آن کس که بر هوس، چیره آمد و از دام های دنیا گریخت!

امام علی علیه السلام: رحمت خدا بر آن کس که... پروردگارش را پیوسته در نظر گرفت و از گناه، دوری کرد و با هوس خویش، در افتاد و آرزو را دروغ شمرد... از دنیا روی گردان و بیزار شد و برای آخرتش کوشید و طریق احتیاط و هشاری را پیمود.

امام علی علیه السلام: برترین جهاد، جهاد با هوای نفس و بازداشتن آن از لذت های دنیا است.

امام علی علیه السلام: بهترین مردم، کسی است که نفسش زاهد (قانع) و خواستش اندک باشد.

امام علی علیه السلام: برترین مردم، کسی است که جانش وارسته باشد و با وجود توانگری در دنیا، زهد بورزد. (۱)

امام علی علیه السلام: خوش زهدی، برترین درجه ایمان است.

امام علی علیه السلام: نزد خداوند پاک، بالندگی نمی گیرد، مگر خرد شناسا و نفس روی گردان [از دنیا].

امام علی علیه السلام: هرگاه چیزی [از دنیا] به تو داده نشد، خویشتن را به این دلداری ده که اگر به تو داده شود، مدتی اندک با تو می ماند.

۱- آقا جمال خوانساری، مترجم و شارح غرر الحکم، برای این عبارت، چند وجه ذکر کرده است: ۱. به فقر بسازد و خواهش توانگری نداشته باشد. ۲. در دنیا از روی توانگری بی رغبت باشد؛ یعنی قناعت کند و خود را به آن، توانگر گرداند و به سبب آن، در دنیا بی رغبت شود. ۳. خود را از آن، با وجود قدرت بر سعی در آن، بی نیاز داند، نه این که در آن از راه عجز از سعی در آن بی رغبت باشد.

عنه عليه السلام :إِنَّكَ لَمْ تُخْلَقِ لِلدُّنْيَا ؛ فَازْهَدْ فِيهَا وَأَعْرِضْ عَنْهَا . (١)

عنه عليه السلام :ازْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَأَعْرِضْ عَنْهَا . (٢)

عنه عليه السلام :لِيَكُنْ زُهْدُكَ فِيمَا يَنْفَدُ وَيَزُولُ ، فَإِنَّهُ لَا يَبْقَى لَكَ وَلَا تَبْقَى لَهُ . (٣)

عنه عليه السلام :يَا أَيُّهَا النَّاسُ ، ازْهَدُوا فِي الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّ عَيْشَهَا قَصِيرٌ ، وَخَيْرَهَا يَسِيرٌ . (٤)

عنه عليه السلام :إِنْ كُنْتُمْ فِي الْبَقَاءِ رَاغِبِينَ ، فَازْهَدُوا فِي عَالَمِ الْفَنَاءِ . (٥)

عنه عليه السلام فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :أَوْصِيكَ يَا بَنِيَّ بِالصَّلَاةِ عِنْدَ وَقْتِهَا . . . وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا ، فَإِنَّكَ رَهْنُ مَوْتٍ ، وَغَرَضُ (٦) بَلَاءٍ ، وَطَرِيحُ سُقْمٍ . (٧)

الإمام الحسن عليه السلام :إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَفِتْنَةٍ ، وَكُلُّ مَا فِيهَا إِلَى زَوَالٍ ، وَقَدْ تَبَّأْنَا اللَّهَ عَنْهَا كَيْمَا نَعْتَبِرُ ، فَقَدَّمْنَا إِلَيْنَا بِالْوَعِيدِ كَيْ لَا يَكُونَ لَنَا حُجَّةٌ بَعْدَ الْإِنذَارِ ، فَازْهَدُوا فِيمَا يَفْنَى ، وَارْعَبُوا فِيمَا يَبْقَى . (٨)

الإمام زين العابدين عليه السلام مِمَّا كَانَ يَعِظُ بِهِ النَّاسَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :ازْهَدُوا فِيمَا زَهَّدَكُمُ اللَّهُ فِيهِ مِنْ عَاجِلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا . (٩)

١- عيون الحكم والمواعظ : ص ١٧١ ح ٣٥٧٠ ، غرر الحكم : ح ٣٨١١ .

٢- غرر الحكم : ح ٢٣٩٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٨٥ ح ٢٠٤٩ .

٣- غرر الحكم : ح ٧٣٨٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٠٥ ح ٦٨٥٨ .

٤- غرر الحكم : ح ١١٠٠١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٥٦ ح ١٠٢٤٣ .

٥- غرر الحكم : ح ٣٧٤٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٦٣ ح ٣٤٧٣ .

٦- الغَرَضُ : الِهَدَفُ الَّذِي يُرْمَى فِيهِ (الصحيح : ج ٣ ص ١٠٩٣ «غرض»).

٧- الأُمَالِي لِلْمُفِيدِ : ص ٢٢١ ح ١ ، الأُمَالِي لِلطُّوسِي : ص ٧ ح ٨ نحوه وكلاهما عن الفجيع العقيلي عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ١٣٢ ح ٢٩ .

٨- التوحيد : ص ٣٧٨ ح ٢٤ عن عبد الرحمن بن جندب عن أبيه وغيره وراجع المناقب لابن شهر آشوب : ج ٤ ص ٣١ .

٩- الكافي : ج ٨ ص ٧٥ ح ٢٩ ، الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ : ص ٥٩٦ ح ٨٢٢ كلاهما عن سعيد بن المسيب ، تحف العقول : ص ٢٥٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٤٥ ح ٦ .

امام علی علیه السلام: تو هرگز برای دنیا آفریده نشده ای. پس دل از دنیا برکن و از آن ، روی بگردان.

امام علی علیه السلام: دل از دنیا برکن و بدان ، پشت کن.

امام علی علیه السلام: به آنچه که تمام شدنی و زوال پذیر است ، زهد بورز؛ چرا که نه آن برای تو می ماند و نه تو برایش می مانی.

امام علی علیه السلام: ای مردم! به دنیا زهد ورزید؛ زیرا که زندگی آن ، کوتاه و خیرش اندک است.

امام علی علیه السلام: اگر خواهان جهان باقی هستید ، پس به جهان فانی زهد بورزید.

امام علی علیه السلام در سفارش به فرزندش حسن علیه السلام: فرزندم! تو را به خواندن نماز در وقتش... و زهد (بی اعتنایی) به دنیا سفارش می کنم؛ چرا که تو گروگان مرگ ، آماج رنج (بلا)، و دست خوش بیماری هستی .

امام حسن علیه السلام: دنیا ، سرای رنج و گرفتاری است و هر آنچه در آن است ، رو به نیستی است. خداوند ، ما را از [احوال] دنیا آگاه ساخته است تا درس عبرت بیاموزیم . ما را پیشاپیش بیم داده است تا بعد از هشدار، دیگر عذر و بهانه ای نداشته باشیم. پس به آنچه فنا می پذیرد (یعنی دنیا) زهد بورزید و آنچه را ماندگار است ، بخواهید.

امام زین العابدین علیه السلام از اندرزهای ایشان به مردم در مسجد پیامبر خدا: از این زندگی کنونی دنیا که خداوند شما را به زهد در آن ترغیب کرده است، دل برکنید.

عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا قَدِ ارْتَحَلَتْ مُدْبِرَةً ، وَإِنَّ الآخِرَةَ قَدِ ارْتَحَلَتْ مُقْبِلَةً ، وَلِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا بَنُونَ ، فَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا ، أَلَا وَكُونُوا مِنَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الزَّاهِبِينَ فِي الآخِرَةِ . (١)

الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللَّهُ بِهِ عيسى عليه السلام: ... يا عيسى ، ازهد في الفاني المُنْقَطِعِ . (٢)

الاختصاص عن صِيْفَوَانَ الْجَمَالَ: قَالَ لِي [الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ] : يَا صِيْفَوَانَ ، هَلْ تَدْرِي كَمْ بَعَثَ اللَّهُ مِنْ نَبِيِّ؟ قُلْتُ : مَا أَدْرِي ، قَالَ : بَعَثَ اللَّهُ مِنْهُ أَلْفَ نَبِيٍّ وَأَرْبَعَةَ وَأَرْبَعِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ ، وَمِثْلَهُمْ أَوْصِيَاءٌ ، بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الأَمَانَةِ وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا . (٣)

٢ / ٢ قِيمَةُ الزُّهْدِ أَجْلٌ مَا يُعْهَدُ للإمام علي عليه السلام: الزُّهْدُ أَقْلٌ مَا يَوْجَدُ وَأَجْلٌ مَا يُعْهَدُ ، وَيَمْدَحُهُ الكُلُّ وَيَتْرُكُهُ الجُلُّ (٤) . (٥)

١- الكافي: ج ٢ ص ١٣١ ح ١٥ عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول: ص ٢٨١، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٧٠ عن العالم عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٤٣ ح ١٨؛ صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٥٩، كنز العمالي: ج ٣ ص ٧١٩ ح ٨٥٦٥ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام نحوه وراجع الخصال: ص ٥١ ح ٦٢ والأمالى للمفيد: ص ٩٣ ح ١.

٢- الكافي: ج ٨ ص ١٣١ ص ١٣٤ ح ١٠٣، الأمالى للصدوق: ص ٦٠٩ ح ٨٤١ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٩٢ ح ١٤.

٣- الاختصاص: ص ٢٦٣، بحار الأنوار: ج ١١ ص ٥٩ ح ٦٧.

٤- جُلُّ الشَّيْءِ: مُعْظَمُهُ (الصَّحاح: ج ٤ ص ١٦٥٨ «جلل»).

٥- غرر الحكم: ح ٢٠٢١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٦٢ ح ١٦٠٣.

۲ / ۲ ارزش زهد

الف ارزشمندترین سفارش

امام زین العابدین علیه السلام: دنیا کوچ کرده است و می رود و آخرت ، کوچ کنان می آید، و برای هر یک از آن دو ، فرزندان است. پس، از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید. هان! از دنیا گریزانِ آخرت خواه باشید.

الکافی به نقل از علی بن اسباط ، از امامان علیهم السلام : از اندرزهای خداوند به عیسی علیه السلام : ... ای عیسی! دل از این دنیای فانی و تمام شدنی بر کن.

الاختصاص به نقل از صفوان جمّال : [امام صادق علیه السلام] به من فرمود: «ای صفوان! آیا می دانی خداوند چند پیامبر مبعوث کرده است؟». گفتم: نمی دانم. فرمود: «خداوند ، ۱۴۴ هزار پیامبر، و به همین اندازه ، وصی برای [دعوت به راستگویی و امانتداری و زهد به دنیا برانگیخت]».

۲ / ۲ ارزش زهدالف ارزشمندترین سفارش امام علی علیه السلام: زهد ، کمترین چیزی است که یافت می شود و ارزشمندترین چیزی است که سفارش می شود. همگان ، آن را می ستایند اما بیشتر مردم به آن عمل نمی کنند.

ب أصلُ الدِّينِ وَعَوْنُهَا لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الزُّهُدُ أَصْلُ الدِّينِ . (١)

عنه عليه السلام: سِتُّ مِنْ قَوَاعِدِ الدِّينِ . . . وَالزُّهُدُ فِي الدُّنْيَا . (٢)

عنه عليه السلام: الزُّهُدُ أَسَاسُ الْيَقِينِ . (٣)

عنه عليه السلام: عَلَيْكَ بِالزُّهُدِ فَإِنَّهُ عَوْنُ الدِّينِ . (٤)

ج أَشَدُّ مِنَ الْجِهَادِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَرَكَ الدُّنْيَا أَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ ، وَأَشَدُّ مِنْ حَطْمِ السُّيُوفِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . (٥)

الإمام علي عليه السلام في الحكم المنسوبة إليه: الفِطَامُ عَنِ الحُطَامِ (٦) شَدِيدٌ . (٧)

د أَفْضَلُ عِبَادَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا يُعْبَدُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِثْلِ الزُّهُدِ فِي الدُّنْيَا . (٨)

الإمام علي عليه السلام: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الزَّهَادَةُ . (٩)

١- غرر الحكم : ح ٤٨٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٥ ح ٦٩١ .

٢- غرر الحكم : ح ٥٦٣٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٨٧ ح ٥١٨٣ .

٣- غرر الحكم : ح ٥١٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥ ح ٢٧٩ .

٤- غرر الحكم : ح ٦٠٩٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٣٥ ح ٥٧٤٢ .

٥- الفردوس : ج ٢ ص ٧٠ ح ٢٣٩٥ عن ابن مسعود ، كثر العمال : ج ٣ ص ١٩٢ ح ٦١١٣ .

٦- حُطَامُ الدُّنْيَا : كُلُّ مَا فِيهَا مِنْ مَالٍ يَفْنَى وَلَا يَبْقَى (لسان العرب : ج ١٢ ص ١٣٨ «حطم»).

٧- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٢٩٣ ح ٣٥١ .

٨- عدّه الداعى : ص ١١١ ، التحصين لابن فهد : ص ٢٧ ح ٤٤ وفيه «تُعَبَّد» بدل «يُعَبَّد» ، إرشاد القلوب : ص ١٥٨ ، بحار الأنوار

: ج ٧٠ ص ٣٢٢ ح ٣٨ .

٩- غرر الحكم : ح ٢٨٧٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١١٣ ح ٢٤٦٧ .

ب ریشه دین و کمک آن :

ج سخت تر از جهاد

د برترین عبادت

ب ریشه دین و کمک آن امام علی علیه السلام: زهد، ریشه دین است.

امام علی علیه السلام: شش چیز از پایه های دین است : ... و زهد به دنیا.

امام علی علیه السلام: زهد، پایه یقین است.

امام علی علیه السلام: بر تو باد زهد؛ زیرا که آن ، کمک دین است.

ج سخت تر از جهاد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ترک دنیا کردن ، از صبر زرد ، تلخ تر و از در هم شکستن شمشیرها در راه خدا سخت تر است.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان : خودداری از حُطام دنیا ، سخت است.

د برترین عبادت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند به چیزی چون زهد به دنیا عبادت نشود.

امام علی علیه السلام: برترین عبادت، زهد است.

عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الطَّاعَاتِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا . (١)

ه أَحْسِنُ زِينَهُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : «وَأَتَيْنَهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» (٢) : يَعْنِي الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا . وَقَالَ تَعَالَى لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا مُوسَى ، إِنَّهُ لَنْ يَتَزَيَّنَ الْمُتَزَيِّنُونَ بِزِينَةٍ أَزَيْنَ فِي عَيْنِي مِنَ الزُّهْدِ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : ما زان الله العباد بزينة أفضل من زهاده الدنيا ، وعفاف في بطنه وفرجه . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله : ما تزين الأبرار في الدنيا بمثل الزهد في الدنيا . (٥)

الإمام الباقر عليه السلام : كان فيما ناجى الله به موسى عليه السلام : ... ما تزين لي المتزينون بمثل الزهد في الدنيا عما بهم الغنى منه . (٦)

الزهد عن وهب بن مئبّه في حديث موسى عليه السلام : فقال له الله : ... أعلم أنه لم يتزين لي العباد بزينة هي أبلغ من الزهد في الدنيا ، فإنها زينة المتقين . (٧)

راجع : ص ٢٣٠ ح ١١٨٣ ،

موسوعه الإمام على بن أبي طالب عليه السلام : القسم العاشر / الفصل الثاني / زينه الزهد .

١- غرر الحكم : ح ٢٩٩٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١١٨ ح ٢٦٦٠ .

٢- مريم : ١٢ .

٣- مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٤٠ ح ٢٦٦٠ عن عبدالله بن مسعود ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٩٤ ح ١ .

٤- حليه الأولياء : ج ٨ ص ١٧٧ عن عبدالله بن عمر ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٦ ح ٦١٤٠ .

٥- مسند أبي يعلى : ج ٢ ص ٢٦٥ ح ١٦١٤ ، الفردوس : ج ٤ ص ١٠٥ ح ٦٣٣٢ كلاهما عن عمّار .

٦- ثواب الأعمال : ص ٢٠٦ عن الوصّيافي ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٣٤٩ ح ٣٧ و ج ٧٠ ص ٣١٣ ح ٧ وراجع المعجم الكبير : ج ١٢

ص ٩٤ ح ١٢٦٥٠ والمعجم الأوسط : ج ٤ ص ١٨٨ ح ٣٩٣٧ وشعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٤٥ ح ١٠٥٢٧ وكنز العمّال : ج ٣ ص ٧٢٣ ح ٨٥٧٨ .

٧- الزهد لابن حنبل : ص ٨٣ ، عيون الأخبار لابن قتيبه : ج ٢ ص ٢٦٦ نحوه وراجع كنز العمّال : ج ١١ ص ٦٢٦ ح ٣٣٠٥٣

وبحار الأنوار : ج ٤٠ ص ٧٨ ح ١١٣ .

ه زیباترین زیور

امام علی علیه السلام: برترین طاعت ها زهد به دنیا است.

ه زیباترین زیور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره این سخن خداوند متعال که: «و در کودکی به او دانایی دادیم»: یعنی زهد به دنیا. خدای متعال به موسی علیه السلام فرمود: «ای موسی! خودآرایان، هرگز نمی توانند خویشتن را به زیوری که در چشم من زیباتر از زهد باشد، بیاریند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، بندگان را به زیوری برتر از زهد به دنیا و عفت شکم و شهوت نیاراست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیکان، در دنیا خود را به چیزی چون زهد به دنیا نیاراستند.

امام باقر علیه السلام: از جمله مناجات های خدا با موسی علیه السلام این بود که: «... خودآرایان، خویشتن را به چیزی مانند زهد به دنیا و چشم پوشیدن از آنچه بدان نیازی ندارند، نیاراستند».

الزهد به نقل از وهب بن متبه، در حدیث موسی علیه السلام: خداوند به او فرمود: ... بدان که بندگان، خود را برای من به زیوری رساناتر از زهد به دنیا نیاراستند؛ چرا که این زیور، زیور تقوای پیشگان است.

ر. ک: ص ۲۳۱ ح ۱۱۸۳،

دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام: بخش دهم / فصل دوّم / زیور زهد.

و زَيْنُ الْحِكْمَةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: زَيْنُ الْحِكْمَةِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا . (١)

ز رَأْسُ السَّخَاءِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَأْسُ السَّخَاءِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا . (٢)

ح مَتَجَزَّ رَابِحًا الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الزُّهْدُ مَتَجَزَّ رَابِحًا . (٣)

عنه عليه السلام: الزُّهْدُ ثَرَوَةٌ . (٤)

الإمام الحسن عليه السلام: الزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا هِيَ الْغَنِيمَةُ الْبَارِدَةُ . (٥)

ط مِفْتَاحُ الْخَيْرِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الزُّهْدُ مِفْتَاحُ صَلَاحٍ . (٦)

الإمام الصادق عليه السلام: جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَجُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا . (٧)

-
- ١- غرر الحكم : ح ٥٤٧٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٧٦ ح ٥٠٢٢ .
 - ٢- غرر الحكم : ح ٥٢٥١ .
 - ٣- غرر الحكم : ح ٥٥٠ وح ٨٧٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٣ ح ١٩٩ .
 - ٤- غرر الحكم : ح ١٤١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٨ ح ٨٠٢ .
 - ٥- المعجم الكبير : ج ٣ ص ٦٩ ح ٢٦٨٨ ، تاريخ دمشق : ج ١٣ ص ٢٥٦ كلاهما عن الحارث الأعور ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٢١٥ ح ٤٤٢٣٧ ؛ العدد القويّه : ص ٥٣ ح ٦٤ .
 - ٦- غرر الحكم : ح ٧٤٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٠ ح ٤٩٠ .
 - ٧- الكافي : ج ٢ ص ١٢٨ ح ٢ عن حفص بن غياث ، مشكاة الأنوار : ص ٤٦٢ ح ١٥٤٠ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٤٩ ح ٢٠ .

و جمال و زیبایی حکمت

ز اوج سخاوت

ح سودایی سودآور

ط کلید خوبی ها

و جمال و زیبایی حکمت امام علی علیه السلام: زیبایی حکمت ، در زهد به دنیاست.

ز اوج سخاوت امام علی علیه السلام: گذشتن از دنیا، اوج سخاوت است.

ح سودایی سودآور امام علی علیه السلام: زهد، سودایی سودآور است.

امام علی علیه السلام: زهد، یک ثروت است.

امام حسن علیه السلام: زهد به دنیا، غنیمتی باد آورده است. (۱)

ط کلید خوبی ها امام علی علیه السلام: زهد، کلید خوبی و پاکی است.

امام صادق علیه السلام: همه خوبی ها در یک اتاق نهاده شده و کلید آن ، زهد به دنیا قرار داده شده است.

۱- . غنیمه البارده: غنیمتی است که بدون جنگ به دست آید [فطر المحيط] أقرب الموارد.

الكافي عن عبد الله بن القاسم عن الإمام الصادق عليه السلام: إذا أراد الله بعبد خيرا زهده في الدنيا، وفقهه في الدين، وبصره عيوبها، ومن أوتيهن فقد أوتى خير الدنيا والآخرة. وقال: لم يطلب أحد الحق باب أفضل من الزهد في الدنيا، وهو ضد لما طلب أعداء الحق. قلت: جعلت فداك ممّاذا؟ قال: من الرغبه فيها. وقال: ألا من صبار كريم (١)، فإنما هي أيام قلائل؟! (٢)

مصباح الشريعة فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام: الزهد مفتاح باب الآخرة والبراءة من النار. (٣)

ي شيمه المتقين للإمام علي عليه السلام: الزهد شيمه المتقين، وسجيه الأوابين (٤). (٥)

عنه عليه السلام: المؤمن دأبه زهادته. (٦)

١- قوله: «مما إذا» أي لأتى علّه صار ضدّ الحقّ مطلوبهم... وقيل: أي ممّا إذا طلب أعداء الحقّ مطلوبهم. والهمزه في «ألا» للاستفهام و«لا» للنفي، و«من» زائده لعموم النفي، والمعنى: ألا يوجد صبار كريم النفس يصبر عن الدنيا وعلى فقرها وشدتها ويزهد فيها؟! (مرآة العقول: ج ٨ ص ٢٧٦).

٢- الكافي: ج ٢ ص ١٣٠ ح ١٠، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٢، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٦ ح ٥٥٦ و ٥٥٧، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٥٥ ح ٢٨.

٣- مصباح الشريعة: ص ١٩١، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٥ ح ٢٠.

٤- الأوابون: جمع أواب؛ وهو الكثير الرجوع إلى الله تعالى بالتوبه، وقيل: هو المطيع (النهاية: ج ١ ص ٧٩ «أوب»).

٥- غرر الحكم: ح ١٧١٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢ ح ١٣٤٣.

٦- غرر الحكم: ح ٢١٠٣.

ی خوی پرهیزگاران

الکافی به نقل از عبد الله بن قاسم امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه خداوند برای بنده ای خیری بخواهد ، او را به دنیا بی رغبت می گرداند، در دین آگاه و دانایش می کند و به عیب های دنیا بینایش می سازد. به هر کس این چیزها داده شود ، خیر دنیا و آخرت داده شده است». و فرمود: «هیچ کس ، حق را از راهی بهتر از زهد به دنیا نجسته است و آن [زهد] ضدّ مطلوب دشمنان حقّ است». گفتم: فدایت شوم! مطلوبشان چیست؟ فرمود: «دنیاخواهی». (۱) و فرمود: «آیا شکیبای بزرگ منشی نیست؟! زیرا دنیا چند روزی اندک بیش نیست».

مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده: زهد ، کلید درِ آخرت (بهشت) ، و رهایی از آتش است.
ی خوی پرهیزگاران

امام علی علیه السلام: زهد، خوی پرهیزگاران و خصلت توبه کاران است.

امام علی علیه السلام: مؤمن، پیشه اش زهد است.

۱- یا: «و آن [حقّ] ضدّ مطلوب دشمنان حقّ است». گفتم: ... از چه رو با حق دشمنی می کنند؟ فرمود: «به خاطر دنیاخواهی».

ك سَجِيَّةُ الْمُخْلِصِينَ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّهْدُ سَجِيَّةُ الْمُخْلِصِينَ . (١)

٢ / ٣ قِيمَةُ الرَّاهِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَعَظَمُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا خَطَرًا (٢) مَنْ لَمْ يَجْعَلِ لِلدُّنْيَا عِنْدَهُ خَطَرًا . (٣)

نوادير الأصول عن أنس: بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَطَّلِعُ عَلَيْكُمْ الْآنَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ . فَاطَّلَعَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ تَنْطِفُ (٤) لِحَيْتِهِ مِنْ مَاءٍ وَضُوئِهِ ، مُعَلَّقٌ نَعْلُهُ فِي يَدِهِ الشَّمَالِ . فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَطَّلِعُ عَلَيْكُمْ الْآنَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ . فَاطَّلَعَ ذَلِكَ الرَّجُلُ عَلَى مِثْلِ مَرْتَبَتِهِ الْأُولَى . فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِثْلَ ذَلِكَ ، فَاطَّلَعَ الرَّجُلُ ، فَلَمَّا قَامَ اتَّبَعَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ ، فَقَالَ: إِنِّي لَأَحِيْتُ (٥) أَبِي فَأَقْسَمْتُ أَلَّا أُدْخَلَ عَلَيْهِ ثَلَاثًا ، فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تُؤْوِيَنِي إِلَيْكَ حَتَّى يَحِلَّ يَمِينِي فَعَلْتُ ، قَالَ: نَعَمْ . فَإِذَا لَهُ خَيْمَةٌ ، وَنَخْلٌ ، وَشَاةٌ ، فَلَمَّا أَمْسَى خَرَجَ مِنْ خَيْمَتِهِ ، فَاحْتَلَبَ الْعَنْزَ ، وَاجْتَنَى لِي رُطْبَةً ، ثُمَّ وَضَعَهُ فَمَا أَكَلْتُ ، فَبَاتَ نَائِمًا وَبِتُّ قَائِمًا ، وَأَصْبَحَ مُفْطِرًا وَأَصْبَحْتُ صَائِمًا ، فَفَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثَ لَيَالٍ ، غَيْرَ أَنَّهُ كَانَ إِذَا انْقَلَبَ عَلَى فِرَاشِهِ ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَكَبَّرَ حَتَّى يَقُومَ لِصِيْلَةِ الْفَجْرِ ، فَيَسْبِغُ الْوُضُوءَ ، غَيْرَ أَنِّي لَا أَسْمَعُهُ يَقُولُ إِلَّا- خَيْرًا . فَلَمَّا مَضَتْ اللَّيَالِي ، وَكِدْتُ أَحْتَقِرُ عَمَلَهُ ، قُلْتُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ ، إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْإِثْمِ غَضَبٌ وَلَا هِجْرَةٌ ، وَلَكِنِّي سَيِّمَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِمَكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فِي ثَلَاثِ مَجَالِسٍ: «يَطَّلِعُ عَلَيْكُمْ الْآنَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ» فَطَلَعْتَ أَنْتِ تِلْكَ الْمَرَّاتِ الثَّلَاثَ ، فَأَرَدْتُ أَنْ آوِيََ إِلَيْكَ فَأَنْظُرَ مَا عَمَلُكَ ، فَأَخْبَرَنِي مَا عَمَلُكَ؟! قَالَ: فَانْتِ الَّذِي أَخْبَرَكَ حَتَّى يُخْبِرَكَ بِعَمَلِي . فَاتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: ابْتِهِ فَمَرَّةً فَلْيُخْبِرَكَ . فَقُلْتُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْمُرُكَ أَنْ تُخْبِرَنِي . قَالَ: أَمَا الْآنَ فَنَعَمْ ، لَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا لِي فَأَخَذْتُ مِنْهَا لَمْ أَحْزَنْ عَلَيْهَا ، وَلَوْ أُعْطِيَتْهَا لَمْ أَفْرَحْ بِهَا ، وَأَبَيْتُ وَلَيْسَ عَلَيَّ أَحَدٌ فِي قَلْبِي غِلٌّ ، وَلَا أَحْسُدُهُ عَلَى خَيْرٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ . قَالَ عَبْدُ اللَّهِ: لَكِنِّي وَاللَّهِ أَقْوَمُ اللَّيْلِ ، وَأَصُومُ النَّهَارَ ، وَلَوْ وَهَبْتُ لِي شَاةً لَفَرِحْتُ بِهَا ، وَلَوْ ذَهَبْتُ لَحَزِنْتُ عَلَيْهَا ، وَاللَّهِ لَقَدْ فَضَّلَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا فَضْلًا بَيْنَنَا . (٦)

١- غرر الحكم: ح ٦٦٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٤ ح ٢٤٤ .

٢- الخَطَرُ: ارتفاع القدر والمال والشرف والمرتبة (لسان العرب: ج ٤ ص ٢٥١ «خطر»).

٣- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٩٥ ح ٥٨٤٠، الأمل للصدوق: ص ٧٣ ح ٤١ كلاهما عن يونس بن ظبيان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، معاني الأخبار: ص ١٩٥ ح ١ عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، أعلام الدين: ص ٣٢٢، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٨ ح ٥٥ .

٤- النَّطْفُ: النَّطْفُ: النَّطْفُ الْمَاءُ وَنَطْفُ الْحَبِّ وَالْكُوزُ وَغَيْرُهُمَا يَنْطِفُ وَيَنْطَفُ: قَطَرَ (لسان العرب: ج ٩ ص ٣٣٦ «نطف»).

٥- لَأَحِيْتُ الرَّجُلَ: إِذَا نَازَعْتَهُ (الصحيح: ج ٦ ص ٢٤٨١ «لحي»).

٦- نوادر الأصول: ج ١ ص ٣٨٥، الدرر المنتورة: ج ٨ ص ١١٤، وأيضا بسند آخر عن عبد العزيز بن أبي رواد نحوه .

ک خصلت بندگانِ ناب الهی

۲ / ۳ ارزش زاهد

ک خصلت بندگانِ ناب الهیامام علی علیه السلام: زهد، خصلت بندگان ناب است.

۲ / ۳ ارزش زاهد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پُر ارج ترین مردم در دنیا، کسی است که به دنیا ارج ننهد.

نوادِر الاصول: به نقل از آنس: نزد پیامبر خدا نشسته بودیم که ناگاه فرمود: «هم اینک، مردی از اهل بهشت بر شما در می آید. در این هنگام، مردی از انصار که آب وضو از ریشش می چکید و کفش خود را در دست چپش گرفته بود وارد شد. فردای آن روز، باز پیامبر خدا فرمود: «هم اینک، مردی از اهل بهشت بر شما در می آید» و باز، همان مرد با همان وضع، وارد شد. فردای آن روز نیز پیامبر صلی الله علیه و آله همان سخن را فرمود و باز، همان مرد، وارد شد. چون برخاست و رفت، عبد الله بن عمرو بن عاص، در پی او روان شد و [به وی] گفت: من با پدرم مشاجره کرده ام و سوگند خورده ام که تا سه روز، نزد او نروم. بنا بر این، اگر صلاح می دانی، مرا نزد خود، جای ده تا به سوگندم عمل کنم. مرد گفت: باشد. با او رفتم. دیدم خیمه ای و نخلی و گوسفندی دارد. شب که شد، از خیمه اش خارج شد و بز خود را دوشید و خرمایی چید و آنها را نزد من نهاد و من خوردم و او خودش بی شام خفت و من شب را به نماز و عبادت گذراندم. صبح که شد، او صبحانه خورد و من، روزه داشتم. سه شب به همین منوال گذشت و هرگاه در رخت خوابش از این پهلو به آن پهلو می شد، ذکر خدای متعال می گفت و تکبیر می گفت و صبح برای نماز، بیدار می شد و وضوی کامل می گرفت و من، جز سخن خیر از او نمی شنیدم. چون چند شب گذشت و کار او در نظر من تقریباً ناچیز آمد، گفتم: ای بنده خدا! میان من و پدرم، نه مشاجره ای بوده و نه قهری؛ بلکه از پیامبر خدا، سه بار در سه مجلس شنیدم که فرمود: «هم اینک، مردی از اهل بهشت بر شما در می آید» و هر سه بار، تو وارد شدی. از این رو، خواستم [مرا به خانه ات ببری] تا عمل تو را ببینم. پس، به من بگو که تو چه عملی انجام می دهی [که اهل بهشت شده ای]؟ مرد گفت: به نزد همان کسی که به تو خبر داده، برو تا از عمل من به تو خبر دهد. من نزد پیامبر خدا رفتم. ایشان فرمود: «نزد خود او برو و بگو باید حقیقت را به تو بگویم». من نزد آن مرد رفتم و گفتم: پیامبر خدا به تو امر می کند که مرا خبر دهی. مرد گفت: حال که چنین است، می گویم. اگر دنیا از من باشد و از من گرفته شود، ناراحت نمی شوم و اگر دنیا به من داده شود، از آن شادمان نمی شوم. شب را در حالی می خوابم که از هیچ کس، کینه ای به دل ندارم، و بر نعمتی که خداوند به او داده است، حسادت نمی کنم. عبد الله گفت: اما من، به خدا سوگند که شب ها را به عبادت می گذرانم، و روزها را روزه می گیرم؛ لیکن اگر گوسفندی به من ببخشند، خوش حال می شوم و اگر از دستم برود، ناراحت می شوم. به خدا سوگند که خداوند، تو را بر ما برتری آشکاری داده است.

الإمام عليّ عليه السلام: كَانَ لِي فِيمَا مَضَى أُخٌ فِي اللَّهِ ، وَكَانَ يُعَظِّمُهُ فِي عَيْنِي صِغَرُ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ ... (١)

تنبيه الخواطر: قِيلَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَعْظَمَ النَّاسِ قَدْرًا؟ قَالَ: مَنْ لَمْ يُبَالِ الدُّنْيَا فِي يَدِي مَنْ كَانَتْ. (٢)

الإمام عليّ عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ: الرَّاهِدُ فِي الدِّينَارِ وَالدَّرْهَمِ أَعَزُّ مِنَ الدِّينَارِ وَالدَّرْهَمِ. (٣)

تاريخ دمشق عن سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ: قِيلَ لِإِلْيَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَعْظَمَ النَّاسِ خَطْرًا؟ قَالَ: مَنْ لَمْ يَرْضَ الدُّنْيَا خَطْرًا لِنَفْسِهِ. (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي: مَنْ أَعْظَمَ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا قَدْرًا؟ فَقَالَ: مَنْ لَمْ يَجْعَلِ الدُّنْيَا لِنَفْسِهِ فِي نَفْسِهِ خَطْرًا. (٥)

الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ قَدْرًا الَّذِي لَا يَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِهِ خَطْرًا. (٦)

- ١- نهج البلاغه: الحكمه ٢٨٩، غرر الحكم: ح ٧٢٦٤، تحف العقول: ص ٢٣٤ عن الإمام الحسين عليه السلام وفيه «كان من أعظم الناس في عيني، وكان رأس ما عظم به في عيني صغر الدنيا في عينه»، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣١٤ ح ٤٩.
- ٢- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٩، جامع الأخبار: ص ٢٩٦ ح ٨٠٨، الدرّ الباهره: ص ٢٨، أعلام الدين: ص ٣٠٢ والثلاثة الأخيره عن الإمام الباقر عليه السلام، إرشاد القلوب: ص ٢٥ عن الإمام زين العابدين عليه السلام.
- ٣- شرح نهج البلاغه: ج ٢٠ ص ٣٠١ ح ٤٣٦.
- ٤- تاريخ دمشق: ج ٤١ ص ٤٠٨، البدايه والنهايه: ج ٩ ص ١٠٥ وفيه «من لم ير الدنيا لنفسه قدرا»؛ تحف العقول: ص ٢٧٨، نثر الدر: ج ١ ص ٣٣٩، نزهه الناظر: ص ٩٤ ح ٢٩ وفيها «لم ير» بدل «لم يرض»، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٣٥ ح ٣.
- ٥- مستطرفات السرائر: ص ١٦٥ ح ١٠، الحكايات للمفيد: ص ٩٧ ح ١٠ عن يزيد بن خليفه وفيه «تجعل» بدل «يجعل»، كشف الغمّه: ج ٢ ص ٣٦٣ عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه.
- ٦- الكافي: ج ١ ص ١٩ ح ١٢ عن هشام بن الحكم، تحف العقول: ص ٣٨٩، الدرّ الباهره: ص ٢٨ عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «قدرا» بدل «خطرا»، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٤١ ح ٣٠.

امام علی علیه السلام: در گذشته ، برادری دینی داشتم که خُردی دنیا در نگاه او، وی را در نظرم بزرگ می نمود.... .

تنبيه الخواطر: به حسین بن علی علیهما السلام گفته شد: پُر ارج ترین مردم کیست؟ فرمود: «کسی که اهمّیت ندهد دنیا در دست کیست».

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: بی اعتنای به دینار و درهم ، با ارزش تر از دینار و درهم است.

تاریخ دمشق به نقل از سفیان بن عُیینه: به علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام گفته شد: مهم ترین مردم چه کسی است؟ فرمود: «کسی که دنیا در نظرش اهمّیتی نداشته باشد».

امام صادق علیه السلام: مردی به پدرم گفت: پُر منزلت ترین مردم در دنیا ، چه کسی است؟ فرمود: «کسی که دنیا در دل و دیده اش بی قدر و منزلت باشد».

امام کاظم علیه السلام: با ارزش ترین مردم ، کسی است که برای دنیا ارزشی قائل نباشد.

مُسَيِّكُنَ الْفُؤَادِ: رُوِيَ أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا مَاتَ عُثْمَانُ بْنُ مَطْعُونٍ كَشَفَ الثَّوْبَ عَن وَجْهِهِ ، ثُمَّ قَبَلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ ، ثُمَّ بَكَى طَوِيلًا ، فَلَمَّا رُفِعَ السَّرِيرُ قَالَ : طُوبَاكَ يَا عُثْمَانُ لَمْ تَلْبَسْكَ الدُّنْيَا وَلَمْ تَلْبَسْهَا . (١)

راجع : ص ٢٩٢ (خصائص أبناء الآخرة) .

٢ / ٤: أنفع الزهد رسول الله صلى الله عليه وآله: الزهد في زماننا هذا في الدنانير والدراهم ، وليأتين على الناس زمان الزهد في الناس أنفع لهم من الزهد في الدنانير والدراهم . (٢)

١- مسكن الفؤاد : ص ٩٥ ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ٩١ ح ٤٣ وراجع الفردوس : ج ٢ ص ٤٥١ ح ٣٩٤٥ .

٢- كثر العمال : ج ١١ ص ١٥٣ ح ٣١٠٠٢ نقلًا عن الديلمي عن ابن عباس .

۴ / ۲ سودمندترین زهد

مسکن الفؤاد: روایت شده است که چون عثمان بن مظعون در گذشت، پیامبر خدا، پارچه را از روی او کنار زد و پیشانی اش را بوسید و آن گاه، لختی گریست و چون تابوت را برداشتند، فرمود: «خوشا به حالت، ای عثمان! نه دنیا تو را پوشید [و فریفت]، و نه تو [جامه] دنیا را پوشیدی».

ر. ک: ص ۲۹۳ (ویژگی های آخرت گرایان).

۴ / ۲ سودمندترین زهد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زهد در روزگار ما، در دوری گزیدن از دینار و درهم است؛ اما روزگاری بر مردم فرا می رسد که دوری گزیدن از مردم، برایشان سودمندتر از زهد به دینار و درهم است.

الفصل الثالث : بركات الزهد ٣ / ١ مَالُ الْمَعْرِفَةِ حِفْظُ الْعَقْلِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حِفْظُ الْعَقْلِ بِمُخَالَفَةِ الْهَوَى ، وَالْعُزُوفِ عَنِ الدُّنْيَا . (١)

راجع : ج ١ ص ٤٠٢ (مضارّ حبّ الدنيا / فساد العقل) .

ب مَعْرِفَةُ عُيُوبِ الدُّنْيَا الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِزْهَادٌ فِي الدُّنْيَا يُبَصِّرُكَ اللَّهُ عَوْرَاتِهَا ، وَلَا تَغْفُلُ فَلَسْتَ بِمَغْفُولٍ عَنْكَ . (٢)

ج عَلِمَ بِبَلَاءِ تَعَلُّمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ زَهْدٍ فِي الدُّنْيَا عَلَّمَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِبَلَاءِ تَعَلُّمٍ ، وَهَيْدَاهُ بِبَلَاءِ هَيْدَائِهِ ، وَجَعَلَهُ بِصِيرًا وَكَشَفَ عَنْهُ الْعَمَى . (٣)

١- غرر الحكم : ح ٤٩٢١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٣٣ ح ٤٤٧٩ وفيه «بغلبه» بدل «بمخالفه» .

٢- نهج البلاغه : الحكمة ٣٩١ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢٩٧ ، غرر الحكم : ح ٢٣٦٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣١٩ ح ٣٤ .

٣- حليه الأولياء : ج ١ ص ٧٢ عن نصير بن حمزه عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٠٩ ح ٦١٩٤ نقلاً عن أبي عبد الرحمن السلمى فى كتاب المواعظ والوصايا عن ابن عباس ؛ تحف العقول : ص ٦٠ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٦٣ ح ١٨٧ .

فصل سوم: برکت های زهد

۳ / ۱ کمال یافتن شناخت

الف نگهداری خرد

ب شناخت عیب های دنیا

ج دانش، بدون آموختن

فصل سوم: برکت های زهد ۳ / ۱ کمال یافتن شناخت الف نگهداری خرد امام علی علیه السلام: نگهداری خرد، به سرپیچی از هوس و دوری گزیدن از دنیاست.

ر. ک: ج ۱ ص ۴۰۳ (زیان های دنیادوستی / تباهی خرد).

ب شناخت عیب های دنیا امام علی علیه السلام: از دنیا دل بر کن تا خداوند، تو را به عیب های آن بینا گرداند، و غافل مباش که از تو غافل نیستند.

ج دانش، بدون آموختن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دل از دنیا بر کند، خداوند متعال او را دانش می آموزد، بی آن که از کسی بیاموزد، و هدایتش می کند، بی آن که کسی به هدایت او پردازد، و او را بصیرت می بخشد و کوردلی را از او می زداید.

حَلِيهِ الْأَوْلِيَاءِ عَنِ الْحَسَنِ: خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى أَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ: هَلْ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ عِلْمًا بِغَيْرِ تَعَلُّمٍ، وَهُدًى بِغَيْرِ هِدَايَةٍ؟ هَلْ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ أَنْ يُذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ الْعَمَى وَيَجْعَلَهُ بَصِيرًا؟ أَلَا إِنَّهُ مَنْ رَغِبَ فِي الدُّنْيَا وَأَطَالَ أَمَلَهُ فِيهَا أَعْمَى اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَى قَدَرِ ذَلِكَ، وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا وَقَصَرَ أَمَلَهُ فِيهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمًا بِغَيْرِ تَعَلُّمٍ، وَهُدًى بِغَيْرِ هِدَايَةٍ. (١)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَجْزَعْ مِنْ ذُلِّهَا وَلَمْ يُنَافِسْ فِي عِزِّهَا، هَدَاهُ اللَّهُ بِغَيْرِ هِدَايَةٍ مِنْ مَخْلُوقٍ وَعَلَّمَهُ بِغَيْرِ تَعَلُّمٍ، وَأَثَبَتْ الْحِكْمَةَ فِي صَدْرِهِ وَأَجْرَاهَا عَلَى لِسَانِهِ. (٢)

د الحَكْمَهْرَسول الله صلى الله عليه و آله :إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ قَدْ أُعْطِيَ زُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَقَلَّ مَنْطِقٌ، فَاقْتَرَبُوا مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقَى الْحِكْمَةَ. (٣)

١- حليه الأولياء: ج ٦ ص ٣١٢ وج ٨ ص ١٣٥، شُعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٦٠ ح ١٠٥٨٢ نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٠٩ ح ٦١٩٥؛ تيسير المطالب: ص ٣٦٥، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣١ عن أنس نحوه.

٢- تحف العقول: ص ٢٢٣، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٦٣ ح ١٥٥.

٣- سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٧٣ ح ٤١٠١، المعجم الكبير: ج ٢٢ ص ٣٩٢ ح ٩٧٥، شُعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٤٧ ح ١٠٥٣٤، حليه الأولياء: ج ١٠ ص ٤٠٥ وفيه «يلقن» بدل «يلقى»، تاريخ دمشق: ج ١٥ ص ٨٤ ح ٣٦٧٩ كلُّها عن أبي خَلَادٍ، مسند أبي يعلى: ج ٦ ص ١٩٠ ح ٦٧٧٠ عن عبد الله بن جعفر نحوه، أسد الغابه: ج ٦ ص ٨٠ ح ٥٨٣٩ عن أبي خالد الكندي، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٣ ح ٦٠٦٩؛ الأمالى للطوسى: ص ٥٣١ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٦٩ ح ٢٦٦١ كلاهما عن أبي ذرٍّ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٨٠ ح ٣.

د حکمت

حلیه الأولیاء به نقل از حسن: روزی، پیامبر صلی الله علیه و آله به نزد اصحابش آمد و فرمود: «آیا در میان شما کسی هست که بخواهد خداوند، او را بی آموختن، دانش عطا کند و بی هدایتگری، هدایت کند؟ آیا در میان شما کسی هست که بخواهد خداوند، کوردلی را از او ببرد و بینایش گرداند؟ بدانید که هر کس به دنیا راغب شود و آرزویش را در دنیا دور و دراز کند، خداوند به همان اندازه، دلش را کور می گرداند، و هر کس در دنیا زهد بورزد و آرزویش را در دنیا کوتاه کند، خداوند او را بی آموختن، دانش عطا می کند و بدون هدایتگری، هدایت می کند.

امام علی علیه السلام: هر که به دنیا پشت کند و از خواری در آن، بی تابی نکند و برای عزتمندی در آن [با جاه و مقام]، به رقابت نپردازد، خداوند او را بی هدایت مخلوقی، هدایت می کند و بی آموختن از کسی، دانشش می آموزد و حکمت را در سینه اش ثابت می دارد و آن را بر زبانش جاری می گرداند.

د حکمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مردی را دیدید که «زهد در دنیا» و «کم گویی» به او عطا شده است، به وی نزدیک شوید؛ چرا که چنین شخصی، حکمت می آموزد.

عنه صلى الله عليه وآله في وصيته لآبائه ذر: يا أبا ذر، ما زهد عبد في الدنيا إلا أثبت الله الحكمة في قلبه وأنطق بها لسانه، وبصره عيوب الدنيا وداءها ودواءها، وأخرجها منها سالماً إلى دار السلام. (١)

الإمام علي عليه السلام: بالزهد تُثمر الحكمة. (٢)

٣ / ٢ فرأى القلب الكافي عن سفيان بن عيينة: سألته [أى الإمام الصادق عليه السلام] عن قول الله: «إلا من أتى الله بقلب سليم» (٣) ، قال: القلب السليم الذى يلقى ربه وليس فيه أذى سواه. قال: وكل قلب فيه شرك أو شك فهو ساقط، إنما أرادوا (٤) الزهد فى الدنيا لتفرغ قلوبهم للآخره. (٥)

٣ / ٣ صلاح التفسير رسول الله صلى الله عليه وآله: صلاح أول هذه الأمة بالزهد واليقين، ويهلك آخرها بالبخل والأمل. (٦)

١- .. الأمالى للطوسى: ص ٥٣١ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٦٨ ح ٢٦٦١ وفيه «أثبت» بدل «أثبت» وكلاهما عن أبى ذر، الكافي: ج ٢ ص ١٢٨ ح ١، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٤١٠ ح ٥٨٩٠ كلاهما عن الهيثم بن واقد الحريرى عن الإمام الصادق عليه السلام، ثواب الأعمال: ص ٢٠٠ ح ١ عن سيف عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٣٣ ح ٢٧؛ حليه الأولياء: ج ٣ ص ١٩١ عن جعفر بن محمد بن عبدالله عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، الفردوس: ج ٤ ص ٦٩ ح ٦٢١٥ عن أبى ذر وكلاهما نحوه.

٢- غرر الحكم: ح ٤٢٢٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٨٦ ح ٣٧٧٢.

٣- الشعراء: ٨٩.

٤- أى الأنبياء والأوصياء، وفى بعض النسخ: «أراد بالزهد» أى أراد الله، والباء زائده؛ يعنى أن الزهد بالدنيا ليس مقصوداً لذاته، وإنما أمر الناس به لتكون قلوبهم فارغة عن محبة الدنيا، صالحةً لحب الله تعالى خالصةً له (مرآة العقول: ج ٧ ص ٨٧).

٥- الكافي: ج ٢ ص ١٦ ح ٥ و ١٢٩ ح ٥، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٧٠ ح ٣٩ نقلاً عن كتاب أسرار الصلاة.

٦- الزهد لابن حنبل: ص ١٦ عن عبدالله بن عمرو، المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٣٣٢ ح ٧٦٥٠ وفيه «هلاكها» بدل «يهلك آخرها»، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٤٢٧ ح ١٠٨٤٤ و ٤٢٨ ح ١٠٨٤٥ كلاهما نحوه وكلها عن شعيب عن أبيه، كنز العمال: ج ٣ ص ٤٤٩ ح ٧٣٨٨.

۳ / ۲ خالی شدن دل از اغیار

۳ / ۳ دوستی و پاکی نفس

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به ابو ذر: ای ابو ذر! هیچ بنده ای در دنیا زهد نوزید ، مگر آن که خداوند ، حکمت را در دلش ثابت کرد و زبانش را بدان گویا ساخت، عیب های دنیا و درد و درمان آن را به وی شناساند، و او را سالم از دنیا به سرای سلامت (بهشت) برد.

امام علی علیه السلام: با زهد است که حکمت ، ثمر می دهد.

۳ / ۲ خالی شدن دل از اغیار الکافی به نقل از سفیان بن عیینه: از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند: «مگر کسی که با قلبی سلیم بر خدا در آید» ، پرسیدم . فرمود: «قلب سلیم ، قلبی است که پروردگارش را در حالی دیدار می کند که هیچ کسی جز او در آن نباشد». و فرمود: «هر دلی که در آن شرک یا شکی باشد ، آن دل بی ارزش است. آنان (پیامبران و اوصیای آنان) (۱) از این رو خواهان زهدورزی در دنیا بودند که دل هایشان برای آخرت ، خالی گردد.

۳ / ۳ دوستی و پاکی نفس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اوّل این امت ، با «زهد» و «یقین» ساخته شد، و آخر آن ، با «بخل» و «آرزو» نابود می شود.

۱- در بعضی نسخه ها ، «أراد بالزهد» آمده است ، یعنی خداوند ، خواهان زهد شد (مرآة العقول: ج ۷ ص ۸۷).

الإمام عليّ عليه السلام: سَبَبُ صَلَاحِ النَّفْسِ الْعُزُوفُ عَنِ الدُّنْيَا . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَعْتَقَ نَفْسَهُ وَأَرْضَى رَبَّهُ . (٢)

عنه عليه السلام: أَحْيِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ ، وَأَمِتُهُ بِالزُّهَادَةِ . (٣)

عنه عليه السلام: لَوْ زَهَدْتُمْ فِي الشَّهَوَاتِ لَسَلِمْتُمْ مِنَ الْآفَاتِ . (٤)

عنه عليه السلام: أَعْرِضْ عَنِ الدُّنْيَا تَسَلَّمَ . (٥)

عنه عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْهَا إِلَّا بِالزُّهْدِ فِيهَا ، وَلَا يُنْجَى مِنْهَا بِشَيْءٍ كَانَ لَهَا . (٦)

٣ / ٤ حلاوة الإيمان رسول الله صلى الله عليه وآله : حرام على قلوبكم أن تعرف حلاوة الإيمان حتى تزهد في الدنيا . (٧)

١- غرر الحكم : ح ٥٥٢٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٨٢ ح ٥٠٨٢ .

٢- غرر الحكم : ح ٨٨١٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٦٢ ح ٨٤٠٥ .

٣- نهج البلاغه : الكتاب ٣١ ، كشف المحجّه : ص ٢٢١ عن عمر بن أبي المقدم عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام ، تحف

العقول : ص ٦٩ ، نزهه الناظر : ص ٦١ ح ٤٢ عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢١٧ ح ٢ ؛ كنز العمال : ج ١٦ ، ص ١٦٨

، ح ٤٤٢١٥ نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ .

٤- غرر الحكم : ح ٧٥٨٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤١٦ ح ٧٠٦٧ .

٥- غرر الحكم : ح ٥٨٣٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٠٤ ح ٥٤٠٨ .

٦- غرر الحكم : ح ٢٧٦٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٠٧ ح ٢٣٦٣ .

٧- الكافي : ج ٢ ص ١٢٨ ح ٢ عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص ٢٠٩ ح ٥٦٨ ، بحار

الأنوار : ج ٧٣ ص ٤٩ ح ٢٠ .

۳ / ۴ چشیدن شیرینی ایمان

امام علی علیه السلام: راه پاک شدن نفس ، پشت کردن به دنیاست.

امام علی علیه السلام: هر که دل از دنیا برکند، خویش را [از اسارت دنیا] آزاد ، و پروردگارش را خشنود ساخت.

امام علی علیه السلام: دلت را با اندرز ، زنده بدار، و آن را با زهد ، بمیران.

امام علی علیه السلام: اگر به خواهش های نفس بی اعتنایی کنید ، از آفت ها به سلامت می مانید.

امام علی علیه السلام: از دنیا روی بگردان تا به سلامت مانی.

امام علی علیه السلام: هان! دنیا سرایی است که از آن ، جز با زهدورزی در آن ، به سلامت نمی توان ماند ، و با چیزی از امور دنیوی نمی توان از دنیا رهید.

۳ / ۴ چشیدن شیرینی ایمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چشیدن شیرینی ایمان بر دل های شما حرام است ، مگر آن گاه که دل هایتان نسبت به دنیا زهد ورزند.

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَجِدُ الرَّجُلُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ فِي قَلْبِهِ حَتَّى لَا يُبَالِيَ مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا (١). (٢).

٣ / ٥ صَلَاحُ الدِّينِ لِإِمَامٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : . . . يَا أَحْمَدُ ، إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَكُونَ أَوْرَعَ النَّاسِ فَازْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَارْغَبْ فِي الْآخِرَةِ . (٣)

عنه عليه السلام : مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا حَصَّنَ دِينَهُ . (٤)

عنه عليه السلام : وَفُورُ الْعَرَضِ بِإِتِّدَالِ الْمَالِ ، وَصَلَاحُ الدِّينِ بِإِفْسَادِ الدُّنْيَا . (٥)

عنه عليه السلام : الْعِلْمُ يُرْشِدُكَ إِلَى مَا أَمَرَكَ اللَّهُ بِهِ ، وَالزُّهْدُ يُسَهِّلُ لَكَ الطَّرِيقَ إِلَيْهِ . (٦)

لقمان عليه السلام فيما وَعَظَ بِهِ وَلَدَهُ : يَا بُنَيَّ ، . . . مَنْ يَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يَعْمَلْ لِلَّهِ تَعَالَى ، وَمَنْ يَعْمَلْ لِلَّهِ تَعَالَى يَأْجُرْهُ اللَّهُ . (٧)

راجع : ج ١ ص ٤٢٦ (مضارَّ حبِّ الدنيا / فساد الدين) .

١- «حتى لا- يبالي من أكل الدنيا» : يحتمل أن يكون «من» اسم موصول و«أكل» فعلاً ماضياً ، وأن يكون «من» حرف جرّ و«أكل» مصدرًا . فعلى الأوّل المعنى : أنه لا يعتنى بشأن الدنيا بحيث لا يحسد أحدا عليها ، . . . وعلى الثاني أيضا يرجع إلى ذلك ؛ أو المعنى : لا يعتنى بأكل الدنيا والتصرّف فيها (مرآة العقول: ج ٨ ص ٢٦٩) .

٢- الكافي : ج ٢ ص ١٢٨ ح ٢ عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٤٩ ح ٢٠ .

٣- إرشاد القلوب : ص ١٩٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٢ ح ٦ .

٤- غرر الحكم : ح ٨٤٦٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤٩ ح ٧٩٦٠ وفيه «حَسَنَ دِينَهُ» بدل «حَصَّنَ دِينَهُ» .

٥- غرر الحكم : ح ١٠١٢٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٠٥ ح ٩٢٧٧ .

٦- غرر الحكم : ح ١٨٣٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٢ ح ١٤٣ .

٧- الزهد لابن المبارك : ص ٣٧٣ ح ١٠٥٩ .

۳ / ۵ درستی دین

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آدمی، شیرینی ایمان را در دلش نمی یابد، مگر آن گاه که باکی نداشته باشد که دنیا را چه کسی می خورد.

۳ / ۵ درستی دین امام علی علیه السلام در یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند متعال فرمود: «... ای احمد! اگر دوست داری که پارساترین مردم باشی، از دنیا روی برتاب و به آخرت بگرای».

امام علی علیه السلام: هر که در دنیا زهد بورزد، دین خود را نگه داشته است.

امام علی علیه السلام: بسیاری آبرومندی، به بخشش مال است و درستی دین، به خراب کردن دنیا.

امام علی علیه السلام: دانش، تو را به آنچه خداوند فرمانت داده است، رهنمون می شود، و زهد، راه رسیدن به آن را بر تو آسان می سازد.

لقمان علیه السلام در اندرزهایش به فرزندش: فرزندانم!... کسی که به دنیا بی رغبت باشد، برای خداوند متعال کار می کند، و کسی که برای خدای متعال کار کند، خداوند مزدش را می دهد.

ر. ک: ج ۱ ص ۴۲۷ (زیان های دنیادوستی / تباهی دین).

٣ / ٦ زَفَاهُ الْعَيْشُ رَاحَةَ الْقَلْبِ وَالبَدَنِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَالبَدَنَ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ فِي الزُّهْدِ لِرَاحَةً . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا الرِّاحَةُ الْعَظْمَى . (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ الرِّاحَةَ فَلْيُؤَثِّرِ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا . (٤)

عنه عليه السلام: الزُّهْدُ أَفْضَلُ الرِّاحَتَيْنِ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: طَلَبْتُ الرِّاحَةَ فَوَجَدْتُهَا فِي الزُّهْدِ . (٦)

ب طَاعَةُ الدُّنْيَا لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَصَى الدُّنْيَا أَطَاعَتْهُ . (٧)

-
- ١- الخصال : ص ٧٣ ح ١١٤ عن فاطمه بنت الحسين عن أبيها عليه السلام ، روضه الواعظين : ص ٤٨٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٠ ح ١١٠ ؛ المعجم الأوسط : ج ٦ ص ١٧٧ ح ٦١٢٠ ، شُعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٤٨ ح ١٠٥٣٨ كلاهما عن أبي هريره وح ١٠٥٣٦ عن طاووس ، مسند الشهاب : ج ١ ص ١٨٨ ح ٢٧٨ عن عبد الله بن عمرو ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٨٢ ح ٦٠٦١ .
 - ٢- أعلام الدين : ص ٣٣٦ عن ابن عتيّاس ، غرر الحكم : ح ٣٢٩ عن الإمام عليّ عليه السلام وفيه «الراحه فى الزهد» ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ٢٧ ح ٣٧ .
 - ٣- غرر الحكم : ح ١٣١٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٧ ح ١١٩٨ .
 - ٤- غرر الحكم : ح ٨٩٤٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٣٤ ح ٧٤٨٤ .
 - ٥- غرر الحكم : ح ١٦٥١ .
 - ٦- مستدرک الوسائل : ج ١٢ ص ١٧٤ ح ١٣٨١٠ نقلاً عن مجموعه الشهيد .
 - ٧- غرر الحكم : ح ٧٧٨٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٢ ح ٨٠٨٥ .

۳ / ۶ آسایش زندگی

الف آسایش جان و تن

ب فرمانبری دنیا

۳ / ۶ آسایش زندگیاالف آسایش جان و تنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دل بر کندن از دنیا ، جان و تن را آسوده می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به راستی که در زهد ، آسایشی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زهد در دنیا ، بزرگ ترین آسایش است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که آسایش می خواهد ، باید زهد در دنیا را برگزیند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زهد، برترین آسایش است.

امام صادق علیه السلام: آسایش را جستم و آن را در زهد یافتم.

ب فرمانبری دنیاامام علی علیه السلام: هر که دنیا را نافرمانی کند ، دنیا از او فرمان می برد.

عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا تُدْنِي الأَجَالَ وَتُبَاعِدُ الأَمَالَ ، وَتُبِيدُ الرِّجَالَ وَتُعَيِّرُ الأَحْوَالَ ، مَنْ غَالَبَهَا غَلَبَتْهُ ، وَمَنْ صَارَعَهَا صَارَعَتْهُ ، وَمَنْ عَصَاهَا أَطَاعَتْهُ ، وَمَنْ تَرَكَهَا أَتَتْهُ . (١)

عنه عليه السلام فِي الحِكْمِ المَنْسُوبِ إِلَيْهِ : كُلُّ شَيْءٍ يَعْصِيكَ إِذَا أَغْضَبْتَهُ إِلَّا الدُّنْيَا ، فَإِنَّهَا تُطِيعُكَ إِذَا أَغْضَبْتَهَا . (٢)

عنه عليه السلام : مَنْ عَرَفَ عَنِ الدُّنْيَا أَنَّهَا صَاغِرَةٌ . (٣)

عنه عليه السلام : مَنْ أَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا أَتَتْهُ . (٤)

عنه عليه السلام : مَنْ سَلَا (٥) عَنِ الدُّنْيَا أَتَتْهُ رَاغِمَةً . (٦)

عنه عليه السلام : مَنْ قَعَدَ عَنِ طَلَبِ الدُّنْيَا قَامَتْ إِلَيْهِ . (٧)

عنه عليه السلام : إِنَّكَ إِنْ أَدْبَرْتَ عَنِ الدُّنْيَا أَقْبَلْتَ . (٨)

ج مُوَافَقَةُ الدُّنْيَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الدُّنْيَا أَمَرَهَا بِطَاعَتِهِ فَأَطَاعَتْ رَبَّهَا ، فَقَالَ لَهَا : خَالَفِي مَنْ طَلَبَكَ وَوَأَفَقِي مَنْ خَالَفَكَ . فَهِيَ عَلَى مَا عَاهَدَ اللَّهُ إِلَيْهَا وَطَبَعَهَا عَلَيْهِ . (٩)

١- غرر الحكم : ح ٣٦٧٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٤٦ ح ٣٢٤٢ .

٢- شرح نهج البلاغه : ج ٢٠ ص ٣٠٠ ح ٤١٩ .

٣- غرر الحكم : ح ٨٥٢٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٠ ح ٧٩٩٩ وفيه «زهد» بدل «عزف» .

٤- غرر الحكم : ح ٧٧٩٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٢ ح ٨٠٨٦ .

٥- سلوت عنه : صبرتُ عنه (المصباح المنير: ص ٢٨٧ «سلا») .

٦- غرر الحكم : ح ٨٠٧٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤١ ح ٧٦٨٧ .

٧- غرر الحكم : ح ٨٥٦٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٧ ح ٨٢٧٢ .

٨- غرر الحكم : ح ٣٧٩٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٧١ ح ٣٥٧٤ .

٩- مصباح الشريعة : ص ١٩٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣١٥ ح ٢٠ .

ج سازگاری دنیا

امام علی علیه السلام: دنیا، آجل ها را نزدیک ، آرزوها را دور و دراز، مردان را نابود ، و احوال (اوضاع) را دگرگون می کند. هر که با دنیا در افتد ، دنیا بر او چیره می گردد، هر که با آن پنجه در افکند ، دنیا به خاکش می افکند، هر که از دنیا نافرمانی کند ، دنیا از او فرمان می برد، و هر که دنیا را وا نهد ، دنیا خود به سراغش می آید.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: هر چیزی ، هر گاه به خشمش آوری ، از تو نافرمانی می کند ، بجز دنیا که هر گاه به خشمش آوری ، از تو فرمان می برد.

امام علی علیه السلام: هر که از دنیا دوری کند ، دنیا با زبونی نزد او می آید.

امام علی علیه السلام: هر که از دنیا روی گرداند ، دنیا نزد او می آید.

امام علی علیه السلام: هر که از دنیا دست بشوید ، دنیا به رغم میل خود نزد او می آید .

امام علی علیه السلام: هر که از طلب دنیا فرو نشیند ، دنیا پیش رویش قامت می افرازد.

امام علی علیه السلام: تو اگر به دنیا پشت کنی ، دنیا به تو رو می کند.

ج سازگاری دنیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون خداوند دنیا را آفرید ، فرمانش داد که از او اطاعت کند و دنیا از خداوند گارش اطاعت کرد. پس به دنیا فرمود: «با آن که تو را می جوید ، ناسازگاری کن، و با آن که با تو ناسازگاری می کند ، سازگار باش». پس، دنیا بر این دستوری است که خدا به او داد و خداوند ، آن را بر همین سرشت.

الإمام عليّ عليه السلام: لَنْ يَفْتَقِرَ مَنْ زَهَدَ . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا لَمْ تَفْتُهُ . (٢)

دِخْدَمُهُ الدُّنْيَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ الدُّنْيَا أَنْ أَخْدُمِي مِنْ خَدَمَنِي ، وَأَتَعِبِي مَنْ خَدَمَكِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ أَوْحَى إِلَيَّ الدُّنْيَا أَنْ أَتَعِبِي مَنْ خَدَمَكِ ، وَأَخْدُمِي مَنْ رَفَضَكَ . (٤)

الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ خَدَمَ الدُّنْيَا اسْتَخْدَمَتْهُ ، وَمَنْ خَدَمَ اللَّهَ سُبِحَانَهُ خَدَمَتْهُ . (٥)

عنه عليه السلام: الدُّنْيَا لِمَنْ تَرَكَهَا ، وَالْآخِرَةُ لِمَنْ طَلَبَهَا . (٦)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يَطَّلِعُ عَلَى الدُّنْيَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ، فَيَقُولُ: يَا دُنْيَا... مَنْ خَدَمَكَ فَاسْتَخْدَمِيهِ ، وَمَنْ خَدَمَنِي فَأَخْدُمِيهِ . (٧)

١- غرر الحكم : ح ٧٤٤٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٠٨ ح ٦٩٠٦ .

٢- غرر الحكم : ح ٨٤٨٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٦ ح ٨٢٤٢ .

٣- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٦٣ ح ٥٧٦٢ ، المواعظ للصدوق : ص ٢٧ كلاهما عن حمّاد بن عمر وأنس بن محمّد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج ٢ ص ٣٢٧ ح ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، جامع الأخبار : ص ٥٠٤ ح ١٣٩٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٥٤ ح ٣ ؛ تاريخ بغداد : ج ٨ ص ٤٤ ح ٤١٠٠ ، مسند الشهاب : ج ٢ ص ٣٢٦ ح ١٤٥٤ كلاهما عن عبد الله بن مسعود ، حليه الأولياء : ج ٣ ص ١٩٤ عن محمّد بن بشر عن الإمام الصادق عليه السلام .

٤- الأمالي للصدوق : ص ٣٥٤ ح ٤٣٢ عن المفصّل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مشكاة الأنوار : ص

٤٥٠ ح ١٥٠٩ ، روضه الواعظين : ص ٤٨٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٨٧ ح ٥١ .

٥- غرر الحكم : ح ٩٠٩١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٦٥ ح ٨٤٧٠ .

٦- كنز الفوائد : ج ١ ص ٣٤٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٣ .

٧- تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢٠٠ وراجع شرح نهج البلاغه : ج ٢ ص ٩٥ وج ٦ ص ٢٣٢ .

د خدمت گزاری دنیا

امام علی علیه السلام: آن که زهد بورزد، هرگز به فقر نمی افتد.

امام علی علیه السلام: هر که به دنیا زهد ورزد، دنیا از دستش نمی رود [و به نصیب خود از دنیا خواهد رسید].

د خدمت گزاری دنیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند به دنیا وحی فرمود که: «هر که مرا خدمت می کند، خدمتش کن، و هر که تو را خدمت می کند، به رنجش بیفکن».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند، به دنیا وحی کرد که: «آن را که به خدمت تو در می آید، به رنج افکن، و آن را که دست از تو می شوید، خدمت کن».

امام علی علیه السلام: هر که به خدمت دنیا در آید، دنیا او را به خدمت خویش می گیرد، و هر که خدمت خداوند سبحان کند، دنیا به او خدمت می نماید.

امام علی علیه السلام: دنیا از آن کسی است که ترک آن کند، و آخرت، از آن کسی است که آن را بطلبد.

امام صادق علیه السلام: خداوند در هر روز، یکی دو بار به دنیا سری می زند و می فرماید: «ای دنیا!... هر که خدمت تو می کند، او را به خدمت گیر، و هر که خدمت من می کند، خدمتش کن».

٣ / ٧ تهوين المصائب رسول الله صلى الله عليه وآله: من زهد في الدنيا هانت عليه المصائب. (١)

الإمام علي عليه السلام: من زهد هانت عليه المحن. (٢)

الإمام الكاظم عليه السلام: إن أصبركم على البلاء لآء زهدكم في الدنيا. (٣)

٣ / ١٨ التترب إلى الله رسول الله صلى الله عليه وآله: جلساء الله عدا أهل الزهد في الدنيا. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: من يشتهي كرامة الآخرة يدع زينة الدنيا، هنالِكَ استَحيا العبد من الله، وهنالِكَ أصاب ولاية الله. (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: إذا أردت أن يُحببكَ الله فأبغض الدنيا. (٦)

١- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٤١ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود، الكافي: ج ٢ ص ٥٠ ح ١ عن جابر عن الإمام الباقر عن الإمام عليّ عليهما السلام، نهج البلاغه: الحكمة ٣١ عن الإمام عليّ عليه السلام نحوه، الأمالي للمفيد: ص ٢٧٧ ح ٣ عن قبيصة بن جابر عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٦٨ ص ٣٥١ ح ١٩؛ تاريخ بغداد: ج ٦ ص ٣٠١ ح ٣٣٤١، حلية الأولياء: ج ٥ ص ١٠ كلاهما عن الحارث الأعور عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٥١٥ عن قبيصة بن جابر عن الإمام عليّ عليه السلام نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٧١٩ ح ٨٥٦٥.

٢- غرر الحكم: ح ٨٣٢٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٧ ح ٧٨٨٩.

٣- تحف العقول: ص ٣٩٣ عن هشام بن الحكم وص ٥٠٩ عن عيسى عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٤٦.

٤- الفردوس: ج ٢ ص ١٠٩ ح ٢٥٧٢، كنز العمال: ج ٣ ص ٤٢٧ ح ٧٢٧٩ نقلًا عن ابن لال وكلاهما عن سلمان.

٥- الزهد لابن المبارك: ص ١٠٧ ح ٣١٧، تفسير الثعالبي: ج ٥ ص ٤٨٧ كلاهما عن الحسن، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩٣٨ ح ٤٣٦١١.

٦- تاريخ بغداد: ج ٧ ص ٧٠ ح ٣٧٥٤، تاريخ دمشق: ج ٦ ص ٢٩٠ ح ١٥٤٩، البدايه والنهايه: ج ١٠ ص ١٣٧ كلها عن ربعي بن خراش، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٢ ح ٦٠٦٧.

۳ / ۷ آسان شدن مشکلات

۳ / ۸ نزدیک شدن به خدا

۳ / ۷ آسان شدن مشکلات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که به دنیا بی رغبت شود، سختی ها بر او آسان می گردند.

امام علی علیه السلام: هر که دل از دنیا بر کند، رنج ها بر او آسان می شوند.

امام کاظم علیه السلام: صبورترین شما در برابر بلا، زاهدترین شما در دنیا است.

۳ / ۸ نزدیک شدن به خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همنشینان خداوند در فردای قیامت، آنان اند که در دنیا زاهدند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که خواهان کرامت آخرت است، زیور دنیا را رها می کند. همین جاست که بنده از خدا حیا می کند، و این جاست که به [مقام] ولایت خداوند می رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر می خواهی که خداوند تو را دوست بدارد، دنیا را دشمن بدار.

عنه صلى الله عليه وآله في موعظته لرجلٍ: اِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبَّكَ اللَّهُ ، وَازْهَدْ فِيمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ يُحِبَّكَ النَّاسُ . (١)

حليته الأولياء عن مُجاهِد: إِنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، ذُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ يُحِبُّنِي اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَيُحِبُّنِي النَّاسُ عَلَيْهِ . فَقَالَ: أَمَا مَا يُحِبُّكَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَالْزُهْدُ فِي الدُّنْيَا ، وَأَمَا مَا يُحِبُّكَ النَّاسُ عَلَيْهِ فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ هَذَا الْغُثَاءَ (٢) . (٣)

الإمام عليّ عليه السلام في ذكر حديث معراج النبي صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ ، أَهْلُ تَعْرِفُ مَا لِلزَّاهِدِينَ عِنْدِي؟ قَالَ: لَا يَا رَبِّ! قَالَ: يُبْعَثُ الْخَلْقُ وَيُنَاقَشُونَ الْحِسَابَ (٤) وَهُمْ مِنْ ذَلِكَ آمِنُونَ . إِنَّ أَدْنَى مَا أُعْطِيَ الزَّاهِدِينَ فِي الْآخِرَةِ أَنْ أُعْطِيَهُمْ مَفَاتِيحَ الْجَنَانِ كُلِّهَا حَتَّى يَفْتَحُوا أَيَّ بَابٍ شَاءُوا ، وَلَا أَحْجَبَ عَنْهُمْ وَجْهِي ، وَلَا نَعَمْتَهُمْ بِالْوَانِ التَّلْمُذُ مِنْ كَلَامِي ، وَلَا جَلَسَتَهُمْ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ ، وَأَذْكُرُهُمْ مَا صَبَّحُوا وَتَعَبُوا فِي دَارِ الدُّنْيَا ، وَأَفْتَحَ لَهُمْ أَرْبَعَةَ أَبْوَابٍ: بَابٌ يَدْخُلُ عَلَيْهِمُ الْهَدَايَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا مِنْ عِنْدِي ، وَبَابٌ يَنْظُرُونَ مِنْهُ إِلَى كَيْفِ شَاءُوا بِإِلَهِ صَبَّحُوا بِإِلَهِ صَبَّحُوا ، وَبَابٌ يَطَّلِعُونَ مِنْهُ إِلَى النَّارِ فَيَنْظُرُونَ إِلَى الظَّالِمِينَ كَيْفَ يُعَذَّبُونَ ، وَبَابٌ يَدْخُلُ عَلَيْهِمْ مِنْهُ الْوَصَائِفُ وَالْحَوْرُ الْعَيْنُ . (٥)

١- المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٤٨ ح ٧٨٧٣ ، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٧٤ ح ٤١٠٢ وفيه «يحبوك» بدل «يحبك الناس» ، المعجم الكبير: ج ٦ ص ١٩٣ ح ٥٩٧٢ ، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٤٤ ح ١٠٥٢٢ و ١٠٥٢٣ ، مسند الشهاب: ج ١ ص ٣٧٣ ح ٦٤٣ كلها عن سهل بن سعد ، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٧ ح ٦٠٩١ ؛ الأمل للطوسي: ص ١٤٠ ح ٢٢٨ وص ٢٠٢ ح ٣٤٤ كلاهما عن محمد بن عيسى الكندي عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ١٥ ح ٤ .

٢- في المصدر: «القضاء» والصحيح ما أثبتناه كما في كنز العمال .

٣- حليته الأولياء: ج ٨ ص ٤٢ ، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٤ ح ٦٢٦٣ .

٤- في بحار الأنوار: «بالحساب» .

٥- إرشاد القلوب: ص ٢٠٢ ، مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ٤٨ ح ١٣٤٨٣ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرز به مردی: نسبت به دنیا زهد بورز تا خداوند تو را دوست بدارد، و نسبت به آنچه مردم دارند، زهد بورز تا مردم دوستت بدارند.

حلیه الأولیاء به نقل از مجاهد: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! مرا به کاری رهنمون کن که به خاطر آن، هم خداوند متعال و هم مردم مرا دوست بدارند. فرمود: «آنچه باعث می شود که خداوند تو را دوست بدارد، زهدورزی در دنیاست، و آنچه موجب می شود که مردم دوستت بدارند، آن است که این کف (دنیا) را پیش آنان بیفکنی».

امام علی علیه السلام در یاد کرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند متعال فرمود: «... ای احمد! آیا می دانی زاهدان، چه مقامی در نزد من دارند؟». گفت: نه، ای پروردگارم! فرمود: «در روزی که مردم برانگیخته می شوند و به حسابشان رسیدگی می شود، آنان از این حسابرسی در امان اند. کمترین چیزی که در آخرت به زاهدان می دهم، این است که همه کلیدهای بهشت ها را در اختیارشان می نهم تا هر دری را که می خواهند، باز کنند، و روی خود را از آنان پنهان نمی دارم، و از انواع لذت سختم برخوردارشان می سازم، و آنان را بر جایگاهی راستین (۱) می نشانم، و کارهایی را که در دنیا کرده اند و رنج هایی را که کشیده اند، به یادشان می آورم، و چهار در را برایشان می گشایم: دری که از آن، در هر صبح و شام، ارمغان های من برایشان برده می شود، دری که از آن به راحتی به من، هر گونه که بخواهند، می نگرند، دری که از آن، آتش را می بینند و به ستمکاران [و گنهکاران] می نگرند که چگونه عذاب می شوند، و دری که از آن، کنیزکان و حورالعین بر آنان وارد می شوند».

۱- اشاره است به آیه ۵۵ از سوره قمر: «فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ؛ در جایگاهی راستی، نزد فرمان روای توانا».

عنه عليه السلام: الزُّهُدُ قُرْبَةٌ . (١)

عنه عليه السلام: أَيَسُرُّكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ غَدًا فِي الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْكَ رَاضٍ غَيْرُ غَضَبَانَ؟ كُنْ فِي الدُّنْيَا زَاهِدًا وَفِي الْآخِرَةِ رَاغِبًا . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمَا ، وَوَجَدَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ ، وَكَانَ عِنْدَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَأَنَّهُ قَدْ خَوْلَطَ (٣) ، وَإِنَّمَا خَالَطَ الْقَوْمَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ فَلَمْ يَشْتَغِلُوا بِغَيْرِهِ . (٤)

٣ / ٩ المَشْيُ عَلَى الْمَاءِ تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ: قَالَ الْحَوَارِيُّونَ لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا لَكَ تَمْشِي عَلَى الْمَاءِ وَنَحْنُ لَا نَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ؟ فَقَالَ لَهُمْ: وَمَا مَنَزِلَةُ الدَّيْنَارِ وَالِدَّرْهَمِ عِنْدَكُمْ؟ قَالُوا: حَسَنٌ. قَالَ: لَكِنَّهُمَا عِنْدِي وَالْمَدْرُ (٥) سَوَاءٌ. (٦)

١- دستور معالم الحكم: ص ٢١ .

٢- غرر الحكم: ح ٢٨٢٧ .

٣- يقال: خولط فلان في عقله؛ إذا اختل عقله (النهاية: ج ٢ ص ٦٤ «خلط»). وقال العلامة المجلسي قدس سره بعد نقل كلام ابن الأثير: فقوله: «خولط» بهذا المعنى وخالط بمعنى الممازجه، وهذا أعلى درجات المحييين حيث استقرَّ حُبُّ اللَّهِ تعالى في قلوبهم وأخرج حُبَّ كُلِّ شَيْءٍ غَيْرِهِ مِنْهَا فَلَا يَلْتَفِتُونَ إِلَى غَيْرِهِ تَعَالَى، وَيَتْرَكُونَ مَعَاشِرَهُ عَامَّةَ الْخَلْقِ لِمَبَايِنِهِ طَوْرَهُ أَطْوَارِهِمْ، فَهَمَّ يَعْدُونَهُ سَفِيهَا مَخَالَطًا كَمَا نَسَبُوا الْأَنْبِيَاءَ إِلَى الْجَنُونِ لِذَلِكَ (مرآة العقول: ج ٨ ص ٢٧٧).

٤- الكافي: ج ٢ ص ١٣٠ ح ١٠، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٢ وفيه «يشغلوه» بدل «يشغلوا» وكلاهما عن عبد الله بن القاسم، مشكاة الأنوار: ص ٢١٨ ح ٥٩٦، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٥٦ ح ٢٨ .

٥- المدر: الطين المتماسك (النهاية: ج ٤ ص ٣٠٩ «مدر»).

٦- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٥٦ .

۳ / ۹ راه رفتن بر آب

امام علی علیه السلام: زهدورزی ، مایه تقرب [به خداوند] است.

امام علی علیه السلام: آیا خوش داری که فردای قیامت ، خداوند را در حالی دیدار کنی که از تو خشنود است و در خشم نیست؟ به دنیا بی رغبت باش و به آخرت ، راغب.

امام صادق علیه السلام: هر گاه مؤمن از دنیا دست بشوید ، بلندی می گیرد و شیرینی محبت خدا را می چشد، و در نظر اهل دنیا دیوانه می نماید ، حال آن که در واقع ، شیرینی محبت خداوند با [جان] آنان آمیخته است و از این رو ، به غیر او نمی پردازند.

۳ / ۹ راه رفتن بر آبتنیه الخواطر: حواریان به عیسی علیه السلام گفتند: سبب چیست که تو بر آب ، راه می روی و ما نمی توانیم؟ به آنان گفت: «دینار و درهم را در نزد شما ، چه قدر و قیمتی است؟». گفتند: با ارزش اند . عیسی گفت: «اما در نزد من ، با کلوخ ، یکسان اند».

٣ / ١٠ زيارة الملائكة صحیح مسلم عن حنظله الأسيدي وكان من كتاب رسول الله صلى الله عليه وآله: لقيني أبو بكر، فقال: كيف أنت يا حنظله؟ قلت: نافق حنظله! قال: سبحان الله! ما تقول؟ قلت: نكون عند رسول الله صلى الله عليه وآله نذكرنا بالنار والجنة حتى كأننا رأينا عين، فإذا خرجنا من عند رسول الله صلى الله عليه وآله عافسنا (١) الأزواج والأولاد والضيقات فنسينا كثيرا. قال أبو بكر: فوالله إنا لنلقى مثل هذا! فانطلقت أنا وأبو بكر، حتى دخلنا على رسول الله صلى الله عليه وآله. قلت: نافق حنظله يا رسول الله! فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: وما ذاك؟ قلت: يا رسول الله، نكون عندك نذكرنا بالنار والجنة حتى كأننا رأينا عين، فإذا خرجنا من عندك عافسنا الأزواج والأولاد والضيقات نسينا كثيرا! فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: والذي نفسي بيده! إن لو تدومون على ما تكونون عندي، وفي الذكر، لصافحتكم الملائكة على فرشكم وفي طرقكم، ولكن يا حنظله، ساعة وساعة ثلاث مرات. (٢)

١- المعافسه: المعالجه والممارسه والملاعبه (النهايه: ج ٣ ص ٢٦٣ «عفس»).

٢- صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢١٠٦ ح ١٢، سنن الترمذی: ج ٤ ص ٦٦٦ ح ٢٥١٤، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٤١٦ ح ٤٢٣٩، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ١٩٠ ح ١٧٦٢١ وج ٧ ص ٣٢ ح ١٩٠٦٧ كلها نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٣٩٥ ح ١٦٩٦.

ر. ك : ص ۱۲۳ ح ۹۹۱ .

۳ / ۱۰ دیدار فرشتگان صحیح مسلم به نقل از حنظله اُسیدی که از کاتبان پیامبر خدا بود: ابو بکر به من بر خورد و گفت: چگونه ای ، ای حنظله؟ گفتم: حنظله ، منافق گشته است! ابو بکر گفت: سبحان الله ! چه می گویی؟ گفتم: وقتی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستیم و برایمان از آتش و بهشت می گوید ، چنانیم که گویا آنها را به چشم می بینیم؛ ولی از محضر پیامبر خدا که بیرون می رویم ، به زن و فرزند و زندگی مان می پردازیم و بسیاری از سخنان پیامبر را فراموش می کنیم. ابو بکر گفت: به خدا سوگند که ما نیز همین حال را داریم! پس، من و ابو بکر رفتیم تا بر پیامبر خدا وارد شدیم. من گفتم: ای پیامبر خدا! حنظله منافق گشته است! پیامبر خدا فرمود: «چه طور؟». گفتم: ای پیامبر خدا! آن گاه که نزد شما هستیم و از آتش و بهشت برایمان می گویی ، گویا آنها را به چشم می بینیم؛ امّا از نزد شما که می رویم ، به زن و فرزند و زندگی خود می پردازیم، و بسیاری از آن سخنان را فراموش می کنیم! پیامبر خدا فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست ، اگر بر آن حالی که نزد من دارید ، دوام آورید ، ... فرشتگان در بسترهایتان و در کوی و برزن هایتان با شما دست می دهند؛ امّا ای حنظله آدمی هر ساعتی ، حالتی دارد» ، و سه بار این جمله را فرمود .

سنن الترمذى عن أبى هريره قُلنا: يا رسولَ الله ، ما لنا إذا كُننا عندَكَ رَقَّتْ قُلُوبُنا وَزَهَدنا فى الدُّنيا وَكُننا مِنْ أَهْلِ الآخِرَةِ ، فَإِذا خَرَجنا مِنْ عِنْدِكَ فَأَنسنا أَهالِنا وَشَمَمنا أَوْلادنا أَنْكرنا أَنْفِنا؟! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَوْ أَنَّكُمْ تَكُونُونَ إِذا خَرَجْتُمْ مِنْ عِنْدِي كُنْتُمْ عَلَى حَالِكُمْ ذَلِكُمْ ، لَزَارَتْكُمْ الْمَلَائِكَةُ فى بُيُوتِكُمْ . (١)

الكافى عن سلام بن المُستنير: قال حُمَراؤُ بنُ أَعينَ لِأَبى جَعْفَرٍ عليه السلام : أَخْبِرْكَ أَطالَ اللَّهُ بِقِئاءِكَ لَنا وَأَمْتَعنا بِكَ أَنّا نَأْتِيكَ فَمّا نَخْرُجُ مِنْ عِنْدِكَ حَتّى تَرِقَّ قُلُوبُنا وَتَسْلُوَ أَنْفِنا عَنِ الدُّنيا ، وَيَهونَ عَلَينا ما فى أَيْدى النَّاسِ مِنْ هَذِهِ الأُمُوالِ ، ثُمَّ نَخْرُجُ مِنْ عِنْدِكَ فَإِذا صَبَرنا مَعَ النَّاسِ وَالتُّجارِ أَحَببنا الدُّنيا ! فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام : إِنما هِيَ القُلُوبُ مَرَّةً تَصْعُبُ وَمَرَّةً تَسْهُلُ . ثُمَّ قالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام : أَمّا إِنَّ أَصْحابَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قالوا : يا رَسُولَ اللَّهِ ، نَخافُ عَلَينا النِّفاقَ ! فَقَالَ : وَلِمَ تَخافُونَ ذَلِكُمْ؟ قالوا : إِذا كُنّا عِنْدَكَ فَذَكَّرْتنا وَرَغَبْتنا وَجَلنا (٢) وَنَسِينا الدُّنيا وَزَهَدنا ، حَتّى كَأَنَّنا نَعائِنُ الآخِرَةَ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ وَنَحْنُ عِنْدَكَ ، فَإِذا خَرَجنا مِنْ عِنْدِكَ وَدَخَلنا هَذِهِ البُيُوتَ وَشَمَمنا الأَوْلادَ وَرَأينا العِيالَ وَالأَهْلَ ، يَكادُ أَنْ نُحَوَّلَ عَنِ الحالِ الَّتى كُنّا عَلَياها عِنْدَكَ ، وَحَتّى كَأَنَّنا لَمْ نَكُنْ عَلَى شىءٍ ، أفتَخافُ عَلَينا أَنْ يَكُونَ ذَلِكُمْ نِفاقاً؟ فَقَالَ لَهُمُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : كَلّا ، إِنَّ هَذِهِ حُطُواتُ الشَّيْطانِ فَيَرِغِبُكُمْ فى الدُّنيا ، وَاللَّهِ لَوْ تَدومُونَ عَلَى الحالِ الَّتى وَصِيفْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِها لَصافَحْتُمْ المَلَائِكَةَ وَمَشَيْتُمْ عَلَى المِاءِ . (٣)

- ١- سنن الترمذى : ج ٤ ص ٦٧٢ ح ٢٥٢٦ ، مسند ابن حنبل : ج ٣ ص ١٧١ ح ٨٠٤٩ ، الزهد لابن المبارك : ص ٣٨٠ ح ١٠٧٥ ، مسند الطيالسى : ص ٣٣٧ ح ٢٥٨٣ كلها نحوه وراجع صحيح ابن حبان : ج ٢ ص ٥٥ ح ٣٤٤ ومسند أبى يعلى : ج ٣ ص ٢٥٩ ح ٣٠٢٥ وص ٣٣٧ ح ٣٢٩١ وكنز العمال : ج ١ ص ٣٩٦ ح ١٦٩٨ وبحار الأنوار : ج ٦ ص ٤٢ ح ٧٨ .
- ٢- الوجل : الخوف (الصحاح : ج ٥ ص ١٨٤٠ «وجل»).
- ٣- الكافى : ج ٢ ص ٤٢٣ ح ١ ، تفسير العياشى : ج ١ ص ١٠٩ ح ٣٢٧ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢١٠ ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٤١ ح ٧٨ .

سنن الترمذی به نقل از ابو هریره: [ما اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله] گفتیم: ای پیامبر خدا! ما را چه می شود که وقتی نزد شما هستیم، دل هایمان نرم می شود، به دنیا بی رغبت می گردیم و آخرت گرا می شویم، و چون از نزد شما خارج می شویم و با زن و فرزندانمان دمخور می شویم، خودمان را از یاد می بریم؟ پیامبر خدا فرمود: «اگر به همان حالی که وقتی از نزد من خارج می شوید، باقی می ماندید، فرشتگان در خانه هایتان به دیدار شما می آمدند».

الکافی به نقل از سلام بن مُستنیر: حُمران بن اَعین به امام باقر علیه السلام گفت: خداوند، شما را برای ما پایدار بدارد و ما را از وجودتان بهره مند گرداند به اطلاع شما می رسانم که ما وقتی خدمت شما می رسیم، تا زمانی که نزد شما هستیم، دل هایمان نرم اند و جان هایمان از دنیا بیزاراند و به این مال و منالی که در دست مردم است بی اعتنا [بیم]؛ اما از نزد شما که می رویم و با مردم و تجّار و کسبه محشور می شویم، دنیادوست می گردیم! امام باقر علیه السلام فرمود: «دل است؛ گاه، سخت می شود و گاه، نرم». امام باقر علیه السلام سپس فرمود: «یاران محمّد صلی الله علیه و آله گفتند: ای پیامبر خدا! ما از نفاق، بر خود می ترسیم! فرمود: «چرا از آن می ترسید؟». گفتند: زمانی که نزد شما هستیم و شما ما را موعظه می کنید و به آخرت تشویق می نمایید، می ترسیم و دنیا را فراموش می کنیم و به آن بی رغبت می شویم، تا آن جا که گویا آخرت و بهشت و دوزخ را می بینیم؛ امّا همین که از خدمت شما می رویم و داخل این خانه ها می شویم و فرزندانمان را می بوییم و اهل و عیالمان را می بینیم، تقریباً از آن حالی که در نزد شما داشتیم، بر می گردیم، به طوری که گویی اصلاً چنان حالی نداشته ایم! آیا بیم آن دارید که این حالت ما، نفاق باشد؟ پیامبر خدا به آنان فرمود: «هرگز. اینها گام ها [و وسوسه ها]ی شیطان اند که شما را به دنیا تشویق می کند. به خدا سوگند، اگر به همان حالی که گفتید، باقی بمانید، فرشتگان با شما دست می دهند و بر آب راه می روید».

٣ / ١١ التَّكْرِيمُ بِالْوَحِيمِصَبَاحِ الزَّائِرِ عَنِ كِتَابِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سُفْيَانَ الْبَزَوْفَرِيِّ ، فِي دُعَاءِ التُّدْبِيهِ ، وَذَكَرَ أَنَّ الدُّعَاءَ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ ، الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ ، إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا اضْمِحْلَالَ ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّيِّيَّةِ وَزَبْرَجِهَا ، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ ، فَاقْبَلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ ، وَالْتِنَاءَ الْجَلِيَّ ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمُ مَلَائِكَتَكَ ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ ، وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ . (١)

١- مصباح الزائر : ص ٤٤٦ نقلاً عن كتاب محمد بن الحسين بن سنان البزوفري ، الإقبال : ج ١ ص ٥٠٤ ، بحار الأنوار : ج ١٠٢ ص ١٠٤ .

۳ / ۱۱ مفتخر شدن به وحی

۳ / ۱۱ مفتخر شدن به وحی مصباح الزائر به نقل از کتاب محمد بن حسین بن سفیان بزوفری، در دعای ندبه، و گفته است که این ، دعای صاحب الزمان علیه السلام است: بار خدایا! سپاس ، تو راست بر آنچه به قضای تو بر اولیای گذشت؛ همانان که آنان را برای خودت و دینت برگزیدی؛ چرا که نعمت های فراوانِ ماندگار و زوال ناپذیر و از بین نرفتنی را که نزد توست برای آنان انتخاب کردی، پس از آن که با آنان شرط کردی که از مقامات و زینت این دنیای پست ، چشم بپوشند، و آنان هم این شرط تو را پذیرفتند، و دانستی که به این شرط ، وفا می کنند. پس ، آنان را پذیرفتی و مقرب در گاه خویش نمودی و نامشان را بلند داشتی و آشکارا آنان را ستوده، فرشتگان را بر آنان فرو فرستادی، و به وحی خویش سرفرازشان نموده، از دانش خود عطایشان کردی.

٣ / ١٢ كَرَامَةُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْعَزْهُرُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ عَبْدٍ يَدْعُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمْ يَزَلْ عَزِيْزًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ،
يَخَافُهُ النَّاسُ مَا دَامَ فِي حَالِهِ . (١)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ سَلَ عَنْ مَوَاهِبِ الدُّنْيَا عَزَّ . (٢)

ب السَّعَادَةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَدْ أَفْلَحَ الْمُزْهَدُ الْمُجْهَدُ (٣) ثَلَاثًا ؛ الْمُزْهَدُ فِي العَيْشِ الْمُجْهَدُ فِي العِبَادَةِ . (٤)

الإمام علي عليه السلام: اعْرِزْ عَن دُنْيَاكَ ، تَسْعَدْ بِمُنْقَلَبِكَ وَتُصْلِحْ مَثْوَاكَ . (٥)

عنه عليه السلام: أَسْعَدُ النَّاسِ بِالدُّنْيَا التَّارِكُ لَهَا ، وَأَسْعَدُهُمْ بِالْآخِرَةِ العَامِلُ لَهَا . (٦)

عنه عليه السلام: أَعْظَمُ النَّاسِ سَعَادَةً أَكْثَرُهُمْ زَهَادَةً . (٧)

عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِنْ زَهَدْتُمْ خَلَصْتُمْ مِنْ شَقَاةِ الدُّنْيَا ، وَفُرْتُمْ بِدَارِ البَقَاءِ . (٨)

١- الفردوس: ج ٤ ص ٨ ح ٦٠٢٠ عن أبي هريره .

٢- غرر الحكم: ح ٩١٨٤ .

٣- جَهْدُ الرَّجُلِ فِي كَذَا: أَيْ جَدَّ فِيهِ وَبَالَغَ (لسان العرب: ج ٣ ص ١٣٣ «جهد»).

٤- مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٣٠٢ ح ٢٠٣٨٢ ، الدر المنثور: ج ٤ ص ٢٥٣ نقلًا عن عبد الله بن أحمد في زوائد الزهد وليس فيه ذيله .

٥- غرر الحكم: ح ٢٢٩٨ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٧٨ ح ١٨٨١ وفيه «أعزب» بدل «اعزف» .

٦- غرر الحكم: ح ٣٣١٠ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٢٥ ح ٢٨٣٩ .

٧- غرر الحكم: ح ٣١٠٠ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١١٢ ح ٢٤٤٨ .

٨- غرر الحكم: ح ٣٨٤٦ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٣ ح ٣٦٠٨ .

۳ / ۱۲ کرامت دنیا و آخرت

الف عزتمندی

ب نیک بختی

۳ / ۱۲ کرامت دنیا و آخرتالف عزتمندیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که دنیا را وا نهد ، مگر آن که پیوسته در دنیا و آخرت ، عزتمند است و تا زمانی که بر آن حال است ، هیبت او در دل مردم خواهد بود.

امام علی علیه السلام: هر که از مواهب دنیا چشم پوشد ، عزت می یابد.

ب نیک بختیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رستگار است بی اعتنای سختکوش: بی اعتنا به زندگی، و سختکوش در عبادت (سه بار).

امام علی علیه السلام: از دنیایت دل بر کن تا در بازگشتگاهت نیک بخت شوی و خانه ات (آخرت) را آباد کنی.

امام علی علیه السلام: بهره مندترین مردم از دنیا ، کسی است که آن را ترک گوید، و بهره مندترین مردم از آخرت ، کسی است که برای آن کار کند.

امام علی علیه السلام: نیک بخت ترین مردم ، زاهدترین آنهاست.

امام علی علیه السلام: به یقین اگر زهد بورزید ، از بدبختی های دنیا خلاص می شوید و به سرای جاودانگی دست می یابید.

عنه عليه السلام: إِنَّ الشُّعْدَاءَ بِالدُّنْيَا غَدَا هُمْ الْهَارِبُونَ مِنْهَا الْيَوْمَ . (١)

ج النَّجَاحُ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي الْعُزُوفِ عَنِ الدُّنْيَا دَرَكُ النَّجَاحِ . (٢)

عنه عليه السلام: زُهِدَكَ فِي الدُّنْيَا يُنَجِّيكَ . (٣)

الإمام الرضا عليه السلام: بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا أَرْجُو النَّجَاةَ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا . (٤)

د الرَّحْمَةُ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِزْهَدَ فِي الدُّنْيَا تَنْزِلَ عَلَيْكَ الرَّحْمَةُ . (٥)

ه الغنيمه للإمام علي عليه السلام: خَالَفَ الْهَوَى تَسَلَّمَ ، وَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا تَغَنَّمَ . (٦)

و كُؤُلُ دَرَجِهِ رَفِيعُهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَامَةُ الْوَرَعِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا ، فَمَنْ تَمَسَّكَ بِالْوَرَعِ وَالزُّهْدِ بَلَغَهُ كُلُّ دَرَجَةٍ رَفِيعَةٍ ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمَا لَقِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِي . (٧)

١- نهج البلاغه: الخطبه ٢٢٣، غرر الحكم: ح ٣٥٦٢، بحار الأنوار: ج ٧ ص ١١٥ ح ٥١.

٢- غرر الحكم: ح ٦٤٤٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥٤ ح ٥٩٩٣.

٣- غرر الحكم: ح ٥٤٧٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٧٦ ح ٥٠٣١.

٤- عيون أخبار الرضا: ج ٢ ص ١٣٩ ح ٣، علل الشرائع: ص ٢٣٧ ح ١، الأمل للصدوق: ص ١٢٥ ح ١١٥، روضه الواعظين: ص ٢٤٦ كلها عن أبي الصلت الهروي، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٣٦٢ عن أبي الصلت وياسر وغيرهما، بحار الأنوار: ج ٤٩ ص ١٢٩ ح ٣.

٥- غرر الحكم: ح ٢٢٧٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٣ ح ١٩٩٢.

٦- غرر الحكم: ح ٥٠٦١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٤١ ح ٤٥٩٩.

٧- الفردوس: ج ١ ص ٢٠٥ ح ٧٨٥ عن ابن مسعود.

ج کامیابی

د رحمت دیدن

ه غنیمت بردن:

و رسیدن به همه درجات بالا

امام علی علیه السلام: بهره مندترین افراد از دنیا در فردای قیامت، کسانی هستند که امروز از آن می‌گریزند.

ج کامیابی امام علی علیه السلام: کامیابی، در گرو دل بر کردن از دنیا است.

امام علی علیه السلام: دل بر کردن تو از دنیا، تو را نجات می‌دهد.

امام رضا علیه السلام: با زهد در دنیا است که به رهایی از شر دنیا امیدوارم.

د رحمت دیدن امام علی علیه السلام: در دنیا زاهد باش تا رحمت بر تو نازل شود.

ه غنیمت بردن: امام علی علیه السلام: با هوای نفس، مخالفت کن تا به سلامت بمانی، و از دنیا روی گردان تا غنیمت (۱) ببری.

و رسیدن به همه درجات بالا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نشانه پارسایی، زهد در دنیا است. پس، هر که به پارسایی و زهد چنگ در زند، این دو او را به هر درجه بالایی می‌رسانند، و هر که از این دو، دست کشد، روز قیامت مرا بر غیر آیین من دیدار می‌کند.

۱- غنیمت در لغت، به معنای سود و درآمد است. در اصطلاح، به مالی گفته می‌شود که از سرزمین دشمن به دست می‌آید (غریب الحدیث، ابن قتیبه: «غنم»، مجمع البحرین: «غنم»).

ز الْجَنَّةِ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نَاجِيَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَانَ فِيهَا نَاجِئًا أَنْ قَالَ : يَا مُوسَى . . . أَمَا الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا ، فَإِنِّي أَمْنَحُهُمْ جَنَّتِي يَتَّبِعُونَ مِنِّي حَيْثُ شَاءُوا . (١)

الإمام علي عليه السلام : مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا ، قَرَّتْ عَيْنُهُ بِجَنَّةِ الْمَأْوَى . (٢)

عنه عليه السلام : أَعْرِضْ عَنِ الدُّنْيَا ، تَسْكُنْ جَنَّةَ الْمَأْوَى . (٣)

عنه عليه السلام : مَنْ لَمْ يَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا ، لَمْ يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ فِي جَنَّةِ الْمَأْوَى . (٤)

عنه عليه السلام : مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا ، قَرَّتْ عَيْنُهُ بِمَا يَرَى مِنْ ثَوَابِ اللَّهِ . (٥)

الإمام الباقر عليه السلام : كَانَ فِيهَا نَاجِيَ بِهِ اللَّهُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الطُّورِ : أَنْ يَا مُوسَى . . . أَمَا الْمُتَّقِرُّونَ إِلَيَّ بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا ، فَإِنِّي أَمْنَحُهُمْ الْجَنَّةَ بِحَدَافِيرِهَا يَتَّبِعُونَ مِنِّي حَيْثُ يَشَاءُونَ . (٦)

الإمام الصادق عليه السلام فِي وَصِيَّتِهِ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ : يَا بَنَ جُنْدَبِ ، إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تُجَاوِرَ الْجَلِيلَ فِي دَارِهِ ، وَتَسْكُنَ الْفِرْدَوْسَ فِي جَوَارِهِ ، فَلْتَهْنِ عَلَيْكَ الدُّنْيَا ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ نُصَبَ عَيْنِكَ ، وَلَا تَدْخِرْ شَيْئًا لِعَدِّ ، وَاعْلَمْ أَنَّ لَكَ مَا قَدَّمْتَ وَعَلَيْكَ مَا أَخَّرْتَ .

(٧)

١- شعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٤٥ ح ١٠٥٢٧ عن ابن عباس ، كثر العمال : ج ٣ ص ٧٢٣ ح ٨٥٧٨ .

٢- غرر الحكم : ح ٩٠٧٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٢٥ ح ٧٢٠٦ .

٣- غرر الحكم : ح ٥٨٣٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٠١ ح ٥٣٤٥ .

٤- غرر الحكم : ح ٩٠٩٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٦٥ ح ٨٤٦٩ .

٥- الأمالي للمفيد : ص ١١٩ ح ٣ عن الحسن بن أبي الحسن البصري ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٤٢٢ ح ٤١ .

٦- ثواب الأعمال : ص ٢٠٥ ح ١ عن الوصافي ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٣٤٩ ح ٣٧ .

٧- تحف العقول : ص ٣٠٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢٨٢ ح ١ .

ز اقامت در بهشت

ز اقامت در بهشت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تبارک و تعالی با موسی علیه السلام به نجوا پرداخت و از جمله نجواهایش این بود که گفت: «ای موسی!... من بهشت خویش را تقدیم زاهدان در دنیا می کنم و در هر کجای آن که می خواهند، ساکن شوند».

امام علی علیه السلام: هر که چشم از دنیا بپوشد، چشمش به بهشت برین روشن می گردد.

امام علی علیه السلام: از دنیا روی بگردان تا در بهشت برین ساکن شوی.

امام علی علیه السلام: هر که دل از دنیا بر نکند، او را در بهشت برین سهمی نیست.

امام علی علیه السلام: هر که در دنیا زهد بورزد، دیده اش به پاداش خداوند روشن می گردد.

امام باقر علیه السلام: از نجوای خداوند با موسی علیه السلام بر فراز کوه طور، این بود که: «ای موسی!... به آنان که با زهدورزی در دنیا خود را مقرب من می سازند، همه بهشت را عطا می کنم و در هر کجای آن که بخواهند، جای می گیرند».

امام صادق علیه السلام در توصیه هایش به عبد الله بن جندب: ای پسر جندب! اگر دوست داری که همجواری خداوند باشکوه در سرایش گردی، و در بهشت در همسایگی او ساکن شوی، باید دنیا در نظرت خوار باشد، و [نیز] مرگ را در برابر چشمت قرار بده، و چیزی برای فردایت پس انداز مکن، و بدان که آنچه را [برای قیامت] پیش بفرستی، همان از آن توست و آنچه بر جای بگذاری، به زیان توست.

الفصل الرابع : مبادئ الزهد ٤ / ١ العقرسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ الْعَقْلَ مِنْ نُورٍ مَخْزُونٍ مَكْنُونٍ (١) فِي سَابِقِ عِلْمِهِ الَّذِي لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ نَبِيُّ مُرْسَلٌ وَلَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ ، فَجَعَلَ الْعِلْمَ نَفْسَهُ ، وَالْفَهْمَ رُوحَهُ ، وَالزُّهْدَ رَأْسَهُ ... (٢)

الإمام علي عليه السلام : ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مَقْتُ الدُّنْيَا ، وَقَمْعُ الْهَوَى . (٣)

عنه عليه السلام : الْعَاقِلُ مَنْ يَزْهَدُ فِيمَا يَرْغَبُ فِيهِ الْجَاهِلُ . (٤)

عنه عليه السلام : الْعَاقِلُ مَنْ زَهَدَ فِي دُنْيَا فَاثِيهِ دَيْتِيهِ ، وَرَغِبَ فِي جَنَّةِ سَيِّئِهِ خَالِدَهُ عَالِيَهُ . (٥)

١- مَكْنُونٌ : أَي مَسْتَوْر (تاج العروس : ج ١٨ ص ٤٨٥ «كنن»).

٢- معانى الأخبار : ص ٣١٣ ح ١ عن أبى زيد عباس بن يزيد بن الحسين الكخال عن أبيه عن الإمام الكاظم عن آباءه عليهم السلام ، الخصال : ص ٤٢٧ ح ٤ عن يزيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عن آباءه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظين : ص ٧ وفيه «وجهه» بدل «روحه» ، بحار الأنوار : ج ١ ص ١٠٧ ح ٣ .

٣- غرر الحكم : ح ٤٦٥٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٠٨ ح ٤١٥٧ .

٤- غرر الحكم : ح ١٥٢٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٨ ح ١٢٢٦ .

٥- غرر الحكم : ح ١٨٦٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٦ ح ١٤٣٥ .

فصل چهارم : زمینه های زهد

۴ / ۱ خرد

فصل چهارم: زمینه های زهد ۴ / ۱ خرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند تبارک و تعالی خرد را از نوری آفریده که در دانش پیشینش اندوخته و نهفته بود و هیچ پیامبر مُرسل و فرشته مقربّی ، از آن مطلع نبود. آن گاه ، دانش را نفس آن ، فهم را روحش ، و زهد را سرش... قرار داد.

امام علی علیه السلام : میوه خرد ، بیزاری از دنیا و مهار کردن هوس است .

امام علی علیه السلام : خردمند ، کسی است که به آنچه نادان رغبت دارد، بی رغبت است .

امام علی علیه السلام : خردمند ، کسی است که از دنیای فناپذیر پست ، چشم پوشد و بهشت برین جاوید و بلندمرتبه را بخواهد.

عنه عليه السلام: مَنْ سَخَتْ نَفْسُهُ عَنِ مَوَاهِبِ الدُّنْيَا ، فَقَدِ اسْتَكْمَلَ الْعَقْلَ . (١)

عنه عليه السلام: كُنْ زَاهِدًا فِيمَا يَرَعَبُ فِيهِ الْجَهْلُ . (٢)

الإمام الكاظم عليه السلام لهشام بن الحكم: يَا هِشَامُ ، إِنَّ الْعَاقِلَ نَظَرَ إِلَى الدُّنْيَا وَإِلَى أَهْلِهَا فَعَلِمَ أَنَّهَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالْمَشَقَّةِ ، وَنَظَرَ إِلَى الْآخِرَةِ فَعَلِمَ أَنَّهَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالْمَشَقَّةِ ، فَطَلَبَ بِالْمَشَقَّةِ أَبْقَاهُمَا . يَا هِشَامُ ، إِنَّ الْعُقَلَاءَ زَهَدُوا فِي الدُّنْيَا وَرَغَبُوا فِي الْآخِرَةِ ؛ لِأَنَّهُمْ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا طَالِبَةٌ مَطْلُوبَةٌ ، وَالْآخِرَةُ طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ ، فَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ مِنْهَا رِزْقَهُ ، وَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ الْآخِرَةُ فَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ فَيُفْسِدُ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَآخِرَتَهُ . (٣)

راجع: ص ٦ (مبادئ حب الدنيا / الجهل ، الحمق) .

٤ / ٢ مَعْرِفَةُ اللَّهِ الْكَافِي عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي فَضْلِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ مَا مَدُّوا أَعْيُنَهُمْ إِلَى مَا مَنَعَ اللَّهُ بِهِ الْأَعْدَاءَ مِنْ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَنَعِيمِهَا ، وَكَانَتْ دُنْيَاهُمْ أَقْلَ عِنْدَهُمْ مِمَّا يَطْوُونَهُ بِأَرْجُلِهِمْ ، وَلَنَعَمُوا بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ حَيْلًا وَعِزًّا وَتَلَمَّذُوا بِهَا تَلَمُّذًا مَنْ لَمْ يَزَلْ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَانِ مَعَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ . إِنَّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ أَنْسَ مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ ، وَصَاحِبٌ مِنْ كُلِّ وَحْدَةٍ ، وَنُورٌ مِنْ كُلِّ ظُلْمَةٍ ، وَقُوَّةٌ مِنْ كُلِّ ضَعْفٍ ، وَشِفَاءٌ مِنْ كُلِّ سَيْقَمٍ . ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَقَدْ كَانَ قَبْلَكُمْ قَوْمٌ يُقْتَلُونَ وَيُحْرَقُونَ وَيُنَشَّرُونَ بِالْمَنَاشِيرِ وَتَضَيَّقَ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا ، فَمَا يَرُدُّهُمْ عَمَّا هُمْ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِمَّا هُمْ فِيهِ ، مِنْ غَيْرِ تَرَهُ وَتَرُوا (٤) مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِمْ وَلَا أَدَّى ، بَلْ مَا نَعَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (٥) ، فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ دَرَجَاتِهِمْ ، وَاصْبِرُوا عَلَى نَوَائِبِ دَهْرِكُمْ ؛ تَدْرِكُوا سَعِيَهُمْ . (٦)

١- غرر الحكم: ح ٨٩٠٤ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٣٤ ح ٧٤٩٠ .

٢- غرر الحكم: ح ٧١٤٤ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٩٣ ح ٦٦٥٧ وفيه «الجاهل» .

٣- الكافي: ج ١ ص ١٨ ح ١٢ عن هشام بن الحكم وراجع تحف العقول: ص ٣٨٧ وبحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٠١ ح ١ .

٤- الوتر: الجنايه التي يجنيها الرجل على غيره من قتل أو سبي (النهايه: ج ٥ ص ١٤٨ «وتر»).

٥- إشاره إلى الآيه ٨ من سوره البروج .

٦- الكافي: ج ٨ ص ٢٤٧ ح ٣٤٧ .

امام علی علیه السلام: کسی که از مواهب دنیا سخاوتمندانه می گذرد، خرد را به کمال رسانیده است.

امام علی علیه السلام: به آنچه نادان رغبت دارد، تو بی رغبت باش.

امام کاظم علیه السلام به هشام بن حکم: ای هشام! خردمند ، درباره دنیا و اهل آن اندیشید و دریافت که دنیا جز با رنج به دست نمی آید، و در باره آخرت نیز اندیشید و دریافت که به آن نیز جز با رنج نمی توان رسید. پس با قبول رنج ، در طلب پابنده تر از آن دو بر آمد. ای هشام! خردمندان ، از دنیا دل بر کنند و به آخرت ، دل بستند؛ زیرا دریافتند که دنیا خواهان است و خواسته شده و آخرت نیز خواهان است و خواسته شده ، و کسی که آخرت را بطلبد ، دنیا در طلب او بر می آید تا او روزی اش را به طور کامل از دنیا بر گیرد، و کسی که دنیا را طلب کند ، آخرت در طلب او بر می آید. و مرگش در می رسد و دنیا و آخرتش را بر او تباه می گرداند.

ر . ک : ص ۷ (ریشه های دنیا دوستی / نادانی ، کم خردی).

۴ / ۲ شناخت خدا الکافی به نقل از جمیل بن ذرّاج: امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر مردم بدانند که شناخت خداوند چه ارزشی دارد ، هرگز به زرق و برق و ناز و نعمت زندگی دنیا که خداوند ، دشمنان را از آنها برخوردار ساخته است چشم نمی داشتند، و دنیایشان در نظرشان بی ارزش تر از خاک زیر پایشان می بود، و از نعمت شناخت خداوند برخوردار می شدند و از آن ، چنان لذت می بردند که شخص از بودن در باغ های بهشت به همراه اولیای خدا لذت می برد. شناخت خداوند ، زداینده هر دلت نگی ، و یار هر تنهایی، و روشنایی بخش هر تاریکی، و نیرو دهنده هر ضعفی، و شفای هر دردی است». سپس فرمود: «پیش از شما مردمانی بودند که کشته و سوزانده و اژه می شدند و زمین ، با همه فراخی اش ، بر آنان تنگ می شد؛ اما هیچ یک از این کارها آنان را از راه و عقیده شان باز نمی داشت . آن مردمان ، نه جنایتی کرده بودند که چنان از آنها انتقام گرفته شود و نه آزاری رسانده بودند؛ بلکه تنها به این سبب از آنان انتقام گرفتند که به خداوند شکست ناپذیر ستوده ، ایمان آورده بودند. پس، از پروردگارتان [برای خود ،] درجات آنان را مسئلت کنید و در برابر بلاهای روزگارتان ، شکیبایی ورزید تا به مقام آنان دست یابید».

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ أَخْوَفُهُمْ مِنْهُ ، وَأَخْشَاهُمْ لَهُ (١) ، وَأَزْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا . (٢)

عنه عليه السلام: إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ أَخْوَفُهُمْ لِلَّهِ ، وَأَخْوَفُهُمْ لَهُ أَعْلَمُهُمْ بِهِ ، وَأَعْلَمُهُمْ بِهِ أَزْهَدُهُمْ فِيهَا . (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ خَافَ اللَّهَ ، وَمَنْ خَافَ اللَّهَ سَخَتْ نَفْسُهُ (٤) عَنِ الدُّنْيَا . (٥)

١- الفرق بين الخوف والخشية : الخشية : خوف يشوبه تعظيم ، وأكثر ما يكون ذلك عن علم بما يخشى منه ، ولذلك خصّ العلماء بها . الخوف : توقّع مكروه عن أماره مظنونه أو معلومه ، ويضادّ الخوف الأمن (مفردات ألفاظ القرآن : ص ٢٨٣ «خشى» و ص ٣٠٣ «خوف»).

٢- إرشاد القلوب : ص ١٠٦ .

٣- تفسير القمّي : ج ٢ ص ١٤٦ عن حفص بن غياث ، بحار الأنوار : ج ٢ ص ٢٧ ح ٥ .

٤- سَخِيتَ نَفْسِي عَنِ الشَّيْءِ : إِذَا تَرَكْتَهُ (الصحاح : ج ٦ ص ٢٣٧٣ «سَخَا»).

٥- الكافي : ج ٢ ص ٦٨ ح ٤ عن أبي حمزه ، تحف العقول : ص ٣٦٢ ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : ص ٣٨١ ، مشكاة الأنوار : ص ٢١١ ح ٥٧٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣٥٧ ح ٣ .

امام صادق علیه السلام: داناترین مردم به خدا، با خوف و خشیت (۱) ترین مردم از او و بی رغبت ترین آنان به دنیا است.

امام صادق علیه السلام: خداشناس ترین مردم، خدا ترس ترین آنهاست، و خدا ترس ترین مردم، خداشناس ترین آنهاست، و خداشناس ترین مردم، زاهدترین آنان در دنیا است.

امام صادق علیه السلام: هر که خدا را شناخت، از خدا ترسید و هر که از خدا ترسید، دل از دنیا بر کند.

۱- فرق میان خوف و خشیت، این است که: خشیت، ترس آمیخته با تعظیم و بیشتر ناشی از شناخت است.

٣ / ٤ معرفه الدنيا الكتاب «اعلموا انما الحيوه الدنيا لعب و لهو و زينه و تفاخر بينكم و تكاثر في الاءمول و الاءولمد كمثل غيث اعجب الكفار بباته ثم يهيج فتراه مضيعرا ثم يكون حطما و في الآخره عذاب شديد و مغفره من الله و رضون و ما الحيوه الدنيا إلا منع العرور». (١)

الحديثالمستدرک على الصحیحین عن ابن مسعود: تلا رسول الله صلى الله عليه و آله: «فمن یرد الله أن یهدیه یشرخ صیدره للإسالم» (٢)، فقال رسول الله صلى الله عليه و آله: إن النور إذا دخل الصدر انفسح، فقيل: يا رسول الله، هل لذلك من علم یعرف؟ قال: نعم، التجافی (٣) عن دار العرور، والإنابہ (٤) إلى دار الخلود، والاستعداد للموت قبل نزوله. (٥)

رسول الله صلى الله عليه و آله: لو تعلمون من الدنيا ما أعلم لاستراحت أنفسكم منها. (٦)

الإمام علی عليه السلام: یتبغی لمن علم سرعه زوال الدنيا أن یزهد فیها. (٧)

١- الحدید : ٢٠ .

٢- الأنعام : ١٢٥ .

٣- التجافی : هو من الجفاء ؛ البعد عن الشیء (النهایه : ج ١ ص ٢٨٠ «جفا»).

٤- الإنابہ : الرجوع (المصباح المنیر : ص ٦٢٩ «ناب»).

٥- المستدرک على الصحیحین : ج ٤ ص ٣٤٦ ح ٧٨٦٣ ، كنز العمال : ج ١ ص ٧٦ ح ٣٠٢ .

٦- شعب الإيمان : ج ٧ ص ٢٨٦ ح ١٠٣٣٠ عن عروه بن الزبیر ، المستدرک على الصحیحین : ج ٣ ص ٧٢٨ ح ٦٦٤٠ عن الزبیر ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٤ ح ٦١٣٠ .

٧- غرر الحکم : ح ١٠٩٣٣ ، عیون الحکم والمواعظ : ص ٥٤٩ ح ١٠١٣٠ .

۴ / ۳ شناخت دنیا

۴ / ۳ شناخت دنیا قرآن «بدانید که زندگی دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی میان شما و فزون جویی در اموال و فرزندان نیست. [مَثَل آنها] چون مَثَل بارانی است که رُستنی آن ، کشاورزان را به شگفتی می اندازد . سپس [آن رُستنی] ، خشک می شود و آن را زرد می بینی ، آن گاه خاشاک می شود . و در آخرت ، [دنیاپرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگی دنیا جز کالای فریبنده نیست» .

حدیثالمستدرک علی الصحیحین به نقل از ابن مسعود : پیامبر خدا این آیه را تلاوت فرمود : «خداوند ، هر کس را که بخواهد هدایت کند ، سینه او را برای اسلام می گشاید» . سپس فرمود: «نور ، هر گاه به سینه در آید ، سینه گشاده می گردد». گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا علامتی برای شناخت این امر ، وجود دارد؟ فرمود: «آری؛ دوری گزیدن از سرای فریب و باطل، روی آوردن به سرای جاودانگی، و آماده شدن برای مرگ پیش از فرا رسیدن آن».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر آنچه را من از دنیا می دانم ، شما می دانستید، جان هایتان از [هم و غم های] آن می آسود.

امام علی علیه السلام : کسی که می داند دنیا با چه سرعتی زوال می یابد ، سزاوار است که به آن ، زهد بورزد.

عنه عليه السلام : كَوْنُوا مِمَّنْ عَرَفَ فَنَاءَ الدُّنْيَا فَرَّهَدَ فِيهَا ، وَعَلِمَ بَقَاءَ الْآخِرَةِ فَعَمِلَ لَهَا . (١)

عنه عليه السلام : يَسِيرُ الْمَعْرِفَةِ يُوَجِبُ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا . (٢)

عنه عليه السلام : تَمَرُّهُ الْمَعْرِفَةُ الْعُرُوفُ عَنِ دَارِ الْفَنَاءِ . (٣)

عنه عليه السلام : مَنْ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ ، انصَرَفَتْ عَنِ الْعَالَمِ الْفَانِي نَفْسُهُ وَهَمَّتُهُ . (٤)

عنه عليه السلام : مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا تَرَهَّدَ . (٥)

عنه عليه السلام : مَنْ عَرَفَ خِدَاعَ الدُّنْيَا لَمْ يَغْتَرَّ مِنْهَا بِمُحَالَاتِ الْأَحْلَامِ . (٦)

عنه عليه السلام : أَحَقُّ النَّاسِ بِالزُّهَادَةِ مَنْ عَرَفَ نَقْصَ الدُّنْيَا . (٧)

عنه عليه السلام : يَتَّبِعِي لِمَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا أَنْ يَزْهَدَ فِيهَا وَيَعْرِفَ عَنْهَا . (٨)

عنه عليه السلام : مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا لَمْ يَحْزَنْ عَلَى مَا أَصَابَهُ . (٩)

عنه عليه السلام : الْعَالِمُ هُوَ الْهَارِبُ مِنَ الدُّنْيَا لِأَنَّ الرَّاغِبَ فِيهَا ؛ لِأَنَّ عِلْمَهُ دَلَّ عَلَى أَنَّهُ سَمٌّ قَاتِلٌ فَحَمَلَهُ عَنِ الْهَرَبِ مِنَ الْهَلَكَةِ ، فَإِذَا التَّقَمَّ السَّمَّ عَرَفَ النَّاسُ أَنَّهُ كَاذِبٌ فِيمَا يَقُولُ . (١٠)

١- غرر الحكم : ح ٧١٩١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٩٦ ح ٦٦٩١ .

٢- غرر الحكم : ح ١٠٩٨٤ .

٣- غرر الحكم : ح ٤٦٥١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٠٨ ح ٤١٥٦ نحوه .

٤- غرر الحكم : ح ٩١٤٢ .

٥- غرر الحكم : ح ٧٨٣١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٢ ح ٨١٠٣ .

٦- غرر الحكم : ح ٨٩٣٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٦٣ ح ٨٤٢٥ .

٧- غرر الحكم : ح ٣٢٠٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٢٢ ح ٢٧٧٤ وفيه «أعرف» بدل «أحق» .

٨- غرر الحكم : ح ١٠٩٢٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٥٥ ح ١٠٢٢٨ .

٩- غرر الحكم : ح ٨٩٣٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٣٥ ح ٧٥١٦ .

١٠- إرشاد القلوب : ص ١٥ .

امام علی علیه السلام: از کسانی باشید که فناپذیری دنیا را شناختند و از این رو به آن بی رغبت شدند، و ماندگاری آخرت را دانستند، پس برای آن کار کردند.

امام علی علیه السلام: اندکی شناخت، موجب زهدورزی در دنیا می شود.

امام علی علیه السلام: ثمره شناخت، روی گردانی از سرای نیستی است.

امام علی علیه السلام: هر که شناختش درست باشد، جان و خواستش از دنیای فانی، روی گردان می شوند.

امام علی علیه السلام: هر که دنیا را شناخت، زاهد شد.

امام علی علیه السلام: کسی که فریبکاری دنیا را بشناسد، فریب رؤیاهای پوچ آن را نمی خورد.

امام علی علیه السلام: سزاوارترین مردم به زهدورزی، کسی است که نقص دنیا را بشناسد.

امام علی علیه السلام: سزاوار است کسی که دنیا را شناخته است، نسبت به آن، زهد بورزد و از آن، دوری گزیند.

امام علی علیه السلام: کسی که دنیا را بشناسد، از رنج هایی که به او می رسد، اندوهگین نمی شود.

امام علی علیه السلام: دانا کسی است که از دنیا بگریزد، نه آن که به دنیا بگراید؛ زیرا دانایی [و شناخت] او رهنمونش می سازد که دنیا زهری کشنده است و همین، او را به گریختن از مهلکه وا می دارد. پس، اگر زهر را بخورد، مردم می فهمند که او در آنچه می گوید، صادق نیست.

عنه عليه السلام: إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا إِذَا نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا ، وَاشْتَعَلُوا بِأَجْلِهَا إِذَا اشْتَعَلَ النَّاسُ بِعَاجِلِهَا ، فَأَمَاتُوا مِنْهَا مَا خَشُوا أَنْ يُمِيتَهُمْ ، وَتَرَكَوا مِنْهَا مَا عَلِمُوا أَنَّهُ سَيَتَرَكُهُمْ ، وَرَأَوْا اسْتِكْثَارَ غَيْرِهِمْ مِنْهَا اسْتِقْلَالًا ، وَدَرَكَهُمْ لَهَا فَوْتًا ، أَعْدَاءُ مَا سَأَلَمَ النَّاسُ ، وَسَلِمَ مَا عَادَى النَّاسُ ، بِهِمْ عَلِمَ الْكِتَابُ وَبِهِ عَلِمُوا ، وَبِهِمْ قَامَ الْكِتَابُ وَبِهِ قَامُوا ، لَا يَرُونَ مَرْجُوًّا فَوْقَ مَا يَرَجُونَ ، وَلَا مَخُوفًا فَوْقَ مَا يَخَافُونَ . (١)

أعلام الدين عن أنس: قالوا: يا رسول الله، من أولياء الله الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون؟ فقال: الذين نظروا إلى باطن الدنيا حين نظر الناس إلى ظاهرها، فاهتموا بأجلها حين اهتم الناس بعاجلها، فأماتوا منها ما خشوا أن يميتهم، وتركوا منها ما علموا أن سيتركهم، فما عرض لهم منها عرض إلا رفضوه، ولا خادعهم من رفعتها خادع إلا وضعوه. خلقت الدنيا عندهم فما وجدونها، وخربت بينهم فما يعمرونها، وماتت في صدورهم فما يحيونها، بل يهدمونها فينون بها آخرتهم، ويبيعونها فيشترون بها ما يبقى لهم. نظروا إلى أهلها صرعى قد حلت بهم المثلاث، فما يرون أمانا دون ما يرجون، ولا خوفًا دون ما يجدون. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: في مناجاه موسى عليه السلام: ... يا موسى، إن عبادي الصالحين زهدوا في الدنيا بقدر علمهم، وسائر الخلق رغبوا فيها بقدر جهلهم، وما من أحد عظمها فقرت عيناه فيها، ولم يحقرها أحد إلا انتفع بها. (٣)

- ١- نهج البلاغه: الحكمة ٤٣٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٦٠ ح ٣٤٣٦، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣١٩ ح ٣٦.
- ٢- أعلام الدين: ص ٣٣٨، الأمل للمفيد: ص ٨٦ ح ٢ عن ابن عباس عن الإمام علي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨١ ح ١٠؛ الزهد لابن حنبل: ص ٧٨، حليه الأولياء: ج ١ ص ١٠، الأولياء لابن أبي الدنيا: ص ٤٠، ح ١٨، تاريخ دمشق: ج ٤٧، ص ٤٦٦ كلها عن وهب بن مئبته عن عيسى عليه السلام نحوه.
- ٣- الكافي: ج ٢ ص ٣١٧ ح ٩، ثواب الأعمال: ص ٢٦٣ ح ١، الأمل للصدوق: ص ٧٦٥ ح ١٠٢٨، تفسير القمي: ج ١ ص ٢٤٣ كلها عن حفص بن غياث، مشكاة الأنوار: ص ٤٧٠ ح ١٥٧٥، روضه الواعظين: ص ٤٩٠ كلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٢١ ح ١٠.

امام علی علیه السلام: اولیای خدا کسانی هستند که به باطن دنیا نگریستند، آن گاه که مردم ظاهر آن را دیدند، و به آینده دنیا پرداختند، آن گاه که مردم به اکنون آن سرگرم شدند. از این رو، از دنیا آنچه را که ترسیدند آنان را بمیراند، میراندند، و آنچه را که دانستند به زودی ترکشان خواهد کرد، ترک گفتند، و آنچه را دیگران بسیار [و ارزشمند] شمردند، اندک [و بی ارزش] شمردند، و دستیابی شان به دنیا را از دست دادن [آخرت] دانستند. با آنچه مردم آشتی کردند، دشمنی ورزیدند، و با آنچه مردم دشمنی کردند، آشتی نمودند. قرآن، به واسطه آنان دانسته شده است و آنان، به قرآن دانایند. قرآن به وسیله آنان بریاست و آنان به قرآن برپایند. بالاتر از آنچه بدان امید دارند، چیزی را شایسته امیدواری نمی بینند، و بالاتر از آنچه از آن می ترسند، چیزی را سزاوار ترس نمی دانند.

أعلام الدین به نقل از انس: گفتند: ای پیامبر خدا! آن اولیای خدا که هیچ بیم و اندوهی به آنان راه ندارد، (۱) چه کسانی هستند؟ فرمود: «کسانی که وقتی مردم ظاهر دنیا را دیدند، آنها باطنش را دیدند. از این رو، وقتی مردم به اکنون دنیا اهتمام ورزیدند، آنها به آینده اش اهتمام نمودند. پس، از دنیا آنچه را که ترسیدند آنان را بمیراند، میراندند، و آنچه را که دانستند به زودی ترکشان خواهد کرد، ترک گفتند. در نتیجه، هیچ چیز دنیا خود را به آنان عرضه نکرد، مگر این که دست رد به سینه آن زدند، و هیچ رفعتی از دنیا در صدد فریب آنان بر نیامد، مگر این که آن را پست شمردند. دنیا در نزد آنان کهنه شده است و آن را نو نمی کنند، و در میانشان خراب گشته است و آبادش نمی کنند، و در سینه هایشان مرده است و زنده اش نمی کنند؛ بلکه ویرانش می کنند و با آن، آخرتشان را می سازند، و آن را می فروشند و با آن، چیزی می خرند که برایشان می ماند. اهل دنیا را دیدند که بر خاک در افتاده اند و انواع کیفرها [ای الهی] را چشیده اند. از این رو، امتیث را جز در آنچه امید بدان دارند (بهشت)، و ترس را جز در آنچه می یابند (دوزخ)، نمی بینند».

امام صادق علیه السلام: در مناجات [خدا با] موسی علیه السلام است که: «ای موسی! بندگان نیک من، به اندازه دانششان (معرفتشان) به دنیا زهد ورزیدند، و دیگر مردمان، به اندازه نادانی شان به آن راغب گشتند. و هیچ کس نیست که دنیا را بزرگ شمارد و چشمش در آن، روشن گردد؛ و هیچ کس [نیست که] آن را خرد نشمرد، مگر این که بدان بهره مند می شود».

الإمام الكاظم عليه السلام عند قبر: إِنَّ شَيْئًا هَذَا آخِرُهُ لَحَقِيقٌ (١) أَنْ يُزْهَدَ فِي أَوَّلِهِ ، وَإِنَّ شَيْئًا هَذَا أَوَّلُهُ لَحَقِيقٌ أَنْ يُخَافَ آخِرُهُ .
(٢)

الإمام زين العابدين عليه السلام: وفيدون ما عاينت من فجعاتها إلى رفضها داع وبالزهد أمر فجد ولا تغفل فعيشك زائل وأنت إلى دار المتيه صائر ولا تطلب الدنيا فإن طلابها وإن نلت منها غيبه (٣) لك ضائر (٤)

راجع: ص ١٦٢ (ما الدنيا وما عسى أن تكون).

٤ / ٤ معرفه الآخره للإمام على عليه السلام: كيف يزهد في الدنيا من لا يعرف قدر الآخره! (٥)

عنه عليه السلام في صفه الجنه: فلو رميت ببصر قلبك نحو ما يوصف لك منها، لعرفت نفسك عن بدائع ما أخرج إلى الدنيا من شهواتها ولذاتها وزخارف مناظرها. (٦)

١- فلان حقيق بكذا: أى خليق (المصباح المنير: ص ١٤٤ «حقيق»).

٢- معانى الأخبار: ص ٣٤٣ ح ١ عن حفص بن غياث النخعي، تحف العقول: ص ٤٠٨، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٣ ح ٩١.

٣- غيب كل شىء: عاقبه (الصحاح: ج ١ ص ١٩٠ «غيب»).

٤- البلد الأمين: ص ٣٢١ عن الزهرى، روضه الواعظين: ص ٤٩٦، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٥٩ ح ١٩؛ تاريخ دمشق: ج ٤١ ص ٤٠٥ عن الزهرى.

٥- غرر الحكم: ح ٦٩٨٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٨٤ ح ٦٤٨٩.

٦- نهج البلاغه: الخطبه ١٦٥، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٦٨، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٦٢ ح ١٠٤.

۴ / ۴ شناخت آخرت

امام کاظم علیه السلام بر سر گوری: چیزی (دنیا) که انجامش این است، به راستی، سزاوار است که از همان آغاز، بدان زهد ورزیده شود، و چیزی (آخرت) که آغازش این است، هر آینه سزاوار است که از انجام آن، ترسیده شود.

امام زین العابدین علیه السلام: در کمترین ناملایمات دنیا که دیده ای / دعوتگری است به طرد آن، و دستور دهنده ای است به ترک آن پس، بکوش و غافل مشو؛ زیرا زندگی تو، به سر آمدنی است / و تو به سرای مرگ، ره سپاری و دنیا را مَطْلَب، که طلبیدن دنیا / اگر چه به چیزی از آن برسی، عاقبت برایت زیانبار است.

ر. ک: ۱۶۳ (دنیا چیست و چه می تواند باشد؟).

۴ / ۴ شناخت آخرت امام علی علیه السلام: کسی که قدر آخرت را نمی شناسد، چگونه در دنیا زهد بورزد؟!

امام علی علیه السلام در وصف بهشت: اگر با چشم دلت به آنچه از بهشت برایت وصف می شود، نظر افکنی، بی گمان جان تو از خواهش ها و خوشی های دل انگیز دنیا و منظره های فریبای آن، دوری خواهد کرد.

عنه عليه السلام: أصلُ الزُّهْدِ حُسْنُ الرَّغْبَةِ فيما عِنْدَ اللَّهِ . (١)

٤ / ٥ اليقين بالإمام علي عليه السلام: الزُّهْدُ ثَمَرَةُ اليقين . (٢)

عنه عليه السلام: زُهدُ المرءِ فيما يَفنى عَلَى قَدْرِ يَقينِهِ بما يَبقى . (٣)

عنه عليه السلام: اليقينُ أَفْضَلُ الزَّهَادَةِ . (٤)

عنه عليه السلام: أصلُ الزُّهْدِ اليقينُ ، وَثَمَرَتُهُ السَّعَادَةُ . (٥)

عنه عليه السلام: يُسْتَدَلُّ عَلَى اليقينِ بِقَصْرِ الأَمَلِ ، وإِخْلَاصِ العَمَلِ ، وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا . (٦)

٤ / ٦ الدِّينُ بالإمام علي عليه السلام: الزُّهْدُ ثَمَرَةُ الدِّينِ . (٧)

١- غرر الحكم : ح ٣٠٨٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٢١ ح ٢٧٣٩ .

٢- غرر الحكم : ح ٤٥٩ وح ٤٦٠١ نحوه ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٦ ح ٢٩٨ .

٣- غرر الحكم : ح ٥٤٨٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٧٧ ح ٥٠٤٠ .

٤- غرر الحكم : ح ٣٩١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٨ ح ٨٣٣ .

٥- غرر الحكم : ح ٣٠٩٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٢١ ح ٢٧٤٩ .

٦- غرر الحكم : ح ١٠٩٧٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٥٥ ح ١٠٢٣٤ .

٧- غرر الحكم : ح ٤١٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٣ ح ٦٠٩ .

۴ / ۵ یقین

۴ / ۶ دین

امام علی علیه السلام: ریشه زهد، رغبتِ شایسته است به آنچه نزد خداست .

۴ / ۵ یقینامام علی علیه السلام: زهد، ثمره یقین است.

امام علی علیه السلام: زهد انسان نسبت به آنچه ناپایدار است ، به اندازه یقین اوست به آنچه ماندگار است.

امام علی علیه السلام: یقین، برترین زهد است.

امام علی علیه السلام: ریشه زهد ، یقین است و میوه اش نیک بختی .

امام علی علیه السلام: نشانه های برخورداری از یقین ، کوتاه کردن آرزو، اخلاص در عمل، و زهدورزی در دنیا هستند .

۴ / ۶ دینامام علی علیه السلام: زهد، میوه دین است.

عنه عليه السلام: مَنْ كَرَّمَ دِينَهُ عِنْدَهُ هَانَتْ الدُّنْيَا عَلَيْهِ . (١)

٤ / ١٧ الإخلاص الكافي عن السُّنْدِي عن الإمام الباقر عليه السلام: مَا أَخْلَصَ الْعَبْدُ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا أَوْ قَالَ: مَا أَجْمَلَ عَبْدٌ ذَكَرَ اللَّهَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا (٢) إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا ، وَبَصَّرَهُ دَاءَهَا وَدَوَاءَهَا ؛ فَأَثْبَتَ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَأَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ . (٣)

٤ / ٨ ذِكْرُ الْمَوْتِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ: كَفَى بِالْمَوْتِ مُزْهِدًا فِي الدُّنْيَا وَمُرْغَبًا فِي الْآخِرَةِ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: أَفْضَلُ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا ذِكْرُ الْمَوْتِ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا فَرُّوْا الْقُبُورَ ؛ فَإِنَّهَا تُزْهِدُ فِي الدُّنْيَا وَتُذَكِّرُ الْآخِرَةَ . (٦)

١- غرر الحكم: ح ٨٦٠٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٦٠ ح ٨٣٥٠.

٢- يؤيد الاحتمال الأول ما روى في آثار الإخلاص . راجع: موسوعه العقائد الإسلاميه: مبادئ الإلهام: الإخلاص .

٣- الكافي: ج ٢ ص ١٦ ح ٦، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٤٠ ح ٨ وراجع كلام المجلسي قدس سره في بيانه .

٤- المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ١٢٩ ح ٢٨ عن الربيع ، الفردوس: ج ٣ ص ٢٩٠ ح ٤٨٦٨ عن أنس وفيه «بذكر الموت» بدل «بالموت» ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٥٤٧ ح ١١٧ نقلاً عن الزهد لابن حنبل .

٥- الفردوس: ج ١ ص ٣٥٧ ح ١٤٤١ عن أنس ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٥٤٤ ح ٤٢١٠٤ ؛ جامع الأخبار: ص ٤٧٣ ح ١٣٣٤ ، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٣٧ ح ٤١ .

٦- المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٥٣١ ح ١٣٨٧ ، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٥٠١ ح ١٥٧١ ، السنن الكبرى: ج ٤ ص ١٢٩ ح ٧١٩٧ ، أخبار مكّه للأزرقي: ج ٢ ص ٢١١ كلّها عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٦٥٣ ح ٤٢٥٨٩ .

۴ / ۷ اخلاص

۴ / ۸ یاد مرگ

امام علی علیه السلام: هر که دینش برای او ارجمند باشد، دنیا در نظرش خوار می آید.

۴ / ۱۷ اخلاص الکافی به نقل از ستندی: امام باقر علیه السلام فرمود: «هیچ بنده ای چهل روز، ایمان به خداوند را خالص نگردانید» یا فرمود: «هیچ بنده ای چهل روز پیوسته، ذکر خداوند نگفت، مگر آن که خدایاو را نسبت به دنیا زاهد گردانید و درد و داروی آن را بدو شناساند، و حکمت را در دلش نگاشت و زبانش را بدان گویا ساخت».

۴ / ۸ یاد مرگ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مرگ، بهترین عامل زهدورزی در دنیا و ترغیب به آخرت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین [عامل] زهدورزی در دنیا، یاد مرگ است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هان! به زیارت قبور بروید که موجب زهدورزی در دنیا و یادآوری آخرت می شود.

الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ ، قَلَّتْ فِي الدُّنْيَا رَغْبَتُهُ . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ صَوَّرَ الْمَوْتَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ، هَانَ أَمْرُ الدُّنْيَا عَلَيْهِ . (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ ، رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالسَّيْرِ . (٣)

عنه عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَإِقْلَابِ الْعَفْلَةِ عَنْهُ ، وَكَيْفَ غَفَلْتُمْ عَمَّا لَيْسَ يُغْفَلُكُمْ ، وَطَمَعُكُمْ فِيمَنْ لَيْسَ يُمَهِّلُكُمْ ! فَكَفَى وَاِعْظَا بِمَوْتِي عَايَتُهُمْ ، حُمِلُوا إِلَى قُبُورِهِمْ غَيْرَ رَاكِبِينَ ، وَأُنزِلُوا فِيهَا غَيْرَ نَازِلِينَ ، فَكَأَنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا لِلدُّنْيَا عُمَارًا ، وَكَأَنَّ الْآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ لَهُمْ دَارًا ، أَوْحَشُوا مَا كَانُوا يُوْطِنُونَ ، وَأَوْطَنُوا مَا كَانُوا يُوْحِشُونَ ، وَاشْتَغَلُوا بِمَا فَارَقُوا ، وَأَضَاعُوا مَا إِلَيْهِ انْتَقَلُوا ، لَا عَنْ قَبِيحٍ يَسْتَطِيعُونَ انْتِقَالَ ، وَلَا فِي حَسَنٍ يَسْتَطِيعُونَ اِزْدِيَادًا ، أُنْسُوا بِالْدُّنْيَا فَغَرَّتْهُمْ ، وَوَثِقُوا بِهَا فَصَرَعَتْهُمْ . (٤)

الكافي عن أبي عبيدة الخديء: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَدَّثَنِي بِمَا أَنْتَفِعُ بِهِ ، فَقَالَ : يَا أَبَا عُبَيْدَةَ ، أَكْثَرَ ذِكْرِ الْمَوْتِ ؛ فَإِنَّهُ لَمْ يُكْثِرْ إِنْسَانٌ ذِكْرَ الْمَوْتِ إِلَّا زَهَدَ فِي الدُّنْيَا . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام في حديثٍ يَذْكُرُ فِيهِ قِصَّةَ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّهُ خَرَجَ يَقْرَأُ الزَّبُورَ ، وَكَانَ إِذَا قَرَأَ الزَّبُورَ لَا يَبْقَى جَبَلٌ وَلَا - حَجْرٌ وَلَا - طَائِرٌ إِلَّا - جَاوَبْتَهُ . فَأَتَتْهُ إِلَى جَبَلٍ ، فَإِذَا عَلَى ذَلِكَ الْجَبَلِ نَبِيٌّ عَابِدٌ ، يُقَالُ لَهُ : حَزْقِيلُ ، فَلَمَّا سَمِعَ دَوَى الْجِبَالِ وَأَصْوَاتِ السَّبَاعِ وَالطَّيْرِ عَلِمَ أَنَّهُ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقَالَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا حَزْقِيلُ ، تَأْذَنُ لِي فَأَصْعَدَ إِلَيْكَ؟ قَالَ : لَا . فَبَكَى دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ : يَا حَزْقِيلُ ، لَا تُعَيِّرْ دَاوُدَ وَسَيَلْنِي الْعَافِيَةَ . قَالَ : فَأَخَذَ حَزْقِيلُ بِيَدِ دَاوُدَ وَرَفَعَهُ إِلَيْهِ . فَقَالَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا حَزْقِيلُ ، هَلْ هَمَمْتَ بِخَطِيئَةٍ قَطُّ؟ قَالَ : لَا . قَالَ : فَهَلْ دَخَلْتَ الْعُجْبُ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ عِبَادَةِ اللَّهِ؟ قَالَ : لَا . قَالَ : فَهَلْ رَكَنْتَ إِلَى الدُّنْيَا فَأَحْبَبْتَ أَنْ تَأْخُذَ مِنْ شَهَوَاتِهَا وَلَذَائِهَا؟ قَالَ : بَلَى ، رُبَّمَا عَرَضَ ذَلِكَ بِقَلْبِي . قَالَ : فَمَا كُنْتَ تَصْنَعُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ؟ قَالَ : أَدْخُلُ هَذَا الشَّعْبَ فَأَعْتَبِرُ بِمَا فِيهِ . قَالَ : فَدَخَلَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الشَّعْبَ ، فَإِذَا سَرِيرٌ مِنْ حَدِيدٍ عَلَيْهِ جُمُجْمَةٌ بَالِيَةٌ وَعِظَامٌ فَائِيَةٌ ، وَإِذَا لَوْحٌ مِنْ حَدِيدٍ فِيهِ كِتَابَةٌ ، فَقَرَأَهَا دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا هِيَ : أَنَا أَرَوَى بِنِ سَلَمَ ، مَلَكَتْ أَلْفَ سَنَةٍ ، وَبَنَيْتُ أَلْفَ مَدِينَةٍ ، وَافْتَضَّضْتُ أَلْفَ بَكْرٍ ، فَكَانَ آخِرُ عُمُرِي أَنْ صَارَ التُّرَابُ فِرَاشِي ، وَالْحِجَارَةُ وِسَادَتِي ، وَالذُّيْدَانُ وَالْحَيَّاتُ جِيرَانِي ، فَمَنْ رَأَنِي فَلَا يَغْتَرَّ بِالْدُّنْيَا . (٦)

١- غرر الحكم : ح ٨٧٦٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٣٨ ح ٧٦٠٠ .

٢- غرر الحكم : ح ٨٦٠٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٦٠ ح ٨٣٤٩ وفيه «خفّ الاهتمام بأمر الدنيا» بدل «هان أمر الدنيا» .

٣- نهج البلاغه : الحكمه ٣٤٩ ، تحف العقول : ص ٨٩ و ص ١٠٠ ، كنز الفوائد : ج ١ ، ص ٦٣ ، روضه الواعظين : ص ٥٣٧ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ، ص ٢٦٧ ، ر ١٦ ؛ دستور معالم الحكم : ص ٢٩ .

٤- نهج البلاغه : الخطبه ١٨٨ .

- ٥- الكافي : ج ٢ ص ١٣١ ح ١٣ وج ٣ ص ٢٥٥ ح ١٨ ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ٧٨ ح ٢١٠ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٩٣ ، دعائم الإسلام : ج ١ ص ٢٢١ ، مشكاة الأنوار : ص ٥٢٥ ح ١٧٦٧ عن الإمام الصادق عليه السلام .
- ٦- .كمال الدين : ص ٥٢٤ ح ٦ ، الأمل للصدوق : ص ١٥٩ ح ١٥٧ كلاهما عن هشام بن سالم ، تفسير القمّي : ج ٢ ص ٢٣١ ، روضه الواعظين : ص ٤٨٤ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٢٥ ح ٣ .

امام علی علیه السلام: هر که بسیار یاد مرگ کند، رغبتش به دنیا کم می شود.

امام علی علیه السلام: هر که [پیوسته] مرگ را در برابر دیدگان خود مجسم کند، دنیا برایش بی اهمیت می شود.

امام علی علیه السلام: هر که بسیار یاد مرگ کند، از دنیا به اندک، قناعت می ورزد.

امام علی علیه السلام: شما را سفارش می کنم که به یاد مرگ باشید و غفلت از آن را کم کنید. چگونه غافلید از چیزی که از شما غافل نیست، و به کسی (ملک الموت) طمع بسته اید که شما را مهلت نمی دهد؟! مشاهده مردگان، خود، برای پند آموختن، بسنده است؛ مردگانی که به گورهایشان حمل شدند، بی آن که سوار بر مرکبی باشند، و در گورهایشان فرود آورده شدند، بی آن که [به اختیار] خود فرود آیند. تو گویی آبادگران [و ساکنان] دنیا نبوده اند، و گویی همیشه آخرت، سرای آنان بوده است! جایی را که وطن خود می پنداشتند، خالی کردند و در جایی وطن گزیدند که از آن می رمیدند [و آن را خانه خود نمی پنداشتند]. به دنیایی که از آن جدا می گشتند، سرگرم شدند و آخرتی را که به آن منتقل می شدند، تباه نمودند، و [اکنون] نه از کار زشتی می توانند برگردند، و نه بر کار نیکی می توانند بیفزایند. به دنیا اُنس گرفتند؛ ولی دنیا آنان را گول زد، و به دنیا اعتماد کردند؛ ولی دنیا آنان را به خاک افکند.

الکافی به نقل از ابو عبیده حدّاء: به امام باقر علیه السلام گفتم: حدیثی برایم بگویید تا از آن بهره مند شوم. فرمود: «ای ابو عبیده! بسیار به یاد مرگ باش؛ زیرا هیچ انسانی از مرگ، بسیار یاد نکرد، مگر آن که در دنیا زاهد شد».

امام صادق علیه السلام در حدیثی که در آن، قصّه داوود علیه السلام را فرمود: او بیرون رفت و به خواندن زبور پرداخت، و هر گاه زبور می خواند، همه کوه ها و سنگ ها و پرندگان، با او هم صدا می شدند. به کوهی رسید. بر آن کوه، پیامبری عابد بود که به او حزقیل می گفتند. او چون همه کوه ها و صدای درندگان و پرندگان را شنید، دانست که داوود علیه السلام است. داوود علیه السلام گفت: ای حزقیل! اجازه می دهی که به نزد تو فراز آیم؟ حزقیل گفت: نه. داوود علیه السلام گریست. خداوند به حزقیل وحی فرمود که: «ای حزقیل! داوود را سرزنش مکن، و از من، عافیت بخواه». پس، حزقیل، دست داوود را گرفت و به سوی خود، بالا کشید. داوود علیه السلام گفت: ای حزقیل! آیا هرگز قصد گناهی کرده ای؟ گفت: نه. داوود گفت: آیا از این که عبادت خدا را در پیش گرفته ای هرگز دچار غرور شده ای؟ گفت: نه. داوود گفت: آیا هرگز میل به دنیا کرده ای و دوست داشته ای که از خواسته ها و خوشی های آن برگیری؟ گفت: آری، گاهی به دلم خطور کرده است. داوود گفت: در این صورت، چه می کنی؟ گفت: به این درّه می آیم و از آنچه در آن است، عبرت می گیرم. داوود علیه السلام وارد درّه شد. تختی آهنین دید که بر آن، جمجمه ای فرسوده و استخوان های پوسیده است، و نیز لوحی از آهن که در آن چیزی نوشته بود. داوود علیه السلام آن نوشته را خواند. چنین آمده بود: «من آروی پسر سیلم هستم. هزار سال پادشاهی کردم، و هزار شهر ساختم، و با هزار دختر، عروسی کردم؛ اما سرانجام خاک، بسترم شد و سنگ، بالشم و کرم ها و مارها همسایگانم. پس، هر که مرا می بیند، نباید فریب دنیا را بخورد».

٩ / ٤ كَرَامَةُ النَّفْسِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا كَرَّمَتْ عَلِيَّ عَبْدٍ نَفْسُهُ إِلَّا هَانَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ كَرَّمَتْ نَفْسُهُ صَغُرَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ . (٢)

١٠ / ٤ الْحَزْمُ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَحْزَمَكُمْ أَزْهَدُكُمْ . (٣)

١١ / ٤ التَّزْهُدُ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّزْهُدُ يُؤَدِّي إِلَى الزُّهْدِ . (٤)

عنه عليه السلام: أَوَّلُ الزُّهْدِ التَّزْهُدُ . (٥)

عنه عليه السلام في ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ، إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَكُونَ أَوْرَعَ النَّاسِ فَازْهِدْ فِي الدُّنْيَا وَارْغَبْ فِي الْآخِرَةِ، فَقَالَ [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ]: إِلَهِي كَيْفَ أَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا؟ فَقَالَ: خُذْ مِنَ الدُّنْيَا حُفْنًا مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَاللِّبَاسِ وَلَا تَدْخِرْ لِعَدِّ، وَدُمَّ عَلَيَّ ذِكْرِي . (٦)

١- غرر الحكم: ح ٩٨٦١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٢ ح ٨٨٨٩.

٢- غرر الحكم: ح ٩١٣٠.

٣- غرر الحكم: ح ٢٨٣٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ١١٣ ح ٢٤٥٨.

٤- غرر الحكم: ح ١١٢٠.

٥- غرر الحكم: ح ٢٩٢٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ١١٨ ح ٢٦٢٩.

٦- إرشاد القلوب: ص ١٩٩، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٢ ح ٦.

۹ / ۴ کرامت نفس

۱۰ / ۴ دورانیشی

۱۱ / ۴ خود را به زهد ورزی و داشتن

۹ / ۴ کرامت نفس امام علی علیه السلام: هیچ بنده ای کرامت نفس نیافت ، مگر آن که دنیا در چشمش خوار شد.

امام علی علیه السلام: کسی که کرامت نفس داشته باشد ، دنیا در نظرش کوچک می شود.

۱۰ / ۴ دورانیشی امام علی علیه السلام: دورانیش ترین شما، زاهدترین شماست.

۱۱ / ۴ خود را به زهد ورزی و داشتن امام علی علیه السلام: خود را به زهد ورزی و داشتن ، به زاهد شدن می انجامد.

امام علی علیه السلام: آغاز زاهد شدن ، خود را به زهد واداشن است.

امام علی علیه السلام یاد کرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله :خدای متعال فرمود : «... ای احمد! اگر دوست داری که پارساترین مردم باشی، به دنیا زاهد و به آخرت ، راغب باش». [پیامبر خدا] گفت: معبودا! چگونه به دنیا زهد بورزم؟ فرمود: «از دنیا چند مستی غذا و آب و پوشاک برگیر و برای فردا میندوز، و همواره به یاد من باش».

١٢ / ٤ الاستِيعَانَةُ بِاللَّهِادِرِيسِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ دُعَائِهِ: اللَّهُمَّ سَلِّ قَلْبِي عَنْ كُلِّ شَيْءٍ لَا أُتْرَوُّدُهُ إِلَيْكَ ، وَلَا أُتَنْفَعُ بِهِ يَوْمَ أَلْقَاكَ مِنْ حَلَالٍ أَوْ حَرَامٍ . (١)

الإمام علي عليه السلام في الدعاء: وَارزُقْنِي مِنَ الدُّنْيَا وَزَهِّدْنِي فِيهَا . (٢)

عنه عليه السلام مِمَّا دَعَا بِهِ يَوْمَ الْجَمَلِ قَبْلَ الْوَاقِعِ: أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَا أَنْ تُمْنَّ عَلَيَّ بِوَاجِبِ شُكْرِي نِعْمَتَكَ ، رَبِّ مَا أَحْرَصَنِي عَلَى مَا زَهَّدْتَنِي فِيهِ وَحَثَّتَنِي عَلَيْهِ ، إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى دُنْيَايَ بِزُهْدٍ (٣) وَعَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَى (٤) هَلَكْتُ . رَبِّي دَعَتْنِي دَوَاعِيَ الدُّنْيَا مِنْ حَرْثِ النَّسَاءِ وَالْبَيْنِ فَأَجَبْتُهَا سَرِيعًا وَرَكَتُ إِلَيْهَا طَائِعًا ، وَدَعَتْنِي دَوَاعِيَ الْآخِرَةِ مِنَ الزُّهْدِ وَالْإِجْتِهَادِ فَكَبَوْتُ لَهَا ، وَلَمْ أُسَارِعْ إِلَيْهَا مُسَارِعَتِي إِلَى الحُطَامِ الْهَامِدِ وَالْهَشِيمِ (٥) الْبَائِدِ وَالسَّرَابِ الذَّاهِبِ عَنْ قَلِيلٍ . (٦)

صحيح البخارى عن سعد بن أبى وقاص: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعَلِّمُنَا هُوْلَاءِ الْكَلِمَاتِ كَمَا تَعَلَّمُ الْكِتَابَةَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُرَدَّ إِلَى أَرْضِ الْعُمْرِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْقَبْرِ . (٧)

١- مصباح المتهجد: ص ٦٠٣ الرقم ٦٩٣، الإقبال: ج ١ ص ١٨٢، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٩٩ ح ٢ .

٢- الكافي: ج ٢ ص ٥٩٠ ح ٣٠ عن يعقوب بن شعيب عن الإمام الصادق عليه السلام .

٣- فى المصدر: «زهد»، والتصويب من بحار الأنوار .

٤- فى المصدر: «بتقوى»، والتصويب فى بحار الأنوار .

٥- الهشيم: النبات اليابس المتكسر (المصباح المنير: ص ٦٣٨ «هشم»).

٦- متهج الدعوات: ص ١٢٦، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٣٥ ح ٩ .

٧- صحيح البخارى: ج ٥ ص ٢٣٤٧ ح ٦٠٢٧ وص ٢٣٤٣ ح ٦٠١٣، سنن الترمذى: ج ٥ ص ٥٦٢ ح ٣٥٦٧، سنن النسائى: ج ٨ ص ٢٥٦ وص ٢٦٦، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٩٥ ح ١٦٢١ وص ٣٨٧ ح ١٥٨٥ كلها نحوه، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٩٠ ح ٥٠٩٥ وراجع سنن أبى داود: ج ٢ ص ٩٠ ح ١٥٣٩ وسنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٦٣ ح ٣٨٤٤ والمستدرک على الصحيحين: ج ١ ص ٧١٢ ح ١٩٤٣ .

۴ / ۱۲ یاری جستن از خدا

۴ / ۱۲ یاری جستن از خدا دریس علیه السلام در دعایش: بار خدایا! دلم را از هر چیزی (حلال یا حرام) که ره توشه من به سوی تو نمی شود و در روز دیدارم با تو، از آن سودی نمی برم، روی گردان کن.

امام علی علیه السلام در دعا: روزی مرا از دنیا عطا کن و مرا به آن، بی رغبت گردان.

امام علی علیه السلام در دعایی در روز جَمَل، پیش از وقوع جنگ: به حق آن نام بلندت، از تو درخواست می کنم که بر من مَنّت نهی تا وظیفه شکرگزاری نعمت را به جای آورم. پروردگارا! چه آزمندم من به آنچه تو مرا نسبت بدان ترغیب به زهد کردی و بر این، تشویقم نمودی! اگر به من کمک نکنی که در دنیایم زهد بورزم و برای آخرتم تقوا بیندوزم، نابود خواهم شد. پروردگار من! دعوتگران (انگیزه های) دنیا، از زن و فرزند، مرا فرا خواندند و من به سرعت، اجابتشان کردم و با میل، به دنیا گراییدم. و دعوتگران آخرت، از زهد و کوشش در عبادت، مرا فرا خواندند و من صدای آنها را خاموش کردم و آن سان که به سوی خاشاک خشکیده و خسی که بر باد می رود و سرابی که به زودی از میان می رود (دنیا) شتافتم، به سوی آن دعوتگرها نشتافتم.

صحیح البخاری به نقل از سعد بن ابی وقاص: پیامبر صلی الله علیه و آله این جملات را، آن گونه که سواد و نوشتن یاد داده می شود، به ما می آموخت: «بار خدایا! پناه می برم به تو از بخل. پناه می برم به تو از ترسویی. پناه می برم به تو از این که تا فروترین (دوره) عمر (فرتوتی)، واپس برده شویم. پناه می برم به تو از گرفتاری دنیا و عذاب قبر».

الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعائه يوم عَرَفَه : وَأَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَيْتِيهِ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ ، وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ ، وَتَذْهَلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ . (١)

عنه عليه السلام : إلهي أسألك بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ ... أَنْ تُسَلِّيَ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا بِمَخَافَتِكَ ، وَأَنْ تُثَبِّتَنِي بِالْكَثِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ . (٢)

عنه عليه السلام : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاقْبِضْ عَلَيَّ الصَّدَقِ نَفْسِي ، وَاقْطَعْ مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِي ، وَاجْعَلْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ . (٣)

عنه عليه السلام من كلام له كَانَ يَعْظُ بِه النَّاسَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ ، يَقُولُ فِي آخِرِهِ : أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَوْنَ لَنَا وَلَكُمْ عَلَى تَرْوُدِ التَّقْوَى وَالزُّهْدِ فِيهَا ، جَعَلْنَا اللَّهَ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الرَّاهِدِينَ فِي عَاجِلِ زَهْرِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ، الرَّاعِبِينَ لِأَجْلِ ثَوَابِ الْآخِرَةِ ، فَإِنَّمَا نَحْنُ بِهِ وَلَهُ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ وَسَلَّمَ . (٤)

كشف الغممة عن عامر بن وائله : كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (٥) يَقُولُ : اللَّهُمَّ ادْفَعْنِي فِي أَعْلَى دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا (٦) ، وَأَعِنِّي بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ ، وَهَبْنِي حُسْنَ الْمُسْتَعْقَبِ مِنْ نَفْسِي ، وَخُذْنِي مِنْهَا حَتَّى تَتَجَرَّدَ خَوَاطِرُ الدُّنْيَا عَنْ قَلْبِي مِنْ بَرْدِ خَشْيَتِي مِنْكَ ، وَارزُقْنِي قَلْبًا وَلِسَانًا يَتَجَارِيَانِ فِي دَمِّ الدُّنْيَا وَحُسْنِ التَّجَافِي مِنْهَا ، حَتَّى لَا أَقُولَ إِلَّا صَدَقْتُ ، وَأَرِنِي مَصَادِيقَ إِجَابَتِكَ بِحُسْنِ تَوْفِيقِكَ ، حَتَّى أَكُونَ فِي كُلِّ حَالٍ حَيْثُ أَرَدْتُ . (٧)

١- .الصحيفه السجاديّه : ص ١٩٧ الدعاء ٤٧ ، الإقبال : ج ٢ ص ٩٧ نحوه .

٢- .الصحيفه السجاديّه : ص ٢٢٣ الدعاء ٥٢ .

٣- .الصحيفه السجاديّه : ص ٢٢٨ الدعاء ٥٤ .

٤- .الكافي : ج ٨ ص ٧٦ ح ٢٩ ، الأمالى للصدوق : ص ٥٩٦ ح ٨٢٢ كلاهما عن سعيد بن المسيب ، تحف العقول : ص ٢٥٢ وفيه «هذه» بدل «زهرة» ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٤٦ ح ٦ .

٥- .التوبه : ١١٩ .

٦- .ندبته : أى بعثته ودعوته فأجاب (النهايه : ج ٥ ص ٣٤ «ندب»).

٧- .كشف الغميه : ج ٢ ص ٣٠٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٥٣ ح ١٨ ؛ ينابيع الموده : ج ٢ ص ٣٦٧ ح ٥٠ نحوه وراجع الصواعق المحرقة : ص ١٥٢ .

امام زین العابدین علیه السلام در دعایش در روز عرفه: دوستی دنیای دون را از دلم بر کن که از [دستیابی به] آنچه نزد توست ، باز می دارد، و از جستن وسیله رسیدن به تو مانع می شود، و از نزدیک شدن به تو غافل می سازد .

امام زین العابدین علیه السلام: معبود من! به آن حقّ تو که بر همه آفریدگانت واجب است ، از تو درخواست می کنم... که با افکندن خوفت در دلم ، دنیا را از یادم ببری، و به مهربانی ات به کرامت (احسان) فراوانت بازم گردانی.

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و جانم را بر راستی [در پندار و گفتار و کردار] بگیر، و نیازم را از دنیا قطع کن، و مرا به آنچه نزد توست ، راغب نما تا به دیدارت مشتاق گردم.

امام زین العابدین علیه السلام در پایان سخنانی که هر جمعه مردم را با آنها موعظه می کرد: از خداوند ، درخواست می کنم که ما و شما را در اندوختن توشه پرهیزگاری و دل برکندن از دنیا کمک کند، و ما و شما را از زهدورزان به زرق و برق کنونی زندگی دنیا ، و از راغبان به پاداش آینده آخرت قرار دهد؛ چرا که ما وابسته به او و از آن اویم. سلام خداوند بر محمّد پیامبر و خاندان او باد!

کشف الغمّه به نقل از عامر بن واثله: علی بن الحسین علیه السلام هر گاه این آیه را تلاوت می کرد: «ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا پروا کنید و با راستینان باشید» ، می فرمود: «بار خدایا! مرا در بالاترین درجات این دعا قرار ده، و با اراده ای استوار کمک کن، و عیبجویی نیکو (سازنده) از نفسم را به من ارزانی دار، و مرا از آن بستان تا با خنکای ترسم از تو، دلم از خُطورات دنیوی خالی گردد، و دل و زبانی روزی ام کن که در نکوهیدن دنیا و دوری گزیدن شایسته از آن ، همگام باشند ، به طوری که جز راست نگویم، و با حُسن توفیقت، مصادیق اجابت را به من نشان بده ، به طوری که در هر حال ، چنان باشم که می خواهم».

الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَارزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِأَخْرَتِي حَتَّى أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي ، وَحَتَّى يَكُونَ الْغَالِبُ عَلَيَّ الزُّهْدَ فِي دُنْيَايَ . (١)

امام زین العابدین علیه السلام: خدایا! بر محمد و آل محمد، درود فرست و رغبت به کار خداپسندانه برای آخرتم را روزی ام کن، به طوری که درستی آن را با قلبم بشناسم، و به طوری که زهدورزی به دنیایم، بر من چیره باشد.

الفصل الخامس : إرشاداتٌ لتحصيل الزهد ٥ / ١ ما الدنيا وما عسى أن تكون؟ الإمام عليّ عليه السلام في وصف الدنيا: هل هي إلاّ كَلْعَقَةِ الْآكِلِ ، وَمَذَقَةِ (١) الشَّارِبِ ، وَخَفَقَةِ (٢) الوَسْنَانِ (٣) . (٤)

عنه عليه السلام: إنّما الدنيا سِتَّةُ أَشْيَاءَ : مَطْعُومٌ وَمَشْرُوبٌ وَمَلْبُوسٌ وَمَرْكُوبٌ وَمَنْكُوحٌ وَمَشْمُومٌ ؛ فَأَشْرَفُ الْمَطْعُومَاتِ الْعَسَلُ وَهِيَ مَذَقُهُ ذُبَابُهُ ، وَأَشْرَفُ الْمَشْرُوبَاتِ الْمَاءُ يَسْتَوِي فِيهِ التَّبْرُّ وَالْفَاجِرُ ، وَأَشْرَفُ الْمَلْبُوسَاتِ الْحَرِيرُ وَهُوَ نَسْجُ دَوْدَةَ ، وَأَشْرَفُ الْمَرْكُوبَاتِ الْخَيْلُ وَعَلَيْهَا يُقْتَلُ الرِّجَالُ ، وَأَشْرَفُ الْمَنْكُوحَاتِ النِّسَاءُ وَهِيَ مَبَالٌ فِي مَبَالٍ ، وَإِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَتَزَيَّنُ أَحْسَنَ مَا فِيهَا وَيُرَادُ أَقْبَحَ مَا فِيهَا ، وَأَشْرَفُ الْمَشْمُومَاتِ هُوَ الْمِسْكُ وَهُوَ بَعْضُ دَمٍ . (٥)

- ١- المَذَقَةُ : الشربة من اللبن (النهاية : ج ٤ ص ٣١١ «مذق»).
- ٢- خَفَقَ فلان خَفَقَةً : إذا نام نومةً خفيفة (لسان العرب : ج ١٠ ص ٨٠ «خفق»).
- ٣- الوَسْنَانُ : النُّعَاسُ ، وَقَدْ وَسَنَ الرَّجُلُ فَهُوَ وَسْنَانٌ (الصحاح : ج ٦ ص ٢٢١٤ «وسن»).
- ٤- .. الكافي : ج ٨ ص ٣٠ ح ٤ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٤١ .
- ٥- تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٤٠ ، بحار الأنوار : ج ٦٤ ص ٢٤٠ .

فصل پنجم: رهنمودهایی برای رسیدن به زهد

۵ / ۱ دنیا چیست و چه می تواند باشد؟

فصل پنجم: رهنمودهایی برای رسیدن به زهد ۵ / ۱ دنیا چیست و چه می تواند باشد؟ امام علی علیه السلام در وصف دنیا: آیا دنیا جز مانند لقمه ای است که خورنده می خورد، و جرعه ای که نوشنده می نوشد، و خواب سبکی که شخص خفته دارد؟

امام علی علیه السلام: دنیا شش چیز است: خوردنی، نوشیدنی، پوشیدنی، سوار شدنی، آمیزشی، و بوییدنی. بهترین خوردنی ها، عسل است و آن، [شیره گیاهی] آمیخته با بزاق مگسی است. بهترین نوشیدنی ها، آب است که نیک و بد، در [استفاده از] آن یکسان اند. بهترین پوشیدنی ها، ابریشم است و آن، تار [تنیده شده به وسیله] کرمی است. بهترین سوارشدنی ها اسب است و بر پشت آن، مردان به قتل می رسند. بهترین آمیزش کردنی ها، زنان اند و آن، داخل شدن مَبالی در مَبال دیگر است. زن، بهترین عضو خود (چهره اش) را می آراید و مقصود اصلی، زشت ترین عضو اوست. و بهترین بوییدنی ها، مشک است و آن، لخته ای خون است.

مطالب السؤل: نُقِلَ عَنْهُ [عَلِيٌّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ رَأَى جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ وَقَدْ تَنَفَّسَ الصُّعْدَاءَ ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ : يَا جَابِرُ عَلَامَ تَنَفَّسَيْكَ ؟ عَلَى الدُّنْيَا؟ فَقَالَ جَابِرٌ : نَعَمْ . فَقَالَ : مَلَأْتُ الدُّنْيَا سَبْعَةً : الْمَيَّأَكُورُ وَالْمَشْرُوبُ وَالْمَلْبُوسُ وَالْمَنْكُوحُ وَالْمَرْكُوبُ وَالْمَشْمُومُ وَالْمَسْمُوعُ ؛ فَالذُّ الْمَأْكُولَاتِ الْعَسَلُ وَهُوَ بَصُوقٌ مِنْ ذُبَابِهِ ، وَأَجَلُ الْمَشْرُوبَاتِ الْمَاءُ وَكَفَى بِإِبَاحَتِهِ وَسَبِّحَاتِهِ (١) عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ ، وَأَعْلَى الْمَلْبُوسَاتِ الدِّيَابِجُ وَهُوَ مِنْ لُعَابِ دَوْدَةَ ، وَأَعْلَى الْمَنْكُوحَاتِ النِّسَاءُ وَهِيَ مَبَالٌ فِي مَبَالٍ وَمِثَالٌ لِمِثَالٍ ، وَإِنَّمَا يُرَادُ أَحْسَنُ مَا فِي الْمَرْأَةِ لِأَنَّ قَبْحَ مَا فِيهَا ، وَأَعْلَى الْمَرْكُوبَاتِ الْخَيْلُ وَهِيَ قَوَاتِلٌ ، وَأَجَلُ الْمَشْمُومَاتِ الْمِسْكُ وَهُوَ دَمٌ مِنْ سُرَّةِ دَابَّةٍ ، وَأَجَلُ الْمَسْمُوعَاتِ الْغِنَاءُ وَالتَّرْتُّمُ وَهُوَ إِثْمٌ . فَمَا هَذِهِ صِفَتُهُ لَمْ يَتَنَفَّسْ عَلَيْهِ عَاقِلٌ ! قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ : فَوَاللَّهِ مَا خَطَرَتِ الدُّنْيَا بَعْدَهَا عَلَى قَلْبِي . (٢)

الإمام علي عليه السلام: الدُّنْيَا كَيَوْمٍ مَضَى ، وَشَهْرٍ انْقَضَى . (٣)

الكافي عن جابر: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : يَا جَابِرُ ، وَاللَّهِ إِنِّي لَمَحْزُونٌ ، وَإِنِّي لَمَشْغُولُ الْقَلْبِ ، قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا شَغَلَكَ؟! وَمَا حُزِنَ قَلْبُكَ؟ فَقَالَ : يَا جَابِرُ ، إِنَّهُ مَنْ دَخَلَ قَلْبَهُ صَافِي خَالِصٍ دِينَ اللَّهِ شَغَلَ قَلْبَهُ عَمَّا سِوَاهُ . يَا جَابِرُ ، مَا الدُّنْيَا وَمَا عَسَى أَنْ تَكُونَ الدُّنْيَا ، هَلْ هِيَ إِلَّا طَعَامٌ أَكَلْتَهُ ، أَوْ ثَوْبٌ لَبِسْتَهُ ، أَوْ امْرَأَةٌ أَصَبْتَهَا؟! (٤)

١- في المصدر : «وسباحته» .

٢- مطالب السؤل : ص ٥٦ ؛ بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١١ ح ٦٩ .

٣- غرر الحكم : ح ١٢٠٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٦ ح ١١٣٠ .

٤- الكافي : ج ٢ ص ١٣٢ ح ١٦ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٩٣ كلاهما عن جابر ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٣٦ ح ١٧ ؛ البدايه والنهائيه : ج ٩ ص ٣١٠ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه وراجع تحف العقول : ص ٢٦٨ .

مطالب السؤل: درباره ایشان (امام علی علیه السلام) نقل شده است که دید جابر بن عبد الله، آهی بلند از دل بر کشید. فرمود: «ای جابر! آهت برای چیست؟ برای دنیا است». جابر گفت: آری. فرمود: «لذت های دنیا، هفت نوع اند: خوردنی، نوشیدنی، پوشیدنی، آمیزشی، سوار شدنی، بوییدنی، و شنیدنی. لذیذترین خوردنی ها، عسل است و آن، براق مگسی است. گواراترین نوشیدنی ها، آب است و همین بس که نوشیدنی اش روا و در همه جای زمین، روان است. عالی ترین پوشیدنی ها، ابریشم است و آن، از آب دهان کرمی است. عالی ترین آمیزش ها، آمیزش با زنان است و آن داخل شدن مبالی در مبال دیگر و نزدیک شدن دو عضو همانند است. زیباترین چیزی که در زن است، در واقع، برای زشت ترین عضو او خواسته می شود. بهترین سوار شدنی ها، اسب هایند که قاتل اند (در جنگ ها سوارانشان به قتل می رسند). ارزشمندترین بوییدنی ها، مشک است و آن، خون ناف حیوانی است. بالا-ترین شنیدنی ها، غنا (آواز) است که آن [هم] گناه است. پس، هیچ خردمندی برای چیزهایی با این خصوصیات، هرگز آه نمی کشد!». جابر بن عبد الله می گوید: به خدا سوگند که از آن پس، هرگز دنیا در دلم حاضر نشد.

امام علی علیه السلام: دنیا، چونان روزی است که گذشت و ماهی که سپری گشت.

الكافی به نقل از جابر: خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم. فرمود: «ای جابر! به خدا که غمگین و دل مشغولم». گفتم: فدایت شوم! گرفتاری ات چیست؟ غم دلت، برای چیست؟ فرمود: «ای جابر! هر کس زلالی و نابی دین خدا به دلش درآید، دلش را از غیر او باز می دارد. ای جابر! دنیا چیست و چه می تواند باشد؟ آیا جز خوراکی ای است که بخوری، یا جامه ای که بپوشی، یا زنی که بگیری؟!». .

الزهد عن داوود بن فرقد: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا يَسْرُنِي بِحَقِّكُمْ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا. فَقَالَ: أُمَّ لِلدُّنْيَا وَمَا فِيهَا، وَمَا هِيَ يَا دَاوُودُ؟! هَلْ هِيَ إِلَّا ثُوبَانٍ، وَمِلٌّ بَطْنِكَ؟! (١)

تحف العقول: قَالَ لَهُ [لِلْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ] يُونُسُ: لَوْلَا نِي لَكُمْ وَمَا عَرَّفَنِي اللَّهُ مِنْ حَقِّكُمْ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا بِحَذَا فِيرَهَا. قَالَ يُونُسُ: فَتَبَيَّنْتُ الْغَضَبَ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا يُونُسُ قِسْتَنَا بِغَيْرِ قِيَاسٍ، مَا الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا؟! هَلْ هِيَ إِلَّا سَيْدُ فُورِهِ، أَوْ سَرُّ عَوْرِهِ؟ وَأَنْتَ لَكَ بِمَحَبَّتِنَا الْحَيَاةُ الدَّائِمَةُ. (٢)

٥ / ١٢ تأسوا على ما فاتكم ولا تفرحوا بما آتاكم الكتاب «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ * لِّكَيْلًا تَأْسُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ». (٣)

الحديث للإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا أُدْخِلَ رَأْسُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى يَزِيدَ لَعَنَهُ اللَّهُ وَأُدْخِلَ عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ... قَالَ يَزِيدُ: يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ!»! (٤) فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَلَّا، مَا هَذِهِ فِينَا نَزَلَتْ، إِنَّمَا نَزَلَتْ فِينَا: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ * لِّكَيْلًا تَأْسُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»، فَنَحْنُ الَّذِينَ لَا تَأْسَىٰ عَلَىٰ مَا فَاتَنَا وَلَا نَفْرَحُ بِمَا آتَانَا مِنْهَا. (٥)

١- الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٦ ح ١٢٣، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٤ ح ١١٦.

٢- تحف العقول: ص ٣٧٩، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٦٥ ح ١٧٧.

٣- الحديد: ٢٢ و ٢٣.

٤- الشورى: ٣٠.

٥- تفسير القمي: ج ٢ ص ٣٥٢.

۵ / ۲ بر آنچه از دست داده اید ، افسوس نخورید و برای آنچه [خداوند] به شما داده است ، شادمانی نکنید

الزهد به نقل از داوود بن فرقد: به امام صادق علیه السلام گفتم: به حقتان سوگند که دنیا و آنچه در آن است ، مرا خوش حال نمی کند . (۱) امام علیه السلام فرمود: «اُف بر دنیا و آنچه در آن است! مگر دنیا چیست ، ای داوود؟ آیا جز دو جامه و پر شدن شکمت است؟!» .

تحف العقول به نقل از یونس ، که به امام صادق علیه السلام گفت: ولایت شما را داشتن و شناخت حق (منزلت) شما (که خداوند ، آن را به من شناساند) ، نزد من ، محبوب تر از همه دنیا است : آثار ناراحتی را در چهره امام علیه السلام مشاهده کردم . فرمود: «ای یونس! درباره ما ، قیاس مَعَ الْفَارِقِ کردی . (۲) مگر دنیا و هر آنچه در آن است ، چیست؟ آیا آن جز فرو نشاندن هیجانی [برخاسته از گرسنگی یا شهوت] ، یا پوشاندن عورتی است؟! تو به وسیله مهرورزی ات به ما ، زندگی جاوید را به دست آورده ای» .

۵ / ۲ بر آنچه از دست داده اید ، افسوس نخورید و برای آنچه خداوند به شما داده است ، شادمانی نکنید قرآن «هیچ مصیبتی ، نه در زمین و نه در نفس های شما [به شما] نمی رسد ، مگر آن که پیش از این که آن را پدید آوریم ، در کتابی است ، و البته این کار ، برای خدا آسان است ، تا بر آنچه از دست شما رفته ، اندوهگین نشوید و به سبب آنچه به شما داده است ، شادمانی نکنید و خدا هیچ خودپسند فخر فروشی را دوست ندارد» .

حدیث امام صادق علیه السلام : چون سر حسین بن علی علیهما السلام را نزد یزید که لعنت خدا بر او باد بردند و علی بن الحسین علیهما السلام را نیز آوردند... ، یزید گفت: ای علی بن الحسین! «و هر مصیبتی که به شما می رسد ، به سبب اعمال خودتان است» ! علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: «هرگز! این آیه در باره ما نازل نشد؛ بلکه درباره ما این آیه دیگر نازل شده است: «هیچ مصیبتی ، نه در زمین و نه در نفس های شما [به شما] نمی رسد ، مگر آن که پیش از این که آن را پدید آوریم ، در کتابی است ، و البته این کار ، برای خدا آسان است ، تا بر آنچه از دست شما رفته ، اندوهگین نشوید و به سبب آنچه به شما داده است ، شادمانی نکنید . و خدا هیچ خودپسند فخر فروشی را دوست ندارد» . ما ، کسانی هستیم که برای آنچه از دست می دهیم ، افسوس نمی خوریم و برای آنچه به ما می رسد ، شادمانی نمی کنیم» .

۱- یا: خوش حال نمی کند که دنیا و هرچه را که در آن است ، با شما عوض کنم .

۲- یا : ما را به چیزی که قابل قیاس با ما نیست ، قیاس کردی .

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَسِفَ عَلَى دُنْيَا فَاتَتْهُ، اقْتَرَبَ مِنَ النَّارِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَسِفَ عَلَى دُنْيَا فَاتَتْهُ اقْتَرَبَ مِنَ النَّارِ مَسِيرَةَ أَلْفِ سَنَةٍ، وَمَنْ أَسِفَ عَلَى آخِرِهِ فَاتَتْهُ اقْتَرَبَ مِنَ الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ أَلْفِ سَنَةٍ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَصْبَحَ حَزِينًا عَلَى الدُّنْيَا، أَصْبَحَ سَاخِطًا عَلَى رَبِّهِ تَعَالَى. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا زُوِيَتِ الدُّنْيَا عَنْ أَحَدٍ إِلَّا كَانَتْ خَيْرَ لَهٗ. (٤)

الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَزِينًا، فَقَدْ أَصْبَحَ لِقَضَاءِ اللَّهِ سَاخِطًا. (٥)

١- تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٧٩، المحجّج البيضاء: ج ٦ ص ٩٦ وفيه «سنة» بدل «شهر».

٢- كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٧ ح ٦١٤٧ نقلاً عن الرازي في مشيخته عن ابن عمر.

٣- المعجم الصغير: ج ١ ص ٢٥٧، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢١٣ ح ١٠٠٤٤ كلاهما عن أنس وص ٢١٤ ح ١٠٠٤٥ عن ابن مسعود، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٦ ح ٦٢٧١؛ الأمالي للمفيد: ص ١٨٨ ح ١٥، الأمالي للطوسي: ص ٢٢٩ ح ٤٠٤ كلاهما عن رفاعه [بن موسى] عن الإمام الصادق عليه السلام، تاريخ يعقوبى: ج ٢ ص ٩٥ نحوه، تفسير القمى: ج ١ ص ٣٨١ عن المفصل بن عمر عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٤٨ ح ٣٥.

٤- الفردوس: ج ٤ ص ٦٨ ح ٦٢١٣ عن ابن عمر، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٦ ح ٦١٤١.

٥- نهج البلاغه: الحكمة ٢٢٨، تحف العقول: ص ٢١٧، تفسير العياشى: ج ١ ص ١٢٠ ح ٣٧٩، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ١٩٦ ح ٢١؛ تذكره الخواص: ص ١٣٤.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که برای از دست دادن چیزی از دنیا افسوس خورد، به فاصله یک ماه راه، به آتش نزدیک می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که برای از دست دادن چیزی از دنیا افسوس خورد، به اندازه مسافت هزار سال راه، به آتش نزدیک شده است؛ و هر که برای از دست دادن چیزی از آخرتش افسوس خورد، به اندازه مسافت هزار سال راه، به بهشت نزدیک شده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که برای دنیا غمگین شود، از پروردگار متعال خود، خشمگین شده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا از هیچ کس گرفته نشد، مگر آن که خیر او در آن بود.

امام علی علیه السلام: هر که برای دنیا اندوهناک شود، در واقع، از قضای خداوند خشمگین شده است.

عنه عليه السلام: لا يَحْنَنَّ أَحَدُكُمْ حَنِينَ الْأَمَّةِ عَلَى مَا زُوِيَ عَنْهُ مِنَ الدُّنْيَا . (١)

عنه عليه السلام مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ: دَعِ مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا فَلَا تُكْثِرْ عَلَيْهِ حَزْنَا . (٢)

عنه عليه السلام: كُلَّمَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْءٌ فَهَوِّ غَنِيمَهُ . (٣)

عنه عليه السلام مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ ، وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ يَقُولُ: «مَا انْتَفَعْتُ بِكَلَامٍ بَعْدَ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانْتِفَاعِي بِهَذَا الْكَلَامِ»: أُمِّيَا بَعْدُ ، فَإِنَّ الْمَرْءَ قَدْ يَسِيرُهُ دَرَكُ مَا لَمْ يَكُنْ لِيَفْوَتَهُ ، وَيَسُوؤُهُ فَوْتُ مَا لَمْ يَكُنْ لِيُدْرِكَهُ ، فَلْيَكُنْ سُورُوكَ بِمَا نَلْتَ مِنْ آخِرَتِكَ ، وَلْيَكُنْ أَسْفُوكَ عَلَى مَا فَاتَكَ مِنْهَا . وَمَا نَلْتَ مِنْ دُنْيَاكَ فَلَا تُكْثِرْ بِهِ فَرَحًا ، وَمَا فَاتَكَ مِنْهَا فَلَا تَأْسَ عَلَيْهِ جَزَعًا ، وَلْيَكُنْ هَمُّكَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ . (٤)

عنه عليه السلام مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ بِرِوَايَةٍ أُخْرَى: أَمَّا بَعْدُ ، فَإِنَّ الْمَرْءَ لَيَفْرَحُ بِالشَّيْءِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ لِيَفْوَتَهُ ، وَيَحْزَنُ عَلَى الشَّيْءِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ ، فَلَا يَكُنْ أَفْضَلَ مَا نَلْتَ فِي نَفْسِكَ مِنْ دُنْيَاكَ بُلُوغَ لَذَّةٍ أَوْ شِفَاءَ غَيْظٍ ، وَلَكِنْ إِطْفَاءَ بَاطِلٍ أَوْ إِحْيَاءَ حَقٍّ ، وَلْيَكُنْ سُورُوكَ بِمَا قَدَّمْتَ ، وَأَسْفُوكَ عَلَى مَا خَلَّفْتَ ، وَهَمُّكَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ . (٥)

١- غرر الحكم : ح ١٠٣٩٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٢٠ ح ٩٤٣٦ .

٢- الكافي : ج ٨ ص ٢٤٠ ح ٣٢٧ .

٣- غرر الحكم : ح ٧٢٠٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٩٥ ح ٦٦٨٩ .

٤- نهج البلاغه : الكتاب ٢٢ ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص ٩٥ ، تاريخ يعقوبي : ج ٢ ص ٢٠٥ نحوه ، وكلاهما عن ابن عباس ، غرر الحكم : ح ٣٥٨٦ وليس فيه : «وما نلت ... جزعا» ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٤٩٥ ح ٧٠٠ ؛ تاريخ دمشق : ج ٤٢ ، ص ٥٠٣ ، دستور معالم الحكم : ص ٧٩ كلاهما عن ابن عباس نحوه .

٥- نهج البلاغه : الكتاب ٦٦ ، بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٤٩٢ ح ٦٩٨ وراجع الكافي : ج ٨ ص ٢٤٠ ح ٣٢٧ ووقعه صفين : ص ١٠٧ ومطالب السؤل : ص ٥٢ .

امام علی علیه السلام: مبادا یکی از شما برای آنچه از دنیا به او نرسیده است، مانند کنیزان، زار بزند!

امام علی علیه السلام در نامه اش به ابن عباس: آنچه را از دنیا از دست رفته است، رها کن و زیاد برایش غم مخور.

امام علی علیه السلام: هر وقت چیزی از دنیا را از دست دادی، در واقع، غنیمتی است [که آن را به دست آورده ای].

امام علی علیه السلام در نامه اش به عبد الله ابن عباس، و عبد الله می گفت: «بعد از سخن پیامبر خدا، از هیچ سخنی به اندازه این سخن، بهره نبردم»: اما بعد؛ آدمی گاه، از رسیدن به چیزی شادمان می شود که حتماً به او می رسیده است، و از رسیدن به چیزی ناراحت می شود که هرگز به آن دست نمی یافت. پس، شادمانی تو، باید برای رسیدن به چیزی باشد که به آخرت مربوط می شود، و اندوهت نیز باید برای از دست دادن چیزی از آخرت باشد. برای آنچه از دنیا به دست آورده ای، زیاد شاد مشو، و برای آنچه از آن دست داده ای، ناراحتی و بی تابی مکن؛ بلکه باید غمت، برای پس از مرگ باشد.

امام علی علیه السلام در نامه اش به ابن عباس، به روایتی دیگر: اما بعد؛ آدمی از رسیدن به چیزی شاد می شود که برایش از دست رفتنی نیست، و برای [نداشتن] چیزی غم می خورد که هرگز به آن نمی رسد. پس، نباید بهترین چیز در نزد تو از دنیا به رسیدن به لذتی و یا گرفتن انتقامی باشد؛ بلکه باید خاموش ساختن باطلی و یا زنده ساختن حقی باشد. و باید خوش حالی ات برای چیزی باشد که [برای فردایت] پیش فرستاده ای، و افسوست به خاطر چیزی باشد که به جا گذاشته ای تا دیگری بهره مند گردد [و تو حسابش را پس بدهی]، و غمت برای پس از مرگ باشد.

عنه عليه السلام من كتاب له إلى معاوية: فاحذر الدنيا، فإنه لا فرح في شيء وصلت إليه منها. (١)

الإمام زين العابدين عليه السلام: اللهم صل على محمد وآله، واجعل ثنائي عليك ومدحي إياك وحمدى لك في كل حالاتي، حتى لا أفرح بما آتيتني من الدنيا، ولا أحزن على ما منعتني فيها. (٢)

نثر الدر: نظر علي بن الحسين عليه السلام إلى سائل يبكي، فقال: لو أن الدنيا في يد هذا ثم سقطت منه، ما كان يتبغى له أن يبكي عليها. (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام: اللهم حبب إلي صيحه الفقراء، وأعني على صيحتهم بحسن الصبر، وما زويت عني من متاع الدنيا الفانيه فأذخره لي في خزائتك الباقية. (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: كان فيما وعظ به لقمان ابنه: يا بني... لا تأس على ما فاتك من الدنيا؛ فإن قليل الدنيا لا يدوم بقاؤه، وكثيرها لا يؤمن بلاؤه. (٥)

الإمام الرضا عليه السلام: قال عيسى بن مريم صلوات الله عليه للحواريين: يا بني إسرائيل، لا تأسوا على ما فاتكم من الدنيا كما لا يأسى أهل الدنيا على ما فاتهم من دينهم إذا أصابوا دنياهم. (٦)

١- وقعه صفين: ص ٤٩٣، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٥٣٧ ح ٤٥١.

٢- الصحيفة السجادية: ص ٩١ الدعاء ٢١.

٣- نثر الدر: ج ١ ص ٣٣٨، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٥٨ ح ١٠؛ الفصول المهمة: ص ٢٠٣.

٤- الصحيفة السجادية: ص ١٢٢ الدعاء ٣٠.

٥- الكافي: ج ٢ ص ١٣٤ ح ٢٠، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٤ كلاهما عن يحيى بن عقبة الأزدي، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٤٢٥ ح ١٩.

٦- الكافي: ج ٢ ص ١٣٧ ح ٢٥ عن الوشاء، الأمالي للصدوق: ص ٥٨٥ ح ٨٠٥، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٥١ ح ١٣٧ كلاهما عن الحسن بن علي الخزاز، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٩ ح ١٥٦٨ كلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٠ ح ٤١.

امام علی علیه السلام در نامه اش به معاویه: از دنیا بر حذر باش؛ چرا که رسیدن به هیچ چیز دنیا، جای شادی ندارد.

امام زین العابدین علیه السلام: خدایا! بر محمد و آل او درود فرست، و مرا در همه حال به تمجید و ستایش و سپاس گذاری از خودت بگمار تا برای آنچه از دنیا به من داده ای، شادمان نگردم، و برای آنچه از دنیا به من نداده ای، اندوهگین نشوم.

نثر الدرّ: علی بن الحسین علیهما السلام گدایی را دید که می گریه . فرمود: «اگر [همه] دنیا در دست این مرد بود و از دستش می افتاد، سزاوارش نبود که برای آن بگریه».

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! مرا دوستدار همنشینی با فقیران گردان، و کمکم کن که در همنشینی با آنان خوب شکیبایی کنم، و آنچه را از متاع دنیای فانی از من دریغ کرده ای، در گنجینه های جاویدانت برایم اندوخته کن.

امام صادق علیه السلام: از جمله پندهای لقمان به فرزندش، این بود که: «فرزندم!... برای از دست دادن چیزی از دنیا افسوس مخور؛ چرا که اندک دنیا بقایش دوام ندارد، و بسیار آن، خالی از رنج نیست».

امام رضا علیه السلام: عیسی بن مریم که درودهای خداوند بر او باد به حواریان گفت: «ای بنی اسرائیل! برای از دست دادن چیزی از دنیا افسوس مخورید، چنان که دنیاپرستان هر گاه به دنیایشان می رسند، برای از دست دادن چیزی از دینشان افسوس نمی خورند».

٥ / ٣ لا تَنْظُرُوا إِلَى الدُّنْيَا نَظَرَ العَاشِقِ القَاتِلِ الكِتَابِ «وَلَا تَمُدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى» . (١)

الحديث للإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الآيَةُ: «وَلَا تَمُدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا» اسْتَوَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسًا، ثُمَّ قَالَ: مَنْ لَمْ يَتَعَزَّزْ بِعِزِّ اللَّهِ تَقَطَّعَتْ نَفْسُهُ حَسْرَاتٍ عَلَى الدُّنْيَا. (٢)

الإمام علي عليه السلام: أَنْظُرْ إِلَى الدُّنْيَا نَظَرَ الزَّاهِدِ المُفَارِقِ، وَلَا تَنْظُرْ إِلَيْهَا نَظَرَ العَاشِقِ الوَامِقِ (٣). (٤)

عنه عليه السلام: أَنْظُرُوا فِي الدُّنْيَا نَظَرَ الزَّاهِدِ المُفَارِقِ لَهَا، فَإِنَّهَا تُزِيلُ الثَّأْوِي السَّاكِنَ وَتَفْجَعُ المُتَرَفَّ الآمِنَ، لَا يُرْجَى مِنْهَا مَا تَوَلَّى فَادْبَرَ، وَلَا يُدْرَى مَا هُوَ آتٍ مِنْهَا فَيَنْتَظِرُ، وَصِلَ البَلَاءُ مِنْهَا بِالرَّخَاءِ، وَالبَقَاءُ مِنْهَا إِلَى فَنَاءٍ، فَسُرُورُهَا مَشُوبٌ بِالحُزْنِ، وَالبَقَاءُ فِيهَا إِلَى الضَّعْفِ وَالْوَهْنِ. (٥)

١- طه: ١٣١ .

٢- الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٦ ح ١٢٥ عن ميسر، تفسير القمي: ج ٢ ص ٦٦ عن الإمام الصادق عليه السلام وج ١ ص ٣٨١ عن المفضل بن عمير عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص ٥١ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٧ ح ٢٥ وراجع الكافي: ج ٢ ص ٣١٥ ح ٥ والخصال: ص ٦٤ ح ٩٥ ومشكاة الأنوار: ص ١٤١ ح ٣٣٧ .

٣- وَمَقَّةُ: أَحَبُّهُ، فَهُوَ وَامِقٌ (الصحيح: ج ٤ ص ١٥٦٨ «ومق»).

٤- غرر الحكم: ح ٢٣٨٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٢ ح ١٩٧١، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٩ ح ١٠٩ .

٥- الكافي: ج ٨ ص ١٧ ح ٣، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٣٩ نحوه وكلاهما عن محمد بن إسماعيل الهمداني عن الإمام الكاظم عليه السلام، تحف العقول: ص ٢٠٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٩ ح ١٦ وراجع نهج البلاغة: الخطبة ١٠٣ وإرشاد القلوب: ص ٣٤ ومطالب السؤل: ص ٥١ .

۵ / ۳ به دنیا عاشقانه منگرید

۵ / ۳ به دنیا عاشقانه منگرید قرآن «و دید گانت را به سوی آنچه گروه هایی از آنان را از آن برخوردار کرده ایم ، مدوز که [فقط] زیور زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم و [بدان که] روزی پروردگار تو ، بهتر و پایدارتر است» .

حدیث امام باقر علیه السلام : چون این آیه نازل شد که : «و دید گانت را به سوی آنچه اصنافی از آنان را از آن برخوردار کرده ایم ، مدوز که [فقط] زیور زندگی دنیاست» ، پیامبر خدا راست نشست و سپس فرمود: «هر که به دلداری خدا آرام نگیرد، جانش از حسرت های دنیا متلاشی می شود».

امام علی علیه السلام : به دنیا چون زاهد دنیا گریز بنگر، و به آن ، چونان عاشق شیدا منگر.

امام علی علیه السلام : به دنیا چونان زاهد دنیا گریز بنگر؛ چرا که دنیا مقیم و ساکن خود را می کوچاند، و مرفه آسوده خاطر را دردمند می سازد. آنچه از دنیا پشت کرد و رفت ، دیگر به بازگشتش امیدی نیست، و آنچه می آید ، دانسته نیست تا بتوان در انتظارش نشست. رنج دنیا ، با خوشی پیوسته است، و بقای آن به فنا می انجامد. شادی اش با اندوه آمیخته است، و زندگی در آن ، به ناتوانی و سستی منتهی می شود.

عنه عليه السلام في الديوان المنسوب إليه : يا عاشق الدنيا لغيرك وجهها ولتندمن إذا أرتك قفاها (١)

٥ / ٤ لا تشغلوا قلوبكم بذكر الدنيا رسول الله صلى الله عليه وآله لا تشغلوا قلوبكم بذكر الدنيا . (٢)

الإمام علي عليه السلام : ذكر الدنيا أدواء الأدياء . (٣)

الإمام الحسن عليه السلام من كلامه عند وداع أبي ذر : يا عمّاه ؛ إن القوم قد أتوا إليك ما قد ترى ، وإن الله بالمنظر الأعلى ، فدع عنك ذكر الدنيا بذكر فراقها ، وشدة ما يرد عليك لرخاء ما بعدها . (٤)

٥ / ٥ لا تطل في الدنيا آمالكم رسول الله صلى الله عليه وآله : طول الأمل يصرف هممكم إلى الدنيا . (٥)

الإمام علي عليه السلام : من يأمل أن يعيش غدا فإنه يأمل أن يعيش أبدا ، ومن يأمل أن يعيش أبدا يقسو قلبه ، ويرغب في دنياه ، ويزهد في الذي وعدّه ربّه تبارك وتعالى . (٦)

١- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ص ٣٨ الرقم ٩ .

٢- شعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٦١ ح ١٠٥٨٤ عن محمد بن النظير الحارثي ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٨ ح ٦١٥٣ ؛ تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٣٣ .

٣- غرر الحكم : ح ٥١٧٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥٥ ح ٤٧٢١ وفيه «الداء» بدل «الأدواء» .

٤- الكافي : ج ٨ ص ٢٠٧ ح ٢٥١ عن أبي جعفر الخنعمي ، بحار الأنوار : ج ٢٢ ص ٤٣٦ ح ٥١ وراجع شرح نهج البلاغه : ج ٨ ص ٢٥٣ .

٥- أعلام الدين : ص ٣٤٥ عن أبي هريره ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٨٨ ح ٣٩ .

٦- الجعفریات : ص ٢٤٠ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، كنز الفوائد : ج ١ ص ٦٢ عن رسول الله صلى الله عليه وآله و آله وفيه صدره ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٦٧ ح ٣١ .

۵ / ۴ دل هایتان را به ذکر دنیا مشغول نسازید

۵ / ۵ آرزوهای خود را در دنیال کوتاه کنید

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان: ای عاشقِ دنیا! دنیا رو به دیگری دارد / و هر گاه پشتش را به تو نشان دهد ، هر آینه پشیمان خواهی شد .

۵ / ۴ دل هایتان را به ذکر دنیا مشغول نسازید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دل هایتان را به ذکر دنیا (یاد کردن از دنیا) مشغول نسازید.

امام علی علیه السلام :ذکر دنیا ، بدترین دردهاست.

امام حسن علیه السلام در گفتاری در هنگام بدرود با ابو ذر :عموجان! این مردم ، با تو آن کردند که می بینی، و البته خداوند در منظر برین است [و ناظر بر همه این کارهاست]. پس، با یاد کردن از جدایی دنیا ، یاد دنیا را از دل برون کن، و به خاطر آسایشِ پس از آن ، سختی هایی را که به تو می رسند ، تحمل کن.

۵ / ۵ آرزوهای خود را در دنیا کوتاه کنید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آرزوی دور و دراز، همت های شما را مصروف دنیا می کند.

امام علی علیه السلام :هر که آرزو دارد که فردا [نیز در این دنیا] زندگی کند ، در واقع ، آرزو دارد که تا ابد زندگی کند، و هر که آرزوی زندگی کردن تا ابد را داشته باشد ، دلش سخت می گردد، و به دنیا راغب می شود، و به آنچه پروردگارش تبارک و تعالی به او وعده داده است ، بی رغبت می گردد.

٥ / ٦ كونوا في الدنيا أضيافاً رسول الله صلى الله عليه وآله كونوا في الدنيا أضيافاً، واتخذوا المساجد بيوتاً، وعودوا قلوبكم الرقة، وأكثروا التفكير والبكاء، ولا تختلفن بكم الأهواء، تبنون ما لا تسكنون، وتجمعون ما لا تأكلون، وتأملون ما لا تدركون (١).

٥ / ٧ كن في الدنيا غريباً سناً الترمذي عن ابن عمر: أخذ رسول الله صلى الله عليه وآله ببعض جسدي، فقال: كن في الدنيا كأنك غريب أو عابر سبيل، وعد نفسك في أهل القبور (٢).

٥ / ٨ أخرجوا من الدنيا قلوبكم للإمام علي عليه السلام: أخرجوا من الدنيا قلوبكم من قبل أن تخرج منها أبدانكم، ففيها اختبرتم ولغيرها خلقتهم (٣).

١- كتر الفوائد: ج ١ ص ٣٤٤، أعلام الدين: ص ١٤٦ وص ٣٦٥ عن أبي سعيد الخدري، إرشاد القلوب: ص ٩٤ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٣؛ حليه الأولياء: ج ١ ص ٣٥٨، مسند الشهاب: ج ١ ص ٤٢٦ ح ٧٣١، تفسير القرطبي: ج ١٢ ص ٢٧٧ كلها عن الحكم بن عمير.

٢- سنن الترمذي: ج ٤ ص ٥٦٧ ح ٢٣٣٣، صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٥٨ ح ٦٠٥٣ وليس فيه ذيله، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٧٨ ح ٤١١٤، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٢٩٠ ح ٥٠٠٢، كتر العميال: ج ٣ ص ١٩٤ ح ٦١٢٧؛ الأمالي للطوسي: ص ٣٨١ ح ٨١٩، مشكاة الأنوار: ص ٥٢٤ ح ١٧٦١، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٥٢ عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩٩ ح ٨٥.

٣- نهج البلاغه: الخطبه ٢٠٣، عيون أخبار الرضا: ج ١ ص ٢٩٨ ح ٥٦، الأمالي للصدوق: ص ١٧٢ ح ١٧٤ كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٨ ح ١٥٦٧، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢١٨، روضه الواعظين: ص ٤٨٥ كلها نحوه؛ تذكره الخواص: ص ١٣٢ عن ابن عجلان عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عنه عليهم السلام.

۵ / ۶ در دنیا خود را میهمان بدانید

۵ / ۷ در دنیا غریب وار زندگی کنید

۵ / ۸ دل هایتان را از دنیا بیرون ببرید

۵ / ۶ در دنیا خود را میهمان بدانید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در دنیا [چون] میهمان باشید، و مسجدها را خانه خود بگیرید، و دل هایتان را به نازکی، عادت دهید، و زیاد اندیشه و گریه کنید، و هوس های گونه گون را به خود راه مدهید، به این که: آنچه را در آن ساکن نمی شوید، بنا کنید و آنچه را که نمی خورید، گرد آورید و آنچه را که بدان نمی رسید، آرزو کنید.

۵ / ۷ در دنیا غریب وار زندگی کنید سنن الترمذی به نقل از ابن عمر: پیامبر خدا، جایی از بدنم را گرفت و فرمود: «در دنیا چنان باش که گویی غریبی یا رهگذری، و خویشان را در زمره خفتگان گورها به شمار آور.»

۵ / ۸ دل هایتان را از دنیا بیرون ببرید امام علی علیه السلام: پیش از آن که بدن هایتان از دنیا بروند، دل هایتان را از آن بیرون ببرید؛ زیرا دنیا آزمایشگاه شماسست و برای غیر آن، آفریده شده اید.

عنه عليه السلام: كُنْ فِي الدُّنْيَا بِدِنِكَ ، وَفِي الآخِرَةِ بِقَلْبِكَ . (١)

٥ / ٩ فِرَوا مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فِرَوا مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا كَمَا تَفِرُونَ مِنَ الحَرَامِ ، وَهَوَّنُوا عَلَي أَنْفُسِكُمْ الدُّنْيَا كَمَا تَهَوَّنُونَ الجِيفَةَ ، وَتَوَرَّوا قُلُوبَكُمْ بِتَفَكُّرِ الآخِرَةِ ، وَتَوَبَّوا إِلَى اللَّهِ مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِكُمْ ؛ حَتَّى تَنْجُوا مِنْ شِدَّةِ يَوْمِ القِيَامَةِ . (٢)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الإِعْتِبَارِ ، وَيَقْتَاتُ مِنْهَا بِبَطْنِ الإِضْطِرَارِ ، وَيَسْمَعُ فِيهَا بِأَذْنِ المَقْتِ وَالإِبْغَاضِ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: تَشَوَّفَتِ (٤) الدُّنْيَا لِقَوْمٍ حَلالًا مَحْضًا فَلَمْ يُرِيدُوا فَدَرَجُوا (٥) ، ثُمَّ تَشَوَّفَتِ لِقَوْمٍ حَلالًا وَشُبْهَةً ، فَقَالُوا : لا حَاجَةَ لَنَا فِي الشُّبْهَةِ وَتَوَسَّعُوا مِنَ الحَلالِ ، ثُمَّ تَشَوَّفَتِ لِقَوْمٍ آخِرِينَ حَرَامًا وَشُبْهَةً ، فَقَالُوا : لا حَاجَةَ لَنَا فِي الحَرَامِ وَتَوَسَّعُوا فِي الشُّبْهَةِ ، ثُمَّ تَشَوَّفَتِ لِقَوْمٍ حَرَامًا مَحْضًا ؛ فَيَطْلُبُونَهَا فَلَا يَجِدُونَهَا . وَالْمُؤْمِنُ فِي الدُّنْيَا يَأْكُلُ بِمَنْزِلَةِ المُضْطَرِّ . (٦)

١- . حليه الأولياء : ج ٢ ص ٣٧ ؛ كشف الغمّة : ج ٢ ص ١٩٣ كلاهما عن أبان بن الطفيل ، غرر الحكم : ح ٧١٦٤ وفيه «بقلبك وعملك» .

٢- . الفردوس : ج ٣ ص ١٤٩ ح ٤٤٠١ عن جابر بن عبد الله ؛ مستدرک الوسائل : ج ١٢ ص ٥٤ ح ١٣٩٦ نقلًا عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب وليس فيه «وتوروا قلوبكم بتفكر الآخرة» .

٣- . نهج البلاغه : الحكمه ٣٦٧ ، غرر الحكم : ح ٢١٢٦ ، تحف العقول : ص ٢٢٢ وفيه «النفث» بدل «المقت والإبغاض» ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٣١ ح ١٣٥ .

٤- . تَشَوَّفَتِ الجاريةُ : أى تَزَيَّنَتْ (الصحاح : ج ٤ ص ١٣٨٣ «شوف»).

٥- . دَرَجَ : مات (النهايه : ج ٢ ص ١١١ «درج»).

٦- . الكافى : ج ٥ ص ١٢٥ ح ٦ ، تهذيب الأحكام : ج ٦ ص ٣٦٩ ح ١٠٦٦ وفيه «تَشَوَّفَتِ» بدل «تَشَوَّفَتِ» وكلاهما عن عبد الله بن القاسم الجعفرى .

۵ / ۹ از فزونی های دنیا بگریزید

امام علی علیه السلام: با بدنت ، در دنیا باش و با دلت ، در آخرت.

۵ / ۹ از فزونی های دنیا بگریزید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همچنان که از حرام می گریزید ، از فزونی های دنیا نیز بگریزید، و همچنان که مردار را خوار می شمارید ، دنیا را نیز در نظرتان خوار گردانید، و با اندیشیدن درباره آخرت ، دل هایتان را نورانی کنید، و از فزونی های دنیا و کردارهای بدتان ، به درگاه خدا توبه برید تا از سختی روز قیامت برهید.

امام علی علیه السلام: مؤمن به دنیا با دیده عبرت می نگرد، و از آن به اندازه ضرورت می خورد، و با گوش نفرت و دشمنی ، به آن گوش می دهد.

امام صادق علیه السلام: دنیا برای عده ای ، به صورت حلال محض خودنمایی کرد؛ ولی آنها آن را نخواستند و مردند. سپس برای عده ای به صورت حلال و شبهه ناک نمایان شد و آنها گفتند: «ما را به [مال] شبهه ناک ، نیازی نیست» و از حلال ، تا توانستند ، برگرفتند. سپس برای عده ای دیگر به صورت حرام و شبهه ناک خودنمایی نمود و آنها گفتند: «ما را به حرام نیازی نیست» و در [مال] شبهه ناک ، غوطه ور شدند . و سپس برای عده ای ، به صورت حرام محض نمایان خواهد گردید و آنان آن را می طلبند؛ اما آن را نمی یابند . مؤمن در دنیا از سرِ ناچاری می خورد.

١٠ / ٥ اجعل الدنيا شوكا للإمام علي عليه السلام: اجعل الدنيا شوكا وانظر أين تصع قدمك منها، فإن من ركن إليها خذلتها، ومن أنس بها أوحشتها، ومن رغب فيها أوهنتها، ومن انقطع إليها قتلتها، ومن طلبها أرهقتها، ومن فرح بها أترحتها (١)، ومن طمع فيها صرعتها، ومن قدمها أحرته، ومن أكرمها أهانتها، ومن آثرها باعدته من الآخرة، ومن بعد من الآخرة قرب من النار. (٢)

١١ / ٥ اجعل الدنيا بمنزله ما يصاب في المنامتنبيه الغافلين عن جابر بن عبد الله: شهدت مجلسا من مجالس رسول الله صلى الله عليه وآله، إذ أتاه رجل أبيض الوجه، حسن الشعر واللون، عليه ثياب بيض، فقال: السلام عليكم يا رسول الله. فقال النبي صلى الله عليه وآله: وعليك السلام ورحمة الله. فقال: يا رسول الله ما الدنيا؟ قال: حلم المنام، وأهلها مجازون ومعاقبون. قال: يا رسول الله وما الآخرة؟ قال: الأيد؛ فريق في الجنة وفريق في السعير. فقال: يا رسول الله وما الجنة؟ قال: يذل الدنيا لتاريخها بنعيمها أيدا. قال: فما جهنم؟ قال: بذل الدنيا لاطلبها لا يفارقها أهلها أبدا. قال: فمن خير هذه الأمة؟ قال: الذي يعمل فيها بطاعة الله تعالى. قال: فكيف يكون الرجل فيها؟ قال: مشمرا كطالب القافلة. قال: فكم القرار بها؟ قال: كقدر المتخلف عن القافلة. قال: فكم ما بين الدنيا والآخرة؟ قال: كغمضه عين. قال: فذهب الرجل فلم ير. فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: هذا جبريل؛ أتاكم ليزهدكم في الدنيا، ويرغبكم في الآخرة. (٣)

١- الترح: ضد الفرح. وهو الهلاك والانقطاع أيضا (النهاية: ج ١ ص ١٨٦ «ترح»).

٢- مطالب السؤل: ص ٥٢؛ بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٢ ح ٨٤.

٣- تنبيه الغافلين: ص ٢٣٩ ح ٣١١ وراجع روضه الواعظين: ص ٤٩٠ وبحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٢.

۵ / ۱۰ دنیا را بوته خاری بدان

۵ / ۱۱ دنیا را به سان چیزی بدان که در رؤیا به آن ، دست می یابی

۵ / ۱۰ دنیا را بوته خاری بدان امام علی علیه السلام: دنیا را بوته خاری بدان و بنگر که پای خود را در کجای آن می نهی؛ زیرا هر که به دنیا تکیه کند، دنیا او را وا می نهد، و هر که به آن انس گیرد، دنیا تنهایش می گذارد، و هر که آن را بخواهد، دنیا او را خوار می گرداند، و هر که خود را وقف آن کند، دنیا او را می کشد، و هر که آن را بجوید، دنیا او را به سختی می اندازد، و هر که به آن شاد گردد، دنیا او را اندوهناک می کند، و هر که به آن طمع کند، دنیا او را به خاک می افکند، و هر که آن را پیش افکند، دنیا او را پس می افکند، و هر که به آن احترام بگذارد، دنیا به او اهانت روا می دارد، و هر که آن را ترجیح دهد، دنیا او را از آخرت دور می گرداند، و هر که از آخرت دور شود، به آتش نزدیک می گردد.

۵ / ۱۱ دنیا را به سان چیزی بدان که در رؤیا به آن ، دست می یابیتنبیه الغافلین به نقل از جابر بن عبد الله: در مجلسی از مجلس های پیامبر خدا حضور داشتم که مردی سفیدرو و خوش مو و رنگ ، در حالی که جامه هایی سپید بر تن داشت ، وارد شد و گفت: سلام بر شما ، ای پیامبر خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «و علیک السلام و رحمه الله». گفت: ای پیامبر خدا! دنیا چیست؟ فرمود: «رؤیایی که در خواب می بینند، و البته اهل دنیا ، پاداش و کیفر خواهند دید». گفت: ای پیامبر خدا! آخرت چیست؟ فرمود: «جاودانگی : گروهی در بهشت و گروهی در دوزخ». گفت: ای پیامبر خدا! بهشت چیست؟ فرمود: «ناز و نعمت ابدی که دنیا به ترک کننده خود می بخشد». گفت: دوزخ چیست؟ فرمود: «بخشش دنیا به دنیا طلب. و اهل آن ، هرگز از آن خارج نمی شوند». گفت: بهترین این امت کیست؟ فرمود: «کسی که کارش در دنیا ، اطاعت خداوند متعال باشد». گفت: آدمی در دنیا باید چگونه باشد؟ فرمود: «کمر همّت بر بسته، همانند جوینده قافله». گفت: چند در دنیا می ماند؟ فرمود: «به اندازه عقب مانده از قافله». گفت: فاصله میان دنیا و آخرت ، چه قدر است؟ فرمود: «به اندازه چشم بر هم زدن». آن مرد رفت و دیگر دیده نشد. پیامبر خدا فرمود: «این ، جبرئیل بود. آمده بود تا شما را نسبت به دنیا زاهد ، و به آخرت راغب گرداند».

تنبيه الخواطر: قال جابرُ الجعفيُّ لجعفرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ عِظْنِي! قَالَ: يَا جَابِرُ، اجْعَلِ الدُّنْيَا مَالًا أَصِيبَتْهُ فِي مَنَامِكَ ثُمَّ انْتَبَهَتْ وَلَيْسَ مَعَكَ مِنْهُ شَيْءٌ. هَلْ هُوَ إِلَّا ثَوْبٌ تَلْبَسُهُ فِتْبَلِيهِ، أَوْ طَعَامٌ يَعُودُ بَعْدُ إِلَى مَا تَعَلَّمُ؟! فَالْعَجْبُ لِقَوْمٍ حُبِسَ أَوْلُهُمْ عَنِ آخِرِهِمْ، ثُمَّ نُوْدِيَ فِيهِمْ بِالرَّحِيلِ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ يَلْعَبُونَ. (١)

الإمام الباقر عليه السلام لجابر: يا جابر... أنزل الدنيا كمنزل نزلته ثم ارتحلت عنه، أو كمالٍ وحيدته في منامك فاستيقظت وليس معك منه شيء. إني إنما ضربت لك هذا مثلاً؛ لئلا يفتنك عند أهل اللب والعلم بالله كفى الظلال. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: أنزل الدنيا كمنزل نزلته فارتحلت عنه، أو كمالٍ أصبته في منامك فاستيقظت وليس في يدك شيء منه. فكم من حريصٍ على أمرٍ قد شققت به حين أتاه، وكم من تاركٍ لئامٍ قد سعد به حين أتاه. (٣)

راجع: ج ١ ص ٦٨ (مثل الدنيا / مثل الحلم).

١٢ / ٥ اجعل الدنيا بمنزله فنظرها الإمام الصادق عليه السلام: كان فيما وعظ به لقمان ابنه: يا بُنَيَّ... اجعل الدنيا بمنزله فنظره على نهرٍ جُزَّتْ عَلَيْهَا وَتَرَكْتَهَا وَلَمْ تَرْجِعْ إِلَيْهَا آخِرَ الدَّهْرِ. (٤)

١- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٣٠.

٢- الكافي: ج ٢ ص ١٣٣ ح ١٦ عن جابر، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٤، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٦ ح ١٧؛ حليه الأولياء: ج ٣ ص ١٨٧ عن جابر وراجع الأمالي للطوسي: ص ٢٩٦ ح ٥٨٢ والزهد للحسين بن سعيد: ص ٥٠ ح ١٣٣ ومشكاة الأنوار: ص ٤٧٠ ح ١٥٧٤ وبشاره المصطفى: ص ١٨٩ والفضائل: ص ٧ وكشف الغمّة: ج ٢ ص ٣٣٤.

٣- تحف العقول: ص ٣٧٧ عن سفيان الثوري و ص ٢٨٧.

٤- الكافي: ج ٢ ص ١٣٥ ح ٢٠، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٤ كلاهما عن يحيى بن عقبة الأزدي، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٤٢٥ ح ١٩.

۵ / ۱۲ دنیا را به سان پُلی بدان

تنبیه الخواطر به نقل از جابر جُعفی که به امام صادق علیه السلام گفت: فدایت شوم! مرا موعظه کن جعفر بن محمد (امام صادق علیه السلام) فرمود: «ای جابر! دنیا را مانند مالی بدان که در عالم خواب به دست می آوری و چون بیدار می شوی، خبری از آن نیست. آیا دنیا، جز جامه ای است که می پوشی و کهنه اش می کنی، یا غذایی که می خوری و بعد تبدیل به چیزی می شود که می دانی؟! پس، تعجب است از مردمی که پیشینیانشان نگه داشته شده اند و منتظر پسینیانشان هستند. و در این حال، در میان نشان بانگ رفتن سر داده شده است؛ اما آنان همچنان سرگرم بازی اند!»

امام باقر علیه السلام به جابر: ای جابر!... دنیا را چون منزلگاهی بدان که در آن فرود آمده ای و سپس از آن می کوچی، یا مانند مالی بدان که در عالم خواب یافته ای و چون بیدار می شوی، خبری از آن نیست. من این را تنها از این رو برای تو مثال آوردم که دنیا در نزد خردمندان و خداشناسان همانند، جا به جا شدن سایه هاست.

امام صادق علیه السلام: دنیا را به سان منزلگاهی بدان که در آن فرود می آیی و سپس از آن می کوچی، یا مانند مالی بدان که در خوابت می یابی و چون بیدار می شوی، اثری از آن نمی بینی. ای بسا آزمند چیزی که چون بدان رسید، مایه بدبختی او گردید، و ای بسا ترک کننده چیزی که چون آن چیز به او رسید، مایه خوشبختی اش گردید!

ر. ک: ج ۱ ص ۶۹ (مَثَل دنیا / مَثَل رؤیا).

۵ / ۱۲ دنیا را به سان پُلی بدان امام صادق علیه السلام: از اندرزه‌های لقمان به فرزندش، این بود که: «فرزندم!... دنیا را به سان پلی بر رودخانه ای بدان که از آن، گذشته ای و آن را پشت سر نهاده ای و دیگر هرگز به سوی آن بر نمی گردی».

١٣ / ٥ اجعل الدنيا سجنك لقمان عليه السلام فيما وعظ به ولده: يا بني ، اجعل الدنيا سجنك فتكون الآخرة جنتك . (١)

راجع: ج ١ ص ٢٨٢ (خصائص الدنيا/ سجن المؤمن وجنة الكافر) .

١٤ / ٥ كونوا في الدنيا كسفر الإمام علي عليه السلام في خطبه يوم الفطر: إن الدنيا دار رضى الله لآهلها الفناء ، وقدّر عليهم بها الجلاء ، فكل ما فيها نافذ ، وكل من يسلكها بائد ، وهى مع ذلك حلوة غضرة (٢) ، رائقة نضرة ، قد زينت للطالب ، ولاطت (٣) بقلب الزاغ ، يطيبها الطامع ، ويجتويها (٤) الوجل الخائف ، فارتحلوا رحمكم الله منها بأحسن ما يحضرتكم من الزاد ، ولا تطلبوا منها سوى البلغ ، وكونوا فيها كسفر نزلوا منزلاً فتمتعوا منه بأدنى ظل ثم ارتحلوا لشأنهم ، ولا تميدوا أعينكم فيها إلى ما متع به المترفون ، وأضروا فيها بأنفسكم ، فإن ذلك أخف للحساب ، وأقرب من النجاة . (٥)

١- الاختصاص : ص ٣٣٧ عن الأوزاعي ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٤٢٨ ح ٢٣ .

٢- عيش غضرة : ناعم رافة (تاج العروس : ج ٧ ص ٣١٢ «غضرة») . وفى بعض نسخ المصدر : «خضرة» بدل «غضرة» .

٣- لا ط به : لصق به (النهاية : ج ٤ ص ٢٧٧ «لوط») .

٤- اجتويت البلد : إذا كرهت المقام فيه وإن كنت فى نعمه (النهاية : ج ١ ص ٣١٨ «جوا») .

٥- مصباح المتهجد : ص ٦٦٠ ح ٧٢٨ عن جندب بن عبد الله الأزدي عن أبيه ، بحار الأنوار : ج ٩١ ص ٣٠ ح ٥ وراجع نهج

البلاغه : الخطبه ٤٥ وروضه الواعظين : ص ٤٨٢ .

۵ / ۱۳ دنیا را زندان خود بشمار**۵ / ۱۴ در دنیا چون مسافران باشید**

۵ / ۱۳ دنیا را زندان خود بشمار لقمان علیه السلام در اندرزهایش به فرزندش: فرزندم! دنیا را زندان خود قرار ده تا آخرت، بهشت تو باشد.

ر. ک: ج ۱ ص ۲۸۳ (ویژگی های دنیا / زندان مؤمن و بهشت کافر).

۵ / ۱۴ در دنیا چون مسافران باشید امام علی علیه السلام در خطبه روز فطر: دنیا سرایی است که خداوند برای اهل آن، فنا خواسته، و کوچیدن از آن را برایشان مقدر ساخته است. بنا بر این، هر آنچه در دنیاست، تمام شدنی است، و هر که در آن گام نهد، از بین رفتنی. با وجود این، دنیا شیرین و لذیذ است، و خوشایند و دل نشین. خود را برای طالبش آرایش کرده است، و به دل خواهانش می چسبد. شخص آزمند، آن را خوش می یابد، و انسان بیمناک ترسان، از آن بیزار است. پس خدایتان رحمت کند از دنیا با بهترین توشه ای که در اختیار شماست، کوچ کنید، و جز به قدر کفاف، از آن مجوید، و در دنیا چونان مسافرانی باشید که در منزلی فرود آمدند و از کمترین سایه آن استفاده کردند و سپس در پی کار خویش رفتند. در دنیا به ناز و نعمتی که مرفهان از آن برخوردارند، چشم مدوزید، و در آن به خویشتن محرومیت دهید؛ چرا که این کار، حساب [روز قیامت] را سبک تر می کند و به نجات، نزدیک تر است.

عنه عليه السلام: **اعلموا عباد الله أن المؤمن لا يُصبح ولا يُمسي إلا ونفسه ظنون (١)** عنده، فلا يزال زارياً عليها ومُستريداً لها، فكونوا كالسابقين قبلكم والماضين أمامكم؛ **فَوَضُوا (٢)** مِنَ الدُّنْيَا تَقْوِيصَ الرَّاحِلِ ، وَطَوَّوْهَا طَيِّ الْمَنَازِلِ . (٣)

١٥ / ٥ كونوا عن الدنيا نزارها الإمام على عليه السلام في وصيته بالزهد والتقوى: كونوا عن الدنيا نزارها وإلى الآخرة وُلاها (٤) ، ولا تَصْعَوْا مَنْ رَفَعْتَهُ التَّقْوَى ، ولا تَرْفَعُوا مَنْ رَفَعْتَهُ الدُّنْيَا ، ولا تَشِيمُوا (٥) بَرَقِهَا ، ولا تَسْمَعُوا نَاطِقِهَا ، ولا تُجِيبُوا نَاعِقِهَا (٦) ، ولا تَسْتَضِيئُوا بِإِشْرَاقِهَا ، ولا تُفْتِنُوا بِأَعْلَاقِهَا (٧) ؛ فَإِنَّ بَرَقَهَا خَالِبٌ (٨) ، وَنُطْقَهَا كَاذِبٌ ، وَأَمْوَالُهَا مَحْرُوبَةٌ (٩) ، وَأَعْلَاقُهَا مَسْلُوبَةٌ . أَلَا وَهِيَ الْمُتَّصِدِّيَّةُ الْعَنُونُ (١٠) ، وَالْجَامِحَةُ (١١) الْحَرُونَ (١٢) ، وَالْمَائِنَةُ (١٣) الْخَوُونَ ، وَالْجَحُودُ الْكَنُودُ (١٤) ، وَالْعَنُودُ الصَّدُودُ ، وَالْحَيُودُ (١٥) الْمَيُودُ (١٦) . حَالُهَا انْتِقَالٌ ، وَوَطْأَتُهَا زَلْزَالٌ ، وَعِزُّهَا دُلٌّ ، وَجِدُّهَا هَزْلٌ ، وَعُلُوُّهَا سِفْلٌ . دَارُ حَرْبٍ وَسَيْلِبٍ ، وَنَهَبٍ وَعَطَبٍ . أَهْلُهَا عَلَى سَاقٍ وَسَيْيَاقٍ ، وَلِحَاقٍ وَفِرَاقٍ . قَدْ تَحَيَّرَتْ مَذَاهِبُهَا ، وَأَعْجَزَتْ مَهَارِبُهَا ، وَخَابَتْ مَطَالِبُهَا ؛ فَأَسْلَمَتْهُمْ الْمَعَاقِلُ ، وَلَفَّظَتْهُمْ الْمَنَازِلُ ، وَأَعَيْتَهُمُ الْمَحَاوِلُ ؛ فَمِنْ نَاجٍ مَعْقُورٍ (١٧) ، وَلَحْمٍ مَجْزُورٍ ، وَشَيْلٍ (١٨) مَذْبُوحٍ ، وَدَمٍ مَسْفُوحٍ ، وَعَاضٍ عَلَى يَدَيْهِ ، وَصَافِقٍ بِكَفَيْهِ ، وَمُرْتَفِقٍ بِخَدَيْهِ ، وَزَارٍ (١٩) عَلَى رَأْيِهِ ، وَرَاجِعٍ عَنِ عَزْمِهِ ؛ وَقَدْ أَدْبَرَتْ الْحَيْلَةَ ، وَأَقْبَلَتِ الْغِيْلَةَ (٢٠) ، وَوَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ (٢١) . هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ! قَدْ فَاتَ مَا فَاتَ ، وَذَهَبَ مَا ذَهَبَ ، وَمَضَّتِ الدُّنْيَا لِحَالٍ بِأَلْيَا ، «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ» (٢٢) . (٢٣)

- ١- ظَنُونٌ عنده : أى متهمه لديه بالخيانة والتقصير فى طاعه الله تعالى (مجمع البحرين : ج ٢ ص ١١٤٤ «ظنن»).
- ٢- قَوْضُ الْبِنَاءِ : قَلْعُهُ وَأَزَالُهُ ، وَمِنْهُ «تَقْوِيصُ الْخِيَامِ» (أنظر النهاية : ج ٤ ص ١٢١ «قوض»). وقال ابن الحديد فى شرحه : أمرهم بالتأسيى بمن كان قبلهم، وهم الذين قوضوا من الدنيا خيامهم ؛ أى نقضوها، وطووا أيام العمر كما يطوى المسافر منازل طريقه (شرح نهج البلاغه : ج ١٠ ص ١٨)
- ٣- نهج البلاغه : الخطبه ١٧٦ ، عدّه الداعى : ص ٢٢٤ ، غرر الحكم : ح ٣٤٩٣ وليس فيه ذيله من «فكونوا كالسابقين . . .» ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٧٨ ح ١٢ .
- ٤- الْوَلَهُ : ذَهَابُ الْعَقْلِ ، وَالتَّحْيِيرُ مِنْ شِدَّةِ الْوَجْدِ (النهاية : ج ٥ ص ٢٢٧ «وله»).
- ٥- شَمَتِ الْبَرَقُ : إِذَا نَظَرْتَ إِلَى سَحَابَتِهِ أَيْنَ تَمَطَّرَ (الصحيح : ج ٥ ص ١٩٦٣ «شيم»).
- ٦- نَعَقَ : أَيْ صَاحَ وَزَجَرَ (الصحيح : ج ٤ ص ١٥٥٩ «نعق»).
- ٧- الْأَعْلَاقُ : أَيْ نَفَائِسُ الْأَمْوَالِ ، الْوَاحِدُ : عِلْقٌ ، قِيلَ : سُمِّيَ بِهِ لِتَعَلُّقِ الْقَلْبِ بِهِ (النهاية : ج ٣ ص ٢٩٠ «علق»).
- ٨- يُقَالُ لِلسَّحَابِ يَوْمُضٌ بَرَقَهُ حَتَّى يُرْجَى مَطَرُهُ ثُمَّ يُخْلَفُ وَيَقْلَعُ وَيَنْقَشُ : الْخَلْبُ ؛ وَكَأَنَّهُ مِنَ الْخِلَابِ : وَهِيَ الْخِدَاعُ بِالْقَوْلِ اللَّطِيفِ (أنظر النهاية : ج ٢ ص ٥٨ «خلب»).
- ٩- الْمَحْرُوبُ : الْمَسْلُوبُ الْمَنْهُوبُ (النهاية : ج ١ ص ٣٥٨ «حرب»).
- ١٠- الْمُتَّصِدِّيَّةُ الْعَنُونُ : أَيْ الَّتِي تَتَعَرَّضُ لِلنَّاسِ (النهاية : ج ٣ ص ٣١٣ «عنن»).
- ١١- جَمَحَ : أَيْ أَسْرَعَ إِسْرَاعًا لَا يَرُدُّهُ شَيْءٌ (النهاية : ج ١ ص ٢٩١ «جمح»).

- ١٢- فَرَسٌ حَرْوُنٌ : لا يَنقَاد ، وإِذَا اشْتَدَّ بِهِ الجَرى وَقَف (الصَّحاح : ج ٥ ص ٢٠٩٧ «حرن»).
- ١٣- المَينُ : الكَذِب (النَّهْايه : ج ٤ ص ٣٨٣ «مين»).
- ١٤- الكُنُودُ : كَفْرانُ النعمه (القاموس المحيط : ج ١ ص ٣٣٣ «كند»).
- ١٥- حَدَّ عَن الطَّرِيقِ يَحِيدُ : إِذَا عَدَلَ . وَالْحَيودُ مِنْ أبنِيهِ المبالَغَه (النَّهْايه : ج ١ ص ٤٦٦ «حيد»).
- ١٦- مَادٌ : مالٌ وَتَحَرَّكَ (النَّهْايه : ج ٤ ص ٣٧٩ «ميد»).
- ١٧- العَقْرُ : الجَرْح (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٩٣ «عقر»).
- ١٨- الشَّلُو : العَضو ، القِطْعَه (النَّهْايه : ج ٢ ص ٤٩٨ «شلا»).
- ١٩- زارٍ : أَى عاتِبٌ ساخِطٌ غيرِ راضٍ (الصَّحاح : ج ٦ ص ٢٣٦٨ «زرى»).
- ٢٠- الغَيْلَه : الشَّقشِقَه والخَدِيعَه والأغْتِياَل (القاموس المحيط : ج ٤ ص ٢٧ «غيل»).
- ٢١- وَلاَتٌ حِينٌ مَناصٌ : وَليسَ ساعَه مَهْرِبٍ أوِ مَلْجَأٍ (لسان العرب : ج ٧ ص ١٠٢ «نوص»).
- ٢٢- الدخان : ٢٩ .
- ٢٣- نهج البلاغه : الخطبه ١٩١ .

۵ / ۱۵ از دنیا وارسته باشید

امام علی علیه السلام: بدانید ای بندگان خدا که مؤمن، شب را به روز و روز را به شب نمی‌رساند، مگر آن که نفسش در نزد او متهم است؛ (۱) پیوسته آن را سرزنش می‌کند و از آن، [کار و عبادت] بیشتر می‌طلبد. پس، همچون کسانی باشید که پیش از شما رفتند و کسانی که پیش روی شما در گذشتند. آنان، همانند کوچ کنندگان، خیمه خویش را از دنیا برچیدند و آن را منزل به منزل، پیچیده داشتند.

۵ / ۱۵ از دنیا وارسته باشید امام علی علیه السلام در سفارش به زهد و ورزی و پرهیزگاری: از دنیا وارسته و به آخرت، دل باخته باشید، و آن را که پرهیزگاری، بلندمرتبه‌اش ساخته است، پست بشمارید، و آن را که دنیا رفعت بخشیده، بلندمرتبه مپندارید. به آذرخش دنیا امید مبنید، و به گوینده‌اش گوش مسپارید، و به دعوتش پاسخ مدهید، و از تابشش روشنایی مجوید، و به کالاهای نفیس آن، فریفته نشوید؛ چرا که آذرخش دنیا، بی باران و گفتارش دروغ است، و دارایی هایش تاراج و کالاهای نفیس آن [از کف شما] رفته می‌شود. آگاه باشید که دنیا [چونان مرکب]، آزار دهنده است، و [چون اسب] خودسر و سرکش است، و دروغگو و خیانت پیشه است، و حق ناشناس و ناسپاس است، و ناسازگار و روی گردان است، و پیوسته کژراهه می‌رود و طریق انحراف می‌پوید. خاصیت آن، جا به جا شدن است، و گام هایش لرزان، و عزتش ذلت، و جدی‌اش شوخی، و بلندی‌اش پستی. سرای هجوم و ربودن و غارت و ویرانی است. اهل آن، همواره آماده رفتن و پیوستن [به رفتگان] و جدا شدن [از مال و اولاد] اند. راه هایش همه سرگردانی اند، گریزگاه هایش مایه درماندگی اند، و خواسته هایش ناکام کننده (دست نیافتنی). دژهای اهل خود را تسلیم [دشمن] می‌کنند، و خانه هایش آنان را از خود بیرون می‌افکنند، و چاره‌گری هایش ناتوانشان می‌گرداند. پس، برخی از آنان، رهیده‌ای زخم آلودند، عدّه‌ای گوشتی پاره پاره، عدّه‌ای پیکری بی سر، و عدّه‌ای خونی ریخته شده. یکی دست به دندان می‌گزد، دیگری کف بر کف می‌زند، یکی زانوی غم در بغل می‌گیرد، و دیگری اندیشه خویش را سرزنش می‌کند، و آن دیگری، از تصمیم خویش بر می‌گردد. چاره اندیشی، بی حاصل گشته، و مرگ غافلگیرانه روی آورده است و دیگر، فرصت گریختن نیست. هیئات، هیئات! گذشته‌ها گذشتند، و رفته‌ها رفتند، و دنیا از پس کار خویش رفت «و آسمان و زمین برایشان نگریست و مهلت داده نشدند».

۱- یعنی آن را متهم به خیانت و کوتاهی در طاعت خداوند متعال می‌کند (مجمع البحرین: ج ۲ ص ۱۴۴ «ظن»).

١٦ / ٥ لَتَكُنِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِكُمْ أَصْغَرَ مِنْ حُثَالِهِ الْقَرْظِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَلَتَكُنِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِكُمْ أَصْغَرَ مِنْ حُثَالِهِ الْقَرْظِ (١)،
وَقَرَا ضَهُ الْجَلْمِ (٢). (٣)

١٧ / ٥ اِرْفُضُوا هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّمِيمَةَ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَاغْتِنَامِ مَا اسْتَطَعْتُمْ عَمَلًا بِهِ مِنْ طَاعَتِهِ فِي
هَذِهِ الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ، وَبِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ وَإِنْ لَمْ تَكُونُوا تُحِبُّونَ تَرَكَهَا، وَالْمُبْلِيَةِ (٤) لَكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ تَجْدِيدَهَا
(٥).

عنه عليه السلام: اِرْفُضُوا هَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةَ لَكُمْ وَإِنْ لَمْ تُحِبُّوا تَرَكَهَا، وَالْمُبْلِيَةَ أَجْسَادَكُمْ عَلَى مَحَبَّتِكُمْ لِتَجْدِيدِهَا. (٦)

١- حُثَالَةُ الْقَرْظِ: نَفَايَتُهُ. وَالْقَرْظُ: شَجَرٌ يُدْبِغُ بِهِ، وَقِيلَ: هُوَ وَرَقُ السِّلْمِ يُدْبِغُ بِهِ الْأَدَمُ (لسان العرب: ج ١١ ص ١٤٢ «حثل»
وج ٧ ص ٤٥٤ «قرظ»).

٢- الْقَرَا ضَهُ: مَا سَقَطَ بِالْقَرْضِ (لسان العرب: ج ٧ ص ٢١٦ «قرض»). وَالْجَلْمُ: الَّذِي يُجَزُّ بِهِ الشَّعْرُ وَالصُّوفُ (النهاية: ج ١
ص ٢٩٠ «جلم»).

٣- نَهْجُ الْبَلَاغَةِ: الْخُطْبَةُ ٣٢، تَنْبِيهُ الْخَوَاطِرِ: ج ٢ ص ٨ وفيه «من حُثَالَةِ الْقَرْظِ وَقَرَا ضَهُ الشَّلْجَمِ»، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٨ ص ٥ ح
٥٤، وَرَاجِعُ مَطَالِبِ السُّؤُولِ: ص ٣٢.

٤- بَلَى: خَلِقَ فَهُوَ بِالِ (المصباح المنير: ص ٦٢ «بلى»).

٥- كِتَابٌ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَةُ: ج ١ ص ٤٢٩ ح ١٢٦٣، نَهْجُ الْبَلَاغَةِ: الْخُطْبَةُ ٩٩، مِصْبَاحُ الْمُتَهَيِّجِ: ص ٣٨١ ح ٥٠٨ عَنْ زَيْدِ
بْنِ وَهْبٍ، تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ: ج ٢ ص ٢٥٣ كُلُّهَا نَحْوَهُ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٣ ص ١١٢ ح ١٠٩ نَقْلًا عَنْ عِيُونَ الْحَكْمِ وَالْمَوَاعِظِ؛
دَسْتُورِ مَعَالِمِ الْحَكْمِ: ص ٤٥ نَحْوَهُ.

٦- غَرَّرَ الْحَكْمَ: ح ٢٥٧٧، عِيُونَ الْحَكْمِ وَالْمَوَاعِظِ: ص ٨٨ ح ٢٠٩٦.

۵ / ۱۶ دنیا، در چشمتان ، خُردتر از تفاله برگ درخت قَرظ باشد

۵ / ۱۷ این دنیای نکوهیده را رها کنید!

۵ / ۱۶ دنیا، در چشمتان ، خُردتر از تفاله برگ درخت قَرظ باشد امام علی علیه السلام: باید دنیا در چشمتان ، خُردتر از تفاله برگ درخت قرظ (۱) و خرده ریزه‌هایی باشد که از قیچی پشم زنی می افتند.

۵ / ۱۷ این دنیای نکوهیده را رها کنید! امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! شما را سفارش می کنم به پروا کردن از خداوند و این که تا می توانید ، این ایام زودگذر عمر را غنیمت بشمرید و به طاعت خدا پردازید، و رها کنید این دنیایی را که شما را ترک می کند هر چند دوست ندارید شما را ترک گوید ، و بیکر شما را فرسوده می گرداند هر چند شما دوست دارید که آن را نو گردانید .

امام علی علیه السلام: رها کنید این دنیایی را که شما را ترک می کند ، هر چند ترک گفتن آن را دوست ندارید، و جسم های شما را فرسوده می گرداند ، هر چند دوست دارید آن را تازه گردانید.

۱- قَرظ: درختی که از آن برای دَبَاغی استفاده می شود . به قولی، برگ درخت سَیْلَم را گویند که برای دَبَاغی پوست به کار می رود (لسان العرب: ج ۱۱ ص ۱۴۲ «حثل» و ج ۷ ص ۴۵۴ «قرظ»).

عنه عليه السلام: اِرْفُضُوا هَذِهِ الدُّنْيَا ذَمِيمَةً ، فَقَدْ رَفَضْتُمْ مَنْ كَانَ أَشْعَفَ (١) بِهَا مِنْكُمْ . (٢)

عنه عليه السلام: أَحْسَنُ مِنْ مُلَابَسَةِ الدُّنْيَا رَفْضُهَا . (٣)

عنه عليه السلام: صَلاَحُ الْآخِرَةِ رَفْضُ الدُّنْيَا . (٤)

٥ / ١٨ أَعْرَضُوا عَمَّا يُعْجِبُكُمْ فِي الدُّنْيَا لِإِمَامٍ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَطَاعَتِهِ ؛ فَإِنَّهَا النَّجَاهُ عَدَا وَالْمَنْجَاهُ أَبَدًا ، رَهْبٌ فَأَبْلَغُ ، وَرَعْبٌ فَأَسْبَغُ ، وَوَصَفٌ لَكُمْ الدُّنْيَا وَانْقِطَاعُهَا وَزَوَالُهَا وَانْتِقَالُهَا ، فَأَعْرَضُوا عَمَّا يُعْجِبُكُمْ فِيهَا لِقَلِّهِ مَا يَصْحَبُكُمْ مِنْهَا ، وَأَقْرَبُ دَارٍ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ وَأَبْعَدُهَا مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ . فَغَضُّوا (ارْفُضُوا) عَنْكُمْ عِبَادَ اللَّهِ عُمُومَهَا وَأَشْغَالُهَا ، لِمَا قَدْ أَيْقَنْتُمْ بِهِ مِنْ فِرَاقِهَا وَتَصَرُّفِ حَالَاتِهَا ، فَاحْذَرُوا حَذَرَ الشَّفِيقِ النَّاصِحِ ، وَالْمُجِدِّ الْكَادِحِ . (٥)

عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَفِي لِصَاحِبٍ وَلَا تَصْفُو لِشَارِبٍ ، نَعِيمُهَا يَنْتَقِلُ وَأَحْوَالُهَا تَتَبَدَّلُ ، وَلَمَذَاتُهَا تَفْنِي وَتَبِعَاتُهَا تَبْقَى ، فَأَعْرَضْ عَنْهَا قَبْلَ أَنْ تُعْرِضَ عَنْكَ ، وَاسْتَبِدِلْ بِهَا قَبْلَ أَنْ تَسْتَبِدَلَ بِكَ . (٦)

١- الشعف: شدّه الحبّ وما يغشى قلب صاحبه (النهايه: ج ٢ ص ٤٨١ «شعف»).

٢- غرر الحكم: ح ٢٤٩٦ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٨ ح ٢٠٨٧ وفيه «أشغف» بدل «أشعف» ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٨ وفيه «أشفق» بدل «أشعف» .

٣- غرر الحكم: ح ٣٠٤٣ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١١٩ ح ٢٧٠٠ .

٤- غرر الحكم: ح ٥٨٠٦ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٠٣ ح ٥٣٩٩ .

٥- نهج البلاغه: الخطبه ١٦١ .

٦- غرر الحكم: ح ٣٦٨٢ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٤ ح ٣٢١٩ وليس فيه «لا تفي لصاحب ، ولا تصفو لشارب» .

۵ / ۱۸ از جاذبه های دنیا روی گردانید

امام علی علیه السلام: این دنیای نکوهیده را رها کنید؛ چرا که کسانی از شما را که به آن دل بسته بودند، رها کرد.

امام علی علیه السلام: از صمیمیت با دنیا، بهتر رها کردن آن است.

امام علی علیه السلام: آبادانی آخرت، در ترک دنیا است.

۵ / ۱۸ از جاذبه های دنیا روی گردانید امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! شما را به پروا کردن از خدا و فرمان برداری از او سفارش می کنم؛ چرا که [مایه] نجات در فردا [ای قیامت] و رهایی ابدی [از عذاب الهی] اند. خداوند در تهدید و ترغیب شما ذره ای فروگذار نکرده، و دنیا و ناپایداری و زوال و انتقال آن [به دیگری] را به شما شناسانده است. پس، از آنچه در دنیا خوشایند شماست، روی گردانید؛ چرا که [فقط] اندکی از آن را با خود می برید. دنیا نزدیک ترین جا به خشم خدا و دورترین جا از خشنودی اوست. پس، ای بندگان خدا! غم ها و گرفتاری های دنیا را از خود دور کنید چرا که به جدایی دنیا و دگرگونی حالات آن، یقین دارید و از آن حذر کنید، همچون حذر کردن دلسوز خیرخواه، و کوشای رنجبر.

امام علی علیه السلام: دنیا با هیچ یاری وفا نمی کند، و برای هیچ آشامنده ای زلال نیست. نعمتش جا به جا می گردد و حالاتش دگرگون می شوند و لذت هایش از بین می روند و پیامدهای آنها باقی می مانند. پس، پیش از آن که دنیا از تو روی گرداند، تو از آن روی بگردان، و پیش از آن که او کسی دیگر را جایگزین تو کند، تو دیگری (آخرت) را جایگزین آن کن.

عنه عليه السلام: طوبى لِمَنْ رَكِبَ الطَّرِيقَةَ الْغَرَاءَ ، وَلَزِمَ الْمَحَجَّةَ الْبَيْضَاءَ ، وَتَوَلَّهَ بِالْآخِرَةِ وَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا . (١)

٥ / ١٩ أعزبوا عَنِ الدُّنْيَا كَأَشَدِّ مَا عَنْهُ تَعَزُّبُونَ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أُعْزِبُوا عَنِ الدُّنْيَا كَأَشَدِّ مَا أَنْتُمْ عَنْ شَيْءٍ تَعَزُّبُونَ ، فَإِنَّهَا غَرُورٌ وَصَاحِبُهَا مِنْهَا فِي غِطَاءٍ مُعْنَى (٢) . (٣)

٥ / ٢٠ أهينوا الدُّنْيَا فَإِنَّهُ أَهْنَأُ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَهَاوَنُوا بِالدُّنْيَا تَهْنُ عَلَيْكُمْ ، وَأَهِينُوهَا تَكْرُمُ الْآخِرَةَ إِلَيْكُمْ ، وَلَا تُكْرِمُوا الدُّنْيَا فَتَهْوَنَ الْآخِرَةُ عَلَيْكُمْ ، فَلَيْسَتْ الدُّنْيَا بِأَهْلٍ كَرَامَةٍ ، فِي كُلِّ يَوْمٍ تَدْعُو إِلَى فِتْنَةٍ وَخَسَارٍ ، وَمَا الدُّنْيَا إِلَّا كَحُلْمِ الْمَنَامِ ، وَالْمَرْءُ بَيْنَ أَيْقَاطٍ وَنِيَامٍ . (٤)

الإمام الكاظم عليه السلام: أهينوا الدُّنْيَا وَتَهَاوَنُوا بِهَا ؛ فَإِنَّهَا مَا أَهَانَهَا قَوْمٌ إِلَّا هَنَأَهُمُ اللَّهُ الْعَيْشَ ، وَمَا أَعَزَّهَا قَوْمٌ إِلَّا تَعَبُوا وَذَلُّوا . (٥)

١- غرر الحکم: ح ٥٩٧٢ ، عيون الحکم والمواعظ: ص ٣١٤ ح ٥٤٨٧ .

٢- عناه: حبسه وأسره (الصحاح: ج ٦ ص ٢٤٤٠ «عنا»).

٣- الغارات: ج ٢ ص ٦٣٤ ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٥ ح ١١٧ .

٤- أعلام الدين: ص ٢٧٩ ؛ الدر المنثور: ج ٢ ص ٢٠٥ نقلًا عن عبد الله بن أحمد عن عمران بن سليمان نحوه .

٥- أعلام الدين: ص ٢٨٠ وراجع شرح نهج البلاغه: ج ١٩ ص ٣٢٧ وسير أعلام النبلاء: ج ٤ ص ٥٧٩ .

۵ / ۱۹ از دنیا، با شدت تمام، دوری کنید

۵ / ۲۰ دنیا را سبک بگیرید که این، گوارتر است

امام علی علیه السلام: خوشا به حال کسی که راه روشن را در پیش گرفت، و از مسیر درست جدا نشد، و شیفته آخرت شد و از دنیا روی گرداند!

۵ / ۱۹ از دنیا، با شدت تمام، دوری کنید امام علی علیه السلام: از دنیا به شدیدترین وجهی که از یک چیز دوری می کنید، دوری نمایید؛ زیرا دنیا فریبنده است و دنیا دار در پرده ای از آن، اسیر است.

۵ / ۲۰ دنیا را سبک بگیرید که این، گوارتر است عیسی علیه السلام: دنیا را آسان بگیرید تا بر شما آسان شود، و آن را خوار بدارید تا آخرت در نظرتان ارجمند گردد، و دنیا را ارج ننهید، که آخرت در نظرتان بی ارج می شود. دنیا شایسته احترام نیست: هر روز، گرفتاری و زیانی به بار می آورد، و دنیا نیست، مگر به سان رؤیایی در خواب، و آدمی، در میان بیداری و خواب!

امام کاظم علیه السلام: دنیا را سبک بدارید و آن را دست کم گیرید؛ چرا که هیچ مردمی دنیا را سبک نداشتند، مگر آن که خداوند زندگی را برایشان گوارا ساخت؛ و هیچ مردمی دنیا را ارج ننهادند، مگر این که به زحمت و خواری افتادند.

عنه عليه السلام: ما أهانَ الدُّنيا قَوْمٌ قَطُّ إِلَّا هَتَّاهُمُ اللَّهُ إِيَّاهَا وَبَارَكَ لَهُمْ فِيهَا ، وَمَا أَعَزَّهَا قَوْمٌ قَطُّ إِلَّا نَغَّصَهُمُ اللَّهُ إِيَّاهَا . (١)

عنه عليه السلام: أِهَيْنُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهُ أَهِنَا مَا يَكُونُ عَلَيْكُمْ ؛ فَإِنَّهُ مَا أَهَانَ قَوْمٌ الدُّنْيَا إِلَّا هَتَّاهُمُ اللَّهُ الْعَيْشَ ، وَمَا أَعَزَّهَا قَوْمٌ إِلَّا ذَلُّوا وَتَعَبُوا وَكَانَتْ عَاقِبَتُهُمُ النَّدَامَةُ . (٢)

٥ / ٢١ طَلَّقُوا الدُّنْيَا ثَلَاثًا الْإِمَامَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الدُّنْيَا مُطَلَّقَةُ الْأَكْيَاسِ (٣) . (٤)

عنه عليه السلام في الدِّيوانِ الْمُنْسُوبِ إِلَيْهِ : طَلَّقِ الدُّنْيَا ثَلَاثًا وَاطْلُبْ زَوْجًا سِوَاهَا إِنَّهَا زَوْجَةٌ سَوِيَّةٌ لَا تُبَالِي مَنْ أَتَاهَا وَإِذَا نَالَتْ مُنَاهَا مِنْهُ وَلَّتْهُ قَفَاها (٥)

راجع: ج ١ ص ٣٤٦ (مطلقة الأكياس)

موسوعه الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام: القسم التاسع / الفصل السابع / ضرار بن ضميره

والقسم العاشر / الفصل الثاني / زينه الزهد .

٥ / ٢٢ كَأَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَيُّهَا النَّاسُ ! اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَاسْعَوْا فِي مَرْضَاتِهِ ، وَأَيِّقِنَا مِنَ الدُّنْيَا بِالْفَنَاءِ وَمِنَ الْآخِرَةِ بِالْبَقَاءِ ، وَاعْمَلُوا لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ ، فَكَأَنَّكُمْ بِالْدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ وَبِالْآخِرَةِ لَمْ تَزَلْ . (٦)

١- تاريخ يعقوبى: ج ٢ ص ٤١٤ عن الحسن بن أسد .

٢- إرشاد القلوب: ص ١٨ .

٣- الكيس: العاقل [والجمع: أكياس] (النهاية: ج ٤ ص ٢١٧ «كيس»).

٤- غرر الحكم: ح ٤٤١ .

٥- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ٣٦ الرقم ٨، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ١٠٢ وليس فيه البيت الأخير، بحار الأنوار: ج ٤٠ ص ٣٢٨ ح ١٠ .

٦- أعلام الدين: ص ٣٤٤ عن أنس، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٧ ح ١٠ .

۵ / ۲۱ دنیا را سه طلاقه کنید

۵ / ۲۲ گویی هرگز دنیایی نبوده است!

امام کاظم علیه السلام: هرگز هیچ مردمی دنیا را سبک نداشتند، مگر این که خداوند آن را برایشان گوارا ساخت و در آن برکتشان داد؛ و هرگز هیچ قومی دنیا را عزیز نداشتند، مگر این که خداوند آن را به کامشان تلخ ساخت.

امام کاظم علیه السلام: دنیا را کم اهمیت شمارید؛ زیرا این، گواراترین چیز بر شماست؛ چرا که هیچ مردمی دنیا را سبک نشمردند مگر این که خداوند زندگی را برایشان گوارا گردانید، و هیچ مردمی دنیا را عزیز نداشتند، مگر این که خوار و خسته شدند و عاقبتشان پشیمانی بود.

۵ / ۲۱ دنیا را سه طلاقه کنید امام علی علیه السلام: دنیا، مُطَلَّقه زیرکان است.

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان: دنیا را سه طلاقه کن / و جفتی دیگر بجوی که دنیا زن بدی است / برایش مهم نیست چه کسی شوی اوست کامش را که از او برگرفت / در پی شوهر دیگری می رود .

ر . ک : ج ۱ ص ۳۴۶ (مُطَلَّقه زیرکان)

دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام : بخش نهم / فصل هفتم / ضرار بن ضمیره

و بخش دهم / فصل دوم / زینت زهد .

۵ / ۲۲ گویی هرگز دنیایی نبوده است! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای مردم! از خدا، چنان که باید، بترسید و در جلب خشنودی او بکوشید . به فناپذیری دنیا و جاودانگی آخرت ، یقین کنید، و برای پس از مرگ ، کار کنید ، چنان که گویی هرگز در دنیا نبوده اید و پیوسته در آخرت زیسته اید .

الإمام علي عليه السلام في الحكم المنسوب إليه: كَأَنَّكَ بِالدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ ، وَكَأَنَّكَ بِالْآخِرَةِ لَمْ تَزَلْ . (١)

عنه عليه السلام: كُلُّ مَا ضِ فَكَأَنَّ لَمْ يَكُنْ . (٢)

عنه عليه السلام: كَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الدُّنْيَا عَنْ قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ ، وَمَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الْآخِرَةِ لَمْ يَزَلْ . (٣)

الإمام الباقر عليه السلام: كَتَبَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدٍ (٤) بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ كَرْبَلَاءَ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَمَنْ قَبْلَهُ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ ، أَمَا بَعْدُ ، فَكَأَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ وَكَأَنَّ الْآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ ، وَالسَّلَامُ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ فِي خُطْبَتِهِ: يَا مُبْتَغَى الْعِلْمِ ، كَأَنَّ شَيْئًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ شَيْئًا إِلَّا مَا يَنْفَعُ خَيْرُهُ وَيَضُرُّ شَرُّهُ ، إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ . (٦)

عنه عليه السلام أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: إِعْمَلْ عَلَى مَهَلٍ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ وَاخْتَرِ لِنَفْسِكَ أَيُّهَا الْإِنْسَانُ فَكَأَنَّ مَا قَدْ كَانَ لَمْ يَكُنْ إِذْ مَضِيَ كَأَنَّ مَا هُوَ كَائِنٌ قَدْ كَانَ (٧)

١- شرح نهج البلاغه: ج ٢٠ ص ٣٠٩ ح ٥٤٠؛ تفسير التبيان: ج ٦ ص ٤٨٨ .

٢- غرر الحكم: ح ٦٨٦٠ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٧٥ ح ٦٣٣٨ .

٣- مطالب السؤل: ص ٥٢؛ عيون الحكم والمواعظ: ص ٩١ ح ٢١٤٥ ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢١ ح ٨١ .

٤- يعنى محمد بن الحنفية .

٥- كامل الزيارات: ص ١٥٨ ح ١٩٦ عن ميسر بن عبد العزيز ، بحار الأنوار: ج ٤٥ ص ٨٧ ح ٢٣ .

٦- الكافي: ج ٢ ص ١٣٤ ح ١٨ عن أبي بصير ، الأمالى للمفيد: ص ١٧٩ ح ١ وفيه «عملاً ينفع» بدل «ما ينفع» ، الأصول الستة

عشر: ص ٣٥ كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٤٠١ ح ١١ .

٧- الأمالى للصدوق: ص ٥٧٨ ح ٧٩٣ عن محمد بن أبي عمير ، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٢٧٦ ، روضه الواعظين:

ص ٥٣٨ ، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ١٧٢ ح ٣ .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: گویا اصلاً در دنیا نبوده ای، و گویا که پیوسته در آخرت بوده ای!

امام علی علیه السلام: هر سپری شونده ای، مثل این است که [اصلاً] نبوده است.

امام علی علیه السلام: آنچه از دنیا وجود دارد، تو گویی اصلاً نبوده است، و آنچه از آخرت وجود دارد، تو گویی همواره بوده است!

امام باقر علیه السلام: حسین بن علی علیهما السلام از کربلا به محمّد بن علی (۱) نوشت: «به نام خداوند رحمتگر مهربان. از حسین بن علی به محمّد بن علی و دیگر فرزندان هاشم. اما بعد: دنیا چنان است که گویی هرگز نبوده است و آخرت، چنان است که گویی همواره بوده است! بدرود».

امام صادق علیه السلام: ابو ذر، در سخنرانی خود می گفت: ای جوینده دانش! گویا هیچ چیز دنیا، چیزی نبوده است، جز این که خوبی اش سود می رساند و بدی اش زیان می زند، مگر کسی که خدا به او رحم کند.

امام صادق علیه السلام می فرمود: در مهلتی که داری، بکوش؛ چرا که تو مردنی هستی / و برای خودت ای انسان نیکی برگزین آنچه بود و گذشت، گویا اصلاً نبوده است / و هر آینده ای، گویا از ابتدا بوده است!

٥ / ٢٣ في حلالها حسابٌ وفي حرامها عقاباً للإمام الصادق عليه السلام: قيل لآءمير المؤمنين عليه السلام: عِظْنَا وَأَوْجِزْ ، فَقَالَ :
الدُّنْيَا حَلَالُهَا حِسَابٌ ، وَحَرَامُهَا عِقَابٌ . (١)

الإمام علي عليه السلام في وصف الدنيا: ما أصب من دارٍ أولها عناءٌ وآخِرُها فناءٌ ، في حلالها حسابٌ وفي حرامها عقابٌ ، من استغنى فيها فُتِنَ ، ومن افتقرَ فيها حَزِنَ ، ومن ساعاها (٢) فآتته ، ومن قَعِدَ عنها وآتته ، ومن أبصَرَ بها بَصَّرَتْهُ ، ومن أبصَرَ إليها أَعَمَّتُهُ . (٣)

٥ / ٢٤ تشوبُ نعيمها ببؤسٍ للإمام علي عليه السلام: إنَّ الدُّنْيَا خَيْرُهَا زَهِيدٌ ، وَشَرُّهَا عَتِيدٌ (٤) ، وَلَذَّتْهَا قَلِيلَةٌ ، وَحَسَرَتْهَا طَوِيلَةٌ ،
تَشُوبُ (٥) نَعِيمَهَا بَبُؤْسٍ ، وَتَقْرُنُ سُعُودَهَا بِنُحُوسٍ ، وَتَصِلُ نَفْعَهَا بِضُرٍّ ، وَتَمزُجُ حُلُوهَا بِمُرٍّ . (٦)

١- الكافي: ج ٢ ص ٤٥٩ ح ١٣ ، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٧ نحوه .

٢- ساعاها: سابقها (النهاية: ج ٢ ص ٣٧٠ «سعى»).

٣- نهج البلاغه: الخطبه ٨٢ ، خصائص الأئمه عليهم السلام: ص ١١٨ ، مشكاه الأنوار: ص ٤٦٩ ح ١٥٧٠ ، نزهه الناظر: ص ٦٦ ح ٥٦ ، تحف العقول: ص ٢٠١ نحوه بزياده «من صيَّح فيها أمنٌ ، ومن مرَّضَ فيها ندمٌ» بعد «وفي حرامها عقابٌ» ، روضه الواعظين: ص ٤٨٨ وفيهما «أته» بدل «واتته» ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٣ ح ١٣٦ ؛ المناقب للخوارزمي: ص ٣٦٤ ح ٣٧٩ ، كتر العمال: ج ٣ ص ٧٢٠ ح ٨٥٦٧ نقلاً عن ابن أبي الدنيا والدينوري .

٤- العتيدُ: الحاضر المهيأ (القاموس المحيط: ج ١ ص ٣١٢ «عتد»).

٥- الشَّوبُ: الخلط (الصحاح: ج ١ ص ١٥٨ «شوب»).

٦- غرر الحكم: ح ٣٦٧٦ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٦ ح ٣٢٣٥ .

۵ / ۲۳ حلال دنیا حساب دارد و حرامش کیفر

۵ / ۲۴ خوشی دنیا ، با رنج آمیخته است

۵ / ۲۳ حلال دنیا حساب دارد و حرامش کیفر امام صادق علیه السلام: به امیر مؤمنان علیه السلام گفته شد: ما را اندرزی کوتاه ده. فرمود: «دنیا، حلالش حساب دارد و حرامش کیفر».

امام علی علیه السلام در توصیف دنیا: چه بگویم در وصف دنیایی که آغازش رنج است و انجامش نابودی ، و در حلالش حساب است و در حرامش کیفر؟ هر که در دنیا بی نیاز شد ، گرفتار گردید، هر که فقیر شد ، اندوه دامنگیرش شد ، هر که در پی دنیا دوید ، به آن نرسید، هر که از طلب آن باز ایستاد ، دنیا خود به سراغش رفت، هر که با دنیا دید ، دنیا او را بینا گردانید، و هر که به دنیا نگریست ، دنیا نابینایش گردانید.

۵ / ۲۴ خوشی دنیا ، با رنج آمیخته است امام علی علیه السلام: دنیا خوبش ناچیز است و بدش حاضر و آماده . لذتش اندک است و افسوسش طولانی. خوشی اش با رنج آمیخته است، خوش بختی اش با بدبختی قرین است ، سودش به زیان پیوسته است، و شیرینی اش با تلخی ممزوج است.

عنه عليه السلام: إِنَّهُ لَمْ يُصِبِ امْرُؤٌ مِنْكُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَبْرَةً (١) إِلَّا- أَوْرَثَتْهُ عِبْرَةً (٢) ، ولا- يُصْبِحُ فِيهَا فِي جَنَاحِ آمِنٍ إِلَّا وَهُوَ يَخَافُ فِيهَا نُزُولَ جَائِحِهِ (٣) ، أَوْ تَغْيِيرَ نِعْمِهِ ، أَوْ زَوَالَ عَافِيِهِ . (٤)

عنه عليه السلام في دَمِّ الدُّنْيَا: لَمْ يَكُنْ امْرُؤٌ مِنْهَا فِي حَبْرَةٍ إِلَّا أَعْقَبَتْهُ بَعْدَهَا عِبْرَةٌ ، وَلَمْ يَلْقَ فِي سَرَائِهَا بَطْنًا إِلَّا مَنَحَتْهُ مِنْ ضَرَائِهَا ظَهْرًا ، وَلَمْ تَطَّلُهُ فِيهَا دِيمَةٌ رَخَاءٍ إِلَّا هَتَّتْ (٥) عَلَيْهِ مُزْنَهُ بِلَاءٍ ، وَحَرِيٌّ إِذَا أَصْبَحَتْ لَهُ مُنْتَصِرَةٌ أَنْ تُمَسِيَ لَهُ مُتَنَكِّرَةٌ ، وَإِنْ جَانِبٌ مِنْهَا اِعْدُوذَبَ وَاحْلَوْلَى ، أَمَرَّ مِنْهَا جَانِبٌ فَأَوْبَى (٦) ، لا- يَنَالُ امْرُؤٌ مِنْ غَضَارَتِهَا رَغَبًا إِلَّا أَرْهَقَتْهُ مِنْ نَوَائِبِهَا تَعَبًا ، وَلا يُمَسِي مِنْهَا فِي جَنَاحِ آمِنٍ إِلَّا أَصْبَحَ عَلَى قَوَادِمِ (٧) خَوْفٍ . (٨)

عنه عليه السلام: كَذَانٌّ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الدُّنْيَا عَنْ قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ ، وَمَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الْآخِرَةِ لَمْ يَزَلْ . إِي وَاللَّهِ ، عَنْ قَلِيلٍ تُشَقِي الْمُتَرَفَ ، وَتُحَرِّكُ السَّاكِنَ ، وَتُزِيلُ الثَّائِبَ . صَيَفُوهَا مَشُوبٌ بِالْكُدْرَةِ ، وَسُرُورُهَا مَنْسُوجٌ بِالْحُزَنِ ، وَآخِرُ حَيَاتِهَا مُقْتَرَنٌ بِالضَّعْفِ ، فَلَا يُعْجِبُكُمْ مَا يُعْزَنُكُمْ مِنْهَا ، فَعَنْ كَثِبٍ تُنْقَلُونَ عَنْهَا ، وَكُلُّ مَا هُوَ آتٍ قَرِيبٌ وَ «هَنَالِكَ تَبْلُؤُوا كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (٩) . (١٠)

- ١- الحبره: النعمه وسعه العيش ، وكذلك الحبور(النهايه : ج ١ ص ٣٢٧ «حبر»).
- ٢- العبره: الدمعه قبل أن تفيض ، أو تردد البكاء في الصدر ، أو الحزن بلا بكاء (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٨٣ «عبر»).
- ٣- الجائحه: هي الآفه التي تهلك الثمار والأموال وتستأصلها (النهايه : ج ١ ص ٣١١ «جوح»).
- ٤- الكافي : ج ٨ ص ١٧٤ ح ١٩٤ عن محمد بن النعمان أو غيره عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٥١ ح ٣١ ؛ مطالب السؤل : ص ٥١ نحوه .
- ٥- هتنت السماء: صببت . ومطر هتون: هطول (لسان العرب : ج ١٣ ص ٤٣٠ «هتن»).
- ٦- الوباء: المرض العام (النهايه : ج ٥ ص ١٤٤ «وبا»).
- ٧- قوادم الطير: مقاديم ريشه ، وهي عشره في كل جناح (الصحاح : ج ٥ ص ٢٠٠٧ «قدم»).
- ٨- نهج البلاغه: الخطبه ١١١ ، تحف العقول : ص ١٨٠ نحوه وفيه «هفت» بدل «هتنت» ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٩٧ ح ٨٢ ؛ مطالب السؤل : ص ٥٠ نحوه .
- ٩- يونس : ٣٠ .
- ١٠- مطالب السؤل : ص ٥٢ ؛ بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٢١ ح ٨١ .

امام علی علیه السلام: هیچ فردی از شما در این دنیا به شادی ای نرسید، مگر این که دنیا برای او اشکی به بار آورد، و شبی را در پناه ایمنی به صبح نمی رساند، مگر این که از فرود آمدن بلایی یا از دست رفتن نعمتی یا از بین رفتن سلامتی بیمناک است.

امام علی علیه السلام در نکوهش دنیا: هیچ انسانی در دنیا به شادی ای نرسید، مگر این که در پی آن، دنیا به او اشک [و اندوه] داد، و از خوشی های دنیا به نوایی نرسید، مگر این که دنیا از سختی هایش به او چشاند، و در آن، بارانی از آسایش او را تر نکرد، مگر این که ابر رنج بر او فرو بارید. این، رسم دنیاست که هر گاه صبحگاهان یاور انسان شود، شامگاهان به دشمن بدل می گردد، و اگر بخشی از آن گوارا و شیرین باشد، بخش دیگرش تلخ و ناگوار است. هیچ کس از خوشی های آن به مرادی نمی رسد، مگر آن که دنیا با مصیبت های خود، او را به ستوه می آورد، و [هیچ کس] روز را با آسودگی خیال، به شب نمی رساند، مگر آن که شب را بر بال های ترس به روز می رساند.

امام علی علیه السلام: آنچه از دنیا وجود دارد، [چنان می شود که] پس از اندکی گویا نبوده، و آنچه از آخرت وجود دارد، [گویا] از آغاز بوده است. آری، به خدا! زودا که دنیا، برخوردار مرفه را به روز سیاه نشانند، و آرام گرفته را حرکت دهد، و اقامت گزیده را بکوچاند. زلالی دنیا، آمیخته به تیرگی، شادی اش بافته با اندوه، و پایان زندگی اش همراه با ناتوانی است. پس مبادا فریبندگی های دنیا شما را خوش آید؛ چرا که به زودی از آن می روید، و هر آنچه آمدنی است، نزدیک است و «آن جاست که هر کس آنچه را از پیش فرستاده است، می آزماید و [همگان] به سوی خدا، مولای حقیقی خود، باز گردانیده می شوند و آنچه به دروغ بر می ساخته اند، از دستشان به در می رود».

عنه عليه السلام فى خُطْبِهِ لَهُ: أَيُّهَا النَّاسُ ، إِنَّمَا أَنْتُمْ فى هَذِهِ الدُّنْيَا غَرَضٌ تَنْتَضِلُّ (١) فِيهِ الْمَنَايَا ؛ مَعَ كُلِّ جُرْعَةٍ شَرَقُّ (٢) ، وَفِي كُلِّ أَكْلَةٍ غَصَصٌ ! لَا تَنَالُونَ مِنْهَا نِعْمَةً إِلَّا بِفِرَاقٍ أُخْرَى ، وَلَا يُعَمَّرُ مَعَمَّرٌ مِنْكُمْ يَوْمًا مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا بِهَدْمٍ آخَرَ مِنْ أَجَلِهِ ، وَلَا تُجَدِّدُ لَهُ زِيَادَةٌ فى أَكْلِهِ إِلَّا بِنِفَادٍ مَا قَبْلَهَا مِنْ رِزْقِهِ ، وَلَا يَحْيَا لَهُ أَثَرٌ إِلَّا مَاتَ لَهُ أَثَرٌ ، وَلَا يَتَحَدَّدُ لَهُ جَدِيدٌ إِلَّا بَعْدَ أَنْ يَخْلُقَ لَهُ جَدِيدٌ ، وَلَا تَقُومُ لَهُ نَابِتَةٌ إِلَّا وَتَسْقُطُ مِنْهُ مَحْصُودَةٌ ، وَقَدْ مَضَتْ أَصُولُ نَحْنُ فُرُوعُهَا ، فَمَا بَقَاءُ فَرَعٍ بَعْدَ ذَهَابِ أَصْلِهِ! (٣)

عنه عليه السلام : مِنْ نَكَدِ (٤) الدُّنْيَا تَنْغِيصُ الإِجْتِمَاعِ بِالْفُرْقَةِ ، وَالشُّرُورِ بِالْغُصَّةِ . (٥)

عنه عليه السلام : الدُّنْيَا لَا تَصْفُو لِشَارِبٍ ، وَلَا تَفَى لِصَاحِبٍ . (٦)

- ١- .الغرض : الهداف الذى يرمى إليه . وتناضل القوم : تراموا للسبق (المصباح المنير : ص ٤٤٥ «غرض» و ص ٦١٠ «نضل»).
- ٢- .شَرَقُّ : غَصَّ (النهاية : ج ٢ ص ٤٦٥ «شرق»).
- ٣- .نهج البلاغه : الخطبه ١٤٥ وراجع الحكمه ١٩١ والكافى : ج ٨ ص ٢٣ ح ٤ والإرشاد : ج ١ ص ٢٣٨ والأمالى للطوسى : ص ٢١٦ ح ٣٧٩ وتحف العقول : ص ٢٩٩ وتنبية الخواطر : ج ١ ص ٧٦ وغرر الحكم : ح ٣٦٨٨ .
- ٤- .النَّكَدُ : الشُّؤْمُ وَاللُّؤْمُ (لسان العرب : ج ٣ ص ٤٢٧ «نكد»).
- ٥- .غرر الحكم : ح ٩٣٢٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٧٢ ح ٨٦٥٤ .
- ٦- .غرر الحكم : ح ١٧٢١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٣ ح ١٧٣ و ص ١٤٤ ح ٣٢١٨ .

امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش: ای مردم! شما در این دنیا آماج تیرهای مرگ هستید: با هر جرعه ای، در گلو جستن هست، و با هر لقمه ای، گلوگیر شدنی. از دنیا به هیچ نعمتی نمی رسید، مگر با از دست دادن نعمتی دیگر، و هیچ یک از شما روزی به عمرش افزوده نمی گردد، مگر با کم شدن روزی از اجلش، و هیچ خوراکی نو به او افزوده نمی شود، مگر با از بین رفتن چیزی از روزی قبل او، و هیچ رد و نشانی برایش زنده نمی شود، مگر با از بین رفتن رد و نشانی دیگر، و هیچ چیز تازه ای برایش به وجود نمی آید، مگر پس از کهنه شدن چیز تازه ای از او، و هیچ خوشه ای برای او نمی روید، مگر آن که خوشه ای دیگر قابل درویدن شود. ریشه هایی که ما شاخه های آنها هستیم، رفتند، و با رفتن ریشه، آیا شاخه ای باقی می ماند؟! .

امام علی علیه السلام: از شومی دنیا، این است که لذت گرد هم آمدن را با پراکندن، و شادی را با غصه مکدر می کند.

امام علی علیه السلام: دنیا برای هیچ نوشنده ای زلال نمی شود و به هیچ یاری وفا نمی کند .

٥ / ٢٥ حُلُوها مَرَّ الإِمامِ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خُطْبَةِ العِيدَيْنِ: أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَكَثْرَةِ ذِكْرِ المَوْتِ ، وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا الَّتِي لَمْ يَنْتَمِعْ بِهَا مَنْ كَانَ فِيهَا قَبْلَكُمْ ، وَلَنْ تَبْقَى لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِكُمْ ، وَسَبِيلُكُمْ فِيهَا سَبِيلُ المَاضِينَ . أَلَا تَرَوْنَ أَنَّهَا قَدْ تَصَيَّرَتْ وَأَذْنَتْ بِانْقِضَاءِ ، وَتَنَكَّرَ مَعْرُوفُهَا وَأَدْبَرَتْ حَذَاءَ (١)؟! فَهِيَ تُخْبِرُ بِالفَنَاءِ ، وَسَاكِنُهَا يُحْدِى بِالمَوْتِ ، فَقَدْ أَمَرَ مِنْهَا مَا كَانَ حُلُوعًا ، وَكَدِرَ مِنْهَا مَا كَانَ صَفْوًا ، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا سَمَلَةٌ كَسَمَلَةِ الإِدَاوَةِ (٢) ، وَجُرْعَةٌ كَجُرْعَةِ الإِنَاءِ ، يَتَمَرَّزُهَا الصَّدِيانُ (٣) لَمْ تَنْفَعِ غَلَّتَهُ . فَأَزْمَعُوا عِبَادَ اللَّهِ بِالرَّحِيلِ مِنْ هَذِهِ الدَّارِ المَقْدُورِ عَلَى أَهْلِهَا الزَّوَالِ ، المَمْنُوعِ أَهْلِهَا مِنَ الحَيَاةِ ، المَذَلَّلِ أَنْفُسِهِمْ بِالمَوْتِ ، فَلَا حَتَّى يَطْمَعُ فِي البَقَاءِ ، وَلَا نَفْسٌ إِلَّا مُدْعِنَةٌ بِالمَنُونِ ، فَلَا يَغْلِبَنَّكُمُ الأَمَلُ ، وَلَا يَطُلَ عَلَيْكُمُ الأَمَدُ ، وَلَا تَغْتَرُوا فِيهَا بِالأَمَالِ . (٤)

راجع: ج ١ ص ٣٧٠ (التحذير من لذات الدنيا)

و ٣٨٠ (التحذير من حب الدنيا)

و ٣٩٨ (الفصل الرابع: مضار حب الدنيا).

١- حَذَاءَ: أَيْ خَفِيفُهُ سَرِيعُهُ (النَّهْيَاة: ج ١ ص ٣٥٦ «حذذ»).

٢- سَمَلَةُ الإِدَاوَةِ: المَاءُ القَلِيلُ يَبْقَى فِي أَسْفَلِ الإِنَاءِ (النَّهْيَاة: ج ٢ ص ٤٠٤ «سمل»).

٣- الصَّدِي: العَطَشُ (النَّهْيَاة: ج ٣ ص ١٩ «صدا»).

٤- كِتَابٌ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الفَقِيه: ج ١ ص ٥١٨ ح ١٤٨٤ ، الأَمَالِي لِلْمَفِيدِ: ص ١٥٩ ح ٢ عَنْ مَجَاهِدِ نَحْوِهِ ، بَحَارُ الأَنْوَارِ: ج ٧٣ ص ١٠٧ ح ١٠٨ وَرَاجِعِ نَهْجِ البَلَاغَةِ: الخُطْبَةُ ٥٢ وَإِرْشَادِ القُلُوبِ: ص ٣٥ وَمِصْبَاحِ المْتَهَجِدِ: ص ٦٦٣ ح ٧٣٠ .

۵ / ۲۵ شیرین دنیا ، تلخ است

۵ / ۲۵ شیرین دنیا ، تلخ است امام علی علیه السلام در خطبه نماز عید قربان و عید فطر: ای بندگان خدا! شما را سفارش می کنم به پروا کردن از خدا، و یاد کردن بسیار از مرگ، و دل برکندن از دنیا؛ دنیایی که پیشینیان شما از آن بهره ای (لذتی) نبردند، و بعد از شما نیز برای هیچ کس باقی نمی ماند، و راه شما در دنیا ، همان راهی است که گذشتگان پیمودند. آیا نمی بینید که دنیا سپری گشته ، و اعلام به سر آمدن کرده ، و خوبی هایش دگرگون گشته، و شتابان ، پشت کرده است و می رود؟ دنیا از نیست شدن ، خبر می دهد و [چون ساربان که برای راندن شتران حُدی می خواند ،] برای ساکنان خود ، آواز مرگ سر می دهد. شیرینی های آن تلخ شده و زلالی هایش تیره گشته است، و از دنیا جز ته مانده ای به اندازه ته مانده آب در ته مَشکی ، و جرعه ای مانند جرعه باقی مانده و در ته ظرفی که تشنه کامی آن را می مکد ، اما عطش او را فرو نمی نشاند، باقی نمانده است. پس، ای بندگان خدا! عزم رفتن از این سرایی کنید که «رفتن» برای اهل آن ، رقم خورده و زندگی در آن برای مردمانش قدغن شده، و جان هایشان مقهور مرگ گشته است، چندان که هیچ زنده ای طمع ماندگاری ندارد، و هیچ جانی نیست ، مگر این که به مرگ اذعان دارد [و طعم آن را می چشد]. پس مبادا آرزو بر شما چیره آید، و مدّت عمر برایتان طولانی نماید، و در دنیا فریفته آرزوها شوید!

ر . ک : ج ۱ ص ۳۷۱ (برحذر داشتن از لذت های دنیا)

و ۳۸۱ (برحذر داشتن از دنیا دوستی)

و ۳۹۹ (فصل چهارم : زیان های دنیا دوستی) .

الفصل السادس : أمثال الزهاد ٦ / ١١ الأنبياء رسول الله صلى الله عليه و آله : مَا اتَّخَذَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَاهِدًا . (١)

الإمام علي عليه السلام : مِمَّا يَدُلُّكَ عَلَى دَنَاءِ الدُّنْيَا أَنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ زَوَاهَا عَن أَوْلِيَائِهِ وَأَحِبَّائِهِ نَظَرًا وَاخْتِيَارًا ، وَبَسَّطَهَا لِإِعْدَائِهِ فَتَنَةً وَاخْتِيَارًا ، فَأَكْرَمَ عَنْهَا مُحَمَّدًا نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ عَصَبَ عَلَى بَطْنِهِ مِنَ الْجُوعِ ، وَحَمَاهَا مُوسَى نَجِيَّهُ الْمُكَلَّمُ ، وَكَانَتْ تُرَى خُضْرَهُ الْبَقْلِ مِنَ صِفَاقِ (٢) بَطْنِهِ مِنَ الْهَزَالِ ، وَمَا سَيَّأَلَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَوْمَ أَوَى إِلَى الظِّلِّ إِلَّا طَعَامًا يَأْكُلُهُ لِمَا جَهَّدَهُ مِنَ الْجُوعِ ، وَلَقَدْ جَاءَتِ الرُّوَايَةُ عَنْهُ أَنَّهُ كَانَ أَوْحَى إِلَيْهِ : إِذَا رَأَيْتَ الْغِنَى مُقْبِلًا فَقُلْ : ذَنْبٌ عَجَّلَتْ عُقُوبَتُهُ ، وَإِذَا رَأَيْتَ الْفَقْرَ مُقْبِلًا فَقُلْ : مَرَحِبًا بِشَعَارِ الصَّالِحِينَ . وَصَاحِبَ الرُّوحِ وَالْكَلِمَةِ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ قَالَ : أَدْمِي (٣) الْجُوعُ ، وَشَعَارِي الْخَوْفُ ، وَلباسِي الصُّوفُ ، وَدَائِي رِجَالِي ، وَسِرَاجِي بِاللَّيْلِ الْقَمَرُ ، وَصَلَاتِي (٤) فِي الشِّتَاءِ مَشَارِقُ الشَّمْسِ ، وَفَاكِهَتِي مَا أَنْبَتِ الأَرْضُ لِلْأَنْعَامِ ، أَيْتُ وَلَيْسَ لِي شَيْءٌ ، وَلَيْسَ أَحَدٌ أَغْنَى مِنِّي . أَوْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَا أَوْتِي مِنَ الْمُلْكِ ؛ إِذْ كَانَ يَأْكُلُ خُبْزَ الشَّعِيرِ ، وَيُطْعِمُ أَهْلَهُ الحِنْطَةَ ، وَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ لَبَسَ المَسْوَحَ ، وَعَلَّ يَدَهُ إِلَى عُنُقِهِ ، وَبَاتَ بَاكِيًا حَتَّى يُصْبِحَ ، وَيُكْثِرُ أَنْ يَقُولَ : رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي كَثِيرًا ، وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الخَاسِرِينَ ، لا- إلهَ إِلا- أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ . فَهَؤُلَاءِ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ وَأَصْفِيَاؤُهُ وَأَوْلِيَاؤُهُ ، تَنَزَّهُوا عَنِ الدُّنْيَا ، وَزَهَّدُوا فِيهَا زَهْدَهُمُ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِيهِ مِنْهَا ، وَأَبْغَضُوا مَا أَبْغَضَ ، وَصَبَّغُوا مَا صَبَّغَ ، ثُمَّ اقْتَصَصَ الصَّالِحُونَ آثَارَهُمْ وَسَلَكُوا مَنَاجِيَهُمْ ، وَأَلْطَفُوا الْفِكْرَ ، وَانْتَفَعُوا بِالْعِبَرِ ، وَصَبَرُوا فِي هَذَا العُمُرِ القَصِيرِ عَن مَتَاعِ العُرُورِ الَّذِي يَعُودُ إِلَى الفَنَاءِ ، وَيَصِيرُ إِلَى الحِسَابِ . نَظَرُوا بِعُقُولِهِمْ إِلَى آخِرِ الدُّنْيَا وَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى أَوَّلِهَا ، وَإِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا وَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى ظَاهِرِهَا ، وَفَكَّرُوا فِي مَرَارِهِ عَاقِبَتِهَا ، فَلَمْ تَسْتَهْزِهِمْ حَلَاوَةُ عَاجِلِهَا ، ثُمَّ أَلْزَمُوا أَنْفُسَهُمُ الصَّبْرَ ، وَأَنْزَلُوا الدُّنْيَا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَالْمَيْتَةِ الَّتِي لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَشْبَعَ مِنْهَا إِلَّا فِي حَالِ الضَّرُورَةِ إِلَيْهَا ، وَأَكَلُوا مِنْهَا بِقَدْرِ مَا أَبْقَى لَهُمُ النَّفْسَ وَأَمْسَكَ الرُّوحَ ، وَجَعَلُوا بِمَنْزِلَةِ الجِيفَةِ الَّتِي اشْتَدَّ نَتْنُهَا ، فَكُلُّ مَنْ مَرَّ بِهَا أَمْسَكَ عَلَى أَنْفِهِ مِنْهَا ، فَهُمُ يَتَبَلَّغُونَ مِنْهَا بِأَدْنَى البَلَاغِ ، وَلَا يَنْتَهُونَ إِلَى الشُّبْعِ مِنَ النَّتَنِ ، وَيَتَعَجَّبُونَ مِنَ المُمْتَلِيءِ مِنْهَا شَبْعًا ، وَالرَّاضِي بِهَا نَصِيبًا . (٥)

١- مستدرک الوسائل : ج ١٢ ص ٥١ ح ١٣٤٨٨ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ الباب .

٢- الصِّفَاقُ : الجلد الذي عليه الشَّعْر (الصَّحاح : ج ٤ ص ١٥٠٨ «صفاق»).

٣- الأذم والإدام : ما يؤتدَم به ، تقول منه : أَدَمَ الخُبْزَ باللحمِ يَأْدِمُهُ (الصَّحاح : ج ٥ ص ١٨٥٩ «أدم»).

٤- الصَّلَاءُ : حَزَّ النار (المصباح المنير : ص ٣٤٦ «صلي»).

٥- دستور معالم الحكم : ص ٤٠ ؛ بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١١٠ ح ١٠٩ .

فصل ششم: نمونه های زهد ۶ / ۱ پیامبران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، هیچ پیامبری را برنگزید، مگر این که زاهد بود.

امام علی علیه السلام: از نشانه هایی که تو را به پستی دنیا رهنمون می شود، این است که خداوند آن را، از روی التفات و نیکخواهی، از اولیا و دوستانش گرفت، و آن را برای دشمنانش، به قصد امتحان و آزمایش، گسترانید. [مثلاً] پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله را از دنیا وارسته داشت، به طوری که از شدت گرسنگی، شکم خود را می بست. نیز آن را از هم راز و هم سخن خود، موسی، باز داشت، به طوری که از شدت لاغری، سبزی علف ها از زیر پوست شکمش دیده می شد و با این حال، آن روز که به سایه ای پناه برد، از خداوند جز غذایی برای خوردن، چیزی نخواست؛ (۱) چرا که گرسنگی، او را بی تاب کرده بود. درباره او روایت رسیده است که به وی وحی می شد: «هر گاه دیدی «توانگری» روی کرده است، بگو: [اثر] گناهی است که در کیفرش شتاب شده است، و هر گاه دیدی که «فقر» روی کرده است، بگو: خوش آمدی، ای نشانه نیکان!». و نیز از صاحب روح و کلمه [ی الهی]، عیسی بن مریم علیهما السلام، [دنیا را باز داشت]، آن گاه که گفت: «نانخورش من، گرسنگی است، و جامه زیرینم، ترس [از خدا]، و جبه ام پشمینه، و ستورم دو پایم، و چراغ شبم، ماه، و وسیله گرم کردنم در زمستان، آفتاب، و میوه ام، آنچه زمین برای حیوانات می رویاند. شب را به صبح می رسانم، در حالی که هیچ چیز ندارم، و با این همه، هیچ کسی توانگرتر و بی نیازتر از من نیست». و یا سلیمان بن داوود علیهما السلام، با آن سلطنتی که به او داده شد، نان جو می خورد و به کسانش نان گندم می خوراند، و چون شب می شد، پلاس می پوشید و دستش را به گردنش می بست و تا صبح می گریست و پیوسته می گفت: «پروردگارا! من به خویشتن ستم بسیار کرده ام و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی، از زیانکاران خواهم بود. معبودی جز تو نیست. منزهی تو، و من از ستمکارانم». آری! اینان، پیامبران خدا و برگزیدگان و اولیای او بودند که از دنیا وارسته گشتند و از آن به آنچه خداوند آنان را به زهد ترغیب کرد، قناعت ورزیدند، و آنچه را او دشمن می داشت، دشمن داشتند، و آنچه را او خُرد می شمرد، خُرد شمردند. سپس مردان نیک، از آنان پیروی کردند و راه هایشان را پیمودند، و دقیق اندیشیدند، و از عوامل عبرت آموز، بهره بردند، و در این عمر کوتاه، از کالای فریبنده دنیا که از کف می رود، اما باید برایش حساب پس داد صبورانه چشم پوشیدند. با خُردهای خویش به پایان دنیا نگریستند نه به آغاز آن، و به باطن دنیا نگریستند نه به ظاهر آن، و در تلخی فرجام آن اندیشیدند و در نتیجه، شیرینی اکنون آن، تکانشان نداد. صبر را به جان خریدند، و دنیا را چون مردار دانستند که خوردن از آن، جز در حال اضطرار، حرام است، و از آن به اندازه ای که رفع گرسنگی کنند و زنده بمانند، خوردند، و دنیا را به منزله لاشه ای گرفتند که بوی تعفنش همه جا را گرفته است، به طوری که هر کس از کنارش می گذرد، بینی اش را می گیرد. از این لاشه گندیده، به کمترین قوت، بسنده می کنند و هرگز سیر نمی خورند، و از کسی که از آن سیر می خورد و بدان چنان نصیبی رضایت می دهد، تعجب می کنند.

۱- اشاره است به آیه ۲۴ از سوره قصص.

ربيع الأبرار: كَانَ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتٍ مِنْ شَعْرِ أَلْفَا وَأَرْبَعِمِئَةِ سَنَةٍ ، فَكَلَّمَا قِيلَ لَهُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، لَوْ اتَّخَذْتَ بَيْتًا مِنْ طِينٍ تَأْوِي إِلَيْهِ ! قَالَ : أَنَا مَيِّتٌ غَدًا فَتَارِكُهُ . فَلَمْ يَزَلْ فِيهِ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا . (١)

الإمام علي عليه السلام في خطبه له: ولقد كان في رسول الله صلى الله عليه وآله كافٍ لك في الأسوة، ودليل لك على دم الدنيا وعيها، وكثرة مخازيها ومساويها، إذ قبضت عنه أطرافها، ووطئت لغيره أكنافها (٢)، وفطم عن رضاها، وزوى عن زخارفها. وإن شئت ثبثت بموسى كليم الله صلى الله عليه وسلم إذ يقول: «رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (٣)، والله ما سأله إلا خبزاً يأكله؛ لئنه كان يأكل بقله الأرض. ولقد كانت خضره البقل ترى من شفيف صفاق بطنه؛ لهزاله وتشذب لحمه. وإن شئت ثلثت بداوود صلى الله عليه وسلم صاحب المزامير وقارىء أهل الجنة، فلقد كان يعمل سفائف الخوص بيده، ويقول لجلسائه: أيكم يكفيني بيعها؟ ويأكل قرص الشعير من ثمنها. وإن شئت قلت في عيسى بن مريم عليه السلام، فلقد كان يتوسد الحجر ويلبس الحشن ويأكل الجشب. وكان إدامه الجوع، وسراجُه بالليل القمر، وظلاله في الشتاء مشارق الأرض ومغاربها، وفاكهته وريحانه ما تبت الأرض للبهائم. ولم تكن له زوجة تفتنه، ولا ولد يحزنه، ولا مال يلفته، ولا طمع يذله. دأبته رجلاه، وخادمه يداه. فتأس بنبيك الأطيب الأطهر صلى الله عليه وآله، فإن فيه أسوة لمن تأسى، وعزاء لمن تعزى. وأحب العباد إلى الله المتأسي بنبيه والمقتص لأثره، قضم الدنيا قضمًا، ولم يعرها طرفًا، أهضم أهل الدنيا كسحا (٤)، وأخمصهم (٥) من الدنيا بطنًا، عرضت عليه الدنيا فأبى أن يقبلها، وعلم أن الله سبحانه أبغض شئنا فأبغضه، وحقر شئنا فحقره، وصعز شئنا فصعزه. ولو لم يكن فينا إلا حُبنا ما أبغض الله ورسوله وتعظيمنا ما صعز الله ورسوله، لكفى به شقاقًا لله ومحاده عن أمر الله. ولقد كان صلى الله عليه وآله يأكل على الأرض، ويجلس جلسه العبد، ويخصف بيده نعله، ويرقع بيده ثوبه، ويركب الحمار العارى ويردف خلفه، ويكون الستر على باب بيته فتكون فيه التصاوير فيقول: يا فلانة لئحدى أزواجه عيبه عني، فإني إذا نظرت إليه ذكرت الدنيا وزخارفها. فأعرض عن الدنيا بقله، وأمات ذكرها من نفسه، وأحب أن تغيب زينتها عن عينه، لكيلا يتجدد منها ريشا، ولا يعتقدها قرارًا، ولا يرجو فيها مقاما، فأخرجها من النفس، وأشخصها عن القلب، وعيها عن البصر. وكذا من أبغض شئنا أبغض أن ينظر إليه وأن يذكر عنده. ولقد كان في رسول الله صلى الله عليه وآله ما يدل لك على مساوىء الدنيا وعيوبها؛ إذ جاع فيها مع خاصته، وزويت عنه زخارفها مع عظيم زلفته. فلينظر ناظر بعقله: أكرم الله محمدًا بذلك أم أهانه؟ فإن قال: أهانه، فقد كذب والله العظيم بالإفك العظيم. وإن قال: أكرمه، فليعلم أن الله قد أهان غيره حيث بسط الدنيا له، وزواها عن أقرب الناس منه. فتأسى متأسي بنبيه، واقتص أثره، وولج مولجه، وإلا فلا يأمن الهلكة، فإن الله جعل محمدًا صلى الله عليه وآله علما للساعة، ومبشرا بالجنة، ومندرا بالعقوبه، خرج من الدنيا خميصا، وورد الآخرة سليما. لم يضع حجرا على حجر حتى مضى لسبيله، وأجاب داعي ربه. فما أعظم منه الله عندنا حين أنعم علينا به سلفا نتبعه، وقائدا نطأ عقبه. والله لقد رفعت مدرعتي هذه حتى استحييت من راقعها، ولقد قال لي قائل: ألا تنبذها؟ فقلت: أغرب عني، فعند الصباح يحمد القوم السرى (٦)

(٧)

٢- الكَنَفُ : الجانب (الصباح : ج ٤ ص ١٤٢٤ «كف»).

٣- القصص : ٢٤ .

٤- الكَشْح : الخَصْر . وأهْضَمُ الكَشْحِين : أى دَقِيقُ الخَصْرَيْن (النهايه : ج ٤ ص ١٧٥ «كشح»).

٥- الخَمَصُ : الجوع ، ورجلُ خُمَصَانٍ وخَمِيسُ : إذا كان ضامر البطن (النهايه : ج ٢ ص ٨٠ «خمص»).

٦- «عند الصَّبَاحِ يَحْمِدُ القَوْمُ الشُّرَى» : هو مَثَلٌ يُضْرَبُ لما يُنالُ بالمشَقَّةِ ، ويُوَصَلُ إليه بالتَّعَبِ (جمهره الأمثال : ج ٢ ص ٣٨ الرقم ١٢٩٣).

٧- نهج البلاغه : الخطبه ١٦٠ ، بحار الأنوار : ج ١٦ ص ٢٨٤ ح ١٣٦ وليس فيه ذيله من «والله لقد رفعت مدرعتى . . .» .

ربیع الأبرار: نوح علیه السلام هزار و چهارصد سال در سیاه چادری زندگی کرد و هر وقت به او گفته شد: «ای پیامبر خدا! کاش خانه ای گلی بسازی و در آن به سر بری»، می گفت: من فردا می میرم و این سیاه چادر را ترک می کنم. و همچنان در آن خیمه بود تا از دنیا رفت.

امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش [زندگی] پیامبر خدا، خود، برای تو الگویی بسنده است، و دلیلی برای تو بر نکوهیدگی و عیناکی دنیا، و انبوهی ننگ ها و بدی های آن؛ چرا که دنیا از ایشان گرفته شد و برای دیگران فراهم گشت، از شیر [مادر] دنیا باز گرفته شد و از زرق و برق آن، دور نگه داشته شد. و اگر بخواهی، به عنوان دومین الگو، از موسی کلیم الله که درود و سلام خدا بر او باد یاد می کنم که گفت: «پروردگارا! من به خیری که برایم فرو می فرستی، نیازمندم». به خدا سوگند، او از خداوند، جز نانی برای خوردن چیزی نخواست؛ چرا که [پیوسته] از رستنی های زمین می خورد، به طوری که از شدت لاغری و آب شدن گوشت بدنش، سبزی علف ها از زیر پوست شکمش نمایان بود. و اگر بخواهی، به عنوان سومین الگو، از داوود که درود و سلام خدا بر او باد آن صاحب مزامیر و قاری اهل بهشت، یاد می کنم که با دست خود، از لیف خرما زنبیل می بافت و به یارانش می گفت: «کدام یک از شما این را برایم می فروشد؟» و از پول آنها نان جو می خرید و می خورد. و اگر بخواهی، از عیسی بن مریم علیه السلام برایت می گویم که سنگ را بالش خود می کرد و جامه درشت می پوشید، و خوراک خشک می خورد، و خورش وی گرسنگی بود، و چراغش در شب، ماه، و پناهگاهش در زمستان، شرق و غرب عالم، و میوه و سبزیجاتش، علف هایی که زمین برای چارپایان می رویاند. نه همسری داشت که مایه گرفتاری او شود، نه فرزندی که غمش را بخورد، نه ثروتی که او را مشغول خود سازد، و نه طمعی که موجب خواری او گردد. مَرکبش دو پای او بود و خدمتکارش، دو دست او. پس، به پیامبرت که از همه پاک تر و وارسته تر است تأسی بجوی که در او الگویی است برای هر که در پی الگوست، و مایه شکیبایی برای هر که خواهان شکیبایی [در برابر از دست دادن دنیا] است. محبوب ترین بندگان در نزد خداوند، کسی است که به پیامبرش تأسی بجوید و از او پیروی کند. او از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند، و بدان چندان ننگریست که [حتی] گوشه چشمی بدان افکند. پهلوهایش از همه لاغرتر و شکمش از همه تهی تر بود. دنیا به او پیشنهاد شد؛ اما از پذیرفتنش سر باز زد و دانست که خدای سبحان چیزی (علاقه مندی به دنیا) را دشمن می دارد، او هم آن را دشمن گرفت، و چیزی را خوار می دارد، او هم آن را خوار داشت، و چیزی را خرد می شمارد، او هم آن را خرد شمرد. اگر در ما هیچ [عیبی] نبود، جز همین که آنچه را خدا و پیامبر او دشمن داشته اند، دوست داشته باشیم و آنچه را خدا و پیامبرش خرد شمرده اند، بزرگ شماریم، همین خود برای مخالفت ما با خدا و سرپیچی از فرمانش کافی بود. او روی زمین [بدون فرش] غذا می خورد، و چون بردگان می نشست و با دست خود کفشش را می دوخت، و با دست خود جامه اش را وصله می زد، و بر الاغ برهنه سوار می شد و یک نفر را هم در ترک خود می نشاند. و [آن گاه که] پرده ای نگارین بر درِ اتاقش آویخته دید، به همسرش فرمود: «فلانی! این را از برابر چشم من دور کن؛ زیرا هر گاه چشمم به آن می افتد، به یاد دنیا و زیورهای آن می افتم». (۱) آری! او از صمیم دل از دنیا روی برتافت، و یاد آن را در جان خویش میراند، و دوست داشت که زیب و زیور دنیا از برابر چشمش دور باشد تا از آن، جامه ای زیبا تهیه نکند، و دنیا را جای ماندن نداند، و به اقامت در آن، امیدوار نشود. پس، دنیا را از جان خویش به در کرد، و آن را از دل دور ساخت، و

از چشمش پنهان داشت. آری! این چنین است کسی که چیزی را دشمن می دارد: از نگاه کردن به آن و از این که نام آن در حضور او برده شود، نفرت دارد. راه و رسم پیامبر خدا، تو را به بدی ها و عیب های دنیا رهنمون می شود؛ چون او و نزدیکانش در دنیا همیشه گرسنه بودند، و با وجود آن منزلت بزرگی که [نزد خداوند] داشت، زیورهای دنیا از او دور داشته شدند. پس، هر بیننده ای باید با خرد خویش بنگرد و بیند که: آیا خداوند با این کار، محمد را تکریم کرده است، یا خوارش داشته است؟ اگر بگویید: خوارش داشته، به خدای بزرگ، سوگند که دروغ و بهتانی بزرگ بسته است، و اگر بگویید: او را تکریم کرده است، پس بدانند که خداوند، دیگران را خوار داشته است؛ چرا که دنیایی را که از نزدیک ترین کسان خود گرفته، برای آنان گسترده است. پس، آن که در پی الگوست، از پیامبر خویش الگو بگیرد و پیروی او نماید و هر جا که او در آمده است، در آید، و گرنه از تباه شدن، ایمن نخواهد بود؛ چرا که خداوند، محمد صلی الله علیه و آله را نشانه قیامت، و نوید دهنده بهشت، و بیم دهنده از کیفر قرار داد. او با شکم گرسنه از دنیا رفت، و با سلامت به آخرت در آمد. سنگی بر سنگ نهاد، تا آن که از دنیا رفت، و دعوتگر پروردگارش را اجابت کرد. پس، خداوند چه منت بزرگی بر ما نهاده که نعمت وجود او را به ما ارزانی داشت. پیشروی است که ما پیروی اش می کنیم، و پیشوایی است که گام در جای گام او می نهیم. به خدا سوگند، من این جامه پشمین خویش را چندان پینه کرده ام که از پینه دوزش خجالت می کشم. یکی به من گفت: نمی خواهی این را به دور بیندازی؟ گفتم: از من دور شو که در بامدادان، مردم، شبروان را می ستایند.

عنه عليه السلام في ذكر النبي صلى الله عليه وآله: قد حَقَّرَ الدُّنْيَا وَصَغَّرَهَا، وَأَهْوَنَ بِهَا وَهَوَّنَهَا، وَعَلِمَ أَنَّ اللَّهَ زَوَاهَا عَنْهُ اخْتِيَارًا، وَبَسَّطَهَا لِغَيْرِهِ احْتِقَارًا، فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ، وَأَمَاتَ ذِكْرَهَا عَنِ نَفْسِهِ، وَأَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتُهَا عَنِ عَيْنِهِ؛ لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِيَاشًا، أَوْ يَرْجُوَ فِيهَا مُقَامًا. بَلَغَ عَنِ رَبِّهِ مُعْذِرًا، وَنَصَحَ لِأُمَّتِهِ مُنْذِرًا، وَدَعَا إِلَى الْجَنَّةِ مُبَشِّرًا، وَخَوَّفَ مِنَ النَّارِ مُحْذِرًا. (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَانِي بِخَزَائِنِ الدُّنْيَا عَلَى بَعْلَةٍ شَهْبَاءَ (٢)، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ هَذِهِ خَزَائِنُ الْأَرْضِ وَلَا تَنْقُضُكَ مِنْ حَظِّكَ عِنْدَ رَبِّكَ تَعَالَى. فَقُلْتُ: حَيْبِي جِبْرِئِيلَ، لَا حَاجَةَ لِي فِيهَا؛ إِذَا شَبِعْتُ شَكَرْتُ رَبِّي، وَإِذَا جُعْتُ سَأَلْتُهُ. (٣)

-
- ١- نهج البلاغه: الخطبه ١٠٩، غرر الحكم: ح ٦٧٠٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٦٨ ح ٦٢٠٥ وفيهما صدره إلى «وبسطها لغيره احتقاراً» وفيهما «اختباراً» بدل «احتقاراً»، بحار الأنوار: ج ١٦، ص ٢٨٥، ر ١٣٦.
 - ٢- الشَّهْبُ: هو أن يغلب البياض السوادَ؛ بَغْلٌ أَشْهَبٌ وَبَعْلَةٌ شَهْبَاءُ (المصباح المنير: ص ٣٢٤ «شهب»).
 - ٣- الأُمَالِي لِلطُّوسِي: ص ٥٣١ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٦٨ ح ٢٦٦١، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٥٧ كلها عن أبيدُر.

امام علی علیه السلام در یادکرد پیامبر صلی الله علیه و آله: دنیا را خُرد و کوچک شمرد، و آن را خوار و بی مقدار داشت، و دانست که اگر خداوند دنیا را از او گرفت، از روی طیب خاطر بود، و اگر برای دیگران گسترده، از سر تحقیر است. پس، قلباً از دنیا روی گرداند، و نام و یاد آن را در جان خویش میراند، و دوست داشت که زیور دنیا از برابر چشمش دور شود تا مبادا از آن، جامه ای فاخر برای خویش برگیرد، یا به ماندن در دنیا امید ببندد. پیام پروردگارش را رساند و حجت را تمام کرد، امت خویش را نصیحت کرد و هشدار داد، به بهشت خواند و بشارتش را داد، و از آتش ترساند و از آن بر حذر داشت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل علیه السلام گنجینه های دنیا را بر قاطری خاکستری رنگ، نزد من آورد و گفت: ای محمد! اینها گنجینه های زمین اند و از سهم تو در نزد پروردگار بلندمرتبه ات چیزی کم نمی کنند. گفتم: دوست من، جبرئیل! مرا به اینها نیازی نیست. هر گاه سیر شوم، پروردگارم را سپاس می گزارم، و هر گاه گرسنه شوم، از او درخواست می کنم.

سنن الترمذى عن أبى أمامه عن رسول الله صلى الله عليه وآله: عَرَضَ عَلَيَّ رَبِّي لِيَجْعَلَ لِي بَطْحَاءَ (١) مَكَّةَ ذَهَبًا ، قُلْتُ : لا يا رَبِّ ، وَلَكِنْ أَشْبَعُ يَوْمًا وَأَجُوعُ يَوْمًا وَقَالَ ثَلَاثًا ، أَوْ نَحْوَ هَذَا فَمَاذَا جُعْتُ تَضَرَّرْتُ إِلَيْكَ وَذَكَرْتُكَ ، وَإِذَا شَبِعْتُ شَكَرْتُكَ وَحَمِدْتُكَ . (٢)

تنبيه الغافلين عن ابن عباس :بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسٌ ، وَقَدْ نَزَلَ مَلَكٌ وَمَعَهُ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ جِبْرِيلُ : هَذَا مَلَكٌ قَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ ، لَمْ يَنْزِلْ قَطُّ ، اسْتَأْذَنَ رَبَّهُ فِي زِيَارَتِكَ . فَلَمْ يَمَكُثْ إِلَّا قَلِيلًا حَتَّى جَاءَ الْمَلَكُ ، فَقَالَ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ . فَقَالَ : وَعَلَيْكَ السَّلَامُ . قَالَ الْمَلَكُ : فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُخْبِرُكَ أَنَّهُ يُعْطِيكَ خَزَائِنَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَمَفَاتِيحَ كُلِّ شَيْءٍ ، لَمْ يُعْطِهِ أَحَدًا قَبْلَكَ ، وَلَا يُعْطِيهِ أَحَدًا بَعْدَكَ ، مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَكَ مِمَّا ادَّخَرَ لَكَ شَيْئًا ، أَوْ يَجْمَعَهَا لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : بَلْ يَجْمَعُهَا لِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٣)

-
- ١- الأبطح : مسيل واسع فيه دُقاق الحصى ، والبطحاء مثل الأبطح ، ومنه بطحاء مكة (الصحاح : ج ١ ص ٣٥٦ «بطح»).
 - ٢- سنن الترمذى : ج ٤ ص ٥٧٥ ح ٢٣٤٧ ، مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ٢٨٠ ح ٢٢٢٥٢ ، المعجم الكبير : ج ٨ ص ٢٠٧ ح ٧٨٣٥ ، الزهد لابن المبارك «الملحقات» : ص ٥٤ ح ١٩٦ ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٣ ح ٦١٢٠ ؛ الكافي : ج ٨ ص ١٣١ ح ١٠٢ عن عبد المؤمن الأنصارى عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الأمالى للمفيد : ص ١٢٤ ح ١ ، عيون أخبار الرضا : ج ٢ ص ٣٠ ح ٣٦ كلاهما عن داوود بن سليمان عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ص ١١٦ ح ٧٦ عن أحمد بن عامر الطائى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وكلها نحوه .
 - ٣- تنبيه الغافلين : ص ٢٣٥ ح ٣٠٥ وراجع المعجم الأوسط : ج ٧ ص ٨٨ ح ٦٩٣٧ .

سنن الترمذی به نقل از ابو امامه: فرمود پیامبر خدا فرمود: پروردگارم به من پیشنهاد کرد که وادی مکه را برایم طلا کند. گفتم: نه، ای پروردگار من؛ بلکه یک روز سیر می شوم و یک روز گرسنگی می کشم» و این را سه بار یا در همین حدود فرمود «و هر گاه گرسنه شدم، و به درگاه تو التماس می کنم و تو را یاد می کنم، و هر گاه سیر شدم، سپاست می گزارم و تو را می ستایم».

تنبيه الغافلین به نقل از ابن عباس: پیامبر خدا نشسته بود که فرشته ای همراه جبرئیل علیه السلام فرود آمد. جبرئیل گفت: این، است که از آسمان فرود آمده و تاکنون هرگز فرود نیامده است. او از پروردگارش اجازه خواست که به دیدار تو بیاید. لختی بعد، فرشته آمد و گفت: سلام بر تو، ای پیامبر خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «و علیک السلام». فرشته گفت: خداوند متعال به تو می گوید که: آیا گنجینه های همه چیز و کلیدهای همه چیز را که پیش از تو به هیچ کس نداده و پس از تو نیز به هیچ کس نخواهد داد بی آن که از آنچه برایت اندوخته است، چیزی بکاهد عطایت کند، یا آنها را برای روز قیامت گرد آورد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آنها را برای روز قیامت گرد آورد».

رسول الله صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا تَطَاوَلَتْ إِلَيَّ بِعُنُقِهَا ، فَقُلْتُ : إِلَيْكَ عَنِّي ! فَقَالَتْ : أَمَا إِنَّكَ إِنْ لَمْ تَلْحَقْنِي فَسَيَلْحَقُنِي الَّذِي بَعْدَكَ . (١)

صحيح مسلم عن عائشه : كَانَ لَنَا سِتْرٌ فِيهِ تِمَثَالٌ طَائِرٍ ، وَكَانَ الدَّاخِلُ إِذَا دَخَلَ اسْتَقْبَلَهُ ، فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : حَوْلِي هَذَا ، فَإِنِّي كُلَّمَا دَخَلْتُ فَرَأَيْتُهُ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا . (٢)

صحيح البخارى عن ابن عمر : أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْتَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَلَمْ يَدْخُلْ عَلَيْهَا ، وَجَاءَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرَتْ لَهُ ذَلِكَ ، فَذَكَرَهُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، قَالَ : إِنِّي رَأَيْتُ عَلَى بَابِهَا سِتْرًا مَوْشِيًّا (٣) . فَقَالَ : مَا لِي وَلِلدُّنْيَا . فَأَتَاهَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهَا ، فَقَالَتْ : لِيَأْمُرَنِي فِيهِ بِمَا شَاءَ . قَالَ : تُرْسِلُ بِهِ إِلَى فُلَانٍ ؛ أَهْلِ بَيْتٍ بِهِمْ حَاجَةٌ . (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا لِي وَلِلدُّنْيَا ! إِنَّمَا مَتَلَى وَمَتَلْهَا كَمَثَلِ الزَّاكِبِ رُفِعَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَقَالَ (٥) تَحْتَهَا ، ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا . (٦)

- ١- الفردوس : ج ٢ ص ٢٣٣ ح ٣١٢٠ عن أبي بكر .
- ٢- صحيح مسلم : ج ٣ ص ١٦٦٦ ح ٨٨ ، سنن الترمذى : ج ٤ ص ٦٤٣ ح ٢٤٦٨ ، سنن النسائى : ج ٨ ص ٢١٣ ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٣٠٣ ح ٢٤٢٧٣ وص ٣١٢ ح ٢٤٣٢١ ، الزهد لابن المبارك : ص ١٣٥ ح ٤٠٠ كلها نحوه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٤٢ ح ٦٣٥٣ .
- ٣- وَشَيْتُ الثَّوْبِ : رَفَمْتُهُ وَنَقَشْتُهُ ، فَهُوَ مَوْشِيٌّ (المصباح المنير : ص ٦٦١ «وشى»).
- ٤- صحيح البخارى : ج ٢ ص ٩٢٢ ح ٢٤٧١ وراجع سنن أبي داود : ج ٤ ص ٧٢ ح ٤١٤٩ ومسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٢٤٤ ح ٤٧٢٧ .
- ٥- قَالَ : مَا لِي وَاسْتِرَاحَ (النهاية : ج ٤ ص ١٢٤ «قول»).
- ٦- الكافى : ج ٢ ص ١٣٤ ح ١٩ عن الحسن بن راشد عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص ٤٦٢ ح ١٥٤٢ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٤٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٦٨ ح ٣٥ ؛ مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ١٤٦ ح ٤٢٠٨ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٣٤٥ ح ٧٨٥٩ ، الزهد لابن حنبل : ص ١٣ كلها عن عبد الله بن مسعود نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا به سوی من گردن کشید . گفتم: از من دور شو! گفت: اگر تو مرا نگیری ، آن که بعد از تو می آید ، مرا خواهد گرفت.

صحیح مسلم به نقل از عایشه: پرده ای داشتیم که بر آن عکس پرنده ای بود و هر کس وارد اتاق می شد ، اوّل با آن رو به رو می شد. پیامبر خدا به من فرمود: «این پرده را عوض کن؛ چون هر گاه وارد می شوم و آن را می بینم ، به یاد دنیا می افتم».

صحیح البخاری به نقل از ابن عمر: پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه فاطمه علیهاالسلام رفت اما وارد نشد. علی علیه السلام که آمد ، فاطمه علیهاالسلام ماجرا را به او گفت. علی علیه السلام موضوع را از پیامبر صلی الله علیه و آله جویا شد . فرمود: «بر درِ اتاق ، پرده ای نگارین دیدم». سپس فرمود: «مرا چه به دنیا؟!». علی علیه السلام نزد فاطمه علیهاالسلام آمد و موضوع را برایش گفت. فاطمه علیهاالسلام گفت: بفرمایید که با آن ، چه کنم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آن را برای فلان خانواده نیازمند بفرست » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مرا چه به دنیا؟! همانا حکایت من و دنیا ، حکایت سواری است که در یک روز گرم تابستانی ، درختی می بیند و زیر سایه آن استراحتی می کند و سپس آن را ترک می کند و می رود.

الإمام الصادق عليه السلام: دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلٌ وَهُوَ عَلَى حَصِيرٍ قَدْ أَثَّرَ فِي جِسْمِهِ ، وَوِسَادَهُ لَيْفٌ قَدْ أَثَّرَتْ فِي خَدِّهِ ، فَجَعَلَ يَمَسُحُ وَيَقُولُ : مَا رَضِيََ بِهَذَا كِسْرَى وَلَا قَيْصِرٌ ، إِنَّهُمْ يَنَامُونَ عَلَى الْحَرِيرِ وَالذَّبْيَاجِ وَأَنْتَ عَلَى هَذَا الْحَصِيرِ !؟ قَالَ : فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَأَنَا خَيْرٌ مِنْهُمَا ، وَاللَّهِ مَا أَكْرَمُ مِنْهُمَا ، وَاللَّهِ مَا أَنَا وَاللُّدُنْيَا ، إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رَجُلٍ رَاكِبٍ مَرَّ عَلَى شَجَرَةٍ وَلَهَا فِيَّ فَاسْتَظَلَّ تَحْتَهَا ، فَلَمَّا أَنْ مَالَ الظُّلُّ عَنْهَا ارْتَحَلَ فَذَهَبَ وَتَرَكَهَا . (١)

المُستدرك على الصحيحين عن ابن عباس: دَخَلَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ عَلَى حَصِيرٍ قَدْ أَثَّرَ فِي جَنْبِهِ ، فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، لَوْ اتَّخَذْتَ فِرَاشًا أَوْثَرَ (٢) مِنْ هَذَا؟ فَقَالَ : مَا لِي وَلِلدُّنْيَا ، وَمَا لِلدُّنْيَا وَمَا لِي ! وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ، مَا مَثَلِي وَمَثَلُ الدُّنْيَا إِلَّا كَرَائِبِ سَارٍ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ ، فَاسْتَظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ ، ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا . (٣)

مجمع البيان عن عمر بن الخطاب: اسْتَأْذَنْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فِي مَشْرَبِيهِ (٤) أُمُّ إِبْرَاهِيمَ ، وَإِنَّهُ لَمُضْطَجِعٌ عَلَى خَصْفِهِ (٥) وَإِنَّ بَعْضَهُ عَلَى التُّرَابِ ، وَتَحْتَ رَأْسِهِ وَسَادَةٌ مَحْشُوءَةٌ لَيْفًا ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ ثُمَّ جَلَسْتُ ، فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَنْتَ نَبِيُّ اللَّهِ وَصَفْوَتُهُ وَخَيْرَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ وَكِسْرَى وَقَيْصِرٌ عَلَى سُرْرِ الذَّهَبِ وَفُرْشِ الذَّبْيَاجِ وَالْحَرِيرِ ! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَوْلَيْكَ قَوْمٌ عَجَّلَتْ طَيِّبَاتُهُمْ وَهِيَ وَشَيْكُهُ الْإِنْقِطَاعِ ، وَإِنَّمَا أُخِّرَتْ لَنَا طَيِّبَاتُنَا . (٦)

- ١- الزهد للحسين بن سعيد : ص ٥٠ ح ١٣٤ عن عبد الله بن سنان ، حليه الأبرار : ج ١ ص ٢٠٩ ح ٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٦ ح ١٢٤ وراجع مشكاة الأنوار : ص ٤٦٣ ح ١٥٤٥ .
- ٢- أوثر : أى أوطأ وألين (النهاية : ج ٥ ص ١٥١ «وتر»).
- ٣- المستدرك على الصحيحين : ج ٤ ص ٣٤٥ ح ٧٨٥٨ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٦٤٦ ح ٢٧٤٤ نحوه ، صحيح ابن حبان : ج ١٤ ص ٢٦٥ ح ٦٣٥٢ ، المعجم الكبير : ج ١١ ص ٢٥٩ ح ١١٨٩٨ ، كتر العمال : ج ٣ ص ٢٤٣ ح ٦٣٦١ ؛ مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٦٤ ح ٦٥ نحوه ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٧٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٣ ح ١١٢ .
- ٤- المَشْرَبِيهِ : الغرفة (النهاية : ج ٢ ص ٤٥٥ «شرب»).
- ٥- الخَصْفَهُ : شىء يعمل من خوص النخل (مجمع البحرين : ج ١ ص ٥١٨ «خصف»).
- ٦- مجمع البيان : ج ٩ ص ١٣٣ ؛ صحيح البخارى : ج ٥ ص ١٩٩٢ ح ٤٨٩٥ و ج ٢ ص ١١١٢ ح ٣٤ ، صحيح مسلم : ج ٢ ص ١١٠٦ ح ٣٠ ، سنن الترمذى : ج ٥ ص ٤٢٣ ح ٣٣١٨ ، مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٨٠ ح ٢٢٢ و ج ٤ ص ٢٨٠ ح ١٢٤٠ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣٩ ح ٤١٥٣ كلها نحوه ، كتر العمال : ج ٢ ص ٥٢٨ ح ٤٦٦٣ .

امام صادق علیه السلام: مردی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد. دید که پیامبر صلی الله علیه و آله بر بوریایی خفته است و بالشی از لیف خرما زیر سر دارد که بر بدن و صورت ایشان جا انداخته است. شروع به دست کشیدن بر بوریا کرد و در این حال می گفت: کسرا و قیصر، به چنین چیزی رضایت نمی دهند. آنها بر حریر و دیبا می خوابند و شما بر این بوریا؟! پیامبر خدا فرمود: «من از آنها بهترم. به خدا، من از آنها ارجمندترم. به خدا، مرا چه به دنیا؟! حکایت دنیا، در حقیقت، حکایت مرد سواری است که از درختی می گذرد که سایه ای دارد و در سایه آن می آرمند، و چون سایه بر می گردد، بار بر می بندد و درخت را ترک می کند و می رود».

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابن عباس: عمر بن خطاب بر پیامبر صلی الله علیه و آله در آمد، در حالی که ایشان بر بوریایی خفته بود و بوریا بر پهلویش جا انداخته بود. گفت: ای پیامبر خدا! کاش تشکی نرم تر از این تهیه کنید! فرمود: «مرا با دنیا چه کار، و دنیا را با من چه کار؟! سوگند به آن که جانم در دست اوست، حکایت من و دنیا، حکایت مسافری است که در یک روز تابستانی می رود و ساعتی از روز را در سایه درختی می آساید و سپس آن را ترک می کند و می رود».

مجمع البیان به نقل از عمر بن خطاب: از پیامبر خدا که در بالاخانه اُمّ ابراهیم بود اجازه خواستم و وارد شدم. دیدم بر بوریایی از لیف خرما، دراز کشیده و قسمتی از بدنش روی زمین است، و بالشی که از لیف خرما پر شده، زیر سرش قرار دارد. سلام کردم و نشستم و گفتم: ای پیامبر خدا! شما پیامبر و برگزیده خدا و بهترین آفریده او باشی و کسرا و قیصر بر تخت های زرین و فرش های دیبا و حریر بنشینند؟! پیامبر خدا فرمود: «آنان، مردمانی هستند که خوشی هایشان در همین دنیا به آنان داده شده و آنها به زودی از بین می روند؛ اما خوشی های ما برای آخرتمان قرار داده شده است».

مسند ابن حنبل عن عبد الله [بن مسعود] : اِضْطَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى حَصِيرٍ فَأَثَّرَ فِي جَنْبِهِ ، فَلَمَّا اسْتَيْقَظَ جَعَلَتْ أَمْسِجُحُ جَنْبَهُ ، فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَلَا- آذَنْتَنَا حَتَّى نَبْسُطَ لَكَ عَلَى الْحَصِيرِ شَيْئًا؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا لِي وَلِلدُّنْيَا ، مَا أَنَا وَالِدُنْيَا ! إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُ الدُّنْيَا كَرَاكِبٍ ظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ ، ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا . (١)

مسند ابن حنبل عن ابن عباس : قُبِضَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَدِرْعُهُ مَرْهُونَةٌ عِنْدَ رَجُلٍ مِنْ يَهُودَ عَلَى ثَلَاثِينَ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ ، أَخَذَهَا رِزْقًا لِعِيَالِهِ . (٢)

صحيح مسلم عن عائشه : مَا شَبَّحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ تَبَاعَا مِنْ خُبْزٍ بُرِّ حَتَّى مَضَى لِسَبِيلِهِ . (٣)

١- .مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٤٠ ح ٣٧٠٩ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣٧٦ ح ٤١٠٩ ، الزهد لابن حنبل : ص ١٨ ، حليه الأولياء : ج ٤ ص ٢٣٤ ، مسند الطيالسي : ص ٣٦ ح ٢٧٧ ، البدايه والنهائيه : ج ٦ ص ٤٩ عن علقمه بن مسعود نحوه .

٢- .مسند ابن حنبل : ج ١ ص ٥٠٨ ح ٢١٠٩ ، السنن الكبرى : ج ٦ ص ٦٠ ح ١١١٩٢ ، صفه الصفوه : ج ١ ص ٨٦ ، صحيح البخارى : ج ٣ ص ١٠٦٨ الرقم ٢٧٥٩ ، سنن الترمذى : ج ٣ ص ٥١٩ الرقم ١٢١٤ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ٨١٥ الرقم ٢٤٣٩ ، المعجم الكبير : ج ١١ ص ٢١٥ الرقم ١١٦٩٧ والأربعه الأخيره نحوه ؛ مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٦٥ الرقم ٦٦ ، بحار الأنوار : ج ١٦ ص ٢٣٩ .

٣- .صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٢٨١ الرقم ٢١ ، سنن الترمذى : ج ٤ ص ٥٧٩ الرقم ٢٣٥٨ ، السنن الكبرى : ج ٧ ص ٧٤ الرقم ١٣٣٠٨ وفيهما «رسول الله صلى الله عليه وآله وأهله» ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١١١٠ الرقم ٣٣٤٣ كلها عن أبى هريره نحوه ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٢٩١ الرقم ٢٤٢٠٦ ، كنز العمال : ج ٧ ص ١٨٧ الرقم ١٨٦٠٥ .

مسند ابن حنبل به نقل از عبد الله [بن مسعود]: پیامبر خدا بر بوریایی خوابید و آن بوریای بر پهلوی ایشان جا انداخت. چون بیدار شد، من شروع به دست کشیدن بر پهلوی ایشان کردم و گفتم: ای پیامبر خدا! اجازه می دهید که برایتان بر روی این حصیر، چیزی پهن کنیم؟ پیامبر خدا فرمود: «مرا چه به دنیا؟! مرا با دنیا چه کار؟! حکایت من و دنیا، چون مسافری است که زیر سایه درختی استراحت می کند و سپس آن را ترک می کند و می رود».

مسند ابن حنبل به نقل از ابن عباس: پیامبر خدا، در حالی از دنیا رفت که زره ایشان به ازای سی صاع (۱) جو، نزد مردی یهودی گرو بود. پیامبر صلی الله علیه و آله جوها را برای خوراک خانواده اش از آن مرد یهودی قرض کرده بود.

صحیح مسلم به نقل از عایشه: پیامبر خدا، تا زمانی که از دنیا رفت، هرگز سه روز پیاپی از نان گندم، سیر نخورد.

۱- صاع، پیمانه ای است معادل چهار مد.

صحيح مسلم عن عائشه: ما شَبِعَ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ خُبْزِ شَعِيرٍ يَوْمَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ حَتَّى قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (١)

صحيح مسلم عن عائشه: إِنَّمَا كَانَ فِرَاشُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الَّذِي يَنَامُ عَلَيْهِ أَدَمًا (٢) حَشْوُهُ لَيْفٌ . (٣)

صحيح البخارى عن أبى بُرْدَةَ: أَخْرَجَتْ إِلَيْنَا عَائِشَةُ كِسَاءً وَإِزَارًا غَلِيظًا ، فَقَالَتْ : قُبِضَ رُوحُ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي هَذَيْنِ . (٤)

٦ / ٢ أهل البيت رسول الله صلى الله عليه وآله : يا عَلَى ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ زَيَّنَكَ بِزِينَةٍ لَمْ يُزَيِّنِ الْعِبَادَ بِزِينَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْهَا ، زَيَّنَكَ بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَجَعَلَكَ لَا تَرَزُّأً (٥) مِنْهَا شَيْئًا وَلَا تَرَزُّأً مِنْكَ شَيْئًا ، وَوَهَبَ لَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ . (٦)

١- . صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢٢٨٢ الرقم ٢٢ ، سنن الترمذى : ج ٤ ص ٥٧٩ الرقم ٢٣٥٧ وفيه «رسول الله صلى الله عليه وآله» بدل «آل محمد صلى الله عليه وآله» ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١١١٠ الرقم ٣٣٤٦ وليس فيه «يومين متتابعين» ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٣٩٣ الرقم ٢٤٧١٩ ؛ مكارم الأخلاق : ج ١ ص ٧١ الرقم ٩٢ وفيه «رسول الله صلى الله عليه وآله» بدل «آل محمد صلى الله عليه وآله» ، بحار الأنوار : ج ١٦ ص ٢٤٣ نحوه وراجع صحيح البخارى : ج ٥ ص ٢٠٥٥ الرقم ٥٠٥٩ وص ٢٠٦٧ الرقم ٥١٠٠ .

٢- الأديم : الجلد المدبوغ ، وجمعها آدم (المصباح المنير : ص ٩ «أدم»).

٣- . صحيح مسلم : ج ٣ ص ١٦٥٠ الرقم ٣٨ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣٩٠ الرقم ٤١٥١ ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٣١٧ الرقم ٢٤٣٤٧ وفيهما «ضجاع» بدل «فراش» ، السنن الكبرى : ج ٧ ص ٧٦ الرقم ١٣٣١٧ ، صفه الصفوه : ج ١ ص ٨٥ ؛ المناقب لابن شهر آشوب : ج ١ ص ١٧١ ، دعائم الإسلام : ج ٢ ص ١٥٩ عن الإمام على عليه السلام وليس فيه «الذى ينام عليه» .

٤- . صحيح البخارى : ج ٥ ص ٢١٩٠ الرقم ٥٤٨٠ ، صحيح مسلم : ج ٣ ص ١٦٤٩ الرقم ٣٤ ، سنن أبى داود : ج ٤ ص ٤٥ الرقم ٤٠٣٦ كلاهما نحوه ، سنن الترمذى : ج ٤ ص ٢٢٤ الرقم ١٧٣٣ ، مسند ابن حنبل : ج ٩ ص ٢٧٢ الرقم ٢٤٠٩٢ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٢ ص ٦٦٥ الرقم ٤٢٠٦ وفيها «كساء ملبدا» .

٥- . يرزأ : يأخذ (النهايه : ج ٢ ص ٢١٨ «رزأ»).

٦- . الأمالى للطوسى : ص ١٨١ ح ٣٠٣ ، بشاره المصطفى : ص ٩٨ كلاهما عن عمّار ، المحاسن : ج ١ ص ٤٥٤ ح ١٠٤٦ عن أبى أيوب الأنصارى نحوه ، بحار الأنوار : ج ٣٩ ص ٢٩٨ ح ١٠١ ؛ تاريخ دمشق : ج ٤٢ ص ٢٨١ ، حليه الأولياء : ج ١ ص ٧١ ، أسد الغابه : ج ٤ ص ٩٦ الرقم ٣٧٨٩ كلها عن عمّار نحوه ، كنز العمال : ج ١١ ص ٦٢٦ ح ٣٣٠٥٣ وراجع العمده : ص ٢٩٧ ح ٤٩٥ .

۶ / ۱۲ اهل بیت

صحیح مسلم به نقل از عایشه: تا زمانی که پیامبر خدا از دنیا رفت، خاندان محمد صلی الله علیه و آله هرگز دو روز پیاپی از نان جو، سیر نخوردند.

صحیح مسلم به نقل از عایشه: بستر پیامبر خدا که بر آن می خوابید، چرمی پر شده از لیف خرما بود.

صحیح البخاری به نقل از ابو بَرده: عایشه یک پیراهن و شلوار زبر نزد ما آورد و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله در این دو، قبض روح شد.

۶ / ۱۲ اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! خداوند تو را به زیوری آراسته که بندگان را به زیوری محبوب تر از آن در نزد خود، نیاراسته است: تو را به زیور زهد آراسته و چنانست قرار داده که نه تو از دنیا چیزی بر می گیری و نه دنیا از تو چیزی بر می گیرد، و دوستی مستمندان را نیز به تو ارزانی داشته است.

عنه صلى الله عليه وآله يا عَلِيُّ ، إِنَّ اللَّهَ حَصَّكَ بِأَمْرِ وَأَعْطَاكَ ، لَيْسَ مِنَ الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيْهِ وَلَا أَفْضَلُ مِنْهُ عِنْدَهُ ؛ الرَّهْدُ فِي الدُّنْيَا ، فَلَيْسَ تَنَالُ مِنْهَا شَيْئًا وَلَا تَنَالُ (١) مِنْكَ ، وَهِيَ زِينَةُ الْأَبْرَارِ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٢)

الإمام علي عليه السلام: أَنَا الَّذِي أَهَنْتُ الدُّنْيَا . (٣)

عنه عليه السلام: أَنَا كَابُ الدُّنْيَا لَوَجْهِهَا ، وَقَادِرُهَا بِقَدْرِهَا ، وَنَاضِرُهَا بِعَيْنِهَا . (٤)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُتِيَ بِخَبِيصٍ (٥) فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَهُ ، فَقَالُوا لَهُ : أَلَمْ تُحَرِّمُهُ؟ قَالَ : لَا ، وَلَكِنِّي أَخْشَى أَنْ تَتَوَقَّ إِلَيْهِ نَفْسِي فَأَطْلُبُهُ . ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ : «أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمْ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا» (٦) . (٧)

إرشاد القلوب عن سويد بن غفلة: دَخَلْتُ عَلَيَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَارَهُ فَلَمْ أَرِ فِي الْبَيْتِ شَيْئًا ، فَقُلْتُ : أَيْنَ الْأَثَاثُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ : يَا بْنَ غَفَلَةَ ، نَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ لَا تَنَاقُثُ فِي الدُّنْيَا ، نَقَلْنَا أَجَلَ مَتَاعِنَا إِلَى الْآخِرَةِ ، إِنَّ مَثَلَنَا فِي الدُّنْيَا كَرَائِبِ ظَلِّ تَحْتَ شَجَرَةٍ ، ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا . (٨)

١- في المصدر «تَنَالَهُ» وما أثبتناه هو الأوفق كما في بحار الأنوار .

٢- الخصال : ص ٥٥٦ ح ٣١ عن عامر بن واثله عن الإمام علي عليه السلام .

٣- تاريخ دمشق : ج ٤٢ ص ٤٨٩ ، البدايه والنهايه : ج ٨ ص ٥ .

٤- نهج البلاغه : الخطبه ١٢٨ ، غرر الحكم : ح ٣٧٦٢ وفيه «ورادها على عقبها» بدل «وناظرها بعينها» ، بحار الأنوار : ج ٤١ ص ٣٣٤ ح ٥٥ وراجع مشارق أنوار اليقين : ص ٢٠٣ .

٥- الخَبِيصُ : المعمول من التمر والسمن ؛ خلواء معروف يُخْبِصُ [أى يُخْلَطُ] بعضه في بعض (تاج العروس : ج ٩ ص ٢٦٥ «خبص»).

٦- الأحقاف : ٢٠ .

٧- الأمالي للمفيد : ص ١٣٤ ح ٢ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج ٢ ص ١٧٧ ح ١٥٠١ عن عبد الله بن ميمون القدّاح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الغارات : ج ١ ص ٩٠ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٦٦ ص ٣٢٣ ح ٣ وراجع المناقب لابن شهر آشوب : ج ٢ ص ٩٩ .

٨- إرشاد القلوب : ص ٢٠ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! خداوند، خصلتی به تو اختصاص داده و عطایت کرده است که هیچ عملی در نزد او محبوب تر و برتر از آن نیست: زهد در دنیا. نه تو از دنیا نوایی می گیری و نه دنیا از تو به نوایی می رسد. در روز قیامت، زهد، زیور نیکان در نزد خداوند است.

امام علی علیه السلام: من آنم که دنیا را بی مقدار شمردم.

امام علی علیه السلام: من دنیا را به رو در افکندم، و به اندازه خودش بدان بها می دهم، و با نگاه خودش به آن می نگرم.

امام باقر علیه السلام: مقداری افروشه (۱) برای امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام آوردند؛ امّا ایشان از خوردن آن امتناع ورزید. گفتند: حرامش می دانی؟ فرمود: «نه؛ اما می ترسم بدان علاقه مند شوم و خواهان آن گردم». سپس این آیه را خواند: «نعمت های پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان صرف کردید و از آنها برخوردار شدید».

إرشاد القلوب به نقل از سوید بن غفله: وارد خانه امیر مؤمنان علیه السلام شدم و در اتاق، چیزی ندیدم. گفتم: اثاثیه کجاست، ای امیر مؤمنان؟ فرمود: «ای پسر غفله! ما خاندانی هستیم که در دنیا اثاثی تهیه نمی کنیم و بهترین کالای خود را به آخرت منتقل کرده ایم. حکایت ما در دنیا، همچون مسافری است که زیر سایه درختی می آساید و سپس آن را ترک می کند و می رود».

الغارات عن أبي مَطَر: أتى [عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام] سوق الكرابيس (١) فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ وَسِيمٍ ، فَقَالَ : يَا هَذَا عِنْدَكَ ثوبانِ بِخَمْسَةِ دَرَاهِمٍ؟ فَوَثَبَ الرَّجُلُ فَقَالَ : نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ؛ فَلَمَّا عَرَفَهُ مَضَى عَنْهُ وَتَرَكَهُ . فَوَقَّفَ عَلَيَّ غُلامٌ فَقَالَ لَهُ : يَا غُلامُ عِنْدَكَ ثوبانِ بِخَمْسَةِ دَرَاهِمٍ؟ قَالَ : نَعَمْ عِنْدِي ثوبانِ ؛ أَحَدُهُمَا أَحْيَرُ مِنَ الْآخَرِ ، واحِدٌ بِثَلَاثَةِ وَالْآخَرُ بِدَرَهْمَيْنِ ، قال : هَلُمَّهُمَا . فقال : يا قَتْبِر ، حُذِرِ الَّذِي بِثَلَاثَةِ ، قال : أَنْتَ أَوْلَى بِهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ؛ تَصَعَّدُ الْمِثْبَرُ وَتَخْطُبُ النَّاسَ ! فقال : يا قَتْبِر ، أَنْتَ شَابٌّ وَلَكَ شِرَّةٌ (٢) الشَّبَابِ ، وَأَنَا أَسْتَحْيِي مِنْ رَبِّي أَنْ أَتَفَضَّلَ عَلَيْكَ لِإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : «الْبِسُوهُمْ مِمَّا تَلْبَسُونَ ، وَأَطِعْمُوهُمْ مِمَّا تَأْكُلُونَ» . ثُمَّ لَبَسَ الْقَمِيصَ وَمَدَّ يَدَهُ فِي رُذْنِهِ فَإِذَا هُوَ يَفْضُلُ عَنْ أَصَابِعِهِ ، فقال : يا غُلامُ اقْطَعْ هَذَا الْفَضْلَ ، فَقَطَعَهُ ، فقال الْغُلامُ : هَلُمَّهُ أَكْفَهُ يَا شَيْخُ ، فقال : دَعَهُ كَمَا هُوَ ، فَإِنَّ الْأَمْرَ أَسْرَعُ مِنْ ذَلِكَ . (٣)

المعجم الكبير عن أسماء بنت عُمَيْس عن فاطمة عليها السلام : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَاهَا يَوْمًا فَقَالَ : أَيْنَ ابْنائِي؟ يَعْنِي حَسَيْنًا وَحُسَيْنًا ، قَالَتْ : أَصْبَحْنَا وَلَيْسَ فِي بَيْتِنَا شَيْءٌ يَدْوُقُهُ ذَائِقٌ ، فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام : أَذْهَبُ بِهِمَا ، فَإِنِّي أَتَخَوَّفُ أَنْ يَبْكِيَا عَلَيْكَ وَلَيْسَ عِنْدَكَ شَيْءٌ ؛ فَذَهَبَ إِلَى فُلانِ الْيَهُودِيِّ . فَتَوَجَّهَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَوَجَدَهُمَا يَلْعَبَانِ فِي شَرَبِهِ (٤) ، بَيْنَ أَيْدِيهِمَا فَضْلٌ مِنْ تَمْرٍ ، فَقَالَ : يَا عَلِيُّ ، أَلَا تَقْلِبُ (٥) ابْنَتِي قَبْلَ أَنْ يَشْتَدَّ عَلَيْهِمَا الْحَرُّ؟ فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام : أَصْبَحْنَا وَلَيْسَ فِي بَيْتِنَا شَيْءٌ ، فَلَوْ جَلَسْتَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ حَتَّى أَجْمَعَ لِفاطِمَةَ تَمْرَاتٍ . فَجَلَسَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى اجْتَمَعَ لِفاطِمَةَ شَيْءٌ مِنْ تَمْرٍ ، فَجَعَلَهُ فِي صُرَّتِهِ ، ثُمَّ أَقْبَلَ ، فَحَمَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَحَدَهُمَا وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام الْآخَرَ حَتَّى أَقْلَبَهُمَا . (٦)

١- الكرابيس : فارسى معرّب ، والجمع كرابيس ؛ وهى ثيابٌ خشنة (الصحاح : ج ٣ ص ٩٧٠ «كربس»).

٢- الشَّرَّةُ : النشاط والرغبة (النهاية : ج ٢ ص ٤٥٨ «شرب»).

٣- الغارات : ج ١ ص ١٠٦ ، روضه الواعظين : ص ١٢١ ، المناقب لابن شهر آشوب : ج ٢ ص ٩٧ عن الأصمغ وأبى مسعده والإمام الباقر عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ٩٣ ح ٩ .

٤- الشَّرَبَةُ : حوض يكون فى أصل النخلة وحولها (النهاية : ج ٢ ص ٤٥٥ «شرب»).

٥- الانقلاب : الرجوع . انْقَلَبَ : أَرَجَعَ إِلَى بَيْتِي (النهاية : ج ٤ ص ٩٦ «قلب»).

٦- المعجم الكبير : ج ٢٢ ص ٤٢٢ ح ١٠٤٠ ، ذخائر العقبى : ص ٩٦ .

الغارات به نقل از ابو مطر: علی علیه السلام به بازار کرباس فروشان آمد و به مردی خوش سیما برخورد و به او فرمود: «ای مرد! دو جامه به ارزش پنج درهم داری؟». مرد از جا جست و گفت: بله، ای امیر مؤمنان! چون مرد، امام علیه السلام را شناخت، ایشان او را رها کرد و رفت و نزد جوانی ایستاد و فرمود: «ای جوان! دو جامه به ارزش پنج درهم داری؟». گفت: آری، دو جامه دارم. یکی از آنها بهتر از دیگری است: یکی به سه درهم و دیگری به دو درهم. امام علیه السلام فرمود: «هر دو را بیاور». سپس فرمود: «ای قنبر! آن سه درهمی را تو بردار». قنبر گفت: ای امیر مؤمنان!، شما بدان سزاوارترید. شما بالای منبر می روید و برای مردم سخنرانی می کنید! فرمود: «ای قنبر! تو جوان هستی و هوس جوانی داری، و من از پروردگارم شرم دارم که بر تو برتری بجویم؛ زیرا از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: «از آنچه خود می پوشید، به آنها بپوشانید، و از آنچه خود می خورید، به آنها بخورانید». آن گاه امام علیه السلام پیراهن را پوشید و دستش را از آستینش بیرون آورد و دید از انگشتانش بلندتر است. [به فروشنده] فرمود: «ای جوان! این اضافی را بئر» و او آن را برید. جوان گفت: ای پیرمرد! بده آستینت را سردوزی کنم. فرمود: «رهاش کن، که کار، از این، شتابان تر است».

المعجم الکبیر به نقل از اسماء بنت عمیس: روزی، پیامبر خدا نزد فاطمه علیها السلام آمد و فرمود: «پسرانم کجایند؟» و مقصودش حسن و حسین بود. فاطمه علیها السلام گفت: امروز چیزی در خانه برای خوردن نداشتیم، و علی گفت: من آن دو را بیرون می برم؛ زیرا می ترسم که گریه کنند و تو، چیزی نداری. و پیش فلان یهودی رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله به دنبال علی علیه السلام رفت. دید که حسن و حسین، در پای درخت خرمايي بازی می کنند و جلوی آنها مقداری خرماست. به علی علیه السلام فرمود: «ای علی! نمی خواهی پیش از آن که هوا گرم تر شود و پسرانم اذیت شوند، آنها را به خانه برگردانی؟». علی علیه السلام گفت: امروز صبح، چیزی در خانه نداشتیم. ای پیامبر خدا! اگر اندکی بنشینید، من مقداری خرما برای فاطمه جمع می کنم. پیامبر صلی الله علیه و آله نشست، تا آن که مقداری خرما برای فاطمه جمع شد. علی علیه السلام، آنها را در کیسه اش ریخت و به راه افتاد. پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از بچه ها را به دوش گرفت و علی علیه السلام نیز، دیگری را و آنها را به خانه بردند.

الكامل فى التاريخ عن عَنَتْرَه: دَخَلْتُ عَلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْخَوْرَتِقِ (١) وَهُوَ فَصْلٌ شَتَاءٍ وَعَلَيْهِ خَلَقَ قَطِيفَهُ (٢) وَهُوَ يَرْعُدُ فِيهِ ، فَقُلْتُ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ لَكَ وَلِإِئْتِهَا هَلِكًا فِي هَذَا الْمَالِ نَصِيبًا وَأَنْتَ تَفْعَلُ هَذَا بِنَفْسِكَ؟ فَقَالَ : وَاللَّهِ مَا أُرْزُقُكُمْ (٣) شَيْئًا ، وَمَا هِيَ إِلَّا قَطِيفَتِي الَّتِي أَخْرَجْتُهَا مِنَ الْمَدِينَةِ . (٤)

تاريخ دمشق عن مُيدِرِكِ أَبِي زِيَادٍ : كُنَّا فِي حَيْطَانِ (٥) ابْنِ عَبَّاسٍ ، فَجَاءَ ابْنِي (٦) عَبَّاسٌ وَحَسَنٌ وَحُسَيْنٌ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، فَطَافُوا فِي الْبُسْتَانِ فَنَظَرُوا ، ثُمَّ جَاؤُوا إِلَى سَاقِيهِ فَجَلَسُوا عَلَى شَاطِئِهَا ، فَقَالَ لِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا مُيدِرِكُ أَعِنْدَكَ غَدَاءٌ؟ قُلْتُ : قَدْ خَبَزْنَا ، قَالَ : آيْتِ بِهِ . قَالَ : فَجِئْتُهُ بِخُبْزٍ وَشَىءٍ مِنْ مِلْحِ جَرِيشٍ وَطَاقَتِي بِقَلْبٍ ، فَأَكَلْتُ ثُمَّ قَالَ : يَا مُيدِرِكُ أَبِي زِيَادٍ ، مَا أَطْيَبَ هَذَا! ثُمَّ أَتَى بَعْدَائِهِ وَكَانَ كَثِيرَ الطَّعَامِ طَيِّبُهُ فَقَالَ : يَا مُيدِرِكُ أَبِي زِيَادٍ ، اجْمَعْ لِي غِلْمَانَ الْبُسْتَانِ ، قَالَ : فَقَدَّمْتُ إِلَيْهِمْ فَأَكَلُوا وَلَمْ يَأْكُلْ ، فَقُلْتُ : أَلَا تَأْكُلُ؟ فَقَالَ : ذَاكَ أَشْهَى عِنْدِي مِنْ هَذَا . (٧)

١- الخَوْرَتِقُ : موضع بالكوفة (معجم البلدان : ج ٢ ص ٤٠١) .

٢- القَطِيفَةُ : دثار له حمل (المصباح المنير : ص ٥٠٩ «قطف»).

٣- يقال : مَا رَزَأْتَهُ مَالَهُ ؛ أَي مَا نَقَصْتَهُ (الصحاح : ج ١ ص ٥٣ «رزأ»).

٤- الكامل فى التاريخ : ج ٢ ص ٤٤٢ ، صفه الصفوه : ج ١ ص ١٣٤ ، حليه الأولياء : ج ١ ص ٨٢ ؛ كشف الغممه : ج ١ ص ١٧٣ كلُّها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٤٠ ص ٣٣٤ ح ١٥ وراجع : موسوعه الإمام عليّ عليه السلام : الفصل الثانى : الخصائص الأخلاقية / زينه الزهد .

٥- الحَائِطُ : البستان من النخيل (النهاية : ج ١ ص ٤٦٢ «حوط»).

٦- كذا ، وفى المختصر والمطبوعه : ابن عباس (هامش المصدر) .

٧- تاريخ دمشق : ج ١٣ ص ٢٣٨ .

الكامل فی التاريخ به نقل از عترة: در خُورْتَق (۱) بر علی علیه السلام در آمدم. فصل زمستان بود و ایشان مخمل کهنه ای به تن داشت و می لرزید. گفتم: ای امیر مؤمنان! خداوند برای تو و خانواده ات در این بیت المال سهمی قرار داده و تو با خودت چنین می کنی؟! فرمود: «به خدا سوگند که من از آن، چیزی بر نمی دارم [که از سهم شما کاسته شود]. این مخمل را هم از مدینه با خود آورده ام». (۲)

تاریخ دمشق به نقل از مُدْرِک، ابو زیاد: در باغ ابن عباس بودیم که دو فرزند عباس و حسن و حسین علیهما السلام آمدند و دور باغ گشتی زدند و نگاهی کردند. سپس کنار جویی رفتند و نشستند. حسن علیه السلام به من فرمود: «ای مُدْرِک! غذایی داری؟». گفتم: نان پخته ایم. فرمود: «بیاور». من نانی و کمی نمک نیم کوفته و دو مشت سبزی برایش آوردم. ایشان خورد و آن گاه فرمود: «ای مُدْرِک! چه قدر خوش مزه بود». سپس غذای خود او را که زیاد و لذیذ بود آوردند. فرمود: «ای مُدْرِک! غلامان باغ را صدا بزن» و غذا را به آنها داد و غلامان خوردند و خود ایشان، چیزی نخورد. گفتم: خودتان نمی خورید؟ فرمود: «آن غذا [ی تو] را از این، بیشتر دوست دارم».

۱- خُورْتَق، جایی است در اطراف کوفه (معجم البلدان: ج ۲ ص ۴۰۱).

۲- ظاهراً این برداشت راوی است، و گرنه طبق احادیث فراوانی، امام علی علیه السلام به دعای پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ گاه احساس سرما و گرما نمی کرد (ر. ک: دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام: بخش دوم / فصل سیزدهم / خدایا! گرما و سرما را از او دور کن).

عيون أخبار الرضا عن أبي عبيد: كَانَ جُلُوسُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّيْفِ عَلَى حَصِيرٍ وَفِي الشِّتَاءِ عَلَى مِسْحٍ (١) ، وَلِبْسُهُ الْعَلِيظُ مِنَ الثِّيَابِ ، حَتَّى إِذَا بَرَزَ لِلنَّاسِ تَزَيَّنَ لَهُمْ . (٢)

٦ / ٣ سلمانة الدعوى: تَحَسَّرَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ رِضْوَانَ اللَّهِ عَلَيْهِ عِنْدَ مَوْتِهِ ، فَقِيلَ لَهُ : عَلَامَ تَأْسُفُكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ؟ قَالَ : لَيْسَ تَأْسُفِي عَلَى الدُّنْيَا ، وَلَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَهْدَ إِلَيْنَا وَقَالَ : «لِتَكُنْ بُلْغَةُ أَحَدِكُمْ كَزَادِ الزَّاكِبِ» ، وَأَخَافُ أَنْ نَكُونَ قَدْ جَاوَزْنَا أَمْرَهُ وَحَوْلَى هَذِهِ الْأَسَاوِدُ وَأَشَارَ إِلَى مَا فِي بَيْتِهِ ، إِذَا هُوَ دَسْتُ (٣) وَسَيْفٌ وَجَفَنَةٌ ! (٤)

-
- ١- المسح: ثوب من الشعر غليظ (تاج العروس: ج ٤ ص ٢٠٥ «مسح»).
 - ٢- عيون أخبار الرضا: ج ٢ ص ١٧٨ ح ١، إعلام الوري: ج ٢ ص ٦٤، كشف الغمّة: ج ٣ ص ١٠٦ كلاهما عن محمد بن أبي عبيد، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٣٦٠ عن محمد بن عبيد.
 - ٣- الدّست من الثياب: ما يلبسه الإنسان ويكفيه لتردده في حوائجه (المصباح المنير: ص ١٩٤ «دست»).
 - ٤- عدّه الدعوى: ص ١٠٥، إرشاد القلوب: ص ١٨ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٥٤ ح ٨٥.

عیون أخبار الرضا به نقل از ابو عبّاد : امام رضا علیه السلام در تابستان ، روی حصیر و در زمستان ، روی پلاس می نشست، و جامه درشت می پوشید، و وقتی در برابر مردم ظاهر می شد ، آراسته می گشت .

۳ / ۶ سلمان‌نعدّه الداعی : سلمان فارسی که خداوند از او خشنود باد در هنگام مرگ ، اظهار تأسّف کرد. پرسیدند: ای ابو عبد الله ! تأسّفت برای چیست؟ گفت: «تأسّفم برای دنیا نیست که پیامبر خدا به ما توصیه کرد و فرمود: باید توشه شما مانند توشه مسافر باشد و می ترسم که با این افعی هایی که پیرامونم هستند ، از دستور ایشان تخطّی کرده باشم» و به آنچه در اتاقش بود ، اشاره کرد . دیدم یک دست [پستی] و یک شمشیر و یک قابلمه است!

المُستدرَك على الصَّحِيحِينَ عن أبي سفيان عن أشياخه: دَخَلَ سَيِّدٌ عَلَى سَلْمَانَ يَعُوذُهُ فَبَكَى ، فَقَالَ لَهُ سَعْدٌ : مَا يُبْكِيكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ ، تُؤَفِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ عِنَّا رَاضٍ ، وَتَرِدُ عَلَيْهِ الْحَوْضَ وَتَلْقَى أَصْحَابَكَ؟! فَقَالَ سَلْمَانُ : أَمَا إِنِّي لَا أَبْكِي جَزَعًا مِنَ الْمَوْتِ ، وَلَا حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا ، وَلَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَهَدَ إِلَيْنَا عَهْدًا حَيًّا وَمَيِّتًا ، قَالَ : «لِتَكُنْ بُلْغَةُ أَحَدِكُمْ مِنَ الدُّنْيَا مِثْلَ زَادِ الرَّكِبِ» وَحَوْلَى هَذِهِ الْأَسَاوِدُ . قَالَ : فَإِنَّمَا حَوْلَهُ إِجَانَةٌ وَجَفَنَةٌ وَمِطْهَرَةٌ ! (١)

الاحتجاج عن سلمان في جواب كتاب كتبه إليه عمر: وأما ما ذكرت أني أقبلت على سف (٢) الخوص وأكل الشعير ، فما هما مما يعير به مؤمن ويؤنب عليه ! وإيم الله يا عمر ، لاء كل الشعير وسف الخوص والاستغناء بهما عن رفيع المطعم والمشرب ، وعن عصب مؤمن حقه وأدعاء ما ليس له بحق ، أفضل وأحب إلى الله وأقرب للتقوى ، ولقد رأيت رسول الله صلى الله عليه وآله إذا أصاب الشعير أكله وفرح به ولم يسخطه . (٣)

٤ / ٦ أبو ذر الإمام الكاظم عليه السلام: قال أبو ذر رحمة الله : جَزَى اللَّهُ الدُّنْيَا عَنِّي مَذْمَمَةً بَعْدَ رَغِيْفَيْنِ مِنَ الشَّعِيرِ ؛ أَتَغْدَى بِأَحَدِهِمَا وَأَتَعَشَّى بِالْآخِرِ ، وَبَعْدَ شَمَلَتِي الصَّوْفِ ؛ أَتَرْتَرُ بِأَحَدَاهُمَا وَأَتَرْدَى بِالْآخِرَى . (٤)

- ١- المستدرَك على الصحيحين : ج ٤ ص ٣٥٣ ح ٧٨٩١ ، شعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٠٥ ح ١٠٣٩٥ ، حليه الأولياء : ج ١ ص ١٩٥ عن جابر نحوه ، تنبيه الغافلين : ص ٢٤٤ ح ٣١٨ ، كنز العمال : ج ٣ ص ٧٢١ ح ٨٥٧٣ ؛ تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢١٥ نحوه ، روضه الواعظين : ص ٥٣٨ ، بحار الأنوار : ج ٢٢ ص ٣٨١ ح ١٤ .
- ٢- أسففت الخوص : إذا نسجت بعضه في بعض (المحيط في اللغة : ج ٨ ص ٢٥٢ «سف»).
- ٣- الاحتجاج : ج ١ ص ٣١٧ ح ٥٤ ، بحار الأنوار : ج ٢٢ ص ٣٦١ ح ٤ .
- ٤- الكافي : ج ٢ ص ١٣٤ ح ١٧ ، الأمالي للطوسي : ص ٧٠٢ ح ١٥٠٢ ، رجال الكشي : ج ١ ص ١٢٠ الرقم ٥٤ نحوه وكلها عن موسى بن بكر ، بحار الأنوار : ج ٢٢ ص ٤٠١ ح ١٠ .

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو سفیان ، از اساتیدش :سعد به عیادت سلمان رفت. سلمان گریست. سعد گفت: چرا گریه می کنی ، ای ابو عبد الله ؟ پیامبر خدا که از دنیا رفت ، از تو راضی بود، و تو در کنار حوض [کوثر] بر او وارد خواهی شد و دوستانت را ملاقات خواهی کرد . سلمان گفت: «من نه از ترس مرگ ، گریه می کنم و نه به خاطر علاقه مندی به دنیا؛ بلکه پیامبر خدا برای زمان حیاتش و پس از مرگش به ما سفارش کرد و فرمود: باید توشه هر یک از شما به مانند توشه مسافر باشد در حالی که پیرامون من ، این همه افعی است». در پیرامون او ، فقط یک تشت و یک قابلمه و یک آفتابه بود!

الاحتجاج به نقل از سلمان ، در پاسخ نامه ای که عمر به او نوشت :اما این که نوشته ای که من به بافتن حصیر و خوردن نان جو روی آورده ام : اینها چیزی نیست که به سبب آن ، مؤمن سرزنش و توبیخ شود! ای عمر! به خدا سوگند که خوردن نان جو و بافتن حصیر و بی نیاز شدن از خوردنی ها و نوشیدنی های رنگارنگ و [بی نیاز شدن] از غصب حق مؤمن و مطالبه چیزی که حق نیست ، در نزد خداوند ، برتر و محبوب تر است و به پرهیزگاری نزدیک تر. من خود دیدم که پیامبر خدا ، هر گاه نان جوینی به دست می آورد ، با خوش حالی آن را می خورد و اظهار ناخرسندی نمی کرد.

۶ / ۱۴ ابو ذر امام کاظم علیه السلام :ابو ذر که رحمت خدا بر او باد گفت: از سوی من ، پس از آن دو قرص نان جوین که یکی را چاشت می خورم و دیگری را شام و پس از آن دو جامه پشمین که یکی را شلوار خویش می سازم و دیگری را ردای خویش ، نکوهش خدا بر دنیا باد!

الزهد عن أبي بكر بن المُنْكَدِر: بَعَثَ حَبِيبُ بْنُ أَبِي سَلَمَةَ إِلَى أَبِي ذَرٍّ وَهُوَ أَمِيرُ الشَّامِ بِثَلَاثِمِئَةِ دِينَارٍ، قَالَ: إِسْتَعِنَ بِهَا عَلِيُّ حَاجَتِكَ. فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ [لِلرَّسُولِ]: إِرْجِعْ بِهَا إِلَيْهِ، أَمَا وَجَدَ أَحَدًا أَغْرَبَ بِاللَّهِ مِنَّا؟ مَا لَنَا إِلَّا ظِلُّ نَتَوَارَى بِهِ، وَثَلَّةٌ مِنْ غَنَمٍ تَرُوحُ عَلَيْنَا، وَمَوْلَاةٌ لَنَا تَصَدَّقَتْ عَلَيْنَا بِخِدْمَتِهَا، ثُمَّ أَنَا أَتَخَوَّفُ الْفَضْلَ. (١)

١- الزهد لابن حنبل: ص ١٨٣، حليه الأولياء: ج ١ ص ١٦١.

الزهد به نقل از ابو بکر بن مُنکدر: حبيب بن ابی سَلَمَه ، امير شام ، سيصد دينار برای ابو ذر فرستاد و گفت: از اينها برای رفع نيازهايت استفاده کن. ابو ذر که رحمت خدا بر او باد [به فرستاده] گفت: «آنها را به خودش برگردان . آيا کسی را از ما گستاخ تر به خدا نيافت؟ ما را همين سرپناهی که داريم، و همين چند گوسفندی که شب به نزد ما هستند، و بانویی که با خدمت گذاری خود ، بر ما مَنّت می نهد ، بس است و از بيشتر از اينها می ترسم» .

بخش چهارم: آخرت

اشاره

آخرت شامل: درآمد فصل یکم: آخرت شناسی فصل دوم: توجه به آخرت فصل سوم: به یاد آخرت بودن فصل چهارم: آباد کردن آخرت فصل پنجم: سودای آخرت

در آمد

آخرت، در لغت

آخرت، در قرآن و حدیث

در آمد آخرت، در لغتواژه «آخره» مؤنث «آخر» (بر وزن فاعل) و مقابل «اول» و «متقدم» است. در العین آمده است: الآخرُ و الآخره: نقيضُ المتقدمِ و المتقدمه، و مُقَدَّمُ الشَّيْءِ و مُؤَخَّرُهُ. (۱) آخر و آخره، نقيض متقدم و متقدمه هستند، و [گفته می شود: [مقدم (جلوی) یک چیز و مؤخر (عقب/ آخر) آن. در المقایس نیز می خوانیم: الهمزة و الخاء و الزاء أصلٌ واحدٌ إليه ترجعُ فروعه، و هو خلافُ التَّقدُّمِ. و هذا قياسُ أخذناه من الخليلِ ... (۲) همزه و خا و را، یک اصل را تشکیل می دهند و فروعش به آن باز می گردند. و آن، خلاف «تقدم» است. این قیاس را ما از خلیل گرفته ایم.

آخرت، در قرآن و حدیث قرآن کریم، زندگی پیش از مرگ را زندگی اول و زندگی پس از مرگ را زندگی آخر نامیده است، مانند:

۱- العین: ص ۳۹.

۲- معجم مقایس اللغة: ج ۱ ص ۷۰.

«لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ» (۱) در این [سرای] نخستین و در آخرت ، ستایش ، از آن اوست» . «وَإِن لَّنَا لَلْآخِرَةِ وَ الْأُولَىٰ» (۲) و در حقیقت ، دنیا و آخرت ، از آن ماست» . «وَ لَلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ» (۳) و آخرت ، برای تو ، بهتر از سرای نخستین است» . در واقع ، قرآن کریم و نیز احادیث اسلامی ، کلمه «آخره» را در یکی از بارزترین مصادیق لغوی آن به کار می برند . از این رو ، هنگامی که یزید بن سلام از پیامبر صلی الله علیه و آله می پرسد : «چرا آخرت را آخرت نامیده اند؟» ، ایشان در جواب می فرماید : لِأَنَّهَا مُتَأَخَّرَةٌ تَجِيءُ مِنْ بَعْدِ الدُّنْيَا ، لَا تَوْصَفُ سَمِيئُهَا ، وَلَا تُحْصَىٰ أَيَّامُهَا ، وَلَا يَمُوتُ سُكَّانُهَا» (۴) چون آن متأخر است و پس از دنیا می آید . سال های آن وصف ناشدنی ، و روزهایش ناشمردنی هستند و ساکنان آن ، هیچ گاه نمی میرند . و از امام علی علیه السلام در وجه تسمیه آخرت نقل شده که : سُمِّيَتِ الْآخِرَةُ آخِرَةً ، لِأَنَّ فِيهَا الْجَزَاءَ وَالثَّوَابَ» (۵) آخرت ، آخرت نامیده شده است ؛ چون سزا و پاداش در آن جاست . همان طور که علامه مجلسی توضیح داده ، (۶) مقصود ، آن است که چون در

۱- .قصص: آیه ۷۰.

۲- .لیل: آیه ۱۳.

۳- .ضحی: آیه ۴.

۴- .ر . ک : ص ۲۵۶ ح ۱۱۹۹ .

۵- .ر . ک : ص ۲۵۶ ح ۱۲۰۰ .

۶- .ر . ک : بحار الأنوار : ج ۱۰ ص ۱۳ .

آخرت ، سزا و ثواب است و جزا متأخر از عمل است ، زندگی پس از مرگ ، آخرت نامیده شده است . این واژه در قرآن ، گاه صفت «النشأه» است (مانند : «ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ ؛ پس خداوند است که نشأه آخرت را پدید می آورد (۱)») ، گاه صفت «الدار» (مانند : «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ ؛ و زندگی حقیقی همان سرای آخرت است (۲)») ، گاه مضاف الیه «دار» (مانند : «وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ ؛ و سرای آخرت بهتر است (۳)») و گاه صفت «اليوم» (مانند : «مَنْ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ ؛ و برخی از مردم می گویند که به خدا و روز واپسین ایمان آوردیم (۴)») قرار گرفته است . البته در بیشتر موارد ، موصوف ، حذف گردیده و کلمه «آخرت» در مقابل «دنیا» و درباره زندگی پس از مرگ به کار رفته است . در قرآن کریم ، این کلمه در مجموع ، ۱۴۳ بار تکرار شده است : چهار بار به معنای لغوی آن و ۱۳۹ بار به معنای «زندگی پس از مرگ» ، و از این تعداد ، ۸۸ بار به صورت «الآخره» و ۲۲ بار به صورت «بالآخره» و سه بار به صورت «للالآخره» و ۲۶ بار به صورت «الآخِر» (که صفت «اليوم» قرار گرفته است) . نکته قابل توجه ، این که : در نگاه ابتدایی ، ممکن است تصور شود که کلمه «آخرت» معادل کلمه قیامت (يوم الحساب) است ؛ اما دقت در ریشه لغوی و کاربردهای آن در قرآن و حدیث به روشنی نشان می دهد که مقصود از کلمه آخرت ، مقابل «دنیا»ست و شامل همه منازل و مواقف پس از مرگ می شود . پس ، قیامت ، تنها یکی از منازل آخرت محسوب می گردد ، چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله قبر را نخستین منزل

۱- عنكبوت : آیه ۲۰ .

۲- عنكبوت : آیه ۶۴ و ر . ك : قصص : آیه ۸۳ .

۳- يوسف : آیه ۱۰۹ .

۴- بقره : آیه ۸ .

۱. آخرت در مقایسه با دنیا

آخرت معرفی می کند: الْقَبْرُ أَوَّلُ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ؛ فَإِنْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَيْسَرُ مِنْهُ، وَإِنْ لَمْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَشَدُّ مِنْهُ. (۱) گور، نخستین منزلگاه آخرت است. اگر [انسان] از آن به سلامت برهید، منزلگاه های پس از آن، آسان تر از آن است و اگر به سلامت نرهید، منزلگاه های پس از آن، سخت تر از آن خواهد بود. بنا بر این، آنچه در این بخش مورد توجه است، ارائه متونی است که مجموع زندگی پس از مرگ را مورد بررسی قرار داده اند؛ امّا آنچه مربوط به هر یک از منازل و عوالم آخرت می شود (مانند: عالم برزخ، قیامت، حساب، میزان، صراط، بهشت و دوزخ) در عناوین مربوط به خود خواهد آمد، **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**. مهم ترین نکاتی که در این بخش آمده اند، به طور خلاصه عبارت اند از:

۱. آخرت در مقایسه با دنیا قلم و زبان، از تبیین عظمت آخرت در مقایسه با دنیا ناتوان است؛ چرا که فانی را نمی توان با باقی سنجید و «متاع قلیل» با «مُلک کبیر» (۲) قابل مقایسه نیست. از این رو، هر توضیحی برای تفسیر ابدیت در برابر زندگی موقت، نارساست. در احادیث اسلامی با چند مثال به این حقیقت، اشاره شده است: **مِثَالِ أَوَّلٍ: مَا الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مِثْلُ مَا يَجْعَلُ أَحَدُكُمْ إِصْبَعَهُ هَذِهِ فِي الْيَمِّ، فَلْيَنْظُرْ بِمِ تَرَجُعٍ! (۳)** دنیا در مقایسه با آخرت نیست، مگر همانند این که یکی از شما این انگشتش را

۱- ر. ک: ص ۲۵۶ ح ۱۲۰۱.

۲- اشاره است به آیه ۲۰ از سوره انسان: **«وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا»** و آیه ۷۷ از سوره نساء: **«قُلْ مَتَّعَ الدُّنْيَا قَلِيلًا»**.

۳- ر. ک: ص ۲۵۸ ح ۱۲۰۶.

۰۲. ویژگی های آخرت

در دریا فرو ببرد . پس ، بنگرد که انگشتش با چه [مقدار آب] باز می گردد! (دنیا در قیاس با آخرت ، چونان نمی است در برابر دریا) . مثال دوم : ما أَخَذَتِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ إِلَّا كَمَا أَخَذَ مَخِيطٌ غُرْسَ فِي الْبَحْرِ مِنْ مَائِهِ . (۱) دنیا از آخرت بر نگرفته است ، مگر آن سان که سوزنی فرو رفته در دریا از آب آن ، بر گرفته است . مثال سوم : مَا الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ إِلَّا كَنَفْحِهِ أَرْنبٍ . (۲) دنیا در برابر آخرت نیست ، مگر چونان یک نفس خرگوشی . بدیهی است که این مثل ها تنها برای تقریب به ذهن است ، و گرنه حقیقت آخرت ، فوق این معانی است و با ابزار شناخت این جهان ، قابل فهماندن و فهمیدن نیست و به بیان ژرف امیر مؤمنان علیه السلام : كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا سَمَاعَةٌ أَعْظَمُ مِنْ عِيَانِهِ ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ عِيَانُهُ أَعْظَمُ مِنْ سَمَاعِهِ . (۳) هر چیز دنیا ، شنیدنش بزرگ تر از دیدن آن است ، و هر چیز آخرت ، دیدنش بزرگ تر از شنیدن آن است .

۰۲. ویژگی های آخرتمهم ترین ویژگی های آخرت و برجسته ترین تفاوت های آن با دنیا از این قرار است :

۱- ر . ک : ص ۲۶۰ ح ۱۲۰۸ .

۲- ر . ک : ص ۲۶۰ ح ۱۲۰۹ .

۳- ر . ک : ص ۲۶۰ ح ۱۲۱۰ .

الف قرارگاه

ب خانه همیشگی

ج خانه زندگی حقیقی

د حاکمیت مطلق حق

ه شهود حقایق غیبی

الف قرارگاه دنیا محل عبور انسان است و از همین رو، از آن به «پل» تعبیر شده است؛ اما آخرت، جایی است که انسان در آن جا خواهد ماند. و هوشیار، کسی است که به فکر قرارگاه خود باشد. (۱)

ب خانه همیشگیدنیا، مسافرخانه انسان، و آخرت، خانه همیشگی اوست، و هر انسان عاقلی به تأمین و تجهیز خانه همیشگی خود، بیش از مسافرخانه اهمیت می دهد. (۲)

ج خانه زندگی حقیقیاز منظر قرآن، زندگی دنیا در برابر زندگی آخرت، بازیچه ای بیش نیست، بدین معنا که انسان، تنها در آخرت می تواند طعم هشیاری و زندگی حقیقی را بچشد و بفهمد زنده بودن یعنی چه. (۳)

د حاکمیت مطلق حقدنیا آزمایشگاه انسان است. از این رو، حق و باطل در آن آمیخته است؛ اما آخرت، جایگاه ظهور نتیجه آزمایش هاست و به همین جهت، در آن جا چیزی جز حق، حاکم نخواهد بود. (۴)

ه شهود حقایق غیبیهمه انسان ها حقایق غیبی را در آخرت می بینند و آنچه را خداوند متعال در دنیا

۱- ر. ک: ص ۲۶۷ (سرای ماندگاری).

۲- ر. ک: ص ۲۶۳ (سرای ماندن).

۳- ر. ک: ص ۲۷۱ (سرای زندگی حقیقی) و ص ۲۷۵ (سرای بیداری).

۴- ر. ک: ص ۲۷۳ (سرای حق).

و خانه پاداش کردار نیک و بد

ز دشواری راه

به آنان وعده داده ، بالعیان مشاهده می کنند . بنا بر این ، آنچه در دنیا برای آنان غیب محسوب می شود ، در آخرت به شهادت تبدیل می گردد و همه مردم به مرتبه یقین می رسند . (۱)

و خانه پاداش کردار نیک و بد دنیا خانه کار است و آخرت خانه پاداش ؛ (۲) اما نه به صورت پاداش های دنیوی ؛ بلکه بدین گونه که کار انسان در خانه دنیا ، در خانه آخرت ، به پاداش تبدیل می شود : «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ . (۳) هر کس هم وزن ذره ای نیکی کند ، [نتیجه] آن را می بیند ، و هر کس هم وزن ذره ای بدی کند ، [نتیجه] آن را می بیند» .

ز دشواری راهیکی از خصوصیات مهم خانه آخرت ، دشواری راه آن است که تا انسان از بخشی از خواسته ها و هوس های خود نگذرد ، نمی تواند این راه را طی کند ، به عکس راه دنیا که در جهت تمایلات نفسانی است . از این رو ، احادیث اسلامی تأکید می کنند که راه آخرت را که به بهشت منتهی می گردد سختی و رنج ، فرا گرفته است ؛ (۴) اما راه دنیا که به دوزخ منتهی می گردد در میان هوس ها و شهوات است .

۱- ر . ک : ص ۲۷۵ (سرای یقین) .

۲- ر . ک : ص ۲۷۵ (سرای سزا) .

۳- زلزله : آیه ۷ و ۸ .

۴- ر . ک : ص ۲۷۷ (سرای محصور در ناملايمات) .

ح کامیابی شایستگان

ط احاطه آخرت بر دنیا

ح کامیابی شایستگان کامیابی های دنیا لزوماً با شایستگی افراد، مرتبط نیست و چه بسا انسان های شایسته ای که عمر خود را در محرومیت به سر می برند و حقوق آنان به وسیله انسان های ناشایست، مورد تجاوز قرار می گیرد؛ اما کامیابی های آخرت، ویژه انسان های شایسته است و به فرموده امام علی علیه السلام: **أحوالُ الدُّنیا تَتَّبِعُ الإِتِّفَاقَ، وَأحوالُ الآخِرَةِ تَتَّبِعُ الإِسْتِحْقَاقَ.** (۱) احوال دنیا تابع اتفاق است و احوال آخرت تابع استحقاق.

ط احاطه آخرت بر دنیا آخرین ویژگی برجسته آخرت، احاطه آن بر دنیاست، بدین معنا که آخرت هم اکنون وجود دارد و دوزخ، هم اکنون بر انسان های ناشایست، و بهشت، هم اکنون بر انسان های شایسته احاطه دارد، و به تعبیر دیگر، دنیا نمادی از آخرت است. (۲) **الْبَتَّةُ** انسان تا وقتی که در نشئه دنیا قرار دارد، نمی تواند حقیقت آخرت و بهشت و دوزخ را بفهمد؛ لیکن با خروج از این نشئه، حقایق و منازل آخرت، یکی پس از دیگری برای او آشکار می گردد، چنان که امام علی علیه السلام فرموده است: **النَّاسُ نِيَامٌ، فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا.** (۳) مردمان خوابند و زمانی که مردند، بیدار می شوند. و قرآن نیز تصریح می کند که:

۱- ر. ک: ص ۲۷۹ (سرای که احوال آن، تابع شایستگی است).

۲- ر. ک: ص ۲۷۹ (سرای محیط بر دنیا).

۳- خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ۱۱۲، عیون الحکم والمواعظ: ص ۶۶ ح ۱۶۷۳، عوالی اللالی: ج ۴ ص ۷۳ ح ۴۸، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۳۹؛ جواهر المطالب: ج ۲ ص ۱۵۰ ح ۶۰، منه کلمه، جاحظ: ص ۱۸ ح ۲، المناقب خوارزمی: ص ۳۷۵ ح ۳۹۵. نیز، ر. ک: تنبیه الخواطر: ج ۱ ص ۱۵۰، تفسیر الثعالبی: ج ۵ ص ۲۸۶، إحياء علوم الدین: ج ۴ ص ۳۵.

۳. اهتمام به آباد ساختن خانه آخرت

«لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (۱) واقعا که سخت از این حال در غفلت بودی . و ما پرده ات را از چشمانت برداشتیم و دیده ات امروز تیز است» .

۳. اهتمام به آباد ساختن خانه آخرت در فصل دوم تا پنجم این بخش ، با رساترین بیان ها و بلیغ ترین موعظه ها ، بر چهار نکته تأکید شده است : نکته اول . لزوم توجه تام به آبادسازی خانه آخرت و توصیه به کسب ارزش های معنوی برای تهیه امکانات لازم جهت تجهیز آن . نکته دوم . بیان آنچه موجب یادآوری آخرت و نیز سرمایه گذاری برای دستیابی به آخرت و آبادانی آن می گردد . نکته سوم . آثار و برکات آبادسازی خانه آخرت و تأکید بر این که آبادسازی خانه آخرت ، به معنای تخریب خانه دنیا نیست ؛ بلکه یکی از برکات آبادانی آخرت ، آباد شدن دنیاست و اگر کسی با خدا و معنویت ، پیوند برقرار کند ، خیر دنیا و آخرت را برای خود فراهم کرده است : «مَنْ كَانَتْ يَرْيَدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (۲) هر کس پاداش دنیا می خواهد، پاداش دنیا و آخرت در پیشگاه خداست» . نکته چهارم . بر حذر داشتن از : عدم اهتمام به آخرت ، فراموش کردن آن ، آنچه موجب فراموشی آخرت و ویرانی آن است ، و آثار و مفسد ویران شدن خانه آخرت . و اینک ، توضیح این اجمال از متن قرآن و حدیث :

۱- قآ : آیه ۲۲ .

۲- نساء : آیه ۱۳۴ .

الفصل الأول: معرفه الآخره ١ / ١ تَسْمِيَةُ الْآخِرِ هَعَلَل الشَّرَائِعِ عَنْ يَزِيدِ بْنِ سَلَامٍ أَنَّهُ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي لِمَ سُمِّيَتِ الْآخِرَةُ آخِرَةً؟ قَالَ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ]: لِأَنَّهَا مُتَأَخَّرَةٌ تَجِيءُ مِنْ بَعْدِ الدُّنْيَا، لَا تُوصَفُ سِنِينُهَا، وَلَا تُحْصَى أَيَامُهَا، وَلَا يَمُوتُ سُكَّانُهَا. (١)

الإمام علي عليه السلام: سُمِّيَتِ الْآخِرَةُ آخِرَةً؛ لِأَنَّ فِيهَا الْجَزَاءَ وَالْثَوَابَ. (٢)

١ / ٢ أَوَّلُ مَنَازِلِ الْآخِرِ هَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْقَبْرُ أَوَّلُ مَنَازِلِ الْآخِرِ؛ فَإِنْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَيْسَرُ مِنْهُ، وَإِنْ لَمْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَشَدُّ مِنْهُ. (٣)

١- .علل الشرائع: ص ٤٧٠ ح ٣٣، بحار الأنوار: ج ٥٧ ص ٣٥٦ ح ٢ .

٢- .علل الشرائع: ص ٢ ح ١ عن علي بن محمد، بحار الأنوار: ج ٥٧ ص ٣٥٥ ح ١ .

٣- .مسند ابن حنبل: ج ١ ص ١٤٠ ح ٤٥٤، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٥٢٦ ح ١٣٧٣ كلاهما عن عثمان، ربيع الأبرار: ج ٤ ص ٢٠٤، شرح نهج البلاغه: ج ١١ ص ١٥٩ وفيها «شر» بدل «أشد»؛ جامع الأخبار: ص ٤٨٥ ح ١٣٥١، روضه الواعظين: ص ٥٤٢، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٢٤٢ ح ٦٤ .

فصل یکم: آخرت شناسی

۱ / ۱ نام گذاری آخرت

۱ / ۲ نخستین منزلگاه آخرت

فصل یکم: آخرت شناسی ۱ / ۱ نام گذاری آخرتعلل الشرائع به نقل از یزید بن سلام، در گفتگو با پیامبر خدا: [گفتم]: [مرا خبر دهید که چرا آخرت را آخرت نامیده اند؟ فرمود: «چون متأخر از دنیا است و پس از آن می آید. سال های آن به وصف نمی آید، و روزهایش شماره نمی شود و ساکنانش نمی میرند».

امام علی علیه السلام: آخرت را به این دلیل آخرت نامیده اند که سزا و پاداش در آن جاست.

۱ / ۲ نخستین منزلگاه آخرتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گور، نخستین منزلگاه آخرت است. اگر [انسان] از آن به سلامت برهد، منزلگاه های پس از آن، آسان تر از آن است، و اگر از آن به سلامت نرهد، منزلگاه های پس از آن، سخت تر از آن خواهد بود.

عنه صلى الله عليه و آله :أَوَّلِ عَدَلِ الْآخِرَةِ الْقُبُورُ ؛ لَا يُعْرَفُ فِيهَا شَرِيفٌ مِّنْ وَضِيعٍ . (١)

الإمام على عليه السلام :الْمَوْتُ أَوَّلُ عَدَلِ الْآخِرَةِ . (٢)

عنه عليه السلام :الْمَوْتُ بَابُ الْآخِرَةِ . (٣)

الإمام الكاظم عليه السلام مِنْ كَلَامِهِ عِنْدَ قَبْرِ حَضْرَةِ :إِنَّ شَيْئًا هَذَا آخِرُهُ لِحَقِيقٍ أَنْ يُزْهَدَ فِي أَوْلِيهِ، وَإِنَّ شَيْئًا هَذَا أَوَّلُهُ لِحَقِيقٍ أَنْ يُخَافَ آخِرُهُ . (٤)

١ / ٣ الْمُقَارَنَةُ بَيْنَ الْآخِرَةِ وَالْأَلْبَانِيَا الْكِتَابِ «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» . (٥)

«انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَةٍ وَ أَكْبَرُ تَفْضِيلًا» . (٦)

«وَ إِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا» . (٧)

الحديث رسول الله صلى الله عليه و آله :وَاللَّهِ مَا الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مِثْلُ مَا يَجْعَلُ أَحَدُكُمْ إِصْبَعَهُ هَذِهِ (٨) فِي الْيَمِّ ، فَلْيَنْظُرْ بِمِ تَرْجِعْ!
(٩)

١- دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢٣٣ ، الجعفریات : ص ٢٠٥ كلاهما عن الإمام على عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٨٣ ح ٤٠ وزاد في ذيله «وغنى من فقير» .

٢- غرر الحكم : ح ١٤٣٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٨ ح ٣٨١ .

٣- غرر الحكم : ح ٣١٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٩ ح ٨٦٠ .

٤- معاني الأخبار : ص ٣٤٣ ، تحف العقول : ص ٤٠٨ كلاهما عن حفص بن غياث النخعي ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٣ ح ٩١ .

٥- السجده : ١٧ .

٦- الإسراء : ٢١ .

٧- الإنسان: ٢٠ .

٨- أى السبابة ، فقد جاء فى المصدر بعد كلمه هذه : «وأشار يحيى بالسبابة» ويحيى هو ابن سعيد ، من رجال سند الروايه .

٩- صحيح مسلم : ج ٤ ص ٢١٩٣ ح ٥٥ ، سنن الترمذى : ج ٤ ص ٥٦١ ح ٢٣٢٣ ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣٧٦ ح ٤١٠٨ ، مسند ابن حنبل : ج ٦ ص ٢٩٣ ح ١٨٠٣٠ كلها عن المستورد ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٥ ح ٦١٣٨ ؛ مشكاة الأنوار : ص ٤٦٧ ح ١٥٥٨ ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٥٠ ، روضه الواعظين : ص ٤٨٢ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١١٩ ح ١١٠ .

۱ / ۳ مقایسه میان آخرت و دنیا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین مرحله عدالت آخرت، گورهایند که در آنها میان شریف و دون پایه، فرقی نهاده نمی شود.

امام علی علیه السلام: مرگ، نخستین مرحله عدالت [و داوری] آخرت است.

امام علی علیه السلام: مرگ، دروازه آخرت است.

امام کاظم علیه السلام در سخنانی بر سر قبری که بر آن حاضر شده بود: چیزی (دنیا و زندگی) که پایانش این است، سزاوار است که به ابتدای آن، دل بسته نشود، و چیزی (آخرت) که ابتدایش این جاست، سزاوار است که از پایان آن، ترسیده شود.

۱ / ۳ مقایسه میان آخرت و دنیا قرآن «هیچ کس نمی داند چه چیز از آنچه روشنی بخش دیدگان است، به [پاداش] آنچه انجام می داده اند، برای آنان پنهان شده است».

«بنگر که چگونه بعضی از آنان را بر بعضی دیگر برتری داده ایم، و قطعا درجات آخرت، بزرگ تر و برتر است».

«و چون بدان جا بنگری، [سرزمینی از] نعمت و کشوری پهناور می بینی».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به خدا سوگند که دنیا در مقایسه با آخرت، جز مانند این که فردی از شما این انگشتش (۱) را در دریا فرو ببرد، نیست. پس، بنگرد که انگشتش با چه [مقدار آب] باز می گردد (دنیا در برابر آخرت، به اندازه این نم است در برابر دریا).

۱- یعنی انگشت نشانه اش را. در مأخذ، پس از کلمه «این» آمده است: «یحیی با انگشت نشانه اش، اشاره کرد». مقصود از یحیی، «یحیی بن سعید»، از رجال سند این روایت است.

المستدرك على الصحيحين عن المستورد (١): كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَتَذَاكَرُوا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ : إِنَّمَا الدُّنْيَا بِلَاغٍ لِلْآخِرَةِ ، فِيهَا الْعَمَلُ وَفِيهَا الصَّلَاةُ وَفِيهَا الزَّكَاةُ . وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ : الْآخِرَةُ فِيهَا الْجَنَّةُ ، وَقَالُوا مَا شَاءَ اللَّهُ . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا كَمَا يَمْشِي أَحَدُكُمْ إِلَى الْيَمِّ فَأَدْخَلَ إصْبَعَهُ فِيهِ ؛ فَمَا خَرَجَ مِنْهُ فَهِيَ الدُّنْيَا . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: ما أخذت الدنيا من الآخرة إلا كما أخذ مخيط غرس في البحر من مائه. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: مثلكم أيها الأمة كمثل عسكر قد سار أولهم ونودي بالرحيل؛ فما أسرع ما يلحق آخرهم بأولهم! والله ما الدنيا من الآخرة إلا كنفحة أرنب (٤)، الجدد الجدد عباد الله! واستعينوا بالله ربكم. (٥)

الإمام علي عليه السلام: كل شيء من الدنيا سماعه أعظم من عيانه، وكل شيء من الآخرة عيانه أعظم من سماعه، فليكنكم من العيان السماع ومن الغيب الخبر. (٦)

١- هو المستورد بن شداد بن عمرو القرشي (انظر ترجمته في تهذيب الكمال: ج ٢٧ ص ٤٣٩).

٢- المستدرك على الصحيحين: ج ٤ ص ٣٥٥ ح ٧٨٩٨، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٥ ح ٦١٣٦.

٣- المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ٣٠٨ ح ٧٣٣ عن المستورد، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٥ ح ١٦٣٧.

٤- كذا في المصدر بالحاء المهملة، والظاهر أنها مصحفة عن «نفجه» بالجيم. قال ابن الأثير: كنفجه أرنب: أي كوئبته من مَجْتَمِهِ، يريد تقليل مدتها (النهاية: ج ٥ ص ٨٨ «نفج»).

٥- الفردوس: ج ٤ ص ١٤٨ ح ٦٤٥٦ عن عمر، كنز العمال: ج ١٥ ص ٧٩٧ ح ٤٣١٦٣.

٦- نهج البلاغة: الخطبة ١١٤، عده الداعي: ص ٩٩ عنهم عليهم السلام وليس فيه ذيله من «فليكنكم...»، غرر الحكم: ح ٦٩٠٨ و ح ٦٩٠٧ و ح ٧٣٦٠، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٩١ ح ١٦٨.

المستدرک علی الصحیحین به نقل از مُستورد (۱): در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که حاضران ، سخن از دنیا و آخرت به میان آوردند . بعضی گفتند : دنیا ، در حقیقت ، جای توشه برداشتن برای آخرت است . در آن ، عمل است و نماز است و زکات . گروهی گفتند : در آخرت ، بهشت است . و هر کس سخنی گفت . پیامبر خدا فرمود : «دنیا در برابر آخرت ، جز به مانند این نیست که فردی از شما به کنار دریا برود و انگشتش را در آن فرو برد . آنچه از [نَم] دریا [با انگشتش] بیرون می آید ، همان دنیاست» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آنچه دنیا از آخرت گرفته است ، جز به اندازه آبی که سوزنی فرو رفته در دریا به خود می گیرد ، نیست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حکایت شما ای مردم همانند سپاهی است که ابتدای آن رفته و ندای کوچ [در آن] ، [سر داده شده است] . پس ، چه زود آخر آن سپاه به اولش می رسد! به خدا سوگند ، دنیا در برابر آخرت ، جز به مانند یک نفس (جهش) (۲) خرگوشی نیست . بکوشید ، بکوشید ای بندگان خدا و از خداوند ، پروردگارتان ، کمک بجویید .

امام علی علیه السلام : هر چیز دنیا [از خیر و شرّش] ، شنیدنش بزرگ تر از دیدن آن است ، و هر چیز آخرت [از پاداش ها و کیفرهایش] ، دیدنش بزرگ تر از شنیدن آن است . پس ، برای دیدن [امور آخرت] به شنیدن [اوصاف آنها] بسنده کنید و برای [آگاهی از غیب] ، به خبر [ی که پیامبران و مُخبران صادق درباره آن به شما داده اند] ، اکتفا نمایید .

- ۱- مراد ، مستورد بن شدّاد بن عمرو قرشی است . برای دیدن شرح حال او ، ر . ک : تهذیب الکمال : ج ۲۷ ص ۴۳۹ .
- ۲- در مأخذ ، «نفحه (با حا)» آمده است ؛ ولی ظاهراً تصحیف شده «نفجه» (با جیم) باشد . ابن اثیر می گوید : «کنفجه ارنب ؛ مانند یک جهش خرگوش . و مراد ، کم بودن مدّت دنیاست» (النهایه : ج ۵ ص ۸۸ ، مادّه «نفج»).

عنه عليه السلام: ما المَغرورُ الَّذِي ظَفِرَ مِنَ الدُّنْيَا بِأَعْلَى هِمَّتِهِ ، كَالْآخِرِ الَّذِي ظَفِرَ مِنَ الْآخِرَةِ بِأَدْنَى سُهْمَتِهِ. (١)

عنه عليه السلام في تَمجيدِ اللَّهِ: شَبَّحَانِكَ مَا أَعْظَمَ مَا نَرَى مِنْ خَلْقِكَ! وَمَا أَصْغَرَ كُلَّ عَظِيمِهِ فِي جَنْبِ قُدْرَتِكَ! وَمَا أَهْوَلَ مَا نَرَى مِنْ مَلَكُوتِكَ! وَمَا أَحَقَّرَ ذَلِكَ فِيمَا غَابَ عَنَّا مِنْ سُلْطَانِكَ! وَمَا أَسْبَغَ (٢) نِعَمَكَ فِي الدُّنْيَا! وَمَا أَصْغَرَهَا فِي نِعَمِ الْآخِرَةِ! (٣)

١ / ٤ خصائصُ الْآخِرَةِ دَارُ الْقَرَارِ الْكِتَابُ «يَقُومُ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا مَتَّعَ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ». (٤)

الحدِيثُ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِيَّاكَ أَنْ تُخَدَعَ عَنْ دَارِ الْقَرَارِ وَمَحَلِّ الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ وَالْأَوْلِيَاءِ الْأَبْرَارِ ، الَّتِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِوَصْفِهَا وَأَتْنَى عَلَى أَهْلِهَا ، وَذَلِكَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَلَيْهَا وَدَعَاكَ إِلَيْهَا. (٥)

-
- ١- نهج البلاغه: الحكمة ٣٧٠، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٧٩، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٤ ح ١١٢.
 - ٢- سَبَّغَتِ النِّعْمَةُ: اتَّسَعَتْ. وَأَسْبَغَ اللَّهُ عَلَيْهِ النِّعْمَةَ: أَيِ أَتَمَّهَا (الصِّحَاح: ج ٤ ص ١٣٢١ «سبغ»).
 - ٣- نهج البلاغه: الخطبة ١٠٩، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٣١٨ ح ٤٣؛ المعيار والموازنه: ص ٢٥٧ نحوه.
 - ٤- غافر: ٣٩.
 - ٥- غرر الحكم: ح ٢٧٣٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٠٠ ح ٢٣٠٠.

۱ / ۴ ویژگی های آخرت

الف سرای ماندن

امام علی علیه السلام: فریب [دنیا] خورده ای که از دنیا به بالاترین خواست خویش رسیده ، همانند کسی نیست که از آخرت به کمترین بهره خویش دست یافته است .

امام علی علیه السلام در تمجید خداوند: منزهی تو ، ای خداوند! وه که چه باعظمت است آنچه از آفرینش تو می بینیم! و چه خُرد و ناچیز است هر عظمتی در برابر قدرت تو! و چه هول انگیز است آنچه از ملکوت تو می بینیم! و چه حقیرند اینها در برابر آنچه از پادشاهی تو از ما پنهان است! و چه فراوان و فراگیر است نعمت های تو در دنیا! و چه خُرد و اندک اند اینها در برابر نعمت های آخرت!

۱ / ۴ ویژگی های آخرتالف سرای ماندنقرآن«ای قوم من! این زندگی دنیا ، تنها ، کالایی [ناچیز] است ، و در حقیقت ، آخرت است که سرای ماندن است» .

حدیثامام علی علیه السلام: زنهار که سرای ماندن و آن جایگاه پاکان نیک سرشت و اولیای نیکوکار را به فریب [شیطان] از کف بدهی ؛ سرایی که قرآن آن را وصف کرده و اهلش را ستوده ، و خداوند سبحان ، تو را به آن رهنمون شده و تو را به سوی آن فرا خوانده است!

عنه عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَّجَازٌ وَالْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ. (١)

عنه عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ وَالْآخِرَةُ دَارٌ مُسْتَقَرٌّ ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمُسْتَقَرِّكُمْ ، وَلَا تَهْتَكُوا أَسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَسْرَارَكُمْ. (٢)

عنه عليه السلام فى صِفَةِ أَهْلِ الْجَنَّةِ: قَوْمٌ لَمْ تَزَلِ الْكَرَامَةُ تَتَمَادَى بِهِمْ حَتَّى حَلُّوا دَارَ الْقَرَارِ ، وَأَمِنُوا نُقْلَةَ الْأَسْفَارِ. (٣)

عنه عليه السلام: الْآخِرَةُ دَارٌ مُسْتَقَرٌّ كُمْ ، فَجَهِّزُوا إِلَيْهَا مَا يَبْقَى لَكُمْ. (٤)

الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعَائِهِ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ: اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي ؛ فَإِنَّهُ عِصْمَةُ أَمْرِي ، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي ؛ فَإِنَّهَا دَارُ مَقَرِّي وَإِلَيْهَا مِنْ مُجَاوَرَةِ اللَّثَامِ مَقَرِّي. (٥)

عنه عليه السلام: مَعَاشِرَ أَصْحَابِي ، الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ وَالْآخِرَةُ دَارٌ مَقَرٌّ ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ. (٦)

الإمام الباقر عليه السلام: الْآخِرَةُ دَارٌ قَرَارٌ وَالدُّنْيَا دَارٌ فَنَاءٍ وَزَوَالٍ ، وَلَكِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا أَهْلُ غَفْلَةٍ. (٧)

راجع: ج ١ ص ٣٨ (خصائص الدنيا / دار ممر).

١- نهج البلاغه: الخطبه ٢٠٣، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢١٨ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٤ ح ١٣٨؛ تذكره الخواص: ص ١٣٢ نحوه.

٢- غرر الحكم: ح ٣٨٩٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٧ ح ٣٦٣٩.

٣- نهج البلاغه: الخطبه ١٦٥، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٦٨، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٦٣ ح ١٠٤.

٤- غرر الحكم: ح ٢٠٥٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٦٢ ح ١٦١٦ وفيه «قراركم» بدل «مستقركم».

٥- البلد الأمين: ص ١٢٣، المصباح للكفعمي: ص ١٦٤، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٨٧ ح ٢٥.

٦- الأموال للصدوق: ص ٢٨٩ ح ٣٢١ عن طاووس اليماني، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٤٧ ح ٧.

٧- الكافي: ج ٢ ص ١٣٣ ح ١٦، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٣ كلاهما عن جابر، تحف العقول: ص ٣٧٧ عن سفيان الثوري عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٦ ح ١٧.

امام علی علیه السلام: دنیا، [در حقیقت]، سرای گذر است و آخرت، سرای ماندن. پس، از گذرگاه خود، برای قرارگاهتان توشه بردارید.

امام علی علیه السلام: دنیا [در حقیقت]، سرای گذر است و آخرت، سرای ماندن. پس، از گذرگاه خود، برای قرارگاهتان توشه بگیرید و پرده هایتان را در نزد کسی که رازهای شما را می داند، ندرید.

امام علی علیه السلام در توصیف بهشتیان: آنان گروهی هستند که همواره از کرامت [الهی] بهره مندند، تا آن گاه که در سرای ماندن فرود آیند و از جابه جایی سفرها آسوده گردند.

امام علی علیه السلام: آخرت، سرای ماندن شماست. پس، آنچه را برای شما می ماند، برای آن سرا آماده سازید.

امام زین العابدین علیه السلام در دعای روز سه شنبه: بارخدایا! دینم را برایم درست گردان؛ چرا که آن، نگهبان امور من است، و آخرتم را برایم درست گردان؛ چرا که آن، سرای ماندن من و گریزگاه من از همسایگی با فرومایگان است.

امام زین العابدین علیه السلام: ای گروه یاران من! دنیا سرای گذر است و آخرت، سرای ماندن. پس، از گذرگاه خویش برای اقامتگاهتان توشه بگیرید.

امام باقر علیه السلام: آخرت، سرای ماندن است و دنیا سرای رفتن و نیست شدن؛ اما اهل دنیا اهل غفلت اند.

ر. ک: ج ۱ ص ۳۹ (ویژگی های دنیا / گذرگاه).

ب دارُ البقاءِ الكتاب «بَلْ تُؤْتُوا حَيَاةَ الدُّنْيَا * وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى». (١)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: يا أهل الخلود، يا أهل البقاء، إنكم لم تخلقوا للفناء (٢)، وإنما تنقلون من دارٍ إلى دارٍ، كما نقلتم من الأصلاب إلى الأرحام، ومن الأرحام إلى الدنيا، ومن الدنيا إلى القبور، ومن الموقف إلى الخلود في الجنة أو النار. (٣)

الإمام علي عليه السلام: أيها الناس! ألا إن الدنيا دارُ فناءٍ والآخرة دارُ بقاءٍ، فخذوا من ممرِّكم لمقرِّكم. (٤)

عنه عليه السلام: عجبت لعامرٍ دارِ الفناء، وتاركٍ دارِ البقاء! (٥)

عنه عليه السلام: دارُ البقاء محلُّ الصديقين، وموطن الأبرار والصالحين. (٦)

عنه عليه السلام فيما كتبه إلى ابنه الحسن عليه السلام: اعلم يا بُنَيَّ، أنك إنما خلقت للآخرة لا للدنيا، وللجنة لا للموت لا للحياة، وإنك في قلعة (٧) ودارٍ بلغه (٨) وطريق إلى الآخرة. (٩)

١- الأعلى: ١٦ و ١٧ .

٢- في المصدر: «للقاء»، والتصويب من المصادر الأخرى .

٣- الفردوس: ج ٥ ص ٢٩٧ ح ٨٢٣٧ عن أبي هريره، تاريخ دمشق: ج ١٠ ص ٤٩٠، تهذيب الكمال: ج ٤ ص ٢٩٤ ح ٧٨٢، سير أعلام النبلاء: ج ٥ ص ٩١ كلها عن بلال بن سعد من دون إسناد إلى المعصوم .

٤- عيون أخبار الرضا: ج ١ ص ٢٩٨ ح ٥٦، الأمالي للصدوق: ص ١٧٢ ح ١٧٤ كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٨ ح ١٥٦٧، روضه الواعظين: ص ٤٨٥، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٨ ح ٥٦.

٥- نهج البلاغه: الحكمة ١٢٦، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ١٠١، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٦٢ وفيه «لعامل» بدل «لعامر» ، غرر الحكم: ح ٦٢٥١، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ١٩٩ ح ٢٨ .

٦- غرر الحكم: ح ٥١٢٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥١ ح ٤٧٠٢ .

٧- أي دار تحوّل وارتحال (النهاية: ج ٤ ص ١٠٢ «قلع»).

٨- البلغة بالضم: الكفاية؛ وهو ما يكتفى به في العيش؛ أي دار عمل يتبلغ فيها من صالح الأعمال ويترود (مجمع البحرين: ج ١ ص ١٨٧ «بلغ»).

٩- نهج البلاغه: الكتاب ٣١، تحف العقول: ص ٧٦، كشف المحجّه: ص ٢٢٨ عن عمر بن أبي المقدم عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ١١٧ نحوه وليس فيه «وللموت لا- للحياة»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٠٥ ح ١

؛ كثر العمال : ج ١٦ ص ١٧٣ ح ٤٤٢١٥ نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ نحوه وليس فيه «وللموت لا للحياه» .

ب سرای ماندگاری

ب سرای ماندگاری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای اهل جاودانگی، ای اهل ماندگاری! شما برای نابودی آفریده نشده اید؛ بلکه از سرایی به سرایی انتقال داده می شوید، همچنان که از پشت ها به زهدان ها، و از زهدان ها به دنیا منتقل شدید و از دنیا به گورها، و از موقف (قیامت) به جاودانگی در بهشت یا دوزخ [انتقال می یابید].

امام علی علیه السلام: ای مردم! بدانید که دنیا سرای نیستی است و آخرت، سرای ماندگاری است. پس، از گذرگاه خود، برای اقامتگاهتان توشه بگیرید.

امام علی علیه السلام: در شگفتم از کسی که سرای نیستی را آباد می کند و سرای ماندگاری را فرو می گذارد!

امام علی علیه السلام: سرای ماندگاری، جایگاه صدیقان و اقامتگاه نیکان و درستکاران است.

امام علی علیه السلام در نامه ای به پسرش حسن علیه السلام: بدان ای پسرم که تو در حقیقت، برای آخرت آفریده شده ای نه برای دنیا، و برای رفتن نه برای ماندن [در این سرای خاکی]، و برای مُردن نه برای زیستن. تو در یک کوچگاه هستی، در سرایی که باید از آن [برای سفر آخرت]، توشه برداری و در راهی منتهی به آخرت.

عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِنَّمَا خُلِقْتُمْ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا ، وَلِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ . (١)

عنه عليه السلام: غَايَةُ الْآخِرَةِ الْبَقَاءُ . (٢)

عنه عليه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ مِنْ الْآخِرَةِ خُلُودٌ وَبَقَاءٌ . (٣)

عنه عليه السلام: الدُّنْيَا أَمْدٌ ، الْآخِرَةُ أَبَدٌ . (٤)

عنه عليه السلام: يَتَّبِعِي لِمَنْ أَيْقَنَ بِبَقَاءِ الْآخِرَةِ وَدَوَامِهَا أَنْ يَعْمَلَ لَهَا . (٥)

عنه عليه السلام فى ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : قَالَ اللهُ : ... يَا أَحْمَدُ ... إِنَّ أَهْلَ الْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ فِى أَجْوَابِهِمْ قَدْ قَرِحَتْ ، يَقُولُونَ : مَتَى نَسْتَرِيحُ مِنْ دَارِ الْفَنَاءِ إِلَى دَارِ الْبَقَاءِ ؟ (٦)

الإمام زين العابدين عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِى صِيْلَةِ اللَّيْلِ : اللَّهُمَّ وَإِذْ سَتَرْتَنى بِعَفْوِكَ ، وَتَعَمَّدْتَنى بِفَضْلِكَ فِى دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَةِ الْأَكْفَاءِ ، فَأَجِرْنى مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ ؛ مِنْ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ ، وَالرُّسُلِ الْمُكْرَمِينَ ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ . (٧)

١- غرر الحكم : ح ٣٨٤٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٧٤ ح ٣٦٢٩ .

٢- غرر الحكم : ح ٦٣٥٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٤٨ ح ٥٩٠٨ .

٣- غرر الحكم : ح ٧٢٩٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٠٢ ح ٦٧٨٣ .

٤- غرر الحكم : ح ٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٦ ح ٧١٢ .

٥- غرر الحكم : ح ١٠٩٣٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٥٥ ح ١٠٢٢٩ .

٦- بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢١ ٢٥ ح ٦ نقلاً عن إرشاد القلوب .

٧- الصحيفه السجاديّه : ص ١٣١ الدعاء ٣٢ ، مصباح المتهدّد : ص ١٩٠ ح ٢٧٢ ، المصباح للكفعمى : ص ٨٣ ، الإقبال : ج ٢

ص ١٥٤ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ٢٦٥ .

امام علی علیه السلام: همانا شما برای آخرت آفریده شده اید، نه برای دنیا، و برای ماندگاری آفریده شده اید، نه برای نابودی.

امام علی علیه السلام: پایان آخرت، ماندگاری است.

امام علی علیه السلام: هر چیز آخرت، جاویدان و ماناست.

امام علی علیه السلام: دنیا موقتی است و آخرت، ابدی.

امام علی علیه السلام: کسی که به ماندگاری و پایداری آخرت یقین دارد، سزاوار است که برای آن کار کند.

امام علی علیه السلام در حدیث معراج: خداوند فرمود: «... ای احمد! ... همانا اهل آخرت، دل هایشان در درونشان مجروح گشته است و می گویند: کی از سرای نیستی آسوده می شویم و به سرای ماندگاری می رویم؟».

امام زین العابدین علیه السلام در دعایش در نماز شب: بارخدایا! همچنان که در این سرای رفتنی و در حضور همگنان، با گذشت خودت [گناهان] مرا پوشاندی و مرا غرق در فضل و لطف نمودی، از رسوایی های سرای ماندگاری، در هنگام ایستادن در محضر فرشتگان مقرب و فرستادگان گرامی و شهدا و نیکان نیز پناهم ده.

الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللَّهُ بِهِ عيسى عليه السلام: ... يَا بَنَ مَرِيَمَ ، لَوْ رَأَتْ عَيْنُكَ مَا أَعَدَدْتُ لِأَوْلِيَائِي الصَّيِّحِينَ ذَابَ قَلْبُكَ وَزَهَقَتْ نَفْسُكَ شَوْقًا إِلَيْهِ ، فَلَيْسَ كَدَارِ الْآخِرَةِ دَارٌ تَجَاوَزَ فِيهَا الطَّيِّبُونَ ، وَيَدْخُلُ عَلَيْهِمْ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ ، وَهُمْ مِمَّا يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ أَهْوَالِهَا آمِنُونَ ، دَارٌ لَا يَتَغَيَّرُ فِيهَا النَّعِيمُ وَلَا يَزُولُ عَنْ أَهْلِهَا. (١)

راجع: ج ١ ص ٢٤٠ (حقيقه الدنيا الذميمة / الاغترار بالدنيا).

ج دار الحَيَوانِ الكِتَابِ «وَمَا هَذِهِ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» . (٢)

الحديث للإمام علي عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ يَوْمَ صِفِّينَ :اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ . . . نَشَاطًا لِذِكْرِكَ مَا اسْتَعْمَرْتَنِي فِي أَرْضِكَ ، فَإِذَا كَانَ مَا لَا يَبْدُ مِنْهُ الْمَوْتُ فَاجْعَلْ مِيتَتِي قَتْلًا فِي سَبِيلِكَ بِيَدِ شَرِّ خَلْقِكَ ، وَاجْعَلْ مَصِيرِي فِي الْأَحْيَاءِ الْمَرْزُوقِينَ عِنْدَكَ فِي دَارِ الْحَيَوانِ.

(٣)

-
- ١- الكافي: ج ٨ ص ١٣١ ١٣٥ ح ١٠٣ ، تحف العقول: ص ٤٩٧ ، أعلام الدين: ص ٢٣٠ كلاهما من دون اسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٩٣ ح ١٤ .
 - ٢- العنكبوت: ٦٤ . و الحَيَوان: الباقية ، أى ليس فيها إلا حياةٌ مستمرّة دائمة خالده لا موت فيها ، فكأنّها في ذاتها حياه (مجمع البحرين: ج ١ ص ٤٨٣ «حيي»).
 - ٣- مُهَجَّجُ الدُّعَوَاتِ: ص ١٣١ عن سعد بن عبد الله ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٣٩ ح ٩ .

ج سرای زندگی حقیقی

الکافی به نقل از علی بن اسباط ، از ائمه علیهم السلام : از جمله اندرزهای خداوند به عیسی علیه السلام این بود که : « ... ای پسر مریم! اگر دیده ات آنچه را که برای دوستان درستکارم آماده ساخته ام ، می دید ، دلت از شوق آنها آب می شد و جانت بر می آمد . سرایی چون سرای آخرت نیست . در آن سرای ، پاکان ، همسایه یکدیگرند و فرشتگان مقرب بر آنان وارد می شوند . آنان از هول و هراس های روز قیامت ، در امان اند . آخرت ، سرایی است که در آن ، نعمت ها دگرگون نمی شوند و از کف صاحبان آنها نمی روند» .

ر . ک : ج ۱ ص ۲۴۱ (حقیقت دنیای نکوهیده / فریفته شدن به دنیا) .

ج سرای زندگی حقیقیقرآن «این زندگی دنیا ، جز سرگرمی و بازی نیست و زندگی [حقیقی] ، همانا [در] سرای آخرت است ، اگر می دانستند» .

حدیثامام علی علیه السلام از دعای ایشان در روز صفین : بارخداایا! از تو درخواست می کنم ... تا وقتی مرا در زمینت سکونت [و عمر] می دهی ، همواره به یاد خودت کوشا[یم] بداری . و هر گاه مرگ که از آن گریزی نیست مرا فرا می رسد ، مردنم را کشته شدن در راه خودت به دست بدترین آفریده ات قرار بده ، و در آن سرای زندگی [حقیقی] ، مرا در میان زندگانی که نزد تو روزی می خورند ، جای ده .

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ ... : أَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ مَا فِيهَا ، لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا وَلَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا ، أَخْرِجْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِيًّا عَنِّي ، مَقْبُولًا فِيهَا عَمَلِي إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ . (١)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ أَهْلِهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا ، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا ، وَلَا تَجْعَلِ فِرَاقَهَا لِي حُزْنًا ، أَجْرِنِي مِنْ فِتْنَتِهَا ، وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَسَعِي فِيهَا مَشْكُورًا ، حَتَّى أَصِلَ بِذَلِكَ إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ وَمَسَاكِنِ الْأَخْيَارِ . (٢)

راجع: ج ١ ص ١٧٢ ح ٢٣١ .

د دَارُ الْحَقِّالْكِتَابِ «ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَيَّ رَبِّهِ مَثَابًا» . (٣)

الحدِيثُ رَسُوْلُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي خُطْبِهِ لَهُ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّمَا الدُّنْيَا عَرَضٌ (٤) حَاضِرٌ يَأْكُلُ مِنْهَا الْبُرُّ وَالْفَاجِرُ، وَ الْآخِرَةُ وَعَدُّ صَادِقٌ يَحْكُمُ فِيهَا مَلِكٌ عَادِلٌ، يُحَقُّ فِيهَا الْحَقَّ وَيُبْطِلُ الْبَاطِلَ. (٥)

١- الكافي: ج ٢ ص ٥٥٤ ح ١٣ عن أبي بصير، جمال الأسبوع: ص ٢٣٤، مصباح المتهجد: ص ٣٥١ ح ٤٦٦ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٤ ح ١ .

٢- الإقبال: ج ١ ص ١٣٤ عن هارون بن موسى التلعكبري، جمال الأسبوع: ص ٢٤١ عن أبي يحيى الصنعاني عن الإمام الباقر عن الإمام زين العابدين عليهما السلام نحوه، مصباح المتهجد: ص ٣٩٤، البلد الأمين: ص ٧٦ وفيهما ذيله من «لا تجعل الدنيا ...» نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٣٨ ح ١ .

٣- النبأ: ٣٩ .

٤- العرَضُ بالتحريك: متاع الدنيا وخطامها (النهاية: ج ٣ ص ٢١٤ «عرض»).

٥- السنن الكبرى: ج ٣ ص ٣٠٦ ح ٥٨٠٧، المعجم الكبير: ج ٧ ص ٢٨٨ ح ٧١٥٨، حليه الأولياء: ج ١ ص ٢٦٤ ح ٤١ وفيهما «قادر» بدل «عادل» وكلها عن شداد بن أوس، تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٤٩٧ عن أوفى بن دلهم عن الإمام علي عليه السلام نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٣٣ ح ٦٣١٠ .

د سرای حق

امام صادق علیه السلام: علی بن الحسین (امام زین العابدین) علیه السلام این دعا را می خواند ... : «معبود من! از شرّ دنیا و از شرّ هر آنچه در دنیاست ، به تو پناه می برم . دنیا را بر من ، زندان مگردان و جدایی از آن را مایه اندوهم قرار مده . مرا از فتنه سرای دنیا چنان به سرای زندگی [حقیقی] بتر که از من خشنود باشی و اعمالم در آن ، پذیرفته شده باشد» .

امام صادق علیه السلام: بارخدایا! از شرّ دنیا و شرّ اهل دنیا و شرّ آنچه در دنیاست ، به تو پناه می برم . بارخدایا! دنیا را بر من ، زندان مگردان و جدایی از آن را مایه اندوهم مساز . از فتنه دنیا پناهم بده و اعمالم در آن را پذیرفته درگاهت و تلاش هایم را مورد قدردانی خود قرار بده تا بدین وسیله به سرای زندگی [حقیقی] [و سکونتگاه نیکان ، نایل آیم.

د سرای حققرآن «آن [روز] ، روز حق است . پس ، هر که می خواهد ، راه بازگشتی به سوی پروردگار خود بجوید» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در یکی از خطبه هایش : ای مردم! دنیا متاعی نقد است که نیک و بد ، از آن می خورند ، و آخرت ، وعده ای راست است که در آن ، پادشاهی دادگر ، حکومت (/ قضاوت) می کند و در آن ، احقاق حق می نماید و بر باطل ، مهر ابطال می زند.

الإمام علي عليه السلام: الدُّنْيَا عَرَضٌ حَاضِرٌ يَأْكُلُ مِنْهُ الْبُرُّ وَالْفَاجِرُ ، وَالْآخِرَةُ دَارٌ حَقٌّ يَحْكُمُ فِيهَا مَلِكٌ قَادِرٌ. (١)

ه دَارُ الْيَقِظَةِ الإمام زين العابدين عليه السلام: الدُّنْيَا سِنَّةٌ (٢) وَالْآخِرَةُ يَقْظَةٌ ، وَنَحْنُ بَيْنَهُمَا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ (٣) . (٤)

و دَارُ الْيَقِينِ دعائم الإسلام: رُوِيَ عَنْ بَعْضِ الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ : النَّاسُ فِي دَارِ غَفْلَةٍ يَعْمَلُونَ وَلَا يَعْلَمُونَ ، وَيَكْسِبُونَ وَيَقْتَرِفُونَ مِنْ حَيْثُ لَا يَدْرُونَ ، فَإِذَا صَارُوا إِلَى دَارِ الْآخِرَةِ صَارُوا إِلَى دَارِ يَقِينٍ يَعْلَمُونَ وَلَا يَعْمَلُونَ. (٥)

ز دَارُ الْجَزَائِرِ رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الدُّنْيَا دَارَ بَلْوَى ، وَالْآخِرَةَ دَارَ عُقْبَى ، فَجَعَلَ بَلْوَى الدُّنْيَا لِثَوَابِ الْآخِرَةِ سَبَبًا ، وَثَوَابِ الْآخِرَةِ مِنْ بَلْوَى الدُّنْيَا عَوْضًا ، فَيَأْخُذُ لِيُعْطَى ، وَيَبْتَلَى لِيَجْزَى ، وَإِنَّهَا لَسَّرِيْعَةُ الذَّهَابِ ، وَوَشِيْكَةُ الْإِنْقِلَابِ ، فَاحْذَرُوا خِلَاوَةَ رِضَاعِهَا لِمَرَارِهِ فِطَامِهَا . (٦)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا جَعَلَ اللَّهُ فِي الْآخِرَةِ غَيْرَ دَارَيْنِ : دَارَ الثَّوَابِ وَدَارَ الْعِقَابِ ؛ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ ، وَهُمَا دَرَجَاتٌ. (٧)

- ١- غرر الحكم: ح ١٩٣٤ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٨ ح ١٤٨٠ .
- ٢- السُّنَّةُ: شِدَّةُ النُّومِ ، أَوْ أَوَّلُهُ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٢٧٥ «وَسَنٌ»).
- ٣- أَضْغَاثُ الْأَحْلَامِ : الرُّؤْيَا الَّتِي لَا يَصِحُّ تَأْوِيلُهَا لِاخْتِلَاطِهَا (الصَّحَاحُ: ج ١ ص ٢٨٥ «ضَغْثٌ»).
- ٤- تَنْبِيْهُ الْخَوَاطِرِ: ج ٢ ص ٢٤ ؛ شَرْحُ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ : ج ٢٠ ص ٣٢٦ ح ٧٣٧ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِيهِ «حَلْمٌ» بَدَلُ «سَنَةٍ» .
- ٥- دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ : ج ١ ص ١٦٨ .
- ٦- أَعْلَامُ الدِّينِ : ص ٣٤٤ عَنِ ابْنِ عَمْرٍ ، تَحْفُ الْعُقُولِ : ص ٤٨٣ عَنِ الْإِمَامِ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِيهِ صَدْرُهُ إِلَى «الدُّنْيَا عَوْضًا» ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٧ ص ١٨٦ ؛ الْفَرْدُوسُ: ج ٥ ص ٢٨١ ح ٨١٨٦ عَنِ ابْنِ عَمْرٍ وَفِيهِ «وَإِنَّهَا لَسَّرِيْعَةُ الذَّهَابِ ، وَوَشِيْكَةُ الْإِنْقِلَابِ» ، كَنْزُ الْعَمَالِ: ج ٣ ص ٢١١ ح ٦٢٠٣ .
- ٧- دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ : ج ١ ص ٢٥ .

ه سرای بیداری

و سرای یقین

ز سرای سزا

امام علی علیه السلام: دنیا متاعی نقد است که نیک و بد، از آن استفاده می کنند، و آخرت، سرای حق است که پادشاهی مقتدر در آن حکم می راند.

ه سرای بیداری امام زین العابدین علیه السلام: دنیا خواب است و آخرت، بیداری، و ما [در فاصله] میان این دو، خواب هایی آشفته می بینیم.

و سرای یقیندعائم الإسلام: از یکی از ائمه علیهم السلام روایت شده است که: «مردم در سرای غفلت به سر می برند؛ سرایی که در آن عمل می کنند، ولی [به حقایق آن و فرجام اعمال آن] علم ندارند و ندانسته عمل می کنند و مرتکب [هر کاری] می شوند. و چون به سرای آخرت روند، به سرای یقین رفته اند؛ سرایی که در آن، علم دارند، ولی [دیگر] عمل نمی توانند بکنند».

ز سرای سزایمبر خدا صلی الله علیه و آله: بدانید که خداوند دنیا را سرای گرفتاری و آخرت را سرای مُجازات قرار داد. گرفتاری دنیا را سبب پاداش آخرت کرد و پاداش آخرت، عوض گرفتاری دنیا است. می گیرد تا بدهد و گرفتار می کند تا جزا دهد. دنیا، زوال شتابانی دارد و به سرعت، دگرگونی می پذیرد. از شیرینی شیر آن، به خاطر تلخی جدایی اش بر حذر باشید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند در آخرت، جز دو سرا قرار نداده است: سرای پاداش و سرای کیفر [، یعنی] بهشت و دوزخ. و این دو، درجات دارند.

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَعَزَّ وَجَلَّ قَسَمَ الدُّنْيَا لِلْبَلَاءِ ، وَقَسَمَ الْآخِرَةَ لِلْجَزَاءِ. (١)

عنه عليه السلام: فِي الْآخِرَةِ حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ. (٢)

عنه عليه السلام مِنْ كِتَابِهِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ لَمَّا وُلِّاهُ مِصْرَ: الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ ، وَالْآخِرَةُ دَارُ الْجَزَاءِ وَدَارُ الْبَقَاءِ ؛ فَاعْمَلْ لِمَا يَبْقَى ، وَاعْدِلْ عَمَّا يَفْنَى ، وَلَا تَنْسَ نَصِيحَتَكَ مِنَ الدُّنْيَا. (٣)

عنه عليه السلام: الدُّنْيَا مَبِيتُهُ الْأَشْقِيَاءِ ، وَالْآخِرَةُ فَوْزُ السُّعْدَاءِ. (٤)

الإمام العسكري عليه السلام فِي التَّفْسِيرِ الْمُنْسُوبِ إِلَيْهِ ، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (٥): يُظْهِرُونَ التَّوْبَةَ وَالْإِنَابَةَ ؛ فَإِنَّ مِنْ حُكْمِهِ فِي الدُّنْيَا أَنْ يَأْمُرَكَ بِقَبُولِ الظَّاهِرِ وَتَرْكِ التَّفْتِيشِ عَنِ الْبَاطِنِ ؛ لِأَنَّ الدُّنْيَا دَارُ إِمِهَالٍ وَإِنْظَارٍ ، وَالْآخِرَةُ دَارُ الْجَزَاءِ بِلا تَعَبٍ. (٦)

ح دَارٌ مَحْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا إِنَّ الْآخِرَةَ الْيَوْمَ مُحَفَّفَةٌ بِالْمَكَارِهِ ، وَإِنَّ الدُّنْيَا مُحَفَّفَةٌ بِالشَّهَوَاتِ. (٧)

١- الجعفریات: ص ٢٤٠ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .

٢- غرر الحكم: ح ٦٤٩٥ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥٤ ح ٥٩٧٧ .

٣- الأمالى للمفيد: ص ٢٦٨ ح ٣ ، الأمالى للطوسى: ص ٣٠ ح ٣١ بزياده «ودار فناء» بعد «دار بلاء» وكلاهما عن أبى إسحاق الهمداني ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٩٠ ح ١١ .

٤- غرر الحكم: ح ٦٩٤ و ٦٩٥ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٤ ح ٢٣٣ و ٢٣٢ وفيه «فتنه» بدل «منيه» .

٥- الأنفال: ٣٣ .

٦- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٦٣٣ ، بحار الأنوار: ج ٤٢ ص ٤٢ ح ١٤ .

٧- المعجم الكبير: ج ١٩ ص ٢٠٠ ح ٤٤٩ ، أسد الغابه: ج ٤ ص ٤٧٠ الرقم ٤٤٩٨ وفيه «النار» بدل «الدنيا» وكلاهما عن كليب بن حزن ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩٣١ ح ٤٣٥٩٧ نقلاً عن الأمالى لابن صصرى عن عبد الله بن جراد نحوه .

ح سرای محصور در ناملايمات

امام علی علیه السلام: خداوند متعال دنیا را برای آزمایش، معین کرد و آخرت را برای سزا دادن.

امام علی علیه السلام: در آخرت، حسابرسی است و عمل در کار نیست.

امام علی علیه السلام در نامه اش به محمّد بن ابی بکر، آن گاه که او را به حکومت مصر گماشت: دنیا سرای آزمایش [و عمل] است و آخرت، سرای سزا دیدن و خانه ماندگاری است. پس برای آنچه ماندگار است، کار کن و از آنچه نابود می شود، روی بگردان و [در عین حال] بهره ات از دنیا را فراموش مکن.

امام علی علیه السلام: دنیا آرزوی تیره بختان است؛ آخرت، کامیابی نیک بختان است.

امام عسکری علیه السلام در تفسیر منسوب به ایشان درباره آیه شریف: «و تا آنان طلب آمرزش می کنند، خدا عذاب کننده آنان نخواهد بود»: یعنی اظهار توبه و انابه می کنند؛ زیرا از احکام خداوند در دنیا، این است که تو را به پذیرفتن ظاهر و جستجو نکردن از باطن، امر می فرماید؛ چون دنیا سرای مهلت و فرصت است، و آخرت، سرای سزاست و نه عبادت و عمل.

ح سرای محصور در ناملايمات پيامبر خدا صلی الله عليه و آله بدانيد که آخرت، امروز، با ناملايمات در میان گرفته شده است و دنیا با شهوات، احاطه گشته است.

راجع: ج ١ ص ٥٤ (خصائص الدنيا / محفوفه بالشهوات) .

ط دارٌ أحوالها تتبَّعُ الاستحقاقَ رسول الله صلى الله عليه و آله :إنَّه سُبحانَهُ وَتعالى يُعْطى الدُّنيا لِمَنْ يُحِبُّ وَيُبْغِضُ ، ولا- يُعْطى الآخِرَةَ إلاَّ أهلَ صِفَوتِهِ وَمَحَبَّتِهِ. (١)

الإمام الباقر عليه السلام: إنَّ الله يُعْطى الدُّنيا مَنْ يُحِبُّ وَيُبْغِضُ ، ولا يُعْطى الآخِرَةَ إلاَّ مَنْ أَحَبَّ. (٢)

الإمام على عليه السلام: الدُّنيا بِالِاتِّفَاقِ ، الآخِرَةُ بِالِاسْتِحْقَاقِ. (٣)

عنه عليه السلام: أحوال الدُّنيا تتبَّعُ الاتِّفَاقَ ، وأحوال الآخِرَةِ تتبَّعُ الاستحقاقَ. (٤)

راجع: ج ١ ص ٣١٢ (معرفة الدنيا الذميمة / إقبال الدنيا وإدبارها) .

ي دارٌ محيطَةٌ بالدُّنيا الإمام على عليه السلام للجائليق (٥) وَقَدْ سَأَلَهُ عَنِ الْجَنَّةِ أ في الدُّنيا هِيَ أم في الآخِرَةِ؟ وأين الآخِرَةُ مِنَ الدُّنيا ؟ : الدُّنيا في الآخِرَةِ وَالآخِرَةُ مُحِيطَةٌ بالدُّنيا ، إذ كانتِ النُّفْلَةُ مِنَ الحِياهِ إلى المَوْتِ ظاهِرَةً ، وكانتِ الآخِرَةُ هِيَ دارُ الحَيوانِ لو كانوا يَعْلَمُونَ ؛ وذلكَ أَنَّ الدُّنيا نُفْلَةٌ وَالآخِرَةُ حِياَةٌ ومُقامٌ ، مَثَلُ ذلكَ كالتَّائِمِ ؛ وذلكَ أَنَّ الجِسمَ يَنامُ ، والزَّوْجَ لا تَنامُ ، واليَدانِ يَموتُ وَالزَّوْجَ لا تَموتُ (٦) ، قالَ اللهُ : «وَإِنَّ الدَّارَ الآخِرَةَ لَهِيَ الحَيوانُ لو كانوا يَعْلَمُونَ» (٧) . والدُّنيا رَسْمُ الآخِرَةِ وَالآخِرَةُ رَسْمُ الدُّنيا (٨) ، وليسَ الدُّنيا الآخِرَةَ ولا الآخِرَةَ الدُّنيا . إذا فارَقَ الرُّوحُ الجِسمَ يَرجعُ كُلُّ واحِدٍ مِنْهُما إلى ما مِنْهُ بَيداً وما مِنْهُ خُلِقَ ، وَكَذلكَ الجَنَّةُ والنَّارُ في الدُّنيا مَوْجودَةٌ وفي الآخِرَةِ ؛ لِإِنَّ العَبْدَ إذا ماتَ صارَ في دارٍ مِنَ الأَرْضِ ؛ إمَّا رَوْضَةٍ مِنَ رِياضِ الجَنَّةِ ، وإمَّا بُقْعَةٍ مِنَ بَقاعِ النَّارِ ، وروحُهُ إلى أَحَدِ دارينِ ؛ إمَّا في دارِ نعيمٍ مُقيمٍ لا يَموتُ فيها ، وإمَّا في دارِ عِذابٍ أليمٍ لا يَموتُ فيها ، وَالرَّسْمُ لِمَنْ عَقَلَ مَوْجودٌ واضِحٌ ، وَقَدْ قالَ اللهُ : «كَلَّا- لو تَعْلَمُونَ عِلْمَ اليَقينِ * لَتَرَوُنَّ الجَحيمَ * ثُمَّ لَتَرَوُنَّها عَينَ اليَقينِ * ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (٩) وَعَنِ الكافِرِينَ ، فَقَالَ : إِنَّهُم كانوا في شُغْلٍ عَن ذِكرى ، وكانوا لا يَسْتَطيعُونَ سَمعاً (١٠) ، ولو عَلِمَ الإنسانُ ما هُوَ فيه ماتَ خَوْفاً مِنَ المَوْتِ ، وَمَنْ نَجَّا فَبَفضْلِ اليَقينِ. (١١)

١- أعلام الدين: ص ٢٧٧، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ١٩٥ ح ٥٢.

٢- فضائل الشيعة: ص ٧١ ح ٣٢، التمهيد: ص ٥١ ح ٩٢ كلاهما عن محمد بن مسلم، المؤمن: ص ٢٧ ح ٤٧، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٦٨ ح ٢.

٣- غرر الحكم: ح ٢٢٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٧ ح ٣٦٣ و ٣٦٤.

٤- غرر الحكم: ح ٢٠٣٦.

٥- الجائليق: رئيس النصارى فى بلاد الإسلام (مجمع البحرين: ج ١ ص ٢٧٠ «جثلق»).

٦- فى المصدر: «يموت»، والتصويب من بحار الأنوار.

٧- العنكبوت : ٦٤ .

٨- الرسم : تمثيل الشيء يطلق على ما يقابل الحقيقة كقول الشاعر : «أرى وذكّم رسماً ووذى حقيقه» والظاهر أنّ المراد أنّ الدنيا تمثيل الآخرة والآخرة تمثيل الدنيا ، فيكون مثل قوله سبحانه وتعالى : «وَأُتُوا بِهِ مُتَشَبِهًا» (البقره : ٢٥) .

٩- التكاثر : ٨٥ .

١٠- إشاره إلى الآية : ١٠١ من سورة الكهف .

١١- إرشاد القلوب : ص ٣٠٩ عن سلمان ، بحار الأنوار : ج ٣٠ ص ٧٢ ح ١ .

ط سرایی که احوال آن ، تابع شایستگی است

ی سرای محیط بر دنیا

ر. ک: ج ۱ ص ۵۵ (ویژگی های دنیا / احاطه شده به شهوات).

ط سرایی که احوال آن ، تابع شایستگی است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند پاکِ والا ، دنیا را به دوست و دشمن می دهد ؛ اما آخرت را جز به کسانی که برگزیده و محبوب او باشند ، نمی دهد.

امام باقر علیه السلام : خداوند ، دنیا را به دوست و دشمنش می دهد ؛ اما آخرت را جز به کسی که دوستش می دارد ، نمی دهد.

امام علی علیه السلام : دنیا بر حسب اتفاق است و آخرت بر حسب استحقاق (شایستگی) است .

امام علی علیه السلام : احوال دنیا ، تابع اتفاق است و احوال آخرت ، تابع شایستگی است .

ر. ک: ج ۱ ص ۳۱۳ (شناخت دنیای نکوهیده / اقبال و ادبار دنیا).

ی سرای محیط بر دنیا امام علی علیه السلام در پاسخ جاثلیق (۱) که پرسید : آیا بهشت در همین دنیاست ، یا در آخرت است ؟ و آخرت در کجای دنیاست ؟ : دنیا در [دل] آخرت است و آخرت ، محیط بر دنیاست ؛ زیرا که انتقال از زندگی به مرگ ، آشکار است و در واقع ، این آخرت است که سرای زندگی است . ای کاش مردم می دانستند که دنیا گذرگاه است و آخرت ، زندگی و اقامتگاه! حکایت آن ، حکایت شخص خفته است : جسم می خوابد ؛ اما روح نمی خوابد . [همین طور بدن می میرد ؛ اما روح نمی میرد . خداوند می فرماید : «و سرای آخرت ، سرای زندگی است . ای کاش می دانستند!» . دنیا نماد (مثال) آخرت است و آخرت ، نماد دنیاست . نه دنیا ، [خود] آخرت است و نه آخرت ، دنیاست . هر گاه روح از بدن جدا شود ، هر یک از آن دو ، به آن جایی که از آن شروع شده و آفریده شده است ، باز می گردد . بهشت و دوزخ نیز ، هم در دنیا موجودند و هم در آخرت ؛ زیرا که بنده ، هر گاه بمیرد ، به خانه ای در زمین می رود که یا باغی از باغ های بهشت است و یا سرزمینی از سرزمین های دوزخ . و روحش نیز به یکی از دو سرای می رود : یا به سرای پر نعمت مانا که در آن نمی میرد و یا به سرای عذابی دردناک که در آن [نیز] نمی میرد . تمثیل (تشابه میان دنیا و آخرت) ، برای کسی که خردمند است ، موجود و آشکار است . خداوند می فرماید : «هرگز چنین نیست! اگر علم یقین دارید ، به یقین ، دوزخ را می بینید . سپس آن را قطعاً به عین یقین درمی یابید . سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهید شد» . و درباره کافران می فرماید : «آنان از یاد من غافل بودند و توانایی شنیدن [حق] را [نداشتند] . (۲) اگر انسان می دانست که پس از مرگ ، چه خبر است ، از ترسِ مرگ می مُرد ، و هر کس نجات یابد ، به برکت یقین است» .

۱- رئیس مسیحیان در کشورهای اسلامی آن روزگار (مجمع البحرین : ج ۱ ص ۲۷۰).

۲- اشاره است به آیه ۱۰۱ از سوره کهف .

ص: ٢٨٠

راجع: ج ١ ص ٢٢ (خصائص الدنيا).

ص: ۲۸۱

ر. ک: ج ۱ ص ۲۳ (ویژگی های دنیا).

.

الفصل الثاني: الاهتمام بالآخرة ٢ / الحثُّ عَلَى الإِهْتِمَامِ بِالْآخِرَةِ الْكِتَابِ «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» . (١)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: اجعلوا هممتكم الآخرة ، لا ينفذ فيها ثواب المرضية عنه ، ولا ينقطع فيها عقاب المسخوط عليه . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: اجعلوا آخرتكم لآئنفسكم ، وسعيكم لمستقركم . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: اللهم لا عيش إلا عيش الآخرة . (٤)

١- الإسراء : ١٩ .

٢- أعلام الدين : ص ٣٤٢ ح ٣٠ عن أنس ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٨٥ ح ١٠ .

٣- أعلام الدين : ص ٣٤٠ ح ٢٦ عن أبي أيوب الأنصاري ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٨٢ ح ١٠ .

٤- صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٥٧ ح ٦٠٥٠ ، صحيح مسلم: ج ٣ ص ١٤٣١ ح ١٢٧ ، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٦٩٤ ح ٣٨٥٧ ،

مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٣٤٣ ح ١٢٧٥٧ كلها عن أنس ، كنز العمال: ج ٣ ص ٣٧٩ ح ٧٠٣٨ ؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج ١

ص ١٨٥ ، بحار الأنوار: ج ١٩ ص ١٢٤ ح ٩ .

فصل دوم: اهتمام به آخرت

۲ / ۱ تشویق به آخرت گرایی

فصل دوم: اهتمام به آخرت ۲ / ۱ تشویق به آخرت گراییقرآن» و کسانی که خواهان آخرت باشند و نهایت کوشش را برای آن بکنند ، در حالی که مؤمن اند ، آنان اند که تلاششان مورد قدردانی واقع خواهد شد» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همّت خود را آخرت قرار دهید ؛ آخرتی که در آن ، پاداش کسی که مورد رضایت [الهی] است ، پایان نمی یابد و کیفر (مجازات) شخصی که مورد خشم [خداوند] است ، قطع نمی گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آخرتتان را وجهه همّت خود ، و تلاشتان را برای محلّ استقرار [همیشگی]تان قرار دهید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به خدا که زندگی ای جز زندگی آخرت نیست .

صحيح البخارى عن أنس فى أحداثِ غزوه الخندقِ: جعلَ المهاجرونَ والأنصارُ يحفرونَ الخندقَ حولَ المدينه، وينقلونَ الترابَ على مُتُونِهِمْ وَهُمْ يَقُولُونَ: نَحْنُ الَّذِينَ بَايَعُوا مُحَمَّدًا عَلَى الْإِسْلَامِ مَا بَقِينَا أَبَدًا قَالَ: يَقُولُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يُجِيبُهُمْ: «اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُ الْآخِرَةِ، فَبَارِكْ لِلْأَنْصَارِ وَالْمُهَاجِرَةِ» (١).

الإمام على عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَنِيَّةٌ خُلِقَتْ لِلْفَنَاءِ، وَالْخَيْرُ خَيْرٌ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهَا خُلِقَتْ لِلْبَقَاءِ. (٢)

عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِلَى الْآخِرَةِ صَائِرُونَ، وَعَلَى اللَّهِ مُعْرَضُونَ. (٣)

عنه عليه السلام: إِنَّمَا الْحَازِمُ مَنْ كَانَ بِنَفْسِهِ كُلِّ شُغْلِهِ، وَلِدِينِهِ كُلِّ هَمِّهِ، وَلَا آخِرَتِهِ كُلِّ جَدِّهِ. (٤)

عنه عليه السلام: هُمُ الْمُؤْمِنُ لِآخِرَتِهِ، وَكُلُّ جَدِّهِ لِمُنْقَلَبِهِ. (٥)

عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِلَى الْإِهْتِمَامِ بِمَا يَصْحَبُكُمْ إِلَى الْآخِرَةِ أَحْوَجُ مِنْكُمْ إِلَى كُلِّ مَا يَصْحَبُكُمْ مِنَ الدُّنْيَا. (٦)

١- صحيح البخارى: ج ٤ ص ١٥٠٤ ح ٣٨٧٤، صحيح مسلم: ج ٣ ص ١٤٣٢ ح ١٣٠، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٣٣٩ ح ١٢٧٣٢، المصنّف لابن أبى شيبة: ج ٧ ص ٥٤٣ ح ٢٢ كلّها نحوه، المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ١٣١ ح ٧١٢٣، كنز العمال: ج ١٠ ص ٤٥٦ ح ٣٠١٠٤.

٢- المناقب للخوارزمى: ص ٢٤٧.

٣- غرر الحكم: ح ٣٨٢١، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٤ ح ٣٦١٥.

٤- غرر الحكم: ح ٣٨٩٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٩ ح ٣٦٧٥.

٥- غرر الحكم: ح ١٠٠٥٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥١١ ح ٩٣١٠.

٦- غرر الحكم: ح ٣٨٣٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٤ ح ٣٦١٧.

صحیح البخاری به نقل از انس ، در رویدادهای جنگ خندق : مهاجران و انصار ، شروع به کندن خندق بر گرد مدینه کردند و خاک آن را بر پشت خود می بردند و در همان حال ، این بیت را می خواندند : ماییم آنان که با محمد بیعت کردند / بر اسلام ، تا زنده ایم و تا ابد . پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در جواب آنان می فرمود : «به خدا که خیری جز خیر آخرت نیست . خدایا! به انصار و مهاجران ، برکت بده».

امام علی علیه السلام : دنیا پست است و برای نیست شدن آفریده شده است . و خیر ، خیر آخرت است ؛ زیرا که آخرت برای ماندگاری آفریده شده است .

امام علی علیه السلام : شما به سوی آخرت ره سپارید و به پیشگاه خداوند برده می شوید .

امام علی علیه السلام : دورانیدیش واقعی ، کسی است که تمام مشغولیتش به [اصلاح] نفسش ، تمام همتش برای دینش ، و تمام تلاشش برای آخرتش باشد .

امام علی علیه السلام : همّ و غم مؤمن ، برای آخرتش است و تمام کوشش او برای بازگشتگاهش است .

امام علی علیه السلام : شما به اهتمام ورزیدن به آنچه تا آخرت همراهتان است ، نیازمندترید تا به آنچه در دنیا با شماست .

عنه عليه السلام: اجعل همك وجدك لا آخرتك. (١)

عنه عليه السلام: اجعل همك لا آخرتك وحزنك على نفسك؛ فكم من حزين وقد به حزنه على سرور الأبد، وكم من مهموم أدرك أمله. (٢)

عنه عليه السلام في خطبه له: أما بعد؛ فإن الدنيا أدبرت وأذنت بوداع، وإن الآخرة قد أقبلت وأشرفت بإطلاع، ألا وإن اليوم المضمار (٣) وغدا السباق... ألا وإنكم في أيام أمل من ورائه أجل... فمن عمل في أيام أمله قبل حضور أجله؛ فقد نفعه عمله ولم يضره أجله، ومن قصر في أيام أمله قبل حضور أجله؛ فقد خسر عمله وضره أجله. (٤)

عنه عليه السلام: أعرضوا عن كل عمل بكم غني عنه، واشغلو أنفسكم من أمر الآخرة بما لا بد لكم منه. (٥)

عنه عليه السلام في قول الله: «وَلَا تَنسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (٦): لا تنس نصيبك وقوتك وفراغك وشبابك ونشاطك أن تطلب بها الآخرة. (٧)

١- غرر الحكم: ح ٢٢٨٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٧٨ ح ١٨٧٩ وفيه هكذا «اجعل همك لمعادك تصلح».

٢- غرر الحكم: ح ٢٤٥٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٧٦ ح ١٨٤٢.

٣- أي اليوم العمل في الدنيا للاستباق في الجنة. والمضمار: الموضع الذي تُضمّر فيه الخيل، وتضمير الخيل: هو أن يُظاهر عليها بالعلف حتى تسمن، ثم لا تعلق إلا قوتا لتخف (النهاية: ج ٣ ص ٩٩ «ضم»).

٤- نهج البلاغه: الخطبه ٢٨، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥١٦ ح ١٤٨٢ وفيه صدره إلى «السباق»، الإرشاد: ج ١ ص ٢٣٥ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤١٧ ح ٣٩؛ مطالب السؤول: ص ٥٨، تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٤٩٧ نحوه، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٠٢ ح ٤٤٢٢٥.

٥- غرر الحكم: ح ٢٥٥٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٩٢ ح ٢١٥٨.

٦- القصص: ٧٧.

٧- معاني الأخبار: ص ٣٢٥ ح ١، الأمل للصدوق: ص ٢٩٩ ح ٣٣٦، الجعفریات: ص ١٧٦ كلها عن إسماعيل عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الدعوات: ص ١٢٢ ح ٢٩٩ بزياده «وغناك» بعد «نشاطك»، روضه الواعظين: ص ٥١٨، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ١٧٧ ح ١٨.

امام علی علیه السلام: همت و تلاشت را برای آخرت قرار بده.

امام علی علیه السلام: همت خود را متوجه آخرت کن و اندوهت را بر خودت قرار ده؛ زیرا بسا اندوهناکی که اندوهش، او را به شادی ابد رساند و بسا [دلواپس و] غم زده ای که به آرزوی خود رسید.

امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش: دنیا پشت نموده و اعلام بدرود کرده است و آخرت، روی آورده و در آستانه ورود است. بدانید که امروز، روز آماده شدن است و فردا هنگام مسابقه... بدانید که شما در روزهای امید و آرزویی هستید که از پس آن، مرگ است... پس، هر که در روزهای امیدواری اش، پیش از آن که مرگش فرا رسد، کار کند، کارش او را سود می بخشد و مُردنش او را زیان نمی رساند، و هر کس در ایام امیدواری اش، پیش از فرا رسیدن اجلش، کوتاهی ورزد، زیانکار می شود و مرگش به او زیان می رساند.

امام علی علیه السلام: از هر کاری که شما را بدان نیازی نیست، روی بگردانید و از کار آخرت، به آنچه شما را گزیری از آن نیست، پردازید.

امام علی علیه السلام درباره آیه شریف: «و بهره ات را از دنیا، فراموش مکن»: بهره گیری از تن درستی و توانایی و فراغت و جوانی و نیرویت را در راه تحصیل آخرت، فراموش مکن.

عنه عليه السلام: اجعل لآخرتك من دنياك نصيبا. (١)

عنه عليه السلام: طوبى لمن وفق لإطاعته ، وحسنت خليفته ، وأحرز أمر آخرته . (٢)

عنه عليه السلام: إن أفضل الناس عند الله من أحمأ عقله ، وأمات شهوته ، وأتعب نفسه لإصلاح آخرته. (٣)

عنه عليه السلام: كن فى الدنيا بدينك ، وفى الآخرة بقلبك. (٤)

عنه عليه السلام فى الحكم المنسوبة إليه: الذى يستحق اسم السعادة على الحقيقة سعادة الآخرة ، وهى أربعة أنواع: بقاء بلا فناء ، وعلم بلا جهل ، وقدره بلا عجز ، وغنى بلا فقر. (٥)

الإمام زين العابدين عليه السلام مخاطبا أصحابه يوما: إخوانى ، أوصيكم بدار الآخرة ، ولا أوصيكم بدار الدنيا؛ فإنكم عليها حريصون وبها متمسكون. (٦)

الإمام الصادق عليه السلام فى وصيته لابن جندب: يا بن جندب ، الخير كله أمامك ، وإن الشر كله أمامك ، ولن ترى الخير والشر إلا بعد الآخرة؛ لئن الله جل وعز جعل الخير كله فى الجنة ، والشر كله فى النار؛ لئنهما الباقيان. (٧)

راجع: ج ١ ص ٥٦ (معرفة الدنيا / خلقت لغيرها) .

١- غرر الحكم: ح ٢٤٢٩ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٥ ح ٢٠٥٧ .

٢- غرر الحكم: ح ٥٩٦٥ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٤ ح ٥٤٨٤ .

٣- غرر الحكم: ح ٣٥٧٩ .

٤- حليه الأولياء: ج ٢ ص ٣٧ عن أبان بن الطفيل؛ كشف الغمة: ج ٢ ص ١٩٣ ، غرر الحكم: ح ٧١٦٤ .

٥- شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣٠٦ ح ٥٠٩ .

٦- الأمالى للمفيد: ص ٤٣ ح ١ عن أبى حمزه الشمالى ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٧ ح ١٠٧ .

٧- تحف العقول: ص ٣٠٦ ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٨٤ ح ١ .

امام علی علیه السلام: از دنیایت برای آخرت سهمی قرار بده.

امام علی علیه السلام: خوشا به حال کسی که موفق به طاعت خداوند شود و اخلاقش نیکو گردد و کار آخرتش را پاس بدارد!

امام علی علیه السلام: برترین مردم در نزد خداوند، کسی است که خردش را زنده گرداند و شهوتش را بمیراند و برای اصلاح آخرتش، خود را به زحمت اندازد.

امام علی علیه السلام: با بدنت در دنیا باش و با قلبت در آخرت.

امام علی علیه السلام در گفتارهای کوتاه منسوب به ایشان: آنچه حقیقتاً سزاوار نام سعادت است، سعادت آخرت است و آن، چهار نوع است: ماندگاری ای که فنا ندارد، علمی که با جهل همراه نیست، قدرتی که با عجز همراه نیست، و توانگری ای که با فقر همراه نیست.

امام زین العابدین علیه السلام روزی، خطاب به یارانش: برادرانم! من شما را به سرای آخرت سفارش می‌کنم. و به سرای دنیا سفارستان نمی‌کنم؛ زیرا که شما [خود به خود] به دنیا حریص هستید و به آن پایبندید.

امام صادق علیه السلام در وصیتش به پسر جندب: ای پسر جندب، همه خوبی، فرا روی توست و همه بدی نیز فراروی توست و تو خوب و بد را جز پس از آخرت نمی‌بینی؛ زیرا که خداوند تمام خوب را در بهشت، و تمام بد را در جهنم قرار داد؛ چرا که این دو، ماندگارند.

ر. ک: ج ۱ ص ۵۷ (شناخت دنیا / دنیا برای غیر دنیا آفریده شده است).

٢ / ٢ كونوا من أبناء الآخِرِ رسول الله صلى الله عليه و آله :أَيُّهَا النَّاسُ ! كونوا من أبناء الآخِرِ ولا تكونوا من أبناء الدنيا؛ فَإِنَّ كُلَّ
أُمَّ يَتَّبِعُهَا وَلَدُهَا... فَاعْمَلُوا وَأَنْتُمْ مِنَ اللَّهِ عَلَى حَذَرٍ ، وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مَعْرُوضُونَ عَلَى أَعْمَالِكُمْ وَأَنْتُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ لَا بُدَّ مِنْهُ «فَمَنْ يَعْمَلْ
مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (١) . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ لِلدُّنْيَا أَبْنَاءَ وَلِلْآخِرَةِ أَبْنَاءَ ، فَكونوا من أبناء الآخِرِ ولا تكونوا من أبناء الدنيا؛ فَإِنَّ كُلَّ وَلَدٍ يَتَّبِعُ بِأُمَّهِ ،
وَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَرَحَّلَتْ مُدْبِرَةً ، وَالْآخِرَةُ قَدْ تَجَمَّلَتْ مُقْبِلَةً. (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ ارْتَحَلَتْ مُدْبِرَةً ، وَهَذِهِ الْآخِرَةُ قَدْ ارْتَحَلَتْ مُقْبِلَةً ، وَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بَنُونَ؛ فَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ
أَنْ تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا فَافْعَلُوا؛ فَإِنَّكُمْ الْيَوْمَ فِي دَارِ عَمَلٍ وَلَا حِسَابٍ ، وَأَنْتُمْ غَدًا فِي دَارِ حِسَابٍ وَلَا
عَمَلٍ. (٤)

١- الزلزله : ٧ و ٨ .

٢- حليه الأولياء : ج ١ ص ٢٦٥ ، المعجم الكبير : ج ٧ ص ٢٨٨ ح ٧١٥٨ وفيه صدره إلى «يتبعها ولدها» وكلاهما عن شَدَّادِ بْنِ
أَوْسٍ ، كَنْزِ الْعَمَالِ : ج ٣ ص ٢٣٣ ح ٦٣١٠ ؛ غُررِ الْحَكَمِ : ح ٧١٩٤ عن الإمامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وفيه صدره إلى «يتبعها ولدها»
نحوه .

٣- إرشاد القلوب : ص ٢١ ، أعلام الدين : ص ٣٤٥ ح ٣٩ عن أبي هريره ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص ٣٧٠
عن العالم عليه السلام وكلاهما نحوه وليس فيهما «فإنَّ كلَّ ولدٍ يتبع بِأُمَّهِ» .

٤- الخصال : ص ٥١ ح ٦٢ عن جابر بن عبد الله ، الكافي : ج ٨ ص ٥٨ ح ٢١ عن سليم بن قيس عن الإمامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ،
الأمالى للمفيد : ص ٩٣ ح ١ عن حَبِّهِ العَرْنِيِّ عن الإمامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، نهج البلاغه: الخطبه ٤٢ عن الإمامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ،
كلِّها نحوه ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١١٧ ح ١٣ ؛ المصنَّف لابن أبي شيبه: ج ٨ ص ١٥٥ ح ١ عن الإمامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، تاريخ
دمشق: ج ٤٢ ص ٤٩٤ عن أبي عبد الرحمن السلمى عن الإمامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، شُعبِ الْإِيمَانِ: ج ٧ ص ٣٧٠ ح ١٠٦١٦ عن
جابر بن عبد الله وكلِّها نحوه ، كَنْزِ الْعَمَالِ : ج ٣ ص ٨١٩ ح ٨٨٥٦ .

۲ / ۲ فرزند آخرت باشید

۲ / ۲ فرزند آخرت باشید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید؛ زیرا که هر بچه ای، دنبال مادرش حرکت می کند... پس، عمل کنید، در حالی که از خدا بر حذرید. بدانید که به اعمال شما رسیدگی می شود و خواه ناخواه، خدا را ملاقات می کنید. «پس، هر که به وزن ذره ای نیکی کند، آن را می بیند و هر که به وزن ذره ای بدی کند، آن را می بیند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا را فرزندانی است و آخرت را نیز فرزندانی. شما از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا مباشید؛ زیرا که هر بچه ای، دنبال مادر خود حرکت می کند. همانا دنیا پشت کرده و می رود، و آخرت، روی کرده و می آید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این دنیا، پشت کرده و می رود و این آخرت، روی کرده و می آید، و برای هر یک از این دو، فرزندانی است. پس چنانچه می توانید از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید، چنین کنید. امروز، شما در سرایی هستید که جای عمل است و حسابرسی نیست، و فردا در سرایی خواهید بود که جای حسابرسی است و عمل نیست.

الإمام علي عليه السلام: فليصدق رائد (١) أهله، وليحضر عقله، وليكن من أبناء الآخرة؛ فإنه منها قدم، وإليها ينقلب. (٢)

راجع: ص ٧٠ (الحث على الزهد)،

ج ١ ص ٣٥٨ (التحذير من الإغترار بالدنيا / الدنيا سحاره).

٢ / ٣ خصائص أبناء الآخرة الكتاب «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علوًا في الأَرْضِ وَلَا فسادًا وَ الْعَقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» .

(٣)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله في قول الله: «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علوًا في الأَرْضِ وَلَا فسادًا»: التَّجْبُرُ فِي الْأَرْضِ وَالْأَخْذُ بِغَيْرِ الْحَقِّ. (٤)

الأمالي عن عبد الله بن مسعود: نعى إلينا حبيبتنا ونبيتنا صلى الله عليه وآله نفسه فبأبي وأمي ونفسي له الفداء! قبل موته بشهر، فلما دنا الفراق جمعنا في بيت فنظر إلينا فدمعت عيناه، ثم قال: مرحبا بكم، حياكم الله، حفظكم الله، نصيركم الله، نفعكم الله، هداكم الله، وفقكم الله، سلمكم الله، قبلكم الله، رزقكم الله، رفّعكم الله! أوصيكم بتقوى الله، وأوصي الله بكم إني لكم نذير مبين، ألا تعلوا على الله في عباده وبلاده؛ فإن الله تعالى قال لي ولكم: «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علوًا في الأَرْضِ وَلَا فسادًا وَ الْعَقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» وقال سبحانه: «أليس في جهنم مثوى للمتكبرين» (٥). (٤)

١- أصل الرائد: الذي يتقدم القوم يبصر لهم الكلاً ومساقط الغيث (النهاية: ج ٢ ص ٢٧٥ «رود»). ويحتمل أن يكون المراد بالرائد هنا الإنسان نفسه؛ فإنه كالرائد لنفسه في الدنيا يطلب فيه لآخرته ماء ومرعى... أي لينصح نفسه ولا يغشها بالتسويف والتعليل. أو المعنى: ليصدق كل منكم أهله وعشيرته ومن يعنيه أمره، وليبلغهم ما عرف من فضلنا وعلو درجتنا (بحار الأنوار: ج ٢٩ ص ٦٠٣).

٢- نهج البلاغه: الخطبة ١٥٤، غرر الحكم: ج ٦٥٥٨، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢٠٩ ح ١١.

٣- القصص: ٨٣.

٤- تاريخ دمشق: ج ٦٥ ص ١٢١، الأمالي للمحاملي: ص ٢٢٩ كلاهما عن أبي هريره.

٥- الزمر: ٦٠.

٦- الأمالي للطوسي: ص ٢٠٧ ح ٣٥٤، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٤٥٥ ح ١؛ المعجم الأوسط: ج ٤ ص ٢٠٨ ح ٣٩٩٦، حليه الأولياء: ج ٤ ص ١٦٨، الكامل في التاريخ: ج ٢ ص ٧، الطبقات الكبرى: ج ٢ ص ٢٥٦، المطالب العالیه: ج ٤ ص ٢٦٠ ح ٢٣٩٢ كلها نحوه.

۲ / ۳ ویژگی های آخرت گرایان

امام علی علیه السلام: پیشرو (۱) باید به کسان خود، راست بگوید و خردش را به کار بگیرد و فرزند [و اهل] آخرت باشد؛ زیرا که از آن جا آمده و به آن جا برمی گردد.

ر. ک: ص ۷۱ (ترغیب به زهد)،

ج ۱ ص ۳۵۹ (برحذر داشتن از فریفته شدن به دنیا / دنیا افسونگر است).

۲ / ۳ ویژگی های آخرت گرایانقرآن «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین، خواستار برتری و فساد نیستند، و فرجام، از آن پرهیزگاران است».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره آیه شریف: «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که خواستار برتری و فساد نیستند»: [یعنی] گردنکشی در زمین [و جامعه] و گرفتن به ناحق.

الأمالی طوسی به نقل از عبد الله بن مسعود: محبوب ما و پیامبر ما صلی الله علیه و آله که پدر و مادرم و جانم فدایش باد یک ماه پیش از مرگش، خبر رحلتش را به ما داد. و چون زمان فراق نزدیک شد، ما را در اتافی جمع کرد و نگاهی به ما انداخت و چشمانش پر از اشک شد و سپس فرمود: «خوش آمدید. خداوند شما را زنده بدارد. خداوند شما را حفظ کند. خداوند شما را نصرت دهد. خداوند شما را نفع برساند. خداوند شما را هدایت فرماید. خداوند شما را توفیق بخشد. خداوند شما را به سلامت دارد. خداوند شما را بپذیرد. خداوند شما را روزی دهد. خداوند شما را رفعت بخشد. شما را به تقوای الهی سفارش می کنم، و به خداوند نیز سفارش شما را می کنم، و آشکارا به شما هشدار می دهم که در میان بندگان خدا و در زمین او، بر خدا برتری نجوید؛ چرا که خداوند متعال، به من و به شما فرموده است: «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین، خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [نیک]، از آن پرهیزگاران است» و نیز فرموده است: «آیا جایگاه متکبران، در دوزخ نیست؟».

۱- «رائد (پیشرو)» که در اصل عربی حدیث آمده، به معنای کسی است که جلوتر از کاروان حرکت می کند تا برای آنها چراگاه و آبگاه بیابد (النهایه: ج ۲ ص ۲۷۵ «رود»). احتمال دارد که مراد از «رائد (پیشرو)» در این جا خود انسان باشد؛ زیرا انسان در دنیا چونان پیشرو برای خویشتن است که در آن، برای آخرت خود، آب و چراگاه جستجو می کند...؛ یعنی انسان باید خیرخواه خویشتن باشد و با امروز و فردا کردن و تعلل ورزیدن، به خود، خیانت و ناراستی نکند. یا احتمال دارد معنای حدیث این باشد: هر یک از شما باید با خانواده و عشیره و افراد تحت تکفل خود، روراست و صادق باشد و حقیقت را به آنها بگوید و از فضایل و علو درجات ما، آنچه را می داند، به آنان نیز معرفی کند (بحار الأنوار: ج ۲۹ ص ۶۰۲).

المناقب عن زاذان في ذكر سيره أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّهُ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ وَحَدَهُ، وَهُوَ ذَاكَ يُرَشِّدُ الصَّلَاةَ وَيُعِينُ الضَّعِيفَ، وَيَمُرُّ بِالسَّائِقِ وَالْبَقَالِ فَيَفْتَحُ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ وَيَقْرَأُ «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا» الْآيَةَ. (١)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ لَيُعْجِبُهُ مِنْ شِرَاكٍ نَعْلِهِ أَنْ يَكُونَ أَجْوَدَ مِنْ شِرَاكٍ صَاحِبِهِ فَيَدْخُلُ فِي قَوْلِهِ: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ». (٢)

الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا» (٣): الْعُلُوُّ: الشَّرْفُ. وَالْفَسَادُ: النِّسَاءُ. (٤)

تفسير القمي عن حفص بن غياث: قال أبو عبد الله عليه السلام: يَا حَفْصُ، مَا مَنَزَلَهُ الدُّنْيَا مِنْ نَفْسِي إِلَّا- بِمَنَزَلِهِ الْمَيِّتِ؛ إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَيْهَا أَكَلَتْ مِنْهَا. (٥) يَا حَفْصُ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلِمَ مَيَّ الْعِبَادِ عَامِلُونَ وَإِلَى مَا هُمْ صَائِرُونَ، فَحَلَمَ عَنْهُمْ عِنْدَ أَعْمَالِهِمُ السَّيِّئَةَ لِعِلْمِهِ السَّابِقِ فِيهِمْ، فَلَا- يَعْزُوكَ حُسْنُ الطَّلَبِ مِمَّنْ لَا- يَخَافُ الْفَوْتَ. ثُمَّ تَلَا- قَوْلَهُ: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» وَجَعَلَ يَبْكِي، وَيَقُولُ: ذَهَبَتْ وَاللَّهِ الْأَمَانِيُّ عِنْدَ هَذِهِ الْآيَةِ. (٦)

١- المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ١٠٤، بحار الأنوار: ج ٤١ ص ٥٤ ح ١؛ تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٤٨٩ نحوه، كنز العمال: ج ١٣ ص ١٨٠ ح ٣٦٥٣٨.

٢- تفسير الطبري: ج ١١، الجزء ٢٠ ص ١٢٢ عن أبي سلمان الأعرج، تفسير ابن كثير: ج ٦ ص ٢٦٩ عن أبي سلام الأعرج، الكشاف: ج ٣ ص ١٨٠؛ سعد السعود: ص ٨٨، مجمع البيان: ج ٧ ص ٤٢٠ عن أبي سلام الأعرج نحوه.

٣- القصص: ٨٣.

٤- تفسير القمي: ج ٢ ص ١٤٧.

٥- إن إعمار الدنيا من المسائل التي أوصى بها القرآن الكريم؛ قال الله تعالى: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»، وبناءً على هذا فليس المراد في هذه الروايات وما يجري مجراها هو العزوف عن الدنيا وعدم إعمارها، بل المراد الإكتفاء من إمكاناتها المادية بقدر الحاجة، وحينئذٍ ستكون الدنيا مقدّمة للآخرة وموجبه للثواب الآخروي.

٦- تفسير القمي: ج ٢ ص ١٤٦، سعد السعود: ص ٨٧، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٩٣ ح ٧.

المناقب ابن شهر آشوب به نقل از زادن ، در بیان سیره امیر مؤمنان علیه السلام :ایشان در بازارها تنها می گشت و گم شده را راهنمایی می نمود و به ناتوان کمک می کرد . از فروشنده و بقال می گذشت و قرآن را برایش می گشود و این آیه را می خواند : «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم ...» تا آخر آیه .

امام علی علیه السلام : آدمی را از این که بند کفشش نیکوتر از بند کفش دوستش باشد ، خوش می آید و [بدین سبب ،] مشمول این سخن خداوند می شود که : «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین ، خواستار برتری (سرکشی) و فساد نیستند ، و فرجام ، از آن پرهیزگاران است» .

امام صادق علیه السلام درباره آیه شریف : «در زمین ، خواستار برتری (سرکشی) و فساد نیستند» : مراد از «عُلُوّ» ، بزرگی و برتری است ، و مراد از «فساد» ، زنا (زنا باری و فساد جنسی) .

تفسیر القمّی به نقل از حفص بن غیاث : امام صادق علیه السلام فرمود : «ای حفص ! دنیا در نزد من به منزله مُردار است ، که در صورت اضطرار (ناچاری) ، از آن می خورم . ای حفص ! خداوند متعال می داند که بندگان چه خواهند کرد و به کجایه سپار خواهند شد . پس ، به سبب علم قبلی ای که درباره آنان دارد ، به هنگام اعمال بدشان ، با آنها بردباری می ورزد . بنا بر این ، حُسن تعقیب (عجله نکردن در مجازات) از جانب کسی که بیم از دست رفتن (فرار مجرم) را ندارد ، تو را نفریبند» . امام علیه السلام سپس این آیه را تلاوت کرد : «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین ، خواستار برتری (سرکشی) و فساد نیستند ، و فرجام ، از آن پرهیزگاران است» و شروع به گریستن کرد و فرمود : «به خدا سوگند که با این آیه ، آرزوها [برای ثواب بردن بدون عمل ،] بر باد رفت» .

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ تَرَكَ زِينَةَ الدُّنْيَا؛ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدِ اسْتَحْيَا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله فى وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ: يَا أَبَا ذَرٍّ، طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا، الرَّاعِبِينَ فِي الْآخِرَةِ، الَّذِينَ اتَّخَذُوا أَرْضَ اللَّهِ بَسَاطًا، وَتُرَابَهَا فِرَاشًا، وَمَاءَهَا طَيِّبًا، وَاتَّخَذُوا الْكِتَابَ شِعَارًا، وَالِدُّعَاءَ لِلَّهِ دِثَارًا (٢)، وَقَرَضُوا الدُّنْيَا قَرْضًا . (٣)

١- سنن الترمذى: ج ٤ ص ٦٣٧ ح ٢٤٥٨، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٣٣ ح ٣٦٧١، المستدرک على الصحيحين: ج ٤ ص ٣٥٩ ح ٧٩١٥ كلها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج ٣ ص ١١٨ ح ٥٧٥٣؛ كنز الفوائد: ج ١ ص ٢١٧، الخصال: ص ٢٩٣ ح ٥٨ عن عبد الله بن ميمون القداح عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، قرب الإسناد: ص ٢٣ ح ٧٩ عن عبد الله بن ميمون القداح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٣١ ح ٢٥.

٢- الشُّعَارُ: الثوب الذى يلى الجسد؛ لأنه يلى شِعْرِهِ. والدُّثَارُ: الثوب الذى فوق الشُّعَارِ (النهاية: ج ٢ ص ٤٨٠ «شعر»). قال العلامة المجلسى قدس سره: أى يلازمون القرآن والدعاء كلزوم الدُّثَارِ والشُّعَارِ للإنسان (بحار الأنوار: ج ٦ ص ٢٧٦).

٣- الأمالى للطوسى: ص ٥٣٢ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٧٠ ح ٢٦٦١ كلاهما عن أبى ذرٍّ، نهج البلاغه: الحكمة ١٠٤، الأمالى للمفيد: ص ١٣٣ ح ١، الخصال: ص ٣٣٧ ح ٤٠، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ٩٧ كلها عن نوف البكالى عن الإمام على عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٣١٦ ح ٢٢ وراجع الكافى: ج ٢ ص ١٣٢ ح ١٥ و تحف العقول: ص ٢٨١.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خواستار آخرت است، زیور دنیا را وا نهد، و هر کس چنین کند، به راستی که از خداوند، حیا کرده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به ابوذر: ای ابوذر! خوشا به حال بی رغبتان به دنیا و شیفتگان به آخرت! کسانی که زمین را بستر و خاک آن را فرش و آتش را گوارا و کتاب خدا را تن پوش و دعا را جامه خود کردند و از دنیا کاملاً بریدند.

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ عَلَامَةَ الرَّاعِبِ فِي ثَوَابِ الآخِرَةِ ، زُهْدُهُ فِي عَاجِلِ زَهْرِهِ الدُّنْيَا ، أَمَا إِنَّ زُهْدَ الرَّاهِدِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَا يَنْقُصُهُ مِمَّا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ فِيهَا وَإِنْ زَهَّدَ ، وَإِنَّ حِرْصَ الْحَرِيصِ عَلَى عَاجِلِ زَهْرِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لَا يَزِيدُهُ فِيهَا وَإِنْ حَرَصَ ، فَالْمَغْبُونُ مِنَ حُرْمِ حَظِّهِ مِنَ الآخِرَةِ . (١)

عنه عليه السلام: إِنَّ الآخِرَةَ لَهَا أَهْلٌ ظَلَفَتْ (٢) أَنْفُسُهُمْ عَنْ مُفَاخَرَةِ أَهْلِ الدُّنْيَا ؛ لَا يَتَنَافَسُونَ فِي الدُّنْيَا ، وَلَا يَفْرَحُونَ بِعَضَارَتِهَا (٣) ، وَلَا يَحْزَنُونَ لِئُوسِهَا . (٤)

عنه عليه السلام في ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ... يَا أَحْمَدُ ، إِنَّ أَهْلَ الْخَيْرِ وَأَهْلَ الآخِرَةِ رَقِيقَةٌ وَجُوهُهُمْ ، كَثِيرٌ حَيَاؤُهُمْ ، قَلِيلٌ حُمُقُهُمْ ، كَثِيرٌ نَفْعُهُمْ ، قَلِيلٌ مَكْرُهُمْ ، النَّاسُ مِنْهُمْ فِي رَاحَةٍ ، أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي تَعَبٍ ، كَلَامُهُمْ مَوْزُونٌ ، مُحَاسِبِينَ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَعَبِينَ (٥) لَهَا ، تَنَامُ أَعْيُنُهُمْ وَلَا تَنَامُ قُلُوبُهُمْ ، أَعْيُنُهُمْ بَاكِيَةٌ وَقُلُوبُهُمْ ذَاكِرَةٌ ، إِذَا كَتَبَ النَّاسُ مِنَ الْغَافِلِينَ كُتِبُوا مِنَ الذَّاكِرِينَ ، فِي أَوَّلِ النَّعْمَةِ يَحْمَدُونَ وَفِي آخِرِهَا يَشْكُرُونَ ، دُعَاؤُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ مَرْفُوعٌ وَكَلَامُهُمْ مَسْمُوعٌ ، تَفْرَحُ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ وَيَدُورُ دُعَاؤُهُمْ تَحْتَ الْحُجْبِ ، يُحِبُّ الرَّبُّ أَنْ يَسْمَعَ كَلَامَهُمْ كَمَا تُحِبُّ الْوَالِدَةُ الْوَلَدَ وَلَا يُشْغَلُونَ عَنْهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ ، وَلَا يُرِيدُونَ كَثْرَةَ الطَّعَامِ وَلَا كَثْرَةَ الْكَلَامِ وَلَا كَثْرَةَ اللَّبَاسِ ، النَّاسُ عِنْدَهُمْ مَوْتَى وَاللَّهُ عِنْدَهُمْ حَيٌّ كَرِيمٌ ، يَدْعُونَ الْمُدْبِرِينَ كَرَمًا وَيَزِيدُونَ الْمُقْبِلِينَ تَطُّفًا ، قَدْ صَارَتِ الدُّنْيَا وَالآخِرَةُ عِنْدَهُمْ وَاحِدَةً . (٦)

- ١- الكافي: ج ٢ ص ١٢٩ ح ٦ عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص ٢٠٦ ح ٥٥٤ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٥٢ ح ٢٤ .
- ٢- ظَلَفَتْ نَفْسِي عَنْ كَذَا : أَي كَفَّتْ (الصحاح : ج ٤ ص ١٣٩٩ «ظلف»).
- ٣- غَضَارَةُ الدُّنْيَا : أَي طَيِّبُهَا وَلَذَّتْهَا . يُقَالُ : إِنَّهُمْ لَفِي غَضَارِهِ مِنَ الْعَيْشِ : أَي فِي خِصْبٍ وَخَيْرٍ (النَّهَائِيَّة : ج ٣ ص ٣٧٠ «غضر»).
- ٤- الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ : ص ٤٧٨ ح ٦٤٤ ، الأُمَالِي لِلطُّوسِي : ص ٤٣٥ ح ٩٧٤ وَفِيهِ «طَلَّقَتْ» بَدَل «ظَلَفَتْ» وَكِلَاهُمَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَكْرٍ [بَكْرَانَ] الْمُرَادِي عَنْ الْإِمَامِ الْكَاسِمِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ : ج ٢ ص ١٧٣ عَنْ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَنْهُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، مَشْكَاهُ الْأَنْوَارِ : ص ٢٠٨ ح ٥٦٦ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٧٣ ص ٨٩ ح ٥٧ .
- ٥- فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ : «مَتَعَبِينَ لَهَا» .
- ٦- إِرْشَادُ الْقُلُوبِ : ص ١٩٩ ٢٠١ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج ٧٧ ص ٢٤ ح ٦ .

امام علی علیه السلام: نشانه کسی که خواهان پاداش آخرت است، زهدورزی او به زرق و برق این دنیای گذراست. بدانید که زهد زهدورزی به این دنیا، چیزی از آنچه خداوند در دنیا قسمت او کرده است، نمی‌کاهد، هرچند به آن بی‌میل باشد، و آزمندی شخص آزمند به زرق و برق زندگی دنیایی، چیزی در آن، [افزون بر آنچه خداوند در دنیا قسمت او کرده است]، بر او نمی‌افزاید، هرچند حرص بورزد. زیان دیده، کسی است که از بهره آخرتش محروم گردد.

امام علی علیه السلام: همانا آخرت را اهلی است که جان هایشان از فخرفروشی به اهل دنیا باز ایستاده است. [آنان]، نه درباره دنیا به رقابت برمی‌خیزند، نه به لذت‌ها و خوشی‌های آن شادمان می‌شوند، و نه از ناخوشی‌های آن اندوهگین می‌گردند.

امام علی علیه السلام در حدیث معراج: خدای متعال فرمود: «... ای احمد! همانا اهل خیر و اهل آخرت، کم‌رو و پُرحیابند، حماقتشان اندک و سودشان بسیار است، کمتر نیرنگ می‌زنند، مردم از آنان در آسایش‌اند، نفس هایشان از آنان در رنج است، گفتارشان سنجیده است، محاسبه نفس می‌کنند و بر آن خُرده می‌گیرند، چشمانشان می‌خوابد و دل هایشان نمی‌خوابد، دیدگانشان گریان است و دل هایشان به یاد خداست، آن‌گاه که مردم از غافلان نوشته می‌شوند، آنان از ذاکران قلمداد می‌شوند، در آغاز هر نعمتی حمد می‌گویند و در آخرش شکر به جا می‌آورند، دعای آنان به درگاه خداوند، بالا می‌رود و سخنان [به نزد او] شنیده می‌شود، فرشتگان به آنان شاد می‌شوند و دعایشان در آن سوی حجاب‌ها (۱) می‌گردد، پروردگار دوست دارد که سخنان را بشنود چنان‌که مادر فرزند را دوست می‌دارد، چشم بر هم زدنی از او باز نمی‌ماند، علاقه‌ای به پرخوری و پرگویی و جامه زیاد ندارند، مردم در نظر آنان مردگان‌اند و خداوند در نظرشان زنده و کریم است، پشت‌کنندگان را از روی کرم‌فرا می‌خوانند و روی آورندگان را مهربانی می‌افزایند، و دنیا و آخرت در نزد آنان، یکی شده است.

۱- احتمالاً این جمله اشاره است به انعکاس دعای آنان در عوالمی که حجاب نامیده می‌شوند.

عنه عليه السلام أيضا: قَالَ اللَّهُ: ... يَا أَحْمَدُ ، إِنَّ أَهْلَ الْآخِرَةِ لَا يَهْتَوُهُمُ الطَّعَامُ مُنْذُ عَرَفُوا رَبَّهُمْ ، وَلَا يَشْغَلُهُمْ مُصِيبُهُ مُنْذُ عَرَفُوا سَيِّئَاتِهِمْ ، يَبْكُونَ عَلَى خَطَايَاهُمْ ، يُتَعَبُونَ أَنْفُسَهُمْ وَلَا يُرِيحُونَهَا ، وَإِنَّ رَاحَةَ أَهْلِ الْجَنَّةِ فِي الْمَوْتِ ، وَالْآخِرَةَ مُسْتَرَاخِ الْعَابِدِينَ ، مُؤْنِسِيَهُمْ دُمُوعَهُمُ الَّتِي تَفِيضُ عَلَى خُدُودِهِمْ ، وَجُلُوسِيَهُمْ مَعَ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ ، وَمُنَاجَاتِهِمْ مَعَ الْجَلِيلِ الَّذِي فَوْقَ عَرْشِهِ. (١)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَبْنَاءَ الْآخِرَةِ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ الْعَامِلُونَ الزَّاهِدُونَ ، أَهْلُ الْعِلْمِ وَالْفِقْهِ ، وَأَهْلُ فِكْرِهِ وَاعْتِبَارِهِ وَاخْتِبَارِهِ ، لَا يَمْلُونَ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ. (٢)

الكافي عن علي بن عيسى رفعه: إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاجَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ لَهُ فِي مُنَاجَاتِهِ: ... يَا مُوسَى ، أَبْنَاءُ الدُّنْيَا وَأَهْلُهَا فَتَنٌ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ، فَكُلُّ مَزِينٍ لَهُ مَا هُوَ فِيهِ ، وَالْمُؤْمِنُ مَنْ زَيَّنَتْ لَهُ الْآخِرَةَ فَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا مَا يَفْتُرُ (٣) ، قَدْ حَالَتْ شَهْوَتُهَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ لَعْنَةِ الْعَيْشِ فَأَدْلَجَتْهُ (٤) بِالْأَسْحَارِ ، كَفَعَلَ الزَّارِكِ السَّائِقِ إِلَى غَايَتِهِ يَظُلُّ كَثِيرًا وَيُمَسِي خَزِينًا ، فَطُوبَى لَهُ لَوْ قَدْ كَتَبَ الْغِطَاءُ مَاذَا يُعَايِنُ مِنَ الشُّرُورِ! (٥)

١- بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢١ ٢٥ ح ٦ نقلاً عن إرشاد القلوب ، والطبعه التي بأيدينا خاليه منه .

٢- تحف العقول: ص ٢٨٧ ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٦٥ ح ٢.

٣- الفتره: الانكسار والضعف ، وقد فتر يفتر فتورا (الصحيح: ج ٢ ص ٧٧٧ «فتر»).

٤- الإدلاج: السير بالليل ، وظاهر العبارة أنه استعمل هنا متعدياً بمعنى التسيير بالليل ، ولم يأت فيما عندنا من كتب اللغه ... ويمكن أن يكون على الحذف والإيصال ؛ أي أدلجت الشهوه معه وسيرته بالأسحار كالراكب الذي يسابق قرنه إلى الغايه التي يتسابقان إليها (مرآه العقول: ج ٢٥ ص ١٠٢).

٥- الكافي: ج ٨ ص ٤٧ ٤٢ ح ٨ ، تحف العقول: ص ٤٩٤ نحوه ، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٣٦ ح ١٣.

امام علی علیه السلام در حدیث معراج: خداوند فرمود: «... ای احمد! همانا اهل آخرت، از آن هنگام که پروردگارشان را شناختند، غذایی خوش از گلویشان پایین نرفت و از آن هنگام که گناهانشان را شناختند، هیچ مصیبتی آنان را به خود مشغول نساخت. بر گناهان خویش می‌گریند، نفس‌هایشان را به رنج می‌افکنند و آنها را آسوده نمی‌گذارند. آسایش اهل بهشت، در مردن است و آخرت، آسایشگاه عبادت‌پیشگان است. مونس آنان، اشک‌هایشان است که بر گونه‌هایشان سرازیر می‌شود، و همنشینی آنان، با فرشتگانی است که در راست و چپ آنان قرار گرفته‌اند، و راز و نیازشان با خداوند شکوهمندی است که بر فراز عرشِ خویش است.»

امام باقر علیه السلام: فرزندان آخرت، آنان‌اند که ایمان دارند و عمل می‌کنند و زهدپیشه‌اند، [و] اهل دانش و فقه‌اند و مرد اندیشه و عبرت‌آموزی و آزمون‌اند و از یاد خدا خسته نمی‌شوند.

الکافی به نقل از علی بن عیسی، که سند آن را به معصوم رسانده است: خداوند متعال با موسی علیه السلام به نجوا سخن گفت و در نجوایش به او فرمود: «... ای موسی! فرزندان دنیا و اهل آن، مایه فتنه (فریب و گم‌راهی) یکدیگرند و هر یک، آنچه را که [از دنیا] دارد، در نظرش زیبا جلوه می‌کند؛ ولی مؤمن، کسی است که آخرت در نظرش آراسته و زیبا گردیده است و پیوسته به آن می‌نگرد، بی آن که از توجه به آن خسته شود. عشق به آخرت، میان او و لذت‌زندگی مانع گشته و او را در سحرگاهان به تکاپو [و عبادت] کشانده است، همانند سواری که به سوی مقصدش می‌راند و شبش را به اندوه و روزش را به غمناکی سپری می‌کند. خوشا به حال او، که اگر پرده کنار برود، چه شادمانی‌ها که خواهد دید!».

راجع: ج ١ ص ٤١٦ (مضار حب الدنيا / الاستعلاء).

٢ / ٤ التَّحذِيرُ مِنْ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالْآخِرَةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ كُلَّ جَعَطْرِيٍّ (١) جَوَاطٍ (٢) سَخَابٍ (٣) بِالْأَسْوَاقِ، جِيفَهُ بِاللَّيْلِ حِمَارٍ بِالنَّهَارِ، عَالِمٌ بِأَمْرِ الدُّنْيَا جَاهِلٌ بِأَمْرِ الْآخِرَةِ. (٤)

الإمام عليّ عليه السلام: أَحْذَرُ كُلَّ قَوْلٍ وَفِعْلٍ يُؤَدِّي إِلَى فَسَادِ الْآخِرَةِ وَالدِّينِ. (٥)

عنه عليه السلام: لَيْسَ بِمُؤْمِنٍ مَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِإِصْلَاحِ مَعَادِهِ. (٦)

عنه عليه السلام: إِنَّ مِنَ الشَّقَاءِ إِفْسَادَ الْمَعَادِ. (٧)

عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يَعْمَلْ لِلْآخِرَةِ لَمْ يَنْبَلْ أُمَّلَهُ. (٨)

١- الجَعَطْرِيُّ: الْفَطْرُ الْغَلِيظُ الْمَتَكَبِرُ (النهاية: ج ١ ص ٢٧٦ «جعطر»).

٢- الْجَوَاطُ: الْجَمْعُ الْمُنَوَّعُ (النهاية: ج ١ ص ٣١٦ «جوط»).

٣- السَّخْبُ وَالصَّخْبُ: الصِّيَاحُ (النهاية: ج ٢ ص ٣٤٩ «سخب»).

٤- صحيح ابن حبان: ج ١ ص ٢٧٤ ح ٧٢، السنن الكبرى: ج ١٠ ص ٣٢٧ ح ٢٠٨٠٤، موارد الظمان: ص ٤٨٥ ح ١٩٧٥
كلها عن أبي هريره، كنز العمال: ج ١٦ ص ٤ ح ٤٣٦٧٩.

٥- غرر الحكم: ح ٢٥٩٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٠٤ ح ٢٣٤٣.

٦- غرر الحكم: ح ٧٥٣١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤١٢ ح ٧٠١٢.

٧- غرر الحكم: ح ٣٣٩٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٣ ح ٣١٩٥.

٨- غرر الحكم: ح ٨٩٩٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٧ ح ٧٢٤٦.

۲ / ۴ زنهادهی از بی توجهی به آخرت

ر . ك : ج ۱ ص ۴۱۷ (زیان های دنیا دوستی / برتری جویی) .

۲ / ۴ زنهادهی از بی توجهی به آخرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همانا خداوند ، انسان های تندخوی گردن کلفت بی خیر را که در بازارها هیاهو به راه می اندازند و در شب ، مُردار و در روز ، الایغ و در کار دنیا دانا و در کار آخرت ، نادان اند ، دشمن می دارد.

امام علی علیه السلام : پرهیز از هر گفتار و کرداری که به تباهی آخرت و دین ، می انجامد.

امام علی علیه السلام : مؤمن نیست کسی که به اصلاح معادش اهتمام نوزد.

امام علی علیه السلام : تباه کردن معاد ، از بدبختی است .

امام علی علیه السلام : کسی که برای آخرت کار نکند ، به آرزویش نمی رسد .

عنه عليه السلام: ما أخسر من ليس له في الآخرة نصيب. (١)

عنه عليه السلام: ما بالكم تفرحون باليسير من الدنيا تدركونه ولا يحزنكم الكثير من الآخرة تحرمونه! ويقلقكم اليسير من الدنيا يفوتكم حتى يتبين ذلك في وجوهكم ، وقلة صبركم عما زوى منها عنكم ؛ كأنها دار مقامكم وكأن متاعها باق عليكم؟! (٢) فقال له علي بن الحسين عليه وعلى آبائه السلام: دعاكم الله سبحانه إلى دار البقاء وقراره الخلود والنعماء ومجاورة الأنبياء والسعدياء ، فعصية يثم وأعرضتم ، ودعتكم الدنيا إلى قراره الشقاء ومحل الفناء وأنواع البلاء والعناء ، فأطعتم وبأدرتم وأسرعتم. (٣) الإمام الصادق عليه السلام في الدعاء: رب دعني دواعي الدنيا فأجبتها سريعا وركنت إليها طائعا ، ودعني دواعي الآخرة فتبطلت عنها وأبطأت في الإجابة والمسارة إليها ، كما سارعت إلى دواعي الدنيا وحطامها الهامد (٤) وهشيمها (٥) البائد وسرابها الداهب. (٦)

٢ / ٥ - حيد الإهتمام بالآخرة رسول الله صلى الله عليه وآله : اعمل الدنيا كأنك تعيش أبدا ، واعمل لآخرتك كأنك تموت غدا. (٧)

- ١- غرر الحكم : ح ٩٦٢٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٨٠ ح ٨٨٢١ .
- ٢- نهج البلاغه : الخطبه ١١٣ ، غرر الحكم : ح ٩٦٥٢ وفيه صدره إلى «تحرّمونه» .
- ٣- غرر الحكم : ح ٥١٥٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥٠ ح ٤٦٩٢ و ح ٤٦٩٣ نحوه .
- ٤- الهامد : اليابس (النهايه : ج ٥ ص ٢٧٣ «همد»).
- ٥- الهشيم : النبات اليابس المتكسر (النهايه : ج ٥ ص ٢٦٤ «هشم»).
- ٦- الكافي : ج ٢ ص ٥٩١ ح ٣١ عن عبد الرحمن بن سيّابه ، مصباح المتهدّد : ص ٢٧٦ ح ٣٨٣ ، جمال الأسبوع : ص ١٤٣ وفيهما «نسيمها» بدل «هشيمها» ، بحار الأنوار : ج ٨٩ ص ٣٠٢ ح ١٠ .
- ٧- تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٢٣٤ ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٣ ص ١٥٦ ح ٣٥٦٩ عن العالم عليه السلام ، كفايه الأثر : ص ٢٢٧ عن جناده بن أبي أميد (أميه) عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٤٤ ص ١٣٩ ح ٦ .

۲ / ۵ اندازه پرداختن به آخرت

امام علی علیه السلام: چه زیانکار است کسی که او را در آخرت، بهره ای نیست!

امام علی علیه السلام: شما را چه می شود که به اندک چیزی از دنیا که به دست می آورید، شادمان می شوید؛ ولی از دست دادن بسیاری از آخرت، شما را اندوهگین نمی سازد؟! و اندک دنیا که از دستتان می رود، شما را ناراحت و بی تاب می سازد، چندان که این بی تابی در چهره های شما و در ناشکیبایی تان بر آنچه از شما گرفته شده است، آشکار می گردد. گویی دنیا اقامتگاه دائمی شماست و کالایش برایتان ماندگار است!

امام علی علیه السلام: خداوند سبحان، شما را به سوی سرای ماندگاری و اقامتگاه جاودانی و نعمت ها و همسایگی با پیامبران و نیک بختان فرا خواند و شما نافرمانی کردید و روی گردانید؛ اما دنیا شما را به اقامتگاه بدبختی و جایگاه نیستی و انواع گرفتاری ها و رنج ها فرا خواند و شما اطاعت کردید و از یکدیگر پیشی گرفتید و شتافتید!

امام صادق علیه السلام در دعا: پروردگارا! دعوتگران دنیا مرا فرا خواندند و من سراسیمه دعوت آنان را پذیرفتم و داوطلبانه اطاعتشان کردم؛ و دعوتگران آخرت مرا فرا خواندند و من درنگ کردم و در پذیرفتن دعوت آنان و شتافتن به سوی آنان کُندی ورزیدم، چنان که [بر عکس] به سوی دعوتگران دنیا و خس و خاشاک و علف های خشکیده نابودشونده آن (متاع پوچ و بی ارزش دنیا) و سراب از بین رفتنی اش، شتاب کردم.

۲ / ۵ اندازه پرداختن به آخرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای دنیایت چنان کار کن که گویی تا ابد زنده می مانی، و برای آخرت چنان کار کن که گویی همین فردا خواهی مُرد.

عنه صلى الله عليه و آله :أصْلِحُوا دُنْيَاكُمْ وَأَعْمَلُوا لِآخِرَتِكُمْ كَأَنَّكُمْ تَمُوتُونَ غَدًا. (١)

عنه صلى الله عليه و آله :إِعْمَلْ عَمَلًا مَن يَرْجُو أَن يَمُوتَ هَرِمًا ، وَاحْدَرْ حَدْرًا مَن يَتَخَوَّفُ أَن يَمُوتَ غَدًا. (٢)

الإمام عليّ عليه السلام ممّا أوصى به ابنه الحسن عليه السلام عند وفاته :إِذَا عَرَضَ شَيْءٌ مِّنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ فَابْدَأْ بِهِ ، وَإِذَا عَرَضَ شَيْءٌ مِّنْ أَمْرِ الدُّنْيَا فَتَأَنَّهُ حَتَّى تُصِيبَ رُشْدَكَ فِيهِ . (٣)

عنه عليه السلام :إِنَّمَا الدَّهْرُ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٌ أَنْتَ فِيهَا بَيْنَهُنَّ : مَضَى أَمْسٌ بِمَا فِيهِ فَلَا يَرْجِعُ أَيْدًا ؛ فَإِنْ كُنْتَ عَمِلْتَ فِيهِ خَيْرًا لَمْ تَحْزَنْ لِذَهَابِهِ وَفَرِحْتَ بِمَا اسْتَقْبَلْتَهُ مِنْهُ ، وَإِنْ كُنْتَ قَدْ فَرَطْتَ فِيهِ فَحَسْرَتُكَ شَدِيدَةٌ لِذَهَابِهِ وَتَفْرِيطُكَ فِيهِ . وَأَنْتَ فِي يَوْمِكَ الَّذِي أَصْبَحْتَ فِيهِ مِنْ عَدٍ فِي غَرِّهِ (٤) وَلَا تَدْرِي لَعَلَّكَ لَا تَبْلُغُهُ ، وَإِنْ بَلَغْتَهُ لَعَلَّ حَظُّكَ فِيهِ فِي التَّفْرِيطِ مِثْلُ حَظُّكَ فِي الْأَمْسِ الْمَاضِي عَنْكَ . فَيَوْمٌ مِنَ الثَّلَاثَةِ قَدْ مَضَى أَنْتَ فِيهِ مُفَرِّطٌ ، وَيَوْمٌ تَنْتَظِرُهُ لَسْتَ أَنْتَ مِنْهُ عَلَى يَقِينٍ مِنْ تَرْكِ التَّفْرِيطِ ، وَإِنَّمَا هُوَ يَوْمُكَ الَّذِي أَصْبَحْتَ فِيهِ ، وَقَدْ يَتَبَغَى لِمَكَ إِنْ عَقَلْتَ وَفَكَّرْتَ فِيمَا فَرَطْتَ فِي الْأَمْسِ الْمَاضِي مِمَّا فَاتَكَ فِيهِ مِنْ حَسَنَاتٍ أَلَّا تَكُونَ اكْتَسَبَتْهَا وَمِنْ سَيِّئَاتٍ أَلَّا تَكُونَ أَقْصَرْتَ عَنْهَا ، وَأَنْتَ مَعَ هَذَا مَعَ اسْتِقْبَالِ عَدٍ عَلَى غَيْرِ ثِقَةٍ مِنْ أَنْ تَبْلُغَهُ وَعَلَى غَيْرِ يَقِينٍ مِنْ اكْتِسَابِ حَسَنَةٍ أَوْ مُرْتَدِعٍ عَنْ سَيِّئَةٍ مُحِبِّطَةٍ (٥) ، فَأَنْتَ مِنْ يَوْمِكَ الَّذِي تَسْتَقْبِلُ عَلَى مِثْلِ يَوْمِكَ الَّذِي اسْتَدْبَرْتَ . فَاعْمَلْ عَمَلًا رَجُلٍ لَيْسَ يَأْمُلُ مِنَ الْأَيَّامِ إِلَّا يَوْمَهُ الَّذِي أَصْبَحَ فِيهِ وَوَلَيْلَتُهُ ، فَاعْمَلْ أَوْ دَعِ وَاللَّهُ الْمُعِينُ عَلَى ذَلِكَ. (٦)

١- مسند الشهاب : ج ١ ص ٤١٧ ح ٧١٧ ، الفردوس : ج ١ ص ١٠١ ح ٣٣٤ كلاهما عن أبي هريره ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٥٤٦ ح ٤٢١١١ .

٢- الكافي : ج ٢ ص ٨٧ ح ٦ عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٢١٤ ح ٨ ؛ السنن الكبرى : ج ٣ ص ٢٨ ح ٤٧٤٤ ، شعب الإيمان : ج ٣ ص ٤٠٢ ح ٣٨٨٦ ، تاريخ دمشق : ج ٣١ ص ٢٦٦ والثلاثة الأخيره عن عبدالله بن عمرو بن العاص نحوه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٦٧٢ ح ٨٤١٨ .

٣- الأمالي للمفيد : ص ٢٢١ ح ١ ، الأمالي للطوسي : ص ٧ ح ٨ كلاهما عن الفجيع العقيلي عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٢١٥ ح ١٦ .

٤- الغرّه : الغفله (النهايه : ج ٣ ص ٣٥٥ «غر») .

٥- حَبِطَ عَمَلُهُ : بَطَلَ ثَوَابُهُ . وَأَحْبَطَهُ اللَّهُ تَعَالَى (الصحاح : ج ٣ ص ١١١٨ «حبط») .

٦- الكافي : ج ٢ ص ٤٥٣ ح ١ عن أبي حمزه عن الإمام زين العابدين عليه السلام .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیایتان را آباد کنید، و برای آخرتتان چنان کار کنید که گویی همین فردا می میرید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عمل کن همانند عمل کردن کسی که امید دارد در پیری بمیرد، و حذر کن همانند حذر کردن کسی که می ترسد همین فردا بمیرد.

امام علی علیه السلام از سفارش های ایشان به فرزندش حسن علیه السلام، در هنگام وفاتش: هر گاه چیزی از کار آخرت برایت پیش آمد، [زود] آن را شروع کن، و هر گاه چیزی از کار دنیا برایت پیش آمد، درنگ کن تا راه درست را در آن بیابی.

امام علی علیه السلام: روزگار، سه روز است و تو در میانه آنهايي: دیروزی که با هر آنچه در آن بود، گذشت و هرگز بر نمی گردد. پس، اگر در آن نیکی انجام داده ای، از رفتنش اندوهی نداری و از آمدنش خوش حال گشته ای، و اگر در آن [در انجام دادن اعمال نیک] کوتاهی کرده ای، از رفتنش و کوتاهی کردنت در آن، سخت افسوس می خوری. و تو، در امروزی که در آن به سر میبری، از فردایش خبر نداری، و نمی دانی، که شاید به آن نرسی و اگر هم برسی، شاید در آن، همان گونه کوتاهی ورزی که در دیروز گذشته کوتاهی کرده ای. پس، از آن سه روز، یکی، روزی است که گذشته است و تو در آن، کوتاهی ورزیده ای، و دیگری، روزی است که چشم به راهش هستی و یقین نداری که در آن، کوتاهی نمی کنی. تنها روز تو، آن روزی است که تو در آن به سر میبری، و تو را سِزَد که در کوتاهی کردن دیروز از دست رفته ات بیندیشی و فکر کنی که چه کارهای نیکی را از دست داده ای و در صدد کسب آنها برنیامده ای و چه بدی ها و گناهانی که در انجام دادنشان کوتاهی نکرده ای. و تو، با این حال، با فردایی روبه رو هستی که مطمئن نیستی بدان می رسی، و یقین نداری که در آن، کار نیکی (ثوابی) کسب می کنی و یا از بدی (گناهی) تباہ کننده [اعمال نیک] باز می ایستی. بنا بر این، حالت تو نسبت به روزی که پیش رو داری، همانند روزی است که پشت سر گذاشته ای. پس، همانند کسی عمل کن که از روزها امیدی ندارد، مگر به همان روز و شبی که در آن به سر می برد. پس، عمل کن یا واگذار، و خدا بر این کار، یاور است.

٦ / ٢ خصائص طالب الآخرة الرَّغْبُهُر سول الله صلى الله عليه و آله :خيارُكم عند الله أزهْدُكم في الدنيا وأرغْبُكم في الآخرة. (١)

الإمام علي عليه السلام :كُن في الدنيا زاهداً ، وفي الآخرة راغباً. (٢)

ب الوَلِّها الإمام علي عليه السلام :طوبى لمن ركب الطريقَةَ الغراءَ ولزِمَ المَحَجَّةَ البيضاءَ ، وتَوَلَّه (٣) بِالآخِرَةِ وأعرضَ عَنِ الدُّنْيَا.

(٤)

١- مستدرک الوسائل : ج ١٢ ص ٥١ ح ١٣٤٨٨ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب ؛ جامع العلوم والحكم : ج ٢ ص ٢٠٤ عن الحسن نحوه ، شُعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٧٧ ح ١٠٦٤٦ عن أبى ذرٍّ من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٩٢ ح ٦١١٦ .

٢- الأمالى للمفيد : ص ١١٩ ح ٣ عن الحسن البصرى ، غرر الحكم : ح ٢٨٢٧ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٤٢٢ ح ٤١ .

٣- الوله : ذهاب العقل ، والتخيّر من شدّه الوجد ، وقد وَلّه وتَوَلَّه وأتَلَّه (الصحاح : ج ٦ ص ٢٢٥٦ «وله»).

٤- غرر الحكم : ح ٥٩٧٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣١٤ ح ٥٤٨٧ .

۲ / ۶ ویژگی های طالبان آخرت

الف رغبت

ب شیفتگی

۲ / ۶ ویژگی های طالبان آخرت الف رغبت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین شما در نزد خداوند، زاهدترین شما به دنیا و راغب ترینتان به آخرت است.

قال أمير المؤمنين عليه السلام: امام علي عليه السلام: به دنیا بی رغبت باش و به آخرت، راغب. ب شیفتگی قال عليه السلام: امام علي عليه السلام: خوشا به حال کسی که راه روشن، در پیش گرفت و در مسیر

درست، حرکت کرد و شیفته آخرت شد و از دنیا روی گرداند!

قال أمير المؤمنين عليه السلام: عنه عليه السلام: كونوا عن الدنيا نزارها ، وإلى الآخرة ولاها. (١) ومن خطبه له عليه السلام: عنه عليه السلام: شيمه ذوى الألباب والنهى الإقبال على دار البقاء ، والإعراض عن دار الفناء ، والتوكل بجنه المأوى. (٢) ج الاستعداد ومن خطبه له عليه السلام ، وهى المعروفة بالشقشقيه: الإمام على عليه السلام: استعدوا ليوم تشخص فيه الأبصار ، وتبدله (٣) لهوله العقول ، وتبدل (٤) البصائر. (٥) قال عليه السلام: عنه عليه السلام: خير الاستعداد ما أصلح به المعاد. (٦) د الجد والاجتهاد ومن خطبه له عليه السلام قال: الإمام على عليه السلام: إنك فى سبيل من كان قبلك ، فأجعل جدك لا آخرتك ولا تكثرث بعمل الدنيا. (٧) فعن أهل البيت عليهم السلام فى حقوق المؤمن: عنه عليه السلام: عليك بالجد والاجتهاد فى إصلاح المعاد. (٨) وروى البخارى والترمذى وابن ماجه ، مرفوعاً: عنه عليه السلام: اصرف إلى الآخرة وجهك ، واجعل لله جدك. (٩) .

- ١- نهج البلاغه : الخطبه ١٩١ ، غرر الحكم : ح ٧١٩٠ .
- ٢- غرر الحكم : ح ٥٧٩١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٩٧ ح ٥٣٠٥ .
- ٣- دله عقلى : حيره وأدهشه ، وقد دله يدله (النهايه : ج ٢ ص ١٣١ «دله») .
- ٤- تبدل : تردد متحيراً (الصحيح : ج ٢ ، ص ٤٤٩ «بلد») .
- ٥- غرر الحكم : ح ٢٥٧٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٩١ ح ٢١٤٧ وفيه «وتزل» بدل «وتبدله» .
- ٦- غرر الحكم : ح ٥٠١٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٣٨ ح ٤٥٢٩ .
- ٧- غرر الحكم : ح ٣٧٨٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٧١ ح ٣٥٨٠ .
- ٨- غرر الحكم : ح ٦١٣٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٣٤ ح ٥٦٩٠ .
- ٩- غرر الحكم : ح ٢٤٠٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٨٢ ح ١٩٦٣ وليس فيه ذيله .

روى أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: جَاهِدْ نَفْسَكَ وَاعْمَلْ لِلْآخِرَةِ جِهَدَكَ. (١) وروى ابن ماجه عن سعد: عنه عليه السلام: عَزِيمَةُ الْكَيْسِ وَجِدَّةُ لَاءِ صِلَاحِ الْمَعَادِ ، وَالْإِسْتِكْثَارِ مِنَ الزَّادِ. (٢) ه الْعَمَلُ روى أهل البيت عليهم السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: أَيُّهَا النَّاسُ! إِسْعَوْا فِي فِكَائِكِ رِقَابِكُمْ ، وَاعْمَلُوا الْخَيْرَ لِيَوْمِ فِقْرِكُمْ وَفَاقَتِكُمْ. (٣) روى أهل البيت عليهم السلام: عنه صلى الله عليه وآله: اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مَطِيَّتَانِ ، فَارْكَبُوهُمَا بَلَاغًا إِلَى الْآخِرَةِ. (٤) روى أهل البيت عليهم السلام: الإمام على عليه السلام: إِنَّكَ مَخْلُوقٌ لِلْآخِرَةِ فَاعْمَلْ لَهَا. (٥) وروى أحمد فى المسند والحاكم فى المستدرک عن سهل وأعنه عليه السلام: سَأَلِمَ النَّاسَ تَسْلَمَ ، وَاعْمَلْ لِلْآخِرَةِ تَغْنَمَ. (٦) روى أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: لَا يَشْغَلَنَّكَ عَنِ الْعَمَلِ لِلْآخِرَةِ شُغْلٌ ؛ فَإِنَّ الْمُدَّةَ قَصِيرَةٌ. (٧) وروى البخارى ومسلم عن أبى هريره: عنه عليه السلام لِرَجُلٍ سَأَلَهُ أَنْ يَعِظَهُ: لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ الْعَمَلِ ، وَيُرْجَى التَّوْبَةَ بِطَوْلِ الْأَمَلِ. (٨) وروى أحمد وداود عن معاوية بن عبيده قوله: الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: تَعْمَلُونَ لِلدُّنْيَا وَأَنْتُمْ

تُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ عَمَلٍ ، وَلَا تَعْمَلُونَ لِلْآخِرَةِ وَأَنْتُمْ لَا تُرْزَقُونَ فِيهَا إِلَّا بِالْعَمَلِ! (٩) .

- ١- .غرر الحكم : ح ٢٤٠٦ .
- ٢- .غرر الحكم : ح ٦٣٣٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٣٢ ح ٤٤٥١ نحوه .
- ٣- .تنبيه الغافلين : ص ٥٥٤ ح ٨٩٨ عن عبد خير عن الإمام على عليه السلام .
- ٤- .الأمالى للشجرى : ج ١ ص ١٩٧ ، تاريخ دمشق : ج ٦١ ص ٢٥٥ ح ١٢٦٢٥ كلاهما عن ابن عباس ، كنز العمال : ج ٣ ص ٣٧ ح ٥٣٥٩ .
- ٥- .غرر الحكم : ح ٣٨١٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٧٢ ح ٣٥٩٧ .
- ٦- .غرر الحكم : ح ٥٦٠٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٨٥ ح ٥١٤٨ .
- ٧- .غرر الحكم : ح ١٠٢٨٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٢٢ ح ٩٥٠٢ نحوه .
- ٨- .نهج البلاغه : الحكمة ١٥٠ ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص ١٠٩ ، تحف العقول : ص ١٥٧ وفيه «يرجو» بدل «يرجى» ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ٣٧ ح ٦٠ ؛ تذكره الخواص : ص ١٣٤ نحوه ، كنز العمال : ج ١٦ ص ٢٠٥ ح ٤٤٢٢٩ نقلاً عن ابن النجار .
- ٩- .الكافى : ج ٢ ص ٣١٩ ح ١٣ ، الأمالى للطوسى : ص ٢٠٨ ح ٣٥٦ كلاهما عن حفص بن غياث ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ١٧٥ ح ١٣ ؛ سنن الدارمى : ج ١ ص ١٠٩ ح ٣٧٤ ، الزهد لابن حنبل : ص ٩٦ كلاهما عن هشام صاحب الدستوائى .

ه عمل

روی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: با نفس خود ، مبارزه کن و با تمام توانت ، برای آخرت کار کن. وروی الترمذی عن حذیفه: امام علی علیه السلام: تصمیم شخص زیرک و تلاش او ، برای آباد کردن معاد و فراهم آوردن هر چه بیشتر توشه و زاد است . ه عملروی أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای مردم! در آزادسازی خود بکوشید و برای روز ناداری و نیازمندی تان ، کار نیک کنید. وروی الحاکم فی المستدرک: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شب و روز ، دو مرکب اند . برای رسیدن به آخرت ، بر آن دو ، سوار شوید. روی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: تو برای آخرت ، آفریده شده ای . پس برای آن ، کار کن. روی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: با مردم در آشتی باش تا سلامت بمانی ، و برای آخرت کار کن تا سود ببری. روی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: مبادا هیچ کاری تو را از کار برای آخرت باز دارد ؛ زیرا که فرصت ، کم است. وروی البخاری وابن ماجه عن ابن مغفل: امام علی علیه السلام خطاب به مردی که از ایشان موعظتی خواست : از آن کسانی مباش که بدون عمل ، به آخرت چشم امید بسته اند و بر اثر آرزوی دراز ، توبه را به تأخیر می افکنند. روی أهل البيت عليهم السلام: عیسی علیه السلام : برای دنیا کار می کنید ، حال آن که در دنیا بدون کار ، روزی شما

داده می شود ، و برای آخرت که در آن جز با عمل ، روزی داده نمی شوید ، کار نمی کنید!

و التَّزَوُّدِ الْكِتَابِ «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» . (١)

الحدیث بالإمام علی علیه السلام: ألا - مُتَزَوِّدٌ لِأَخْرَجْتَهُ قَبْلَ أَزُوفٍ (٢) رِحْلَتِهِ . (٣) روى أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام :تَفَكَّرُوا أَيُّهَا النَّاسُ وَتَبَصَّرُوا وَاعْتَبِرُوا وَاتَّعِظُوا، وَتَزَوَّدُوا لِأَخْرَجْتَهُ تَسْعَدُوا. (٤) وروى أحمد في المسند والترمذى وابن ماجه عن المقدم عنه عليه السلام :اجْعَلُوا عِبَادَ اللَّهِ اجْتِهَادَكُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا التَّزَوُّدَ مِنْ يَوْمِهَا الْقَصِيرِ لِيَوْمِ الْآخِرَةِ الطَّوِيلِ ؛ فَإِنَّهَا دَارُ عَمَلٍ ، وَالْآخِرَةُ دَارُ الْقَرَارِ وَالْجَزَاءِ . (٥) روى أهل البيت عليهم السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام فى الدعاء :وَاجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنْ الدُّنْيَا زَادِي . (٦) وروى الترمذى وابن ماجه والنسائى وأحمد عن سعد: لقمان عليه السلام لا يبينه وهو يعظه : يَا بَنِيَّ ، مِنْ حِينَ سَقَطَتْ مِنْ بَطْنِ أُمِّكَ اسْتَدْبَرْتَ الدُّنْيَا وَاسْتَقْبَلْتَ الْآخِرَةَ ، وَأَنْتَ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِلَى مَا اسْتَقْبَلْتَ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَى مَا

اسْتَدْبَرْتَ ، فَتَزَوَّدْ لِدَارٍ أَنْتَ مُسْتَقْبِلُهَا ، وَعَلَيْكَ بِالتَّقْوَى ؛ فَإِنَّهُ أَرْبَحُ التَّجَارَاتِ . (٧)

١- البقره : ١٩٧ .

٢- أَرْفَ : دنا وقرب (النهايه : ج ١ ص ٤٥ «أزف»).

٣- غرر الحكم : ح ٢٧٥٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٠٨ ح ٢٣٧٨ .

٤- غرر الحكم : ح ٦٥٨٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٥٩ ح ٦٠٨٩ .

٥- الكافى : ج ٨ ص ١٧٤ ح ١٩٤ عن محمد بن النعمان أو غيره عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٥٠ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٥١ ح ٣١ .

٦- الصحيفه السجاديّه : ص ٩١ ، الدعاء ٢١ ، مهج الدعوات : ص ٤٠ وفيه «واجعل زادى من الدنيا تقواك» ، بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ٣٣٤ ح ٥ .

٧- إرشاد القلوب : ص ٧٢ ، الاختصاص : ص ٣٣٨ عن الأوزاعى نحوه ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٤٢٩ ح ٢٣ .

و توشه برگرفتن

و توشه برگرفتنقرآن «زاد و توشه فراهم سازید که بهترین زاد و توشه ، پرهیزگاری است» .

حدیثروی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: آیا کسی نیست که پیش از نزدیک شدن زمان کوچیدنش [از دنیا ، برای آخرتش توشه بگیرد؟ وروی مسلم والنسائی وابن ماجه عن جابر: امام علی علیه السلام: ای مردم! بیندیشید و بینا شوید و درس عبرت بگیرید و پند بیاموزید و برای آخرت توشه بردارید تا سعادت مند شوید. روی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! کوشش خود را در این دنیا صرف توشه برگرفتن از این چند روز کوتاه آن برای دوره طولانی آخرت کنید ؛ زیرا که دنیا سرای کار است و آخرت ، سرای اقامت و پاداش. وروی الترمذی والنسائی عن أبي هريره: امام زين العابدين علیه السلام: [خدایا!] پروای از خود را در دنیا ده توشه ام گردان! و أيضاً - روی أهل البيت عليهم السلام: لقمان علیه السلام در اندرز به فرزندش: پسرم! از همان زمان که از شکم مادرت افتادی ، دنیا را پشت سر خود نهادی و آخرت را پیش رویت قرار دادی ، و تو در هر روز ، به آنچه پیش رو داری ، نزدیک تر می شوی تا به آنچه پشت سر

داری . پس ، برای سرایی که پیش رو داری ، توشه بگیر و بر تو باد تقوا که آن سودمندترین سوداگری است.

٢ / ٧ آثار الإهتمام بالآخرة هوروى أبو داود وأحمد فى المسند عن ابن عباس: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَتْ الآخِرَةُ هَمَّهُ جَعَلَ اللَّهُ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ ، وَجَمَعَ لَهُ شَمْلَهُ ، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ ، وَمَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ جَعَلَ اللَّهُ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ، وَفَرَّقَ عَلَيْهِ شَمْلَهُ ، وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُدِّرَ لَهُ. (١) روى أهل البيت عليهم السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَتْ الآخِرَةُ هَمَّهُ وَسَدَمَهُ (٢) ، لَهَا يَشْخُصُ وَإِيَّاهَا يَنْوِي ؛ جَعَلَ اللَّهُ الْغِنَى فِي قَلْبِهِ ، وَجَمَعَ عَلَيْهِ ضَيْعَتَهُ (٣) ، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ صَاغِرَةٌ. (٤) روى أهل البيت عليهم السلام أنه قال: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى وَالْآخِرَةُ أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ الْغِنَى فِي قَلْبِهِ ، وَجَمَعَ لَهُ أَمْرَهُ ، وَلَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ رِزْقَهُ. (٥) وروى أحمد بن حنبل عن زيد بن ثابت قوله: عنه صلى الله عليه وآله: تَفَرَّغُوا مِنْ هُمُومِ الدُّنْيَا مَا اسْتَطَعْتُمْ ؛ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّهِ أَفْسَى اللَّهُ ضَيْعَتَهُ ، وَجَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ، وَمَنْ كَانَتْ الآخِرَةُ أَكْبَرَ هَمِّهِ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ

أُمُورَهُ ، وَجَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ. (٦) .

-
- ١- .سنن الترمذى : ج ٤ ص ٦٤٢ ح ٢٤٦٥ عن أنس ، سنن ابن ماجه : ج ٢ ص ١٣٧٥ ح ٤١٠٥ ، سنن الدارمى : ج ١ ص ٨٠ ح ٢٣٣ ، مسند ابن حنبل : ج ٨ ص ١٤٠ ح ٢١٦٤٦ كلها عن زيد بن ثابت ، المعجم الكبير : ج ١١ ص ٢١٣ ح ١١٦٩٠ عن ابن عباس وكلها نحوه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٠٥ ح ٦١٨٦ .
- ٢- .السَّدَمُ : اللَّهْجُ وَالْوَلُوعُ بِالشَّيْءِ (النهاية : ج ٢ ص ٣٥٥ «سدم»).
- ٣- .الضَّيْعَةُ : مَا يَكُونُ مِنْهُ مَعَاشُهُ ، كَالصَّنْعَةِ وَالتَّجَارَةِ وَالتَّزَاوُعِ (النهاية : ج ٣ ص ١٠٨ «ضيع»).
- ٤- .المعجم الأوسط : ج ٦ ص ١٢٣ ح ٥٩٩٠ و ج ٨ ص ٣٦٤ ح ٨٨٨٢ كلاهما عن أنس ، شرح نهج البلاغه : ج ٦ ص ٢٣١ كلاهما نحوه ، كنز العمال : ج ٣ ص ٢٢٤ ح ٢٦٤ .
- ٥- .ثواب الأعمال : ص ٢٠١ ح ١ عن ابن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافى : ج ٢ ص ٣١٩ ح ١٥ عن عبد الله بن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص ٤٦٤ ح ١٥٤٦ عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيهما ذيله ، تحف العقول : ص ٤٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٠٤ ح ٩٦ .
- ٦- .المعجم الأوسط : ج ٥ ص ١٨٦ ح ٥٠٢٥ ، حليه الأولياء : ج ١ ص ٢٢٧ كلاهما عن أبي الدرداء ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٨٤ ح ٦٠٧٧ .

۲ / ۷ آثار اهمیت دادن به آخرت

۲ / ۷ آثار اهمیت دادن به آخرت روی أهل البيت عليهم السلام - أيضاً: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که آخرت هم و غم او باشد ، خداوند دلش را بی نیاز می گرداند و پریشانی اش را سامان می دهد و دنیا به رگم میلش ، به او روی می آورد ؛ و کسی که دنیا هم و غم او باشد ، خداوند فقر را در پیشانی او (/ در پیش چشمانش) قرار می دهد و خاطرش را آشفته می سازد و از دنیا جز همان که برایش مقدر شده است ، نصیب او نمی شود . روی أهل البيت عليهم السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که آخرت ، هم و غم و وردش باشد و چشم به آن بدوزد و همواره اندیشه آن را در سر پروراند ، خداوند دلش را بی نیاز می گرداند و زندگی اش را سامان می بخشد و دنیا ، با حالت زبونی و تسلیم ، به او روی می آورد . و - أيضاً - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که شب و روز ، بزرگ ترین هم و غمش آخرت باشد ، خداوند دلش را بی نیاز می گرداند و کارش را سامان می بخشد و از دنیا نمی رود تا آن که روزی اش را کامل دریافت کند . و روی الطبرانی فی المعجم الکبیر عن ابن عباس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : تا می توانید ، خویشتن را از هم و غم دنیا فارغ گردانید ؛ زیرا هر کس که دنیا بزرگ ترین هم و غم او باشد ، خداوند زندگی اش را نابسامان

می سازد و فقر را پیش چشم او قرار می دهد ؛ و هر کس که آخرت ، بزرگ ترین هم و غم او باشد ، خداوند امورش را سر و سامان می دهد و دلش را بی نیاز می گرداند .

وروى أهل البيت عليهم السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْعَبْدَ إِنْ كَانَ هَمُّهُ الْآخِرَةَ كَفَّ اللَّهُ عَلَيْهِ ضَيْعَتَهُ وَجَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ ، وَإِنْ كَانَ هَمُّهُ الدُّنْيَا أَفْشَى اللَّهُ عَلَيْهِ ضَيْعَتَهُ وَجَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ؛ فَلَا يُمَسَّى إِلَّا فَقِيرًا وَلَا يُصْبِحُ إِلَّا فَقِيرًا. (١) وروى أبو داود عن أبي موسى: الإمام علي عليه السلام: كَانَتْ الْفُقَهَاءُ وَالْحُكَمَاءُ إِذَا كَاتَبَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَتَبُوا بِثَلَاثٍ لَيْسَ مَعَهُنَّ رَابِعَةٌ: مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هَمَّهُ كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ مِنَ الدُّنْيَا . . . (٢) روى أهل البيت عليهم السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: يَا بَنَ آدَمَ ، تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلَاءَ صَدْرِكَ غِنَى وَأَسَدَّ فَقْرَكَ ، وَإِلَّا تَفَعَّلَ مَلَأْتُ يَدَيْكَ شُغْلًا وَلَمْ أُسَدِّ فَقْرَكَ. (٣) وروى أبو داود والترمذي والنسائي عن رافع بن خديج اعنه صلى الله عليه وآله عِنْدَ مُنْصَرَفِهِ مِنْ أَحَدٍ وَالنَّاسُ مُحَدِّقُونَ بِهِ: أَيُّهَا النَّاسُ! أَقْبِلُوا عَلَيَّ مَا كَلَّفْتُمُوهُ مِنْ إِصْلَاحِ آخِرَتِكُمْ ، وَأَعْرِضُوا عَمَّا ضَمِنَ لَكُمْ مِنَ دُنْيَاكُمْ ، وَلَا تَسْتَعْمِلُوا جَوَارِحَ غُذِّيَتْ بِنِعْمَتِهِ فِي التَّعَرُّضِ لِسَخَطِهِ بِمَعْصِيَتِهِ ، وَاجْعَلُوا شُغْلَكُمْ فِي التَّمَاسِ مَغْفِرَتِهِ ، وَاصْرِفُوا هِمَّتَكُمْ بِالتَّقَرُّبِ إِلَى طَاعَتِهِ ، مَنْ بَدَأَ بِنَصِيئِهِ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّهُ (٤) نَصِيئُهُ مِنَ الْآخِرَةِ وَلَمْ يُدْرِكْ مِنْهَا مَا يُرِيدُ ، وَمَنْ بَدَأَ

بِنَصِيئِهِ مِنَ الْآخِرَةِ وَصَلَّ إِلَيْهِ نَصِيئُهُ مِنَ الدُّنْيَا وَأَدْرَكَ مِنَ الْآخِرَةِ مَا يُرِيدُ. (٥) .

- ١- الزهد لابن حنبل: ص ٤٢ عن الحسن ، سنن الدارمي: ج ١ ص ١٠١ ح ٣٣٧ عن الحسن من دون إسناد إلى المعصوم ، الزهد لهناد: ج ٢ ص ٣٥٤ ح ٦٦٧ عن أنس وكلاهما نحوه ، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٠ ح ٦١٠٥ .
- ٢- كتاب من لا- يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٩٦ ح ٥٨٤٥ عن إسماعيل بن مسلم ، ثواب الأعمال: ص ٢١٦ ح ١ عن السكوني وكلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن آبائه عن علي عليهم السلام .
- ٣- سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٤٣ ح ٢٤٦٦ ، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٧٩ ح ٨٧٠٤ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٤٨١ ح ٣٦٥٧ ، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٨٩ ح ١٠٣٣٩ كلها عن أبي هريره وفي الثلاثة الأخيره «صدرک» بدل «يديک» ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٧٧٠ ح ٤٣٠٢٢ .
- ٤- في أعلام الدين: «فاتة» بدل «فإنه» ، وهو الأقرب للمعنى .
- ٥- عدّه الداعي: ص ٢٨٨ ، أعلام الدين: ص ٣٣٩ ح ٢٣ كلاهما عن أبي سعيد الخدری ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٢ ح ٢٣

و- أيضاً: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بنده اگر همّ و غمش آخرت باشد ، خداوند زندگی اش را برای او سامان می بخشد و بی نیازی اش را در دلش قرار می دهد ؛ و اگر همّ و غمش دنیا باشد ، خداوند زندگی اش را برای او پریشان و پُرمشغله می سازد و فقر را پیش چشم او قرار می دهد . در نتیجه ، شب و روزش را جز با نیازمندی سپری نمی کند (همیشه احساس فقر می نماید) . وروی مسلم وداود و الترمذی «أنه نهی عن بیع النخل حاتم علی علیه السلام : فقیهان و حکیمان هر گاه با همدیگر مکاتبه می کردند ، سه چیز را می نوشتند که چهارمی نداشت : آن که همتش آخرت باشد ، خدا کار دنیایش را کفایت می کند... وروی أبو داود و البخاری و النسائی و ابن ماجه عن عمرو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدای والامر تبه می فرماید : «ای فرزند آدم! خود را وقف عبادت من کن تا سینه ات را از بی نیازی پر کنم و فقرت را بزدایم . در غیر این صورت ، دستانت را پر از کار [و مشغله] می گردانم و فقرت را برطرف نمی سازم» . و- أيضاً- روی أهل البیت علیهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بازگشتش از جنگ أُحُد ، در حالی که مردم ایشان را در میان گرفته بودند : ای مردم! به آباد کردن آخرتتان که بدان مکلف شده اید روی آورید و از دنیایان که برای شما تضمین شده است [و روزی تان در آن ، خواه ناخواه می رسد] ، روی گردانید و اعضا و جوارحی را که به نعمت های او تغذیه شده است ، در معصیت او که موجب خشم خداوند می شود به کار نگیرید و به طلب آمرزش از او پردازید و همت خود را صرف تقرب به طاعت او کنید .

کسی که به بهره اش از دنیا آغاز کند ، بهره اش از آخرت را از کف می دهد

و به آنچه از آخرت می خواهد ، نمی رسد ؛ و کسی که به بهره اش از آخرت آغاز کند ، سهمش از دنیا به او می رسد و از آخرت نیز به آنچه می خواهد ، دست می یابد ..

وروى البخارى ومسلم وأبو داود والترمذى عن ابن عمر: الإمام على عليه السلام: مَنْ أَصْبَحَ وَالْآخِرَةَ هَمُّهُ اسْتَغْنَى بِغَيْرِ مَالٍ ، وَاسْتَأْنَسَ بِغَيْرِ أَهْلِ ، وَعَزَّ بِغَيْرِ عَشِيرَةٍ . (١) روى أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: اجْعَلْ هَمَّكَ لِمَعَادِكَ تَصْلَحَ . (٢) وروى البخارى والترمذى وابن ماجه ومسلم وأبو داود عنه عليه السلام: مَنْ كَانَتْ هِمَّتُهُ آخِرَتَهُ ، كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ مِنَ الدُّنْيَا . (٣) روى أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: مَنْ جَعَلَ كُلَّ هَمِّهِ لِآخِرَتِهِ ، ظَفَرَ بِالْمَأْمُولِ . (٤) وروى مسلم وداود والنسائى عن ابن عباس: عنه عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هِمَّتَهُ ، بَلَغَ مِنَ الْخَيْرِ غَايَةَ أُمَّيَّتِهِ . (٥) روى أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: اشْتَغَالُكَ بِإِصْلَاحِ مَعَادِكَ يُنْجِيكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ . (٦) وروى البخارى عن أبى هريره: عنه عليه السلام لجابر بن عبد الله الأنصارى: يا جابرُ ، قِوَامُ الدِّينِ وَالدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ : عَالِمٌ مُسْتَعْمِلٌ عِلْمَهُ ، وَجَاهِلٌ لَا يَسْتَنْكِفُ أَنْ يَتَعَلَّمَ ، وَجَوَادٌ لَا يَبْخُلُ بِمَعْرُوفِهِ ، وَفَقِيرٌ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ . فَإِذَا ضَيَّعَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ اسْتَنْكَفَ الْجَاهِلُ أَنْ يَتَعَلَّمَ ،

وَإِذَا بَخَلَ الْغَنِيُّ بِمَعْرُوفِهِ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ . (٧) .

- ١- .الأمالى للطوسى : ص ٥٨٠ ح ١١٩٨ عن عبد الله بن محمّد بن عبيد عن الإمام الهادى عن آبائه عن الإمام الصادق عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ٧١ عن محمّد بن عجلان عن الإمام الهادى عن آبائه عن الإمام الصادق عنه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٠ ص ٣١٨ ح ٢٩ .
- ٢- .غرر الحكم : ح ٢٣٠٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٧٨ ح ١٨٧٩ .
- ٣- .الكافى : ج ٨ ص ٣٠٧ ح ٤٧٧ عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٩٦ ح ٥٨٤٥ عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، الخصال : ص ١٢٩ ح ١٣٣ عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ١٨١ ح ٣٦ .
- ٤- .غرر الحكم : ح ٨٥١٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤٩ ح ٧٩٩١ .
- ٥- .غرر الحكم : ح ٨٩٠٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٣٤ ح ٧٤٨٩ .
- ٦- .غرر الحكم : ح ١٤٨٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٧٠ ح ١٧٧٥ و ص ١٢٧ ح ٢٩١١ وليس فيهما «عذاب» .
- ٧- .نهج البلاغه : الحكمه ٣٧٢ ، نزّه الناظر : ص ٧٠ ح ٦٦ عن ابن عباس نحوه وفيه «قيام الدنيا» بدل «يا جابر ، قوام الدين والدنيا» ، الدعوات : ص ٢٢٩ ح ٦٣٧ عن جابر ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص ٤٠٢ ح ٢٧٤ نحوه وليس فيه ذيله من «فإذا ضيّع العالم . . .» . وليس فى الأخيرين «الدين» ، بحار الأنوار : ج ٧٤ ص ٤١٧ ح ٣٩ .

وروی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: هر کس روز خود را آغاز کند ، در حالی که هم و غم او آخرت باشد ، در عین بی پولی ، بی نیاز خواهد بود و در عین بی کسی ، از تنهایی به در می آید و با وجود نداشتن قوم و قبیله ، عزیز و قدرتمند خواهد بود. وروی مالک فی الموطأ عن عمر: امام علی علیه السلام: همّت خود را صرف معادّت کن تا معادّت آباد شود. روی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: کسی که همّتش آخرتش باشد ، خداوند هم و غم دنیای او را برطرف می سازد. وروی البخاری مسلم وابن ماجه عن ابی هریره: امام علی علیه السلام: هر کس تمام هم و غمش را برای آخرتش قرار دهد ، به آرزو می رسد. روی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: کسی که آخرت همّت او باشد ، در خوبی ، به نهایت آرزویش می رسد. وروی الترمذی: امام علی علیه السلام: پرداختن تو به آباد کردن معادّت ، تو را از عذاب آتش می رهاند. و- أيضاً-: امام علی علیه السلام خطاب به جابر: ای جابر! سامان یافتن دین و دنیا ، به چهار چیز است : عالمی که علمش را به کار می گیرد ، جاهلی که از آموختن خودداری نمی کند ، بخشنده ای که در بخشش خویش بخل نمی ورزد ، و فقیری که آخرتش را به دنیایش نمی فروشد . پس هر گاه عالم ، علم خود را تباه کند ،

جاهل [نیز] از آموختن ، خودداری خواهد کرد و هر گاه توانگر در بخشش خود بخل ورزد ، فقیر [نیز] آخرتش را به دنیایش خواهد فروخت . .

روى أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: مَنْ حَرَصَ عَلَى الْآخِرَةِ مَلَكَ ، مَنْ حَرَصَ عَلَى الدُّنْيَا هَلَكَ. (١) وروى أبو داود وابن ماجه عن ابن عمر: عنه عليه السلام: حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ تُذْهِبُ مَضَايِغَ الدُّنْيَا. (٢) و- أيضاً: الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ أَكْبَرَ هَمِّهِ ، كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ ضَيْقَهُ ، وَجَمَعَ لَهُ أَمْرَهُ ، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ. (٤) راجع : ص ٣٣٦ (آثار ذكر الآخرة)

و ٣٤٦ (بركات عماره الآخرة) ،

ج ١ ص ٤١٤ (فساد النفس / الهلاك) .

١- .غرر الحكم : ح ٨٤٤١ و ح ٨٤٤٢ .

٢- .مَضِضَتْ مِنَ الشَّيْءِ: تَأَلَّمَتْ (المصباح المنير: ص ٥٧٤ «مضض»).

٣- .غرر الحكم : ح ٤٨٨٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٣٢ ح ٤٤٣٥ .

٤- .الزهد للحسين بن سعيد : ص ٤٩ ح ١٣٢ عن أبي هاشم ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٢٦ ح ١٢٢ .

روی اهل البيت عليهم السلام: امام علي عليه السلام: هر کس حریص آخرتش باشد، آن را به دست می آورد؛ و هر کس برای دنیا حرص بزند، نابود می شود. وروی الترمذی فی الجنائز عن ابن عمر: امام علي عليه السلام: شیرینی آخرت، رنج و درد گرفتاری دنیا را می برد. روی اهل البيت عليهم السلام: امام صادق عليه السلام: کسی که آخرت، بزرگ ترین هم و غم او باشد، خداوند سختی و تنگنایی را از او برطرف می سازد و امورش را سامان می بخشد و دنیا به رغم میلش، به او روی می آورد. ک: ص ۳۳۷ (آثار یاد کردن آخرت)

و ۳۴۷ (برکات آباد کردن آخرت)،

ج ۱ ص ۴۱۵ (تباهی جان / هلاکت).

الفصل الثالث: ذكر الآخرة ٣ / الحثُّ على ذكر الآخرة روى أهل البيت عليهم السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: يكفيكم من النفلِ ذكرُ الآخرة. (١) ثم أتى النبي سبعة أو ثمانية أو تسعة فقال: عنه صلى الله عليه وآله لِعَلِيٍّ عليه السلام: يا عَلِيُّ ، مَثَلِ الآخرةِ في قلبِكِ والموتِ نَصَبَ عَيْنِيكَ ، ولا تنسِ مَوْفَقَكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ ، وَكُنْ مِنَ اللَّهِ عَلَى وَجَلٍ ، وَاذْكُرْ نِعَمَ اللَّهِ ، وَاكْفُفْ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ ، وَابْذُ (٢) هَوَاكَ. (٣) روى أهل البيت عليهم السلام: عنه صلى الله عليه وآله: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اسْتَحْيَا مِنْ رَبِّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ ؛ فَحَفِظَ الرَّأْسَ وَمَا حَوَى ، وَالْبَطْنَ وَمَا وَعَى ، وَذَكَرَ الْقَبْرَ وَالْبَلَى ، وَذَكَرَ أَنَّ لَهُ فِي الآخرةِ مَعَادًا. (٤).

- ١- الفردوس: ج ٥ ص ٥٤٤ ح ٩٠٣٨ عن أسماء بنت أبي بكر؛ جامع الأخبار: ص ٣٥٩ ح ١٠٠٠ وفيه «التفكر» بدل «النفل» .
- ٢- نابذ: خالف (انظر المصباح المنير: ص ٥٩٠ «نبد»).
- ٣- الفردوس: ج ٥ ص ٣١٧ ح ٨٣٠٧ عن الإمام علي عليه السلام .
- ٤- الاختصاص: ص ٢٢٩ ، مشكاة الأنوار: ص ٤١٢ ح ١٣٧٦ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٣٦ ح ٢١ .

فصل سوم: یاد آخرت

۳ / ۱ تشویق به یادآوری آخرت

فصل سوم: یاد آخرت ۳ / ۱ تشویق به یادآوری آخرت تروی أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای تفکر، همین شما را بس که به یاد آخرت باشید. وروی أحمد فی المسند عن عباده بن الصامت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام: ای علی! آخرت را در دلت مجسم کن [و همواره به یاد آن باش] و مرگ را پیش چشم خود قرار بده و ایستادنت را در پیشگاه خداوند [در روز رستاخیز برای داوری و رسیدگی به اعمال]، فراموش مکن و از خدا بیمناک باش و نعمت های خدا را [همواره] به یاد داشته باش و از حرام های خدا باز ایست و با هوس خود، مخالفت کن. و-أيضاً: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رحمت خدا بر آن بنده ای که از پروردگارش، چنان که می باید، شرم کرد؛ پس، سر و آنچه را در سر است، و شکم و آنچه را [از خوراک] در شکم قرار می گیرد، [از ناپاکی و حرام] نگه داشت و قبر و پوسیدن را [همواره] یاد کرد و به یاد داشت که او را در آخرت، بازگشتی است!

روى أهل البيت عليهم السلام: عنه صلى الله عليه وآله: بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ عَتَا وَطَغَى وَنَسِيَ الْمُبْتَدَأَ وَالْمُنْتَهَى. (١) وروى داود عن أبي هريرة: الإمام على عليه السلام: ذِكْرُ الْآخِرَةِ دَوَاءٌ وَشِفَاءٌ، ذِكْرُ الدُّنْيَا أَدْوَاءُ الْأَدْوَاءِ. (٢) روى أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: لَقَدْ رَأَيْتُ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَمَا أَرَى أَحَدًا يُشْبِهُهُمْ مِنْكُمْ! لَقَدْ كَانُوا يُصْبِحُونَ شُعْتًا غُبْرًا، وَقَدْ بَاتُوا سِجْدًا وَقِيَامًا يُرَاحُونَ بَيْنَ جِبَاهِهِمْ وَخُدُودِهِمْ، وَيَقْفُونَ عَلَى مِثْلِ الْجَمْرِ مِنْ ذِكْرِ مَعَادِهِمْ. (٣) روى أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: مَنْ خُطِبَ فِيهَا يَصِفُ فِيهَا زَمَانَهُ بِالْجَوْرِ وَيُقَسِّمُ النَّاسَ فِيهِ خَمْسَةَ أَصْنَافٍ، ثُمَّ يُزْهِدُ فِي الدُّنْيَا: بَقِيَ رِجَالٌ غَضَّ أَبْصَارَهُمْ ذِكْرَ الْمَرْجِعِ، وَأَرَأَقُ دُمُوعَهُمْ خَوْفُ الْمَحْشَرِ، فَهُمْ بَيْنَ شَرِيدٍ نَادٍ (٤)، وَخَائِفٍ مَقْمُوعٍ (٥)، وَسَاكِتٍ مَكْعُومٍ (٦)، وَدَاعٍ مُخْلِصٍ، وَثِكْلَانَ مَوْجِعٍ، قَدْ أَخْمَلَتْهُمْ (٧) التَّقِيَّةَ، وَشَمَلَتْهُمْ الذُّلَّةَ، فَهُمْ فِي بَحْرِ أُجَاجٍ، أَفْوَاهُهُمْ ضَامِرَةٌ (٨)، وَقُلُوبُهُمْ قَرِحَةٌ، قَدْ وَعَظُوا حَتَّى مَلُّوا، وَقُهِرُوا حَتَّى ذَلُّوا، وَقَتَلُوا حَتَّى قَلُّوا. (٩).

- ١- سنن الترمذى: ج ٤ ص ٦٣٢ ح ٢٤٤٨، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٥١ ح ٧٨٨٥، المعجم الكبير: ج ٢٤ ص ١٥٦ ح ٤٠١، شعب الإيمان: ج ٦ ص ٢٨٧ ح ٨١٨١ كلها عن أسماء بنت عميس، الفردوس: ج ٢ ص ٢٢ ح ٢١٤٤ عن أسماء بنت عمر وكلها نحوه، كنز العمال: ج ١٦ ص ٩٧ ح ٤٤٠٥٤.
- ٢- غرر الحكم: ح ٥١٧٥ و ٥١٧٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٤٨ وص ٢٥٥ ح ٤٧٢١.
- ٣- نهج البلاغه: الخطبه ٩٧، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٠٧ ح ٢٩.
- ٤- نَدَّ: أى شرد وذهب على وجهه (النهايه: ج ٥ ص ٣٥ «ندد»). و فى بحار الأنوار: «ناء».
- ٥- قَمَعَتْهُ: قَهَرَتْهُ (المحيط فى اللغة: ج ١ ص ٢٠٤ «قمع»).
- ٦- مَكْعُومٌ: مِنْ كَعَمِ الْبَعِيرِ؛ وَهُوَ أَنْ يَشَدَّ فَمَهُ إِذَا هَاجَ (النهايه: ج ٤ ص ١٨٠ «كعم»).
- ٧- خَمَلَ ذِكْرُهُ وَصَوْتُهُ: خَفَى. وَأَخْمَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى، فَهُوَ خَامِلٌ سَاقِطٌ لَا نَبَاهَهُ لَهُ (القاموس المحيط: ج ٣ ص ٣٧١ «خَمَلَ»).
- ٨- الضَّامِرُ: الْمُمْسِكُ (النهايه: ج ٣ ص ١٠٠ «ضمز»).
- ٩- نهج البلاغه: الخطبه ٣٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٥٤ ح ٥٤؛ مطالب السؤل: ص ٣٢ نحوه.

وروی أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بد بنده ای است آن بنده ای که دچار سرگرمی و غفلت است و قبرستان و پوسیده شدن را از یاد برده است! بد بنده ای است آن که نافرمانی و سرکشی کرده و آغاز و فرجام را به فراموشی سپرده است! روی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: یاد آخرت، دارو و درمان است. یاد دنیا، بدترین دردهاست. و روی البخاری عن أبي هريره: امام علی علیه السلام: من یاران محمد صلی الله علیه و آله را دیده ام و هیچ یک از شما را شبیه آنان نمی بینم! آنان صبح می کردند، در حالی که موهایشان ژولیده و چهره هایشان غبارآلود بود و شب را تا صبح به سجده و قیام می گذراندند و پیشانی ها و گونه هایشان را [در پیشگاه خداوند] به خاک می ساییدند و از یاد معادشان چنان ناآرام بودند که گویی بر روی آتش ایستاده اند. روی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام بخشی از خطبه ایشان که در آن، از جور زمانه اش می گوید و مردم روزگارش را به پنج گروه تقسیم می کند و سپس به زهد (بی رغبتی به دنیا) فرا می خواند: [معدود] مردانی باقی مانده اند که یاد بازگشتگاه (قیامت)، دیدگان آنان را [بر هر حرام و ناروایی] فرو بسته است و ترس رستاخیز، اشک هایشان را جاری ساخته است.

برخی از آنان رانده و آواره شده اند، برخی ترسان و مقهور گشته اند، برخی خاموشی اختیار کرده و لب فرو بسته اند، برخی مخلصانه همچنان [به حق و حقیقت] دعوت می کنند، برخی گریان و دردمندند و تقیه آنها را به گم نامی کشانده و ناتوانی، وجودشان را فرا گرفته است، چنان که گویی در دریایی تلخ فرو رفته اند. دهان هایشان بسته و دل هایشان جریحه دار است. آن قدر نصیحت کرده اند که خسته شده اند، و چندان مقهور [و سرکوب] گشته اند که به خواری و ناتوانی درافتاده اند، و چندان کشته داده اند که شمارشان اندک گشته است.

٣ / ٢ ما يُذَكَّرُ الْآخِرَهُ رَوَى أَبُو نَعِيمٍ فِي الْحَلِيهِ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَوَدُوا الْمَرْضَى وَاتَّبِعُوا الْجَنَائِزَ تُذَكَّرُكُمْ الْآخِرَةَ. (١) رَوَى أَهْلُ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فِي حِكْمَةِ زِيَارَةِ الْقُبُورِ: فَزُورُوهَا؛ فَإِنَّهَا تُزْهِدُ فِي الدُّنْيَا وَتُذَكِّرُ الْآخِرَةَ. (٢) وَرَوَى أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَالْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ وَابْنُ مَاجَةَ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَيْضًا: زُورُوهَا؛ فَإِنَّهَا تُرِقُّ الْقَلْبَ، وَتُدْمِعُ الْعَيْنَ، وَتُذَكِّرُ الْآخِرَةَ. (٣) وَ-أَيْضًا-: عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: زُورُوا الْقُبُورَ؛ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ. (٤) وَرَوَى ابْنُ مَاجَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا دُعِيتُمْ إِلَى الْجَنَائِزِ فَاسْرِعُوا؛ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُ الْآخِرَةَ. (٥) رَوَى أَهْلُ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَبِي ذَرٍّ: زُرِ الْقُبُورَ تُذَكَّرُ بِهَا الْآخِرَةَ، وَاغْسِلِ الْمَوْتَى؛ فَإِنَّ مُعَالَجَةَ جَسَدِ خَاوٍ مَوْعِظَةٌ بَلِيغَةٌ، وَصَلِّ عَلَى الْجَنَائِزِ لَعَلَّ ذَلِكَ يَحْزُنُكَ؛ فَإِنَّ الْحَزِينَ

فِي ظِلِّ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (٦).

- ١- مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٩٦ ح ١١٤٤٥، الأمدب المفرد: ص ١٥٨ ح ٥١٨، صحيح ابن حبان: ج ٧ ص ٢٢١ ح ٢٩٥٥، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٥٣٢ ح ٦٥٧٨ كلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج ٩ ص ٩٥ ح ٢٥١٤٣؛ الدعوات: ص ٢٢٧ ح ٦٣٥، إرشاد القلوب: ص ١٢، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٢٤ ح ٣٢.
- ٢- سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٥٠١ ح ١٥٧١، السنن الكبرى: ج ٤ ص ١٢٩ ح ٧١٩٧ كلاهما عن ابن مسعود، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٠٦ ح ١٢٣٥ عن ربيعة بن النابغه عن أبيه عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيه «ترهد في الدنيا» كنز العمال: ج ١٥ ص ٦٤٦ ح ٤٢٥٥٤.
- ٣- السنن الكبرى: ج ٤ ص ١٢٩ ح ٧١٩٨، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٥٣٢ ح ١٣٩٣، نحوه وكلاهما عن أنس، كنز العمال: ج ١٥ ص ٦٤٦ ح ٤٢٥٥٥.
- ٤- سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٥٠٠ ح ١٥٦٩، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٣ ص ٢٢٣ ح ٤ كلاهما عن أبي هريره، كنز العمال: ج ١٥ ص ٦٤٦ ح ٤٢٥٥١.
- ٥- قرب الإسناد: ص ٨٦ ح ٢٨١ عن مسعده بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، الجعفریات: ص ٣٣ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢٢٠ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٢٩٦ ح ٢٠.
- ٦- المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٦٦ ح ٧٩٤١ و ج ١ ص ٥٣٣ ح ١٣٩٥، شعب الإيمان: ج ٧ ص ١٥ ح ٩٢٩١ وفيهما «يتعرض كل خير» بدل «يوم القيامة» وكلها عن أبي ذر، كنز العمال: ج ١٥ ص ٦٤٩ ح ٤٢٥٦٨؛ تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٢٨٨ عن أبي ذر نحوه وراجع الدعوات: ص ٢٧٧ ح ٨٠١.

۳ / ۲ عوامل یادآوری آخرت

۳ / ۲ عوامل یادآوری آخرت- أيضاً- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از بیماران، عیادت کنید و در تشییع جنازه ها شرکت نمایید، که اینها آخرت را به یاد شما می آورند. وروی البخاری و مسلم و الترمذی و أبو داود و النسائی عن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان حکمت زیارت قبور: آنها را زیارت کنید؛ زیرا که این کار، موجب بی رغبتی به دنیا و یادآوری آخرت می شود. روی أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روایتی دیگر: به زیارت قبور بروید؛ زیرا که این کار، دل را نازک می کند و چشم را اشکبار می سازد و آخرت را به یاد می آورد. وروی الطبرانی فی الکبیر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زیارت قبور بروید که این کار، شما را به یاد آخرت می اندازد. روی أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه به تشییع جنازه دعوت شدید، شتاب کنید؛ زیرا که شما را به یاد آخرت می اندازد. وروی أبو داود عن أبي هريره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به ابوذر: به زیارت قبور برو و از این طریق، یاد آخرت کن. مردگان را غسل بده؛ زیرا که زیر و رو کردن یک جسد بی جان،

اندرزی مؤثر است، و بر جنازه ها نماز بخوان؛ باشد که این کار، تو را اندوهگین سازد، که شخص اندوهناک، روز قیامت در سایه [و پناه] خداست.

روى أهل البيت عليهم السلام: عنه صلى الله عليه وآله: كَفَى بِمَوْتِ مُزْهَدًا فِي الدُّنْيَا وَمُرْغَبًا فِي الآخِرَةِ. (١) وروى أبو داود وأحمد عن أبي هريرة: الإمام عليّ عليه السلام: عودوا مَرْضَاكُمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَكُمْ وَزُورُوا قُبُورَ مَوْتَاكُمْ ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُدَكِّرُكُمْ الآخِرَةَ. (٢) ٣ / ٣ ما يُنْسِي الآخِرَةَ طُولُ الأَمَلِ وَطُولُ الأَمَلِ وَطُولُ الأَمَلِ ؛ أَمَّا الهَوَى فَيُضِدُّ عَنِ الحَقِّ ، وَأَمَّا طُولُ الأَمَلِ فَيُنْسِي الآخِرَةَ . (٣) روى أهل البيت عليهم السلام: الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّمَا أَهْلَكَ النَّاسَ خَصَلَتَانِ؛ هُمَا أَهْلَكْتَا مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَهُمَا مُهْلِكَتَانِ مَنْ يَكُونُ بَعْدَكُمْ : أَمَلٌ يُنْسِي الآخِرَةَ ، وَهَوَى يُضِلُّ عَنِ السَّبِيلِ. (٤) .

١- .المصنّف لابن أبي شيبة : ج ٨ ص ١٢٩ ح ٢٨ عن الربيع ، كنز العمّال : ج ١٥ ص ٥٤٧ ح ٤٢١١٧ .

٢- .مسند زيد : ص ١٨٠ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عليهما السلام .

٣- .الخصال : ص ٥١ ح ٦٢ عن جابر بن عبد الله ، الكافي : ج ٢ ص ٣٣٥ ح ٣ عن يحيى بن عقیل عن الإمام عليّ عليه السلام ، الأمالی للمفيد : ص ٩٣ ح ١ عن حبه العرنى عن الإمام عليّ عليه السلام ، نهج البلاغه : الخطبه ٤٢ عن الإمام عليّ عليه السلام وكلها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٦٣ ح ١٦ ؛ شُعب الإيمان : ج ٧ ص ٣٧٠ ح ١٠٦١٦ عن جابر بن عبد الله ، الزهد لابن المبارك : ص ٨٦ ح ٢٥٥ عن الإمام عليّ عليه السلام ، تاريخ دمشق : ج ٤٢ ص ٤٩٤ عن أبي عبد الرحمن السلمى عن الإمام عليّ عليه السلام وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : ج ١٦ ص ٢٢ ح ٤٣٧٦٤ .

٤- .الغارات : ج ٢ ص ٥٠١ عن يحيى بن سعيد عن أبيه ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ١٦٧ ح ٣٠ .

۳ / ۳ عوامل از یاد بردن آخرت**الف آرزوی دراز**

وروی ابن ماجه عن ابن عمر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مرگ ، بهترین عامل بی رغبتی به دنیا و شوق به آخرت است. روی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: از بیمارانتان عیادت کنید و در تشییع جنازه هایتان شرکت نمایید و به زیارت قبور مردگانتان بروید ؛ زیرا که این کارها شما را به یاد آخرت می اندازد. ۳ / ۳ عوامل از یاد بردن آخرتالف آرزوی دراز روی أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ترسناک ترین چیزهایی که از آنها بر ائمتم می ترسم ، هوای نفس و آرزوی دراز است . هوای نفس ، از حق باز می دارد و آرزوی دراز ، آخرت را از یاد [انسان] می برد . روی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: در حقیقت ، دو خصلت ، مردم را به نابودی کشانده است . این دو ، کسانی را که پیش از شما بوده اند ، نابود کرده و همین دو ، کسانی را که بعد از شما نیز می آیند ، نابود خواهد کرد : آرزو که آخرت را از یاد [انسان] می برد ، و هوای نفس که [انسان را] گم راه می سازد .

روى أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا حَالَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَا يَكْرَهُ ، وَوَفَّقَهُ لِمَا يَشَاءُ ، وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ سُوءًا أَغْرَاهُ بِالدُّنْيَا وَأَنْسَاهُ الْآخِرَةَ ، وَبَسَّطَ لَهُ أَمَلَهُ ، وَعَاقَهُ عَمَّا فِيهِ صِلَاحٌ. (١) بكثره الماروى أهل البيت عليهم السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِحْذَرُوا الْمَالَ ، فَإِنَّهُ كَانَ فِيهَا مَضَى رَجُلٌ قَدْ جَمَعَ مَالًا وَوَلَدًا ، وَأَقْبَلَ عَلَى نَفْسِهِ وَعِيَالِهِ وَجَمَعَ لَهُمْ فَأَوْعَى ، فَأَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ فَفَرَّعَ بَابَهُ وَهُوَ فِي زِيٍّ مَسْكِينٍ ، فَخَرَجَ إِلَيْهِ الْحُجَابُ فَقَالَ لَهُمْ : أَدْعُوا إِلَيَّ سَيِّدُكُمْ . قَالُوا : أَوْ يَخْرُجُ سَيِّدُنَا إِلَى مِثْلِكَ! وَدَفَعُوهُ حَتَّى نَحَوْهُ عَنِ الْبَابِ .

ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِمْ فِي مِثْلِ تِلْكَ الْهَيْئَةِ (٢) ، وَقَالَ : أَدْعُوا إِلَيَّ سَيِّدُكُمْ وَأَخْبِرُوهُ أَنِّي مَلَكُ الْمَوْتِ ، فَلَمَّا سَمِعَ سَيِّدُهُمْ هَذَا الْكَلَامَ قَعَدَ خَائِفًا فَرِقًا (٣) ، وَقَالَ لِأَصْحَابِهِ : لِينُوا لَهُ فِي الْمَقَالِ ، وَقُولُوا لَهُ : لَعَلَّكَ تَطْلُبُ غَيْرَ سَيِّدِنَا بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ !

قَالَ لَهُمْ : لَا ، وَدَخَلَ عَلَيْهِ وَقَالَ لَهُ : قُمْ فَأَوْصِ مَا كُنْتَ مَوْصِيًا ؛ فَإِنِّي قَابِضٌ رُوحَكَ قَبْلَ أَنْ أُخْرَجَ . فَصَاحَ أَهْلُهُ وَبَكَوا .

فَقَالَ : افْتَحُوا الصَّنَادِيقَ وَاكْتُبُوا (أَكْبُوا) مَا فِيهِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ ، ثُمَّ أَقْبِلْ عَلَى الْمَالِ يَسْبُؤُهُ وَيَقُولُ لَهُ : لَعَنَكَ اللَّهُ يَا مَالُ ! أَنْسَيْتَنِي ذِكْرَ رَبِّي وَأَغْفَلْتَنِي عَنْ أَمْرِ آخِرَتِي حَتَّى بَعْتَنِي مِنْ أَمْرِ اللَّهِ مَا قَدْ بَعْتَنِي؟! (٤) راجع : ج ١ ص ٤٣٤ (مضار حب الدنيا / الشغل عن الآخرة) .

١- شرح نهج البلاغه : ج ١٦ ص ١٥٣ ؛ بحار الأنوار : ج ٣٣ ص ٩٧ ح ٤٠٣ .

٢- فى المصدر : «الهيبة» ، والتصويب من بحار الأنوار .

٣- الفرق: الخوف والفرع (النهاية : ج ٣ ص ٤٣٨ «فرق»).

٤- عدّه الداعى : ص ٩٥ ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ٢٤ ح ٢٧ .

ب دارایی بسیار

وروی البخاری و الترمذی عن ابن عباس: امام علی علیه السلام: خدای متعال هر گاه خیر بنده ای را بخواهد، میان او و آنچه ناخوش می دارد، حائل می شود و او را به طاعت خودش موقت می دارد؛ و خدا هر گاه برای بنده ای بدی اراده کند، او را فریفته دنیا می گرداند و آخرت را از یادش می برد و آرزویش را دراز می سازد و او را از آنچه صلاح او در آن است، باز می دارد. ب دارایی بسیار روی اهل البیت علیهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از ثروت حذر کنید؛ زیرا که در گذشته مردی بود که مال و اولاد گرد آورد و به خود و خانواده اش پرداخت و برای آنان جمع کرد و اندوخت. ملک الموت در هیئت شخصی فقیر به نزد او آمد و در خانه اش را کوبید. دربانان بیرون آمدند. ملک الموت به آنان گفت: خواجه خویش را صدا بزنید که نزد من بیاید.

دربانان گفتند: «خواجه ما برای چون تو کسی، بیرون آید؟!» و او را عقب راندند و از در خانه دورش کردند.

ملک الموت دوباره با همان هیئت به سوی آنان آمد و گفت: خواجه خویش را صدا بزنید و به او بگویید من ملک الموت هستم.

خواجه، چون این سخن را شنید، از ترس و هراس نشست و به یارانش گفت: با او به نرمی سخن بگویید و به او بگویید: خدا خیرت دهد! شاید دنبال کس دیگری غیر از خواجه ما هستی!

ملک الموت به آنان گفت: خیر. و نزد خواجه رفت و به وی گفت: برخیز و آنچه می خواهی، وصیت کن؛ زیرا پیش از آن که بیرون روم، جانت را خواهم گرفت.

اهل خانه فریاد زدند و گریستند.

خواجه به آنان گفت: صندوق ها را باز کنید و آنچه را از زر و سیم در آنهاست، بنویسید (/ بریزید). آن گاه رو به پول ها کرده و به دشنام دادن به آنها پرداخت و گفت: لعنت خدا بر شما پول ها! پروردگرم را از یاد من بردید و مرا از کار آخرتم غافل ساختید تا آن که فرمان خدا چنین مرا غافلگیر کرد! ر. ک: ج ۱ ص ۴۳۵ (زیانهای دنیا دوستی / بازماندن از آخرت).

ج الحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا وَرَوَى مُسْلِمٌ وَالنَّسَائِيُّ وَالتِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ عَنْ عَائِشَةَ: «إِيَّاكَ أَنْ تَعْتَرَّ بِمَا تَرَى مِنْ إِخْلَادِ أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَيْهَا، وَتَكَالِبِهِمْ عَلَيْهَا؛ فَقَدْ تَبَّأَكَ اللَّهُ عَنْهَا، وَنَعَتْ هِيَ لَكَ عَنْ نَفْسِهَا، وَتَكَشَّفَتْ لَكَ عَنْ مَسَائِدِهَا؛ فَإِنَّمَا أَهْلُهَا كِلَابٌ عَاوِيَّةٌ، وَسِبَاعٌ ضَارِيَّةٌ، يَهْرُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ، وَيَأْكُلُ عَزِيزُهَا ذَلِيلَهَا، وَيَقَهَّرُ كَبِيرُهَا صَغِيرَهَا، نَعَمَّ مُعَقَّلَةٌ (١)، وَأُخْرَى مُهْمَلَةٌ، قَدْ أَضَلَّتْ عُقُولَهَا، وَرَكِبَتْ مَجْهُولَهَا، سُرُوحٌ عَاهَةٌ (٢) بِوَادٍ وَعَثٌ (٣)، لَيْسَ لَهَا رَاعٌ يُقِيمُهَا، وَلَا مُسَيِّمٌ يُسَيِّمُهَا (٤)، سَلِمَتْ بِهِمُ الدُّنْيَا طَرِيقَ الْعَمَى، وَأَخَذَتْ بِأَبْصَارِهِمْ عَنِ مَنَارِ الْهُدَى، فَتَاهُوا فِي حَيْرَتِهَا، وَغَرِقُوا فِي نِعْمَتِهَا، وَأَتَّخَذُوهَا رَبًّا، فَلَعِبَتْ بِهِمْ وَلَعِبُوا بِهَا، وَنَسُوا مَا وَرَاءَهَا، رُوِيَ إِسْفِرُ الظَّلَامِ كَأَنَّ قَدْ وَرَدَتِ الْأَطْعَانُ، يُوَشِّكُ مَنْ أَسْرَعَ أَنْ يَلْحَقَ. (٥) رَوَى أَهْلُ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: «إِمَامُ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَفَاتِيحَ الْخَيْرِ وَخَوَاتِيمَهُ... اللَّهُمَّ انْهَجْ إِلَيَّ أَسْبَابَ مَعْرِفَتِهِ، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَهُ، وَغَشِّنِي بِبَرَكَاتِ رَحْمَتِكَ، وَمُنَّ عَلَيَّ بِبَعْضِهِ عَنِ الْإِزَالَةِ عَن دِينِكَ، وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنَ الشُّكِّ، وَلَا تَشْغَلْ قَلْبِي بِدُنْيَايَ، وَعَاجِلِ مَعَاشِي عَنِ آجَلِ ثَوَابِ آخِرَتِي. (٦) وَرَوَى فِي الْمَوْطَأِ عَنِ ابْنِ الْمُسَيْبِ: «إِمَامُ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمْ مِنْ طَالِبٍ لِلدُّنْيَا لَمْ يُدْرِكْهَا، وَمُدْرِكٍ لَهَا قَدْ فَارَقَهَا، فَلَا

يَشْغَلَنَّكَ طَلْبُهَا عَنِ عَمَلِكَ، وَالتَّمِسْهَا مِنْ مُعْطِيهَا وَمَالِكِهَا، فَكَمْ مِنْ حَرِيصٍ عَلَى الدُّنْيَا قَدْ صَرَغَتْهُ، وَاشْتَغَلَ بِمَا أَدْرَكَ مِنْهَا عَنِ طَلْبِ آخِرَتِهِ، حَتَّى فَنِيَ عُمُرُهُ وَأَدْرَكَهُ أَجَلُهُ. (٧).

١- المعقَّلة: المشدودة (النهاية: ج ٣ ص ٢٨١ «عقل»).

٢- العاهة: الآفة. وأعاة القوم: أصابت ماشيتهم العاهة (الصحاح: ج ٦ ص ٢٢٤٢ «عوه»).

٣- الوعث: الرمل، والمشى فيه يشتد على صاحبه ويشق (النهاية: ج ٥ ص ٢٠٦ «وعث»).

٤- السائمة من الماشية: الراعيه؛ يقال: سامت تسوم سوما، وأسمتها أنا (النهاية: ج ٢ ص ٤٢٦ «سوم»).

٥- نهج البلاغه: الكتاب ٣١، كشف المحججه: ص ٢٢٩ عن عمر بن أبي المقدم عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام، تحف العقول: ص ٧٦ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٢٤ ح ٢.

٦- الكافي: ج ٢ ص ٥٨٨ ح ٢٦، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٦ ح ٢٣٤، مهج الدعوات: ص ٢١٧ كلها عن أبي حمزة الثمالي، المقنعه: ص ١٧٨ من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٦٩ ح ٣.

٧- الكافي: ج ٢ ص ٤٥٥ ح ٩، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٤ ح ١٥٤٩ نحوه.

ج آزمندی به دنیا

ج آزمندی به دنیاروی اهل البیت علیهم السلام: امام علی علیه السلام: مبادا چسبیدن دنیاپرستان به دنیا و حرص و آزمندی شان به آن، تو را بفریبد؛ چرا که خداوند تو را از حال دنیا آگاه ساخته، و دنیا، خود نیز از حقیقت خویش، پرده برداشته و بدی هایش را برای تو آشکار ساخته است.

همانا دنیاپرستان، [چونان] سگان پارس کننده و ددان درنده اند که بر یکدیگر خرناس می کشند. نیرومندشان ناتوانشان را می خورد و بزرگ ترهایشان کوچک ترهایشان را مغلوب می کنند، [یا چونان] [اُشترانی (/ چارپایانی) هستند، برخی پای بسته و برخی دیگر رها شده [در بیابان] که خردهایشان را از دست داده اند و راه بیابان خشک در پیش گرفته اند، [یا چونان] رمه هایی آفت زده که به صحرائی شنزار رو کنند، نه چوپانی دارند که آنها را سر و سامان دهد و نه چراننده ای که به چراگاهشان برود.

دنیا آنان (دنیاپرستان) را به راه کوری (بیراهه) کشانده و دیدگانشان را از مناره هدایت فرو پوشانده است. از این رو، در حیرانی های دنیا سرگردان اند و در ناز و نعمت های آن غرقه گشته اند و آن را به پروردگاری گرفته اند. دنیا آنها را به بازی گرفته است و آنان نیز با دنیا بازی می کنند و فراسوی دنیا (آخرت) را از یاد برده اند. مشتاب، که به زودی، تاریکی برطرف می شود، گویا مسافران به منزل رسیده اند و آنان که می شتابند، به زودی [به کاروانیان] می پیوندند. و روی البخاری و مسلم و أحمد عن ابي هريره امام باقر عليه السلام: بارخدايا! من از تو آنچه را نیکی با آن آغاز می شود و پایان می یابد، درخواست می کنم ...

بارخدايا! اسباب شناخت خیر (خوبی) را برایم روشن بگردان و درهای آن را به رویم بگشای و مرا غریق برکات رحمت بگردان و با مصون داشتنم از انحراف از دینت، مرا رهین منتت ساز و قلبم را از تردید، پاک بگردان و دلم را با مشغول کردن به دنیایم و معاش این جهان گذرا، از پاداش آینده آخرتم باز مدار. روی اهل البیت علیهم السلام: امام صادق علیه السلام: چه بسیار دنیاطلبانی که به آن نرسیدند و چه بسیار کسانی که به

دنیا رسیدند و از آن جدا شدند [و رفتند]! پس مبادا که طلب دنیا، تو را از عمل کردن [برای آخرت] باز بدارد. و دنیا را از دهنده آن و مالکش (خداوند) بخواه. ای بسا آزمند به دنیا که دنیا او را به خاک افکند و به جهت آنچه از دنیا به دست آورد، از طلب آخرتش باز ماند، تا آن که عمرش سپری شد و مرگش فرا رسید!

راجع: ج ١ ص ٢١٠ ح ٢٨٦ .

د مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْمَعَاصِيوروى أحمد في المسند عن أبي الدرداء: عيسى عليه السلام: لا تُجَالِسُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي! فَيَرَّغِبُكُمْ فِي الدُّنْيَا وَيُنْسُوْكُمْ الْآخِرَةَ . (١) ه سَمَاعُ اللَّهْوَفقال على عليه السلام: لقمان عليه السلام في وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ: لا تَسْمَعِ الْمَلَاهِي؛ فَإِنَّهَا تُنْسِيكَ الْآخِرَةَ ، وَلَكِنْ احْضُرِ الْجَنَائِزَ ، وَزُرِ الْمَقَابِرَ ، وَتَذَكَّرِ الْمَوْتَ وما بَعْدَهُ مِنَ الْأَهْوَالِ ؛ فَتَأْخُذَ حِذْرَكَ . (٢) ٣ / ٢٤٤ آثارُ ذِكْرِ الْآخِرَةِفقال عمر: الإمام على عليه السلام في وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عليه السلام: أَكْثَرَ ذِكْرِ الْآخِرَةِ وما فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ وَالْعَذَابِ الْأَلِيمِ ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُرْهِدُكَ فِي الدُّنْيَا وَيُصَيِّرُ غُرْمًا عِنْدَكَ . (٣)فقال علقمه الخصى لعمر: عنه عليه السلام: مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْآخِرَةِ قَلَّتْ مَعْصِيَتُهُ . (٤) .

١- نشر الدر: ج ٧ ص ٣٦ .

٢- إرشاد القلوب : ص ٧٢ .

٣- تحف العقول : ص ٧٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢٠٥ ح ١ نقلاً عن كشف المحجبه .

٤- غرر الحكم : ح ٨٧٦٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٣٧ ح ٧٥٦٣ .

د همنشینى با گنه پیشگان**ه گوش سپردن به آلات لهو و لعب****۳ / ۴ آثار یاد کردن آخرت**

ر . ک: ج ۱ ص ۲۱۱ ح ۲۸۶ .

د همنشینى با گنه پیشگانوروى البخارى فى الأدب المفرد والحاكم فى المستدرکعیسی علیه السلام: با اهل معاصی ، همنشینى نکند که شما را به دنیا علاقه مند می سازند و آخرت را از یادتان می برند. گوش سپردن به آلات لهو و لعبوروى فى الموطأ وأبو داود عن عائشه: لقمان علیه السلام در سفارش به فرزندش: به آلات لهو و لعب ، گوش مکن ؛ زیرا که اینها آخرت را از یاد تو می برند ؛ بلکه در تشییع جنازه ها شرکت کن ، به زیارت قبور برو و مُردن و هول و هراس های پس از آن را یاد کن تا همواره هشیار و آماده باشی. ۳ / ۴ آثار یاد کردن آخرتوروى النسائی والترمذی وأبو داود عن جابر: امام على علیه السلام در سفارش به فرزندش حسن علیه السلام: آخرت و نعمت ها و عذاب دردناکِ آن را بسیار یاد کن ؛ زیرا که این کار ، تو را به دنیا بی رغبت می سازد و آن را در نزد تو کوچک می گرداند. وروى ابن ماجه عن عبدالرحمن بن عوف: امام على علیه السلام: هر کس بسیار یاد آخرت کند ، کمتر مرتکب گناه می شود.

روى أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: طوبى لمن ذكر المعاد فاستكثر من الزاد. (١) وروى البيهقي فى شعب الإيمان عن ابن مسعود: عنه عليه السلام: طوبى لمن ذكر المعاد فأحسن. (٢) راجع: ص ٣١٦ (آثار الاهتمام بالآخرة)

و ٣٢٨ (ما يذكر الآخرة)

و ٣٤٢ (عمارته الآخرة).

٣ / ٥ آثار نسيان الآخرة الكتاب « وَنَادَى أَصِيحِبُ النَّارِ أَصِيحِبِ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ خَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ * الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتُهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِتَائِبِينَ يَجْحَدُونَ ». (٣)

« وَ لَوْ تَرَى إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصِرْنَا وَ سَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ * وَ لَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَ لَكِنِ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ * فَذُوقُوا بِمَا نَسِيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِيْنَكُمْ وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ». (٤)

« وَ قِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَ مَا أَوَّاكُمْ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِّنْ نَّصِيرِينَ * ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَ غَرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَ لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ». (٥)

١- غرر الحكم: ح ٥٩٥٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٤ ح ٥٤٩٤.

٢- غرر الحكم: ح ٥٩٨٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٣ ح ٥٤٧٨.

٣- الأعراف: ٥٠ و ٥١.

٤- السجده: ١٢ و ١٤.

٥- الجاثية: ٣٤ و ٣٥.

۳ / ۵ آثار از یاد بردنِ آخرت

وروی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: خوشا آن که به یاد معاد بود و در نتیجه ، توشه افزود! روی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: خوشا آن که به یاد معاد بود و در نتیجه ، کار نیک کرد! ر. ک: ص ۳۱۷ (آثار اهمیت دادن به آخرت)

و ۳۲۹ (عوامل یادآوری آخرت)

و ۳۴۳ (آباد کردن آخرت) .

۳ / ۵ آثار از یاد بردنِ آخرت قرآن «و دوزخیان ، بهشتیان را آواز می دهند که : از آن آب ، یا از آنچه روزی شما کرده است ، بر ما فرو ریزید . [بهشتیان می گویند : «خدا آنها را بر کافران ، حرام کرده است» . همانان که دین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند و زندگی دنیا فریبتان داد . پس ، همان گونه که آنان دیدار امروز خود را از یاد بردند و آیات ما را انکار می کردند ، ما نیز امروز ، آنان را از یاد می بریم» .

«و کاش هنگامی را که مجرمان ، سرهایشان را پیش پروردگارشان به زیر افکنده اند ، می دیدی [که می گویند]: «پروردگارا! دیدیم و شنیدیم . پس ، ما را باز گردان تا کار شایسته کنیم ؛ چرا که ما یقین داریم» . و اگر می خواستیم ، حتماً به هر کسی به اجبار ، هدایتش رامی دادیم ؛ لیکن سخن من ، محقق گردیده که : «هر آینه جهنم را از همه جنیان و آدمیان خواهم آکند» . پس به [سزای] آن که دیدار این روزتان را از یاد بردید ، [عذاب را] بچشید و به [سزای] آنچه انجام می دادید ، عذاب جاودان را بچشید» .

«و گفته [می] شود : «همان گونه که دیدار امروزتان را فراموش کردید ، امروز ، شما را فراموش خواهیم کرد ، و جایگاهتان در آتش است و شما را یاورانی نخواهد بود» . این ، بدان سبب است که شما آیات خدا را به ریشخند گرفتید و زندگی دنیا فریبتان داد . پس ، امروز ، نه از این [آتش] ، بیرون آورده می شوند و نه عذرشان پذیرفته می گردد» .

«يَدَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» . (١)

الحدِيثُ-أيضاً:-الإمام علي عليه السلام في ذمِّ عمرو بن العاصِ:عَجَبَا لِابْنِ النَّابِغَةِ! يَزْعُمُ لِأَهْلِ الشَّامِ أَنَّ فِيَّ دُعَابَهُ وَأَنِّي امْرُؤٌ تَلْعَابَةٌ (٢) ، أَعَافِسُ (٣) وَأُمَارِسُ! لَقَدْ قَالَ بَاطِلًا وَنَطَقَ آثِمًا. أما وَشَرُّ الْقَوْلِ الْكَذِبُ إِنَّهُ لَيَقُولُ فَيَكْذِبُ ، وَيَعِدُّ فَيُخْلِفُ ، وَيُسْأَلُ فَيُخْلِلُ ، وَيُسْأَلُ فَيُلْحِفُ (٤) ، وَيَخُونُ الْعَهْدَ وَيَقْطَعُ الْإِيْلَ (٥) ؛ فَإِذَا كَانَ عِنْدَ الْحَرْبِ فَأَيُّ زَاجِرٍ وَآمِرٍ هُوَ مَا لَمْ تَأْخُذِ السُّيُوفُ مَا أَخَذَهَا ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ كَانَ أَكْبَرَ مَكِيدَتِهِ أَنْ يَمْنَحَ الْقَرَمَ (٦) (الْقَوْمَ) سُبَّتَهُ (٧) ، أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لَيَمْنَعُنِي مِنَ اللَّعِبِ ذِكْرُ الْمَوْتِ ، وَإِنَّهُ لَيَمْنَعُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ نِسْيَانُ الْآخِرَةِ ، إِنَّهُ لَمْ يُبَايِعْ مُعَاوِيَةَ حَتَّى شَرَطَ أَنْ يُؤْتِيَهُ أُتَيْتَهُ ، وَيَرْضَخَ لَهُ عَلَى تَرْكِ الدِّينِ رَضِيحَةً (٨) . (٩)راجع : ص ٣٣٠ (ما ينسى الآخرة) .

١- صأ: ٢٦.

٢- التَّلْعَابَةُ: الكثير اللعب والمرح . والتاء زائده (النهاية: ج ١ ص ١٩٤ «تلعب»).

٣- الْمُعَافَسَةُ: المعالجه والممارسه والملاعبه (النهاية: ج ٣ ص ٢٦٣ «عفس»).

٤- يقال: أَلْحَفَ فِي الْمَسْأَلَةِ يُلْحِفُ إِلْحَافًا: إِذَا أَلَخَ فِيهَا وَلَزِمَهَا (النهاية: ج ٤ ص ٢٣٧ «لحف»).

٥- الْإِيْلُ: النسب والقرايه (النهاية: ج ١ ص ٦١ «أل»).

٦- الْقَرَمُ مِنَ الرِّجَالِ: السَّيِّدُ الْمُعْظَمُ (لسان العرب: ج ١٢ ص ٤٧٣ «قرم»).

٧- السُّبَّتَةُ: الِاسْتِ؛ أَي الْعِجْزُ أَوْ حَلْقَةُ الدِّبْرِ . وَالْمُرَادُ بِهِ كَشْفُهُ سِوَا أَنَّهُ شَاغِرًا بِرِجْلَيْهِ لَمَّا لَقِيَهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ أَيَّامِ صَفِّينَ وَقَدْ اخْتَلَطَتِ الصَّفُوفُ وَاشْتَعَلَ نَارُ الْحَرْبِ (بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٢٢٢).

٨- الرَّضِخُ: الْعَطِيَّةُ الْقَلِيلَةُ (النهاية: ج ٢ ص ٢٢٨ «رضخ»). وَالْمُرَادُ بِالْأُتَيْتِهِ وَالرِّضِيخِهِ وَلا يَهْ مِصْرَ . وَلَعَلَّ التَّعْبِيرَ عَنْهَا بِالرِّضِيخِهِ لَقَلَّتْهَا بِالنِّسْبَةِ إِلَى تَرْكِ الدِّينِ (بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٢٢٢).

٩- نهج البلاغه: الخطبه ٨٤، الاحتجاج: ج ١ ص ٤٣٣ ح ٩٦، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٢٢١ ح ٥٠٩.

«ای داوود! ما تو را در زمین ، خلیفه (جانشین) قرار دادیم . پس ، میان مردم به حق داوری کن و زنهار از هوس ، پیروی مکن که تو را از راه خدا به در می کند . در حقیقت ، کسانی که از راه خدا به در می روند ، به [سزای] آن که روز حساب را فراموش کرده اند ، عذابی سخت خواهند داشت» .

حدیثی از اهل بیت علیهم السلام: امام علی علیه السلام در نکوهش عمرو بن عاص : شگفتا از پسر نابغه! (۱) به اهل شام گفته است که من مردی لوده و بازیگوشم ، و [مدام] شوخی و بازیگری می کنم!

حقاً که یاوه گفته است و زبان به گناه آلوده است . بدانید که او در حالی که بدترین سخن ، [سخن] دروغ است کارش دروغ گفتن است ، کارش خُلف وعده است ، کارش بخل ورزیدن است ، و در خواستن ، سماجت می کند . عهدشکن و بُرنده پیوند خویشاوندی است .

در هنگام جنگ ، تا شمشیرها به حرکت در نیامده اند ، چه امر و نهی کننده ای است ؛ اما همین که شمشیرها سرها را نشانه می روند ، بزرگ ترین نیرنگش این است که ما تحتش (عورتش) را برای بزرگ مرد (/ جماعت) نمایان می سازد!

هان که به خدا سوگند ، یاد مرگ ، مرا از پرداختن به سرگرمی و بازیچه ، باز می دارد ، و از یاد بردن آخرت ، او را از گفتن حق ، مانع می شود . او با معاویه بیعت نکرد ، مگر آن گاه که با او شرط نمود عطیه ای به او بدهد و در قبال دست بر داشتن از دینش ، آن دِهش ناچیز (حکومت مصر) را عطایش کند. ر. ک: ص ۳۳۱ (عوامل از یاد بردن آخرت) .

۱- نابغه، نام مادر عمرو بن عاص است که زنی بد نام بود .

الفصل الرابع: عماره الآخرة ٤ / الحثُّ على حَرْثِ الآخِرَةِ وِعِمَارَتِهَا الكِتَاب «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» . (١)

الحديثوروى -أيضاً- عن أهل البيت عليهم السلام أنه قال: الإمام على عليه السلام: مَنْ عَمَرَ دُنْيَاهُ خَرَّبَ مَا لَهُ ، مَنْ عَمَرَ آخِرَتَهُ بَلَغَ آمَالَهُ. (٢) وروى مسلم والترمذى وابن ماجه وأبو داود عن ابن مسعنه عليه السلام: يُنَادِي مُنَادٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ : أَلَا إِنَّ كُلَّ حَارِثٍ مُبْتَلَى فِي حَرْثِهِ وَعَاقِبِهِ عَمَلِهِ غَيْرَ حَرْثِهِ الْقُرْآنَ ؛ فَكُونُوا مِنْ حَرْثَتِهِ وَأَتْبَاعِهِ ، وَاسْتَدِلُّوهُ عَلَى رَبِّكُمْ ، وَاسْتَنْصِحُوهُ عَلَى أَنْفُسِكُمْ ، وَاتَّهَمُوا عَلَيْهِ آرَاءَكُمْ ، وَاسْتَعِشُوا (٣) فِيهِ أَهْوَاءَكُمْ. (٤) .

١- الشورى : ٢٠ . والحَرْثُ : الزرع ، والمراد به : نتيجة الأعمال التي يؤتاها الإنسان في الآخرة على سبيل الاستعارة ، كأن الأعمال الصالحة بذور وما تنتج في الآخرة حَرْثٌ . والمراد بالزيادة له في حَرْثه : تكثير ثوابه ومضاعفته ، قال تعالى : «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» الأنعام : ١٦٠ ، وقال : «وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» البقره : ٢٦١ (الميزان في تفسير القرآن : ج ١٨ ص ٤٠) .

٢- غرر الحكم : ح ٨٣٤٧ و ح ٨٣٤٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٥ ح ٨٢٠٢ و ح ٨٢٠٣ .

٣- استعشّه : ضد انتصحه واستنصحه ، أو ظنّ به العِشّ (القاموس المحيط : ج ٢ ص ٢٨١ «عشّ») .

٤- نهج البلاغه : الخطبه ١٧٦ ، بحار الأنوار : ج ٩٢ ص ٢٤ ح ٢٤ .

فصل چهارم: آباد کردن آخرت

۴ / ۱ تشویق به کشتن و آباد کردن آخرت

فصل چهارم: آباد کردن آخرت ۴ / ۱ تشویق به کشتن و آباد کردن آخرتقرآن «کسی که کشت آخرت بخواند ، برای وی بر کشته اش می افزایم ، و کسی که کشت دنیا بخواند ، به او از آن می دهیم ، و [لی] در آخرت ، او را نصیبی نیست» .

حدیثروی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: آن که دنیایش را آباد می کند ، بازگشتگاهش را ویران می کند ؛ [و آن که آخرتش را آباد می کند ، به آرزوهایش دست می یابد . وروی البخاری عن ابن عباس: امام علی علیه السلام: روز قیامت ، منادی ای بانگ می زند : «هان! [امروز ، هر کشتگری گرفتار] و در گرو [کشته خویش و فرجام کار خود است ، بجز کشتگران قرآن» .

پس ، شما از کشتگران قرآن و پیروان آن باشید و از آن به پروردگارتان راه ببرید و آن را مشاور خود قرار دهید و آرایتان را با آن بسنجید و خواست ها (عقاید و کیش ها) یتان را در برابر آن ، ناخالص بدانید.

روى أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: إنَّ من أبغضِ الرِّجالِ إلى اللهِ تعالى لَعَبدا وَكَلَهُ اللهُ إلى نَفْسِهِ ، جائِراً عَن قَصِدِ السَّبِيلِ سائِراً بِغَيْرِ دَلِيلٍ ، إن دُعِيَ إلى حَرْثِ الدُّنيا عَمِلَ ، وإن دُعِيَ إلى حَرْثِ الآخِرَةِ كَسَلَ ! كَأَنَّ ما عَمِلَ لَهُ واجِبٌ عَلَيْهِ ، وَكَأَنَّ ما وَنَى (١) فِيهِ ساقِطٌ عَنْهُ. (٢) وروى ابن ماجه والنسائي عن عائشه: عنه عليه السلام: سارِعوا إلى مَنازِلِكُمْ رَحِمَكُمُ اللهُ الَّتِي أُمِرْتُمْ بِعِمَارَتِهَا ، العَامِرَةِ الَّتِي لا تَخْرُبُ ، الباقِيَةِ الَّتِي لا تَنْفَدُ ، الَّتِي دَعَاكُمْ إِلَيْهَا وَحَضَّكُمْ عَلَيْهَا وَرَغَّبَكُمْ فِيهَا ، وَجَعَلَ الثَّوَابَ عِنْدَهُ عَنْهَا. (٣) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: إنَّكُمْ إلى عِمَارَةِ دارِ البَقَاءِ أَحْوَجُ مِنْكُمْ إلى عِمَارَةِ دارِ الفَناءِ. (٤) وروى الترمذى وأبو داود عن عليّ عليه السلام: عنه عليه السلام: يَتَبَغَى لِلعاقِلِ أن يُقَدِّمَ لِآخِرَتِهِ وَيَعْمَرَ دارَ إِقامَتِهِ. (٥) و- أيضاً: لقمان عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لولَدِهِ: اعْلَمْ يا بُنَيَّ ، أن مِن حِينَ نَزَلَتْ مِن بَطْنِ أُمَّكَ اسْتَدْبَرْتَ الدُّنيا وَاسْتَقْبَلْتَ الآخِرَةَ ، فَأَصْبَحْتَ بَيْنَ دارَيْنِ : دارٍ تَقْرُبُ مِنْها وَدارٍ تَباعِدُ عَنْها ، فلا- تَجْعَلَنَّ هَمَّكَ إِلَّا- عِمارةَ دارِكَ الَّتِي تَقْرُبُ مِنْها وَيَطولُ مُقامُكَ بِها ؛ فَلها خُلِقَتْ وَبالسَّعْيِ لَها أُمِرَتْ ، ثُمَّ أَطعِ اللهُ بِقَدْرِ حاجَتِكَ إِلَيْهِ ، وَاعصِهِ بِقَدْرِ صَبْرِكَ عَلَى عَذابِهِ. (٦) راجع : ص ١٣٤ ح ١٠٢٠ ،

ج ١ ص ١٠٦ (الدنيا مزرعه الآخرة)

وص ٢٠٨ ح ٢٨٤ و ٢٨٥ .

١- وَنَى : فَتَرَ وَقَصَّرَ (النهاية : ج ٥ ص ٢٣١ «ونا»).

٢- نهج البلاغه : الخطبه ١٠٣ ، بحار الأنوار : ج ٢ ص ٥٨ ح ٣٧.

٣- الكافى : ج ٨ ص ٣٦١ ح ٥٥١ عن الأصبغ بن نباته ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٦٤ ح ٣٣.

٤- غرر الحكم : ح ٣٨٣٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٧٣ ح ٣٦١١ .

٥- غرر الحكم : ح ١٠٩٣٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٥٥ ح ١٠٢٣١ .

٦- أعلام الدين : ص ٩٣ .

عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: از منفورترین مردمان در نزد خدای متعال ، بنده ای است که خداوند او را به خود وا گذاشته ، از راه راست به در رفته و بی راهنما حرکت می کند . اگر به کشت دنیا فرا خوانده شود ، عمل می کند و اگر به کشت آخرت دعوت شود ، تنبلی می ورزد! تو گویی آنچه برای آن عمل می کند (کار دنیایی) ، بر او واجب است و آنچه در آن سستی و کوتاهی می ورزد (کار آخرت) ، از او برداشته است. وروی أحمد عن ابن مسعود: امام علی علیه السلام : خدایتان رحمت کناد! به سوی منزلگاه هایتان که به آباد کردن آنها مأمور شده اید ، بشتابید ؛ منزلگاه های آبادی که [هرگز] خراب نمی شوند و منزلگاه های ماندگاری که [هیچ گاه] از بین نمی روند ؛ منزلگاه هایی که [خداوند] ، [شما را به سوی آنها فرا خوانده و به آنها تشویقتان کرده و پاداش خود را در آنها قرار داده است. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام : شما به آباد کردن سرایِ ماندن ، نیازمندترید تا به آباد کردن سرای رفتن . وروی ابن ماجه عن ابن عمر: امام علی علیه السلام : سزاوار است که خردمند ، آخرت خویش را مقدم بدارد و سرای اقامتش را آباد سازد. عن أهل البيت عليهم السلام: لقمان علیه السلام در سفارش به فرزندش : بدان ای فرزندم از همان زمان که از شکم مادرت افتادی ، دنیا به تو پشت کرد و آخرت به تو روی نمود و تو ، در میان دو سرای ، قرار گرفتی : سرایی که به آن نزدیک می شوی و سرایی [دیگر] که همواره از آن دور می گردی .

پس ، زنهار که هم و غم خود را جز برای آباد کردن آن سرایت قرار ندهی که به آن نزدیک می شوی و در آن ، اقامتت به درازا می کشد ؛ زیرا تو برای آن سرا آفریده شده ای و به تلاش برای آن ، مأمور گشته ای.

دیگر ، آن که: از خداوند ، به اندازه ای که به او نیاز داری ، اطاعت کن و به اندازه ای که تحمیل عذابش را داری ، از او نافرمانی کن. ر. ک: ص ۱۳۵ ح ۱۰۲۰ ،

ج ۱ ص ۱۰۷ (دنیا ، کشتزار آخرت)

وص ۲۰۹ ح ۲۸۴ و ۲۸۵ .

٤ / ٢ بركاتُ عماره الآخرها الكتاب «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» . (١)

الحدِيثُ عَنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ أَصْلَحِ أَمْرِ آخِرَتِهِ ، أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ. (٢) وَ-أَيْضًا-
عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا عَلَى نِيَّةِ الْآخِرَةِ ، وَأَبَى أَنْ يُعْطِيَ الْآخِرَةَ عَلَى نِيَّةِ الدُّنْيَا. (٣) وَرَوَى الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ وَالتِّرْمِذِيُّ وَأَحْمَدُ عَنْ عَائِشَةَ: عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: ثَلَاثَةٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ يَسْتَكْمِلُ إِيْمَانَهُ: رَجُلٌ لَا يَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةَ لَائِمٍ ، وَلَا يُرَائِي بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ ، وَإِذَا عُرِضَ عَلَيْهِ أَمْرَانِ ؛ أَحَدُهُمَا لِلدُّنْيَا وَالْآخَرُ لِلْآخِرَةِ ، اخْتَارَ أَمْرَ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا. (٤) عَنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعٍ مِنَ الدُّنْيَا وَإِقْبَالٍ مِنَ الْآخِرَةِ نَزَلَ إِلَيْهِ مَلَائِكَةٌ مِنَ السَّمَاءِ ، بِيضُ الْوُجُوهِ كَأَنَّ وَجُوهُهُمْ الشَّمْسُ ، مَعَهُمْ كَفَنٌ مِنْ أَكْفَانِ الْجَنَّةِ ، وَحُنُوطٌ مِنْ حُنُوطِ الْجَنَّةِ ، حَتَّى يَجْلِسُوا مِنْهُ مَدَّ الْبَصَرِ ، ثُمَّ يَجِيءُ مَلَكُ الْمَوْتِ حَتَّى يَجْلِسَ عِنْدَ رَأْسِهِ ، فَيَقُولُ: أَيْتَهَا النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ ، أَخْرَجِي إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ. (٥)

١- الشورى : ٢٠ .

٢- عدّه الداعى : ص ٢١٦ ، نهج البلاغه : الحكمه ٨٩ ، غرر الحكم : ح ٨٨٥٧ كلاهما عن الإمام على عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ٣٠٥ ح ٥١ .

٣- الزهد لابن المبارك : ص ١٩٣ ح ٥٤٩ ، مسند الشهاب : ج ٢ ص ١٦٤ ح ١١٠٨ ، الفردوس : ج ١ ص ١٥١ ح ٥٤٦ كلّها عن أنس ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٨١ ح ٦٠٥٦ ؛ إرشاد القلوب : ص ١٨٦ وفيه «ولا» بدل «وأبى أن» ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ٢٥ ح ٢٩ نقلاً عن عدّه الداعى وفيه «بعمل» بدل «على نية» فى كلا الموضعين .

٤- تاريخ دمشق : ج ٣٨ ص ١٣ ح ٧٥٧٧ عن أبى هريره ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٨١٧ ح ٤٣٢٤٧ .

٥- مسند ابن حنبل : ج ٦ ص ٤١٣ ح ١٨٥٥٩ ، المصنّف لابن أبى شيبة : ج ٣ ص ٢٥٦ ح ١ ، شعب الإيمان : ج ١ ص ٣٥٦ ح ٣٩٥ ، الزهد لهناد : ج ١ ص ٢٠٥ ح ٣٣٩ ، المستدرک على الصحيحين : ج ١ ص ٩٤ ح ١٠٧ ، مسند الطيالسى : ص ١٠٢ ح ٧٥٣ كلاهما نحوه وكلّها عن البراء بن عازب ، كنز العمال : ج ١٥ ص ٦٢٧ ح ٤٢٤٩٥ .

۴ / ۲ برکات آباد کردن آخرت

۴ / ۲ برکات آباد کردن آخرتقرآن «کسی که کشت آخرت را بخواهد ، برای وی بر کشته اش می افزاییم ، و کسی که کشت این دنیا را بخواهد ، به او از آن می دهیم ؛ ولی در آخرت ، او را نصیبی نیست» .

حدیث عن أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس کار آخرتش را درست کند ، خداوند کار دنیایش را برای او درست می نماید. وروی الترمذی و أبو داود عن زید بن ثابت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، دنیا را با انگیزه آخرت می دهد و امتناع دارد که آخرت را با انگیزه دنیا بدهد. (۱) عن أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه چیز است که هر کس آنها را دارا باشد ، ایمانش را کامل گردانیده است ، این که : در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنشگری نهراسد ، و در هیچ کارش ریا نکند ، و هر گاه دو کار برایش پیش آید که یکی برای دنیا و دیگری برای آخرت است ، کار آخرت را بر دنیا برگزیند. عن أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بنده مؤمن ، هر گاه در حال جدا شدن از دنیا و روی آوردن به آخرت باشد ، فرشتگانی سپیدروی ، چنان که گویی چهره هایشان آفتاب درخشان است ، از آسمان با کفنی از کفن های بهشت و حنوطی از حنوط های بهشت نزد او فرود می آیند و در فاصله یک چشم رس ، نزدش می نشینند . آن گاه ملك الموت می آید و کنار سر او می نشیند و می گوید : «ای نفس پاک!»

به سوی آمرزش و رضوان خداوند ، بیرون شو» .

۱- . مقصود ، آن است که اگر کار با انگیزه خدایی و برای اصلاح آخرت باشد ، خداوند ، دنیای انسان را نیز اصلاح می کند ؛ اما اگر کسی کاری را با انگیزه مادی انجام دهد ، پاداشی در آخرت نخواهد داشت .

وروى أبو داود عن عليّ عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: الدُّنيا طالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ ، وَالْآخِرَةُ طالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ ؛ فَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنيا حَتَّى يَسْتَوْفَى مِنْهَا رِزْقَهُ ، وَمَنْ طَلَبَ الدُّنيا طَلَبَتْهُ الْآخِرَةُ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ فَيَأْخُذَهُ بِعُنُقِهِ. (١) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا إِنَّ الدُّنيا وَالْآخِرَةَ طالِبَتَانِ وَمَطْلُوبَتَانِ ؛ فَطالِبُ الْآخِرَةِ تَطْلُبُهُ الدُّنيا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ رِزْقَهُ ، وَطالِبُ الدُّنيا تَطْلُبُهُ الْآخِرَةُ حَتَّى يَأْخُذَ الْمَوْتَ بِعُنُقِهِ. (٢) وروى البخارى عن المسور: عنه صلى الله عليه وآله: ما تَرَكَ عَبْدٌ لِلَّهِ أَمْرًا لَا يَتْرُكُهُ إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى ، إِلَّا عَوَّضَهُ اللَّهُ مِنْهُ مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ مِنْهُ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاهُ. (٣) عن أهل البيت عليهم السلام: الإمام عليّ عليه السلام: لا- يَتْرُكَ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ دُنْيَاهُمْ لِإِصْلَاحِ آخِرَتِهِمْ إِلَّا عَوَّضَهُمُ اللَّهُ سَبْحَانَهُ خَيْرًا مِنْهُ. (٤) وروى الترمذى وابن ماجه عن أبى هريره: عنه عليه السلام: الرِّزْقُ رِزْقَانِ : طالِبٌ وَمَطْلُوبٌ ؛ فَمَنْ طَلَبَ الدُّنيا طَلَبَتْهُ الْمَوْتُ حَتَّى يُخْرِجَهُ عَنْهَا ، وَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنيا حَتَّى يَسْتَوْفَى رِزْقَهُ مِنْهَا. (٥) .

- ١- تنبيه الغافلين : ص ٢٤٤ ح ٣١٧ عن أبى عبيده الأسدى ، المعجم الكبير : ج ١٠ ص ١٦٣ ح ١٠٣٢٨ ، حليه الأولياء: ج ٨ ص ١٢٠ كلاهما عن ابن مسعود نحوه وليس فيهما «والآخرة طالبه ومطلوبه»، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٥ ح ٦٢٦٦ ؛ الكافى : ج ١ ص ١٨ ح ١٢ عن هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام ، تحف العقول : ص ٣٨٧ عن الإمام الكاظم عليه السلام وفيهما «يفسد عليه دنياه وآخرته» بدل «فياخذه بغته» ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٤٠٩ ح ٥٨٨٦ عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٣٠٢ ح ١ .
- ٢- أعلام الدين : ص ٣٤٥ ح ٣٨ عن ابن عباس ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ١٢٩ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٨٨ ح ١٠ .
- ٣- تاريخ دمشق : ج ١٠ ص ٣٧٤ ح ٢٥٨٨ عن عبد الله بن عمر ، كنز العمال : ج ٣ ص ٤٢٨ ح ٧٢٨٧ .
- ٤- غرر الحكم : ح ١٠٨٣٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٤١ ح ١٠٠٤١ .
- ٥- نهج البلاغه : الحكمة ٤٣١ ، بحار الأنوار : ج ١٠٣ ص ٣٨ ح ٨٦ .

عن أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا طالب است و مطلوب ، و آخرت [نیز] طالب است و مطلوب . پس ، هر کس آخرت را طلب کند ، دنیا در طلب او برمی آید تا او روزی اش را از آن به تمام و کمال دریافت کند ؛ و هر کس دنیا را طلب کند ، آخرت در طلب او برمی آید تا مرگ به سراغش آید و ناگهان او را بگیرد. و روی البخاری و مسلم و الترمذی والنسائی وابن ماجه و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آگاه باشید که دنیا و آخرت ، هر دو ، طالب اند و مطلوب . دنیا طالب آخرت را طلب می کند تا این که او روزی خویش را به تمام و کمال دریافت نماید ؛ و [نیز] آخرت ، در طلب طالب دنیاست تا این که مرگ ، گردن او را بگیرد. عن أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ بنده ای به خاطر خدا کاری را کاری که انجام دادن آن ، نزد خدا ناپسند است مگر آن که خداوند ، چیزی را که برای دین و دنیای او بهتر از آن است ، به او عوض داد. و روی الطبرانی فی الکبیر عن الأسود بن سریع: امام علی علیه السلام : مردم ، چیزی از دنیایشان را برای اصلاح آخرتشان فرو نگذاشتند ، مگر آن که خداوند سبحان ، بهتر از آن چیز را عوضشان داد. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام : روزی ، دو گونه است : روزی ای که طالب توست و روزی ای که تو طالب آنی . پس هر که طالب دنیا باشد ، مرگ ، او را خواهد طلبید تا از دنیا بیرونش کند ، و هر که طالب آخرت باشد ، دنیا او را خواهد طلبید تا روزی اش را به تمامی به او برساند . .

وروى الترمذى وابن ماجه عن بريده: عنه عليه السلام: ألا وإنَّه لا يَضُرُّكُمْ تَضْيِيعُ شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ بَعْدَ حِفْظِكُمْ قَائِمَةَ دِينِكُمْ ، ألا وإنَّه لا يَنْفَعُكُمْ بَعْدَ تَضْيِيعِ دِينِكُمْ شَيْءٌ حَافِظُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكُمْ. (١) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: ألا وإنَّه لا يَضُرُّكُمْ تَوَاضُعُ شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ بَعْدَ حِفْظِكُمْ وَصِيَّةَ اللَّهِ وَالتَّقْوَى ، ولا يَنْفَعُكُمْ شَيْءٌ حَافِظُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكُمْ بَعْدَ تَضْيِيعِ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ مِنَ التَّقْوَى. (٢) وروى الطبرانى عن عمر: سعد السعود نقلاً عن الزُّبَيْرِ: بَنَى آدَمَ رِهَانَ (٣) المَوْتِ ! اِعْمَلُوا لِـآخِرَتِكُمْ وَاشْتَرَوْهَا بِالدُّنْيَا ، ولا تَكُونُوا كَقَوْمٍ أَخَذُوا لَهَا وَلِعبَا ، وَاعْلَمُوا أَنَّ مَنْ قَارَضَنِي نَمَتَ بِضَاعَتُهُ وَتَوَفَّرَ رِبْحُهَا ، وَمَنْ قَارَضَ الشَّيْطَانَ [قِرْنَ] (٤) مَعَهُ. (٥) عن أهل البيت عليهم السلام: الإمام على عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْآخِرَةِ تَأْتِكَ الدُّنْيَا صَاغِرَةً. (٦) وروى أبو داود وأحمد: عنه عليه السلام: طَالِبُ الْآخِرَةِ يُدْرِكُ مِنْهَا أَمَلَهُ ، وَيَأْتِيهِ مِنَ الدُّنْيَا مَا قَدَّرَ لَهُ. (٧) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: إِنَّكَ إِنْ عَمِلْتَ لِلْآخِرَةِ فَازَ قَدْحُكَ (٨) . (٩) وروى البخارى والترمذى ومسلم وابن ماجه وأبو داود عنه عليه السلام: مَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ . (١٠) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: مَنْ عَمِلَ لِلْمَعَادِ ظَفَرَ بِالسَّدَادِ. (١١) وروى الترمذى عن ابن مسعود: عنه عليه السلام: مَنْ أَصْلَحَ الْمَعَادَ ظَفَرَ بِالسَّدَادِ. (١٢) .

- ١- نهج البلاغه : الخطبه ١٧٣ .
- ٢- تحف العقول : ص ١٨٤ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٩٦ ح ١ ؛ المعيار والموازنه : ص ١١٢ نحوه .
- ٣- فى الطبعه المحققه (بتحقيق فارس الحسون) : ص ٩٨ «رهائن» بدل «رهان» .
- ٤- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .
- ٥- سعد السعود : ص ٤٩ ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٤٦ .
- ٦- غرر الحكم : ح ٦٠٨٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٣٥ ح ٥٧١١ .
- ٧- غرر الحكم : ح ٦٠١٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣١٧ ح ٥٥٢١ .
- ٨- قَدْحُكَ بالكسر : أى نصيبك ، مأخوذ من قَدَّاح الميسر (بحار الأنوار : ج ١٠١ ص ٢٥١) .
- ٩- غرر الحكم : ح ٣٨١٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٧١ ح ٣٥٧١ .
- ١٠- نهج البلاغه : الحكمه ٤٢٣ ، روضه الواعظين : ص ٤٠٧ ، بحار الأنوار : ج ٧١ ص ٣٦٧ ح ١٧ .
- ١١- غرر الحكم : ح ٨٠٤٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٣١ ح ٧٤١٨ .
- ١٢- غرر الحكم : ح ٨٣٦٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤٧ ح ٧٩٠١ وفيه «بالرشاد» بدل «بالسداد» .

عن أهل البيت عليهم السلام: امام علي عليه السلام: بدانید که با وجود حفظ بنیان دینتان ، هر چه از دنیایتان از دست بدهید ، زیانی به شما نمی زند . بدانید که در صورت ضایع کردن دینتان ، هر آنچه از دنیایتان حفظ کنید ، سودی به شما نمی رساند. وروی أبو داود عن أبي هريره وأحمد عن الزبير: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بدانید که با وجود پایبندی تان به سفارش خداوند و تقوا ، فرو نهادن چیزی از دنیایتان ، به شما زیانی نمی زند ؛ و در صورت فرو نهادن تقوا که بدان فرمان داده شده اید، آنچه از امور دنیایتان حفظ کنید ، به شما سودی نمی رساند. عن أهل البيت عليهم السلام: سعد السعود به نقل از زبور: بنی آدم در گرو مرگ اند! برای آخرتتان کار کنید و آن را با [دادن] دنیا بخرید ، و چونان مردمانی نباشید که آخرت را سرگرمی و بازی گرفتند .

بدانید که هر کس به من قرض دهد ، کالایش رشد می کند و سود آن کالا فراوان می شود ؛ و هر کس به شیطان قرض دهد ، با او قرین می گردد. وروی البخاری و مسلم والنسائی والترمذی وأبو داود و امام علی علیه السلام : به آخرت چنگ در زن تا دنیا زبونه ، خود ، نزد تو آید . عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام : طالب آخرت ، به آرزوی خود از آن می رسد و از دنیا ، [همه] آنچه برایش مقدر شده ، به او می رسد. وروی البزار عن أبي سعيد: امام علی علیه السلام : تو اگر برای آخرت کار کنی ، به نصیبت دست می یابی. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام : هر که برای دینش کار کرد ، خداوند ، کار دنیایش را کفایت کرد . وروی مسلم والترمذی وأبو داود عن أبي هريره: امام علی علیه السلام : هر که برای معاد کار کرد ، به راه درست دست یافت. عن أهل البيت: امام علی علیه السلام : هر که معاد را آباد کرد ، به راه درست دست یافت.

وروى الترمذى عن أبى سعيد: عنه عليه السلام: أَرَبِحُ النَّاسِ مَنْ اشْتَرَى بِالْدُّنْيَا الْآخِرَةَ. (١) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: الرِّابِحُ مَنْ بَاعَ الْعَاجِلَةَ بِالْآجِلَةِ. (٢) راجع: ص ٣١٦ (آثار الإهتمام بالآخرة)

و ٣٣٦ (آثار ذكر الآخرة)

و ٣٦٢ (الحث على تجارته الآخرة).

٤ / ٣ ما يَعْمُرُ الْآخِرَةَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِكُلِّ خَرَابٍ عِمَارَةٌ ، وَعِمَارَةُ الْآخِرَةِ الْعَقْلُ. (٣) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ فَلْيَدْعُ زَيْنَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا. (٤) وروى النسائي عن ابن عمر: عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى دِينِي بِدُنْيَا ، وَعَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَى. (٥) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَنَالُونَ الْآخِرَةَ إِلَّا بِتَرْكِكُمُ الدُّنْيَا وَالتَّعَزُّي مِنْهَا ، أَوْصِيكُمْ أَنْ تُحِبُّوا مَا أَحَبَّ اللَّهُ وَتُبْغِضُوا مَا أَبْغَضَ اللَّهُ. (٦).

١- .غرر الحكم : ح ٣٠٧٦ ، عيون الحكم و المواعظ : ص ١٢٠ ح ٢٧٢٩ .

٢- .غرر الحكم : ح ١٤٨٨ ، عيون الحكم و المواعظ : ص ٢٨ ح ٣٧٠ .

٣- .كنز الفوائد : ج ١ ص ٥٦ ، بحار الأنوار : ج ١ ص ٩٥ ح ٣٤ .

٤- .الخصال : ص ٢٩٣ ح ٥٨ ، الأمالى للصدوق : ص ٧١٤ ح ٩٨٣ كلاهما عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، قرب الإسناد : ص ٢٣ ح ٧٩ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله ، روضه الواعظين : ص ٥٠٥ ، بحار الأنوار : ج ٦ ص ١٣١ ح ٢٥ ؛ مسند ابن حنبل : ج ٢ ص ٣٣ ح ٣٦٧١ ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٣٥٩ ح ٧٩١٥ كلاهما عن عبد الله بن مسعود نحوه ، كنز العمال : ج ٣ ص ١١٨ ح ٥٧٥٣ .

٥- .تاريخ دمشق : ج ١٨ ص ٨٧ الرقم ٢١٥٩ عن الربيع بن يونس عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تهذيب الكمال : ج ٥ ص ٩٦ الرقم ٩٥٠ ، سير أعلام النبلاء : ج ٦ ص ٢٦٧ الرقم ١١٧ كلاهما عن الربيع عن الإمام الصادق عليه السلام ، الفردوس : ج ١ ص ٤٧٠ ح ١٩١٣ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ؛ مصباح المتهجد : ص ١٧٢ ح ٢٥٩ من دون إسناد إلى المعصوم وفيه «ودنياى» بدل «بدنيا» ، العدد القويّه : ص ١٥٧ ح ٨٨ عن الربيع عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ٢٩٨ ح ٨٥ .

٦- .مستدرک الوسائل : ج ١٢ ص ٥٤ ح ١٣٤٩٦ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ الباب .

۴ / ۳ آنچه آخرت را آباد می کند

وروی الترمذی عن ابن عمر: امام علی علیه السلام: سود کننده ترین مردم ، کسی است که آخرت را به دنیا خرید. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: سود برنده ، کسی است که این جهان را با آن جهان ، سودا کرد. ر. ک: ص ۳۱۷ (آثار اهمیت دادن به آخرت)

و ۳۳۷ (آثار یاد کردن آخرت)

و ۳۶۳ (تشویق به سودای آخرت) .

۴ / ۳ آنچه آخرت را آباد می کند عن أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر خرابی را آباد کننده ای است و آباد کننده آخرت ، عقل است. وروی الترمذی وابن ماجه عن أبي هريره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس آخرت را می خواهد ، باید زیور زندگی دنیا را رها کند. عن أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بارخدا یا! مرا با دنیا به دینم ، و با تقوا به آخرتم ، کمک کن . و- أيضاً-: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به آخرت دست نمی یابید ، مگر با رها کردن [علاقه به] دنیا و برهنه شدن از آن . به شما سفارش می کنم که دوست بدارید آنچه را خدا دوست می دارد و دشمن بدارید آنچه را خدا دشمن می دارد.

وروى الترمذى وأبو داود والنسائى عن أبى هريره: عنه صلى الله عليه وآله: إذا أحبَّ الله عبداً أغلقَ عليه أمورَ الدنيا، وفتحَ له أمورَ الآخرة. (١) عن أهل البيت عليهم السلام: الإمام على عليه السلام: لا يدرك أحدٌ رفعة الآخرة إلا بإخلاص العمل، وتقصير الأمل، ولزوم التقوى. (٢) ورواه ابن ماجه والنسائى والترمذى وابن حنبل عن حبشعنه عليه السلام: من عمّر دار إقامته فهو العاقل. (٣) على عليه السلام روى أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: العاقل من غلب هيواه، ولم يبع آخرته بدينياه. (٤) وروى الترمذى وأبو داود عن أبى الدرداء: عنه عليه السلام: العاقل من هجر شهوته، وباع ديناه بآخرته. (٥) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: من لم يؤثر الآخرة على الدنيا فلا عقل له. (٦) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: من أحب فوز الآخرة فعليه بالتقوى. (٧) وروى ابن ماجه وأبو داود عن ابن عمر: عنه عليه السلام: من سعى لإدار إقامته، خلص عمله وكثر وجله. (٨) عن أهل البيت عليهم السلام: إن رغبتُم فى الفوز وكرامه الآخرة، فخذوا فى الفناء للبقاء. (٩) روى الطبرانى عن ابن عباس: عنه عليه السلام: إن رغبتُم فى الفوز وكرامه الآخرة، فخذوا فى الفناء للبقاء. (١٠) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: عود نفسك فعل المكارم وتحمل أعباء المغارم؛ تشرف نفسك، وتعمّر آخرتك، ويكثر حامدوك. (١١).

- ١- . كتر العمال : ج ٣ ص ٢٠٤ ح ٦١٨١ نقلاً عن الفردوس عن أنس.
- ٢- . غرر الحكم : ح ١٠٨٦٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٤٣ ح ١٠٠٩٥ .
- ٣- . غرر الحكم : ح ٨٢٩٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤٦ ح ٧٨٤٥ .
- ٤- . غرر الحكم : ح ١٩٨٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٩ ح ١٥١١ وفيه «العالم» بدل «العاقل» .
- ٥- . غرر الحكم : ح ١٧٢٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٢ ح ١٣٥٢ .
- ٦- . غرر الحكم (طبعه طهران ، ترجمه: محمّد على الأنصارى) : ص ٦٩٩ ح ١٣٠١ .
- ٧- . غرر الحكم : ح ٨٩٠٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٣٤ ح ٧٤٩٢ .
- ٨- . غرر الحكم : ح ٨٥٩٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٩ ح ٨٣٣٥ .
- ٩- . غرر الحكم : ح ٨٨٣٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٣٦ ح ٧٥٣٢ .
- ١٠- . غرر الحكم : ح ٣٧٤٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٦٣ ح ٣٤٨٠ .
- ١١- . غرر الحكم : ح ٦٢٣٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٤١ ح ٥٨١٧ .

وروی البخاری و مسلم و ابن ماجه و الترمذی و أبو داود عیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند هر گاه بنده ای را دوست بدارد ، امور دنیا را بر او می بندد و امور آخرت را بر او می گشاید. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: هیچ کس به جایگاه رفیع آخرت نمی رسد ، مگر با اخلاص در عمل ، کوتاه کردن آرزو و در پیش گرفتن تقوا. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: کسی که سرای اقامتش را آباد کند ، خردمند است. جعفر بن أبی طالب: امام علی علیه السلام : خردمند ، کسی است که بر هوس خویش چیره شود و آخرتش را به دنیایش نفروشد. وروی الطبرانی عن ابن عباس: امام علی علیه السلام: خردمند ، کسی است که از شهوتش دوری کند و دنیایش را به آخرتش بفروشد. روی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: کسی که آخرت را بر دنیا ترجیح ندهد ، از خرد ، بی بهره است. و- أيضاً-: امام علی علیه السلام : هر کس رستگاری آخرت را دوست دارد ، باید تقوا پیشه کند. وروی أبو داود عن علی: امام علی علیه السلام: کسی که برای سرای اقامتش بکوشد ، عملش خالص می گردد و بیمش فزونی می گیرد. روی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام : هر کس اعمالش از معصیت به سلامت ماند ، به آرزویش از آخرت ، دست می یابد. وروی مسلم و البخاری فی الأدب و أحمد بن حنبل عن أبيامام علی علیه السلام: اگر خواهان رستگاری و عزتمندی آخرت هستید ، در این سرای فانی ، برای سرای باقی [، توشه] برگیرید. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: خود را به انجام دادن [و کسب] خصلت های والای انسانی و به دوش کشیدن بار غرامت ها و بدهی ها [ی دیگران و پرداختن از طرف آنها] عادت بده تا جانت شریف گردد و آخرت آباد شود و ستاینده گانت فزونی گیرند . .

وروى أبو داود عن واثله بن الأسقع: عنه عليه السلام: حَصَلُوا الْآخِرَةَ بِتَرْكِ الدُّنْيَا ، وَلَا تُحْصَلُوا بِتَرْكِ الدِّينِ الدُّنْيَا. (١) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: مَنْ رَغِبَ فِي نَعِيمِ الْآخِرَةِ قَنَعَ بِتَيْسِيرِ الدُّنْيَا. (٢) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: مَنْ أَيْقَنَ بِالْآخِرَةِ سَلَا (٣) عَنِ الدُّنْيَا. (٤) روى البخارى ومسلم وابن ماجه والترمذى والنسائى وأبعنه عليه السلام: مَنْ أَيْقَنَ بِالْآخِرَةِ أَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا. (٥) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: ذَلَّ فِي نَفْسِكَ وَعَزَّ فِي دِينِكَ ، وَصُنَّ آخِرَتَكَ وَابْذَلْ دُنْيَاكَ. (٦) وروى أبو هريره فى سنن أبو داود: عنه عليه السلام: لَا يُدْرِكُ أَحَدٌ مَا يُرِيدُ مِنَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِتَرْكِ مَا يَشْتَهَى مِنَ الدُّنْيَا. (٧) وعن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ الدَّارَ الْبَاقِيَةَ لَهَا (٨) عَنِ اللَّذَاتِ. (٩) وروى البخارى ومسلم والترمذى وأبو داود عن واثله بن الإمام الكاظم عليه السلام لهشام بن الحكيم: يَا هِشَامُ ، إِنَّ الْمَسِيحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِلْحَوَارِيِّينَ : ... يَا عَبِيدَ الدُّنْيَا ، بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ : لَا تُدْرِكُونَ شَرَفَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِتَرْكِ مَا تُحِبُّونَ ، فَلَا تُنْظَرُوا بِالتَّوْبَةِ غَدَا ؛ فَإِنَّ دُونَ غَدٍ يَوْمًا وَلَيْلَةً وَ قَضَاءَ اللَّهِ فِيهِمَا يَغْدُو وَيَرُوحُ. (١٠) عن أهل البيت عليهم السلام: عيسى عليه السلام: مَنْ حُبَّتِ الدُّنْيَا أَنَّ اللَّهَ عَصَى فِيهَا ، وَأَنَّ الْآخِرَةَ لَا تُنَالُ إِلَّا بِتَرْكِهَا. (١١) وروى ابن ماجه وأبو داود عن ابن عمر: عنه عليه السلام مِنْ مَوَاعِظِهِ فِي الْإِنْجِيلِ وَغَيْرِهِ: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ يَا عَبِيدَ الدُّنْيَا ، كَيْفَ

يُدْرِكُ الْآخِرَةَ مَنْ لَا تَنْقُصُ شَهْوَتُهُ مِنَ الدُّنْيَا وَلَا تَنْقَطِعُ مِنْهَا رَغْبَتُهُ؟ (١٢).

- ١- غرر الحكم : ح ٤٩١١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٣٣ ح ٤٤٧٦ .
- ٢- غرر الحكم : ح ٨٥٠٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤٩ ح ٧٩٨٦ .
- ٣- سلا عنه : نسيه (لسان العرب: ج ١٤ ص ٣٩٤ «سلا»). أى نسي ذكرها وذهل عنها .
- ٤- غرر الحكم : ح ٨٦٦٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤١ ح ٧٦٦٢ .
- ٥- غرر الحكم : ح ٨٤٢١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤٨ ح ٧٩٤٧ وفيه «آمن» بدل «أيقن» .
- ٦- غرر الحكم : ح ٥١٩٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥٦ ح ٤٧٢٩ .
- ٧- غرر الحكم : ح ١٠٨٢٢ .
- ٨- لهيئت عن الشيء: إذا سلوت عنه وتركت ذكره وأضربت عنه (الصحاح: ج ٦ ص ٢٤٨٧ «لها») .
- ٩- غرر الحكم : ح ٨٥٩٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٩ ح ٨٣٣٠ .
- ١٠- تحف العقول : ص ٣٩٢ و ص ٥٠٨ عن عيسى عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ١ ص ١٤٥ ح ٣٠ .
- ١١- ربيع الأبرار: ج ١ ص ٩٣؛ تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٢٩ نحوه ، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٢٧ ح ٤٩ .
- ١٢- تحف العقول : ص ٥١١ ، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣١٥ ح ١٧ .

و- أيضاً-: امام علی علیه السلام: با ترک [علاقه به] دنیا، آخرت را تحصیل کنید و با ترک دین، دنیا را تحصیل نکنید. وروی البزار عن أنس: امام علی علیه السلام: کسی که به نعمت های آخرت راغب باشد، به اندک دنیا قناعت می ورزد. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: کسی که به آخرت یقین داشته باشد، دنیا را فراموش می کند. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: کسی که به آخرت یقین داشته باشد، از دنیا روی می گرداند. وروی الترمذی عن ابن عباس: امام علی علیه السلام: در نَفْسِيتِ خوار و در دینِيتِ عزیز باش و آخرت را حفظ کن و دنیایت را ببخش. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: هیچ کس به آنچه از آخرت می خواهد، نمی رسد، مگر با رها کردن آنچه از دنیا می خواهد. وروی البخاری ومسلم والترمذی والنسائی وأبو داود و امام علی علیه السلام: هر که سرای ماندگار را دوست دارد، از لذت ها روی می گرداند. عن أهل البيت عليهم السلام: امام کاظم علیه السلام خطاب به هشام بن حکم: ای هشام! مسیح علیه السلام به حواریان فرمود: «... ای بندگان دنیا! حقیقتی را به شما بگویم: به شرافت آخرت نمی رسید، مگر با وا نهادن آنچه دوست می دارید. پس، کار توبه را به فردا میفکنید؛ زیرا که قبل از فردا [ی قیامت]، روز و شبی است و قضای (حکم) خداوند در آن روز و شب، آمد و شد می کند». وروی ابن ماجه عن ابن عباس: عیسی علیه السلام: از پلیدی دنیا، این است که خداوند در آن معصیت می شود، و آخرت به دست نمی آید، مگر با ترک دنیا. عن أهل البيت عليهم السلام: عیسی علیه السلام از اندرزهایش در انجیل و جز آن: حقیقتی را به شما بگویم:

ای بندگان دنیا! کسی که دنیاخواهی او کم نمی شود و رشته رغبتش به دنیا قطع نمی گردد، چگونه به آخرت دست یابد؟! .

راجع: ص ١١٤ ح ٩٨٠

و ١١٨ ح ٩٩٧

و ١٩٦ ح ١١٣٤

و ٢٣٠ (أماثل الزهاد/أهل البيت).

٤ / ٤ ما يُخَرَّبُ الْآخِرَ هَذَا الْكِتَابُ «فَأَمَّا مَنْ طَغَى * وَءَاثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى» . (١)

«وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ» . (٢)

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَطُلًا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» . (٣)

الحديثوروى النسائي وأحمد عن معاذ: رسول الله صلى الله عليه وآله في وصايا لابن مسعود: يابن مسعود... أتق الله في السرِّ

وَالْعَلَانِيَةِ... فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ» (٤). ولا- تُؤْتِرَنَّ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ؛ فَإِنَّهُ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «فَأَمَّا مَنْ طَغَى * وَءَاثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى» يَعْنِي الدُّنْيَا الْمَلْعُونَةَ، وَالْمَلْعُونَ مَا فِيهَا إِلَّا مَا كَانَ لِلَّهِ. (٥).

١- النازعات: ٣٧ ٣٩. و الهون: أى الهوان، يريد العذاب المتضمن لشده وإهانه (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٨٨٧ «هون»).

٢- الأحقاف: ٢٠.

٣- هود: ١٥ و ١٦.

٤- الرحمن: ٤٦.

٥- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٥٤ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠٥ ح ١.

۴ / آنچه آخرت را ویران می کند

ر. ک: ص ۱۱۵ ح ۹۸۰

و ۱۱۹ ح ۹۹۷

و ۱۹۷ ح ۱۱۳۴

و ۲۳۱ (نمونه های زهد / اهل بیت).

۴ / آنچه آخرت را ویران می کند قرآن «آیا هر که طغیان کرد و زندگی دنیوی را برگزید ، پس ، جایگاه او همان آتش است» .

«و روزی که آنانی که کفر ورزیده اند ، بر آتش عرضه می شوند ، [به آنان می گویند: نعمت های پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان صرف کردید و از آنها برخوردار شدید . پس ، امروز به سزای آن که در زمین ، به ناحق سرکشی می نمودید و به سبب این که نافرمانی می کردید ، به عذاب خفت آور ، کیفر داده می شوید» .

«کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند ، [جزای] کارهایشان را در آن به طور کامل به آنها می دهیم و به آنان در آن جا کم داده نخواهد شد . اینان ، کسانی هستند که در آخرت ، جز آتش برایشان نخواهد بود و آنچه در آن جا (دنیا) کرده اند ، به هدر رفته و آنچه انجام می داده اند ، باطل گردیده است» .

حدیث عن أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش هایش به ابن مسعود: ای پسر مسعود! ... در نهان و آشکار از خدا بترس ... ؛ زیرا که خدای متعال می فرماید : «و برای کسی که

از مقام پروردگارش بترسد ، دو بهشت است» و با در پیش گرفتن لذات و شهوات ، زندگی دنیا را بر آخرت برمگزین ؛ زیرا که خدای متعال در کتابش می فرماید : «و اما هر که طغیان کرد ، و زندگی دنیوی را برگزید ، پس ، جایگاه او همان آتش است» . مقصود ، دنیای لعنت شده است . هر آنچه در دنیاست ، لعنت شده است ، مگر آنچه برای خدا باشد.

وروى أبو داود عن ابن عمر: الإمام عليّ عليه السلام: زيادةُ الدُّنيا تُفسدُ الآخِرَةَ. (١) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: مَنْ رَضِيَ بِالدُّنيا فَاتَتْهُ الآخِرَةُ. (٢) وروى مسلم وابن ماجه عن أنس قال: عنه عليه السلام: ما ظَفَرَ بِالآخِرَةِ مَنْ كَانَتْ الدُّنيا مَطْلَبَهُ. (٣) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: ما زاد في الدُّنيا نَقَصَ في الآخِرَةِ. (٤) وروى مسلم والنسائي عن عبدالمطلب بن ربيعة: عنه عليه السلام: حلاوةُ الدُّنيا توجبُ مرارةَ الآخِرَةِ وسوءَ العُقبي. (٥) راجع: ج ١ ص ٤١٤ (فساد النفس / الهلاك)

و ٤٥٠ (مضارَّ حبِّ الدنيا / سوء العاقبه)

و ٤٥٢ (مضارَّ حبِّ الدنيا / عذاب جهنم).

-
- ١- غرر الحكم: ح ٥٤٩٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٧٥ ح ٥٠٠٠ وفيه «النقصان في» بدل «تفسد».
 - ٢- غرر الحكم: ح ٨٣٧٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٨ ح ٧٩٢٣.
 - ٣- غرر الحكم: ح ٩٥٥٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٧٧ ح ٨٧٤٨.
 - ٤- غرر الحكم: ح ٩٦١٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٠ ح ٨٨١٧.
 - ٥- غرر الحكم: ح ٤٨٨١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣٢ ح ٤٤٣٦.

وروی الطبرانی فی الأوسط عن أبی هریره: امام علی علیه السلام: فزونی دنیا ، آخرت را تباه می کند. و- أيضاً-: امام علی علیه السلام: کسی که به دنیا رضایت بدهد ، آخرت از دستش می رود. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: کسی که دنیا مقصود او باشد ، به آخرت دست نمی یابد. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: آنچه بر دنیا بیفزاید ، از آخرت می کاهد. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: شیرینی دنیا ، موجب تلخی آخرت و بدی عاقبت می شود. ر. ک: ج ۱ ص ۴۱۵ (تباهی جان / هلاکت)

و ۴۵۰ (زیان های دنیادوستی / بدی فرجام)

و ۴۵۳ (زیان های دنیادوستی / عذاب دوزخ) .

الفصل الخامس: تجاره الآخرة ٥ / الحثُّ على تجاره الآخرة الكتاب «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ» . (١)

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ» . (٢)

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ» . (٣)

«فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقَاتِلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» . (٤)

«رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» . (٥)

«وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِن حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» . (٦)

١- فاطر: ٢٩. ولن تبور: لن تكسد (مجمع البحرين: ج ١ ص ٢٠٣ «بور»).

٢- التوبة: ١١١.

٣- البقرة: ٢٠٧.

٤- النساء: ٧٤.

٥- النور: ٣٧.

٦- الطلاق: ٢ و ٣.

فصل پنجم: سودای آخرت

۵ / ۱ تشویق به سودای آخرت

فصل پنجم: سودای آخرت ۵ / ۱ تشویق به سودای آخرتقرآن «کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه روزی شان کرده ایم ،پنهانی و آشکارا انفاق می کنند ، به سودایی امید بسته اند که هرگز کساد نمی شود» .

«همانا خدا از مؤمنان ، جان و مالشان را به [بهای] این که بهشت برای آنان باشد ، خریده است» .

«و از میان مردم ، کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد ؛ و خدا به بندگان ، مهربان است» .

«پس باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می کنند ، در راه خدا بجنگند ، و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود ، به زودی مُزدی بزرگ به او خواهیم داد» .

«مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی ، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات ، غافل نمی سازد و از روزی که در آن ، دل ها و دیده ها دگرگون می شود ، می هراسند» .

«و هر کس از خدا پروا کند ، خدا برای او برون شدی قرار می دهد و از جایی که گمان نمی برد ، روزی اش می دهد» .

الحدیث عن أهل البيت عليهم السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله في موعظته لابن مسعود: يابن مسعود، والذي بعثني بالحق نبياً، إن من يدع الدنيا ويُقبل على تجارته الآخرة، فإن الله تعالى يتجر له من وراء تجارته ويربح الله تجارته، يقول الله تعالى: «رجالاً لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب والأبصار» . (١) وروى البخاري ومسلم وأبو داود عن النعمان بن بشير: المعجم الكبير عن معاذ بن جبل: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: يا أيها الناس، اتخذوا تقوى الله تجارةً لا تبيح عن ذكر الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة ولا تباعه ولا تجاره، ثم قرأ: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» . (٢) عن أهل البيت عليهم السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله قال: قال الله تعالى: وعزّتي وجلالي وعظمتي وقدرتي وعلائي وارتفاع مكاني، لا يؤثر عبدٌ هوائى على هواه إلا جعلت غناه في نفسه، وكفّيته همّه، وكففت عليه ضيعته، وضمنت السماوات والأرض رزقه، وكنت له من وراء تجارته كل تاجر . (٣) .

- ١- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٥٦ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠٦ ح ١ .
- ٢- في المصدر: «يأتيكم»، والتصويب من المصادر الأخرى .
- ٣- المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ٩٧ ح ١٩٠، مسند الشاميين: ج ١ ص ٢٣٤ ح ٤١٥، حلية الأولياء: ج ٦ ص ٩٦، الفردوس: ج ٥ ص ٢٧٠ ح ٨١٥٤، كنز العمال: ج ٣ ص ٩٦ ح ٥٦٦٦ .
- ٤- المحاسن: ج ١ ص ٩٧ ح ٦٣ عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام، الكافي: ج ٢ ص ١٣٧ ح ٢، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٢٥ ح ٥٦ كلاهما عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام، الخصال: ج ٣ ص ٥ عن أبي عبيدة الحذاء عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول: ص ٣٩٥ عن الإمام الكاظم عليه السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٧٥ ح ٢؛ المعجم الكبير: ج ١٢ ص ١١٣ ح ١٢٧١٩ عن ابن عباس نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٢٣٢ ح ١١٦١ .

حدیث عن أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اندرز به ابن مسعود: ای پسر مسعود! سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برگزید ، کسی که دنیا را وا نهد و به سودای آخرت روی آورد ، خداوند متعال از پس سوداگری اش ، برای او تجارت می کند و سوداگری اش را سودآور می گرداند . خدای متعال می فرماید : «مردانی که نه تجارتی و نه داد و ستدی ، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات ، غافل نمی سازد و از روزی که در آن ، دل ها و دیده ها دگرگون می شود ، می هراسند» . عن أهل البيت عليهم السلام: المعجم الكبير به نقل از معاذ بن جبل: از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید : «هان ، ای مردم! تقوای الهی را تجارت بگیرید تا بی هیچ کالا و تجارتی ، به شما روزی برسد» . ایشان سپس این آیه را خواند : «و هر کس از خدا پروا کند ، خدا برای او برون شُدی قرار می دهد و از جایی که گمان نمی برد ، روزی اش می دهد» . عن أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدای متعال می فرماید : «به عزّت و جلالم و عظمت و قدرتم و بلندی و رفعت مقامم سوگند ، هیچ بنده ای دلخواه مرا بر دلخواه خودش ترجیح نمی دهد ، مگر آن که جانش را بی نیاز می گردانم و خواستش را برمی آورم و معاش او را سامان می بخشم و آسمان ها و زمین را ضامن روزی او می گردانم و از پس تجارت هر تاجری ، هوای او را دارم» . .

وروى ابن ماجه وداود عن عمر بن شعيب عن أبيه عن جدعنه صلى الله عليه و آله :مَنْ خَافَ أَدْلَجَ (١) ، وَمَنْ أَدْلَجَ بَلَغَ الْمَنْزِلَ ، أَلَا- إِنَّ سِتْلَعَةَ اللَّهِ غَالِيَةٌ ، أَلَا- إِنَّ سِتْلَعَةَ اللَّهِ الْجَنَّةُ . (٢) عن أهل البيت عليهم السلام:سعد السعود نقلاً عن الزُّبَيْرِ :يا داوُدُ ، مَنْ تَاجَرَ نِي فَهُوَ أَرِيحُ الْمَتَاجِرِ . (٣) عن أهل البيت عليهم السلام:الإمام عليّ عليه السلام :مَنْ تَاجَرَ اللَّهُ رَبِّحَ . (٤)وروى النسائي عن أبي هريره:عنه عليه السلام :تَاجَرَ اللَّهُ تَرَبَّحَ . (٥) عن أهل البيت عليهم السلام:عنه عليه السلام في وَصْفِ الْمُتَّقِينَ :صَبَرُوا أَيَّامًا قَصِيرَةً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً ، تِجَارَةٌ مُرَبِحَةٌ يَسَّرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ . (٦)و-أيضاً:-عنه عليه السلام :إِنِّي لَمْ أَرْ مِثْلَ الْجَنَّةِ نَامَ طَالِبُهَا ، وَلَا كَالنَّارِ نَامَ هَارِبُهَا ، وَلَا أَكْثَرَ مُكْتَسَبًا مِمَّنْ كَسَبَهُ الْيَوْمَ (٧) تُدَخَّرُ فِيهِ الذُّخَائِرُ وَتُبْلَى فِيهِ السَّرَائِرُ . (٨)وروى البخارى عن أبى سعيد ومسلم عن ابن عمر وابن ماعنه عليه السلام :بيعوا ما ينفى بما يبقى ، وَتَعَوَّضُوا بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ عَن شَقَاءِ الدُّنْيَا . (٩) .

- ١- يقال : أدلج بالتخفيف إذا سار من أول الليل ، وأدلج بالتشديد إذا سار من آخره ... ومنهم من يجعل الإدلاج لليل كله (النهايه : ج ٢ ص ١٢٩ «دلج») . قال الشيخ البهائي : ربّما يطلق الإدلاج على العباده فى الليل مجازاً ؛ لأنّ العباده سير إلى الله تعالى (بحار الأنوار : ج ٨٧ ص ١٨٩) .
- ٢- سنن الترمذى : ج ٤ ص ٦٣٣ ح ٢٤٥٠ عن أبى هريره ، المستدرک على الصحيحين : ج ٤ ص ٣٤٣ ح ٧٨٥٢ عن أبى بن كعب ، كنز العمال : ج ٣ ص ١٤٢ ح ٥٨٨٥ .
- ٣- سعد السعود : ص ٤٩ ، بحار الأنوار : ج ١٤ ص ٤٦ .
- ٤- غرر الحكم : ح ٧٨٧٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٣ ح ٨١٣١ .
- ٥- غرر الحكم : ح ٤٤٦١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٠١ ح ٤٠٦٦ .
- ٦- نهج البلاغه : الخطبه ١٩٣ ، الأمالى للصدوق : ص ٦٦٧ ح ٨٩٧ عن عبد الرحمان بن كثير الهاشمى عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام ، تحف العقول : ص ١٥٩ وليس فيه «تجاره» ، كنز الفوائد : ج ١ ص ٩٠ عن نوف البكالى نحوه ، بحار الأنوار : ج ٦٧ ص ٣١٥ ح ٥٠ .
- ٧- فى بحار الأنوار : «ليوم» ، والظاهر أنه هو الصواب .
- ٨- تحف العقول : ص ١٥٢ ، غرر الحكم : ح ٢٧٦١ وفيه صدره إلى «هاربها» ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٩٣ ح ٢ .
- ٩- غرر الحكم : ح ٤٤٥٥ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٩٦ ح ٤٠١٧ .

عن أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که ترسید ، سرشب راه پیمود و آن که سرشب راه پیمود ، به منزل رسید . بدانید که کالای خدا گران است ؛ بدانید که کالای خدا بهشت است. وروی الترمذی عن علی بن حاتم فی تفسیرها: سعد السعود به نقل از زبور: ای داوود! کسی که با من سودا کند ، سودای او سودآورترین تجارت هاست. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: آن که با خدا سودا کرد ، سود بُرد. وروی الطبرانی فی المعجم الکبیر: امام علی علیه السلام: با خدا سودا کن تا سود بری. و- أيضاً-: امام علی علیه السلام در توصیف تقوای پیشگان: چند روزی کوتاه ، شکیبایی کردند و در پی آن ، به آسایش طولانی دست یافتند ؛ سودایی سودآور که پروردگارشان برایشان فراهم آورد. وروی مسلم و أبو داود وابن ماجه و الترمذی عن ابن مسعام علی علیه السلام: چیزی چون بهشت ندیدم که طالب آن خفته باشد ؛ و چیزی همانند آتش ندیدم که گریزان از آن ، در خواب رفته باشد ؛ و سود برنده تر از کسی ندیدم که برای روزی ، کسب کند که در آن روز ، اندوخته ها اندوخته می شود و نهان ها آشکار می گردد. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: آنچه را که از بین می رود ، به آنچه می ماند ، بفروشید و سختی و رنج دنیا را با ناز و نعمت آخرت ، عوض کنید . .

وروى الترمذى عن ابن عمر: عنه عليه السلام: «إِذَا عَلِمُوا أَنَّ مَا نَقَصَ مِنَ الدُّنْيَا زَادَ فِي الْآخِرَةِ خَيْرٌ مِمَّا نَقَصَ مِنَ الْآخِرَةِ زَادَ فِي الدُّنْيَا، فَكَمْ مِنْ مَنْقُوصٍ رَابِحٍ وَمَزِيدٍ خَاسِرٍ». (١) - أيضاً: عنه عليه السلام: «أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَازَةَ (٢) لِأَهْلِهَا؟! إِنَّهُ لَيْسَ لِأَهْلِ نَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ؛ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا». (٣) وروى أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: «إِنَّ مَنْ بَاعَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ الْجَنَّةِ فَقَدْ عَظُمَتْ عَلَيْهِ الْمِحْنَةُ». (٤) وروى أحمد فى المسند عن عائشه: عنه عليه السلام: «أَلَا إِنَّهُ قَدْ أَدْبَرَ مِنَ الدُّنْيَا مَا كَانَ مُقْبِلًا وَأَقْبَلَ مِنْهَا مَا كَانَ مُدْبِرًا، وَأَزْمَعَ (٥) التَّرْحَالَ عِبَادُ اللَّهِ الْأَخْيَارُ، وَبَاعُوا قَلِيلًا مِنَ الدُّنْيَا لِأَيُّبَى بَكْثِيرٍ مِنَ الْآخِرَةِ لَا يَفْنَى». (٦) - أيضاً: عنه عليه السلام فى يَوْمِ صِفِّينَ: «أَلَا - رَجُلٌ يَشْرِي نَفْسَهُ لِلَّهِ وَيَبِيعُ دُنْيَاهُ بِآخِرَتِهِ؟» (٧) وروى البخارى فى الأدب ومسلم عن عائشه: عنه عليه السلام: لَيْسَ مَنْ ابْتَعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا كَمَنْ بَاعَ نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا». (٨) وروى مسلم والبخارى والترمذى وابن ماجه عن أبى هريره عنه عليه السلام: «الزَّابِغُ مَنْ بَاعَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ، وَاسْتَبَدَلَ بِالْأَجَلِ عَنِ الْعَاجِلِ». (٩).

- ١- نهج البلاغه : الخطبه ١١٤.
- ٢- اللماظة : ما يبقى فى الفم من أثر الطعام (النهايه : ج ٤ ص ٢٧١ «لمظ»). والمراد بها الدنيا ؛ أى : ألا يوجد حرّ يترك هذا الشيء الدنيء لأهله .
- ٣- نهج البلاغه : الحكمه ٤٥٦ ، تحف العقول : ص ٣٩١ عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٦٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٣٠٦ ح ١ وراجع الكافى : ج ١ ص ١٩ ح ١٢ و غرر الحكم : ح ٣٤٧٣.
- ٤- غرر الحكم : ح ٣٤٧٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٥٠ ح ٣٣٠٩.
- ٥- أزمع الأمر وبه وعليه : مضى فيه وثبت عليه عزمه (لسان العرب : ج ٨ ص ١٤٣ «زمع»).
- ٦- نهج البلاغه : الخطبه ١٨٢ ، غرر الحكم : ح ٢٧٨١ و ٢٧٨٢ ، بحار الأنوار : ج ٣٤ ص ١٢٦ ح ٩٥٣ .
- ٧- وقعه صفين : ص ٣٠٨ عن عمر بن سعد ، الغارات : ج ٢ ص ٤٧٩ ، بحار الأنوار : ج ٣٢ ص ٤٨٣ ح ٤١٩ ؛ شرح نهج البلاغه : ج ٥ ص ٢٤٣ .
- ٨- الإرشاد : ج ١ ص ٢٩٨ ، كشف اليقين : ص ١٨١ ح ٢٢٣ ، معدن الجواهر : ص ٢٦ نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٤١٩ ح ٤٠.
- ٩- غرر الحكم : ح ١٨٧٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٥٦ ح ١٤٤٢ نحوه .

و-أيضاً: امام علی علیه السلام: بدانید که آنچه از دنیا می کاهد و به آخرت می افزاید، بهتر است از آنچه از آخرت می کاهد و به دنیا می افزاید؛ زیرا چه بسیار اندکی که سود کرد و [چه بسیار] افزونی که زیان کرد! وروی أحمد فی المسند عن أبی بکر: امام علی علیه السلام: آیا آزاده ای یافت نمی شود که این ته مانده غذا در دهان را برای کسی که در خور آن است، و نهد؟ (۱) به راستی که جان های شما را بهایی جز بهشت نیست. پس، آنها را جز به بهشت مفروشید. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: هر کس خود را به چیزی جز بهشت بفروشد، رنج بسیار می کشد. وروی الطبرانی فی الکبیر: امام علی علیه السلام: آگاه باشید که آنچه از دنیا روی آورده بود، پشت کرده است و آنچه از آن پشت کرده بود، روی آورده است و بندگان نیک خدا، بار کوچیدن بربستند و این دنیای اندک نامانا را به آخرت بسیار مانا فروختند. و-أيضاً: امام علی علیه السلام در روز صفین: آیا مردی نیست که جان خویش را به خدا بفروشد و آخرتش را به دنیایش بخرد؟ وروی البخاری و مسلم والنسائی و أبو داود عن أنس: امام علی علیه السلام: آن که جان خویش را خرید و آزادش ساخت، همانند آن کسی نیست که جانش را فروخت و به هلاکتش افکند. و-أيضاً: امام علی علیه السلام: سود برنده، کسی است که دنیا را به آخرت فروخت و این جهان را به آن جهان، عوض کرد..

۱- مقصود از ته مانده غذا، دنیاست. معنای عبارت، این است که: آیا آزادمردی پیدا نمی شود که این دنیای پست و بی ارزش را به اهلش وا گذارد؟

وروى الترمذى عن ابن عباس: عنه عليه السلام: بِضَاعَةُ الْآخِرَةِ كَاسِدَةٌ (١) ، فَاسْتَكْتَرِ مِنْهَا فِي أَوَانٍ كَسَادِهَا . (٢) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: مَنْ اتَّخَذَ طَاعَةَ اللَّهِ بِضَاعَةً أَتَتْهُ الْأَرْبَاحُ مِنْ غَيْرِ تِجَارَةٍ . (٣) و- أيضاً: عنه عليه السلام: لَا رِبْحَ كَالثَّوَابِ . (٤) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: اِكْتِسَابُ الثَّوَابِ أَفْضَلُ الْأَرْبَاحِ ، وَالْإِقْبَالُ عَلَى اللَّهِ رَأْسُ النَّجَاحِ . (٥) ووروى الترمذى وابن ماجه عن عبد الله بن سلام: عنه عليه السلام: اِكْتِسَابُ الْحَسَنَاتِ مِنْ أَفْضَلِ الْمَكَاسِبِ . (٦) و- أيضاً: عنه عليه السلام: الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ عَرَفَهَا ، وَمِضْمَارُ الْخَلَاصِ لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا ، هِيَ مَهْبُطٌ وَحَى اللَّهِ وَمَتَجَرُّ أَوْلِيَائِهِ ، اتَّجَرُوا فَرَبُّحُوا الْجَنَّةَ . (٧) ووروى الترمذى عن جابر: عنه عليه السلام: مَنْ ابْتَعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ رَبَّحَهُمَا . (٨) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: صُنْ دِينَكَ بِدُنْيَاكَ تَرَبَّحَهُمَا ، وَلَا تَصُنْ دُنْيَاكَ بِدِينَكَ فَتَخْسِرَهُمَا . (٩) و- أيضاً: الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ تَعَزَّى عَنِ الدُّنْيَا بِثَوَابِ الْآخِرَةِ فَقَدْ تَعَزَّى عَنِ حَقِيرٍ بِخَطِيرٍ ، وَأَعْظَمُ مِنْ ذَلِكَ مَنْ عَدَّ فَائِثَتَهَا سَلَامَةً نَالَهَا وَغَنِيْمَةً أَعْيَنَ عَلَيْهَا . (١٠) .

- ١- . كَسَدَ الشَّيْءُ : لَمْ يَنْفُقْ ؛ لِقَلَّةِ الرِّغْبَاتِ (المصباح المنير : ص ٥٣٣ «كسد»).
- ٢- . كثر الفوائد : ج ١ ص ٢٧٩ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٩٠ ح ٩٥ .
- ٣- . غرر الحكم : ح ٨٨٦٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٥٨ ح ٨٢٨٩ .
- ٤- . نهج البلاغه: الحكمه ١١٣ ، غرر الحكم: ح ١٠٤٦٧ ، بحار الأنوار : ج ٦٩ ص ٤٠٩ ح ١٢٢ ؛ مطالب السؤل: ص ٥٧ .
- ٥- . غرر الحكم : ح ١٩٧١ .
- ٦- . غرر الحكم : ح ١٥٧٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٢٥ ح ٢٨٦٠ .
- ٧- . الإرشاد : ج ١ ص ٢٩٦ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٤١٨ ح ٤٠ ؛ تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٤٩٨ عن عاصم بن ضمره وكذلك عن محمد بن معروف المكي عن أبيه وكلاهما نحوه ، كثر العمال: ج ٣ ص ٧٣٢ ح ٨٦٠٣ .
- ٨- . غرر الحكم : ح ٨٢٣٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤٥ ح ٧٨١٧ .
- ٩- . غرر الحكم : ح ٥٨٦١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٣٠٣ ح ٥٣٧٨ .
- ١٠- . الأموال للطوسى : ص ٦١٣ ح ١٢٦٦ عن زيد بن علي عليه السلام ، بحار الأنوار : ج ٨٢ ص ١٣١ ح ١٤ .

عن أهل البيت عليهم السلام: امام علي عليه السلام: [بازار] كالای آخرت ، كساد است . پس ، در زمان كساد آن ، از این کالا بسیار فراهم آور. وروی البخاری عن أنس: امام علي عليه السلام: کسی که طاعت خدا را کالا (سرمایه تجارت) قرار دهد ، بی آن که تجارتي کند ، سودها به سوی او سرازیر می شوند . عن أهل البيت عليهم السلام: امام علي عليه السلام: هیچ سودی چون ثواب نیست. وروی ابن ماجه عن سراقه بن جعزم: امام علي عليه السلام: كسب کردن ثواب ، برترین سود است ، و روی آوردن به خدا ، اساس کامیابی است. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علي عليه السلام: كسب کردن حسنات ، از برترین درآمدهاست. وروی البخاری و مسلم وابن ماجه عن أبي هريره: امام علي عليه السلام: دنیا سرای راستی است برای آن کس که آن را شناخت ، و میدان رهایی است برای آن کس که از آن توشه برداشت . دنیا فرودگاه وحی خداوند و تجارت خانه اولیای اوست . [آنان] تجارت کردند و بهشت را سود بردند. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علي عليه السلام: کسی که آخرتش را به دنیایش بخرد ، هر دو را سود می برد. و- أيضاً-: امام علي عليه السلام: دینت را با دنیایت نگه دار تا هر دو را سود ببری ، و دینت را ابزار نگهداری دنیایت قرار مده که هر دو را از کف می دهی. عن أهل البيت عليهم السلام: امام زين العابدين عليه السلام: کسی که به خاطر ثواب آخرت ، در برابر [از دست دادن] دنیا شکیبایی ورزد ، هر آینه به خاطر امر مهمی ، در برابر چیزی حقیر ، شکیبایی ورزیده است . از این مهم تر ، کسی است که آنچه را از دنیا از دستش رفته ، سلامتی می داند که به آن دست یافته و غنیمتی می شمارد که برای [به دست آوردن] آن ، یاری شده است . .

وروى أحمد في المسند عن نافع بن عبد الحارث: عنه عليه السلام في الدعاء: اللَّهُمَّ وَمَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَقَصَيْنِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً ، وَاجْعَلِ التَّوْبَةَ فِي أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً . وَإِذَا هَمَمْنَا بِهِمَّيْنِ يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا وَيُسْخِطُكَ الْآخَرَ عَلَيْنَا ، فَمِلْ بِنَا إِلَى مَا يُرْضِيكَ عَنَّا ، وَأَوْهِن قُوَّتَنَا عَمَّا يُسْخِطُكَ عَلَيْنَا ، وَلَا تُخَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نَفْسِنَا وَاخْتِيَارِهَا ؛ فَإِنَّهَا مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَفَّقْتَ ، أَمَّارَةٌ بِالشُّؤْمِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ. (١) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام في مُنَاجَاةِ الْعَارِفِينَ: إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَوَشَّحَتْ (٢) أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ ... وَاسْتَقَرَّ بِإِدْرَاكِ السُّؤُولِ وَنَيْلِ الْمَأْمُولِ قَرَارُهُمْ ، وَرَبِحَتْ فِي بَيْعِ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ. (٣) وروى ابن ماجه والنسائي وأبو داود عن صفوان بن أمية عن علي عليه السلام من دُعَائِهِ فِي وَدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ: وَأَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السُّومِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ ، تُرِيدُ رِبْحَهُمْ فِي مُتَاجَرَتِهِمْ لَكَ وَفُوزَهُمْ بِالْوَفَادَةِ عَلَيْكَ وَالزِّيَادَةَ مِنْكَ فَقُلْتَ: تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَيْتَ: «مَنْ حَيَاءٌ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا» (٤) ، وَقُلْتَ: «مِثْلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمِثْلِ حَبَّةِ أَنْبَتِ سَبْعِ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْمَبَلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» (٥) ، وَقُلْتَ: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً» (٦) ، وَمَا أَنْزَلْتَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِي الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِيفِ الْحَسَنَاتِ. (٧) .

- ١- .الصحيفة السجادية : ص ٤٧ الدعاء ٩.
- ٢- .الوشاح : شىء يُنسج من أديم عريضا ، ويرصع بالجواهر ، وتشده المرأة بين عاتقيها. توشحت هي : أى لبسته (الصحاح : ج ١ ص ٤١٥ «وشح»). والكلام هنا على سبيل الاستعارة .
- ٣- .بحار الأنوار : ج ٩٤ ص ١٥٠ .
- ٤- .الأنعام : ١٦٠ .
- ٥- .البقرة : ٢٦١ .
- ٦- .البقرة : ٢٤٥ .
- ٧- .الصحيفة السجادية : ص ١٧٢ الدعاء ٤٥ ، المصباح للكفعمي: ص ٨٤٦ ، مصباح المتهجد : ص ٦٤٢ ح ٧١٨ ، الإقبال: ج ١ ص ٤٢٣ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج ٩٨ ص ١٧٣ ح ١ .

و- أيضاً: امام زین العابدین علیه السلام در دعا: بارخدا یا! هر گاه میان دو نقصان ، یکی در دین و یکی در دنیا ، قرار گرفتیم ، نقصان را در همانی قرار بده که زود گذرتر است و توبه را در همانی قرار بده که ماندگارتر است . و هر گاه میان دو خواست قرار گرفتیم که یکی از آن دو ، تو را از ما خشنود می سازد و آن دیگری ، تو را بر ما خشمگین می نماید ، ما را به آنی متمایل گردان که تو را از ما خشنود می سازد و نیروی ما را به آن یک که تو را بر ما خشمگین می نماید ، سست بگردان و در آن ، ما را به اختیار خودمان وا مگذار ؛ زیرا که نفس های ما ، اگر توفیق خود را یارشان نگردانی ، باطل را برمی گزینند و در صورتی که تو رحم نکنی ، به بدی فرمان می دهند. فقال عمر: امام زین العابدین علیه السلام در مناجاه العارفین : معبود من! ما را از کسانی قرار بده که باغ های سینه های آنان ، کمر بند مرصع نشان شوق به تو را بر کمر بسته اند ... و نهاد آنان با رسیدن به خواسته شان و نیل به آرزویشان آرام گرفته است و با فروختن دنیا به آخرت ، تجارتی سودآور کرده اند. و روی الموطأ عن ابن عمر: امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در وداع با ماه رمضان : تو کسی هستی که در معامله با بندگانت ، همواره به سود آنان ، بر بها می افزایی و می خواهی که در سودای با تو ، آنان سود برند و کامیاب و با دست پر از جانب تو ، به پیشگاهت در آیند . پس ، تو که خجسته نام و بلند مرتبه ای فرمودی : «هر کس کار نیکی بیاورد ، ده برابر به او پاداش داده می شود و هر که بدی بیاورد ، تنها همانند آن کیفر می بیند» و نیز فرمودی : «مَثَلُ آتَانِ كَمَا خَدَّاهُ مِنْ رِجَالِهِمْ كَمَا خَدَّاهُ مِنْ رِجَالِهِمْ» خدا انفاق می کنند ، مَثَلِ دانه ای است که هفت خوشه برآورد و در هر خوشه ای ، صد دانه باشد . خدا پاداش هر کس را که بخواهد ، چند برابر می کند» و نیز فرمودی : «کیست که به خدا قرض الحسنه بدهد تا خدا بر آن ، چند برابر بیشتر بيفزاید؟» و امثال این آیات که در قرآن درباره چند برابر کردن حسنات ، فرو فرستاده ای . .

و-أيضاً-الإمام الصادق عليه السلام: تقول إذا أصبحت وأمسيت: ... اللَّهُمَّ إِنَّ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِكَ فَلَا تَبْتَلِيَنِي فِيهِمَا بِجُرْأِهِ عَلَى مَعَاصِيكَ ، وَلَا رُكُوبٍ لِمَحَارِمِكَ ، وَارزُقْنِي فِيهِمَا عَمَلًا مُتَّقِبًا وَسِعِيَا مَشْكُورًا وَتِجَارَةً لَنْ تَبُورَ. (١) وروى الخطيب في تاريخ بغداد عن أبي أمامه: الإمام الكاظم عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ عَقِيبَ الْفَرِيضَةِ: اللَّهُمَّ بِيْرِكَ الْقَدِيمِ ... أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، لَقَدْ فَازَ مَنْ وَالَاكَ ، وَسَيَعَدَّ مَنْ نَاجَاكَ ، وَعَزَّ مَنْ نَادَاكَ ، وَظَفَرَ مَنْ رَجَاكَ ، وَغَنِمَ مَنْ قَصَدَكَ ، وَرَبِحَ مَنْ تَاجَرَكَ. (٢) و-أيضاً-عنه عليه السلام: لَا رِبْحَ إِلَّا لِمَنْ بَاعَ اللَّهَ نَفْسَهُ. (٣) وروى مسلم والنسائي وابن ماجه عن عائشه: لقمان عليه السلام لِابْنِهِ يَعِظُهُ: يَا بُنَيَّ ، اتَّخِذْ تَقْوَى اللَّهِ تِجَارَةً تَأْتِكَ الْأَرْبَاحُ مِنْ غَيْرِ بِضَاعِهِ. (٤) راجع: ص ١٣٨ (مبادئ الزهد / معرفه الدنيا) ،

ج ١ ص ٣٨ (الدنيا / دار ممز)

و ٣٩٠ (التحذير من حب الدنيا / لا يجتمع مع حب الآخرة).

٥ / ٢ تفسير تجارته الآخره الكتاب «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجْرَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ». (٥)

١- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٣٧ ح ٩٨٢ عن عمّار بن موسى ، مصباح المتهجد: ص ٢٠٦ ح ٢٩٩ نحوه ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٨٧ ح ٤٨.

٢- مصباح المتهجد: ص ٥٩ ح ٩٢ ، البلد الأمين: ص ١٣ ، المصباح للكفعمي: ص ٣٥ وفيه «وَرُحِمَ» بدل «وربح» من دون إسناد إلى المعصوم ، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٥٣ ح ٥٨ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .

٣- أعلام الدين: ص ١٢٠.

٤- تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٣١ ، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٤٢٦ ح ٢١ .

٥- الصف: ١٠ و ١١ .

۵ / ۲ معنای سوداگری آخرت

وروی أبو داود والترمذی والنسائی وابن ماجه عن أبيامام صادق عليه السلام: در هر بام و شام می گویی: «... بارخدایا! شب و روز، دو آفریده از آفریده های تو هستند. پس، در آنها مرا گرفتار گستاخی بر معاصی ات و ارتکاب حرام هایت مگردان، و در آنها مرا عملی پذیرفته، تلاشی در خور تقدیر، و تجارتي که هرگز کساد نمی شود، روزی فرما. روی أهل البيت عليهم السلام: امام کاظم عليه السلام از دعای ایشان در تعقیبات نماز: بارخدایا! به حق احسان دیرین و ازلی ات ...؛ تویی آن خدایی که معبودی جز تو نیست. هر آینه رستگار شد آن که پیروی تو کرد، و نیک بخت شد آن که با تو به راز و نیاز پرداخت، و عزتمند شد آن که تو را صدا زد، و کامیاب شد آن که به تو امید بست، و غنیمت بُرد آن که آهنگ [کوی] تو کرد، و سود بُرد آن که با تو سودا کرد. و روی ابن ماجه عن أبي هريره: امام کاظم عليه السلام: سود بُرد، مگر آن کس که خویشتن را به خدا فروخت. و روی أبو داود عن زيد بن خالد: لقمان عليه السلام در اندرز به فرزندش: فرزندم! پروا از خدا را تجارت خود گردان تا بی هیچ سرمایه ای، سودها به سوی تو سرازیر شوند. ر. ک: ص ۱۳۹ (زمینه های زهد / شناخت دنیا)،

ج ۱ ص ۳۹ (ویژگی های دنیا / گذرگاه)

و ۳۹۱ (برحذر داشتن از دنیادوستی / دنیادوستی با آخرت دوستی جمع نمی شود).

۵ / ۲ معنای سوداگری آخرت قرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را رهنمون شوم به تجارتي (سودایی) که شما را از عذابی دردناک می رها کند؟ به خدا و رسول او ایمان آورید و در راه خدا با اموال و جان هایتان جهاد کنید. این برای شما بهتر است، اگر بدانید».

«إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورًا». (١)

الحدِيثُ عَنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: الْإِمَامُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذَلُّكُمْ عَلَى تِجَارِهِ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ»: فَقَالُوا: لَوْ نَعَلِمُ مَا هِيَ لَبَدَلْنَا فِيهَا الْأَمْوَالَ وَالْأَنْفُسَ وَالْأَوْلَادَ، فَقَالَ اللَّهُ: «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ إِلَى قَوْلِهِ ذَلِكِ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». (٢) وَرَوَى أَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ عَنْ أَبِي أَمَامَةَ: فَتَحَ الْبَارِي عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَبْرِ أَيْضًا: لَمَّا نَزَلَتْ قَالَ الْمُسْلِمُونَ: لَوْ عَلِمْنَا هَذِهِ التِّجَارَةَ لَأَعْطَيْنَا فِيهَا الْأَمْوَالَ وَالْأَهْلِينَ، فَنَزَلَتْ: «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ». (٣) وَ-أَيْضًا-: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي وَصَايَاهُ لِابْنِ مَسْعُودٍ: يَا بَنَ مَسْعُودٍ، كُلُّ مَا أَبْصَرْتَهُ بِعَيْنِكَ وَاسْتَحْلَاهُ (٤) فَلْيَبِكْ فَاجْعَلْهُ لِلَّهِ، فَذَلِكَ تِجَارَةُ الْآخِرَةِ؛ لِإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» (٥). (٦).

١- فاطر: ٢٩.

٢- تفسير القمّي: ج ٢ ص ٣٦٥ عن أبي الجارود.

٣- فتح الباري: ج ٦ ص ٦، زاد المسير: ج ٨ ص ١٧، الدر المنثور: ج ٨ ص ١٤٩ نقلًا عن ابن أبي حاتم وكلاهما نحوه.

٤- في بحار الأنوار: «واستحلاه».

٥- النحل: ٩٦.

٦- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٥٧ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠٦ ح ١.

«کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه روزی شان کرده ایم، پنهانی و آشکارا انفاق می کنند ، به تجارتی امید بسته اند که هرگز کساد نمی شود» .

حدیثی روی ابو داود و الترمذی: امام باقر علیه السلام درباره آیه شریف : «ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را رهنمون شوم به تجارتی که شما را از عذابی دردناک می رها کند؟» : [مؤمنان] گفتند : اگر بدانیم که آن تجارت چیست ، جان و مال و فرزندانمان را در راه آن می بخشیم .

پس خداوند فرمود : «به خدا و رسول او ایمان آورید و در راه خدا با اموال و جان هایتان جهاد کنید ... این است رستگاری بزرگ» . عن أهل البيت عليهم السلام: فتح الباری به نقل از سعید بن جبیر ، درباره آیه شریف : «ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را رهنمون شوم به تجارتی که ...» : چون این آیه نازل شد ، مسلمانان گفتند : اگر بدانیم این تجارت کدام است ، مال و خانواده خود را در راه آن می دهیم .

پس [دنباله آیه] نازل شد : «به خدا و رسول او ایمان آورید» . روی الترمذی عن فاطمه بنت قیس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش های ایشان به ابن مسعود: ای پسر مسعود! هر آنچه را چشمت دید و دلت هوس کرد ، برای خدا قرار بده که این ، تجارت (سوداگری) آخرت است ؛ زیرا که خداوند می فرماید : «آنچه نزد شماست ، رفتنی است و آنچه نزد خداست ، ماندنی است» . .

وروى البخارى فى الأذب ومسلم والترمذى وأبو داود عنده صلى الله عليه وآله: لَيْسَ شَيْءٌ أَطْيَبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ فَمٍ صَائِمٍ تَرَكَ الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَآثَرَ اللَّهِ عَلَى مَا سِوَاهُ، وَابْتَعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ يَأْتِيكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ جَائِعٌ ، وَكَبِدُكَ ظَمآنٌ فَافْعَلْ ؛ فَمَا تَكُ تَسْأَلُ بِذَلِكَ أَشْرَفَ الْمَنَازِلِ ، وَتَحِلُّ مَعَ الْأَبْرَارِ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ . (١) و- أيضاً: مكارم الأخلاق: قال ابن مسعود [لرسول الله صلى الله عليه وآله]: يَا أَبَى أَنْتَ وَأُمِّى يَا رَسُولَ اللَّهِ ، كَيْفَ لِي بِتِجَارَةِ الْآخِرَةِ؟

فقال صلى الله عليه وآله: لَا تُرِيحَنَّ لِسَانَكَ عَن ذِكْرِ اللَّهِ ، وَذَلِكَ أَنْ تَقُولَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» فَهَذِهِ التِّجَارَةُ الْمُرِيحَةُ . وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَرْجُونَ تِجْرَةً لَنْ تَبُورَ * لِيُؤْفِقَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ» (٢) . (٣) وروى مسلم والنسائى وابن ماجه والموطأ عن أنس: الإمام الرضا عليه السلام فى تفسير قوله تعالى: «وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ...» (٤): إِنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ كَانَ لِرَجِيلٍ فِي حَائِطِهِ نَخْلَةٌ وَكَانَ يَصُرُّ بِهِ ، فَشَكَا ذَلِكَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَدَعَاهُ ، فَقَالَ: أُعْطِنِي نَخْلَتَكَ بِنَخْلِهِ فِي الْجَنَّةِ! فَأَبَى .

فَبَلَغَ ذَلِكَ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ يُكْنَى أَبُو الدَّحْدَاحِ ، فَجَاءَ إِلَى صَاحِبِ النَّخْلَةِ ، فَقَالَ: بِعْنِي نَخْلَتَكَ بِحَائِطِي (٥) ، فَبَاعَهُ ، فَجَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، قَدْ اشْتَرَيْتُ نَخْلَةَ فَلَانٍ بِحَائِطِي .

قَالَ: فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَلكَ بَدَلُهَا نَخْلَةٌ فِي الْجَنَّةِ ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ

وَتَعَالَى عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «وَ مَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى * إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى * فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ» يَعْنِي النَّخْلَةَ «وَ اتَّقَى * وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى» بِوَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «فَسَيُسْرُهُ لِيُسْرَى» (٦) . (٧) .

١- التحصين لابن فهد: ص ٢٠ ح ٣٩ عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل ، مستدرک الوسائل: ج ٧ ص ٤٩٩ ح ٨٧٤١ .

٢- فاطر: ٢٩ و ٣٠ .

٣- مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٥٦ ح ٢٦٦٠ ، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠٦ ح ١ .

٤- الليل: ١ .

٥- الحائط: البستان من النخيل إذا كان عليه حائط؛ وهو الجدار (النهاية: ج ١ ص ٤٦٢ «حوط»).

٦- الليل: ٧٣ .

٧- قرب الإسناد: ص ٣٥٥ ح ١٢٧٣ عن البنزطى وراجع تفسير القمى: ج ٢ ص ٤٢٥ ومجمع البيان: ج ١٠ ص ٧٥٩ .

عن أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نزد خداوند ، چیزی خوش تر از بوی دهان روزه داری نیست که به خاطر خدای پروردگار جهانیان ، از خوردن و آشامیدن ، خودداری ورزیده و خدا را بر ماسوای او برگزیده و آخرتش را به دنیایش خریده است .

پس ، اگر می توانی کاری کنی که وقتی مرگ تو را در می رسد ، گرسنه باشی و جگرت تشنه باشد ، چنین کن ؛ زیرا که با این کار ، به عالی ترین منازل می رسی و با نیکان و شهیدان و شایستگان ، همنشین می شوی . وروی النسائی و مسلم و الترمذی و أبو داود و البخاری و امکارم الأخلاق : ابن مسعود [به پیامبر خدا] گفت : پدر و مادرم به فدایت ، ای پیامبر خدا! چگونه تجارت آخرت کنم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «هرگز زبانت را از یاد خدا میاسای ، یعنی این که [پیوسته] بگویی : سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر . این است تجارت سودآور . خدای متعال می فرماید : «به تجارتی امید بسته اند که هرگز کساد نمی شود ، تا مُردهای آنان را به تمام و کمال ، به آنان بدهد و از فضل خویش بر آنان بیفزاید» . عن أهل البيت عليهم السلام: امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه شریف : «و سوگند به شب ، آن گاه که فرو پوشد ...» : مردی در باغ یکی از انصار ، درخت خرمایی داشت و این امر موجب آسیب رسانی [و مزاحمت] وی برای مرد انصاری شده بود . مرد انصاری ، از این موضوع به پیامبر خدا شکایت کرد .

پیامبر صلی الله علیه و آله او را فرا خواند و فرمود : «درخت خرمایت را به درخت خرمایی در بهشت به من بفروش!» ، و [لی] مرد نپذیرفت .

این خبر به گوش مردی دیگر از انصار (معروف به ابو الدحداح) رسید . پس ، نزد صاحب نخل آمد و گفت : درخت خرمایت را به باغ خرمایم می خرم . او بدین صورت ، باغش را فروخت و سپس نزد پیامبر خدا آمد

و گفت : ای پیامبر خدا! نخل فلانی را به [بهای] باغم خریدم .

پیامبر خدا به او فرمود : «به جای آن ، یک نخل در بهشت از آن توست» .

پس ، خداوند متعال ، این آیه را بر پیامبرش صلی الله علیه و آله نازل فرمود : «و سوگند به آن که نر و ماده را آفرید ، همانا تلاش شما پراکنده است . اما آن که عطا کرد ...» یعنی درخت خرما را «... و پروا داشت و پاداش نیکوتر را تصدیق کرد ...» یعنی وعده پیامبر خدا را «... به زودی راه آسانی را پیش پای او خواهیم گذاشت» . .

وروى الترمذى والنسائى وأبو داود وابن ماجه وأحمد عمسند ابن حنبل عن أنس: إِنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ لِفُلَانٍ نَخْلَةً وَأَنَا أُقِيمُ حَائِطِي بِهَا، فَأَمْرُهُ أَنْ يُعْطِنِي حَتَّى أُقِيمَ حَائِطِي بِهَا.

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَعْطِهَا إِيَّاهُ بِنَخْلِهِ فِي الْجَنَّةِ! فَأَبَى.

فَأَتَاهُ أَبُو الدَّحْدَاحِ، فَقَالَ: بِعْنِي نَخْلَتِيكَ بِحَائِطِي، فَفَعَلَ، فَأَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي قَدِ ابْتَعْتُ النِّخْلَةَ بِحَائِطِي، فَاجْعَلْهَا لِي فَقَدْ أُعْطِيْتُهَا.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «كَمْ مِنْ عِدْقٍ رَاحَ لِإِبْنِي الدَّحْدَاحِ فِي الْجَنَّةِ!» قَالَهَا مَرَارًا.

قَالَ: فَأَتَى امْرَأَتَهُ فَقَالَ: يَا أُمَّ الدَّحْدَاحِ اخْرُجِي مِنَ الْحَائِطِ؛ فَإِنِّي قَدْ بَعْتُهُ بِنَخْلِهِ فِي الْجَنَّةِ.

فَقَالَتْ: رَيْحَ الْبَيْعِ أَوْ كَلِمَةً تُشَبِّهُهَا. (١) عن أهل البيت عليهم السلام: الإمام عليّ عليه السلام في تحريضه الناس بصفتين: إِنَّ اللَّهَ دَلَّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ وَتُشْفِي (٢) بِكُمْ عَلَى الْخَيْرِ: الْإِيمَانَ بِاللَّهِ، وَالْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ،

وَجَعَلَ ثَوَابَهُ مَغْفِرَةً لِلذَّنْبِ، وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ، وَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صِيًّا كَأَنَّهُمْ بُيُوتٌ مَرْمُوضَةٌ» (٣). (٤).

١- مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٩٣ ح ١٢٤٨٤، صحيح ابن حبان: ج ١٦ ص ١١٣ ح ٧١٥٩، المستدرک علی الصحیحین: ج

٢ ص ٢٤ ح ٢١٩٤، موارد الظمان: ص ٥٦٤ ح ٢٢٧١، المعجم الكبير: ج ٢٢ ص ٣٠٠ ح ٧٦٣ كلها نحوه.

٢- أشفى على الشيء: أشرف عليه (الصحاح: ج ٦ ص ٢٣٩٤ «شفى»).

٣- الصف: ٤.

٤- الكافي: ج ٥ ص ٣٩ ح ٤ عن مالك بن أعين، الإرشاد: ج ١ ص ٢٦٥، وقعه صفتين: ص ٢٣٥ عن عبد الرحيم بن عبد

الرحمن عن أبيه وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٥٦٢ ح ٤٦٨؛ تاريخ الطبري: ج ٥ ص ١٦ عن أبي عمره الأنصاري نحوه.

وروی ابن ماجه و أبو داود: مسند ابن حنبل به نقل از انس: مردی گفت: ای پیامبر خدا! فلانی درخت خرمايي [در باغ من] دارد و من می خواهم باغم را با آن، دیواربندی کنم. دستور دهید درختش را به من بدهد تا با آن، باغم را دیواربندی کنم.

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «نخلت را، در ازای نخلی در بهشت، به او بده».

آن مرد نپذیرفت.

ابو دَحْداح نزد آن مرد آمد و گفت: نخلت را به باغ خرمايم بفروش.

مرد فروخت.

ابو دَحْداح، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: من آن نخل را به [بهای] باغم خریدم. آن نخل را به آن مرد (صاحب باغ) بدهید؛ زیرا که من آن را به شما [هدیه] می دهم.

پیامبر خدا چند بار فرمود: «چه بسیار خُرْمائِن هایی که در بهشت، از آن ابو دَحْداح شدا!».

ابو دَحْداح، نزد همسرش آمد و گفت: ای اُمّ دَحْداح! باغ را ترک کن؛ زیرا که من آن را به نخلی در بهشت فروختم.

همسرش گفت: سودای سودآوری است (یا جمله ای شبیه به این). عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام در تحریک و ترغیب لشکریان در جنگ صَفَّین: خداوند شما را به تجارتي رهنمون شده که شما را از عذابى دردناك می رهااند و شما

را به خیر، نزدیک می سازد: ایمان آوردن به خدا و جهاد کردن در راه خدا. او پاداش آن را آمرزش گناه و سکونتگاه هایی خوش و پاک در باغ های بهشت قرار داد، و خداوند فرمود: «همانا خدا دوستدار کسانی است که در راه او، صف در صف، جهاد می کنند، چنان که گویی بنایی سُرَبی اند»..

وروى الترمذى وأبو داود عن ابن عمر: عنه عليه السلام: لا-تِجَارَةَ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ. (١) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: الأعمال في الدنيا تجارة الآخرة. (٢) وروى البخارى ومسلم وأبو داود والترمذى والنسائى واعنه عليه السلام: العمل بطاعة الله أربح، ولسان الصدق أزين وأنجح. (٣) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: فى الطاعة كنوز الأرباح. (٤) وروى الترمذى عن أبى هريره: عنه عليه السلام: الطاعة وفعل البر هما المتجر الربح. (٥) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: أطلع تربح. (٦) وروى البخارى ومسلم والترمذى والنسائى عن جابر: عنه عليه السلام: العمل بطاعة الله أربح. (٧) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: فى الإنفراد لعباده الله كنوز الأرباح. (٨) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: من عمل بالحق ربح. (٩).

- ١- نهج البلاغه: الحكمة ١١٣، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٧ ح ٥٦٣، روضه الواعظين: ص ٤٧٥، غرر الحكم: ح ١٠٥٤٥، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٤٠٩ ح ١٢٢؛ مطالب السؤل: ص ٥٧.
- ٢- غرر الحكم: ح ١٣٠٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٧ ح ١١٩٣.
- ٣- غرر الحكم: ح ١٨٦٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٥ ح ١٤٣١ وفيه «أرجح» بدل «أنجح».
- ٤- غرر الحكم: ح ٦٤٤٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥٣ ح ٥٩٥٤.
- ٥- غرر الحكم: ح ٢١٥٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٦٨ ح ١٧١٨.
- ٦- غرر الحكم: ح ٢٢٤١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٧٨ ح ١٨٩٨.
- ٧- غرر الحكم: ح ١٣٢٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٩ ح ٤١٢.
- ٨- غرر الحكم: ح ٦٥٠٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥٤ ح ٥٩٧٩.
- ٩- غرر الحكم: ح ٧٦٩٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٣ ح ٧١٢٧.

وروی فی الموطأ: امام علی علیه السلام: هیچ تجارتی چون کار نیک نیست. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: اعمال در دنیا، تجارت آخرت اند. وروی البخاری و مسلم والنسائی وأبو داود عن ابن عمر: امام علی علیه السلام: عمل کردن به طاعت خداوند، سودمندتر، و زبان راستی (نام نیک)، زینت بخش تر و موفقیت آمیزتر است. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: در طاعت [خداوند]، گنج های سود، نهفته است. وروی مسلم و البخاری و الترمذی عن جابر: امام علی علیه السلام: طاعت [خداوند] و انجام دادن کار نیک، تجارت هایی سودآورند. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: اطاعت [خدا] کن تا سود بری. وروی الترمذی وابن ماجه عن معاذ بن جبل: امام علی علیه السلام: عمل کردن به طاعت خداوند، سودمندترین [تجارت] است. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: در تنهایی عبادت خداوند، گنج های سود، نهفته است. وروی البخاری و مسلم وأبو داود وابن ماجه وأحمد: امام علی علیه السلام: هر که به حق عمل کند، سود می برد.

عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: إذا أملتُم (١) فتأجروا الله بالصّدقهِ. (٢) وروى مسلم والترمذى والنسائى عن ابن عمر: عنه عليه السلام: أزكى المالِ ما اشتري به الآخرة. (٣) وروى البخارى عن ابن عمر: عنه عليه السلام: الصّدقهُ أعظم الرّبحين. (٤) وروى مسلم عن أبى هريره: عنه عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْإِحْسَانِ؛ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ زِرَاعَةٍ وَأَرْبَحُ بِضَاعَةٍ. (٥) عن أهل البيت عليهم السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إِنِّى لَأَمْلِقُ أَحْيَانًا فَتَأَجِرُ اللَّهُ بِالصَّدَقَةِ. (٦) وروى الترمذى وابن ماجه وأحمد عن ابن عمر: الإمام المهدي عليه السلام فى الدُّعَاءِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ الْعَلَوِيِّ الْمِصْرِيِّ: اللَّهُمَّ بِحِكِّ أَعُوذُ وَبِحِكِّ أَلُوذُ... وَمِنْكَ أَسْأَلُ أَنْ تُصَلِّىَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تَزِدَّنِي إِلَّا بِذَنْبٍ مَغْفُورٍ وَسَعَى مَشْكُورٍ وَتِجَارَةٍ لَنْ تَبُورَ. (٧) ٥ / ٣ التّحذيرُ مِنْ اشْتِراءِ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ الْكِتَابِ «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوْا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلا هُمْ يُنصَرُونَ». (٨)

١- الإِملاق: الافتقار (الصّحاح: ج ٤ ص ١٥٥٧ «ملق»).

٢- نهج البلاغه: الحكمة ٢٥٨، عدّه الداعى: ص ٦٠ عن الإمام الصادق عليه السلام، غرر الحكم: ح ٤٠١٩، بحار الأنوار: ج

٩٦ ص ١٣٣ ح ٦٦؛ المئه كلمه للجاحظ: ص ١٠٤ ح ٨٨، المناقب للخوارزمى: ص ٣٧٦ ح ٣٩٥.

٣- غرر الحكم: ح ٣٠٤٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ١١٩ ح ٢٦٩٩.

٤- غرر الحكم: ح ١٦٧٣.

٥- غرر الحكم: ح ٦١١٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٣٤ ح ٥٧٠٤.

٦- كشف الغمّة: ج ٢ ص ٤١٧، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٠٦ ح ٥٤.

٧- مُهَج الدّعوَات: ص ٣٤٩ عن محمّد بن علىّ العلوى المصرى، بحار الأنوار: ج ٩٥ ص ٢٧٨ ح ٣٤ وراجع الفقه المنسوب

للإمام الرضا عليه السلام: ص ٤٠٤.

٨- البقره: ٨٦.

۳ / ۵ زنهاردھی از سودا کردنِ آخرت به دنیا

عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: هر گاه فقیر شدید ، به وسیله صدقه دادن ، با خدا سودا کنید. وروی البخاری عن أبي ذر: امام علی علیه السلام: پاک ترین (/بالنده ترین) مال ، مالی است که با آن ، آخرت خریده شود. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: صدقه ، بزرگ ترین سوداست. وروی البخاری و مسلم و النسائی و أبو داود و ابن ماجه امام علی علیه السلام: احسان کنید که آن ، برترین کشت و سود آورترین کالا- (سرمایه) است. عن أهل البيت عليهم السلام: امام صادق علیه السلام: من گاهی اوقات ، تنگ دست می شوم و [برای رفع تنگ دستی خود ،] با صدقه دادن ، به تجارت با خداوند می پردازم. عن أهل البيت عليهم السلام: امام مهدی علیه السلام در دعای معروف به دعای علوی مصری: بارخدا یا! به تو پناه می برم و دست به دامن تو می شوم ... و از تو درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا از درگاہت برمگردانی ، مگر با آمرزش گناهم و پذیرفته شدن تلاشم و [نیز با] تجارتي که هرگز کساد نمی شود. ۵ / ۳ زنهاردھی از سودا کردنِ آخرت به دنیا قرآن «آنان ، کسانی هستند که زندگی دنیا را به جهان دیگر خریدند . پس نه عذابشان سبک می گردد و نه آنان یاری می شوند» .

الحدِيثُ عَنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بَشَّرَ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِالسَّنَاءِ وَالرَّفْعَةِ وَالذِّينِ وَالنَّصْرِ وَالتَّمَكِينِ فِي الْأَرْضِ؛ فَمَنْ عَمَلَ مِنْهُمْ عَمَلَ الْآخِرَةِ لِلدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ نَصِيبٌ. (١) وروى مسلم وأبو داود وابن ماجه عن أبي هريره، يقول للإمام علي عليه السلام: إِيَّاكَ أَنْ تَبِيعَ حَظَّكَ مِنْ رَبِّكَ وَزُلْفَتَكَ (٢) لَدَيْهِ بِحَقِيرٍ مِنْ حُطَامِ الدُّنْيَا. (٣) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: لا- يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاسْتِصْلَاحِ دُنْيَاهُمْ ، إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ. (٤) وروى الترمذى عن ابن خزيمة: عنه عليه السلام: لا تَبِيعُوا الْآخِرَةَ بِالدُّنْيَا ، وَلَا تَسْتَبَدُّوا الْفَنَاءَ بِالْبَقَاءِ. (٥) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنَّكُمْ إِنْ آثَرْتُمْ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ أَسْرَعْتُمْ إِجَابَتَهَا إِلَى الْعَرَضِ الْأَدْنَى ، وَرَحَلَتْ مَطَايَا آمَالِكُمْ إِلَى الْغَايَةِ الْقُصْوَى ، تَوَرَّدُ مَنَاهِلَ عَاقِبَتِهَا النَّدْمُ ، وَتُذَيِّقُكُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِالْأُمَّمِ الْخَالِيَةِ وَالْقُرُونِ الْمَاضِيَةِ ؛ مِنْ تَغْيِيرِ الْحَالَاتِ وَتَكُونِ الْمَثَلَاتِ (٦). (٧) وروى أنس والترمذى وابن ماجه وأبو داود عن الحسن بنعنه عليه السلام: لَيْسَ عَنِ الْآخِرَةِ عَوَاضٌ ، وَلَيْسَتِ الدُّنْيَا لِلنَّفْسِ بَثْمَنٍ. (٨).

- ١- مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٤٤ ح ٢١٢٧٨ ، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٤٦ ح ٧٨٦٢ ، شعب الإيمان: ج ٥ ص ٣٣٤ ح ٦٨٣٣ ، حليه الأولياء: ج ١ ص ٢٥٥ نحوه وكلها عن أبي بن كعب ، كنز العمال: ج ١٢ ص ١٥٧ ح ٣٤٤٦٥ ؛ إعلام الوری: ج ١ ص ٨٩ عن أبي بن كعب ، مجمع البيان: ج ٥ ص ٢٢٤ نحوه .
- ٢- الزُّلْفَةُ وَالرُّلْفَى: الْقُرْبَةُ وَالْمَنْزَلَةُ (الصَّحَاحُ: ج ٤ ص ١٣٧٠ «زلف»).
- ٣- غرر الحكم: ح ٢٧٠١ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٩٨ ح ٢٢٦٣ .
- ٤- نهج البلاغه: الحكمه ١٠٦ ، خصائص الأئمه عليهم السلام: ص ٩٧ ، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ١٠٧ ح ٥ .
- ٥- غرر الحكم: ح ١٠٣٣٥ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢٤ ح ٩٥٤٥ وفيه «البقاء بالفناء» بدل «الفناء بالبقاء» .
- ٦- المَثَلَاتُ: عَقُوبَاتُ أَمْثَالِهِمْ مِنَ الْمَكْذِبِينَ . يُقَالُ: الْمَثَلَاتُ: الْأَشْبَاهُ وَالْأَمْثَالُ مِمَّا يُعْتَبَرُ بِهِ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٧١ «مثل»).
- ٧- تحف العقول: ص ٢٢١ ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٦٠ ح ١٣٧ .
- ٨- غرر الحكم: ح ٧٥٠٢ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤١١ ح ٦٩٩٩ .

حدیث‌رویی مسلم و الترمذی وابن ماجه و أحمد عن جابر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بشارت باد این امت را به بلندی و عظمت و دین و پیروزی و قدرت یافتن در زمین! پس، هر که از آنان کار آخرت را برای دنیا انجام دهد، در آخرت، او را نصیبی نخواهد بود. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: زنهاری که بهره ات از پروردگارت و قرب و منزلت در نزد او را به متاع کوچک دنیا بفروشی! ورویی أحمد عن أبي هريره: امام علی علیه السلام: مردم، امری از امور دین خود را به خاطر آباد کردن دنیایشان فرو نمی گذارند، مگر آن که خداوند، زیانبارتر از آن را برایشان می گشاید. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: آخرت را به دنیا بفروشید و بقا (آخرت) را با فنا (دنیا) عوض نکنید. ورویی الترمذی و مسلم والموطأ وابن ماجه عن أبي هريره: امام علی علیه السلام: ای مردم! شما اگر دنیا را بر آخرت برگزینید، در [قبول] کالای پست و بی ارزش آن، به آن، زود پاسخ داده اید و مرکب آرزوهایتان را تا دورترین مقصد تازانده اید، و آن، شما را به آبشخورهایی می برد که فرجامش پشیمانی است و طعم دگرگونی حالات و کیف‌هایی را که به امت های پیشین و نسل های گذشته چشانید، به شما نیز می چشانند. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: آخرت، عوض ندارد و دنیا، بهای جان [آدمی] نیست. .

وروى أبو داود عن بريره: عنه عليه السلام: اسْتَغْرِغَ جَهْدَكَ لِمَعَادِكَ تُصْلِحَ مَثْوَاكَ ، وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ. (١) و- أيضاً: عنه عليه السلام: أصْلِحْ مَثْوَاكَ ، وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ. (٢) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام: لَيْسَ الْمَتَجَرُّ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ تَمْنَا وَمِمَّا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عِوَضًا. (٣) وروى ابن ماجه عن جابر: عنه عليه السلام: مَنْ أَغْبَنَ مِمَّنْ بَاعَ الْبَقَاءَ بِالْفَنَاءِ؟! (٤) و- أيضاً: الإمام على عليه السلام: مَنْ أَخْسِرُ مِمَّنْ تَعَوَّضَ عَنِ الْآخِرَةِ بِالدُّنْيَا؟! (٥) وروى أحمد في المسند: عنه عليه السلام: أَخْسِرُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ الدُّنْيَا عِوَضًا عَنِ الْآخِرَةِ. (٦) عن أهل البيت عليهم السلام: عَنْ بَاعِ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ خَسِرَهُمَا. (٧) وروى أحمد في المسند وابن ماجه عن ابن عمر: الإمام الصادق عليه السلام: «وَلَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ بِالْعَذَابِ ، إِذْ بَاعُوا الْآخِرَةَ بِالدُّنْيَا وَرَهَنُوا بِالْعَذَابِ الدَّائِمِ أَنْفُسَهُمْ «لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (٨) أَنَّهُمْ قَدْ بَاعُوا أَنْفُسَهُمْ بِالْعَذَابِ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ ذَلِكَ لِكُفْرِهِمْ بِهِ ، فَلَمَّا تَرَكُوا النَّظَرَ فِي حُجَّجِ اللَّهِ حَتَّى يَعْلَمُوا ، عَذَّبَهُمْ عَلَى اعْتِقَادِهِمُ الْبَاطِلَ وَجَحْدِهِمُ الْحَقَّ. (٩) روى أهل البيت عليهم السلام: عنه عليه السلام في زيارته الإمام الحسين عليه السلام يَوْمَ الْأَرْبَعِينَ: اللَّهُمَّ ، إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ... بِذَلِكَ مُهَجَّتَهُ فَيْكَ لَيْسَتْ عِبَادَتُكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرُهُ الضَّلَالَةِ ، وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَن غَرَّتَهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَى . (١٠) .

- ١- غرر الحكم : ح ٢٤١١ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٨٥ ح ٢٠٥٢ .
- ٢- نهج البلاغه : الكتاب ٣١ ، تحف العقول : ص ٦٩ ، كشف المحجبه : ص ٢٢٢ عن عمر بن أبي المقدم عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٢١٧ ح ٢ .
- ٣- نهج البلاغه : الخطبه ٣٢ ، غرر الحكم : ح ٧٣٥٥ وفيه «ليس» بدل «لبس» ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٠٤ ح ٦٨٤٥ .
- ٤- غرر الحكم : ح ٨٥٠٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤٩ ح ٧٩٨٧ .
- ٥- غرر الحكم : ح ٨٥٠٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٤٤٩ ح ٧٩٨٨ .
- ٦- غرر الحكم : ح ٣٠٧٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٢٠ ح ٢٧٣٠ .
- ٧- غرر الحكم : ح ٨٢٣٧ ؛ مطالب السؤل : ص ٤٨ .
- ٨- البقره: ١٠٢ .
- ٩- عيون أخبار الرضا : ج ١ ص ٢٦٩ ح ١ عن محمّد بن زياد ومحمّد بن سيار عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص ٤٧٥ ح ٣٠٤ ، بحار الأنوار : ج ٥٩ ص ٣٢١ ح ٣ .
- ١٠- تهذيب الأحكام : ج ٦ ص ١١٣ ح ٢٠١ ، مصباح المتهجد : ص ٧٨٨ ح ٨٥٧ كلاهما عن صفوان بن مهران ، بحار الأنوار : ج ١٠١ ص ٣٣١ ح ٢ .

وروی أحمد عن علی: امام علی علیه السلام: نیرویت را صرف معادت کن تا جایگاه [ابدی] خود را آباد کنی ، و آخرت را به دنیایت بفروش. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: خویش را آباد کن و آخرت را به دنیایت بفروش. ورووی مسلم عن عائشه: امام علی علیه السلام: بد تجارتمی است این که دنیا را بهای جانت و عوضی که نزد خدا داری ، بدانی! و-أيضاً-: امام علی علیه السلام: کیست مغبون تر از کسی که بقا [و آخرت جاویدان] را به فنا [و دنیای گذرا] بفروشد؟ ورووی أحمد عن أنس: امام علی علیه السلام: کیست زیان دیده تر از کسی که آخرت را با دنیا عوض کرد؟! روی أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: زیانکارترین مردم ، کسی است که به جای آخرت ، به دنیا رضایت داد. ورووی الترمذی عن علی: امام علی علیه السلام: کسی که آخرتش را به دنیایش بفروشد ، هر دو را باخته است. ورووی مسلم و البخاری و أبو داود وابن ماجه عن عائشه: امام صادق علیه السلام : «چه بد است آنچه جان هایشان را به آن فروختند» ، یعنی به عذاب ؛ زیرا که آخرت را به دنیا فروختند و جان هایشان را به گرو عذاب همیشه دادند . (ای کاش می دانستند) که جان هایشان را به عذاب فروخته اند؛ اما به دلیل کافر بودنشان به آن (عذاب) ، این را [که جان خود را به بد چیزی فروخته اند ، نمی دانند .

پس ، چون اندیشیدن در حجت های خدا را فرو نهادند تا [در نتیجه این اندیشه و تأمل ، این حقیقت را] بدانند ، خداوند آنان را به سبب اعتقاد باطلشان و انکار حق ، عذاب کرد. عن أهل البيت عليهم السلام: امام صادق علیه السلام در زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین: بارخدا یا! من گواهی می دهم که آن بزرگوار ... خون خود را در راه تو نثار کرد تا بندگانت را از

جهالت و سرگشتگی گم راهی برهاند ، در حالی که آنان که دنیا فریبشان داد و بهره خود [از آخرت] را به [دنیای] پست فروختند ، علیه او همیار شدند .

روى الترمذى ومسلم والبخارى وأبو داود وأحمد عن ابنعنه عليه السلام فى زيارته الإمام الحسين عليه السلام: فَأَعْدَرَ فِى الدُّعَاءِ ، وَيَذَلُّ مُهَجَّتَهُ فَيْكَ... حَتَّى ثَارَ عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِكَ مَنْ عَرَّتَهُ الدُّنْيَا ، وَبَاعَ الْآخِرَةَ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ (١) . (٢) روى أهل البيت عليهم السلام:الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالدُّنْيَا فَقَدْ رَضِيَ بِالْخَسِيسِ . (٣) وروى البخارى ومسلم وأبو داود والترمذى والنسائى والكافى عن علي بن عيسى رفعه: إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاجَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ لَهُ فِى مُنَاجَاتِهِ : ... يَا مُوسَى ، الدُّنْيَا نُطْفَةٌ (٤) لَيْسَتْ بِثَوَابٍ لِلْمُؤْمِنِ وَلَا- نَقْمَةٍ مِنْ فَاجِرٍ ؛ فَالْوَيْلُ الطَّوِيلُ لِمَنْ بَاعَ ثَوَابَ مَعَادِهِ بِلَعَقِهِ لَمْ تَبَقْ ، وَبِلَعْسِهِ (٥) لَمْ تَدُمْ . (٦) راجع : ج ١ ص ٢٢٤ (حقيقه الدنيا الذميمة / إثارة الدنيا على الآخرة)

و ٤٤٤ (مضار حَبِّ الدنيا / خسران الدنيا والآخرة) .

- ١- الثمن الأوكس : الأنقص (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٩٦٩ «وكس»).
- ٢- كامل الزيارات : ص ٤٠١ ح ٦٣٩ عن أبى حمزه الثمالى ، تهذيب الأحكام : ج ٦ ص ٥٩ ح ١٣١ ، المزار الكبير : ص ٣٧٦ كلاهما من دون إسنادٍ إلى المعصوم نحوه ، بحار الأنوار : ج ١٠١ ص ١٧٧ ح ٣٠ .
- ٣- تحف العقول : ص ٣٩١ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ٣٠٦ ح ١ .
- ٤- الدنيا نُطْفَةٌ : أى ماء قليل مكدر . قال فى القاموس : النُّطْفَةُ بالضَّمِّ : الماء الصافى قَلٌّ أو كَثْرٌ ، أو قليل ماء يبقى فى دلو أو قربه . أى الدنيا شىء قليل ؛ لا يصلح نعمتها لحقارتها أن تكون ثوابا للمؤمن ، ولا بلاؤها وشدتها لقلتها أن تكون عذابا وانتقاما من فاجر (مرآة العقول : ج ٢٥ ص ١٠٣) .
- ٥- اللُّغْسُ بالفتح : العَضُّ ، والمراد هنا ما يقطعه بأسنانه من شىء مأكول مرّه واحده (مرآة العقول : ج ٢٥ ص ١٠٣) .
- ٦- الكافى : ج ٨ ص ٤٧ ٤٢ ح ٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ٣٧ ح ٧ .

عن أهل البيت عليهم السلام: امام صادق عليه السلام در زیارت امام حسین علیه السلام: پس ، با دعوت [مردم به حق]، [حجّت را تمام کرد و خون و جان خود را در راه تو بخشید ... تا آن که کسانی از خلق تو که دنیا فریشان داد و آخرت را به کمترین بها فروختند ، بر او شوریدند. عن أهل البيت عليهم السلام: امام کاظم علیه السلام: کسی که از خداوند به دنیا رضایت دهد ، به پست ، رضایت داده است. وروی البخاری وابن ماجه والترمذی وأبو داود عن أبيالكافی به نقل از علی بن عیسی ، از معصوم علیه السلام: خداوند متعال با موسی نجوا کرد و در نجوایش با او گفت : « ... ای موسی! دنیا ، اندک آبی تیره است ؛ نه پاداشی [در خور] برای مؤمن و نه کیفری [مناسب] برای بی ایمان است . پس ، وای و صد وای بر کسی که پاداش معادش را به لیسیدنی ناماندگار و گاز زدنی ناپایدار فروخت! . ک: ج ۱ ص ۲۲۵ (حقیقت دنیای نکوهیده / ترجیح دنیا بر آخرت)

و ۴۴۵ (زیان های دنیادوستی / باختن در دنیا و آخرت) .

٥ / ٤٤ ذم من باع آخرته بدنيا غير هروى أهل البيت عليهم السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: شرُّ النَّاسِ مَنْ باعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا، وَشَرُّ مَنْ ذَلِكُمْ مَنْ باعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ. (١) عن أهل البيت عليهم السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ زِدَامَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ، رَجُلٌ باعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ. (٢) وروى البخارى ومسلم والترمذى وابن ماجه وأبو داود وعنه صلى الله عليه وآله: شرُّ النَّاسِ مَنْ تَأَذَى بِهِ النَّاسُ، وَشَرُّ مَنْ ذَلِكُمْ مَنْ أَكْرَمَهُ النَّاسُ اتِّقَاءَ شَرِّهِ، وَشَرُّ مَنْ ذَلِكُمْ مَنْ باعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ. (٣) و- أيضاً: الإمام على عليه السلام: قِوَامُ الدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ: بِعَالِمٍ مُسْتَعْمِلٍ لِعِلْمِهِ، وَبِعَيْنٍ باذِلٍ لِمَعْرُوفِهِ، وَبِجَاهِلٍ لا يَتَكَبَّرُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَبِفَقِيرٍ لا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ.

وإذا عَطَلَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، وَأَمْسَكَ الْعَيْنِيُّ مَعْرُوفَهُ، وَتَكَبَّرَ الْجَاهِلُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَبَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ فَعَلَيْهِمُ الثُّبُورُ (٤). (٥).

- ١- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٥٣ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣١٩ ح ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام على عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤٦ ح ٣.
- ٢- التاريخ الكبير: ج ٦ ص ١٢٨ عن أبي هريره، كنز العمال: ج ٣ ص ٥١٠ ح ٧٦٦٠.
- ٣- الاختصاص: ص ٢٤٣، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٢٨١ ح ٧ وراجع كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٥٣ ح ٥٧٦٢ و مستطرفات السرائر: ص ١١١ ح ١.
- ٤- الثُّبُور: الهلاك (النهايه: ج ١ ص ٢٠٦ «ثبر»).
- ٥- تحف العقول: ص ٢٢٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٦٢ ح ١٤٣.

۴ / ۵ نکوهش آن که آخرتش را به دنیای دیگران بفروشد

۴ / ۵ نکوهش آن که آخرتش را به دنیای دیگران بفروشد عن أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین مردم ، کسی است که آخرتش را به دنیایش بفروشد ، و بدتر از او ، کسی است که آخرت خویش را برای دنیای دیگری بفروشد. و روی الطبرانی فی الکبیر عن عمر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پرندامت ترین مردم در روز قیامت ، مردی است که آخرتش را برای دنیای دیگری بفروشد. عن أهل البيت عليهم السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین مردم ، کسی است که مردم از او آزار ببینند ، و از او بدتر ، کسی است که مردم از بیم گزندش ، به او احترام بنهند ، و از او بدتر ، کسی است که دینش را برای دنیای دیگری بفروشد. و روی الترمذی وابن ماجه عن عمر بن الأحوص: امام علی علیه السلام: استواری دنیا ، به چهار چیز است : عالمی که علمش را به کار می گیرد ، توانگری که نیکی (بخشش) می کند ، نادانی که از آموختن تکبر نمی ورزد ، و ناداری که آخرتش را برای دنیای دیگری نمی فروشد.

هر گاه عالم ، علمش را به کار نیندد و توانگر ، از نیکی (بخشش) دریغ کند و نادان از آموختن تکبر ورزد و نادار ، آخرتش را برای دنیای دیگری بفروشد ، نابودی گریبانگیرشان می شود.

و-أيضاً-:عنه عليه السلام لَمَّا قِيلَ لَهُ: أَيُّ الْخَلْقِ أَشَقَى؟ : مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ . (١)وروى النسائي وأبو داود عن معقل بن يسار:عنه عليه السلام :بَشَسَ الرَّجُلُ مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ . (٢) رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيهِمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صِنَاعًا .

-
- ١- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج ٤ ص ٣٨٣ ح ٥٨٣٣ ، معانى الأخبار : ص ١٩٨ ح ٤ ، الأمالى للصدوق : ص ٤٧٨ ح ٦٤٤ ، الأمالى للطوسى : ص ٤٣٥ ح ٩٧٤ كلها عن عبد الله بن بكر [بكران] المرادى عن الإمام الكاظم عن آباءه عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٧٤ عن الإمام زين العابدين عنه عليهما السلام وفيه «آخרתه» بدل «دينه» ، بحار الأنوار : ج ٧٥ ص ٣٠١ ح ١ .
- ٢- .غرر الحكم : ح ٤٤٠٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ١٩٣ ح ٣٩٦٩ .

وروی الطبرانی فی المعجم عن ابن مسعود: امام علی علیه السلام در پاسخ این پرسش که: شقاوتمندترین مردم کیست؟ : کسی که دینش را برای دنیای دیگری بفروشد. عن أهل البيت عليهم السلام: امام علی علیه السلام: بد مردی است کسی که دینش را برای دنیای دیگری می فروشد! پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن؛ و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما؛ و ما را از عذاب آتش، نگاه دار. پروردگارا! ما را از زیانکارترین مردم، قرار مده؛ آنها تلاش هایشان در زندگی دنیا گم شده است و با این حال، می پندارند که کار نیک انجام می دهند.

ص: ٤٠٠

..

ص: ٤٠١

..

ص: ٤٠٧

..

ص: ٤٠٩

..

ص: ٤١١

..

ص: ٤١٢

..

ص: ۴۱۳

..

ص: ٤١٧

..

ص: ٤١٨

..

فهرس المنابع والمآخذ ١. الاختصاص ، المنسوب إلى أبي عبدالله محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ) ، تحقيق : علي أكبر الغفاري ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، الطبعة الرابعه ، ١٤١٤ هـ . ٢. الإرشاد فى معرفه حجج الله على العباد ، أبو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ) تحقيق : مؤسسسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسسه آل البيت عليهم السلام ، الطبعة الأولى ، ١٤١٣ هـ . ٣. أعلام الدين فى صفات المؤمنين ، أبو محمد الحسن بن أبى الحسن الديلمى (ت ٧١١ هـ) ، تحقيق : مؤسسسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسسه آل البيت عليهم السلام ، الطبعة الثانيه ، ١٤١٤ هـ . ٤. إلام الورى بأعلام الهدى ، أبو على الفضل بن الحسن الطبرسى (ت ٥٤٨ هـ) ، تحقيق : علي أكبر الغفاري ، بيروت : دارالمعرفه ، الطبعة الأولى ، ١٣٩٩ هـ . ٥. الإقبال بالأعمال الحسنه فيما يعمل مره فى السنه ، أبو القاسم على بن موسى الحللى الحسنى المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ) ، تحقيق : جواد القيومى ، قم : مكتب الإلام الإسلامى ، الطبعة الأولى ، ١٤١٤ هـ . ٦. أمالى الشجرى ، يحيى بن الحسين الشجرى (ت ٤٩٩ هـ) ، بيروت : عالم الكتب ، الطبعة الثالثه ، ١٤٠٣ هـ . ٧. أمالى الطوسى ، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسى (ت ٤٦٠ هـ) ، تحقيق : مؤسسسه البعثه ، قم : دارالثقافه ، الطبعة الأولى ، ١٤١٤ هـ .

٨. أمالي الصدوق ، أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن بابويه القمّي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، بيروت : مؤسّسه الأعلّمي ، الطبعة الخامسة ، ١٤٠٠ هـ . ٩ . أمالي المفيد ، أبو عبد الله محمّد بن النعمان العكبري البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ) ، تحقيق: حسين أستاذ ولي ، وعليّ أكبر الغفّاري ، قم : مؤسسه النشر الإسلامي ، الطبعة الثانية ، ١٤٠٤ هـ . ١٠ . بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار عليهم السلام ، محمّد باقر بن محمّد تقي المجلسي (ت ١١١٠ هـ) ، تحقيق : دار إحياء التراث ، بيروت : دار إحياء التراث ، الطبعة الأولى ، ١٤١٢ هـ . ١١ . البلد الأمين ، تقيّ الدين إبراهيم بن زين الدين الحارثي الهمداني المعروف بالكفعمي (ت ٩٠٥ هـ) . ١٢ . تاج العروس من جواهر القاموس ، محمّد بن محمّد مرتضى الحسيني الزبيدي (ت ١٢٠٥ هـ) ، تحقيق : عليّ الشيرى ، بيروت : دار الفكر . تاريخ الأمم والملوك = تاريخ الطبري . تاريخ دمشق = تاريخ مدينة دمشق . ١٣ . تاريخ الطبري (تاريخ الأمم والملوك) ، أبو جعفر محمّد بن جرير الطبري الإمامي (ق ٥ هـ) ، تحقيق : محمّد أبو الفضل إبراهيم ، بيروت : دار المعارف . ١٤ . التاريخ الكبير ، أبو عبد الله محمّد بن إسماعيل البخاري (ت ٢٥٦ هـ) ، بيروت : دار الفكر . ١٥ . تاريخ مدينة دمشق ، عليّ بن الحسن ابن عساكر الدمشقي ، تحقيق: عليّ شيرى ، بيروت : دار الفكر ، ١٤١٥ هـ . ١٦ . التحصين لابن طاووس ، عليّ بن الطاووس الحلّي (ت ٦٦٤ هـ) ، قم : دار الكتاب ، ١٤١٣ هـ . ١٧ . تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه وآله ، أبو محمّد الحسن بن عليّ الحراني المعروف بابن شعبه (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق: عليّ أكبر الغفّاري ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامي ، الطبعة الثانية ١٤٠٤ هـ . ١٨ . تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم) ، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير البصروي الدمشقي (ت ٧٧٤ هـ) ، تحقيق : عبدالعظيم غيم ، ومحمّد أحمد عاشور ، ومحمّد إبراهيم البنا ، القاهرة : دار الشعب . ١٩ . تفسير القمّي ، عليّ بن إبراهيم القمّي ، تصحيح : السيّد طيّب الموسوي الجزائري ، النجف : مطبعة النجف .

٢٠. تفسير الطبري (جامع البيان عن تأويل آي القرآن)، أبو جعفر محمد بن جرير الطبري (٣١٠ هـ)، بيروت: دار الفكر . ٢١ .
- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام، تحقيق: مؤسسه الإمام المهدي عج، قم: مؤسسه الإمام المهدي عج، الطبعة الأولى، ١٤٠٩ هـ . ٢٢ . تنبيه الخواطر ونزهه النواظر (مجموعه ورام)، أبو الحسين ورام بن أبي فراس (ت ٦٠٥ هـ)، بيروت: دارالتعارف ودار صعب . ٢٣ . تنبيه الغافلين، أبو الليث نصر بن محمد السمرقندي (ت ٣٧٢ هـ)، تحقيق: يوسف علي بدوي، بيروت: دار ابن كثير، الطبعة الأولى، ١٤١٣ هـ . ٢٤ . التهذيب (تهذيب الأحكام في شرح المقنعه)، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ . ق)، بيروت: دارالتعارف، الطبعة الأولى ١٤٠١ هـ . ٢٥ . تهذيب تاريخ دمشق الكبير، أبو القاسم علي بن الحسين بن هبة الله المعروف بابن عساكر الدمشقي (ت ٥٧١ هـ)، تحقيق: عبدالقادر بدران، بيروت: دار إحياء التراث العربي، الطبعة الثالثة ١٤٠٧ هـ . ٢٦ . تهذيب الكمال في أسماء الرجال، يونس بن عبدالرحمن المزي (ت ٧٤٢ هـ . ق)، تحقيق: الدكتور بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسه الرساله، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ . ٢٧ . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، طهران: مكتبه الصدوق . ٢٨ . جامع الأخبار أو معارج اليقين في أصول الدين، محمد بن محمد الشعيري السبزواري (ق ٥٧ هـ) تحقيق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، الطبعة الأولى، ١٤١٤ هـ . ٢٩ . الجعفریات = الأشعثيات، أبو الحسن محمد بن محمد بن الأشعث الكوفي (ق ٤ هـ)، طهران: مكتبه نينوى، طبع في ضمن قرب الإسناد . ٣٠ . حليه الأولياء وطبقات الأصفياء، أبو نعيم أحمد بن عبدالله الأصبهاني (ت ٤٣٠ هـ)، بيروت: دارالكتاب العربي، الطبعة الثانية، ١٣٨٧ هـ . ٣١ . خصائص الأنمه عليهم السلام، أبو الحسن الشريف الرضي محمد بن الحسين بن موسى الموسوي (ت ٤٠٦ هـ)، تحقيق: محمد هادي الأميني، مشهد: آستان قدس رضوى .

٣٢. الخصال ، أبو جعفر محمد بن عليّ بن الحسين بن بابويه القميّ المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق : عليّ أكبر الغفاري ، بيروت : مؤسسه الأعلمي ، الطبعة الأولى ، ١٤١٠ هـ . ٣٣. الدرّ المنثور في التفسير المأثور ، جلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر السيوطي (ت ٩١١ هـ) ، بيروت : دارالفكر ، الطبعة الأولى ، ١٤١٤ هـ . ٣٤. ربيع الأبرار ونصوص الأخبار ، أبو القاسم محمود بن عمر الزمخشري (ت ٥٣٨ هـ) ، تحقيق : سليم النعيمي ، قم : منشورات الرضى ، الطبعة الأولى ، ١٤١٠ هـ . ٣٥. روضه الواعظين ، محمّد بن الحسن بن عليّ الفتيال النيسابوري (ت ٥٠٨ هـ) ، تحقيق : حسين الأعلمي ، بيروت : مؤسسه الأعلمي ، الطبعة الأولى ، ١٤٠٦ هـ . ٣٦. زاد المسير في علم التفسير ، عبدالرحمان بن علي القرشي البغدادي (ابن الجوزي) (م ٥٧٧ق) ، تحقيق : محمّد عبدالله ، بيروت : دارالفكر ، ١٤٠٧ ق ، الطبعة الأولى . ٣٧. الزهد ، أبو عبد الله أحمد بن محمّد بن حنبل الشيباني (ت ٢٤١ هـ) ، بيروت : دار الكتب العلميّه . ٣٨. الزهد ، أبو عبد الله بن المبارك الحنظلي المروزي (ت ١٨١ هـ) ، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمي ، بيروت : دار الكتب العلميّه . ٣٩. الزهد ، أبو محمّد الحسين بن سعيد الكوفي الأهوازي (ت ٢٥٠ هـ) ، تحقيق : غلام رضا عرفانيان ، قم : حسينيان ، الطبعة الثانيه ، ١٤٠٢ هـ . ٤٠. الزهد ، هناد بن السريّ الكوفي (ت ٢٤٣ هـ) تحقيق : عبدالرحمان الفريوائي ، الكويت : دار الخلفاء لكتاب الإسلامى ، الطبعة الأولى ، ١٤٠٦ هـ . ٤١. سعد السعود ، أبو القاسم عليّ بن موسى الحلّي المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ) ، قم : مكتبه الرضى ، الطبعة الأولى ، ١٣٦٣ هـ . ش . ٤٢. سنن الترمذى (الجامع الصحيح) . أبو عيسى محمّد بن عيسى بن سوره الترمذى (ت ٢٧٩) ، تحقيق : أحمد محمّد شاكر ، بيروت : دار احياء التراث . ٤٣. سنن الدارمي ، أبو محمّد عبدالله بن عبدالرحمن الدارمي (ت ٢٥٥ هـ) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، بيروت : دار العلم . ٤٤. السنن الكبرى ، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي ، تحقيق : عبد الغفار سليمان البنداري ، بيروت : دار الكتب العلميّه ، الطبعة الأولى ، ١٤١١ هـ . ٤٥. السنن الكبرى ، أبو بكر أحمد بن الحسين بن عليّ البيهقي (ت ٤٥٨ هـ) ، تحقيق : محمّد عبدالقادر عطا ، بيروت : دارالكتب العلميّه ، الطبعة الأولى ، ١٤١٤ هـ .

٤٦. سير أعلام النبلاء ، أبو عبدالله محمد بن أحمد الذهبي (ت ٧٤٨ هـ) ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط ، بيروت : مؤسسه الرساله ، الطبعة العاشره ١٤١٤ هـ . ٤٧ . شرح نهج البلاغه ، كمال الدين ميثم بن علي بن ميثم البحراني ، تصحيح : عدده من الأفاضل ، بيروت : دار الآثار للنشر ودارالعالم الاسلامي ، ١٤٠٢ هـ . ٤٨ . شرح نهج البلاغه ، عز الدين عبدالحميد بن محمد بن أبي الحديد المعتزلي المعروف بابن أبي الحديد (ت ٦٥٦ هـ) ، تحقيق : محمد أبو الفضل إبراهيم ، بيروت : دار إحياء التراث ، الطبعة الثانيه ، ١٣٨٧ هـ . ٤٩ . شعب الإيمان ، أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقي (ت ٤٥٨ هـ) ، تحقيق : محمد السعيد بسيوني زغلول ، بيروت : دار الكتب العلميه ، الطبعة الأولى ، ١٤١٠ هـ . ٥٠ . الصحاح تاج اللغة وصحاح العربيّه ، أبو نصر إسماعيل بن حمّاد الجوهري (ت ٣٩٨ هـ) ، تحقيق : أحمد بن عبد الغفور عطار ، بيروت : دار العلم للملايين ، الطبعة الرابعه ١٤١٠ هـ . ٥١ . صحيح ابن حبان ، علي بن بلبان الفارسي المعروف بابن بلبان (ت ٧٣٩ هـ) ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط ، بيروت : مؤسسه الرساله ، الطبعة الثانيه ، ١٤١٤ هـ . ٥٢ . صحيح البخاري ، أبو عبدالله محمد بن إسماعيل البخاري (ت ٢٥٦ هـ) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، بيروت : دار ابن كثير ، الطبعة الرابعه ١٤١٠ هـ . ٥٣ . صحيح مسلم ، أبو الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري (ت ٢٦١ هـ) ، تحقيق : محمد فؤاد عبدالباقي ، القاهره : دارالحديث ، الطبعة الأولى ، ١٤١٢ هـ . ٥٤ . الصحيفه السجاديّه ، الإمام زين العابدين عليه السلام ، تحقيق : علي أنصاريان ، المستشاريه الثقافيه دمشق . ٥٥ . الطبقات الكبرى ، محمد بن سعد كاتب الواقدي (ت ٢٣٠ هـ) ، بيروت : دار صادر . ٥٦ . عدّه الداعي و نجاه الساعى ، أبو العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلّي الأسدي (ت ٨٤١ هـ) ، تحقيق : أحمد مؤخّدي ، طهران : مكتبه وجدانى . ٥٧ . العين ، أبو عبد الرحمن الخليل بن أحمد الفراهيدي (ت ١٧٥ هـ) ، تحقيق : مهديالمخزومي ، قم : دار الهجرة ، الطبعة الأولى ، ١٤٠٩ هـ . ٥٨ . عيون الحكم والمواعظ ، أبو الحسن علي بن محمد الليثي الواسطي (قرن ٦ هـ) ، تحقيق : حسين الحسنى البيرجندى ، قم : دار الحديث ، الطبعة الأولى ، ١٣٧٦ هـ . ش .

٥٩. الغارات ، أبو إسحاق إبراهيم بن محمّد بن سعيد المعروف بابن هلال الثقفي (ت ٢٨٣ هـ) ، تحقيق : السيّد جلال الدين المحدّث الأرموى ، طهران : أنجمن آثار ملّی ، الطبعة الأولى ، ١٣٩٥ هـ . ٦٠ . غرر الحكم ودرر الكلم ، عبدالواحد الآمدی التیمی (ت ٥٥٥٠ هـ) ، تحقيق : مير سيّد جلال الدين محدّث الأرموى ، طهران : جامعه طهران ، الطبعة الثالثة ، ١٣٦٠ هـ . ش . ٦١ . فتح الباری شرح صحيح البخاری ، أحمد بن على العسقلانی (ابن حجر) (م ٨٥٢ق) ، تحقيق : عبدالعزيز بن عبدالله بن باز ، بيروت : دار الفكر ، ١٣٧٩ق ، الطبعة الأولى . ٦٢ . الفردوس بمأثور الخطاب ، أبو شجاع شيرويه بن شهردار الديلمي الهمداني (ت ٥٥٩ هـ) ، تحقيق: السعيد بن بسونى زغلول ، بيروت : دارالكتب العلميّه ، الطبعة الأولى ، ١٤٠٦ هـ . ٦٣ . الفقيه = كتاب من لا يحضره الفقيه ، أبو جعفر محمّد بن على بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ، قم : مؤسّسه النشر الإسلامى . ٦٤ . القاموس المحيط ، أبو طاهر مجدالدين محمّد بن يعقوب الفيروزآبادى (ت ٨١٧ هـ) ، بيروت : دارالفكر ، الطبعة الأولى ، ١٤٠٣ هـ . ٦٥ . قرب الإسناد ، أبو العباس عبدالله بن جعفر الحميرى القمي (ت بعد ٣٠٤ هـ) ، تحقيق : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسّسه آل البيت عليهم السلام ، الطبعة الأولى ، ١٤١٣ هـ . ٦٦ . الكافي ، أبو جعفر ثقه الإسلام محمّد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازى (ت ٣٢٩ هـ) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ، طهران : دارالكتب الإسلاميه ، الطبعة الثانيه ، ١٣٨٩ هـ . ٦٧ . كامل الزيارات ، أبو القاسم جعفر بن محمّد بن قولويه (ت ٣٦٧ هـ) ، تحقيق : عبدالحسين الأمينى التبريزى ، النجف الأشرف : المطبعة المرتضويه ، الطبعة الأولى ، ١٣٥٦ هـ . ٦٨ . الكامل فى التاريخ ، أبو الحسن على بن محمّد الشيباني الموصلي المعروف بابن الأثير (ت ٦٣٠ هـ) ، تحقيق : على شيرى ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ . . كتاب من لا يحضره الفقيه = الفقيه . ٦٩ . الكشّاف ، محمود بن عمر الزمخشري (م ٥٣٨ق) ، بيروت : دار المعرفة . ٧٠ . كشف الغمّه فى معرفه الأئمّه ، على بن عيسى الإربليّ (ت ٦٨٧ هـ) ، تصحيح : السيّد هاشم الرسولّى المحلّاتى ، بيروت : دارالكتاب الإسلامى ، الطبعة الأولى ، ١٤٠١ هـ . ٧١ . كشف المحجّه لثمره المهجّه ، أبو القاسم رضى الدين على بن موسى بن طاووس الحسنى (ت ٦٦٤ هـ) ، تحقيق: محمّد الحسون ، قم : مكتب الإعلام الإسلامى ، الطبعة الأولى ، ١٤١٢ هـ .

٧٢. كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام ، جمال الدين أبي منصور الحسن بن يوسف بن علي بن المطهر الحلي المعروف بالعلامة (ت ٧٢٦ هـ) ، تحقيق : علي آل كوثر ، قم : مجمع إحياء الثقافة الإسلاميّة ، الطبعة الأولى ١٤١١ هـ . ٧٣ .

كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال ، علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين الهندي (ت ٩٧٥ هـ) ، تصحيح : صفوه السقا ، بيروت : مكتبة التراث الإسلامي ، الطبعة الأولى ١٣٩٧ هـ . ٧٤ . لسان العرب ، أبو الفضل جمال الدين محمّد بن مكرم بن منظور المصري (ت ٧١١ هـ) ، بيروت : دار صادر ، الطبعة الأولى ، ١٤١٠ هـ . ٧٥ . مئة كلمه للإمام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام ، من مختارات أبي عثمان عمرو بن بحر بن محبوب الكنانيّ المعروف بالجاحظ (ت ٢٥٥ هـ) ، شرح : أبو الثناء أحمد بن محمّد الزيلي السيواسي ، تحقيق : رياض مصطفى عبدالله ، بيروت : دارالحكمة ، الطبعة الأولى ١٤١٦ هـ . ٧٦ . مجمع البحرين ، فخر الدين الطريحي (ت ١٠٨٥ هـ) ، تحقيق : السيد أحمد الحسيني ، طهران : مكتبة نشر الثقافة الإسلاميّة ، الطبعة الثانية ١٤٠٨ هـ .

٧٧ . مجمع البيان في تفسير القرآن ، أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت ٥٤٨ هـ) ، تحقيق : السيد هاشم الرسولي المحلاتي والسيد فضل الله اليزدي الطباطبائي ، بيروت : دار المعرفة ، الطبعة الثانية ، ١٤٠٨ هـ . ٧٨ . المحاسن ، أبو جعفر أحمد بن محمّد بن خالد البرقي (ت ٢٨٠ هـ) ، تحقيق : السيد مهدي الرجائي ، قم : المجمع العالمي لأهل البيت عليهم السلام ، الطبعة الأولى ، ١٤١٣ هـ . ٧٩ . مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ، محمّد باقر بن محمّد تقي المجلسي (ت ١١١١ هـ) ، تحقيق : السيد هاشم الرسولي المحلاتي ، طهران : دارالكتب الإسلاميّة ، الطبعة الأولى ١٤٠٤ هـ . ٨٠ . المزار الكبير ، أبو عبد الله محمّد بن جعفر المشهدي (قرن ٥ هـ) ، تحقيق : جواد القميّومي الإصفهاني ، قم : نشر قيوم ، الطبعة الأولى ، ١٤١٩ هـ . ٨١ . المستدرک علی الصحيحين ، أبو عبد الله محمّد بن عبد الله الحاكم النيسابوري (ت ٤٠٥ هـ) ، تحقيق : مصطفى عبدالقادر عطا ، بيروت : دار الكتب العلميّة ، الطبعة الأولى ، ١٤١١ هـ . ٨٢ . مسند أحمد ، أحمد بن محمّد بن حنبل الشيباني (ت ٢٤١ هـ) ، تحقيق : عبد الله محمّد الدرويش ، بيروت : دار الفكر ، الطبعة الثانية ، ١٤١٤ هـ .

٨٣. مسند أبي داوود الطيالسي ، سليمان بن داوود الجارود البصرى المعروف بأبي داوود الطيالسي (ت ٢٠٤ هـ) ، بيروت : دار المعرفة . ٨٤. مسند الشاميين ، أبو القاسم سليمان بن أحمد بن أيوب اللخمي الطبراني (ت ٣٦٠ هـ) ، تحقيق : حمدى عبدالمجيد السلفى ، بيروت : مؤسسه الرساله ، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ . ٨٥. مسند الشهاب ، أبو عبدالله محمد بن سلامه القضاعي (ت ٤٥٤ هـ) ، تحقيق : حمدى عبدالمجيد السلفى ، بيروت : مؤسسه الرساله ، الطبعة الأولى ، ١٤٠٥ هـ . ٨٦. مشكاه الأنوار فى غرر الأخبار ، أبو الفضل على الطبرسى (ق ٥٧ هـ) ، طهران : دارالكتب الإسلاميه ، الطبعة الأولى ، ١٣٨٥ هـ . ٨٧. المصباح فى الأدعيه والصلوات والزيارات ، تقى الدين إبراهيم بن على بن الحسن العاملى الكفعمى (ت ٩٠٠ هـ) ، تصحيح : الشيخ حسين الأعلمى ، بيروت : مؤسسه الأعلمى للمطبوعات ، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ . ٨٨. مصباح المتهدج ، أبو جعفر محمد بن الحسن بن على بن الحسن الطوسى (ت ٤٦٠ هـ) ، تحقيق : على أصغر مرواريد ، بيروت : مؤسسه فقه الشيعة ، الطبعة الأولى ، ١٤١١ هـ . ٨٩. المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى ، أحمد بن محمد المقرئ الفيومى (ت ٧٧٠ هـ) ، قم : دار الهجره ، الطبعة الثانيه ، ١٤١٤ هـ . ٩٠. المصنّف فى الأحاديث والآثار ، أبو بكر عبدالله بن محمد بن أبى شيبة العبسى الكوفى (ت ٢٣٥ هـ) ، تحقيق : سعيد محمد اللّحام ، بيروت : دار الفكر . ٩١. مطالب السؤل فى مناقب آل الرسول ، كمال الدين محمد بن طلحه الشافعى (ت ٦٥٤ هـ) ، نسخه مخطوطه ، قم : مكتبه آيه الله المرعشى .. ٩٢. معانى الأخبار ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، الطبعة الأولى ، ١٣٦١ هـ . ش . ٩٣. المعجم الأوسط ، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (ت ٣٦٠ هـ) ، تحقيق : طارق بن عوض الله ، وعبدالحسن بن إبراهيم الحسينى ، القايره : دار الحرمين ، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ . ٩٤. المعجم الكبير ، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (ت ٣٦٠ هـ) ، تحقيق : حمدى عبدالمجيد السلفى ، بيروت : دار إحياء التراث العربى ، الطبعة الثانيه ، ١٤٠٤ هـ .

٩٥ . معجم مقاييس اللغة ، أحمد بن فارس الرازي القزويني ، قم : مكتبة الإعلام الإسلامى . ٩٦ . معدن الجواهر ورياضه الخواطر ، أبو الفتح محمّد بن عليّ الكراجكى (ت ٤٤٩ هـ) ، تحقيق : السيّد أحمد الحسيني ، طهران : المكتبة المرتضويه ، الطبعة الثانيه ، ١٣٩٤ هـ . ٩٧ . مكارم الأخلاق ، أبو عليّ الفضل بن الحسن الطبرسى (ت ٥٤٨ هـ) ، تحقيق : علاء آل جعفر ، قم : مؤسسسه النشر الإسلامى ، الطبعة الأولى ، ١٤١٤ هـ . ٩٨ . مناقب آل أبي طالب = مناقب ابن شهر آشوب ، أبو جعفر رشيد الدين محمّد بن عليّ بن شهر آشوب المازندراني (ت ٥٨٨ هـ) ، قم : المطبعة العلميه . ٩٩ . المناقب (المناقب للخوارزمي) ؛ للحافظ الموفق بن أحمد البكرى المكي الحنفى الخوارزمي (٥٦٨ هـ) تحقيق : مالك محمودى ، قم : مؤسسسه النشر الإسلامى ، الطبعة الثانيه ، ١٤١٤ هـ . ١٠٠ . المنجد فى اللغة ، لويس معلوف (معاصر) ، بيروت : دارالمشرق ، الطبعة الأولى ١٩٧٣ م . ١٠١ . مهج الدعوات و منهج العبادات ، أبو القاسم عليّ بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ) ، قم : دارالذخائر ، الطبعة الأولى ، ١٤١١ هـ . ١٠٢ . موارد الظمان إلى زوائد ابن حبان ، نور الدين عليّ بن أبي بكر الهيثمى (ت ٨٠٧ هـ) ، تحقيق : عبدالرزاق حمزه ، بيروت : دار الكتب العلميه . ١٠٣ . نثر الدرّ ، منصور بن حسين أبى (ت ٤٢١ هـ) ، تحقيق : محمّد عليّ قرنه ، مصر : مركز تحقيق التراث ، الطبعة الأولى ، ١٩٨١ م . ١٠٤ . النهايه فى غريب الحديث والأثر ، أبو السعادات مبارك بن مبارك الجزرى المعروف بابن الأثير (ت ٦٠٦ هـ) ، تحقيق : طاهر أحمد الزاوى ، قم : مؤسسسه إسماعيليان ، الطبعة الرابعه ، ١٣٦٧ هـ . ش . ١٠٥ . نهج البلاغه ، ما اختاره أبو الحسن الشريف الرضى محمّد بن الحسين بن موسى الموسوى من كلام الإمام أميرالمؤمنين عليه السلام (ت ٤٠٦ هـ) ، تحقيق : السيّد كاظم المحمّدى ومحمّد الدشتى ، قم : انتشارات الإمام على عليه السلام ، الطبعة الثانيه ، ١٣٦٩ هـ . ١٠٦ . وقعه صفين ، نصر بن مزاحم المنقرى (ت ٢١٢ هـ) ، تحقيق : عبدالسلام محمّد هارون ، قم : مكتبه آيه الله المرعى ، الطبعة الثانيه ، ١٣٨٢ هـ .

ص: ۴۲۸

فهرست تفصیلی .

ص: ۴۲۹

..

ص: ٤٣٠

..

ص: ۴۳۱

..

ص: ۴۳۲

..

ص: ۴۳۳

..

ص: ۴۳۴

..

ص: ۴۳۵

..

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

